جهان اسلام

اقتباس و نگارش

عمادزاده

مقدمه مؤلف

درخلال مطالعات ممتده غیر منقطع خودگاهی محتاج بیك مطالبی میشدم که هرچند بیشتر تفحص میکردم کمتر می یافتم وچون منظور حاصل نمیشد رغبت ومیل بحصول آن تقویت میگردید تابجائی که اندیشه خلجان پیدا میکرد مطالب مجهول را بنیروی استطاعت فکری وعقلی استنباط نموده برشته تألیف ونگارش درمی‌آوردم این فکر هرچه بیشتر بکارمی‌افتاد ودر دریای کتب مختلف وخطوط وسبك ونگارش بامشکلات خواندن آن غوروغواصی بیشتر میشد وبمنظور پیدا کردن مجهولات علمی وتاریخی از معلومات ومسلمیات منظور تألیف ناگفته ها کمك فراوانی میکرد تادر نتیجه برحسب ذوق واستعداد در مدت نیم قرن کتبی که درفهرست آخر کتاب مشاهده میگردد تألیف وطبع ونشر یافت(۱)

در سال ۱۳۷۰ قمری بخواهش برخی‌از دوستان بتألیف‌این کتاب پرداخته ولی دربدایت‌امر مشکلاتی در پیش بود که‌هیچ‌نویسنده فکر مشکلات را نکرده واین‌اندیشه برایش حاصل نمیشود که ممکن است درکار تاچه حد بمشکلات برخورد نماید اما چون شروع بکار کرد وخواست نوشته های خود را براساس تحقیق وتتبع واستنباط وتقوی مبتنی برمدارك ومنابع موثقی قرار دهد متوجه میشود که چه مشکلاتی در پیش است .

آری ترجمه وتألیف آنهم دریك موضوع بکرو بی‌سابقه موجباتی میخواهد که تامهیا وآماده نشود نویسنده از عهده برنخواهد آمد .

---

۱ - یکی ازدوستان را بران داشتم که این اقرار واعتراف هاراجمع آوری نماید تاکنون‌بیش از پانصد نویسنده وفیلسوف وپرفسور وپاپ و اسقف دانشمند عزیز مسلمان باین حقیقت اعتراف واذعان کرده‌اند که تمدن دنیا مدیون ووارث تمدن وعلوم مسلمان است .

نگارنده وقتی بتألیف این کتاب پرداخت که بیش از سی مجلد کتاب تألیف وطبع ونشر نموده بود اندیشه این همه مشکلات جدید را نمیکرد - ولی علاقه وعشق بمطالعه وتحقیق محرك وشوق مؤلف بود که بافقدان وسایل وعدم موجبات کار از تصمیم خود منصرف نشوم .

تألیف ونگارش محتاج بکتابخانه هائی است که در کشور مابدان معنی وجود ندارد باآنکه مثلا در کتابخانه **مراغه چهارصد هزار جلد کتاب** بوده وکتابخانه **اصفهان زمان سلاجقه وصفویه ششصد هزار جلد کتاب** داشته دراسلامبول هشتاد کتابخانه عمومی درمساجد بود که هریك بیش ازده‌هاهزار جلد کتاب داشته آنروزهاچاپ و چاپخانه نبود !!

ولی امروز در سرتاسر کشور ما باکمال تاسف یك کتابخانه صد هزار جلدی وجود ندارد و کتابخانه های عمومی هم آنقدر تشریفات دارد که سبب انصراف مراجعه بدان میگردد - بعلاوه این کتاب که باید از جهان اسلام وصف کند نیازمند بوقوف چندین زبان است که نگارنده نه خود میدانست ونه استطاعت براستخدام چندین مترجم داشت .

همه این مشکلات در یکطرف وتحولات زندگانی عمومی نیم قرن اخیر که دوجنك جهانی در آن رخ داد . ازنظر مضیقه معیشت عمومی وناملایمات محیط - پاره شدن رشته اجتماع ملی ووحدت فکری - تحقیر دانشمندان وتجلیل وتقدیر ازبی خردان وفرومایگان وهزاران مصائب اجتماعی دیگر که بیان آن موجب تالم خواطر خوانندگان میگردد موجبات یاس ونا امیدی را فراهم میساخت.

اما از تعلیم قرآن درباره هرکار و کوشش بمنطوق **فاستعینوا بالصبر والصلوة** استفاده نموده باغریزه نیرومندی که در تحصیل وتحقیق ومطالعه کتب وتتبع واستنباط بلطف الهی پیدا کرده ازباب **فاما بنعمة ربك فحدث** باهمه دشواریها ومشکلات از کتب واطلاعات دوستان واستمداد از سفارتخانه های اسلامی و کتابخانه های ایران وعراق ومصروسوریه ولبنان وهند وپاکستان وافغانستان وترکیه استفاده نموده واز رنج وزحمت مطالعه وتحقیق وجمع آوری آثارابنیه وتمدن وعلوم آنها فارغ ننشسته وبکار خود ادامه دادم .

یکی دیگر از عوامل محرك ومشوق من انحراف نسل جدید ودانشجویان عزیز از دانشگاه حقیقی اسلام بود که از معارف وعلوم وروش پرورش واصول وفروع دین اسلام بی‌خبرمانده وتمام وجهه همت آنها صرف گرفتن مطالب ملل اروپائی وامریکائی گردید این بی‌وقوفی نسل جوان نگارنده را برآن داشت که باین کتاب از نظر علم وفضیلت اسلامی و تاریخ مفصل اسلام وادوار علوم و معارف مسلمین دست‌زده وثابت نمود که مسلمین چه خدماتی بجهان بشریت وعلم وادب وفنون وحرف را زنده کرده نهضتی براساس تحقیق علمی نمود - بطوریکه دانشمندان ملل اروپائی خود اعتراف کرده اند که مدیون اسلام هستند !!

غربیها خودرا وارث علوم وتمدن اسلام میدانند

نگارنده باآنکه خود اعتراف دارد که وجهه همت مصروف گذشته کردن دردی برای آینده مادوا نمیکند ولی نمیتواند ناگفته بگذرد که مسلمین همه چیز داشته تنها انحراف استعماری آنها را از سیادت وبزرگی منحرف کرده وباین روزانداخته است وبرای آنکه پرده های تارك تاریخ را از پیش چشم آنها برداشته عظمت تمدن اسلام را باسرعت نفوذی که داشته وخدمات علمی وفرهنگی مسلمین که بعالم بشریت کرده اند وخود را در تمام امکنه مسکونی کره زمین

بعظمت فکر و اندیشه ونبوغ وقدرت علمی معرفی نمودند برای این طبقه وعموم مسلمین امروز جهان روشن سازم باین وظیفه سنگین بافقدان وسایل ومشکلات طاقت فرسا قیام نمودم .

زحماتی که در راه تالیف وترجمه مندرجات این اوراق تحمل شد . واشکالاتی که در تهیه مطالب این کتاب در پیش بوده که برای تتبع وتحقیق واطلاع روشن است ونیازمند بتشریح نیست نگارش یك کتابی که قلمرو اسلام را برای خوانندگان تشریح کیم مستلزم یك مسافرت طولانی باتمام وسایل وآشنائی بهمه زبانهای زنده جهان است که تاکنون برای کسی کمتر روی داده است کار آسانی نیست ناچار باید در متون کتب وتواریخ ممالك جهان وکلیه مطبوعات وجراید خارجی و استعلام از سفارتخانه های ممالك اسلامی ومطبوعات آنها اطلاعاتی بدست آورد واین عمل تاچه اندازه مشکل ومحتاج بمرور زمان واستمرار در مطالعه وتحقیق است

کسانی که قلم دست گرفته شرح حال پدر خود را مینویسند یایك صفحه از زندگانی خودرا ثبت کند تایك موضوعی را تحقیق نماید میداند تاچه اندازه تألیف این کتاب مشکل وطاقت فرسا میباشد .

نگارنده خود معترف است که این کتاب در حال حاضر چه نقیصهٔ دارد ولیکن حقیقت این است که بادر نظر گرفتن موضوع کتاب وامتناع استقصا بیش از امکان واضح شود واگر هم قرار شود بتمام کتب تاریخ وجغرافیای ممالك روی زمین مراجعه شود تامطلوب حاصل گردد برفرض آنکه هر کشوری تاریخ وجغرافیای خود را هرسال تجدید نموده باشد تاچند حدودو زمان برای مطالعه آن کتب لازم است که بهدف رسیم .

نگارش این کتاب برای نویسنده حکم تصور یك نقشهٔ را دارد که مهندس اول در ذهن ترسیم میکند وپس از آن روی کاغذ می برد وتا باطول مدت درخارج بصورت یك بنای زیبائی در آید همه این مطالعات مقدمه حسن تنظیم مهندس یك کشوراسلامی است تمام روی کره زمین را بگیردچنانچه در حدیث نبوی از پیغمبر اکرم ص روایت شده که فرموده .

سیفتح علیکم الآفاق ... بزودی آفاق وهمه اراضی مسکونی زمین برای شما فتح میگردد تاعالم اسلام واسلام را در جهان بمردم معرفی نمایند .

مشکلاتی که درکار تألیف این کتاب بود برای خوانندگان ناچارم برخی را موردبحث قرارداده تانسل آینده شاید بهتر وخوب تر تحقیق کند وبتکمیل این تألیف بپردازد .

در خلال مطالعاتی که داشتم سالها افکارم متوجه سرعت نفوذ اسلام در جامعه پهناور بشریت بوده وهمواره فکر خود را در بدست آوردن اوضاع عمومی زندگی ملل مختلف جهان بکار برده ودر این راه خلجان میکرد که آیا چگونه این حقیقت را میتوان دریافت .

وضع مسلمین را در صدر اسلام **یاقرون وسطی میتوان از متون کتب مختلف تاریخ مانند فتوح وتقاویم ومؤلفات ابن اثیر - ابن خلدون - ابن خلکان - مقریزی - سیوطی - ابن خرداذبه - یاقوت - اصطخری - کتب ادب ابوالفرج اصفهانی - ابونعیم اصفهانی عقد الفرید ابن عبد ربه - وکتب تفاسیر و احادیث وغیره اوضاع اجتماعی و تطورات** تاریخی و تحولات ملی و نژادی مسلمین جهان را میتوان بدست آورد ولی برای وضع حاضر بااین پیش آمد دوجنگی که ازسال ۱۹۱۴ تاسال ۱۹۱۸ واز سال ۱۹۴۲ تاسال ۱۹۴۵

در جهان بشریت رخ داده تحولی عظیم در وضع عمومی مسلمین پیدا شد که مهمتر از همه تلاشی امپراطوری عثمانی بوده وعظمت اسلام در نظر جهانیان وارتباط کامل بشر باهم ووقوف مردم جهان براوضاع تاریخی وجغرافیائی بشریت - واختراع طیاره ووسایل حمل ونقل ومهمتر ازهمه اختراع رادیو که بهترین رابطه بین ممالك بشری بوده که میتوانست کتب کتابخانه های جهان را بهم معرفی نماید ولی متأسفانه از رادیو درجهان استفاده علمی وتعلیم وتربیتی نشده ونمیشود .

این ها همه موجباتی بوده که نهضتی عظیم برای بشر بوجود آورد ومسلمین نیز از این جنبش حداکثر استفاده را کردند ومیتوان از روی مطالعه وتحقیق گفت دراین نیم قرن اخیر تحقیقاً صد ملیون بر مسلمین جهان افزون گشته است وتا حدی وضع مسلمانان در برخی از ممالك روشن شد .

نگارنده برای بدست آوردن احصائیه ملل مسلمان از نژاد های مختلف بشری وآمار صحیح از جمعیت های ممالك اسلامی که بااختلافات فاحشی نقل شده ناچار شدم جغرافیای ممالك را از نظروسعت خاك وجمعیت وتعداد مسلمانان وآثار ومآثر آنها درنظر گرفته وروی حساب نسبتاًصحیحتری که مورد اعتماد است بدست دهم واین زحمت را بانقل وانتقال قاره های کره زمین واینکه هرقاره چند کشور و چند شهر دارد وهر شهری چقدر جمعیت دارد و باچه شرایطی زیست میکنند همه را نقل نمایم .

نویسنده این کتاب را براساس آموزش متین اسلام وتعلیمات قرآن گذاشته جنبش دینی ونهضت علمی وجهانگیری وفتوحات مسلمین وتمدن وسیاست اسلام وآثار و مأثر مسلمانان در آسیا - افریقا اروپا اقیانوسیه امریکا وابنیه وقصور ومساجد ومدارس وشاهیر بزرگی که از مسلمین در دنیا باقی است مورد بحث وتحقیق قرار داده ودر باره علوم اسلامی و کتب مسلمین که کتابخانه های اروپا را پر کرده وتعداد آن در هر کشور از یك تا ٤ ملیون میگذرد اذهان خوانندگان را روشن نموده - تعداد مسلمین جهان را در کشورهای - ایران - عراق - حجاز - سوریه - لبنان - اردن هاشمی - افغانستان - ترکیه مصر - مراکش - لیبی - طرابلس - حبشه - یمن - افریقای جنوبی - روسیه - ژاپن - چین - ممالك بالکان - فرانسه - آلمان - انگلستان ایتالیا - سویس . وامریکاء - جزایر اقیانوسیه وسایر ممالك اسلامی با اوضاع فعلی وآثار ومساجد ومدارس ومقام علمی آنها برای مسلمین روشن سازم وسلاطین کنونی ممالك اسلامی را بااهمیت سیاسی ومقام اجتماعی واوضاع داخلی ومقدار ومساحت کشور هریك را باجمعیت هر مملکت وسطح فرهنك و معارف وخدمات آنها بجامعه بشریت باطلاع عموم مسلمانان میرسانیم تابدانند تعداد مسلمین در چهمقداراز زمینهای روی کره مسکن عمومی ملل اسلامی است و مسلمانان دنیا چه مقامی را احراز کرده و در چه حال هستند وطریقه اتحاد واتفاق را که مورد اعتراف وتصدیق همه فلاسفه دنیا باشد بنگارم ونغمه اتحاد ملل اسلامی را براساس متین وقابل بقاء ودوام روشن وتقدیم خوانندگان نمایم .

وهدف خود را که نشر معارف اسلام است وآن ضامن سعادت وسیادت وموفقیت وکامکاری بشر میگردد برجهانیان عرضه نموده افکار را برای حل وهضم علوم اسلامی که باراقی ترین عقول بشری همه روش است بمیان نهاده ودیگران را شرکت در این ذخیره آسمانی دهم .

مشکل دیگر تهیه **عکس های مساجد ومدارس وابنیه تاریخی مهم اسلامی و نقشه کشورها وعکس وضع حاضرمسلمین است در حال نماز ودرس خواندن وفعالیت های اجتماعی** که شکی نیست تهیه این همه عکس از وضع حاضر مسلمانان تاچه اندازه مشکل است وعشق وعلاقه مؤلف تحمل هر گونه مخرج ورنجی را برخود استوار نموده تاتوانسته از اکثرمساجد ومدارس وسلاطین ورجال ودانشمندان و کتابخانه ها وغیره عکس بدست آورده از نظر خوانندگان عزیز بگذراند واین مشکلات را برای این متذکر گردیدم که خوانندگان عزیز بدانند کتابی که از نظر آنها میگذرد باچه اندازه مشقت وزحمت تألیف ونگارش یافته است .

جهان اسلام

اسلام در جهان

یاتاریخ جغرافیائی ممالك اسلامی یاجغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی منظور از این کتاب نشان دادن سیرتاریخی اسلام است که در جهان بشریت چگونه طلوع کرده ونشو ونما یافته و بکجا رسیده و کشور هائی که مسلمین گرفته وتمدنی که آنها بجا گذاشتند وتاریخی که درسیر عالم وجود بخود اختصاص دادند تاچه حدو چه پایه بوده است این تاریخ جغرافیائی یااین جغرافیای تاریخی که بنام جهان اسلام واسلام در جهان نام گذارده‌ایم شرح اوضاع واحوال مسلمین را باعلوم ومعارف اسلام که در سایه قرآن نشو و ارتقا یافته از نظر خوانندگان عزیز میگذراند پذیرش آن بسته بذوق وسلیقه خوانندگان است .

تاچه قبول افتد وچه در نظر آید

تاریخ

کلمه تاریخ عربی است وشاید از فارسی آن که تاریك است گرفته شده باشدوچون تاریخ همین کلمه هم‌تاریك است‌نمیدانیم اولین کسی که تاریخ نوشت از کدام قوم وملتی بوده است ولی آنچه مسلم است تاریخ از عرب وتاریك از عجم است وچون راه‌راروشن میکند تاریخ گفته‌اندو معنی لغوی تاریخ برمفهوم‌حوادث مجموع روز وهفته وماه‌وسال اطلاق میشود ودر اصطلاح آئینه سرتا پانمای تجارب گذشته گان در شؤن مختلف زندگی انسانی است تاریخ سرگذشتهای مختلف نشان میدهد وتاریکی های گذشته را برای آینده گان روشن میسازد.

جغرافیا

این کلمه از اصل **ژؤ گرافی** لاتینی اتخاذ شده ودر اصطلاح عربی معارف بمسالك وممالك ووقوف باوضاع واحوال زمین از طبیعی وسیاسی واجتماعی وآب وهوا ومحصول ومعادن ومکاسب و متاجر و غیره است وچون ما در این کتاب جغرافیای تاریخی کشور های اسلامی را شرح میدهیم ازتاریخ فتح وتحولات سیاسی واجتماعی ورجال علم وفرهنك وتعداد جمعیت وآثار تمدن که مساجد ومدارس در رأس آن قرار گرفته بحث میکنیم وتاریکی های این وضع را روشن میسازیم وامیداست بتوانیم سررشته را بدست ارباب علاقه سپرده ونقیصه این بحث را تکمیل نمایند .

منطقه نفوذ مسلمین

دانش مسلمین از آندونزی پیش رفته ازشمال بسپریه و از جنوب بزنگبار بردند ـ هرکسی میرفته فتح و ظفر برآنها مسلم بود اما مذهب را بلافاصله تغییرنمیدادنددرتغییر مذهب روشهای مختلف بکاررفته ـ در خود عربستان هنوزپیغمبر خدا زنده بود که تمام آنشبه‌جزیره مسلمان شدند مصر وشام که مسیحی بودند دشمنان کینه توز روم شرقی بتدریج اما بطیب خاطر

دین اسلام را پذیرفتند ـ طوایف دیگر مسیحی مانند طایفه رومانی وقبطی مدتها بدین خود باقی ماندند وزردشتی های ایران نیز از ارفاق فرماندهان عرب در امان ماندند وپس از قرنها متدرجاً همه مسلمان شدند جزاندکی که بسیار ناچیزند بربریان افریقای شمالی ومسیحیان اسپانیا و کلیمیان آن دو منطقه مختار بودند که مسلمان شوند یادر کیش خود بمانند اما اکثریت آنها جز عدهٔ معدود که لجوج وعنود بودند مابقی باسلام گرویدند اهالی ماوراءالنهر وترکستان باآنکه مکرراز دین دست کشیدند بدین سابق خود بازگشته ولی نسل جدید همه مسلمان شدندقبایل ترکستان شمالی این دین را بعد از قرن سیزدهم هجری پذیرفتند .

مسلمانان هندوستان با کمال میل اسلام راپذیرفتند ـ واسلام بنیروی خود وقدرت وقوت علمی واخلاقی درهند جاگرفت ومردم آنسرزمین‌را تمایل باسلام نموده واین طریق بهترین راه نفوذ اسلام بوده که تاکنون بیش از پنجاه ملیون طبق آمار خودشان مسلمان شده اند .

در افریقای مرکزی هم این روش معمول گردید وبه دین اسلام بنرمی وملایمت خود بخوددر آنجا جاگرفت ودرافریقای خاوری وچین عده معدودی مسلمان شدندومدتی طول کشیده‌تابرکارهای عمومی‌سیطره ونفوذ یافتند .

اندونزی که جمعیت مسلمانان آنجا پس از پاکستان از همه جا بیشتر است در پرتوتبلیغات تجارتی نفوذ یافت و مردم باسلام گرویدند .

مردم شبه جزیره بالا وقسمت عمده افریقای مرکزی خاوروباختر افریقاء در قرن ۱۲ هجری که خرید وفروش برده الغاء شد مردم همه باسلام گرویدند وچون مسلمان نباید مسلمان دیگری را برده خود سازد از مسلمان شدن بت‌پرستان که برده‌گی خرید وفروش میشدند جلوگیری کرده بودند در افریقای جنوبی مزدوران مالایائی وهندی اهل آنجا را بدین اسلام آشنا کردند .ترکان عثمانی ضمن فتوحاتی که در بالکان ومجارستان کردندبرای انتشاراسلامی سعی‌کافی مبذول نداشتند وتنها سرزمینی که دین اسلام را پذیرفت آلبانی وبوسنه **ودویرجه** ومقدونیه شمالی و ترکیه بوده گذشته از قفقاز بااینکه درخاك روسیه دسته های کوچکی مسلمان پراکنده هستند دیگر اثر در آنجا از حکمرانی تاتار های مسلمان باقی نمانده است .

مسلمانان اسپانیا در زیر فشار دستگاه تفتیش عقاید یابکیش سابق خود مسیحیت بازگشتند یامجبور بجلاء وطن شدند در شهر های امریکای شمالی وجنوبی وجزایر هند غربی وژاپن وجزائر **هاوانی** اخیراً دستجاتی از مسلمانان توطن اختیار کردند .

ولی تقریباً تمام مسلمانان که تخمیناً یك هفتم کل نفوس جهان را تشکیل میدهند وحداکثر توالد وتناسل را دارا هستند در آسیا وآفریقا واروپای جنوبی ساکن میباشندبنابراین اسلام‌ازشبه ـ جزیره عربستان طلوع کرده واز شمال وجنوب وشرق وغرب پیش رفت تابیش از نیمی کره راگرفت و۴۶ کشور پهناور در منطقه نفوذ مسلمین اداره میشد وبرتمام آبهای پهناور جهان حکومت یافت قریب هزار ملیون از مردم دنیا در زیر سیطره حکومت اسلامی اداره میشدند .

این تألیف ناچیز چون بی‌سابقه وراستی میوه تحقیق‌وتتبع سی سال مطالعه ویاد داشت است باهمه نواقص مقدمهٔ برای‌علاقمندان‌علم وصاحبان‌همت بلند ومؤلفین‌عالیقدر اسلامی‌است که‌درهر کجای قلمرو اسلام هستند این ذریعه را بنای کار خود قرار داده روی این شالوده اطلاعات بسیطه فراهم و مکمل عمل‌ناقص این بنده قراردهند ـ وتاریخ تحولات نفوذ تمدن اسلام را درسرتاسر جهان بشریت

تکمیل وتشریح کرده بدست ملل اسلام بسپارند ومخصوصاً روش پرورش اسلام را که مقرون بسعادت است نشر دهد .

نمیتوان گفت که این تالیف ناچیز میتواند منبع اطلاع مؤلفین فاضل متبحر قرار گیرد زیرا این ارزش را ندارد ولی میتوان گفت که این اثر ناچیز میتواند محرك وراهنمای اندیشه های عالی ارباب فضیلت قرار گرفته تا کتبی در این باره تألیف وتصنیف فرمایند ودر نتیجه مسلمین جهان را در شرق و غرب وشمال وجنوب ـ صحرا ودریا ـ وجزیره ـ همه را بهم‌مربوط و معرفی کرده واز اوضاع عمومی زبان وخط ومذهب وسیروسلوك هر ملل وقومی آگاه نمایند .

هرگز نمیگویم این تألیف ابتکاری بوده که توفیق نگارش آن نصیب این بنده شده است‌اما ناگفته هم نمیتوان گذشت که این اوراق نتیجه مطالعه وتحقیق وتتبع واستنباط ونگارش وتعلیم وتعلم است واین‌غریزه در تمام مدت عمر بکاربوده وهیچ گاه تعطیل نشده بحال‌وقفه نمانده وآنچه بیشتر نویسنده را برنگارش کتب دینی مقدم داشت این بوده که راه نیل بکمال‌را در این جهان آشفته منحصر بتعالیم عالیه ائمه دین‌واجرای قوانین قرآن مجید دانسته بگفته فلاسفه شرق وغرب جهان قرآن راکاملترین قوانین اجتماع بشری‌میشناخته وائمه اطهارعلیهم صلوات الله‌اجمعین را فاضلترین پیشوایان ومفسرین وعاملین وراهنمایان بقرآن دانسته وعقیده برآن است که باید حقیقت کمال مطلوب را در خلال زندگی آنها که از عمل بقرآن تفکیك نداشته اند جستجو کرد .

بااعتراف باین حقیقت غیر قابل انکار پیدا کردن راه حقیقت را از متون احادیث و کتب اخبار نبوی باید جست وتحولات تمدن ملل اسلامی را باید در خلال وضع واجرای احکام اسلام در میان آنها تشخیص داده واین کتاب هم بدین منظور تالیف ونگارش یافت امید است در پیشگاه ارباب خرد ودانش مورد قبول افتد وهرجا هرنقیصه بنظرشان رسید بنشانی نویسنده فوری مرقوم فرمایند تارفع نقیصه آن بشود ـ من‌الله التوفیق وعلیه التکلان ـ

بسم‌الله الرحمن الرحیم

عظمت اسلام و رشد علمی مسلمین

اقراء باسم ربك الذی خلق ـ خلق الانسان من علق ـ اقراء وربك الاکرم ـ الذی‌علم بالقلم علم الانسان مالم یعلم ..

ای محمد (ص) بخوان بنام پروردگارت که آفرید « همه جهانرا » وآفریدانسان را ازخون بسته بخوان که پروردگارت‌اکرم‌است. آن پروردگاری که‌نوشتن وخواندن راآموخت وآموخت بانسان آنچه‌را که‌نمیدانست

خلقت وآفرینش از خدای آفریننده دانای توانا از نوشتن وخواندن شروع شد واین موهبت عظمی نشان میدهد که خلقت انسان از خون بسته برای فرا گرفتن خواندن ونوشتن بود تابتمام علوم ومعارف دین واسرار ورموز آفرینش واقف گردد وباسیر مراحل تکاملی ازجماد ونبات وحیوان وانسان بگذرد صفوف فرشته گان راهم طی کند تابسرحد کمال وآنچه اندر وهم ناید برسد.

بنابراین علت‌غائی خلقت علم‌وفضیلت بود چنانچه خود پیغمبرص فرموده **بعثت لاتمم مکارم الاخلاق** ـ سیرتکاملی اخلاق اززمان نبوت‌آدم‌شروع تاخاتم‌النبیین تتمیم وتکمیل گردید.

طلب العلم فریضة علی کل «مسلم و مسلمة»

بهمین جهات بود که پیشوای اسلام طلب علم و تحصیل دانش را برهر مسلمان خواه زن یامرد عرب یاعجم (مراد ازعجم غیراز عرب است) شرقی یاغربی وسیاه یاسفید درهر نژاد وهررنگ و هرلهجه و زبان بود چون مسلمان شد واجب است آموزش و پرورش اسلام را فرا گیرد وشکی نیست دراین تعلیم وتربیت که ازفرایض شمرده شده وصدها حدیث دیگر درتشویق وترغیب آن فرمود تمام نیازمندی بشر از **ذره تا دره** ملحوظ گردیده ودر این نشئه عالم طبع که سرراه عالم آخرت ومجردات است آنچه لازمه وسیله کمال وزیب وزینت جمال انسانیت بود آموخته‌اند سطح فکر واندیشه رابالابرده افق دانش و بینش در کمال روشنائی قرار گرفته ابهام و اکراهی درکار نیست تا قافله بشری از کتم عدم بعرصه ظهور وبروز برسد واین طرق سهل وممتنع را بادستور دین اسلام که سهل است می‌پیمایند ورو بکمال مطلوب میروند لحظه‌ای سکوت و آرامش ندارد دائماً در حرکت جوهری و عرضی پیش میروند تا شاید مقصود را در آغوش گیرند،

العلم علمان علم الابدان وعلم الادیان

احادیث نبوی لحن آسمانی و وحی الهی است ودر این بیان حق کلیه جهات علمی وفنی واسرار ورموز علم الاجتماع وروح الاجتماع مورد توجه قرار گرفته است و این که پیغمبر علم را منحصر کرد باالف ولام بدو علم درآن نکات و اسراری نهفته است. حکیم نظامی ترجمه کرده گوید.

گفت پیغمبر که علم علمان علم الابدان وعلم الادیان
درنفس دوعلم بوی طبیب است آن هردو فقیه یا طبیب است
میباش طبیب عیسوی هش اما نه طبیب آدمی کش
میباش فقیه طاعت اندوز اما نه فقیه حیلت آموز

علوم عالم بشریت درلسان شرع منحصر بدوعلم اساسی شناخته شده که علم‌دین وعلم بدنست و تمام علوم دیگر منشعب و متفرع این دو علم است و اثبات این حقیقت در این اوراق روشن شده است.

حکماء و فلاسفه قبل‌از اسلام هم‌این معنی را توجه داشته نهایت بلفظ مصطلح عصر خود که حکمت است مبداءاساسی قرارداده وتقسیم کرده‌اند چنانچه در علوم فلسفی و تاریخ فلسفه اثبات نموده‌ایم آنها گویند مراد ازعلم وحکمت یافلسفه رسیدن بحقایق اشیاء است وموضوع این علم اگر بماده ومدت باشد طبیعی‌است واگر بین‌ماده وتصور باشد ریاضی است واگر نه‌ماده ونه‌مدت داشته باشد وفقط بتصور وتعقل درک‌شده حکمت الهی گویند.

علم‌هم بهمین تقسیم یامربوط باصلاح وتهذیب مزاج است آنرا علم‌طبیعی وعلم ابدان خوانند که شامل تمام ابدان، ازمبداء تامنتهای آفرینش است یاعلم اصلاح وتهذیب روح است که آنرا علم‌دین گویند وشامل همه‌ادیان است.

فهم قرآن مستلزم دانستن چندین رشته ازعلوم است

قرآن که آخرین کتاب آسمانی است شامل هر دو علم است همدستورات حفظصحت مزاج وترکیبی وعنصری راداده وهمتعلیم روش پرورش روحانی راکه ذی‌المقدمه است داده پس‌علوم عالم بدون تردید باین دوعلم اساسی تقسیم‌شده **علم‌دین وعلم‌طب** آنهم برای همیشه وهمه‌ادیان وبرای همهٔامکنه وازمنه وهمهٔابدان‌است زیرارعایت تناسب‌وتأثیرهرآب وهوا ومحیط وماکول و مشروب منطقه را نموده وعلوم دیگر نبات شناسی وحیوان شناسی وانسان شناسی همه‌متضمن علوم‌ابدان است وعلم ادب و منطق وحکمت در تضمین علم ادیان است وفهم قرآن هم‌مبتنی و مستلزم دانستن چندین رشته از علوم است چنانچه توصیف و تشریح‌خواهدشد.

لا تؤدبوا اولادکم باخلاقکم انهم خلقو لغیر زمانکم

از گفتارحضرت علی‌بن‌ابیطالب ع

در این بیان مستدل مولای متقیان کـه می‌فرماید اولا: خود را بعادات و آداب زمان خود تربیت نکنید زیرا آنها برای‌محیط دیگری پس‌از شما خلق شده‌اند و شاید آنروز آداب وعادات دیگری ظهور وبروز کند که آداب عصرشما باآن سازش نداشته باشد والبته این‌تأدیب غیراز آداب دینی است کـه باید درتمام مسلمانان یکنواخت بوده و وحدت اخلاقی پیدا کنند ودر این تعلیم وتربیت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب ع مکتبی‌خاص دارد که مافوق تمام‌مکتب های تربیتی عالم‌بشریت است واین کلمه همتراوش فوق افق آموزش وپرورش عمومی میباشد ولذا فرموده تـربیت اخلاق وآداب اولاد واخلاف ونسل آینده شماباید منطبق بااخلاق عمومی آنعصر ومحیط گردد این‌لطیفه رایکی از شعرای حساس و خوش‌سلیقه باذوق سلیم‌خود ترجمه کرده گفت:

طبعی بهم رسان که بسازی بعالمی یاهمتی که ازسر عالم توان گذشت

واین حقیقت غیراز اصول عقاید و معتقدات ثابت صحیح است که باید ارکان آن آهنین باشد ودرهیچ محیط وعصر وزمانی تحت‌تأثیر زمان ومکان ومقام ومنصب واقع نمیگردد - چه‌مرد باید دردین ثابت‌قدم باشد چنانچه خدای عالم بپیغمبرش فرمود **فاستقم کما امرت** اما اخلاق عمومی اجتماعی باید بنحوی باشد که بتواند باهمه سازش کند ودر همه اثر بخشد اماتحت تأثیر کسی قرار نگیرد

بیان مطلب

در این حـدیث شریف که پیغمبر ص فرمـوده علم دو علم است یکی **علم ابدان ودیگر علم ادیان** لطایف ودقایقی است که هر کس متوجه نمیگردد بهترین تعریف تقسیم‌علم آنست **که جامع و مانع باشد** همین است وعلم بدن نفرمود بلکه **علم ابدان** بجمع گفت که شامل تمام ابدان باشد و ابدان ملازم بازندگی دارد واین ابدان برای موجودیت خود باید همه چیز داشته باشد زندگانی يك بدن و يکنفر مستلزم کار وفعـالیت ششصد تـا ششهزار نفر است کـه يك شخص نتواند زندگانی متمدنی داشته باشد زیرا آدمی مدنی بالطبع است وتنها نمیتواند زیست کند زندگانی اجتماعی هم نیازمند بهمه عوامل واسباب حیات است که باید از همه علوم‌وفنون در ایجاد آن استفاده کرد بنا بر این **علم ابدان** که فرموده یعنی تمام علوم مادی نشئهٔ طبع جهان واین دقیقه لطیفی است که علم ابدان را مقدم براديان داشت زیرا تابدن وزندگی وسلامتی وامنیت وصمیمیت ورفاء وارتقاء وصلح اجتماعی نباشد دین نمیتواند جای خود را باز کند بهمین جهت در حدیث دیگر فرموده **من لامعاش له لامعاد له** کسی که معیشت او برقرار نیست معاداو

که از ارکان اصول‌عقیده‌وحاصل مبداء ایمان اومیباشد متزلزل است ومعیشت بارهمه چیز میخواهد چنانچه بوذرجمهر حکیم هم گفته بود **همه چیز را همه کس دارد** وهمه این علوم وفنون دنیا مال همه افراد آدمیان است که حاصل همه چیز معیشت همه کس است وتامعیشت وزندگی مصونیت نداشته باشد دین تأثیر خود را نمی بخشد زیرا شرط تقوی شکم سیر وخیال راحت وآسایش وآرامش فکر است چنانچه سلمان فارسی گفته اگر معیشت مختل باشد اندیشه وعقیده هم ناراحت است سعدی گفته .

باگرسنگی قوت پرهیز نماند افلاس عنان ازکف تقوی بستاند

بنابراین علم ابدان یعنی همه عوامل معیشت که بدست همه کسی میباشد وباید همه کار کنند تایك تن ویك بدن بسلامت باشد لطیفه ملیحه این حدیث این است که بدن را بجمع آورد ابدان فرموده که همه کس همه چیز را لازم دارد وهمه چیز در همه علوم وفنون است .

پس علم ابدان منحصر بطب ودستور علاج نیست علم ابدان علم تمام موجبات زندگانی از تولید ومصرف است ابدان در سایه علوم ریاضی وطبیعی وادبی وفلکی ونحومی وهیئت واخلاق وفضیلت ودیانت زنده وپایدار است .

ولذا نگارنده معتقد است پیشوای اسلام وشارع مقدس دین بتمام علوم عالم بشریت توجه داشته وقرآن تمام علوم را ازنظر طریقیت بتوحید که بزرگترین هدف پیغمبران بوده تدریس ضمنی وتصدیق تلویحی فرموده است باید عالم بابدان عالم بتمام علوم باشد ولذا اطبای قدیم یونان و روم وایران وهند را حکیم میگفتند وحکیم که امروز فیلسوف مینامند کسی است که‌دارای تمام علوم وفنون باشد واطبای اسلام دارای اطلاعات‌کافی در تمام علوم بوده‌اند .

ابوعلی سینا وابوبکر زکریای رازی وخواجهٔ نصیرالدین طوسی ومحمد نصیر اصفهانی سید احمد هاتف اصفهانی وحتی در اواخرمعاصر ما مرحوم‌میرزا ابوالقاسم افلاطون اصفهانی ومعتضدالاطبای تهرانی‌واکثراطبای جهان مانند افلاطون وبقراط وغیره همه علوم ابدان را میدانستند

اما علم‌ادیان فرمودہ. نه علم دین‌زیرا تکامل‌روحی‌وتهذیب‌نفسانی‌بشر بوسیله ادیان‌اسمانی که از سنت‌ربوبی‌است وباخلقت‌بشرهمدوش‌بوده صورت گرفته که‌اول آنها آدم‌وآخر آنها حضرت‌محمدص‌خاتم‌النبیین بوده است وآنچه که پیغمبر اسلام ازعلم وصنعت وفن وهنر برای نتیجه نهائی تأثیردین ومذهب لازم بوده اشارتاً و تلویحاً از قصص گذشته‌گان وسیرتطور وتکامل ونشو وارتقاءآنها و حساسترین نکات تدریس انبیاء سلف‌را بجامعه‌بشر وآموختن فنون علم وهنر یاد فرموده که :

آبادانی‌مسکن‌رااز آدم وپختن‌ودوختن‌رااز‌شیث کشتی‌ساختن ودریانوردی را از نوح‌ویونس- استخدام‌قوای نامرئی‌وازوحوش وطیوررا ازسلیمان واستدلال والمنطق تجربی‌را برای استکمال‌ازابراهیم وتطوررقاء علمی‌وعقلی‌رااز‌پیغمبران سلف یادفرمود

وفهم‌این قرآن‌بازمستلزم دانستن علوم‌دیگر است که درمقدمه این حدیث اشاره بعلم الابدان فرموده تاتأمین معیشت وزندگی آدمی‌را بنماید چنانچه درفهم مسائل طهارت مستلزم شناختن آب وحفر قنوات وتنقیه چاهها وبیرون آوردن آب است واستفاده از آن وفهم اوقات نماز و شناختن قبله مستلزم دانستن تاریخ وجغرافیا وهیئت ونجوم است.

بایدحساب وهندسه بدانند تاطول وعرض جغرافیائی وبالاخره قبله‌را خوب بشناسند بایداختر شناس داشته باشد که دربیابانی مانند وقبله‌نما وجمعیتی نبود بتوانند ازستاره‌ها ویاازگیاهها شرق وغرب وبالاخره قبله‌را دریابند.

مخصوصاً درفهم مسائل‌ارث وفرایض خمس وزکوة ونصاب آن وحساب تصاعدی نصاب زکوة بایدبنیروی حساب واعداد واعمال اصلیه وتناسب وجذروکعب ومعادلات این‌مسائل ریاضی درك‌شود واجرا گردد

اگرکسی هندسه خواند ازخانه مسکونی خود وطرق وشوارع وعبورومرور وبالاخره ازحسن انتظام عالم که بمنظومهٔ شمسی کمال‌یافته بی‌خبر نیست.

بدون علم‌حساب اصول معاملات واقتصاد وبازرگانی واحصائیه اجتماع ونیاز آنها وتولید و مصرف مختل خواهد ماند.

باید ناگزیر ادبیات زبان‌خود وعربی‌را بدانند تاازتعالیم عالیه قرآن واصول توحید ونبوت عامه‌وخاصه ودقایق آن استفاده کند.

این لطایف درقرآن باشاره ملیحی جلب‌توجه مسلمین ودانشمندان رانمود مثلادرباره اعتقاد بتأثیرفرعی وواسطی نجوم‌وفواید هیئت میفرماید:

فنظر نظرة فی النجوم فقال انی سقیم-وعلامات وبالنجم‌هم یهتدون که‌ستاره‌گان‌باوضع و محاذات خود علامات ونصبی‌برای ارشاد وهدایت بشر میباشد ودرآیه شریفه **وفی اختلاف اللیل و النهار آیات لاولی الالباب** جلب توجه خردمندان وعلمارا نمود وآنها را بگردش منظومه ها و پیدایش شب‌وروز رهبری فرموده است ودرآیه کریمه **وفی انفسکم افلا تبصرون** جلب بصیرت و بینائی دلرا درنفوس خودکه عالم صغیر است کرده تابعلم تشریح وحفظ بهداشت و عظمت آفرینش هیکل‌انسان‌توجه‌شود ولطایف ودقایق خلقت‌را دراین‌پیکر عنصری دریابد .

وعلوم طبیعی که برای این‌معرفت بوجود آمده همه‌درسایه خودشناسی وخویشتن شناسی است وازمجموع این‌علوم علم‌ادیان بدست میآید که سرحلقه اصول انتظام وارتقاء وتکامل نفس‌است که اگر انسان به‌احکام شریعت که برای آرامش فکروآسایش زندگی وتأمین معیشت واصلاح دراصطلاك‌بین منافع مادی ومعنوی بشر درزندگی رخ میدهد وضع شده عمل نکنند امور اجتماع به‌نزاع وهرج ـ مرج وفساد میکشد .

قرآن‌مجید تعلیمات عالیه‌را برای اصلاح مفاسد اخلاقی وتکمیل مدارج‌علمی مسلمین‌فرموده است مثلادر روانشناسی وحفظ‌انتظام اجتماع فرمود **و لکم فی القصاص حیوة یااولی الالباب** لطیفهٔ است که شئون ونفوس اجتماع مصون‌بماند وبرای حفظ عواطف متبادله اخلاقی میفرماید : **لن تنالو البر حتی تنفقوا مما تحبون** که روح مساوات ومواسات وبرادری واخوت راتعلیم میفرماید وازکلمهٔ شریفه **کلوا من طیبات مارزقناهم** وازکلمه **ممارزقناهم ینفقون** وروش ائمهٔ دین‌از بهترین غذای خود ببرادران مستمند وبینوا اطعام میکردند.

مثلا تلگراف ازمخترعات اروپانیست زیرا ما درباره جام جم جمشیدمیخوانیم که‌باداشتن آن‌جام بهمه‌جا واقف‌میشدواز کلام‌ابوعلی‌سیناوخواجه نصیرالدین طوسی درشرح برمقامات‌العارفین شیخ الرئیس که میگوید شیخ در قصه سلامان و ابسال که از شاهکار های روانشناسی و فلسفی است مینویسد :

وكان للملك آلة يطلع بهاعلى الاقاليم ويتصرف فى اهاليها كه سلاطين بزرك براقاليم وشهرهاى متصرفى خود بدانوسيله مطلع وواقف ميشدند وتصرف وفرمان درباره آنها صادرميكردند كه بهمين صنعت امروزى بى‌سيم شبيه‌بوده است واين بيان راسخ در قرن چهارم فرمود وخواجه در قرن‌هفتم تأييد كرده درحالى كه هردوازبزرگان بشرمحسوب ميشوند،

وباز كشف امريكابراى اروپائيان تازگى‌داشته دراخباراسلام سابقه‌دارد كه اسكندر ذوالقرنين بنقل عجايب‌المخلوقات باين‌قطعه واقف‌بوده و گفته‌اند قطعه‌ديگرى غيراز اروپا وآسيا و افريقا بايد باشد - وباعلم هيئت وجغرافيا توضيح و تشريح نموده‌اند كه ملل اروپائى باسابقه اين علوم ازآن استفاده كردند.

باتطبيق‌علوم‌ابدان وعالم‌صغير ياعالم كبير هزارهانكات‌ودقايق لطيفى كه درارتباط عروق‌وشرائين ولوله كشى بدن وطبقات مكشوفه وغيرمكشوفه وهزاران لطايف ديگر كه در تفسير طنطاوى ذكرشده علوم ابدان كاشف علوم تاريخ وجغرافيانيز ميگردد واز روانشناسى اين بدن بروانشناسى عالم كبير ميتوان پى بردتلگراف باسيم وبى‌سيم ازهمان‌ارتباط‌عروق‌وشرائين ونيروى‌احساسات‌وادراكات‌سريع كشف شده است.

بدون ترديد علم، درعلم الابدان مراد جميع علوم وابسته بحيات است زيرا **مصدر منكر مضاف الى الجمع است** وافاده عموم‌ميكند ومعنى علم‌الابدان يعنى‌علومى كه بدان ابدانرا ميتوان حفظ كرد،

علم زراعت .. فلاحت - ملاحى - نساجى - معمارى - مهندسى - بنائى- حفرقنوات - غرس اشجار - كشف معادن - ذوب‌فلزات - ايجاد صنايع وتوسعهٔ تجارت وعوامل نقل وانتقال مال‌التجاره ازطرف مختلف خشكى وآب‌وهوا همه‌علومى است كه براى‌حفظ صحت‌وبهداشت بدن كه زنده‌موجود است لازم‌است وفن‌طب يكى‌از آن‌فنون علم‌ابدان است،

لذاهمه اطباء دانش خودرا فن‌شناخته ودراصل علوم طبيعى كه همه‌اين فنون درتحت عنوان و تقسيم آنست قرارداده‌اند- وتقدم‌وتأخر علمى‌بسته بمراحل قرب وبعداز مرتبه توحيد است مثلافلسفه براى رسيدن بحقايق اشياء كه قريب بالهياتست نزديكتر و هندسه كه درهيئت منظومه عالم شمسى رهبر بتوحيد مقدم است وعلم طب كه‌راهنماى‌بتوحيدمقدم‌است وعلم‌طب‌همينطورمقدم بكشاورزى وغيره است‌چنانچه‌ابن‌رشداندلسى گويد **من لم يعرف الطب والهيئة لم‌يعرف‌الله** كه مرادش‌مرحله كمال توحيد است كه‌بايد ازدانستن هيئت‌وطب حاصل گردد.

بااين مقدمه ثابت‌است كه علم‌طب تنهاعلم ابدان‌نيست طبيب‌حاذق كسى‌است كه حرام‌وحلال رابشناسد گياهان وجواهر ومعادن وعناصر وخواص آنهارا بانسبت مستقيم آب‌وهوا درمزاج مردم هرنقطه‌وچه‌تأثير مستقيمى دارد وبايد باوقوف بتجزيه وتحليل شيميائى وخواص فلزات ومكانيك و همچنين اعدادوهندسه ورياضيات‌وغيره بتواندصحت مزاج‌ابدان را تأمين كند روانشناسى وعلم‌النفس وروابط اجسادواجسام راباارواح ونفوس وآثاراصوات والحان وغنارا درحال مزاج اشخاص درمواقع خاص‌بدانند وتشخيص‌دهد تاقدرت برتأمين صحت عمومى داشته‌باشد،

ازعلم جو وهواشناسى وآب شناسى وعناصر ديگر وتأثير آن درنفوس و همچنين درتركيب حبوبات‌وبقولات‌وسبزيجات‌ولبنيات وگوشت‌حيوانات وغيره همه‌مستلزم علم‌بخواص‌آن قسمت است تا

طبیب حاذق بتواند ازحیوانات دریائی برای امراض جلدی مثلا استفاده کند ودرتربیت ارواح و نفوس وتسخیر آنها درمواقع لازم برای بهداشت بهره‌مند گردد.

ولذا یکی از بزرگان این فن میفرماید قسمتی از علم ادیان هم داخل علوم ابدان است زیرا معاملات وعقود وایقاعات وسیاسات وحتی حدودودیات وقصاص وغیره داخل علم ابدان است چه اگر قاعده کلی بین مردم برای حسن انتظام نباشد ویك ضابطه برای عقود وایقاعات نباشد امور مردم در اصطکاك منافع منجر بنزاع ومناقشه وخلل بارکان اجتماع خواهدشد ونزاع ومناقشه که موجب خشم وغضب وجنحه وجنایات میگردد مضر بابدان است وحد آزادی درافعال بدلیل اصل اباحه تا جائی است که منتهی بحرمت شرعی نشود وحد توقف و ترك افعال بدلیل اصل برائت تا آنجا است که بوجوب شرعی نرسد.

اما عبادات واحکام و تربیت روحی داخل ادیان است ولذا هیچ طبیبی باتمام حذاقت واحاطه علمی خود بحد رتبه انبیاء که مربی نفوس وارواح بشری بوده‌اند نرسیده‌اند وهیچ قانونی برای اداره امور بشری از نظر حفظ ومصونیت جسم وجان خلایق بجامعیت قوانین آسمانی که جامعتر **وکاملتر وآخرین آنها قرآن مجید است نرسیده ونخواهد رسید .**

واحاطه علمی وارتباط نفسانی پیغمبران بمقام قرب ربوبی موجب اعلام **لو کشف الغطاء عن بصری ما از ددت. یقیناً** واتصال بلوح محفوظ سبب اعلان **سلونی قبل ان تفقدونی** گردید که آنها عالم بماکان ومایکون وماهوکائن الی یوم القیمه بوده اند .

فقها گویند تعیین موضوعات از وظیفه شارع خارج است یعنی شارع مقدس اسلام برای تدریس فیزیك وشیمی ونجوم وهیئت وجبر ومقابله وغیره نیامده بلکه هدف مقدس عالیتری داشته که آن ارشاد وهدایت بشر براه کوتاه مستقیم روشن است که پایانش شاهد بمقصود است وفقط بااین راه میتوان بکمال مطلوب رسید ولذا فرمود **ستفترق امتی علی ثلث وسبعین فرقة کلهم فی النار الا الواحدة** آن یك فرقه که رستگارند کسانی هستند که آن راه مستقیم روشن را می‌پیمایند .

وبیان نکردن موضوع دلیل بر عدم اطلاع آن نیست **چه اثبات شیئی نفی ماعدا نمیکند** علوم در قبال دین ناچیز ترهستند ودر خلال بیان این آموخته شده پیشوای اسلام دقت خود را صرف احکام که بالاتر وبرتر ازفنون است نموده وآن دین است که همه چیز درآن نهفته است اگر میخواست وقت خود را بصرف ونحو ــ معانی وبیان اشتقاق بدیع ــ صنایع لفظی ــ معنوی ــ لغوی وفنون وضع لغت وغیره ودر علم فیزیك وشیمی انواع واقسام آن ومیکانیك نجوم ــ هیئت ــ حساب وهندسه ــ جبر ومقابله ــ اختر شناسی طلسمات ــ اعداد ــ جفر ــ رمل اسطرلاب وحفاری ــ کشاورزی آبیاری غرس اشجار، نبات شناسی حیوان شناسی دامپروری . . . علوم روانشناسی و صدها رشته دیگر از علوم که کار پیغمبران نیست ومحققین ودانشمندان متخصصی درهرفن این وظیفه رادر هرجامعه وقومی انجام میدهند وپیغمبر موظف است همه این علوم را که از دین غیر قابل تفکیك است بنظر طریقیت دین وتوحید متذکر گردد نه از لحاظ موضوع وارد بحث علمی شده بلکه ازجهت شواهد و دلایل حسی وتجربی که بهترین راه علم وفضیلت است افاده فرموده چنانچه با کمال استعجاب واستعلام میفرماید :

افی الله شك فاطر السموات والارض .

آیا بادیدن این عوالم ملك وملکوت وتوجه بآفرینش آسمانها وزمین وعالم صغیر و کبیر واین

همه م.الیدوعناصر وطبایع بازهم شك داریددر خداوندی که آفرینده‌این‌عوالم بی‌حد و انتهاست . ؟!

وچون هدف اصلی هدایت بود علومی که ارتباط باهدایت داشته بارعایت الاهم فالاهم بناء مصلحت ارشاد بنحو ـ اخفاء واسهاء بیان فرموده است و گاهی برسم تجلی و استتار بیان فرموده چنانچه در فصل بدا گفته‌ایم که لوح محفوظ را گاهی مقابل‌چشم پیغمبران‌میگذاردو گاهی آنرامستور میدارد وفقط لوح محو واثبات را بنظر آنها میرساند زیرا هدف صرف غیب‌گوئی نیست بلکه تعلیم دین ومصالح رقاء عقلی‌بشراست ولذا شارع مقدس که‌عالم بماکان ومایکون وماهوکائن الی‌یوم القیمه میباشد وقرآن هم‌تصریح دارد که **لایعزب عنه شی** معذلك گاهی برای مصلحت موضوع از نظرمقدس اسلام اخفا میگردد و گاهی تجلی مینماید که مولوی گفته .

گهی برطارم اعلی نشیند گهی تاپشت پای خود نبیند

یکروز علی برساق عرش بادست یلی‌الربی میگرفته ومیداد یکروز متوجه پای خود نبوده که پیکان ازآن برآورند ودر حقیقت هردو دریك حال آسمانی انجام یك وظیفه بوده است بهمین جهات علماء در باب علم امام اختلاف کرده که آیا حضوری یاحصولی است و گفته‌اند .
مشاهدة الابرار بین التجلی و الاستار واین حقیقت را قرآن در صدها آیهٔ باجمال وتفصیل بیـان فرموده مثلا در آیه شریفه.

خلق السموات السبع ومن الارض مثلهین یتنزل الامر بینهن .

بیان اجمال هیئت وساختمان منظوم شمسی را باکرات سبعه سیاره عالم فرموده است وحضرت امام رضا ع در تفسیر همین آیه فرموده است زمین‌هم دارای هفت کره‌است که ستاره نبطون واورانوس از همین بیـان استفاده و کشف گردیده .

وباز در پاسخ فضل بن سهیل که در حضور مأمون‌در مرو خراسان تفسیر **ولاالیل سابق النهار** میفرماید شب برروز سابقه نداشته یعنی درگردش منظومه شمس شب وروز پیدا میشود وآفرینش عالم باسازمان‌گردش ستارگان برای ایجاد شب وروز بوده است .

ودر آیات **فلااقسم برب المشارق والمغارب** ـ بیان شرق وغرب که از حرکت زمین پیدا میشود ـ **وعلامات وبالنجم هم یهتدون** اشاره اجمالیه بعلم هیئت واختر شنـاسی فرموده که باآن میتوان اوقات را شناخت وراهها را دریافت وازبیان **یسئلونك عن الاهله قل هی مواقیت للناس** بیان اجمالی هلال وبدر وگردش ماه‌خورشید وزمین براطراف آن تصریح‌شده‌ودر آیه کریمه **فنظر نظرة فی النجوم فقال انی سقیم** ـ چه ر ز لطیفی برای استخراج احکام وآثار علم نجوم بـکار برده شده است .

ودر آیه **رب المشرقین ورب المغربین** ـ **ومشارق الارض ومغاربها** ودر آیه **وفی الارض آیات للموقنین** نکات بدیعه‌ای برای تعلیم وتذکر بعلم هیئت وجغرافیای عالم و بلاد مختلفه وطول وعرض جغرافیائی واختر شناسی‌وگردش از شرق بغرب وتوجه بستارگان ثابت وسیار وشهب ثاقب همه برای جلب توجه بشر بعلم افلاك است که هدف آن توحید و خـدا شناسی است .

قرآن برای توجه دادن افـکار بشر بحساب وهندسه جلب توجه بـاین آیه وافی هدایة فرموده که **لتعلموا عددالسنین والحساب** پایه ومایه زندگانی بشری وآفرینش عالم برروی حساب بوده

وبازگشت بشر برروی حساب است وبمنظور حساب کشیدن از مردم متجاسر میباشد واستخراج مسائل وقواعد حساب وهندسه درکلمـات عالیـات قرآن صرفاً بمنظور جلب توجه بشر برای کارو زندگی وتعالی وتکامل است .

اگرحساب نبود بشرموجود نمیشد وتمام علوم وفنون عالم وآفرینش‌ازمبداء تامعاد وهمچنین تکامل شئون زندگی همه روی مبانی حساب بوده وحتی ساختمان وگردش عـالم کبیر ومنظومه هـای شمس ووضع ومحاذات آنها باکرات دیگر وایجاد وتکامل وترقی وتعالی بشر برای عـالم وسعتری همه روی حساب بوده چنانچه در آیه مبارکه دیگر میفرمـاید .

وحملناوذریتهم‌فی‌الفلك المشحون وخلقنا لهم من‌مثله مایر کبون دشت وسیع پهناور آب وخاك وساحل وجزایرو اوضاع جغرافیائی زمین وارتباط آن باافلاك را بیان فرموده ودر همین اشاره غیبیه که برای بشر مانند کشتی ومرکبی دیگر بفکر آینده الهام خواهدشد که در بالای سطح کره زمین حرکت کنند واین حساب در موشك های قاره پیما وموشك های ماه پیمـا ومریخ‌پیما باحساب دقیقی روشن شده که بدانند بااندك اختلاف حساب صدها فرسنك‌از هدف دور میگردد در آئینه غیب‌نمای‌قرآن باشاره‌و کنایه که‌ابلغ من‌التصریح است توصیف فرموده ودرآیه مبارکه **وسابقوا الی مغفرة من ربکم وجنة عرضهـا کعرض السمـاء والارض اعدت للذین امنوا بالله ورسله .**

لب لباب علم وفضیلت را در کلمه عرضها کعرض السماء والارض معین فرموده تاخردمندان بدانند دریابند که بهشت عنبر سرشت بربالای فضائی است که وسعت‌آن از عرض وطول مانند زمین وآسمان است که برای مؤمنین‌وگرویدگان بخدا ورسول آماده شده **وباید وسعت بهشت‌باندازه قسمت نفوس‌بشری درمیدان عمل‌نفسانی‌آن باشد** در لسان شرع بهشت را در عالم بالا وجهنم را در **اسفل السافلین زمین** معرفی فرموده عرض وطول جهنم را نگفته مانند عرض وطول وآسمان وزمین است بلکه این قسمت میدان ووسعت عمل برای بهشت است که متناسب باکار کرد ونفوس بشر باشد .

هرکه را اسرارحق آموختند مهرکردند ودهانش دوختند

بیان‌این‌حقیقت‌مستلزم‌ادراك‌فهم‌مخاطب‌است‌تامتکلم‌بمقدارا ستعداد مخاطب نطق پیدا کند زیرا پیغمبران هم‌فرموده **کلم الناس علی قدر عقولهم**- چون بشر در مراحل علمی نشئهٔ عالم‌طبع برای وقوف بعالم آفرینش چون طفل مبتدی است .

چونکه با کودك سروکارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد

قرآن در وصف جهنم میفرماید :

ولکن حق القول‌منی‌لاملئن جهنم من‌الجنة والناس اجمعین که حق‌قول‌رادر پرکردن جهنم از جن وآنـچه مخفـی ونـاپیدا ونامعلوم است وهنوز بمرحله رشد شخصیت نرسیده‌آنها را در جهنم جایگاه معین فرمود ونار را ایـن جـا مراد بشر ناگرویده است کـه جایش در جهنم‌است وجهنم دوزخ وطبیعت منظلمه برای خامی وناپخته معین گردیده ـ که در آن‌صحبت از عرض وطول وقسمت میدان نیست بلکه از حفره ها وگودالهای سیاه وتاریك آتشین است که درقعر زمین جادارد وبدیهی است هر جرم بی‌اثری باید بسوزدوهر خامی باید گداخته شود تاغل وغش‌آن گرفته وخالص گردد

ای مرغ سحر عشق زپروانه بیاموز | کان سوخته را جان شد وآواز نیامد
این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند | آنرا که خبر شد خبری باز نیامد

منظور آنست که دین علوم را بمنظور طریقیت تایید توحید اشاره کرده نه برای تعیین موضوعیت علمی خود وتشریح مصادیق آن .

علمای علم الاجتماع وروانشناسی خوب میدانند که در آیه شریفه **ولکم فی القصاص حیوت یااولی الالباب لعلکم تتقون** چه نکات ودقایقی لطیف برای بقای نوع وحسن سیاست وانتظام عالم بکاربرده‌است .

انبیاء مهندسین عالم توحید

انبیاءِ عظام چون مهندسین‌هستند که‌کاخ زندگانی بشررا برروی فضیلت اساس وعقیده و عمل صالح‌بناه‌یگذارند و درهر دوری که این بناء مصلحتی از نظر شرایط زمان بمقتضای کهنگی و فرسودگی لازم بتجدیدباشد از سنن ربوبی‌است که پیغمبری را برای تجدیدآن بفرستند .

بدیهی است ساکنین باین بناباسابقه انس والفت‌حاضر بنقل مکان نیستندولی غافل از تزلزل ریشه بعلت عوامل کهن تعلل درنقل مکان واطاعت امرپیغمبران کرده‌اندچه اگرمیدانستند درنك دراطاعت نمیکردند.

حکماء وعلماوفضلا ودانشمندان مانند عمارو نقاش ونازك کار این‌کاخ حیات میباشند که‌بنابر استنباط آیات واحکام‌الهی‌بسبك این‌روز ودرخور استفاده روحی طرح‌نقاش ورنك‌آمیزی‌ونازك کاری های‌آن‌را دستورمیدهند و ملت‌بمنزله عمال وکارگران‌این‌ساختمان هستند که‌تحت فرمان بناء باید مصالح را بدست او نزدیك نمایند تا درنتیجه همه آن افراد در سایه این کاخ هستی زیست و آسایش نمایند.

در نبوت خاصه که ختم بوجود پیغمبرص‌خاتم‌النبیین گردید طرح بنای‌هستی بنحوا کمل‌ریخته شدودیگر بنای زندگی مهندس نمیخواهد مگر درادوار مختلف کهنه وفرسوده گردد مجددی بایدتا آن طرح راازنوریخته وبهمان‌دستورتجدیدبنا کند باقتضای مصالح نفوس بصلاح ملت تجدیدمطلع نموده روش پرورش کمال نفس‌را درسیر زندگی‌بیاموزد واین عمل درباره انبیاء تغییربنسخ‌شده‌و نسخ بمعنی کمال‌است نه‌نسخ متعارض‌ومتضاد یعنی ازنظر نتیجه‌نهائی‌بیك هدف میرسندو بعدازخاتم‌الانبیاء ائمه‌هدی‌آنرا تجدید میکنند ولذادرزیارت حضرت ولی عصر صاحب الزمان عج میفرماید السلام علی‌صاحب الدین الماثوروالکتاب المسطور السلام‌علی الحق‌الجدید والعالم الذی علمه لایبید که اشاره بهمان شریعت عزای خاتم‌الانبیاء است فقط تجدید میشود دین وحکم وشریعت تازهٔ نیست‌از بس پیرایه وبران بستند کهنه وفرسوده ومکتوم ومستور مانده حقیقت آن ازدست رفته است ولذااو را مجدد دین وصاحب کتاب مسطور یعنی قرآن مبین ومبین‌حق جدید وعالم‌بعلمی که‌هرگز اصل آن‌فرسوده نگرددخوانده‌ودردعای‌ندبه میفرماید **این المجدد للفرائض والسنن** کجاست‌مجددفرائض وواجبات و سنن پیغمبر ص که تجدید کند آن روش پرورش حقیقی دین اسلام را .

منتظران را بلب آمد نفس | ای زتو فریاد بفریاد رس

بنابراین تمام پیغمبران دراصل وریشهٔ کاخ توحید که هدف اصلی یکصد وبیست وچهارهزار پیغمبر بوده اختلافی نداشته و نسخ در این حقیقت رخ نداده فقط در روش تجربه و استدلال وبرهان‌حسی وتجزیه وتحلیل عقلی آن ادوار مختلفی طی شده است تا بکمال خطاب الیوم اکملت لکم دینکم رسید وپس از آن رنك آمیزی طرق واستدلال وتجربهٔ حسی والوان وانواع واقسام و ابواب آن بسته بنظر علماء و فقهاء و دانشمندان هرعصر است که بر حسب تمایز عقول خود رنك‌دلربائی نموده جلب‌توجه ناظرین را بنمایند که‌امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام‌میفرماید عقل دوتااست‌عقل‌مطبوع و مسموع تفسیر وترجمهٔ مولوی.

عقل دوعقل است اول‌مکسبی | تو بیاموزی بمکتب ای صبی
عقل دو بخشش یزدان بود | چشمهٔ او درمیان جان‌بود

برای فهم مدارج تکامل این حقیقت توحید بمکتب‌پیغمبران گذشته از نظرسبك استدلال برگردیم اوراق را ورق بزنیم خواهیم دید هرعصری بمقتضای دستورات مردم آنعصر یك نحوه آراء و استدلالی برای فهماندن توحید عرضه شده که عصر دیگران رانسخ‌ومتروك گذاشته‌اند یابمنزله کلاس اول ودوم دوره حس وشهودتحلیلی شناخته‌اند و استدلال تازه کرده‌اندوفقهای‌هرعصر اراء و استنباط فقهای گذشته را تطابق بااراء خود نداده نسخ کرد آراء و افکار ودلایل وبراهینی مستدل تر وعمیقتر وروشن تر و روش‌حسی وتجربی بهتری انتخاب کرده‌اند مثلا درکرویت زمین و حرکت ارض بطلمیوس وعلمای یونان عقیده داشتندو بعد این عقیده‌نسخ‌شد و یا باجمال وطفره برگذار شد تا کپرنیك درقرن نهم پیدا‌شد وحرکت زمین را بدور آفتاب ثابت کرد وعلمای‌اسلام با استناد ازقرآن‌حرکت‌زمین را یقین کرده بودند دراین ادوار عقائد استدلال مختلف بودتابرهان قطعی اثبات گردید.

وشیخ بهاء الملة والدین علامهٔ حلی درشرح تجرید خواجه درباب‌حرکت و سکون زمین میفرماید خلاف است برخی حرکت سفلی دانسته و بعضی حرکت علوی شناخته و جمعی حرکت استدارئی گفته اند واین‌عقیده در قرن هفتم از علمای اسلامی ابراز شده که‌طریقیت موضوعی‌برای توحید داشته‌درحالی که ملل اروپائی بخواب‌خرگوشی بودند با این‌مقدمه باین نتیجهٔ قطعی‌میرسیم که هدف اصلی یکی است وآن آموختن مراتب‌توحیداست ولی استدلال در طریق مختلف است و انبیاء علوم را از نظر طریقیت‌آموختند‌نه‌برای‌موضوعیت جای کمال شگفتی‌است که برخی‌بی‌خبران از علوم وفنون وتلازم آن بااین گمان کرده‌اند که‌علم‌منحصر بعلم‌دین‌وعلم‌بدن‌نیست برای‌علم قدیم‌و جدید قائل‌هستند در حالیکه علم قدیم و جدید ندارد همیشه همانطور که گفتیم علوم ابدان‌ازآغاز آفرینش موردتوجه بوده و بشر تا زنده است با نهایت شدت وضعف داشته ولی‌البته بشردرادوار مختلف‌رشتهٔ عقلی خود کشفیات بیشتری کرده که دراصل علم اثری نداشته است و بناء بر این همه طلاب ومحصلین ودانش آموزان و دانش‌جویان متنفذ ولائق فراگرفتن طرق مختلف‌علمی‌هستند و همان تعلل و تسامح‌بعض‌های‌پیشین که‌علم‌را منحصر درفقه واصول دانسته موجب بتجدید ونهضت علمی واصول فنی تعلیم فنون گردید وبصورت درس کلاسیك در آمد که از دو هزار سال قبل سابقه داشته است.

و پیغمبران وانبیاء معمار بنای عالم بوده اند که کلیات رشد عقلی وتنویر فکری راآموخته وعلماء وفقهاء وحکماء نقاشان ورنك آمیزان این بناء عالی مصالح اجتماع بشری‌هستندولی اگر بنای ارکان عمارت خلل پیدا کند رنك آمیزی نتیجه ندارد باید در تحکیم مبانی اصول عقاید سعی بذل شود و بعد بطور استحسان واستدلال‌واقامه براهین تزئین گردد که گفته‌اند :

خانه از پای بست ویرانست　　　　خواجه، دربند نقش ایوانست

پایان مقدمه

اقتباس و نگارش

«عمادزاده»

جهان اسلام اسلام در جهان

نماینده اوضاع و احوال و فتوحات و تطورات و تحولات مسلمین در جهان و جغرافیای تاریخی ممالک اسلامی و آثار و مآثر مدنیت اسلام و روش آموزش و پرورش مسلمین با پانصد عکس است.

ناشر
مرتضوی

قال النبیؐ: زُویت لی الارض فأریت مشارقها ومغاربها

وسیبلغ ملک امتی ما زوی لی منها خلفاء۔ حدیث نبوی

سیبلغ ملک امتی ما زوی لی منها فأریت

مشارقها ومغاربها۔ (حدیث نبوی)

آورنده اسلام

ما کان محمد(ص) ابا احد من رجالکم و لکن
رسول الله و خاتم النبیین

تروی بمولود اضائت بنوره
و مات له الاوثان زادو او ارعدت

جمیع فجاج الارض بالشرق و الغرب
قلوب ملوك الارض جمعاً من الرعب

فخر دو جهان خواجه فرخ رخ اسعد
آن سید مسعود و خداوند مؤید
وصفش نتوان گفت بهفتاد مجلد

مولای زمان مهتر صاحب دل امجد
پیغمبر محمود ابوالقاسم احمد ص
این بس که خدا گوید (ماکان محمد) ص

بر منزلت و قدرش یزدان کند اقرار

در محیط تاریك و پر آشوب شبه جزیره عربستان که ایمنی وعفت وفتنه وفساد مردم را در خود فرو برده بود و اوضاع همسایگان شرق وغرب که هردو خراجگیر جهان بودند آشفته تر و از هم گسیخته تر بود- هفت قرن ازمیلاد مسیح میگذشت انقلاب و اختلافات طبقاتی سرتاسرجهان را گرفته بود درهمان ظلمات و نگرانی های روحی وجسمی یك روزنه امیدی درخشیدن گرفت و آن ستاره درخشانی بود که ازشعب ابوطالب ازطایفه قریش از خاندان ابوطالب ازافق مکه پرتوافکن گردید .

شب میلادش چهارواقعه مهم درآسیا رخ داد که خردمندان ملل زنده حمل بر يك واقعه حادثه بزرگی نمودند وبمرور صیت میلاد این مولود آسمانی دراقطار جهان طنین اندازشد .

۱- چهارده کنگره از ایوان کسری کاخ عظیم ساسانیان شکست وفروریخت .

۲ - آتشکده فارس که دوهزار سال روشن بود و لحظهٔ خاموش نشده بود ناگهان لهیب آتشش فرو نشست و برای همیشه خاموش شد .

۳ -- رودخانه ساوه که بر دریاچه کویر نمك میریخت ناگهان خشکید و دیگر اثری از آن نیست .

٤- سیزده بت بزرك که بردیوار خارجی کعبه آویخته بودند ناگهان فرو ریخت .

این حوادثی که دريك شب رخ داد مردم جهان را متوجه يك واقعه مهمی نمود و منتظر شنیدن يك خبر بزرگی بودند .

منجمین و کهنه‌ورهبانان خبر دادند که درسرزمین تهامه‌درشهرمکه‌مولودی‌بدنیا خواهد آمد که تابش انوار وجودی اوعالم رامنور خواهد ساخت و فرمانش ازشرق وغرب خواهد گذشت .

نور جمال محمد بن عبدالله ص از مشرق دامان‌آمنه بنت وهب افق کعبه را روشن و منور نمود . آنشب مرغان سفیدی اطراف شعب ابوطالب بال وپر میگشودند که‌مردم مکه از این حرکت خارق‌العاده سخت متحیر مانده بودند ـ صفا ومروه ـ حجر و کعبه یك روشنائی مخصوص بخود دید .

فاطمه ثقفیه گفت آن شبی که‌آمنه وضع حمل‌نمود درآسمان نگریستم ستارگان را دیدم که میل بجانب زمین میکنندوبطرف خانه‌ابوطالب فرود می‌آیندوچشم‌بدنبال‌حرکت‌ستارگان‌داشتم که دیدم نوری ازخانه آمنه پرتو افکن شد و بطرف آسمان بالا رفت واوج گرفت و شهرمکه را تا شام منور نمود .

مادر عبدالرحمن بن عوف قابله آمنه بود گفت چون محمد (ص) متولد شد نوری ازجبینش ساطع گردید وبر آسمان بالا رفت وصدائی‌شنیدم که گفته‌شد **یرحمك ربك** بقدری‌نوراو عالم گیر شد که ما تاقصرهای شام را دیدیم ! !!

فردای آنروز احبار و کهنه یهود نزد عبدالمطلب آمدند گفتند ای بزرك قریش ای پرده دار کعبه آیا درخاندان تومولودی متولد شده ؟ گفت‌یکی اززنان ماحامله بود اماخبرندارم گفتند درتورات دیده‌ایم که دیشب شب‌ولادت **سید اولین و آخرین خاتم النبیین بوده است** عبدالمطلب کسی نزد آمنه فرستاد تاازاوخبری گیرد که زنی خبرآوردآمنه پسری‌آورده که آثار غیرعادی از اوبظهور همیرسد.

گفتند این مولود ختنه کرده ، ناف‌بریده وپاك وپاکیزه است وچون متولد شد بر زمین افتاد سجده کرد . عبدالمطلب برخاست رفت بخانه آمنه یتیم فرزندش را گرفت مقابل کعبه آورد واین رجز راخواند :

الحمد لله الذی اعطان — هذالغلام الطیب الاودان
قدشاءفی‌المهدعلی‌الغلمان — اعیذه بالبیت ذی ارکان
من‌ذی اراه تابع‌الشیطان — اعیذه من شر ذی شیان
من حاسد مضطرب فوان

و دستور دادبرای ولیمه اوچند شتر ذبح کردند و اقوام عرب‌را بمبارکی و میمنت مولود خود اطعام وضیافت فرمود .

علی‌بن ابراهیم روایت میکند که روز سوم یوسف احبار یهودی‌درایوان قریش آمدپرسید از خاندان کدامیك شما مولودی جدید بدنیا آمده گفتند از عبدالمطلب . یوسف نزد او رفت بعبدالمطلب گفت : این مولود را بمن نشان ده . فرمود قنداقه را آوردند گفت کنفین او را بمن نشان‌ده دیددرچشمان اونگریست خندید. گفت‌بحق خدا قسم این همان‌مولودی‌است که صاحب شمشیر است وازشرق وغرب عالم را خواهدگرفت .

حسان بن ثابت شاعر شهیر طلوع اسلام گفت دیدم مردی یهودی صدا میکند ای معشر یهود وای برشما دیشب ستاره احمد طالع گردید واین ستاره پیغمبران است وپیغمبری جزاحمد باقی نمانده **و یقیناً این همان احمد خاتم النبیین است** .

پدر و مادر پدرش عبدالله بشرحی که در **کتاب پیشوای اسلام** مفصل نوشته‌ام در سن ۲۴ سالگی پس از مراجعت از تجارت شام در ینبوع درگذشت .

یتیم عبدالله پنجماه پس از فوت پدر روز جمعه ۱۷ ربیع الاول عام‌الفیل سال ۵۷۰ میلادی بود که متولد گردید .

پنج سال یابیشتر ازعمر او گذشت که مادرش ازدنیا رفت وباردیگری از مصیبت بر دوش آن کودك نهاده شد هشت‌سال گذشت که جدش ابوطالب‌در گذشت وتعب بی‌سروری را تحمل کرد- هرروز خرق عاداتی وحالتی عجیب وشگفت‌آور از اودیده میشد . عمویش ابوطالب سرپرست او گردید واورا دریك سفر که هنوز بالغ نبود بهمراه خود بشام برد ورهبانان آن جا اورا شناختند . وبعظمت تجلیل نمودند .

زناشوئی درسن ۲۳ سالگی‌سفری‌بنمایندگی‌خدیجه‌دخترخویلدبرای تجارت‌بشام نمود . وسودی‌فراوان‌آورد که ازبرجسته‌ترین سطورزندگانی اوست-درسن ۲٤سالگی خدیجه‌اورا بشوهری‌تقاضا کرد وبرای اولین‌بارزن چهل‌ساله‌ای‌را درسن ۲٤سالگی‌بازدواج درآورد-۱۵ سال روزها شاهدوناظرجریان‌مجامع عرب‌بود وحوصله‌اش از گفتارو کردار نامربوط مردم تنك میشد . بغار کوه‌حرا که‌درشرق‌مکه بودبالا میرفت‌وباغذای بسیار ساده قناعت میکرد وآنجا بعبادت خداوند می‌پرداخت و برای اصلاح مفاسد اجتماع فکر میکرد تاسنش بچهل رسید .

بعثت و رسالت درحین مراجعت‌ازغارروزی شنید کسی‌باو میگوید **یامحمد انت‌رسول‌الله وخاتم‌النبیین** ازهرطرف‌نگریست کسی‌را ندید ولی‌صدا را وندارامیشنید .

روز ۲۷ ماه رجب سال چهلم سلطنت انوشیروان بود که فرشتهٔ راسفیدپوش دید او را در آغوش کشید وفشرد **وگفت اقرأ** (بخوان) پاسخ داد **ماانابقاری**ء(خواندن نمیدانم) بار سوم سخت او را فشرد و گفت **اقرأ باسم ربك الذی خلق - خلق الانسان من‌علق اقرأ و ربك‌الاکرم الذی علم بالقلم - علم‌الانسان مالم یعلم .**

بااین حرکت و این تلقین گویا وضع ومحاذات قلب پاك پیغمبر بامنبع نور وحی الهی چنان منطبق گردید که افاضات اشراقیه علوم آسمانی همه بر قلب اومنعکس شد واز این ساعت مردی آسمانی بایك نورانیت وروحانیت دیگربود بخانه خدیجه برگشت - خدیجه گفت امروز تو را بیك قیافه نورانی می‌بینم که‌ابر بالای سرتو سایه افکنده ونور جبینت کاشانهٔ مرا روشن ساخته- جریان رابااو بمیان گذاشت وگفت‌من خسته‌ام آن گلیم مرا بیاور اندکی استراحت کنم .

محمد (ص) راخوابانید وخود شتابان بخانه ورقةبن نوفل پسرعمویش رفت واقعه را با **او گفت ورقه‌پاسخ داد اگرچنین‌است حتماً او پیغمبرخاتم‌النبیین است .**

خدیجه بخانه‌برگشت‌دیدمحمدبیدار شده باکسی سخن میگوید شنید که باو گفته میشود **یاایهاالمدثر قم فانذرو ربك‌فکبر و ثیابك فطهر و الرجز فاهجر و لاتمنن تستکثر و لربك فاصبر**

ای دثار بخود پیچیده بر خیز مردم را از این سیل خطرناك بترسان وخدای بزرك را بایشان بشناسان. وخودرا بفضیلت‌ظاهروباطن‌نشان ده‌وشکیبا باش

سه سال دعوت خودرا مخصوص نزدیکان‌قرار داد تاخطاب وحی رسید **فانذر عشیرتك الاقربین** بالای کوه‌صفا اقوام خودرا دعوت کرد فرمود ای خویشاوندان من مرا چگونه شناخته‌اید وسخن مراچطور تلقی میکنید گفتند: **تو محمد امینی** و سخن تو راست و درست است گفت

بدانید **که من رسول خدا وخاتم النبیین هستم** . بیائید ازمن پیروی کنید سخن‌من این‌است کەخداوند یگانه وشریك‌ونظیری ندارد **قولوا لااله‌الاالله‌تفلحوا**. رستگاری دراقرار بتوحید است
هر کس پیشی گیرد وسبقت نماید کلام مرابپذیردو مرا یاری کند او وزیرو خلیفه وجانشین و وصی من خواهدبود هیچکس ازنزدیکانش پاسخی‌مناسب ندادندجزعلی که ١٦ ساله بود. برخاست گفت من‌تورا یاری میکنم وفرمان تورا اجرا مینمایم وآنی از اطاعت توسر نمی‌پیچم .
ابولهب برادرش ابوطالب را بگفتار فرزندش استهزاء وسخریه نمود - او وعلی بدعوت و ارشاد وهدایت پرداختند .

بیست و سه سال باعرب منافق و کفار قریش ویهود ونصاری مبارزه کردند **سیزده سال** درمکه بودکه اورا با پیروانش بانواع زجر وعذاب رنج دادند تبعید کردند و محروم نمودند - پیروانش را شلاق زدند زیرپاره سنگها گذاشتند ازخرید وفروش غذا منع کردند .
اشراف قریش بوسیله ابوطالب باو گفتند ماآنقدردینار طلا بتو میدهیم کەبی‌نیاز شوی‌و از این کار دست برداری فرمود اگرماه را دریکدست‌من‌وخورشیدرادر دست‌دیگرمن بگذاریداز این انجام وظیفه آسمانی خودداری نمیتوانم کرد .
متفق برکشتن محمد (ص) شدند **چهل شمشیر زن ازچهل عشیره** انتخاب کردند که شبانه بدن اورا درخواب طعمه شمشیر کنند که خونش لوث شود و هیچ فامیلی بردیگری بخون خواهی اوقیام نکند آن شبی بود که **علی‌بن ابی‌طالب ع) دربستر او خوابید و جانفشانی وفداکاری را بسرحد کمال رسانید** . تاپیغمبر خداجان بسلامت بدربرد وخود با چندنفر بر حسب بیعت‌زیرشجره با مردم مدینه بسوی یثرب رهسپار شد .
متحدین شمشیرزن آمدند محمدرا نیافتند متعرض علی‌نشدند ودانستند محمد مهاجرت کرده است .

درظرف دهسال باقشون جراری ٨۴ جنك بادشمنان نمود تابضرب **بازوی‌علی‌بن ابیطالب** بینی‌گردنکشان‌عرب‌را بخاك مالیدند وبرهمه‌آنها بتاییدات الهی ظفریافت .
سال هشتم هجرت بودکەمکه، همان‌شهری که اورا بیرون کرده بودند گرفت وفتح مکه درخشان ترین سطورتاریخ زندگانی پیغمبر است .
گذشت و بزرگواری وسیاست و تدبیر ومهرو محبت بیعلاقگی او بمال دنیااست که بذل و بخشش غنائم صفحه رخشنده زندگی و آینه سر تا پای **مفهوم حقیقی (انك لعلی‌خلق عظیم) بوده است .**

در این فتح در خیمه اویك‌تلی‌ازطلا و نقره‌و مسکوك انبوه شده‌بود و بیرون خیام او درخارج شهرمکه بیش ازصد و بیست هزار گوسفند و بیش ازچهل هزار شتر باتمام وسایل از غنائم کفار بدست اوافتاد کەهمه را برمردم تازه مسلمان تقسیم کرد .
وخود باهمان لباس کرباس ونان وخرمای بکمربسته قناعت نمود .
اینجابودکه ابوسفیان پس‌از ٢١ سال کشتارهائی‌که از مسلمین کرد ناگزیر به تسلیم شد وقتی این‌تل دینار ودرهم طلا ونقره وبیابان پراز گوسفند و گاورا دید گفت ای محمد کارت بالا گرفت واکنون‌آنقدرمسکوك‌طلاو نقره‌واغنام‌واحشام‌داری که هیچ سلطانی روی زمین ندارد وباکمال وقاحت تقاضای سهمی کرد وپیغمبر بزرگواری که اورا پس از٢١ سال خصومت درجنك‌وپیکار آزار

کرد سهمی‌هم باو وپسرش یزید وزنش‌هند که جگر عموی پیغمبر حمزه‌را ازشکمش در آوردو بدندان گرفت،داد. این بود یکی ازهزاران صفات فاضله پیغمبر خدا .

هشتاد وچهارجنك دفاعی تمام‌عربستان‌را برای او صاف کرد ومطیع‌ساخت ازسال پنجم‌سلاطین دنیارا بدعوت کتبی باسلام خواند .

سال دهم **حجة‌الوداع** گذارد ودرمراجعت باحضور **یکصد و بیست هزار** نفر درکراع غدیر خم پسرعمویش علی‌بن ابیطالب‌را **بفرمان یاایهاالرسول بلغ ماانزل الیك** بخلافت و جانشینی وصی ووزیر وخلیفه خودازجانب خدا رسماً قرارداد و**آیه‌الیوم اکملت لکم دینکم** براو نازل شد ۸۱ روز هم‌پس از این‌واقعه بزرك چشم ازجهان بربست . درحالیکه بیش ازده میلیون پیرو داشت و ۱۴ هزار صحابی داشت واهل بیت او و قرآن مرکز ثقل هدایت بشر برای همیشه باقی ماند .

بمنطوق **انی تارك فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی** - قرآن وعترت او که مفسر و مبین قرآن وشارح دین بودند مرجع وملجاء مردم قرارداد .

اصول‌دعوت پیغمبر خاتم النبیین (ص) درمدت بیست‌وسه‌سال قرآن بر پیغمبر نازل شد واوپنج اصل‌را برنامه‌دعوت‌خودقرارداد که اگر نخبه خردمندان بشری جمع‌شوند بهتر ازاین نمیتوانند برنامه اصلاح‌مفاسد اجتماع‌بشری راتدوین و تنظیم نمایند . چنانچه منشورمللهای‌متفق نتوانستند عرضه اندامی نمایند

اصل اول - توحید بتمام مراتب: توحید ذات- توحید صفات - توحید افعال - توحید عبادات .

بشر با عقیده بتوحید بتمام کمالات متصوره خود خواهد رسیدو امروز جامعه تسلیحات اخلاقی اروپا باین حقیقت رسیده‌اند . (۱)

اصل دوم - نبوت بتقسیم نبوت عامه و نبوت خاصه و شرایط نبی و پیغمبر وختم نبوت که بوجود خوداوشدبشر با راهنمائی پیغمبران واوصیاء آنها میتوانند بکمال مطلوب خود درسعادت دین و دنیا وآخرت موفق ورستگار گردید . (۲)

اصل سوم - معاد : بشراشرف مخلوقات است وبرای محیط دیگری خلق شده که‌باید منازلی راطی کند که یکی ازآن منازل دنیاست و بسرمنزل اصلی خود که **منه نخرج والیه نعید** بر گردد وباعقیده بمعاد تمام حوادث این عالم حل وهضم وآسان میگردد . (۳)

اصل چهارم - عدل است که‌بایدبشر معتقد بعدل الهی‌باشد وعدل جز اصول عقاید بداند تادرکسر ونقصان امور زندگی تحمل وصبر نشان‌دهد و بداند هرچه به‌آدمی میرسد روی عدالت وحکمت و مصلحت است .

اصل پنجم - امامت است که بشرباید مؤمن بگفتار پیغمبرش باشد که اوپس ازخود علی‌بن ابیطالب را جانشین وخلیفه دومی‌خود قرارداد واوبود اول کسی که ایمان آورد و سایه صفت

۱- درکتاب اصول دین مفصل انواع توحید را مستدلا بتمام عقاید موحدین‌دنیانقل کرده‌ام

۲- درتاریخ انبیاء وسیره پیشوای اسلام نبوت خاصه وعامه رامبرهن نموده و حق مطلب را ادا کرده‌ام .

۳- درباره معاد درکتاب اصول دین‌معادرا با هشتصدآیه که دربارهٔ آنست‌مفصل نقل‌نموده‌ام .

دنبال پیغمبر میرفت و **باب مدینه علم رسول** خدا بود وباچهل سال شمشیرزدن بینی گردنکشان کفار عرب را بزمین مالید . تامنصب (والشجاعة الحیدریه) گرفت و بت‌های کعبه را فروریخت وبت‌پرستی رابکلی محوو نابود ساخت .

علی بن ابیطالب بایازده نفر اولادش دوازده امام وجانشین منصوب و منصوص آسمانی بوده‌اند که درمدت سه‌قرن کلیه احکام وعلوم ومعارف دین‌را تعلیم وتشریح نموده دیگر هیچ جای ابهامی باقی نگذاشته اند و اکنون هم‌امام دوازدهم غایب ازنظراست **که داخل فی الاجتماع لا بالممازجه وخارج من الاجتماع لا بالمزایله** چشم‌هاو گوش‌هامتناسب دیدن وشنیدن آن‌شخصیت آسمانی نیست که خواجه نصیرالدین گفت **وجوده لطف وعنایته لطف آخر وغیبته منا** ودیگران غاصب این حق آسمانی بوده وسبب انحراف و عقب افتادن مسلمین تنها همین سر پیچی از اصل پنجم است .

آئین نامه زندگی

پیغمبراکرم(ص) برای زندگی بشر وآسایش خاطراو ومصونیت در اصطکاك زندگی **ده ماده** برای آرامش وتسهیل شئون زندگی بشری معین فرموده که امکان ندارد بهتر از این آئین نامه برای اداره امور دین و دنیای بشری تدوین و تنظیم کرد پیغمبر اکرم (ص) در ضمن ۲۳ سال دعوت خود این برنامه را بنام فروع دین تعلیم فرمود :

۱- نماز - برهر مسلمانی واجب است درهر شبانه روز پنج‌بار باطهارت ظاهروباطن در پیشگاه حق بادب بایستند ونماز بشرحی که خود پیغمبر عمل کرده بگذارد .

مولوی گوید

اگر نه روی دل اندر برابرت دارم / من این نماز حساب نماز نشمارم
مرا غرض زنماز آن بود که پنهانی / حدیث درد فراق تو با تو بگذارم
وگرنه این چه نمازی بود که من با تو / نشسته روی به‌محراب ودل ببازارم
نماز کن بصفت چون فرشته ماندومن / هنوز در صفت دیو و دد گرفتارم
ازاین نمازریائی چنان خجل شده‌ام / که در برابر رویت نظر نمی آرم

۲- روزه - هرمسلمان باید سالی یکبار یکماه روزه بگیرد و غذای یکدفعه خود را بمساکین بدهد وآخر ماه‌هم جشن گرفته فطرهٔ باندازه یکروزه بمستحقین فطر بپردازد.

۳- خمس - هرمسلمان باید ازغنائم ومعادن‌وطلاونقره وغیره از هفت چیزطبق کتب‌فقهی یك پنجم مال خودرا بسادات وبرای مصرف تعظیم شعائر دین ونشر علوم ومعارف به‌پردازد.

٤- زکوة - هرمسلمان باید از مزروعات میوه، گندم وجووموبزو خرما از حیوانات ومواد گوشت گاوو گوسفند وشترازمعادن طلا ونقره طبق دستور وشرایط حدنصاب ازمواد معین‌زکوة بردازد واین زکوة با قبول نماز ملازمه دارد ومستحقین آن هشت طایفه‌اند :

۵- حج - هرمسلمان باید در عمر یکبار بشرط استطاعت جانی ومالی بمکه برود و حج خانه خدا که جامع‌ترین عبادات وبزرگترین‌مکتب تعلیم وتربیت است بگذارد .

۶-جهاد - هرمسلمان درحضور امام باید باجازه امام جهاد کند ودرغیاب امام از حقوق خود ومیهن و اجتماع دفاع نماید .

۷- امربمعروف - هرمسلمان باید خود نیکوکار باشد وترجمان نیکوئی گرددوامربنیکی

نماید تاهمه راه نیکی بروند .

۸- نهی از منکر - هرمسلمان باید معایب یکدیگررا چون آئینه در خود ببیند خود را اصلاح و دیگران را هم از ارتکاب منهیات منع نموده تا بکلی معایب و نقیصه اخلاقی برطرف گردد .

۹- تولی - هرمسلمان باید دردوستی ثابت قدم باشد هرروز روبه کسی نرود و چون شاخ سست باهربادی حرکت ننماید ومحکم وثابت دردوستی باشد .

۱۰ - تبری - هرمسلمان باید از خصومت وتیره‌دلی خود داری کند وبا ضمیر روشن خود در دوستی ودشمنی ثابت قدم باشد دورنگی ونفاق بدترین صفات است .

ودر قرآن تعلیمات اخلاقی بسیار داده ودر احکام و حدود و آیات قوانین لایتغیر ثابتی مقرر فرموده عقود وایقاع مردمرا بریك‌پایه سخت‌آهنین‌استوار فرموده است و در کتب فقه اسلامی شصت باب ازطهارت تادیات معین وتعلیم فرموده است که جامعترین احکام آسمانی است و عقلا امکان بهتر ازاین نیست .

با این اصول وبرنامه مسلمین بیك تربیت بی‌نظیری مهذب شدند و شگفتی اینجاست که همان افراد سخت خشن ونادرست وجنایتکار وبزه‌کار بنفس قدسی وتربیت فاضلانه اسلام راه کمال را پیمودند ونهضتی براساسی دین وفضیلت نموده‌باهمه دوست شدند اندیشه وگفتار و کردار آنها جز برای خدا نبود اموال خودرا باهم بمواسات ومساوات تقسیم میکردند حتی انصار بمهاجرین که زن نداشتند زنان متعدد خودرا طلاق میدادند وبامهریه خود به‌آنها عقد می‌بستند درهمان‌خانه خود جامی‌دادند .

معتقد شدند که‌اگر بکشند یاکشته شوند بهشت میروند . داماد شب عروسی راطی کرد وصبحگاه بمیدان جنك رفت شهیدشد پسرها باپدرها در میدان جنك مقابله میکردند و بروی هم بخاطر دین وفضیلت برای رضای خدا شمشیر میکشیدند .

اشراف درجه اول دختران خود را بغلامان زر خرید تازه مسلمان میدادند . اختلاف طبقاتی بکلی برطرف شد - جوان بیست ساله فرمانده قوا میشد وپیرمردان کارآزموده به‌اطاعت امر پیغمبر اطاعت میکردند - دروغ ودغل ودوروئی ونادرستی در میان آنها راه نداشت . قناعت پیشه آنها بودم‌درمیدان جنك سالخوردگان باحترام جوانان وجوانان باحترام پیران سرسفره‌دست دراز نمیکردند بایك خرما چند نفر تغییر ذائقه میدادند وبمیدان جنك میرفتند درحال‌جان کندن که ازفشار زخم‌های دلدوز تشنه میشدند آب میخواستند چون آب‌برای آنها می بردند دیگران را برخود مقدم میداشتند ایثار میکردند - گذشت ومردانگی فتوت‌وعلو روح ومقام شامخ انسانیت آنهارا بکمال فضیلت سوق داد(۱)وباهمین صفات بجهانگیری پرداختنددرظرف کمتر ازنیم قرن بر بزرگترین امپراطوری های جهان سلطه یافتند هشتصد سال خلافت و سلطنت مطلق نمودند چهار صدسال برآب‌های جهان فرمانروائی یافتندپرچم‌اسلام‌بالای هر کوه وتپه وبرفراز هر قله و جبالی و کنار هرمرز وساحلی وبربالای هر کاخ وشهری دراهتزاز بود - بزرگترین کتابخانه‌های جهان از مسلمین بود - عمیق‌ترین‌تالیفات درعلوم ومعارف ازمسلمین بود - شصت ملیون عرب هشتاد میلیون فارسی زبان شصت میلیون ترك همه وهمه دین اسلام را ازجان ودل‌پذیرفتند، وبراساس علم‌وفضیلت بشرحی که‌درمتن کتاب خواهیم گفت پیش رفتند .

۱- برای شناختن روش پرورش اسلام بمکتب اسلام مراجعه شود .

اسلام دین فطرت است

فاقم وجهك للدين حنيفا فطرت الله التی فطار الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون . آیه ۲۹ سورهٔ روم

اسلام دینی است منطبق با آفرینش عالم کبیر وعالم صغیر که نقشه تکوینی عالم وجود با نقشه تدوینی شریعت کاملا منطبق وفطری است چیزی خارج از جاذبه فطرت وقبول آن دراسلام نیست و همان دین‌فطری است که حضرت ابراهیم خلیل الرحمن ع باین دین مفاخره و مباهات نمود وقرآن میگوید **ماكان ابراهيم يهوديا ولا نصرانيا ولكن كان حنيفا مسلما و ماكان من المشركين .** آیه ۶۱ سوره آل عمران

ابراهیم یهودی ونصرانی نبود بلکه مسلمان بود وازمشرکین هم نبوده است . این‌عبارت قدح دین‌حقیقی نصرانیت ویهودیت‌را نمی کندبلکه‌میخواهد عظمت واهمیت اسلام‌را از نظرفطرت‌بیان کند زیرا حضرت ابراهیم توحید را ازراه فطرت وتوجه بآسمان وزمین استدلال فرموده و پیغمبر خاتم النبیین(ص)هم افتخار میفرماید که‌سنت جدش ابراهیم راپیروی وزنده و برقرار داشته است ـ واو خود فرمود برادرم حضرت موسی (ع) از دیده راست وبرادر دیگرم‌عیسی (ع) از دیده‌چپ‌نابینا بود ولی دین اسلام دین‌معتدل ومستقیم وفطرت است **که لا شرقية ولا غربية** یعنی نه‌افراط مادیت یهود ونه تفریط رهبانیت نصاری هیچ یك را ندارد ـ نه اینکه واقعا ازیك چشم نابینا بوده باشند پیغمبران در خلقت کامل بوده وهیچ نقیصه دروجودشان نبوده است.

قال (ص) **كل مولود يولد على الفطره و لكن ابواه يهودانه او ينصرانه او يمجسانه .**

هر بشری‌بردین‌اسلام‌وسلم و تسلیم وسلامت متولد میگردد ولکن‌پدرومادرش‌اورا یهودی‌یا نصرانی یا مجوسی مینمایند. انحراف دراثر محیط است و گرنه همه بتوحید فطری تولد و نشو ونمای طبیعی دارند ـ این است معنی فطرت دین اسلام واگر زندگی هرفردی از بشر را در هر محیطی وزبانی وقومی که باشند مورد مطالعه قرار دهیم می‌بینیم همه بتوحید و یگانگی حق قائل هستند وآن فطرت آفرینش است .

الاسلام يعلو ولا يعلى عليه دین اسلام چون برمقتضی‌فطرت وضع شده‌واحتیاجات غرائز طبیعی‌درآن منظور گردیده‌بامترقی ترین ملل جهان سازگار است‌و هیچ تمدن‌وترقی بالاتورفیع‌تروسیع تر ازاسلام‌نخواهد گشت واسلام بالاتر و برتر وعالیتر وباعلوتر ازهرچیزوهر تمدن میباشد .

سید جمال‌الدین‌اسدآبادی می گوید **الدين قوام الامم وبه فلاحها**

اسلام دارای یك‌علو معنوی است ، یك‌علو وبلندی رتبهٔ که‌هیچ رتبه ومقامی بالاتر از آن نخواهد رسید ـ واذا عزت‌را خالق عالمیان مخصوص مسلمین گردانید ودیگران‌درقبال اسلام‌خوار و خفیف وذره وبی مقدارند .

العزة لله ولرسوله وللمؤمنين .

اسلام درقانونگزاری خود سرنوشت تمام‌بشر رادر دست گرفته که در مقررات دنیا مؤثر بوده وخط سیر بشررا عوض کرده مرغ فکر بشر را پر و بال داده و توانائی بخشیده و در اوج

آسمان سعادت بطرف کمال مقصود هدایت ورهبری کرده شمع‌فروزان دین اسلام بوده که تاریکی‌های جهان‌را روشنی بخشود وفرزندان بشررا بپیشوائی اهل بیت‌عترت‌وطهارت‌بسوی شاهد مقصود و غایت منظور سوق دادند . سلمان گوید :

ابی‌الاسلام لااب لی سواه اذافتخروا بقیس اوتمیم

شاعر فارسی ترجمه کرده گوید :

هان ای پسر اگرپدرت نان وآب‌داد استاد در نهاد تو علم وادب نهاد
حقا که آب ونان ندهد هیچ فائده تا علم و دین‌و شرع نخوانی براوستاد

قرآن درآیات دیگرهم بشررا باین عزت وعلو وبرتری تشویق وترغیب میفرماید که‌هان ای مسلمانان علو وبرتری ازآن شماست تسامح ومجامله ـ تعلل وتکامل راکنار بگذارید و با ایمان باشید تابمقام شامخ آدمیت وعالیترین رتبه‌انسانیت برسید . **فلا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الا علون ان کنتم مؤمنین** پیغمبر (ص) فرموده **لاشرف اعلی من الاسلام .**

مسلمین صدر اسلام بتمام احکام عمل میکردند مصداق حقیقی مسلم درباره آنها صدق میکرد ولی هراندازه بنی‌امیه بیشتر دراحکام دین تفرقه انداختند وجعالین‌حدیث‌را تشویق کردند کارمسلمین بنقاق‌واختلاف کشید.

اسلام دین آزادی‌است

یکی ازمزایای اسلام‌آزادی عمل‌است دردین برخلاف مذاهب نصرانیت و یهود که این‌آزادی عمل را ندارد اسلام دین‌فطری وطبیعی است که فشار و اکراه واجباردرامرقبول‌دین ندارد ـ پروردگار منان بپیغمبرش فهمانید که‌منظوردین‌اسلام‌تقویت رشد عقلی وتعمق‌اندیشه‌وحدت‌ذهن وجودت فهم و ذکاوت است بنا براین اکراه و اجباری در قبول دین برای کسی نیست. اسلام میخواهد غرائزطبیعی‌بشررا بیدارکند و ازراه رشد عقلی‌آنهارا بمصالح زندگی هدایت نماید ولذا درآیات قرآن فشار وزور در اسلام ممنوع شده وبرای قبول دین‌خطاب شد :

ولو شاء ربك لامن من فی‌الارض کلهم جمیعا. افانت تکره الناس حتی یکونوا مؤمنین- وما کان لنفس‌ان تؤمن الا باذن‌الله ویجعل الرجس علی الذین لایعقلون ـ قل انظروااما ذافی السموات والارض وماتغنی‌الایات‌والنذرعن‌قوم لایؤمنون

سوره ۱۰ـ آیه۹۹

عقول وافکار بشر درفهمیدن دین و تشخیص تطبیق‌آن‌باطبیعت خود و احتیاج فطری با هم تفاوت دارد تمیز آنها درآیات فرق میکند بعضی‌سریع‌الانتقال وباذکاوت وبرخی کندذهن‌وبطیء الفهمند لذا ایمان آوردن یابحال کفرباقی ماندن افرادبشر يك‌نسبت مستقیم بافهم وعقل و شعور آنها دارد ـ وایمان مسلمانان بستگی وارتباط کامل بااندیشه وعقل‌آنهاداشته‌وآنها که تمیزمیدادند رستگار میشدند .

این آزادی عمل دراندیشه وخرد برای ایمان وقبول اسلام دراختیار مردم است وهیچ زور و فشاری نبوده‌ودرصدر اسلام باکمال میل‌وعلاقه‌ازروی برهان وحس دین‌را استقبال‌میکردند.

بنی نضیر ازملل یهودی حجاز بودند ومسلمین اولاد خودرا بآنها سپرده بودندچون قرار شدیهود ازحجاز بیرون بروند مسلمین خواستند اولاد خودرا پس‌بگیرند برخی‌بدین یهود گرویده بودند وآن‌ها می‌خواستند اطفال مسلمانان را ببرند و مسلمین میخواستند پس بگیرند این آیه نازل شد **لااکراه فی‌الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله**

فقد استمسك بالعروة الوثقى لاانفصام لها .

پیغمبر (ص) بیاران فرمود اولاد خودرا مخیر کنید تاهر کس دیانت یهودرا خواست اورا براسلام مجبور نکنید وبگذارید بابنی‌نضیر ازحجاز خارج شوند و هر کس مایل باشد باختیار و میل باسلام بر گردد وبامسلمین درحجاز بماند . (۱)

پیشوای اسلام میدانست درنتیجه همه باسلام خواهند گروید نهایت دیرو زود دارد هر کس اسلام راقبول کند رستگار و سعادتمند میشود وآنگاه دیرتر بپذیرد بزحمت می‌افتدلذا نباید فشار وزور واجبار در کارباشد باید اندیشه مسلمین وافکار آنهاتقویت گردد واسلام‌را ازروی برهان‌حسی قبول کنند و درجنگهای اولیه که همه حال مدافعه داشته هیچگاه دعوت اسلام اجباری نبود بعد هم که خلفا بجهانگیری قیام کردند اسلام اجباری نبود ومسلمین مردم مغلوب را مخیر بین پذیرفتن اسلام ودادن جزیه می‌نمودند .

اسلام هیچگاه درتسلط دینی بشررا مقهور عقیده خود نساخت بلکه بمحال دعوت وارامنه دلیل وبرهان وخیر وصلاح ازراه قرآن اسلام رابجهانیان معرفی کرد . پیغمبر اکرم (ص) درزمان حیات خود وائمهٔ طاهرین علیهم صلوات‌الله‌اجمعین همه براین‌سیره پیش میرفتند وباموعظه و نصحت وارقام دلیل وحجة مردم اسلام را قبول میکردند . ودرآیه ۲۲ سوره۸۸ می‌فرماید :

فذکرانما انت مذکرلست علیهم بمسیطر

تو ای‌پیغمبر پاك باید تذکر بدهی زیرا برای سیطره و تسلط نیامدی بلکه برای ایجاد آزادی و رشد عقلی آمدی وباید غرائز طبیعی‌ومعنوی‌بشررا بیداروتحریك وتقویت نمائی تاباتشخیص وسیر دین اسلام را بپذیرند ومصالح خودرا ازروی حس وشهود تشخیص دهند .

دراین پرورش آسمانی معلوم شد که پیغمبر خاتم النبیین مرد مهاجم و سلطان جهانگیر وفاتح حملدوری نبود که بخواهد برنفوس بشری سلطه یابد بلکه او پیغمبری بود که دینی آورده خاتم ادیان وقانونی کاملترین قوانین آسمانی وتمدنی استوارتر ازهمه مدنیت ها اما میخواست مردم باآزادی فکرواندیشه فارغ وخاطری آسوده دین‌را ازروی فهم وتتبع و تحقیق بشناسند وقبول کنند وبهمین دلیل‌بود که دین اسلام بزور شمشیر پیش نرفت بلکه بامنطق استدلال وبرهان قوی جهانگیر شدشمشیر برای منافقین و کفار وبت پرستان لجوج وعنود بود برای مردم دنیا دعوت علمی وعقلی درسایه آزادی عمل‌میشد دعوت کتبی نبود که همه سلاطین دنیااز علماء وحکماءوفلاسفه عالم استدلال وبرهان توحیدرا بپرسند وازروی معرفت قبول کنند بنا براین دین اسلام دین آزادی وعقل وبرهان واستدلال بوده‌است .

اسلام بشررا مکلف باداء وظیفه نموده است .

مکلف کسی‌است که‌بالغ‌وعاقل وآزادباشد وتکلیف‌آن‌بدین شرح است:

واجب - حرام - مستحب - مکروه - مباح

درباره وظایف اجتماعی و شئون اداری بشر این پنج اصل تکلیف هر فرد را معین کرده وچنانچه معرفت بشناختن این‌پنج اصل داشته باشد وهر کدام را بجای‌خوداعمال کندبرای همیشه ازعذاب وعقاب درامان خواهدبود وازنزاع و کشمکش واختلاف وارتکاب جنحه و جنایت مصون خواهد گردید وانجام‌این‌وظایف روی آزادی اندیشه وفکراست باید خود بشر بعقل خویش

۱- صفحه ۲۷۳ وحی محمدی

منافع ومضار راطبق این‌دستور تشخیص دهد وباتصادم شرور بشرهم اگر اصطکاك پیدا کرد بآداب شریعت رفتار کند تااز شرور آنها هم درامان بماند ودرحقیقت همانطور که فرمودند دین اسلام بشر رابا آزادی درتمام احتیاجات صوری ومعنوی مادی وروحی بی‌نیاز ساخته وراه وصول کمال حقیقت راباو نشان داده وازشرور وآفات وعاهات وفتن و حوادث نجات بخشوده است .

اسلام دین اندیشه و دانش است.
دین فکر و عقل است

اسلام‌دین علم وفضیلت‌ـدین اندیشه وفکرـدین دانائی وتوانائی ـ دین‌علمی وتفقه‌ـدین تحلیل وتجزیه‌ـدین‌رشد عقلی ورشدعلمی است . این‌ها یك سلسله حقایقی است که در طول ۱٤ قرن بظهور پیوسته .

درقرآن نام علم بصورت معرفه ونکره بیش‌از در۲۳ جاو صدها آیات مختلفه ذکر شده ومشتقات این لفظ بمراتب بیشتر ازآن آمده ـ لفظ علم ودانش درقرآن بمعنای اعم‌خود آمده وبرعلوم دین ودنیا اطلاق میشود . درعلومی که بیشتر درقرآن توجه بشررا جلب کرده علم ماوراء الطبیعه و علوم وصنایع است که۲۹ آیه‌دراین باره واردشد وعلم نجوم وهیئت وفلکیات که ۲۷ آیه درباره آن نازل شده است :

یکی ازمواردی که علم بمعنای عمومی ومطلق ذکر شده و متضمن ستایش وپند هائی است، می‌فرماید :

ولا تقف مالیس لك به‌علم ان‌السمع والبصر والفؤاد کل اولئك کان‌عنه‌مسئولا
آیه۱۷ــ ۳۷ سوره اسراء

آن چه‌را از روی بصیرت علم به‌آن نداری پیروی مکن ومقصود ازبصیرت دراینجا دیدن و شنیدن وبزبان واستدلال است تابرمعلوم خود محقق الوقوع باشد واگر جزاین‌شد ازتمام اعضای بدن توبازخواست میشود زیرا همه مسئول هستند .

راغب اصفهانی وبیضاوی مفسر معروف میگویند:« در تفسیر (لاتقف) گویندازروی پیروی و تقلید یابحدس وگمان ازچیزی که علم‌به‌آن حاصل نکردهٔ پیروی‌مکن» بلکه‌باید تتبع‌و تحقیق‌نموده مطالب را ازهم تفکیك کرده تجزیه وتحلیل نموده‌وهضم کرد .

درباره علم تاریخی میفرماید ـ **ائتونی بکتاب من قبل هذا او اثارة من علم ان کنتم صادقین** .

درباره علم مادی میفرماید : **ولکن اکثرالناس لایعلمون‌ـیعلمون‌ظاهراًمن‌الحیاة الدنیا ۳۰ - ٦**

درباره علم روحی‌میفرماید : **ویسئلونك عن‌الروح قل‌الروح من‌امرربی وما اوتیتم من‌العلم الا قلیلا ۱۷ ــ ۸۵**

این آیات ضعف دانش بشر وکم‌مایگی آنهارا درعلوم وفنون معنوی نشان می دهد .
شافعی می گوید :

کلما ادبنی‌الدهر ارانی نقص عقلی ـ واذا ما ازددت علما زادنی‌علماً بجهلی

هرقدر زمانه بیشتر مرا ادب‌می کند نقص عقل وخرد برمن آشکار می گردد وهرقدر بر دانش خود می‌افزایم پی‌بنادانی خود میبرم .

قرآن درعلوم‌عقلی وعلم نظری میفرماید: راهنمائی بدین علوم بادین ووحی است ودرباره

علوم طبیعی در آیه ۳۰ـ۲۲ میفرماید آثار طبیعی موجودات عالم بزرگترین آیات الهی است که خردمندان وبندگان صاحب نظر بدان پی‌میبرند .

اسلام قدر ومنزلت علمرا باندازهٔ بالابرده که برتر وبالاتر ازآن متصور نیست زیرا علماء راپس ازخودو فرشتگان نام برده ودر درجه سوم قرار داده و پیغمبران وفرستادگان خدا و حکماء و فلاسفه دراین طبقه هستند.

شهد الله انه لااله الا هو والملائکةواولو العلم قائماً بالقسط - ۳- ۱۸

یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات ۵۸ـ۱۱

بازهم علماءرا مورد احترام قرارداده برای دعا و نیازمندی دستور داده که‌اینطور بگویند. **وقل رب زدنی علماً** و طلب افزونی علمرا برتر وبهتر ازهرچیز قلمداد کرده است و همه چیز وهمه سعادت را درسایه علم ودانش شناخته درآیاتی بی‌شمار مقام علم وتشویق بتحصیل آن را تأیید کرده میفرماید :

وما یتبع اکثرهم الاظناً - ان الظن لایغنی من الحق شیئاً ۱۰ـ۳۶

درباره علوم منطقی وبرهانی قرآن بقدری قائل بتعظیم شده که باز داشتن و شرك بخدا را که بزرگترین گناهان وبدترین درجات کفر است بآن مقید کرده .

قل انما حرم ربی الفواحش ماظهر منها ومابطن والاثم والبغی بغیرالحق و ان تشرکوا بالله مالم ینزل به‌سلطاناً وان تقولوا علی‌الله مالا تعلمون ۷ـ۳۴

در خصوص حکمت مطلق و تعظیم شأن حکماء فرموده است : **یؤتی الحکمة‌من یشاءومن یؤت الحکمة فقداوتی خیراً کثیرا ومایذکرالااولوا الالباب(سوره ۲ـ۲۶۹)**

واین معنی‌را ازوظیفه پیغمبران قرارداده که‌دربعثت حضرت رسول (ص)میفرماید: برای‌آن اورا مبعوث کردیم که‌آیات مارا برمردم بخوانند وآنهارا تزکیه وتهذیب نماید ـ علم کتاب‌وحکمت را بآنها بیاموزد ـ بآنهائی که قبل ازفرا گرفتن این‌علم وحکمت گمراه ودر تاریکی بوده انـد . (سوره ۱۶ـ ۱۲۵) .

بپیغمبرش خطاب میفرماید: **ادع‌الی‌سبیل ربك بالحکمة والموعظة الحسنه** ـ مردم را بطرف فضیلت وکمال بخوان وآنهارا از پلیدی و فساد عقیده وکارهای ناشایست باز میدار و علل وعواقب وخیم گمراهی را بآنها نشان ده .

قرآن اول کتاب‌را که عبارت از تربیت دینی است مقدم داشته و پس از آن علم و حکمت تأکید وتشویق فرموده است زیرا حکمت اخص ازعلم است وآن عبارت ازپی‌بردن‌بحقیقت‌اشیاءاست و معنی فلسفه عملی که عبارت از روانشناسی وعلم اخلاق وپی‌بردن باسرار مخلوق واوضاع اجتماعی است برآن منطبق میشود.

اسلام میخواست فاصله علم وعمل‌را کوتاه کند و دانش را ببینش بپیوندد وکلمه فقه و تفقه که فهمیدن حقایق اشیاءاست وبصیرت کامل درآن است وجنبه تحقیق ودلیل وبرهان دارد در قرآن زیاد است .

چنانچه ده‌آیه درباب تفقه وفهمیدن احادیث وآثارومطالب علمی وکتاب آسمانی نازل‌شده است درسوره انعام‌آیه ۶۵ میفرماید **قل هوالقادر علی ان یبعث علیکم عذاباً من‌فوقکم‌اومن تحت‌ارجلکم‌او یلبسکم شیعاً ویذیق بعضکم بأس بعض انظر کیف نصرف الایات لعلهم یفقهون.**

اسلام دین برهان و استدلال است

درسوره ٤ آیه ۷۳ میفرماید : **یا ایها الناس قد جائکم برهان من ربکم وانزلنا الیکم نوراً مبیناً** این برهان روشن ودلیل متقن برقدرت آفرینش خداوند است که یك نوری بصورت کتاب مبین بر شما نازل فرموده .

درسوره نمل میفرماید : **امن یبدؤا الخلق ثم یعیده ومن یرزقکم من السماء والارض ءاله مع الله قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین** - سوره ۲۷ آیه ٦٤

بااین آیات مقام استدلال وبرهان درعلم وحکمت وکتاب آسمانی بخوبی روشن است که اسلام دین برهان وگواه دین شاهد استدلال است ونخواسته بشررا کورکورانه وجاهلانه مطیع و پیرو سازد وهمین دلایل منطقی و براهین فلسفی درآفرینش و تحولات جهان طبیعت بهترین گواه حقیقت این‌دین و تفوق آن برسایر ادیان آسمانی ومتضمن سعادت‌ابدی بشری‌میباشد .

اسلام دین عقل وخرد - دین قلب‌ووجدان - دین‌ضمیرروشن واندرون صاف است‌ودرقرآن بیش از صد مورد قلب ودل ذکر شده ومحل تابش‌نور قرآن را در آن ضمیر پاك معرفی کرده چنانچه می فرماید :

ان فی ذلك لذکری لمن کان له‌قلب اوالقی السمع وهو شهید - سوره‌ق آیه ۲۷

در سوره شعرا آیه ۸۸ میفرماید :

یوم لاینفع مال ولابنون الامن اتی‌الله بقلب سلیم -

در اکثر ازاین آیات دلهای مؤمنین رابخشوع و اطاعت وتوجه نسبت بپروردگار جلب کرده وپاك‌شدن‌ازتمام‌آلوده گی‌ها وشبهات‌را باین‌صفای درونی دانسته وقلوب کفار ومنافقین رابغل و غش و نقطه های سیاه سختی توصیف فرموده که تا ایمان نیاورند و توجه نکنند سفید و نورانی نمیشود .

بنابراین اسلام دین عقلی وبرهانی ودلیل آزادی وصفای باطن است وهرکس اسلام را پذیرفته از روی میل واراده وآزادی وعقل و برهان بوده هیچکس ازبشر اسلام را ازروی کراهت و اجبار قبول نکرده است.

اسلام تقلید وپیروی ازپدران ونیاکان را نیز منع کرده و آزادی اندیشه و فکر رابرای گرویدگان باسلام اختصاص‌داده .

اسلام برتری علم‌را برهرچیز برای حصول یقین و بدست آوردن استقلال عقل و فکر و آزادی وجدان وخواستن دلیل وبرهان ثابت کرده ولزوم دین‌را باعلم‌وایمان و با تهذیب نفس ثابت کرده است .

اسلام درعین‌حال جنبه عدالت ومیانه‌روی را در تمام امور وشئون اجتماع رعایت کرده وافراط وتفریط را در هرحال منع فرموده است :

اگر ماامروز باندازه نسبی جمعیت مسلمین دانشمند کافی داشتیم که اسلام‌را بصورت حقیقتی علمی و عقلی خود جلوه میدادند قطعا مردمان آزاد جهان وعلماء ودانشمندان ملل دیگر گروه گروه باسلام می گرویدند . زیرا امروز روش پرورش وآموزش درتمام عالم براساس آزادی فکر واندیشه ووجود دلیل وبرهان ومنطق قوی قرار گرفته و جوانان و مردان امروز از جمود و رکودعقلی‌وفکری بعالم آزادتری‌قدم گذارده‌اندواگرحقیقت به‌آنها گفته شودمی‌توانندآن‌رادرك کنند .

این وظیفه علماء بزرك ومفتیان درجه اول وپیشوایان روشن فکراست کهاول اسلام را بصورت حقیقی خود درآورند واز تعینات وپیرایه های بی‌مورد که‌بدین وعلماء تعلق گرفته‌جلوگیری نمایند و شاخ‌وبرگهای عاری رابرطرف کنندوهمان دین فطری‌حقیقی‌عقلی‌راکه‌منطبق بسرشت‌بشری وضع شده وپیغمبر اکرم (ص) بمردم می‌آموخت بمردم نشان دهندودرراه نشراین‌حقیقت فداکاری نمایند تابببینند چگونه دنیا بزودی از اسلام استقبال می‌نمایند وآنگاه همای سعادت دین اسلام بالای سر بشر بالوپر میگشاید .

در اثبات حقیقت اسلام

قل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر انا اعتدنا للظالمین نارا احاط بهم سرادقها وان یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل یشوی الوجوه بئس الشراب وسائت مرتفقاً آیه ۲۹ سوره کهف

حقیقت رابگوئید برای تمایلات نفسانی خود ودیگران کتمان حق نکنید -حق‌رابگوئید تامردم بشنوندهرکه بخواهد ایمان آورد وهرکه نخواهد کافرشود . ماهستیم که‌برای ستمکاران آتش برافروخته آماده ساخته‌ایم که سراپرده آنهارا احاطه کند وکفار رادرمیان گیرد واگر فریاد واستغاثه کنند باآبی که چون فلز گداخته است صورت‌آنها رابریان کنند واین بدتکیه گاهی‌است و بد آب آشامیدنی است - این‌است جرم کتمان حق وتکذیب حقیقت که آن هم بدست خود فراهم میکنند .

این درس قرآن است که باید حقیقت‌را گفت یك‌روزی‌فردیااجتماعی باین گفتارپی‌میبرند وتشخیص حق میدهند - باید اتمام حجت کرد تاعذری درمحکمه عدل الهی ودیوان محاسبات حق نباشد وهمین حقیقت مارابرآن داشت که‌این اوراق را بنگاریم وملل عالم رابااین‌حقیقت دعوت کنیم وهمه مذاهب رابسلم وصلح وصفای اسلام بخوانیم و مطمئن هستیم و یقین داریم که‌روزی همه بشر درسایه سلم وصلح اسلام پناه خواهند آورد .

اکنون بیك‌زبان ساده حقانیت اسلام وبرتری ورجحان آن را برسایرادیان بیان میکنیم :

هرعاقل وخردمندی، هردانشمند ومتفکری معتقد و متفق است براین که‌اثر بدون مؤثر نیست مصنوع بدون صانع محال عقلی است وبااین حس‌عقلی وجود تمام ممکنات ومخلوقات باید مصنوع‌و مخلوق خالقی باشد وآن صانع‌وآفریننده‌هم باید عالم، وقادر و حکیم بالذات باشد تانیازی بکمك وشریك ومعاونت نداشته باشد بااراده ومشیت مطلقه خود موجودات رااز کتم عدم بعرصه وجودآورد لباس امکان بپوشاند ویقیناً همانطورکه این اطاق یکروزی نبوده و امروز باین صورت حافظ مااز سرما و گرما وحوادث است ومصالح ساختمانی آنهم نبوده بوجود آورده وساخته‌اند.

یکروزی عالم کبیر وعالم‌صغیر هم‌نبوده ومصالح **اولیه آن باراده مطلقه الهیه که: اذاراد شیئاً ان یقول له کن فیکون** از نیستی هست شده و باینصورت منظومه های شمسی درآمده وزمین مرکز آفرینش عناصر وموالید گردیده واشرف مخلوقات آدم شده‌است و برای حفظ نظام اجتماع عالم ونتیجه آفرینش وجلوگیری ازوقوع قتل‌وفساد وتعدی وتجاوز بیکدیگروبرای آنکه هر بشری حدود خودرا بداند وازحد تجاوزنکند ووظیفه‌خودرا بشناسدواقدام‌بانجام‌آن‌بنماید‌باید‌حدودتکالیف هرکس بوسیله یك‌شخصیت برگزیدهٔ ازجنس خود بشر باقوانینی که ازمخزن علوم غیبی باو تلقین و وحی شده باشد معین وبدون نظر ابلاغ نماید.

درنظام اجتماع بشری این وظیفه بزرك تعبیر بسنت آسمانی‌شده که پیغمبرانی برای ارشاد و هدایت بشر یکی پس‌از دیگری فرستاده‌اند وهریك وظیفه خودرا درابلاغ رسالت انجام داده‌اند چون باید پیغمبر ازجنس خود بشر باشد تاباحواس‌ظاهره‌وادراکات باطنه اورا به‌بینند وبشناسند ودرك کنند وسخنان اورا بگیرند وسرمشق قراردهندقرآن‌صریحاً بیان‌فرموده: **هو الذی ارسل رسوله بالهدی ودین الحق .**

هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته ویزکیهم ویعلمهم الکتاب والحکمة وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین ۳ سوره جمعه

وچون بنی‌آدم بمنطوق **ولقد کرمنا بنی آدم وحملناهم فی البر والبحر** برسایر مخلوق بادراکات عقلانی تقدم و تفوق داشت سرحلقه ولایت مطلقه الهیه را باو داد و برگزیدگانی از اولادآدم را مأمور ارشاد وهدایت فرمود تابمقتضای حکمت‌الهی‌وعقل‌وظیفه‌تبلیغ‌را انجام‌دهندخداوند میدانست هرکس را چگونه وبرای‌چه‌کاری برمیگزیند وانتخاب ومأمور میفرماید که **الله اعلم حیث یجعل رسالته** این رسول وپیغام آور رابنام خلیفه و نماینده در مکتب ربوبی خود تربیت کرد تاازهرحیث کامل ومکمل گردید وبابیان **انی جاعل فی الارض خلیفة** صفوفی ازانبیاء ورسل بپیشوائی بشر برانگیخت تاراه وروش تکامل وسعادت را بیاموزند.

درتمام ادوار عالم آفرینش سلسله انبیاء بایك هدف ویك وحـدت کلامی متفق‌القول بشر را دعوت بتوحید و یگانگی خدا نموده وروش پرورش سعادت آمیزرا ابلاغ کرده‌اند. این طایفه فاضله بشری عالم **بماکان ومایکون وماهو کائن الی یوم القیمة** بوده‌همه در وحدت فکر وقول وعمل بـدون کوچکترین نقطه ابهام و اختلافی در طول هزاران سال آدمیان را بکمال مطلوب خود راهنمائی کرده‌اند .

پیغمبران کوشیده‌اند کـه مفاسد اخلاقی بشر را اصلاح نموده ورفتار آدمیان را براهی که متضمن سعادت آنها باشد رهبری کنند.

بنابراین منظور از ارسال رسل وانزال کتب آسمانی رهبری بطریقه توحید بود که درسایه‌آن آن‌میتوان‌بسعادات دیگر نائل گردید و چون توحید تثبیت شد بحث‌رسالت پیش میآید که بشرمعتقد برسالت انبیاء گردد وآنها هستند که بایك جنبه یلی‌الحق ازجانب خدا گرفته‌وبجنبه‌یلی‌الخلقی ببشر ابلاغ کرده‌اند.

برای معرفی خود از همان علم واراده الهی استفاده کرده قدرت وخرق عـادت نشان میدهند تابشر آنهارا برسالت بشناسد ولذا هرپیغمبری معجزهٔ داشته که دیگران از آوردن مثل آن عاجز بوده‌اند وهمین اعجاز سبب اطاعت وپیروی مردم گردیده است و این سنت ازآدم ابوالبشر تاخاتم الانبیاء بمرور زمان ادامه داشته و بـرازندگان این طبقه بنام اولوالعزم عبارت از حضرت نوح و ابراهیم وموسی وعیسی ومحمدبن عبدالله خاتم‌النبیین بوده‌اند وچون مراتب توحید باقانون گزاری آسمانی ازنظر حفظ انتظام امور اجتماع بشری مقرون برتحکیم مبانی قانونی بوده اورا خاتم نبوت قرار داده‌اند ــ وقران که حاوی تمام نیازبشری درشئون مختلف زندگی میباشد معجزه خالده باقیه او قرار داده وبافصاحت و بلاغتی که عرب بفهمد وتعقل نماید بآنها آموخت که **انا انزلناه قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون**

دراین قرآن همان وحدت کلمه و وحدت نظر پیغمبران سلف که نامشان تا۳۵ نفر درقرآن

بالصراحه نقل شده ازقصص واخبار امم وملتهای گذشته و کشف اسرار ونیات مردم و اخبار بمغیبات واطلاع برعلوم ومعارف واحکام واخبار از نصرت پیغمبران مخصوصاً پیغمبر خاتم در غزوات ومواطن کثیره و تعیین کعبه بقبلهمعظمه برای توجه مردم درعبادات تاروز قیامت وبیان بعثت و معاد و حشرو نشر همه مراحل تکاملی‌را ازمبدأ تامعاد صریحاً بیان فرموده است آنگاه تصریح کرده که **ان الدین عندالله الاسلام** واضافه فرموده که **ومن یبتغ غیرالاسلام دیناً فلن یقبل منه وهوفی الاخرة من الخاسرین** هر کس غیراز این دین که امروز تکمیل‌شد دینی بپذیرد ازاو قبول نیست‌و زیان کار است وبرای تحکیم مبانی این گفتار قرآن‌را بعظمت یاد کرده بصورت تحدی فرموده **بگو: قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یأتوا بمثل هذا القران لایأتون بمثله ولو کان بعضهم لبعض ظهیراً .**

ای‌پیغمبر بگو اگر جن‌وانس جمع شوند که قرآنی یا آیه‌ای مثل‌این قرآن بیاورند نخواهند توانست حتی‌یك آیه‌بیاورند اگرچه همه پشتیبان یکدیگر قـرار گیرند وما شرح اعجاز قرآن و عظمت آنرا درکتاب پیشوای اسلام وتاریخ قرآن نگاشته‌ایم.

قرآن میفرماید اگرمردم دراین حقیقت شکی‌دارند بروند وبکمك وحمایت همیك آیه‌مثل آن رابیاورند وازاهل کتابهای سابق بپرسند آیامیشود باقرآن‌معارضه کرد؟؟

وان کنتم فی‌ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله اگر در شك و تـردید هستید براین قران‌که فرستاده بامر بنده و رسول مـا میباشد شما هم یك آیـه مثل آن را بیاورید .

این دلایل وبراهین برتمام عقلا و دانشمندان ملل و پیروان مذاهب مختلفه ثابت گردیده و جای ابهام ونقطهٔ تاریکی ندارد مگر جهل برقران ودین اسلام حتی- اهل کتاب یعنی‌یهود و نصاری توصیف وتمجید پیغمبر خاتم‌النبیین‌رادرکتاب خود دیده وخوانده بودند وچون پیغمبر اسلام ظهور کرد آثاراورا منطبق بابشارات تورات وانجیل دیدند وعلمای آنها یقین‌حاصل کردند که این همان **محمدخاتم‌النبیین** است اما جمعی از آنها که روی حقد و حسد بنفاق وشقاق پرداختند، بآنها خطاب شد:

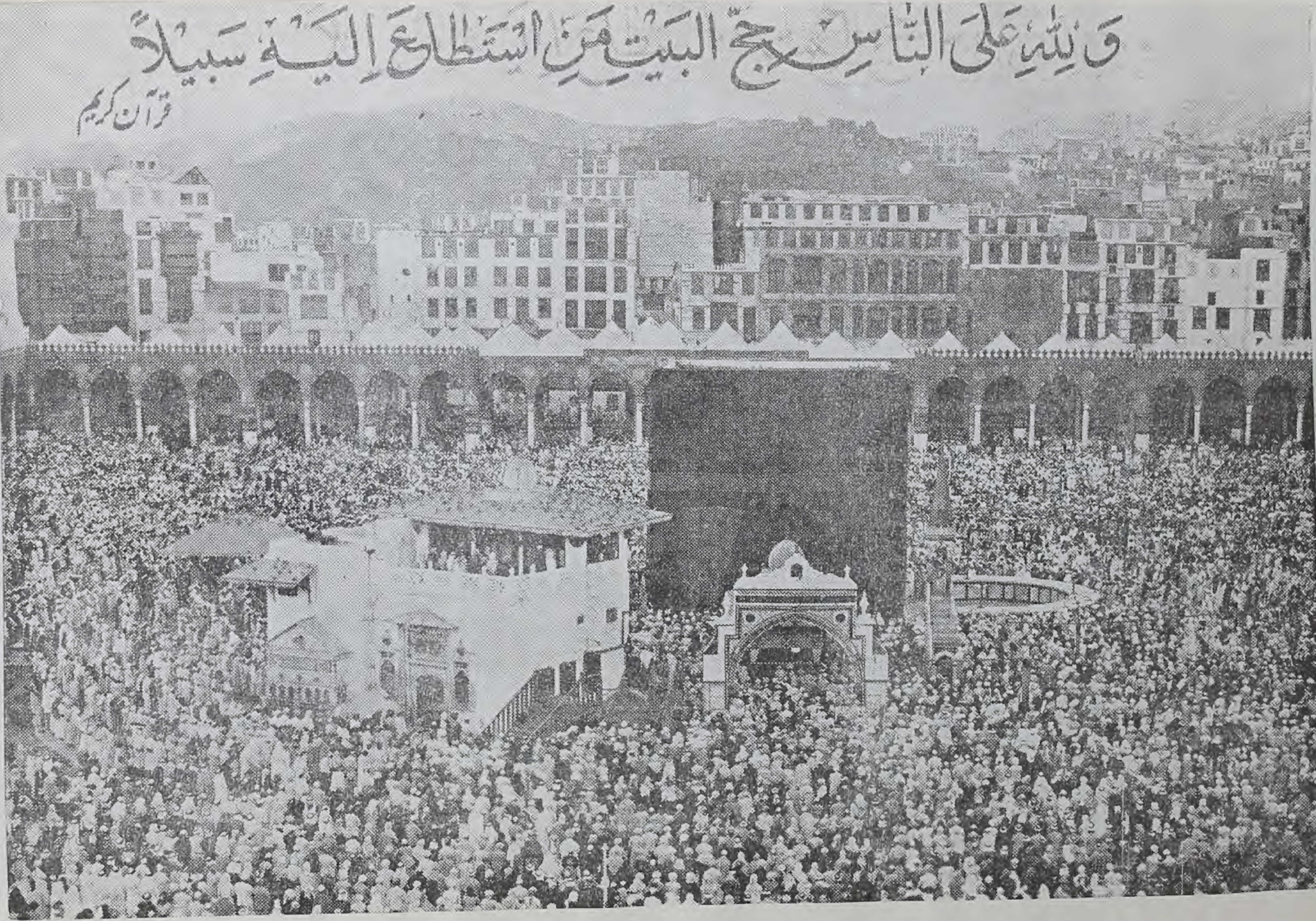
ان‌الدین عندالله الاسلام وما اختلف الذین‌اوتوا الکتاب الامن بعدمـاجائهم العلم بغیاً بینهم ومن یکفر بآیـات‌الله ان‌الله سریع الحساب

فرمود دین پس‌از خاتم‌النبیین فقط‌اسلام است و کسانی که ازروی حقدوحسد وحب‌جاه اختلاف نموده وآیات قرآن را انکار کرده وکافر شدند بدانند که خداوند سریع الحساب است وبرای‌آنها که‌حق را کتمان میکنند عذاب الیمی مهیاست که آنهارا فراخواهد گرفت.

فمن‌حاجك فیه‌من بعدماجائك من‌العلم‌فقل تعالوا ندع ابنائناوابنائکم‌و نسائناو نسائکم وانفسناوانفسکم ثم نبتهل و نجعل لعنةالله علی‌الکاذبین

ای‌حبیب‌مامحمد (ص) هر کس باتو درباره دین وقرآن احتجاج کرد وباآنکه بدلیل وبرهان ومنطق روشن حقایق برآنها روشن شده بگو مباهله میکنیم شما زن و فرزند خود را بیاورید منهم زن‌وفرزند خودرا میآورم تابه‌بینیم خداوند کدام یك‌مارا مقدم میدارد.

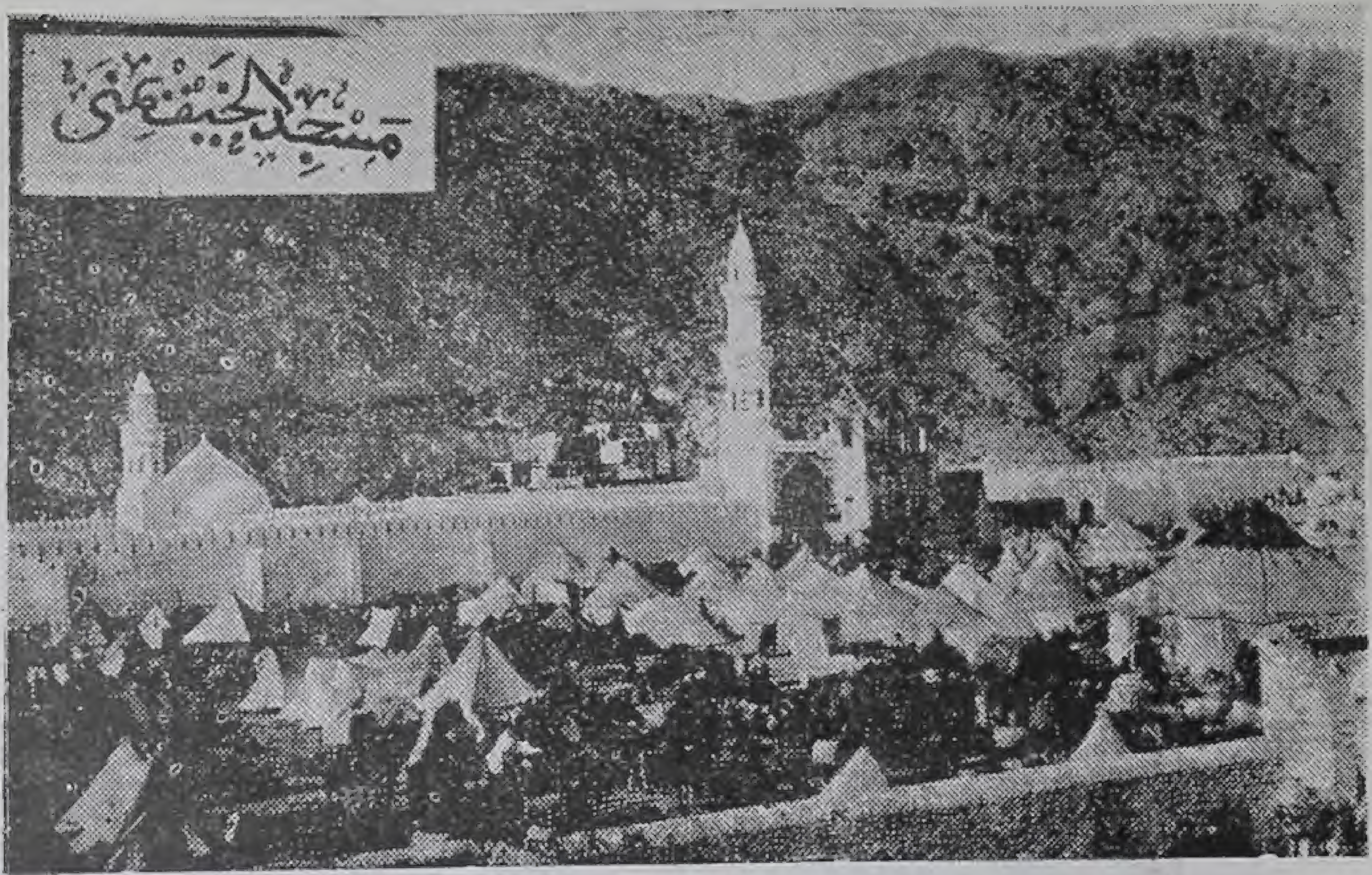
نصاری‌چون دیدند پیغمبر بـادخترش فاطمه وداما‌دش‌علی ودو فرزندش حسنین قدم بمیدان مباهله‌گذارد همه دهشتناك معذرت خواسته واکثریت آنها اسلام را از جان ودل



اولین مسجدی که درروی کره زمین ساخته شده است ومطاف مسلمین جهان ... ۱۳۶۲



عرفات محلی که قریب [illegible]



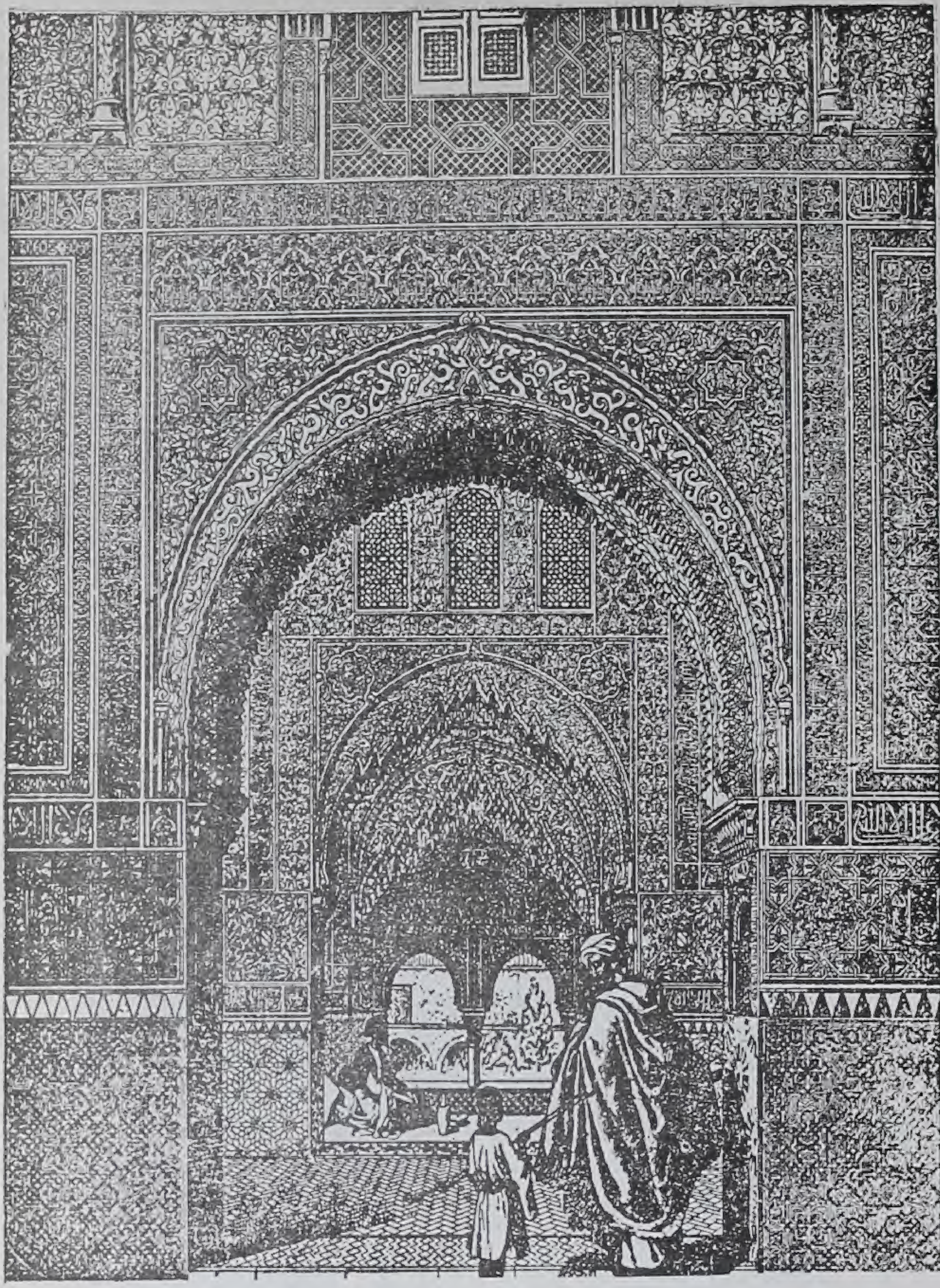
مسجد خیف دردامنه کوههای مکه معبد پیغمبران بود



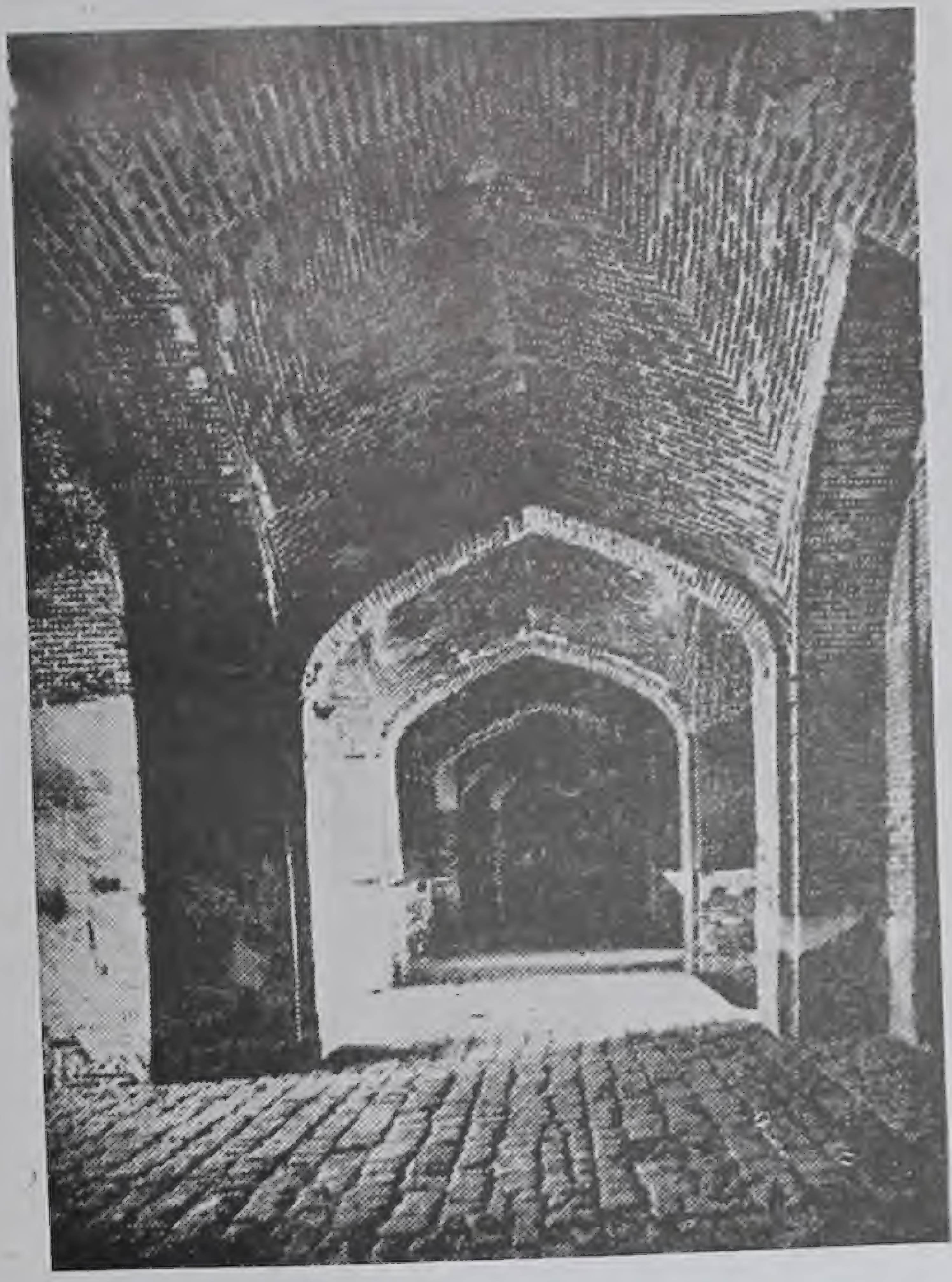
داخل مسجد قرطبه که اکنون بکلیسای اعظم تبدیل یافته



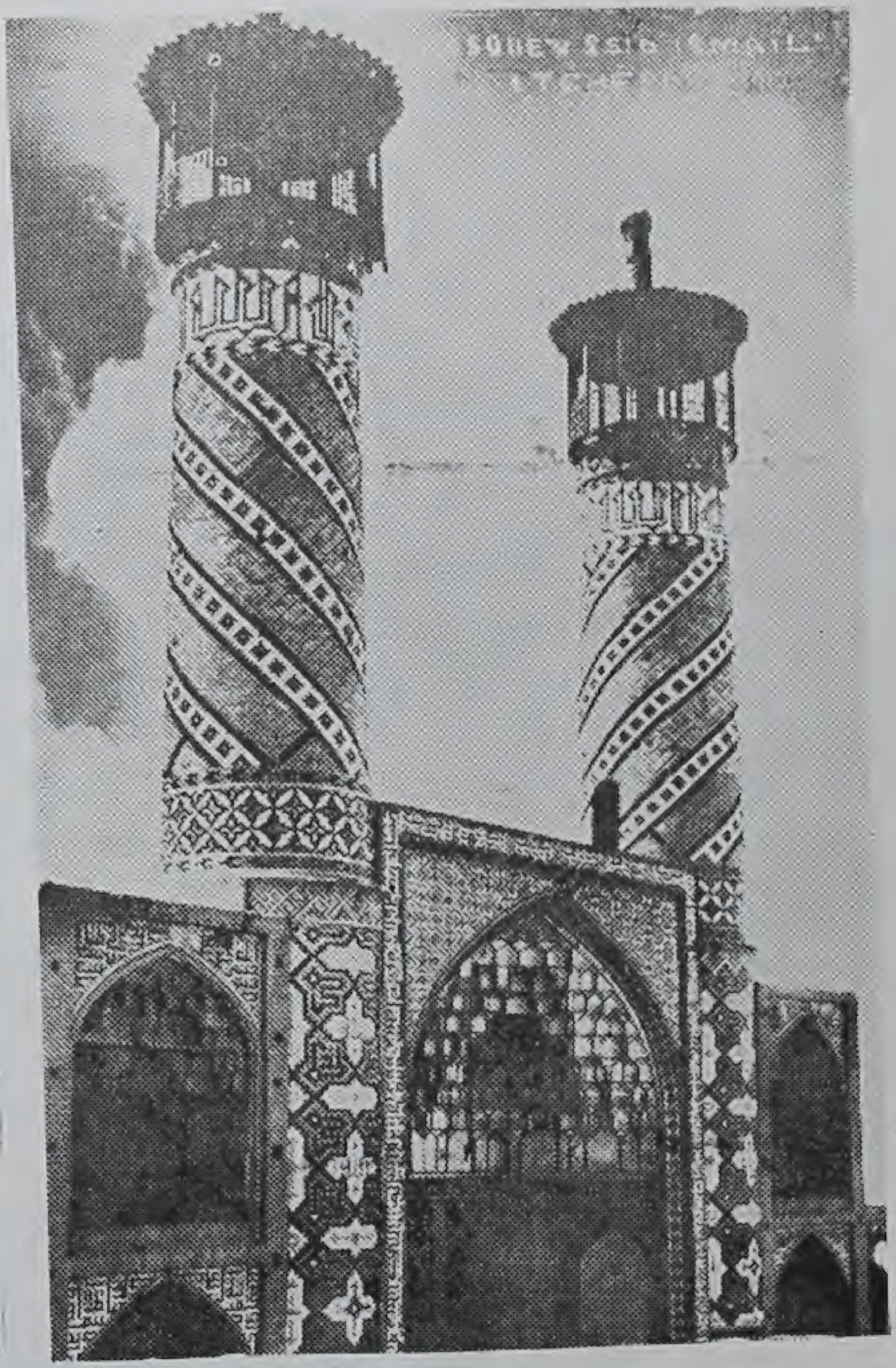
مسجد خالدی در غرناطه اندلس



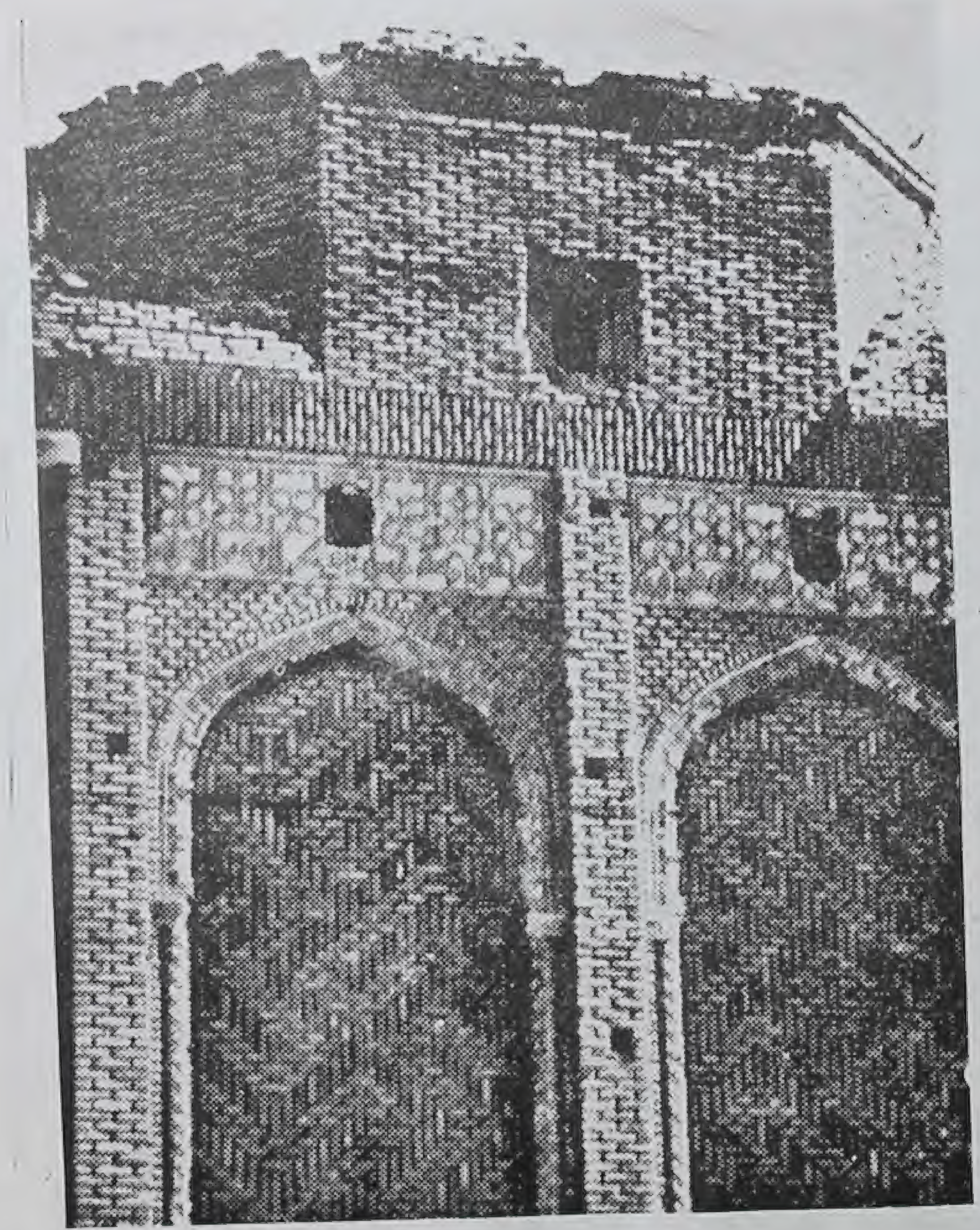
تالار دوخواهر درالحمراء



مسجد جامع قزوین



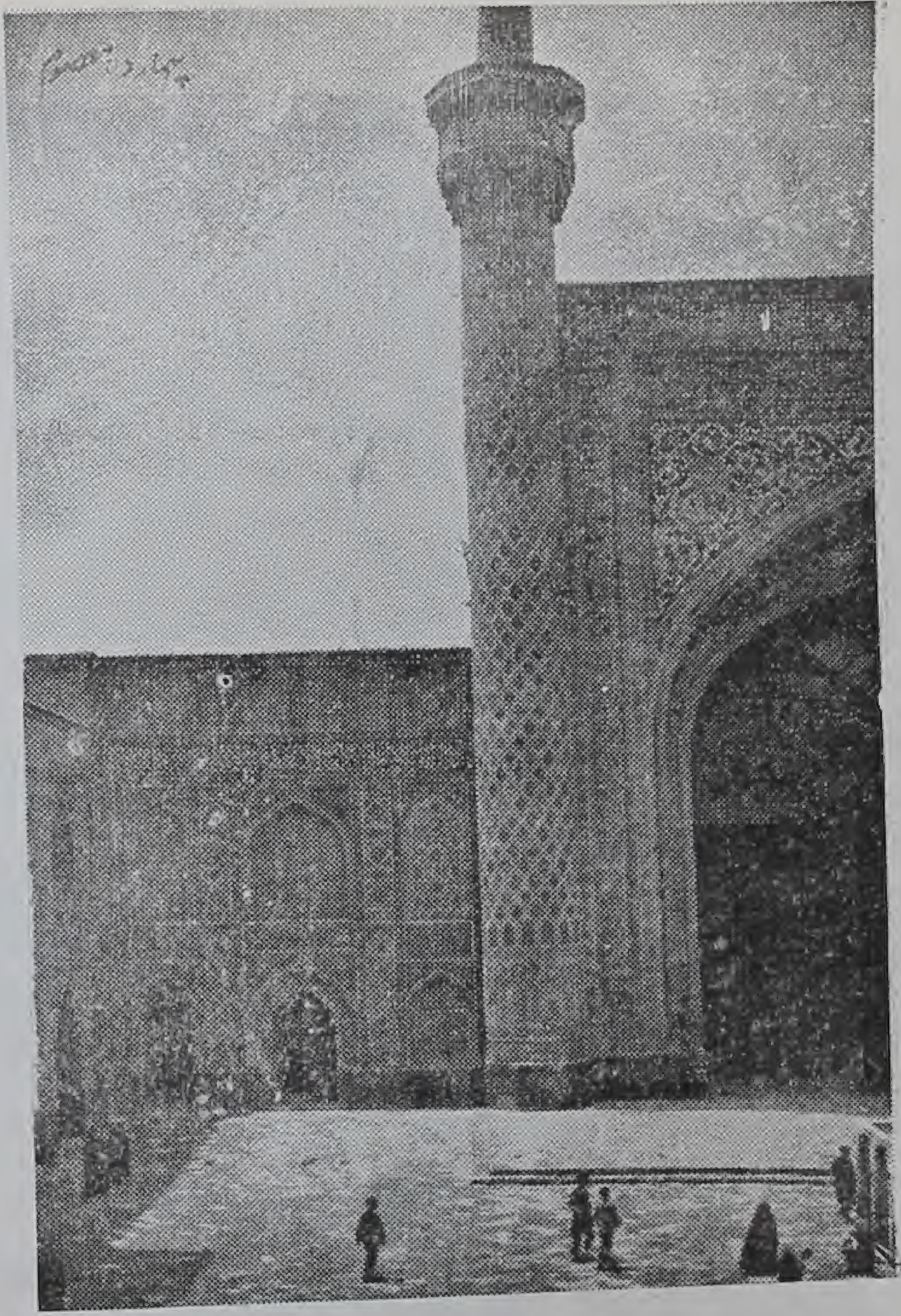
قم



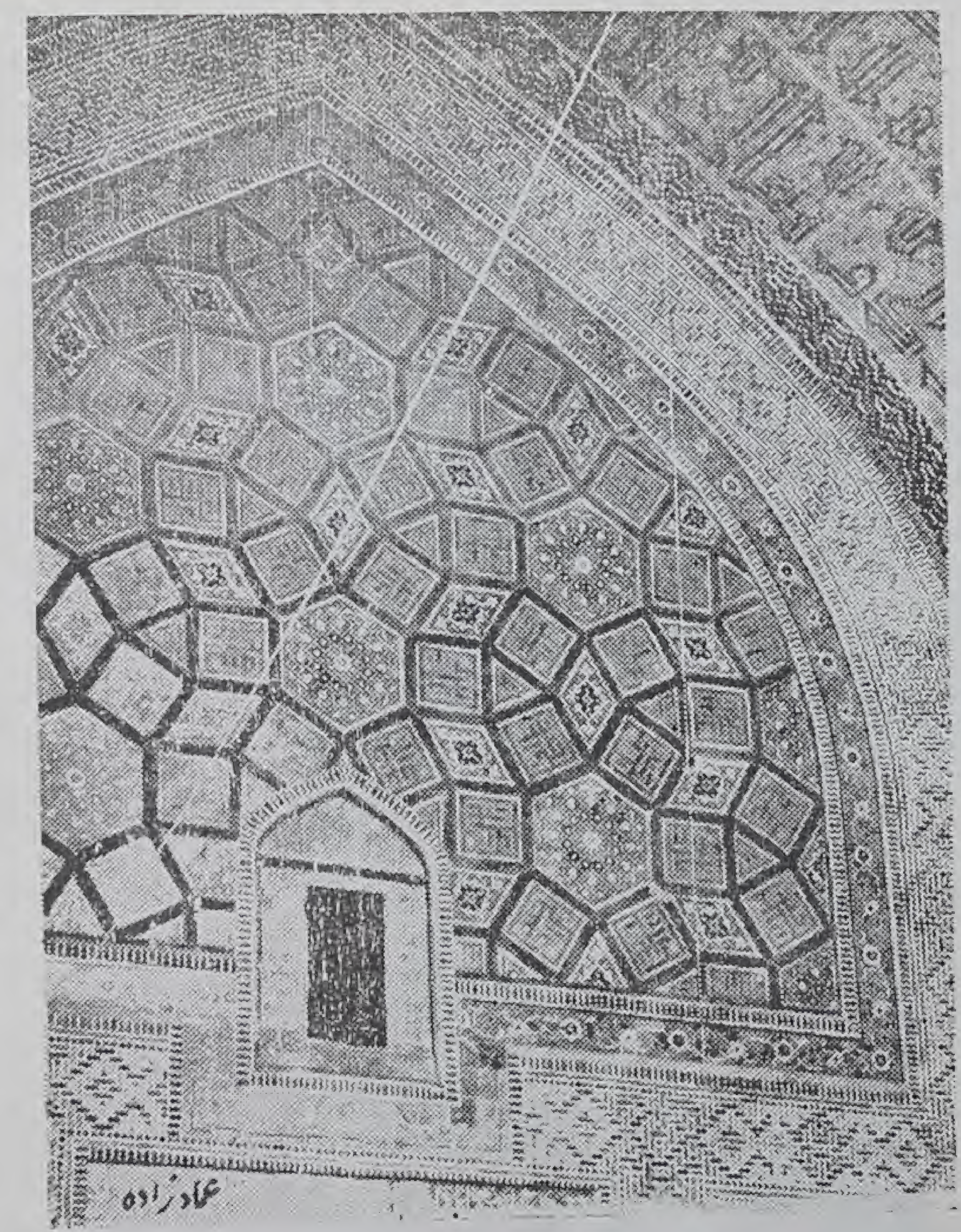
مسجد مراغه



مسجد حنیف در منی که مقبره هفتاد پیغمبر است و محل ذبح اسماعیل بود

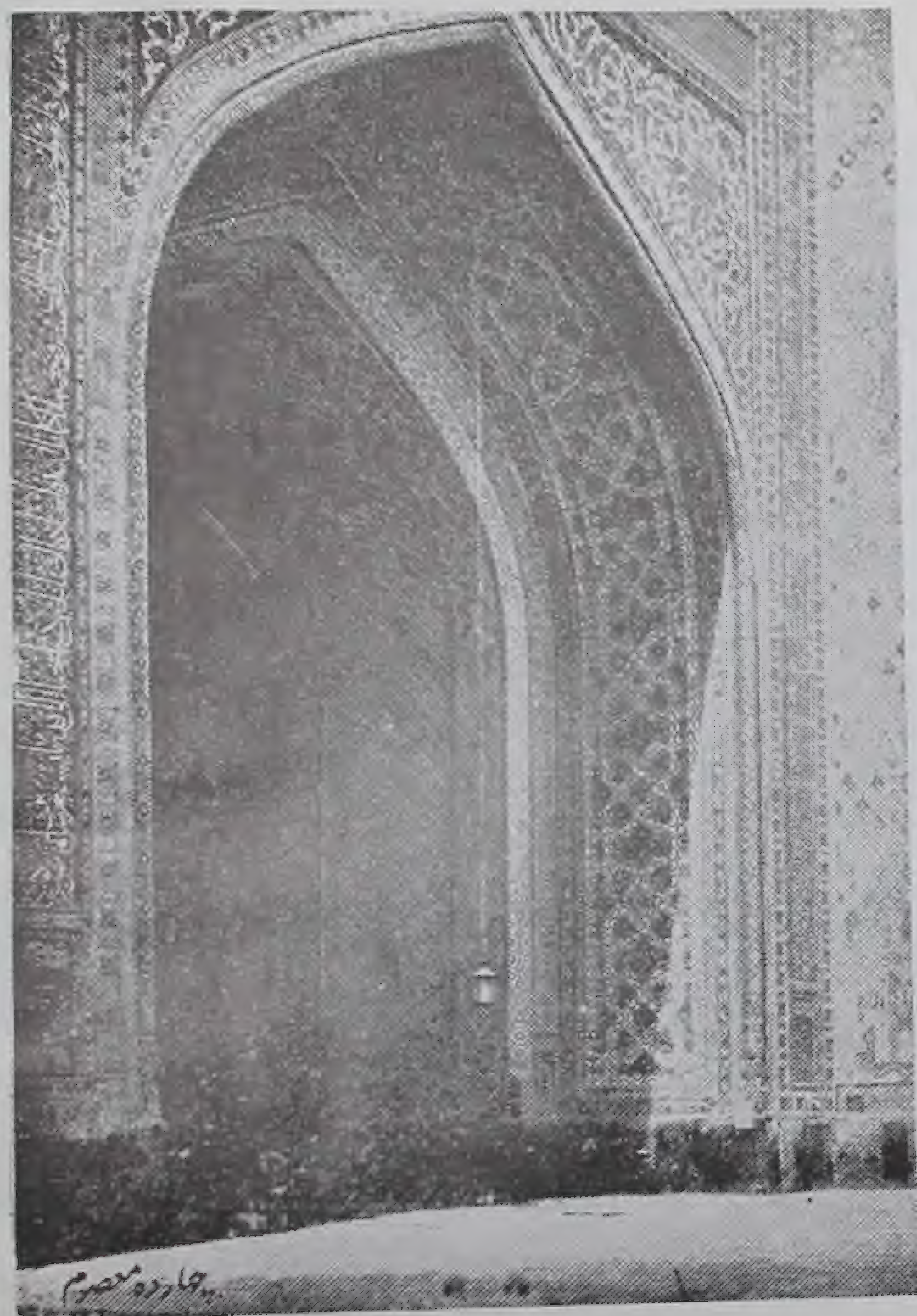


مسجد مشهد

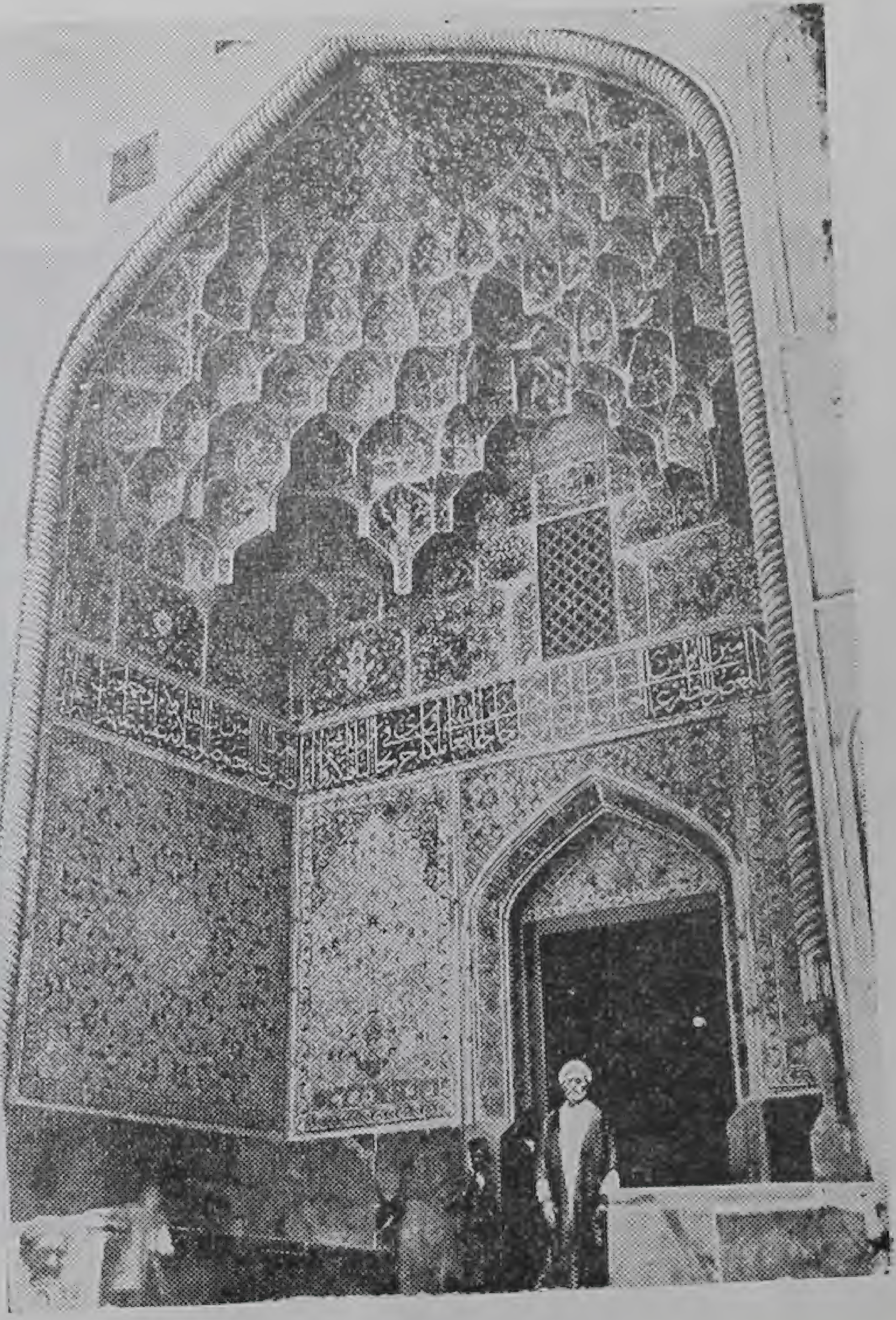


کاشی کاری مسجد گوهرشاد مشهدرضوی

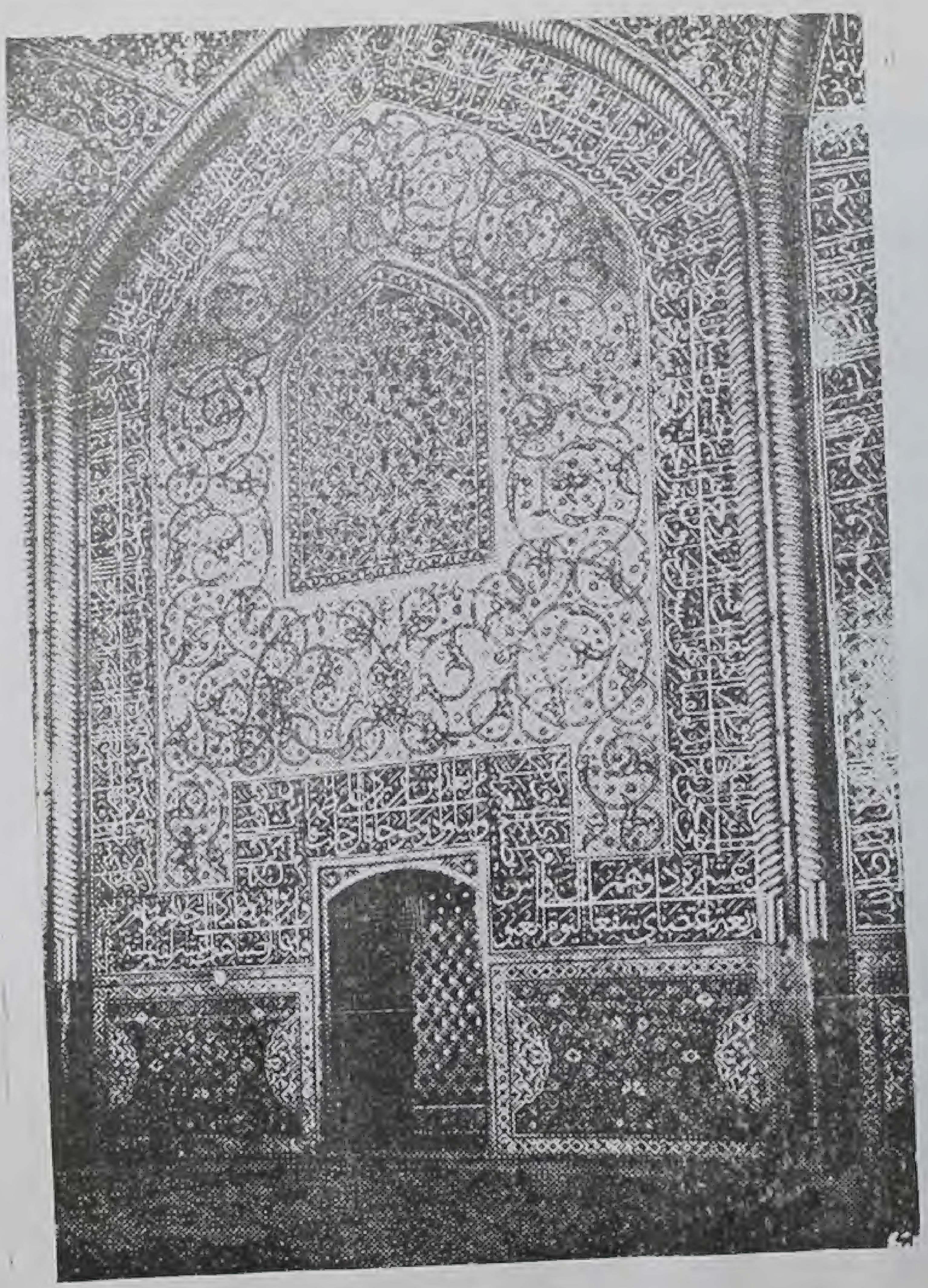




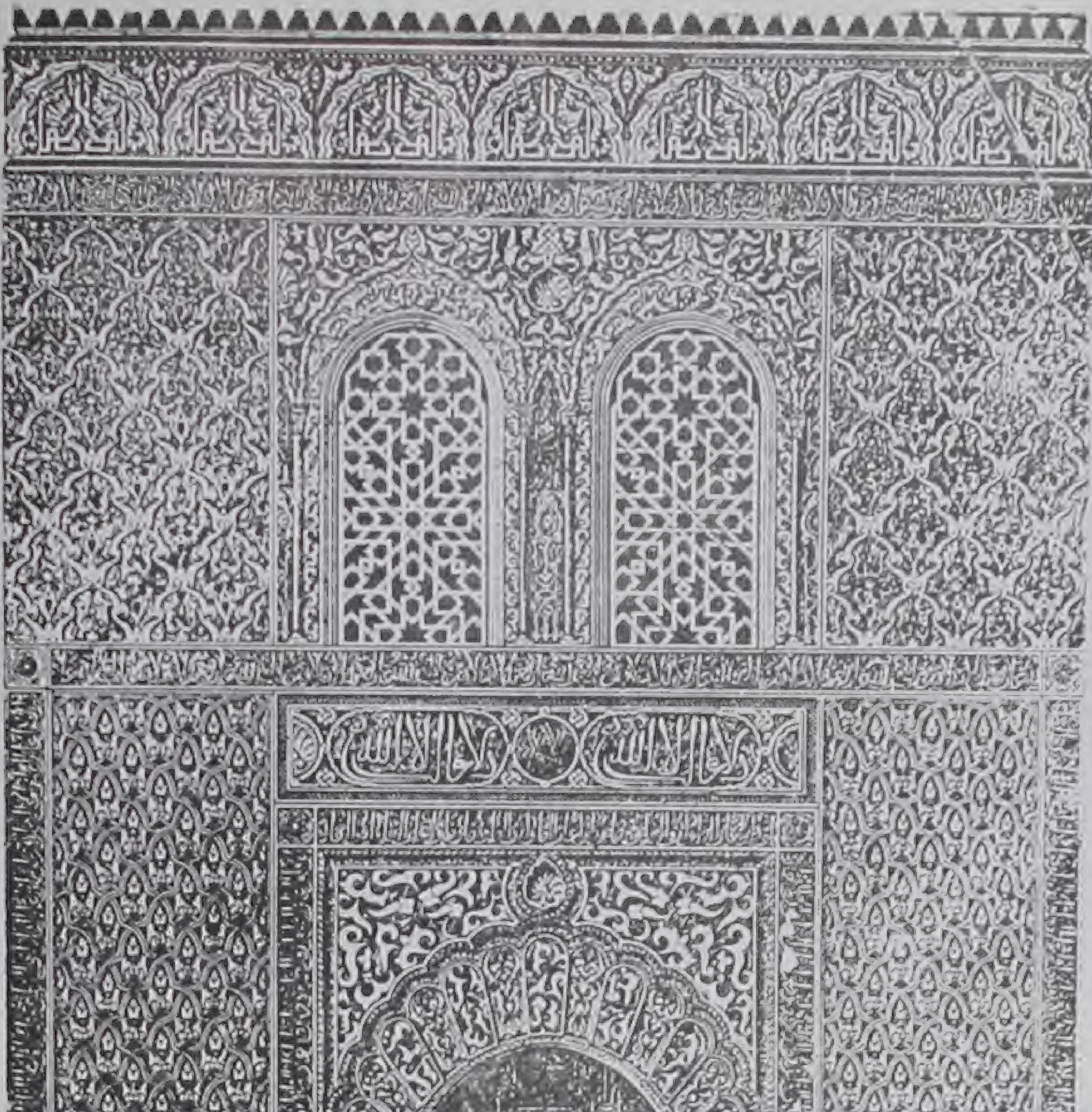
مسجد گوهرشاد



مسجد شیخ لطف الله

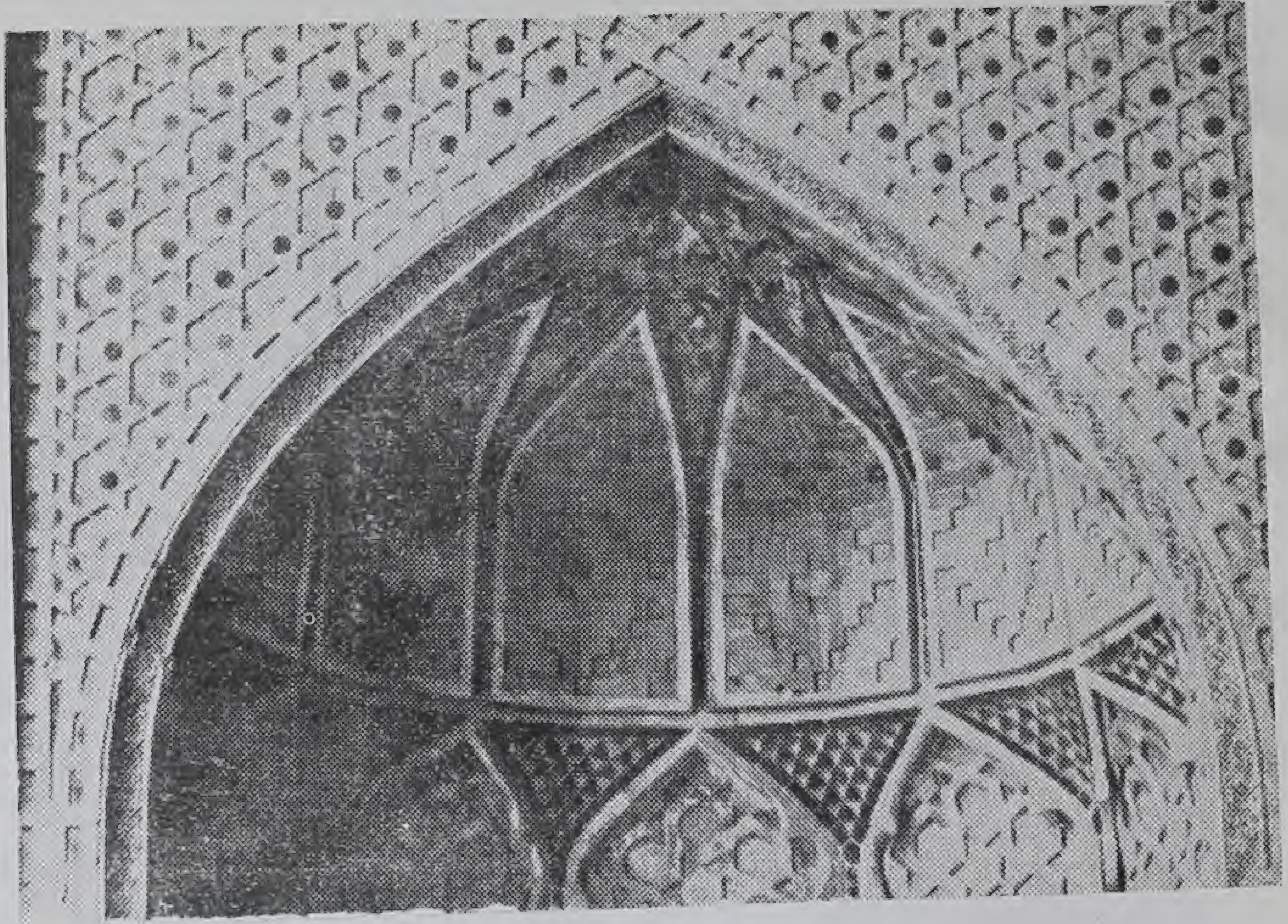


مسجد شیخ لطف الله

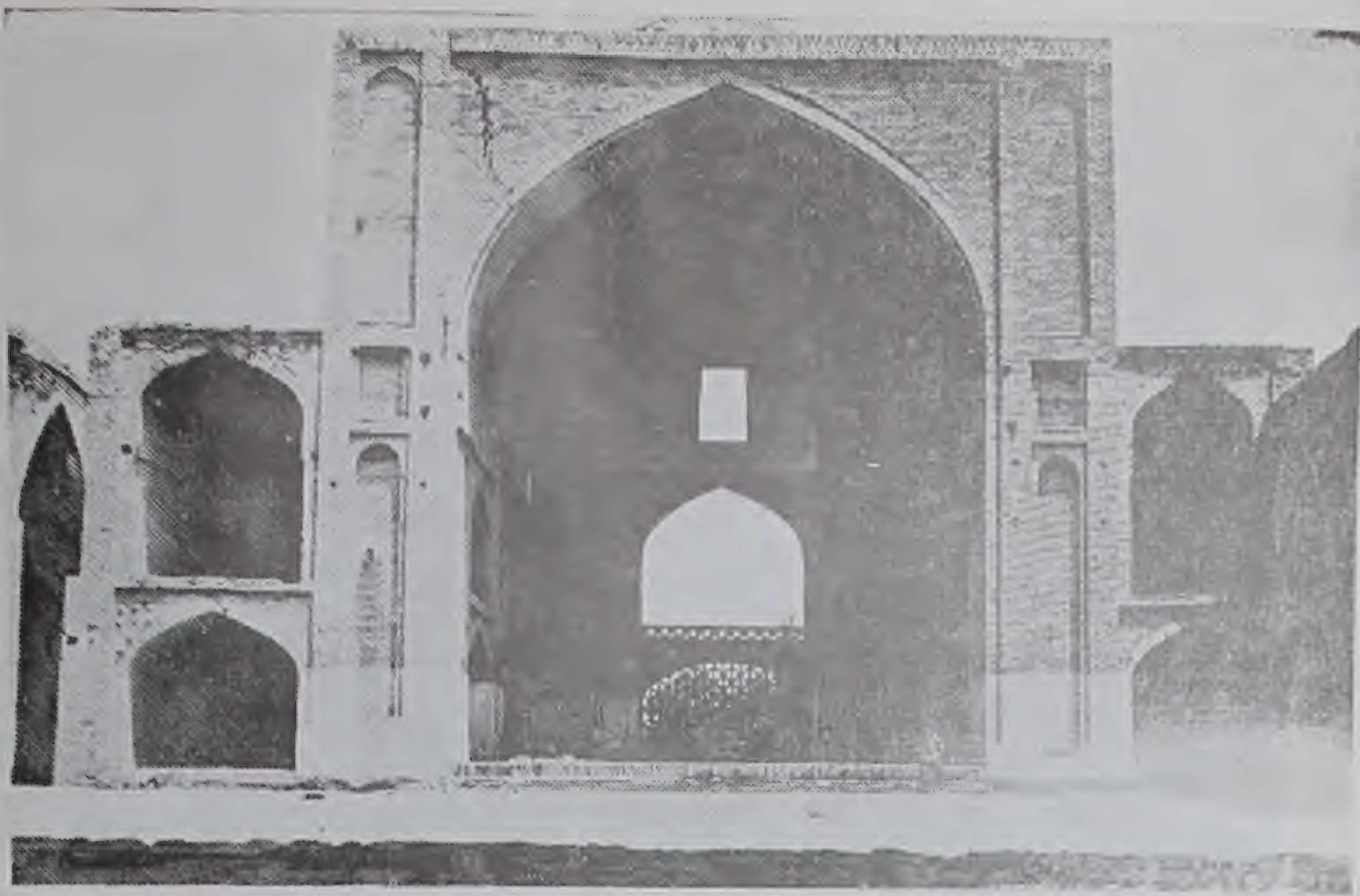


محراب مسجد مقدس الحمراء در قرناطه شاهکار فن معماری و هنر

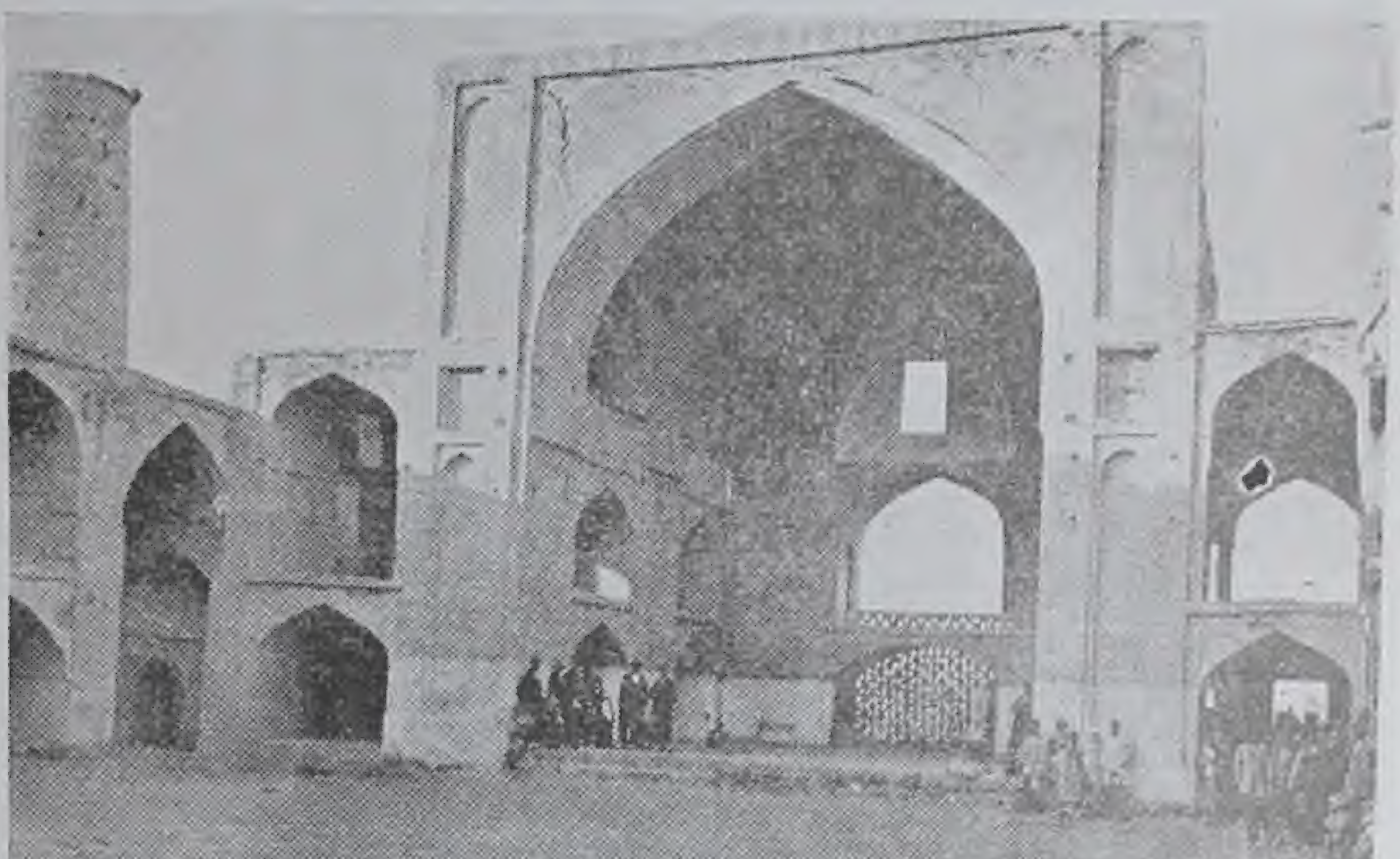




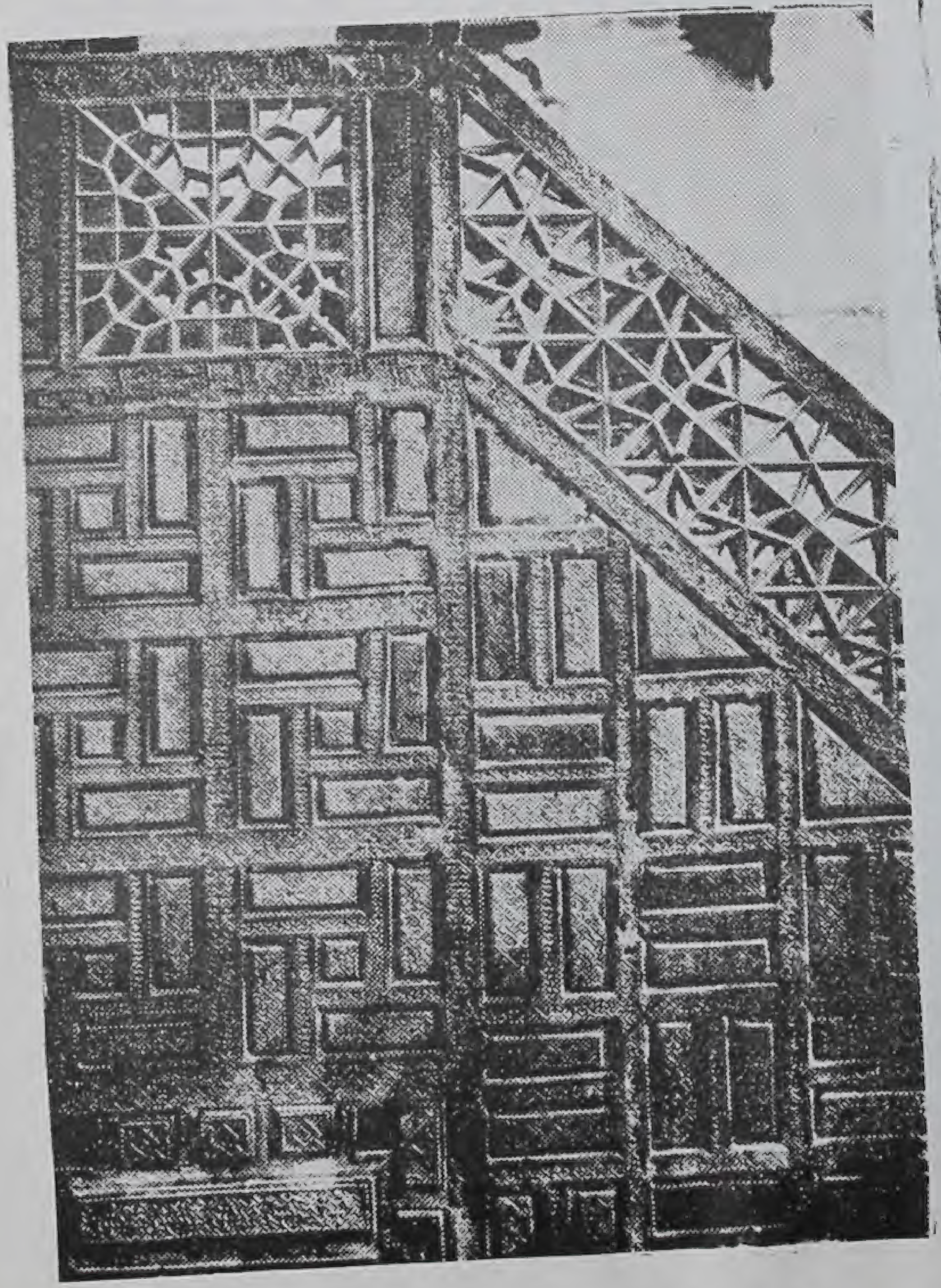
مسجد



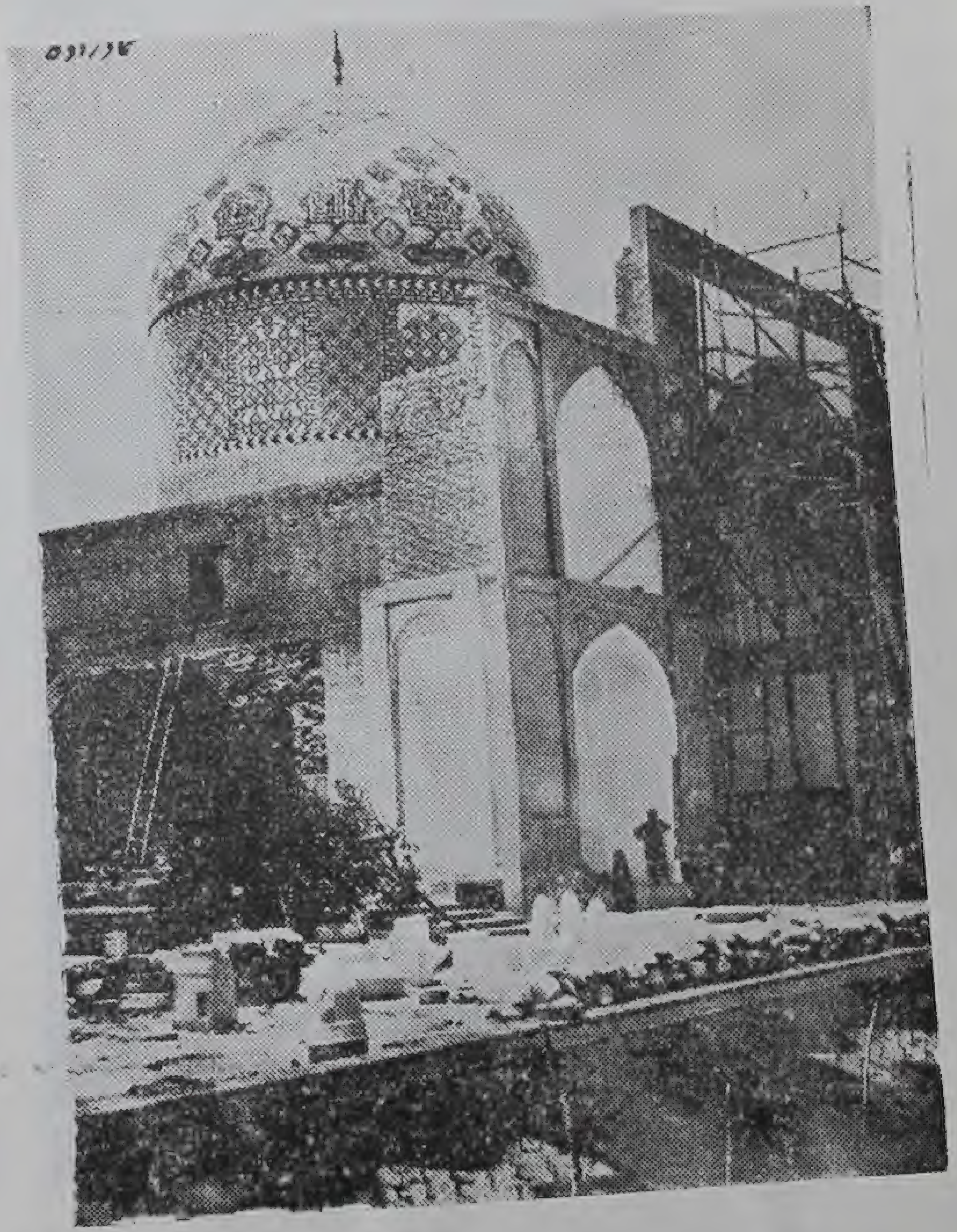
مسجد جامع اردستان



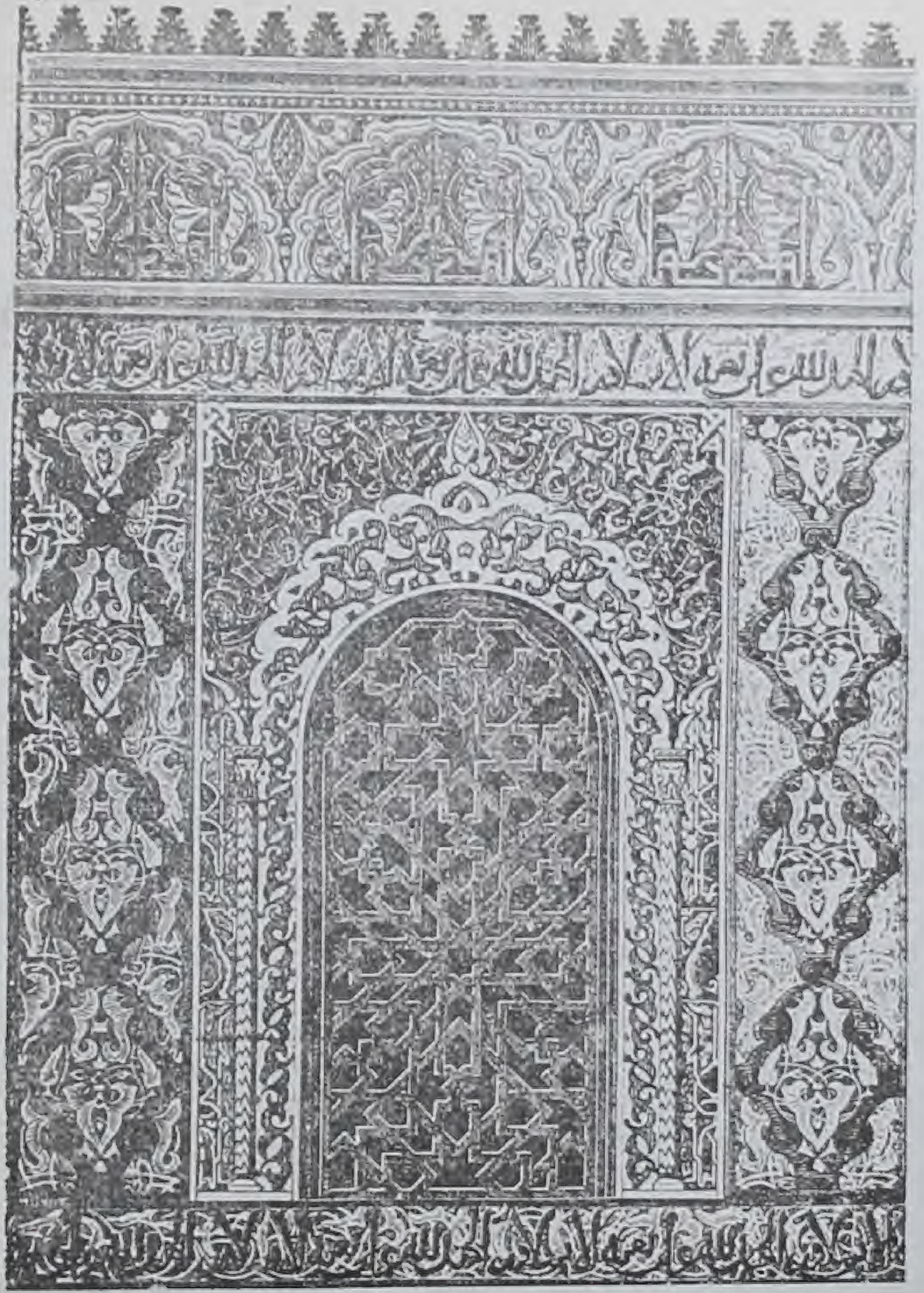
مسجد جامع اردستان



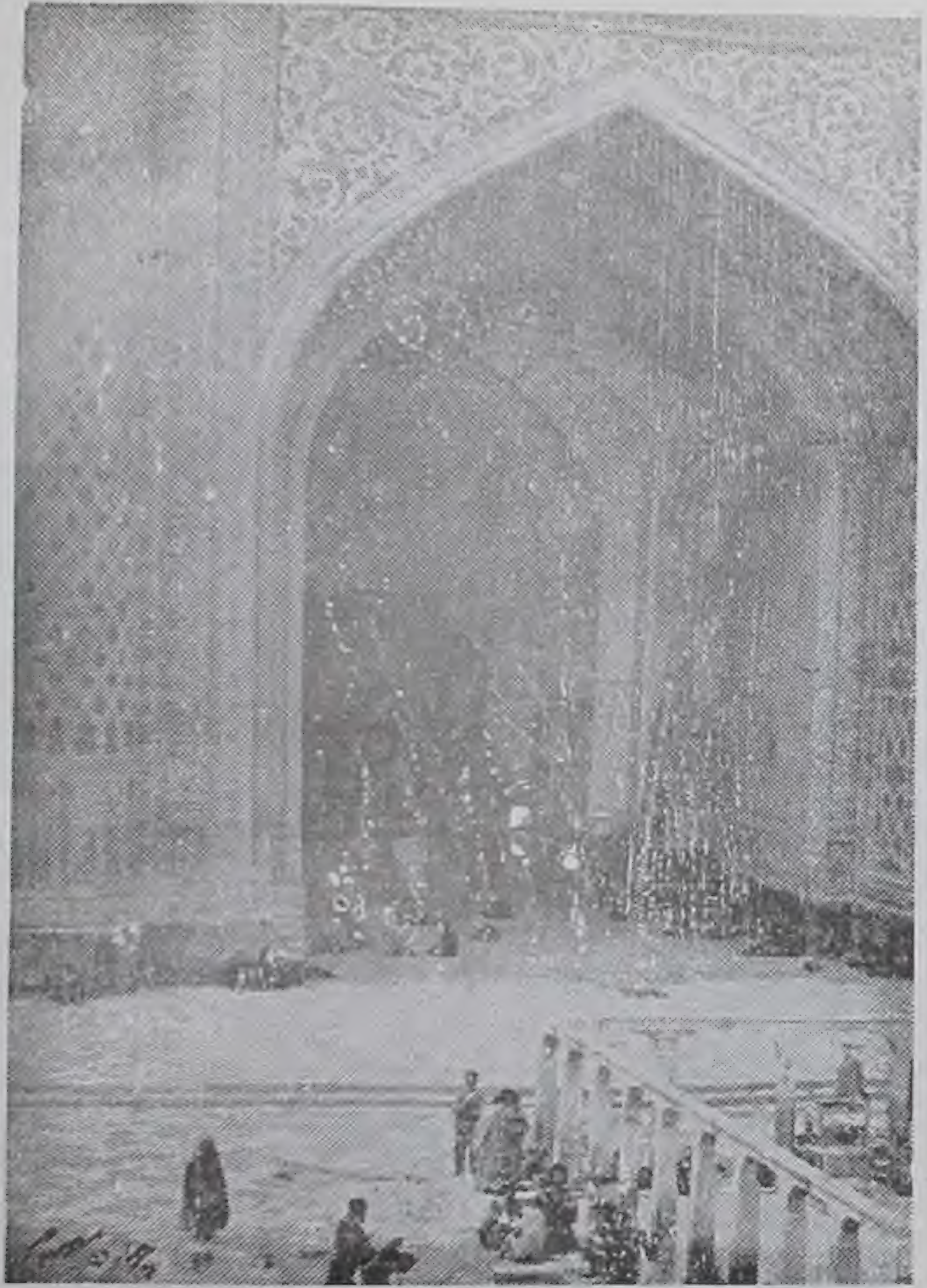
مسجدجامع واردستان منبر مسجد جامع نائین



گنبد مسجدامامزاده محروق نیشابور



پنجره مسجد الحمراء درقرناطه



مسجد گوهرشاد

پذیرفتند و آنها که بدین اسلام نگرویدند بدادن جزیه موظف شدند وخداوند آنها را که سابقه بعثت پیغمبر آخرالزمان رادر کتب آسمانی دیده بودند وتکذیب کردند مخاطب قرار داده فرمود **الذین تبعون الرسول النبی الامی الذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التورات والانجیل یأمرهم بالمعروف وینهیهم عن المنکر ویحل لهم الطیبات ویحرم علیهم الخبائث ویضع عنهم اصرهم والاغلال التی کانت علیهم فالذین آمنوا به وعزروه و نصروه واتبعوا النور الذی انزل معه اولئك هم المفلحون.**

خداوند برای تقویت روحی پیغمبر خود ازاین کفران وتکذیب اهل کتاب میفرماید: کسانی که سابقه تاریخی برانگیختن پیغمبر خاتم‌النبیین رادر کتب آسمانی دیده‌اند وخداوند آنهارا امر بمعروف یعنی قبول اسلام ونهی ازمنکر یعنی تکذیب پیغمبر میفرماید وبرای آنهاطیبات را حلال دانسته وخبائث راحرام کرده وعمل بتمامی احکام شریعت راوظیفه آنها قرار داده تا آنجاکه می فرماید این‌طبقه رستگارند.

اما کسانی که تکذیب‌میکنند ای حبیب‌من قبل‌از تو هم پیغمبران دیگر مارا تکذیب کردند دل‌تنك مدار آنها خودشان راتکذیب نموده‌اند.

وان یکذبوك فقد کذبت رسل من قبلك وبااین استدلال مسلم شد که محمدبن عبدالله (ص) پیغمبر خاتم‌النبیین است ودین‌او منحصر بفرد است وتنهاراه‌روش‌اوصراط مستقیم هموار و کوتاه و نزدیك بمقصد است وتمسك باین دین وتحت لوای اسلام زیستن بشر را بسوی سعادت سوق میدهد.

ودر تعریف وتوصیف مقام ومنزلت خاتم‌النبیین فرموده **وما محمد الا رسول قدخلت من قبله الرسل** یعنی محمد رسول ونبی‌و فرستاده من است وپیغمبرانی هم قبل از او آمده ورفته‌اند ودیگر پس‌از اوپیغمبری نخواهدآمد.

ماکان محمد اباا حد من‌رجالکم ولکن‌رسول‌الله و خاتم‌النبیین و کان‌الله علیماً حکیما محمد تنهاپدریکی‌ازافراد شمانیست بلکه‌او رسول‌ما وخاتم‌انبیا میباشدوخداوند درکارخود دانا وبیناست.

رسول‌الله‌هم درمدت ۲۳سال‌تمام‌ما انزل‌الله رابمردم ابلاغ کرد واحکام وقوانین‌وعقودو ایقاعات ومکاسب ومتاجر وحدود ودیات‌را طبق‌فهرست کتب فقه‌اسلام همه‌را بمردم ابلاغ کرد وعملا آموخت ومفاسد اخلاقی اجتماع رابآن اخلاق عالیه **انك لعلی خلق عظیم** بفضلیت مهذب ومزکی‌فرموده وبشر را ازضلالت وگمراهی نجات داده توحید ومبانی فضیلت رابآنها آموخت تاازافواه‌واذهان عمومی لقب بزرگترین منجی‌عالم بشریت رایافت.

چون خبر ازمرگش‌رسید مردم‌را دعوت بحج کرد ومراسم ومناسك حج‌را آموخت وپس‌ازآن درکراع غدیرخم درحضور ۱۲۰۰۰۰ هزار نفر بامـر الهی‌خلیفه پس‌از خودرا معرفی فرموده کـه **یاایها الرسول بلغ مـاانزل الیك من ربك وان لم‌تفعل فمابلغت رسالته والله یعصمك من الـناس.**

پیغمبر این سابقه تاریخی وسنت الهی رادر باره پیغمبری و اوصیاء آنها ابلاغ فرموده ودر ظرف نیمساعت دردامنه کوهستان که سخت هوا گرم بود دستور داد منبری از جهاز شتران تشکیل دادند وخطبهٔ مفصل که چندساعت طول کشید ایراد فرموده وهفتادو دوبار مردم‌را بنـام معاشر الناس

مخاطب ساخته فضایل علی را باسابقه خدمات او در اسلامیت متذکر گردید و فرمود **ایها الناس من کنت مولاه فهذا علی مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله .**

هر که را من هستمش مولا و دوست — ابن عم من علی مولای اوست
یارب یاری کن هر آنکه او را یاور — یارب خواری ده هر آنکه او را دشمن

بااین جریان علی بن ابیطالب داماد وپسر عم خودرا بامر الهی بخلافت و وصایت ووزارت منصوب فرمود وقربت و منزلت اورا در پیشگاه حق تذکر داد که این آیه آمد **الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دینا**

پس باابلاغ ولایت وخلافت علی بن ابیطالب احکام وقوانین دین تمام وبکمال رسید وپس از ۸۱ روز دعوت حق را لبیك گفت ودر این مدت تمام شب وروز بمواعظ ونصایح و اصلاح مفاسد اخلاقی مردم بذل سعی نموده میفرمود.

ایملت اسلام بخود آئید-ازخواب غفلت بیدار شوید-مرتکب معاصی نگردید- از مقررات دین منحرف نشوید-اگر دین وقانون را نمی‌شناسید آنها راسخت‌سست وبیهوده مپندارید-جهل بقانون موجب تخفیف جرم نیست-مسلمان باید در اندیشه و گفتار و کردار خود رضای خدارا برضای خلق مقدم دارد .

احکام قرآن راعمل کنید قبل از آنکه دیگران عمل کنند وبرشماپیشی بگیرند

اگر قرآن حاکم میان شماباشدم‌تعدی وظلم وجور واسراف وافراط و اجحاف بکسی نمیشود سعادت و رستگاری وفوزوفلاح درسایه دین وقرآن تأمین وتضمین شده‌است.

سیادت وبزرگواری تاروزی است که بقرآن عمل کنید ذلت و خواری وقتی رخ میدهد که از قرآن منحرف گردید ومانند دوره جاهلیت خود سر وخود مختار باشید .

ای‌مردم مسلمان باآنکه خداوند ازنظر حسن نظام اجتماع بمنطوق قرآن شمارا بچیزهائی در این نشأه‌عالم‌طبع علاقمند ساخته ولی بدانید آنهاباقی نیستند فانی خواهند شد آنچه باقی خواهد ماند قابل توجه‌است.

زین للناس حب الشهوات من النساء والبنین والقناطیر المقنطره من الذهب والفضه والخیل المسومه والانعام والحرث ذلك‌متاع الحیوة الدنیا والله عنده حسن المآب

زن -فرزند - مرکوب- طلا ونقره‌ادرهم ودینار-خدم وحشم-ضیاع‌وعقار- مالو منال- مقام‌وجاه امتعه این عالم است که باید بشرآنها ازنظرحسن نظام اجتماع بخواهد وازمیان آن گروه بساحل موفقیت بشتابد دراین‌امورافراط نکندعلاقه همیشگی نشان ندهددل‌بستن باین امور سبب محرومیت ازآخرت میگردد- پیغمبر ص فرمود:

ان شرمن باع آخرته لدنیا واشرمن ذلك من باع آخرته لدنیاغیره بدترین‌معاملات این است کسی آخرت رابدنیای خود بفروشد وبدتر وشرورتر آنست کسی آخرت خودرا بدنیای دیگری بفروشد که خسر الدنیاوالاخره گردد - این درس فضیلت‌برای آنستکه حق رابگوئید کتمان حق نکنید برای آنکه دیگری بکام خود برسد شما کتمان حقیقت نکنید و آخرت خودرا از دست ندهید وبااین بی‌اعتباری دنیا اعمال واندیشه وافکار و گفتار خودرا بررسی کنید تملك نفس پیدا کنید عنان‌دل را بدست هوی وهوس نسپارید -علی‌بن‌ابیطالب‌ع فرمود:

عبادالله زنوا انفسکم قبل ان توزنوا وحاسبوها قبل ان تحاسبوا و اعلموا ان غدا من الیوم قریب ماسرعت الساعات وماسرعت الایام فی الشهور وماسرعت الشهور فی السنین وماسرعت السنون فی العمر

ای بندگان الهی نفسهای خودرا میزان کنید بسنجید قبل از آنکه بسنجند ووزن کنید خودتان بحسابتان برسید قبل از آنکه بحسابتان برسند بدانید که فردا نزدیك امروزاست زود ساعات روزها وروزهارا هفته‌ها وهفته‌هارا ماهها وماهها را سالها وسالها را عمر انسان می پیماید وخاتمه میدهد وشما باید قبل ازمرك اعمال خودرا میزان کنید بحساب آن برسید راهی پرخوف وخطر که خواه وناخواه در تکامل دارید در نظر بگیرید وبرای تسهیل وآسایش آن راه زاد وتوشه که تقوی باشد تهیه کنید که درمیزان عدالت ودیوان محاسبات الهی باعمال رسیدگی میکنند .

الناس مجزیون باعمالهم ان کان خیراً فخیر وان کان شراً فشراً (هرکسی آن درود عاقبت کار که کشت) سیدقریشی وسیاه حبشی باهم امتیازی ندارند **جز تقوی فمن یعمل مثقال ذرة خیراً یره ومن یعمل مثقال ذرة شراً یره** پاداش وکیفر روی عمل است همه مردم در آنجا مسئول اعمال خودمیباشند **وقفوهم انهم مسئولون مالکم لاتناصرون بل هم الیوم مستسلمون** - آیه ۲۷ سوره صافات یعنی آنان را نگهدارید وسئوال کنید که چه‌شده است شما رابیکدیگر یاری نمیکنید دردنیا که همه رعایاو عشیره وخویشاوند داشته‌وصاحب مقامات ومناصب بودید چطورشدامروزبهیچ چیز قدرت ندارید وکاملا تسلیم شده‌اید .

انسان عاجز فرصت را ازدست داده وعمرخویش را بانافرمانی حق گذرانیده وامروز نادم و پشیمان شده‌است وآنوقت است که تمنی وآرزوی بازگشت بدنیا برای عمل خیر میکنند **رب ارجعونی لعلی اعمل صالحاً فیما ترکت کلا** پروردگارا برگردان مرا بدنیا تاشاید عمل نیکو کنم . ولی خطاب میشود ساکت شودردنیا حجت را برتوتمام کردیم عمرومهلت، عقل وحس و حرکت دادیم پیغمبر ظاهر ورسول باطن فرستادیم تاتورا ازشرورشیاطین حفظ کند ولی پیرو نشدی وبالبخندسخریه واستهزاء بآنها نگریستی .

الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین وان اعبدونی هذا صراط مستقیم مگر باتو پیمان نبستیم که پیروشیطان نشوی وحال آنکه اودشمن توبود و گفتیم مارا بندگی کن وستایش نما - که این راه مستقیم سعادت وکامیابی است .

هر کسی سخن مارا نشنود وکتمان حق نماید بمعصیت ضنك و مصیبت زندگی مادی گرفتار میگردد **و من اعرض عن ذکری فان له معیشة ضنکا ونحشره یوم القیمته اعمی** معیشت ضنك این است که بشردراین دنیا همه چیزداشته باشد ولی‌نتواند ازآنها استفاده کند ودردنیا و آخرت زیان وخسران نماید - وچون درآخرت بپرسد چراکور محشورشده‌ام خطاب میشود دردنیاهم کور بودی آثار ما را نمیدیدی واین جرم آن بی‌اعتنائی کوری دنیاست. این بود حقیقت اسلام ازاصول و ترویج وسیر تکاملی دین برای سیر تکاملی نظام اجتماع و حصول فوزو فلاح اکنون این راه و این موجبات سعادت تایارکه را خواهدو میلش بکه باشد.

اسلام دین معتدل ودین عدالت اجتماعی است

و جعلناکم امة وسطاً

قرآن مجید

ازمزایای اسلام اعتدال ومیانه‌روی است وچون اسلام متضمن سعادت و ارتقاء بشری و خاتم ادیان است قهراً بایدافراط وتفریط راتعدیل نماید وتسهیلی‌دراجراء وظایف محوله مکلفین‌بوجود آورد تابرای همیشه این دین مورد قبول عامه خلق درهمه، اقطار و امصار قرار گیرد.

دین اسلام وملت اسلام‌هردو معتدل ودروسط اجتماع بشری قرار گرفته‌اند عربستان که‌مطلع دین است درقلب اراضی مسکونه بشراست وملت اسلام دردل توده انبوه مردم آسیا که پرجمعیترین قاره روی زمین است قرار گرفته ودین ازلحاظ قوانین واصول وفروع‌واحکام وعقود وایقاع و حدود و دیات دین معتدل بدون افراط و تفریط است‌وقتی‌باحکام عبادات وقوانین موجود یهودیت‌ونصرانیت مینگریم این حقیقت برما آشکارمیگردد که دین اسلام دین میانه‌رو ومعتدل است وازعدل‌الهی که ازاصول دین بشمارمیرودسرچشمه گرفته نه آن مادیت حضرت‌موسی ویهودرا دارد نه رهبانیت‌حضرت مسیح ومسیحیت را دارد **لاشرقية ولاغربية** افراط وتفریط مادی وروحی درآن نیست اعتدال لفظ ومعنی وماده وروح وتعادل بین‌عبادات‌وفعالیت‌های زندگی رادرنظر گرفته است.این مزیت‌واختصاص درهیچ یك ازادیان آسمانی نیست قوانین بشری که درسطح نازله افکار سخیف‌ومحدود قرار گرفته‌ مراعات میانه روی درتمام شئون اجتماعی زندگانی بشری دراسلام شده‌است .

درخلقت بمنطوق قرآن ملت اسلام را امت وسط ومیانه قرارداده‌که شاید برای‌آنست که در خاورمیانه قرار گرفته تاواسطه بین مادیت صرف کلیمی وروحانیت صرف مسیحی شود وجهانیان را ازافراط وتفریط بیمناك ساخته اعلام خطر درعدم اعتدال بنمایند.

اسلام بین دین ودنیا بین دنیا وآخرت بین‌مال وعبادت بین آبادی دنیا وتامین آخرت‌جمع کرده است.تربیت جسم را با تقویت روح‌بهم آمیخته آبادانی جهان را باسعی‌و کوشش‌درجمیع‌شئون اجتماع حفظ‌نموده مبداء رابامعادبهم مربوط ومتصل نموده‌درتقویت روح وتکامل نفس وتفاضل اخلاقی ازخطمشی خود عدول نکرد.معاش رابامعاد ارتباط داده و گرنه بشر باید ازراه ماده بکمال خویش که تعالی روحانی باشدبرسد پس‌اگر ماده برای این راه مصرف شود امر آخرت است واگر صرف مال درراه هوی وهوس بذل شد دنیای مذموم است .

اسلام تعلیمات‌خودرا برروی دواصل‌ودوهدف قرارداد که آن معاش‌ومعاد است‌وتصریح‌فرمود که **من لامعاش له لامعاد له** هر کس‌معاشش متزلزل است معادش مخدوش است هر کس عمرخودراصرف رهبانیت کند عمرتلف کرده نه رخصت انزواواعتکاف‌ورهبانیت داده نه اجازه‌اشتغال‌بشهوات وتمایلات نفسانی داده است .

اسلام ارتقاء ومدنیت تکامل روح وتقویت نفس رادرحلقه اجتماع‌بشری قرارداده وقسمت عمده عبادت واطاعت را درخدمت بخلق مقررداشته است .

اسلام شبانه روزرا بسه‌قسمت کرده :هشت ساعت‌برای‌کار و کوشش در کسب‌معیشت و هشت‌ساعت درعبادت وتزکیه نفس وتحصیل علم و تکمیل فضایل و مکارم اخلاقی وخدمت بخلق - هشت ساعت

دیگر برای استقرار آرامش بدن واستراحت تن وآرامش عضلات واعصاب معین فرمود وحتی درکار معیشت وزندگی برخی‌ازفعالیت را عبادت قرارداده تامیل و اشتیاق مردم بکارو کوشش‌تشدید گردد وموجبات تسهیل امرارمعاش بشرتأمین گردد .

این تقسیم عادلانه است که بشررا ازرنج وزحمت بازمیدارد ازافراط وتفریط نگاه میداردواز تعب وخستگی اعصاب وتکراراعمال و زیان مکررات مصون میدارد- دریکجا میفرماید **لارهبانیة فی الاسلام** گوشه نشینی‌وانزوا وسربارجامعه‌شدن دراسلام ننك است-هر کس باید درخوراستعدادو قوای نفسانی خودکار کند ونان بخورد .

دریکجا میفرماید **ولاتنس نصیبك من الدنیا** هر کس‌باید نصیب وبهره خودرا ازدنیابر گیرد ودراثرکار وفعالیت ازامتعه عالم لذت‌برد ودفع‌الم کند وبازمیفرماید: **لیس للانسان الاماسعی** وظیفه بشرسعی و کوشش است این سعی‌و کوشش باید بصورت ایمان بکارو کوشش‌درآید‌تاقدم‌بقدم‌درکارخدا راشاهد وناظر گرفته‌کاررا خوب انجام دهد واز ملامت بداندیشان درراه موفقیت وصحت‌عمل‌نهراسد وکاررا خوب وباعتدال بین خود وحق انجام دهدوانتظار اجرت صحت‌کاررا ازخدا داشته باشدالبته نتیجه دنیوی آنراهم خواهد دید.

دریکجا میفرماید: ای پیغمبر گرامی بگو:چه کسی‌حرام کرد زینتهائی که خدا برای‌شمافراهم کرده است . باید آن خزینه جواهرات و کانون تجمل و زینتهای جهان راباکلیدفکر و اندیشه و با همت بلند و کوشش خستگی‌ناپذیربدست آورد وازآن التذاذ برد **دریك حدیث میفرماید عبادت ده جزءاست که۹جزءآن درتجارت وکاراست باکاروفعالیت میتوان برهبری فکر** وخردبرخزاین و معادن جواهرات عالم دست یافت .

خالق عالمیان درشکم کوهها ودل خاك آنقدراسباب زینت وتجمل آفریده‌است، وآنقدر درقرآن بشررابفکر و تدبر و گردش در کوهها وصحراها ودریاها موظف فرموده‌تازندگانی را برخود آسان گردانند و حوائج را مرتفع سازند و درعین حال روحانیت و معنویت و معاد را فراموش‌نکنند .

دریك حدیث ازرسول اکرم‌ودریك‌خطبه ازحضرت‌علی میفرماید: برای‌دنیا آنقدرسعی‌و کوشش کنید که‌گویا همیشه زنده و جاوید هستید و باید اسباب زندگی جمع شود و برای آخرت آنقدر متوجه باشید که گوئی‌فردا خواهیدمرد زادوتوشه‌آنسرای‌راحاضر گردانید. اسلام‌درخوردن وآشامیدن که‌ازضروریات‌سته‌میباشد میفرماید . **کلوا واشربوا ولاتسرفوا**

نه چندان بخور کز دهانت برآید نه چندانکه ازضعف جانت برآید

آنگاه اسراف کنندگان را و همچنین تبذیر کنندگان را سرزنش میفرماید وازلطف ومحبت خود محروم میسازد . وآنهارا برادر شیطان که رانده دربار الهی است معرفی میفرماید .

درانفاق وبخشش میفرمایدنه‌آنقدر بخشش کنید که خودتان‌درعسرت معیشت باشید ونه آنقدر امساك نمائید که همسایه شما گرسنه بخوابد «**ولاتجعل یدك مغلولةالی عنقك ولاتبسطها کل البسط**»

لم یحرتفریط لناولاشطط جعلنا الله من امته وسط

اسلام عزت وشرافترا درکار وفعالیت وامیدواری قرارداد -حزن والم‌واندوه کم‌وبیش را سبب بی‌خردی دانسته است میفرماید ای ملت اسلام شما دارای شرافت وعزت ذاتی هستید و اگر ایمان

نیرومند داشته باشید علومقام،ارتقاء ومدنیت نصیب‌شما میباشد- ذلت‌وزبونی - خفت وخواری برای مسلمانان‌نیست اگر ایمان داشته باشند. **ولاتهنوا ولاتحزنوا وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین** . این کار و کوشش برای موفقیت نهائی است ومشروط براعتدال اخلاقی است . عدالت درخلقت عالم وفطرت بشرجزو خمیره آدمی است - سلامت مزاج ونشاط روح دراثراعتدال عناصر و بعقیده قدما اخلاط اربعه است هرگاه یکی‌از عناصر یااخلاط درمزاج یایکی ازقوای روحانی مانند شهوت وعقل ازحد اعتدال خارج شدکارخانه بدن دچار وقفه و متوجه نیستی میگردد :

چهار طبع مخالف سر کش — چند روزی شوندباهم خوش

چون‌یکی‌زین‌چهارشد غالب — جان شیرین برآید از قالب

درامرازدواج وانتخاب همسر وبقاء نسل‌این حقیقت بقدری‌جالب توجه استکه اگر از دایره عدالت خارج شود سعادت ورفاه وآسایش زندگانی رامبدل بیك بدبختی غیرقابل جبران مینماید - عدالت احتماعی ازمیان عدالت‌ومیانه‌روی‌اسلام بیشتر ازهریك‌موردتوجه‌وموثردرکامیابی یاشقا وبدبختی است .

در گفتن وشنیدن باید این خطوسط رعایت گردد :

دوچیزتیره عقل است‌دم‌فروبستن — بوقت گفتن‌و گفتن بوقت خاموشی

زیادحرف زدن وپرگوئی نشانه بی‌خردی است نظامی فرماید :

کم‌گوی و گزیده گوی چون در — کز اندك تو جهان شود پر

درحرکت وسکون،خواب‌زیاد وحرکت بیش‌ازحدانسان رامریض‌میکند که گفته‌اند :«عقل‌سالم دربدن سالم است» چون‌تن رنجور وضعیف شد خرد واندیشه نیروی‌کار وفعالیت ندارد - دردوستی و دشمنی‌عدالت باید ملحوظ گردد وعلل‌بروزاین دوضعف راباید جست وازنظر نتیجه نهائی دربارهٔ آن قضاوت کرد . این است که حکماء عشق را که محبت شدید درحال افراط است مرض شناخته ومردمان‌بی‌محبت‌را نیزتشبیه بکدوی‌بی‌مغز کرده‌اند ... اسلام‌بااین عدالت اجتماعی و بااین‌فضایل نفسانی که‌تعلیم فرموده سعادت‌وخیروبرکت وکامیابی‌ورستکاری‌رادرسایه اطاعت دین میداندوهرکس ازاین دایره خارج شود خودرا بهلاکت انداخته .وبدست خود موجبات مرك ونیستی را فراهم کرده است. صریحا میفرماید **ان‌الله‌لایغیرمابقوم حتی یغیروا ماانفسهم** - اسلام شاهراه هدایت را باشمع فروزان عقل ودین دراختیارجامعهٔ‌بشر گذاشته‌وهدف آدمی‌را که‌تکامل‌ملکات‌نفسانی‌است‌تعیین فرموده‌امااگرکسی دربین راه ازخط مشی روشن وروحانی عدول و انحراف جست بدست خود در ورطه هلاکت ونیستی افتاده است .

ولاتلقوابایدیکم‌الی‌التهلکه- اسلام منطق وعمل رابهم‌آمیخته است هرکس بگویدونکند بی‌خرد وهرکس عمل کند عمل خودسرانه وجاهلانه بهدف نرسد - دوکس‌رنج بیهوده بردیکی‌آنکه اندوخت ونخورد ودیگرآنکه آموخت وعمل نکرد .

علم چندانکه بیشتر خوانی — چون عمل در تونیست نادانی

یکرکعت نماز عالم باهفتادسال نمازعابد مساوی است - ودر اخبار زیاد دستور داریم که علم برای عمل است و عمل برای موفقیت ونیل بسعادت است باید متکی بتقوی وپرهیز وخالی ازافراط وتفریط باشد . احادیث نبوی وکلمات‌قصار پیشوای بزرك وآن منجی‌عالم بشریت همه مشحون عدل وداد است .

دین اسلام‌دین‌عدالت وداد گستری‌است. اغلب گفتارهای‌حضرت امیرالمؤمنین‌علی‌ع دربارهٔ‌عدل وداد وعدالت‌اجتماعی‌است هرجاعلی‌ع مکاتبه‌فرموده‌اول‌ازعدالت اجتماعی وحفظ حقوق مردم سپس از

تقوی و پرهیزکاری‌وتوحید فرموده است .

درخطب مهیج حضرت ابی‌عبدالله ع که دقت کنیم همه جا ازعدالت اجتماعی سخن رانده و مردم رابعدل وداد ومعدلت واحسان وتقوی توصیه فرموده است .

پرورش عقیده در اسلام

بسم‌الله‌الرحمن الرحیم -الم-ذالك‌الكتاب‌لا ریب فیه هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقنا هم ینفقون والذین یؤمنون بما انزل الیك وما انزل من قبلك و بالاخرةهم یوقنون .

اسلام دارای تربیت پاکی بود که پیروان خودرا بفضیلت پرورش مهذبی آموخت - تربیت مهذب و پاك اسلام‌درمحیط‌تاریك‌خرافاتی‌جهان‌آن‌عصر یك آفتاب درخشندهٔ‌برد که‌ازپرتوآن جهانی را روشن‌ساخت‌واین‌شمع‌فروزان از کوه‌حرا پرتوافروز شد ودر ظرف ۳۲سال تمام عربستان‌را ازتاریکی جهالت وضلالت نجات‌داد وپرتو عالم‌افروز خودرا پس‌ازرحلت پیشوای محبوب اسلام بجهانیان تابش داد تاکمتر ازیك‌قرن ونیم توانست تمام‌دنیای آن‌عصر راباستثنای قسمت کوچکی که هنوز درتوحش باقی بودند بمدنیت وتربیت اسلام آشناسازد .

وقتی باصول تعلیم وتربیت اسلام نگاه میکنیم می‌بینیم اسلام آموزش و پرورش خود را روی دواصل برد: **عقیده وعمل** و درآیه فوق معنی عقیده وعمل راروشن‌فرموده‌است.

میفرماید این است کتابی که بدون شك‌شمع فروزان هدایت است واین‌شمع جلوپای پرهیز-کاران افروخته‌تر میگردد آنها که ایمان بغیب دارند ونماز برپا مینمایندواز روزی خودانفاق میکنند آنها که ایمان بآیات نازله برتوای پیغمبراکرم دارندوبکتب آسمانی قبل از تونیز ایمان دارند و آنها که بمعادوآخرت‌یقین نموده‌اند.

ارکان‌عقیده‌دراین‌آیات برپایه ایمان بخدا ونبوت ومعاد است وعمل باقامه نماز واداء زکوة وفضیلت اخلاقی است.

عقیده مهمترین اصول‌اسلام‌اعتقاد بتوحیدخداوند است- واین‌عقیده در تمام افراد ملل جهان وجود دارد که یك‌خدا رامی‌پرستند .

نهایت در صفات او عقاید مختلف دارند ولی اسلام خداوند را بصفات ممتازهٔ که نظیر ندارد بیان فرمود.

وقتی ازپیغمبر می‌پرسند شناسنامه خدارا برای‌ما بگو- میفرماید **قل هوالله احد - الله الصمد لم‌یلد ولم‌یولد ولم‌یکن له کفواً احد**

بگو خداوند یکی‌است خدائی که‌تهی‌وپرنیست زائیده‌نشده وزاینده نیست‌نه‌پدری داشته ونه فرزندی برای اوشبیه ونظیر ومثل و مانندی وجود ندارد- وقتی یهودااین‌پاسخ‌را شنیدند همه ایمان آوردند ویقین کردند آورنده این‌عقیده پیغمبر خدا و خاتم‌النبیین است .

اسلام عقایدرا پرورش میدادوافکار رامهیا وتقویت مینمود استعدادهارا بظهور میرسانید وهمه‌این‌امور تربیتی درسایه توحید بود.

فکر مستقیم وجمع . آماده برای حرکت‌فکری‌ازمبدأ تامعاددرسایه توحید موفقیت‌آمیزاست

وبرخلاف آن انحراف انگیز و بپرتگاه لغزش وخطا ومحو ونیستی میکشاند.

پرورش افکار وهدایت وتنویر اندیشه درسایه ارشاد عقیده ورشد عقلی بود که اسلام این طریقه رابهترین راه نیل بکمال شناخته ومسلمین را باین ترتیب پرورش داد.

درمیان فرق اسلامی معنی توحیدرا آنطور که فرقه شیعه امامیه اثنی عشریه بیان کرده اند هیچ یك از فرق اسلامی بیان نکرده اند توحید ذات ـ توحید صفات ـ توحید عبادات ـ توحید افعال

ومادرسیره زندگانی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب ویازده نفر اولادش که همه مبین وشارح و مفسر قرآن بوده اند درس توحید را درنهایت کمال دقت تعلیم وتشریح وتجزیه وتحلیل نموده ایم که هیچ جای ابهامی باقی نمانده است. آنچه در عالم است فرمانبردار اوست ـ **لله مافی السموات و ما فی الارض**

اوست که تمام موجودات را خلق فرمود ـ **هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعا ـ و الذی خلق السموات والارض و ما بینهما.** او کسی است که پروردگار شماوآفریننده پدران شما واولین وآخرین است ـ **الله ربکم ورب آبائکم الاولین** آنچه درعالم است باراده او پدیدآمده است

الله الذی سخر لکم الارض . والقی فی الارض رواسی ان تمید بکم الله الذی رفع السموات بغیر عمد ترونها ـ و هو الذی یرسل الریاح بشراً بین یدی رحمته والله جعل لکم الارض بساطاً ـ و الله جعل لکم من انفسکم ازواجاً ـ والله انبتکم من الارض نباتاً .

اوست که تمام موالید وعناصر رامسخر شما کرده است ـ اوست که درزمین کوههای بزرگی مانند میخهای آهنین برای استواری زمین نصب کرده است ـ اوست که آسمان را بدون ستون بالای سرشما قرار داده ـ اوست که بادهارا برای رسانیدن رحمت ونعمت خود بعموم مخلوق مامورحرکت فرموده است ـ اوست که بساط زمین راچون سماط نعم گسترده است ـ اوست که شمابشر رااز زن ومرد جفت آفریده تاکار خانه خلقت اوهمچنان درجریان باشد. اوست که اززمین نباتات را میرویاند که حیوانات همه از آن تغذیه کنند.

باین ترتیب عقاید مردم را بپروردگار تربیت و تقویت کـرد و فرمود ـ هیچ چیز ازعلم و قدرت خدا خارج نیست اواز همه چیز وهمه جا آگاه است.

و عنده مفاتح الغیب لایعلمها الا هو ویعلم مافی البر والبحر ولارطب ولا یابس الافی کتاب مبین .

کلید کلیه دانشها بدست اوست ازغیب جزاو کسی چیزی نمیداند آنچه دردریاها واقیانوس ها وکوهها وصحراها ازتر وخشك موجود است درنزد اوآشکار و هویداست .

که داند بجز ذات پروردگار | کەفردا چەبازی کند روزگار

ان الله بکل شیئ علیم ـ ان الله علیم بذات الصدور ـ والله علی کل شیئی قدیـر ـ ان ربك هوالقوی العزیز

اوبتمام چیزها آگاه است ـ او بتمام اندیشهها و افکار واقف است ـ او برهر چیز وقدرت و توانـائی و سلطهدارد ـ او خدائی است کهقوی ونیرومند وغالب وعزیزواست استیلا برهمهچیز و همه کس دارد .

سپس فـرمود :

فاعلم انه لا اله الاالله ـ ومامن اله الااله واحد وقال الله لاتتخذوا الهین اثنین انما

هواله واحد واعبدوالله‌ولا تشرکوا به‌شیئاً

خدا یکی است ـ یزدان و اهریمنی درکار نیست خدای خیروشر وجود ندارد ـ رب‌النوع و ارباب انواع خرافات است ـ خدای جمال وخدای بادبوخدای آب وخدای آتش‌وموهومات است ـ خداوندی که جمال وآب‌وباد وآتش وخاك وعناصر آسمان وزمین موالیدرا خلق کرده خدای واحد احد یکتای بی‌همتائی است که‌شریك‌ونظیر ومعاون وکمکی ندارد.

آن‌خدای یگانه استکه باتعدد وتنوع خدایان مخالف است ونظام عالم‌را باحساب بسیار دقیق آفریده وبحرکت انداخته وهمچنین اوست که حساب وبازخواست دارد روز قیامت و روز مکافات و مجازات خواهد داشت ودرآن روز رستاخیز بحساب‌همه رسیدگی میکنند وهر کس بد یاخوب نتیجه عمل خودرا خواهد دید ـ وبهشت‌ودوزخ آفریده‌تانیکوکاران‌را پاداش‌خیردهد وتبه‌کاران را کیفرشر خود بنماید ونفس‌را دراین حوادث ازامتحان درآورد و ببقای جاودانی خود برساندکه فرموده:

من یعمل مثقال‌ذرة خیراً یره ومن یعمل مثقال ذرةشراً یره

وپیغمبر فرمود **الناس مجزیون باعمالهم ان‌کان خیراً فخیراً وان کان شراً فشرا**

تربیت اسلام برارکان عقیده وعمل استوار گشت ـ عقیده بتوحید درنبوت وعدالت پروردگار ومعاد وسزاو جزا بود.

وعمل عبارت ازعقیده باطاعت از اوامر پیغمبر است که تعبیر بفروع دین شده . وآن: نماز ـ روزه ـ خمس ـ زکوة ـحج ـ جهاد ـ امر بمعروف‌ونهی‌ازمنکر است ـ که گفتیم **ده‌ماده** قانون‌نظام اجتماع بشر است درعقود وایقاع و قوانین جنحه و جنایت وحدود ودیات و احکام که همه‌را پیغمبر اسلام جزء **عبادات** شمرد. یعنی هرمسلمان مکلف بعمل آن‌میباشد.

وآنچه که درعمل‌منظور بود مکارم اخلاق است که بعثت پیغمبر (ص) براساس آن‌بود که فرمود **بعثت لاتمم مکارم الاخلاق**

در اسلام اخلاق دوقسم شده است یکی آداب زندگی که در قران باصول آن اشاره وتصریح فرموده است :

و اذا حیتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها و هر گاه با کسی بر خورد کردیدبا او بتحیت و درودی برتر و بالاتر از او احترام کنید .

لا تدخلوا بیوتاً غیربیوتکم حتی تستانسوا و تسلمواعلی اهلها ـ وارد خانه کسی بدون اجازه نشوید و هر کجا خواستید بر هر کس وارد شوید براو سلام کنید وبراهل او بفضیلت اخلاقی انس بگیرید.

خداوند عالم یك‌سوره بنام حضرت لقمان حکیم درقرآن مبادی اخلاقی‌را یك یك‌شرح ووصف فرموده که بهتر از این میسر نیست ـ بشراگر خود را بدان تعلیمات عالیه بیارایید بکمال فضیلت رسیده است .

قسم دیگر مبادی فاضله اخلاقی است مانند صبر ـ وفاء بعهد ـ عدالت ـ عفو ـ عفت ـ کظم غیظ وغیره که‌میفرماید: شرط‌بندگی‌واطاعت امراین‌است کـه

والموفون بعهدهم‌اذا عاهدوا والصابرین فی‌البأساء والضراء وحین‌البأس

مسلمان بعهد خود وفـا کند ومقید بپیمـان وتعهدات خود باشد وصبر در سختی وناگواری نماید ودرحین بأس‌شاکر وصابر ومتحمل وبردبار باشد.

ان الله یأمر بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربی وینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی

خداوند بندگان را بعدالت ونیکوکاری امرفرموده باید خویشاوندان رابنیکوئی یاد نمایند وازبدیها بازدارند وازرشتیها وعداوتها. حقد وحسد وکینه وضلالت وجهالت نجات دهند

خذالعفو وامر بالعرف واعرض عن الجاهلین

فرمود عفوو گذشت پیدا کنید بنیکوئی و خوبی‌خو عمل کنید دیگران راامر نمائید وازجهالت ولغو ولهو ولعب برحذر باشید دروغ نگوئید غل و غش درمعاملات نکنید- حیله‌ومکر و غدر بکارنبرید از نابخردی و نادانی اعتراض نمائید همه بـا هم چون برادر یار و مهربان ورؤف وعلاقمندومشترك المنافع باشیدمواسات و مساوات کنید تااخوت وبرادری شما محفوظ بماند- اندیشه بددرحق کسی نکنید که **ان بعض الظن اثم** اسلام فکر بد را گناه شناخته وعقوبت میکند عمل بدرامجازات وعقاب میفرماید-مادر کتاب مکتب اسلام چهارصد موضوع اخلاقی و اوامر ونواهی قرآن را مفصلا مورد بحث قرارداده بتفصیل تشریح کرده‌ایم که اینجانمیخواهیم روش پرورش اسلام را تجدید کنیم .

تأثیر تعلیم وتربیت اسلام درعرب و جهان

آموزش و پرورش اسلام عقل عرب را پرورانیده و ترقی‌داده‌صفاتی را که اسلام برای خدای آفریننده عالم قائل‌شد عرب‌را ازبت پرستی وپستی‌نجات‌داد - بعبادت پروردگار که بالاتر وبرتر از هرچیز است هدایت وارشاد کرد. -

عرب یقین کرد که خداوند بهمه اعمال وافعال وحتی باندیشه وافکار او دانا و بیناست - او می بیند ولی بشر نمیبیند.

لاتدرکه الابصار و هویدرك الابصار

اسلام خداوند راآفریننده‌تمام کائنات وخالق کلیه موجودات دانسته بدین سبب فکر عـرب توسعه یافت وسطح معرفت عرب بالارفت- اسلام پرده رابالازد وماورای‌ماده رانشان عرب داد - قدرت علم - نیروی بی‌نهایت راباو شناسانید- وباو فهمانید که تمام‌عناصر و خزائن عالم در اختیار تست وکلیدش بفکر توتسلیم شده‌است. خلقت‌الاشیاء لاجلك‌وخلقتك‌لاجلی

اسلام بعرب‌وجهانیان‌آموخت که **آئین‌محمدی‌ص بهترین کیش‌هاومفیدترین آئین‌هاست که با بالاترین‌سطح عقل‌وخردواندیشه وافکار ملل راقی منطبق وباهیچ‌تمدن‌ورقاء ملی مخالفتی ندارد بلکه موجد رشد عقلی ورقاء ملی است.**

اسلام بعرب فهماند که تمام مردم گمراهند وپیغمبر اسلام برای هدایت تمام‌ملل مبعوث شده است و عرب در هدایت بشر جانشین پیغمبرخود هستند که میبایستی دین‌اسلام‌را توسعه دهندو بدنیا منتشر کنند.

همین عقیده موجب شد که اعراب بملل‌دیگر درسایه قران‌هجوم آوردند وآنهارا بکیش خویش دعوت میکردند پس‌از جنك وغارت هر که داخل دین اسلام میشد باآنها یکسان میگردید - اعتقاد بدوزخ وبهشت‌نیز بزرگترین موجبات شتاب اعراب بجنك وستیز گردید زیرا بـرای تحصیل ثواب جان خودرا بهای بهشت داده بنشر اسلام میکوشیدند.

ان‌الله‌اشتری من‌المؤمنین انفسهم و اموالهم بـان لهم الجنة یقاتلون فی‌سبیل‌الله فیقتلون ویقتلون وعدا علیه حقاً فی‌التورات والانجیل والقرآن ومن اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذالك هوالفوز العظیم

خداوند بااین تعلیمات فرمود مااز مؤمنین خریدار جان ومال آنها هستیم کـه درراه رشد عقلی وتربیت ملی باکفار نابخرد جهاد کنند ودرراه خداوند شمشیر بزنند و بکشند و کشته‌شوند ودرمقابل این‌معامله بهشت عدن بآنها اعطا میگردد وعده خداوند راست ودرست است خلفی ندارد درتورات وانجیل سابقه راستی ودرستی‌داردوهر کس وفاءبعهد کند اورا بشارت بنعیم بهشتی میدهد و این است معنی فوزوفلاح و رستگاری کـه بشر معامله خودرا باخدای خود بمیان بگـذارد تـاسود فراوان ببرد .

اسلام دارای تأثیر مهمی بود اخلاق عمومی‌را تغییر داده ازقیمت بعضی چیزها کاست وبرقیمت بعضی چیزها افزود .

اسلام عرب ومسلمین رااز زندگانی جاهلیت واخلاق فاسده بعالم اسلام برد و بکار و کوشش وعقیده وایمان مشغول کرد ــ سطح فکر واندیشه عرب رابالا بـرد ازبدویت و توحش بتمدن ورقاء ملی ورشد عقلی رسانید.

مسلمین درصدر اسلام بازحمات طاقت‌فرسا مواجه شدند ولی گوی سعادت راربودند.

ابن‌عباس میگوید مشرکین بمسلمین انواع واقسام‌زجروتهدید، شکنجه وعذاب را میدادند بلکه آنهارا بت‌پرستی برگردانند ولی مسلمانان باگرسنگی‌وتشنگی وآوارگی زیر تخته سنگهای سنگین جان‌دادن ومتواری شدن ــ مسلوب‌الحقوق گشتند وبهمه‌چیز تن‌درداد‌ند ولی ببت پرستی و جاهلیت برنگشتند گفتند اگر مارا قطعه‌قطعه کنید این‌عقیده پاك‌را از دست نمیدهیم‌ــ‌اسلام عقل و آئین نوینی بعرب آموخت‌ــ اسلام آزادی ومالکیت شخصی‌را محترم شمرد ــ اسلام زنان را که‌سهیم زندگی بودند ازبدبختی وشقاوت بیرون آورد و حقوقی بـرای آنهـا قائل شد که‌تا قبل‌از اسلام فاقد آن‌بودند. بهترین وصف برای‌تباین‌دوره‌جاهلیت بااسلام همان تعریفی است که جعفربن ابیطالب برای نجاشی کرد ــ بموجب روایاتی که متواتراً نقل‌شده چون‌جعفربن ابیطالب بسرپرستی مسلمین بحبشه مهاجرت کردند ودرحقیقت تبعیدشده‌اند نجاشی ازوضع مسلمین‌پرسید ــ جعفر چنین پاسخ داد:

ماگروهی جاهل وبت‌پرست ومرده خوار بودیم ازفسق وفجور و آزار همسایه خودداری نمیکردیم ــ قوی ضعیف را میخورد چنین بودیم تاآنکه خداوند از میان ما پیغمبری برگزید که مانسب اورا میشناسیم واورا راستگو وامین و عفیف میدانیم مارا بتوحید خداوند دعوت کرد که معبود خود وپدران خویش راکـه عبارت از سنك و بت میباشند بدرودگوئیم.

راستی وامانت داری ونوازش خویش و نیکی نسبت بهمسایگان وپرهیز ازحرام وخودداری ازخونخواری واحتراز ازخوردن مال‌یتیم وعدم ارتکاب فسق وگفتن‌زور وتهمت‌واحتراز از زناء محصنه‌رابما دستورداد وعبادت‌خداوندبی‌شریك رابما آموخت ونماز وروزه و زکوة رابرما واجب نمود.

ماهم باو ایمان آوردیم بدین سبب قوم ما برما شوریده ما را تحت‌فشار گذاشتند ودچار آزارنمودند که‌دین‌خودرا ترك‌گوئیم‌ودوباره بت‌پرستی رابجای‌خداپرستی کیش خویش بنمائیم. چون مارا تحت‌فشار گذاشتند و بماظلم بسیار نمودند ناگزیر برای حفظ

دین خویش بدین کشور مهاجرت نمودیم - ۱

با این بیان اختلاف بین جاهلیت و اسلام را میتوان کاملا شناخت و با ادله و براهینی کـه در دست است عقل و زندگی دوره جاهلیت را با اندیشه و فکر و روش اسلام از یکدیگر تمیز داد.

یکی از مستشرقین بنام «جولدزیهر» در خصوص اختلاف بین اسلام و جاهلیت کتابی تحت عنوان «دین و مروت» نگاشته است که مفاد آن این است:

مایه زندگانی اسلام غیر از حیات جاهلیت است برای هر یکی از دو زندگی متباین مثالی آورده است که مبادی هردو باهم شباهت ندارد بلکه اختلاف و تناقضی دارد.

شجاعت شخصی شهامت عرب جاهلیت که محدود و معلوم نبود یا کرم که بحد اسراف و تبذیـر میرسید یا پرستش قبیله و قساوت و انتقام و کین خواهی و دشمنی باهر که نسبت بقبیله اندك توهینی کند خواه بعمل و خواه بسخن و امثال اینها مایه فضیلت اعراب جاهلیت محسوب میشد.

اما فضیلت اسلام عبارت از طاعت خداوند و صبر در سختی‌ها و فرو نشانـدن طمع و فدا کردن شخص و منفعت قبیله برای مبادی دین و قناعت و عدم تکبر و خودخواهی و تفاخر و ادعای فزونی مال و جاه اینها مایه حیات اسلام است.

اگر کسی بخواهد مابین اصول زندگی اسلام و مبادی حیات جاهلیت کاملا مقایسه کند این آیه را بخواند:

لیس البر ان تولوا وجوهکم قبل المشرق والمغرب ولکن البر من آمن بالله والیوم الاخر والملائکة والکتاب والنبیین واتی المال علی حبه ذوی القربی والیتامی والمساکین وابن السبیل والسائلین وفی الرقاب و اقام الصلوة واتی الزکوة والموفون بعهدهم اذا عاهدوا والصابرین فی البأساء والضراء وحین البأس اولئك الذین صدقوا واولئك هم المتقون. (آیه ۱۷۲ سوره بقره)

میفرماید نیکوئی آن نیست که رو را بطرف راست و چپ بگردانی بلکه بر و نیکوئی آن است که ایمان بخدا و روز جزا و بملائکه و کتب آسمانی و پیغمبران ایمان داشته باشد.

بر و نیکو آن است که از مال خودت بپاس دوستی خداوند بخویشاوندان و ایتام و مساکین و گم شده گان و وامانده گان ابناء السبیل و درخواست کننده گان و گرفتاران در بند برای خلاصی آنها کمك و حمـایت نماید.

بر و نیکو آن است که نماز را برپـا دارد و زکوة را بدهد و تعهدات خود را بپردازد و در پیمان ثابت قدم و پابرجا باشد و در سختی و رنجوری و فقر و بی چیزی بردباری و شکیبائی نماید و در هنگام جنك و جهاد با استقامت و پافشار باشد اینهـا هستند کسانی که نیکوکارند و راست میگویند و آنها هستند که پرهیزکار و رستکار میباشند.

این آیه شریفه روش پرورش را بسه قسمت نمود.

۱- ایمان بخدا و فرشته گان رابطه نیروی عالم بزرك و کتب آسمانی و پیغمبران و معاد

۱- برخی این روایت را جعلی میدانند و استشهاد میکنند که روزه در آن موقع نبود که نامی از روزه برده شده است درحالی کـه روزه در تمام ادیـان بود و خود پیغمبر اسلام هم قبل از بعثت روزه میگرفته نهایت کیفیت روزه باین نحو نبوده که خود او در اسلام وضع کرد روزه فقط امساك بقصد قربت و تقرب الی الله بوده است.

۲ ـ عمل به‌عبادات اقامه نمازودادن زکوةو وفای بعهد و بردباری درجنك و تحمل درمجروح شدن و کشته شدن وغیره

۳ ـ عمل اخلاقی که دستگیری مستمند ومستضعف وبینوایان وبیچارگان باشد که باانجام این سه وظیفه مسلمان موفق و رستگار و مظفر فاتح در دنـیا و دین و آخرت بکمال مطلوب خود برسد .

روش پرورش
درمکتب اسلام

چون شود اصل گوهری قـابل
تربیت را در او اثـر باشد

اگر حمل برمبالغه نشود میگوئیم که روش پرورش درمکتب اسلام کاملترین و بهترین تعلیم و تربیت است و این سخن بگزاف گفته نمیشود بلکه باتوجه باصول تعلیم وتربیت مللرا قیه و قوافل متمدن ترقی‌بشری باجرئت وشهامت بیان‌میگردد.

زیرا تمام ملل عالم گفته‌اند روش پرورش بشرط پـاکی گوهر ذات مفید است ولی اسلام یك اصل تازهٔ در این باب بازکرده و آن ایجاد گوهر پاك و تهذیب اصل وجود است .

روش پرورش در مکتب تربیتی اسلام براساس، تهذیب نفس است و تهذیب نفس‌هم با ریاضات شرعیه که شریعت اسلام درضمن اوامر و نواهی بیان فرمود حاصل میگردد بنابر این هرکجا تربیت بیك‌سدی برخورد دین اسلام برای رفع آن دستوری‌داده تا نفس مهذب گردد وآنگاه قابل پذیرفتن هرگونه نقش‌تعلیم وتربیتی بشود:

تربیت نفس ـ تقویت عقل ـ هدایت افکار ـ پرورش عقیده ـ بروز استعداد بقوه آوردن لیاقت و تکامل ورشد عقلی وظیفه وبرنـامه مکتب اسلام بوده که قرن‌ها عمل‌میشد .

امـا اینکه بخواهید حقیقت تعلیم و تربیت اسلام را از اخلاق و رفتار مسلمین استنباط نمائید این عمل نادرست و خلاف واقع است زیرا اگر یکدسته از مسلمین منحرف شدند یاسیاست استثمار واستعمار آن‌هارا برنگی دیگر واداشت دلیل بدی‌اصول تعلیم وتربیت اسلامی نیست و کدام ملتی دردنیا شعار **انك لعلی خلق عظیم** را دارد که مسلمین دارند.

انسان معجونی ازطبیعت است که دراو عقل‌وجهل یعنی‌قوای مثبت ومنفی حکومت‌دارند وماچون تمام‌مکتب‌هـای تربیتی‌رادر کتاب مکتب‌اسلام تعریف کرده‌ونتیجه حاصله هرمکتب رابامکتب اسلام مقایسه کرده‌ایم وثـابت نمودیم که مکتب اسلام درایجاد استعداد پرورش لیـاقت وتهذیب فکر وعقل وجسم وجسد وروح وروان بشربرتر وبالاتر ازتمام مکتبهای بشریست و خوانندگان عزیز را بآن کتاب مراجعه میدهیم :

فصل دوم

قرآن وجنبش دینی

پیشوای اسلام مسلمین را در رهبری قرآن
مجید بجنبش دینی گماشت و یك نهضتی
بر اساس تقوی و فضیلت نمودند که جز خدا
هدفی نداشتند و برای رضای خدا شمشیر
میزدند میکشتند کشته میشدند و پاداش
خود را بهشت عنبر سرشت میدانستند و همه
بشر را در سایه قرآن بدین و فضیلت دعوت
میکردند و اکنون سیر اجمالی و تطورات
تاریخی قرآن را نقل میکنیم تا بنهضت
علمی و حرکت فکری مسلمین برسیم

قرآن مجید

کتاب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

این کتاب آسمانی آخرین ومحکمترین وکاملترین قوانین برای نظام اجتماع بشریست که هر قدر عقول بشر برقاء وارتقاء بالارود بپایه درس علم واخلاق قران نمی‌رسد وبدین‌جهت آخرین کتاب آسمانی گردید وبدان نبوت ختم شد و درس فصاحت وبلاغت واعجاز بپایان رسید.

قرآن در خودش بچندین اسم یاد شده **ام‌الکتاب** است که چون روح تمام کتب آسمانی و قوانین بشری درآن محتوی ومشحون است ام‌الکتاب گفته‌اند.

کتاب مبین است برای آنکه بیان او روش و مستدل است **ذکر** است برای آنکه همیشه در ذاکر وحافظه بشری‌مورد استیضاءه وبرکت‌وبهبودی علمی وشخصیت فردی واجتماعی است

فرقان است برای آنکه فرق‌بین حق‌وباطل گذاشته ودراین راه‌شمع فروزانی بلکه خورشید درخشان است که نقطه‌ابهامی باقی نگذاشته است. کتاب **عزیز** است برای آنکه غالب برتمام‌سخنان بشری ومافوق همه‌سخنان آسمـانی قبل ازخود میباشد.

تبیان است برای آنکه درهرشیئی، وهرموضوعی که بشر بدان محتاج‌میباشد قرآن‌در کلیات و اصول آن درس وتذکری داده است.

بلاغ است برای آنکه سخن رسا وکامل است.

بصائر است برای آنکه بینائی دل‌بشر میباشد هر کس قرآن رابخواند وحفظ کند وممارست نماید بصیرتی یابد وضمیری روشن و دل‌پربها ومنور پیدا کند.

شفا ورحمة‌است زیرا اواصل روحانی‌ودردهای‌درونی‌را شفاء می‌بخشد چه‌شفاازجهت‌راهنمائی وچه از جهت شفای آسمانی ازتأثیر ذاتی واثروضعی خود.

کتاب مبارك است بـرای آنکه برکت میدهد در علم و فضیلت و فکر واخلاق میمنت و مبارکی می‌آورد.

نور است که‌خود بتنهائی چراغ بلکه ذات نور ونور نور است که میفرمـاید **واتبعوا النور الذی**... وماکوری‌وبی‌سوادی‌را دیدیم که‌قران را می‌بینندواز حفظ میخوانند و بین صدها کلمات بنور تشخیص میدهد ومکرر امتحانش کردیم گفت کلمات قران درچشم من نور و روشنائی مخصوصی را دارد که کلمات دیگر ندارد این نور ظاهری است ونور باطنی آنکه خانه دلرا روشن میسازدمعانی وروح ونورقرآن است.

حق است وچرا نباشد چه‌حق وحقیقتی بالاتر و مستدل‌تر وروشن‌تر وکاملتر از این قرآن میتواند بشررا هدایت نماید.

امام است برای آنکه هرقوم وملتی رادر هرزمان ومکانی درهر عصر و ادواری درهر نژاد و لغتی هدایت بکمال خود میکند.

بشیر و نذیر است زیرا ملل عالم را از انحراف و لغزش‌خود میترساند وبشاهد ومقصود و کمال ومطلوب بشارت میدهد.

کریم ومجید وعظیم‌وعلی‌وغیره بنام اسماءالحسنی آمده زیرا کلام اشخاص نمونه‌ای از

وجود اشخاص میباشند و قرآن مظهر کامل علم‌وقدرت وخلاقیت وعظمت وعلو وتمام صفات جمال وجلال است بشرحی که درترجمه اسماءالحسنی نگارش یافته است.

قرآن نوریست که یکجا برقلب پیغمبر تابش کردوخانه‌دل‌او راپس‌از زدودن‌هر گونه علایق‌منور نمود ودرظرف ۲۳سال بتدریج آیات آن برحسب عال واسباب نزول وحی بموقع و بمقتضای حال و واحوال‌وزمان‌ومکان بوسیله‌جبرئیل فرشته مقرب‌الهی‌نازل گردیدو رسول‌خدا آنرا بمردم‌ابلاغ فرمود. عرب که در صفاتی برتمام ملل دیگر برتری دارد از آنجمله حافظه است قرآن را حفظ کرد و چندنفرهم بنام کتاب وحی قرآن رامینوشتند که زنده‌دل ترین آنها وزیبا ترین خطوط آنها از علی بن‌ابیطالب داماد وپسرعم اوبود که آثار خطش در همین کتاب دیده میشود و این قرآن بسرعت سینه بسینه و دست بدست برروی کتف استخوان وکاغذ و پوست آهو وپوست درختان وغیره نوشته میشد تابزودی مسلمانان کاغذرا اختراع کردند وقرآن تدوین وتنظیم گردید.

بشرحی که درکتاب پیشوای اسلام‌وسیرتاریخی قرآن نگاشته‌ام قرآن به‌اطراف عالم پرتو افکن‌شد وهر کجا رفت خانه‌دل مردم‌را روشن ساخت ومحیط تاریك آن ملت رابتمدن ومظاهرعالیه صفای کمال و جمال و جلال هدایت نمود **کلید فکر وعقل‌وعلم وفضیلت را بآنها رایگان اهدا کرد** وبزودی سرتاسر جهان تاعصر قرن دوم تاقرن هشتم زیر فرمان قرآن اداره میشد و پس‌ازتلاش امپراطوری اسلام امپراطوری عثمانی جای آنرا گرفت وهر کشور قرآن راامین‌سعادت وقانون اساس خود شناختند ودرسایه تعلیمات قرآن‌توسعه وتکامل یافتند تاقرآن باردوم بآرامش به‌اروپا راه یافت وبزبان های مردم آن‌سامان ترجمه‌شد.

تراجم قرآن در لغات اروپائی

قرآن درخشنده ترین آفتاب علم و دانش و فضیلت واخلاق شناخته شد، و اشعه تابناك او جامعه بشررا از ظلمات و تاریکی جهالت و ضلالت نجات بخشود واز جزیرةالعرب تابیدن گرفت هرقوم وملتی را بشاهراه هدایت و سعادت راهنمائی کرد وهر کجا پرتوش ضعیف‌شد یاافول کرد در سرزمین دیگر طلوع کرد وقوت گرفت وخردمندان دانشمندان جهان قرآن را قانون اساسی‌سعادت بشر وتنها وسیله تکامل عقول و علوم و معارف شناخته کلید فهم فرهنك و علوم را از قرآن اتخاذ کردند و بکمال مطلوب رسیدند.

تاآنجا که امروز قرآن مجید ازتمام مکروفون های جهان حتی کمونیسم وامپریالیسم بحکم ضرورت صیت خود را بهمه اخطار طنین‌انداز مینماید و همه جهان درنشر وطبع آن اقدام کرده و میکنند وغیراز ممالك اسلامی درممالك غیراسلامی‌هم قرآن بزبانهای زنده ترجمه وطبع ونشریافته وآنچه تخمین زده‌شده تاکنون بیش‌از ده‌هزاربار چاپ‌شده است.

اولین ترجمه قرآن بزبان اروپائی بنامر **پتروس وترالی لبس** بوجود آمد یکنفرانگلیسی موسوم به **روبرت راتینی بهمراهی هرمان آلمانی** قرآن رابلغت لاتن ترجمه کرد، ودر سال ۱۱۴۲ میلادی این ترجمه تمام شد واین اثر چهار صد وچند سال از ترس بداندیشان مسیحی مخفی بود تادرسال ۱۵۴۳ بتوسط **تیودوربی بلیاندر درباسل** بچاپ‌رسید وپس‌از آن بزبانهای ایتالیائی وآلمانی وهلندی نقل‌شد.

درسال ۱۶۹۷ م مجدداً **لوئی مارکی** قرآن رابلاتین ترجمه کرد بضمیمه اصل‌عربی بابعضی ملاحظات وپاورقی **درپاووا** طبع‌ونشر یافت.

درسال ۱٦٤٦ م ترجمه بوستاس فردریك منتشر گردید .

اندره دوریرگو نسوال ژنرال فرانسه درمصر که ترکی وعربی راهم میدانست قرآن را بفرانسه ترجمه‌ودرسال ۱٦٤٧م درپاریس چاپ‌شد.

این نسخه نواقص بسیار داشت وپس‌از آن ترجمه های **ساواری کاز یمریسکی پوتیه در** سالهای ۱۷۸۳ و۱۸٤۰ - ۱۸٤۱ - ۱۸٥۲ - ۱۸۷٥م همه‌ساله‌چاپ ودرمعرض نشر واستفاده مردم اروپا گذاشته شد این ترجمه‌ها ازترجمه‌اندره دوریرصحیح‌تر وبهتر بود.

درسال ۱۸۷٤ قرآن رابسوئدی ترجمه کردند امامیگویند این ترجمه خالی از صحت است زیرا مترجم خوب عربی‌را نمیتوانسته بخواند.

درقرن سیزدهم **الفونس دهم** پادشاه اسپانیا حکم کرد سوره‌معراج‌را بزبان اسپانیولی‌ترجمه کرد **ودون** ابرهم طبیب این خدمت‌را انجام داد .

بااینکه اسپانیولیها ویونانیها چندین قرن بامسلمین مجاورومعاشر بودند معلوم میشودترجمه تمام‌قرآن راداشته‌اند وسوره معراج رااز نظرعلوم فلکی میخواستند.

نخستین ترجمه آلمانی که ازلاتین گرفته شده‌بود بعد ترجمه **سکوثر در نوزانبورك و فردریك در فرانکفورت** چاپ شد بهترین ترجمه های آلمانی‌ترجمه **بویسین** وتازه‌ترین آنهامال **اولمان** است که درسال ۱۸٥۳م‌تاحال چندین بار بچاپ‌رسیده وهرچاپی چندین هزار نسخه منتشر شده است .

مستشرق مشهور نولدکی میگوید درمیان ترجمه های آلمانی نسخه بدست نمی‌آید که صحت واتفاق تراجم انگلیسی شبیه‌بآن باشد.

ترجمه هلندی اولا درسال ۱٦٤۱م درهامبورك‌پس‌ازآن ترجمه **گلاسماك** در سنوات ۱٦٥۸ و ۱٦۹۸ و۱۷۳٤م درلندن چاپ شد.

بهترین ترجمه هلندی قـرآن اثر **دکتر کازیر** استاد شرع اسلامی دارالفنون درلغت است که درسال ۱۷۰٦ درهارلم چاپ گردیده است.

درسال ۱۸۰٦م قرآن‌رادر **پتروگراد** بزبان روسی ترجمه وطبع نمودند ودرسال ۱٥٤۷م‌آن را بایتالیا برده ترجمه کردند این تـرجمه لغت ایتالیائی متعلق به **اکیلیو فراکاستی** ازمعلمین مدرسه صنایع میلان است.

درسال ۱۸۰۱م **آندره آگولوتو دانشمند شهیرقرآن رابلغت عربی وفارسی وترکی ولاتین**دریك مجلد بچاپ رسانید این‌نسخه اکنون نادرالوجود است.

چندسال قبل قسمتی ازقرآن رابلغت «اسپرانتو» ترجمه کردند.

اولین ترجمه‌آن بلغت انگلیسی یادگار **الکساندر درس است** پس‌از او **سیل** ترجمه کرد این نسخه درسال۱۷۳٤م چاپ شد. و بایك مقدمه مبسوطی‌ازقلم مترجم شروع میشود.

درحواشی این‌نسخه قسمت هائی ازتفسیر بیضادی مندرج است وظاهراً این نسخه همانست که بیضادی نوشته ودرحاشیه ترجمه شده واکنون‌هم‌بهترین‌تفسیر بیضاویست بهمان سبك چاپ‌شده و ازروی آن انگلیسیها بترجمه آن‌مبادرت کرده‌اند.

ترجمه**اورل** که سوره‌هارا بترتیب تاریخ واوقات نزول قید نموده‌اهمیت بسیار دارد واین نسخهٔ حتماًازنسخی است که ازروی قرآن امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابیطالب درعصر خلافت اواصحابش نوشه‌اند

وبدست ملل مسیحی افتاد و جزء ملیونها ذخایر و کتبی که بردند این نسخه راهم برده وترجمه کردند وگرنه در قرآن خلفا این سبك نبوده ونیست این سبك تنظیم قرآن مخصوص علی بن ابیطالب ها بوده است.

هنری پالمرو که درزبان عرب تبحر داشته بااهتمام دقیق درحفظ معانی اصلیه قرآن را بانگلسی ترجمه کرده و در سال ۱۸۳۳م بچاپ رسیده و ترجمه را در حاشیه قرار داده این ترجمه‌هم بنظرما ازبیضاوی است.

دو ترجمه دیگر تازه پیدا شده است یکی توسط دکتر محمد عبدالحمید خان دیگری توسط میرزا ابوالفضل که درسال ۱۹۰۵ و ۱۹۱۱ بااصل عربی چاپ کردند. وکاملترین ترجمه قرآن است که انجمن ترقی اسلام دراروپا نشرداده است.

ریشارد برتن مدتی باجمعی همت گماشتند که قرآن را منظوماً ترجمه نمایند تااندازهٔ هم پیشرفت کردند ویك جزء ازاین ترجمه درمجله دینبورگ درسال ۱۸٦٦ میلادی منتشرشد.

در سال ۱۱٤۳ میلادی قرآن بلغت لاتین چاپ شد که ظاهراً مترجم همان روبرت انگلیس بود.

درسال ۱۵۰۹ بلیب لیاندر قرآنرا ترجمه کرده است.

درسال ۱۵٤۳ مسلمانی دیگر که زبان اروپائی میدانسته ترجمه کرد.

درسال ۱۵۹۷ بزبان انگیسی وفرانسه و آلمانی - ایتالیائی بلغت روس - سواحلی - بنگالی ترجمه وطبع ونشر یافته است.

درسال ۱٦۱۸ **لاویا بنوس** بازبانگلیسی ترجمه کرد که در لندن چاپ شد.

درهمین سال مارديس بفرانسه ترجمه نمود ودرپاریس چاپ شد.

درسال ۱۸٦۱ **لردوال** بانگلیسی در۶۵۹ صفحه ترجمه کرده که آنهم چاپ شده و پس از او **ساواری** گویا همین ترجمه را درپاریس فرانسه چاپ نموده.

ترجمه انگلیسی **میرزا محمد خان بهادر** ابن ملا احمد منشی بوشهری درلندن چاپ شد.

ترجمهٔ بلغت فرانسه درسال ۱۸۷۰ نموده‌اند که درسال **۱۸٤۰** چاپ شد.

درسال **۱۷٤۰ اپال سومی ۱۸۷۰** م بفرانسه ترجمه کرده که چاپ شده است.

ودرهمین نسخه درسال ۱۸۸۳ بانگلیسی هم درلندن چاپ شده است.

درسال ۱۹۳۱ قرآنی بلغت سواحلی درجنوب افریقا منتشر شد که **ازان بلیله** بفرانسه ترجمه کرده بود ودرلندن چاپ شده است.

درسال ۱۹۱۱ ترجمه های قرآن بانگلیسی باتصحیح میرزا ابوالفضل بنقل معجم المطبوعات در اله آباد هندطبع ونشرشد.

درسال ۱۸۳٦ **سل** انگلیسی قرآنرا ترجمه کرد وآنهم درهند چاپ شده است.

درسال ۱۷٦۳ م بنقل حاجی فرهاد میرزا قرآن رابلغت بنگالی وانگلیسی ترجمه کرده‌اند وبا خود قرآن بنقل معجم المطبوعات طبع ونشر یافته.

قرآن درلغات شرقیه

قران مجید در لغت عربی ترجمه های مختلف دارد که از دایرة المعارف یهود استفاده میشود ازهمان اوایل اسلام یهود قرآن رابعبری ترجمه کردند وبرخی ازاقسام این تراجم در کتابخانه **بوده‌لیان** آکسفورد نمره ۱۲۲۱

موجوداست یعقوب بن‌اسرائیل رئیس روحانی زنتی درسال ۱٦۳٤ قرآن رابعبری نقل کرد.

قدیمترین ترجمه های لغات شرقیه ترجمه شیخ عبدالقادر پسرشاه ولی اسد است که بلغت اردو دردهلی چاپ‌شد .

بعداز آن‌نسخه فارسی وعربی رادرسال ۱۸۳۱ م در کلکته نشردادند و باید متذکر شد که **مسیو برونه** بترجمه فارسی دیگری دراصفهان اشاره میکند.

دردهلی‌نسخه‌ای درچهار زبان‌درمطبعه ناورقی‌دهلی‌چاپ‌شده‌ودرسال ۱۳۱۵ هجری دکتر عماد ـ الدین درآ**یریسته هند** قرآن رابزبان اردو ترجمه نمود این اولین قرآنی است که باحروف اردو واروپائی انتشار یافته است.

تفسیر بیضادی کـه جمله بجمله محتوی شرح و معانی قـرآن است در زبان مآی بچاپ رسید .

در لغت پشتو وگجرات قرآن نیز ترجمه شده که نسخ آن موجود است ولی مترجم‌وزمان آن معلوم نیست. قراان در لغت چینی شرحی برآن نوشته شده کـه **فارزانل و ودات** انجام داده‌اند .

درسال ۱۹۱۳ شخصی از اهل جاوه که خودرا خادم سلطان عثمانی نامیده قـرآن رابزبان جاوه ترجمه کرده ودرسال ۱۹۰۸ ویلیام **گودساك** قرآن را بزبان بنگالی درآورد درهند سید **اولاد حیدر ملقب بذوق‌البلکرامی** قرآن‌را بلغت اردو ترجمه وچاپ کرد.

درزمان سلطان عبدالحمید قرآن بترکی ترجمه‌شد اما انتشار آن ممنوع گردید تادر سال ۱۳۲۰ هجری نسخه نفیس‌آن بانسخه ترجمه ترکی دیگر دراسلامبول طبع ونشر یافت.

نویسنده نسخهٔ بزبان ژاپونی وروسی وانگلیسی وامریکائی لاتین اسپانیول و آلمانی دیده‌ام که در ایام جنك بایران آورده بودند وچند نسخه آن درکتابخانه وزارت کشور بود.

بنابراین اطلاعاتی که ماز روی دائرةالمعارف و فهرست مطبوعاتی کتب شرقی لندن وپاریس ودرخلال کتب تاریخ بدست آورده‌ایم مسلم است که قرآن بیش‌از سایر کتب آسمانی طبع ونشر یافته وزبانهائیکه قرآن بدان چاپ‌شده بیش‌از زبانهائی است که تورات وانجیل بدان ترجمه ونشر یافته بعلاوه که قرآن کتاب زنده وجاودان وقانون اساسی‌قابل‌عمل است.

تحریف وتغییری درآن رخ‌نداده است واز قرن هشتم هجری کـه جنگهای صلیبی شروع شد و دانشمندان اروپائی جرئت کردند حقایق‌رابنویسند قرآن ترجمه شد ودر اولین روزهای **اختراع چاپ پس از توراة طبع رسید و بیش‌از هشتصد ملیون مردم مسلمان جهان کـه نسبت دانشمندان آن نسبت بسایر ملل ومذاهب بیشتر بودند قرآن راترجمه و تفسیر وطبع و نشر نمود بقدری قرآن‌نوشتند که ازشماره بیرونست.**

هرمرد مسلمان که سواد نوشتن وخط قابل خواندن داشت معتقدبود باید درخاندانش یك‌جلد قرآن باشد یاهرفرد متمکن مسلمان که سواد وخط نداشت مقیدبود پول‌بدهد کاتبی یك جلد قرآن برای اوتیمناً وتبرکاً بنویسند در خاندان آنها باشد و سلاطین اسلامی همه‌این سیره پسندیده را داشتند وروی این عقیده وایمان قرآنها نوشته شده وترجمه ها شده که برای خلوص نیت نام خود راهم پشت‌آن نمی‌نوشتند .

روی‌میز سلاطین وطاقچه اطاق آنها قرانهای سلطنتی مهذب ومذهب نوشته میشد وموجودبود

واین سیره دراروپاهم جاری شد که قرآن رابزبانهای اروپائی مسلمانان اروپائی مینوشتند ونام‌خود رانمی‌بردند لذانمیتوان ازتعداد چاپ و موجودی قرآن احصائیه‌ای برداشت و گنجینه های قرآن در مکه ـ مدینه ـ نجف ـ کربلا ـ کاظمین ـ سامرا ـ مشهد ـ تهران ـ قم ـ بیت‌المقدس ـ مساجددیگری که نام اکثررا برده‌ایم شاهد صادق این حقیقت است ودرتمام این مساجد ومدارس اولین وظیفه‌هر مسلمان نوشتن وخواندن وقرآن درس دادن‌است که جمعی‌زیاد ازمردم مسلمان ازوظایف اولیه‌خود میدانسته پس‌ازنماز آیات قرآن وتفسیربیان کنند ولذا مفسرین اسلام تفاسیروتراجم بسیار برقرآن نوشته‌اند وبشرحی که مادرتاریخ قرآن نوشتیم بیش‌از ۷۷۰ تفسیر علمای شیعه‌امامیه بتنهائی برقرآن نوشته‌اندوقریب ۱۹۲ تفسیر برآیات‌وسوره واجزاء قرآن نگاشته‌اند و۲۰۶ تفسیرتمام قرآن نوشته‌اند و۲۶۸ تفسیربرسورآن نوشته شده که‌ناقص‌مانده وبیش‌ازهمین اندازه هم‌ازمفسرین‌غیرامامیه در۷۲ فرقه دیگرمسلمین تفسیر وقرآن نوشته‌اند .

دین اسلام برتر و بالاتر ازهمه ادیان‌ومسلمین برای‌مشعلداری هدایت برگزیده شدند

کنتم خیرامه اخرجت‌للناس تامرون بالمعروف وتنهون عن‌المنکر وتومنون بالله ـ والیوم‌الاخر ولوآمن‌اهل‌الکتاب‌لکان‌خیراًلهم‌منهم‌المؤمنون‌واکثر هم‌الفاسقون آیه ۱۹۷ سوره‌آل‌عمران

ان‌الدین‌عندالله الاسلام ومااختلف‌الذین اوتو ـ الکتاب‌الا من‌بعد ماجائهم العلم بغیاً بینهم‌ومن یکفر بآیات‌الله فان‌الله سریع‌الحساب

آیه ۱۸ سوره‌ال عمران

شما ای مسلمانان بهترین‌امتی‌هستید که برای امربمعروف ونهی‌ازمنکر انتخاب شده‌ایدشما ایمان بخداآورید اگرچه اهل کتاب «یهودونصاری» ایمان آوردند ولی جمعی‌ازآنها بهتراز سایر خویشاوندان خود گرویدند و ایمان آوردند اما بیشترین آنها فاسق هستند یعنی فرمان ـ بردار نیستند .

دراین‌آیه مسلمین‌بصفا ووفا وبرازندگی‌یادشدنداما‌بشرط تقوی و پارسائی وملازمت‌براطاعت وعبادت وپرهیزکاری ودرروایات وتفسیرآیه تصریح فرموده است که منظور ازاین است مسلمان مصفی ومنتخب پیروان علی‌بن‌ابیطالب هستند که بتمام احکام‌آسمانی سراطاعت وتسلیم فرودآورده ومهیای دعوت بشربفضیلت‌میباشند وقبل‌ازآنکه‌دیگران‌رادعوت کنند خودشان‌رابدستورات آسمانی‌آراسته‌اند وترجمان گفتار خود عملامیباشند ـ آنهاهستند مسلمانانی که قدرت دارند دنیای شرق و غرب رادر قبضه دعوت اخلاقی خودبیاورند .

زیرا دین درنزدخدای تعالی فقط اسلام پذیرفته است و کسانی که اختلاف دردین کرده‌اند پس‌ازخاتم نبوت وقرآن راه ضلالت رفته وآنکس که تکفیر وتکذیب کند این حقیقت راکافراست‌و خداوند سریع‌الحساب است بزودی بحساب منافقین و مکذبین رسیدگی میفرماید درقرآن مجید درباره دین ودیانت وجنبش دینی مسلمین ۳۲فصل مشحون‌بر۸۳۳آیه نازل شده که ۳۳ آیه درباره اسلام است .

مسلمین سعی‌وکوشش‌داشتند خودپیغمبردرظرف‌ده‌سال ۸۴ جنك کرد وهرجنگی باتوجه‌بوسایل سلاح آنروز ومرکب ووسایل نقلیه حائزاهمیت بود.

پیشوای اسلام درظرف یکماه خودبایاران وفادارش درحال روزه خندقی بطول چند کیلومترو بعرض دوازده‌متر وعمق دومتراطراف مدینه برای دفاع‌مسلمین وملیت درهوای گرم تابستان کندند ورسول خداص خودش سنك برشکمش می‌بست که گرسنگی براو سخت فشارنیاورد - مسلمین ازپای نایستادندهردسته دریك صف‌خدمت می کردند بلکه اصحاب پیغمبرص‌هم درهمه صفوف شرکت‌داشتند مجاهد درمیدان جنك - قاضی دربازارمعلم و مربی درخانواده وعابد وزاهد درمسجد - فعال‌وکاسب درشغل‌کار گروکارفرما وبرادروبرابر ورفیق ودوست بودند آنی فراغت نداشتند تافرمان جنك صادر میشدبی‌درنك‌سلاح جنك‌می‌پوشیدنداینهاعوامل‌جهانگیری‌وبزرگواری آنهابود تااکثرجهان‌را گرفتند وشروع‌بنقل زبان ولغت وعلوم وفنون‌گردند دوسال دراین‌کار رنج بردند تا سید و بزرك و پیشوای جهانیان شدند .

حضرت امام‌جعفرصادق ع پانصدرشته علم‌را بیکنفر ازشاگردانش‌بنام جابربن حیان که‌شهرت جهانی دارد آموخت ومسلمین درتمام این‌علوم فعالیت داشتند ودانشگاههای اسلامی درفنون‌وعلوم مختلف درس وبحث وعمل می کردند کتب دانشمندان بزرك اسلام درجبر وریاضیات طب و نجوم و فلکیات وغیره زنده وحاضر وموجوداست که بهترین شاهد صادق‌است .

جنبش دینی

مهمترین جنبشی که درعرب پدیدآمدودامنه‌آن‌بسایرملل اثربخشیدجنبش دینی بود که مانند موجی ازدریای فکرواندیشه پیشوای اسلام درافق اندیشه وافکار مسلمین بوجود آمد وآنقدرقدرت ونیرو گرفت که دریای عمیق مواج عقل و خردرا تکان داد ویك نهضت عظیمی برپاکرد که همچنان نوسان آن موج درسطح افکارجهانیان درحرکت است ودامنه آن جنبش هنوزادامه دارد.

چون افق اجتماع بشرازپرتو خورشید درخشان دین اسلام روشن گشت مردم عربستان بفرا گرفتن آیات قرآن وتفسیرآن وفهم معانی‌آن واستخراج احکام دینی توجه‌کامل پیدا کردند و اسلام را استقبال کرده دین رافرا گرفتند.

درعلوم قرآن - تفسیرقرآن - حدیث - جبر - ریاضیات - طب - اعداد - علوم ظاهر و باطن فنون ابداع واختراع‌ازساعت وکاغذ و کشتی‌سازی وغیره درهمه فن جنبش خود رانشان داده و بیش ازهرچیز قرآن‌را درجنبش‌دینی‌مطلع‌حملات ودعوت‌خود قراردادند - وهرکس ازاحکام دین‌سرمیتافت می کشتند وباشمشیراوراهدایت می کردند اگرچه خلیفه بود .وجنبشی عظیم کردند

درحدیث درزمان خودپیغمبرص که ایمان وعقاید مسلمین درنهایت قوت وقدرت بود ودرفرا - گرفتن حدیث وتعلیم‌دادن آن وحفظ‌احادیث ونشرآن ایمان‌پیدا کردند که فرا گرفتن ونشرحدیث راه پیمودن بهشت است وبرای این عمل نهضتی کردند وحافظ بیانات پیشوای خود شدند احادیث را میخواندند حفظ میکردنـد برای یکـدیگر نقل میکردند - گوش بگوش و سینه بسینه انتقال می‌دادند .

اصحاب پیغمبر ص که عدد آنها بالغ برصد و بیست هزار نفر شده بود و ۱۲ هزار نفر در ملازمت شخص پیغمبرص اسلام را داشتند همه‌برتوسعه‌آن افزودندواحادیث را بتابعین که پیغمبر را ندیده بودند سپردند وآنها بتابعین‌تابعین دادند و کتبی فراوان دراین باره‌نوشته شد که ازمعروف ترین آنها صحاح‌سته‌سنت و کتب‌اربعمائهٔ فرقه‌شیعه امامیه‌است- که درباره آنها صحبت میکنیم

جنبش دینی علم و دانش را نیز جنبش و توسعه داده در دوره امویه(۱) که در بار آنها مانند قیاصره رومیان تشکیل شده و اساس حکومت آنها برفشار وجبر وقهر وخشونت گذاشته بود و برای جلب منافع وحفظ مقام حکومت خودرا ازهیچگونه جنایت وخیانتی خودداری نمی کردند وحتی از سر بریدن وقتل نفس دریغ نداشتند تابجائی که دخترزاده پیغمبر راباآن وضع فجیع بقتل رسانیدند وبااین وضع بعلم وفلسفه و دین توجهی نداشتند ولذتی نمی‌بردند ولذا دردوره اموی تخفیفی درنهضت دینی پدید آمد ولی در دوره بنی‌عباس نهضت دینی و علمی باز جنبشی کرد ودر نتیجه فتوحات اسلام بیشتر توسعه یافت و اختلاط و امتزاجی باملل متمدن دیگر دست داده که علماء و دانشمندان جهان باسلام گرویدند عقاید وآرائی ازمجموعه جنبش علمی حدیث واخبار پدیدار گردید. کتب عالیه بسیاری تصنیف وترجمه و تألیف شد: که امروز منبع علوم وسرچشمه دانش جهانیان است.

مرکز علم وعلم ودانش اسلام یامنبع حیات عقلی مسلمین **مکه ومدینه** بود که دانشگاه اسلام درآنجا تأسیس شد واشعه پرتوافروز علم‌ودین ازآن‌جا بجهان بشری اشعه تابناك خودرا افروخت ـ مکه‌ومدینه سرزمین زندگی ورشد آموزش و پرورش نظر **انا مدينة العلم و على بابها** بود که ازاطراف دنیا میآمدند علم‌ودین فرامیگرفتند بعظمت وتعمق و حقیقت علم ودین اعتراف میکردند تسلیم‌میشدندومسلمانان باطراف عالم برگشته دیگران راارشاد وهدایت میکردند.

مرکز حیات عقلی مسلمین پس از مکه بمدینه وپس از آن بکوفه و مدتی بشام و سپس بعراق و بغداد ـ بصره ـ نجف ومدتی خراسان مرکز علم‌ودین ودانشگاه اسلامی شدوپس از آن اندلس قلب ممالك اسلامی دراروپا وسپس مصر مرکزیت یافت که‌هم‌اکنون قلب ممالك اسلامی افریقااست.

دراین دانشگاه های بزرگی که یکی پس‌از دیگری تأسیس میشد مدار علوم روی حدیث و اخبار بود وبا تمدن ایران و روم و یونان آمیزش یافت و بنام تمدن اسلامی در سراسر جهان ریشه دوانید:

نهضت دینی درآغاز اسلام جنبش عظیم داشت و تمام علوم بصورت احادیث و اخبار در دریای علم ودانش اسلام فرورفته تحلیل‌شد وفلسفه وطب وحکمت و ریاضیات‌هم چندان ترقی نکرد تازمانی که بصورت اخبار دینی درآمد چنانچه عمربن عبدالعزیز (۲) چون خواست یک‌جلد کتاب طب را منتشر کند بصورت اخبار واحادیث دینی‌منتشر کرد وتمام جنبش علمی روی سه‌اصل قرآن تفسیر ـ حدیث بود که در کتب مربوطه سیر کمالی آن ثبت‌شده است.

---

۱ ـ امیه ازغلامان رومی بود واساساً عرب نبودند وبدین وعلم و فضیلت بی‌علاقه بودند هدف آنها حکومت وسلطنت و اجرای تمایلات شهوانی بود و لذا دیدیم که نه‌تنها بادین بازی میکردند بلکه بااساس فضیلت و انسانیت وآدمیت‌هم مخالف بودند و جنایاتی کردندکه در کتب مربوطه مندرج است.

برای تحقیق این بیان بکتاب کامل بهائی عماد الدین حسن بن علی طبری معاصر خواجه نصیرالدین طوسی مراجعه شود کتابش‌را در ۶۷۵ تمام کرده.

دیگر قاضی نورالله درالزام النواصب وخالصی‌زاده درالعروبة فی‌دارالبوار که درجواب العروبه فی‌المیزان نوشته و کتاب استغاثه فی‌بدع‌الثلاثة مراجعه شود.

۲ـ (فجرالاسلام ص ۲۲۳)

مسلمین باجنبش دینی واجرای کامل؛احکام اسلام جداً درنشر و توسعه منطقه دین تمام قدرت وقوت خودرا بکار بردند.

دراقامه نماز واداء زکوة وتلاوت قرآن وعمل باخلاقیات آن ودرس و بحث و فحص بعلوم افاضه قرآن بصورت دین پای‌از سر نشناختند تاشاهد موفقیت رادرآغوش گرفتند.

جنبش دینی مسلمین سرلوحه تمام نهضت های موفقیت آمیز آنها بودکه درسایه دین و نشر توحید و دعوت بیگانگنی خداوند بمراحل فوزوفلاح رسیدند وچنان در اجرای دین کوشا بودند که‌هر کس منحرف میشد باشمشیر اورا براه‌راست ارشاد وهدایت می‌نمودند ومسلمانان خودترجمان این حقیقت بودند یعنی دین‌را برای دین و کمال نفس از روی عقیده و ایمان می‌پذیرفتند واز روی خلوص ارادت عمل میکردند ومصداق یك‌مسلمان کامل بمردم نشان میدادند و همین روش پرورش موجب استقبال وقبول ملل گردید که بسرعت برجهان چیره شدند.

جنبش دینی مسلمین آمیخته بحکومت عربی شد و تعصب ملی اموی تاپایان خلافت امویان خاتمه یافت وبعد جنبش دینی همدوش بانهضت علمی گردید ویك حرکت فکری بسیار عمیق بوجود آورد تا کم کم تربیت اسلامی باتمام آداب ورسوم ملل واقوام سازش نمود ویك پرورش مهذب‌جامعی ازهمه ملل بظهور رسانید که دردنیای بشریت سابقه نداشت و این موفقیت درزمانی کوتاه در سایه تعلیمات اخلاقی وروش پرورش دینی اسلام بود که همه‌را راضی وخشنود ساخت .

سازمان برادری‌وبرابری در اسلام

یاایهاالذین آمنو اتقوالله حق تقاته ولاتموتن الا و انتم مسلمون واعتصموا بحبل‌الله جمیعاً و لاتفرقوا واذکروا ـ نعمت‌الله علیکم اذکنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناًوکنتم علی شفاحفرة من النار فانقذکم منها کذلك یبین‌الله‌لکم آیاته لعلکم تهتدون ولتکن منکم‌امة‌یدعون الی‌الخیرویأمرون بالمعروف و ینهون‌عن‌المنکر واولئك هم‌المفلحون ولاتکونو کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد مـاجـائهم البینات و اولئك لهم عذاب عظیم

آیه ۱۰۲ سوره آل‌عمران

ای گرویدگان به‌اسلام پرهیزکار شوید واز خدا بترسید حق ترسیدن و نمیرید مگر مسلمان که دارای مزایائی درفوز وفلاح است.

متمسك شوید برشته الهی وهمه‌شما چنك‌بزنید بریسمان ارتباط باخالق خود ازهم تفرقه پیدا نکنید ازنعم الهی یاد کنید یادداریدکه درپرتگاه آتش عذاب دردناکی از اخلاق رذیله وتفرقه و اختلاف طبقاتی بودید.

واسلام شمارا رهائی بخشید وبلباس وحدت ظاهر وباطن متمسك گردانید و ایاتی از قدرت وعلم وحکمت خودبرای شمابیان کرد شاید هدایت شوید .

اکنون که هدایت شدید بایدشما امتی‌باشید که دعوت بخیر وامر بمعروف ونهی‌ازمنکر نمائید ومشعلدار ارشاد هدایت گردید که این قوم رستگارخواهند بود .

ای مسلمانان اکنون که هدایت شدید ازآن ملتی نباشید که پس ازایمان تفرقه یافتند وباهم بنفاق برخواستند واختلاف پیدانمودند وپس ازدیدن وشنیدن آیات الهی رو گردانیدند وآتشی بزرک برای خودفراهم کردند.

پیغمبر اسلام ص بااین آیات مبارکه پیروان خودرا متشکل ببرادری واخوت وبرابری کرده فرمودهمه متحد ومتفق چنك برحبل الله المتین بزنیدوبایك آهنك ویك فکر ویك هدف دراصلاح مفاسد اجتماع بشری بکوشید که حتماً رستگارخواهیدشد وخداوند شمارا برای اینکارآفریده علووارتقاء اعتلا حق شمااست تاروزی که درایمان باین حقیقت محکم و ثابت قدم وپابرجاباشید.

برابری دراسلام

انما المومنین اخوه فاصلحوا بین آخویکم واتقوالله لعلکم ترحمون

پیغمبر اسلام سازمان اجتماع مسلمین رابراساس برادری وبرابری استوار کرد و میان مهاجر وانصار سال اول هجرت عقداخوت وبرادری خواند واین عقد در اسلام بجائی میرسد که پس از مراحل وراثت قابل ارث بردن میباشد وبنام ضامن جریره درفقه فصلی دارد - چون مسلمین درمدت۱۳سال مکه بین افرادی مختلف موردقبول واقع شدکه قبلا بااختلاف طبقاتی حاضرنبودند باهم دوش بدوش راه بروند دراسلام دوش بدوش هم می نشستند درصف نماز برابر وبرادرشدند ورسول الله ص هم برای تحکیم مبانی دوستی آنهاعقداخوت وبرابری وبرادری بست و هردونفر که اخلاقاً بهم از جهت تقوی نزدیك بودند باهم برادرنمود وعلی راهم برادر خود خواند . و در جنگها همه را در یك صف قرار داد وطبق احکام قرآن ازغنائم جنگی بهم بمساوات رفتار کرد وعدالت را درهمه آنها اجرانمود و جامعه مسلمین راکه آنروزاز۳۱۳نفر بچندهزار برابر رسید بصورت واحدی متشکل فرمود مواخات و مواسات ازمزایای اسلام است که بین پیروان دین بارعایت حقوق عمل میشدآنقدر روح برادری دربین مسلمین حکمفرما شدکه عرب باآن نخوت وتکبرچون مسلمان شد حاضر گردید دخترخودرا بغلام سیاه خودبزنی عقدنماید و باهم دوش بدوش راه بروند باهم سریك سفره بنشیند درجنك هم دوش باشند گاهی اعیان واشراف باید مطیع غلام خود که فرمانده شده قرار گیرد وچون خلوص نیت وارادت و تقوی حکمفرمابود ناراضی پیدانمیشد البته درهمه مردم این پیوستگی ووحدت وجود نداشت ولی بقدری برادری وبرابری حکمفرماشد که شیخ صدوق درسال ۳۸۱ کتابی درباره حقوق برادری دراسلام نوشت بنام **مصادقة الاخوان** که مادرمکتب اسلام مفصل شرح دادیم این کتاب ۴۳ باب شامل صد حدیث در حقوق فردی واجتماعی مسلمین است ودرحقیقت آئین نامه اجتماعات پیروان دین اسلام است که در حق یکدیگراجرامیکردند درمساوات برابری - قضاء حوایج- دیداربرادران - راستی گفتار-درستی کردار - علاقه باتحاد واتفاق وغیره میباشد .

حضرت امام جعفرصادق باسماعیل وصاف فرمود آیامیشناسی ازبرادران که لباس اضافی خویش رابیرادرمسلمان دیگر بدهد گفت میشناسم شخصی راکه دوعبا داشت یکی راخود ویکی را بمردی دیگرداد فرمودآنها مسلمان هستند .

امام زین العابدین بیکی ازاصحابش فرمودآیاشده که دروقت تنگدستی دست در جیب برادر مسلمان خودکنی بقدراحتیاج برداری وبعداز وسعت همان مبلغ رابجیب اوبگذاری واو نداند تو چقدربرداشتی وگذاشتی و اوبپرسد گفت نمیشناسیم فرمودهنوز برادرنشده اید .

مفضل بن عمر روایت میکند که امام ششم فرمود پیروان مارا بدوصفت میتوان شناخت یکی نمازخواندن بوقت دیگر مواسات با برادران خود. فرمود هر کس حدود دوستی را ادا کرد دوست است وبرادر و گرنه بیگانه است فرمود هرچه برای خود دوست دارید برای برادران خودهم بخواهید وهرچه برخود نمی‌پسندید برمسلمانان نپسندید .

پیغمبر ص فرمود مومن مرآت وآینه سرتاپا نمای مومن است او میتواند خودرا درجمال برادرش ببیند ومعایب رارفع کند مومن سهل المونه کم‌خرج قانع دوست وامین و جلیل هم خوابه و گلستان است . امیرالمومنین علی برای همام علامات مومن رابیان فرموده همام غش کرد ومرد فرمودمومن همیشه حشاش وبشاش است .

حافظ

در بساط نکته دانان خودفروشی شرط نیست
یا سخن دانسته گوای مرد دانا یا خموش
بادل خونین لب خندان بیاور هم چو جام
نی اگر زخمت رسد آئی چوچنك اندرخروش

حضرت صادق ع فرمود شخصی آمد نزدامیرالمومنین ع دربصره پرسید علامات مومن را برای من بگو فرمود برادران تودودسته‌اند یك طبقه آنهائی که معتقد ومعتمد وامین هستند راست گو و درست کردار وطبقه دیگر آنها که خوشرو زودآشنا ولی پایدار نمیباشند طبقه اول مانند دست وپا وخانواده‌واعضا میباشند وچون برادری یافتند هرچه‌دارند بااودرمیان می‌نهند و گاهی ایثارمیکنند وطبقه دوم آنهاهستند که دیدارآنها برای توقع است از آنهاانتظار وفاداری نداشته باش - ولی از گشاده‌روئی وشیرین‌زبانی هم دریغ مکن رازخودرا باآنهابمیان مگذار .

رازخود بایارخود هرچند بتوانی مگوی یاررا یاری بود ازیار یار اندیشه کن

حضرت ابی‌عبدالله فرمود خداوند آن بندگان را دوست دارد که دلشان با برادرانشان صاف باشد .

امیرالمومنین فرموده است بندهٔ داخل بهشت نمیشود مگربوسیله راهنمائی یکی از اصحاب سئوال کرد هریك فردراهنما دارد فرمود آری راهنمای‌هرمسلمان مسلمان دیگریست که اورا اززشتی بازدارد وبنیکی رهبری کند ولذا درحدیث دیگرفرمود روح اسلام جزامر بمعروف ونهی از منکر چیزی نیست !!

بازفرمود **کلکم راع و کل راع مسئول عن رعیته** هرمسلمانی یك مسئولیت فردی دارد و یك مسئولیت اجتماعی بایدهم خودش عمل برادری و برابری و مساوات و نیکوئی نماید هم برادرمومن خودرا بدین برنامه مجبور کند تاهمه موفق‌وکامیاب شوند زیرا بنی‌آدم اعضای‌یکدیگرند وچون عضوی بدردآمد تاثرات آن در اعضای دیگر موثراست ولذا اسلام پیروان خودرا مانند یك بنای محکم ویك پیکر مرتبط ومتصل بهم معرفی فرمود و وظیفه فردی و اجتماعی برای همه آنها قرارداد - تاباتفاق ریشه‌های فساد را بکنند وتخم اتحاد واتفاق را درعمل بفضیلت بنشانند و عظمت اصول وقوانین تغییرناپذیروراقی این دین را که مخالف باهیچ گونه ترقی وتکامل وتمدن متصور نیست برجهانیان عرضه کنند و ماهم جزاین‌غرض درتالیف‌این کتاب هدفی نداریم که به‌نسل آینده‌و اخلاف نشاندهیم اسلام درعلم وفضیلت برتر وبالاتر ازهردین آسمانی است وباهم آزادی و تکامل و رقاء و

اعتلا نه تنهامخالف نیست بلکه رهبر وراهنما ومشعلدار است .

تربیت دینی اسلام

مسلمین درمکتب فضیلت‌واخلاق پیشوای اسلام که مظهر کمال فرمان **انك لعلی خلق عظیم** بود مانند کودکی ساده‌لوح که آئینه سینه صافش‌مصفی وقابل پذیرفتن هر نقش ونگاراست دریچه دل‌خود را از پنجره‌های حواس باز کرده وآنچه ازاخلاق فاضله بود فرا گرفتند وپس‌ازفـرا گرفتن هرصفت بعمل مبادرت کرده وبزودی توانستند ازراه خوشروئی وخوشخوئی مردم جهان را بآئین اسلام دعوت کنند این اهتمام بیشتر دین وحمایت اسلام وتوجه مردم بروحانیت وغذای معنوی که فرق جـامعه آنروز گرسنه این متاع بودسبب شد که درهدایت امر کلیه عرب وپس‌ازآن ملل مجاور گروه گروه داخل دین اسلام شدند وچون پیغمبرا کرم‌ص ازجهان رحلت کرد قریب ۵ ملیون ۵۰۰۰،۰۰۰ نفر ساکنین جزیرةالعرب وپنج‌ملیون ازمردم حبشه و یمن افراد ممالك مجاور باسلام گرویـده بودند وبیش از ۱۱٤۰۰۰ فدائی داشت که بمعنی حقیقی مسلمان وتسلیم دین بودند .

نشردین اسلام علل‌واسباب فراوانی داشت که یکی‌ازآن فضیلت اخلاقی وملکات نفسانی‌مسلمین بوده . راستی گفتار.درستی کردار . قناعت . عزت‌نفس . تساوی حقوق . عاطفه و مهربانی نسبت‌بزیر دست . قدرت وقهرنسبت بدشمن . ایمان و یقین بمبدء و معاد که سرچشمه همـه فضائل است . حفظ حقوق برابری وبرادری که بانهایت دقت در حیات و ممات در جنك صلح رعایت میشد ـ واین صفات وسجایا درتمام ملل‌دنیا وخردمندان عالم پسندیده وممدوح است :

اسلام چون‌طلوع کرد ونهضتی پرغوغا برپانمود مردم دنیاکاملا توجه نمودند که اسلام چگونه دینی است وچون این‌فضایل اخلاقی را درعرب‌دیدند درحالی که همه جوامع بشری محتاج این‌صفات حمیده وتحول‌اخلاقی بودند واسلام رایك دین ساده وبدون تکلف میدانستند وبرای قبول اسلام‌هم یك کلمه (**لااله‌الاالله‌محمدرسول‌الله**) کافی بود وتشریفاتی‌نداشت همه بـاسلام گرویدند دسته‌دسته فوج‌فوج مسلمان شدند ـ واسلام آوردن مانند مسیحیت تشریفاتی نداشت که بدست پـاپ یا کشیش یا اشخـاص مخصوص دین قبول نمایندبلکه همه جا بدست همه‌کس گرویدن باسلام میسر بود .

تفرقه واختلاف عقاید وآراء مسیحیت ـ نکبت و پلیدی زندگی یهودیت ـ رذیلت اخلاقی و عدم عدالت اجتماعی موجب‌شد که مردم گروه گروه‌ـ طبقه‌بطبقه باسلام پنـاه آوردند ومبادی‌تعلیمات اسلام راپذیرفتند وعقاید اسلامی راباعقل‌تطبیق کردندوبفامیل وآشنایان واقوام وعشایرخودساده گی وبی‌آلایشی دین اسلام رارسانیدند وآنهارا نیز دعوت باین ایمان وعقیده وفضایل اخلاقی نمودند ـ علماء وخردمندان . کهنه ورهبانان . فلاسفه وحکماء ازدریچه علم ودانش باسلام گرویدند و برای تطبیق عقاید اسلام کتب فلسفه و کلام‌یونان راترجمه ومطابقه کردعظمت دین‌اسلام را اعتراف‌نمودند وتمام رهبران ادیان گذشته که باسلام گرویدند ومفاسد اخلاقی وبی‌دینی وبی‌ایمانی ونفاق وشقاق‌را خودشان سالها مشاهده کردند درتربیت دینی اسلام اهتمام کامل نمـود و بیش‌از هرراه بتربیت دینی مبادرت کردند ودراین راه‌مبارزه وفداکاری محیرالعقولی نشان دادند .

احمدامین مینویسد (۱) مرتضی میگوید «نظام کتب‌فلسفه رامطالعه کرده بود وچون وارد‌بصره شد باابوالهذیل علاف‌مباحثه ومحاوره نمود. اومیگوید من گمان میکردم که ابوالهذیل درعلم کلام دست ندارد چون بااومباحثه کردم دیدم درآن‌علم یدطولائی دارد . درجای دیگرمیگوید:

---

۱ ـ ص ۳۷۷

«نام ارسطاطالیس درحضور جعفر برمکی برده شد نظام گفت من فلسفه اورا نقض کرده‌ام جعفر باتعجب پرسید چگونه وحال آنکه آنرا نخوانده گفت آیامیخواهی آنرا ازاول تاآخر بخوانم یااز آخر تا باول ـ سپس جمله بجمله قرائت نمود و شروع بنقض ورد کرد ـ جعفر برمکی از او تعجب کرد» .

علماء اسلام در کیش‌های مختلف دیگر نظردقیق داشته وتطبیق میکردند ـ «مرتضی میگوید» نظام قرآن وانجیل وتفسیر هردورا حفظ کرده بود»

درباره واصل بن عطاء گوید ـ درهیچ کس بعلم کلام از اودانا‌تر نبود» وباهمه ادیان مباحثه و مناظره مینمودند وازراه «جادلهم بالتی‌هی‌احسن» همه را فریفته مکارم اخلاقی اسلام مینمودند ـ ابن‌خلکان میگوید واصل بن‌عطا کتابی درنشردعوت دین تالیف کرده است .

یکدسته ازمردم ازروی منطق علم و کلام دین‌اسلام راقبول کردند واکثریت بیشتری که پس‌از امپراطوری اسلام‌هم تاکنون باین طریق بود ازروی مکارم اخلاق وتاریخ ورفتار پیغمبر وصحابه‌وائمه دین‌علیهم صلوات الله اجمعین و طریقه سیروسلوك آنها دراین زندگی اجتماعی باسلام گرویده‌اند «ابن‌خلکان میگوید هنگام مرك احمدبن حنبل ۲۰ هزارشخص مجوس و مسیحی و کلیمی مسلمان شدند» ازراه تصوف یازهد وتقوی ووعظ واندرز نیز اسلام منتشرمیشد .

این عمل رااخیرا دررحلت آیت‌الله شیخ‌مرتضی انصاری قدس‌سره مشاهده کرده‌اند که گروهی بسیار ازروی زهد وتقوی‌این مجدددین وپیشوای بزرك باسلام گرویدند یهود گفتند مظهر کامل‌حضرت موسی نصاری‌میگفتند گوئی‌حضرت‌عیسی بوده‌است: نویسنده‌خود بسیاردیده که گروهی هنگام‌فوت‌بزرگان علمای اسلام قبول دین کرده‌اند .

درحلقه دروس وعظ ابوالقاسم جنید یك جوان مسیحی حاضرشد وهمانجا اسلام قبول کرد ـ و پس ازآن جمعیتی‌توسط ابی‌الفرج‌بن جوزی که ازمورخین بزرك اسلام است مسلمان شدند ـ خلفای بنی‌عباس برای نشر اسلام بهترین وهوشیارترین طبقات ودارای روحانیت وعلم و دانش بودند مامون نسبت بتمام خلفا بیشتردرنشردین وتربیت دینی میکوشید . ازیکطرف علماء و متکلمین اطراف او جمع شده ومبادی اسلام را درمعرض‌بحث وترویج مگذاشتند ، ازجهت دیگرخود اوباسپاه‌خویش بتوسعه ونشراسلام میکوشید بلاذری مینویسد چون خلافت بمامون رسید سپاه خود را برای جنك **سغد و اشروسنه**) وکسانیکه درفرغانه تمرد کرده بودند فرستاد وجنك درپی‌جنك ـ غارت درپی غارت برپابود ودرضمن این پیکارمردم انسر زمین را باسلام دعوت وتشویق میکردند ومردم‌خردمند را بکارمندی دولت خود دعوت میکرد که بشرط اسلام‌کارهای حساس بدهد وآنهارا مشمول عنایت و لطف خود قراردهد وچنین هم میکرد اینك برای نمونه یك بحث علمی اورا نقل‌میکنیم .

مناظره‌مامون باعلاءالدین درنشرحقایق‌اسلام(۱) درکتاب‌زندگانی‌امیرالمومنین(ع)وزندگانی امام‌رضا(ع) نقل کرده‌ایم .

مامون هرکس که بدست اواسلام قبول میکرد بسجده شکر می‌افتاد وبحاضرین میگفت ـ بی‌اندازه درحق این تازه‌مسلمان مهرومحبت نمایند مبادا دشمنان اسلام بگویند ازروی طمع یاترس مسلمان شده است :

اسلام دراواخرعباسیان همه جارا گرفته بود وعده مسیحیان نسبت‌بمسلمین خیلی کم بود .

۱- ازترجمه قضاء امیرالمومنین ع

«اگر جمعیت دنیا را در آنعصر یکهزار ملیون فرض کنیم تحقیقاً بیش از ۲/۳ آن ها مسلمان بودند»

زیرا غیر از چینی و ژاپنی و مقداری روسهای سفید و کمی از ملل مسیحی اروپا باکثر مردم آسیا - افریقا و بیشتر اروپا مسلمان بودند.» چه مردم اروپا که مرکزیت آنها در اسپانیا بود اکثر باسلام گرویدند وعدهٔ مسیحی بواسطه داخل شدن در دین اسلام کم شده بود و آنها اسلام را از روی اجبار و اکراه نپذیرفته بلکه چون کلیه ملل آزاد بودند از روی میل و اراده باسلام روی میآوردند (۱) و برخی برای احراز جاه و مقام که خلفا وعده میدادند اسلامی پذیرفتند مانند کاووس پادشاه اشروسنه و فرزندش حیدر افشین که اسلام را برای کرسی‌های ریاست پذیرفتند : وخلفاء چون آنها مقام خدمت داشتند محترم شمرد وبآنها منصب ومقامی داد .

جهشیاری نقل میکند که «فضل بن سهل مجوس کتابی از فارسی بتازی ترجمه و بنام یحیی بن خالد برمکی نمود یحیی خرسند شده باو گفت من ترا باهوش و لیاقت می‌بینم مقامات ارجمند خواهی رسید بشرط قبول اسلام - فضل گفت آری بدست توقبول دین میکنم یحیی گفت غلامش اورا نزد مامون برد که تحت سرپرستی او بود بدست مامون مسلمان شده واین مرد همان کس بود که بعد وزیر مامون شد وبلقب ذوالریاستین ملقب گردید .

تاثیر اسلام درمسیحیت و یهودیت بسیار عمیق بود وجنبشی بین دانشمندان آن دوقوم ایجاد کرد واین جنبشها همه بنفع اسلام تمام شد وبسیاری باسلام گرویدند ویکی از عوامل پیشرفت دین بت‌شکنی وحرمت مجسمه وتمثال وصلیب وصورت بت وغیره بود .

بخاری ومسلم هردو ازعایشه روایت کرده‌اند که پیغمبر اکرم ص ازسفر بر گشته بود دید که من پردهٔ دارای چندصورت برجسته آویخته بودم آنرا انداخت و کشید ورنگش تغییر یافت سپس فرمود ای عایشه کسانیکه باخدا درخلقت مشارکت میکنند دچار سخت‌ترین عذاب‌ها خواهند شد - عایشه گفت آن پرده را پاره‌پاره کردیم وازآن بالش دوختیم(۲)

ازاین احادیث دراسلام بسیاراست که بابت‌پرستی وصورت مجسمه و تثلیث وغیره سخت مبارزه و پیکار کرده وبشررا بتوحید و کمال راهنمائی فرموده‌است باری ملل مختلف جهان که باسلام میگرویدند ساده‌گی دین وبی‌آلایش زندگی وآسانی فهم قرآن وحدیث وعمل پرهیزکارانه مسلمانان میدیدند وباسلام پناه میآوردند واین حدیث را نقل میکنند - فرموده «این دین سهل وآسان است هرکه بخواهد آنراسخت نماید مغلوب میشود» ونیز فرمود .

ای مسلمانان این دین سهل وآسان است برخود سخت مگیرید تابرشما سخت نیاید زیراقومی که درصومعه ودیرزیست میکنند بسختی زندگانی کرده برای خود رهبانیت انتخاب کرده‌اندماچنین رسمی رابرآنها تحمیل نکرده‌ایم»

قاسم بن محمد خزمیپوشید. سالم بن عبدالله لباس پشمی داشت هردوهم درمسجد مدینه مینشستند هیچیك بردیگری ایراد نمیگرفتند.

عبدالله بن عمر روزه میگرفت وافطار نمیکرد شب‌هاراهم بعبادت زنده میداشت حق زن خودرا هم ادا نمیکرد پیغمبر ص را ازحالت او آگاه کردند فرمود «ای عبدالله تومقتدای خوبی داری که پیغمبر باشد باید ازاوپیروی کنی- پیغمبر روزه میگیرد وافطار میکند و گوشت میخورد وحق زن‌راادا

۱ـ ضحی‌الاسلام صفحه ۳۸۱ ۲ـ ضحی‌اسلام صفحه ۳۸٤

مینماید . ای عبدالله بدان که خداحقی دارد ــ پیغمبرتوهم حقی‌دارد ـ زن توهم حقی دارد که باید تمام آنهارا اداکنی ..

پیشوای اسلام میفرمود اومیباید ازتمام غرائزطبیعی خود بدون فوت هیچ‌یك حداکثراستفاده را درزندگانی فردی واجتماعی بنماید واین‌همان معنی‌آدمیت وانسانیت است :

درتربیت‌های دینی مهمترازهمه طریقه دعوت قرآن‌بودکه بدوطریق بشررا باسلام دعوت‌میکرد یکی توجه بعالم وجود ودیگری بتاریخ چون انسان بعالم توجه و درخلقت تفکر کند ایمان او قوی میشود ــ توجه اندیشه وفکربشر رابعالم وموجودات جوی وبری و بحری جلب میکند ــ وزش باد جنبش‌ابر ـ خلقت شتر ــ بلندی آسمان ــ استواری کوهها ـ همواری زمین وغیره از یکطرف و سیر تاریخی روزگار ودعوت‌انبیاء عظام وتوجه بطبقات مختلفه بشر ازعالی ودانی ـ عالم ونادان واحتیاج مبرم تبلیغ روحی ودعوت معنوی تنها وسیله جلب مردم ونیت مسلمین بود تمام ملل‌اسلامی که‌تحت لوای اسلام زیست میکردندبقوانین ونظامات واصول آن عمل میکردند بدین سبب اختلاف وامتیاز وتباین مابین ملل اندك اندك ناپدید واتحاد اسلام ویگانگی یك ملت مسلمان جایگزین گردید این اتحادکه ملل مختلفه رابیك صورت ویك رنك درآورده بود درزمان بنی‌عباس توسعه‌کامل یافت و بادوره اموی که رنك دینی نداشت بسیار فرق وبس‌امتیازکامل پیدا کرد .

اسلام درشئون مختلفه مردم درسیاست واداره امور تاثیر مهم پیدا کرد مردم هم عادات ورسوم خودراداخل اسلام نمود ورنك اسلامی دادندوهمه با یك قانون اجتماعی دینی زندگانی‌میکردند اسلام درمکه دین‌محض وخالص بود درمدینه دین وحکومت بود ـ دربغداد دین وسیاست وتمدن‌بود وهمچنین درسایر ممالك که تحت اداره حکومت‌اسلامی‌بود مظهرتکامل دین وسیاست وتمدن گردیده وسبب توجه واستقبال ملل‌غیرمسلمان شد زیرا مردم هرجابودند آثار رافت،رحمت،شفقت ـ ساده گی ـ دین سیاست ـ مدنیت واحوال واوضاع و قوانین دین و تعلیمات قرآن را میدیدند و اسلام قبول میکردند درخانه وبازار وحمام وکوچه وخیابان وبیابان ــ در محاکم ـ درمعاملات تجاری ـ در تربیت وتعلیم وکلیه امور زندگی وشئون اجتماعی تحت‌تاثیراسلام واقع میشدند واسلام‌را از روی علاقه ومیل می‌پذیرفتند واین‌وضع‌قریب ده قرن است ادامه دارد وهرروز درجراید عالم میخوانیم کــه گروهی باسلام خود بخود گرویده‌انــد و آداب و تعلیمات دینی را فــرا گرفته و بدان عمل کرده‌اند .

تربیت دینی‌اسلام اختصاصی بآموزشگاه ومدرسه نداشت درتمام شئون زندگی ازدربار خلافت تــا گوشه و زوایای بازار وبیرون شهر همه‌جا صحبت‌ازدین وتربیت دینی‌وتشویق وتحریض مردم‌بیشتر علم ودین بود که **الناس‌علی‌دین‌ملوکهم** ولذا این‌سیره‌درتمام ٤٤ کشور اسلامی انعصرمیان‌همه‌مردم رواج‌کامل داشت وبیش‌ازششصدملیون نفر مسلمانان دنیا همه‌جا ازدین وتربیت دینی سخن‌میراندند واین اثررا بجای‌گذاشت که امروز بزرگترین دین محکم بشری شناخته شده است .

اسلام درحملات مغول‌وچنگیزوتاتار که‌قوم وحشی‌صحرانشین بودنداثری عمیق کردجمعی بسیار ازآنهاباسلام گرویدند غازان‌خان مسلمانی‌شدکه خدمات بسیاری‌باسلام نمود تیمورمسلمان‌متعصبی شد اولادش ازمفاخر مسلمین بشماررفتند ـ دراین عصرهم‌مردم جهان ازآلمانی وانگلیسی‌وامریکائی هرروزجمعی‌باسلام رومیآورند واین دین‌رااستقبال میکنند بدون‌آنکه مبلغی داشته باشد یاتظاهراتی

نشان دهـد حقیقت دیـن خود بخود جای خود را در میـان ملل مترقی باز کرده و روز افزون توسعه می یابد ،

نمونهٔ از تربیت اسلام

روزی برای یکی‌از یـاران پیغمبر ص کله گوسفندی ازطرف یکی‌از برادران متمکن او هدیه آوردنـد زن و فرزندانش کـه مدتها بود بواسطه مهـاجرت وفاداری بخوراك گوشت دست نیافته بودند از رسیدن این تحفه بهدیـه شادمان گردیدند.

لیکن آن‌مرد مسلمان اندکی اندیشید آنگاه نام‌یکی دیگر از یاران پیغمبر را یادکرد و بزن وفرزند خویش گفت که من آگاهم که آن برادر مسلمان مـا نیازمند است وباین کله گوسفند بیش‌از مااحتیـاج دارد ومدت جریان اواز ماطولانی‌تر است بـاکمال میل وخرمی گشاده روئی‌آن تحفه‌را برای شخص دیگر هدیه بردند اونیز باهمین حسـاب دیگری رامستحق‌تر تشخیص داد وخود وفرزندان راازآن محروم ساخت وبرای شخص ثالثی فرستادکـه مدتها بود پختنی نخورده بود و بهمین صورت وبرهمین روش این کله گوسفـد تاده‌خانه گردش کرد وپس‌از آن بخانه شخص اولی هدیه فرستاده شد،

زیرا بنظر آن مسلمـان دهمی استحقاق اولی بیشتر بود و چون همه براین قضیه واقف شدند باهم آن‌کله گوسفند رامصرف کردند.

ملاحظه کنید حس نوع دوستی وایثار ومقدم داشتن دیگری‌برخود درمیان مسلمین‌تاچه حدی بوده‌است‌روزی خبرآوردند که فرزندعمر برسم جاهلیت شراب خورده دستور داد اورا حدزدند.

روزی **جبلة بن ایهم** که از اشراف عرب وپادشاه قبیله غسان بود برای ملاقات عمر بمدینه آمد دربازار ازمردی عرب تنه‌خورد وبراو سیلی‌زد عرب نزدخلیفه‌شکایت کرد.

خلیفه جبله را دعـوت بـرای محاکـمه نمود و او را بین قصاص و رضایت عـرب تکلیف کرد.

جمیله گفت مقام‌من بالاتر ازآن عرب است.

عمر گفت دربرابر قانون اسلام همه مساوی هستند قانون و حق و عدالت اسلامی فرقی میان او وآن شخص نگذاشته سیاه وسفید ـ شرقی وغربی ـ عالی ودانی پاذشاه ورعیت همه برابر قانون دوش بدوش‌هم باید بنشینند.

جبله فرار کرد وبروم رفت و آنجا دچار شکنجه های سخت شد وهمیشه براین فرار تأسف می خورد .

علی بن ابیطالب برادرش عقیل را کـه بیش از دیگران از صندوق بیت‌المال مطالبه میکرد دست اورا داغ نمود ـ ودخترش راکه گردن‌بندی‌از بیت المال بعاریـه گرفته بود . تهدید فرمود

امیر المؤمنین علی‌ص در حکمی کـه بنام قثم بن عباس فرماندار حجاز صادر فرمود چنین فرمان میدهد،

برخیز آنچنانکه سراوار است دامن برکمر زن وحقایق دین‌را بیان کن و اصول

برابری و مساوات و مواسات را که سرلوحه قانون مقدس اسلام است در خاطر عموم بنشان.

مردی داشت بجنگ میرفت مادرش اجازه نمیداد نزد پیغمبر آمد وفرمود اول اجازه مادر را کسب کن و بعد بجنك برو اگر مادر اجازه نداد نباید بمیدان جنك بروی.

مردی درجنك بدرمیدان آمده مبارز طلبید پیغمبر یکی‌از صحابه را فرمود بمیدان او برو چون نزدیك شدمعلوم‌شدپدرش میباشدخیلی بااوصحبت کردهیچکدام‌نتوانستندیکدیگرراقانع کنند. خواست او رابکشد دید بکشتن پدر بدون اجازه پیغمبر دلرا راضی نمیکند نزد رسول خدا رفت پیشوای اسلام فرمود تو پدر رامکش بگذار دیگری او را بکشد و صحابی دیگر رابمیدان او فرستاد آن‌کافر بت‌پرست راکشت.

از این نمونه های اخلاقی **در مکتب اسلام فراوان دیده میشود** مسلمین بااین ترتیب مهذب توانستند برجهان بشریت چیره گردند.

اخلاق وآداب وفضایل نفسانی بی‌نیازی و خلوص ارادت دینداری واقعی بی‌نظیری آنها بودکه هرملت مغلوبی راتسلیم فضایل نفسانی مسلمین میکرد. وآنها بزودی بردنیای آنعصر دست یافتند ودین مقدس اسلام درهر کشوری رفت باقی و برقرار ماند.

اصول دین اسلام که ارکان دانش وبینش است و فروع دین که آمیخته بعبادت وفضیلت است و قوانین حقوقی وجزائی وعقود وایقاعات واحکام وحدود اسلام که برای اداره امور معیشت‌بشر بهترین وجامع‌ترین برنامه زندگی وآئین سعادت وکامیابی بشر شناخته شد جلب توجه خردمندان جهان‌را کرد بطوری که از قرآن استقبال کردند وخود بخود باسلام گرویدند واز جان و دل دین مقدس اسلام راپذیرفتند ودرنشر وانتشار آن کوشیدند.

سیره اصحاب **محمد رشید رضا صاحب مجله المنار و کتاب وحی محمدی مینویسد:**

درباره اصحاب ویاران پیغمبر گفته‌اند:

هر کس هنگام شب بر خانهای آنها میگذشت صدای تلاوت قرآن را میشنید وبعضی از آنها بقدری زیاده‌روی میکردند که تمام شب‌را بعبادت نماز و خواندن قرآن مشغول بودند تاآنکه زنهای آنها به‌پیغمبر ص شکایت کردند وپیغمبر ص آن هارا ازاین عمل منع کرد وآنهارا بکسب معاش و تقسیم کار روزانه موظف‌ومأمور فرمود.

خود پیغمبر درهرشبی ۱۱ رکعت نماز میخواند ودرنماز بقدری طول میداد که پنجه پاهایش باد آورد وبهمین جهت خداوند عالم برای ارفاق باوسوره (طه) رافرود آورد فرمود.

(طه) **ما انزلنا علیك القرآن لتشقی الا تذکرة لمن یخشی** آیه ۲۰-۲۱

این تربیت عالی که تمام مفاسد و تباهکاری های دوره جاهلیت و کفر را از وجود مسلمین و مخصوصاً یاران پیغمبر ص برطرف ساخت وآنهارا پاکیزه وبی‌آلایش نمود و بزرگترین کوشش و جنبش روحی واجتماعی ودینی رادر عالم‌ایجاد کرد. ص۱۶۰

مسلمین درهرحال قرآن میخواندند درراه رفتن- نشسته - خوابیده - درحین عمل بکاروکسب درمیدان جنك همواره باین تربیت عالی رشد ونمو کردند چنانچه قرآن‌هم میفرماید.

الذین یذکرون‌الله قیاماً وقعوداً وعلی جنوبهم ۱۳-۱۹۱

ان الذین یحادون الله ورسوله اولئك فی الاذلین کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی عزیز ۲۱ سوره مجادله ۵۸

هر کس مخالفت کند اوامر خدا ورسول او را باذلت و زبونی دردنیا بسر خواهد برد و سیاه روی درآخرت خواهد شد.

در لوح محفوظ پروردگار نوشته شده است وحکم قطعی است که من بارسولان خود درهر حال غالب برمخالفین هستم آری پروردگار نیرومند وتوانا عزیز است.

الذین آمنو اولم یلبسو ایمانهم بظلم اولئك لهم الامن وهم مهتدون ۸۲
و تلك حجتنا آتیناها ابراهیم علی قومه یرفع درجات من نشاء ان ربك حکیم علیم ۸۳ سوره انعام

ان کسانی که ایمان بوحدانیت خدا آورده‌اند و لباس ایمان خودرا بظلم و شرك نیامیخته‌اند آنها دارای امنیت وایمنی ازعذاب هستند وآنها رستگارند.

اینهاحجت ما بود که باابراهیم دادیم برقوم خود خواند ماهستیم که بلندمیکنیم درجات هر کس که شایستگی دارد پروردگار توای محمد حکیم وعلیم است.

مسلمین درفتوحات وجهانگیری آیات قرآن رامیخواندند و چیزی را فراموش نمیکردند بهم یادآور میشدند مخالفت باقران نمیکردند درغلبه غیراز هدف اصلی خود که نشردین بود غرض نداشتند بمال ومکنت وجاه ومقام بی‌اعتنا بودند از کشتن و کشته‌شدن هراس نداشتند این جهاد مقدس رابمنت نهادن واذیت کردن نمی‌آلودند ستم‌وجور نمیکردند توقع مال ومقامی نداشتند مهم ترازهمه این بود که بناموس ملت‌مغلوب ولواسیر باشد بچشم خصومت‌ودشمنی یاشهوت نمینگریستند باآن که‌درجنك بودندوازنان‌خوددور بودندوبزنان‌مغلوب دنیادست‌یافته‌بودند دیده‌وشنیده نشد که‌مرتکب خیانتی شوند ودرناموس‌تعدی‌واجحاف کنند‌دریك‌مورد که‌خالد بن‌ولیدنسبت‌بمالك بن نویره جسارت کرد پیغمبر ص ازاو بیزاری جست و او را بخدا واگذاشت فرمود من از عمل‌او راضی نیستم بناموس ملت‌مغلوب جسارت کنید دست تعدی بمال وزن وفرزند کسی هرگز دراز نمیکردند اموال ملل مغلوب را بغنیمت میبردند دربیت‌المال تاخلیفه تکلیف آنرا معین کند و اسرارانیز باکمال مصونیت میبردندواکثر اسرا و مخصوصاً زنان آزاد میشدند هیچگاه مسلمین جنحه و جنایاتی که سایر مهاجمین جهان داشته مرتکب نشدند و این رمز موفقیت وپیشرفت اسلام بوده‌است.

ان هذه امتکم امة واحده

وحدت اسلام سبب فتوحات حیرت انگیز آنهاشد

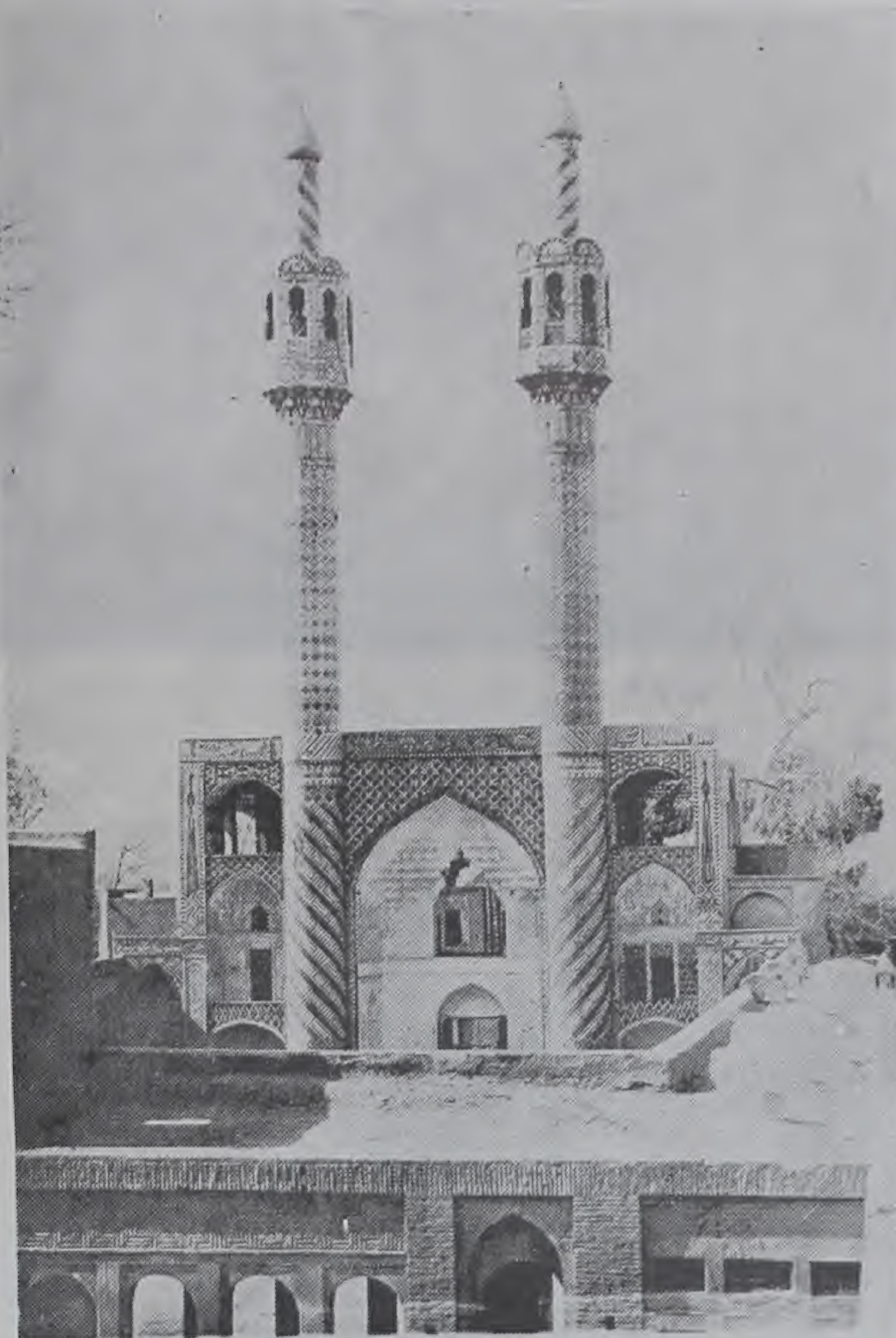
درباره وحدت پیشوای اسلام درخلال آیات کریمه قرآن واحادیث خود پیروان دین رایکرنگی ووحدت تشویق وترغیب فرمود ورازموفقیت رادر این اتحاد واتفاق قرار داده وفرمود توحید همان وحدت کلمه‌است که همه‌بشر بایك آهنك خدارا حقیقی‌بپرستند وعبادت کنند.



(ش۲۶) مسجد علومان همدان



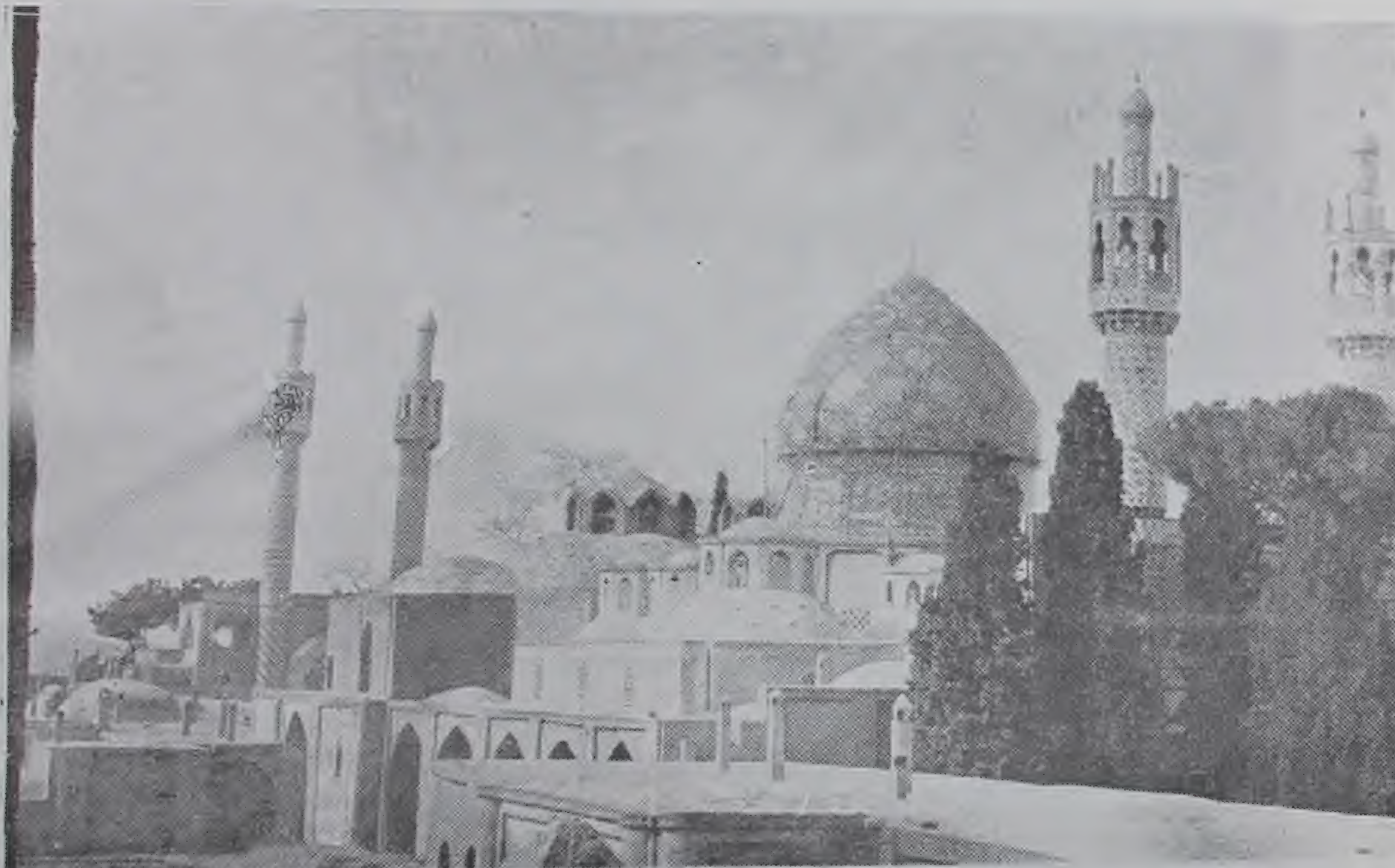
(ش۲۷) منار مسجدجامع نطنز



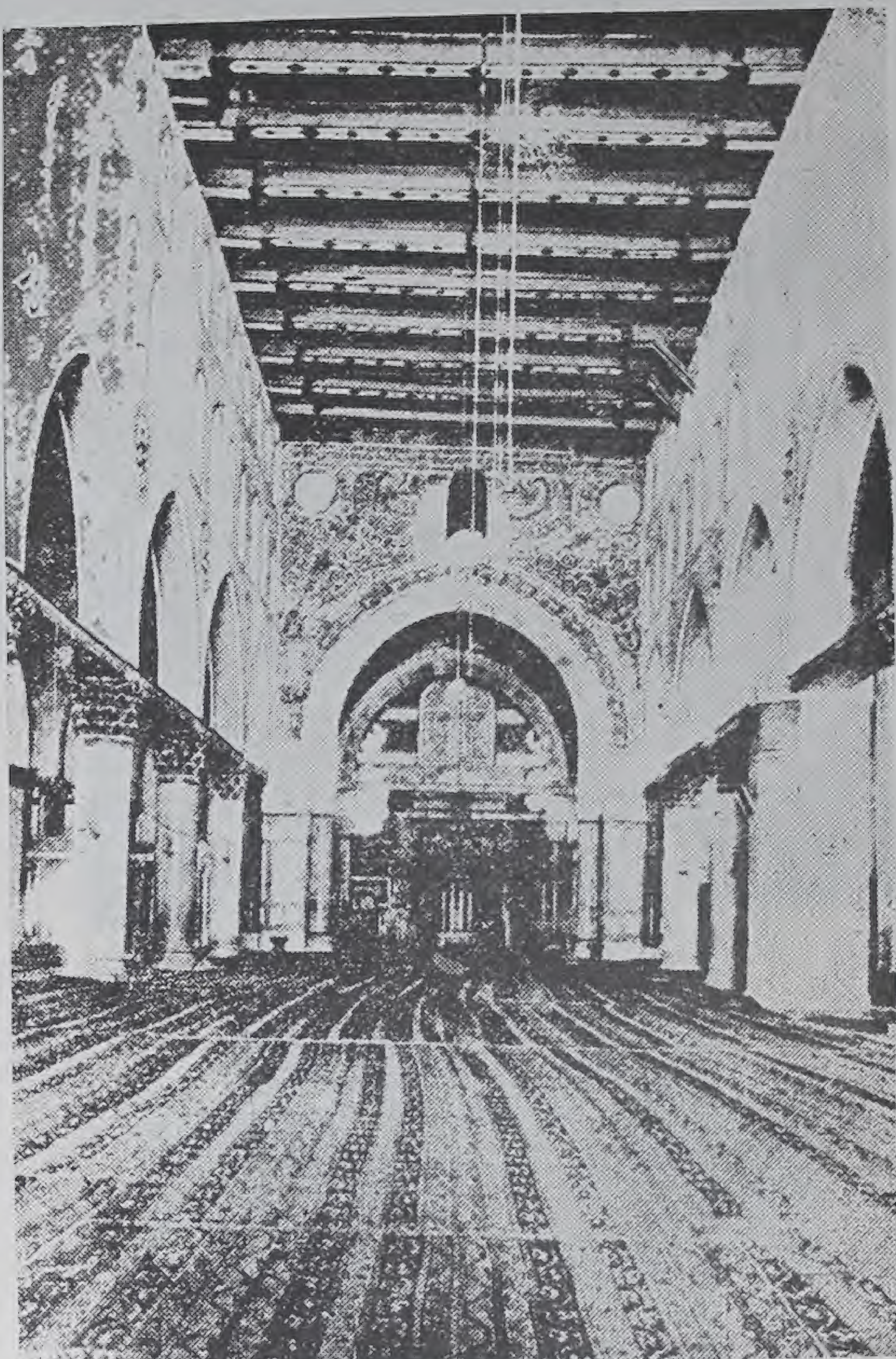
(ش ۲۸) باغ و منارهای مسجد تاریخی ماهان کرمان



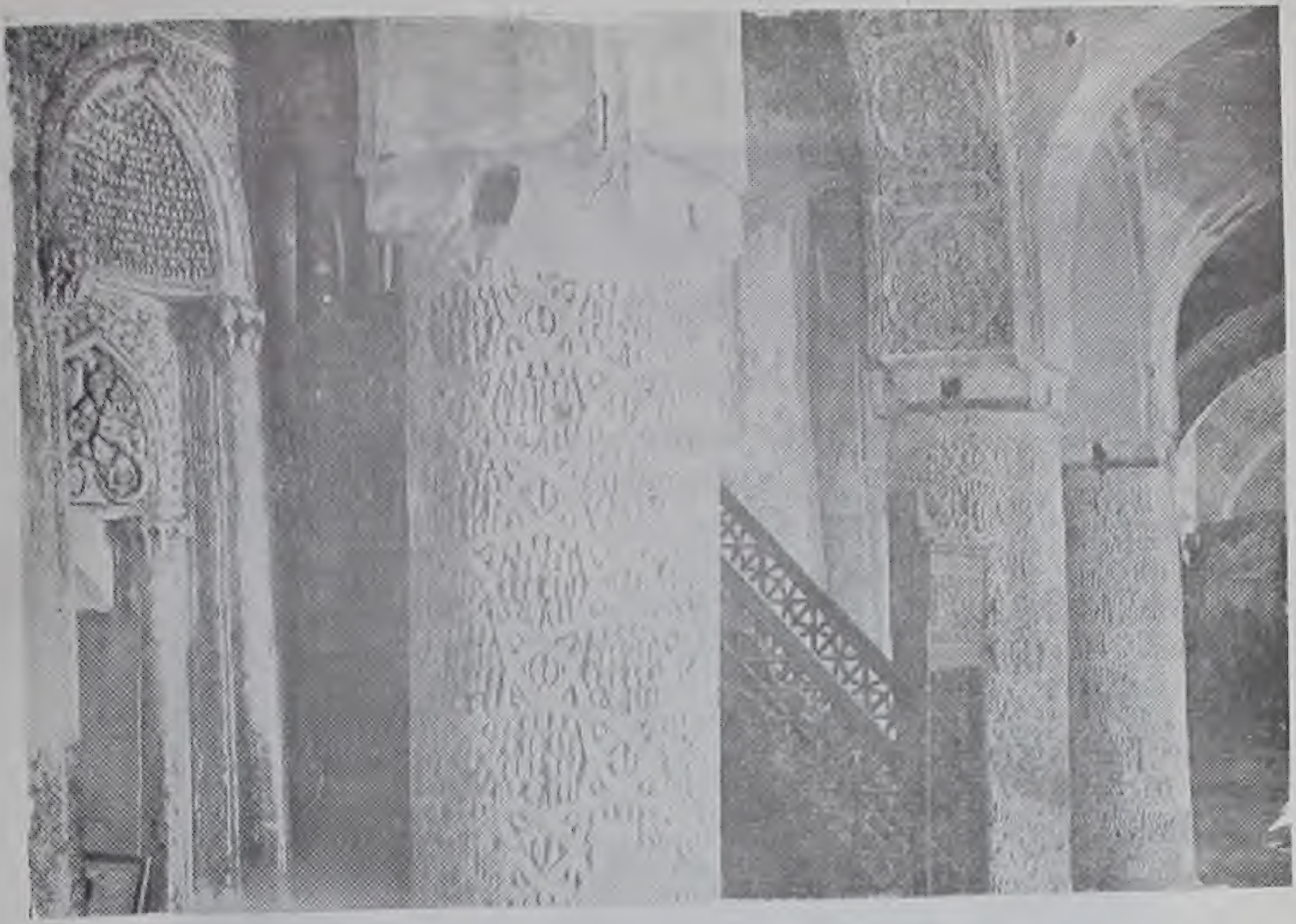
(ش۲۹) طاقهای مقدس مسجد قرطبه در اسپانیا



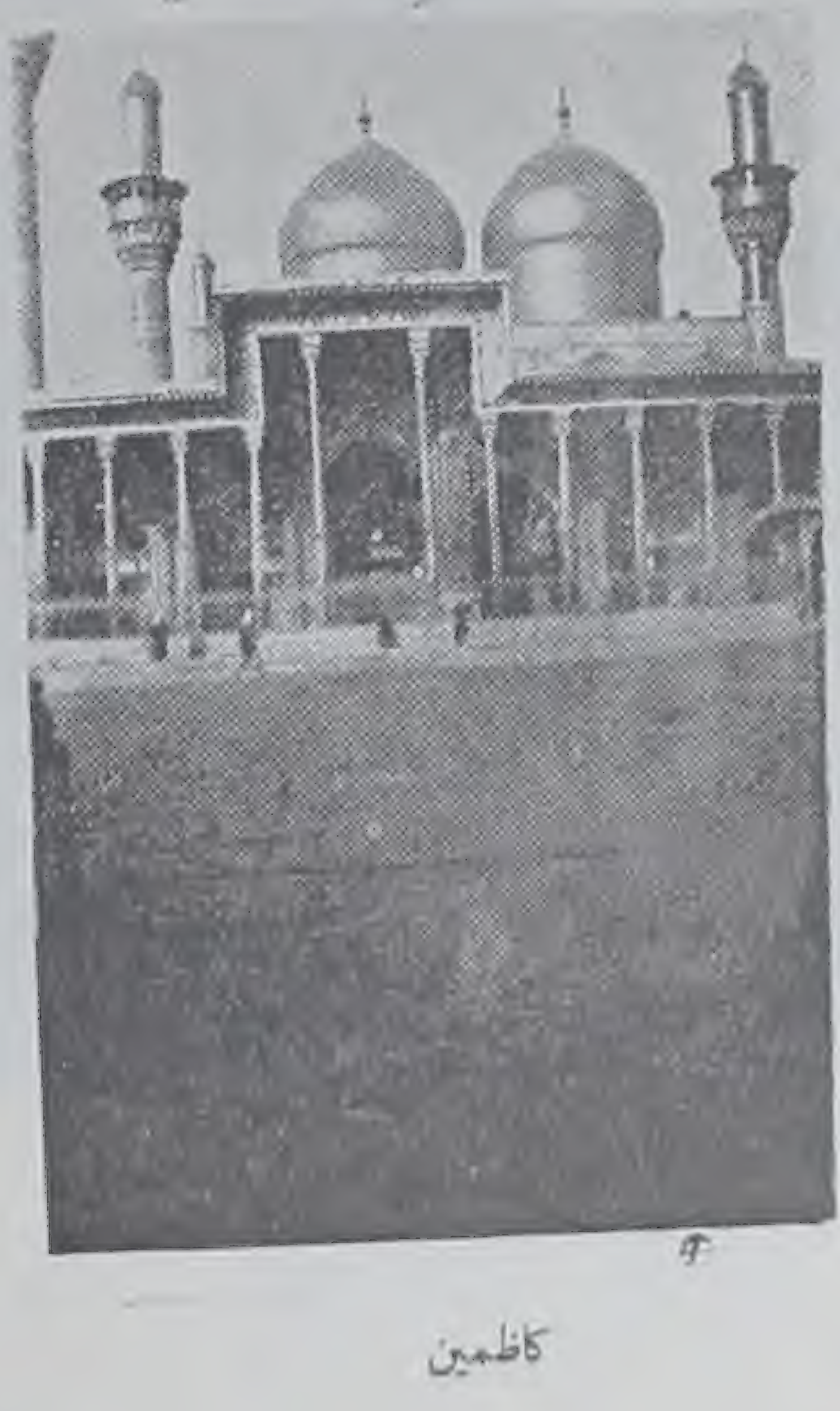
(س ۳۰) مسجد ماهان کرمان و قبر شاه نعمت‌الله



داخل مسجد اقصی از آثار مسلمین (ن ۳۱)



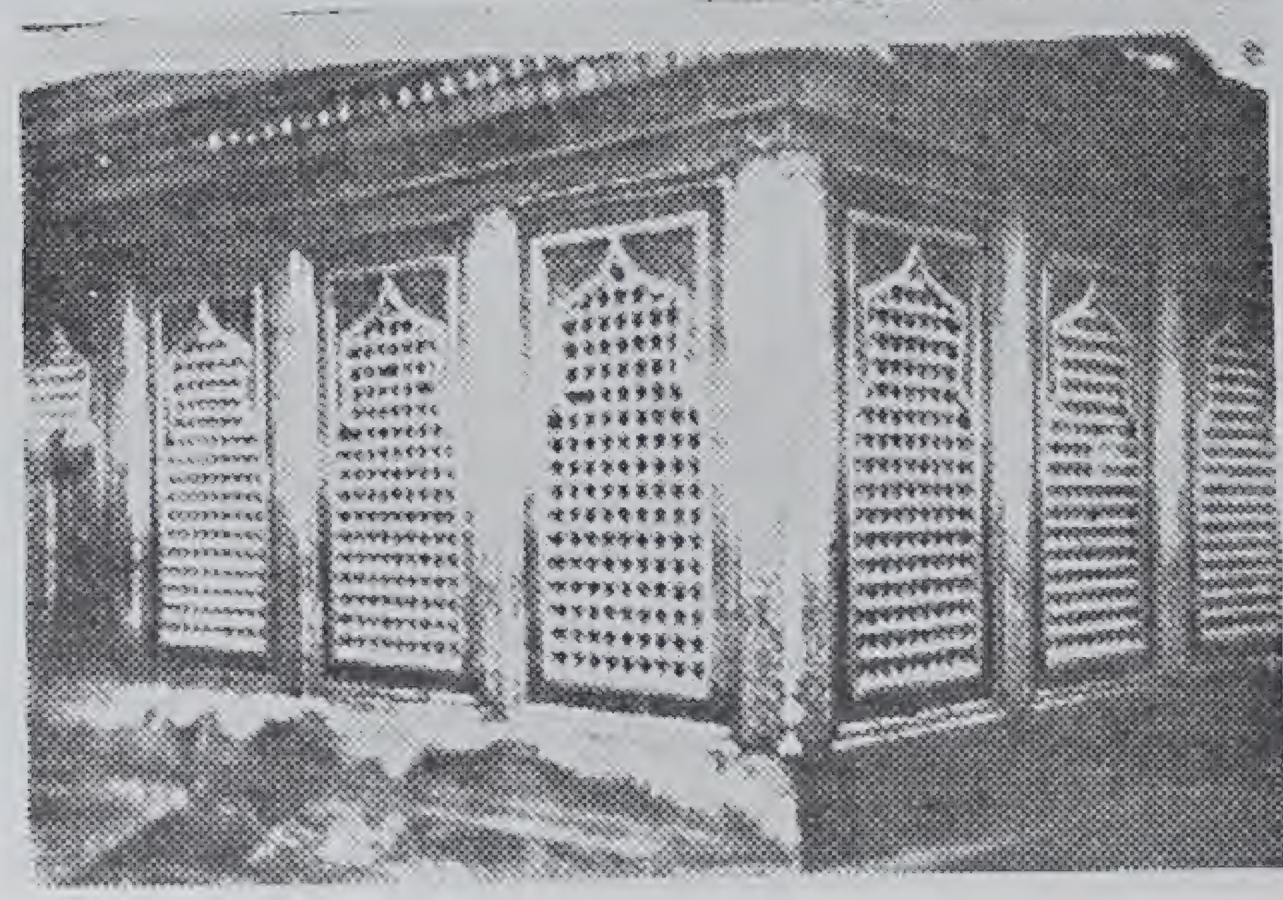
(ش۳۲) مسجد نائین



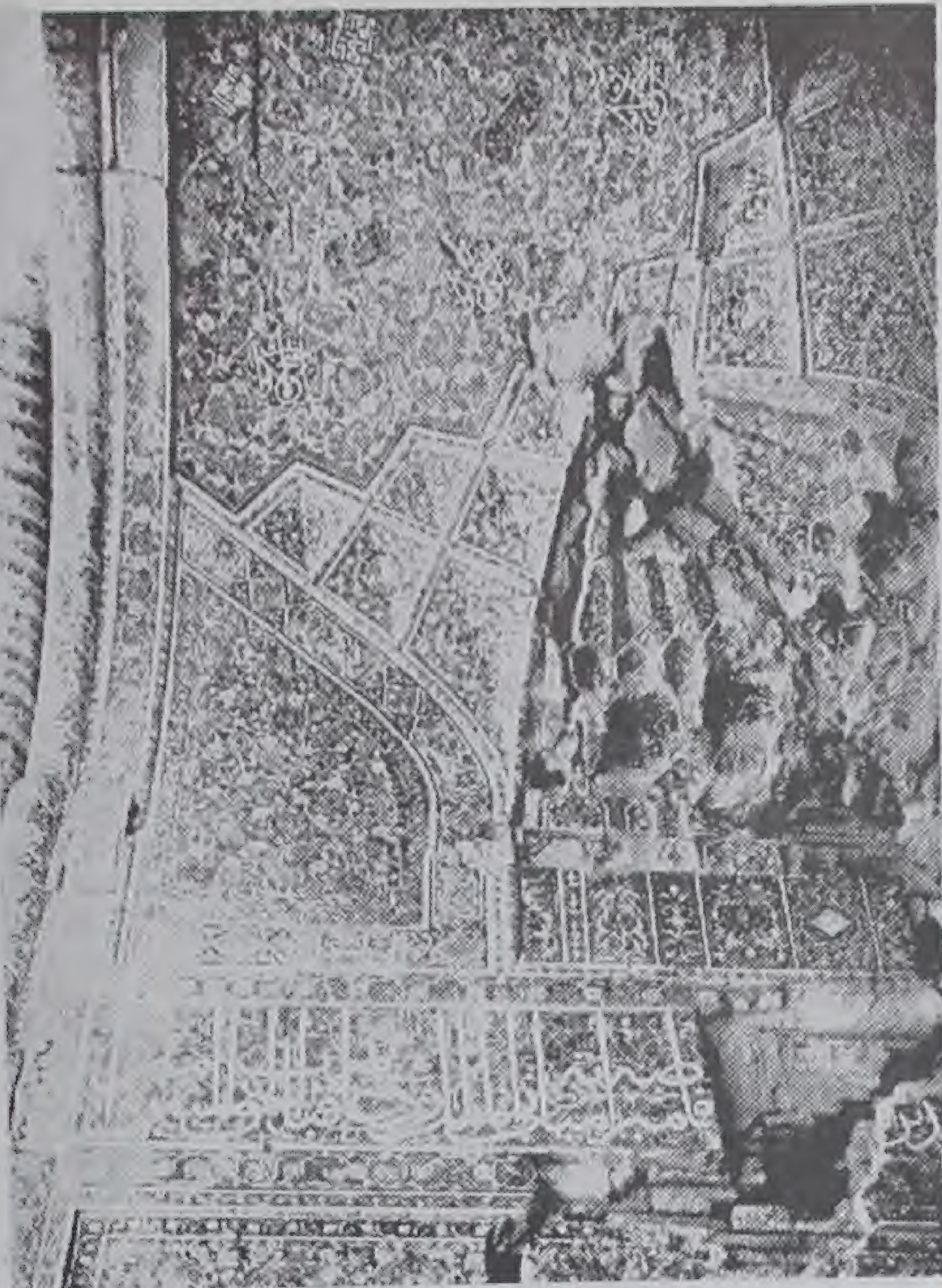
(ش۳۳) کاظمین



(ش ٣٤) مسجد حیدریه قزوین



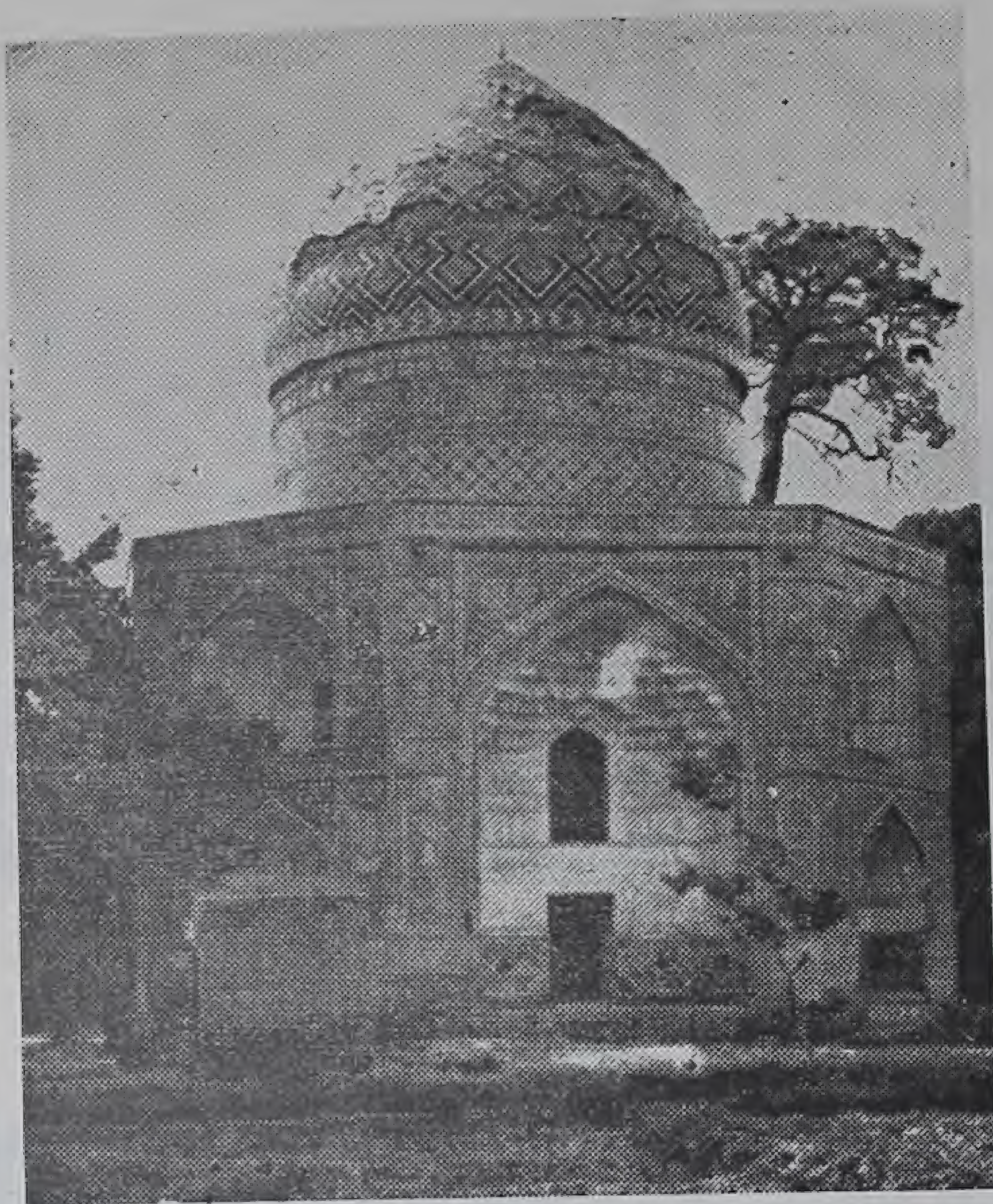
(ش ٣٥) ضریح سیدالشهداء



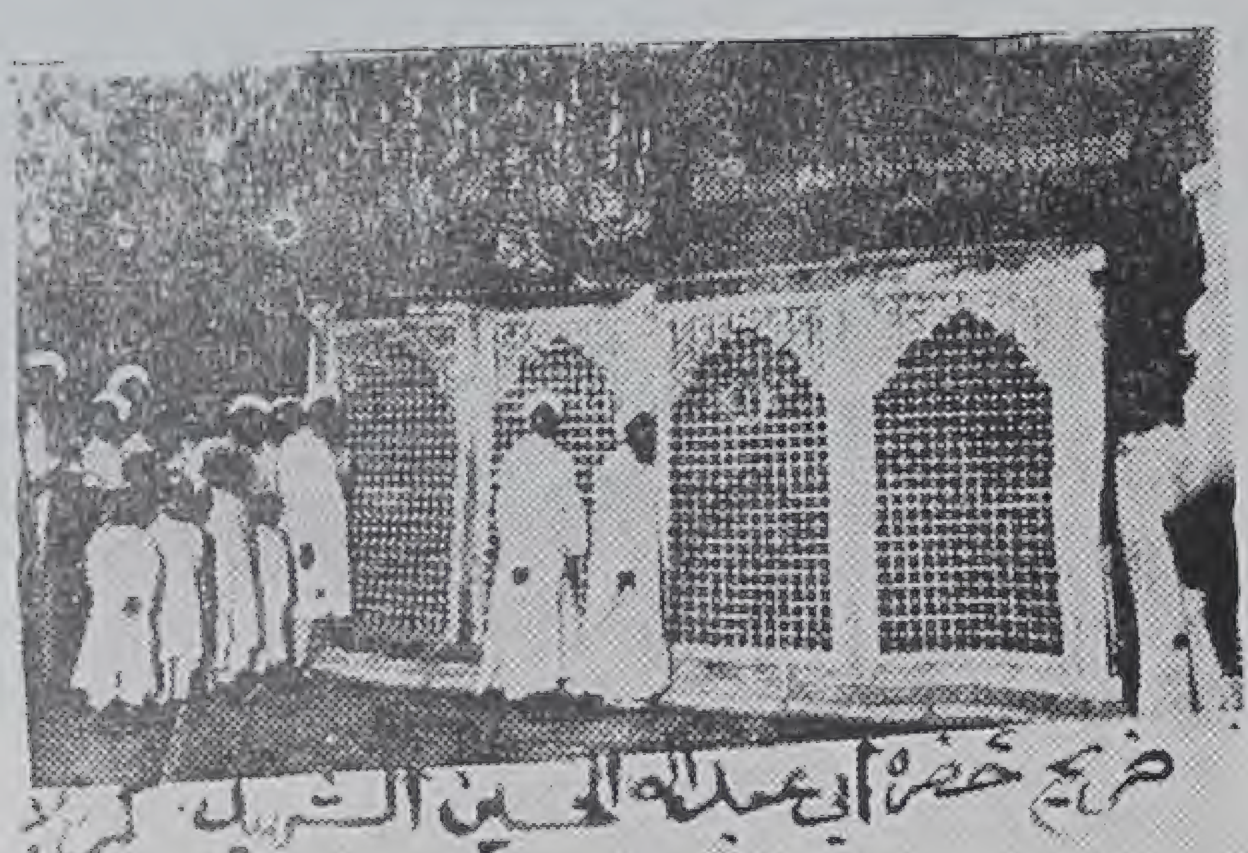
(ش۳۶) مسجد جامع تبریز



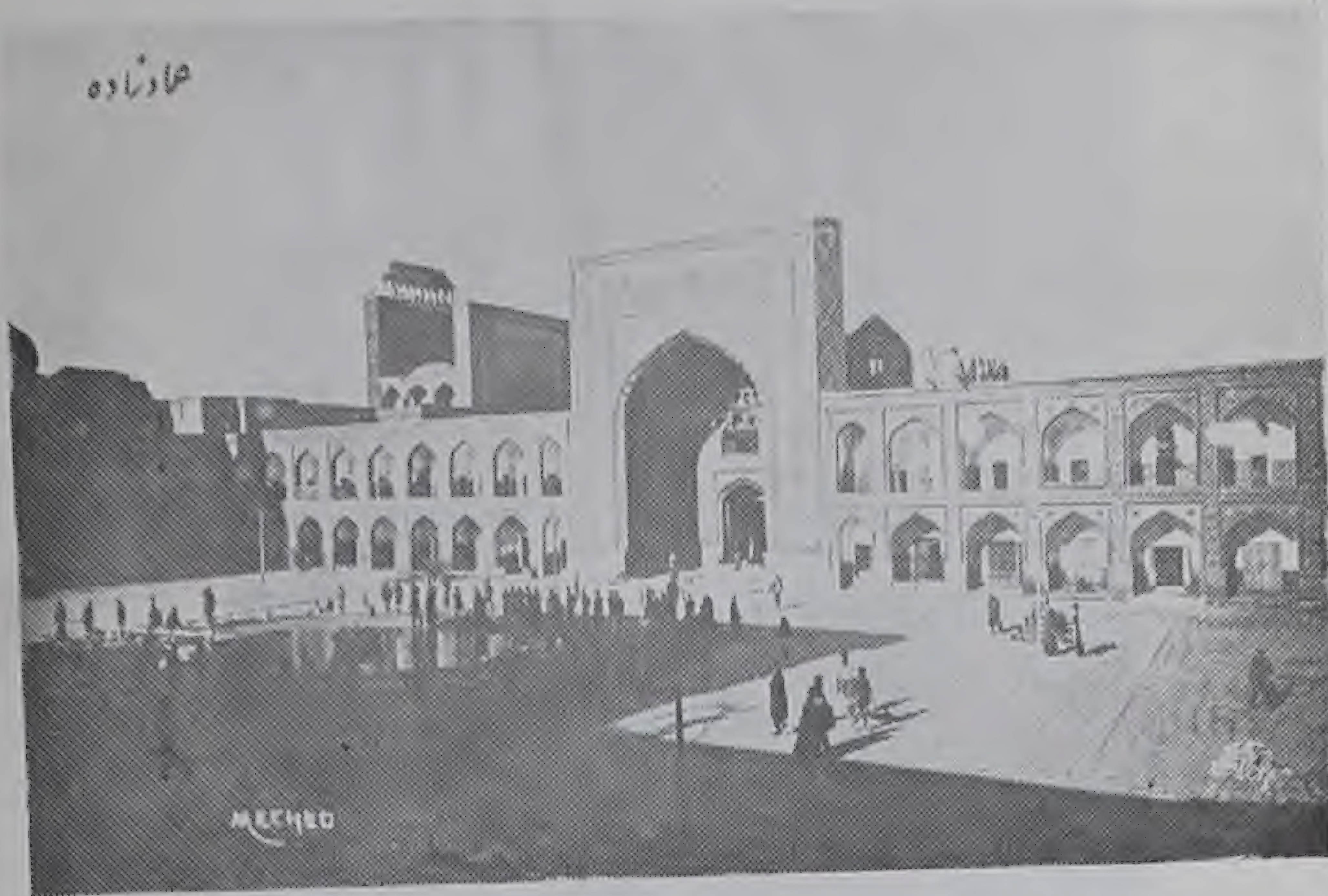
(ش۳۷) کاظمین



(ش۳۸)　گنبد مسجد قدمگاه



(ش۳۹)　ضریح امام حسین

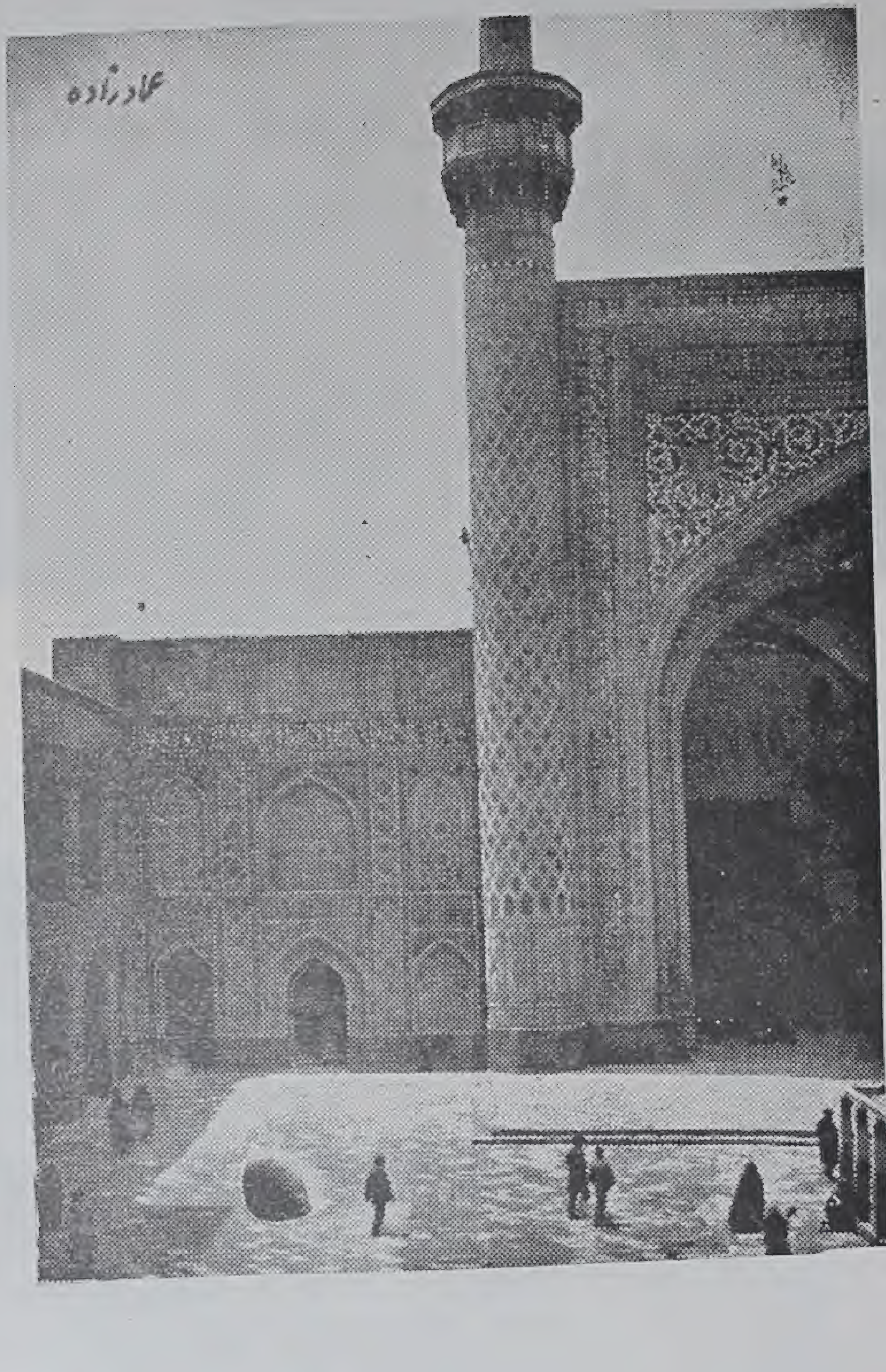


(ش ٤٠)

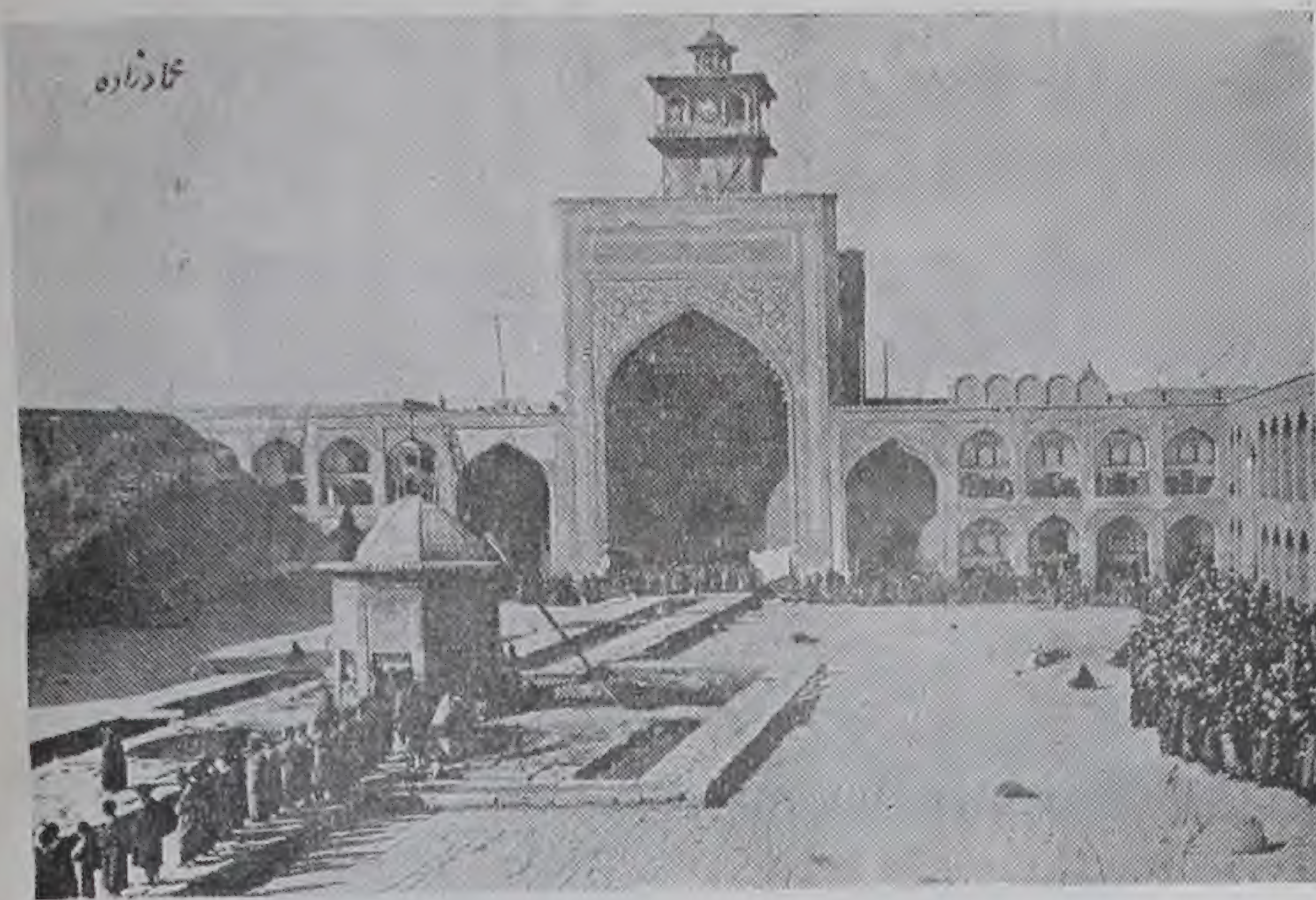


(ش ٤١)

مشهد



(ش ۴۲)



(ش ٤٣) مشهد



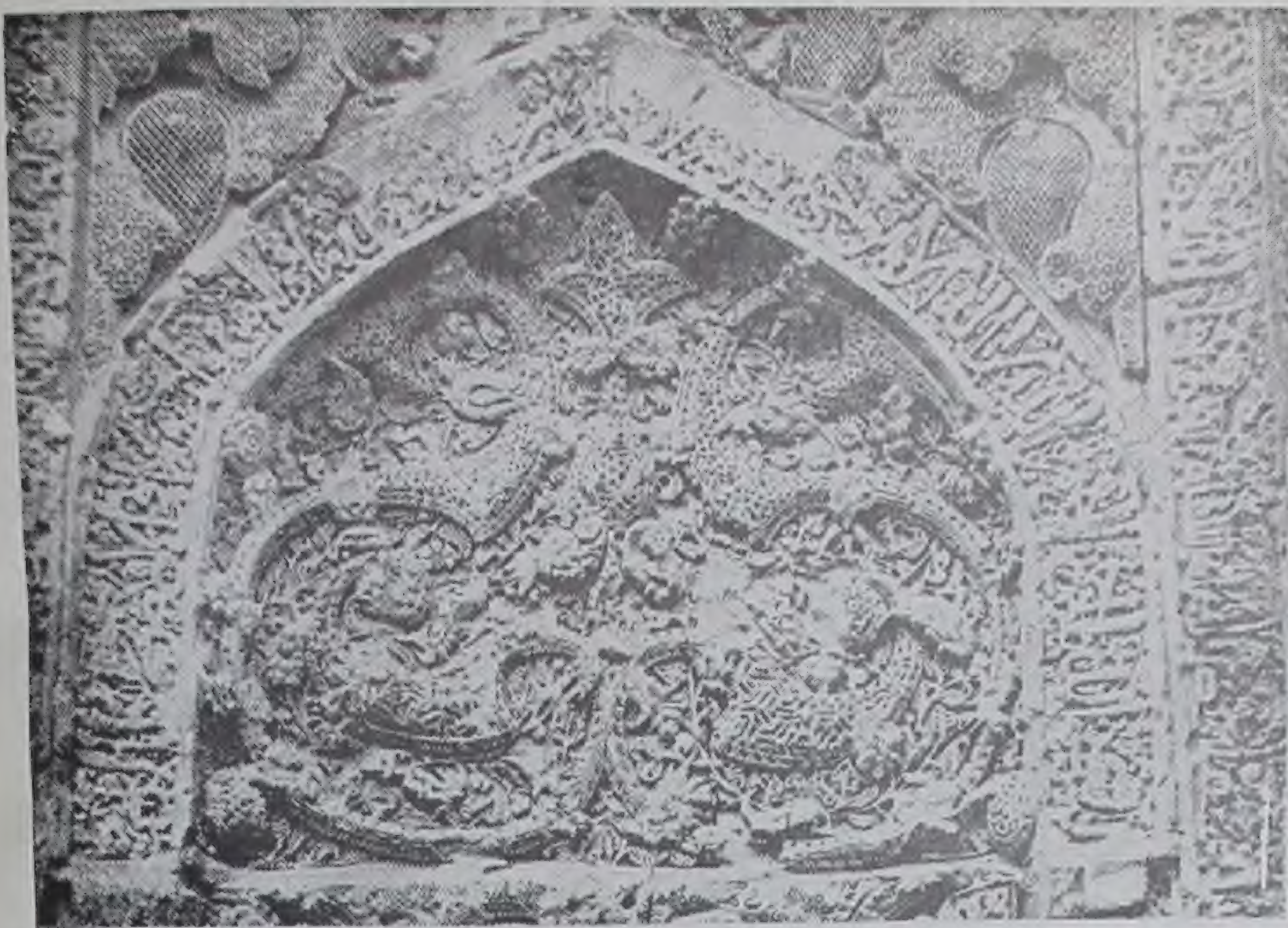
(ش ٤٤) مسجد ورامين



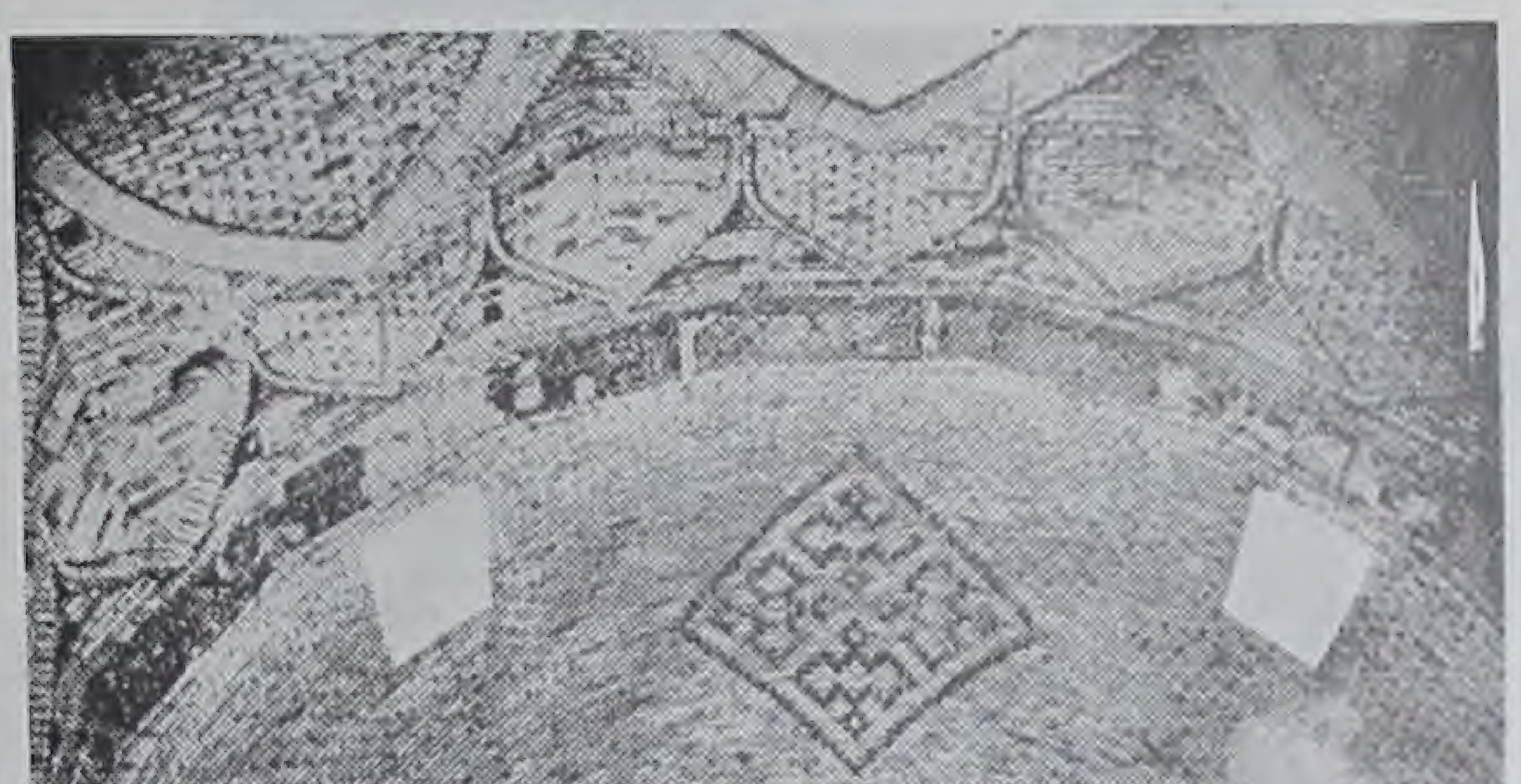
(ش٥٠) مسجد قدمگاه



(ش٤٦) خیمه گاه



(ش ٤٧) گنبد علویان همدان



(ش ٤٨) مسجد جامع



(ش ٤٩) ایوان آینه حضرت معصومه قم



(ش ٥٠)



(ش ۵۱) سردر ومحراب مسجد علویان همدان از آثار قرن ۴

درباره سعادت وکامیابی مسلمین میفرماید **سعادة الفرد (الافراد) فی سعادة الافراد** - آنگاه یکی از مسلمین میتواند زندگی سعادتمند وشرافتمندی داشته باشد که برای ایجاد سعادت جامعه مسلمین سهمی بسزا داشته باشد وخود از آن بهره کامل برگیرد زیرا روح ایمان ووحدت باید درهمه باشد تاهمه از آن برخوردار گردند.

مؤمنان بیحد ولی ایمان یکی است
جسمشان بیحد ولیکن جان یکی است

و لذا در تعیین تکالیف اجتماعی میفرماید **کلکم راع وکل راع مسئول عن رعیته**

همه مسئول حفظ یکدیگرند
غافل از دیگری بسر نبرند

دراتصال وارتباط حقیقی آنها تشبیه بدندانه های شانه کرده میفرماید **انما المؤمنون کاسنان المشط** - ویکجا بخشت‌های یک بنا تشبیه فرموده که **المسلم للمسلم کالبنیان المرصوص یشد بعضه بعضاً** مسلمین درحفظ وحمایت یکدیگر همچون خشت های دیوارند که هر کدام در نگهداری یکدیگر سهم بسزائی دارند وبلکه بقاء وجود هریك بحفظ وجود بنامیباشد.

وچون یکی از اصحاب از ثغور و حدود اسلام سئوال میکند میفرماید شما افراد مسلمین هر یك مرز و سرحد اسلام هستید که تاآئین دین را حفظ کنید وقدم ازثغور دین فراتر نگذارید اسلام مشید واستوار است واگر تجاوز وتعدی گردید ثغور اسلام متزلزل است. **انت ثغرة من ثغور الاسلام فلا یؤتینه من قبلك**

موج دریا همه دریا بود و دریا موج
گرچه پیش نظر ازیکدیگر این هردو جداست

درتحکیم مبانی دوستی بین افراد مسلمان میفرماید هرمسلمانی که انجام امور برادران مسلمان همت نگمارد مسلمان نیست.

من اصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم - اینجا شرط اسلامیت را در جامعه نماز وروزه وسایر واجبات قرار نداد بلکه همت بر گره گشائی کار مسلمین راشرط اسلامیت قرار داده وبرای تشریح مطلب باز فرمود **لایشبع المؤمن دون جاره** مؤمن بدون سیر کردن همسایه سیر نخواهدشد وبهترین مؤمن کسی‌است که در خدمت برادران ایمانی خود بیشتر کمر خدمت ببنددواز تحمل ورنج اجتماعی زانوخم نکند.

اسعی لخدمتهم ادینهم - کسانیکه بیشتر خدمت میکنندکه ایمان راسخ و استواری داشته باشند هر کس درایمان قویتر باشد درخدمت چابك‌تر ومهیاتر است واو زود آشنا و مأنوس و مهربان خواهد بود وهمواره دروداد و دوستی و الفت و مهربانی گرمتر و جوشان‌تر است فرمود **المؤمن الیف مألوف وبالمؤمنین رؤف**.

من زتو دور نیم خود تو زمن دور مباش
دامن وصل بدست آور و مهجور مباش

مؤمنین بهم نزدیك ومحبوب یکدیگرند یك جاذبه قوی بین مؤمنین برقرار است که همان روح توحید و وحدت است.

من خود او بودم او من ولی از بهر صلاح
تن خاکی بمیان من واو حایل بود

شیخ سعدی دروحدت حقیقی گوید:

دوست نزدیکتر از من بمن است
وین عجب‌تر که من از وی دورم
چکنم باکه توان گفت که وی
در کنار من و من مهجورم

اگر ایمان نیرومند شد همه باهم نزدیك وبهم آشنا وآمیخته‌اند.

درتعریف مسلمان میفرماید - **المسلم من‌سلم المسلمون من یده ولسانه**- مسلمان کسی است که دیگران ازدست وزبانش آسوده باشند.

والمسلم اخ‌المسلم لایشتمه ولا یظلمه - مسلمان آن کسی است که برادر مسلمان خود رادشنام ندهد وشماتت نکند وستم ننماید.

درآیه قرآن میفرماید **اشداء علی‌الکفار رحماء بینهم** - مسلمان باهمکیش خود مهربان و رؤف است و نسبت بدشمن اسلام و کفار سخت گیر و بد اندیش وبدخواه است .

بازهم‌درباره مؤمنین میفرماید **المؤمن من‌امنه الناس علی انفسهم واعراضهم‌واموالهم** مؤمن کسی است که جامعه مؤمنین ازجهت عرض وناموس وجان ومال خود درامان او باشند وهمان طورکه اموال وناموس خودرا حفظ میکند جان ومال برادر مسلمان را حفظ کند آنگاه میفرماید هر کس این گونه عمل کند وحقوق افراد برادران وجامعه مسلمین راادا نماید خدا و رسول از او راضی باشند .

رضی‌الله عنکم ان تعبدوه ولاتشرکو ابه ولا تخالفوا فی‌دینه . معنی عبادت واطاعت که موجب رضایت خدا است اجرای مواد دینی است که در قانون اجتماع قرار داده شده است ، چون یك‌فرد ازسنن اجتماعی خارج شد بمرگ ونابودی خود کمك کرده است.

آبی که نگشت همره رود قوی　　　در خاك فرورفت وبدریا نرسید

اتحاد ووحدت شرط بقاء ملت و ملیت است درهر موجودی از نظر وجود نظر افکنید خواهید دیدکه اتحاد اعضاء و وحدت تام در آنها حکومت دارد بلکه باید گفت وحدت علت وجود است مثلا ریك‌های کوچك چون جمع‌شوند خطسیر سیل‌های بنیان‌کن راعوض میکنند - قطرات باران در پیوستگی بیکدیگر موج‌های کوه‌پیکری بوجود میآورد- درخت وهرنباتی شامل اجزائی است که‌بهم پیوسته سطح زمین راازساقه ودل خاك‌را ازریشه وفضارا ازبرك گرفته ودربخشی‌ازخاك های کره‌زمین خرمی و کمال بخشوده وبنام جنگل های طبیعی یامصنوعی مناظر زیبائی برای بشر بوجود آورده این منظره شکیل وزیبا درحمایت افراد شاخه ودرخت از یکدیگر بوجود آمده که درابقاء جامعه و موجودیت آن کمك مینمایند.

انسان‌نیز دارای همین مرتبه کمال است که اعضاء واجزاء بدن هرگاه در انجام وظیفه خود ساعی بودند واعتدال کاررا ازدست ندادند اتحاد واتفاق آنها درانجام وظیفه سبب بقاء وجود مجمع البحرین انسان میشود ولی هرگاه یکی‌از آنها ازدایره خدمت ویا اعتدال کار خارج شد یعنی از جرگه اتحاد و وحدت بیرون رفت نه‌تنها موجب خلع وقطع خود شده‌بلکه باعث ضعف و اضمحلال بدن‌نیز گشته است.

یك‌دسته ملخ یایك گروه پشه میتوانند پیل‌قوی جثه‌را ازپا درآورند یاکشوری را از محصول پاك وصاف کنند در حالی که یك‌یك از آن حیوانات قادر برحفظ جان خودهم نیستند.

همین حقیقت رادراتمام موجودات عالم‌قیاس کنید ودرجامعه بشری نیزتطبیق نمائیدکه اول‌یك آدم بود ازخاك پس‌ازآن حوائی بوجودآمده وازیکفرد یك خاندان وازخاندانی چندفامیل واز هر فامیل چند عشیره وقبیله وازهریك محله آکنده وانبوه ازجمعیت شده سپس شهرها وممالك و فرق‌و نژادها بوجود آمده‌اند تا امروزکه جمعیت دنیا بالغ بر دوبلیون و دویست ملیون نفربیشترمیشود که ازیکپدر ومادربوجودآمده آفریننده همه خدائی دانا وتوانا وحکیم وعلیم بوده که از کتم عدم

بعرصه بروزآورده وهمه این اجزاء را بوحدت ویکانگی دعوت وترغیب وتشویق نموده وسرموفقیت را درکلمه توحید قرار داده است بنابراین مقدمه که قرآن هم شاهد مقال است **ومن آیاته**

حیات اجتماعی وفردی بشردرتجمع وتمرکز ووحدت ومرگ واضمحلال درتفرق و تجزیه است مادامیکه اجزاء وجود بشر باعضاء جامعه انسانیت ویایك اجزاء وجود یك موجود زنده که خواص ترکیبی خودرا از دست نداده درهمکاری وانجام وظیفه اشتغال دارد آن فرد یاجامعه یاموجودزنده است ولذا حکماء گفته‌اند **الموجود اذالم یتشخص لم یوجد** یعنی شخصیت وقتی وجودپیدامیکند که غرائز طبیعی بکارپردازند واستعدادهای لایقه را ازقوه بفعل درآورند وهرگاه اعضاء وجودبچنین وظیفه قیام کردند شخصیت وجودی ظاهر میشود وچون شخصیت پدیدار گردید وجود عرضه اندام میکند وهرآن که باین فعالیت خاتمه داده شد مرگ پدیدارمیشود وچون مرگ آمد اعلامیه تجزیه وترکیب است بااین وصف جای شك نیست که زندگانی مادی ومعنوی جامعه عبارت ازاجتماع عموم اعضاء است وشخصیت وبقاآن درفعالیت اجزامکنون است وهرگاه دراین دایره اجتماع رخنهٔ پدیدار شد همان‌مرگ وتجزیه وتحلیل پیش‌میآید .

خوانندگان عزیز این حقیقت ساریه رادرتمام موجودات میتوان پیش‌آورد بازهم برای تاکید بیان مثال دیگری میزنیم وآن فلزات است .

البته میدانیدآهن دارای صلابت است وقوتی که دارد برای پیوستگی تام اجزای وجودومصالح ساختمانی آن است ولذا بااین صلابت دراکثراجسام ضخیم میتواند بسهولت نفوذکند وداخل‌شود ودرمیان فلزات‌طلا ازهمه اجسام باصلابت‌تر ومحکمتر وقویتراست که اجزای‌آن پیوستگی‌تامی‌دارند وبهمین‌جهت کمتر وگرانتراست دیرترعیب میکند واین فلز که صلابت‌آن مرهون جاذبه ذاتی وفقد خلل وفرج هوائی است درمقابل اکثر حوادث طبیعی ومرورزمان دوام وبقاء بیشتری مینماید واین صفت برجسته که بربهاء آن افزوده مدیون اتحاد اجزاء این فلزاست .

درنصایح پدران‌خودخوانده وشنیده‌ایم که یك شاخه چوب رامیتوان شکست ولی‌چون چندین شاخه بهم بسته شد برقدرت بشری فائق میآید مگرپس‌ازتفرقه آنها ولذا گفته‌اند .

صدهزاران خیط یکتارا نباشد قوتی　　　چون بهم برتافتی اسفند یارش‌نگسلد

اینهمه مظاهرتجلیات اتحاد وحدت اجتماعی است‌هیچ خردمندی دردنیا نیامده که دراینباب سخنی نگفته باشد وسردسته دانشمندان بشرانبیا هستند وسرحلقه انبیاء حضرت محمدص‌است که درقرآن میفرماید :

واعتصموا بحبل‌الله جمیعاً ولاتفرقوا

هیچ‌ریسمانی محکمتراز حبل‌الله‌المتین نیست آن رشته‌ایست ناگسستنی وبندی است غیرقابل اندراس‌وپاره‌شدن وهرکس دست توسل وتمسك باین کلمه توحید زند در ساحل کنار دریای موفقیت بسعادت فرودآید و چون شمع فروزان پرتوی پیدا کند که دیگران نیزاز آن استیضاءه و روشنی گیرند .

بااین اتفاق واتحاد مردم مسلمان بجهانگیری و جهانداری فائق آمدند و بااتکاء فرمان یدالله‌مع‌الجماعه در سایه دست قدرت حق ووعده‌های حمایت غیبی‌درتمام اقطارعالم بشری تمدن‌خود را گستردند وپرچم‌توحید رادراهتزاز درآوردند ـ وبااین‌مردانگی‌خودجهانگیران بشری وسرداران نامی وجنگجویان شهیردنیارا باتمام وقایع عظیم‌ملل عالم تحت‌الشعاع اتحاد واتفاق وپیشرفت‌خود

درآورده معنی حقیقی کلمه توحید واتحاد رادرعمل و گفتار و کردار خود بجهانیان ثابت کردند و دیدیم که یك ایرانی . ترك . قبطی . مراکشی . عراقی . حجازی . مصری . لبنانی . اروپائی غیره همه دریك صف بایك هدف بایك برنامه متحدالقول بذل مساعی میکردند .

ای بسا هندو و ترك همزبان ای بسا دوترك چون بیگانگان
پس زبان‌محرمی‌خوددیگر است همدلی از همزبانی بهتر است

مسلمین باهم‌همدل وهمزبان وهمفکر بوده ودرعمل بیعت باهم دریك صف پیش‌رفتند.

سر پیشرفت مسلمین

اسلام درامور اجتماعی تعالیم بسیار اخلاقی و مفیدی‌داشت که باراقیون ملل ساز گاربلکه‌سبب ارتقاء ملی ورشد عقلی میشد ـ دستورات اخلاقی وعملی صلح وسلم ـ سلام کردن و تحیت نمودن تعارف وهدیه وصدقات مهمانی نذر وبنده آزاد کردن ونماز روزه بکفاره گناهان خطا یا گرفتن و هجده نوع صدقات اسلامی مسلمین را بتربیت بی‌نظیری مجهز ومهذب گردانید.

دستوراسلام درفتح وجنك بیشتر ازهرملت موردتوجه ومحبوبیت واقع‌شد ـ اسلام دستورداداگر مسلمین بخواهند کشوری را تصرف کنند میبایستی اولا مردم آنکشور راباسلام دعوت کنند و تبلیغ بتوحید ووحدت ملی نمایند اگراسلام قبول کردند باسایرمسلمین دریك حال برابر وبرادرخواهند شد . درحدیث نبوی فرموده :

بمن امرداده شد که بامردم جنك کنم تاآنکه کلمه لااله الاالله رابگویند . اگراین کلمه را بزبان بیاورند مال وخون آنها ازجمله من مصون وحساب آنهاهم باخداوند خواهد بود .»

اگراسلام راهم نپذیرفتند بایستی کشور خودرا تحویل مسلمین دهند وتحت تسلط‌ومسلمین درآیند وخود جزیه بدهند :

(جزیه یکنوع مالیات سالیانه است که از مردهای کلیمی ـ مسیحی ـ صائبه گرفته میشدوزن وکودك معاف بودند مبلغ آن نخست یك‌دینار «زر« طلابود سپس برآن افزودند تاحداکثر بچهار دینار رسید) .

کسانیکه این دعوت راقبول‌میکردنددرامورا‌جتماعی‌آزاد بودندومانند مسلمین‌آزادمیزیستند وحفظ وحمایت آنهانیز برعهده مسلمین‌بود وبدینجهت آنهارا **«اهل ذمه»** میگفتند اما اگراسلام راقبول نمیکردندوجزیه نمیدادند ودرحمایت اسلام وزیرفرمان‌حکومت دین اسلام نمیرفتندناگزیر باید باآنها جنگید .

امادرجنك برخلاف اصول پیکارهای ملل مترقی قبل‌ازاسلام سرمایه مسلمین رأفت و رحمت و سازگاری بود خاصه اگراز افراد مغلوب عالم دانشمند و فکور وجود داشت باکسانی که ازاندیشه وفکرآنها میشد بنفع اسلام استفاده کرد باآنها مسالمت میکردند .

اگردشمنان اسلام صلح میخواستند فوری پیشوای مسلمین باآنهاباید صلح کند «وان‌جنحو للسلم‌فاجنح‌لها» آنگاه شرایط صلح‌کاملا انجام واجرا میشد اگرفتح شهر بدون‌صلح خاتمه مییافت مردم آنکشور دودسته بودند دسته که جنك کرده بودند اکنون حال اسیر حربی داشتند وجمعی که جنك نکرده بودند تحت تسلط واختیارمسلمین واقع میشدند .

درقرآن درباره اسراء چنین بیان فرموده:

ترجمه فجرالاسلام‌صفحه ۱۰۹

«حتی اذا اثخنتموهم فشدوا الوثاق فاما منا بعد و اما فداء»

یکی ازدوکاررا اسراء حربی بایدبکنند یااسراء را آزاد کنند یا آنها را درقبال فدیه که مال باشد رها نمایند یا هر یك از آنها را با یك اسیر مسلمان که درجنك بدست دشمن افتاده معاوضه کنند .

مسلمین بااسراء دشمن خوشرفتاری میکردند بآنها آزادی میدادند یادرمقابل فدیه ومال کمی آنهارا رهامیکردند بندگان راآزاد میکردند .

بندگان وبردگانرا که درسایرملل درنهایت سختی باآنها رفتارمیشد اسلام با آنها برافت و شفقت رفتارمیکرد آنهامانند خواجگان آزاد میزیستند - دراین آمیزش واختلاط وشفقت و مهربانی که بشربنده نیکوکاران است **الانسان عبیدالاحسان** مسلمین بااسراء سایر ملل و بندگان و کنیزکان مواصلت کردند وپس ازفتوحات نسلی بوجود آمد که برخی‌ازآنها بهترین وبرگزیده‌ترین وپاکترین رجال اسلام بودند وبرخی درفش علم‌ودانش رابرافراشتند و خدمات بزرگی باسلامیت کردند که درجنش علمی بیان‌میشود مانند سالم‌بن عبدالله - حضرت زین‌العابدین علی‌بن‌الحسین‌ها قاسم‌بن محمد که هرسه خاله‌زاده ومادران‌شان دختر یزدگرد پادشاه ایران بودند وهمچنین حضرت مهدی حجة بن‌حسن العسگری که ازدخترقیصرپادشاه روم‌بود وحضرت علی‌بن الحسین ع در معرفی خود فرموده .

انا بن‌الخیرتین من‌زاده برگزیده‌ترین دو ملت هستم که خاندان رسالت و خاندان سلطنت ساسانی بود بااین ترتیب پیشرفتی محیرالعقول نصیب مسلمین شد و محبوبیتی خاص بوجود آمد که همه مرهون مبانی اخلاقی تعلیمات اسلام بود. (۱)

اختلاط و آمیزش مسلمین با ملل راقی

دومین عامل پیشرفت مسلمین و دومین وسیله که سبب اختلاط ملل وعناصر مؤثر وکارگر بود این است که بسیاری ازاهالی ممالك مجاوراسلام تحت حمایت یاتسلط اسلام درآمدند مسلمان شده و باعرب آمیختند بطوریکه مانند خود عرب محسوب میشدند.

درفتوح البلدان بلاذری مینویسد - پرویز چهار هزار سپاهی ازدیلم داشت که چاکر مخصوص اوبودند آنها بعداز اوبحال خود مانده ودرجنك قادسیه بارستم بودند همینکه رستم کشته‌شد زردشتی هابر گشتند .

دیلمی‌ها گفتند ما پناه نداریم اعراب هم نسبت بما بدبین هستند که بهتر است که مادین اسلام راقبول کنیم تاباآنها یکسان باشیم بدین جهت آنها اسلام راپذیرفتند واز میدان جنك بیرون رفتند ودرجنك مدائن‌هم باعرب کمك کردند وسپس در کوفه اقامت گرفتند - ۲

عموم مورخین مینویسند چیزی که بیشتر سبب قبول کردن اسلام‌میشد ساده گی اصول اسلام‌و آسانی احکام‌آن‌بود و گروهی اززیربار سنگین جزیه شانه خالی میکردند وباسلام میگرویدند - در

۱ - کامل مبرد- عقدالفرید - طبری بنقل فجرالاسلام ص۱۱۵
۲- فتوح‌البلدان بلاذری ترجمه فجرالاسلام ص۱۱۶

زمان حجاج گروهی بی‌حد از اهل ذمه باسلام گرویدند بطوری که کارگذاران حجاج باو نوشتند مالیات روبکاهش گذاشته زیرا اهل‌ذمه مسلمان وشهرنشین شده‌اند.

موضوع دیگری که باسلام پذیرفتن کمك میکرد این بود که اسلام دین امرا و رجال دولت شده بود وهر کس منتسب بدان‌میشد ازذلت وخواری نجات پیدا میکرد مقرب و محبوب میشد که گفته‌اند **الناس علی دین ملوکهم** ولذا جمعی برای رهائی ازمذلت‌وحقارت اسلام را پذیرفتند بعضی ازامراهم برای توسعه وپیشرفت اسلام اثری عمیق بخشید.

اختلاط وآمیزش باملل راقی سبب‌شد که زودتر اسلام توسعه یافت زیرا دولت های راقی ایران وروم هم گرچه راقی ومتمدن وباعظمت بودند ولی اجتماع آنها روح‌نداشت زیرا مفاسد اخلاقی بر آنها غالب شده‌بود ودین وآئینی هم که بتواند آنهارا ازمحن وبلایا نجات بخشد نداشتند ولذا بمحض آنکه آفتاب اسلام تابیدن کرد ملل‌منحطه ازفرط عسرت ملل راقیة باختیار وحسن‌استقبال اسلام‌را پذیرفتند زیرا بافطرت بشر منطبق وداروی دردهای درونی آنها بود.

اشتراك محل سکنی

محمد امین در فجرالاسلام اختلاط واشتراك مسکن راهم ازملل پیشرفت اسلام عامل مؤثری بشمرده ولی چندین اشتباه بزرك کرده که در کتاب رایةالحق ذکرشده اومینویسد سومین عاملی که دراختلاط وآمیختگی مسلمین وتوسعه اسلام مؤثر گردید ـ محل سکونت بود که فاتحین اسلام باملل مغلوب دریك سامان میزیستند ودر جنبش اقتصادی واجتماعی وعلمی شرکت میکردند.

ولهومسن مستشرق ومؤرخ معروف‌میگوید بیشتر اهالی کوفه موالی بودند وصنعت‌وتجارت و پیشه‌های دیگر رادر دست داشتند وبیشتر آنها پارسی‌زبان وایرانی نژاد بودند که درجنك اسیرشده وبعد آزادگشته اسلام‌را پذیرفتند بامالکین اولی خودکه عرب بودند موالات نمودند که آنهارا موالی گفتند.

آنها پس‌از آزادگی بازهم بخواجگان اول خود پیوسته هنگام جنك و صلح باآنها بستگی و اتصال داشتند. سایر ممالك اسلام‌نیز چنین بود: که دونژاد عرب وبیگانه باهم مختلط وکاملا ممزوج شده بود ـ ۱

ایران وشام ـ مصر ـ مغرب‌زمین وحتی خود جزیرةالعرب نام خود را ازدست داده بود ونام آنها جزیرةالمسلمین محسوب میشد.

اختلاط مزبور درآمیختن عناصر تأثیر مهمی‌داشت زیرا عادات و اخلاق ایرانی‌و رومی با عادات عرب مخلوط شده ایرانی وورومی با ادب اسلام آمیختگی پیداکرد ولی‌احکام وقواعد قرآن حکمت پارس وفلسفه‌روم عقل‌عرب رادرخود تحلیل‌برد اصول حکمرانی روم باقواعد حکمرانی عرب بیك‌صورت درآمده‌بود بالجمله تمام‌اصول زندگانی اجتماعی و نظامات سیاسی تحت‌تأثیر اختلاطمزبور درآمده یك‌حیات دیگری ازآن پیداشده بود. ۲

مللی که تحت حکومت عرب درآمده بودند ازحیث عقل وفکر وتمدن و اجتماع نسبت بعرب برتری داشتند لذا بالطبع تمدن ونظامات وقواعد واصول زندگانی آنها برزندگانی عرب غلبه‌یافته

۱ ـ ص ۱۱۷ ترجمه فجرالاسلام ۲ـ این موضوع در مکتب اسلام بحث مفصلی دارد

و چون اعراب يك عنصر قوی وفاتح بنظر میآمدند تمام نظامات و اصول حیات را باروحیات خود موافقت داده بودند.

آنچه ازسازمان اداری درممالك متمدن قبل از اسلام جاری وبرقرار بود بعداز تسلط اعراب همبهمان نحوومنوال دائر وبرقرار گردید ـ دیوان دولت باتمام قواعد ونظاماتی که داشت بحالخود بود حتی لغت پارس وحساب بوضع دیرین خود باقیماند و تازمان عبدالملك بن مروان کـه باعربی عوضشد برعادات دیرینه اجرامیشد.

بسیاری ازملل مغلوبه اسلامرا پذیرفتند وآنها دارای حکمت وادب وشعر وداستان ومثلبودند بعضی دارای علوم بانظم وتربیت بودند تألیفوتصنیف وبحث ومطالعه وتحقیق از جمله مزایای همان مــردم بود چون مسلمان شدند وبــا کیش نوین آرام وانس گرفتند علوم خود را داخل دین اسلام کردند وآنچه که خود ونیاکان داشتند تجدید نمودند بطوریکهاسلام رابا اصول علمی خود تطبیق و بصورتتمدن تازهٔ درآوردند ـ ۱

اسلام تمام الوان ورنگها رادر يكرنك دینیخود فروبرد وتحلیل کرد قواعد و احکام اسلام ـ تعلیمات وتربیت اسلام طوری بود که تمام تعلیم وتربیت مللمتمدن دیگررا درخود فرو برد وبرنك خود در آورد .

اسلام درادب وتربیت و کیش وآئین دارای استقلال ورقاء ورشد کامل عقلی بود کــه نهتنها در دوران اجرای احکام وقواعد آن دراین آئین تحلیل نرفت بلکه مانند دریای جوشان وخروشان هر چهاز علوم وفنون وادب وتربیت ونظام اجتماعی وسازمان اداری بودهمهرا درخود فروبردوتحلیل کرد وپساز مدتی برنك خود رنكدین اسلام بجهانیان نمایشداد:

صبغةالله ومناحسن منالله‌صبغة ونحن له عابدون آیه ۱۳۲ سوره‌بقره

تاثیر تربیت مسلمین در فتوحات اسلامی

اسلام دارایمبادی فاضله اخلاقی بوده که مانند ستارگاندرخشان هر کجا پرتوافکنمیشدآنجا را روشن میساخت این مبادی که مایه فضیلت و اخلاق بود ومایه یگانی و وحدت مسلمین گشته بود در پیشرفت دین و فتوحات اسلامی اثری عمیق بخشید .

فتوحات اسلامی مانند فتوحات سایرممالك وادیان نبود که فقط شهریا کشوری رابگیرند و از مزایای مادی آنها بنفعخود استفاده کنند بلکه فتح نیروی خردوعقل بود فتح روح واندیشهوافکاربود که بطورمستقیم یاغیرمستقیم درعلم ودیناثر میبخشید .

چون پیشوای اسلام رحلت کرد اسلام تمام جزیرةالعرب را متصرف شده بود و تربیت اسلام روحیه کلیه ساکنین آنقسمت را تحت اراده وخطمشی مستقلی که بنام دین اسلام خوانده میشد برده شده بود وچون پیغمبر(ص) امر کرده بود که جنك باملل همسایه رابمنظور نشرتعلیم و تربیت اسلام آغاز کنند لذا پسازرحلت فتح و کشور گشائی باآن قدرت وقوت ایمانی که درافراد ایجاد شده‌بود آغاز گردید ومتوالیا برتوسعهٔ ممالكاسلامی افزوده شد ـ عراق بتصرف مسلمین درآمددراینکشور

۱ـ بکتاب فتوحالشاموعقد الفرید و اخبار الطوال دینوری وفجرالاسلام ص۱۲۰مراجعهشود .

قبایل ازعرب مانند ربیعه ومضرزیست میکردندوهمچنین ایرانیان وبومیان که ازقدیم درآنجازندگی میکردند جمعی ازآنها مسیحی و گروهی مزدکی وقومی زردشتی بودند . اعراب هم دو شهر کوفه و بصره راتاسیس کردند.

عمرشهر مدائن وقادسیه را درخورعرب ندید دستورداد که شهری احداث کنند که میان آن و جزیرةالعرب فاصله وحایلی ومانعی مانند رود ودریانباشد ومنظورش این بود که دوشهرلشکرگاه و جای سپاه باشد که افرادقشون درهوای آزادزندگی کنندوازجمعیت دورباشد بدین نظر بصره رادرسال ۱۵ و کوفه رادرسال ۱۷ هجری مطابق **۶۳۸** میلادی ساختند.

کشورایرانهم فتح شد درآنکشور پارسیان و گروه کمی کلیمیان وبرخی ازرومیان که در جنك ایران وروم اسیر شده بودند زیست میکردند .

مملکت شام هم بدست مسلمین افتاد درآن ملل مختلفه زندگانی میکردند تمدن ملل هم در آنسرزمین ازقدیم جایگزین بود. زیرامصریان ویونان ورومیان واعراب غسان برآن سامان تسلط داشتند ـ درعصر آخرهم تحت حکومت روم اداره میشد . بتربیتو تهذیب آنهاتمتع میکردند اهالی آن کشور بومی وارمن ویهود و گروهی ازروم وبرخی قبایل عرب بودند.

غسان ولخم وجذام و کلب وقضاعه وجمعی ازتغلب درعداد اعراب بشمارمیرفتند آنها درقسمت جنوبی شامات بیشترازقسمت شمالی زیست میکردند زیراقسمت مزبور بوطن اصلی آنهانزدیکتر بود اعراب مزکوربیك زبان مخصوصی که عربی مخلوط بودتکلم میکردند ـ موقعی که مسلمین قصدجنك نمونه اعراب سوریه خودرا بومی دانسته درصف روم داخل وبامسلمین جنك کردند .

مصر که مرکزتمدن قدیم بود بدست مسلمین گشوده شد ـ کشور مصردارای تمـدن یونان و روم بود که برتمدن دیرین آن افزوده شد علاوه براین شهراسکندریه که مرکز فلسفه علوم دینیه و یگانه رابطه مابین افکار شرق وغرب محسوب میشد درهمان مملکت بود.

مغرب‌زمین هم از برقه وتونس گرفته تامراکش وجبل‌الطارق که سابقاً درdست روم بودبـدست مسلمین افتاد .

درزمان ولید بن عبدالملك هم سند وبخاری وخوارزم وسمرقند تاکاشغر گشوده شد وبرممالك اسلامی افزوده گردید ـ همچنین اندلس و کشورهای غربی بدست مسلمین افتاد.

فتح اعراب وتسلط آنهابرممالك گوناگون باعث یك اختلاط مهم و آمیزش مابین ملل شده رگهارا بهم پیوستند وخونهای مختلف راداخل شرائین اقوام نمود نظام واصول اجتماع رابهم متصل ومختلط کرده افکاروآراء وخردهارا داخل هم نموده ادب وآداب رابهم آمیخته صوت دیگری ازاین وآن نمایش داده بود .

چیزی که دراختلاط وآمیزش موثروکارگر بود سه عامل است .

۱ـ مبادی تعلیمات‌اسلام است که تعلیم یك سلسله فضایل و منع ازارتکاب رذایل اخلاقی‌نمود .

۲ـ مسلمان شدن بسیاری ازملل مختلف که مغلوب شده بودند واسلام را استقبال کردند و جنبش علمی بوجود آوردند .

۳ـ اختلاط اعراب باملل دیگرواقامت آنهادرممالك مزبوره بود که ادب وآداب ملل دیگررا باادب وتربیت وتهذیب پاك اسلام آمیختند ویك تربیت مهذبی برنك دین بوجودآوردند کـه مورد استقبال همه جهانیان گردید:

فصل سوم

قرآن وجنبش علمی

جنبش علمی مسلمین　　　　　　　　اطلبوا العلم من المهد الی اللحد

چنین گفت پیغمبر راستگوی　　　　　ز گهواره تا گور دانش بجوی

بسم الله الرحمن الرحیم

اقرا باسم ربك الذی خلق ـ خلق الانسان من علق اقرا
وربك الاکرم الذی علم بالقلم ـ علم الانسان مالم یعلم

آیه از ۱ تا ۶ سوره خلق

ای محمد (ص) بخوان بنام پروردگارت پروردگاری که بوسیله قلم دانش آموخته وانسان را دانشی آموخته که نمیدانسته است ؟؟

آورنده قرآن مجید بشر را مخاطب ساخته وبتحصیل علم ودانش مامور فرموده است ومدت کسب دانش وبینش را از گهواره تا گور معین فرموده واین دستور آسمانی برای کسب کمال وتکامل نفس است واین تعلیم از مختصات اسلام است زیرا هیچ ملتی از ملل عالم پیروان خود را بعلم ودانش باینحد تحریض وترغیب نکرده است وتاریخ ادیان وملل حاکی استکه علم ودانش درادیان دیگر ازطرف پیغمبران این آمیختگی والتزام را نداشته که دین اسلام دارد

دراسلام علم ودین ازهم تفکیك نشده ومسجد و مدرسه یکی بود و بمرور ایام جنب هم مسجد ومدرسه ساخته شده و غیر قابل تفکیك است .
بشرحی که درصفحات آینده خواهیم دید

قرآن عربی

و لقد نعلم انهم یقولون انما یعلمه بشر لسان الذی یلحدون الیه اعجمی وهذا لسان عربی مبین
آیه ۱۰۶ سوره النحل ۱۶

درشان نزول این آیه مفسرین نوشته‌اند که عامرحضرمی غلامی داشت بنام جبر وغلام دیگری که بنام یسار بود آنها اهل کتاب بودند وشغلشان این بود که شمشیرها راصیقل میزدند ودرحین کار و آغاز وانجام تورات وانجیل میخواندند چون پیغمبر اسلام بر آنها میگذشت وسخنان آنهارامیشنید وگوش میداد.

حویطب بن عبدالعزی نیز غلامی داشت بنام عایش که اوهم اهل کتاب بود و مسلمان شده بود.

سلمان فارسی هم ازمجوس‌ها بود که اسلام آورده بود شبهاهمه آنهامی‌آمدند نزدپغمبر وقران فرا میگرفتند - کفارقریش گفتند محمدازآن دوجوان غلام سخنوری آموخته و کلمات کتب آسمانی آنهارا فراگرفته برای ماميخواند این آیه نازل شد که

ماميدانیم که آنهامیگویند غلامان عربی وعجمی محمدرا سخن می‌آموزند ولی‌باید بدانید کلام آنها عجمی است وبدون فصاحت وتعمق واعجاز واین قرآن که ماآموخته‌ایم کتاب عربی فصیح روشن درنهایت اعجاز وبلاغت که دیگران ازآوردن مثل آن عاجزند...

بااین تصریح قرآن منبع علوم ودانش و بینش غیبی است که موجی برقلب پاك پیغمبرخاتم - النبیین (ص) نازل شده ومشعل فروزان بشردرتکامل است.

جنبش علمی مسلمین درلغت ودین

دوچیز درعرب بود که برسایرملل تفوق یافتند اول لغت دوم دین -

۱- لغت عرب درسراسر ممالك اسلامی سیادت و برتری داشت هم اکنون هم ۱/۱۳ زبان دنیا لغت عرب است و۷ کشور اسلامی کشور عربی است ودامنه این‌لغت وسیعترین دامنه های لغات‌است که أزشاخ وبرك آن لغتهای دیگری رشد ونمو کرده وازقواعد آن زبانهای دیگری قواعد و احکام گرفته است.

هر کس ازملل‌راقی میخواهد در کشوری نفوذ کند اول لغت خودرا درآنجا میفرستد و قرنها میگذرد تانفوذ لغوی وجنك لغت‌خاتمه یابد عرب در ۱٤ قرن قبل دارای لغت وسیعی بود که برهمه لغت‌های آن عصررجحان داشت ولغات دیگررا ازبین بردولی زبان عرب بوسیله دین اسلام درجهان نفوذ کرد زبان سیاسی ولغت علمی هم منحصر بلغت عرب شده بود زیرا دستورقرآن بزبان عرب بود وغلبه زبان تاکنون هم بحال‌خود باقی است وزبانی است که کهنه‌نمیشود وازبین‌نمیرود وقابل‌پذیرفتن تمام معانی متصور وممکنه است کدقرآن تضمین‌ابقاءآنرا کرده.

۲- کیش و آئین اسلام بود که بر کیش‌های دیگربرتری داشت و اکثر ممالك جهان آنعصر بتدریج اسلام را استقبال کردند کمتر کسی مانده بود که دین سابق خودرا داشته باشد - دین‌اسلام دین ساده وبی‌آلایش بوده که باهرفکر واندیشه راقی سازگاربوده لذاملل مترقی مغلوب کیش خود

را ازدست دادند ولی ادب وآداب خودرا بادستورات اسلام بهم آمیختند .

درنتیجه این موهبت بزرك جنبش‌های عقلی وفکری وعلمی بوجودآورد- ایرانیان دین وحکمت وعقل وخرد داشتند ـ رومیان فلسفه وعقل وعلم ودین داشتند و هردو دراسلام تحلیل رفتند و تائیر عمیقی کردند عقل عرب دارای یك طبیعت ساده ومخصوص بوده است که بواسطه عوامل محیط و تائیر جغرافیائی وزندگانی جاهلیت تکوین شده ـ دین اسلام هم برای این قوم یکنحو تربیت وتعلیم خوب ومبداء مقدس آورده که باوضع وحال جاهلیت تباین داشت .

فتوحات اسلامی هم کشور ایران ومستعمرات روم راتحت تسلط درآورده ـ دین وعلم و تمدن واجتماع ایران وممالك روم همه گداخته ودرقالب اسلام ریخته شد . ازتمام اینهایعنی ازعلم وتمدن وسیاست ایران وروم وازحالات عرب یکنحو زندگانی اجتماعی اسلامی و یکقسم تربیت نوین پدید آمده بود که برنك دین وباداب اسلام‌مزین گشت .

نتیجه‌این زندگی جنبش‌علمی‌بوده که با انتهای خلافت‌بنی‌امیه بپایان رسید ودر دوره‌بنی‌عباس جنبش‌علمی باجنبش‌دینی وظهورعقاید مذهبی همدوش شد وتادوقرن این جنبش درحال کمال بود و برتمام جهان تاچهارقرن حکومت داشت .

ازمزایای اسلام نسبت بسایرادیان ومللاین بود که یك‌جنبش علمی بوجودآورد یعنی تمام‌علوم وفنون را بیکصورت منظم ومرتب درآورده است .

جنبش‌علمی وجنبش ادبی وعقاید مذهبی باهم شروع شد و تفسیر وتاریخ وحدیث و علوم ادب باقانونگزاری شروع برشد کرده ومبانی ومبادی همه این‌علوم قرآن وتعلیمات پیشوای اسلام وائمه اطهار باب مدینه علم بود.

لغت

برای آنکه پی بکیفیت جنبش علمی مسلمین ببریم باید وضع معارف وفرهنك محیط عرب را که آفتاب اسلام درآنجا طلوع کرد درنظر گرفت تابعظمت جنبش علمی مسلمین واقف گردید

درمحیط عربستان نادانی وبیسوادی حکمفرما بود-علم‌وفلسفه نداشتندولکن‌درشعروادب‌و نظم‌و ونثر وعقل واحساسات نیرومند بودند.

در میان عربستان فقط حارث‌بن کلده و نضربن حارث باچندین نفر دیگر باسواد و مطلع بودند .

ابن خلدون مینویسد اهل حجاز خط وکتاب را از اهل حیره آموختند آنهاهم از حمیریها گرفته بودند .

بلادزی درکتاب فتوح‌البلدان روایت میکند که چون اسلام ظهور کرد درمیان قریش ۱۷ نفر باسوادبودند که اسامی آنها ازاین قراراست :

۱ـعلی‌بن ابیطالب ۲ـ عمربن‌الخطاب ۳ـ عثمان‌بن عفان ٤ـ ابوعبیده‌بن‌الجراح ٥ـطلحه ٦ـ یزیدبن‌ابی‌سفیان۷ـ ابوحذیفة بن عبدبن‌ربیعه۸ـ خاطب‌بن‌عمرو۹ـابوسلمة بن عبدالاسدمخزومی ۱۰ـ ابان‌بن‌سعیدبن‌العاص بن‌امیة ۱۱ـبرادراوخالدبن سعید۱۲ـ عبدالله‌بن سعدبن‌ابی‌سرح‌عامری ۱۳ ـ حویطب‌بن عبدالعزیز عامری ١٤ـ ابوسفیان‌بن‌حرب ١٥ـ معاویة بن ابی‌سفیان ١٦. جهم بن‌الصلت ۱۷ـ علاءبن حضرمی‌از زنهای عرب هم حفصه وام کلثوم که زن‌پیغمبر(ص) بودند وهمچنین

شفا بنت‌عبدالله عدوی ـ عائشه بنت ابی بکر داشته همین مورخ مینویسد خط میان اوس وخزرج هم (دوطایفه) کم بود وبرخی ازیهود خط عربی راآموخته بودند وبکودکان مدینه میآموختند

چون اسلام طلوع کرد درشهرمدینه ۱۱ نفرباسواد بودند هر کس که تیراندازی واسب سواری وشناوری رامیآموخت وسواد هم داشت اوراکامل میگفتند سعدبن‌عباده واسعدبن حضیر وعبدالله‌بن ابی لقب‌کامل داشتند . پیغمبراسلام‌ص باسوادان رابرای نوشتن قرآن برگزید ابی‌بن کعب انصاری‌پس ازعلی بن‌ابیطالب اولین نویسنده ومنشی قرآن ازاصحاب بود ودرغیاب اوزیدبن ثابت انصاری این وظیفه را انجام میداد .

اسلام موجد جنبش علمی شد

اسلام دینی بود که ازعلم منفك نبود وجنبش علمی را اسلام بوجودآورد . زیرا اسلام ملازم نوشتن وخواندن بود کـه در عربستان سابقه نداشت ـ آیات قرآن را مسلمین بریکدیگر بایدبخوانند وبیکدیگر بیآموزند ـ پیغمبراکرم طلب علم را برهرمسلمان واجب کرد ومردم رابآموختن خط وقرائت قرآن تشویق وتربیت فرموده‌و قول را ببهشت جاویدان وعده میداد .

پس‌ازجنك بدربرای تربیت اسلام دستوردادند برای رهائی هراسیری باید ۱۰ طفل از اهالی مدینه رانوشتن وخواندن آموخت ، دانشگاه اسلام بدینترتیب شروع بآموزش وپرورش کرد.

مسلمین را هم برای فراگرفتن دین احتیاج خودرا بعلم ودانش حس کردند وجدا درمقام‌فرا گرفتن علم برآمدند درکتاب صحیح بخاری اززیدبن ثابت روایت میکند میگوید پیغمبر ص مردم رابآموختن زبان خارجی تشویق میفرمود ـ میگویدمرانزد پیغمبر بردند گفتند این مرد ازبنی‌نجار است ۱۷ سوره قرآن آموخته است ـ منهم قرآنرا برای آنحضرت‌قرائت کردم تعجب فرموده وامر کرد خط ولغت یهود را بیاموزید زیرا من بآنها اطمینان ندارم مبادا کتاب مراتغییردهند ـ من هم مدت ۱۵ روزه بآموختن خط یهود مشغول شدم تا آنرا بخوبی یادگرفتم بعداز آن باهمان خط عهده‌دار تحریر مراسلات پیغمبر برای یهود شده بودم وهمچنین اگر نـامه از آنها میرسید برای آنحضرت میخواندم»

زیدبن ثابت درروایت دیگری میگوید پیغمبرفرموده من برای قومی نامه میفرستم که ازآنها اندیشه دارم مبادا چیزی برآن بیفزایند یاازآن بکاهند . زیدهم زبان سریانی رادرمدت ۱۷ روزه آموخت » ۱

اعراب مسلمان درفراگرفتن نوشتن وخواندن ابرازاشتیاقی کردند واستقبال نمودندوبزودی خواندن ونوشتن وفراگرفتن زبانهای خارجی را فراگرفتند .

قانونگزاری اسلام

عرب چون ممالك‌اسلام رابنیروی دین گشود وزمام سیاست رابدست گرفت روزبروز برعده سوادداران اضافه میشدافرادی که از ممالك‌دیگر باسلام میگرویدند برای‌دین یابرای زندگی زبان‌عرب رافراگرفتند تاقواعد علوم ادب راآمرختند وبزودی رشدعلمی گرفتند .

اسلام عقل عرب راپرورش داد وبرخردآنهاافزودبداستانهای گذشته آشنا کردودرضمن‌قضیه‌آدم وابراهیم‌و یوسف‌و موسی ویونس وداود وسلیمان وانبیاء گذشته حال ملل مختلفه راباعبارات شیرین‌و

۱ـ فجرالاسلام صفحهٔ ۱۷۱

داستانهای شورانگیز باهزارها نکات تاریخی واجتماعی که همه درس رشد عقلی وارتقاء ملی بود برای مسلمین ذکر کردوآنهارا برتاریخ ملل گذشته ازیهوداونصاری ومجوس وصابئین وسایرین واقف‌فرمود پیروان خودرا باوضاع دنیاآشنا کرد وبردانش آنها افزود:

پیشوای اسلام ازاساس دین که احکام امورزندگی بود ازازدواج وطلاق وشئون امور اجتماعی قانون مدنی وقضایای جنائی فقه راتعلیم داد وعلماء هم درآن مسائل که روی هم قانونگزاری اسلام است بحث کرده وفقه راتوسعه دادند وحوادث جدید وقدیم راباهم مقایسه کرد وبرای علوم و آداب اسلامی مایه مهمی ازعلم ودانش بدست مسلمین داد:

حرکت فکری

یکی ازقویترین‌عوامل جنبش‌علمی اسلام حرکت فکری بشر بود که‌بمسلمین آموخت اندیشه وافکار عقل‌وخرد مسلمین راتحریك کرد تادر کتاب آفاق وانفس نگاه کنند - حرکت‌فکری ازمزایای اختصاصی‌اسلام است درهیچ یك‌ازملل این حرکت‌فکری ورشد عقلی وجود نداشت - اسلام فکر بشررا متوجه مظاهرخلقت کرد ووصف قدرت پروردگار را در آیات‌الهی که همه جابقدروفوردیده میشود درنظرمسلمین عظمت‌داد. وبیان توحید رادرنظرمتفکرین تجلی داد ... وآنهارا درنظردقت بآسمان‌ها وزمین - وموالید وعناصر وجمادات ونباتات وحیوانات صحرائی ودریائی وخزندگان وچرندگان وپرندگان‌وطرزتغذیه آنها وخلقت حیوانات بزرك‌مانند شتر ونصب کوهها درزمین ومیوه‌های گوناگون درختان همه رادر نظرمردم مجسم فرموده. تابینند و مظاهرقدرت خدارا بشناسند.

قرآن مسلمین رادعوت کرد بحرکت فکری وپیغمبراندیشه وفکر دراین راهرا باثواب شصت سال عبادت مساوی دانسته **اولم ینظروافی ملکوت السموات والارض وماخلق‌الله من‌شیء** آیا نمینگرند درحجب آسمانها وزمین و آنچه بین این کرات است **فلینظر الانسان مم‌خلق**. یك نگاهی بخلقت وآفرینش خود کنید که چگونه خلق شده‌اید.

فلینظر الانسان الی طعامه‌انا جبنا‌الماء صباً ثم شققنا الارض شقاً فانبتنافیهاحبا و عنباً وقضباًوزیتوناً ونخلا وحدائق غلباوفاکهة واباماتاعاً لکم ولانعامکم

بخوراکتان وانواع ماکولات ومشروبات خودتوجه کنید.

لاالشمس ینغبی لهاان تدرك القمر ولااللیل سابق النهار و کل‌فی‌فلك یسبحون

از کجاآمده است درحالی که همه آنهاهیچ‌نمیدانند.

ان فی‌خلق‌السموات والارض و ختلاف اللیل و النهارلایات لاولی الالباب‌الذین یذکرون‌الله قیاماً وقعوداً وعلی‌جنوبهم ویتفکرون فی‌خلق‌السموات‌و ربناماخلقت‌هذا باطلا سجانك. ومن ایایته خلق‌السموات‌و الارض واختلاف السنتکم والوانکم

بآسمان وزمین و گردش منظومات شمس ونتیجه آن که شب وروز است نگاه کنید وفکر کنید و اختلاف‌السنه والوان وآداب ورسوم وشئون ملی اقوام رامورد بررسی قراردهید.

افلاینظرون الی‌الابل کیف خلقت - والی‌السماء‌کیف رفعت والی‌الجبال‌کیف‌نصبت والی‌الارض‌کیف سطحت - آیه ۲۱سوره غاشیه ۸۸

آیابشتر نمینگرند که‌چگونه خلق شده بآسمان نمینگرندچگونه بالای سرشمابدون سقف‌قرار داده شد - بکوهها نگاه نمیکنند چگونه نصب شده وخاصیت آن چیست وچه مواد منابع وعناصرو

معادنی درشکم دارد بزمین نمینگرند ببینید چگونه پهن و کشیده شده ـ درتمام این آیات توجه بشر رابرای علم ووقوف بآسمانها وزمینها جلب کرده تاازسازمان عالم کبیر وساختمان عناصر ومواليدان مطلع وواقف گردند ،

جنبش علمی مسلمین درتوجه و دقت نظر دردین وقرآن وآیات نازله بود آنها علم و حکمت نداشتند ولی قرآن علوم را ازجنبه طریقیت بتوحید متذکرمیشد و لذا تصریح در موضوعلوم نداشته بلکه جلب توجه بعلوم نمود تامبانی توحید راتحکیم فرماید ومادرآیات قرآن که مقداری از آن دراین صفحات نقل شده ثابت کرده‌ایم که قرآن بتمام علوم وفنون عالم بشری اشاره اجمالی فرمود وفقط ازجنبه تحکیم معانی گفتارمستدل خود دراحکام شریعت استفاده فرموده یا برای آنکه عرب نمی‌فهمیده تصریح برعلوم اسمی نکرده یابرای آنکه مبادا توجه بشر از دین واصل هدف منحرف بنوع وعلوم جزئی گردد علم وفن را فقط برای طریقیت وتایید مبانی توحید از راه استدلال و تجربی آورده است :

این قبیل آیات باعث تفکر خردمندان وفزونی عقل وعلم مسلمین شد وحرکت فکری مسلمین آغاز گردید وبدینترتیب اندیشه وافکارمسلمانان بحرکت افتاد ودرعالم تحقیق وتفکر و تحلیل علوم فعالیت زیادی کردند .

این نوع تفکر واندیشه که بدان‌وسیله اثبات وجود پرورگاررا بنمایند تعبیربحکمت شده که درقرآن‌هم‌بنام حکمت واردشده **ولقد اتینا لقمان الحکمة** ـ پس‌ازتفکردرتمام آن مواد وصورآسمان وزمین حکمت میآموزد .

یوتی الحکمة من یشاء ومن یوتی الحکمة فقداوتی خیراً کثیراً وهرکس‌راحکمت بیآموزد خیرکثیری عنایت‌نمود.

ولقد جائهم من الانباء مافیه مزدجر حکمة بالغة فماتغنی النذر
گاهی وحی هم‌بکلمه حکمت نازل میشد ،
ذلك مما اوحی الیك ربك من الحکمة این است آنچه وحی میشود بتو از حکمت وحقیقت ـ
وقتی ازمالك اشتر نخعی پرسیدند حکمت چیست ـ گفت شناختن دین و آموختن فقه‌وعمل بقواعد آن .

علم بمعنی دانش نیست بلکه بمعنی دانستن است که قرآن میفرماید **وفوق کل ذی‌علم علیم**
ومنکم من یرد الی ارذل العمر لکیلا یعلم‌من بعدعلم شیئا
که دراین آیات فلسفه وحکمت رابرای ایجاد روح بینش‌بشرتعلیم فرموده است .
قارون علم رابمعنی دانستن امورمادی نقل کرده که درقرآن ازقول اومیفرماید:
انما اوتیته علی علم عندی ـ
که توجه بشررا بعلوم اقتصادی‌وکیمیا وشیمی وغیره متوجه فرموده است .
یعنی من دارائی خودرا بوسیله‌دانستن راه کسب پول‌وگردآوردن مال جمع کرده‌ام
ولی‌آنچه که درحقیقت مراد از علم است معنی هدایت و ایمان است که بمفهوم حکمت هم نزدیکتر است .

انما یخشی الله من عباده العلماء ـ
نتیجه علم خشیت وخضوع بساحت حق است

وقداتینا داود وسلیمان علماً
ومابداود علم ودانش آموخته‌ایم که مهندسی‌وساختمان وغیره است
ولئن اتبعت اهوائهم بعدالذی جائك من العلم ما لك من الله من ولی ولا نصیر
ازآیات مبارك فوق علم رابافراد بشر قبل‌ازطلوع اسلام ازنظرعلوم رسمی نقل فرموده که‌قارون شیمی و کیمیا گری فرا گرفته درعلوم اقتصاد مهارت یافته ثروت انبوهی فراهم کرده و حضرت داود و سلیمان‌درمعماری ومهندسی‌وبنائی که حاصل حساب وهندسه وفیزیك ازجهت ذوب فلزات برای‌تحکیم بنای بیت‌المقدس بود یادآورشده که حتماً سبك ساختمان «بتون‌آرم» آهن وسیمان امروز و آنروز بنحو دیگری بود که تاریخ شاهد است فلزات را آب میکردند درپایه مسجداقصی میریختند که محکم گردد .

باهمه این مراحل باین نتیجه میرسیم که جنبش‌علمی اسلامی با حرکت فکری آنها توام بود وهردو بانهضت دینی همدوش بود وجنبش بسیاربزرگی درجامعه بشر بوجودآورد ـ که سلسله جنبان تمام غرائزدرونی وبیرونی بشر گردید .

تمام علوم وفنون وحکمت وفلسفه تحت‌سه عنوان مستقل ـ تفسیرـ حدیث ـ فقه ـ منظم وموجب گردید وتوسعه پیدا کرد تاتوانست میزانی ازعلم ودانش بجهانیان ارزانی داشت . و درسایه احکام شریعت ناچار ازفرا گرفتن ادب وآداب وادبیات وریاضیات و طبیعیات و فلکیات بوده‌اند و بشرحی که داده خواهد شد .

جنبش‌علمی ازخط ولغت عربی شروع گردید

چنانچه دیدیم که جنبش‌دینی مستلزم علم‌واطلاع و قوف بلغات والسنه دیگران بود ولذا پیغمبراکرم (ص) دستورفرمودلغات عبری وسریانی‌وقبطی ویونانی وغیره را فرا گیرند واصحاب‌بسرعت‌السنه مختلفه رافرا گرفتند تامبادا غیرازمومنین بقرآن درترجمه ونقل معانی قرآن تعدی وتجاوز وخیانت عمداً یاسهواً بنمایند و لذا جنبش علمی اسلام ازخط شروع شد واول نوشتن وخواندن لغت عرب باصطلاح عصر طلوع اسلام و لغات ولهجه واستعمال حجاز ومکه وقریش شروع شد وبعدهم عربی وسریانی ـ فارسی ـ یونانی و غیره را فرا گرفتندوقرآن ومکاتبات بدینصورت‌نقل وانتقال میشد واکنون برای آنکه فهرستی ازاین کتب درسیرتکاملی بیان شود ازخط شروع میکنیم .

خط و لغت

الفباء درایران

یکی ازبزرگترین اختراعات انسانی الفباست ومردم جهان از دیرزمانی باهمیت این اختراع پی‌برده ومخصوصا درقرن اخیرمیخواستند بدانند که الفبارا کی وکجا وچگونه اختراع کرده است .

درتواریخ برخی ازاقوام راجع بپیداشدن الفباهای ناقص خود افسانه‌های آلوده بخواب وخیال ومعجزات وتعصبات ملی‌ملاحظه‌منماید .

اخیراً هم عدهٔ ازروی قیاس‌باخط مصری وچینی واستنباط برخی مدارك مشکوك حدسیاتی‌راجع بالفباءنوشته‌اند که هرحدس راحدس وتحقیقات تازه‌تری متزلزل ساخته است .

---

۱ ـ فجر الاسلام ۱۷۳ ص

قدرمسلم این است که ریشه‌های این الفباء درتمام جهان یکی بوده است وبمرور دهور قطع و وصل شده مثلا ریشه خط چینی ومصری یکی وهردو روی رسم اشکال بوده‌است .

مسعودی در کتاب **التنبیه والاشراف** که در حوالی سال ۳۴۴ هجری تالیف شده است درمدارك تاریخی الفبای ایران مینویسد ـ زردشت کتاب اوستای معروف خود را آورد و عدد سوره‌های آن ۲۱ بود وهرسورهٔ در ۲۰۰ ورق وعدد حروف واصواتش ۶۰ حرف وصوت و هرحرف و صوتی شکل جداگانهٔ داشت وازآنها حروفی تکرار وحروفی اسقاط میشوند زیرا که مخصوص زبان اوستاست این خط رازردشت احداث کرد ومجوس آنرا دین دبیره میگویند .

پس‌ازبیان مفصلی ازخط ایرانی مینویسد :

فارسیان غیرازاین خط خط دیگری احداث کرد که مجبوس آنرا کسب دبیره یعنی خط کلی و۱۶۰ حرف وصوت دارد وآنگاه اضافه میکند غیرازابن دوخط پنج خط دیگر دارند .

حمزهٔاصفهانی‌متولدسوتی۳۶۵درکتاب**التنبیه علی حدوث التصحیف**نوشته

مهمترین کتابهای مردم جهان ازسکان شرق وغرب وشمال وجنوب ۱۲ دوازده نوع کتاب بود و آن عبارت است :

۱ـ عربی ۲ ـ حمیری ۳ ـ فارسی ۴ ـ عبرانی ۵ ـ سریانی ۶ ـ یونانی ۷ ـ رومی ۸ـ قبطی ۹ـ بربری ۱۰ـ اندلس ۱۱ـ هندی ۱۲ـ چینی . (ترکی‌ازسریانی گرفته شده)

پنج نوع اینحروف استعمالش مضمحل وباطل شده وکسانی که آنهارا میدانستند ازمیـان رفته‌اند ـ وآن ۱ـ حمیری ۲ـ یونانی ۳ـ قبطی ٤ـ بربری ٥ـ اندلسی است سه نوع خط آنـها در کشورهای خود استعمالش باقی است وکسی دربلاداسلام نیست کـه آنهارا بدانـد وآن ۱ـ رومی ۲ـ هندی ۳ـ چینی است .

وچهارنوع خط‌آن دردست است که درکشور های اسلامی « درقرن٤ » مستعمل میباشد وآن عربی ـ فارسی ـ سریانی ـ عبرانی است .

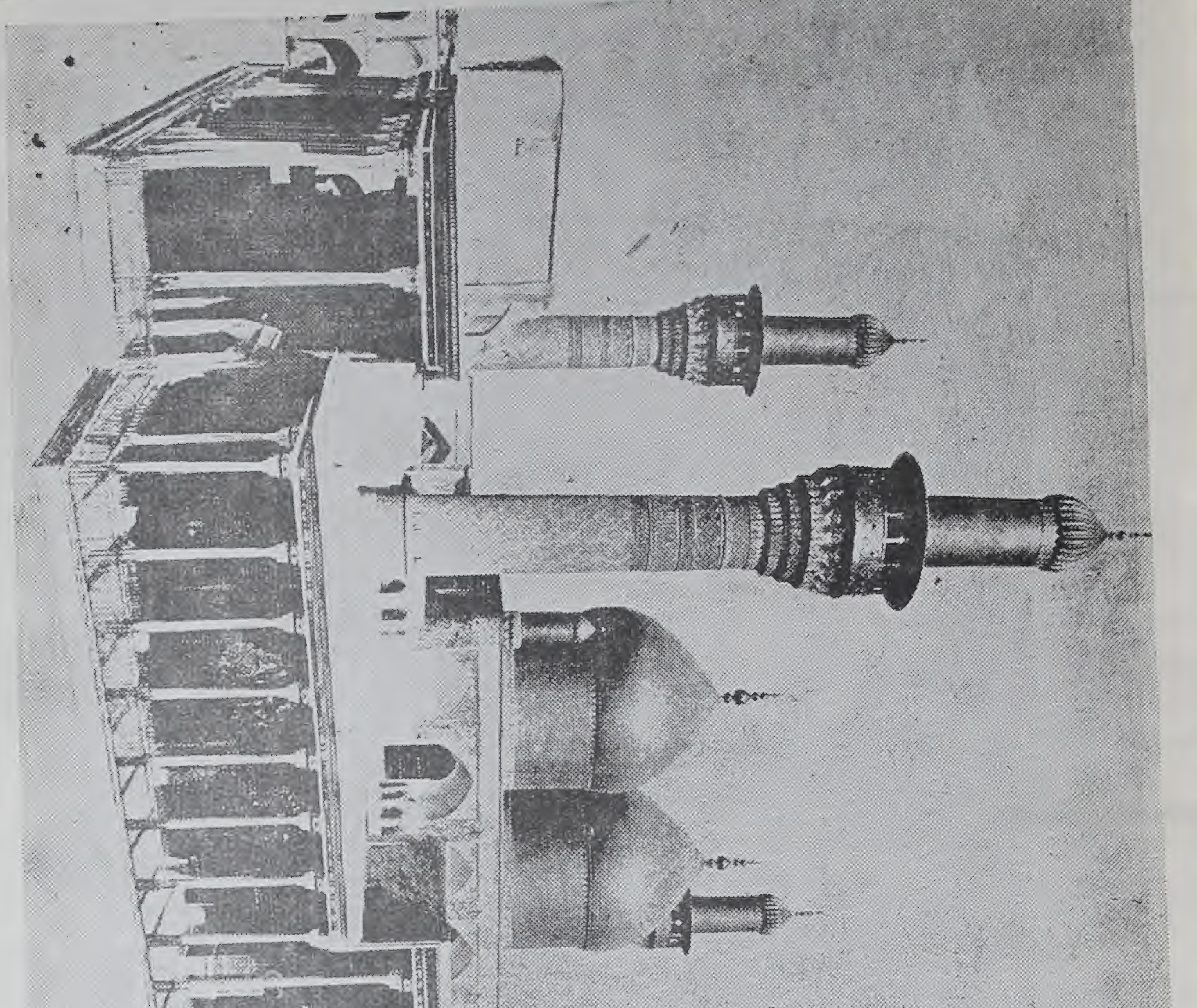
اما کتابت عربی یکنوع دارد ودرآن نظامی است که فقط قلمـای‌آن درحال‌تجوید وتعلیق‌تغییر میکنند ولی کتابت فارسی متنوع است و دارای هفت‌فن است (۱) کـه محمدموبد معروف بابوجعفر متوکلی ۲۵۰ هجری ذکر کرده است که درجزوه ۲ ایران کوده ازآن نقل کرده ص ۲٤

۱ـدرکتاب‌خط وفرهنك انجمن ایرانویج‌ایران کوده جزوه۸صفحه مینویسد ایرانیان هفت‌خط داشته‌اند که یکی ازآنها خط «ویسپدبیره» کلی وجامع همه خطوط بوده است بااین خط زبان‌رومی وقبطی ـ بربری ـ هندی ـ چینی ـ ترکی ـ نبطی ـ عربی وهراشاره وهرصدائی حتی صدای شرشر آب را مینوشته .

مسعودی این خط را ۱۶۰ حرف وابن ندیم ۳۶۵ حرف نوشته است .

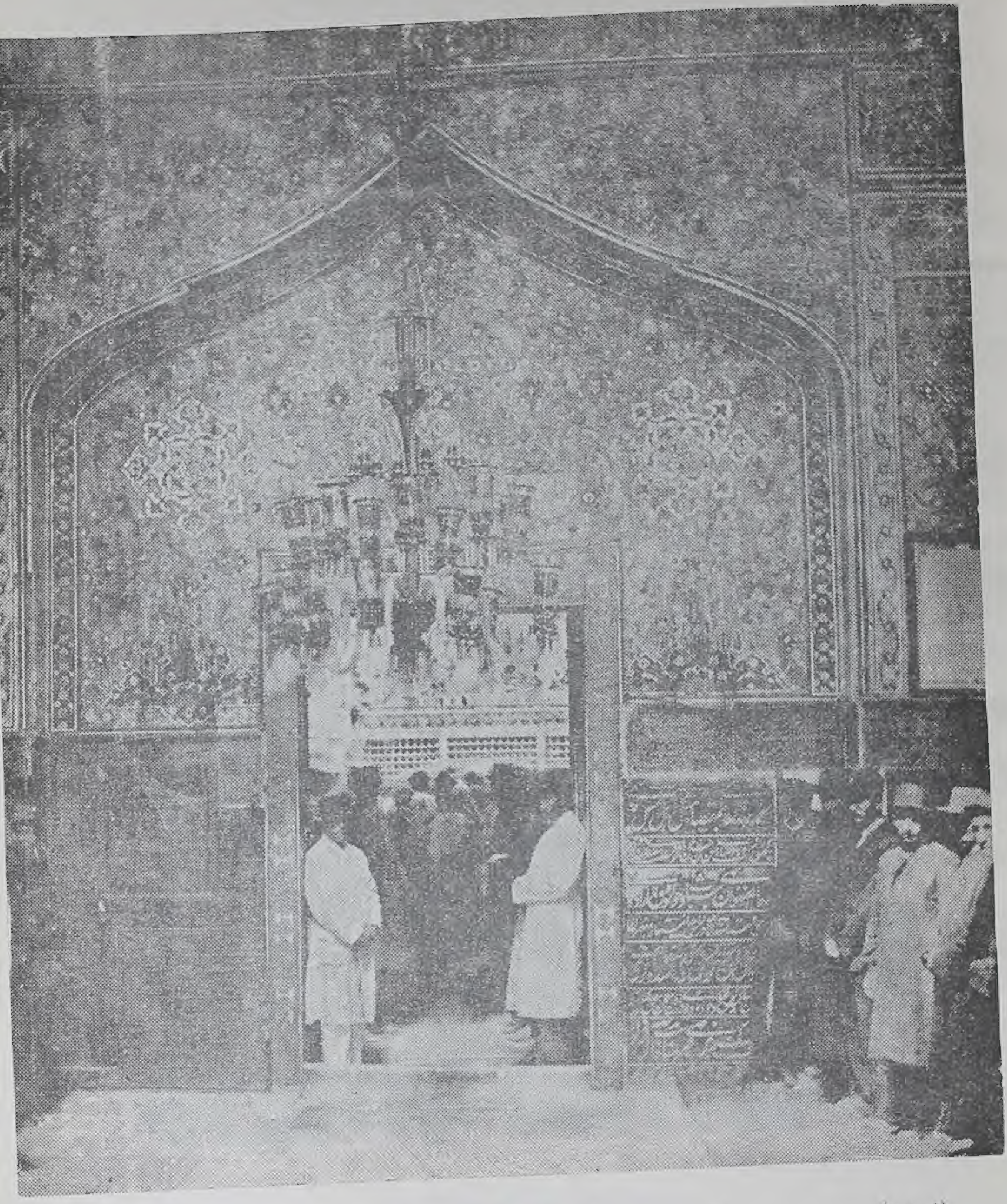
وانجمن ایران‌کوده معتقد است که تمام خطوط‌جهان بشریت‌کنونی ازاین حروف ساخته‌شده است . صفحه ۶۸ ج ۲ ایران‌کوده

۲ـ ابن‌ندیم هم درفهرست ازقول ابن مقفع نوشته که فـارسیان هفت‌نوع‌کتاب داشته‌اند خطاو خطاطان المنجدانواع خطوط عربی‌رانقل کرده است .

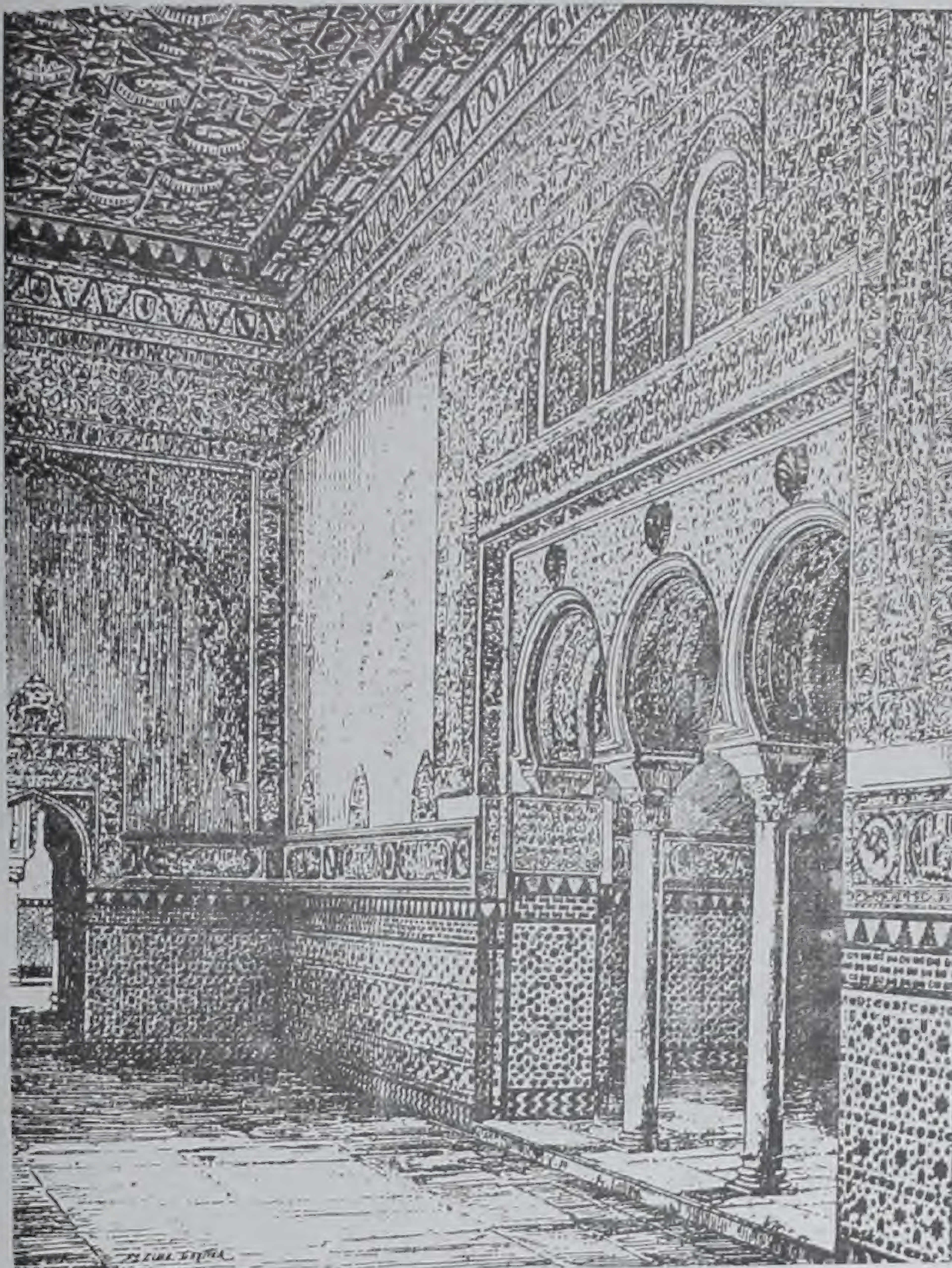




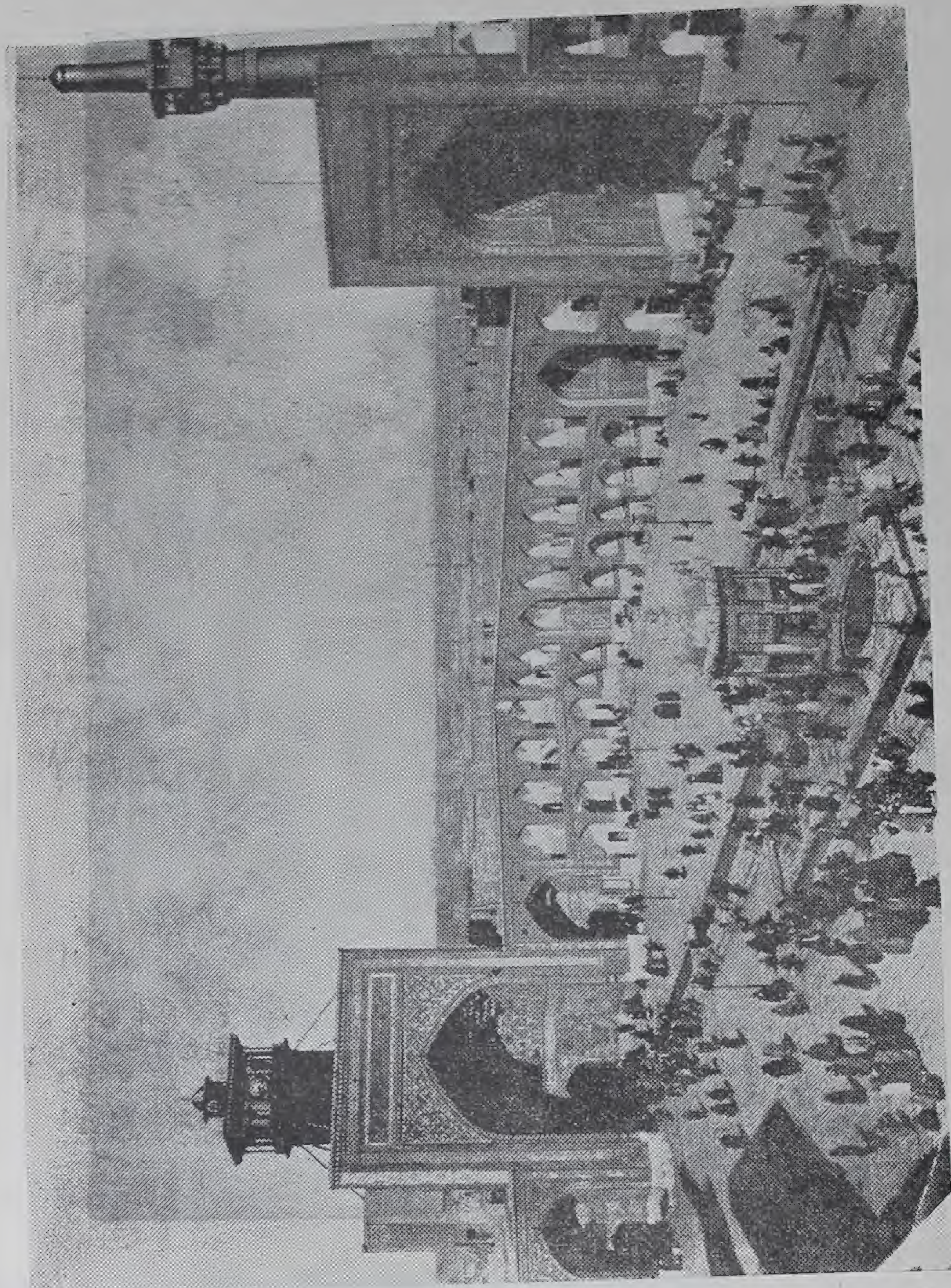
(ش ۲۳) شهر [illegible] قم دانشگاه روحانی عالم تشیع



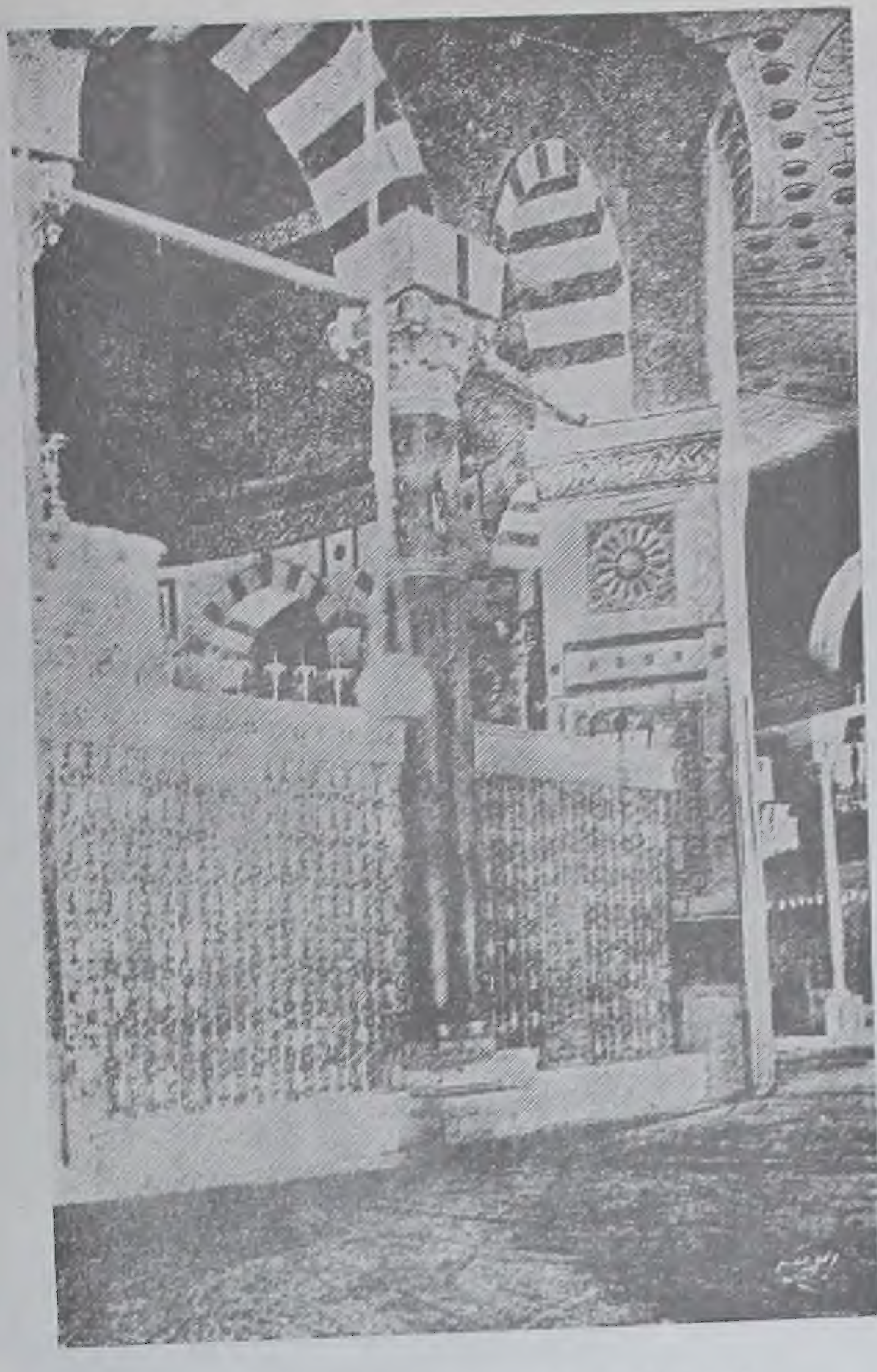
(ش ٥٤) مشهد ضریح مقدس ورواق امام رضاع خراسان



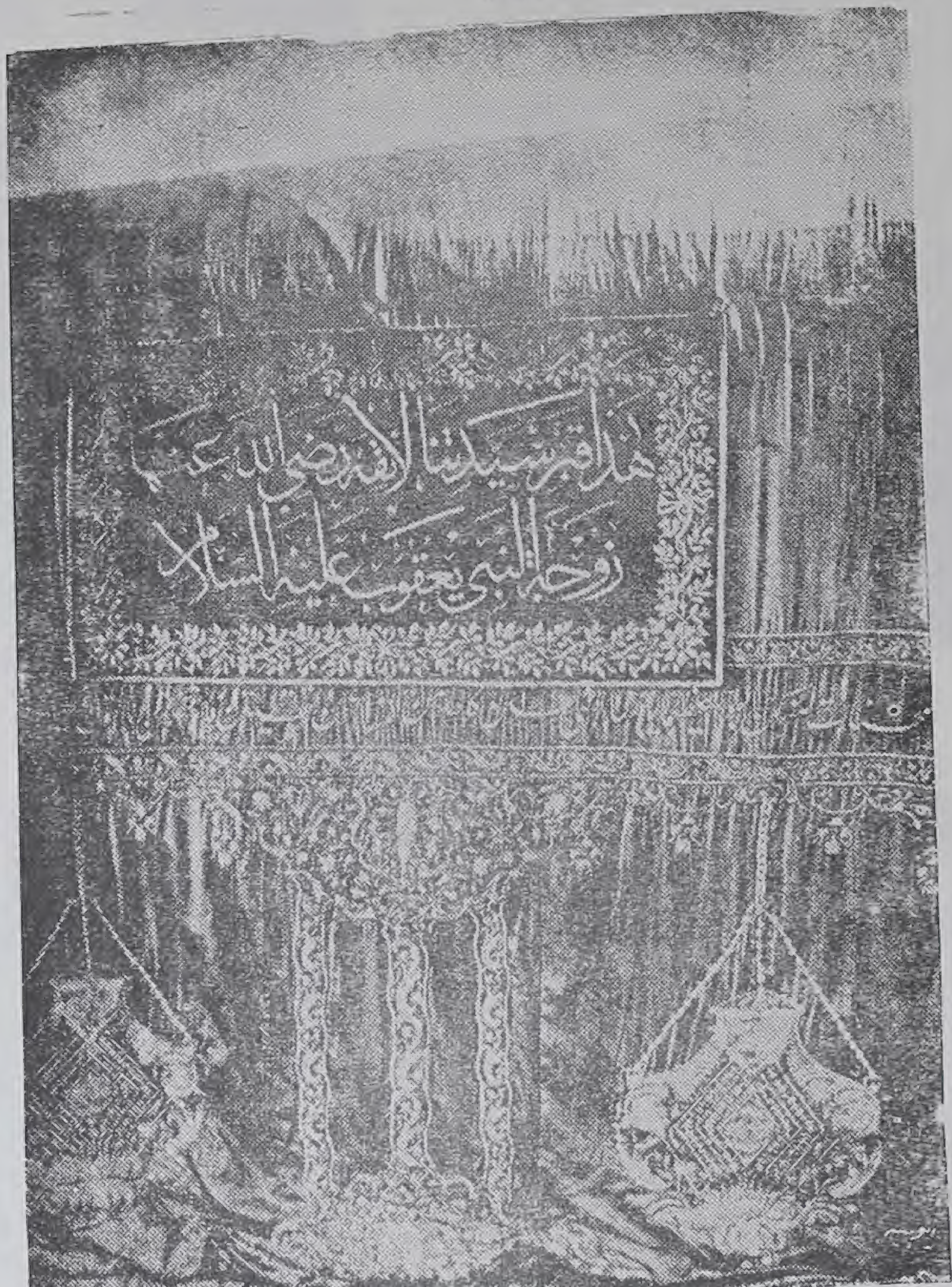
(ش ۵۴) مسجد خلفای سلاطین مرور الدهر مغرب



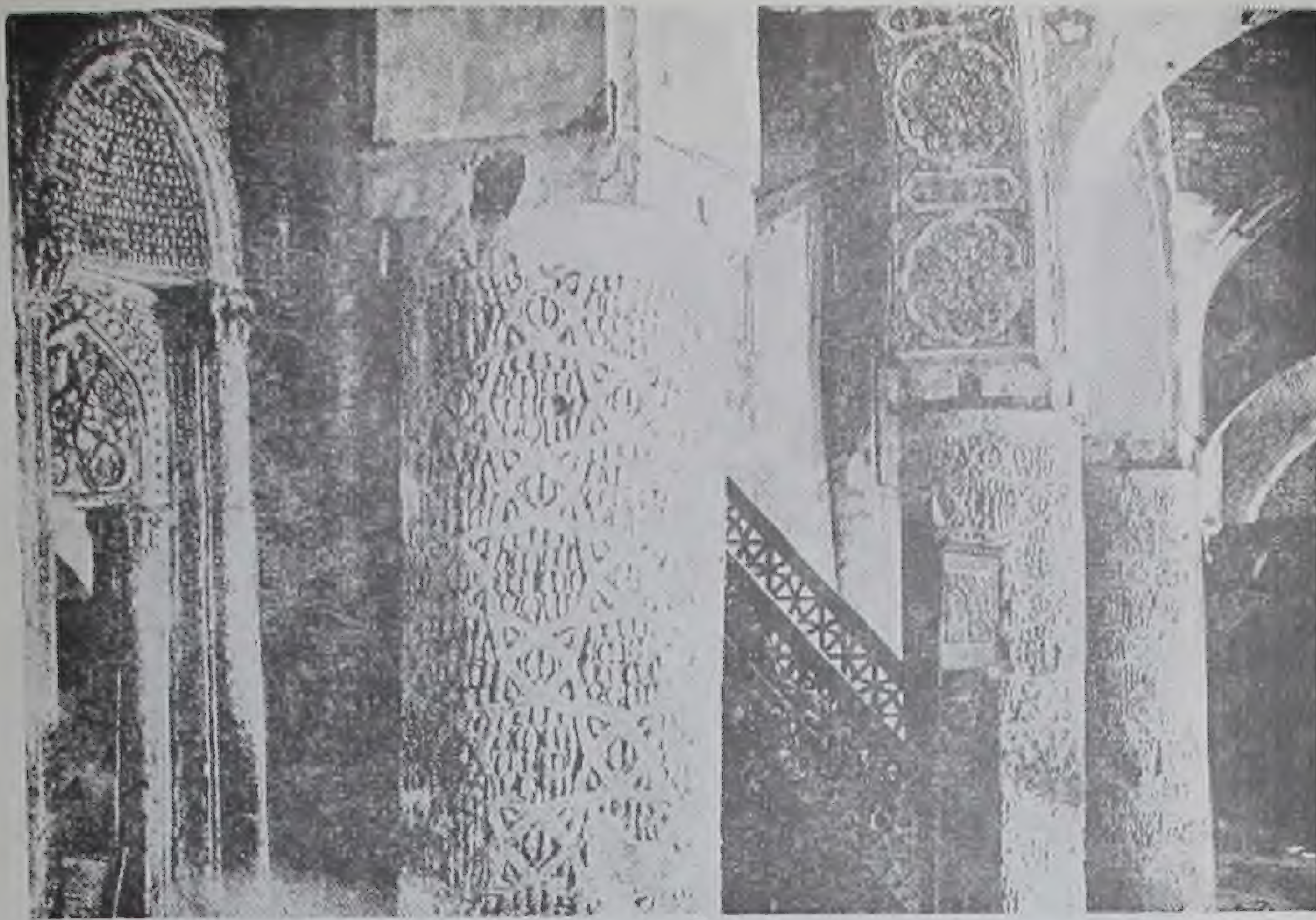
(ش٥٦) صحن قديم مشهد وسقاخانه طلا



(ش۵۷) قسمتی ازمسجداقصی دومین مسجد عمومی جهان



(ش٥٨) مزار آتقه زن حضرت یعقوب دراردن



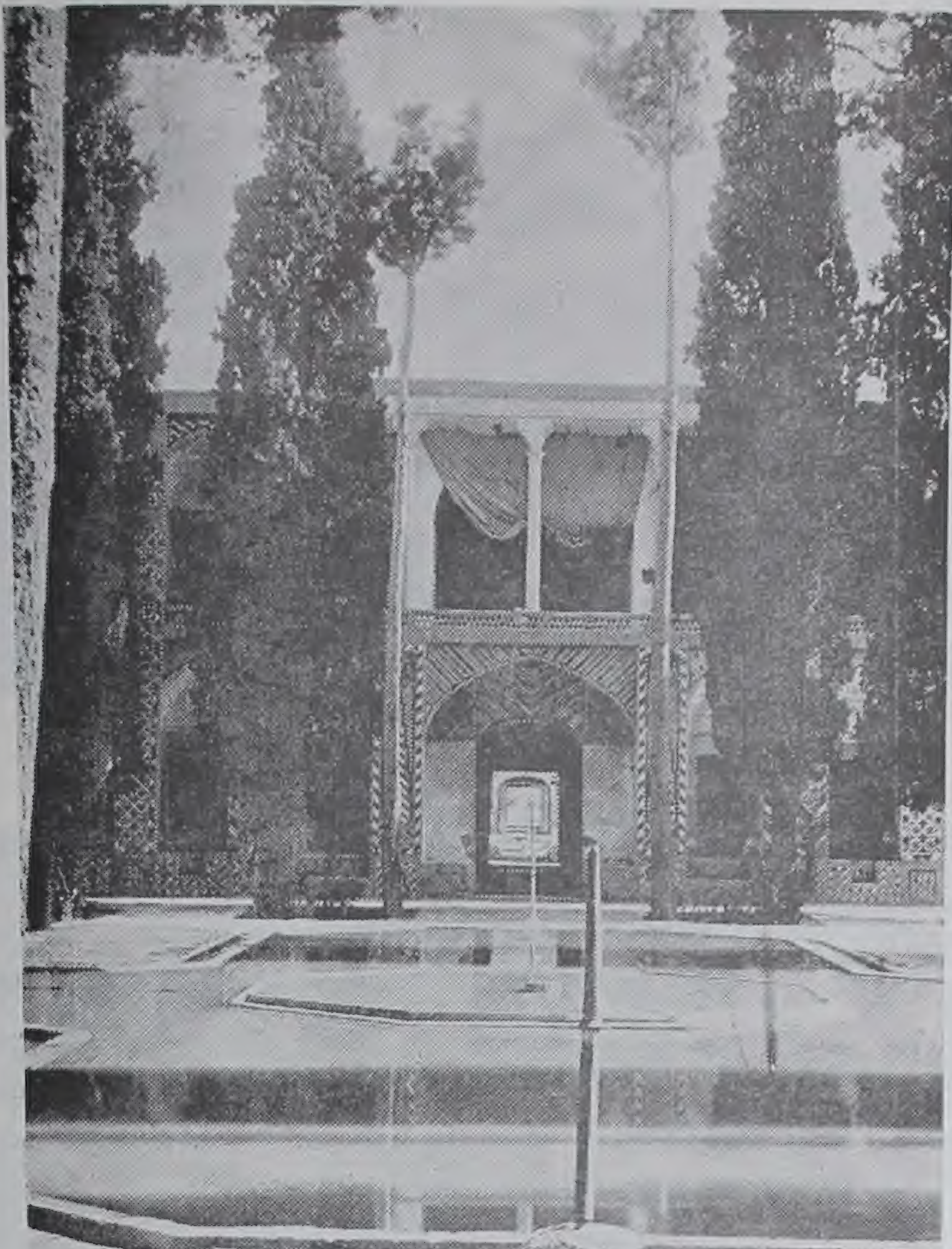
(ش۵۹) مسجد نائین



(ش۶۰) همدان مسجدعلویان



(ش ٦١) مزار ساره زن حضرت ابراهیم خلیل دراردن

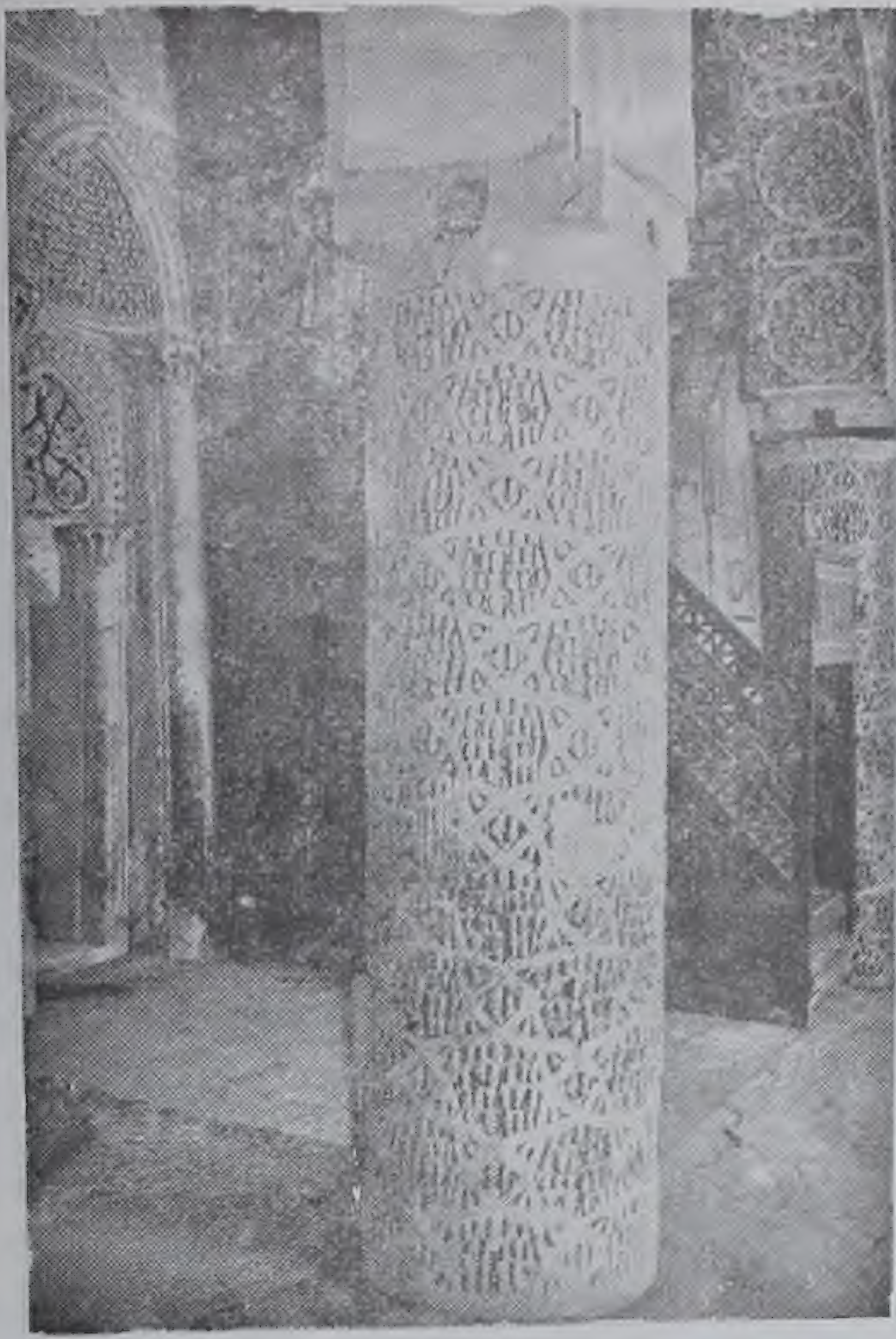


(ش ۶۲) مسجد ماهان

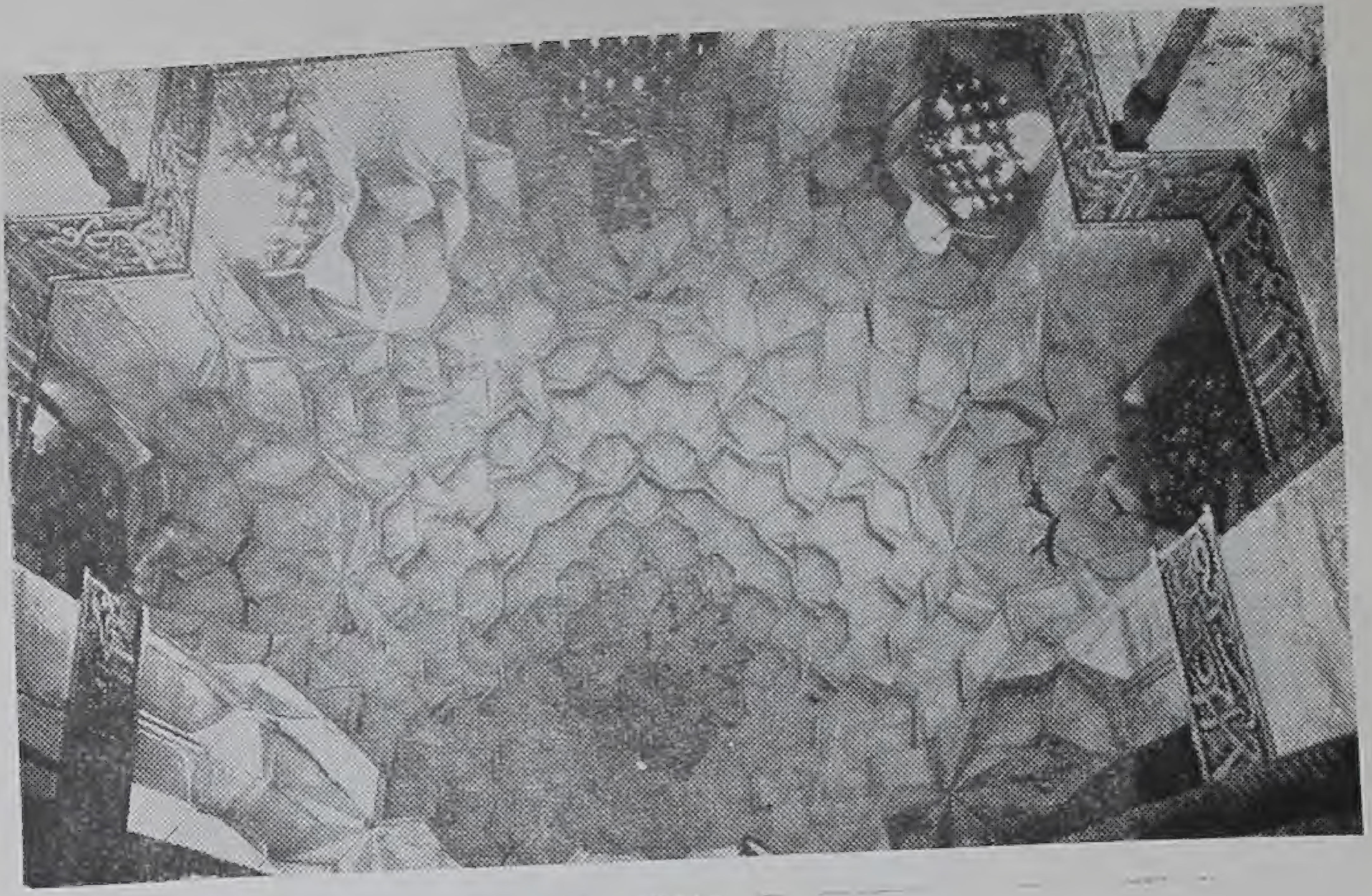


(ش ۶۳)

مزار مقدس پیغمبر در اردن

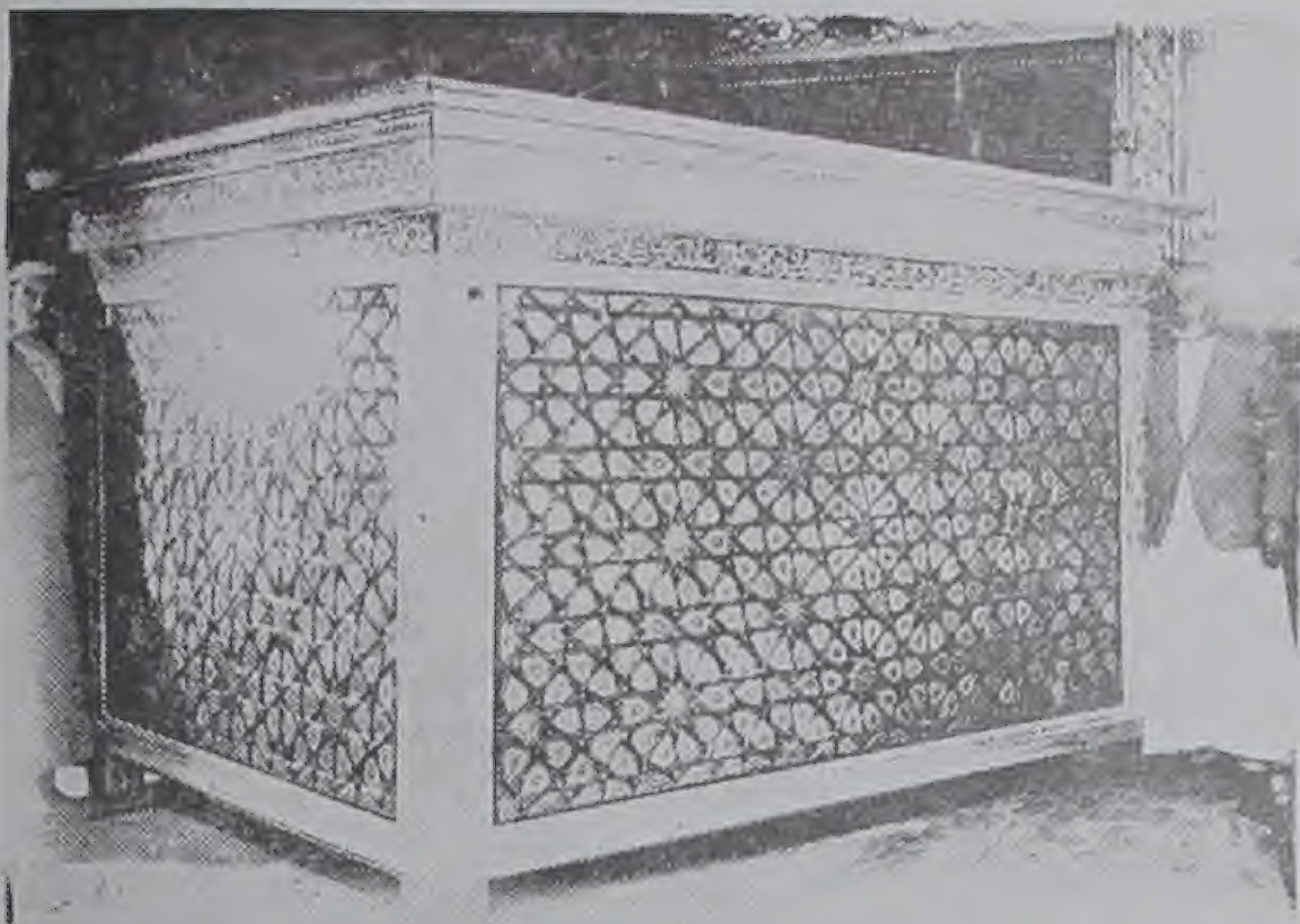


(ش ٦٤) مسجد جامع نائين

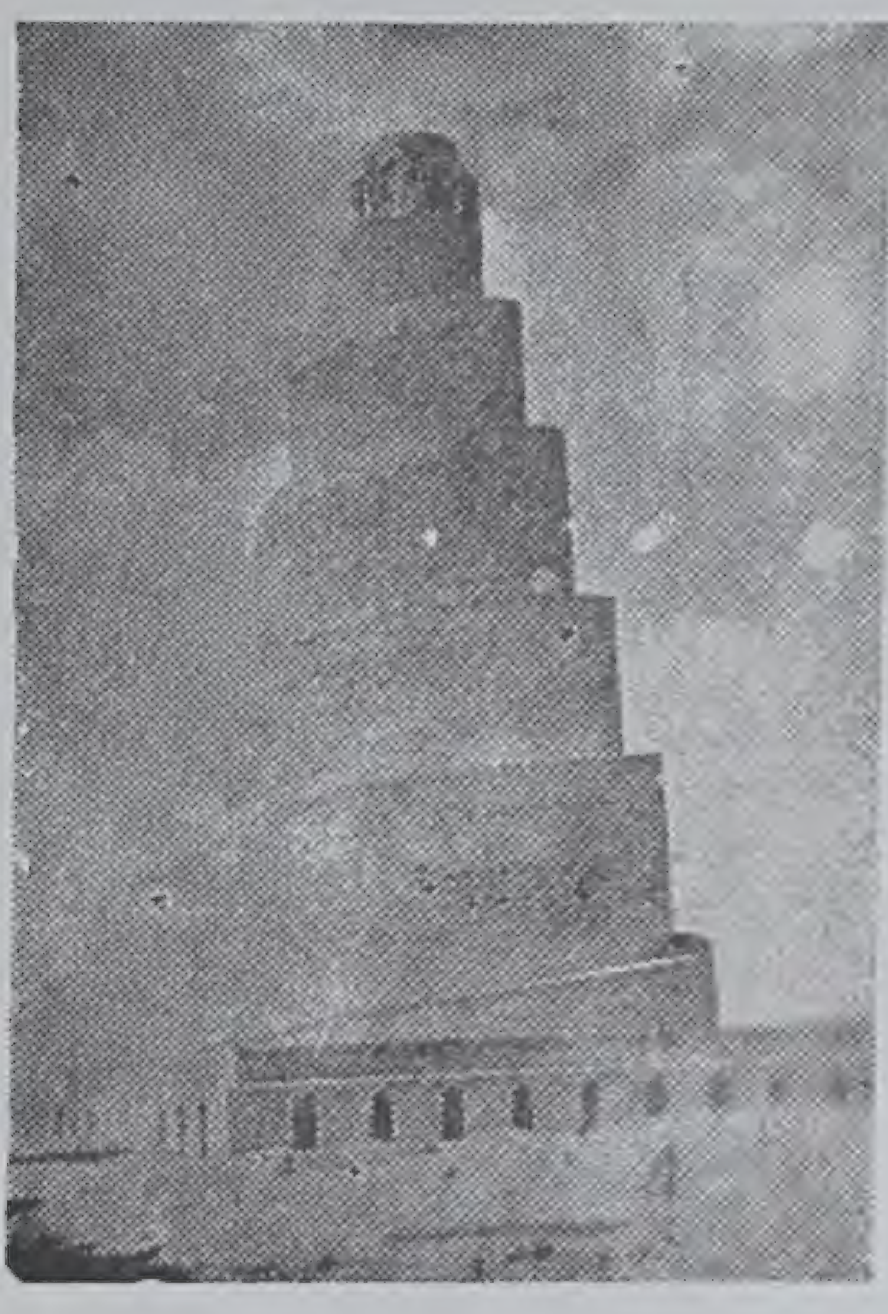




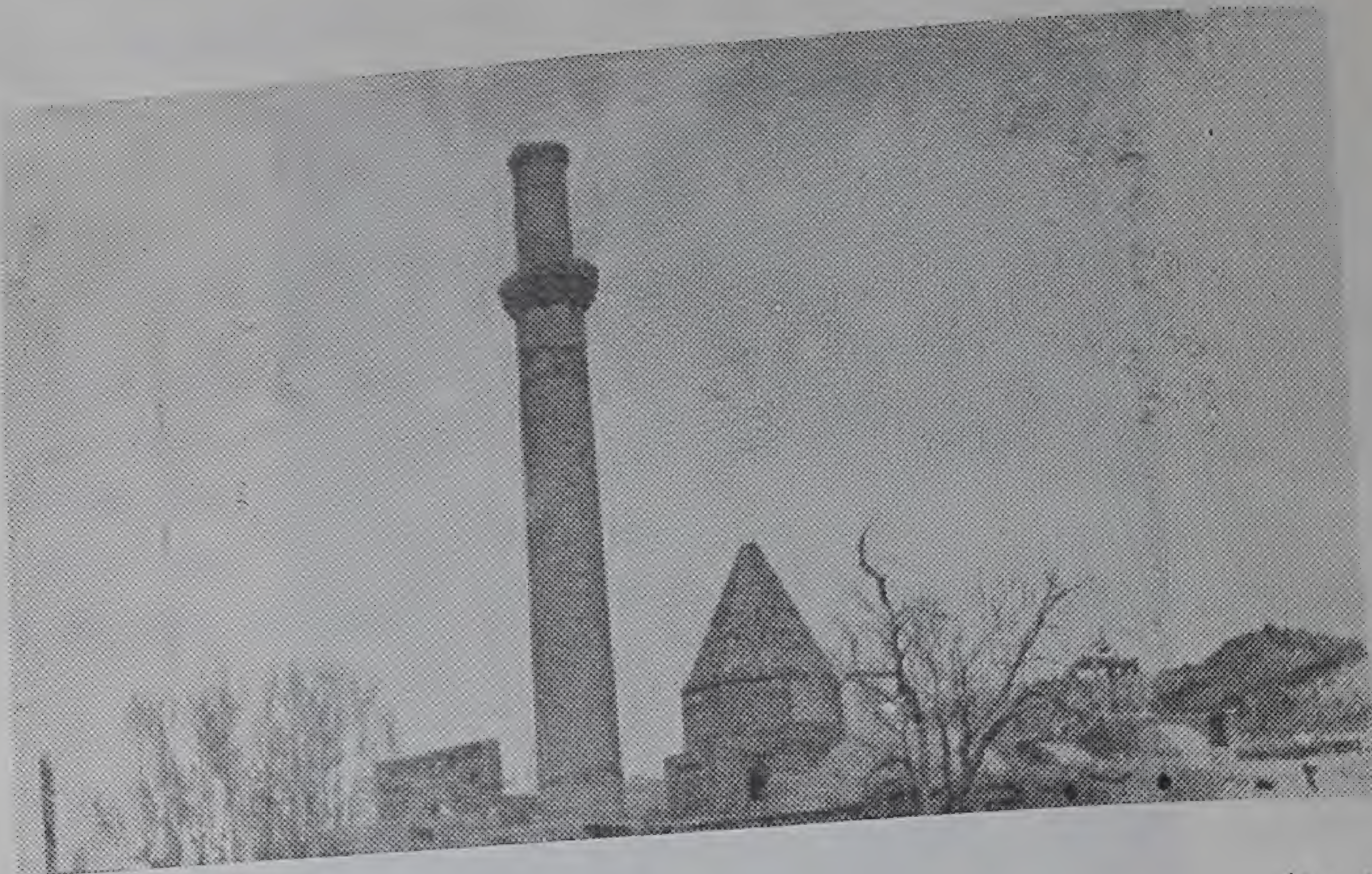
(ش ٦٥) مسجد جامع اردستان ومسجد شیخ عبدالصمد نطنز از آثار قرن



(ش۶۶) صندوق ضریح حضرت ابوالفضل العباس ع



(ش۶۷) برموج کل‌عباس درسامرا



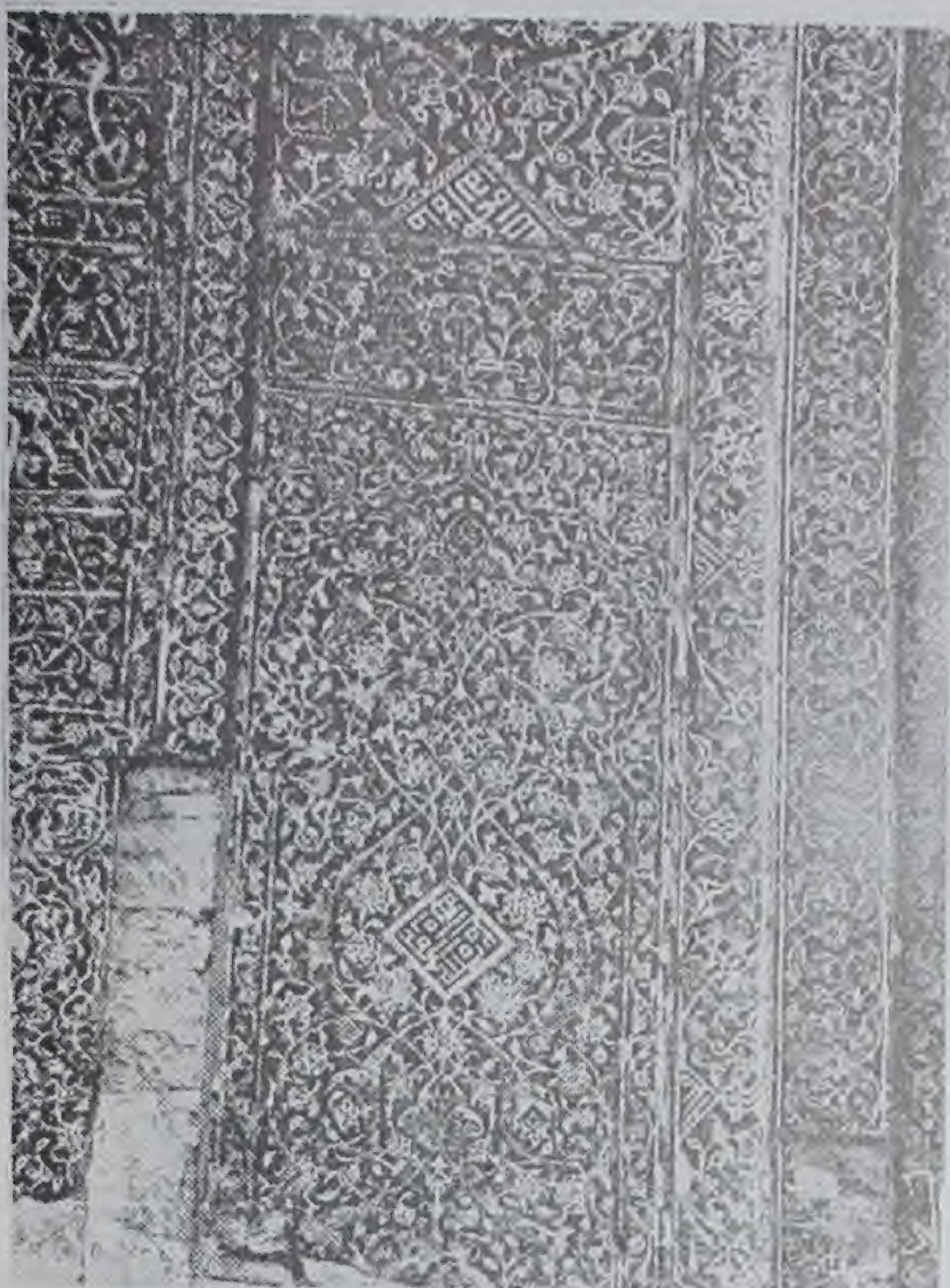
(ش٦٨)

مسجدجامع نطنز

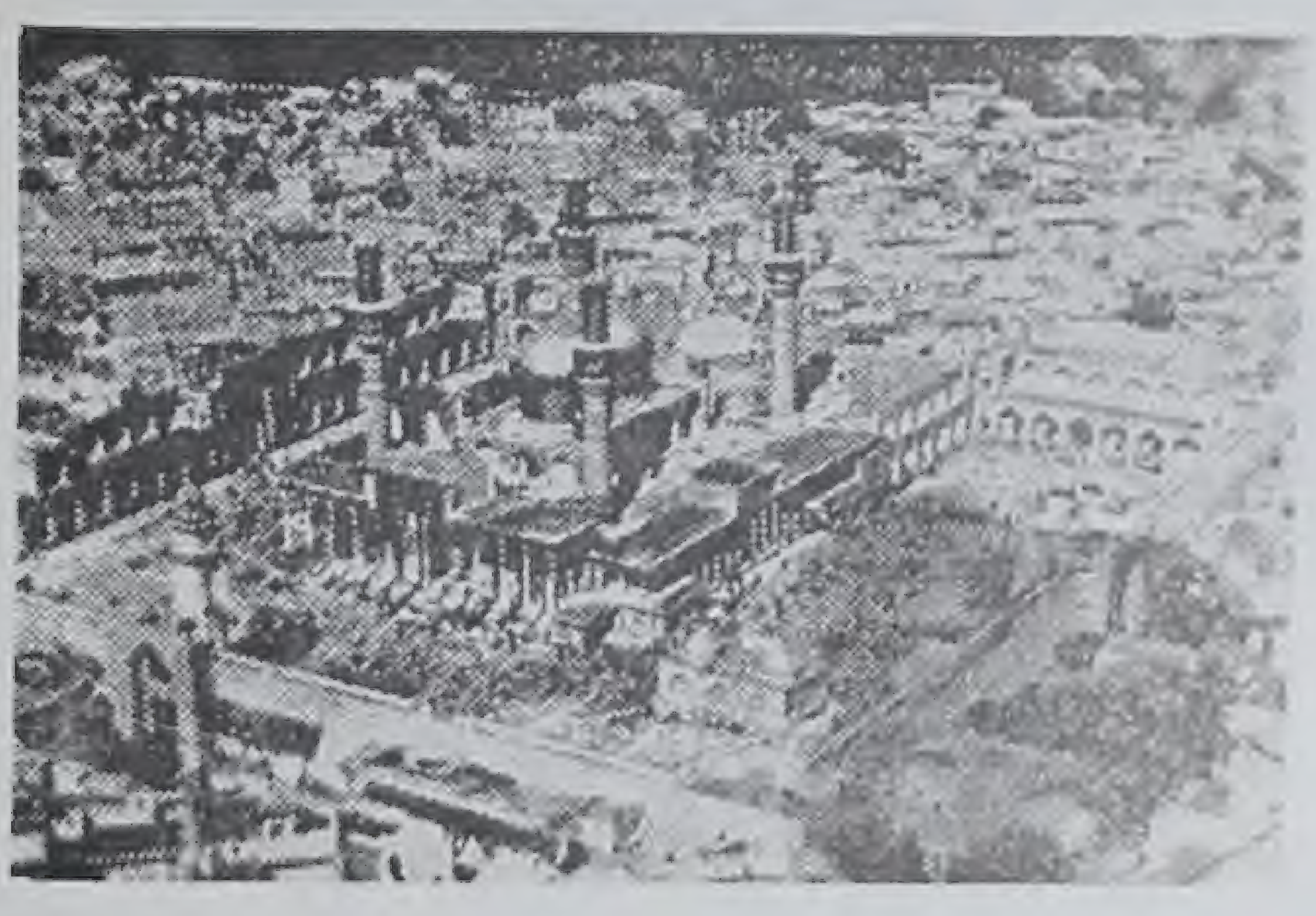


(ش٦٩)

نجف



داخل مسجد کبود تبریز (ش ۷۰)



دورنمای کاظمین (ش ۷۱)

نفوذ لغت عرب

انا انزلناه قرآناً عربیا
لعلکم تعقلون
سوره قصص

یکی ازعوامل موثرپیشرفت دین اسلام لغت عرب و کتاب آسمانی است که بلغت عرب نازل شده ویکقسمت اعظم از کشورهای آسیا وافریقا بلغت عرب سخن میگویند ووحدت عربی درنفوذدین اسلام عامل بسیار موثر بود .

چون آفتاب اسلام تابیدن گرفت وبلغت عرب آیات قرآن نازل شد برای نشرزبان ولغت عرب وآیات قرآن زحمتی نبود زیرا چندین کشور عربی که همه مجاوریکدیگر بودند باکمال سهولت قرآن را استقبال کرده ومعانی دقیقه والطاف رقیقه واحکام رفیعه آنرا میفهمیدنـد ودرك میکردند و نیازمند باستادمعلم وطول زمان فراگرفتن لغت نبودند ولذا چون آیات قرآن با بلاغت و فصاحت مخصوصی خود نازل میشد همه عرب آنرا اعجازشناختند وگفته‌های منظوم و منثور خود را که بنام فصیحترین ودقیقترین آثار بدیوار کعبه آویخته بودند شبانه برداشتند ورفتند .

باری لغت عرب درانتشاردین اسلام باوحدت ملی عربی اثر عمیقی داشت که درهیچیك ازملل دیگر نظیرنداشته است درهیچ ملتی لغت خاصی ونوع خاصی ازآداب لغوی ونحوه کتابت وانشاء مانند دین اسلام وعرب نبود. چون قرآن نازلشد لغت عربی وخط عربی مانند برق ازشبه جزیره عربستان باطراف پرتوافکن شد .

چون تمام عرب اسلام رافرا گرفتند وآنها فاتح اسلام بودند لغت وخط عربی در سایـه نشر قرآن بجهانیان تعلیم شد واکثرملل غیرعرب مانند رومی وایرانی وترکی وبربری افریقائی - آسیائی هندی واروپائی بزبان عرب تالیف وتصنیف خودرا باقی گذاشته وگاهی تفوق براسانید خود جستند چنانچه بسیاری ازایرانیان فارسی زبان درلغت عرب برتری یافته ودرادبیات زبان تازی برعرب تقدم پیدا کردند وکتب نفیسی بزبان عربی باقی گذاشته و میتوان بامدارك مثبتهٔ که دردست است گفت در اینکار تقدم وتفوق علوم وفنون اسلامی بزبان عربی-ایرانیان وشیعه رشته اینکار را دردست داشته ودر کتب فجرالاسلام و ضحی‌الاسلام وعصرالمأمون والشیعه والفنون‌الاسلامی ودر کتاب **الذریعة الی تصانیف‌الشیعه** و کتب فهرست میبینم که اینکاردست شیعه بوده است وایرانیان وموالی سهم بزرگی دراین اینکار داشته‌اند .

عربی زبان دینی ملت اسلام است وهرفرد ازافراد میهن بااین زبان سروکار الزامی دارند زیرا کتاب آسمانی واحادیث نبوی واخبار وتفاسیر و رده از ائمه هدی علیهم‌صلوات‌الله اجمعین همه بزبان عربی است - گذشته ازآن‌انجام قسمتی از کالیف دینی بدون عربیت صورت نمیپذیرد بنابراین‌هرفرد مسلمان که میخواهد وظایف دینی رابطورصحیح وبااطمینان قلب‌انجام دهدباید خواه وناخواه بتعلم زبان عربی تن دردهد واطلاع بقواعد آن باندازه ضرورت دینی پیدا کند تابتواند تکالیف واجبه را چنانکه شارع مقدس مقرره فرموده است بجابیاورد وحضرت‌صادق ع درحدیثی میفرماید.

تعلموا العربیه فانها کلام‌الله الذی یکلم به خلقه صفحه ۶۶ ج ۱ بحار

درقرآن هم‌میفرماید **انا انزلناه قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون**

ازهمه این مطالب گذشته لغت عرب دروسعت وکمال وتمامی فصاحت وبلاغت درصدر درجه‌اول لغات زنده عالم قراردارد وباینجهت علما ودانشمندان ملل متمدنه عالم درهرعصری ازاعصار گذشته

اهمیت لغات عرب را دریافته وازلحاظ قواعد واستحکام اصول لغوی اول لغت دنیاشناخته‌اند و دراین باب گفته شد :

بقدر لغـات المرء یکثر نفعه و تلك له عند الشدائد اعوان

فبادر الی حفظ اللغات مسارعاً فکل لسان فی الحقیقة انسان

واضافه باید کرد که قسمتی‌مهم ازمفاخرملی وآثارتاریخی کشور ایران واکثرممـالك اسلامی بلغت عرب است بلکه آثارتالیفی‌عربی وآثار کتب عربی جهان از لحاظ کیفیت قابل مقایسه باکتب سایرلغات جهان نیست وآنچه هم که دیگران دارند می‌بینم ترجمه از قرآن و احادیث و کتب لغت عرب است از این جهت مسلمان حاجت دارد بزبان عرب و باید مظاهر تکامل و رشد عقلی و مآثر نفیسه ملی اسلامی خودرا حفظ کند .

اسلام دینی است که لغتش‌وقرآنش ونمازش وحدیثش وقبله‌اش عربی است وصفات فاضله بشری درعرب تجلی دارد. وبهمین جهت فرموده قرآنرا بلغت عرب فرستادیم که مردم خوب بفهمند وتعقل وتفکر کردند والفاظ رسارا بامعانی بلند آن تطبیق نمایند ودرك کنند.

الفورد گیوم مدیردانشگاه گولهام میگوید چون مسلمانان ازعربستان که‌مسقط‌الراس اسلام است طلوع کردند وزبان عربی سبب قابلیت تصریف وتغییر و انتظامیکه دراسماء وافعال دارد برتمام زبانهای اروپائی رجحان دارد اعراب‌کاملا باهمیت زبان وعظمت وسعت لغت خودآگاه بودند قواعد صرف ونحو آنرا ازقدیم میآموخته و همیشه میل داشتند صحیح تلفظ کنند و بهمین جهات قرآن که بزبان عربی‌بود ومیدان وسیعی درلغت داشت دردنیا بسرعت نفوذ کـرد ومورد قبول تمام اعراب و تازی‌زبانان قرارگرفت بعدهم عجم که درلغـات عرب مشترك المعانی بودند آنرا استقبال کردند و ازخوشبختی آنها این است که علوم وصنایع هم باین زبان وبوسیله عرب زبـانان نشریافته است و ایرانیان وعجم یعنی غیرعرب هم‌آثارعلمی وتالیفات خودرا درلغت عربی تالیف ونشردادند.

زبان‌عربی و اهمیت آن

اکثر مستشرقین عقیده دکتر گوستا ولوبون را تایید میکنند که میگوید:

زبان عربی جزء السنه سامی‌محسوب وشباهت تامی بزبان عبری دارد ـ حروف چندی دراین زبان موجود است که صداهای آنها درالسنهٔ اروپا یافت نمیشود وازاین جهت تلفظ آن برای اجانب خیلی مشکل است .

از اشعار عرب پیدامیشود که تکامل زبان عربی یکقرن قبل‌ازاسلام بآخرین درجه کمال رسید وزبان شخص پیغمبر وقبیله‌اش خالص وفصیح‌بود وهمین زبان فصیح وشیرین بواسطه اشاعه قرآن‌درتمام جهان منتشروزبان عمومی مسلمین گردیده است .

اساساً زبان عربی ازجمله‌السنه‌ایست که اجزاء آن نهایت درجه باهم متحده و خالص میباشد ولی درتکلم‌وتلفظ اختلافی‌بین‌مردم‌وقبـایل دیده میشودمثل تکلم‌جزیرةالعرب ـ شام ـ مصرـ الجزائر باهم فرقی دارند ولی خیلی محدود که همه زبان یکدیگررا بخوبی میتوانندبفهمند .

بورکهارد ازکسانی است که بیش‌ازهمه‌کس از مستشرقین دراین فن مطالعه کرده میگوید زبان عربی که از موگادر تا مسقط محاورات یکدیگر را خوب میتوانند بفهمند.

اززمان پیغمبر اسلام (ص) تـاکنون چندان فرقی درزبان عربی پیدا نشده لیکن در رسم‌الخط آن تغییر وتبدیلی رخ داده است

درابتدای طلوع اسلام خط کوفی معمول بود واین خط چون در کوفه اختراع شده بود کوفی میگفتند واعراب نداشت درقرن دوم هجری آنرا تغییردادند واعراب داخل آن کردند ودراغلب کتیبه‌های مساجد ومدارس اسلامی آثاراین خط هویدا وآشکارا وباقی است.

چنانچه از کتب تاریخ وملل ونحل بدست آمده است السنه جهان بشریت تاکنون درحدود ۲۶۰۰ زبان مستعمل تشخیص داده شده که ۸۶۰ زبان آن بشرفهمیدنی نیست زیرا بدوی است وبقیه السنه محلی است بدینصورت:

درارو‌پا ۴۸ زبان
آسیا ۱۵۳ »
افریقا ۱۱۸ »
آمریکا ۴۲۴ »
اقیانوسیه ۱۱۷ زبان

که زبان عرب ۱/۱۲ السنه جهان ودرقواعد وشیرینی ووسعت لغت واشتراك معانی ولطافت و حذابیت برتمام السنه دنیا فوق وتقدم داشته ودارد وبهمین‌لحاظ مورد استفاده سیاسی هم قرار گرفته که ازپشت پیکروفتنها دنیای مسیحیت هم این لغت را کنده میگردد درحالیکه هیچ لغتی باین لطف وعذوبت نیست واین سابقه را ندارد.

نشر زبان عربی

زبان عربی بانشراسلام منتشرشد. موفقیتی که برای مسلمین درمذهب حاصل‌شد دراشاعت زبان نیزهمان‌موفقیت دست داد ــ هرملتی‌خواست درقومی رخنه کند باید اقلا یکقرن یایك نسل تعلیمی زبان‌ولغت خودرا قبلا درمیان آن قوم بفرستد وتاکنون هیچ فاتح وکشورگشائی نتوانسته است زبان خودرا درقوم مغلوب منتشرسازد. مگراسلام تنها اسلام بود که توانسته کاملاکامیابی حاصل نماید ودرتمام اقوام مغلوبه همانطورکه مذهب اسلام را قبول نمودند زبان عربی‌را هم زبان معمول خود قراردادند و درممالك اسلامی تا اینمدرجه زبان عربی توسعه پیدا نمودکه تمام السنه قدیمه را ازقبیل سریانی ــ یونانی ــ قبطی ــ بربری از میان برد وخودبجای آنها قرارگرفت وحتی درایرانهم تامدتی عربی زبان رسمی کشورشد وایرانیان در زبان عرب تالیفات خودرا مینوشتند ودرادب وادبیات وفنون‌وعلوم‌ازعرب هم جلوافتادند وتمام کتب مذهبی ایرانیان هنوز عربی است.

ترکهاهم‌ممالك اسلامی رابتصرف آوردندتحت‌همین‌تاثیر فته زبان وخط عربی رااختیار کردند چنانچه اکنون درتمام نقاط ترکیه اشخاص بیسواد هم قران رابآسانی میتوانند بخوانند

این نفوذ درچین وژاپن هم اثربخشیده وبا آن لغات وزبان‌سخت چینی وژاپنی قرآن رابعربی تلفظ میکنند واین اثرقرآن است که بمردم دنیا بخشیده شده وبالاخره یکقسمت اعظم از سرزمین آسیا زبان عربی‌همان نفوذ رادارد که دراروپا درقرون وسطی زبان لاتینی نفوذ داشته است ــ و گویا این لغت باروح مردم آشنائی دیرین دارد وبافطرت بشرمنطبق است.

مسلمین ازقرن دوم که دریای متوسط رامتصرف شدند ودرکشتیرانی وانتظامات نیروی‌دریائی تسلط یافتند لغاتی بجاگذاشته که تاکنون همان لغات تلفظ میشود ودرآمیزش باملل مختلف زبان عرب را درتمام شئون زندگی اجتماعی دریائی وصحرائی بدوی و مدنی بآنها آموختند ویکی از

۱ــ تاریخ تمدن گوستاولوبون

نویسندگان لغت عرب ابن‌سعداست که درسال ۱۰۶۵ اوایل قرن چهارم هجری وفات کرده کتاب لغتی بنام فرهنگ درزبان عربی نوشته دربیست‌جلد بوده است (۱) و مادر کتاب فرهنگ رجال اسلام اسامی نویسندگان کتب لغت عرب را نام برده‌ایم و با توجه بکتب لغت عرب بتنهائی که زبان قرآن است بالغات سایرملل و مذاهب زنده جهان بیشك وتردید هرخردمند منصف و واقف بلغات والسنه اعتراف میکند که اسلام درلغت وسیعترین السنه جهان است ودانشگاههای مجهز هزار ساله اسلام مانند **الازهر** مهیای ترجمه کتب جدیددنیا بزبان عربی هستند و کمتر کتابی است که در عالم نوشته شود و کمترازدوماه فاصله بزبان عربی منتشر نگردد وبااین وضع کنونی باید گفت همه لغات مشترك مللدنیا درعرب موجود است ومامعتقدیم که یکروز خواهدآمد که زبان تمام بشرزبان عربی قرآنی باشند وبیك لغت تکلم کنند وبایك ادب اسلام سیرتکامل نمایند ـ چنانچه اخبارظهور قائم‌آل‌محمد ص شاهد این حقیقت است .

خط عربی مادرخطوط مشرق زمین است

خطوط عربی درابتدا بدوقسمت منقسم بود خطیکه مشهور بخط کوفی است که قسمت شرقی خطوطعربی‌بود وازخط(سیریاك) سریانی‌زائیده ومنقبس گردیده‌این‌خط‌تا اوایل‌قرن‌دوم‌هجری‌مستعمل بود بواسطه کثرت صعوبت درنوشتن ومشگلات اودوامی پیدانکرد وخط نسخ جای اورابگرفت اما خط نسخ عبارت است ازقسمت غربی خط عربی بود که اصلا درروی خط نبطی اقتباس وازخط کوفی استخراج شد وبمرورتکمیل گردید تاباوج ترقی وتکامل رسید .

وجه تسمیه کوفی

حیره یکی ازشهرهای معتبر (بین‌النهرین) بود ودرقرن چهاروپنج‌میلادی آبادان ومعموربود ـ پادشاهانش ازطرف سلاطین ساسانی نصب وعزل میشدند ـ این حیره بعد نامش بکوفه مبدل گشت و جمعی ازفضلای عرب بتکمیل خط کوفی که ازخط سیریاك اقتباس شده بودپرداخته وآنرا تحت‌قواعد و ضوابط صحیح درآوردند(۲)

وچون بتدریج از کوفه (جزیرةالعرب) مکه ومدینه مسافرت کرد مشهوربخط کوفی شد و اول کسی که این‌خط رادرجزیرةالعرب انتشارداد «**حرب‌ابن امیه‌بن‌عبدشمس** بود که برای‌فراگرفتن این‌خط ازمکه بحیره رفت وآنجااین خط رابیاموخت تاخود استادشد ۳ ـ این خط بتدریج درمکه رواج یافت ودراسلام معمول شد وبنقل ابن خلکان اول کسیکه در عرب بخط کوفی کتاب نوشت حرب‌بن‌امیه بود (٤) پس‌ازظهور اسلام چندنفر ازاو فراگرفتند که از آنجمله ابی‌بن‌کعب علی‌بن ابیطالب از پدرش ـ عثمان بن‌عفان ـ عمربن‌الخطاب ـ زیدبن‌ثابت بودند که عهده‌دار دیوان رسالت بودند ٥

جزیرةالعرب یعنی مکه . طایف . تهامه . نجد . مدینه بخط کوفی آشنا شدند و چون بدون

۱ـ صفحه۵۸۳ تاریخ‌تمدن گ

۲ـنامه دانشوران ناصری ج ۱

۳ـ تاریخ الاوایل والاواخر

٤ـ ابن خلکان

٥ـ صفحه ٤۸ پیدایش خط وخطاطان

اعراب واعجام بود مواجه بامشکلاتی در قرائت شدند بالاخره پس‌ازپنجاه سال از هجرت ۷۰ یا ۸۰ هجری ابوالاسودالدؤلی که ازشاگردان حضرت‌علی مرتضی بوداین خط راتکمیل کرد وبنقل‌ابن ندیم بیشتر اصلاحات‌خط کوفی قدیم مرهون خدمات‌ابوالاسود است.

صاحب کتاب‌شرح‌اللمعة(الشهید)مینویسد که‌درصدراسلام نقطه برای‌حرکات‌استعمال‌میشدوواضع او **یعقوب‌رهاوی** است .

جرجی‌زیدان صاحب آداب‌اللغة مینویسد حرکات ضمه ـ پیش ـ فتحه ـ زبر ـ کسره ـ زیر میباشد .

وقرآن که درعهد خلفای راشدین وبنی‌امیه نوشته شد مظهرتکامل است و مؤلف کتاب خط و خطاطان اسامی کسانی که دراین‌باره کتبی نوشته‌اند نقل کرده است صفحه ۷۰

واکنون‌قرآنکه‌درزمان‌عثمان وبخط‌او بودویکقطره‌ازخون‌عثمان‌درروی‌یکی‌ازصفحات‌آن‌چکیده است دریزد وهم درکتابخانه استالینگراد موجود است .

تجوید در اسلام

چون بنای ما برنوشتن انواع حروف و تجوید و اصوات‌والفباهای مسلمین نیست‌بلکه منظوراشاره بعظمت علمی مسلمین وخدمات گرانبهای آنها است بنحواشاره گفته‌ومیگذریم وعلاقمندان رابکتب مربوطه حواله میدهیم (۱)

ازچندین قرن قبل‌ازمیلادمسیح تجویددرایران وهندبود باین معنی که ادعیه وسرودهای‌مذهبی را با زمزمه یاآهنگهای مخصوص زیروبم میخواندند ـ مردم این دو کشور از پیشوایان دینی خود باعلاقه‌مندی بسیارمیآموختند زیراکه عقیده داشته اگرسخنهای مقدس باتلفظ صحیح قدیمی‌وزیبای خود ادانشود تاثیری ندارد واین‌عقیده وعادت درایران وهند بهمان روش‌دیرینه خود درکناربتکده‌ها وصحن مسجدها معمول است این علم که ازمقاطع دهان وحروف هجا ومخرج وصفات هرحرف بحث میکند علم تجوید میباشد وکتب بینظیر این علم از ۱۰ تاه قرن پیش‌از میلاد در هند نوشته شده و هماکنون باقی است(۲) کتابهای تجوید قبل‌از اسلام مانند اصل کلیله ودمنه ـ هزارافسانه ـ صدها کتاب دیگر در حمله عرب و فتنه مغول از میان رفته ولی محتویات آن بعربی و فارسی محفوظ مانده است .

نویسندگان تذکره خوش‌نویسان

۱ـ تذکره خوش‌نویسان قاضی‌احمد معاصر نسخه آن کتابخانه داعی‌الاسلام بوده است مستخدم شاه عباس صفوی که کتب تذکره شعرا ـ خلاصة‌التواریخ را در شش جلد ـ مقدمه براشعار ابراهیم شیرازی شهید و اسکندرمنشی مؤلف عالم‌آراء شاگرد و بمنزله فرزند مؤلف بود نیز ازاوست .

۲ـ خط وخطاطان که درترکی وبفارسی در کلکته ترجمه شده

۳ـ تذکرة‌الخطاطین سنگلاخ

۴ـ پیدایش خط وخطاطان

۱ـ خط وخطاطین. پیدایش خط . ایران کوده در۸ج ـ کتب تجوید که دراول اکثرقرنهاهست

۲ـ ایران کوده ج ۲

تجوید - در اسلام

مسلمین از نظر علاقه که بقرآن و آیات کلام‌الله داشته درمقام نوشتن تمام علوم وفنون حروف واعراب و اصوات و کلمات و آیات وسوروغیره بودند که در کتاب «سیرتاریخی قرآن» مفصل نگاشته‌ام در زمان حجاج دراواسط نیمه دوم قرن اول هجری درعراق اختلافات خونین میان مسلمانان درقرائت آیات قرآنی پیداشد - برای جلوگیری ازاختلافات حجاج ازکاتبهای ایرانی خود استمداد کرد در همین موقع حروف معجم کوفیکه ازخطوط قدیمی ایران اقتباس گردید - وخیلی شبیه بحروف اوستامیباشد.

از ترتیب تجوید آیات و عصریکه درآن قراء سبعه نشوونما کردند و مدارك تاریخی دیگر ظاهر است علم تجوید درحدود سال ۸۰ هجری درمیان مسلمانان رواج گرفته‌است.

وخلاصه مسلمانان ایران باسوابقی که از کتب دینی باستانی داشتند در تقسیم وتنظیم آهنگی آیات ونقل وتعریب اصطلاحات خدمت شایانی انجام دادند ودراین باره کتب بسیاری نگاشته‌اند که علامه بزرگوار آقای حاج شیخ آغابزرك تهرانی درجلد ۳ الذریعه الی تصانیف الشیعه از ص ۳۶۱ تا ص ۳۷٤ .

بیش از ۵۵ جلد کتب تجوید القرآن فرقه شیعه‌را که دراین راه تقدم و تفوق داشته‌اند نام‌برده وآن غیراز کتب‌اهل سنت‌است.

دیوان وخط کوفی

از زمان خلافت عمر تافرمانداری حجاج بن یوسف یعنی هشتاد هجری همه دفاتر دیوان محاسبات کوفه بزبان فارسی نوشته میشد واصلاحات مهم دیوانی هم‌از قبیل دیوان دفتر فرد - سیاق وقلم و غیره که تا کنون معمول است کلمات فارسی میباشد.

قدیمترین سند تاریخی راجع بترجمه دفاتر دیوان محاسبات کوفه از فارسی بعربی . **کتاب فتوح البلدان بلاذری است** واو تفصیلی درباره کشته شدن زادان فروخ رئیس دیوان محاسبات کوفه نوشته است.

درهمان صد وهشتاد هجری صالح نامی از مردان سیستان گفته است که میتواند دفتر های محاسباتی راازفارسی بعربی ترجمه کند و تازادان فروخ زنده بود این ترجمه صورت نگرفت زیرا آن‌مخالف بود پس‌از کشته شدن زادان صالح سیستانی شروع بنقل وترجمه دفاتر از فارسی بعربی کرده است - ۱

درجزو ۸ ایران کوده مینویسد

صداشناسی‌ازنظر علم صرف واشتقاق دراسلام قدرتی داشته زیرا دربسیاری از کتب نحو و صرف قدیم شرحهای مفصلی راجع بصداشناسی‌از نظر صرف و اشتقاق دیده میشود واز مشهور ترین این کتب « الکتاب سیبویه » و « شرح نظام نیشابوری » میباشد .

صداشناسی‌ازنظر تجوید عربی وفارسی بیشمار است وهمیشه تالیف این کتابها درایران بعربی وفارسی ونثر ونظم ادامه داشت.

---

۱ - بفتوای البلدان بلاذری در ص ٤۰۱ تاریخ تمدن جرجی زیدان و جزوه ۲ ایران کوده مراجعه شود ص٤٤ تاریخ‌سیستان‌ص ۸۲

در کتاب های تجوید ازعلم صداشناسی برای تلاوت قرآن استفاده شده است و در مقدمه اکثر قرآنهای خطی وچاپی مختصری ازاصول این علم راشرح داده‌اند ۱

عوامل نفوذ اسلام - عواملی در نفوذ اسلام مؤثر بود که ما باترتیب متذکر میشویم .

۱ - یکی از عوامل نشر اسلام وموادی که در نفوذ لغت عرب ودین اثر بخشید قرآن بود:

قرآن آن معجزه باقیه اسلام است که بیان تعریف آن محتاج بیك کتاب مستقلی است و ما کتابی بنام سیر تاریخی قرآن نگاشته‌ایم و بیش از چهل معجزه قرآن رادرسیره پیغمبرص بنام پیشوای اسلام نوشته‌ایم که درسال ۱۳۶۸ چاپ شد .

قرآن دارای یك معنویت خاصی وقوه روحانی است کـه آنحقیقت دست نخورده وکافی است و برای نشر لغت عرب و اسلام قوی‌ترین و نیرومندترین عوامل زنده میباشد و تنها کتاب آسمانی بدون تحریف وتغییر ازدست بشر موجود است و ۱۴ قرن از نزول آن گذشته مانند آب و آتش در جهان جای خودرا باز کرده ودر اعماق قلوب دانشمند ترین افراد بشر اثر بخشیده است .

۲ - دومین عامل نشر اسلام زبان عرب بود که بافتوحات اسلامی دوش بدوش بسرعت عجیبی پیش‌رفت و عنصر عربی بامهاجرت هائی کـه اعراب کردند لسان عرب را منتشر دادند وبافتوحات شگفت آمیزی درظرف دوقرن بجهانیان خودرا درسایه اسلام معرفی کردند، همین اعراب بودند که برای نشردین دسته‌دسته وقبیله قبیله بطرف شام و عراق مهاجرت کردند واز مراکش تااندونزی زبان عرب‌را منتشر ساختند.

این مهاجرت در قرون ممتده ادامه داشت ودوش بـدوش فتوحات درجهان پهناور عالم رخنه میکرد وپس‌از فتوحات روی معنویت وادبیات زبان عرب برای فهم قران نفوذ خود را همچنان حفظ کرده چنانچه هم‌اکنون مورد توجه خاص دانشمندان جهان است.

درفتوحات اسلامی شعوب وقبایل غیرعرب‌هم شرکت‌داشتند مانند ترك وديلم - مغول و بربر کـه آنها باآنکه عرب نبودند ولی‌ازلغت عرب فقه‌وتعالیم اسلام را فرا گرفته ولغت عرب‌را بقدر حاجت که‌از قوانین واحکام دین‌اسلام برخوردار شوند میدانستند بهمین‌جهت لغت عرب ازاین طرق داخل الفاظ ولغت‌ملل دیگرشد والفاظ عربی - لغات عربی - اصطلاحات عربی - امثال سائره عـرب در سایه قرآن دراکثر شعب وقبایل غیرعربی رخنه کرد ومورد استقاك ملل زنده واقع گردید و گردن بتسلیم آن گذاشتند.

۳ - سومین عامل نفوذ اسلام و لغت عرب و عمومیت قواعـد آن بود کـه میتوانست کلیه احتیاجات بشررا ازنظر لغوی تامین کند ولذا ملیونها بشر باین لغت سخن میگویند ووحدت لغوی عربی دروحدت ملی‌اسلامی اثری عمیق داشت زیرا لغات مختلفی مانند لغت رومی درشام فارسی در ایران وعراق وقبطی درمصر - وغیره ظهور داشت که درصدر اسلام ضعف ملل وانحطاط آنرا حتمی کرد ولی قدرت واستطاعت لغت عرب میتوانست همه این ملل رابزبان خاص عربی زنده قوی اداره کندواین لغت بود کـه تاکنون حتی یکدفعه هم‌نمرده واز بین نرفته وهمیشه بحال قوت وقدرت و استطاعت باقی بوده است وحمزه اصفهانی مینویسد ۲

در صدر اسلام در جهان ۱۲ خط و لغت موجود و زنده بود کـه کتب و مـراسلات را بدان مینوشتند .

۲- کتاب التنبیه‌علی‌حدوث‌التصحیف‌حمزه‌اصفهانی ۱-ص۱۴۲ چ ۸ ایران کوده

۱ ـ حمیری ـ ۲ ـ بربری ـ ۳ ـ اندلسی ـ ۴ ـ قبطی ـ ۵ ـ یونانی ـ ۶ ـ رومی ـ ۷ ـ هندی ـ ۸ ـ چینی ـ ۹ ـ عربی ـ ۱۰ ـ عبری ـ ۱۱ ـ فارسی ۱۲ ـ سریانی

ازاین ۱۲ زبان هفت زبان از بین نرفت وپنج لغت ازبین رفت بدین شرح ـ حمیری ـ بربری ـ اندلسی قبطی ـ یونانی و سه زبان و لغت محدود در ممالك خودشان شد مانند رومی ـ هندی ـ چینی ـ وچهار لغت درکشور های اسلامی مستعمل است ـ عربی ـ عبری ـ فارسی ـ سریانی ویکی از فضلای معاصرین (آقای غلامرضادبیران) تنظیم کرده گوید:

آنچه بوده است کتابت بجهان گویمت تاکه زبر بر خوانی
حمیری بربری و اندلسی که دگر قبطی و هم یونانی
رومی و هندی وچینی عربی عبری و فارسی و سریانی
عربی باشد ۱/۱۳ یك سیزدهم از زبانیکه کنون میدانی
هفت کشور بزبان عربی هست گویا و همه قرآنی

کشو هائیکه اکنون بزبان عربی سخن میگویند برچهارطبقه هستند.

ممالك عرب زبان

ساکنین سرزمینیکه لغت عربی درآنجا پدید آمد ونشوونما یافت ولغت قدیمه عرب هم اکنون درآنجا باقی است مانند جزیرة العرب که به یك لهجه و یك لغت صحیح عربی صحبت میکنند و کشورهائیکه هم بدانها پیوسته که همه بیك آهنك سخن میگویند وتکلم میکنند ـ مانند عراق ـ شام ـ مصر ـ وقسمت اعظم افریقای شمالی

دوم ـ کشو هائیکه لغت عربی داخل لغت آنهاشده ولغات اصلی جای خود را بلغت عربی داده است وحکومت بالغت عربی است مانند ایران که اشتراك درلغت وکتب وتالیفات و ادبیات و علوم وفنون دارند باآنکه زبان آنها فارسی است ولی ریشه لغت عرب است و ۸۰ درصد کلمات عرب در لغت فرس استعمال میشود فتح عرب لغت و رسم را ازبین نبرد ولی قرآن لغت عربی را برفارسی مسلط ونفوذ داده ولذا تکلم ایرانیان غیرازتکلم آنها قبل از اسلام بوده است.

سوم ـ طبقهٔ ازساکنین کشورهائی هستند که بزبان عرب سخن میگویند وآنها دولغت راخوب میدانند ود لغت عربی مهارتی دارند مانند مهارتیکه درزبان خودشان یازبان مادری داشته‌اند واینها اکثر اهالی افریقا میباشند مانند بربرطوارق . نوبیین . بیجاء که بلغت سواحلی معروف است و درسابق هم گفتیم.

چهارم ـ ساکنین اقطاردیگری اززمین هستند که لغت عرب درلغت آنهابسیار دیده میشود و زبان آنها پرازلغات واصطلاحات وامثال سایرعربی میباشد مانند ترك ـ هندی ـ جاوة ـ ملایو (مالایا) وغیر که برای احتیاجیکه ازجهت آن دارند لغت عرب رافرا میگیرید.

تاثیرلغت عرب دراکثرلغات دنیا درافریقا . ترکیه . فارسی . اردو . هند . جزائرهندشرقی وعالم عربی وجود متنفذی دارد وعالم عربی میتواند هم اکنون ازاین مابه‌الاجتماع استفاده کرده و با سایر مسلمین هم‌آهنك وبازهم برجهان تسلط یابد یااقلا خود را در یك بلوك بزرگی مستقل معرفی کند . (۱)

۱ مواد این نفوذ اسلام از مقایسه درجغرافیة العالم الاسلامی العربی بقلم دکتر محمد عوض استاد جغرافیای الازهر باتصرفات بسیاری گرفته‌شد.

کتب این قبایل ولغات آنها وسایر آثار وصنایع وفنون مشحون آثار لغوی اسلامی است که بمیزان مختلف درلغات آنها جاگرفته واکثر وسائل زندگی آنها بلغت عربی است که بلهجه ولغت آنها داخل شده‌است .

٤ - یکی دیگرازعوامل نفوذاسلام وبقاء آن درجهان بشریت احادیث مسلسل نبوی است که هرفرد مسلمان موظف است اقلا چهل حدیث حفظ کرده وبدیگران بیآموزند ودراین باب احادیثی روایت شده که مورد اتفاق تمام علمای اسلام است ازآنجمله این است .

من حفظ اربعین حدیثاً وجبت له‌الجنه

یکی ازمبلغین بزرك مسیحی که بیش‌از۳ربع قرن درلباس آموزش وپرورش تبلیغ میکرد میگفت یکی ازعلل پیشرفت اسلام این است اخبارواحادیث مسلسل ومعنعن‌ومتواتر پیشوای خودرا سینه‌بسینه وگوش‌بگوش وپشت‌بپشت ونسل‌بنسل تحویل میدادندونقل وانتقال مینمایند وبعکس حواریون‌حضرت مسیح که‌بیانات‌پیغمبرخودرا تحریف کردند وازبین بردندودراختلاف کلمه خط مشیکه معین شده بود انحراف پیداکرد ولذا ماملیونها مصرف تبلیغ میکنیم باندازه یك‌مبلغ اسلام اثرنمیبخشد که یك حدیث نبوی بخواند احادیث مسلسل نبوی بیش‌از۱۳ قرن‌است که درمیان صدها ملیون بشردراقطار عالم انتشاریافته وهنوزهم چون خوانده میشود گوئی که خودگوینده است برمردم میخوانند .

مسلمین‌ازاینراه درآموزش وپرورش پاك اسلام رشد عقلی‌خودرا بدست آوردند وپیشرفت‌معنوی سریعی کردند که دنیای متمدن سرانگشت حیرت بدندان گرفته است .

سادات یانسل پیغمبر ص

جعلوا لابناء الرسول علامة ان العلامة شان من لم یشهر
نورالنبوة فی وسیم وجوههم یغنی الشریف عن الطرار الاخضر

٥ - یکی دیگرازعوامل پیشرفت ونفوذ معنوی اسلام وبقاء آن ذراری و سادات هستند که از خاندان پیغمبر(ص) میباشند یکدختر ازاولادهای پیغمبر(ص) باقی مانده بود که تمام این سادات اولادهای اوهستند وآیه **انا اعطیناك الکوثر** بتفسیراکثرمفسرین ومخصوصا امام فخررازی منظور از کوثر حضرت فاطمه استکه خداوند برکتی باولاد ونسل اوداده است بسادات باآن محبت و علاقهٔ که‌مسلمین بپیغمبر(ص) خود داشتند بهمان نظرمحبت وعواطف وارادت و علاقه بذراری‌واهل بیت و عترت و اولاد و احفاد او نگاه میکنند و نکاه بسادات را سعادتی برای خودمیدانند و درهر کوی و برزنی درتمام مناطقیکه مسلمین زندگی میکنندواولاد حضرت فاطمه یعنی سادات بالباس مخصوصیکه هنوز درممالك اسلامی دیده میشود مبرز وممتازهستندووجود آنها مردمرا بیادیك‌خاندانی میاندازد که درراه تهذیب‌نفس ناطقه‌بشری‌تاچه‌حدفداکاری کردند و درراه ایفاء دین مقدس اسلام تاچه میزان گذشت ومجاهدت نشان دادند .

امروز ۱۷ نفراز اولاد فاطمه بردنیاسلطنت وحکومت دارند - بزرگان علمای اسلام و زعمای فقهای مسلمین بیشترازسادات هستند - سادات حسنی - سادات حسینی - سادات‌زینبی - سادات‌زیدی سادات جعفری-سادات‌موسوی‌سادات‌رضوی‌دراطراف‌واکناف‌عالم‌پراکنده‌شده‌وهر کجارسیده‌اندازخود اثری گذاشته وهم‌اکنون سادات وعلمای این طبقه موردنهایت احترام مسلمین هستند که شجره نامهٔ نسب خودرا تاشخص پیغمبر (ص) اباعن جد حفظ کرده‌اند.

آیا خوانندگان درمیان بشر کدام سلسلهٔ راسراغ دارند که توانسته باشند نسبت خودرا حفظ

کنند و ۱٤ قرن پدردرپدر انساب خاندان خودرا مینویسند و از آثار و کلمات و کتب و خیرات و صدقات آنها نام ببرند - درملت کهنسال چین‌هم چنین اسنادی وجود ندارد.

سلسله جلیله سادات بمفاد حدیث نبوی که فرمود **لااسئلکم علیه اجراً الاالمودة فی القربی** وتمام مفسرین ذوی‌القربی بعترت واهل‌بیت واولاد پیغمبر(ص) تفسیر کرده‌اند ومسلمانان درتمام‌ادوار تاریخی نسبت بسادات وذراری پیغمبر(ص) همیشه احترام کرده وحق آنهارا اداء کرده‌اند.

در حدیث دیگر فرموده : **انی تارك فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ان یفترقا حتی یرداعلی الحوض** یکی‌ازمراکز ثقل‌اسلام همین‌اولاد وعترت واهل بیت هستند که از قرآن انفکاك ندارند تادرحوض کوثر بررسول‌الله (ص) وارد شوند.

برخی ازسادات برای‌جلب‌توجه مسلمین دارای همان فضایل اخلاقی‌وملکات نفسانی ومظهر کمال علم وفضیلت میباشند که گوئی آئینهٔ سرتاپا نمای‌اجداد طیبین وطاهرین خودمیباشند.

درکتاب فضایل‌السادات بیش‌از۵۰۰ فضیلت خاصه‌وممتاز برای سادات نقل کرده که درغیرسادات نیست و درحقیقت سادات وارث ملکات اخلاقی و سجایای نفسانی اجداد خود میباشند و در تعظیم شعائر دین بیش از دیگران بذل سعی نموده و در تجلیل و تبجیل مقام پیشوایان دین همتی صرف کرده‌اند.

علوم اسلامی

۶- علوم ائمه‌اطهاروذوی‌القربی‌واهل‌بیت پیغمبراسلام میباشد که‌درهیچ‌یك‌ازحواریون‌پیغمبرهای گذشته‌وجود نداشت.

عظمت مقام علمی و کمال رشد عقل‌که خلفای مخصوص پیغمبر (ص) و اهل بیت واولاد او داشتند دانشگاههای جهان را منور ساخته و تمام علوم و فنون اسلام مرهون افاضات ائمه اثنی‌عشر میباشد.

دانشگاههای جهان وموزه‌ها و کتابخانه‌های دنیا که قسمتی معظم آنرا آثاراسلامی تشکیل‌داده است باعتراف همه مستشرقین و کلیه علمای اسلام بزرگترین استاد دانشگاه اسلام حضرت‌علی‌است که‌پیغمبردرحق‌اوفرموده **انامدینة‌العلم‌وعلی بابها** وعمردرحق‌او۲۷ مرتبه گفت **لولاعلی لهلك‌عمر** وخودش درخطب خودفرموده سلونی‌قبل ان تفقدونی - قضاوتها و خطابه‌ها . نامه‌ها . کلمات قصار . صحیفه علوی . جامع علوی‌وغیره همه نمونه بارزی ازنهایت قدرت‌علمی‌علی‌است ۱۱ نفراولادآنحضرت همه در علم و دانش درتبحر وتتبع و تحقیق شاگرد مکتب پیغمبر وخلیفه بلافصل او بوده‌اند.

کلمات‌قصارحضرت‌مجتبیع وسیاست‌ودرس‌جانبازی‌حضرت‌حسین‌ع که‌عملا بجهانیان‌آموخت قدرت املاء وانشاء حضرت زین‌العابدین ع درلباس رازونیاز وخطابه های آتشین آنحضرت درمسجد اموی بهترین نمونه قدرت علمی‌آنحضرت است :

وحضرت‌باقر بشکافتن علوم و فنون اسلامی **بباقرالعلوم** معروف گشت

حضرت امام‌جعفرصادق که ۱۲ هزارشاگرد داشت وچهارهزار نفر در یکوقت متحداً میگفتند حدثناجعفر بن‌محمدالصادق ع وآنهمه افاضات علمی وفنی ازجفر و رمل ریاضیات وعلوم‌طبیعی وغیره برتفسیر وحدیث افزوده شد ودنیاعلم ودانش‌درپیشگاهش بکرنش‌واعتراف افتادند.

حضرت موسی بن جعفر واحتجاجات علمی اودرخانه خدا وبیان علل احکام شریعت که بیشتر ازآنحضرت تعلیم‌شده .

حضرت‌ثامن‌الائمه واحتجاجات و مناظرات اوباکلیه علمای اسلام درحضور مامون‌الرشیدخلیفه عباسی درتوحید ورفع کلیه شبهات

حضرت جواد که ۲۵ هزار مسئله مشکله راجواب مقنع‌داد وتمام علمای عصر بعظمت مقام‌علمی اواعتراف کردند باآنکه سنش درحدودبلوغ بود.

حضرت علی‌بن‌محمدالهادی که چندین‌هزار مکتوب مسئله مشکله راجواب نوشت

حضرت عسکری که پاسخ مسائل مفصله علماء فریقین را داد.

وبهمین نسبت ولی‌عصر وقائم منتقم حقیقی اسلام که تربیت شده مهدنبوت و مکتب رسالت و دانشگاه ولایت بوده‌اند همه معلمین وآموزگاران این مکتب هستند .

ملیونها کتاب درسایه تعلیمات آنهانوشته شده است

درکدام رشته ازعلوم بود که ۱۳قرن‌پیش‌این خاندان وقوفی نداشته باشند؟!

همه این ادله وبراهین زنده و حساس نمونه آنست که اسلام نفوذ معنوی خود را دردنیا حفظ کرد تاکنون مورد استقبال واستفاده مردم جهان بوده وهست .

منبع دانش اهل بیت عترت بوده‌اند

شرقوا او غربوا فلن تجدوا علماً صحیحاً الاماخرج من اهل هذا بیت معصوم

فرمود اگرشرق وغرب رابگردید هرگز علمی‌صحیح واستوار ومقرون بحقیقت منطبق باصحت نخواهید یافت مگرآنکه از خاندان رسالت واهل بیت عصمت صادرشده باشد ،

زیرا دراسلام شخص پیغمبرخاتم‌النبیین(ص)مدینه علم بود ودرب آن شهرعلم‌بنص‌صریح گفتار رسول‌الله که زبان وحی والهام بود شخص‌علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام است که‌فرمود **انامدینة‌العلم و علی بابها** ودرحدیث دیگرفرموده **انی تارك فیکم‌الثقلین کتاب‌الله وعترتی** که عترت رامبین و مفسروشارح ومشکل گشای غوامض علمی قرآن‌برای بشرقرارداده معرفی فرموده ولذا دراین‌حدیث واحادیث دیگر تصریح شده که علوم وفنون اسلامی رابایـد ازاهل‌بیت عترت وطهارت گرفت و ما **درکتاب زندگانی حضرت امام جعفرصادق ع** که‌پانصدرشته علم بجابربن‌حیان‌آن شیمیست ومخترع بزرك اسلام‌تعلیم فرموده که بهترین شاهد صادق‌ومصداق بارزاین احادیث نبویست ودر کتاب دیگر خودراجع باین حقیقت که علوم اسلامی وفنون بـدیع بشری بیشتر ازطرف اهل‌بیت طاهرین پیغمبر اسلام تعلیم مسلمین گردیده مفصل دلایل وشواهد عقلی وعلمی وتاریخی با مصادق ومظاهران آورده‌ایم که جای هیچگونه شك وتردید درارتقاء وارتقاء علمی مسلمین برسایر ملل باقی نگذاشته و تمام شبهات مخالفین راریشه کن نموده‌ایم - درروزنامه ندای حق چندین مقاله منصل درباره تفوق و تقدم علمی مسلمین برسایر ملل و مذاهب ودر مکتب اسلام باچهارصد موضوع اخلاقی که اسلام بپیراون خود آموخت و درسایر کتب حق مطلب ادا شده قضاوت آن باانصاف و وجدان پاك خوانندگانست .

منابع علمی مسلمین

روزی که مسلمین شروع بفتوحات خودنمودند یك پرتوضعیفي از دوتمدن قدیم ایران و روم

شرقی دردنیا باقی بودپیروان اسلام ازاین تمدن ضعیف حداکثر استفاده‌را کردند وباسرعتی‌سریعتر ازفتوحات خودباخذ علوم وادب وفنون متعلقه‌بآن که درحال نزع بودپرداختند ـ همان استعدادی که برای جهانگیری بکاربردند دراتخاذ علم ودانش صرف کردند ودرتحصیل علوم و فنون و هنرعین آن استعداد بروز وظهور رسید خلفای اسلامی بعداز تشییدمبانی حکومت بلافاصله مرکزی دربلاد و شهرهای بزرك اسلامی بمنظورتعلیم وتربیت تاسیس کردند وتمام فضلا و علمائی راکه ازعهده‌ترجمه کتب مشهوره مخصوصا تصانیف یونان برمیآمدند جمع‌آوری نمودند وحداکثر استفاده را از آنها کردند ـ چون تمام وسایل‌کاررا باآن قدرت علمی که دردست داشته دراختیار دانشمندان گذاشته تاعلوم‌وفنون‌و تصانیف‌یونانی‌همه بعربی نقل‌شده است.

جرجی زیدان در تشویق مترجمین‌مینویسدسالیانه‌مقرری‌جبریل‌بن‌بختیشوع‌طبیب‌هرون‌الرشید درسال ۱۲۰،۰۰۰ درهم نقد و۶۰،۰۰۰ درهم جیره یومیه بود واودرسال بالـغ بر۴،۹۰۰،۰۰۰ درهم مقرری میگرفت (۱)

مترجمین تمام‌کتب ارسطو ـ جالینوس- دیویس‌گردید را ازلغات سریانی ـ کلدانی وغیره ترجمه نمودند.

مسلمین وقتی شام وایران راگرفتند ودرآنجا قسمتی ازذخایرعلوم یونان رابدست آوردند کتب سریانیرا بعربی ترجمه‌کردندکه تاآنوقت ترجمه نشده بود.

مسلمین پس‌ازترجمه‌کتب یونانی بعربی‌زبان لاتینی وقسطلی رادراندلس آموختند وزبان‌یونانی رافراگرفتند چنانچه هم اکنون درکتابخانه اسکوریال کتب لغت عربی بیونانی ـ عربی بلاتینی ـ عربی باسپانیولی موجود است ومولفین‌آنکتب همه مسلمان بوده‌اند.

مسلمین نسبت بکتب یونانی حال‌شاگردرا دراستان‌معلم داشتند ولی‌نظربقوه ابداع‌واختراع وجوش و خروش وحرارتیکه در آموختن علم وهنر در آنان وجود داشت باین حالت تقلید ورتبه شاگردی قناعت نکرده باسرع وقت ازاین دائره بدائره تحقیق قدم گذاشتند. وجدیت مسلمین‌در فراگرفتن علوم بنقل‌گوستاولوبون حقیقة حیرت انگیزاست (۲) زیراهیچ‌قومی دردنیا پیدانشدندکه برمسلمین ازاین جهت تقدم جویند.

مسلمین هرکجاوارد میشدند قبل‌ازهرکار مسجدی بنـاء میکردند وآموزشگاهی ساخته‌چنانچه بنیامن تودل متوفی‌سال ۱۱۷۳م مینویسند که دراسکندریه تنها ۲۰ آموزشگاه دیده است

این آموزشگاهها در بغداد ـ قاهره ـ طلیطله ـ قرطبه و افریقا و غیره تاسیس کردندکه درآنجا لابراتوار ـ رصدخانه ـ کتابخانه‌های بزرك و سایر آلات و ادوات تحقیق مسائل وجود داشت چنانکه در اندلس هفتاد (۷۰) کتابخانـه عمومی موجود بوده است.

بموجب نقل مورخین اسلام درقرطبه درکتابخانه الحاکم دوم ۶۰۰،۰۰۰ جلـد کتاب وجود داشت که ۴۴ جلدفهرست آن کتابخانه بود (۳)

صفحه ۱۱۰ ج۲ تاریخ تمدن جرجی‌زیدان

۱ـ صفحه ۵۷۳ تاریخ تمدن

۲ـ صفحه ۵۷۴ تاریخ تمدن

۳ـ صفحه ۵۷۸ تاریخ تمدن

دکتر گوستاولوبون مینویسد شارل‌عاقل در ۴۰۰ سال بعدازاین تاریخ که کتابخانه دولتی پاریس را تأسیس نمود بعداززحمتهای زیاد فقط توانست ۹۰۰ جلدکتاب جمع آوری کندکه یك ثلث آن‌هم کتابهای مذهبی بوده است . ازاینجا وسعت تعلیم وتربیت مسلمین واهمیت فرهنك و مصارف آنها روشن میشود .

تحقیقات علمی مسلمین

دکتر گوستاولوبون درفصل دوم تمدن اسلام درباره‌طرز تحقیقات مسائل علمی مسلمین در کتابخانه‌ها و لابراتوار وادوات دیگرمینویسد وسایل لازم دراختیـار آنهابود وتحقیقات علمی علمای مسلمین مبنی برتجزیه ومشاهده بود برخلاف طریقه علمای مادرقرون وسطی که غیرازقرائت کتب و تکرار عقاید استادان چیزدیگری نبوده است .

دلامبر درکتاب تاریخ هیئت خود مینویسد : اگردرمیان یونانیان دویاسه نفریافت میشدند که دارای جنبه تحقیق بودند ولی درمیان علمای اسلام ازاین قبیل اشخاص بکثرت وجود داشته‌اند درمیان یونـانیان شایدیکنفر هم پیدانشده است که درعلم شیمی ازطریق تجزیه وارد شده باشندولی دراسلام صدها ازاین قبیل اشخاص گذاشته‌اند .

خدمت مسلمین تنهااین نبود که علم راازراه تحقیق واکتشاف ترقی دهند بلکه روح‌مخصوصی بقالب آن دمیده وبوسیله نوشتن وگفتن تحریرونگارش و مدارس عالیه آن رادردنیا اشاعه وانتشار دادند وبدنیای علوم ومعارف اروپا ازاین راه احسانی نمودندکه میتوان برآن حدی تصورکرد و مسلمین قرنها استاد علوم وفنون ملل اروپا بودند .

جرجی‌زیدان مینویسد اروپائیان دراین مدت ۳۰۰ کتاب مهم مسلمین راترجمه کردند ۹۰ کتاب درفلسفه وطبیعیات ۷۰ کتاب درریاضیات ونجوم ۹۰ کتاب درپزشکی و ۴۰ کتـاب در شیمی و غیرازآن ازآداب وادبیات عربی وتاریخ وجغرافیا ترجمه ونقل کرده‌اند .

تمام دارالعلوم اروپا تاپانصد الی‌ششصد سال کتب مسلمین را ترجمه میکردند و اکثرکتب طبی ـ فلسفه ـ فیزیك ـ شیمی ـ مکانیك ـ تاریخ ـ جغرافیا ـ وغیره راترجمه نمودند ومهمتر ازهمه تعلیمات اخلاقی مسلمین بودکه کتب نفیس آنانراماننداکتب خواجه‌نصیرالدین‌طوسی ـ مکارم الاخلاق شیخ‌طبرسی‌وغیره ترجمه کردند .

مسلمین اروپائیان را تربیت کردند

یکی‌ازمستشرقین بنام ژورف‌ماك‌کاپ مینویسد مادر اینروزها برخود میبالیم که درعلوم تاریخ وسایـر قسمتهای علمی را بواسطه کشف حقایق تـازه وآراءِ باطل وممزوج باوهام گذشته‌گان تصحیح وروشن نموده‌ایم‌امابرای علل وعوامل بکشف این حقایق دقت وتوجهی‌نکرده‌اندکه ازکجا این فکر وحرکت اصلاحی برای اروپائی حاصل گردید باید باکمال‌صراحت لهجه گفت :

حقیقت این است که مورخین قرن گذشته ابداً باین نکته نپرداخته اند چقدر تمدن اروپائی مدیون ومقروض ومرهون مسلمین‌بود وحتی‌تاپنجاه سال پیش کسی نبودکه آگاه براین حقیقت‌باشد زیرا اغلب نویسندگان راه تعصب میپیمودند واول کسیکه‌این‌حقیقت راباشجاعتی بیان کرد واشنکن اومینك بود که گفت کاخ تمدن مارا دستهای توانای باعلم وفن‌مسلمین بنانمودندوملل‌اروپائی‌ومسیحی هرکجا هستند مدیون مسلمین میباشند آنها درتربیت اروپائیان چقدراثر ونفوذ داشته و از ۳ راه تمدن مسلمین باروپارفت‌اول اسپانیـا سیسیل خاورزمین‌است‌واسپانیا وسیسیل بود که فردینانذزحماتی

در نشر آن کشیده و دیدیم که از سه راه از مسلمین ادب و تربیت آموختند و مهمتر از همه سیسیل بوده است .

دنیای کنونی وارث علوم و فنون اسلامی است

بقضاوت آثار موجوده ترقی و تعالی جهان کنونی فنون و صنایع و کتب و مطبوعات و آینه و عمارات مهم جهان اسلام نتیجه و مولود علوم اسلامی است که در تمام مراحل علمی و فنی بشرحی که داده میشود قدرت و نبوغی داشته تالیفات و تصنیفاتی کرده اند که آثار همه آنها موجود است و اگر هم درشرق کمتر باشد در خزائن غرب و موزه‌های اروپائی و نصرانی بسیاری از آثار مسلمین موجود است کتابخانه لنین گراد و استالینگراد که بیش از ۱۴ ملیون کتاب دارد و کتابخانه امریکا که بیش از یازده ملیون کتاب دارد و کتابخانه بریطانیای کبیر که از چهار ملیون کتب موجود آن بیش از یکسوم ۱/۳ از کتب شرقی است و موزه آن کشور قسمت اعظم آن از آثار و صنایع مسلمین است که آنها بتدابیر و حیل خود را وارث سیاسی مسلمانان جهان قرار داده اند و جواهرات و کتب و آثار ملی و قسمتی آنها را ربوده اند و امروز افتخار بعالم میکنند درحالیکه اگر قسمت مهم مسلمانان را از کتابخانه‌ها و موزه‌های فرانسه و آلمان و انگلیس امریکا و روسیه برداریم و تفکیک کنیم معلوم میشود خودشان چقدر ضعیف المزاج از نظر علم و قدرت میباشند ملل اروپائی درسه جبهه از مسلمین ارث بردند اول در آمیزش و اختلاط دوم از مدارس سوم از کتب علمی آنها .

دانشگاههای معروف بزرگ اسلام

یکی از مستشرقین مینویسد مسلمین دارای دانشگاههای بزرگی بودند که علوم مختلفی جهان در آن تدریس میشد و چهارده رشته را خود آن مستشرقین بقلم چهارده نفر که حاوی کلیه علوم عالم است نقل کرده اند که از مسلمین باروپا رفته و از دانشگاههای مسلمانان در دنیا پراکنده گردیده است .

اولین دانشگاه مرکزی دولتی مسلمین معروف بنظامیه بغداد است که خواجه نظام الملك رفیق حکیم عمر خیام وزیر آلب ارسلان درسال ۴۵۷ هجری تاسیس کرد و مدت کوتاهی دانشگاههای دیگری در نیشابور - دمشق - بیت المقدس - قاهره - اسکندریه - قرطبه - غرناطه - شرق اقصی - وغیره تاسیس شد و بعد المستنصر دانشگاه دیگری درسال ۶۳۱ در بغداد ساخت که بسیار باشکوه و عظمت بود این دانشگاه مصفا وزیبا دارای کلیه وسایل تحصیلی و مزین بانواع اثاثیه عالی درمحلی وسیع بنا شده که نظیر آن در دنیا دیده نشده است آن دانشگاه چهار مدرسه داشت که درچهار مذهب حقوق تدریس میشد و هر مدرسه ۷۵ شاگرد داشت و مجاناً تدریس میشد و هر شاگردیکه بسیصد نفر بودند یکدینار طلا حقوق میدادند آشپزخانه مجهزی داشت و کلیه وسایل فراهم و همه دررفاه میزیستند حمام و بیمارستان - آسایشگاه و غیره آن مجهز بوده است .

میراث اسلام صفحه ۲۳۰

آنچه از آمیزش بامسلمین فراگرفتند

در درجه اول تجارت و زراعت وهنر وصنعت بود ـ کسب و حرفه درمیان مسلمین باعلا درجه ترقی و تعالی رسید اسلحه پارچه ـ حریر ـ وسایرمنسوجات ـ چرمهای دباغی شده ـ شکر بوسیله تجاربربر و یهود بافریقا و آسیا حمل میشد .

درامورعام‌المنفعةاقدامات بسیارسودمندی کرده‌اند که درهرطرف جاده‌ها ـ پلها ـکاروانسراها مسافرخانه‌ها ـ بیمارستانها ـ مساجد ـ مدارس بکثرت یافت میشدند وعلوم وادب آمیزش‌نزدیکی داشت ـ ترجمه کتب لاتینی ویونانی درمدارس ودارالفنون‌ها راهنمای ملل‌اروپائی گردید .

چون اسپانیا بدست مسلمین باتناسب محل موردتوجه مسلمین شد ودرظرف صدسال اوضاع کشاورزی . فرهنك . دانش‌ادب . بازرگانی . هنرصنعت تجلی روزافشانی داشت درحالیکه اروپادر تاریکی نادانی وبیخبری بسرمیبرد و کشیشان زبان لاتینی‌راهم بخوبی‌نمیدانسته چه جای ادبیات و کارآنهااین بود که درکتابخانه‌های اختصاصی کلیساهامیرفتند و کتب خطی‌را برداشته کلمات‌حکمت دین را که میفهمیدند برداشته بجای آن اورادی و مهملاتی مینوشتند واین‌کار روحانیون‌نصاری‌بود و درهمین اوقات دانشگاههای مسلمین در بغداد . قاهره . غرناطه . اشبیله . مکه . مدینه . نجف و کربلا وکاظمین . مشهد . قم وغیره هزاران محفل وبازارعلم رونق بسزاداشت

آنچه اروپا ازمدارس مسلمین آموختند

مورداتفاق مورخین است‌که اداره ترقی وتعالی وپیشرفت سریع‌السیر وشگفت آمیزمسلمین دراسپانیا و نشر صنایع آنان درآنجا سرتاسراروپا رافرا گرفت ودر همگی کشورهای مغرب صیت تمدن وعلم وصنعت‌اسلامی طنین‌انداز گردید ـ افکارواندیشه‌ها همه متوجه علل واسباب این ترقی و تکامل شد وشکی نبود که ازمدارس وازتعلیم وتربیت اسلامی سرچشمه گرفته است .

یاللعجب همین عقیده و افکاری که تاچندسال پیش برای مسلمین درباره یهود و نصاری بود آنوقت مسلمین نسبت بآموزشگاههای مسلمین داشتند یعنی مدارس مسلمانان را نجس میدانستند واولیاء کلیسا مردم نصرانی را از آمیزش بامسلمین منع میکردند ومسیحیین اجتناب‌میورزیدند ـ کم کم اینقدر کهنه وبی‌ارزش شد بزرگان علمای نصاری بامسلمین اسپانیا بنای آمیزش‌را گذاشته وبرای دیدن مدارس وروش پرورش آنها باسپانیارفت وآمدکردند ودارالعلمها و کتب و تهذیب و کمال آنهارا دیده پسندیدند و درعینحال هم که توده را از تقلید مسلمین باز میداشتند خودشان آمیزش نمود ومانوس‌شدند تاحسن‌ظنی‌یافته خوردخورد مردم هم بعلم‌وتربیت اسلامی آشنا گردیدند واطفال خودرا بمدارس مسلمین فرستادند وهرسال عده زیادی ازایطالیا ـ انگلستان ـ فرانسه و آلمان وسایرممالك اروپا باسپانیا وارد ودرمدارس ودانشگاه مسلمین شرکت مینمودند درست عین وضعی که امروز ملل اسلامی نسبت بدانشگاههای ملل غربی دارند تجدید شده مهندسین بزرك ـ اطبای عالیقدر ـ حکماء ـ ریاضی‌دانها ـ علمای طبیعی ـ ادبا و شعراء وغیره ازدانشگاه اسپانیا فارغ‌التحصیل بممالك خویش برمیگشتند بااین تفاوت که امروزاکثر دانشجویان ازجنبه دینی‌ضعیف وازجهت اخلاقی فاسد شده برمیگردند درآنعصردانشجویان مسیحی باعلم وفضیلت ودیانت واخلاق وایمان بکاروکوشش بشهرهای خودبرمیگشتند ونتیجه‌آن آثارباقیمانده همین‌صورت اخلاقی ظاهری ملل امروزی اروپاست که نتیجه همان تعلیم وتربیت اسلامی است .

دارالفنون **تلد ـ کرناد ـ سیدیل** که ازدانشگاه اسپانیا منشعب میشد فارغ‌التحصیل های

دانشمند وکارآگاه واقف برموز واسرار بیرون میداد وتمام آن محصلین زبان عربی را مانند زبان انکلیسی امروزفرا گرفته بودند وروی همین اصل تائیرزبان وادبیات مسلمین در اروپا رونقی بسزا گرفت بطوریکه دکتر گوستاولوبون میگوید دواوین ومنظومات مسلمین بامنظومات تمام اقوام دنیا برابری میکند وازیادگارهای قصه نویس درسبك رمانیك) مسلمین و اعراب کتاب مقامات احمدبن حسین معروف ببدیع الزمان همدانی است که باسبك مخصوص جملات منظم وعبارات مسجع را بارعایت محسنات لفظی ومعنوی سخن تلفیق وتنسیق نموده ودیگرمقامات حریریست که بدون اغراق از نظر صنعت ادبی بزرگترین شاهکار بینظیر ومعجزه قلم میتوان شمرد **کتاب الف لیله و لیله** است که بتعلیم عرب مسلمان مصری نوشته شده و شیرین تر نثر ونظم ادبای فارسی زبان است که دوش بدوش ادبیات عرب پیش رفته است .

بدینشرح بحکم ضرورت ضعیف تابع قویست ومسلمین آنروزمانندامریکای امروزقدرت علمی ومالی داشت ومردم خودرا ازلباس وخوراك وادب وشئون زندگانی مقلدمسلمین میدانستند لغات - اسلوب - سبك روش پرورش - تمدن وفضیلت ومحصوصاادبیات بعالیترین درجه کمال رسیدندابتکارات تازه مضامین نغزمطابق دقایق اندیشه وافکار همه درسخن تضمین میشد - درتاریخ عرب سابقه نداشت که عبارات شیرین وشیوای موشح - وجل - مسجع - موزون مقفی-باین قدرت و لطافت وباین سبك واسلوب درادب درج شود درحالیکه آنعصر اروپاادبیاتی نداشت وشعر نمیدانست .

اشعار رزمی وبزمی وغزل ومطایبه ونصایح وپند واندرز وامثال وقصص وحکایات وافسانه‌سرائی دردوزبان شیرین فارسی وعربی ازمسلمین بتمام جهان منتقل گردید .

اصول شاعری اسپانیا وپروانس‌ازاعراب اسپانیول اقتباس شد . زیرا آرایش سخن‌ویاتشبیهات دلنشین وامثال سایره ولطایف نکته‌سنجی از مختصات لغت عرب وفارسی است که ۸۰ درصد باهم مشترك است.

برای آنکه ثابت شود جزئیات امرنظم ونثرازمسلمین بغربیها بارث رسید نظریه یکی‌ازعلمای اروپا را ازنظرخوانندگان میگذرانیم .

مسیوسدی و مینویسد - از قرن هشتم میلادی مسلمانان دریای متوسط را بتصرف آوردند ودرکشتیرانی‌وانتظامات‌بحریه لغاتی که درفرانسه وایطالیا یافت واستعمال میشود تمام ماخوذ ازعرب است حتی لفظ بوسول آلت قطب‌نما که معروف‌است ازچینی‌ها گرفته شده‌اشتباه است ومسلماً ازعربها اقتباس شده وارتش اروپاهنگامیکه تحت نظام درآمد همه الفاظ متعلق بمناصب ودرجات نظامی راازتازیان گرفتند حتی لفظ **باروت وپم گرباد** اصلا عربی است - و همچنین اصطلاحات متعلقه بکشاورزی ازقبیل **کابل تای تارین در آن** وغیره را ازبغداد وقرطبه اخذ نمودند ولفظ‌تورنامنت که لغت نویسان‌بامبداء اشتیاق آنرالاتینی قرارمیدهند عربی ومشتق ازدوران یعنی چرخیدن‌دریك دائره وآن‌نوعی است ازورزش‌نظامی که درمسلمین معمول بوده است که اصل‌آن عربی میباشدبخصوص علم هیئت ونجوم پراز لغات عربی است حتی اسامی ستاره‌ها اغلب ماخوذ ازتازیست و همچنین لفظ **آسامن** که درزبان ماقاتلی را گویند که درنهانی کسیرا بقتل رساننده باشد مشتق از کلمه حشیش عربی است حشاشین که پیروان حسن‌صباح مخالفین خود راچنین میکشتند»

جرجی زیدان لغاتیرا که اروپائیان ازعرب اقتباس نموده‌اند درشماره‌الهلال سال۱۳۳۲ نقل کرده است واین لغاتی‌است که پس‌ازهزارسال هنوزدرعبارات آنهاپدیدار است وطبق اصول‌روانشناسی وبدون تردید هرملت مغلوب تابع ومقلدملت غالب ومتمدن عالم خواهد شد .

عربی	اسپانیائی	عربی	فرانسه
عصا	آسا	کافور	کامفر
السطل	استر	کهربا	کارابه
الدف	آدف	الاکسیر	الکزبر
البرکه	الرکا	شراب	سروب
الغرفه	الکرفا	طلق	تالك
الحاجه	آلهاجا	قهوه	کافه
الاساس	الیزاس	البیطار	البتار
المخزن	الماسن	القربه	الکاربا
المعدن	المادن	لیمون	لیمون
الطاحونه آسیا	اتاهوتا	یاسمین	ژاسمین
التجارة	آتیجارا	امیرالبحر	آمپرال

عربی	فرانسوی		
الجبر	الژبر	نسرین	نیزره
العیوق	الایوت	خطمی	کتمی
الطایر (نام‌ستاره)	التابیر	صندل	ساندال
الجدی	الژدی	زعفران	سافران
مهات نعش	مانت‌ناش	سمسار	سانسال
الکیمیا	ایشمی	شریف	شریف

عربی	اسپانیولی	فرانسوی
القبه	الکوبا	الکود
العضاده	آلیدادا	آلیداد
المعدیه	المادیا	آلمادی
قفص ـ قفس	کابازا	کابس
فندق	فونداژا	فوند
جلاب کلاب	ژولب	ژولب
جبه ر	ژوبا	ژوب

بدیهی است که ملت متمدن وعالم ومخترع لغاتی دارد که بالسنه عمومی جهان لغات استعمال میکنند چنانچه امروزهم اکثراختراعات از امریکا و اروپاست بهمان اسامی درهمه دنیـا استعمال میشود و آنروز هم اختراعـات مسلمین و لغات اختصاصی آنهـا بهمان وضع در میـان همه ملل منتشر میشد .

علوم اسلامی درجهان

پی‌یرروسو
درکتاب تاریخ علوم خود صفحه ۱۴۰

مینویسد ـ اسلام که درنتیجه فتوحات پی‌درپی خود تاسرازیریهای پیرنه‌و تانوبی وهند کشیده شده بود بسهولت وباچالاکی فرهنك ممالك دست نشانده راپذیرفت ودر اسپانیاچیزی بدست‌نیاورد (زیرا درآنجاعلم ودانش نبود) جزآنکه دانش خودرانیز بدانجا نقل کرد وبالعکس ازتماس باتمدن مصری ویونانی ـ تمدن بزرك ایران وبین‌النهرین فواید بیشمارحاصل کرد وبالاخره ازروابط خود باهند نیزنتایج قابل ملاحظهٔ بدست آورد .

ازاین بیان هم روشن میشود که ملل‌اروپا وارث علوم اسلامی در اسپانیا بودند وازخود چیزی نداشتند ـ و همان علوم مقدمه رنسانس نهضت‌علمی اخیرشد .

پی‌یرروسو درکتاب تاریخ علوم خود مینویسد :

مشعل علم بدست اعراب افتاد مابین رحلت محمد(ص) سال ۶۳۲ میلادی وشکست اعراب در بوآیته بوسیله شارل مارتل ۷۳۲ اعراب توانستند تمام ممالك افریقای ساحل مدیترانه واسپانیا و کشورهای آسیائی راتا هند متصرف شوند .

درتماس باملل متمدن مجاورذوق شدیدی درآموختن علوم درایشان بوجود آمد و اولین‌خلیفهٔ که این ذوق راتحریك کرد المنصورخلیفه عباسی ۷۲۵ ـ ۷۱۲ میلادی بود که شهر بغداد را درسال ۷۶۲ میلادی و ۱۰۰ هجری ساخت وامر کرد کتب یونانی‌رابعربی ترجمه نمایند .

هارون‌الرشید قهرمان کتاب هزارویکشب (۱۰۰۱) درسال ۸۰۹-۷۶۵ حمایت ازعلم و دانش راتوسعه بسیارداد وبرای شارلمانی‌ساعت زنك‌داری بعنوان هدیه فرستاد که خودبخودکارمیکرد واهالی مغرب زمین آنرا هشتمین‌عجایب جهان پنداشته .

درزمان مامون سال ۸۳۳ ۷۸۶ تمدن عرب بحد اعلای خودرسید وی آنقدر بعلوم علاقه داشت که چون برامپراطور شرق میشل سوم غلبه کرد یکی‌ازشرایط صلح‌را چنین نوشت .

... که پادشاه باید یك نسخه ازتمام کتب‌یونانی را بایشان بسپارد؛ بهمین دلیل بود که‌درسال ۸۱۳ اولین ترجمه عربی اصول اقلیدس و در سال ۸۲۷ اولین ترجمه مجسطی بعربی منتشر شد صفحه ۱۲۸

پی‌یردوهم درتاریخ علوم چنین مینویسد :

بدون شك علمی بنام علم‌عرب وجود ندارد ومادرهیچ تئوری جدیدی مدیون بغداد نمیباشیم . بااینحال اگر آنان فقط اکتفاباین کرده بودند که قسمتی‌ازثروت دنیای عتیق را ازمهلکه نجات‌دهند مامیبایست فوق‌العاده نسبت بآنان حق‌شناس باشیم وباآنها نه تنهاعلوم قدیم راحفظ کردند مقدار زیادی نیز براین‌ثروت معنوی افزودند ـ مابین‌عرب‌ارشمیدس وهیپارك وبقراط وجود نداشت امامردان لایق و دانشمند متعدد دربین ایشان کم نبود بحدیکه سه قرن بعدازمرك پیغمبر اسلام شهرقرطبه یك ملیون جمعیت داشت وهشتادمدرسه عمومی و کتابخانه شامل ۶۰۰۰۰۰ جلد کتاب داشت وزبان عربی زبان علمی جهان شده بود .

آنگاه بعظمت علمی زکریای رازی - ابن سیناوابن رشد - جابربن حیان متوفی ۹۲۹م- احمدبن کثیرفرغانی متوفی سال ۸۳۳ پرداخته مینویسد جابرافتخار کشوراسلام است وی بزرك مردی از جمله اشراف بوده وبطلمیوس ارادت میورزید وخود ازلحاظ وقت درمطالعه تقدیم اعتدالین ازبطلمیوس نیز بیشتردقت وبرترازآنها گردید - او اولین کسی بودکه درعلم مثلثات سینوس (جیب) راجانشین وتر ساخت واین کاری بودکه تمام مثلثات جدید رابوجودآورده - همچنین ثابت بن قره حرانی ۹۰۰-۸۳۵م ابوالوفا متوفی ۹۳۹۸-۹۳۹ م از بزرگان وحماةدین بودند که ریاست رصدخانه بغداد معین شده بود او بود که حرکت دیگری براه ماه غیرازحرکت کشف بطلمیوس کشف کرد .

گذشته ازاینها نورالدین ابواسحق البط. وش ابن یونس نجومی- ابراهیم زرقانی ابن هیثم وغیره رانام میبرد وازعظمت علمی آنهادراسلام ستایش مینماید.

مسلمین درادبیات ادبیات اسلام ازشعروشاعری عرب وعجم آمیخته است و درصف اول ادبیات جهان واقع گشته ودراسلام ادبیات بمعنی حقیقی ادب وادبیات ظهورداشت وتمام غرائزطبیعی درونی وبیرونیرا شعرا و نویسندگان مطمع نظرقرارداد افکار بلندخودرا درآن میدان جولان میدادند - صفات وملکات وسجایارا مانند شجاعت - سخاوت - ستوده ودرباره زندگی وتربیت وتهذیب اسلامی قدرت ادبی خودرا بکار برده‌اند بیشتر ادبیات اسلام سهم ایرانیان بود وآثار شعراوعرفا وگویندگان ونویسندگان اسلامی بیش از احصاء وشماره است که ما برخی ازکتب تذکره رانام میبریم تاعظمت این فن دراسلام روشن گردد (۱) ومادرجلد سوم تاریخ مفصل اسلام ادوارعلوم ومعارف اسلامیرا مفصل شرح دادیم .

مسلمین درادبیات دراین قسمت باید مللرا ازهم تجزیه نمود زیرا هرملت و قومی دارای ادبیاتی درزبان خودهستند وآنچه که مسلم است عرب که اطلاق برهمه عرب زبانان میگردد وعجم برهمه فارسی زبانان وغیرعرب میشود واین ملتها هریك دارای ادبیاتی شیوا درزبان خودهستند مخصوصاً عرب درتوسعه لغات و شعر که مظهرعلم وحکمت وادب و آداب اومیباشد وایرانی درلطافت وملاحت زبان شیرین فارسی ادبیاتی داردکه دردنیا سابقه تاریخی و جذابیت معروفی بجاگذاشته وازمجموعه این آداب ورسوم وشئون ملی که ازآمیزش اخلاقی عرب و عجم دراسلام تشکیل میشود - ادبیات آنهاسرمشق ادبیات جهان قرارگرفته است .

این ادبیات که شامل ۲۵ علم میباشد مللاروپائی ازمدارس مسلمانان اندلس آموختند ویااز کتب مسلمین که اکنون بیش ازچند ملیون کتاب درموزه بریطانیای کبیر فقط موجود است یابواسطه اصطکاك وآمیزش بامسلمین درممالك مختلفه ودرضمن جنگهای صلیبی فراگرفتند .

درقطعات اشعارویکتورهوگو کلمات قصرالحمراء ولطائف هنروصنعت مسلمین مشهود است - بحث دراین فن رابابد بتاریخ ادبیات اروپا وآنچه که ازمدارس ومکاتب وآداب وشئون اجتماعی مسلمین فراگرفته‌اند مراجعه کرد ومحتاج بکتابی است که البته نوشته شده و مافقط خواستیم متذکر این حقیقت بشویم .

مسلمین درقصص وداستان

مسلمین علاوه برنظم ونثر درداستان سرائی وحکایات عشق و عاشقی خاصه داستانهای بهادران و

۱- کتب ادبی وتذکره‌هارا درجلد سوم ادوار علوم اسلامی ودردائرةاللعارف رجال اسلام نگاشته‌ام

غیره مهارتی بسزا داشتند اگرچه دراین حکایات صفات وسجایای ذاتیه اشخاص خیلی کم ذکر شده ولی بواسطه وقایع و اتفاقات غریبه که درآنها درج است اصل حکایات درنظر خواننده بسیار مطبوع ودلچسب است ـ

نیروی متخلیه اعراب ومسلمین بقدری بود که بهرچیزی که دست میانداختند روح خاصی بآن داده مخصوصاًدرداستانهای‌متعلقه بدلاوران وبهادران بایدآنهارا موجددانست.

درمیان قصص وحکایات عربی مقامات‌حریری ومقامات بدیع‌الزمان ـ الف‌لیله ولیله بزرگترین ومعروفترین کتاب جهانی‌است که‌باکثرزبانها ترجمه شده است .

کتب حکم وامثال وتاریخ مسلمین امروز منبع اخبارمورخین جهان است هیچکس نمیتواند انکار کند که کتب حکم‌وامثال وتاریخ ازمسلمین بدنیاارزانی شده است ومجمع‌الامثال میدانی‌تاریخ طبری . مسعودی . ابن‌اثیر. ابوالفداء . نویری. ابن‌خلدون. ابن‌حجرعسقلانی.ودر رجال‌وفهرست مانند ابن‌ندیم حاجی‌خلیفه درفصاحت وبلاغت مانند نهج‌البلاغه امیرالمومنین (ع) صحیفه علویه ـ سجادیه ـ فاطمیه‌ـ مهدویه بهترین کتاب درس مسلمین بود که صدها کتاب در شرح و آن ترجمه تالیف شده است (۲)

مسلمین درصنایع وفنون

ولقداتیناداودمنا فضلا یاجبال اوبی معه‌والطیروالناله الحدید- ان‌اعمل‌سابغات وقدرفی السرد واعملوا صالحاً انی بماتعملون بصیرولسلیمان‌الریح‌غدوهاشهرورواحها شهرواسلناله‌عین‌القطرومن‌الجن من‌یعمل بین‌یدیه باذن ربه ومن‌یزغ‌منهم‌عن‌امرنانذقه من‌عذاب‌السعیر

آیه ۱۰ـ۱۱ سوره‌سبا

ما داود را بردیگران برتری دادیم بنبوت ـ زبور ـ پادشاهی ـ حسن خلق بارعیت . توفیق عمل در حکم ـ یابخشایش برعجزه و ضعفا ـ حلاوت مناجات علم بانکه جز بارگاه حق‌ملجاو پناهگاهی نیست .

ازمزایای داود حسن صوت است که چون زبور میخواند و حوش وطیور وجن وانس از شنیدن آن بیخود میشدند .

ومرادازفضل سیر اوبکوهها بود وتسخیر مرغان هوا و اینکه او آهن را از دامنه کوهها بیرون می‌آورد وبقدرت حق دردستش نرم میشد وزره میساخت وازاینراه معیشت میکرد

وآهن دردست داود مانند موم نرم میشد وبهرصورت میخواست میساخت واو هرروز یك زره میساخت ـ وششهزاردرهم میفروخت چهارهزاردرهم‌تصدق میداد ودوهزاردرهم خرج نفقه خانه اوبود که خدم وحشم بسیارداشت وچون درگذشت هزارزره درخزانه اوبود که فروختند ومسجد اقصی را ساختند وخطاب شدای داود عملی شایسته‌کن واومصمم مسجداقصی گردید که درگذشت و سلیمان پیغمبرـ ان‌معبد رابنانهاد واتمام کرد که‌ازبناهای عالی‌جهان بشریت است .

ودردنباله آن میفرماید برای سلیمان بادرامسخر کردیم که راه یکماهه را یکشبه بپیماید که صبحگاه در شهری وشبانگاه درشهردیگری بود یکشب درفارس وشب بعد درکابل بود ومیفرمایدبرای سلیمان جاری کردیم چشمه‌ای ازمس گداخته‌که تا از معدن بیرون آمدچون آب روان بود ـ وآن

۲ـ صفحه ۵۹۹ تاریخ تمدن گ

معدن دریمن بودنزدیك صنعا که درماهی سه‌روز سیلان داشت و ازآن هرچه میخواستند میساختند ـ وفرمود مسخر کردیم برای سلیمان ازجنیان کسانی که کار میکردند بفرمان او و هرگاه نافرمانی میکر تازیانه‌ای‌ازآتش براومیزدند که اورامیسوخت آنهابرای سلیمان هرچه میفرمود حاضرمیکردند وهرچه میخواست میساختند .

از تمثالها و صور و مجسمه‌ها وهیاکل وصورغیرحیوان مانند اشجار وکاسه‌های چوبین وسنگی‌و حوضهای بزرك که هزارنفر درآن میتوانستند بنشینند وغذابخورند و میساختند دیگهای بزرك که هرروز دوازده هزارطباخ درآن دیگها طبخ میکردند واوبود که ساعات شب وروز را بکارهای صنعت ، هنروکاروکوشش قسمت کرد واوباتمام اعضاءِ واجزاءِ خودشکر گذاری مکرد .

دراین آیات شریفه پیشوای اسلام بنام بیان قصص گذشتگان وشرح‌حال پیغمبران سلف درس فیزیك وشیمی وگیاهشناسی وعلم بحرکات بادها وسیردرکوهستانها کوهکردی و دریانوردی و کشف معادن واستخراج منابع فلزات ازنشیب وفراز کوهها و ساختمان اسلحه زندگی و سلاح جنگی و مجسمه سازی وصنایع وفنون غیره درس‌کامل آموخته واز استخدام قوای نامرئی که بجن وجنیین‌تعبیر شده واستفاده ازآن که حتماً برق بود بکنایه‌ابلغ‌من‌التصریح که‌باتازیانه آتشین برآنها میزدند و خاکسترمیشدازبرق استفاده کرده‌اند وکاملادرذوب‌فلزات وشناختن‌موالید وعناصردست قوی‌داشته‌اند که قرآن بپیروان خود بمنظور تکمیل توحید چنین درس را آموخته است .

دل گفت مراعلم لدنی هوس است تعلیم کن اگر ترا دسترس است
گفتم که الف گفت دگرهیچ مگوی درخانه اگر کس است یکحرف بس است

درقرآن درباره علوم وصنایع ۱۲ فصل است وچندین‌آیه که درهمین رشته علوم طبیعی وریاضی وفلکی را درخلال حال پیغمبران وملل بیان میفرماید .

صنایع مسلمین

مسلمین درصنایع دارای اسلوبی درخشان هستندکه دنیای متمدن نمیتواند انکار عظمت فنون وصنایع اسلامی رابنماید زیرادربیش‌ازپنجاه کشوربزرك آثاربرجسته‌مسلمین از درودیوارنمایش دارد میگویند اسلام صنایع روم وبیزانت وایران و کلده و اشوررا بارث برد و مسلمین اسلوبهای فنی کشورهائی که زیرفرمان داشتندفراگرفتند وباذوق وهنر خودآمیخته فنون اسلامی را درجهان‌پدید آوردند وانتشاردادند ودرصنایع باختری اثری شایان بخشیدند وبادگارهائی ازخود بجاگذاشته که هنوزهم موجب افتخار ومباهات آنهاست و درهمین کتاب آثار صنایع هنرمندان وفنون کاراگاهان زیبائی وصنایع‌دیگر بنظرشمامرسد .

چون اسلام ظهور کرد تمدن هنری یونان و روم و ایران در حیطه تصرف مسلمین درآمد و امپراطوری عرب وسعت یافت وبادوحلقه اتصال بین خاور وباخترصنایع و سرمشقهای فنی مسلمین باروپارفت و دراسپانیا تمدن اسلام بـاوج شهرت و عظمت رسید و مسکوکات مسلمین سرمشق کار دیگرأن شد .

قرطبه که آنرا کرد و میگفتند از تمام بلاد اروپا درتمدن و آبادی جلو افتاد و عصر ملوك الطوایفی مراکز علم وصنعت درشبه جزیره اسپانیا متعدد گردید و پادشاهان مرابطین و موحدین مسلمین اسپانیارا مجبوربمهاجرت کردند وآنها صنایع اسلامی رابشمال اروپا هجرت دادند و این پیش‌آمدهم یکی‌از عوامل نشرتمدن ووسعت یافتن قلمرواسلام گردید .

مسلمین سبك هنری ایرانیان را باسپانیا بردند و باسبك هنری روم و یونان که آنجا سابقه‌داشت بهم آمیخته و با یك سبك نوینی که خود بوجود آوردند بهر شهر و بلدی مسکن گرفتند رواج دادند .

سقوط طلیطله (تلد) درسال ۱۰۸۵ م و قرطبه (کردو) در ۱۲۳۹ م واشبیلیه (سویل) در ۱۲۴۸ م بزرگترین عامل درآمیزش هنروران تازی نژاد و تازی منش بود سقوط غرناطه - گرناد در ۱۴۹۲ خاتمه عصرهنری اروپا ونشر آن درسایر کشورها گردید وهنرمندان اروپا از مسلمین بسیاری ازدقایق فنی ورموز هنری صنایع طریقه را درساختمانها وفنون فرعیه وهنرهای زیباآموختند و شاید مهمترین مظاهراین امرطرزا پانیائی است که بمدجنین منسوب است ومراد ازآن سبك مسلمانانی است که پس‌ازسقوط امپراطوری اسلام‌دراروپا بخدمت مسیحیین درآمدند .

مسلمین درفنون‌کاشی‌کاری بافندگی- نقش چوب خراطی‌منبت‌کاری خاتم‌سازی نبوغی‌نشان‌دادند که هنوزهم صنایع آنها سرمشق جهانیان است .

درفن معماری‌وبنائی آثاربرجسته‌ای که عکس‌مساجد ومدارس آنرا دراین کتاب‌می‌بینیدیادگار قدرت فنی مسلمین است کاخ‌اشبیلیه که برای بدرو درسال ۱۳۶۰ م ساختند وسالها بلکه قرنها مقر خاندان سلطنتی وسپس نمایشگاه کالای اسپانیا گردید شاهکاریست ازفن بدیع هنری ونقاشی و کاشی سازی وغیره اسپانیا وجزیره سیسیل درنقش تمدن جهان ونمایندگی نشرتمدن اسلام‌باصطلاح امروز رل مهمی را ایفاء نمود . جنگهای صلیبی درنقل صنایع و فنون اسلامیه باروپا در اعلی درجه اهمیت میباشند وبسیاری ازآلات وادوات جنگی که مسلمین مخترع آن بودند اروپائیان از آنها آموختند حتی همان اصطلاحات فنی وقواعد ثابته آن اسلحه آتشین درمغرب بکارمیرفت .

ملل اروپائی درنتیجه جنگهای صلیبی برای دادوستدخود بامسلمانان مسکوکاتی ازطلاساختند که علاوه برتاریخ هجری لغتهای تازی وآیات قرآنی بران ضرب وسکه نوشته شده بود .

عرب عمارت وبنا وکاخها راازنظر آنکه فاقدآن بودند بزرگترین هنرشناختند ودرایجادکاخها ومخصوصا مساجد ومدارس وعمران وآبادی وتزیین آنها مهارتی بسزا یافتند و تمام فنون زیبائی کشورهای دیگررا باذوق وهنروفن ظریف خود درآثار باقیه بکار بردند و اکنون هم که عکس آنرا مشاهده میکنید آثاربنای‌هزارساله‌مسلمین توجه آدمی راجلب وحیران هنر خود میسازد والحق‌همان طور که گفته‌اند .

هنرنزد ایرانیان (اسلامیان) است وبس

یکی از نویسندگان اروپائی مینویسد انصاف این است که بگوئیم مسلمین چند قرن پیش دوش‌بدوش اروپائیان امروز درصنایع وهنر واختراع بوده‌اند باضافه‌که آنها دربرخی ازفنون‌واختراعات‌مبتکروپیش‌قدم بوده ودرفضیلت سابقه دارند

مسلمین همه ملل زنده جهان را تقویت خیال و توسعه فکر و عظمت روح هدایت کرده بلکه مجبورنمود واین تصویر ونقوش که درروی سنگها وپارچه‌ها برای تزیین میکشیدند از اشکال هندسی برسم‌نباتات وصورحیوانات وخط کوفی ونسخ وغیره ازهمان‌فکرسرچشمه گرفته است

یکی ازغربیان میگوید مسلمین دراین فن مهاراتی داشتند ولی‌چون درد‌ین اسلام نقاشی را حرام میدانستند کارنکردند!! ولی باید بآنها گفت که‌آنچه دراسلام حرام‌است مجسمه سازی سایه‌دار است‌از نظرقرب زمان به‌بت‌پرستی‌چه امروز یا هزارسال پیش ولی مسلمین درنقاشی مهارت خود را

حفظ کردند و خطوط تازه‌ای را اختراع کردند و صلیب ایرلندی را غربیها از هنرهای مسلمین اتخاذ کردند .

کلمه شریفه بسم‌الله بخط کوفی روی طلا وپارچه‌های ابریشمی و مسکوکات دیگری از پادشاهی بنام اوفا ازتاریخ ۷۵۷ تا۷۹۶ درفارس سلطنت کرده بتقلید ازمسلمین باقی است واین پادشاه ازیك اشرفی تازی که درسال ۷۷٤ ساخته شده تقلید نمود و تاریخ هجری وعبارت عربی برآن نوشته شده است وشکی نیست که درمسکوکات ومصنوعات اروپائیان لغت آنهابدون مفهوم بود فقط ازنظرزیبائی ونقاشی تقلید شده .

صنایع مسلمین ونقاشی آنهاکاشف ازوسعت فکر و پهناوری دامنه خیال ایرانیان میدانست و بطوریکه مقریزی مورخ شهیرمینویسد در سال ٤٦۰ هجری کاخ مستنصر بغارت رفت هزار طاقه قماش بیرون آوردند که درآنهاصورت خلفا وافسرهای‌نامی وناموران‌درباری اسلام منقوش بود ونیزخیمه‌های زربفت ومخمل وابریشمی یافت شدکه انواع واقسام صورآدمیان ویادیگرجانوران گوناگون برآنها نقش یافته بود ودرسقف بیت‌الشریعه قصرالحمراء صورت‌های مختلفه فراوانی ازقبیل مجلس شورای مسلمین یاغالب آمدن یکی‌ازسرداران اسلام بریکی از افسران مسیحی نگاشته شده‌است

کاشی‌کاری اسلامی چه ازجهت رنك و چه از جهت نقاشی‌ها و تصویرات روی آن تاثیر بزرگی درتطور این صنعت دراروپابخشید واروپائیان دورنك سفید وکبود راازچین میدانسته ولی‌بعد معلوم شدکه چینی‌ها درقرن‌هشتم ازمسلمین گرفتندوکبودرا زرق‌میگفتند وکاشیهای براق‌طلائی در اسپانیا بیش ازحد تصورترقی کرد وکارخانه‌های آن دارای چندین‌صدکارگر ونویسنده ومصوربود وشعب آن دراسپانیا . پرتقال: ایتالیا. فرانسه دائر گردید وصنعت‌کاشی‌سازی اسپانیائی عربی تاقرن‌دهم‌هجری رواج داشت وایتالیائی از قرن ۱۵ میلادی بفرا گرفتن هنر مسلمین پرداخت مسجدشاه اصفهان و مسجدشیخ‌لطف‌الله بهترین نماینده‌کامل دنیای زنده هنرکاشی‌سازی ورنك طبیعی و تصویر و زیبائی و غیره است بطوریکه یك باغ‌وحشی روی کاشی‌در مسجد شاه جلب توجه میکنند که چشم‌ها را خیره میسازد و طاوس هـای کاشی آن کـه ملیونها قیمت دارد همـه ذوق و هنر سرپنجه مسلمین و ایرانیان است ،

مسلمین
درصنایع مستظرفه

امروز برای اهمیت آثارصنعتی یکدوره فصلی ازتاریخ بازکرده‌اندکه ازروی ابنیه موجوده و آثارباقیه نسبت بملل گذشته قضاوت میکنند .

مدتهابودکه از حقیقت‌فنون عالیه وصنایع نفیسه مثل‌شاعری . نقاشی حجاری. حرف‌چنین‌تصور میشدکه کشف فلسفه این فنون جزء اسرار طبیعت شمرده شد و فهم آن خارج از دسترس علوم طبیعی میباشد .

تغییرات کواکب وتبدلات موجودات حیه وسقوط اجسام برای هریك قانون یاناموسی که مقرر است قابل درك بودولی قانونی که قوه احساس‌یکنفر شاعررا برای گفتن‌شعری برمی‌انگیزد ویایکنفر مصور ونقاش رابرای طرح یك تابلو ویامجسمهٔ‌مستعدوآماده میسازد ازجمله راز های سربسته شمرده میشد . یکنفرنقاش یاحجار دربکار بردن قوه متخیله آخرین درجه اقتدار رانشان میداد اما هیچ

قانونی نمیتوانست مارا بحقیقت آن رهبری کنند ولی ازوقتی که علوم طبیعی حرف وصنایع را تحت مطالعه آورد بتدریج پرده ازروی این راز برداشته شد وبوسیله تحقیقات علمی دراندك زمانی ثابت شد که صنعت وادب تراوش فکر و احساسات و نتیجه قریحه عمومی عصر حاصل میباشد.

ودرنشان دادن حالات اوضاع یکعصر نقاش وشاعران خدمت را انجام میدهند که صدها جلد کتاب ازعهده آن نمیتوانند بدانند .

شاعر ـ نقاش ۱ مشرب ومذاق عادات ورسوم عقاید وافکار بالاخره اصول احتیاجات عصرخود رابدون تغییر وتبدیل بقرون آتیه تحویل میدهند ـ ظاهر افکرهاشی وشاعری از اومطلوب شده چنین تصور میشود که آنها تحت‌تأثیر عوامل واقع نیستند ولی درحقیقت این طور نیست بلکه هردو تحت تأثیر افکار وعقاید شدید عصرخود واقع‌شده باسلاسل محکم حکایات وافسانه ها باآداب ورسوم عصر بستگی شدید دارند.

ادیب ـ صنعتگر از محسوسات و مشهوداتی که از هرسو آنهارا احاطه کرده متاثر شده و بالاخره همان عادات وآداب وعقاید وادراکات عصر آنها که جولانگاه فکر آنها میباشد وبعبارت‌دیگر محیط عواید وافکار متعلقه‌بیك‌عصر سرچشمه‌ایست که آثار فنی وادبی از آن تراوش مینماید **ولذا هرصنعتی حکایت میکند ازدوره‌ای که آن‌صنعت زائیده شدهٔ آن‌دوران است.**

مساجد وآموزشگاهها ومسافرخانه های اسلامی میوه اسلام وتدین وتمدن است و بدرجهٔ باهم امتزاج یافته که نمیتوان هیچ‌یك‌را ازدیگری تفکیك نمود.

مثلا قصرالحمراء نمونه کامل علاقه مردم مسلمان اندلس است زیرا برونش باکمال ساده‌گی وبی‌آلایشی ساخته‌شده ودرونش درنهایت زیبائی ونقش‌ونگار وآرایش ونازك کاریست واز ملتی حکایت میکند که بزن علاقمند بود وزیرك وباهوش بود ولی ظاهر ساز نبودند آنها زندگی اندرونی پسند می‌نمودند فکری غیراز زمان حاضر نداشتند وآینده رابخدا واگذار میکردند.

مستشرقین عموماً میگویند **هیچ کتابی بقدر نقش ونگار یك سنك پرواضح و آشکار نیست** و تمام صنایع مسلمین اینطور باما سخن میگویند و بهترین مظهر تکامل روحی و قریحه مسلمین است .

سبك معماری عرب ـ حجاری ـ نقاشی ـ رنك آمیزی اسلوب بناهای مسلمین همه یکنواخت ونمونه بارز ومهارت وذوق وایمان است بانگاهی بمسجد غرناطه ـ مساجد مصر ـ ایران ـ شام ـ عراق ـ افریقا دارای‌یك‌روح‌ویك‌زبان‌خاص‌دیده‌میشود ـ۱

مسلمین در نقش و تصویر

مسلمانان مخصوصاً ایرانیان ومصریان و هندیان باذوق و سلیقه هریك سبکی در آثار هنری خود از پیکر نگاری و نقوش وتصاویر برآن مخصوصاً درابنیه وساختمانهای کاخهای سلطنتی نهایت قدرت صنعت و فن هنری را در این قسمت بکار بردند بطوری که اروپائیان اساتید وپاشاگردان این‌فن راباتعهد مبالغ گزافی به‌اروپا بردند واکنون پیکر نگارانی ازمسلمین دراروپا وامریکا سراغ داریم که قدرت سرچشمه هنری خود را در فنون مختلفه تصاویر ونقوش وپیکر نگاری‌وحجاری ونقاشی و میناتوری وانواع فنون بدیعه و صنایع مستظرفه نشان میدهند.

۱ـ گوستاولوبن از ص۶۵۹ص۷۲۸ ۶۹ صفحه اختصاصی بانوع‌سبك‌های‌فنون‌درجهان‌داده است

دراروپا در قرن ۱۲ درکاخ روجر دوم پادشاه سیسیل نقوش وتصاویری برسنك های پرستشگاه پالرمی **مشهور بکابلا پلاتینا** بود که ازتزیینات اسلامی تقلید کرده بودند ودر شمال اروپا همان نقوش سرمشق شد.

ژرمنی‌ها با سیاحت درآسیا وافریقا ازاین گونه هنرها استفاده کامل نموده وتقلید میکردند و دربالکان آثار ت. که ودر جزایر مجار و مجاوران ازصنایع وفنون هنر های ظریفه مسلمین بسیار دیده میشو. که گردش روزگار هم‌هنوز آنهارا نفرسوده وازبین نبرده است ودر خود ممالك اسلامی تجلی شایانی دارد.

صنعت جلدسازی

یکی‌از صنایع‌ظریفه که مخصوص‌ایرانیان بود وذوق‌مردم اصفهان سرلوحه تخصص این‌فن‌بشمار میرودصنعت فن جلدسازی است و اسلوب های آن که بدون هیچ‌تغییری دراروپا رواج یافت ونتوانستند ازآن تقلید کنند **صنعت جلد سازی باقسام مختلف ساخته ـ تکه سازی ـ برجسته ـ تصویری روغنی و مینیاتوری** وغیره بود که کتب نفیس موزه های جهان وکتابخانه های مهم را تشکیل میدهد از مختصات مسلمین بود وهنوز یك جلد قرآن یا کتب نفیس خطی قدیم راکه می‌بینیم بقدرت و سرپنجه هنری مسلمین احسنت میگوئیم.

ملل اروپائی ازجلدسازی درقرون اخیره تقلید کردندولی دردفاتر تجارتی و غیره وبرخی از کتب مقدسه سبکی بنام **زبانه** ساختند.

نگارنده کتب بسیاری دیده‌ام که بخط خوش‌نویسان درجه‌اول هرعصر برای پادشاهان نوشته شده وبسرپنجه هنری صنعتگران بصنایع ظریفه دین و مذهب منقش گردیده که هریك آن امروز مایونها قیمت داشته‌است ازآن جمله مثنوی بخط میر ونقاشی علیرضا وجلد سازی استاد اصفهانی بود که قیمت آن بچهل‌هزار تومان رسید و دکتر حسین آزاد تبریزی خرید و بکتابخانه شخصی خود درپاریس برد شاهکاری ازادب وظرافت وهنر ونقاشی بود وهم‌اکنون ازآن نمونه‌ها درکتابخانه شخصی نگارنده یافت میشود.

مسلمین در صنایع فلزی

دراروپا قرون وسطی ظروفی بود که بشکل حیوانات ساخته شده بود آنرا **آلمامائیل** میگفتند و خطی روی آن نقش بسته بود وتصویرات زیبائی داشت که معلوم شد ازآثار صنایع فلزی مسلمین است که اشکال وجود جانوران راروی مس وبرونز میکشیدند واین همان **آفتابه لگن و ابریق وآفتابه است** که برای شستن دست بکار میرفت.

آنروز اروپا مثل امروز ماآن خطوط رانمیتوانستند بخوانند و نمیدانستند این صنعت برای چه‌کار است چنانچه امروز مابسیاری از ادوات و ابزار صنایع اروپا را نمیشناسیم وحروف آنها را نمیتوانیم بخوانیم.

عقاب مسین یاشمعدانها وگلدانها وگلاب پاشها وغیره ازآثار مسلمین در موزه های اروپا و ایران ومصر وعراق وهند وپاکستان فراوان دیده میشود که عکس طیور و نباتات و حیوانات عموماً روی ذوق صانع وهنرمند نقش می‌بسته است که درجنگهای صلیبی باروپا رفت و بعداز آن تاکنون

مشتری های فراوان پیدا کرده واکثر این آثار هنری رایهودی های سرگردان ازاطراف خانه های ایرانیان مخصوصاً اصفهان مرکزعلم وهنر وذوق وصنعت بثمن بخسی می‌خریدندومی‌بردند اروپا بقیمت گزافی میفروختند و کم کم یك نوع مال‌التجاره شگفت آمیزی شده بود که اخیراً ممنوع گردید.

این تجارت ایتالیائی درخاور عظمت یافت ودرقرون ۱۵ میلادی باوج عزت رسید و مغول که دمشق‌را غارت کرد واین‌صنعت مرد تابعد تیموریان باز مشوق این‌هنروصفعت مسلمین شدند و آثار بسیار نفیس درقرن نهم تایازدهم باقی وبجا مانده است که موجب حیرت وشگفتی‌است.

ملل اروپا رنجی فراوان بردند تابین ذوق عربی و صناعت و تزیین اسلامی وفق دادند و کارگرانی ازمشرق بمغرب بردند دربابدقیه - پیزا - ژنو - فلورانس وغیره درموزه هاومجامع باستان شناس خدمت میکردند وتحف گرانبهائی برای آنها تهیه می‌نمودند ومخصوصاً ابزار وآلات صنایع دستی وکار وزندگی مانند ابزار نجاری - خیاطی - بنائی وغیره مسلمین ایرانی وهنرمندان اصفهانی مخصوصا برای ملل اروپائی بهدیه بردند وبرای آنها آنجا ساختند وبهمین جهت اعتراف کرده‌اند که مغرب وارث مشرق وتمدن اسلامی است.

صندوق سازی

ازصنایع مسلمین صندوق سازی است که اول از چوبهای عادی وبعد ازچوبهای قیمتی ومعطروبارنك وتصویر و-پس ازعاج ساختند و اکنون در موزه‌های جهان نمونه‌های آن فراوان دیده میشود و باندازه‌های مختلف صندوق‌های سوخته ومنبت ومکلل وغیره میساختند و بیشتر بانقره و طلا بهم میکوبیدند مهمترین صندوقهای اسلامی که ازقرون وسطی باقی مانده است وقابل توجه میباشد صندوقهای مطهر مزارائمه معصومین‌است که آثار آن درمدینه ونجف و کربلا وکاظمین ومشهد وسامرا وقم وری وسایر امامزادگان شیراز واصفهان وغیره مشهود ومزار ملیونها نفرمسلمان میباشد و درقرون وسطی غربیها ازمسلمین تقلید کردند وفرا گرفتند . که وصف هریك رادر کتب تاریخ جغرافیائی‌مکه‌ومدینه و نجف‌و کربلا وسامرا ومشهد وقم وری نگاشته‌ام که درصنعت‌ازچوب فوفل وچوب خدنك وچوبهای بودار قیمتی‌الوان برنگهای سیاه وسرخ وقهوه استفاده میشد که چشم راحیران میسازد و صندوقهای طلا ونقره و مفرغ بسیار درموزه‌های ایران واروپا ازکارمسلمین موجود است که درتاریخ جغرافیائی مشهد مقدس رضوی عکس بسیاری ازآن آثارظریفه ضبط وثبت شده است .

منسوجات و بافته های اسلامی

یکی ازسرمشقهای ملل اسلامی برای ملل اروپائی‌بافته‌ها و منسوجات مسلمین است که مدك و راهنمای صنایع اروپاشد.

قبل ازاسلام فن بافندگی درایران ومصر وسوریه رونق و رواجی داشت اماچون اسلام ظهور کرد وخلفا وامراء و عمال آنها وبعدهم سلاطین اسلامی وحکام ازاین فن‌عملا تشویق‌وتقدیر کردندبطوریکه‌هرخلیفه‌درسال باید مقدارزیادی ازصنایع بافندگی‌خلعت وانعام نماید وهرقدر خلعت‌ها وبخشش‌های خلفا بیشتراز جهت کمیت و کیفیت‌اهمیت‌داشت دلیل برعظمت او وتقویت‌بنیه صنعتی واقتصادی کشور بودبدینترتیب فن بافندگی درممالك اسلامی‌مخصوصا ایران وروم ومصر بقوت خود شدت نمود وامتعه بافته مسلمین از متاع ومال‌التجاره رسمی اسلامی گردید که درقرون وسطی جهت شهرت این پارچه‌ها در سرتاسر اروپاطنین گردید حتی بیشترپارچه سایرممالك رابرای مرغوبیت بشهرهای اسلامی نسبت داده‌اند یا

بنام منسوجات‌شرقی فروخته‌اند وچون بازرگانان رونق این‌امتعه رادیدند بر آن شدند که‌کارخانجات پارچه بافی زیـادی اطراف اروپا برقابت خاور نزدیك واسپانیا ایجادنمایند وعربها کارخانه‌هائی بنام درجزیره سیسیل برپانمودند که مدتهـا پس‌ازسقوط سلطنت اسلامی‌هم درآنکشور رایج بود وایتالیائیها ازآنها اتخاذکرده اسراربافت‌اسلامی وذوق وهنرورموز ودقایقرا ازمسلمین آموختند سپس بشهرهای ایتالیا نقل دادند ودرنتیجه منسوجات حریر ایطالیا درقرن ۱۴ م ترتیبات و رنك‌آمیزیهای خاور را نشان میدادحتی نوشته‌های عربی و کوفی‌را باآنکه نمیتوانستند بخوانند برای زیبائی جلوه میدادند وازقرن ۱۶ میان ایتالیائی‌ها وترکان‌رقابت شدید فراهم‌آمد و ازهم تقلید میکردندبطوری که امتیازبین مصنوعات نسجی ایندو طایفه مشکل بود .

درآن عصر کمر بندهائی ازقماش دربازارها پیدامیشدکه ساخت اروپا ولی دارای نقش ونگار اسلامی وبسبك شرقی تهیه شده بود جانمازرا فرنگیان ازشرق فراگرفتند واستادان اروپائی‌ساخت آنرا ازمسلمین آموختند وروزگاری درازبرآن مواظبت کردند وهمان اسلوبهای تازی برآن نقش‌ونگارمیشد .

درایران مخمل بافی شهرتی بسزاداشت مخمل‌کاشان واصفهان ازنفایس فن بافندگی ظریف‌و ابریشمی بکارمیرفت که سرمشق‌کاراروپا گردید ودرتیموریه عصر صفویه بنهایت‌کمال هنررسید و برآن اکثر نقوش وصور وخطوط و ترتیبات دیگر از تاروپود طـلا ونقره بکار میرفت که هنوز بـاقی و برقرار است .

فن ترمه‌سازی کرمان ویزد واصفهان ازفنون بدیعه منسوجات است که تاکنون ادامـه دارد و وترمه‌های دوران سابق بقیمت گزافی معامله میشود .

مسلمین در اسطرلاب

یکی‌ازآثارعلمی که اروپا ازمشرق‌اسلامی‌اتخـاذ کرده اسطرلاب است وآن ابزاری است فلکی که درسنجش بعدکواکب بکارمیرودواغریقی‌نامی آنرا اختراع نمود وبطلمیوس جغرافیادان آنراخوب ساخت ودانشمندان اسلامی‌درتحسین وترتیبش کوشیدند آنگاه علماء اروپا درقرن دهم از مسلمین اقتباس کردند .

درموزه بریتانیا اسطرلابی است که در تاریخ ۹۸۴ هجری دو نفر ایرانی بنام احمد ومحمود فرزندان ابراهیم اصفهانی درشهرباعظمت اصفهان ساختند :

ودریانوردان اسلامی این‌ابزاررادرکارهای کشتیرانی وتغییرات جوی درد‌ریا بکارمیبردند تاآنکه درقرن هجری اختراعات دیگری جای این صنعت راگرفت .

اسطرلاب اصفهانی

قدیمترین اسطرلابی که درا‌کسفور موجود است اسطرلابی است که درسال ۹۸۴ توسط دونفر استاد احمد ومحمود پسران ابراهیم اسطرلاب‌سازاصفهانی ساخته شده است که درکتاب میراث‌اسلام ومجله بین‌المللی روزگارنو که زیرنظرچندنفر مستشرق تنظیم وطبع ونشرمیشده مینویسد در میان اسطرلابهائی که درموزه بریتانیا موجود است همین اسطرلاب اصفهانی‌است ودیگراسطرلابی‌است که انگلیس‌ها درسال ۱۲۶۰ م ساخته‌اند وازروی همین‌اسطرلاب مسلمین‌تقلیدنموده‌اند ،

آرنولد مستشرق که باسیزده نفر مستشرق دیگر میراث اسلام را نوشته‌اند میگوید درمیان

اشیائیکه دانشجویان اروپائی ازدارالعلمهای اسلامی آورده بودند یکی اسطرلاب بود و آن آلتی است نجومی که یکی ازاختراعات قدیم است که مسلمین تکمیل نمودند و درقرن دهم باروپا آمد

استعمال اصلی آن درمشرق برای تعیین موقع نمازوجهت مکه بوده است ومسلمین برای مقاصد دیگر بکارمیرفت و آن پیدا کردن ساعت سعدونحس برای کارها بود . درقدیم باستاره‌شناس این کاررا انجام میدادند تامقدرات اشخاص رابدست آورند ــ واین اسطرلاب علاوه برشناختن اوضاع اجرام آسمانی برای وقوف بنکات حساس روحی وسعدونحس ویافتن خزائن وغیره مورد استفاده بوده است ولذا درنظرعوام مشئوم جلوه داده شد .

اسطرلاب برای ناوبانان بی‌اندازه لازم بود و تاقرن ۱۹ آنرا برای تشخیص راههای دریائی درمغرب بکارمیبردند تاآنکه اختراعات‌جدید جانشین آن گردید .

این آلت صنعتی وفنی علاوه براین استفاده‌ها یك‌شکل زیبا وجالب توجهی داشت که اغلب نقش ونگارهای حیرت‌انگیزدراینکاربکاربرده میشد وقرنهامورد استفاده واستعمال منجمین ودریانوردان وعلمای ریاضی وهیئت بود.

ابراهیم‌بن‌سعید متولد سال ۱۰۶۶ م اسطرلابی ساخت و اسطرلاب دیگری استاد معروف ایرانی عبدالحمید درسال ۱۷۱۵ ساخت که دارای نقش ونگارزیبائی بود.واین دوصنعت نماینده‌سلیقه وذوق یك مسلمان مغربی‌را بایك مسلمان شرقی نشان میدهد .

واکثر اسطرلابها روی فلزی بود که خودمسلمین میساختند وقابل حك‌ونقش و نگاربوده است چنانچه درجعبه‌های مسی وصندوقهای طلا ونقره ومفرغ بکارمیرفته وروی مقابر ومزارائمه معصومین و امامزادگانی که دراطراف واکناف عالم شهید شده ودرگذشته‌اند این صندوقها وزیارتنامه‌ها وآثار صنعتی قلمی مسلمین مشهود است .

یکی‌ازمستشرقین مینویسد درقرن دهم ژربرت که ازاهل اورنی‌بوده در۹۹۹ باسم سیلوستر دوم بمنصب پاپ رسید اینمرد اطلاع نجومیش زیاد بود ازاین جهت مردم اروپا میگفتند ازهنگامیکه در قرطبه اقامت داشته باشیاطین مربوط بود ــ ومرادآنها ازشیاطین علمای نجوم وهیئت واسطرلاب و منجمین وغیره بوده‌اند که غربیها آنهارا شیاطین میشناختند وعیناً این جریان پس‌از۱۳ قرن‌دوباره دربرخی ازممالك شرقی منعکس شدکه ملل غربی‌رشته‌علوم را ازشرقیان‌ومسلمانان گرفتند ومسلمین در سیر نزولی افتادند و غربیها دانشمند شدند در اوایل اختراعات و نهضت ملی آنها مردم‌مسلمان شرق آنهارا شیاطین لقب میدادند .

ویلیام ازاهل بالبرزی‌میگوید ژربرت دراستعمال اسطرلاب مهارتی یافته بود و ازخودبطلمیوس هم بیشترتجربه عملی داشت اوعلوم ریاضی رادرناحیه‌کل که مدتی مردم ازترس روحانیون اروپا بمطالعه آن تمیپرداختند رواج داد بعلاوه ویلیام میگوید که ژربرت درعلم احضار ارواح نیزمهارت یافته بود واسطرلابی که متعلق باواخر قرن دهم است برای تعیین عرض جغرافیائی روم ساخته شده هنوز درفلورانس موجود است وبعضی معتقدند که این اسطرلاب متعلق بپاپ سیلوستر بود واز روی اسطرلاب مسلمین ساخت اصفهان تهیه وتنظیم گردیده است .

اسطرلاب ایرانی

اسطرلاب کلمهٔ یونانیست، ومعنی آن ترازوی آفتاب است . در زمان پیشین اسطرلاب‌را از برای ارتفاع پیمودن آفتاب ومعین کردن اوقات روزوشب بکارمیبردند . بدیهیست که‌اسطرلاب آلت

علمی قدیمی است ویکی از گرانبها ومهمترین باستانی خاور میباشد که منجمان و استادان حاذق بیشتر اعمال نجومی را بواسطه آن استخراج میکردند .

برحسب کتب تاریخ اسطرلاب پیش‌اززمان‌پتولمی (ptolemg) منجم وجغرافی‌دان مشهوریونانی که درسنهٔ یکصدوسی قبل‌ازمیلاد دراسکندریه زندگی میکرد ـ اختراع شده است . موافق روایات طبری عربها دراول استعمال اسطرلاب را ازیونانیها اقتباس نموده ، آنرا از بـرای ستاره‌شناسی و پیدا کردن قبله واوقات صبح وشام ویـاد کردن هیأت زمین وشهرهای معموره وحال طوالع ومطالع و آنچه بدان تعلق دارد تکمیل کردند ودرقرن دهم میلادی استعمال‌کامل آنرا باهل باختر‌تعلیم دادند امابرحسب کتاب اوستا (Anesta) واشارات راجع بدین زردشتیان ، ایرانیان بیشترازعربها ازعلم نجوم واستعمال اسطرلاب آگاهی داشتند .

ایرانیان باستان اسطرلاب را ازبرای شناختن وپیدا کردن دوری ونزدیکی وارتفاع آفتـاب و ستارگان ودریافتن مسافتی که درمیان آنها است بکارمیبردند. این‌خودبدیهیست که خورشیددرآئین مزدیسنی عهدساسانیان مقام فایقی دارابوده است ، ومجوسیان ایران آفتاب را ستایش میکردند . پادشاهان ساسانی باین عبارت سوگند یادمینمودند .

«بآفتاب خدای بزرك که ازپرتوخویش جهانرا منور وازحرارت خود جمیع‌کاینات راگرم کرده است» ونصوص متعدده اوستا ثابت میکند که پرستش عناصر طبیعی ازاصول دیانت زردشتی بوده ، و آذریعنی آتش دراین آئین قدیم ایران خیلی مهمتر ازسایر عناصر بوده است . عیدآذر جشن اول زردشتیان درهفتم شهریور بود ومردمان درداخل خانه‌های خود ازبرای احترام آفتاب آتشهای بزرك میافروختند ودرستایش یزدان پاك وشکر نعمتهای بی‌پایان اومشغول ومشعوف میشدند ، بزرگترین و مهمترین آتشکده زردشتیان ایران ومحل استقامت‌معلم وموبد بزرك ایشان دربلخ بود وبلخ‌درزمان ساسانیان پایتخت باکتریا بوده است .

شهربلخ را درسنهٔ ۲۷ هجری عربها درتحت جنرالگری عبدالله‌بن‌امیر مسخر کرده ، آتشکده مذکوررا‌خراب‌نمودند. برحسب کتیبه‌های‌میخی(TueiformTablets) که‌دراین‌دوقرن‌اخیردر‌بین‌النهرین کشف شده است وترجمه وبیاناتیکه بخامهٔ خاورشناسان ومحققان آثارباستان نگارش یـافته معلوم میشود، که بابلیان قدیم هم خدای «شمس» یعنی آفتاب رامیپرستیدند واز استعمال اسطرلاب‌آگاهی میداشتند . بنابراشعار شاهنامهٔ فردوسی ، ایرانیان باستان اسطرلاب را از برای پیدا کردن ساعت نیکو وسعادت بخش بکارمیبردند .

درحکایت جنگهای شاهپور اول ودوم وغلبهٔ آنها برقیصرروم استعمال اسطرلاب راذکر کرده است . ایضا فردوسی ازکیفیات نجومی وسیارات هفتگانه و دوازده برج واشکال ماه گفته ـ

«شمار ستاره ده و دو وهفت	همان ماه تابان زبرجی که رفت
چه زوایستاده چه‌مانده بپای	بدیدی بچشم سر اختر گرای
زشب‌نیزدیدی که‌چندی گذشت	سپهر ازبرخاك برچند گشت. »

دردایره‌ها وخطوط اسطرلاب تمامی افلاك بدوازده برج تقسیم‌شده است ، وهربرج بچندستاره منقسم است ، وهرستاره‌ئی بیك منزلی صورت گرفته است . دانایان اسطرلاب فلکی را عقیده برآن بوده که درفلك کرسی بیست وهشت منزل رامنقسم نمایند دوازده برج پیدا شود وتاثیرهرساعت‌میمون ونحس را از تاثیرات دوازده برج درك‌واقتباس میکردند وبواسطه اسطرلاب ساعتی که زهره بامشتری

سعادت گستر بود ، آنرا فرخنده فال دانسته ازبرای عقد ونکاح بستن ومواصلت پادشاهان ایران و توران اختیار مینمودند . ایضا اسطرلاب را ازبرای پیدا کردن گنج ویاچیزی که درزمین پنهان‌شده باشد استعمال میکردند .

آورده‌اند که سلطان ملکشاه سلجوقی باطناً ارادتی کامل بحضرات‌ائمه بهمرسانیده ، بسبب معجزات وحدیثهای پی‌درپی که شنیده‌بود ومعاشرت اوباعلما زمان خود . ازجمله شبی بفکرافتاده که چون خود ازخدمت باسعادت‌امامان محروم گردیده‌کاشکی خط مبارك آن بزرگواران تحصیل‌میشد که بجهت فتح وظفرونصرت براعداء وحفظ خزانه عامره ومحفوظ‌بودن‌اولاد و اقارب وعساکرمبارك ومیمون است . برحسب فرمان ملکشاه دانایان‌اسطرلاب نام بعضی شهرهارا پیدا کرده بعلماء زمان خود وحکمرانهای بلادما وراءالنهر وخراسان‌وقم وهمدان ونهاوند وبغداد وشام وحلب رقم ومراسله فرستادند . تاشبی‌ازشبهای‌شنبه سنهٔ چهارصدوپنجاه‌وپنج هجری بمدلول **«من‌طلب‌شیئا وجدوجد»** بخت سعید ازخواب‌بیدارشده ، نوشته‌ئی ازنزدحاکم‌قم رسید که بدولت‌اقبال دفینه‌ئی ظاهر گردیده مستدعی آنکه کسی ازمعتمدین دربار را فرستاده تا دفینهٔ مزبور را ضبط نماید . چون حسب‌الامر ملکشاه کسانیکه بجهت ضبط دفینه وارد قم شدند ، اول چیزیکه یافتند‌آن **سوره‌ئی بود که بخط امام حسن‌بن‌علی العسکری علیه‌السلام که حسب‌الخواهش** معتمدعباسی کتابت‌نموده بودآنرا بنظر سلطان رسانیدند ، و بشکرانهٔ این نعمت عظمی نصف آن خزانه را بفقرا و سادات و یتیمان قسمت کرد .

ازقصه‌های تاریخی معلوم میشود که پادشاهان قدیم همیشه چندنفر منجم ودانایان اسطرلاب در دربار خود داشته‌اند . امیرتیمور گورگانی‌ازبرای فتوحات دیارماوراءالنهر و فارس و آذربایجان و گرجستان وگیلانات و بلاد هند وسند و ملتان ساعات میمون که شایسته آن بود از اسطرلاب اختیار میکردند .

اهمیت‌علم اسطرلاب وردزبان مورخین ایرانی وعرب‌بوده، وشناختن اسطرلاب یکی‌ازمصطلحات رایجه شاعران ایران شده است ، یکنفرازدانایان اسطرلاب در دورهٔ صفویه رقعه‌ئی در القاب آلات و دایره‌ها وخطوط اسطرلاب بدین مضمون نوشته است . «ارتفاع کوکب مسعود، آن مرکز (۱) صفحه اسطرلاب که ام نامیده میشود وحجره وکرسی وعروه وحلقه راهنمایانند .

اسطرلاب شاه حسین‌صفوی (موزه بریطانیائی‌لندن)

دایره جود ، سرحلقه کرسی‌نشینان مقنطرات وجود مابدستیاری خط شعاعی ادراك ، و دست آویز اسطرلاب‌بینش ، بعدازطی عرض وطول دعا ، برصفحهٔ ضمیر دقیقه‌پذیر که از اسطرلاب جبینها استنباط سرگذشت هرکس تواند کرد ، وازروی تقویم‌تنها استخراج احکام نیت‌دلها تواند نمود . پوشیده‌مباد که دراینوقت داعیرا باسطرلابی حاجت‌افتاده ، واسطرلابیکه خود دارد انتفاع ساقط شده . علاوه‌آن ازتارعنکبوت سستتر گشته ، وحلقهٔ آن‌بحلقهٔ زلف سلسله مویان شکستگی، وام داده حجرهٔ آن‌مانند حجرهٔ طالب علمان کج‌مدرسه مندرس شده .

« و مصداق حال آن اوهن‌البیوت‌لبیت‌العنکبوت» آمده . صفایح آن چون فلك اطلس ازخط و خال ساده افتاده وعضاده آن چون باروی ضعیفان بی‌قوت گشته ودولنبهٔ آن چون دوخشت خام ازهم بیخته . پشیزه آن‌بفلسی‌نیرزد، وفرس آن بااسب چوبین نرسد. پردهٔ دیده ازمشاهدهٔ آن مانندصفحهٔ عنکبوت مشبك گردیده . ودل پرخنه ازملاحظهٔ آن‌چون‌دفتان وسوراخ گشته . مجملا اگردراینباب

بیست بابی بنویسم هنوز شرح آن نداده باشم» جلال‌الدین رومی درمثنوی دربیان « العاقل یکفیه ـ الاشاره» گفته ،

«تن چواسطرلاب باشد زاحتساب — آیتـی از روح همچون آفتاب
آن منجم چون نباشد چشم تیز — شرط باشد مرد اسطرلاب ریز
تا اسطرلابی کند از بهر او — تا برد از حالت خورشید بو
جان کز اسطرلاب یابد اوصواب — چه قدر داند ز چرخ و آفتاب
توکه ز اسطرلاب دیده بنگری — درجهان دیدن یقین بس قاصری »

نظامی گفته :

«اگر دارد نمودار خدائی — دراسطرلاب فکرت روشنائی
بهر نقشی که‌بنموداوجمالی — گرفتنداختر انزآن نقش‌فالی
یکی‌ده‌دانه‌جومحراب کرده — یکی‌سنگی دواسطراب کرده
ز گردشهای اینچرخ‌سبکرو — همان آید کز آن‌سنك‌واز آنجو

چندین اسطرلابهای ممتاز وکارعالی ایرانی در نمایش صنایع ایران که در سال ۱۹۳۱ میلادی درلندن بازبود نشان داده شده ، وتاریخ وشرح مختصری ازآنها درکاتالوك رسمی چاپ شده است . درموزه بریتانیائی وموزهٔ ویکتوریا والبرت ، درلندن ، وموزهٔ ملی دریانوردی درگرین ایچ ـ (Greenwirh National Mariiime Museum,)ودر کلکسیون لویس‌ایوانز(Lewis Erans) دراکسفورد، مجموعه های خیلی عالی از اسطرلابهای ایرانی وکار کشورهای خاوریافت میشود .

بسیاری ازاسطرلابهای ایرانی که درموزه‌های انگلستـان وجود داردکاراسطرلابیون اصفهان‌است مهمترین وبزرگترین این اسطرلابهای ایرانی درموزهٔ بریتانیائی لندن است . این اسطرلاب یکی ازشاهکارهای فلزکاری ایران میباشد که ازبرای سلطان حسین صفوی ساخته شده و کتیبهٔ روی کرهٔ آن ازاینقراراست .

« هو. بموجب فرمان قضا جریان‌سلطان سلاطین زمان ، سیدخواقین دوران ، پشت وپناه‌اهل ایمان ولینعمت‌عالم وعـالمیان مدارسپهردولت‌وعدالت ، قطب فلك‌اعظم عظمت وجلالت‌اختردرخشان اوج گیتی ستانی مهرتابان وسطالسمآء جهانبانی شاه‌سلطان حسین صفوی موسوی حسینی مدالله‌تعالی ظل معدلته علی‌رؤس الانام مدی‌اللیالی والایام این اسطرلاب تام صورت انجام یافت فی‌شهرشعبان ۱۱۲٤» باید یادآورشد که درکتیبهٔ فوق تمام کلمات موقروالقاب سلطان حسین اصطلاحات منجمی وراجع باستعمال صفحات اسطرلاب میباشد .

اسـامی شهرهائیکه درآنها بواسطه عرض وطول این اسطرلاب تام قبله را میتوان پیدا کرداز این قرار است :

دایرهٔ بیرونی ـ مکه، مدینه ،کوفه ، بصره ، مصر ، مداین ، واسط ، موصل ، دمشق، حلوان رحبه ، مشهد ، نیشاپور، سبزوار ، دامغان ، سمنان ، مزینان ، بسطام ، آمل ، کجور ، خوار ، ری ، اسفراین ، قم ، رودسر ، بارفروش ، ساری ، فومن ، لاهیجان ، استرآباد ، جرجان،تورشیز هرات ، تون ؛ طبس ، سرخس ، مرو ، قاین ، قزوین ، الاموت ، طالقان ، ابهر، زنجـان ، ساوه ، همدان ، نهاوند ، شهرزور ،گنجه ، بردع ، دربند ، تبریز ، سلماس ، نخچوان ، خوی ، مرند ، مراغه ، دینور ، دمدم ، کرمان ، سیرجان ، جیرفت ، هرموز ، قندهار ،کنابل ، ملتان ، لاهور ،

دیبل ، کشمیر ، حیدرآباد ،

دایره اندرونی ـ هجر بحرین ، قطیف بحرین ، بغدادهٔ سرمن رای ، بیت‌المقدس ، طرابلس، عموریه ، فاس‌طنجه ، منصوره ، اجین ، دهلی ، کیچ کمران ، ارگنج ، تفلیس ، اردبیل ، شماخی ، سلطانیه ، بست ، ماروجاق ، بادغیس ، آمد ، ارزنگان ، شوشتر ، فیروزآباد ، شابور ، اصطخر ، شیراز ، کرمانشاه ، کردستان ، گلپایگان ، سمیرم ، کاشان ، یزد ، اصفهان .

روی عنکبوت و بعضی آنرا شبکه خوانند منطقت البروج نقش شده است ، و آن از این قرار است .

(۱) حمل (۲) ثور (۳) جوزا (٤) سرطان (٥) اسد (٦) سنبله (۷) میزان (۸) عقرب (۹)قوس (۱۰) جدی (۱۱) دلو(۱۲) حوت

این اسطرلاب عالی‌کار دوبرادران ، یکی صنعتگر ودیگری منجم ایرانی میباشد ، واسم‌آنها بدینقرار در پشت آن نقش شده است .

«صنعه‌اقل الطلبه عبدالعلی ابن‌محمدالحزئی» . «نمقه‌اقل الطلبه اخ‌الصانع محمدباقر»

کهن‌سالترین اسطرلاب ایرانی درانگلستان‌درکلکسیون‌لویس‌ایوانز(LewisEuans)دراکسفورد یافت میشود .

تمام کتیبه‌های آن‌بخط کوفی‌است، وبعقیده محققین واسطرلاب شناسان‌آن قدیمترین‌آلت‌علمی است که تاریخ واسامی سازندگان خودرا داراست ، وآن ازاینقرارمیباشد .

«بسم‌الله وبعون‌الله بالیمن والدولدوالاقبال والسعادةالبقا ، هذا اسطرلاب احمد ومحمود ابناء ابراهیم الاسطرلابیین‌الاصفهانیس ، سنه اربع وسعین وثلاثمائه» این اسطرلاب بسیاراهمیت دارد و عنکبوت آن ازبرای سی‌وهفت کواکب ساخته شده است .

اسطرلاب نمرهٔ (۱۸) درکلکسیون لویس‌ایوانز مانند اسطرلاب موزهٔ بریتانیالندن کاراستاد ماهرایرانی است ، وازبرای شاه عباس دوم (۱۰۷۸ ـ ۱۰۵۲ هجری)ساخته شده ، و کتیبهٔ آن ازاینقرار است .

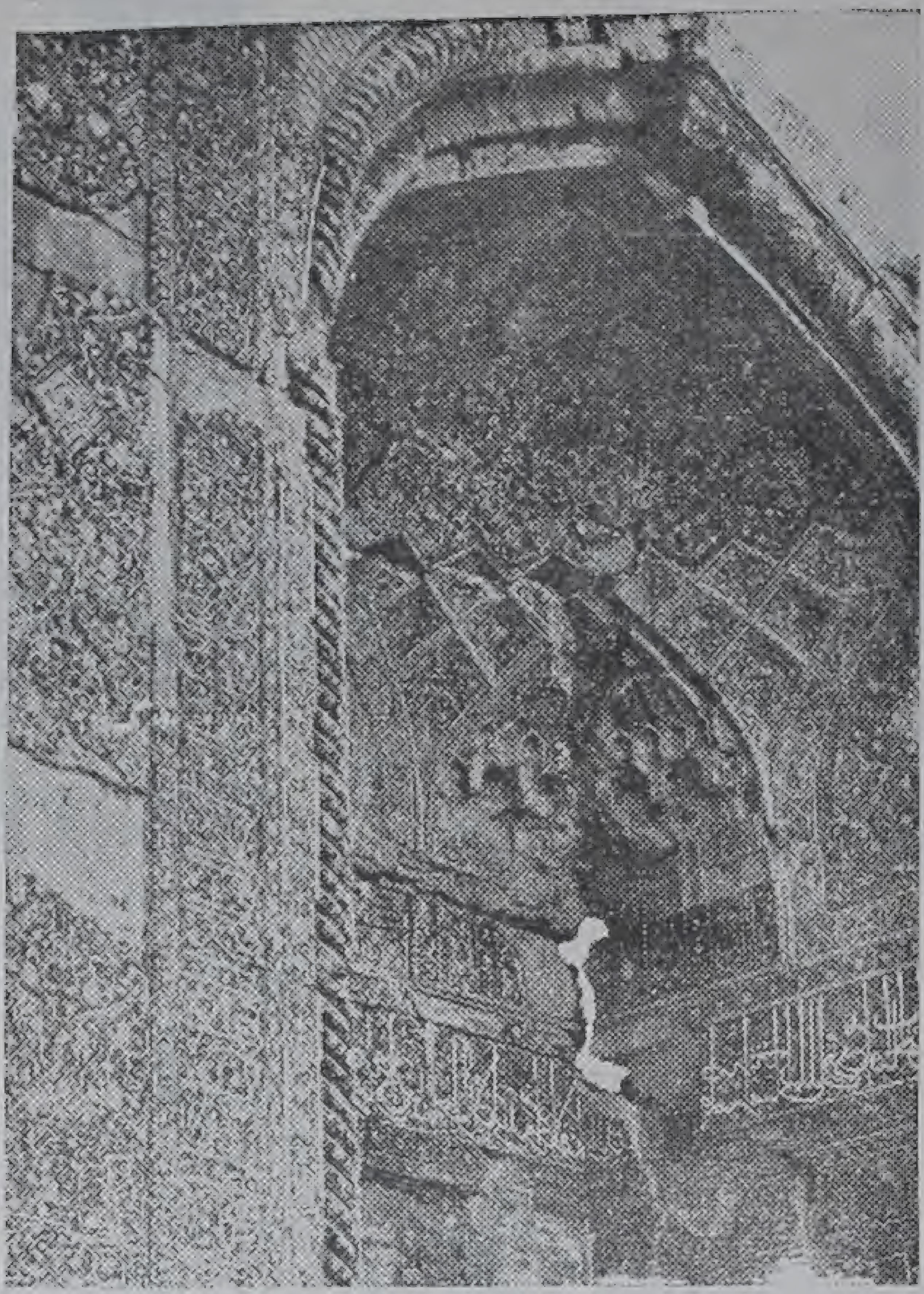
«قدامر السلطان‌الاعظم‌الاعدل الافخم مالک‌رقاب‌الامم‌ماحی‌اساس‌الظلم والطغیان مالک‌ملوک‌الزمان‌ابوالمظفر سلطان شاه‌عباس الثانی‌الصفوی الموسوی الحسینی بهادر خان خلدالله تعالی ملکه وسلطانه وافاض علی‌العالم بره وعدله واحسانه مادام الافلاک دوارة والنجوم سیارة بصنعة هذاالاسطرلاب»

ودرپشت ام آن کنده است .

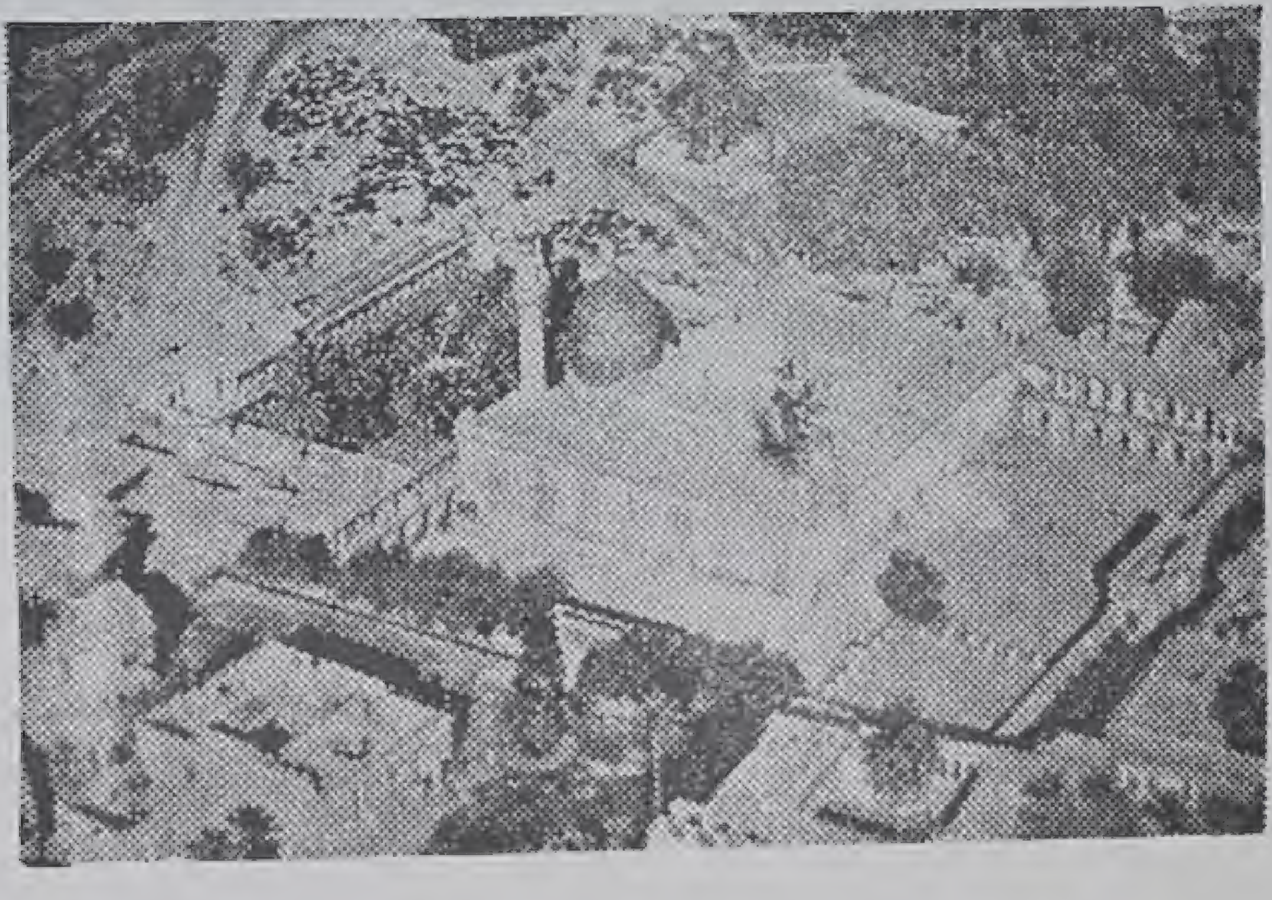
«بوقوف اقل عبید عتبة‌العالیة الخاقانیة محمدشفیع‌المنجم‌الجنابدی» «وقد صنعه محمد مقیم‌الیزدی فی‌سنة غنزالهجریة .» «غنز» حساب ابجد یکهزار و پنجاه و هفت میباشد . ۱۰۵۷

درکتابخانهٔ موزهٔ بریتانیائی، یک نسخهٔ مهمی درشرح بیست باب کتاب ناصرالدین طوسی درمعرفت اسطرلاب، بشماره «Add - ۲۲۷٥۲» یافت میشود.

مؤلف آن نظام‌الدین عبدالعلی برجندی شیخ‌الاسلام هرات بوده، که درسال ۹۱٦ هجری در - گذشت. آن‌عالم فاضل شرح مفصلی در تعریف زیج سلطان الغبیک نوشته و مدلل نموده، که آن بهترین وصحیح‌ترین زیجی است که بزبان فارسی تألیف گشته است. میگوید اززمان پیشین منجمان



(ش۷۲) مسجد کبود تبریز



(ش۷۳) قصر متوکل سامرا



(ش ۷٤) کاظمین



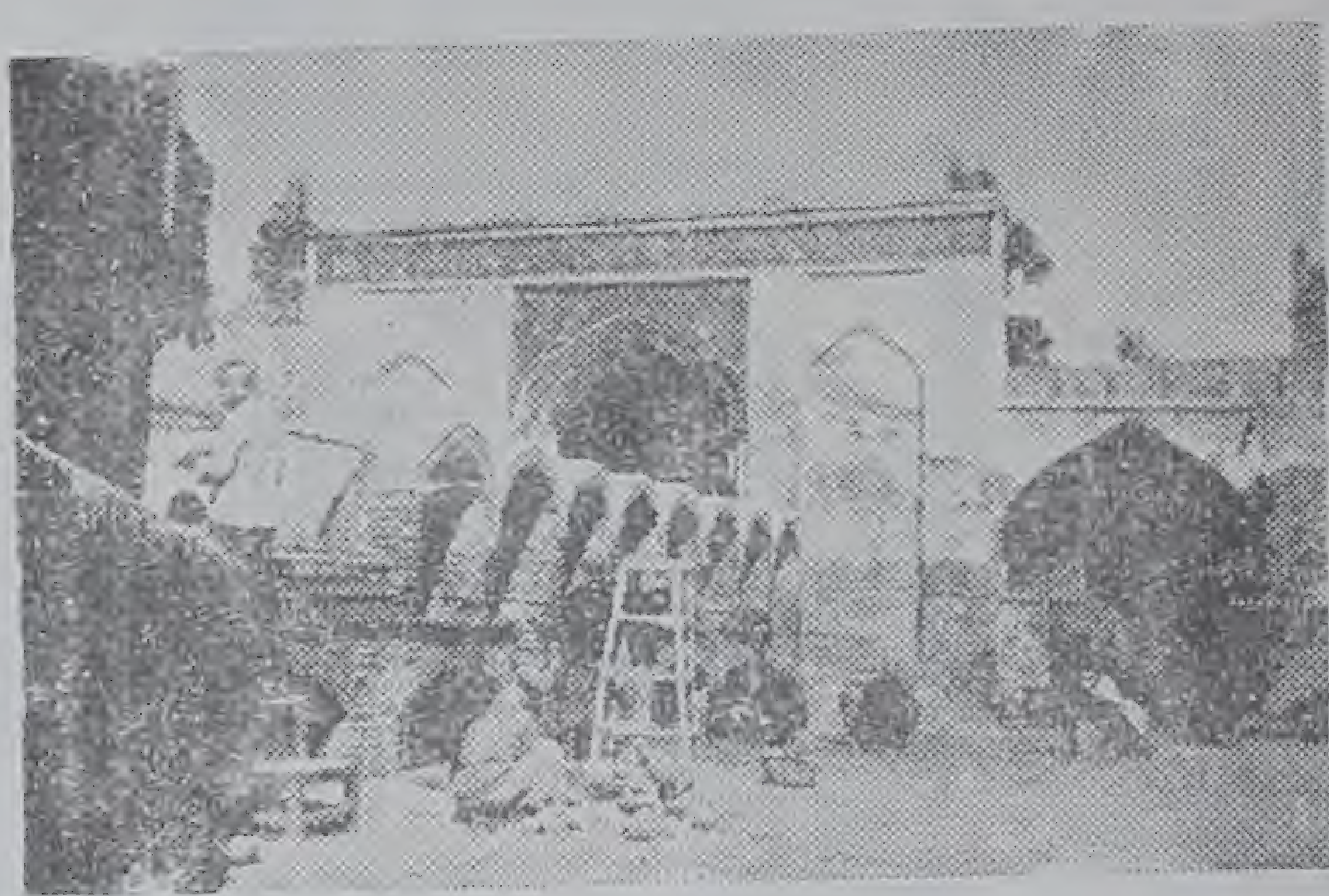
(ش ۷۵) بارگاه امام حسین کربلا





(ش۷۷)	کاظمین

(ش۷٦)	ساعت حضرت امام حسین کربلا



(ش۷۷)	خارج جیحون


طوس، مقبره شاعر شهیر - فردوسی

(ش۷۸)


چهارده معصوم
طهران دروازه خراسان

(ش۷۹)



(ش۸۰) برج مسجد سبزوار



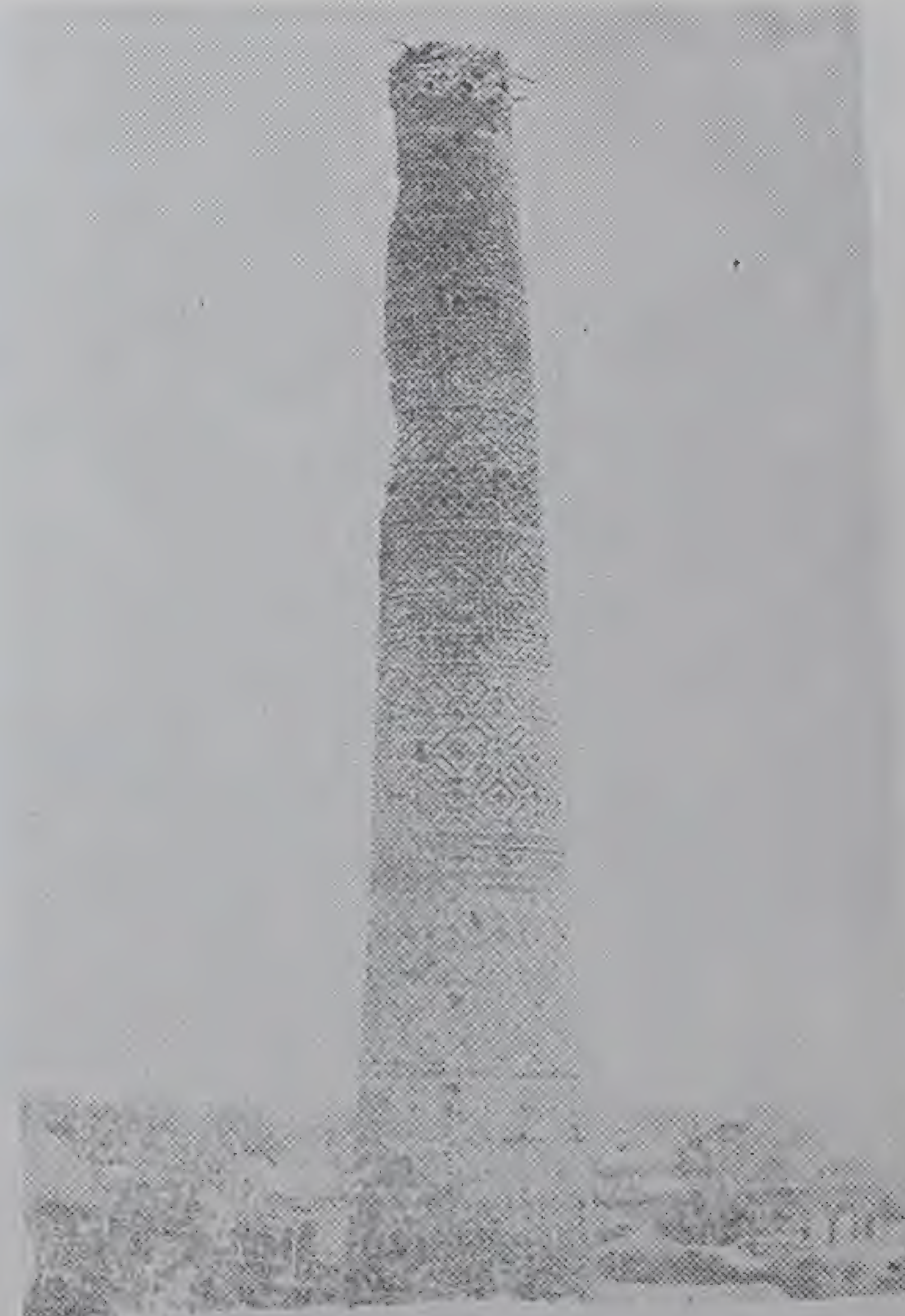
(ش۸۱) هانی بن عروه >



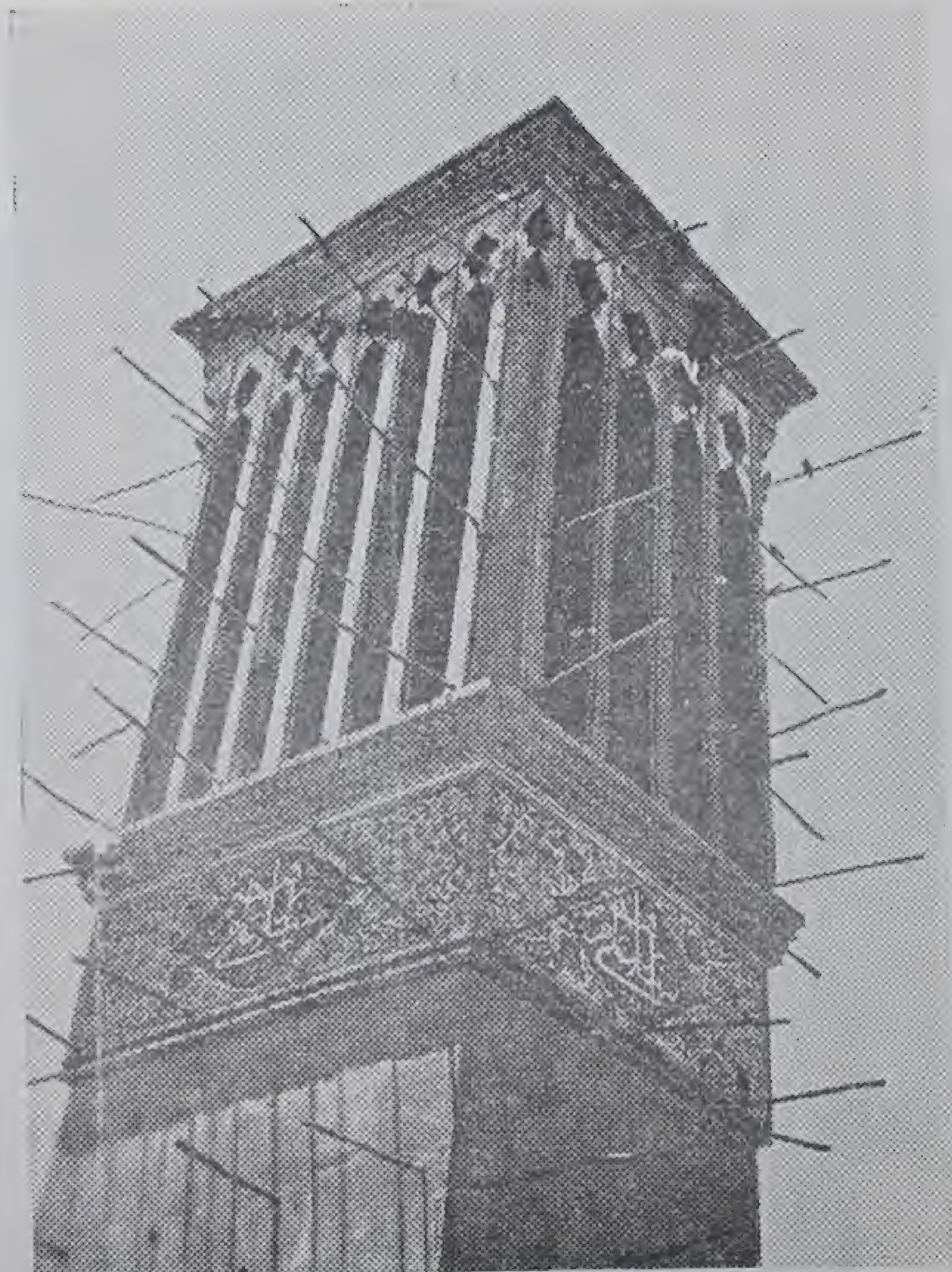
(ش۸۳)



(ش۸۲) سقاخانه طلا



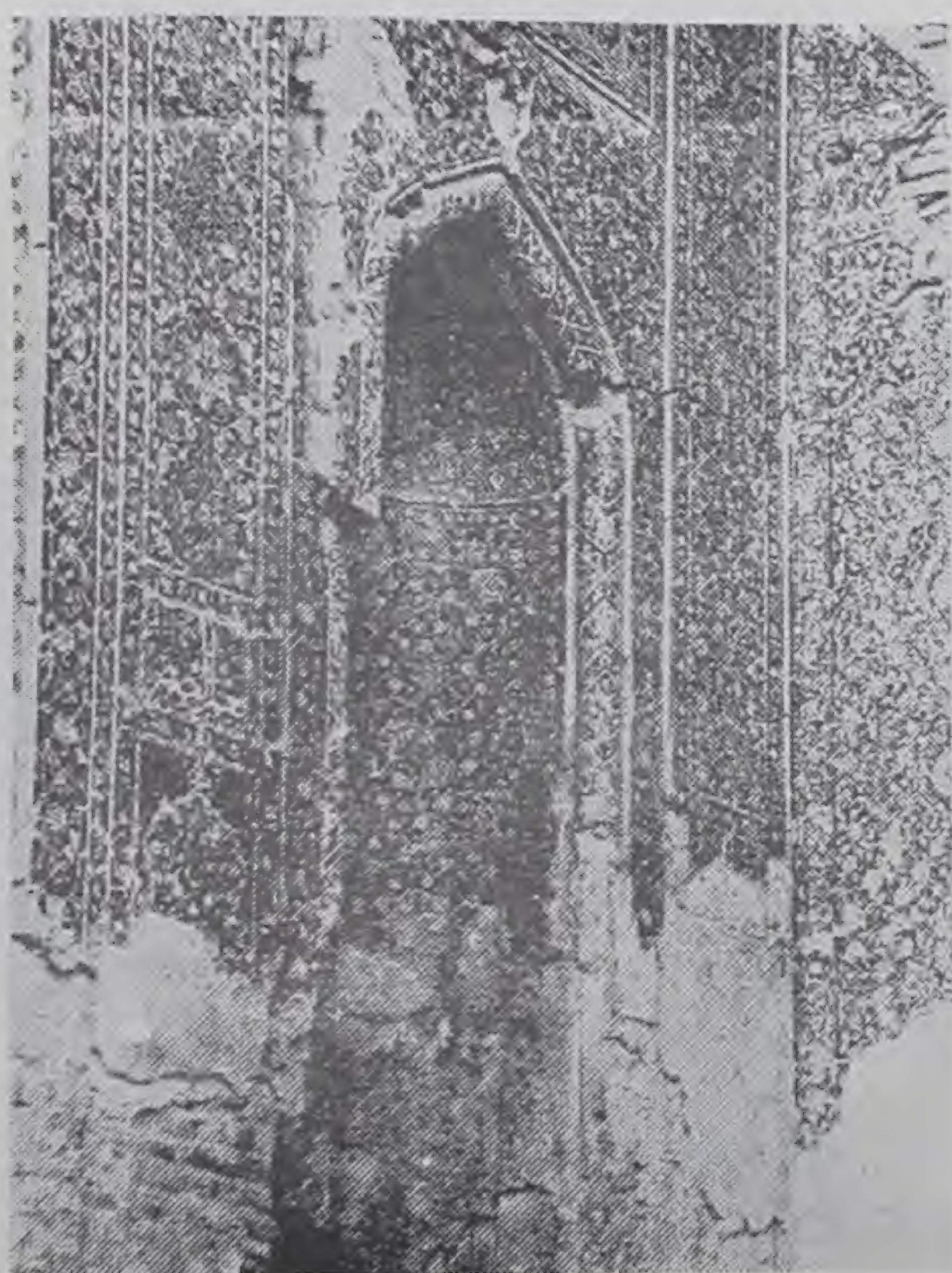
(ش ۸۴) منارهٔ تاریخی دامغان



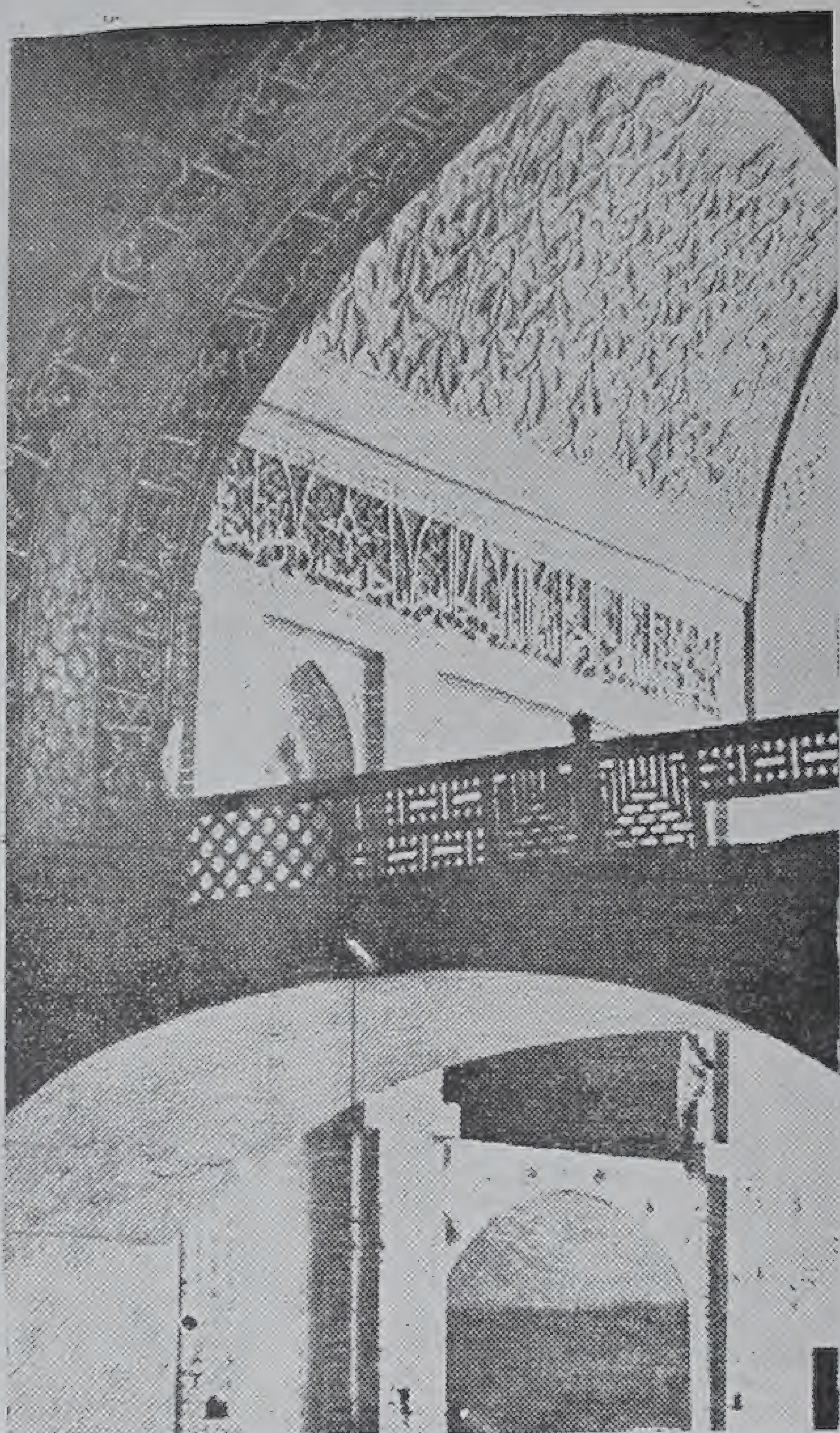
(ش ۸۵) مدرسه ابراهیم‌خان کرمان



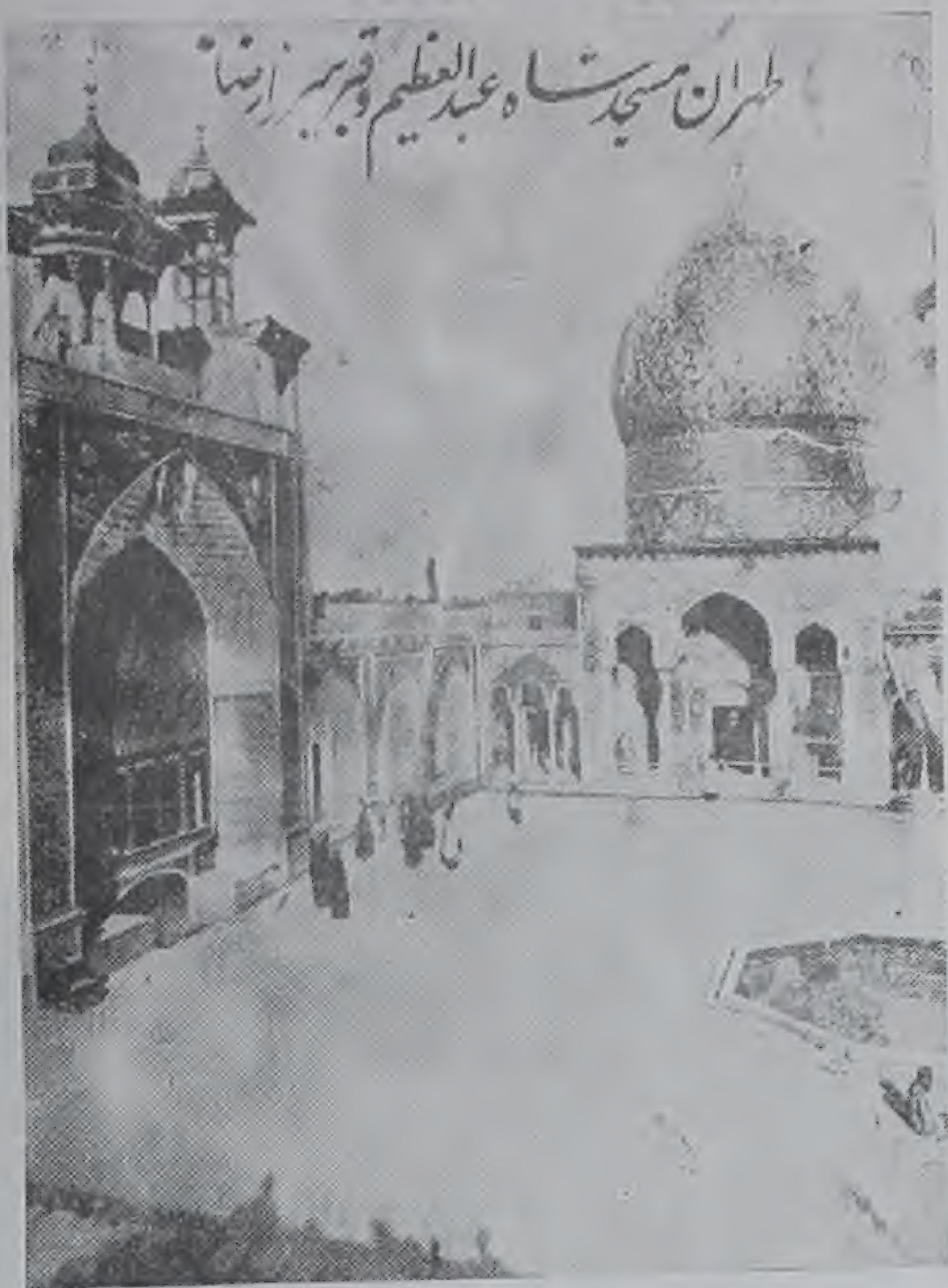
(ش ۸۶) مسجد جامع ابرقو



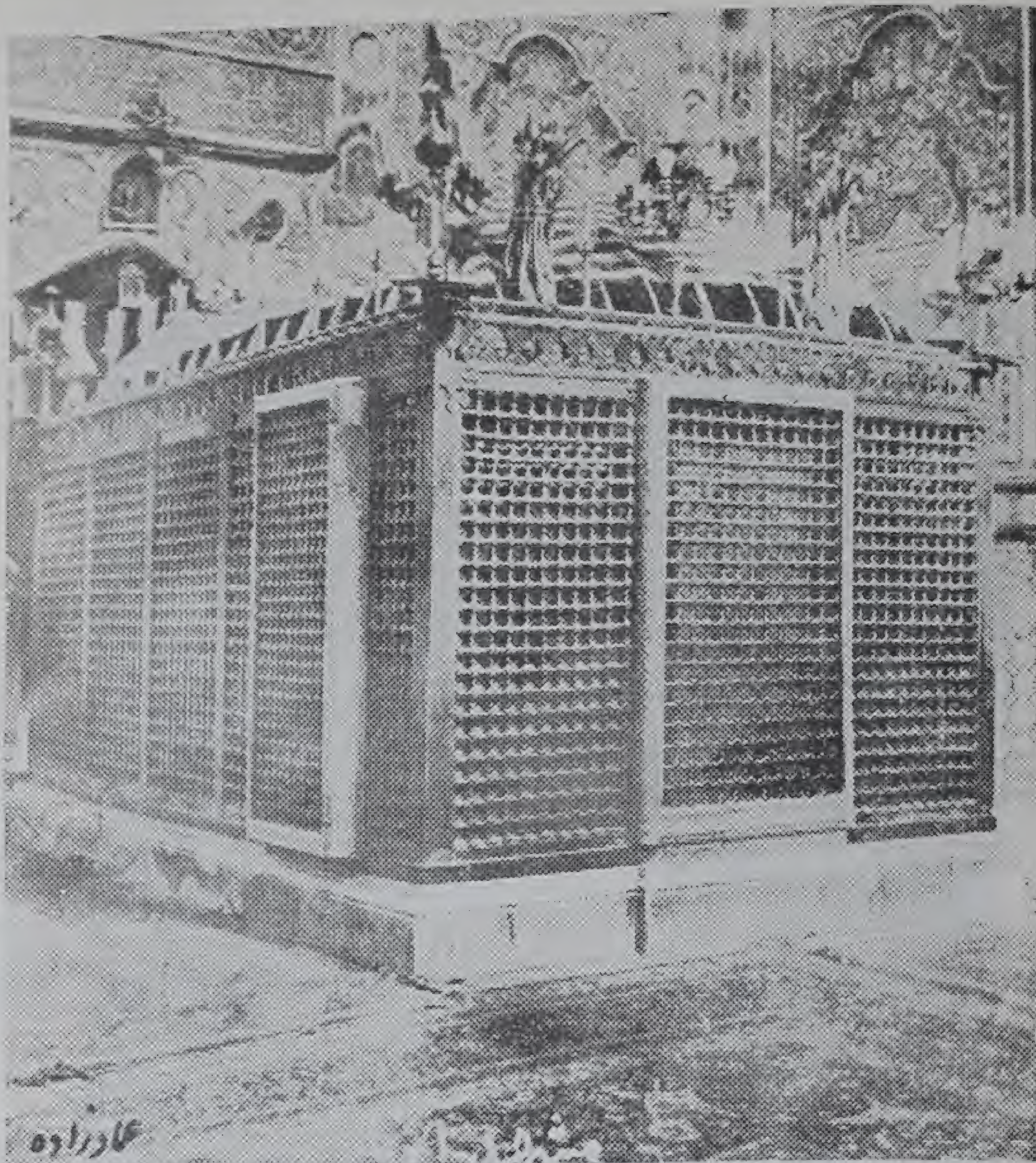
(ش ۸۷) گچ‌بری مسجد کبود تبریز



(ش۸۹) مسجد جامع اردستان



(ش ۹۰)



(ش ۹۱)　ضریح امام رضا





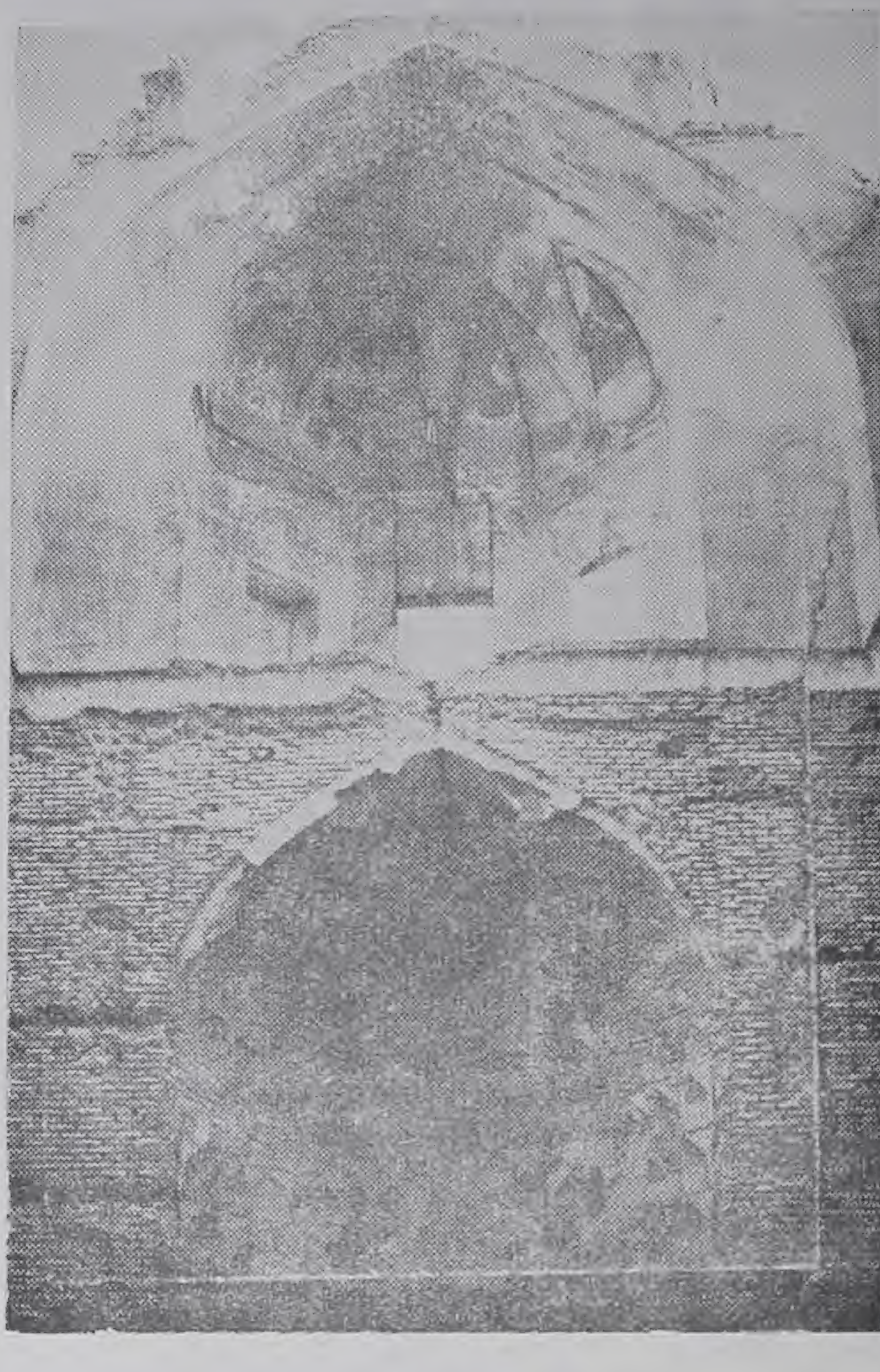
(ش۹۲) مسجد سلطانیه



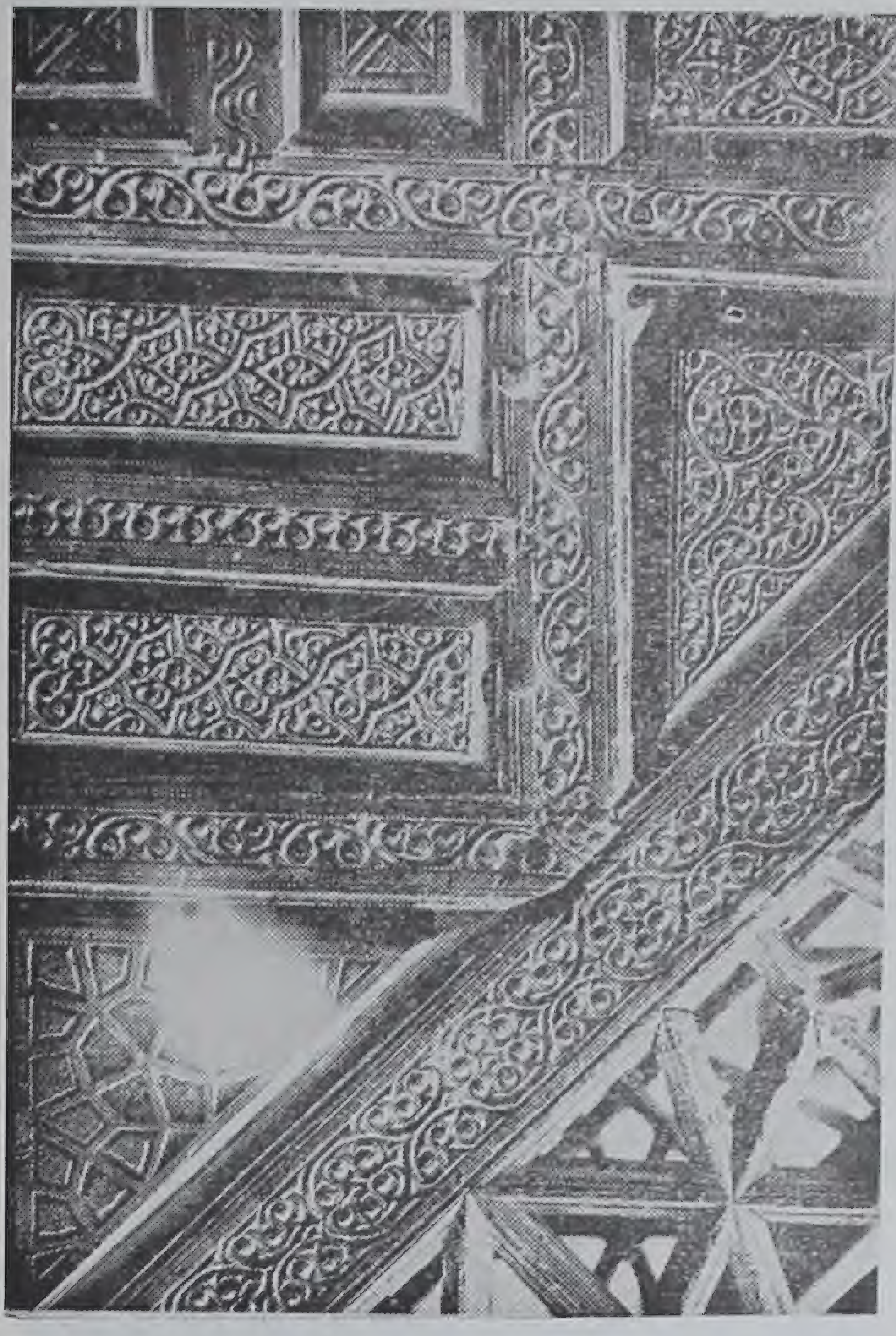
(ش۹۳) مسجد کبود تبریز



(ش ٩٤) مسجد نائين



(ش ۹۵) سلطانیه



مسجد نائین (ش ۹۶)

ایرانی اسطرلاب رااز برای دانستن ارتفاع آفتاب وکواکب و مطالع بروج درخط استوا استعمال میکردند. وهمچنین بواسطهٔ اسطرلاب عرض‌وطول هرشهرویاکشوری راویاعمق‌چاه‌آب ویاطول‌مناره ویا دیوار و عمود کوه راپیدا میتوان کرد.

مسلمین درصنعت نجاری

مسلمین دراسلوب نجاری ودرودگری ونقش و تزیین و رنك روغن دادن بچوب درشهرهای اروپاکه پیوستگی باعرب‌داشت مانند **اسپانیا وجنوب فرانسه جزیره سیسیل** - تأثیری بسزا کرده واز مسلمین تقلید نمودند واقسام در وپنجره و غیره‌را بسبك وسلیقه خود ساختند وفنون‌منبت کاری وخاتم سازی ونقش و نگار روی چوب و ساختن اشیاء مختلف ازچوب همه‌جزء صنایع مسلمین بشمار میرود که باروپا منتقل گردید واز قرن‌نهم ودهم پس‌از جنگهای صلیبی غربی‌ها شروع بساختن وتقلید نمودن از سبك نجاری مسلمین نمودند.

آثار صنایع ظریفه مسلمین درنجاری ازصندوق های نامی برمزار ائمه اطهار واماکن متبرکه واعتاب عالیه ومنبرهائی که درمساجد بزرك‌جهان ساخته‌اند ودروپیکری که درعمارات مجلل‌مسلمین درجهان باقی است مانند قصور سلطنتی سلاطین ایران وهند وعراق وحجاز وشامات وفلسطین وغیره همه‌شاهد وصادق نیروی صنعتی مسلمین است.

مسلمین در اختراع شیشه

یکی از اختراعات مسلمین شیشه‌سازی و فنون آرایش آن است کهاز مشرق اسلامی بمغرب اروپائی رفت.

مسلمین فن شیشه‌سازی را در قرن دوم تا پنجم اختراع و ابداع کردند واز ایران بیاندقیه رفت ودر قرن هفتم هجری درآنجا پیشرفتی کرد ومسلمین ساکن درآن شهر این هنررا آموختند واروپائیان از مسلمین فراگرفتندو دراین‌فن‌مهارتی بسزایافتند وآرایش والوان واشکال وصوران ازمسلمین‌درقاهره موجود است‌مخصوصاً در «**دارالاثار العربیه**» قاهره نمونه‌های بارزآن مشهود است.

مسلمین درهرشهری فن‌شیشه سازی راجزء کسب های عادی قرار داده و معمول بود اخیراً که نهضت صنعتی اروپا ظاهر شد این فن بصورت زیباتری درآمد و معذلك هنوز در اکثر شهر های اسلامی ٤٦ کشور جهان کارخانه های شیشه‌سازی موجود است که ازقرن دوم شروع گردیده‌و منتشر شده است:

مسلمین در صنعت کاغذ

دراین عصر که تمدن بکمال خود رسید . اهمیت کاغذ برهمه روشن است وباید گفت قوی‌ترین عوامل و بزرگترین موجبات تمدن وترقی وتعالی است.

تاریخ شاهد گفتار است که ملل اروپائی تاقرون وسطی مدتها تحریرات آنها روی پوست میشد وچین‌هم کاغذی ازابریشم اختراع کرده بود و متخصصین اروپا می گویند اولین کتابی که روی کاغذ آمده دراروپا ١٤٩٨ میلادی است.

درحالی که کاغذ رامسلمین ازچین بسمرقند بردند و بافتح سمرقند این صنعت آنجا اقتباس شد وبجای پارچه وپوست مورد استفاده قرار گرفت و بسرعت بپایتخت خلفای عباسی رسانیدند و دفاتر دیوان خلافت باکاغذ ساخت مسلمین تنظیم وتدوین گردید وچون کم بود **فضل بن یحیی برمکی** دستور داد دربغداد کارخانجات کاغذ سازی بوجود آورند وخورد خورد رونق و توسعه یافت

واز عراق بشام رفت ودر مصرهم کاغذ سازی داشتند که باصنعت وفن جدید تکمیل گردید واز پنبه و کهنه کاغذ ساختند وبهترین کاغذی بود که هنوز کتب هزارسال پیش بلکه سیزده قرن پیش‌از قرآن ها وصحایف باقی‌است واین صنعت منتشرشد درخان بالغ وایران وهند رونقی بسزا یافت تاباسپانیا رفت وملل اروپائی کاغذرا ازمسلمین‌میگرفتند نهایت آنکه خط وسواد درآنها بسیار کم بود مانند عصر قبل‌از اسلام عربستان بوده واروپائیان موقعی از خواب بیدار شدند که مسلمین مراحل تکامل راپیموده بودند وبناچاردست احتیاج بسوی‌آنها دراز کرد و کتابی‌را که کاسپری در کتابخانه اسکوریان بدست آورد.

درتاریخ ۱۰۰۹ هجری نوشته‌شد در کتابخانه های اروپا قدیم‌ترین کتب خطی است وکاغذآن ساخت کارخانجات مسلمین است.

در هندوستان هنوز همان روش کاغذ سازی اسلامی که در عهد مغول بهند رفت ادامه دارد و آثار صنعت کاغذ ایران وافغان وعراق وخوارزم وماوراءالنهر وترکیه وغیره درکتابخانه های همان کشورها موجود است.

چنانچهٔ قرآن روی کاغذ اسلامی بخط عثمان که بخون آلوده شده موجود است و صدها بلکه هزارها کتب‌دیگر روی این‌کاغذ هاهست که همه معروف هنر وصنعت مسلمین میباشد.

آنچه ملل اروپا از کتب مسلمین فراگرفتند

درمورد تطورات وجنبشهای اسلامی آنها که با پیشرفت مسلمین معاصر بودند از آمیزش خود آنهایاازمدارس‌وآموزشگاههای‌آنهارافرا گرفتند وآنموقع که قطع روابط شد و جنگهای صلیبی فاصله انداخت بین مسلمین ونصاری علوم وتمدن اسلامی را از کتب مسلمین فراگرفتند وآنچه از کتب آنها گرفته‌اند اجمالا بدینترتیب است.

تاریخ وجغرافیا

درسابق تاریخ جزوعلوم شمرده نمیشد ولی امروزازعلوم‌مستقلی است که درمسیر علوم قابل استفاده بلکه شخص و ضمیر علوم و فنون است.

تاریخ بدینجهت که گویندگان اکثر آلوده باغراض بودند مورد اعتماد نبود وباآنکه‌آمیخته بتملق و رعب و و یا تطمیع میشدند دربیان حقایق شك وتردید حاصل میشد ولی امروز دستهٔ‌محقق درهرملت هستند که باتوجه بتمام آثار وعلوم وفنون ومکتوبات ومطبوعات مخالف وموافق حقایق را استخراج میکنند وتاریخ خود مستقلا ازاینجهت علمی شده است که عوامل و علل مرعوب شدن یا مجذوب بودن را برطرف میسازد و بدون تمجید و تعریف و یا قدح وذم بی‌جا مطلب را کشف مینماید.

وچون تاریخ آئینه سرتاپانمای‌اوضاع واحوال گذشته گان است و حتی در کتب آسمانی هم از قصص واخبار گذشته گان‌برای تربیت اندیشه‌وتشحیذافکار بمنظورقضاوت درنتیجه نهائی حیات‌اجتماعی نقل اخبارشده نمیتوان ازتاریخ صرف‌نظر کرد وقرآن بشرحی که درتاریخ انبیاء نوشته بیش ازپنجاه پیغمبررا باملل گذشته یادآوری ازنظرنتیجه عملی آنها میفرماید و امام‌المتقین امیرالمومنین ع در نهج‌البلاغه میفرماید:

وان اکم‌فی‌القرون‌السالفه بعده گذشتن ایام روزگاربیشینیان‌عبرت‌واندرزوسرمشق‌است

و بحکم این سنت آسمانی که منبع اطلاعات جهانی است همه ملل بتاریخ علاقمند شده‌اند مسلمین که درفن کتابت وتالیف وتصنیف وجمع اخبار گذشته گان از ملوك وعلماء و اجتماع بشر تفوق وتقدم زمانی ومکانی وعلمی برملل اروپائی دارند از ۱٤ قرن پش اخبار وحکایات بسیار جمع آوری میکردند - کتب بسیاری ازمغازی وجنگهای پیغمبر را اصحاب نوشتند که تاکنون موجود است کتاب ابوجعفر محمدبن جریرطبری از کتب جامع ومقدم این فن بشمار میرود که از آغاز آفرینش تاقرن سوم هجری ۹۱٤م را نگاشته است تاریخ مسعودی مروج الذهب که باه ۲ سال رنج تهیه نموددرهمان قرن سوم از کتب نفیس تاریخ است که تا ۹٤۱ نوشته وماچون کتب تاریخ اسلامی رادرجلد دوم تاریخ مفصل اسلام نقل کردیم اینجا تکرار نمیکنم آنچه مسلم است **حاجی خلیفه در کشف الظنون** یکهزار ودویست مورخ را یاد نموده ودر کتاب **الذریعه الی تصانیف الشیعه** قریب پانصد مورخ را از شیعه نام برده است .

بااین مقدمات باید گفت مسلمین درتاریخ هم تقدم وتفوق برملل دیگر داشته‌اند.

درفن جغرافیاهم که مستلزم باتاریخ است همین تقدم را داشته : **ابوالقاسم ابن حوقل** جغرافیدان مشهور اسلام در نتیجه ۲۸ سال مسافرت وسیاحت یگانه کتاب نفیس که مورد توجه جهانیان است او نوشت .

من روی زمین را طولا وعرضا بیان نموده‌ام عموم کشورهای اسلامی را شرح داده‌ام بهر مملکتی یك نقشه ضمیمه کرده وتمام اماکن مختلفه نشان داده‌ام مسائل متعلق بهر کشور از بیان مرزها- شهرستانها - قصبات شطها- نهرها - دریاها - محصولات انواع زراعات وغلات وطرق وشوارع وفواصل آن باکشورهای همسایه کالاهای بازرگانی وبالاخره هرچیزیکه علم جغرافیارا دردیدن پادشاهان وزراع مطبوع ومرغوب قرار دهد درکتاب من یافت میشود .

ابوریحان بیرونی که بامحمود غزنوی بهندوستان رفته تاریخ وجغرافیای هند را نگاشته است **ابوالحسن علی بن ابوالقاسم** که درقرن ششم میزیسته ازجهانگردان مشهوریست که بافریقای شمالی سفر کرده ازمراکش تامصر رابانقشه افریقا وتطبیق باحساب بطلمیوس نگاشته و عرض و طول ٤٤ مکان راتعین و کشف نمود.

ابن بطوطه سیاح معروف - ابن جبیروغیره بسیاری ازسیاحان اسلامی تاریخ وجغرافیای ممالك اسلامی رانوشته‌اند که سرمشق تاریخ نویسان وجغرافی‌دانهای اروپاشد وقریب چندقرن کتب تاریخ وجغرافیای مسلمین دردانشگاههای اروپا تدریس میشد .

چیزیکه جالب توجه است این است که راجع بمنابع رودنیل اروپائیان بزحمت افتادند در حالی که ادریسی‌دریکی ازنقشه‌های خود آنرا نشان داده است وباید گفت هر کس مسلمین رادراین فنون انکار وتکذیب بنماید اوخود ازجهان اسلام و اسلام درجهان بی‌خبر است گوستاولوبون و جرجی‌زیدان حق مطلب را دراین فنون ادا کرده ونوشته‌اند آثارتاریخی وجغرافیائی مسلمین رادر تمدن اروپا نمیتوان تکذیب کرد وبقدری اطلاعات آنها از دنیا وسیع بود که قابل انکار نیست و مسلمین گوی سبقت را در همه فنون تمدن از سایر ملل ربوده‌اند - و همه ملل دیگر از آنها گرفته اند -

تحقیقات جغرافیائی مسلمین

مسلمانان درجهازرانی دلیر وهمیشه شجاع ومقتدر بوده‌اند واز فاصله‌های زیاد ومسافتهای خود هیچ اندیشهٔ نداشتند ایمان ـ صبر ـ حلم ـ سبکباری ـ قناعت ـ تحمل بر رنج آنهارا دراین راه موفق ساخته حتی امروزهم بقصد زیارت مکه ممالك دوردست همیشه سختی قطع مینمایند تابمنظور برسند ـ اروپائیان که بزحمت زیاد تاوسط افریقا میرسند کاروان مسلمین رامی‌بینند که برای مکه بایك نظر ساده بسفرعادی تلقی کرده ودرحرکت هستند .

مسلمین دراوایل اسلام روابط وتعلیقات تجارتی خود را باممالك بعیده مانند چین و روسیه و نقاط غیرمعلوم افریقا برقرارنمودند درحالیکه اروپائیان آنروز ازآنجاها اطلاعی هم نداشتند .

ابتدای امرجهانگردان اسلام بنام بازرگانان بقصد تجارت مسافرت میکردند ـ واز آنجمله سلیمان یکنفر بازرگان عرب درقرن دوم هجری بچین مسافرتی نمود وسفرنامه نوشت که آنرااولین سفرنامه مسلمین باید شمرد این سفرنامه درسال ۸۵۱م نوشته شده و ابویزید یکی از هموطنان او ۲۳۱ھ

آنرا درسال ۸۸۰م تکمیل کرد وازحالات چین وجهانگردان مسلمین درسفرنامه خودبیاناتی دارد که شایان توجه است سلیمان ساکن بصره بود وچندین مرتبه بهندوچین سفرنمود ازکلیه‌سفرنامه اویك جلد درکتابخانه دولتی پاریس موجود است ومسیودینو درسال ۱۸۴۵م آنرا دردوجلد بفرانسه ترجمه وطبع کرده است (۱) سفرنامه سلیمان اولین کتابی‌است که راجع بچین دراروپا شایع گردید ودراوایل قرن ۱۹ ترجمه شده است مسعودی‌متوفی ۳۴۶ ازمشاهیر مورخین ودانشمندان بغداداست که ۲۵ سال اوقات خودرا بمسافرت مصروف داشته ونقاط اسلامی وممالك همجوارمثل هندوستان و غیره راگردش کرده است که مروج‌الذهب اخبارالزمان ـ التنبیه والاشراف وغیره ازآثار اوست

ابن‌خلدون نیزازمورخین‌مشهورجهان است که چهارصدسال پس‌ازمسعودی میزیسته وازکتاب مسعودی تقدیرمینماید ازعلمای جغرافیا ابن حوقل است که ۲۸ سال مسافرت و سیاحت کرده و چنین مینویسد .

« ن روی زمین راطولا وعرضا بیان نمود وکلیه کشور های و مرزهای اسلامیرا شرح داده‌ام ـ راجع بهر کشور یکنقشه ضمیمه آن میباشد که در آن تمام اماکن مختلفه رانشان داده‌ام ـ مسائل متعلقه بهر کشوری ازبیان‌سرحدات ـ شهر ـ قصبات ـ شطوط انهار ـ بحار ـ محصولات اقسام زراعت ـ غلات ـ طرق ـ شوارع وفاصله آن باممالك همجوار اجناس تجارتی مهمه وبالاخره آنچه که علم جغرافیا رادرنظر سلاطین ووزرا یاافراد هرطبقه مطبوع ودلچسب قرارمیدهد درکتاب من یافت میشود»

ابن بطوطه جهانگرد نامی اسلامی‌است که ازسال ۷۲۵ھ شروع بگردش کرده از طنجه روانه ۱۳۲۵م

افریقای شمالی ـ مصر ـ فلسطین ـ عراق عجم تاقسمت‌شمالی عربستان ومکه وازقسمت جنوبی‌روس وقسطنطنیه وغیره ببخارا وخراسان واز راه قندهار وارد هندوستان شده بدهلی که آنوقت پایتخت یکی ازپادشاهان اسلام بود ورود نمود ـ پادشاه آنجا اورا مامور دربار چین نمود بتوسط اوپیغامی

۱ـ صفحه ۶۱۸

بپادشاه آنجا فرستاد واو ازراه دریا بعدازدیدن سیلان ـ سوماترا وجاوه بشهری که حالیه نام آن پکن است رسید وپس‌ازانجام ماموریت دوباره ازطریق دریا بوطن خودبرگشت این سفراو ۲۴ سال طول کشید .

ابن‌بطوطه‌ازاین مسافرت طولانی ملالی حاصل نکرد وپس‌ازچندی عازم دیاراندلس گردید و ازداخل افریقا تابه (تمبکتو)سفرنمود ـ ابن‌بطوطه درسال ۱۳۷۷ میلادی (۷۵۷ ھ) که تقریبا تمام ربع‌مسکون آنوقت راسیاحت کرده بود ودرفاصل ازجهان درگذشت واین سیاح‌دراسلام خدمتی بزرك بعلم‌تاریخ وجغرافیا نمود (۱)

از کتب معروف جغرافیای اسلام ـ جغرافیای‌اصطخری‌ابواسحق‌الفارس‌اصطخری‌درسال ۹۵۱م (۳۴۰ ھ) و جغرافیای مقدس شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن احمدبن ابی‌بکرنیشابوری مقدس صاحب کتاب احسن‌التقاسیم‌متوفی ۳۷۵ سفرنامه بسیارخوبی است .

مشهورترین علمای‌جغرافیای عرب‌ادریس است که کتب اودرلاتینی ترجمه شده ودرقرون‌وسطی تنهابوسیله‌کتب او اینعلم دراروپا شایع گردیده است وکتاب او بیش از سیصدسال جز کتب درسی اروپا بود ـ وکتاب خودرا دراندلس سال ۱۱۵٤م (٥۳٤ ھ) نوشت .

دیگر از کتب معروف‌عجایب‌المخلوقات وآثارالیهود واخبارالعباد شیخ‌زکریای‌محمدالقزوینی است که درسال ٦۰۰ متولدشدو٦۸۲ھ‌وفات کرد.

وکتب ابوعبدالله یاقوت‌حموی بغدادی متوفی ٦۲٦ ـ المعجم‌البلدان‌ومعجم‌الادباء المشترك فی‌البلدان است

کتب رحله‌ها وسفرنامهٔ که بدست ما رسیده در منابع مذکرشده‌ایم

مستشرق ج . ه کریمرز مینویسد اگرمیخواستیم‌نقشه‌ای ازاوضاع سیاسی اروپا وافریقاوآسیای غربی دراواسط قرن دهم میلادی ترسیم نمائیم مشاهده میشد که قسمت اعظم دنیای مسکون‌انعصر بوسیله کشورهائی که حکومت اسلامی وتمدن اسلامی داشتند اشغال شده بود ـ این کشورها بازنجیر محکم ومتفق مذهب‌وفرهنك بیکدیگر مربوط گشته وتمام ساکنین آنهاچه مسلمان وچه غیرمسلمان حس میکردند عضو یك امپراطوری وسیعی هستند که مرکز روحانی و مذهبی آن مکه و مرکز فرهنگی و سیاسیش بغداد است این امپراطوری وسیع سه قرن متوالی همدوش فتح و ظفر پیش رفت .

ازمدینه مرکزعربستان شروع بپیشرفت‌کرد تاسواحل شام ومصر و تمام سواحل افریقای شمالی بانضمام قسمتهائی‌ازسواحل‌اطلس تمام اسپانیا ـ جزایرسیسیلی ـ کوت ساردینیا ـ قبرس همه مورد‌حمله مسلمین قرارگرفت وسواحل جنوبی ایتالیا هم‌تحت فرمانروائی مسلمین درآمد شمال عربستان سوریه وارمنستان ـ جنوب شرقی قفقاز از طرف شرق عراق ایران افغانستان دراختیار آنان بود درشمال این کشورها سمرقند ، بخارا بانضمام نواحی عربی ودرخوارزم درسمت مشرق تا کوههای فرغانه همه زیر

۱ـ صفحه ٦۲۰ تاریخ تمدن گوستاولوبون

نفوذ مسلمین بود از رود ایندوس گذشتند ومسیر سفلای آن تا سند جزو امپراطوری اسلام شد .

ابن حوقل جغرافیانویس سال ۹۷۵م میگوید:

امپراطوری اسلامی درایام حیات ما از کوههای فرغانه شروع شده ازخراسان‌الجبل (مدی) عراق - عربستان گذشته تاساحل یمن میرسد ومسافرت درطول این‌راه چهارماه طول میکشداین‌طول کشورهای امپراطوری اسلام بود .

اما عرض آن از کشور روم از امپراطوری روم شرقی آغاز و ازسوریه عراق - فارس - کرمان گذشته تا دریای فارس و اقیانوس هند میرسد پیمودن این عرض امپراطوری نیز چهار ماه طول میکشد .

اضافه میکند که درطول امپراطوری اسلامی ذکری ازسرحدات مغرب «شمال‌افریقا» واندلس (اسپانیا) نکرده‌ام زیرا اینها شباهت بآستین جامه دارد ومن قسمت اصلی جامه را ذکرنموده‌ام بنابراین عرض وطول کشور پهناور اسلامی چهارماه درچهارماه راه بوده است وروی این‌عرض وطول نقشه کشور اسلامی تهیه شده است که دراین کتاب بنظرخوانندگان میرسد.

اولین نویسنده رساله جغرافیا ابوزید بلخی ازعلمای بزرگ عصرساسانیان بوده است‌وسپس استخری وابن‌حوقل والمقدسی‌وغیره کتب جغرافیائی نگاشته‌اند که درکتاب دیگر شرح آن مفصل ثبت شده است .

حقیقت فلسفه دراسلام

تمام فلاسفه عالم درمیان تمام اقوام وملل بنی آدم درتعریف فلسفه‌این حقیقت راذکر کرده‌اند که **فلسفه رسیدن بحقایق موجود است واعیان عالم وجود است** این تعریف رابیش‌از یکصد وپنجاه نفرازفلاسفه اسلام وایران ویونان وروم وهندوغیره بیان‌نموده‌اندودراجرای‌آن ازدوراه بحقیقت‌راه یافته‌اند .

اول ازراه علم واستدلال که بشربوسیله تعقل وتفکر درحقایق اشیاء بحقیقت یعنی معنی‌فلسفه رسیده است که بنام فلسفه مشاء مستدلا نقل شده

دوم ازراه ریاضیات شاقه‌بحقایق رسیده‌اند که مرتاضین‌هند واشراقین وپهلویین ایران‌پیموده وبحقیقت رسیده‌اند واین دوراه بین ابوسعیدابوالخیر وابوعلی‌سینا شیخ‌الرئیس مورد گفتگو ومناظره قرارگرفت وایندوراه را قبل ازاسلام فلاسفه جهان میپیمودند که فروع آن علوم فیزیك و شیمی و مکانیك شده واروپائیان تحقیق درخواص اشیاء راکه مربوط باین علوم است بافلسفه که نیل بحقایق اشیا وبحث درحقیقت وماهیت ووجود است اشتباه کرده‌اند .

اما حقیقت فلسفه دراسلام این است که پیغمبراکرم (ص) پیروان خودرا برای رسیدن بحقایق ازبین این دوراه برد که اول عقیده وایمان باشد ودوم عمل صالح یعنی مسلمین را ایمان و عقیده و اندیشه پاك تعلیم کرد وعمل صالح ازراه احکام شریعت آموخت طبق کتب فقه شیعه امامیه واین‌راه کوتاه‌ترین وروشن‌ترین وصاف‌ترین‌راه‌رسیدن بحقایق اشیاء بود که بزودی مسلمین بحقیقت‌رسیدند ومشاهده حق وحقیقت نمودند واین بودفلسفه حقیقی اسلامی.

اسلام درفلسفه مباحث را ازنقطه نظرتاثیرنهائی زندگی موردبحث قرارداده است نه‌آنکه بحث فلسفی یافیزیکی یاشیمیائی رابمنظور خواص عنصری یاحقیقت‌شناسی ماهیت یاوجود آن بمیان آورده

باشد ـ ولذا مییبینیم درقرآن مجید مباحث علمی درخلال بیان سر گذشت پیشنیان وقصص انبیاء و رسل وسر گذشت ملل واقوام پیشین بوده است که ازنظر نتیجه عمل وضع آنهارا کـه خواهی نخواهی درنشئه عالم طبع تحت تاثیر عوامل طبیعت قرارداده وازآن تعبیربفلسفه وفیـزیك وشیمی و مکانیك و طبیعیات نمیشده‌اند .

وما برای نشان دادن یك نمونه کوجك علمی که ازنتیجه عمل بدوخوب اقوام گذشته بیان‌شده ولی تاثیراتم و بمب باران سرزمین های مسکونی را درخـلال بحث اساس دینـی تشریح و توصیف فرموده است .

اتم درنظر قرآن

قال الله تعالی فلما جاء امرنا جعلنا عالیها سافلها و امطرنا علیهم حجارة من سجیل منضود مسومة عند ربك وماهی من الظالمین ببعید آیه ۸۵ سوره هود

قرآن درس‌فلسفه وفیزیك وشیمی وتجزیه وتحلیل نمیدهد امـا درضمن بیان حال اقوام گذشته سرنوشت آنهارا که تجری درمعصیت کردند وبآیات الهی وپیغامهای پیغمبران قانع وراضی و آرام نشدند آنها را بقدرت بی‌پایان خود باهمین عواملی که درعالم طبع آفریده زیروزبر ساخته ونـابود نمود وطریقه نابودی آنهارا بنحوبمباران اتمی وصف میفرماید که بایك مقدمه کوتاه این حقیقت را تشریح نمود.

درفلسفه نظری ثابت شده که دیدن اشیاء واحساس وادراك بشر دراین نشئه عالم طبع بمقدار استطاعت وقدرت وتوانائی بیننده است نه بمقدار واقعی و حقیقت آن زیرا وضع ومحاذات ومحل ملاقات وتلاقی ودیدن وحرکت همه موجود است درحال تغییر است که انشتین فرضیه خودرا باتوجه بهمین جهات بآزمایش گـذاشت و از راه فیزیك ثابت نمود ویك فرضیه نسبی مسلمی بعالم علم پیشنهـاد کرد .

بنابراین همه‌چیز درحال تغییر وتبدیل وحرکت است هیچ موجودی آرام وساکن نیست .

شد مبدل آب این جو چند بار عکس ماه وعکس اختر برقرار

دین مقدس اسلام که دین علم وعقل واستدلال و برهان است و اصول فلسفی رادر خلال احکام شریعت مورد بحث قرارداد.

ولی از نظر تأثیر عمل بمثال آورده که حد کمال رشد عقلی اسلامی را متضمن نقل اخبار گذشته‌گان بیان فرماید چنانچه قرآن مجید درسه سوره موضوع اتمرا ازجهت نتیجه واثری که در مواد عالم طبیعت بجا میگدارد بیان فرموده وآنرا ذخیره منبع غیبی برای انتقام از متجاوزین بـه حقوق بشری قرارداده تاخردمندان ومتفکر وروانشناسان جامعه ازاین تعلیمات دینی متضمن باصول علمی هدف اصلی‌را دریابند وچون درآن عصر بیان پیدایش واثر بمب اتمی غیرقابل درك بود بلکه قرنها بعدهم درك‌این آیات‌واخبار مفصله غیرقابل فهم‌بود بصورت یك‌خبر آسمانی دروصف گذشتگان ذکرشده ونتیجه‌حال ملل‌واقوام ظالم‌وستمگر بیان‌شده است.

شکی نیست که قبل‌از پیدایش برق اگر می گفتند بایك کلید چراغهای همه خانه ها روشن می‌شود یـامی گفتند یك‌دستگاه آهنی بدون اسب والاغ حرکت می کند یاچند آهن درفضا حرکت می کند قبول‌آن بسیار مشکل وگوینده را متهم بجنون میکردند ـ تاکم کم دیدیم وهضم و تحلیل شد وبااین مقدمه اگر آنروز میگفتند یك بمب اتمی می‌تواند یك‌شهری را نابود کند درك این

حقیقت بسیار دشوار بود لذا خدای عالمیان دروصف تأدیب متجاسرین بشری این حقیقت علمی را بیان فرمود.

درسوره ۱۵ والذاریات تاآیه ۳۵ می‌فرماید:

قالوا انا ارسلنا الی قوم مجرمین لنرسل علیهم حجارة من طین مسومة عند ربك للمسرفین فاخرجنا من کان فیها من المؤمنین.

یعنی‌ما فرستادیم حربه آتشین برای مجرمین و گناهکاران که پس‌از زیروزبر کردن آنها سنك ریزه هائی که ازخاك بآتش آمیخته است برای اسراف کنندگان درشهوات فرستادیم و مؤمنین را راازمیان آنها بیرون‌برده حفظ کردیم.

در سوره هود ۱۱ آیه ۸٤ در باره قوم لوط و اسراف آنها در نافرمانی و ارتکاب شنایع افعال فرمود.

قالوا یا لوط انا رسل ربك لن یصلوا الیك فاسر باهلك بقطع من اللیل ولا یلتفت منکم احد الا امراتك انه مصیبها مااصابهم ان موعدهم الصبح الیس الصبح بقریب

فلما جاء امرنا جعلنا عالیها سافلها و امطرنا علیهم حجارة من سجیل منضود مسومة عند ربك وماهی من الظالمین ببعید

درتفسیر علی‌بن ابراهیم نوشته حضرت لوط پیغمبر هرچند مردم را ارشادودعوت‌بخدا وفضیلت اخلاقی کرد اورا اجابت نکردند وبخانه رفت تااز بیم‌دشمن محفوظ بماند. قوم‌هود درهارا‌شکستند دیوار راخراب کردند، تااورا بکشند واز خداوند برای قوم خود تقاضای عذاب کرد جبرئیل آمد گفت موقع عذاب صبح‌است حضرت لوط گفت صبح دیر است جبرئیل گفت صبح نزدیك است چون صبح شد عذاب برایشان نازل شد وقرآن وصف عذاب نازل کرد نراچنین فرموده است.

ما امر فرمودیم شهر آنهارا زیرورو کنند و از سنگریزه های آتشین پی درپی بوسیله عوامل نامرئی وقوی جوی بر آنها مثل باران فرو ریختند تانابود شدند واین «اتم» سنگریزه های آتشین که در ذخیره خانه عالم طبیعت بسیار وجود دارد از مردم ستمگر دور نیست ومستعد قیام و انتقام هستیم چنانچه در این آیات توجه شود وجود اتم وخاصیت آن وعوامل‌ریزش آن دربالای سراقوام ونتیجه آنکه زیر وزبر کردن یك‌شهر و نابود ساختن تمام مردم آن سرزمین است وصف شده است.

بحث فلسفی درباره اتم

تطوروارتقاء فلسفی ثابت کرده که جزءلایتجزی قدما فلاسفه باطل گردیده وآن عنصرجوهرفرد نه وجود ذهنی دارد نه‌وجود خارجی بلکه صرف تصوراست.

متاخرین آن تصور راباطل نموده‌وذره راهم قابل تجزیه وشکستن شناختند وثابت نموده‌اند آن ذره‌ای که بهراندازه کوچك‌باشد قابل‌تجزیه وشکستن است وهیچ‌چیزی‌درعالم بحال بساطت‌وجود ندارد تمام موالید وعناصر وجودتر کیبی دارند وصورت‌آنها خلع ولبس میشود صورواعراض برماده وارد میگردد وهرموجود جدیدی که می‌بینند که صورت سابق خودرا ازدست داد. ولباس نوی‌پوشیده است ــ ولذا تفسیر بکون وفساد نموده‌اند که صورتها واعراض فاسد وخراب میگردد وصورت وعرض دیگرجانشین آنرا میگیردوتمام موجودات بهمین نحو در کون‌وفساد است درست مانند یك خانه‌ای

که روی یک قطعه زمین بناشود وبازخراب کنند وبسازند وهزارها بارخراب میشده وساخته شده مواد اولیه آن همان است که بود ولی صورت وعرض آن عوض میگردد .

هرزمان نومیشود دنیا وما غافلیم ازنوشدن واندربقا

وبااین مقدمه ثابت کرده‌اند که قوه متلاشی کردن کره آفتاب یاقوه متلاشی کردن يك ذره‌از آن کره متساوی است وبااین تجربه علمی بساطت وجودندارد وباتجزیه وتحلیل ترکیب آن بثبوت میرسد ودرمقام‌حکومت عقل ساختمان وجودیکذره باساختمان وجودیکذره ویا کره بزرك یکسان است چنانچه ساختمان وجود حیوانات يك سلولی ویاچند سلولی مانند هم است وهیئت يك پشه غیر مرئی بايك فيل بآن عظمت‌درساختمان یکسانست وترکیب یکذره واتم هم باترکیب يك کره‌بزرك شبیه بهم است بطوری که اگر -

دل هرذره راکه بشکافی آفتابیش در میان بینی

یعنی منظومه شمس وجاذبه طبیعی آن باقوه منظومه شمس وجاذبه طبیعی یکذره که حاوی اتم است متنابه ومتماثل‌است .

وقصدما دراین بحث فقط بیان این حقیقت است که بگوئیم درعلوم اسلامی بحث اتمی سابقه داشته نهایت مقتضیات زمان ومکان در کشف آن حقیقت کافی نبوده است تاآنکه کشف این حقیقت‌شده است وآیات و احادیث و اخبار وحتی اشعار گویندگان متضمن این بیان فلسفی بوده است بدین شرح -

اتم درنظر مسلمین

اتم ازنظرفلسفی مانند سایراشیاء مرکب ازماده‌و صورت و عرض است و هريك از آن صور واعراض دارای خواص هستندومبادی فعل وانفعالات مختلفه دارند که بواسطه‌آن ازهم‌ممتازمیگردندودرحقیقت آنهاهم جنس ونوع وفصل دارند چنانچه درحیوانات ونباتات وعلوم طبیعی انواع و اجناس و فصول و امتیازات روشن ومعروف وازهم جداگردیده‌اند .

کشف اتم وتاثیرآن دراین اواخر وشکستن بمب اتمی که خاصیت آن آزمایش‌شد برای هر شاگرد مدرسه روشن گردیده .

درقرآن مجید سرگذشت ویرانی شهرهای قوم لوط ازیکطرف معلول زلزله و واژگون شدن آنشهر است وازطرف دیگرمنتسب بحرکات گلوله‌های ریزیاذراتی است که آنشهررا بمباران کرده‌اند هردوطریق ازنظرعلمی یکی است چه حرکت اولی که بزلزله تعبیرشده بمنزله حرکت طیاره است برای ریزش مواد انفجاری بمب‌اتمی‌وحرکت ثانوی تخریب وویرانی است که در اثر ریزش آن‌مواد محترقه صورت میگیرد و لطیفه این آیه این است که میفرماید و **ماهی من الظالمین ببعید** یعنی ساختمان این گلوله‌های آتش‌انگیز یابمب‌اتمی که هريك نوع مخصوص ونشانه مخصوصی دارندخواه بدست توانای وسائط مجرده الهی یعنی فرشته‌گان ساخته شده باشد ویابدست بشر تهیه شده باشد درهرصورت وسیله وآلت عذاب است که پیوسته موجود وبرای ریزش برسراقوام ظالم وستمکارمهیاو آماده است واین حقیقت رتفاسیر قرآن و فلسفه علمی بین مسلمین بیان شده چنانچه مولوی معنوی که تربیت شده‌مکتب قرآن‌است ومفهوم بسیاری ازآیات رادرقالب الفاظ ریخته منظم وموزون‌ساخته دردفترششم مثنوی درقرون وسطی اسلامی که هنوز اروپا د تاریکی جهالت سیرمیکرد گفته است

مارمیت اذرمیت فتنته — صدهزاران خرمن اندرجننه
آفتابی دریکی ذره نهان — ناگهان آن ذره بگشاید دهان
ذره‌ذره گردد افلاک وزمین — پیش آن خورشید چون جست از زمین

قرآن درسوره حجر ۱۵ درآیه ۷۴ درباره‌قوم‌لوط باز میفرماید

لعمرك انهم لفی سكرتهم يعمهون فاخذتهم الصيحة مشرقين فجعلنا عاليها سافلها وامطرنا عليهم من سجيل ان فی ذلك لايات للمتوسمين و انها لبسبيل مقيم ان فی ذلك لاية للمومنين .

فرمود ای محمد (ص) بجان توسوگند که این مردم درمستی گمراهی هستند وبانك لرزانندهٔ فرشته‌گان آنهارا تکان داد وفراگرفت پس قراردادیم بالای آنهارا پائین وبرآنها باراندیم سنگهای ریزه بآتش آلوده وآتش خیز و این است نشانه قدرت الهی برای سالکین راه تکامل این است راه مستقیم واین است نمونه نیروی الهی برای گرویدگان

که دراین آیه مبارکه خرق عادت را بشنواندن صداهای غیرعادی بگوش گناهکاران بصورت عذاب بیان فرمود یعنی حواس ظاهری وباطنی آنهارا برای احساس قوای خارق‌العاده مهیاساخته تا بقدرت بی‌انتهای خالق عالمیان واقف گردند .

شیخ شبستری نیزهمین حقیقت را گفته است :

اگریکذره رابرگیری ازجای — خلل یابد همه عالم سراپای

که منظورش این است نظام عالم رانمیتوان بهم زد مگرآنکه باشکستن یك اتم ارکان هستی دیگرمواد ازهم پاشیده گردد .

این سطورفلسفی بایك حدیث دیگری که بیان وصف طیاره است گفتار مارا تایید میکند که علمای مسلمین ازاین حقایق علمی و کیفیات طبیعی‌عالم نشئه طبع واقف بوده‌اند .

حدیث پیدایش طیاره و بمباران هوائی

چنانچه گفته شد یك سلسله احادیثی دردست است که قدماچون نفهمیدند آن اخبار رابنام معضلات وبرخی‌را جعلیات نامیدند والبته درنفهمیدن آن گناهی نداشتند زیرا تصور این معانی درآن عصر مشکل بود و چنانچه دیدیم گویندگان چنین اخبار بجنون وخبط‌دماغ‌متهم‌میشدند ووصف‌یك‌طیاره قابل‌درك وقبول‌نبود ولی چون دین اسلام دین‌عقل واستدلال وفکر وتعقل است .

آموزش وپرورش اوبرای همیشه جهان وهمه مردم عالم درتمام ازمنه و امکنه بوده است منحصر بزمان ومکانی نشود چنانچه این حدیث که ازپیغمبر اکرم‌ص در۱٤ قرن پیش ۱۳۷۹ سال قبل صادر شده وعلمای بزرك درقرن سوم وچهارم وهفتم وهشتم نقل کرده ودر کتب خود نگاشته وضبط نموده‌اند پس‌از ۱٤ قرن امروز آن‌حدیث توصیف وتشریح میگردد.

عبدالله شعرانی ازاقطاب صوفیه واز علمای اهل‌سنت است کتابی بنام یواقیت تألیف کرد که درسال ۹۰۵ تکمیل شده که درآن ازاحوال متوفیات درآخرت نقل‌نموده

این کتاب ازکتاب **تذكرة ابی‌عبدالله محمد بن‌احمدبن‌ابی‌بكر** انصاری خزرجی‌اندلسی قرطبی سرچشمه گرفته وآنجا درباب ذکر امور **تكوين بين‌الساعة** یعنی اخبار آخر الزمان از ابو نعیم اصفهانی که ازبزرگان علمای قرن چهارم بود این حدیث‌را نقل‌میکند.

رواه الحافظ ابو نعيم اصفهانی

ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال لتقصدنکم ناراً هی الیوم خامدة فی واد یقال برهوت تغشی الناس فیها عذاب الیم تأکل الانفس والاموال تدور الدنیا کلها ثمانیة ایام تطیر له الریح و السحاب حرها باللیل اشد من حرها بالنهار و لها بین السماء و الارض دوی کدوی الرعد العاصف هی من رؤس الخلایق ادنی من العرش

فقال حذیفه یارسول الله ص اسلیمة هی یومئذ علی المؤمنین والمؤمنات؟! قال ص واین المؤمنون والمؤمنات الناس یومئذ شر من الحمر یتسافدون کما یتسافد البهائم و لیس هناك رجل یقول لاحدهم مه مه

ترجمه آن قریب بدین مضمون است.

جمعی از اصحاب نشسته بودند که حذیفه یمانی در آن میان بود پیغمبر ص فرمود در میان شما آتش پیدا میشود بی‌شعله وسرد وازسرزمینی برمیخیزد که آنجارا برهوت «اراضی امریکا» گویند، بسوی شما می آید مردم در آنعذاب دردناك دوچارمیکردانند.

این آتش سرد اموال ونفوس وجان شمارا میخورد - ودرتمام دنیا دورمیزنند ومدت گردش آن دور کره خاك هشت شبانه‌روز است -

این آتش درچیزیست که مانند مرغ پروازمیکند وطیران آن مانند گردش بادوابراست گرمی آن درشب افزونتر ازحرارت آن درروز است وآن بالای سرمردم بین زمین وآسمان ناهنجارازعرش طیران خواهد کرد - غرش وناله این طیاره مانند غرش وناله رعد وبرق عاصف است .

آنگاه حذیفه عرض کرد یارسول‌الله آیا آنروز مومنین ازاین آتش درامان خواهندبود؟؟

پیغمبر(ص) فرمود مومنین کجاهستند مردم آنروزخودسری که مانند بهائم دورهم جمع میشوند ومانند حیوانات سبع‌ودرنده سیرمیکنند و یکنفر نیست بآنها بگوید چراچنین شده‌اید؟؟!

چنانچه ملاحظه میشود دراین حدیث عجیب اعجاز نبوت با بیان این جزئیات ثابت میگردد که اولاصفات طیاره راباخصوصیات آن تشریح‌وتوصیف میفرماید بمب‌افکنی اورا درشب وآتش‌انگیزی آنرا با گردش حداقل هشت شبانه روز وحداکثر چون بادوبرق یاغرش دنبالهٔ که از صدای خود مینماید و بالای سرمردم درزیر عرش یعنی درسیرمنظومه شمسی گردش میکند همه روشن گردیده .

ونظرم است وزیرفرهنك درسال ۱۳۰۱ درکنفرانس مراجعت خود از اروپا دراختراع طیاره و توصیف خصوصیات آن گفت طیاره های اخیر در هشت شبانه روز تمام روی کره زمین را گردش می کنند .

بعد درجراید المرشدعراق واطلاعات‌ایران اینموضوع منعکس وبتواتررسید وماد عقیده خود باحادیث صادره نبوت که هنوزمعانی همه آنها معلوم نشده و روزی کشف خواهد شد تقویت شدیم و همان عقیده را داریم نهایت علمای ماتمام وقتشان صرف فقه واصول شده بکلی ازعلوم وفنون‌تعلیمی قرآن غافل مانده‌اند نسل جوان هم گمان میکند این همه علوم ازاروپا بدست آمده ومسلمین جز یك مشت عجز وبینوا وبی‌خبرازهمه‌جابوده ونیستند ؟؟!

مسلمین در فلسفه

فلسفه‌درتعریف‌اساسی که کلیه‌حکماء عالم کرده‌اند رسیدن‌بحقایق اشیاء است که بقدراستطاعت‌بشریت واین تعلیمات را قرآن دراکثرموالید وعناصرداده وجز درذات مقدس حق که دستور داده‌اند فکر نکنید بلکه درآیات‌وآثاراو تفکرنمائید درباره تمام موجودات دستور فکر و نظر و توجه و تفکر

وتدبر وغیره دستورمؤکد صادرشده که ماهیت‌ووجود موجودات را موردبحث ودقت وتوجه قراردهند ومسلمین دراین‌فن نهایت مهارت‌رایافتند بعدهم که فلسفه یونانی وایرانی ترجمه شد باکلام‌بصورت خاصی درآمد وآنچه‌مسلم است متفکرین‌اسلامی درفلسفه بیشترازسایرملل جهان بوده‌اند - ودرسایر کشورها وملت‌ها فلسفه موجب بدبینی وتنفرشدید شد دراسلام که آن فلسفه مضر وارد شد مسلمین بآن بدبین شدندوسوفیست یونان سبب تنفرفلسفه درمیان مسلمین شدند وعلمای اسلام فلسفه‌رامقدمه فلسفه آنها دانسته وهمه رابرای خداشناسی میخواندند ودررد فلسفه یونانی و موهومات وقیل وقال فلاسفه‌غیرمسلمان‌شیخ‌بهاءالدین عاملی‌فرموده‌است.

علمی که مجادله را سبب‌است — نورش ز چراغ ابولهب است
این علم دنی که تراجان است — فضلات فضایل یونان است

بدون شك فلسفه درایران قوتی داشته چنانچه درسیرتکامل آن درجای خود گفته شده و چون ایرانیان ناشر معارف اسلامی درجهان بودند فلسفه رامنتشر نمودند و فریدوجدی دردایرةالمعارف خود مینویسد مردم گمان میکنند نخستین مطلع فلسفه و اولین مشرق آن یونان است در حالیکه ثابت است حکمت نخست در کشور های ایران و هند و مصر وچین طالع شد و از این کشورها بیونان رفت.

ابن ندیم از کتاب اختلاف الزیجات ابومعشر بلخی شرحی مینگارد که خلاصه آن‌بدین - مضمون است.

توجه وعنایات شاهان ایرانی بصیانت علوم بدان پایه رسید که پوست درخت خدنك راکه موسوم بتمیز ومحکمترین و بادوام ترین پوستهاست برای نوشتن علوم انتخاب کردند و پس‌ازآن دانشمندان آگاه را وادار کردند که شهرهای ایران رابدقت رسیدگی کنند وهرشهریکه آب‌وهوای آن بهتر واززلزله وخسف دورتراست واز حوادث و آفات محفوظ‌تر باشد تعیین نمایند تانامه‌های نامبرده رادرآنجا ذخیره ومدفون سازند.

نتیجه فحص وکاوش تحقیق دانشمندان این‌شد اصفهان ازتمام شهرهای ایران برای این‌مقصود بهتر ودربین بقاع اصفهان وازهمه بهتررستاق جی ودرمیان نقاط این رستاق مرکز وقصبه آن‌بهترین نقطه میباشدپس «قهندزی» کهن‌دژرا که دروسط شهرجی‌وبنام سارویدبود انتخاب نمودند ونوشته‌های مزبور را درآنجا دفن کردند.

میگویند ازجمله کتابهائیکه درآنجا دفن کرده بودند کتابی است که یکی ازحکماء وفلاسفه پیشین آنرا نگاشته ومردم زمان تهمورس وزمانهای پیش ازاو آنرابنام ادوارهزاره میخواندند.

ابن ندیم ازکتاب نهمطان تالیف ابوسهل‌بن نوبخت شرح مفصلی درخصوص کثرت علوم مدونه درازمنه بسیار قدیمه نوشته وپس‌ازآن عبارتی آورده است که خلاصه‌اش این است.

... تااینکه اسکندرازمقدونیه برای جنك بایران آمد ودارا راکشت و بناهای عالی راکه برسنك وچوب آن اصناف‌علوم منقوش بود ویران کرد وامرداد علوم مهمهٔ که دردواوین وخزائن شهر اصطخربود استنساخ و از زبان فارس بقبطی و رومی ترجمه کردند وآنچه را محل حاجت ندانست سوزانید وازجمله کتابی بوده است بنام گشج که گویا همان گشته و گردش و همان کتاب ادوارهزار است که حکیم نظامی هم چنین وصف میکند:

سخن رانشان جست بررهبری ز یونانی و پهلوی و دری
از آن پارسی دفتر خسروان که برباد بودش چوآب روان
بفرمود تا فیلسوفان همه کنند آنچه دانش بود ترجمه
نخستین طرازیکه بست ازقیاس کتابی است کان هست گیتی شناس

بدون شك فلسفه درایران بود که ایرانیان مسلمان شدند وبافلسفهٔ اسلامی بهم آمیختند و کلمات و لغات مستعمله کنونی هم که هنوز فارسی است نمونه بارز این حقیقت است.

مسلمانان فسلفه یونانی- قبطی- هندی - ایرانی رادر دریای علم وفکر خود فرو برده برنك اسلامی بیرون آوردند که دوره کتب اشارات و شفا و اسفار **ابوعلی سینا و ملا صدرا** بهترین نماینده فلسفه اسلامی است.

از مباحث وجود وعلوم طبیعی وعلم النفس وعلم الهی بکمال میرسد.

فلسفه اسلامی بمردم ثابت کرد که وحی باعقل و دین بافلسفه منافات ندارد بلکه علم از دین غیرقابل تفکیك است.

حقایق موجوده درعالم منحصر بحقایق محسوس ومعقول ما نیست که بحس وادراك فهمیده شده بلکهٔ حقایق دیگری هم وجود دارد عقول بشر ازدرك آن عاجز است وباید آن حقایق راازاو تعلیمات وحی والهام آسمانی فرا گرفت.

کتب فلسفه یونان درزمان ابوجعفر منصور دومین جلیفه عباسی ترجمه ونقل بزبان عربی شد و ایرانیان مسلمان بپیش آهنگان کاروان این راه هستند عبدالله بن مقفع منشی ابوجعفر بسیاری از مباحث منطق وفلسفه را ترجمه کرده است.

مسلمین درفلسفه پیشرفتی خاصل کردند و کتب تمام فلاسفه اسکندریه را بعربی ترجمه نمود و ازروی عمل وتجربه ترقی کرده وبراساتید خودتفوق حاصل کردند درفلسفه طبیعی ومخصوصاً فلسفه الهی وفلسفه ماوراء تبحری پیدا کردند و حرکت فکری مسلمین و تخصصات رشیقه آنها از کتب فلسفه اسلامی کاملا روشن میشود واز مشهورترین این فلاسفه فارابی- ابوعلی سینا- ابن رشد- ملا صدرا رامیتوان نامبرد و کتاب تاریخ الحکماء ابن قفطی وشهرزوری بهترین معرف این علم وعلماء اسلام میباشد.

مسلمین در علوم ریاضی و فلکی

دربای علم نجوم وهیئت ۲۶ آیه درقرآن است.

هوالذی خلق لکم مافی الارض جمیعا ثم استوی الی السماء فسویهن سبع سموات وهو بکل شیئی علیم
آیه ۳۸ سوره بقره

قرآن درعلم ماوراء الطبیعه ۱۱ فصل
ودر علوم وصنایع ۱۲ فصل

درنجوم و هیئت درباره سموات و شهب ۲۱ آیه نازل شد که تعلیم ضمنی درخلال بیان توحید فرموده است و جلب توجه برای حساب منظومه‌ها شمسی نموده وازابعاد ومسافت واوزان آب وباد وهوا وافلاك سخن راند.

ترقی مسلمین درریاضیات

مسلمین در ریاضیات و هیئت و هندسه و نجوم هم دارای ابتکاراتی بود تقدم و تفوق خودرا ثابت کرده‌اند.

جرجی زیدان مینویسد علم هیئت و هندسه و دیگر ریاضیات را اروپائیان از مسلمین آموخته‌اند واصطلاحات این علوم در کشور های باختر بیشتر بعربی و تازی است مانند جبر که آنهم واضع قوانین علمی‌این فن‌بوده‌اند وآنرا تکمیل نمود برقواعد وقوانین تازه‌ایکه در سایر ریاضیات افزده‌اند واروپائیان این‌علم رااز آنها باهمان نام‌تازی آلژبر اتخاذ کرد ودر زبان اروپائی نشانه‌شایانی است که گردش‌چرخ و گذشتن روزگاز رابرمحوان توانائی نیست‌دان اثرارقامی است کهٔ فرنگیان دردادوستد خویش بکارمیبردند که آنها ازتازیان گرفته وارقام عربی مینامیدند و مسلمین چون ازهند گرفتند آن ارقام رابنام هندی نامیدند درحالی که همه ازمسلمین بود.

مسیو شامل یگوید ادخال ظل در مثلثات که مسلمین اعما کردند یکقدم بسیار بزرگی بود که بوسیله آن اشکال پیچیده و مشکلی که درآنها جیب وسهم زاویه مجهول وجود داشته تمام متروك گردید.

بکار بردن جبر ومقابله ازابتکارات مسلمین است مسلمانان بحدی باین دوعلم توجه داشتند و درنشر آنها جدیت میورزیدند که محمد بن موسی بامر مأمون عباسی کتابی در جبر و مقابله درقرن دوم تألیف نمود وسعی کرده بقدری آنرا ساده بنویسد که عموم جوانان ومبتدیان هم‌بفهمند وچون بیان اکتشافات مسلمین دراین فن‌موجب کسالت خوانندگان میگردد بهمین اندازه قناعت شد واین فهرست برای ابتکارات مسلمین خود مفاخره‌است.

۱ـ استعمال ظل درمحاسبات مثلثاتی بجای جیب‌ووتر

۲ـ بکار بردن جبرومقابله درهندسه

۳ـ حل معادلات درجه سوم

٤ـ تحقیقات وافیه درعلم مخروطات

٥ ـ بناء کردن اشکال در علم مثلث کروی برای حل مثلثات که اکنون هم مورد استفاده است.

مسلمین در علوم ریاضی درریاضیات مسلمین دست قوی یافته ومخصوصاً درجبر و مقابله بدرجهٔ ترقی کردند که بنقل گوستارلوبون و سایر مستشرقین میتوان گفت موجد این علم شدند:

جبر و مقابله تااینجد مورد توجه مسلمانان واقع شد که مأمون عباسی درقرن دوم میلادی محمد بن‌موسی که یکی‌از ریاضی دانهای دربار خود بود امر کرد کتاب ساده عام الفهمی درجبر و مقابله تالیف نماید واو کتابی درجبر ومقابله نوشت درعلم مثلثات کروی برای حل مثلثات اشکالی ساختند که صورت این علم رابکلی منقلب نمود وتاکنون آن‌اشکال مورد استفاده جهانیان میباشد

مسیو شال درکتاب خود متعلق بتاریخ علم‌هندسه چنین میویسد:

ازاعمال اینطریقه عمده‌وعالی اشکال پیچیده و مشکلی که درآنها جیب وسهم وزاویه مجهوله وجور داشته تماماً متروك گردید واینطریقه پانصد سال میان‌ما جاری‌بود وصد سال بعدکپرنیك هم بدینطریقه واقف نگردید. (۱)

کتاب جبر حکیم عمرخیام بهترین نمونه ریاضیات اسلام است که تاکنون دردانشگاه های‌دنیا مورد استفاده قرارگرفته نام‌این علم‌از اسلام باقی‌است.

۱ ص۶۰۲ تاریخ تمدن گ

مسلمین و علم هیئت

قرآن درعلم هیئت و ماوراء الطبیه یازده فصل دارد که جلب توجه مسلمین را نمود .

مسلمین درعلم هیئت هم‌برتری وتفوق خودرا ثابت کردند وبا توجه بآیات قرآن واحادیث نبوی واخبار ائمه‌معصومین اهلبیت‌عترت و طهارت کلمات در سوره‌ایکه منطبق با تحقیقات علمی آخرین کشفیات هیئت از منظومه های فلکی باشد رنج فراوانی درآسیا واروپا و افریقا برده وخدماتی شایان بعالم بشریت کردند.

دانشگاه هیئت‌بغداد درسال ۷۵۰م یعنی اواخر نیمه‌قرن دوم‌هجری تاسیس شد ومدت هفت‌صد سال‌دایر بود واکثر خلفای اموی وعباسی‌هم باین‌علم معتقد بودند،

درقاهره واسپانیا نیزمدارس ودانشکده های علم‌هیئت برپاشد دردمشق وسمرقند وغرناطه و اشبلیه وایران مخصوصاً درمراغه واصفهان رصدخانه‌ها ساختند واز آسیای مرکزی تااقیانوس‌اطلس همه‌جا مدارس علوم ریاضی وفلکی و کتاب **زیجات مختلفه** مورد استفاده عموم علاقمندان باین فن بود وهمه مشکلات فلکی دانشمندان قدم دررصد خانه‌های بغداد ودمشق حل‌میشد.

یکی‌از دکترهای علم‌هیئت فرانسه نسبت بتحقیقات مسلمین و**زیجات مختلفه** مینویسد :

اهمیت وصحت تحقیقات این کتاب از این جامعلوم میشود که آنروزگار مثل منطقةالبرج را بیست‌وسه درجه رسمی وسی‌ودو دقیقه و۲۷ ثانیه معلوم کرده‌اند وباتحقیق امروز که ۲۳ درجه و۲۷ دقیقه میباشد نزدیك است بلکه‌دقیق‌تر است.

مسیو لالاند میگوید **محمد** بن **جابر بتانی** مؤلف کتاب شریف **علم‌النجوم** که بلاتین ترجمه ومیان مامشهور است یکی‌از چند هیئت‌دان معروف ونامی دنیاست.

محمد- احمد- حسن پسران موبن شاکر ازپهلوانان این‌فن بود وتحقیقات بکر وقابل‌اهمیتی دراین علم‌دارند وازجمله عرض‌شهر بغداد راکه آنها در۹۵۹ میلادی -۲۷۹ هجری ۳۳ درجه و۲۰ دقیقه قرارداده‌اند باآخرین تحقیقات امروزه منطبق است

نگارنده گوید نظرم است درکتاب دیگری این ده ثانیه راهم خطای متاخرین دانسته‌اندوآن تحقیق اولیه مسلمین رادرقرن سوم تایید کرده‌اند.

یکی دیگراز دانشمندان مبرز ونامی بغداد ابوالوفاست که اومرد بزرك ومحقق عقیده بطلمیوس را درحرکت قمرتخطئه کرده و کشف ویرانافص دانست وثابت کرد که علاوه بردوحرکت که بواسطه حادبه آفتاب وبیضوی بودن مدارآن درقمرموجود است یك اختلاف حرکت ثالثی نیزدرنتیجه فاصله اوباآفتاب وجود دارد .

وپس‌ازچندقرن‌اکتشافات وتحقیقات امروزه‌ثابت کرد که‌حرکت سومی وجود دارد وششصدسال بعدازاو تیکوبراهه آن عقیده راتایید کرد ابوریحان بیرونی ندیم سلطان‌محمود غزنوی طول و عرض اماکن وبلاد معظم دنیارا تعیین وازهم‌جدا کرد وبسیار دقت وتحقیق دراین خصوص نمود و در غزوات سلطان محمود درهندوستان هادی همراه بود وآنان را ازتحقیقات علمای دارالخلافه آگاه ساخت در قرن سوم هجری که مصرازبغداد مجزی گشت خلفای فاطمی درپیشرفت علم هیئت قدمهای بلندی برداشته ودرنتیجه‌مدرسه‌هیئت مصر برابردانشگاه هیئت‌بغداد قرار گرفت‌وابن‌سنبدی که درسال ۱۰٤۰ درقاهره اقامت داشت ازطرف وزیرعلی بن‌محمدجرجانی مامورتنظیم خزانه کتب بود مینویسد در

کتابخانه این شهر ششهزار و پانصد کتاب هیئت و ریاضی وفلسفه ودو کره فلکی موجود است .

قوبلای قاآن برادرهلاکو که چین رافتح کرد کتب هیئت بغداد وقاهره رابدانجا خواست واین علم را درآنسرزمین منتشرساخت .

دراسپانیاهم تعداد کتب مسلمین کمترازاین نبود جز آنکه بعدجهان متعصب مسیحی کتابخانه اسپانیا راسوزانیدند .

باین ترتیب مسلم است که هیئت بوسیله مسلمانان درهمه جهان انتشاریافته است درسال ۱۰۷۹ حسب الامر ملکشاه سلجوقی اصلاحاتی درتقویم بعمل آمده که بدرجات از اصلاحات گریگوی که ششصد سال بعد میزیسته است بهتر ومهمتر بود زیرا او دردهزارسال سه روزخطامیکرده وآنان درهمین مدت دوروزاشتباه داشته‌اند .

مسیو سدیو از اسناد ومدارك علمی این استنباط رانمود که‌بیضوی بودن مدارسیاراست وحرکت زمین بدورآفتاب ازمسائلی است که بیش از بوجودآمدن کپلر وکپرنیك‌دانشمندان اسلام آنراکشف کرده بودند ورنجهای عده‌ایکه بنام الفونس شهرت یافتهٔ تماماً ازمسلمانان گرفته شده‌است

هیویون افریقا مخصوصاً طنجه ـ فاس ـ مراکش هم دراین فن پایه کمی ازبغدادو اسپانیا ومصر نداشته

ابوعلی حسن مراکشی ـ میان قاهره ومراکش بفاصله نهصدفرسخ چهل ویکشهری که بوده‌عرض وطول همه آنهارا تعیین وکتابی بنام جامع‌المبادی و الغایات تالیف نموده قسمتی ازآن بزبانهای خارجی‌ترجمه شده است .

مسلمین درعلم هیئت

مسلمین درعلم‌هیئت‌همان وقوفی‌راحاصل کردند که درسایر علوم‌پیشرفت نمودند وهیئت ازجمله علومی است که اعراب بدواً دربغداد بانتشارآن پرداختند ودراین علم نه فقط بدرجه کمال رسیدند بلکه جانشینان آنها هم آنراتوسعه دادند وبیشرفت نمایانی حاصل کردند والغ بیك نوه تیمور در ترقی این علم خدماتی شان کرد چنانچه‌زیچ اوتاکنون هم دردنیا مشهور وازتالیفات بغداد میباشد آموزشگاههای عالی ومهم بغداد در سال ۷۰۰م-۱۳۰ه سال ۱۴۵۰-۸۳۰ه یعنی هفتصدسال دائر بوده است :

بغداد برای علم هیئت مرکز مهمی‌بود ودرنقاط دیگرهم تیزتعلم وتعلیم‌آن شایع بودبطوری که ازآسیای مرکزی تااقیانوس اطلس دمشق ـ سمرقند ـ قاهره ـ فاس ـ طلطله ـ قرطبه ـ درتمام‌این بلاد علمای هیئت بکثرت موجود ودربغداد ـ قاهره ـ اندلس ـ آموزشگاههائی وجود داشت که مقام وشهرت علمی راحائزبودند[1]

برای تحقیق درمتن علوم وطریقه استخراج تقاویم وساختن اسطرلابها و زیجها وکتب علمی هیئت بتاریخ تمدن گوستاولوبون وجرجی زیدان مراجعه شود[2]

۱ـ صفحه ۶۰۲ تاریخ‌تمدن گ

۲ـ صفحه ۶۰۱ تاصفحه ۶۱۵

بارون کارول دوو مستشرق دانشمند درباره اخترشناسی و ریاضیات مسلمین مینویسد ما انتظار نداشتیم که درمیان اعراب همان قدرت و نبوغ فکری همان تصور و تفکر علمی همان شوق وذوق وابتکاری را که مخصوص یونانیان بود مشاهده کنیم ولی باید گفت اعراب شاگردان یونانیان دراین فنون بوده وخوب پرداخته ونگاهداری کرده ونشو ونماداده‌اند ودر بعضی از موارد هم تکمیل کرده و برتری یافته‌اند ـ وهمان صفات را درمیان مسلمین بقدرت وقوت وتوسعهٔ و تکمیل بیشتری مشاهده کردیم تعلیمات اولیه ـ معرفت بالسنه ـ زندگانی اجتماعی طولانی ـ تملك وسایل کافی برای مسافرت جهت تهیه کتب وآلات ـ تشویق وترغیب دولتها وزمامداران تمام این وسایل برای مسلمین اولیه فراهم بود که امروز کمتر برای یکنفر جمع میشود ـ مسلمین دراین رشته هم مانند رشته‌های دیگری بحد کمال رسیدند وکامیابی کامل حاصل کردند .

آنها بودند که اعداد رابمردم آموختند باآنکه خودشان مبتکر وسازنده آن نبودند بانی حساب درزندگی روزانه شدند ـ مسلمین بودند که جبر ومقابله رابصورت صحیحی درآوردند وترقی دادند واساس هندسه تحلیلی رااستوار کردند وبدون شك مخترع مثلثات سطحی وکروی بودند کهٔ در یونان وجود نداشت ،

مسلمین دراخترشناسی قسمتهای قابل توجهی بجا گذاشته درترجمه‌های خود بسیاری از آثار یونانیان را که اصل آن مفقودشده بود برای مانگاهداشته مخروطات اپولوینوس ـ گروبات منلاوس ـ جر و اثقال و مبحث خواص هوا و بخار فیلوازاهل بیزانس دررساله میزان الحکمه منسوب باقلیدس کتاب راجع بساعت منسوب بارشمیدس ازمسلمین باقی مانده ملل غربی که بمسلمین علاقمندبودند برای آنستکه آنها ازراه سیسیل درمغرب نفوذی عمیق نشان دادند وآثارعلمی بسیار بجا گذاشته که منبع علوم وفنون امروزی اروپائیان میباشد.

مسلمین دراختر شناسی درقرن نهم‌ودهم میلادی بحداعلای فعالیت وقدرت علمی رسیدند که تاقرن ۱۵ میلادی ادامه داشت اکثر کتب یونانی درعلوم‌هیئت‌وفلکیات‌ترجمه بعربی شد وشاید کتاب علمی دیگر نمانده بود که ترجمه نشده باشد .

مسلمین شعب مختلف علوم‌را نگاهداشته روح تجسس وتحقق‌را زنده نمودند‌حس کنجکاوی‌و دقت‌نظر رابیدار کردند ودر اختر شناسی ازصابئین هم که ستاره پرست بودند پیش افتاده ویکدسته نژادترك وفارس دیلمی تاتاری مغولی- خوارزمی ـفرغانی ـهندی ـ بربری ـ شامی ـ مصری- قبطی یونانی وغیره‌هم بهم‌آمیخته مسلمان دانشمند نابغه محقق حکیم فیلسوف ریاضی‌دان ستاره‌شناس وغیره گرویدند وبنام اسلام وحدت فکری نشان دادند.

یعقوب فزاری دانشمند ستاره شناس ومنجم اسلام اولین سازنده اسطرلاب وتهیه کننده حلقات نجومی بود وسال‌نامه‌هائی برطبق سالهای عربی تهیه کرد ابویحیی بطریق‌وماشاءالله نامی برجستهٔ ـ ترین کتب نجوم را ترجمه کرد وخود در باره نجوم واسطرلاب و هواشناسی کتابی تألیف‌نمود.

این نهضت در اوایل قرن دوم شروع گردید ومأمون شش کتاب دیگر برآن‌ها افزود وترجمه کرد واوج وحضیض ستاره قطبی را معین کردند بیك درجه ونتایج فاصله را بنسبت آن بسنجیدند و ثبت کردند .

دربغداد نزدیك دروازه شماسیه زیجی ساخته شده که بنای آنرا بسند بن علی یکنفر یهودی تازه‌مسلمان میدادند وپس‌از آن‌زیج مأمون تهیه گردید،

فرغانی اخترشناس مسلمان در مغرب شهرت عظیمی بدست آورد کتاب اختر شناسی‌او اثری گرانبها ازعلم نجوم اسلامی درمغرب بجا گذاشت.

درجبر وحساب وهندسه نیزمانند اخترشناس خوارزمی گوی سبقت‌را ربوده ورساله مهمی‌در این‌فن نوشت وسبکهای هندی ویونانی رانقل کرد وخود درجبر ومقابله تألیفی‌نمود.

کتاب جبرومقابله خوارزمی روشن ومنظم است ومعادلات درجه دوم را بضرب و تقسیم درجبر شرح می‌دهد وبعد اندازه گیری وسطوح وتقسیم اموال و املاك ومساحی و مسائل مختلف قانونی را می‌پردازد.

خوارزمی شش قسمت فن ریاضی رادر کتاب خود تعلیم کرده است که امروزهم دنیا بیش‌از آن نمی داند.

ابومعشر بلخی درسن صدسالگی درسال ۲۷۲ چهار کتاب‌درنجوم نوشت‌پس‌از اوثابت‌بن‌قره که اهل بین‌النهرین بود بزرگترین هندسه‌دان عرب‌است وشاگرد امام‌جعفر صادق‌ع هفت‌کتاب ازهشت کتاب مخروطات را اپولینوس یونانی‌را بعربی ترجمه کرد وبرادران موسی‌نیز کمك کردند کتب نجومی زبان سریانی ویونانی راترجمه نمودند.

حنین بن اسحق راجع بسایه شاخص وساعت آفتابی و هندسه وجبر واثقال کتابی نوشت که بلاتین ترجمه شده - و تعادل قوه جاذبه زمین را بخوبی تشریح کرد - و راجع باوزان بحث نموده است.

ثابت دربغداد بمطالعات نجومی ادامه‌داد ودرتعیین طول ساعت وارتفاع خورشید اهتمام کردو دنباله خدمات اورا بتانی گرفت و جداول نجومی را فراهم نمود و شصت سال پس از بتانی بوالوفا ظهور کرد و حالت سوم ماه را تشریح نمود در حالی که یونیان بیش‌از دو حالت از ماه وصف نکرده بودند.

این دانشمندان‌نیز درمثلثات یدی‌طولا داشتندوفرمولی برای جمع‌قوسها تهیه کرد وحکیم‌عمر خیام‌ابتکار جبرمقابله را نمود بقسی که تااواخردردانشگاههای دنیا بنام الژبر تدریس میشد - واین حکیم بزرك غیرازعمرخیام شاعر است رساله‌های فلسفی وعرفانی وریاضی‌او قابل‌تقدیر ونمایندهٔ ذوق و ابتکار بی‌نظیر اوست که ماچون شرح حال آنها را در کتابی مستقل نگاشته‌ایم نمیخواهیم اینجا تکرار شود.

عقاید هیویین درطلوع اسلام

آنچه اکنون تاریخ قبل‌از اسلام دو کشور بزرك راقی متمدن جهان بدست میآید دونظریه نسبت بهیئت بوده است عرب وعجم وملل‌عربی همه درزمان نزول آیات قرآن کریم درنظام عالم از این دوعقیده بیرون نیست.

یکی ازدو عقیده این بود که حکماء بنظام بطلمیوس معتقد بودند و دیگری عقیده عامه مردم بود که معتقد بودند زمین معلق درفضانیست و هوائی وفضائی براو احاطه نکرده آنها میگفتند بالای مااسمانی است بشکل طاق وستاره‌ها همه دراین طاق است وبالای این طاق چیز دیگری نیست.

اماعقیده بطلمیوس بطلمیوس صاحب کتاب مسطی است که قبل‌از میلاد مسیح درگذشته است او میگفت افلاك مانند پیاز درون‌هم واقع هستند وزمین مرکز آنهاست وسطح محدب هرفلکی مماس بسطح مقعر فلك دیگر است وهمه‌آنها اجسامی شفاف هستند.

اومیگفت ثوابت بااینکه ثخن‌میباشد هفت‌فلك رادرزیر دارند وفلك الافلاك‌ابرهمه آنها محیط است وآبستن‌بتمام آن افلاك است که هیچگاه نخواهند زائید وباحرکت بسیار سریعی گرد زمین میکردند وطلوع وغروب ستاره‌ها وخورشید وماه وستاره های **هفتگانه سیاره یعنی ماه وعطارد وزهره وشمس ومریخ - مشتری زهل را** بدین جهت سیاره گفتند که هر کدام سیر مخصوصی دارد برخلاف سیرفلك اصل‌این‌عقیده هم‌تا قبل‌از طلوع اسلام مورد قبول جهانیان بود تااسلام آن را باطل نمود .

شریعت اسلام این هردوعقیده راباطل نمود وگفته‌های آنهارا تکذیب کـرد واصول هیئت را بشرحی بیان کرد که امروزپس‌از ۱٤ قرن باوسائل وسلاح مجهز همانرا دریافته‌اند و نکته دیگر که باید متذکرشد این است عقیده بطلمیوس موردقبول ریاضی‌دانان بودتاطلوع کپرنیك‌پروس ۱٥٤٤ میلادی که درقرن دهم هجری درگذشت واومعتقد باصول هیئت اسلام گردید.

کپرنیك اول کسی بود که رسمـا اعلان کرد زمین وباقی سیارات برگردآفتاب حرکت‌وضعی وانتقالی‌دارند ولی‌اورا بااین نظریه متهم‌بسفاهت ودیوانگی نمودند اماآن مرد خردمنـد مفکر در عقیده خود ثابت قدم بودتاکم کم ریاضی‌دانان وهیوبین جهان پیروعقیده اوشدند واورا موسسه هیئت جدید شناختند .

کپرنیك نظریه روشنی‌داشت اما ازخطا واشتباه هم خالی‌نبود چنانچه مدار سیاراترا بـردور خورشید دایره حقیقی تصور کرده‌بود واین اشتباه را کپلرآلمانی صدسال بعدازاو ثابت نمود که‌مدار سیارات بیضی‌واهلیلجی‌است تاکالیله‌ایطـالیائی‌دامن‌همتی‌بکمرزدو کره‌مصنوعی‌زمین را اختراع نمودو بر اهمیت این علم ونظریه کپرنیك و کپلرافزود وعلم‌هیئت‌جدیدرا روشن‌ساخت

اسلام‌این عقاید راروشن‌تربیان کرده‌بود امادرخلال عبارات‌آیات واحادیث وبمنظوربیان‌توحید بودکه اکنون برای تشریح‌مطلب باجمال بیان میکنیم ودلیل اینکه چرا اسلام تصریح بروشنی علم هیئت نکرد آنراهم بعرض خوانندگان میرسانیم تاهرمنصف‌دانائی وهرریاضی‌دان وفـاضل باخبری‌از عالم تصدیق بعظمت اسلام نماید و بدانـند این نظریه‌را در ۱٤ قرن بیش آیـا غیراز اعجازی میتوان شناخت .

بیان قرآن در هیئت جدید

قرآن‌برای درس فیزیك وشیمی وریاضی وهیئت‌نازل نشدبلکه‌برای‌ارشادوهدایت بشرفرودآمده‌نهایت در خلال این حقیقت ازهرعلم وفنی خبرداده که‌بمنطوق **لارطب ولایابس الافی کتاب مبین** ازهمه چیز روی اصول صحیح مبانی محکم ومتقن خبر داده و نتیجه نهائی آن رابرای تحکیم وتشدید عقیده توحید قرارداده است.

آیه اول درسوره یس میفرماید : **والشمس تجری لمستقر لهاذلك تقدیرالعزیزالعلیم والقمرقدرناه‌منازل حتی‌عادکالعرجون‌القدیم - لاالشمس‌ینبغی‌لهاان‌تدرك‌القمرولااللیل سابق‌النهارو کل‌فی‌فلك‌یسبحون**

آفتاب میرودبرای قرارگاه‌خودواینست‌تقدیرکردن خدای‌غالب‌دانا وماه‌را تقدیرکردیم‌بمنزلها وقتیکه برگردد مانند چوب خرمای شش‌ماهه - نه آفتاب‌بماه‌برمیخورد ودرمی‌یابد ونه شب که‌پیشی

گیرد برروز بلکه همه درفلك خود شنا میکنند دراین آیات نکات و اسراری را ازهیئت افلاك روشن میسازد .

۱ـ نسبت دادن جریان ومجاری حرکت رابخود خورشید چنانچه هیئت جدید تصریح‌دارد که خورشید بشخصه متحرك استنه بتبع فلك‌ودوحرکت انتقالی ووضعی دارد .

۲ـ آنکه لام‌لمستقر اگر بمعنی‌الی‌باشد مستق، بمعنی‌قرارگاه است واگر بمعنی‌فی باشدچنانچه درعرف عرب است ولام لحیوتی درآیه شریفه یالیتنی قدمـت‌لحیوتی چون مسلم‌است که خورشید را قرارگاهی درحرکاتش نیست‌وپیوسته متحرك‌است چنانچه اصحاب‌هردوهیئت قدیم وجدیدعقیده‌دارند که خورشید دائماً درحرکت است و هیچ و قـوفی وسکونی وآرامشی حتی‌لمحهٔ نداردبنابراین باید بمعنی فی باشد یعنی‌حرکت میکند درقرارگاه خودش واشاره بحرکت وضعی‌خورشید است که‌در۲۵ شبانه روزنصف تقریباً ازمغرب بمشرق بردورخود میچرخد .

۳ـ میفرماید **وکل فی‌فلك یسبحون** هرکدام ازماه و ستاره درفلك ومدار خود شناگرند واخیراً ثابت شده که شمس باتمام سیارات و اقمار منظومه شمسی برگرد مرکزی که هنوز مجهول است حرکت مینمـاید :

این حرکت اشاره بحرکت انتقالی شمس‌است که قبل‌ازقرآن وتااواخر جنبش علمی هم جز علمای اسلامی کسی‌خبرنداشت و مخیله احدی خطور نمیکرد وباید گفت این حرکت وضعی نیست زیرا حرکت وضعی خورشید د. فلك نیست بلکه درگردخویش است .

٤ـ اشاره بمنازل ماه بردورزمین فرموده **بقوله عزوجل والقمرقدرناه منازل حتی‌عاد کالعرجون‌القدیم**این حرکت موجب ازدیاد ونقصان نورقمراست تابحالت اولیه برگردد

۵ ـ امااینکه میفرماید شایسته نیست ونشاید خورشیدماه رادریابد واصطکاك نماید و تماس حاصل کند اشاره استبزرگی‌جثه خورشید و کوچکی ماه وقوت جاذبه که میفرماید خورشید باآن عظمت جثه وحدت وشدت جاذبه که داردماه بااین ضعیفی و کوچکی رانتواند دریابد وبرباید وبسوی خویش بکشاند چنانچه شان وخاصیت هرجسم بزرك بخود کشیدن و جلب کردن جسم کوچك است بقوت جاذبه‌که خدای‌تعالی درآن قرارداده است ولی‌درمقابل جاذبه خورشید ـ بزمین هم جاذبه‌داده که چون نزدیك‌تراست مانع‌جذب خورشید میگردد .

وبرخی ادراك رابمعنی حرکت تندماه گرفته‌اند واین نظریه هم خلاف هیئت جدیدوهم‌خلاف معانی‌متبادره کلمات‌ولغات معموله است وقمرهم بیش‌ازیك حرکت انتقالی بردورزمین ندارد که درهر ثانیه ۱۰۱۷ مترطی‌میکند .

دراین‌آیات قرآن نگفته که خورشید دورزمین میگردد چنانچه قدمای علمای هیئت گفته‌اند و لمستقرحرکت دورخود اودرقرارگاه خودش میباشد واگردو زمین میگشت قرارگاهی نداشت کـه بدان طرف حرکت کند ولمستقراشاره بحرکت اوبر دورزمین باشد وچون این حرکت باطل شد پس شب وروزشدن مستند بحرکت اوبردورزمین باشد وچون این حرکت باطل شد پس شب وروز شدن مستند بحرکت زمین بردورخویش وزمستان وبهارمستند بحرکت اوبردورآفتاب خواهد بودو اساس هیئت‌بلکه خلاصه این علم ازاین آیه مستفادمیشودچه درصورتیکه خورشید بردورزمین نمیگردد وسایرستاره‌ها همچنین خواهد بود پس‌هرکدام آنها عالمی مستقل هستند ونسبت بحرکت بخودماه وفلك راچیزی فرض کرده که مانع ازحرکت مدار وشناکردن نباشدوهمان مداراست و قوه جاذبه

را اثبات فرموده اینها همه مخالف با قواعد هیئت قدیم و عقاید عامه قدما ومنطبق بر اراء جدید میباشد .

آیه دوم درسوره نمل میفرماید **وتری الجبال تحسبها جامدة وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شئی انه خبیر بما تفعلون** یعنی می بینی کوهها را میپنداری آنها ایستاده اند درحالیکه آنها در گذرند مانند گذشتن ابر این صنعت خدای آفریننده ایست که هرچیزرا محکم و بجای خود قرارداده وخود آگاه است بآنچه آفریده است ـ این آیه صریح درحرکت زمین است وچون حرکت زمین ثابت شد اصول هیئت جدید ثابت است و گفته شد که حرکت زمین بردور خورشید سبب بروز روزوشب وماه وسال است وخورشید مرکز حرکت سیارات است ـ وثوابت دیگرهم بمقایسه باخورشید عوالم مستقله خودهستند دوم آنکه ازبدیهیات است چیزمتحرك وقتی ساکن دیده میشود که بیننده در حرکت باوهمراهی کرده باشدواگر برساحل وخشکی بودمعقول نیست کشتی متحرك راساکن پندارد والحال ماکه زمین و کوه راساکن میپنداریم برای آنست که باآنهادرحرکتیم اگرماساکن بودیم وکوهها متحرك بودند لابدحرکت آنهامحسوس مامیشد .

آیه سوم درسوره طه وزخرف میفرماید **الذی جعل لکم الارض مهداً** یعنی آنکس که قرارداد برای شمازمین را گهواره ـ تشبیه لابدباید خواص مشبه به را داشته باشد یعنی تشبیه آدم بشیراز جهت شجاعت اوباشد نه حیوانیت او وچون گهواره مجل حرکت دادن طفل است واوراحرکت تند ونرمی میدهد که موجب اصلاح حال ومزاج اوست وزمین هم که محل ومقربنی آدم است حرکت تند و نرمی دارد که برای اصلاح حال مخلوق مفیداست واگرحرکت شبانه روزی وحرکت سالیانه زمین بردور آفتاب نبود موجب هلاك حیوان ونبات میشد واگرروزممتد بودحیوان ازچرا وانسان از شغل دست نمیکشید تاتباه میشد ـ یکنواخت بودن هوا وکار و حرارت سبب فساد زندگی است

آیه ۴ درسوه هل آتی در وصف بهشت میفرماید **لایرون فیها شمساً ولا زمهریرا**

یعنی نمی بینند درآنجا خورشیدیرا تنوین تنگیر که داخل شمس شده واورا مقیدبقید وحدت نموده دلالت میکند بر کثرت شموس وبهمین جمله اصول هیئت جدید ثابت میگردد.

واما اینکه فرمود دربهشت خورشیدی دیده نمیشود درست مثل حال ما میباشد که اکنون بیش ازیك خورشید نمی بینیم درحالی که یقین داریم خورشیدهائی هستندوچون از مادورمیباشدآنهارا نمی بینیم درشب هم چون این خورشید ازما دور است او را جزمانند ستارهٔ نمی بینم یاآنکه بگوئیم بمنطوق آیه شریفه **واذالشمس کورت** وتصریح حکمای امروزی نور خورشید تمام میگردد ولذا دیده نمیشود

آیه ۵ در سوره نحل آیه ۱۲ میفرماید **و سخر لکم اللیل والنهار و الشمس والقمر و النجوم مسخرات بامره الخ**

خداوند مسخر فرمود برای شما شب و روز خورشید و ماه و ستاره ها را که همه بفرمان او مسخرند .

دراین آیه تسخیررا متوجه ماه خورشید و ستاره میفرماید نه افلاك که هیئت جدید هم بران اعتراف نموده ودرهیئت قدیم ماه وخورشید وافلاك وستاره همه یك حکم داشتند امروزثابت شده که فلك غیرازماه و خورشید است وقرآن هم ماه وخورشید رامسخرآدمی کرده نه فلك راکه بعد درباره آن بحث میکنیم ؟!

آیه ٦ درسوره عم میفرماید **والجبال اوتادا** آیاقرارندادیم کوهها را چون میخهای زمین که کوهها میخهای زمین برای گردش گهواره میباشد که درگردش گهواره را پرت نکنند و ساقط نسازد . ـ

کرویت زمین درقرآن

ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره اله الخلق والامر تبارك الله رب العالمین

آیه ۵۲ سوره اعراف

درعلوم اسلام کرویت زمین ثابت ومسلم است چنانچه قرآن میفرماید :

اوست که آفرید آسمان وزمین رادرمقدار زمان معادل شش‌شبانه روز واین درس مهندسی را برای تکامل کار مبتنی برپایه واساس داده وباتانی وتامل بدون عجله وشتاب واوست کـه استیلادارد برعرش که عظیمترین مخلوقات اوست ومحیط برتمام افلاك است که منظومه های شمس در حیطه آن قرارگرفته است .

استیلا صنعتی است بلا کیف وبلاوصف مخصوص حق تعالی وازمتشابهات قرآن است که جزراسخین درعلم ازآن بی‌خبرند وآنچه مسلم است جزخدا کسی برعرش یعنی برتمام منظومه های عالم هستی استیلاواحاطه وتصرف ودخالت وامرندارد ـ انخداوند استکه شب تاریك را از روزروشن بیرون میکشد وعکس آنرا نفرموده که روز روشن را از شب تاریك بیرون میکند یعنی شب و روز ازپی‌هم میروند شتاب وحساب وشب درپی روز وروزدرپی شب بسرعت حرکت میکنند وآفتاب و مـاه وستارگان را بیافرید وهمه مسخرامراوهستند وبرای اوست دوعالم امروخلق منظورازخلق آفریدن تمام جسمانیات است که محتاج بماده ومدت وشدت هستند ومجردات رابامر آفریدکـه آنها درلباس هستی پوشیدن نیاز بماده ومدت نداشته وندارند .

حضرت امـام جعفرصادق (ع) بیعقوب بن شعیب فرمود **مسوا بالمغرب قلیلا فان الشمس تغیب من عندکم قبل ان تغیب من عندنا** یعنی شما تماس بامغرب کمترمیکنی زیرا آفتاب ازنزدتو زودترغایب میشود تاازنزدما که کرویت زمین‌را بااین تفاوت غروب ازغیب‌شدن خورشید ثابت میفرمایدوزمین نصف آن همیشه مستتیر بخورشید است که روزاست ونصف‌دیگران تاریك وشب است وچون درگردش است همیشه نصف تاریك ونصف روشن امادرنظرمرد همان شب روزآنهارا درمی‌یابد که شب‌درپی روز وروز ددپی شب میدوند ودرآفاق وبلاد غرب آفتاب دیرترغروب میکند چه دائره آنجا زیرتراست و لذا باطیاره میتوان همه جارا روزیاهمه جارا شب دریافت .

بازحضرت صادق(ع) بعبدالله بن زراره میفرماید صحبنی رجل کان یمسی بالمغرب ویغلس بالفجر و کنت انا اصلی المغرب اذاغربت الشمس و اصلی الفجر اذااستبان الفجر الخ در کتاب مجالس در پاسخ مصاحبی که مغرب را تاخیرمیکرده وصبح راپیش‌ازطلوع فجرمیخواند بحضرت ایراد میکرد که شما چراچنین نمی‌نمائید چون خورشید پیش‌ازآنکه برماطلوع کند بردیگران طلوع میکند وپس‌ازآنکه برماغروب کند بردیگران طالع است .

حضرت فرموده مانمازرا بادرك وقت میخوانیم نمازشب راپس‌ازغروب آفتاب وصبح راقبل‌طلوع

آفتاب آنهم بافق خودمصلی نه بافق دیگران ـ

حضرت امیر(ع) درنهج البلاغه میفرماید فسکنت علی حرکتها ان تمید باهلها فسبحان من ان اسکنها مع موجان میاهها یعنی زمین ساکن شد بااینکه خودش متحرك است پس زمین بااینکه متحرك است سکونت پیدا کرد که باساکنین خود درفضا مضمحل و پرت نشود ومقدس است آنکسی کـه زمین را بااهلش از موج زدن آب‌های آن نگاه داشت و دراین خبر حرکت زمین ثابت شد ولی بنظر ساکن می‌آیـد با آنـکه حرکت سریعی دارد ساکنین برآن مستقر هستند و حـرکت آن را حس نمی کنند .

حشام بن حکم دراحتجاج ازحضرت صادق(ع) درپاسخ زندیقی که ازادله وجود خدا پرسیدفرمود ازجمله آیات ادله وجود حق **تحرك الارض ومن علیها** حرکت زمین وآنچه برزمین است پس حرکت زمین واینکه تاریك وروشن میگردد وشب وروز میشود نشان میدهد که زمین کرویست و صدها دلیل جغرافیـای دیگردارد که در کتب مربوطه روشن است ودراحادیث اسلامی سابقه دارد

نکته لطیف تراین استکه قرآن میفرماید همه چیزرا درآفرینش وخلقت کروی و گردآفرید و همه جفت هستند واین لطیفه خود درعلوم طبیعی در موالید ثلاث هم ثابت شده است

فلك چیست؟

درقرآن مجید مراد ازفلك مدار سیارات است خط سیر کوکب در فضـا را فلك گویند و این معنی در هیئت جدیدهـم مورد اعتراف است .

ابن اثیر درکتـاب نهایه گوید **والفلك مدارالنجوم من السماء** فلك مدارستاره‌هاست **ضحاك گوید** الفلك لیس بجسم و انهاهو مـداره هذه‌النجوم فلـك جسم نیـست بلـکه مدار ستاره‌هاست .

راغب اصفهانی گوید الفلك مجری الکواکب فلك مجرای حرکت ستاره‌هاست و قرآن که تصریح میفرماید **و کل فی فلك یسبحون** منظورانست که درخط سیرخود کواکب تسبیح وتقدیس خالق خودرا بزبان حال میگویند وجزمدار حرکتی نیست .

درتفسیرعلی بن ابراهیم نقل‌شده که **حضرت امام جعفرصادق(ع)** فرموده **واجراهافی الفلك** یعنی خداوند عزوجل آنهارا درفلك سیرداد وجاری فرمودودر کتاب احتجاج ازآنحضرت نقل شده که درپاسخ زندیقی فرموده **ومن تدبیرالنجوم التی تسبح فی فلك** یعنی ازتدبیر نجوم آنستکه ستاره‌ها درفلك بشنا انداخت وعلامه مجلسی دربحارازآنحضرت در دعای استخاره نقل میفرماید **اللهم انك خلقت اقواماً یلجئون الی مطالع النجوم لاوقات حرکاتهم وسکونهم** تاآنجا که میگوید **وانك قادرعلی نقلهافی مداراتهافی سیرها عن السعودالعامه والخاصه الی النحوس** که اول آن این است که‌ای خداوندعالم توتوانائی براینکه ستاره‌ها رادرمدارخودشان نقل فرمائی وازسعدعـام و خاص بنحس اثبات مدار ومسیردراین دعا تصریح بفلك شده وسما که بمعنی سمواست یعنی علو وبرتری وبالائی چنانچه درمجمع البیان گوید: «کل ماعلاك و اظلك فهوسماء و کل ما استقرقدمك فهوارض» هرچه‌سایه برسرت اندازد آسمان است وهرچه بتوان بران قدم نهادزمین است آسمان برخلاف مشهودجسم صلبی نیست ودرآیات قرآن آسمـان بالا منظورشده چنانچه میفرماید «ان‌الله انزل من السماء ماء» و معلوم است که بـاران ازابرمی‌بارد ولی چون ازبالاست اطلاق برآسمان شده واخبار دیگرهم در کتب تفسیر

وحديث همه جا آسمان درمورد بالاآمده نه جسم صلب وسخت درآيات«وانزلنامن‌السماء ماءً بقدر **فاسكناه فی‌الارض و انزلنا من السماء ماءًا طهورا و ينزل عليكم ماءاً ليطهركم به و يذهب عنكم رجزالشيطان و يوم تشقق السماء بالغمام** كه آسمان بابر شكافته ميشود همه دليل است براينكه آسمان همان فضا وهوا وطرف بالاست ودر آيه ديگری كه **ميفرمايد الله‌الذی يرسل‌الرياح فتثير سحابا فيبسطه فی السماء كيف يشاء ويجعله كسفاًفتری الودق يخرج من خلاله فاذا اصاب به من يشاء من عباده اذاهم يستبشرون**

دراين آيه خدای عزوجل باستايش خود درآفرينش اين دستگاه باعظمت ميفرمايد بادها را ميفرستد تاآن بادا برهارا برانگيزندو درآسمان بگسترند و گسترانيدن ومنبسط نمودن ابردرآسمان زيرطاق فقط گستردن درست نيست ولذابايد آسمان همان بالا باشد.

ودرآيه‌شريفه الم‌يرو الی الطير مسخرات فی جو السماء مايمسكهن الاالله‌ان فی ذالك لايات لقوم يومنون

محل‌طيران مرغان رادرهوا وفضا معين ميفرمايد ودرآن‌آيه **قدنری تقلب‌وجهك فی السماء** محل حركت اورا درآسمان معين ميفرمايد وصعود وپرواز طيارات رادر آسمان وصف ميفرمايد كه ازهمه اين آيات معلوم ميشود .

مراد بالاست ـ وزمين جسم‌سخت‌صعب‌ومحكم است وهر كوكب رافضا ومدار وفلكی است كه درآن‌سير حركت ميكنند چنانچه نظامی گويد.

شنيدستم كه‌هر كوكب جهانی است   جداگانه زمين وآسمانی است

پس‌ستاره‌ها باعتبار اينكه بالای سرما هستند وباعتبار آنكه زيرپای اهلش‌ميباشند زمين‌هستند بشرحی كه گفته‌اند آسمان عطارد آسمان زهره آسمان زمين آسمان مريخ آسمان مشتری آسمان زحل‌ـ آسمان اورانوس وغيره بشرحی كه خواهيم گفت تعداد آنها برحسب اخبار واحاديث دوازده است كه بقيه‌آن‌هم بمرور ايام كشف خواهدشد ـ وخلاصه آنكه هر كوكب آسمانی دارد وفلكی كه درآن‌سير ميكند ودعای امام‌سجاد ع درتعيين وزن وتعداد آسمانها وزمينها وافلاك و كواكب وستاره هاوسيارات بهترين شاهد مدعی ميباشد كه اسلام نسبت‌بهمه اين‌علوم دست قوی داشته‌است .

چرا اسلام تصريح بهيئت جديد نكرد

گفتيم كه‌اسلام برای تدريس علوم و فنون نيامده بلكه غرض اصلی ارشاد و هدايت بشر بحق و حقيقت است ولذا علوم و فنون رابنجو طريقيت دراثبات تـوحيد بيان كرده است و بنـام اصول كلی متذكر شده وعلوم تجربی را شاهد نيل بتوحيد قرار داده است.

قرآن برای هميشه بشر وادوار مختلف عالم نازل‌شده وچون محكمات ومشابهات دارد بايد باخبار وتفسير كليات ومشكلات آن تشريح و تصريح شود واخبار اسلامی‌هم كـه درسياست احراز مقام خلفای اموی وعباسی قرار گرفت ومخلوط بصحيح وسقيم‌شد وماآن اخباری رامعتبر ميدانيم كه باعرضه باقرآن درست منطبق شود ومدلول آن‌مفهوم ومعلوم گردد.

دراين اخبار گروهی هست كه باعلوم متصوره سطح‌فكرمـا مخالفتی ندارد وممكن است برخی ازآنها راما نشناسيم ونفهميم وروزی بر گروه ديگر روشن گردد.

چنانچه اخبـارملاحم واخبار غيب‌درآن‌عصرقبول آن مشكل بود حقيقت آن‌آشكار شد يامثل‌خبروجود

طیاره وحرکت آن بدور زمین وصدای آن وبمب‌افکن آن‌دریك عصری که طیاره اختراع نشده بود قبول آن مشکل بود ولی بعد حقیقت آن روشن شد وباورنده آن‌حدیث سرتعظیم فرود آوردند

قسمتی ازاین اخباررا نمی‌توانستند درآن عصر برای مردم روشن بیان کنند زیـرا استعداد قبول آن‌سخنان‌پیداشد ویاللعجب که درقرن دهم‌هجری که پر و تو نطقی‌مبنی‌برحرکت زمین کرد او راتبعید نمودند وسالها حبس کردند و کتبش راسوزانیدند وگالیله را کـه گفت زمین متحرك است زندانی کردند وکپرنیك رادیوانه خواندند.

بنابراین پیغمبری که موظف و مأمور **به کلم الناس علی قدر عقولهم** بود چگونه خودرا در معرض حملات عامه‌خلق می‌انداز وحاشا وکلا آنها که ازمنبع وحی سرچشمه گرفته بودند علوم و فنون رادرقالب الفاظ توحید ونبوت وامامت وقدرت وخلقت بیان‌فرمودند واز این قبیل‌است اخباری که زمین روی شاخ گاو یـاماهی قرار گرفته که ظل‌وسایه زمین درقبال نور آفتاب چون شاخ گاو یا ماهی میشود وهمچنین قنادیل وملکوت وافلاك همه تاویل وتفسیر دارد که در تحقیق صحیح و منطبق باحقیقت است.

وچون دربیان ملل‌یهود ونصاری جمود فکری بود وملاها واحبار یهود وکشیش‌هاواسقف هـای نصاری بشرحی که خواهیم گفت باعلم وعلماء دشمنی داشتند وآنهارا مانع دکان روحانیت ساختگی خود میدانستند و اکثر کشتاری که آنها از فتاوی خود نمودند بـزرگترین جنایت تـاریخی بشر محسوب گردید.

پیغمبر اسلام که برای اصلاح مفاسد عالم‌قیام کرد نمیخواست بشررابهم بخصومت برانگیزد بلکه میخواست باعلم ودانش تدریجی وتحلیلی آنهارا بکمال خود سوق دهد ولذا بهترین راهی که برای‌آنها پیشنهاد وتربیت نموده که بسرعت برجهانیان فائق‌آمد ولذا بمسلمین‌علوم وفنون راتدریجاً درخلال احادیث واخبار وتفسیر آیات آموخت وبعلاوه چون اسلام برای تدریس علوم وفنون نیامده بود خواست روحیه ونفوس بشررا مهذب نماید لذا رشته هـای مختلف علوم وفنون‌که مبنای تحکیم معیشت بشری است درخلال احکامی ازحلال وحرام بیان‌فرمود تامورد حملات یهود ونصاری نگردد

شیمی - فیزیک میکانیک

مسلمین علم کیمیا رابجای شیمی‌وفیزیك ومیکانیك بکارمیبردند ودراین‌علم‌علوم‌دیگری‌هم‌مراد بود وآن طلاسازی است این‌عقیده که ممکن است فلزی‌را بفلزدیگر تبدیل کرد درمیان مسلمین بود وحتی اخیراًهم این‌عقیده بقوت خود در مسلمین باقی است ومعتقدند که بایك‌دارُوئی که تهیه آن‌صدها راه‌دارد میتوان فلزی رابفلز دیگر تبدیل نمود ونگارنده خود ازبسیاری که دراین رشته‌کار کرده بودند.

شنیدم یکی‌از طرق‌آن شناختن گیاهی بود که روغن آنرا می‌گرفتند وبظرف مس‌میزدندطلا میشد امایك‌نکته دراینجا بود وقابل توجه است.

کسانی‌موفق باین علم‌میشدند که تارك‌دنیابودند وعلم‌را برای کمال‌نفس خود میخواستند نـه برای ثروت انـدوختن ولی ایـن‌نکته راهم بایدگفت‌که برفرض صحت‌چنین قول‌وعملی اگر فکر سلیم وراشدی بوداز این‌عمل میتوانست خدماتی بزرك بعالم بشریت مینماید و صرف مس طلاساختن

کاری نبود که اینهمه فعالیت روی آن انجام شود و ۹۹ ٪ محرومیت داشته باشد خسر الدنیا والاخره گردد.

باری فکر تبدیل فلزی بفلز دیگر قرنها مورد آزمایش دانشمندان اسلام بود اگرچه باقواعد علمی امروز سازگار نیست ولی نتیجه‌ایکه آنها گرفتند وقوف دربسیاری ازنباتات وداروها و خواص آنها بود که درطب مورد استفاده قرار گرفت وازاین راه بگنجی رسیدند شایدهم براستی و حقیقت افاضه این‌فکر برای کوشش و کاوش در راه تحقیق خواص نباتات داروها و تجزیه وتحلیل برخی از مواد حجری ومددی وغیره بوده‌است وشاید همین‌فکر باعث شد که مسلمین بافداکاری درراه تحصیل علم تبدیل فلز بفلز دیگر موفق بکشف **جوهر شوره تیزاب - سلطانی- نوشادر- سنك‌جهنم جیوه قرمز** غیره شدند وموادی که امروز درزندگانی بشر بیش‌از همه چیز مورد حاجت واستعمال است مانند **جوهر گوگرد - الکل** وغیره ازمکتشفات مسلمین‌است واروپائیان ازهمین موادولیه بهزاران مواد داروئی دیگر پی بردند.

مسلمین ازهزارسال پیش دارای لابراتوارهای دقیق واکتشافات‌مهم‌بودند وآنروزملل‌اروپائی‌در تاریکی بسر میبردند ولذاهیچ‌یك نمیتوانندانکار کنند که تقطیر وتبخیروتبلورانحلال - تجزیه وامتحان وآزمایش ازمختصات مسلمین‌بوده وآنهابودند که دررد علم کیمیای‌قدیم‌وابطال آن تالیفاتی‌نمودند

بزرگترین طبیب‌دانشمندایرانی محمدبن زکریای رازی متوفی‌سال ۹۴۰م درقرن سوم‌هجری در کتاب خودشرحی مبسوط درباره ترکیبات شیمیائی نگاشته واستخراج جوهر گوگرد رااز تقطیر زاج سبز والکل رااز‌تقطیر موادنشاسته وموادقندی تخمیرشده ثابت کرده است.

ابوموسی جابربن‌حیان خراسانی شاگرد امام‌جعفرصادق(ع) درنیمه دوم‌قرن دوم هجری وقرن هشتم میلادی‌ازبزرگترین مخترعین ومتخصصین‌علوم‌طبیعی‌است که کتب اوبزبان لاتینی دراروپاترجمه شد وملل مغرب‌ازآنهااستفاده شایانی کردند مانند کتاب نتایج‌التکمیل که درسال ۱۶۷۲ بفرانسه ترجمه شده ومدتها دراروپا موردعمل بود دکتر گوستادلوبون میگوید:

تصانیف جابربن‌حیان‌یك دائرة‌المعارف کامل علمی مشتمل برخلاصه‌ای از مجموع مسائل شیمی‌است که جابرنگاشته واوازخواص‌بسیاری ازگازها واقف بود وازترکیبات شیمیاوی کتب مسلمین است ومیتوان ازاین کتاب قوت فکرودقت درعمل تجزیه و تحلیل مسلمین رابدست آورد که تاچه پایه در۱۲قرن‌پیش وسعت داشته‌اند واواضافه میکند که داروسازی ازمخترعات خاصه مسلمانان است

رنك سازی - استخراج فلزات ساختن فولادهای آبدارمانندشمشیرهای طلیطله (تولد) و یمن وچرمسازی وغیره نشان میدهد که مسلمین درهرپیشه‌وری ازشیمی استفادد میکردند.

قرآن درباره‌این علوم فصولی دارد وآیاتی که درضمن قصص انبیاء جلب‌توجه مسلمین راکرده واستخراج معادن وذوب‌فلزات واوزان ومقادیرمخصوص وحرکت باد وتاثیراتش وسرعت وبطوءهریك را درعالم طبیعت‌کاملا بمنظور توحیدعالم بیان فرموده است.

فیزیك دراسلام

مسلمین‌درفن فیزیك‌هم‌بگفته علمای مغرب تقدم داشته واستادی آنها مورد تصدیق است.

مسیو **شاسل** که ازمبرزین ونامیترین دانشمندان این علم است مینویسد که اروپادرعلم‌مناظر معلوماتی که حاصل کرده ماخذان‌ازتالیف الحسن‌است.

الحسن بن هیثم حکیم ریاضی‌دان مشهورجهان بود وتالیفات وی از پنجاه جلد تجاوز کرده کتاب مناظروی درزبان لاتینی وایتالیائی ترجمه شده واین همان کتابی است که گیلو بیش‌ازحد از آن بهره‌مندبوده‌است‌دراین کتاب ازکانون آینه‌ها ومحل‌ظهورصور درآنهاومسئله انکسار شعاع‌ومزایای صورمحققانه بحث کرده است.

این فکردرمسلمین بقوت باقی بود تادرجنگهای‌صلیبی که قدرت‌علمی ومالی آنهارا بتاراج‌بردند این فکر نیروی عمل نداشت ولذا بنام حکمت وفلسفه طبیعی وریاضی درمسائل مختلفه فلسفی بحث‌و تدقیق وتحقیق شگفت‌آمیزی کرده که نشان میدهدهمان قدرت حرکت فکری باقی‌بود نهایت آلات وابزاروموجبات عمل واستنتاج نداشته‌اند.

درشرح حال‌حضرت‌داود وسلیمان ازذوب‌فلزات وتاثیرترکیب آنها وآهن ومس وغیره‌وساختمان صنایع فیزیکی بمنظور بنای توحید اشاره اجمالی فرمود .

مکانیك اسلامی مترجمین قدیم‌این‌لفظ رابعلم‌الحیل ترجمه کرده‌اندومتاخرین جراثقال گفته‌اند برخی‌مانندمرحوم‌فروغی علم‌الحرکات‌شناخته وآنچه مسلم است علم‌آهنگری وآهن‌کاری واستفاده ازحرکات وجراثقال‌بود ومنجنیق همان لفظیونانی مکانیك است که اصلا منجنیق‌بود وبتصحیف واستعمال منجنیق شده وبعد مکانیك گشته ودرصدر اسلام هم خودمسلمین درعصرمعاویه بن‌یزید وهشام‌بن عبدالملك منجنیق برای تخریب کعبه ساخته‌اند ودر سایرجنگهاهم ازآن استفاده کرده‌اند ولی‌باکمال تاسف باید گفت فکربسیاری ازمسلمین منحرف‌شد بطوریکه تصوراین علم ولغت راهم نکرده فیروزآبادی درقاموس من‌چه نیك ترجمه کرد وچقدر ناجا وبی‌مورد است .

دریکی ازمجلات مصری‌راجع‌باین وسیله علمی‌مینویسد :

آنچه اروپادرقسمت پیشرفتهای صنعتی‌مکانیکی‌خودمرهون کوشش مسلمین است نمیتوان‌بآسانی شماره کرد ولی‌بطورکلی میشود گفت که مسلمین درهنرهای خود وعلم‌الحرکات باوج کمال رسیده و گیتی رامرهون‌زحمات واختراعات خویش‌ساختند زیرا دراین‌باره اختراعات شگفت‌انگیزوسحرآسا دارند که ازآثارهنرمندی تازیان دراین فن همان ساعتی‌است که آوازه آن دراقطار فرنك پیچیده و درکتب تواریخ اروپا مکررازآن نام برده‌اند**هارون‌الرشید برای شارلمان ارمغان فرستاد و امپراطور ورجال‌دولتش ازمشاهده آن درحیرت‌ودهشت‌افتادند .**

قسمت مهم این‌اکتشافات مربوط بقانون یکسانی مایعات هیدروستاتیك میباشد که دردانشگاه بغداد مدتها تدریس میشد .

درعصرالمستنصر بالله دربغداد اوایل قرن هفتم‌هجری بر یکی ازدیوارهای‌دانشگاه آن دایره ترسیم نمودند سیارات وافلاك رادرآن ممثل کرده بودند بدینترتیب که دردیوار طاقهای درب‌دار بود دربالای آنها وزنه‌های مسلمین قرارداده شده که دراوقات معین سقوط میکردند وبمحض افتادن‌وزنه یکی ازدرهای زیرین طاقها گشوده میشد وهرگاه یکساعت میگذشت وزنه درمیان دو پیاله از طلا می‌افتاد ووزنه‌های نامبرده هنگام فروافتادن دیده میشدند که ازدهان دوباز طلائی ساقط میشوند و پس‌ازسقوط متدرجاً بجای اولیه باز میگشتند .

ونیزدیده‌میشد که درآن فلك‌خورشیدهای زرین درآسمان کبود فام طلوع میکنند وچون‌آفتاب

میدرخشید این خورشیدهای طلائی بادوران آن می‌چرخند وباغروب آن ناپدید میگردند تاشب فرامیرسید بازماهها باروشنائی که قسمتی‌از دائره رامنورساخته بود طالع‌میشدند وهرساعت که سپری میشد روشنائی دایره فزونی میبافت .

تاآنکه تمام دایره‌ماههای اولیه روشن میگشت پس‌ازآن دائره‌دیگری بازپدیدمی‌آمدو بهمین ترتیب ادامه میبافت تاشب بپایان میرسید .

این هیئت منظومه شمسی دردیواردانشگاه بغداد بوده است .

ابن‌جبیر ازغرائب مصنوعات‌واختراعات محیرالعقول که مقارن قرن ششم میلادی درجامع‌اموی دمشق مشاهده کرده ساعتی است که آنرامنگنه مینامیدند که بردروازه جیرون بشکل طاق مدوری دارای دوصفحه معین بوده که بعددساعات روز منافذی درآن صفحه وجود داشته وباتدبیر هندسی بکار گذاشته شده بود.

چون یکساعت ازروزمیگذشت دو کلوله مسین ازدهان دوباز مسین دردوپیاله‌ای که جلوهریك ازآن دوبازابکی‌قرارداشت‌می‌افتاد که دوپیاله‌نامبرده‌سوراخ‌بودهمینکه وزنه‌ها د. پیاله پرتاب‌میشدند فوری ازآن سوراخها داخل دیوارشده درب مخصوصی آنساعت بسته میشد درحین جریان این عمل شگفت‌انگیز دیده‌میشد که دوبازباطرزی عجیب گردنهای‌خودرا کشیده و گویای‌ازروی اراده‌واستادانه گلوله‌ها رابجایگاه مخصوصی آنهاپرتاب‌میکردند وتماشاچیان آن راجادومیپنداشتند وحمل‌برسحر میکردند اینهاآثارزنده مکانیکی علوم‌اسلامی درعصراول بود واین دوساعت موردتوجه سیاحان قرار گرفته وهمه نوشته‌اند - وهمچنین ادامه داشت تازمان خواجه نصیرالدین طوسی و بعدازاوهم‌همچنان ادامه داشت.

حضرت‌امام زین‌العابدین حقایق فیزیك و شیمی و مکانیك واوضاع و احوال علوم طبیعی رادر خلال دعا وراز ونیاز باخدا ازراه درس توحید بیان میفرماید - ودرضمن اشاره روشنی بوزن‌هواوآب واوزان مخصوص فلزات ونیروی غیرمرئی عالم طبیعت وحرکت افلاك وعناصر ومنظومه شمسی‌و تولید موالید ثلاث وغیره‌ازآب وباد - خاك‌وآتش وتاثیرعمومی‌آن درزندگی بشر بسبك اعجازآمیزی‌فرموده که خردمندان‌حقیقت‌جورادریافته‌اند .درآنعصرنمیشداین علوم رسما تعلیم شودظرفیت کسب ودریافت آن نبود امام هم بایك تاثرات قلبی که من جواهرخزائن علم خودرا مکتوم میکنم وباینصورت‌بیان علوم وفنون رافرموده است ومسلمین صدراسلام ازآن بهره‌مند شدند .

مسلمین درعلوم طبیعی

قرآن مجید درعلوم طبیعی وماوراء طبیعت تصریحی‌ندارددولی‌اشارات‌اجمالی‌بسیار نموده‌است که مسلمین استفاده کرده‌اند .

باتفاق همه مورخین شرق‌وغرب مسلمین درآغازخلافت‌بنی‌عباس یعنی ازاوایل قرن دوم‌هجری نهضت علمی راشروع کرده وبنقل کتب ملل دیگرپرداخته وبقول مستشرقین از ۷۵۰تا۹۰۰ میلادی تقریباً صدوپنجاه سال مرتب کتب یونانی - هندی - سریانی - عبری - فارسی را ترجمه کردند و شاخصترین رجال این فن جابربن حیان است که بصوفی لقب‌داده‌اند .

بطوری دراواخرقرن دوم زمان خلافت مامون بازارعلوم طبیعی درخراسان وبغداد بنهایت‌اوج رفعت رسید وعلمای بزرگی درخدمت مسلمانان بکارگماشته شدند وحتی علمای یهود ونصرانی نیز

برای نشرعلم ودانش استخدام شده و مورد احترام قرار گرفتند - یخیشوع - حسین بن اسحق از شاخصترین علمای دوره‌دوم نهضت ترجمه علمی میباشند که کتب فلسفی نجومی - فیزیکی - ریاضی یونان راترجمه کردند و کتب طبی زبان سریانی بعربی نقل شد و کتابخانه متوکل عباسی در بغداد بادارالترجمه اوبریاست حنین بن اسحق سپرده شده .

الکندی فیلسوف شهیر بتنهائی ۲۶۵ جلد کتاب ترجمه کرد که پانزده جلدآن مربوط بمعرفت-الجو وچندین کتاب درخصوص وزن مخصوص جزر - مد - مبحث نور- انکسار نور وهشت کتاب در موسیقی بوده است .

اولین کتاب درمکانیك بنام الحیل درقرن دوم سال ۸۶۰م توسط **احمد وحسن ومحمدوموسی** پسران شاکر ریاضی‌دانهای معروف ترجمه شده واین کتاب صداصل فنی داشت که ساختمان مکانیکی رانشان میداد ،

ازاستادان این فن درعلوم طبیعی اصمعی است که درنبات‌شناسی وحیوان شناسی وحجروسنك شناسی بسیارماهر ودرعینحال ادبیات‌اوغلبه‌برعلوم اوداشت وبدینجهت بادیب اصمعی شهرت یافته است و هنوز نام احجار بعربی برده ونوشته میشود مانند بارزکه پادزهراست وکامفور که کافور است و غیره .

الکندی رساله درآهن وفولاد ترجمه کرد که برای‌اسلحه سازی بسیارمفیدواقع شدمشعشعترین دوره ترقی - وعصرطلائی نهضت‌علمی‌مسلمین‌سال ۹۰۰- تا ۱۱۰۰م درقرن سوم وچهارهجری است که بزرگترین طبیب وحکیم‌وفقیه وشاعروادیب ومترجم وغیره دراین عصر بظهور پیوستند وتمام رجال‌قرن چهارم نوابغ عالیقدر ودانشمندان بی‌نظیرعالم بشریت بوده‌اند - **حکیم‌عمرخیام - شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا - ابوسعید ابوالخیر شیخ صدق - سیدرضی و مرتضی - حکیم‌ابوالقاسم فردوسی - ابوبکرزکریای رازی - مسعودی مورخ - ابن‌جریرطبری - ابن هیثم**وغیره که درجلدسوم تاریخ مفصل اسلام درادوارعلوم شرحی مفصل از آنهانوشته شده است.

وانحطاط آن ازحملات چنکیزشروع شدکه جنگهای صلیبی علوم و کتب وآثارتمدن‌مسلمین را باروپا انتقال داد ودرموزه‌های آنها موجوداست قابل‌انکارنیست و این مفاخرات بی‌جا نمیباشد و بدرد امروزآینده هم نمیخوردمگرآنکه مسلمین نهضتی براساس علم وفضیلت تجدیدنمایند.

مسلمین وعلوم طبیعی ماندفیزیك وجرواثقال

مسلمانان‌درکتب فیزیك‌وطبیعی وجرواثقال نیزدست‌داشتند حسن بن‌هیثم‌مقیم‌بصره‌متوفی سال ۱۰۳۹م - ٤۱۹ه ازعلمای بزرك این فن بودکه کتب ریاضی و فیزیك او بپنجاه جلد میرسید .

علم مناظر- که درآن ازشعاعهای منکسر ومستقیم ومنعکس وازتصاویر درآینه‌های مقعر بحث کرده وکتاب اومورد استفاده کپلربوده است .

درجراثقال اطلاعات عملی مسلمین بدرجه کمال بود ازآلات چندی که تاکنون باقی مانده و درتاریخ نویسندگان قدیم میتوان فهمید که بچه حد ترقیات صنعتی عالی نصیب مسلمین شده است !

مسلمین وشیمی - درمیان علمای اسلام همانطورکه مسائل هیئت توام بانجوم بودعلم شیمی

هم بافن طلاسازی توام ومختلط بوده است ولی دراختلاط وتوامشدن موضوع یکی واقعی ودیگرخیالی هیچ تفاوتی وفرقی درا کتشافات وایجادات آنها پیدا نشد .

عرب شیمی و معلوماتیکه ازیونان حاصل نموده محدودبوده است وموادمهمهٔ که یونانیان از آنها بی اطلاع بودند مثل تیزاب سلطانی - الکل - جوهر گوگرد - تیزاب فاروق و غیره تماماً ازایجاد و اکتشافات مسلمین میباشد ۲ - آنهاعمل تقطیر وغیره راکه از عمل هـای اساس اینعلم است جاری ومعمول داشته اند .

مشهورترین علمای شیمیا (کیمیا) دراسلام ابوموسی جابربن حیان است که شاگرد امام جعفر صادق(ع) بود ودره۷۶۵م - ۱۴۵ه میزیسته وقریب هزارجلد کتاب دراین باره نوشته است ومانند یك دائرةالمعارف دراروپاموردتوجه است.

خودش میگوید امام جعفرصادق استادمن پانصد رشته علم بمن تعلیم فرمود که هزار ورق درباره آنها نوشته‌ام .

- ابوبکرمحمدبن زکریای‌رازی درطب وشیمی ازمشهورترین علمای ایرانی است که مقامی شامخ داشته .

جابر بن حیان

یکی ازمستشرقین درباره اومینویسد قدرت وعظمت وشکوه دنیای اسلامی بمنتها درجه رسید درآغاز طلوع ایندوره که ازبنی‌عباس شروع گردید یکنفرمسلمان بنام جابر که اوراصوفی میخواندند برعلوم قرون وسطی درمغرب سایه بلندی‌افکنده‌است ویونانیان ویرا بنام «جبر» میشناسند او پسر یکنفردواساز عرب بود که بطبابت اشتغال داشت ولی چیزی ازآثار تالیفات طبی اودردست نیست جز آنکه دراواخر کتابی از اوست بدست آمده که درآن شرحی راجع بمواد شیمی نوشته است ودرحدود ۱۱۰ جلد از کتب آن دراروپا تمرکز یافته که درفهرست‌ها نگاشته ومستشرقین تصریح نموده‌اند

جابرپدر کیمیای عرب است واین دانشمند باوزرای بزرك ایرانی یعنی برمکیان ارتباط داشت وچون آن وزراء ازمیان رفتنداونیز بکوفه تبعیدشد ودرشهریکه پدرش تولدیافته بود بدرود زندگی گفت دویست سال بعد درخرابه های آنشهر آزمایشگاه «لابراتوار» اوراپیدا گردند ۱

نگارنده گوید کتب جابر که دردست است اکنون هم زیاد و درفنون مختلف میباشد مانند کتاب‌طالب که درکتابخانه نگارنده‌است .

مسلمین درفنون واکتشافات

مسلمین نه تنها درجهانگیری واخذعلم ونشرآن قدرت‌ونیرویافتند دراطلاعات فنی‌واکتشافات وتحقیقات علمی دوش‌بدوش هم‌پیش‌رفته‌اند. باروت‌جنك‌واسلحه‌ناربه‌مقدار مصرف بااسلحه‌های‌آنعصر ازاکتشافات اسلامی است و از قراریکه در کتب تاریخ نوشته‌اند این اکتشافات بدست مسلمین انجام شده است .

۱- اطلاعات‌کامل دراصول طبیعیات خاصه درعلم مناظروایجاد آلات باریك جراثقال

---

۱ صفحه ۶۲۵ تاریخ تمدن گك

۲- صفحه ۷۲۷

۱- میراث اسلام تالیف سیزده‌نفر مستشرق صفحه ۱۰۴

۲ـ اکتشافات مواد اساس شیمیاوی مثل الکل - جوهر- جوهر- شوره - جوهر گوگرد واعمال اصیله آن ازقبیل تقطیر وغیره

۳ـ ازاصول کیمیا در دواسازی وحرفت خاصه در استمزاج معادن و ساختن فولاد و نیز درفن رنگسازی و گاز گرفتن .

٤ـ اختراع باروت واسلحه ناریه

٥ـ ساختن کاغذ از کهنه

٦ـ استعمال قطب نما ـ در کشتی رانی

که درتاریخ تمدن اشکال وتحقیقات رشیقه درهریك ازاین اختراعات واکتشافات کرده اند (۱)

مسلمین درفن معماری وساختمان

بهتراست تعریفی را که مستشرق مارتین کرده نقل کنیم اومیگوید .

نکات مورد توجه درمعماری اسلامی برای ترقی وعظمتش نیست وبرای نفوذ سریع آن درترقی معماری دنیای غرب هم نیست بلکه بیشتر مربوط باصول معماری و ساختمانهای ابتدائی است که مسلمین مغرب رابعالم بشریت مدیون ساخت وشاید تایکقرن دیگرنتوانیم آنچه درعالم معماری و ساختمان بدنیای اسلامی مدیون هستیم باکمال اطمینان یقین واعتراف کنیم ...

اعراب درعرض نیم قرن مانند گردبادی خودرا بستونهای هرقل (جبل الطارق) درمغرب وسرحدات هندوستان درمشرق رسانیدند.

کشورهائی که تصرف کردند تمدن‌های مختلفی داشتند ودارای علوم گوناگونی بودند ومساحت کشورمسلمین ازمساحت امپراطوری روم افزون تر ووسیع تر بود سبك معماری که مسلمین بوجود آوردند قابل مقایسه باسبك ساختمانهای روم ویونان وغیره نیست . معماری غربی روی اصول رومی است ولی معماری مسلمین ساخته ومانع خودآنهاست وعاملی که تمام سبکهای ترکی وهندی وایرانی وعربی رابنام سبك اسلامی بوجودآورده ایمان مسلمین است که صورت زیبائی بساختمان‌ها داده است مساجد ومدارس وبیمارستانها وکتابخانه‌ها وقصوروکاخهای معظمی بهترین معرف سبك معماری اسلامی است که بقدر وفوردرتمام اقطارعالم موجود است .

بارزترین نمونه سبك معماری اسلامی وجالبترین صنعت بنائی دراسلام اول ساختمان مسجد مدینه است که شخص پیغمبرص خود ساخت ـ ودرمرورزمان تکمیل شد وامروزیکی ازبناهای باعظمت ومجلل وازمعابد بلادفاع بزرك اسلامی است ودیگرمسجدالحرام ومکه است که بدست مسلمین تعمیر وتوسعه وتزئین وتذهیب یافت وپس ازآن مسجد بیت المقدس ومسجدقبه الصخره است و مسجد کوفهٔ ومسجد فسطاط قاهره که عمردرعصرخود ساخت ومسجداموی دمشق ـ مسجد خیف درمنی مسجد مشعرالحرام مزدلفه ومساجد دیگری که عکس آنها بازحمت زیادتهیه شده ودراین کتاب زینت بخش گردیده است .

یکی دیگرازآثاربرجسته مسلمین درفن معماری مناره‌های بزرگی است که میساختند و درهر مسجد برای اذان گفتن ماذنه‌ای بلندوسبکی خاص که امروزهم دراقطارعالم موجود است مانندمناره مسجدبزرك قیروان نزدیك تونس که زمان خلفای بنی‌هشام درسال ۷۲٤ ساخته شده ومناره‌ها ماذنه‌های موجوده مکه ومدینه وشام ونجف وکربلا وکاظمین وسامرا وبغداد وتهران واصفهان وقاهره واندلس

۱ـ صفحه ۶۳۹ تاریخ تمدن گك

وقرطبه و غرناطه و مدینةالزهراء الجزایر وغیره کـه اکثرموجود است وساختمان دماغی مسلمین درفن معماریست .

نکات دقیق فن معماری وخورده کاریهای ظریف و دقایق موردتوجه آن را متخصصین فن شناخته وبعظمت آن پی برده‌اند که مثلا مسجدشاه اصفهان برجسته‌ترین مساجد جهان ازلحاظ بنائی ومعماری وفنی است ومسجدشیخ لطف‌الله دراصفهان زیباترین صنایع ظریفه را دارد .

مسلمین دردریانوردی

هو الذی یسیرکم فی البر و البحر حتی اذا کنتم فی الفلک وجرین بهم ریح طیبة وفرحوابها جائتها ریح عاصف وجاءهم الموج من کل مکان وظنوا انهم احیط بهم دعوالله مخلصین له الدین لئن انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین

آیه ۲۳ سوره یونس

خالق عالم وآدم کسی است که میگرداند وسیر میدهدشمارادرصحرا ودریا وقتی در کشتی نشیند بادی میفرستد فرح انگیز ونشاط آمیز تا کشتی شمارا بانجا که خواهیدبرد وچون تندبادستت بوزدو طوفان شود و برصات درردریا پدیدآید وامواج ازهرجانب روبکشتی آورد بدون‌شك چون دیدند که امواج برای بلع نمودن کشتی متوجه است وآنهارا احاطه کرده است بی‌اختیار خدارا میخوانند و از اومدد ویاری میخواهند وماهستیم که آنهارا ازاین طوفان امواج که کشتی‌را دراوج وحضیض میبرد نجا . میدهیم شاید سپاسگزارشوند .

سعدی :

خداکشتی آنجاکه خواهدبرد اگر ناخدا جامه برتن درد

فردوسی :

برد کشتی آنجاکه‌خواهدخدای اگر جامـه برتن‌درد ناخدای

درباره کشتی و کشتی‌سازی وسیر دریاها ونجات ازطوفان چندین فصل در قرآن مجید مشحون برچندین آیه که درباره کشتی‌سازی حضرت‌نوح وآب‌شکنی حضرت‌موسی و کشتی‌سواری حضرت‌یونس ذکرشد وچنانچه گفتیم چون قرآن برای درس کشتی‌سازی و کشتی‌رانی وساحل گیری وغیره نیامده‌و درعین‌حال مسلمین رابااین‌علوم وفنون ازیادآوری انبیاء سلف درس علم وفضیلت میآموزد مسلمین هم دراین‌فن بمناسبت مجاورت‌درسواحل‌خلیج‌فارس‌ودریای‌هندومدیترانه‌توانستند بسرعت درزمان کوتاهی شگفت‌انگیز دریانوردی را باکامیابی انجام دهند و قریب چهارصدسال برآبهای دنیا فرمانروائی داشته و اینك باجمـال فهرست دریانوردی مسلمین را برای اثبات غرض خویش بنظر خوانندگان میرسانیم تاشاید روح صمیمیت‌وغیرت آنها تحریك شود ولباس آسایش وتن‌پروری که بذلت و خواری آمیخته است ازتن بیرون کنند وبردنیای خود وزندگانی این عالم چیره گردند تابتوانند افتخار دو جهان را در رستگاری وسعادت وکامیابی ببرند.

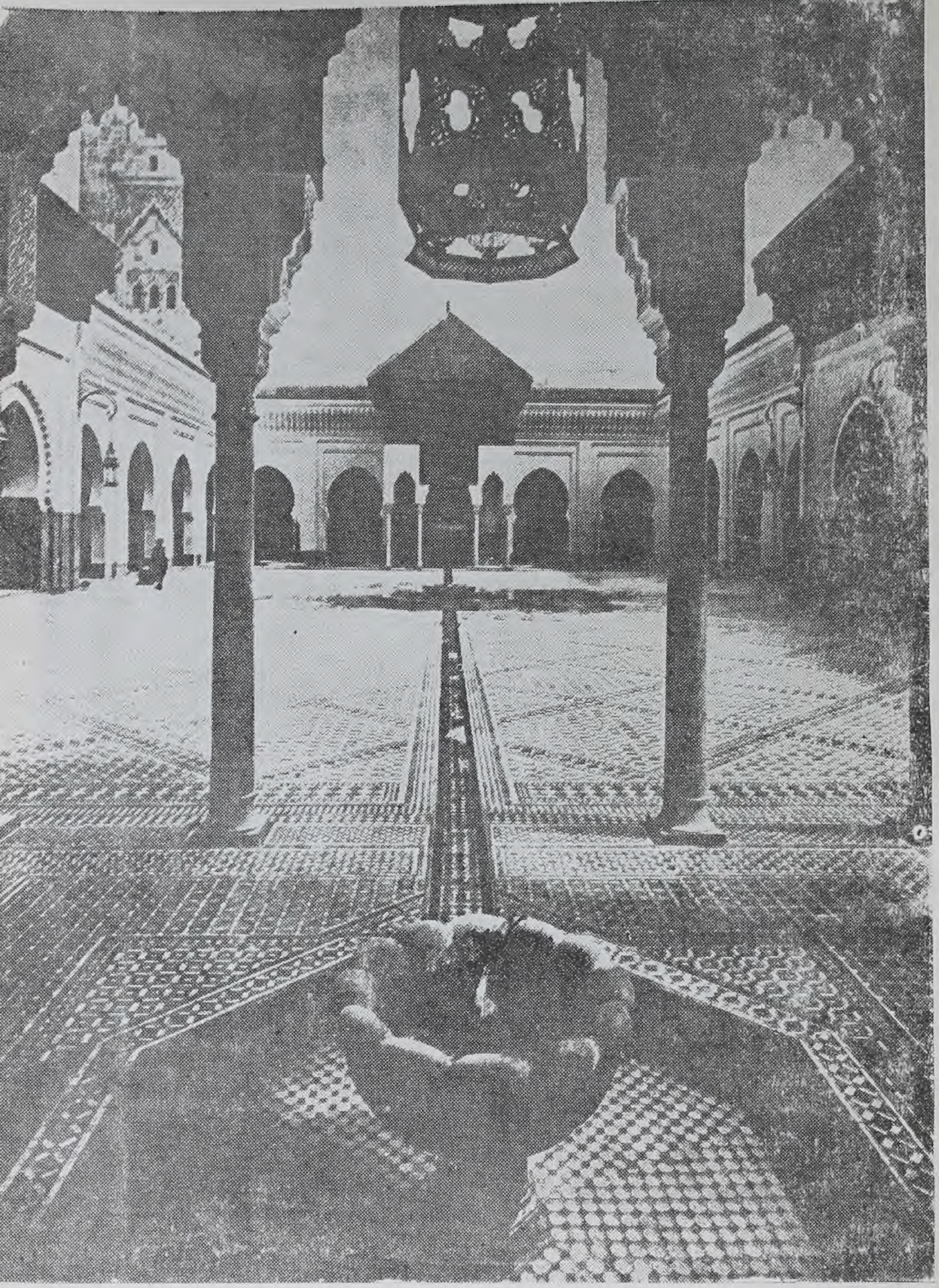
درباب دریاها درقرآن ۵ آیه است :

ربکم الذی یزجی لکم الفلك فی البحر لتبتغوا من فضله انه کان بکم رحیماً

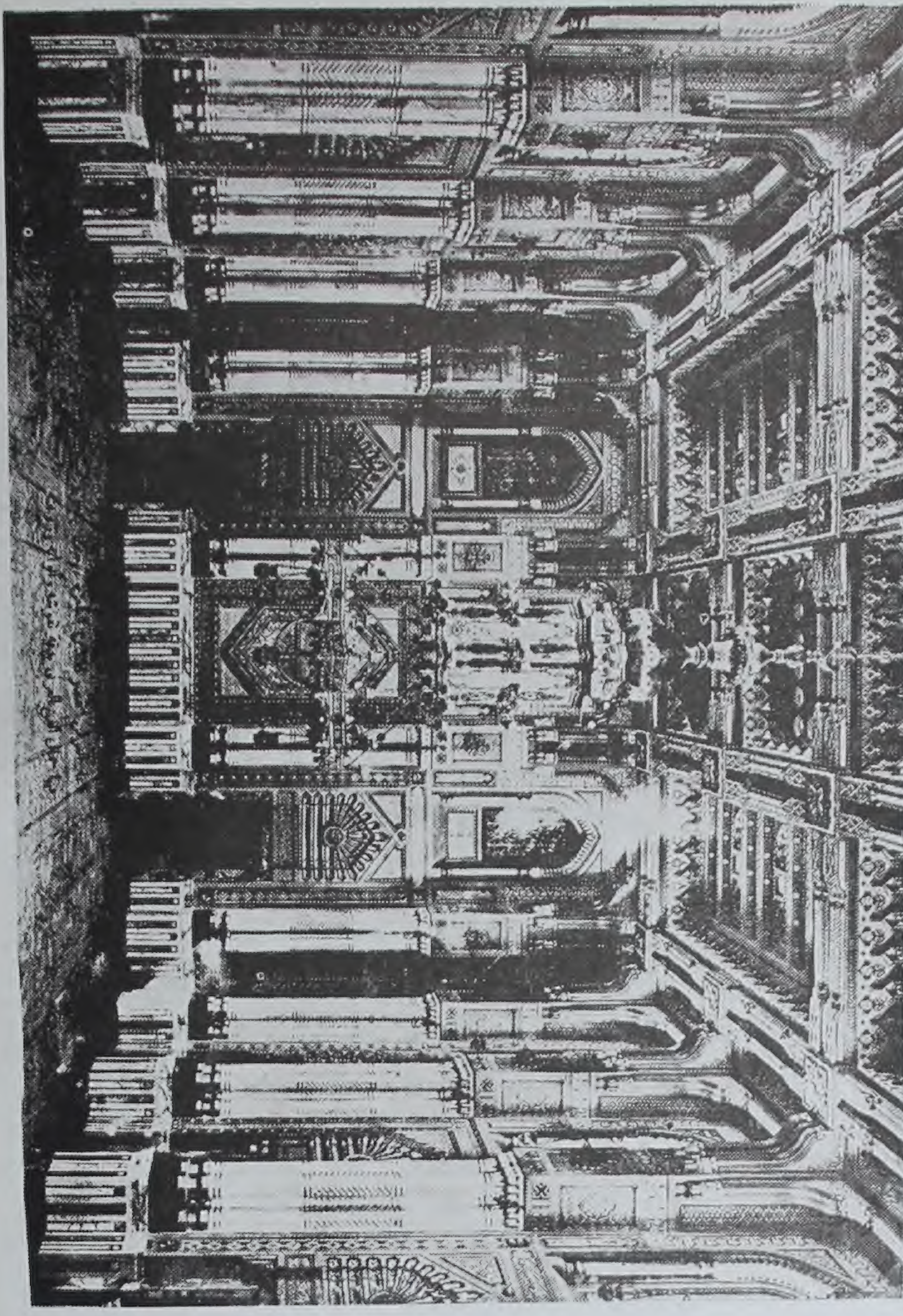
آیه ۶۹ سوره اسرائیل

الم تران الفلك تجری فی البحر بنعمة‌الله لیریکم من آیاته ان فی ذلك لایات لکل صبار شکور

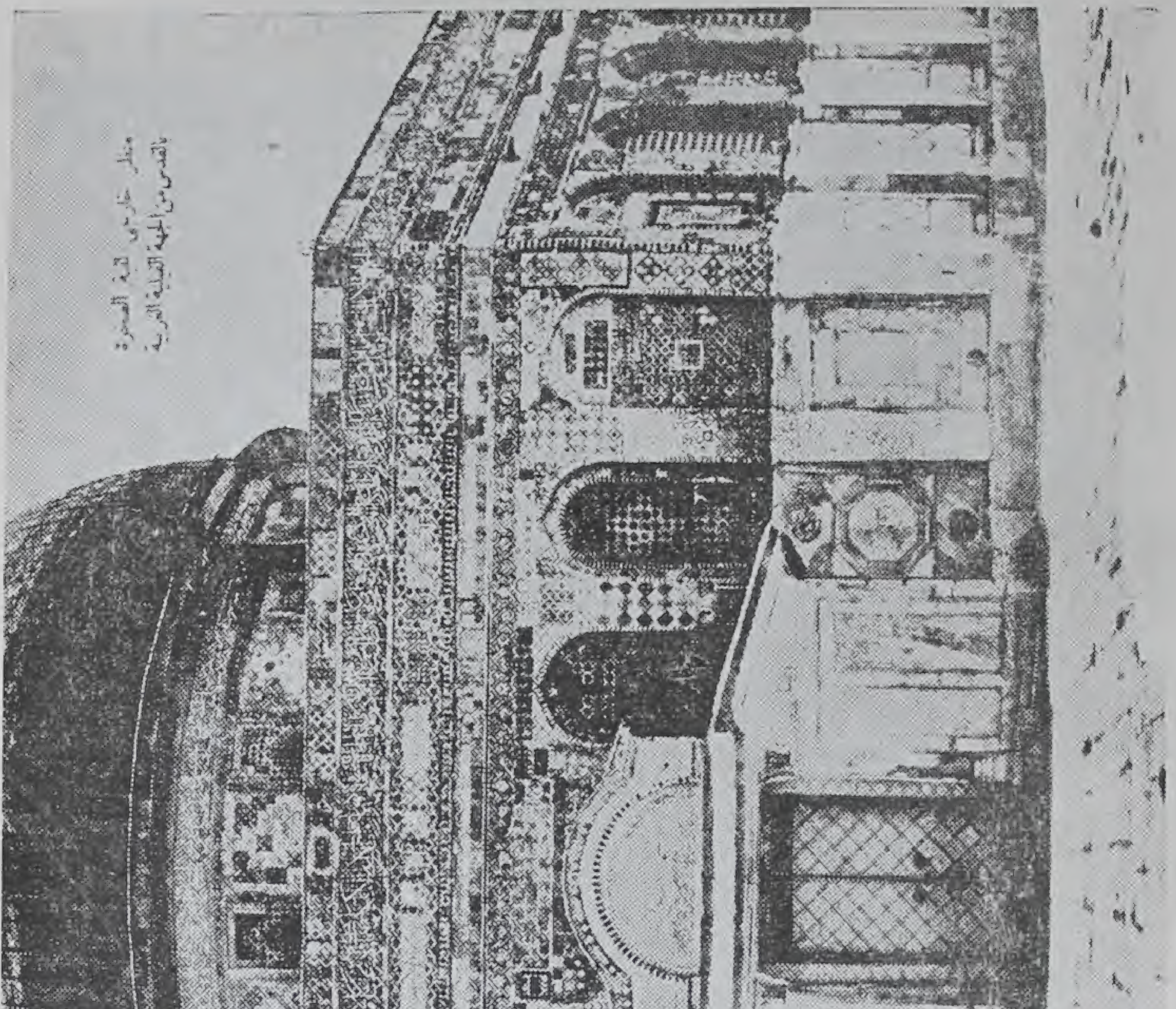
آیه ۳۵ سوره لقمان



(ش۹۷) قسمت داخلی مسجد سلطان‌محمد درمراکش



(ش ۹۸) قصر عابد در مصر



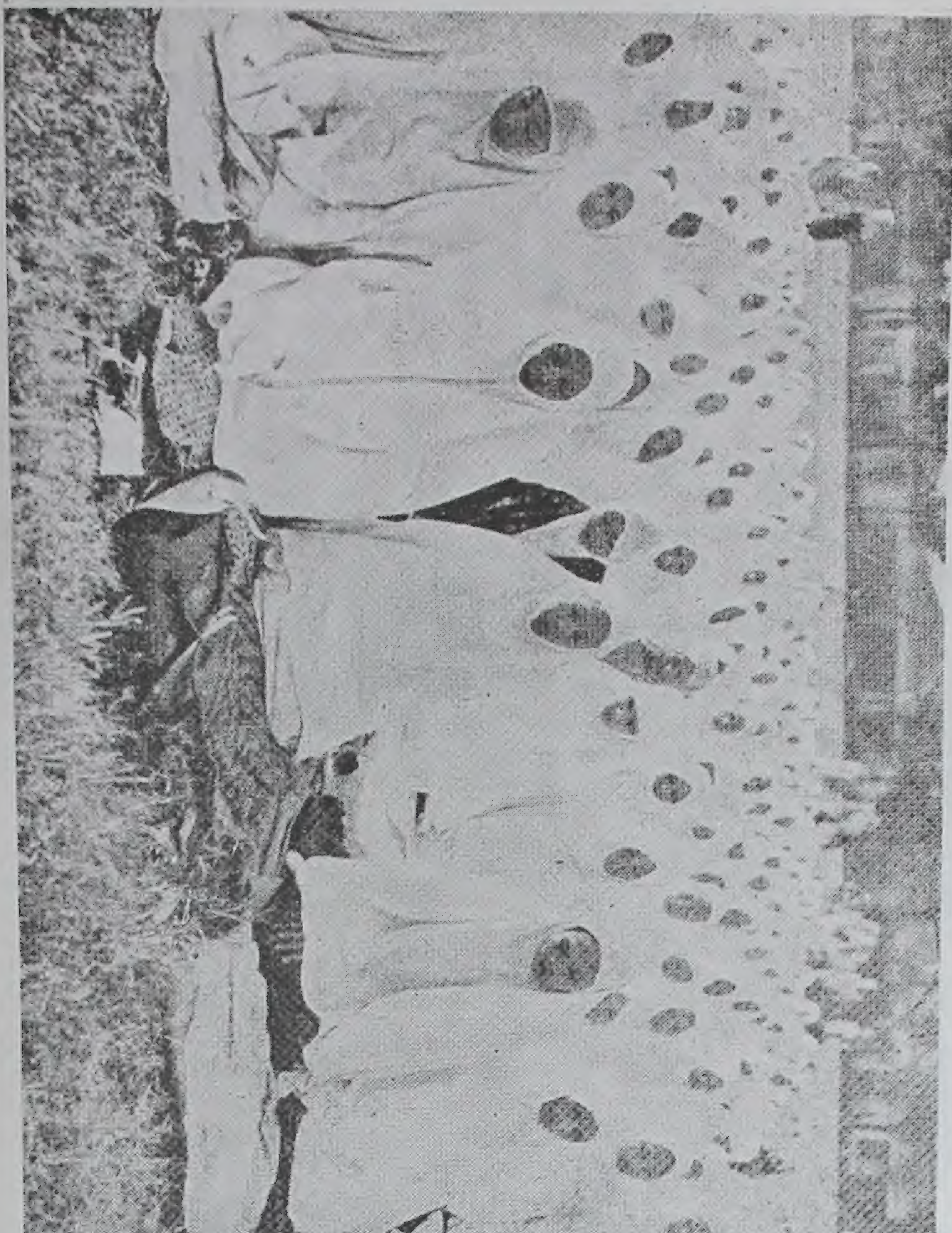
(ش ٦٩)



(ش ۱۰۰) نقشه عـالم اسلامی درعهد خلفاء راشدین



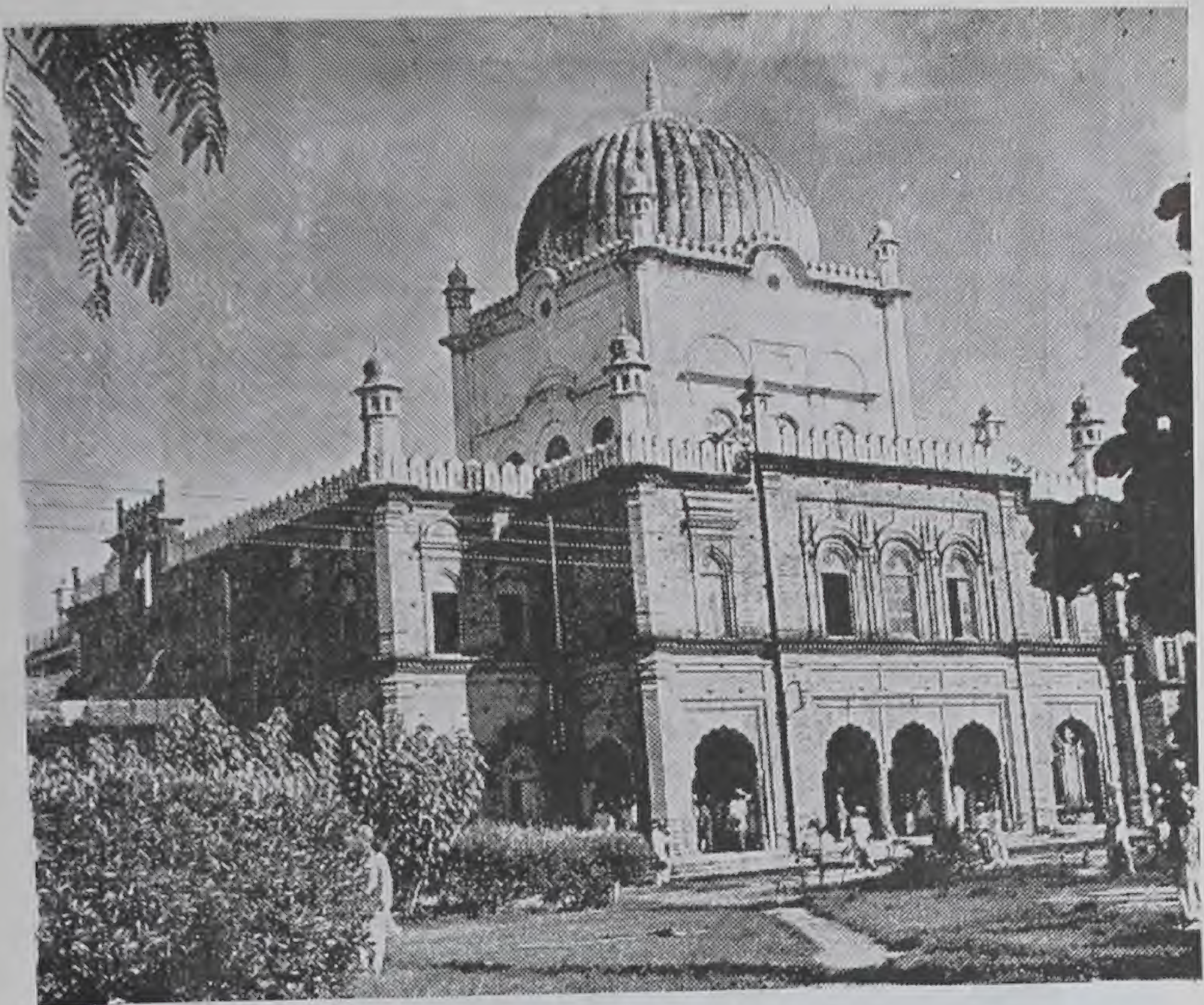
یکی از مناظر باشکوه مراسم مذهبی در اندونزی (ش ۱۰۱)



(ش۱۰۲) زنهای مسلمان درحال نماز



(ش۱۰۳) نوشته شاه اسماعیل دردانشگاه اسلامبول



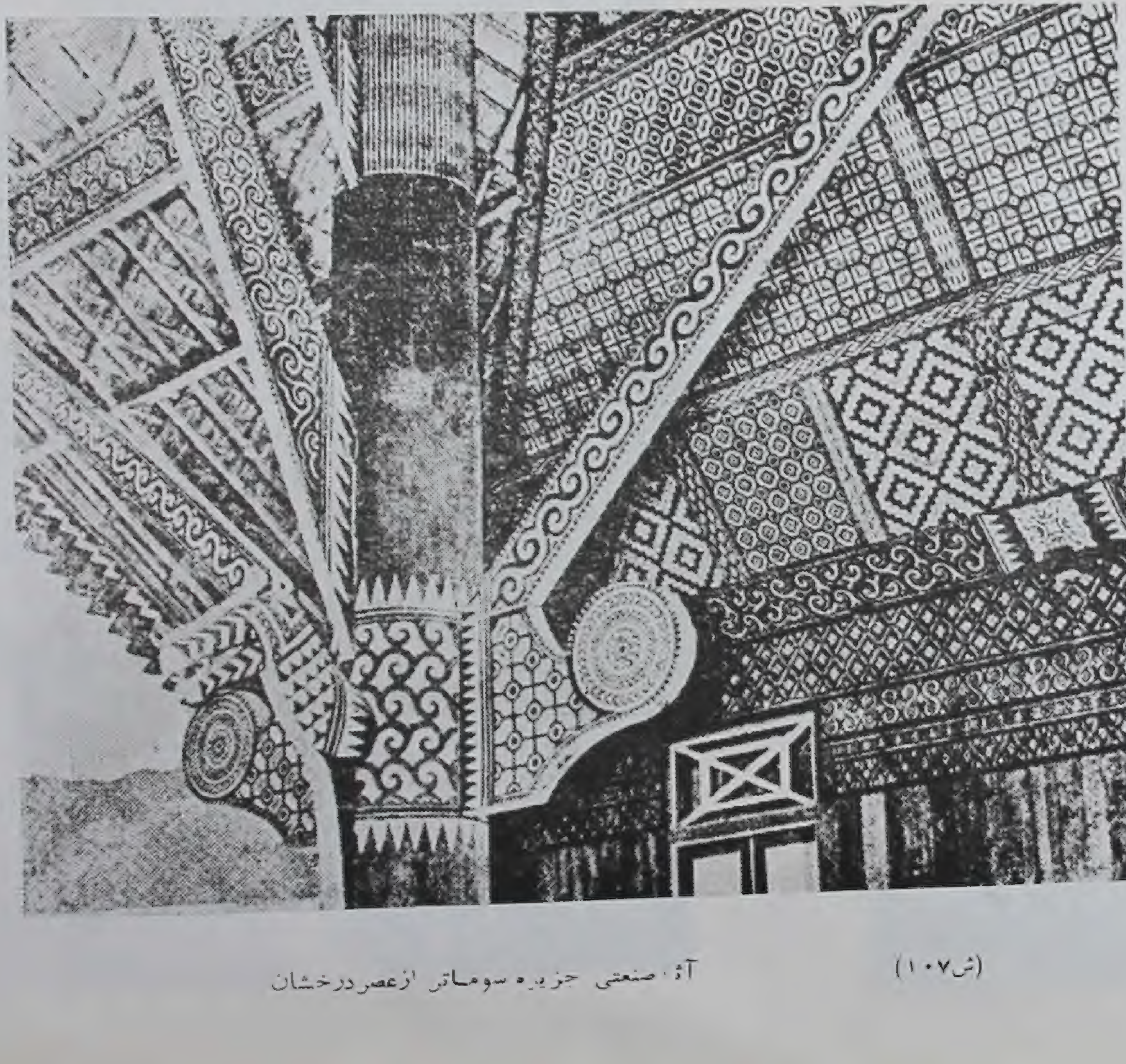
(ش١٠٤) دارالعلوم بویاند



(ش١٠٥) یکی ازمناظرمهم دهلی



(ب۱۰٦) مقبره اورنگ زیب



(ش۱۰۷) آذ. صنعتی جزیره سوماترا ازعصردرخشان



(ش۱۰۸) تزئینات سنگی که درسنگهای سخت بادقت بسیار زیاد ایجاد میشود



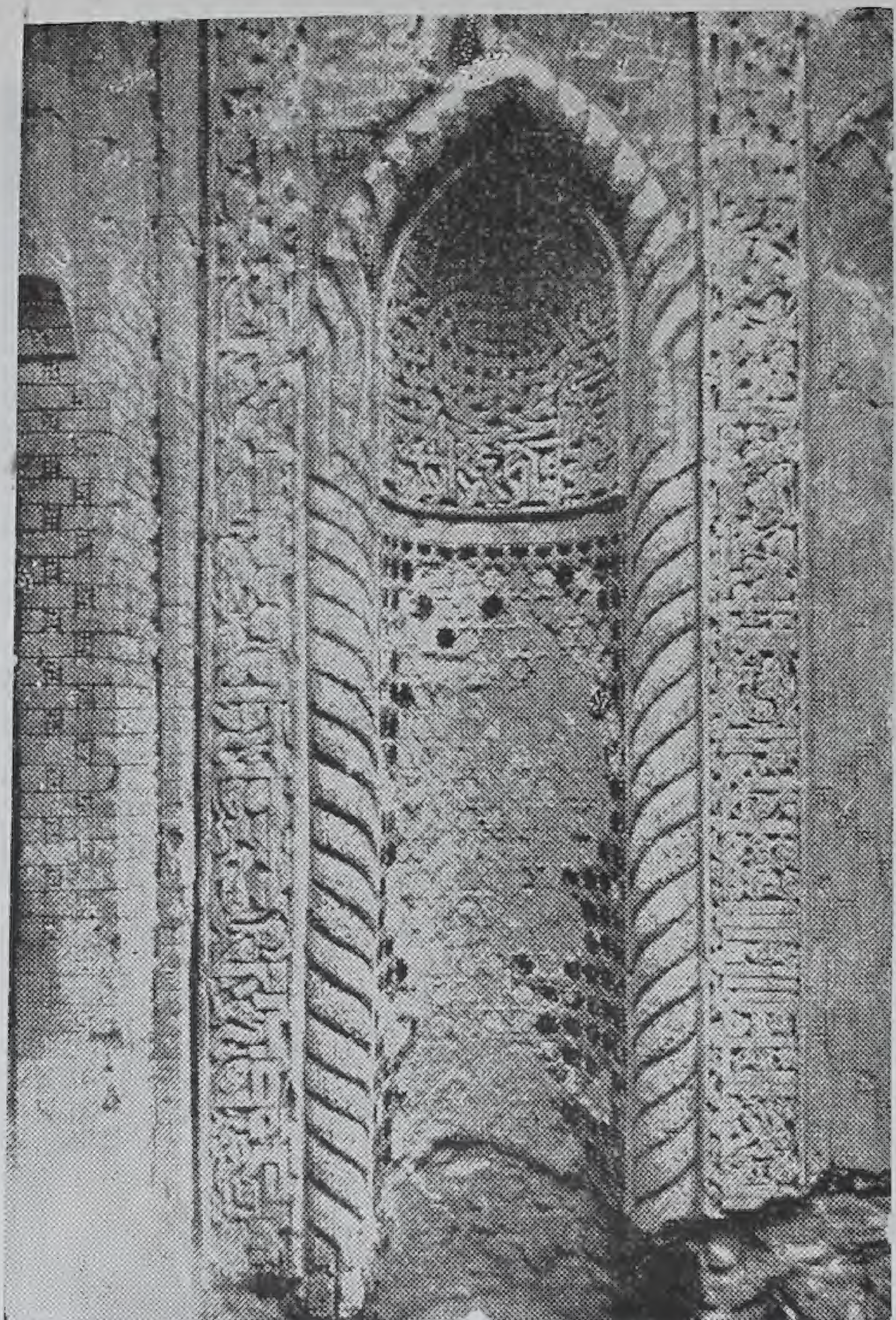
(ش ۱۰۹) یکی از مدارس اسلامی در اندونزی



(ش ۱۱۰) مقبره همایون دهلی جدید



(ش۱۱۶) مسجد علویان



(ش۱۱۲)　　　　　　پیر بکران دامغان



(ش ۱۱۳) بانوان درجشن برقراری حجاب

نیروی دریائی اسلام

عرب قبل ازاسلام بقایقرانی عادت وخو گرفته بود ولی میدان دریاسواری آنها کوتاه بود بیشتر مابین حمیر وسبا درروزگار پادشاهان تبابعه برای تجارت کشتیرانی میکردند- اعراب حجازازقایق رانی بیم داشتند وازراه دریاسفر نمیکردند - درعراق نیز ازقدیم الایام قایقرانی ومرکب دریائی فقط برای شط فرات تامصب دریا وپیمودن شهرهای ساحلی خلیج فارس بود.

چون اسلام پدیدار ومسلمین کشتی‌های رومی‌ها رادرسواحل دریای روم مشاهده کردندوجنگهای دریائی رادیدند برخود لرزیده ولی جسارت یافته برای جنك دریائی حاضرشدند. اول کسی که این جرأت وشهامت رابخودداده وسوارمرکب دریائی برای نبرد وپیکارشد بنقل جرجی زیدان علاءبن الحضرمی عامل بحرین درزمان عمربن الخطاب بود این فرمانده شجاع بران شد که شهرهای ساحلی خلیج فارس را فتح کند وحکومت نماید - ازخلیفه استیذان کرد که قایقها و کشتی‌ها تهیه نماید وبپیشرفت خود ادامه دهد عمرموافقت نکرد - فرماندار بحرین ازمنع خلیفه سخت متاثر بود که درهمین ایام شنید سعدبن ابی‌وقاص امیر کوفه براین کارتصمیم گرفته خلیفه اوراهم منع نمود دردنباله این افکار معاویه فرماندار دمشق واردن که مردی حریص وپرآرزو بود خواست ازکشتیهای رومیها برای ماوراء اردن استفاده کند یکنفر نماینده نزدعمر فرستاد که کسب اجازه نماید بازهم عمر او را منع نمود - عمرو فرماندارمصرهم این اجازه راخواسته بودعمردرجواب نامه او نوشت :

«دریادارای مخلوق زیادی هست وسوارکاران کشتی معدودی بیش نیستنددر آنجا جز آسمان و آب چیزی نیست اگر کشتی بسوی دریائی برخورد کندهمه محزون ومایوس میشدند واگرپیش رود عظمت دریا آنهارا بحیرت میاندازد - یقین آنها افزون میشود ولی شك آنها افزونترمیگردد - آنهامانند دودعود چرخ میزنندتا اگردرنتیجه غرق شوند یانجات یابندجز ضعف نفس چیزی تحصیل نخواهند کرد»

چون این نامه بمعاویه رسید گفت «**الذی بعث محمدا بالحق لااحمل فیه مسلما ابداً**» سوگند بپروردگاری که محمد را بحق برگزیده کـه بر کشتی سوارنمیشوم ویکنفر مسلمان را سوار نمیکنم ،

ازاین روایات ضعف نفس عمر و معاویه از نظرحفظ آمالها و آرزوهای خودپدیدارمیگردد

چون خلافت بعثمان رسید وفرمان داد که ازراه دریا بفتوحات بپردازند معاویه ازفشار عثمان قبول کرد لیکن شرط نمود که جنك دریائی دراختیار او باشد که اگرخواست جنك نکنند واگرخواست قشون راسوار کشتیها نماید وآنرا حمایت کند .

معاویه خواه نـاخواه سوار کشتی شدوتاقبرس درسال ۲۸ هجری رفت و بامردم آنجا مصالحه نمود که درسال ۸۲۰۰ دینار جزیه بپردازند - این اولین غزوه و جنك دریائی و اولین سفرفتوحات مسلمین بود که ازراه دریا آغاز گردید - دراین سفرقدرت وشهامت - شجاعت ودلیری - مسلمین درسفر دریاافزون گشته ورغبت ومیل آنهاشدت کرد تاجائی که اگرجنك هم نبود درفصل پائیز وبهار کشتیرانی میکردند وتمرین داشتند - تاآنجاکه سیادت دریائی در ٤ قرن نصیب آنها شد.

باتوجه بفرمان خلیفه دوم که بیشتر تاکید مینمود محلی قشون فاتح اسلام انتخاب کنند که

بین‌خلیفه وعمال آب فاصله نباشد موید گفتار درضعف‌نفس‌وبیم خلیفه‌ازسفردریااست.

ناورانی عرب

اعراب در کرانه مدیترانه پیاده شدند و این‌توفیق سبب شد که ازجنبش علمی وفنی ودینی آنهاثروت وفرهنگ مصر و سوریه در دسترس آنها قرار گرفت .

امپراتوری روم سراسر آبگیرمدیترانه را دردست داشت که بازرگانی ازادخاورمیانه ازآبهای آنجا انجام میگرفت و چون اعراب آنجارا تصرف کردند ازتمام مزایای امپراطوری روم شرقی بهره‌مند گردیدند .

قبل ازعرب روم وایران دردریای هند ومدیترانه وحدت ویگانگی برای تجارت و بازرگانی یافته بودند وباجنگهائی‌هم که برای رقابت تجارت میکردند بازآبهای این قسمت دست‌آنها بود که مسلمین هردورا شکست‌داده وقدرت صحرائی ودریائی روم وایران را درهم شکستند وآثارتمدن‌آنها راگرفتند - باآنکه دین ایرانی ومسیحی‌دورقیب دوسمت دریای مدیترانه بودند ودوامپراطور بزرگ باهم مصاف میدادند وبجای آنکه مدیترانه شاهراه بازرگانی باشد سرحد قدرت نهائی شده بود- ویکروز این دریای جنك پهناوری داشت که اسکندریه را دگرگون ساخت ودرقرن هفتم میلادی در زمان عمرخلیفه دوم بدست اعراب افتاد .

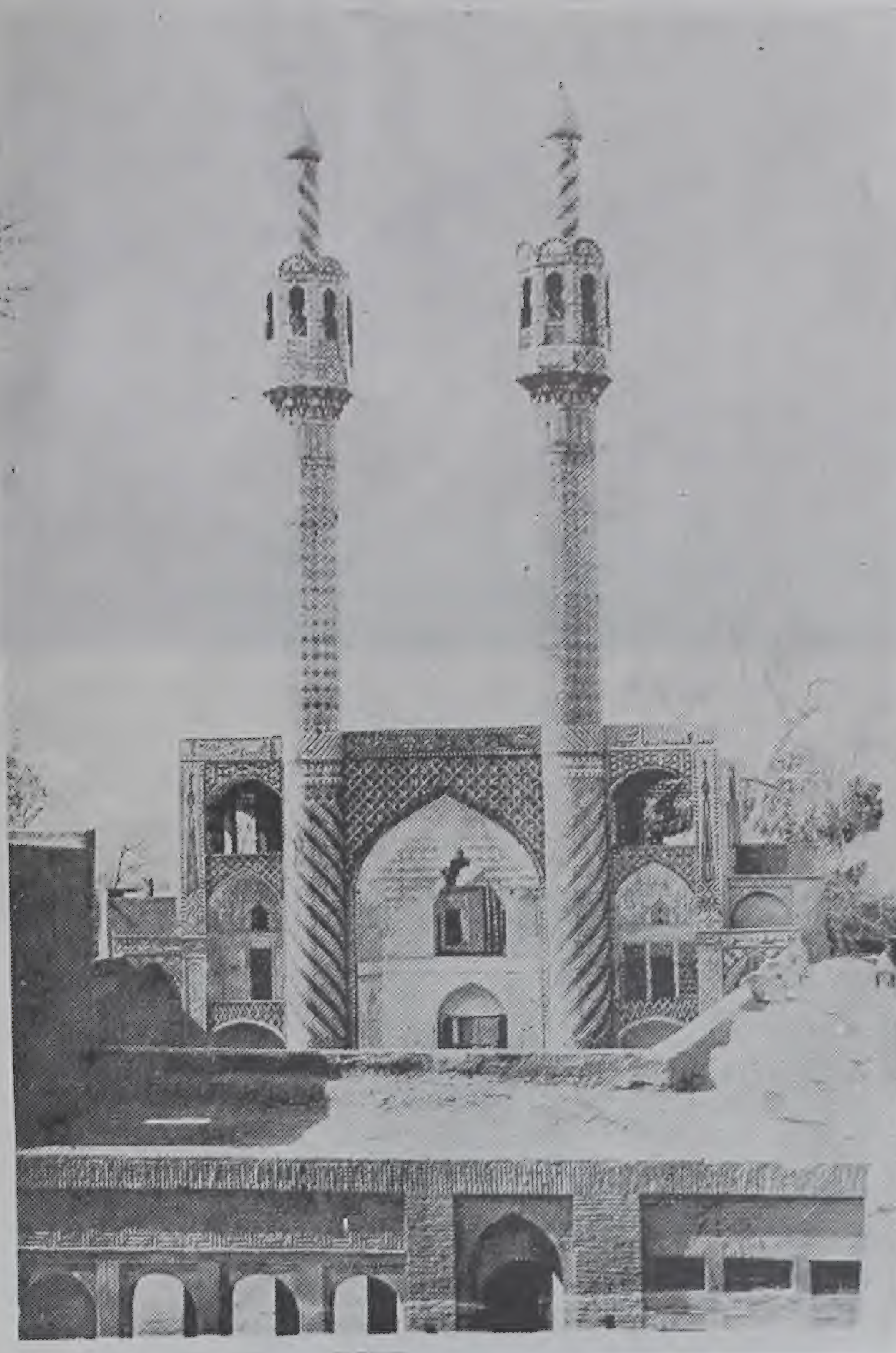
اعراب برای مبارزه ومعارضه بمثل بانیروی دریائی آن دو رقیب برومند یك چیز سودمندی بمدیترانه آوردند وآن بادبان‌لچکی بود که باآن برآب تسلط یافتند وهمه کرانه های خلیج‌فارس‌را دردست گرفتند وپیش‌رفتند وسرزمین‌های آسیای‌غربی راباممصر بهم متصل ساختند این‌حوزه‌اقتصادی که نخست بدست پارسیان بودودردست جانشینان اسکندردوقسمت شد باکوشش اعراب‌یکی گردید یعنی برای بازرگانی یکسراست - باشرق ازراه مصرودریای سرخ بهم متصل گردید .

سلاطین روم وایران واکاسره وقیاصره‌باهم برسراین راه تجارتی مبارزه داشتند ویکدسته تازه وارد غربی هم دخالت کردندمانندبطلیمها - سلوکیان - رومیان - پارتیان - غیر اینها - ساسانیان میخواستند سرحد غیرطبیعی بین سوریه وبین‌النهرین بوجود آورند که اعراب آمدند برسر آنها ریخته همه را ازمیدان بدر کردند .

خلیج فارس و دریای سرخ دیگر رقیب روم و قسطنطنیه نبودند و امپراطوری مسلمانان رونقی گرفت و بازرگانی بین خلیج فارس - هند - چین در زمان عباسیان تا وقتی که بغداد پایتخت شرق نزدیك بود بسیار رونق داشت وهمچنین میان خلیج‌فارس و افریقای شرقی آمدوشد معمول ورواج بود وراههای باستانی ازدریای سرخ دوباره جان گرفت.

تصرف‌وتفوق مسلمین دردریانوردی مایه‌امید و کامیابی ملل مجاورشد بحدی که ازآزمایش و بهره‌گیری درشرایط امکان موجود وجدوشوقی نشان‌میدادند ومانند سایر رشته‌های زندگی که تسلط و چیرگی یافته بودند در بازرگانی دریائی هم باوقوف کاملی که در جغرافیا و تاریخ داشتند کامیاب شدند .

مسلمین دردریا مانندصحرا همان روح جنگی وازخود گذشتگی رانشان دادند **عثمان ثقفی فرماندار بحرین درسال ۶۳۶م بعمان نزدیك‌یمن‌پیش رفت و برادر خود را بخلیج دیبل دردهانه سندفرستاد واز آب‌گذشت** ودرخشکی تااستخر پرسپولیس پیش‌رفت وبا آن که کشتی های او را ازبین بردند ودزدیدند اوسفر پرخطر بین بحرین وبصره راطی کرد سال۶۳۸ وباآنکه



(ش۲۸)　باغ ومنارهای مسجد تاریخی ماهان کرمان

مصر که قلب اسلام درشرق بشمارمیرفت کشور صنعتگران کاروان دریائی بود و بی گمان قبطی ها ازدانش یونانی که اسکندریه اززمانی که بنیادش گذاشته شد مرکزآن بود بهره بسیار گرفته بودند - وتنها چیزیکه ازاین حیث مصر فقیر بود الوار چوب برای کشتی که از سوریه یا کشور باشند دیگری باید بیاورند.

بندرهای سوریه که عمده آن اکره «عکا» وصور است نیزپایگاههای دریائی مسلمین بودکه از آنجا مقداری ناوگان بسوی ذات الصواری براه افتادند ولی در آن زمان کشتی سازی در کرانه سوریه نبود.

معاویه مرکزی برای کشتی سازی درآن کرانه درسال ۴۰-۵۰ هجری برقرار نمود وکارگران فارس را که در انطاکیه - حمص - بعلبك مانده بودند بصور و اکره و بندرهای دیگرسوریه آورد وآنها کشتی‌سازان فنیقیه بودندکه برای ناوگان بین‌النهرین کشتی میساختند وناوگان‌عرب قبل‌از اسلام همه‌بدست یونانیان افتادکه باخود برده بودند ومسلمین ازنو ناوهائی ساختند وکشتی های تندرو سبك بایك یادوردیف پارو وبادبان های چهارگوش باستانی- مدیترانه رادرسفر دریائی بکار می بردند.

مسلمین درمصرازقبطیها کدسابقه کشتیرانی وملاحی وپاروزنی داشتند استفاده کردند وآنها را درنیروی دریائی بکارگماشته وبسوریه برای تکمیل اطلاعات ناوبانهای عرب میآوردند و ابن مقفع در سال ۲۳۴ راجع بکشتیرانی قبطی‌ها در سوریه از نظرخرج سفر و تجهیزات گله و شکوائیه نوشته است.

درهرحال مسلمین بجای یونانی وقبطی متصدی دریا نوردی شدند ولی‌کار راطریقت برای‌تکامل خودمیدانستند نه بعنوان موضوع‌کار ولذا درجریان ذات‌الصواری اعراب‌کاردریانوردی راپست‌شمرده بفتوحات‌مهمتری دست زدندودریاسالاران‌وناخدایان بزرك همه عرب بودند وکارگران و کارگردانان ازملل دیگر استخدام میشدند چنانچه دسته مصری زیر فرمان عبدالله‌بن‌ابی‌سرح فرماندار مصر و دسته سوم بسر کردگی ابوالاعور فرماندارسوریه بود وآنها بادوستان قبطی‌درقبال ناوگان بیزانس که همه یونانی بودند مقاومت میکردند ودرجنگهای دریائی ازمصر ۲۰۰ دویست کشتی و از سوریه شماره نامعلومی براه میافتاد و هدف آنهارسیدن بکرانه لیکیه و بریدن درختان سرو برای کشتی‌سازی بود،

درجنگهای دریائی اول مانند جنك درخشکی دوطرف یونانی وبیزانس‌دریك سمت کشتی‌هارا نگاه داشته بودند واعراب مسلمان دریکطرف وبعدمانند جنك درخشکی باشمشیرونیزه میجنگیدند وکشته‌ها درآب میافتاد وعربها دراین جنك پیروزشدند وکشتار بسیار نمودند درلیکیه پیاده شدند کاردانی قبطی‌ها درکشتیرانی وشمشیرزنی عربهاباهم کمك کردند وآنهاراافاتح‌ومظفر نمود (۱) اعراب پس‌ازپیروزی درکرانه سوریة بدریای سرخ راه یافتند ودربازارهای بابل ومصر وکناره قلزم(کلیما) وبندرینبوع وجده پیش رفتند. ۱

۱-اسناد خارجی بنقل دریانوردی‌عرب جرجی حورانی معادن‌الجوهر مسعودی در وقایع ۳۲۷ التنبیه والاشراف ۶۳۵ - مقدسی‌در۶۶۷ یعقوبی در۱۷۰ ابن‌قتیبه‌وابن‌حوقل واصطخری‌درقرن سوم ومروزی درگردآوری اخباردریائی مسلمین دراواخر قرن چهارم جزئیات جالب توجهی درباره نیروی دریائی

۱- طبری صفحه ۲۸۵ ج ۵ بلاذری صفحه ۱۱۷ - فتوح مصرابن‌عبدالکریم‌تاریخ‌عالم جلد۴-

عمروعاص در زمان حکومتش دستورداد که یك شاخـه‌ای ازکانال دریاچه تمساح بسوی شمال بمدیترانه مانند کانال‌سوئز کنونی باز کنند ولی‌عمراز ترس آنکه مبادا ناوکان بیزانس ازدریای‌سرخ برانند وحج مسلمین رابرهم زنند اجازه نداد ولی‌بعدکه تـسلط‌کامل یافتند اقدام کردند و کشتیهای مسلمین درقلزم- فسطاط - مصر- اسکندریه کنـاره میگرفتند ومالك‌الرقاب این دریاها بودندوابواب تجارت برای پارسی وعربی وسایرملل مسلمان بازشد وازهمین راه بژاپون و چین دست یافتند واز خلیج‌فارس بکانتون دورترین راه دریائی بود که مسلمین طی میکردند واین رابطه بین ایران وچین ازموفقیتهائی بود که دراثر بذل مساعی مسلمین بدست آمد وسرتـاسر جهان اسلام ازاسپانی تاسند زیرفرمان خلفای اموی بود ودر دوره عباسیان افریقا وچین هم بامسلمین ارتباط کامل‌یافتند.

وایرانیـان مسلمان بودند که بچین راه یافتند ونخستین سفری که ایرانی بچین کرد درسال ۶۷۱میلادی‌یعنی درست درسال۵۱ هجرت بود درکانتون بریك کشتی پوسه سوارشدند وبجنوب‌بهو که «پالمبانك» درسوماترای جنوب شرقی رفتندویك‌زردشتی‌هم درسـال۷۱۷ یعنی سال۹۱هجری‌با۳۵نفر بچین رفتند که درجلد دوم مفصل خواهیم گفت :

ویکدسته ازمسلمانان‌شیعه که درخراسان مورد زجروشکنجه بودند بطرف چین حرکت کردند وبنقل‌مروزی صفحه ۱۱۲ آنجا بودند و واسطه معاملات بین چین وعرب وایرانی میشدند تارسماًدر قرن دوم اسلامی وقرن هشتم‌میلادی‌ابو‌عبیده‌واصل ازعمان‌بچین‌رفت‌وچوب‌عودخریدباری نیروی دریائی مسلمین چنانچه‌دیدیم‌ازخلیج‌فارس‌ودریای‌مدیترانه وساحل‌اسکندریه‌پیشرفت روزافزونی کرد تابچین وژاپون‌باکشتی‌رسیده وسرحد خشکی برای جهان‌اسلام‌ازبصره ـ‌اهواز- فارس -عمان- بهام-بحرین و کرانه‌های دجله وفرات تابغداد وموصل ودیاربکر ـ وربیعه وآذربایجان وارمنستان ودیارمضرورقه ـ سوریه ـ مرزمصر وافریقای شمالی باقایق پیش میرفتند .

فرات بوسیله چندکانال قابل ناورانی بادجله وصل میشد که یکی نهرعیسی ویارانش بغدادبود وطبری ازدهان منصورمیگوید «**این است دجله که میان ماوچین مانعی نیست** وهرچه دردریاست میتواند برروی آن نزدما بیاید» ـ

مورخین همه اتفـاق دارند که ایرانیان بامسلمان شدن‌خود اثرهای‌بسیاری درزندگانی دریائی آنروزگار بجاگذاشته- وازآنجمله‌اصطلاحات ولغات‌دریـائی‌است که‌ازلغت ایرانی دردریانوردی عرب بجامانده‌است ودرکتاب‌عجایب‌الهند‌نام‌بسیاری ازناخدایان که فارسی بوده‌اندبرده شده وحتی‌چینیها عربها را بنام تاشیه که ازفارس‌تازیك ازقبیله ظمی میآیدمیشناختند و کشتیرانی‌مفصلی‌بین چین وهند میشد ـ ابن خردادبه‌ومورخین‌اخبار الصین‌والهند مینویسنددرقرن سوم کشتیرانی‌مرتبی بچین‌میشدو چون‌دریانوردان بحرین‌تجاهر‌بسرقت کردند نیروی‌دریائی‌اسلام‌ازایران وهند وچین برای کیفر دزدان دریائی بحرین کیفردادن آنهامتفق شدند ودزدان را ازبین بردند وپایگـاههای سفردریائی مسلمین ازخلیج‌فارس تاچین امن وبرقرار بود که مسعودی‌وابن حردادبه وغیره مفصل نقل‌اخبارآنرانموده‌اند .

ـ مسلمین‌نوشته است ، **کتاب‌اخبار‌الصین‌والهند- عجایب‌الهند ـ صورة‌الارض‌ابن‌حوقل المسالك والممالك اصطخری- احسن التقاسیم‌فی‌معرفه‌التقاویم مقدسی- البلدان‌ابن‌فقیه المسالك والممالك‌ابن‌خرداذبه ـ‌الخراج‌قدامه ـ الاعلاق النفیسه یعقوبی- مروج‌الذهب مسعودی وغیره**

« بلاذری‌صفحه ۴۳۵ التنبیه والاشراف صفحه ۵۵طبری‌صفحه۳۵۹» «یعقوبی کتاب‌البلدان صفحه۲۳۷»

کشتی در اسلام

اگردرتاریخ کشتی‌رانی‌درجهان بشریت توجهی شود خواهیم دید که اول معلم این فن حضرت نوح پیغمبرع بود وعرب چون درخشکی تجارت میکرد کشتی‌سازی وملاحی نمیدانستند و برای فرا گرفتن این فن بزرگ درحوزه حکومت اسلامی ازملاحان رومی واهل صنعت وهنرمتخصص استخدام کردند وازآنها آموختند ـ کشتی ـ و کشتی‌بان (ناخدا)وملاح وسلاح کش وظرفیت آن برای‌نبرد وطریقه جنگهای دریائی وتامین زادوتوشه وراهنما برای پیمودن راههای دوردریائی همه این فنون و اطلاعات را ازملاحان رومی اتخاذکردند وکشتیرا بنام **اساطیل** نامیدند و چون برای هربندر و ساحل دریائی مقداری کشتی وقائق اختصاص دادند بنام اساطیل بحرالروم و اساطیل بحرالفارس و غیره مینامیدند .

این‌ضعف وفن درعرب روزافزون قوت گرفت ـ اسطول‌لفظ یونانی‌بود که معرب کردندوایستگاه اساطیل مسلمین دربحرالروم وافریقا و اندلس بود .

اولین‌دارالصناعه‌وکارخانهٔ که برای کشتی‌سازی‌دراسلام رسماً افتتاح‌شد درتونس زمان‌عبدالملك بن مروان بود که مقابل خودش حسان‌بن‌النعمان درافریقا دستورداد که دایره کشتی‌سازی را توسعه دهد و کشتیهای مجهز واسلحه بسیار برای فتوحات صقلیه (سیسیل) حاضرنماید. حسان شروع کرد کارخانه کشتی‌سازی رابزرك نمودومتخصصین بسیاراستخدام کرد ومسلمین رابرای تهیه کشتی‌واسلحه وملاح جنگجو ترغیب نمود تادرزمان اغالبه اسدبن‌الفرات درزمان زیادة بن‌ابرهیم‌بن‌الاغلب سیسیل رافتح کردند وفتح‌قوصره نیزباهمین کشتیها انجام گرفت .

ایی فتوحات پی‌درپی ازراه دربا بوسیله کشتی مسلمین راتشویق و علاقمند بسفر دریائی نمود تاجائیکه‌درساختن کشتی‌وتربیت ملاح‌وتجهیزات جنگی افراط کردند چنانچه جرجی‌زیدان‌مینویسد تعدادکشتیهای مسلمین دراندلس زمان عبدالرحمن ناصر دراواسط قرن چهارم هجری بالغ‌بر۲۰۰ کشتی بزرك بود و کشتیهای افریقا در همان عصربراین عدد می‌افزود و اداره کشتیرانی اندلس بزرگترین کارخانه کشتیرانی وکارکنان آن بیشترازهمه سواحل دریائی بودند ـ هرکشتی دارای‌یك رئیس ویك کشتیران ویك فرمانده جنگی وگروهی جنگجو و يك ناخدای شراع بآنکه بندهای شراع کشتی دست اوبود ویکنفرمتخصص وراهنما که قطب‌نما دست اوبود هر کشتی که بساحل میرسید امیر کشتی بافرمانده بزرك دریـائی ـ امیرالبحر ـ دریاسالار باید همه جهات آنرا معاینه کند و برای حرکت خواه بمنظور جنك یاتفریح یاسفر تجارت هرچه باشد اجازه دهد و گرنه حرکت کشتی غیرممکن بود .

مصریها درفن کشتیرانی از اواخرقرن اول هجری شروع بتوسعه این مرکب دادند و اولین شخصیکه درساختن وبزرك کردن(اسطول) کشتی فرمان داد **عنبسة بن‌اسحق** درزمان‌المتوکل‌علی‌اله عباسی بود و توجه اوموقعی باین فن جلب شد که رومیها بدمیاط درسال **۲۳۸ه** وارد شدند وشروع بقتل وسب واذیت وآزار کردند این امرخیلی گران‌آمد امیرعنبسه فرمان داد تا کشتی‌بسیارساختند وملاحان فراوان تربیت کردند و تجهیزات سنگی برای جنك دریائی حاضر نمودند وآذوقه بسیار ذخیره کردند وآنهارا برای افریقای جنوبی و اندلس وشام فرستادند وجنگهای‌بزرك بین مسلمین و

رومیها در گرفت ومسلمین که اسراء بسیاری بدست رومیها داده بودند بادادن اموال بسیار گرفتند وبنام فداء نامیدند .

این علاقه خلفا وامراء وحس احتیاج بسنن «اساطیل» مردم رأبتربیت فرزندان خود تشویق کرد وتمام مسلمین موظف بودند همانطور که درصدراسلام اسبسواری وتیراندازی را باید هـرکس فرابگیرد دراین مواقع کشتیرانی وتیراندازی وظیفه هرجوانی بودکه باید فراگرفته وانواع جنگهاو پیکارهای دریائی رابیاموزند .

مصریها درعصرفاطمین که درافریقا حکومت بزرگی داشتنددرتوسعه وبزرك کردن کارخانه های کشتیسازی وتربیت ملاح وآموزشگاههای جنگی بذل سعی کافی نمودند ودراسکندریه ودمیاط ومصر نیروی مسلح ومجهزی درحدود ۵۰۰۰ نفرآماده دأشته که ده نفررئیس ودریاسالار قهرمـان و جنگجو فرمانده آنها بودند وهریك آنها۲۰ دینارحقوق میگرفتند وهریك دارای چندفرمانده بودند که بنام ابواب الغزات‌مینامیدند ویك امیرالبحر برهمه آن دریاسالاران‌حکومت وفرمانروائی‌داشت ـ درایام المعزلدین‌الله اول که ازخلفا فاطمین مصربود عده این کشتیها به ۶۰۰ کشتی بالغ بود وخلیفه برای تشویق وتوسعه این هنردرساحل نیل (بالمقس) بیرون‌شهرقاهره اداره‌ای‌ساخته‌وهمه‌روزه ساعتی‌درآنجا بسر میبردند واز نزدیك وضع کشتیها و ملاحـان وکارکنان آنجا را مشاهده کرده و فرمان لازم صادر میکردند .

درزمان صلاح‌الدین ایوبی‌اساساً وزارت‌خانه بنام‌وزارت دریائی‌ودیوان مخصوص برای(اساطیل) کشتیها تشکیل دادند .

فداء دراسلام

درخلال جنگهای مسلمین باروميها گروهی مسلمان باسارت روم افتادند وبرای نجات‌آنهاقرار شد وجهی بدهند و اسراء را بگیرند این وجه رابنام (الفداء) مینامیدند .

اول کسی که برای اسراء مسلمین فداداد هارون‌الرشیدعباسی‌سال ۱۸۹هـ بود قبل‌ازاو این‌فدا بنام مبادله اسراءصورت گرفت که یکنفر میدادندیکنفرمیگرفتند واین فداء از۱۳ نفرتجاوزنمیکرد اما درزمان هارون که اسرازیاد داده شد ـ خلیفه مقتدرباپول اسراء رامیگرفت .

درزمان المطیع‌درسال ۳۵۵ هـ تعداد فدائی‌به ۵۰،۰۰۰ نفررسید که بیشتردرسواحل‌بحرالروم میرفتند بدست رومیها میافتادند وآنهابمنظور گرفتن پول اسیرمیگرفتند ودرظرف ده روز یاهفتادروز درسال تبادل اسراء صورت میگرفت واضـافه آنراباوجه نقد میگرفتند ـ مسلمین دربحبوحه فتوحات بیش‌از ۵۰،۰۰۰ اسیردادند که بااسب سواری وحشم وغنم بدست رومیها میافتادند وچون وضع مالی رومیها خوب نبود باین‌کارتوجهی داشته تاوجهی بدست‌آورندوازاین عدد بیش‌از ۳۷۰۰ نفرازمردان مسلمان وجنگجوبودند که بسیاری ازآنها درزندانهای رومیان درگذشتند وشهید شدند مروان‌بن ـ ابی‌حفظه خطاب بهارون‌الرشید گفت:

وفککت‌بك الاسرای‌التی‌شیدت‌لها　　محابس مافیهـا حمیم تزورها

علی حسین اعیا المسلمین فکاکها　　وقالواسبحون‌المشرکین‌قبورها

آزاد شدند اسرای مسلمین که مبانی‌اسلام بدست آنهامشید واستوارشد چه مجلسهای گرم و

۱ـ صفحه ۱۹۷ تاریخ‌تمدن جرجی‌زیدان

ناگواری را که در آن میزیستند - توئی آنکسیکه مسلمین را آزادساختی - گفته‌اند زندانهای مشرکین رومی قبور مجاهدین اسلام بود .

بنقل ابن‌طولون مسلمین ازقرن اول هجرت بر کشتی‌سازی شروع کردند وتاقرن چهارم بنهایت درجه عظمت وعزت‌دریائی‌رسیدند وبین فسطاط وقاهره واندلس‌وافریقا درسواحل دریای رومدرجریان بود و تا قرن ۹ بدست عثمانی ازاین کشتی‌ها «پس‌ازشکست‌ازاندلس» رسیدو بنام الاسطال- الشونه الحراقه - الطراده - العشاریات وغیره نامیده‌میشدو بنقل‌ابن‌خلدون صد کشتی ازمسلمین‌درجنگهای صلیبی بدست دشمن افتاد وبقیه بین دولتهای اسلامی تقسیم شد .

هزینه نیروئی دریائی اسلام درهرسال بالغ برصدهزار دینار بود

فتوحات دریائی مسلمین

مسلمین همان استعداد ومهارتی که درفتوحات ارضی نشان دادند درفتوحات دریائی نیز قدرت تحمل وشکیبائی برسختی وعشق مفرط درکشور گشائی وجهانگیری رانشان دادند - آموزشگاههای کشتیرانی وفنون جنگی دریائی ازعوامل موثرفتوحات دریائی مسلمین بود ودرتوسعه ممالك اسلامی اثرعمیقی داشت - ازاین مراکب دریائی **جزایر دریای روم و سردانیه (سردمینا وصقلیه (سیسیلیا)ومالطه‌واقریطش «گرید» قبرص وبسیاری دیگرازجزایر را تصرف کردند و پرچم توحید واسلام رابرفراز آنکشورها باهتزاز بالابردند** - تمام سواحل بحرالروم را تااروپا گرفتند وکشتیهای ملل اروپا راتصرف‌نمودندو نیروی‌اسلامی‌را که‌تازه نفروشائق فتح وظفر و کارآزموده بودندهمه‌را این کشتیها سوار کرده ازصقلیه‌یا ایطالیا درشمال شرقی دریای روم پیش‌رفتند وبرپادشاهان فرنك تسلط پیدا کرده‌وبردشمن‌ظفریافتندو باکشتیهای‌فرنگی‌بطرف شمال شرقی دریای روم حکومت یافتند همانطورکه درتمام اراضی آسیا وافریقا فرمانفرمائی پیدا کرده بودند

بنقل جرجی‌زیدان درتاریخ تمدن‌اسلام ودکتر گوستاولوبون واکثرمستشرقین جهان ومورخین محقق مسلمانان دردنیای آنعصرسلطان دریا وصحرا «بروبحر» گشتند - دولتهای اروپا روبضعف نهاد جزگل «قسمتی‌ازفرانسه» همه جای **اروپا بدست مسلمین فتح گردید وپرچم اسلام برفراز کوهها - دریاها - کشتی‌ها وهربنا وعمارتی بود دراهتزازآمد اینقدرت وسلطنت این حکومت وعدالت - این توحید وفضیلت درتمام آسیا - افریقا - دریاها وقسمت‌اعظم اروپانفوذ معنوی خودرا بمنصه ظهوررسانید وچهارصدسال ازقرن سوم تا قرن ۸ فرمان اسلام بر دنیای بشریت حکومت داشت (۱)**

۱- صفحه ۱۹۷ ج۱ تاریخ تمدن جرجی‌زیدان　　عکس کشتیهای عربی‌صفحه۲۰۱ تاریخ تمدن جرجی‌زیدان　　صفحه ۱۹۲ جرجی‌زیدان

مسلمین در کشتیرانی

مسلمین باوقوف بتاریخ وجغرافیا هنوزسیصد سال‌ازهجرت نگذشته‌بود که کشتیها وناوهای آنها در کرانه‌های دژی هند وفارس وچین برفت وآمدپرداخت و حامل مال‌التجاره بازرگانی بود و بدینجهت نوابغی درجغرافیادانی درمیان مسلمین ظهور کردند که کشورها را دیده بودند وخود شاهد جریان‌کار بودند غیرازآنهائیکه ازروی کتاب وعکسبرداری نقشه بکشند وجغرافیا بنویسند مسلمین هر نقطه را دیده و بدقت توجه کرده وضع آنجارا زماناً ومکاناً نوشته‌اند سفرنامه ها ابوزید ـ سلیمان ـ عجایب‌الهندبزرك بن‌شهریار وغیره همه شاهداین حقیقت است ـ کتاب **نهضة‌المشتاق فی‌اختراق الافاق** مستند ومنبع‌علوم اروپائیان است .

وعکس کشتیهای اسلامی درکتب اروپائی موجود و کلمات وآثارلغوی واصطلاحات دریانوردان اسلامی در این موزه‌ها دیده میشود .

نیروی دریائی مسلمین

چرجی زیدان مینویسد اول‌دریانوردی مسلمان که در دریای روم شروع بکشتیرانی کرددرسال۱۹۸ هجری‌بود ـ مسلمین درقرطبه علیه امیراندلس قیام کردند ۱ اوهم خانه‌ها را آتش زد وآنهارا ازاندلس بیرون نمود وبیشترباسکندریه رفتند امیرقشون عبداله‌بن طاهر بود آنهارا بطرف جزیره کرت که دارای‌ثروت فراوانی بودراهنمائی کرد وآنها بریاست‌ابوحفص عمربلوطی کشتیران‌مشهورمسلمین که یونانیها بابوشانس اورا میخواندند باچهل کشتی بجزیره کرت آمدند ـ دولت‌بیزنطی بامپراطوری میخائیل دوم نتوانست ازمسلمین جلوگیری کند ابوحفص دستور داد کشتیها رابسوزانند مسلمین شکایت کردند گفت هرچه خواستند در اینجا از اسراء میگیریم و استفاده میکنم .

مسلمین ۱۳۵ سال بامقاومت درکرت مقام گرفتند تا یونانیها از اعراب کرت را پس گرفتند ۹۶۰ م

درسال ۸۸۱م یکی‌از امراء بزرك مسلمین موسوم بطرطوس باسی کشتی بیرون رفت و بطرف شالیس وجنك بااونیانیس دولت‌بریکی دست داد وطرطوس کشته شد بزرگترین بحرپیمای‌اسلام‌لیون طرابلس بود که پدرش نصرانی واسم عربی‌او بدست نیامد اصلا ایتالیائی وبدین اسلام درآمده بودو اوخلیج طرطوس راکیفرگاه خود قرارداد وسیادت دریا آنروزبااوبود درسال ۹۰۴م قیام کرد و با ۵٤ کشتی وهر کشتی دویست قشون داشت واکثرمردان شجاع اسلام درطول جنك باوملحق شدند مورخ بیزنطی‌یوحنا مینویسد اسرائی که بدست مسلمین افتادند ازمرد وزن بزرك وکوچك ۲۲۰۰۰ نفربودند که باتمام غنائم بین قشونش تقسیم شد .

طرطوس‌مرکز استبدال اسراءِ مسلمین وبیزنطی بود و این جنك بزرگی است که مرحوم ادیب‌الممالك درقسمتی‌ازمسمط مشهورخود بدان‌اشارت‌میکند .

مائیم که ازپادشهان باج گرفتیم — زان‌پس که ازایشان کمروتاج گرفتیم
دیهیم‌وسریراز گهروعاج گرفتیم — اموال و ذخائرشان تاراج گرفتیم
وزپیکرشان‌دیبه ودیباج گرفتیم — مائیم که از دریا امواج گرفتیم
واندیشه نکردیم ز طوفان و زتیار
درچین وختن ولوله ازهیبت مابود — درمصروعدن‌غلغله ازشوکت‌مابود

۱ـ « شماره ٦ سال ۳۳ مجلةالهلال »

درا ندلس وروم عیان قدرت ما بود | غرناطه و اشبیلیه درطاعت ما بود
صقلیه نهان در کنف رایت ما بود | فرمان همایون قضا آیت ما بود

جاری بزمین وفلك وثابت وسیار

وبالمال ازسال ۱۹۸ هجری تاقرون وسطی در جنگهای صلیبی سیادت‌دریائی بامسلمین بود و جنگهای دریانوردی درست کسانی مانند **ابوحفص عمر بلوطی** فاتح جزیره کرت - **اسد بن فرات** فاتح صقلیه - امیرالبحری مانند لیون طرابلسی - تاهر سالاتنیك وغیره بود.

در کتابی که بنام ابراهیم طرطوس بزرك طرطوس نگاشته شده ونسخه خطی آن متعلق بکتابخانه نگارنده است شرح این ماجرایرا مفصل درج نموده ومینویسد شکست وانحطاط دولت بیزنطی وضعف حکومت قسطنطنیه وازدست رفتن اراضی آنها براثر افراط دولت در تهیه وسایل شهوات بوده است بنای قصرهای عالی و کنیسه ها درجای استحکامات و جمع آوری قشون وتهیه وسایل خوشی آنها را مغلوب نمود.

مقایسه دین اسلام باعلوم ودین مسیحیت

دراین که آیا دین اسلام در تحمل معارف و علوم و فنون بطور کلی و عمومی وبافرهنك جدید بنحوخصوصی بردبارتر و آشناتر و مناسبتر است یادین مسیح بین علمای جهان مورد بحث بوده‌ودرمقایسه ادیان باین نتیجه رسیده‌اند که هیچیك ازادیان عالم‌باعلوم مانند دین اسلام تناسبی‌نداشته‌اند - این اعترافی است که دانشمندان عالم کرده‌اند امابرای علمای اسلام مسلم وثابت است که دین اسلام منضم بعلمو دانش است وعلم ودین غیرقابل تفکیك هستند دراسلام بهیچوجه نمیشود علم را ازدین جدا ساخت زیرا تمام علوم جهان دراسلام طریقیت برای توحیددارد وبدینجهت مورد قبول واحترام همه مسلمین‌است ومادر کتاب سیرحکمت دراسلام درباره علم ومفهوم آن ومقدمات و مقارنات ونتایج حاصله آن مفصل بحث کرده‌ایم که اینجا لزومی ندارد تکرارشود امابیك نکته تاریخی میپردازیم وآن این است علوم وفنون درهردین موجب رفعت وعظمت وقدرت میگردد ولی پاپهاملل نصاری باعلم و دانش مخالفت شدید کردند وبدینجهت علمای یهود و نصاری بمسلمین پناه آوردند مانند یوحناپسرماسویه آمد باسلام چون مردی دانشمند بود ناظرمدارس اسلامیه زمان رشید گردید و جورجیس بن بختیشوع در میان مسلمین مقامی رفیع یافت نوبخت منجم گبروپسرش ابوسهل منزلی عالی پیدا کردند بنوفیل نصرانی زمان مهدی عباسی مکانتی یافت - یوحنای بطریق وسهل بن شاپور نصرانی وپسرش شاپور و سلمویةبن بنان نصرانی وبختیشوع‌بن‌جبرئیل و حنین‌بن اسحق نصرانی ترجمه کتب یونانی ومتی‌بن یونس منطقی‌نسطوری‌وقسطامی نصرانی وبعلبکی ویحیی بن عدی‌منطقی و ابوالفرج بن‌الطیب وثابت بن قره خراسانی صابی وپسران اوابراهیم وسنان وبسیاری دیگر ازعلمائی بودند که یهودی ونصرانی و مجوس بودند وچون ادیان آنها باعلم ودانش مخالفت داشت همه باسلام پناه آوردند و باحترام علم مورد توجه قرار گرفتند وباآزادی دین باامورعلمی گماشته شدند وبا کمال حریت و عزت میزیستند واین احترام که بعلمای خارج‌ازدین مینمودند بعلمای مسلمان چقدراحترام میکردند وارزش وارج بعلوم وفنون میگذاشتندمانند **یعقوب کندی - بنی‌موسی بن شاکر فارابی شیخ‌الرئیس ابوعلی**

سینا - ابو العلاء معری - خواجه نصیرالدین طوسی وهزاران دانشمند دیگر که مورد کمال احترام مسلمین قرار گرفتند .

اما مسیحین و علمای نصاری

صفحات اوراق تاریخ مسیحیت‌را ورق بزنیم‌میبینیم همه برضدعواطف بشری بودند وازقدیم کنیسه‌ها و کلیساها باعلوم‌وفنون وعلماء ودانشمندان‌مخالفت کرده ونشرتعالیم دینی‌رامنع میکردند تاآنجا که درسال ۱۶۸۲ میلادی ستاره ذو ذنب طلوع کرد در اروپا انقلاب شد وبپاپ پناهنده‌شدند واوبگمان خودآنرا ازآسمان دورنمود وحلق را آسوده‌ساخت ولی چون یلاج گفت مرگ پیش‌ازآدم ابوالبشر برحیوانات تحقق پیدا کرده غوغائی برپا نمودند تا آنکه امپراطور حکم کرد هر که این عقیده رادارد بکشند و کتب‌بطالسه ومصررا دراسکندریه‌زمان جول قیصرروم سوزانیدند .

چون صیت کرویت زمین طنین‌اندازشد همان نظریه‌ایکه علمای ریاضی اسلام برآن‌متفق‌بودند وهیچکس متعرض آنهانبود دراروپا زلزله وولوله درهرمرز و بوم برپاساخت **کریستف کلمب** کاشف امریکا مغضوب شدگالیله که نظام عالم رابروفق هیئت جدیداختیار کردمحکوم بمرگ شد-چنانچه‌تاریخ اروپا شاهداین حقایق است .

سبقت علمی مسلمین درعلوم

بدون شك درعالم تمدن مسلمین بر ملل غربی سبقت داشته زیرا‌علوم و کتاب ودانش دراروپا از ۱۵۹۸ م‌ببعدپیداشد درحالیکه اسلام قریب۹قرن قبل‌ازآن دانشگاه داشت و خلفای عباسی مدارس بزرگی درطب ونجوم و فلسفه و علوم شریعت و ادبیات وغیره داشتند آنهابودند که کتاب بطلمیوس را ترجمه کردند ومجسطی نامیدندوصدها کتاب از زبانهای سریانی ویونانی - رومی - هندی - پارسی‌وغیره بعربی نقل کردند و همه را ببغداد در دانشگاه مرکز خلافت جمع کردند وازآنجا دربلاد دیگراسلام منتشرشد وقرنها درعلوم وفنون‌عالم یگانه ومقتدای بشربودند ودرچند نقطه دانشگاه اسلام برپا و توسعه یافت مانندا‌سپانیا - غرناطه و قاهره - اندلس - شرق‌اقصی وایران وغیره که نوشته‌اند کتابخانه‌خلفادراندلس ششصدهزار ۶۰۰,۰۰۰ جلدکتاب داشت که در٤٤ جلدفهرست آنرانوشته بودند چون رونیس گفت قوس وقزح کمان جنگی خدا نیست که برای انتقام‌بندگان مهیا شده باشد بلکه ازانعکاس نورخورشید درقطرات باران‌حادث میشود اورا زندانی کردند تامرد وپس‌از مردن بدن اورا باکتابهایش سوزانیدند .

مسیحین برای منازعه باعلوم وفنون محکمه تفتیش ایجاد کردند وازا۱۴۸م تاسال ۱۴۹۹ م ۱۰۲۰۶ ده هزارودویست وشش نفررا زنده بآتش سوزانیدند و۶۸۶۰ ششهزار وهشتصدوشصت نفر را بس‌ازگردانیدن درشهرشکم آنهارا دریدند و۹۷۰۲۳ نودوهفتهزار وبیست وسه نفر را بعذابهای گوناگون معذب کردند .

این محکمه گناه علم راثابت میکرد وازروی اقرارخود گناهکار علماء را بعذابهای گوناگون معذب میساخت تاباز‌هم محکمه تفتیش برشدت غضب خود افزود و درطلب اهل بدعت یعنی فنی و کسانیکه درفنون مهارتی داشتند فرستاد وآنهارا درسردابها و خانه‌ها گرفته کشتند هرجا متهمی

گرفتارمیشد باقرار درآورده همانروز حکم محکمه صادر واجرا میشد این محکمه چنان رعبی در دلهای علمای اروپا انداخته بود که هر کس فکری‌درعلوم وفنون داشت خود را باید درچنگال‌عقوبات آنمحکمه ببیند .

محکمه تفتیش علوم و فنون از روز تاسیس‌تاتلاشی‌آن‌سال ۱۸۰۸م بالغ برسیصد وچهلزارنفر را بجرم علم ودانش ومنبش گشت ۳۴۰،۰۰۰ ودویست هزار نفررا زنده زنده نابود کرد

مستشرق معروف دراپر امریکائی نوشته ماچون بافکار عرب و مسلمین برمیخوریم بوحشت و دهشت میافتیم زیرا گمان میکردیم این فکرمال خودما میباشد ولی در کتب آنها میبینیم که چندقرن قبل ازما نبوغ فکری داشته‌اند .

فیلسوف دیگری گوید علومی که یونانیان داشتند وآثارعلمی مللقبل‌ازاسلام نزدمسلمین‌قوت گرفت وتجلی پرتوافکنی‌نمود وسرمایه ثروت قدرت آنها شد .

زبان عرب باجمعیت مسلمین پیش رفت

از نکات جالب توجه این است زبان عرب با جمعیت مسلمین دردنیا پیش رفت ولی زبان مسیحیت با جمعیت مسیحیین تطابق نکرد بعلت این موفقیت برای مسلمین این بود که زبان عرب‌زبان دین‌وقرآن وعبادت وفضیلت وعلم وفن‌عربی بود که درتمام اقطارعالم‌نفوذ خوددرا بانهضت جهانگیری بجا گذاشت وهرمسلمان‌باید اقلا قرآن بخواند ونمازبخواند واین وظیفه درسایه علم‌بزبان عرب بود وهست وخواهد بود درحالی که مسیحیت علم وفنی نداشت تاباجمعیت مسیحی پیش برود اگر امروز کسی خواست مسیحی شود جزآنکه باب وابن و روح‌القدس قائل شود ودرنهایت تقوی باشد هفته یکروزهم در کلیسا برود چند دقیقه سکوت کند چیزی دیگر نیست ولی اسلام باعلم وفن وهنروصنعت وتمدن عربی با قرآن وقبله ونماز وادب‌وعبادات پیش رفت ولذا توسعه زبان عرب باوسعت نفوذ مسلمین یك‌نسبت مستقیمی‌دارد که هرگز خلاف نمیشود واین ازمختصات اسلام است که باید برای احراز موفقیت زبان‌آن دانست

مسلمین درقطب‌نما یاسوزن مغناطیسی

قطب‌نما را اول ملتی که اختراع کرد چینی‌ها بودند ولی چون در کشتیرانی مهارتی نداشتندو هیچگاه ازسواحل دورنمیشدند وقعی ننهادند

اعراب که‌درباهای‌مهم‌دنیارا پیمودندوچون قریب‌چهارصدسال مسلمین برآبهای‌عالم‌فرمانروائی یافتند محتاج باین وسیله شدند وازچینی‌ها گرفتند ودر کشتیرانی بکاربردند دردریای مدیترانه این وسیله بارث باروپائیان رسید ـ درقرن سیزدهم میلادی منتقل بازوپاشد ،

رقاصه

یکی ازمخترعات بزرك که دارای اهمیت فوق‌العاده در مکانیك نوین بود بنـابرتحقیق مورخین و دانشمندانو از اختراعـات مسلمین است. رقاصه نطب‌نما میباشد

دکتر برنارد استاددارالفنون آکسفورد مینویسد :

استعمال رقاصه در ساعت ازهنرهای مسلمین است که آنرا اختراع کردند وازجمله ابزاریست

که دراسپانیا بکاررفته وفرنگیان آنرادرضمن دیگر اشیاء ازمسلمین گرفتند و نخستین کسی کـه از اروپائیان آنرا توصیف نمود ومورد استفاده قرارداده گالیله است .

مسلمین در صنعت و اختراع باروت

درتمدن کنونی چه درجنك و چـه درصلح اهمیت باروت برهمه روشن است وباید اعتراف کرد که ازمهمترین اختراعات مسلمین بشمارمیرود برخی گمان کرده‌اند چینیان اختراع کردند ومخترع آنرا دمنوفادی نامیده در۱۸۵۰م وبعضی آلمانها رامخترع باروت میدانند وبنام شوارتز درسال ۱۷۱۹ دانسته‌اند درحالیکه تحقیقات بعدی ثابت کرد این صنعت ازاختراعات مسلمین است وچینی‌ها وژرمن‌ها ازمسلمین گرفته‌اند .

باروت راکه قوت‌پرتاب‌کردن دارد مسلمین سالها قبل‌ازچین وآلمان اختراع کردند وهمان اسلحه‌ناریه رابوجودآوردند .

مخترع باروت یکنفرمسلمان‌شامی بنام‌کالینکوس بود که درقرن هفتم میلادی واول هجری‌باین کار موفق شد .

مورخین‌اروپا که ازجهان اسلام بی‌خبرند گمان کرده‌اند اولین استعمال توپخانه‌درسال۱۳۴۷م درجنـك کرسی بوده است درحالیکه کتب موجود نشان میدهـد مسلمین درقرن دهم میلادی توپ بکار برده‌اند ، یعنی‌سه‌قرن ازآنها توپ ساخته‌اند

درکتاب مجموعه کند که خطی ودرموزه اروپاست .

مینویسد امیریعقوب نام درسال۱۲۰۵م دریکی ازبلادافریقا بنام ماهید را یکی‌از افسران‌طاغی رامحاصره کرد وباتوپ‌هائی مانند رعدشهررا گلوله‌باران نمود .

جرجی‌زیدان درمجله الهلال سال ۱۳۳۲مینویسد ابن‌خلدون آمدن ابویوسف پادشاه‌مراکش رابرای فتح سلماسیه درسال ۱۲۷۳م مطابق۶۷۲ه بوسیله باروت گرفت واین استعمال قبل‌از اختراع سوژه‌های جنسی برای آتشبازی وقبل‌از شوراتز آلمانی بکاررفته است .

درجنگهای قرن نهم هجری که بین صفویه و خلفای عثمانی رخ داد توپخانه ترکها سبب فتح تبریز شد ،

دکتر گوستاولوبون فرانسوی مینویسد رجرباکن والبرت‌اعظم نسخه باروت را از روی کتب خطی مسلمین فراگرفته ودراروپا اختراع نمودند واین نسخه اختراع باروت است :

«شوره ده درم ـ ذغال دودرم ـ گوگرد یکدرم و نیم ـ آنهارا خیلی نرم‌سائیده در توپ باندازه یك ثلث آن پر کنند و باید بیشتر نباشد چه بیم آنست کـه لوله را بترکاند» .

جرجی زیدان میگوید تازیان درقرن ۱۳ میلادی ترکیب باروت را طوری توصیف کرده‌اند که باباروت امروز تفاوتی چندان ندارد .

مسلمین در تاریخ طبیعی

تردیدی نیست که طب یونان فقط تجربه بود و مسلمین صدراسلام اولین ملتی بودند که آزمایش وبررسی را در برابر پیروی وتقلید‌پیشینیان‌وتبعیت ازقدما اساس‌تحقیقات علمی خود قراردادند .

هومبلد آلمانی سیاح ومحقق زبردست که درکتابی که

راجع بجهان نوشته وبزبانهای اروپائی ترجمه شده میگوید بالاترین ترقیات علمی آنستکه انسان باتجارب شخصی بتواند درخارج چیزهائی ایجاد کند ومسلمین ایندرجه را که متقدمین فاقد آن بودند بدست آوردند .

آقای فروغی که در کتاب سیر حکمت دراروپا نوشته‌اند باکن انگلیسی پیشقدم مبتکر در تحقیق بود منظور درقاره اروپا وملل مغرب ولاتینی است بدلیل آنکه خوداو اعتراف کرده که تقدم علمی و تفوق تجربه تجزیه وتحلیل بامسلمین بوده است .

مسیو سدایو نوشته دردانشگاه بغداد چیزیکه بی‌نهایت مورداهمیت بود طرزاستدلال علوم است که مبنی براصول علمی مشاهده وتجزیه بوده و حرارت وقایع بطرز دقیق وصحیح باتصدیق و قبول مسائلی که ازروی آزمایش بثبوت رسیده بود تعلیم میشد واینطریق بهترین روش تعلیم و بسیار پرفایده وسودمند ونتیجه مقرون شد .

مسیو دلامیرا نوشته اگردرمیان یونانیان دویاسه نفر یافت میشدند که دارای جنبه تحقیق بودند ولی میان علمای مسلمین ازاین قبیل اشخاص بکثرت یافت شده‌اند .

مخصوصا درعلم شیمی که یونان یکنفر آزمایشگروتجربه‌کارهم نداشت ولی اسلام صدهامجرب ومحقق داشته ...

باید گفت بسیارجای تاسف است که سابقه درخشان علمی مسلمین بنام دیگران پرتو افکن شد مسلمین درباره نباتات ـ حیوانات ـ فلزات ـ احجار ـ مطالعات وتحقیق و تدقیق زیاد داشته و تالیفات فراوان دارند که هم‌اکنون موجود است مولفات قزوینی متوفی ۱۲۸۳م از کتبی است که پس ازقرنها بوفن تحقیقاتی کرد وبا تعلیمات اومنطبق گردید .

جاحظ بزرگترین عالم طبیعی دررشته حیوان‌شناسی بود ومطالعاتی که اودر روح‌الاجتماع حیوانات نموده ملل غربی را حیران ساخته بشرحی که ادوارد براون نقل کرده است ،

هواس‌دینس ثووب استاددانشگاه لندن درفن مورچه شناسی میگوید برمن ثابت است که جاحظ در تحقیقات خودگوی سبقت را ازهمه ربوده وبخطا نرفته است ،

این از مفاخر اسلام است کـه درحکمت طبیعی مورد بحث بود وقتی تحقیقات آنها درست بعمل آمده که امروز اکتشافات و تجزیه و تحلیل باآن منطبق گردد و این مفاخرات برای مسلمین بسیار است ،

ابوعلی سینا درباب تکون جبال در کتاب (الاحجار) مینویسد کوهها غالبا بدو طریق تکون یافته‌اند یابواسطه اشتقاق زمین ازداخل بالاآمده ویاازجریان شدید آبها پیداشده‌اند باین معنی که آنهاجای مختلف زمین رافروریخته دره‌هائی تشکیل داده‌اند ودراین بین نقاط مرتفعه‌ای پیدا شده و بحالت خودباقیمانده .

چه احجار برخی صلب وسخت وبعضی نرم وقابل تورق وبرش است و آب احجار اخیررا فرو ریخته قسمت اولی راکه درآن نتوانسته تاثیر کند بحال خودباقی گذاشته چنانچه اکثرمواضع مرتفعه ازهمین‌جا پیداشده‌اند معادن هم بهمین‌طور تکوین یافته‌اندکه د جبال ذکرشد ولی باید دانست که برای صورت گرفتن آن مدتی طولانی لازم است وممکن است که کوهها بمرورزمان ریـزش کند و انخفاض پیدا نماید .

این بیان ابوعلی مقدمه زمین‌شناسی برای احجار ومعادن شد وباکشفیات وعملیات امروز هم

نه تنها مخالف نیست بلکه مقدمه اکتشافات امروز قرار گرفت .

علمای اسلام در تاریخ طبیعی بجماد و نبات وحیوان وفلزات - نباتات متحجر تصانیف زیادی از آنها موجود میباشد - یکی از علمای بزرگ این فن که مقامی شامخ دارد قزوینی است که در سال ۱۲۸۳ ۶۶۳ه وفات یافته است . **ابوعلی سینا کتابی درالاحجار دارد که در تکوین جبال شرح** مفصلی نگاشته است .

محققین اسلام در علم نباتات علی الخصوص آن نباتاتی که مربوط بعلم طب میباشد تحقیقات نموده ومخصوصا درمراکز مهمه همیشه باغهائی ترتیب داده ودران باغها اشجار غریبه ونایابی را پرورش میدادند درقرن چهارم درغرناطه وعبن الرحمن درقرطبه باغستان بسیارعالی داشته که متخصصین این علم اطراف شام وسایرممالك آسیا رواج دادند واقسام نباتات واشجار نایاب را ازهر کجا که ممکن بود جمع آوری کرده درباغ مزبورتربیت مینمودند (۱)

نبات شناسی

نبات شناسی که قسمت اعظم آن استفاده از شاخه وساقه وریشه و میوه نباتات در علاج امراض گوناگون است مورد توجه خاص مسلمین بودودرعلم نبات‌شناسی مخصوصا گیاههای طبی تحقیقات رشیقه نموده ودرمراکزعلمی دردانشگاههای بغداد - قاهره - غرناطه - ایران- هند- باغهای متعددی تهیه کرده ودرآن اشجارنادر ونایاب مورداستفاده طبی را غرس نموده پرورش میدادند مانند باغ معروف غرناطه (گرناد) درقرن چهارم وباغ قرطبه درعهدعبدالرحمن اول ودربغداد وایران هم سابقه تاریخی داشته ونامهای تازی ازگیاهها که درالسنه اروپائی دیده میشودپیداست که آنان درگیاه‌شناسی متنوع استاد ومتبوع ملل غربی بوده‌اند .

کتب طبی واسامی داروئی مولفات اسلامی زیاد است که ابن ندیم وحاجی خلیفه درفهرست خود بسیاری را نام برده‌اند و در الذریعه الی تصانیف الشیعه عده‌ای ازآن کتب نقل شده است .

مسلمین در بهداشت — **نعمتهان مجهولتان الصحه والامان**

پیغمبر اسلام(ص) فرموده دو نعمت درمیان بشرمجهول است تا وقتیکه خلاف آن ظاهرشود از آن قدردانی نمایند اول صحت وبهداشت وسلامی مزاج فرد واجتماع است ودیگرامنیت وامان اجتماعی است که هرقوم وملتی درآسایش وآرامش خاطرزیست کنند - امنیت فردی همان صحت مزاج وامنیت اجتماعی بحث اجتماع است که بسلامت باشند .

در کتب طب النبی - طب الائمه قرآن که سرلوحه تعلیمات آسمانی است اصول بهداشت بمسلمین آموخته شده وپیغمبر اسلام ص بیش ازهرچیز وقت صرف حفظ بهداشت میکرد تا بهداشت و صحت متزلزل نگردد که محتاج باعمال پس ازصحت باشد ودرباره این اصل اول زندگی دردوسوراخ مدخل ومخرج آدمی تعلیمات بهداشتی داد که دندانها شسته شود مسواك ازسنت های اولیه اسلام است وباید همیشه دهان ودندان پاك ونظیف باشد وسپس مخرج نیز که موجب مباشرت بازمان و آمیخته بشهوات است بیشترمورد دستورحفظ صحت قرار گرفته یکروزدرمیان استحمام -شستوی مستمر روزانه وحفظ ازآلوده‌های بمکروبهای عارضی درحین جلق وحلق وانقدردرباره بهداشت این دومخرج ومدخل دستورموکدصادرفرموده که حتی بهداشت آنراجزء عبادات برده وفرموده هرکس حفظ فرج

۱- صفحه ۶٤۲ تاریخ تمدن

وحلق خودرا ازحرام وآلودگی بنماید اجروحسنه خواهد داشت اخبار و احادیث بهداشت انفرادی واجتماعی مسلمین ازحد بیرون است .

کتاب نفیس مکارم الاخلاق و آداب الشریعه و حلیة المتقین بهترین برنامه بهداشت مسلمین است تامریض بامراض داخلی وخارجی نگردند وطیب وطاهر وپاك وپاکیزه باشند ونسل آنها نیز باطهارت بهداشت طبی پاك وپاکیزه بوجود آید وزیست کنند .

قال امیرالمومنین ع)

ان الله یبغض العبدالقـازورة الذی یتاذی جلیسه من ریحه فامیطوا عنکم الاذی بهذا الماء -

خداوند دشمن میدارد بنده کثیفی‌را که همنشین او ازبوی بداو متاذی گردد پس کثافت را از خود بااین آب زایل نمائید .

ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین

درروایت امام صادق (ع) فرموده هر کس مسواك نکند زانسانیت خارج است .

مسلمین دربهداشت وحفظ‌الصحه مافوق‌سطح بهداشت بشرمیباشد برتروبالاتر ازهمه ملل‌هستند شصت‌ملیون مسلمان درچین تمام اصول بهداشت وخوراك ونظافت چین رابعهده گرفتند و ژاپونیها خوراك ونظافت وبهداشت خودرا بمسلمین سپردند کتب فقه مسلمین ازطهارت آغاز میگردد اولین شرط انسانیت دراسلام پاکی وطهارت است .

مقدمه هرکار وکسب وتجارت وحتی‌مباشرت بازنان ونکاح ومعاملات وکسب وکاروعبادات همه درسرلوحه نظافت وطهارت‌شروع میشود صدها حدیث ازپیغمبراسلام درباره نظافت صادرشده‌ومسلمین رادرکمال طهارت بلکه طهارت ظاهر وباطن بوده آنهارا باصول بهداشت مقید ومعتقد ساخته‌است که حدوحصر ندارد .

مسلمین در علم طب

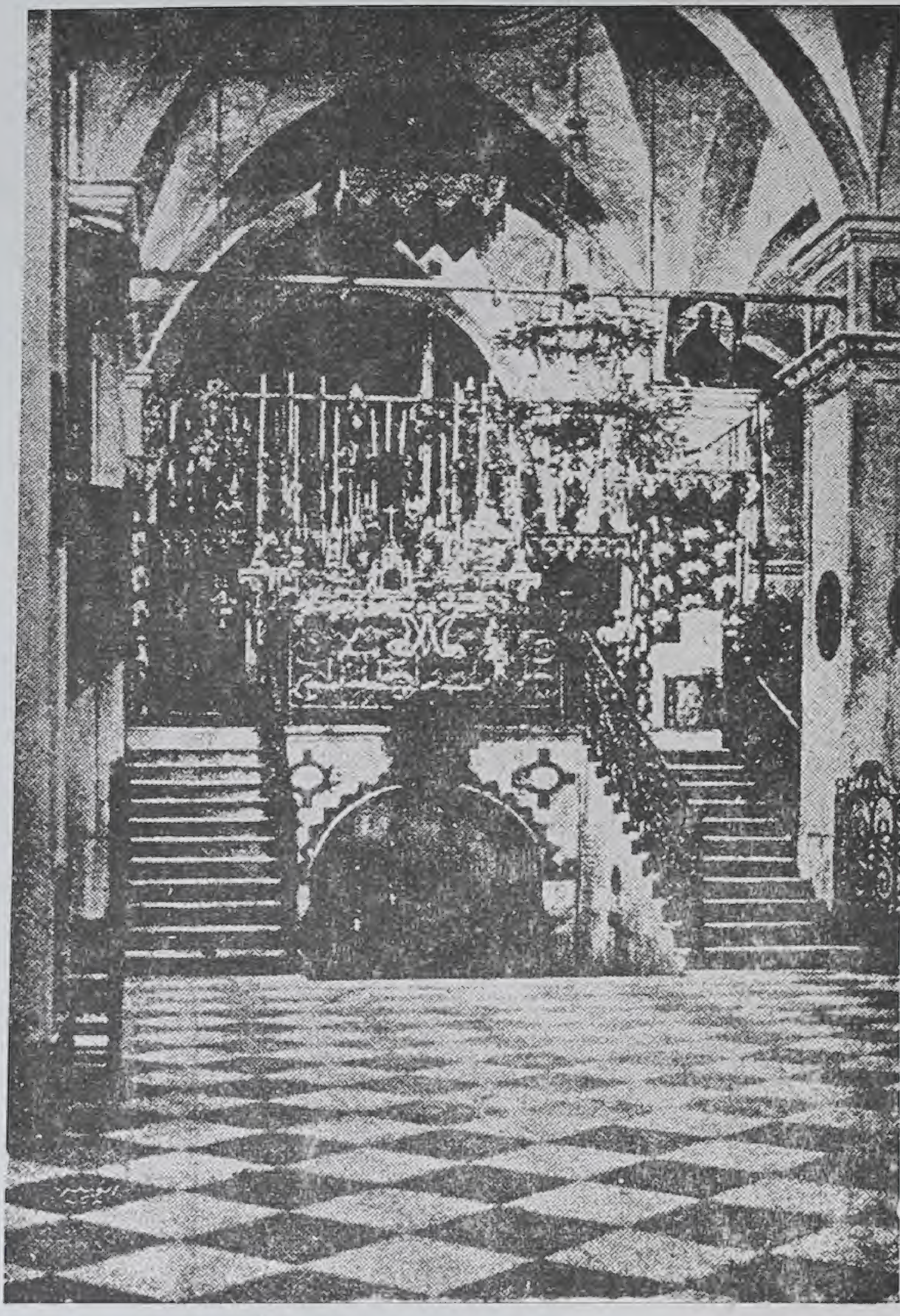
طب درمیان مسلمین مانند هیئت وریاضیات وشیمی وجراثقال ترقی وافری کرد ودراین رشته مطالعات عمیق نموده نتایج بزرگی ازآن بدست آوردند. کتب طبی عرب چون درالسنه اروپاترجمه شده لهذا بقدرسایرتصانیف مفقود نشده است .

وبرای شرح آن بهتراست بکتب عیون‌الانباء فی‌طبقات‌الاطباء شیخ‌موفق‌الدین احمدبن قاسم الخزرجی معروف بابن‌ابی‌اصیبعه مراجعه شود که مقام علم‌طب واطباء را ازآن‌کتاب میتوان بدست آورد وابوبکرمحمدابن زکریای رازی نیم‌قرن تمام دربغداد طبابت داشته وکتبی نفیس بجاگذاشته است که ازآن جمله حاوی‌الکبیر مشتمل برتمام مسائل طب - المنصوریه و غیـره میباشد وپس‌ازآن ابوعلی‌سینا قانون انوشت که تااین اواخر دردانشگاهای طب دنیا موردتوجه وتدریس قرارداشت- برای اطلاع بیشتری بکتب‌تاریخ تمدن وتاریخ طب مراجعه شو: ۱

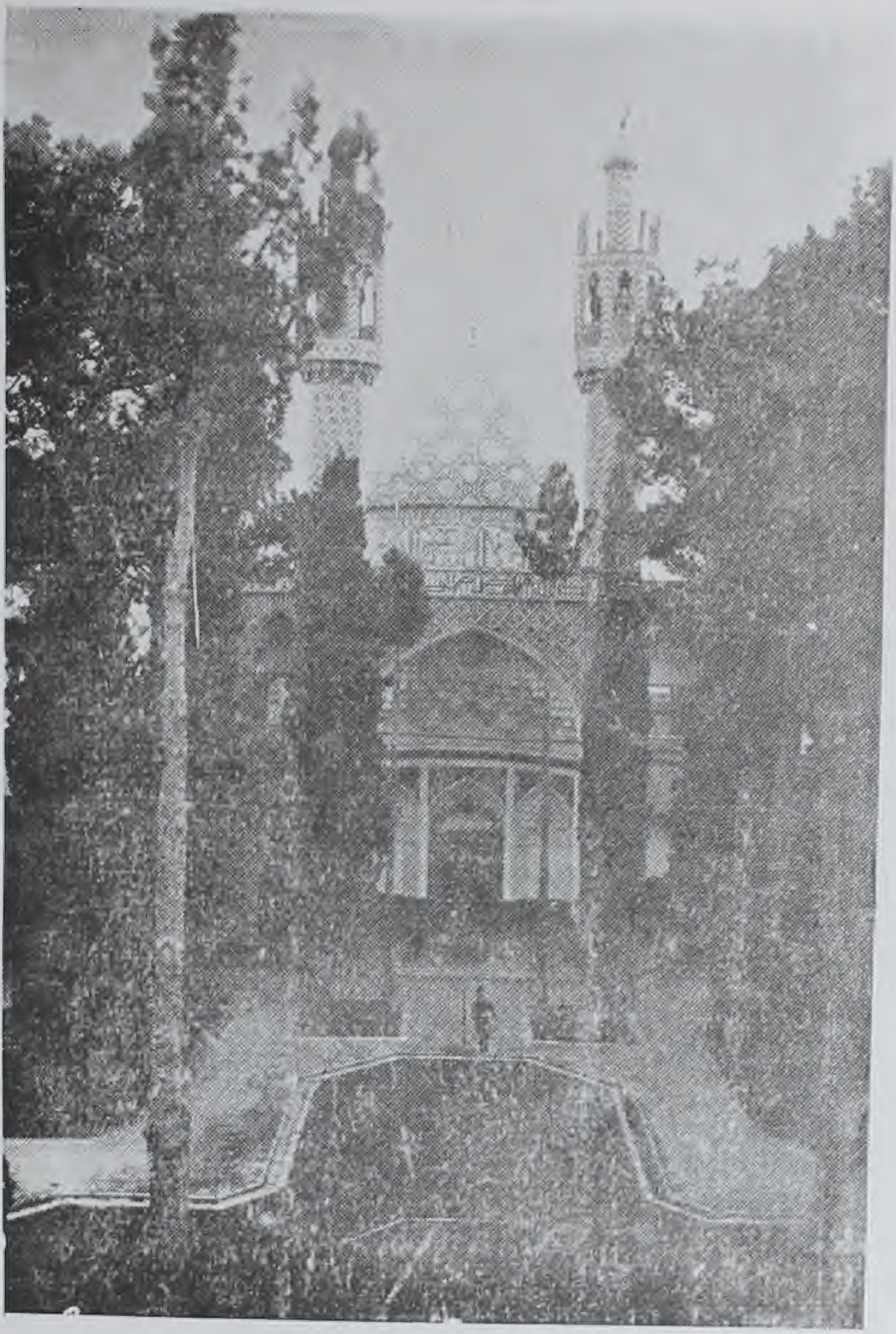
کتاب مطارح‌الانظار شرح‌حال اطبای قرون وسطی اسلامی نیزموید گفتار است

---

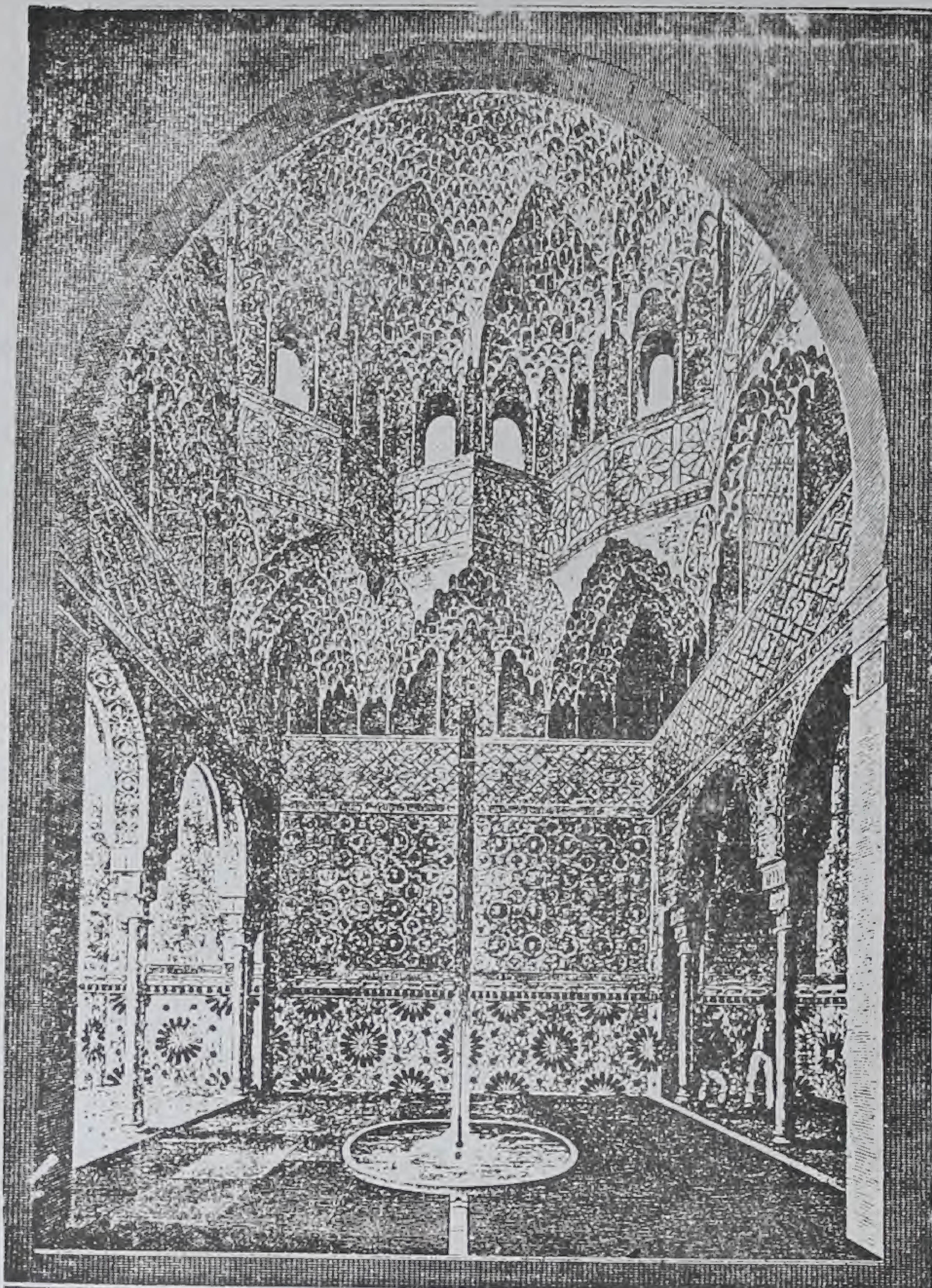
۱ صفحه ٦٤٦ تاریخ تمدن اسلام



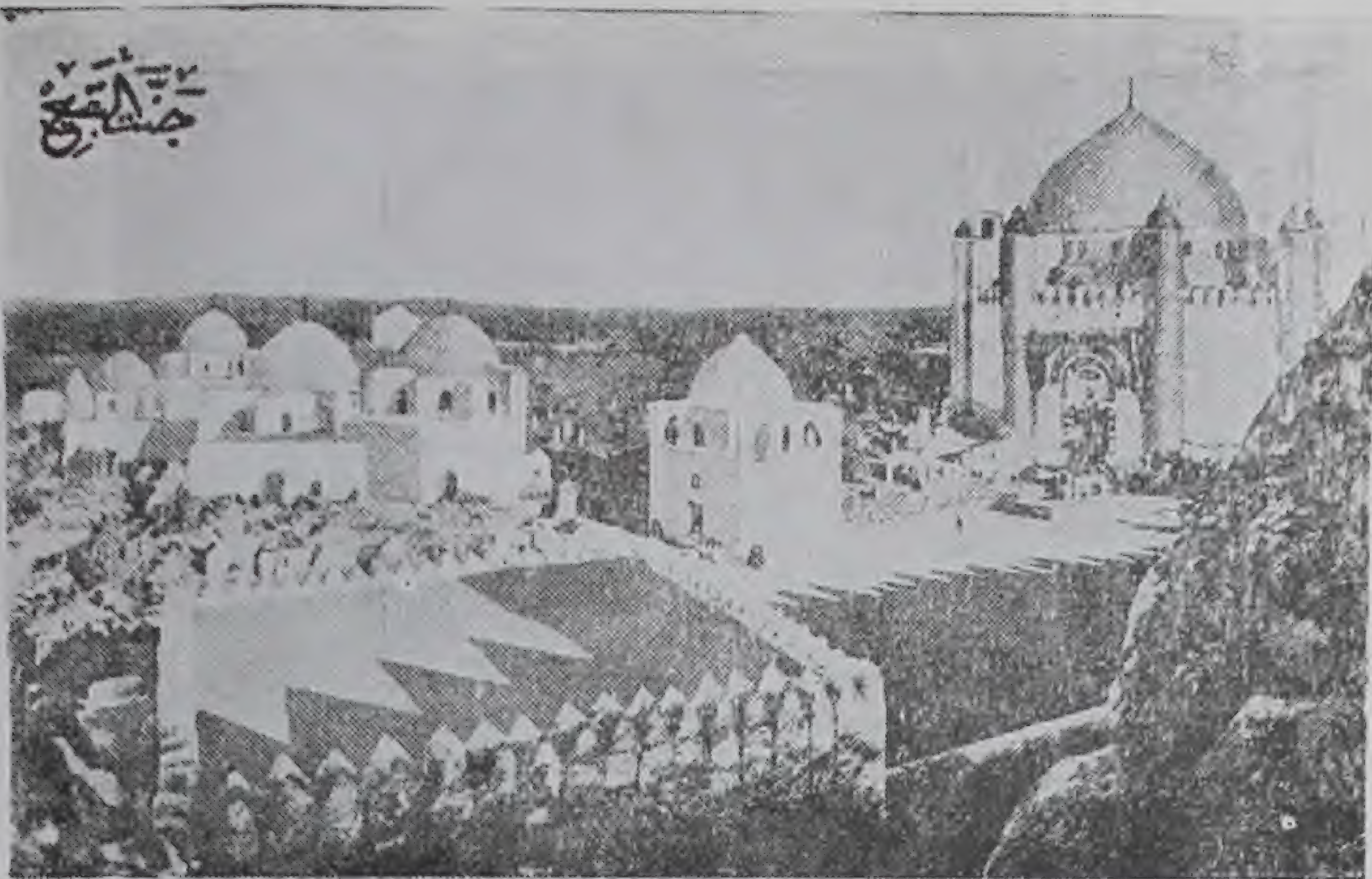
(ش ١١٤) بيت اللحم



(ش ۱۱۵)　مسجد ماهان



(ش۱۱٦) تالار بنی‌سراج درقصر الحمراء





(ش۱۱۷) ضریح امام حسین



(ش۱۱۸) مسجد کبود تبریز



(ش ۱۱۹) مسجدجامع لاهیجان



(ش ۱۲۰)   مسجد بکران اصفهان



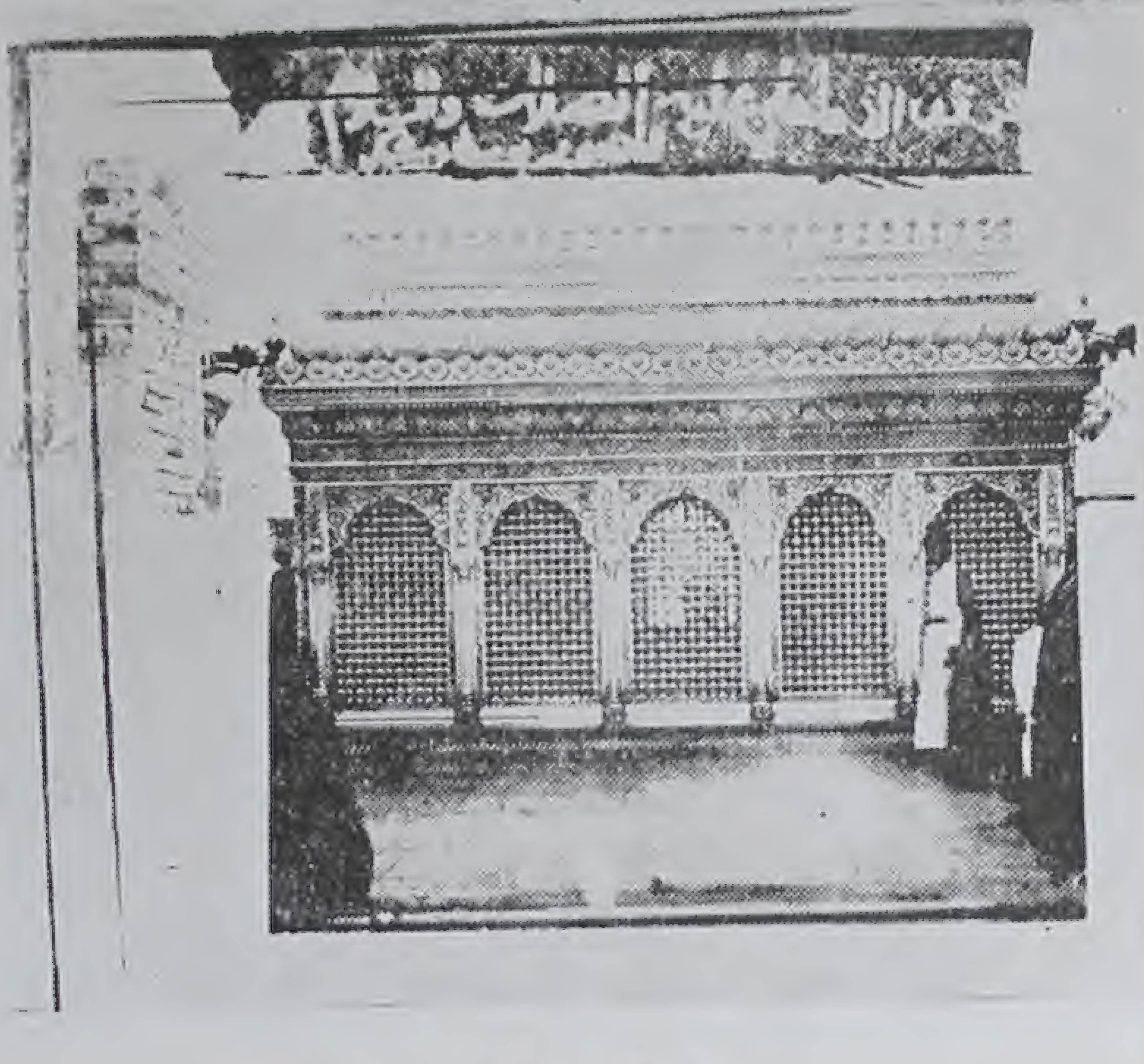
(ش۱۲۱)   قدمگاه مشهد



(ش ۱۲۲) مسجد اسبیلیه در اندلس



(ش ۱۲۳)　دروازه و دور نمای شهر مدینه آرامگاه بزرگترین منجی عالم بشریت



(ش ۱۲٤)　ضریح سیدالشهداء



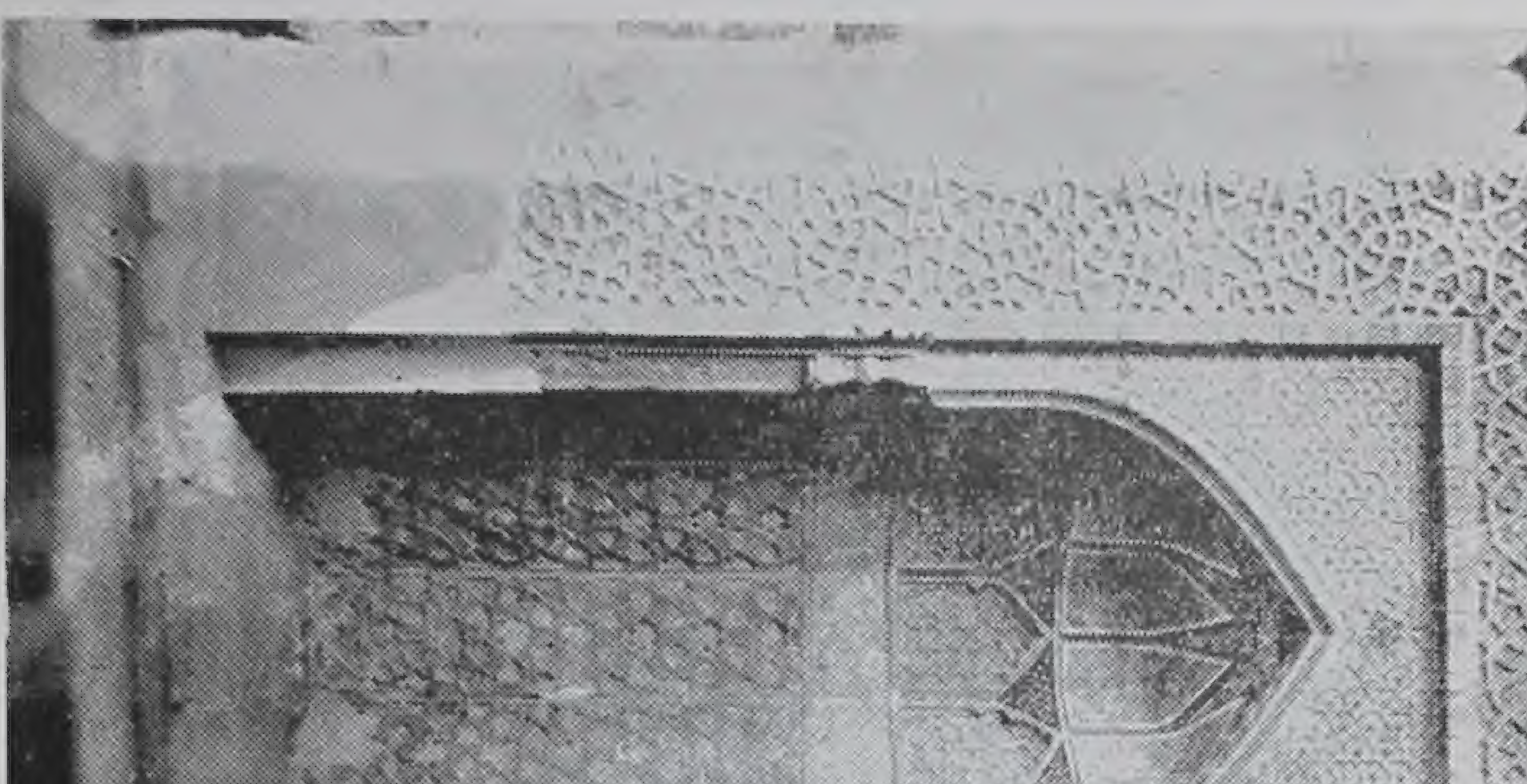
(ش۱۲۵) طفلان مسلم در مسیب



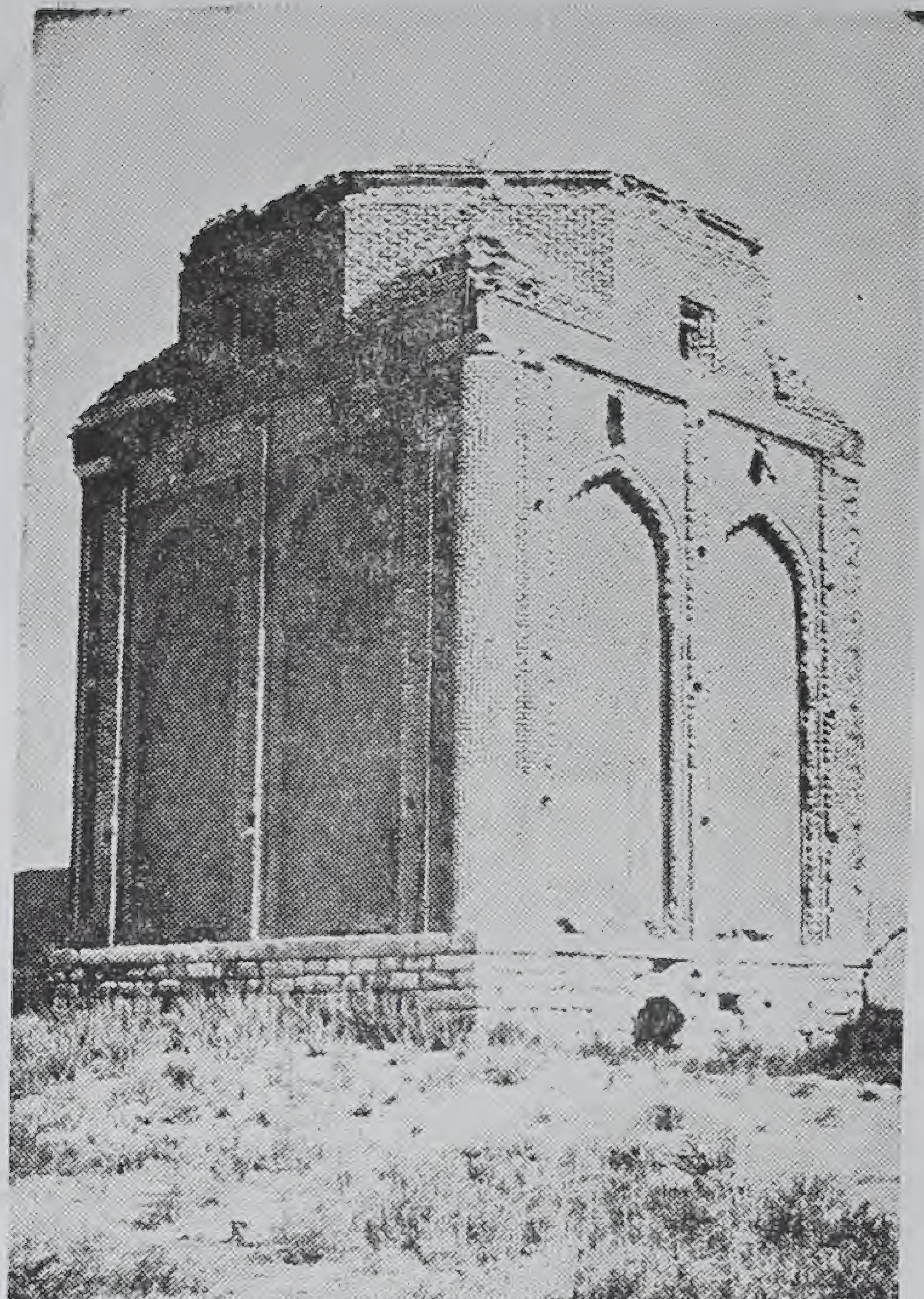
(ش۱۲۶) مسجد کبود تبریز



(ش۱۲۷) مسجد جامع اصفهان



(ش۱۲۸) مسجد کرمان



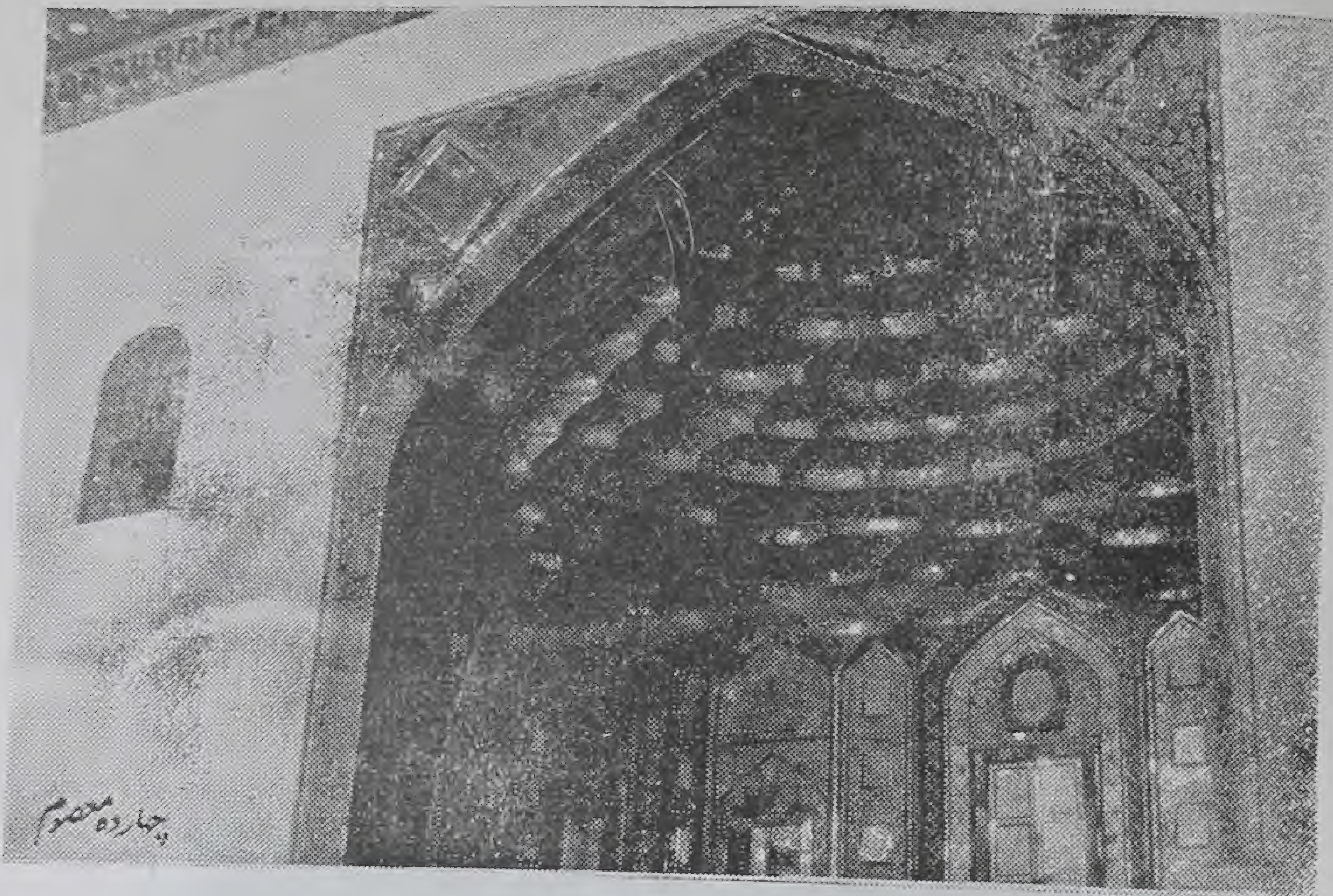
(ش(۱۲۹ مسجد مراغه



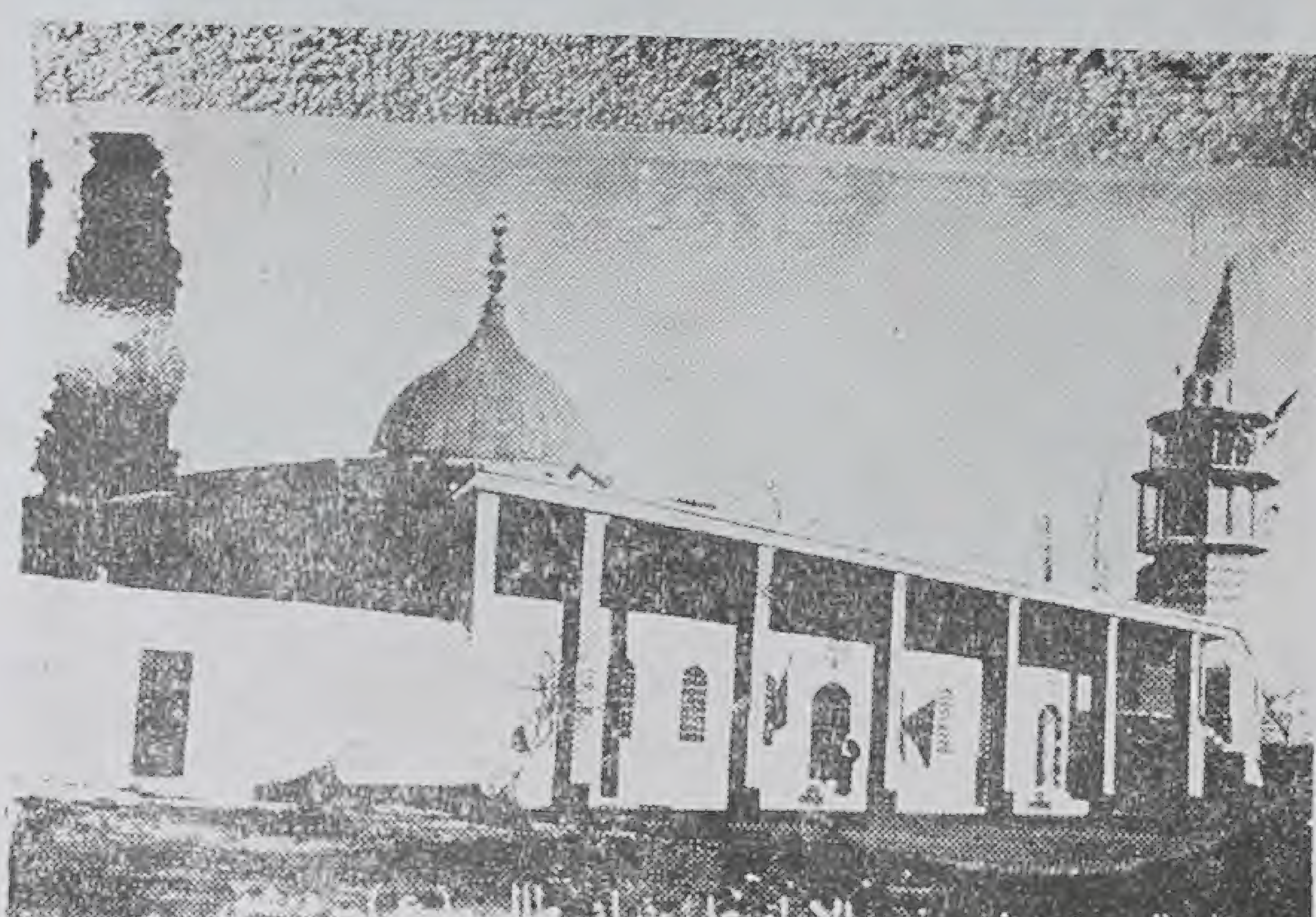
(ش۱۲۹) داخل مسجد گوهرشاد



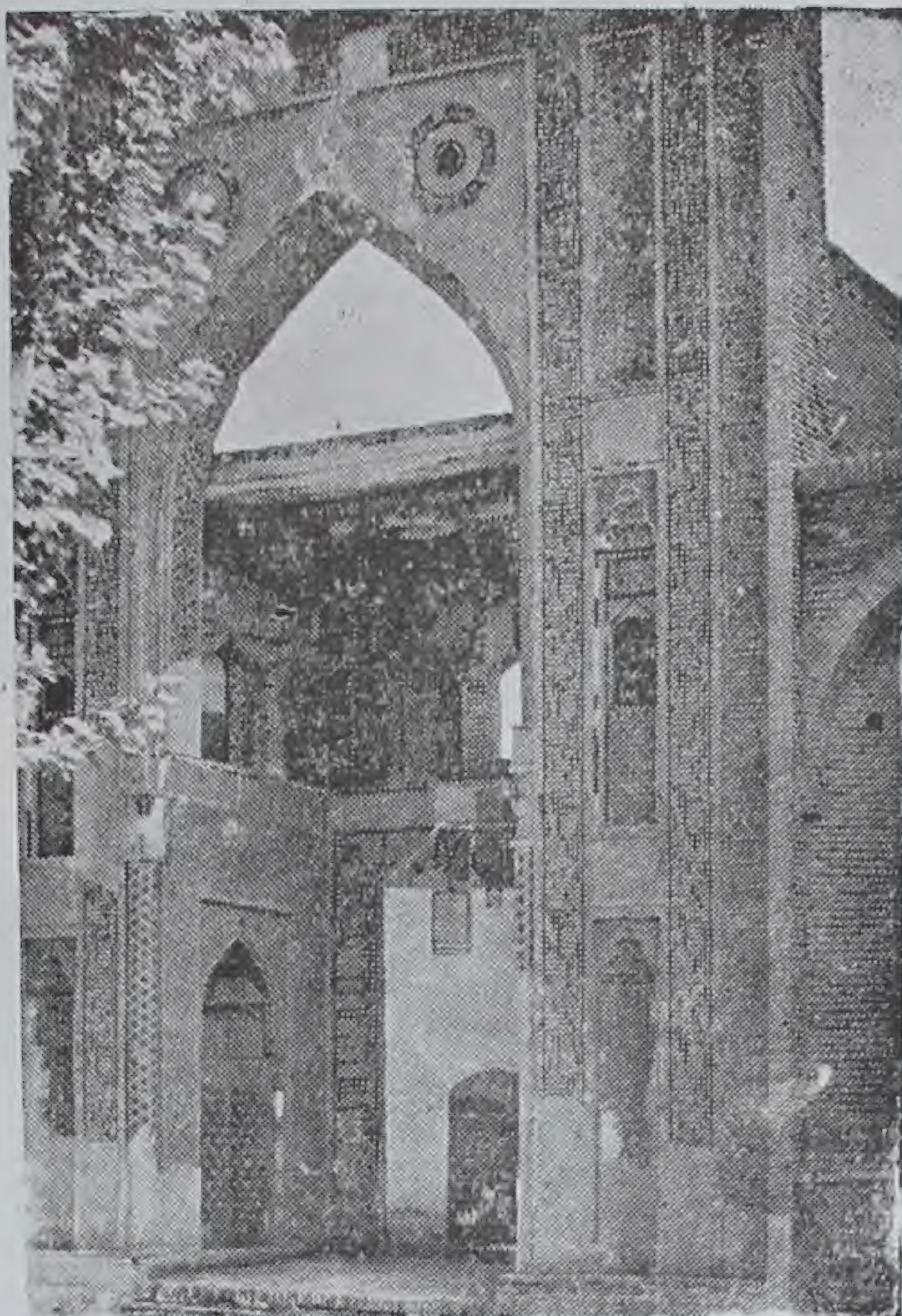
(ش۱۳۰) بیمارستان شاه رضا



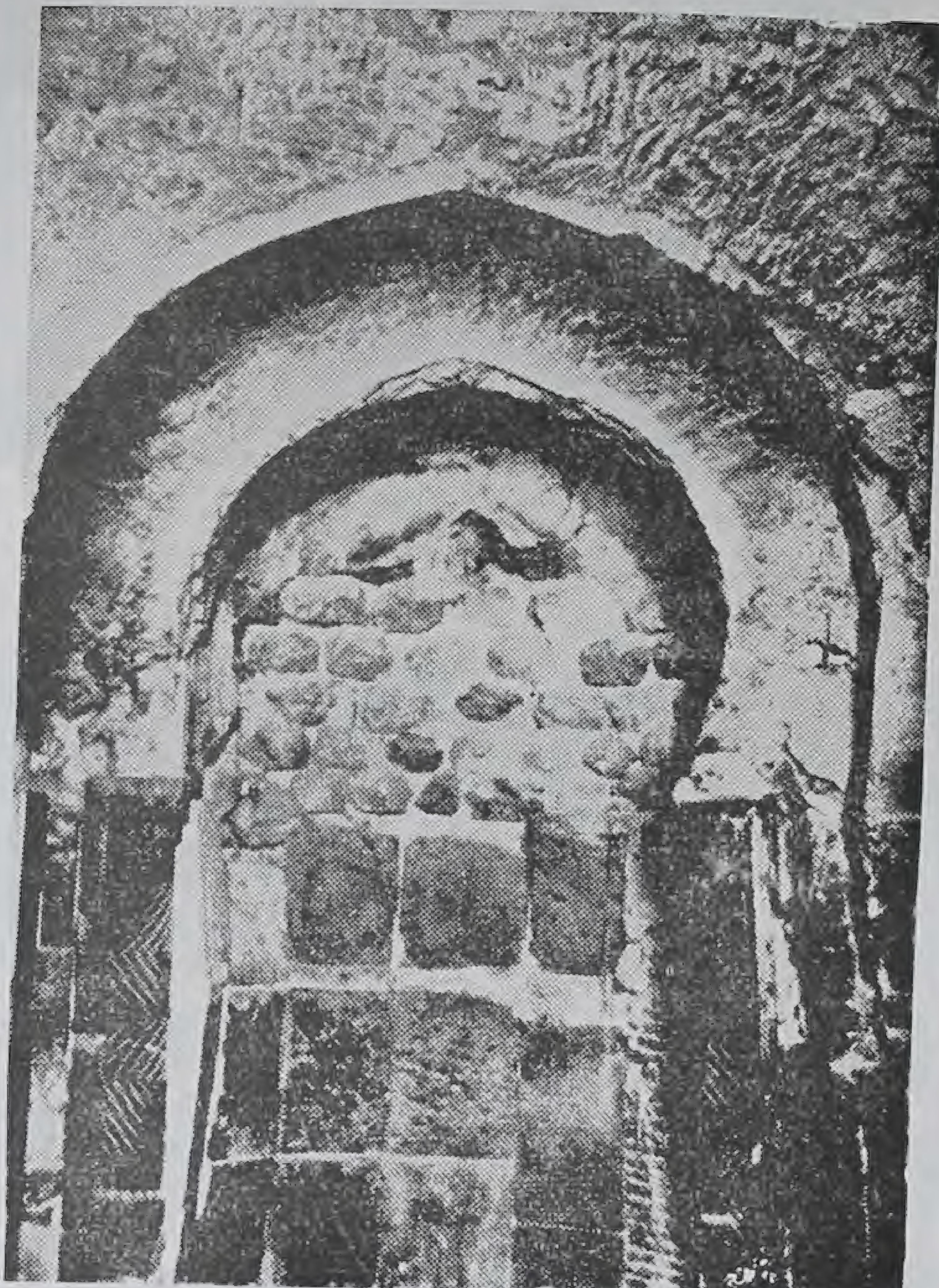
(ش۱۳۱) مسجد گوهرشاد



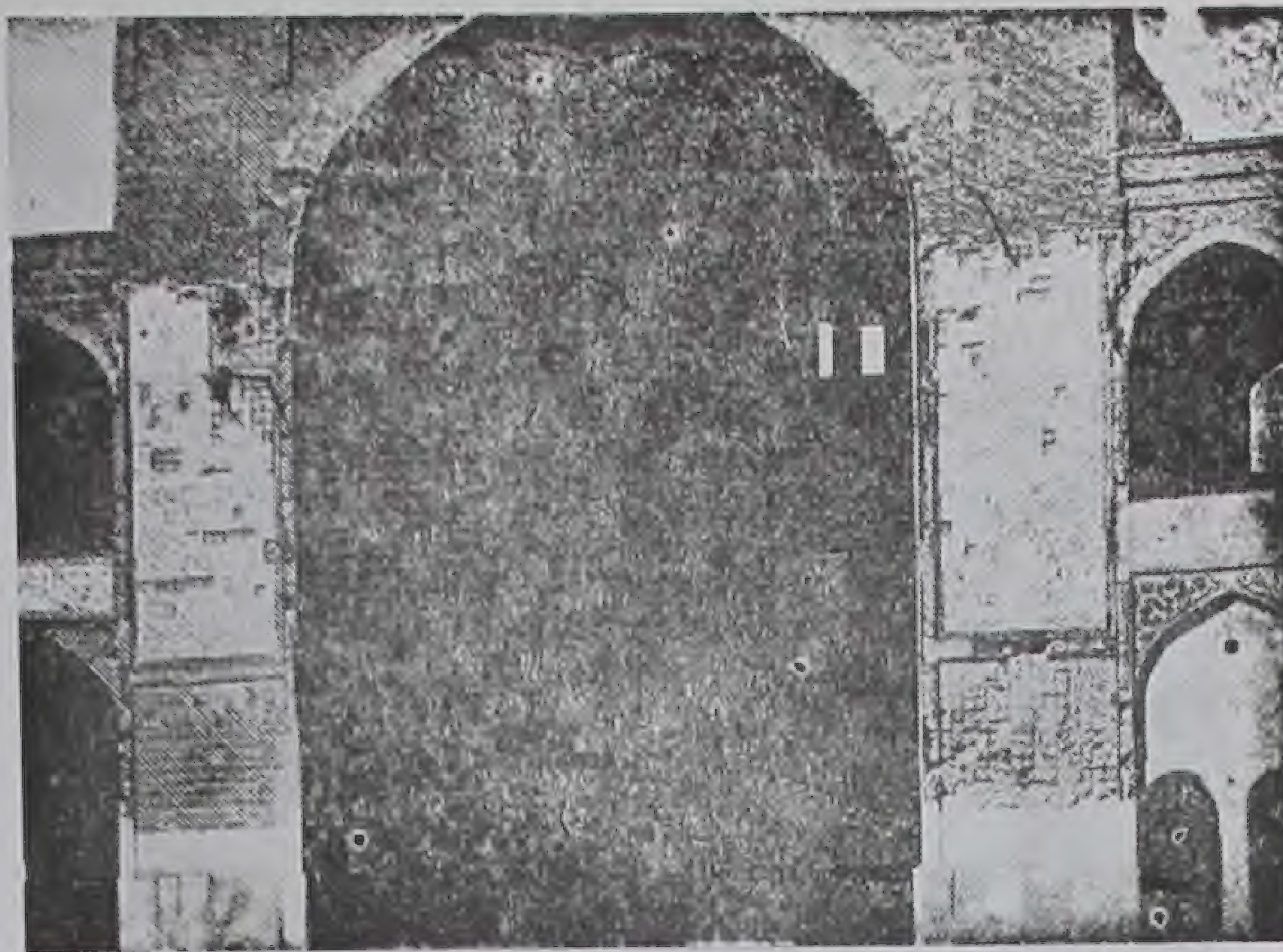
(ش ۱۳۲)



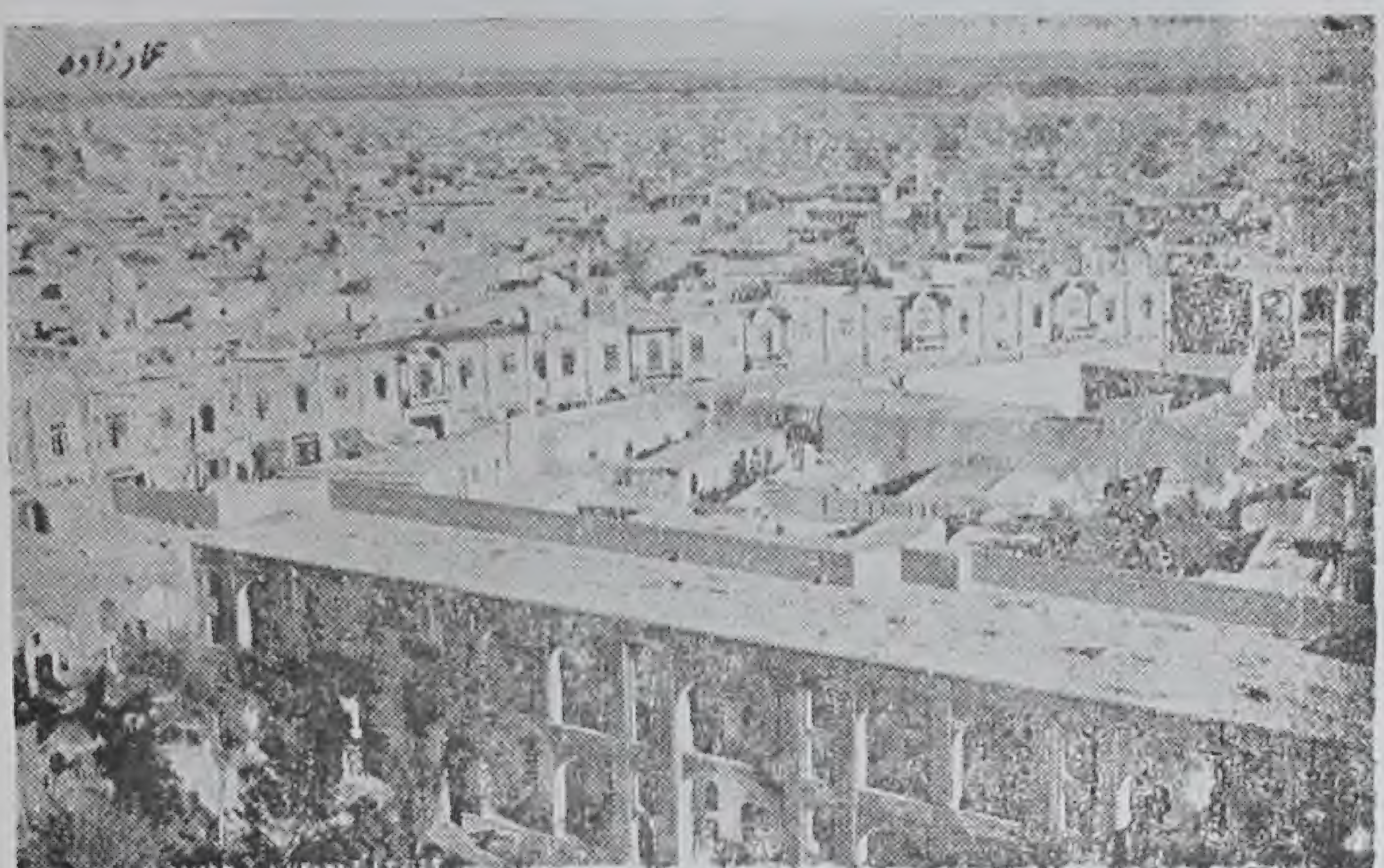
ش۱۳۳ نطنز مسجد جامع



(ش ۱۳٤) مسجد جامع شیراز



(ش۱۳۵) مسجد جامع کرمان



(ش۱۳۶)

درترجمه رجال اسلامی اطبائی وجودداشته‌اند که درتمام فنون علمی حتی ادبیات وشعرقدرت ونبوغی نشان داده حکیم ـ فیلسوف ـ لغوی ـ طبیب ـ جراح ـ ادیب‌شاعر ـ فقیه متکلم بوده‌اند **ابوعلی‌سینا ـ ابوریحان بیرونی ـ ابوبکررازی ـ خواجه نصیرالدین طوسی ـ محمد نصیرالدین اصفهانی معروف بمحمد نصیر ثانی ـ هاتف اصفهانی** و صدها نفردیگر اطبای بزرك اسلام که درتمام فنون نبوغ‌خودرا نشان داده‌اند وباکمال تاسف انحطاط سطح معلومات‌امروز اطبای بزرگی مانند گذشته اسلام نشان‌نداده است .

طب درمیان مسلمین

درباره‌طب که ازعلوم عمومی جهانست‌اقوال مختلفی هست و در هرحال مورد اتفاق است که مسلمین در طب دارای تحقیقات عالیه و اکتشافات مهم دارو سازی و افکار بی‌سابقه‌ای هستند .

جرجی زیدان مینویسد اماطب رامسلمین ازیونان وایران وهند کلدان گرفتند و ایرانیان بسیاری از آزمایش خویش را برآن افزودند و این علم را مبوب و مرتب و منظم نموده بطوری که همه کس میتواندآنرابفهمد وبرای‌همه آسان باشد مسلمین بطوری علم طب را منظم کردند که برنك علم مخصوص تازهٔ جلوه نمود.

آنهابرقواعد وقوانین علمی ومعالجات و مداواها وطریق استعلاج و ادویه و داروهائی که اکتشاف واختراع نمودند وسبك تجزیه وتحلیل دارو وامراض ومعالجه یك طب اختصاصی‌شناخته شد ودراسپانیادانشکده پزشکی باوج ترقی‌رسید که اروپائیان ازآنهاآموختند ومیتوان گفت‌تاامروز چندان تغییرات مهمی درآن روی نداده است .

این‌نویسنده اضافه میکند که طب اسلامی علم وسیعی ومخصوص مسلمین بود است

پیغمبر اسلام برای طب که مهمترین ارکان حیات است چنین فرمود

طب اسلامی

معده راسبك ـ سررا خنك ـ پاراگرم نگاهدارید ـ کم بخورید و قبل از آنکه اشتها باقی است دست بکشید.

دست ودهان را قبل‌از صرف‌غذا خوردن بشوئید وپس‌از صرف غذانیز دست ودهان رابشوئید بعدازغذا دستی روی شکم بکشید که مجاری سیرغذا آسان گردد.

کتاب نفیس طب النبی که ازاحادیث نبوی جمع‌آوری شده تشکیل اساس‌بهداشت وطب اسلامی رامیدهد بعلاوه که مهمترین ارکان طب حفظ بهداشت است واسلام قبل‌از دستور علاج تعلیمات عالیه بهداشتی داده درباب مسواك کردن درطهارت مخرج وتاکید درنظافت مدخل و مخرج خیلی مفصل دستور داده‌اند بطوری‌که سعدی چنین مینویسد:

طبیبی بمدینه آمد مدتی گذشت کسی باو مراجعه نکرد شکایت نزد نبی‌مختار برد فرمود عادت مردم اینشهر این است تاگرسنه نشوند غذا نخورند وتا اشتها باقی است دست میکشند آن طبیب گفت سبب تندرستی همین‌است وازآن شهررخت بربست .

تاریخ تمدن جرجی زیدان صفحه ۱۸۱ ج ۳

دکتر گوستاولوبون می‌نویسد احکامی که درقرآن بنظر میرسد ازقبیل وضو ـ غسل ـ تحریم مسکرات ترجیح غذای نباتی برحیوانی نهایت درجه حکیمانه و برای بهداشت مفید و نافع میباشد.

باز او مینویسد مریضخانه ها و دارالشفا های اسلامی موافق اصول بهداشتی بناشده بود واز بیمارستانهای امروزه ما بهتر بوده‌است.

این بیمارستانها خیلی وسیع و جریان هوا و آب در آنها زیاد بود وقتی که بمحمد زکریا دستور داده شد که بهترین نقطه‌ای را که از حیث آب وهوا دربغداد برای بنای مریضخانه انتخاب نماید اوبرای انجام این مقصود امتحانی که بعمل آورد محققین امراض سرایت کننده امروزهم آن راتصدیق کردند.

اونقاط مختلفه‌ایرا درنظر گرفته ودرهر نقطهٔ شهر پارهٔ گوشتی راآویزان کرد ودرآن نقطه‌ای که گوشت درآن دیرتر پوسیده و گندیده میشد اجازه داد که بیمارستان رابنا کنند بیمارستانهای اسلامی دارای سالونهای بزرك بیماران بود وهم دارای اطاقهای مخصوص دانش آموزان پزشکی ومقصودیکه ازاینکار داشتند این بود که دانشجویان ازمعاینه بیماران استفاده نموده وبوسیله‌مشاهده و آزمایش تحصیلات پزشکی خودرا تکمیل می‌نمودند.

مسلمین بقدری دانش‌آموزان رادر دیدن مریض وبیمار ومعالجات ترغیب و تحریص میکردند که بتدریس آنقدر اهمیت نمیدادند منظورشان درس‌عملی ازطب وپزشکی بود.

روشی که مسلمین درچند قرن پیش بکار برده‌اند متمدنین امروز ومترقی ترین کشورها همان رویه راعمل مینمایند و پیرامون آموزشگاههای مسلمین درآن‌عصر کتابها نوشته وهر بیمارستانی کتابخانه‌ها داشته ومدارس مجاور بیمارستان بود که عملا درس میگفته‌اند وملل غربی اعتراف‌دارند که درطب‌هم مسلمین بردنیا سیادت داشته‌واروپا طب‌راحتی جراحی‌را ازمسلمین فراگرفتندبطوریکه دکتر گوستاولوبون مینویسد. (۱)

ترقی فن جراحی نیز از عرب شروع‌شد و مدارس طبی اروپا تاازمنه اخیر برروی‌نوشته‌ها و تصانیف آنها دائر بودند.

درقرن هفتم هجری مسلمین برای بیرون آوردن آب چشم برجراحان اسلام پائین آوردن ویا خارج ساختن جلدیه معلوم بوده است.

راجع بخورد کردن سنك مثانه «البقاس» شرح مبسوطی ذکر کرده است.

استعمال داروی بیهوشی وبی‌حس که ازاکتشافات خیلی‌تازه و جدید شمرده میشود چنین بر میآید که برجراحان‌مسلمین‌مجهول نبوده‌ودر کتب آنهامطلب‌تصریح وتشریح‌شده که‌درعمل‌های دردناك لازم است با **بذرالبنج** مریض را قبلا بیهوش کنند تا بکلی بخواب رفته حس و جنبش در او باقی نماند.

مسلمین درمعالجات اصول بهداشت را برسایر اصول مقدم داشته واز طبیعت بیشتر استفاده میکردند مسئله امساك وپرهیز که ازتعلیمات اخیرپزشکی اروپاست:

قرنها قبل دراسلام مجری ومعمول بود وروزه ازارکان عبادات بشمار رفته تاسلامتی مصون‌ماند یکی‌از دکترهای فرانسه مطابق حساب دقیقی که کرده ثابت‌نموده گفته بقدری که‌دکترهاوپرفسورهای

۱ ـ تاریخ تمدن گوستاولوبون ص ۶۱۶

ما تلفات میدهند اطبای اسلامی خیلی کمتر تلفات میدادند •

از دستورات اسلام علاوه بردستورات بهداشتی و تأمین نیروی بدنی از نظر طبی هم تعلیمات سودمندی دنیاپسند داده‌است مانند مسواك کردن دندان گرفتن ناخن استحمام یك روز درمیان - تنویر - غسلهای واجب ومستحب و تأکید درآن . مضمضه آب در دهان- استنشاق آب در بینی که اخیراً کشف‌شده‌آب‌سرد درمغزموجب کشتن‌مکروب‌حیوانات‌موذیه‌دماغ‌است‌ومخصوصاً قید باینکه‌آب حمام باید آنقدر پاك‌باشد که قابل خوردن باشد حتی حدیثی درباره غسل دراصول کافی ازفقه واخبار امامیه است که چنین‌تعلیم فرمود•

هر کس غسل کند در آبی که یکبار دیگر در آن غسل‌شده‌باشد اگر مبتلا بمرض پیسی یاخوره گردد- جز خویشتن کسی‌را سرزنش نکند.

باین‌ترتیب نمیدانم‌خزینه‌حمام‌هارا کی‌نسبت‌باسلام‌میدهد که باچنین شرایط کثافت مورد استفاده گردد

اسلام بذات خود ندارد عیبی ‌ ‌ ‌ هر عیب که هست از مسلمانی ماست

وبرای حفظ‌افکاروتمهید نفوس در روانشناسی مسلمین را موظف بإذکاری کرده که روح‌ایمان و خدا پرستی وتوحید وکار و کوشش درآن قوت گیرد- از غیر خدا ببردو بخدا امیدوارباشدوازسعی و جدیت درکار وکسب وهنروپیشه دست نکشد - توسل بارواح‌طیبه وقرآن که راهنمای حیات ابدیست و مشورت باخردمندان‌بحکم **فشاور هم فی‌الامر** و استخاره وطلب خیر از خدا همه برای تقویت روحی است •

مسلمین در طریق استعلاج اکتشافاتی داشته که ازآن جمله درتب - حصبه- آب‌سرد استعمال میکردند که پس‌از چندین قرن‌متروك مانده باز امروز معمول گشته است•

درقرابادین ازادویه بسیاری مانند فلوس - سنا - ریوندچینی - تمرهندی ، قرمز دانه معدنی کچوله -کافور- الکل درصنعت ترکیب داروسازی استفاده کرده بطوریکه کتب داروسازی مسلمین قرنها جزوبرنامه آموزشگاههای اروپا بود- تالیفات ابوعلی‌سینا که همه بزبانهای زنده دنیا ترجمه شده وتدریس میگردید •

مولفات محمدبن زکریای رازی ایرانی بااستعمال و طریق استعلاج او سرمشق اطبای اروپا میباشد .

کتاب علاج‌الاطفال اولین کتاب‌دنیا دراین فن وکتاب حاوی‌الکبیر مشتمل برتمام مسائل‌دانش پزشگی ازکتب بزرك مخصوص مسلمین‌است که نبوغ ودقت فکر وعمق اندیشه آنهارا درطب و دارو شناسی‌نشان میدهد -

مولفات «ملکی» که برای عضدالدوله دیلمی تالیف نمود و تمام مسائل وگفتگوهای پزشگی را بابهترین طوری درآن درج نمود او از طب یونان انتقاد کرده و در طریق معالجه سبکی نوینی دارد •

اطبای اسلام از فوائد آب وهواکاملا باخبربود سکونت در عربستان و حبشه را در زمستان برای مبتلایان بسل مفید میدانستند - امروز هم پزشگان حاذق مسلولین را سواحل نیل و حبشه میفرستند •

آموزشگاه سالن در ایتالیا که سرچشمه طب اروپاست مقلد مسلمین بود و شهرتش بجهت

پیروی طب اسلامی بود و حتی در تحولات این آموزشگاه را که مبنی براساس طب اسلامی بود حفظ کردند .

کتاب جراحی ابومروان عبدالملك بن زهر جامع جمیع مسائل مهم پزشکی سرچشمه علمی جراحان اروپا قرار گرفته وحتی داغ با(کی) وعملیات باچاقوو ابزاردیگر ومعالجات دندان - چشم- شکافتن سنك مثانه همه ازعلوم و کتب اسلامی گرفته شده است .

شربت آلات ومشمعات واقسام روغن ومرهم وعرق وغیره همه را ازمسلمین فرا گرفته اند که البته باترقی جهان وموجودشدن وسایل واختراعات بتکامل خودرسیده است .

مسلمین درهواپیمائی

وخلق لكم من مثله ما يركبون

مسلمین باتوجه بآیات قرآن وتفکر وتدبیر وتعقل درخزائن نهفته عالم طبیعت وعام ودانش بهرکاری دست زدند و اخبار واحادیث آیات قرآن را تایید وتفسیروتصریح وتشریح مینمودند.

ازآیاتی که برایجاد واختراع انواع مرکبهادلالت داردآیه ۴۳ سوره یس میباشد که میفرماید آفریدیم برای ایشان ازمثل آنچه سوارمیشوند درصحرا ودریا وهوا وغیره وپیغمبراکرم ص درحدیث برهوت وصف طیاره راچنین فرموده است .

ازمسلمین عباس ابن فرناس که توجه باین آیات وحدیث داشت و میدانست امکان پرواز هست میخواست بابال خود حرکت کند بازحمتی تمام بالهائی دراطراف دستهای خود قرارداد و پرواز کرد تن اوازپر پوشیده شده بود ودوبال بزرك برآن افزوده مسافت زیادی راپروازمیکرد ولی چون خوب ازعهده این عمل برنیامده دچارآزار ورنج شدوآسیب دید.

این همان دانشمندمخترعی است که درخانه خودهیآت آسمان راساخت ودرفن موسیقی وشیشه گری اختراعاتی کرد .

ومسلمین قبل از اختراع طیاره اروپائیان درایران بالنهائی هوامیکردند وباشمع وحتی یکنفر هم درآن می نشست ومقداری درفضابالامیرفت دردوره قاجاریه هم این عمل در تهران تکرارشد ولی موجبات موتوری ونقل آن هنوز بمیان نیامده بود مدتها بعداتومبیل پیدا شد و «رنسانس» ونهضت علمی زندگانی موتوری را بوجود آورد و کم کم ملل اروپا باوسایلی که دردست داشتند باین حد کمال موفق شدند .

وغرض این است که مسلمین بیکارو بی فکردراین فن واختراع هم نبودند ولی موجبات آن فراهم نبود که بکمال مطلوب خودبرسند .

یك درس از اسلام درخویشتن شناسی

حضرت علی ع بکمیل ابن زیاد بنقل سیدرضی درنهج البلاغه چنین فرمود:

ومن كلام له عليه السلام لكميل بن زياد النخعي قال كميل بن زياد اخذ بيدي امير المومنين علي بن ابيطالب ع فاخرجني الى الجبان فلما اصحر تنفس الصعداء ثم قال - يا كميل ان هذه القلوب اوعية فخيرها اوعاها فاحفظ عني ما اقول لك

الناس ثلثه فعالم رباني ومتعلم على سبيل نجاة و همج الرعاع اتباع كل ناعق يميلون مع كل ريح لم يستضيئوا بنور العلم ولم يلجاء والى ركن وثيق. يا كميل العلم خير من المال

العلم یحرسك وانت تحرس المال والمال تنقصه النفقه والعلم یزکو علی الانفاق وصنیع المال یزول بزواله یا کمیل معرفة العلم دین یدان الله به به یکسب الانسان الطاعه فی حیاته وجمیل الاحدوثه بعدوفاته والعلم حاکم المال محکوم علیه یا کمیل هلك خزان الاموال وهم احیاء والعلماء باقون مابقی الدهر اعیانهم مفقوده و امثالهم فی القلوب موجوده ها ان هیهنا لعلماجماً واشار علیه السلام الی صدره. الخ

یکروزدست کمیل را گرفت از کوفه بیرون رفت وچون بیرون شهررسید نفس سردی از دل پردرد برکشید فرمود ای کمیل این دلهاوقلبهاظروفی است که بهترین آن ظروف آن است که بیشتر ظرفیت داشته باشد وبتواند دردریای علم وحکم خودهمه چیزرا حل وهضم کند - درخویشتن شناسی وتعریف علم النفس وظرفیت بشر برای کسب علوم بهترین درس است.

فرمود ای کمیل مردم ۳ دسته اند یکدسته عالم ربانی که علم ودانش را برای کمال نفس وتقرب بحق کسب میکنند ودسته دوم دانشجویان ومعلمین وطلابی که برای نجاح ونجات خود و دیگران کسب علم وفضیلت میکنند ودسته سوم همچالرعاع میباشند که باهربادی حرکت میکنند وباهرصدا هم آهنك میگردند و بنورعلم ودانش ضمیرشان روشن نمیگردد وتکیه گاهی ثابت وثیقه معنوی ندارند فرمود ای کمیل علم بهترازمال است علم تورا حفظ میکند ولی مال را تو باید حفظ کنی مال ببخشش نقصان می یابد اما علم بتدریس و تعلیم افزون میگردد علم بانفاق افزونی یابد و مال کسر میشود.

فرمود ای کمیل معرفت علم آشنائی بافریننده عالم است وکسب علم اززندگی شرافت آمیزو درآخرت رستگارخیزاست علم حاکم ومال محکوم است فرمودای کمیل کنجوران مال هلاك میشوند وخزان علم زنده وباقی هستند علماء تاآب رابودوبادرابقاء جاودانند اگراجساد واعیان آنها مفقود است امثال آنهادرقلوب واذهان موجوداست.

آنگاه فرموداین اشاره بسینه خود مخزن علوم پیغمبراست و هرکس بخواهد هرچه بپرسد از من پرسد قبل ازآنکه مرا بیابد.

این درس خویشتن شناسی مسلمین را بمبانی علمی وروحی وجسمی واداشت وبفکرزندگی افتادند ودرباره شناختن روح وآثاررشد وکمال آن وهمچنین برای حفظ وبهداشت زندگی وبرای پیشرفت وآبادی دنیا وحفظ ومصونیت اجتماع ازآفات وعاهات وتامین وسایل تدافعی درتمام شئون اجتماعی بکار وکوشش افتادند وبذل همت نموده جنبش براساس علم وتقوی وهنروصنعت اختراع و ابداع و پیشرفت وترقی وتعالی نمودند تادردنیا سیادت وسروری کردند.

مسلمین دراجرای تعلیمات پیشوایان دین وائمه معصومین ازهیچگونه بذل سعی دریغ نمیداشته حداکثراستفاده را ازالتذاذ وتمتع شخصی بردند وحتی اکثرخدمت اجتماعی رانمودند و نام نیکی بجاگذاشته که امروزدنیای علم وفن بحکم الفضل للمتقدم درپیشگاه مسلمین سرتواضع خم میکنند و ازنظر کسب فیض روحی ونفسانی نیزبرای آخرت خودخدمات اجتماعی کردند وبانواع عبادات مبادرت نمودند - درتمام ساعات شب وروز زندگی کاروکوشش نمودند دانستند که باید دراین دنیا جسمشان باتمام وسایل لازم زندگی محفوظ ومصون بماند و روحشان نیزبمدارج عالی کمال و ارتقاء برسد بهمین جهت علم ودین راباهم آمیخته وآموخته اند وفضیلت وتقوی راباهم عمل کرده نشردادند

فکر مسلمین درباره زندگی

تمام این عوامل علمی وفنی برای زندگی بشر است وعلاقه بزندگی یك نکته اساسی روانشناسی و علم الاجتماع است که قابل توجه جهانیان قرار گرفته است ما برای بیان این مطلب اساسی ودور افتاده از فکر عادی از کتب اسلامی که تعلیمات اخلاقی معیشتی بیشتر میدهد صرف نظر کرده فقط عقیده یك نفر اروپائی را در این موضوع نقل میکنیم .

ژوزف ماك کاپ ازمستشرقین معروف جهان است که درباره عظمت مسلمین دراسپانیا کتابی نوشته است ودرآن یك فصلی گشوده بدین عنوان که «فکر مسلمین درباره زندگی» درآنجا مینویسد برجسته ترین خصایص تمدن مسلمین مرام حیات علمی و اجتماعی آنها درباره زندگی است زیرا هرجهانگردی را که دربلاد و کشورهای اسلامی سیاحت کند مات ومبهوت میسازد و انگشت حیرت و عبرت بدندان میگیرد زیرا مظاهر جمال وجلال طبیعت را که نمونه بارزعلاقه مسلمین بزندگی است مشاهده میکنند .

باغچه‌های پرازگل - موسیقی- شعر- درختهای خرما - موز ومرکبات بوستانها پرازگل و بلبل - فرشهای گرانبها - ساختمانهای زیبا - ظروف نقش ونگار شده سفالی وچینی و بلور برزیبائی وطراوت وحیرت همه میافزاید همچنین گردآوردن کتب خیلی مورد دقت مردم مسلمان بوده و صاحبان ذوق و سلیقه خیلی میل داشتند قفسه زیبا و گرانبها وجلد وکاغذپرارزش بدست آورده بازرگانان وتوانگران باغهای بزرك خیابانهای باصفاوپرنور وپردرخت باتمام وسایل آسایش درست کرده‌اند- آجرهای دیواراطاق راساده نمیگذاشته بلکه آنهارا باطلا تزیین میکردند سقفهای ساختمانها راصاف وساده نمی‌بستند بلکه مقرنس ساخته وشگفتیهای بسیاری دراین هنرازخود بیادگار گذاشته‌اند کف اطاقها پراز ریزه‌کاری و دروپنجره‌ها راخاتم وپرنقش ونگارمیساختند .

وبرای خلفاء بواسطه‌زیادی پول تمام این هنرها بکمال شکوه وزیبائی آشکار بود ابزار های جنك وغلاف شمشیر کلاه خود زر وغیره تمام دارای آثار زیبائی ومظهر ذوق وسلیقه مسلمین است .

هرچه آنها ازچرم وفلزوسفال وپارچه وغیره میساختند بی‌اندازه دقیق درزیبائی ورنك آمیزی و وتناسب هریك چه ظرافت وزیبائی بکارمیرفته است .

این مورخ دقیق دریکقرن پیش مینویسد مسلمین دریك چیزدارای اهمیت بی‌مانندی وبرهرقومی برتری ورجحان داشته وهیچ ملتی بپایه آنهانرسیده است وآن عشق بگل و باغچه وچشمه وشعر و موسیقی وادب وپاکیزگی است که اکثر نویسندگان آنرا فراموش کرده‌اند .

مسلمین درنفوذ تمدن اسلامی وهنرهای گوناگون وسلیقه درتفریحات خود در اعیاد وجشنها واشاعه علوم وفرهنك برملل برتری دارند دارائی آنهادرشهرهابرتر وبیشتراز زمان رومیان است واین روحیه وعلاقه بزندگی برای یك‌دسته نبوده بلکه تمام طبقات دراین علاقه بزندگی وباغ و گلستان و گل وبلبل بهره‌مند میشدند.

نکته لطیفی که این نویسنده خواسته بیان کند این است که رومیان این وسائل را باشصت یا هفتاد ملیون غلام وبرده تهیه میکردند ولی مسلمین خود با کمال علاقه بدست خویشتن ساخته و پرداخته وازآن لذت میبردند.

تفریحات مسلمین خیلی ظریف و کم خطر بود کشتن گاو وحشی وشراب خواری و میگساری وزدوخورد وبازیهای خونین نداشتند باذوق وادب وسلیقه بشعروادبیات ومضامین نغز ودلکش مشغول بودند افسانه گویان باکمال مهارت وصف عیش میکردند وقمار ومیگساری ودر میان مسلمین علنی هیچ کجا نبود اگر خلیفهٔ وشاهی چنین میکردند اورا میکشتند.

اشاعه ذوق ادبی وتحریك شوق شعری درحیات مختلفی درمردم ایجاد کرده و غلامان تربیت شده بشعر وادب وبذله گوئی ولطیفه سازی درنظم ونثر ترقی میکرد تابهای آن بدو هزار سکه طلا می‌رسید درحالیکه درسایر ملل ازغلامان فقط برای کار های سخت وناهموار استفاده میکردند.

درتمام ملل متمدن اقلیت متفکر وچیزفهم بر کنار بودندولی دراسلام مخصوصاً دراندلس متفکرین لایق وبا استعداد وبا نفوذ وبزرگتر بیشتر ازسایرمردم جهان داشتند وآنچه بیشتر جالب توجه بود اخلاق و پرهیزکاری مسلمین است که در میان مسیحیان وجود نداشته تقوی و زهد واخلاق حسنه مسلمین مخصوص خودآنها بوده‌است.

نگارنده گوید فاقد شیئی طالب شیئی است هر کس هرچه راندارد بدان اهمیت میدهد وبعظمت یاد می کند.

این سطور برجسته نشان میدهد که دراروپا دردو قرن پیش بجلوتر این آداب ورسوم وشئون و علاقه بزندگی وذوق وسلیقه وایجاد گل وبلبل و طراوت وسبزی وصفا وغیره وجود نداشته است ودر سابق هرفردی ازمسلمانان کتابخانه داشته ودر درجه اول قرآن و کتب ادعیه واذکار واخلاق وتربیت وآداب آموزش وپرورش ومکارم اخلاق وحلیه المتقین وادب وسیره سیروسلوك وصول بحقیقت راداشته‌اند که با کمال تأسف امرور بتقلید مسیحیین سیرانحطاط اخلاقی رامی پیمایند.

مسلمین در کار و کوشش

اسلام با تنبلی وتن پروری وترك معاش وبیکاری سخت مخالف است.

شیخ صدوق درخصال ازپیغمبر اکرم ص روایت کرد.

که فرمود **البرکة عشرة اجزاء تسعة اعشارها فی التجارة والعشر الباقی فی الجلود**

برکت ده درجه است که یك جزء آن درحیوانات و۹جزء در تجارت است.

امام جعفر صادق ع میفرماید **التجارة تزید فی العقل** تجارت و بازرگانی عقل را زیاد می کند وسبب آن مطالعه در طرق تجارت است ازتاریخ و جغرافیا در اقتصاد وتسعیر ارز وغیره که راه نفع وضرر رابرای نقل وانتقال امتعه ومال التجاره مطالعه وبررسی کنند.

وباز روایت میکند **تعرضو للتجارة فان فیها غنی لکم وفی ایدی الناس** تجارت کنید تابی نیاز شوید وغنی وبی‌نیازی ازتمکن است که درسایه تجارت بدست میآید. وفرمود ترك تجارت کار شیطان است.

آیه **رجال لاتلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکرالله** درباره پیغمبر نازل شد که بتجارت شام رفته ومردم را بتجارت وبرکات آن تشویق نمود. ودرعین حال ازذکر خدا برای جلب نفع غافل نبود

از امام محمد باقر ع روایت کرده که هر کس طلب دنیا کند ازجهت تعفف برای کوشش عیالش وعطوفت برای همسایگانش روز قیامت خدا را ملاقات کند درحالی که رویش سفیدباشد.

امام صادق ع فرمود آیا عاجزید که مانند مورچه باشید زیرا مورچه دانه به سوراخ خود میکشد.

پیغمبرخدا ص فرموده عبادت هفتاد جزء است که بیشتر از آن در طلب حلال است.

حضرت جعفر صادق ع فرموده **لاخیر فیمن لایحب جمع المال من حلال یکف به وجهه ویقضی دینه ویصل به رحمته**

خیری نیست در کسی که دوست ندارد جمع کردن مال از حلال راتا ابروی خود را نگاه دارد ودین خودرا ادا کند وصله‌رحم نماید.

امیرالمؤمنین ع ازدسترنج خود هزار بنده‌را آزاد کرد.

ابوحمزه ثمالی روایت ازحضرت موسی کاظم ع میکند که در زمین خود کار می کرد وقدمهای مبارکش درعرق فرورفته بود گفتم فدایت شوم کجا هستند مردان کار فرمود جدم علی بادست خود درزمین خویش کارمیکرد واوبهتر ازمن وپدرم بود.

فرمود تمام پیغمبران بزراعت اشتغال داشتند واجداد مانیز همه برزگر وزارع بوده‌اند.

امام صادق ع فرمود فلاحها گنجور خداهستند وهیچ عملی نزد خدا محبوب‌تر اززراعت‌نیست و خداوند هیچ پیغمبری را نفرستاد مگرآنکه دستور زراعت باو داد مگر ادریس که خیاط بود ۱

حضرت امام موسی کاظم فرموده خداوند دشمن میدارد بنده پرخواب و بیکار و تنبل را

فصل چهارم

امپراطوری اسلام

آفتاب اسلام در افق مکه پرتوافکن شد
و روز افزون توسعه یافت مسلمین در سال
سیزدهم از بعثت با ۲۱۲ نفر از مکه بمدینه
مهاجرت کردند و با ۸٤ جنك تمام جزیرة =
العرب راگرفتند و دولت اسلام با پنج ملیون
مسلمان حکومتی بر اساس صفا و اخوت و
وفا بر پایه دین که مشحون بر ایمان و عمل
صالح بود تشکیل دادند و کمتر از یکقرن
گذشت که قسمت اعظم آسیا و آفریقا و قسمتی
از اروپا و کرانه های دریای خلیج فارس و
مدیترانه و رود نیل دریای سرخ همه در
زیر اهتزاز پرچم اسلام درآمد - و اکنون
سیر پیشرفت و فتوحات و جهانگیری اسلام
را از نظر خوانندگان میگذرانیم !!!

وحدت
تمدن و سیاست ممالك اسلامی

وهذا کتاب انزلناه مبارك مصدق الذی بین یدیه و لتنذر ام القری و من حولها و الذین یومنون بالاخرة یومنون به وهم علی صلوتهم یحافظون

آیه ۹۳ سوره انعام ۶

این است کتاب بابرکتی که تصدیق شده و نازل کردیم و اکنون مابین دست شماست برای آنکه بیمناك کنی مردم مکه را و آنها که درمحور کعبه قراردارند بدیهی است کسانی که بآخرت ایمان دارند بقرآن هم ایمان دارند وبرنماز خود مراقب ومحافظ هستند .

دراین آیه مبارکه نزول قرآن را درمکه محورعالم آفرینش روی کره زمین قرارداده تابشررا ازآینده خود بیمناك سازند وقرآن راسرمایه ایمان بخدا وآخرت قرارداده است که تمام مسلمین رو بقبله قرآن را پیروی نمایند - و وحدت زبان وحدت کلمة وحدت عبادت وحدت قبله ووحدت کتاب وحدت ایمان همه درسایه همین دین حقیقت است - ودرآیه دیگر میفرماید آنچه بشما وعده شده میرسد وشماعاجزبآوردن مثل آن هستید .

درفوز وترقی وپیشرفت مسلمین یك باب (۱۷) شامل ۶ فصل

فصل اول ـ ۱۸ آیه
» ۲ ـ ۲
» ۳ ـ ۱۲
» ٤ ـ ۹
» ٥ ـ ۲۷
» ٦ ـ ۱

جمع ٦۹

تمدن اسلام

معنی تمدن تمدن عبارت است ازتهیه ثروت ازراه مشروع - کمی خرج رفع نیازمندیهای عمومی - بالا بردن سطح فرهنك - آبادی اراضی وعمران - ساختمان شهرهای بزرك - توسعه و نفوذدادن قدرت ولغت وقانون خودرا در کشورهای دیگرجهان تمرکز قدرت نظامی وتمرکز قدرت علمی - وتقویت قوت ایمان درقلوب افرادوخلاصه آنکه بشررا ازجهت جسم وجان روبتکامل وترقی بالابرده وازهرجهت مضیقه معاش ومعاد را ازبین بردارد تابکمال مطلوب خودبرسد .

انما توعدون لات وماانتم بمعجزین

آیه ۱۳۵ سوره انعام

اسباب تمدن چیست

تمدن دراصطلاح وعرف شهرنشین را گویند که دارای زندگانی اجتماعی باشد وزندگی اجتماعی اسباب ووسایل اجتماعی می‌خواهد وباید بامشارکت افراد وابناء نوع درتهیه وسائل زندگی و دفاع ازموانع ومبارزه بامشکلات بذل مساعی شود تایك زندگی اجتماعی براساس مدنیت بوجود آید.

بهمین جهت است که گفته‌اند زندگی اجتماعی مرهون خدمات اجتماع است وچون انسان مدنی بالطبع است و بتنهائی نمیتواند زیست کند باید درجمع موجبات جمع را فراهم سازد واسباب

زندگی راهمه باید باهم بتشریك مساعی فراهم کنند ومهمترین مواد اسباب تمدن دربدایت امر - رفع نیاز اولیه زندگی است که درعرف قدماء بضروریات سته تعبیر شده و در اصطلاح امروز ملل غربی پنج‌اصل اولیه‌زندگی مشهور گردیده است.

جذب - دفع - حرکت - سکون - خواب - بیداری که هریك موجبات و وسایلی لازم دارد بشر برای تغذیه وبدل مایتحلل خود ازنباتات وغلات وصیفی جات وفواکه و اثمار وحبوبات و بقولات ودهنات ولبنیات وغیره بایدرنج تهیه‌مواد اولیه رابنماید واجتماع بهمت مشترك دربسط عدالت برای توزیع ومصرف همت نمایند.

این مواد چه‌برای تغذیه یاملبوس - مسکن هرچه باشد مستلزم کاروکوشش فراوان است که یکنفر بتنهائی نمی‌تواند همه‌موادرا تهیه کند.

گندم - جو و گوشت - لبنیات وغیره هریك موادیست که بایدبهمت اقلا ششصد نفر وباشرط زندگانی موتوری امروز شش‌هزار نفرکارکنند تامن وتو نانی بکف آوریم وبغفلت نخوریم واین کار مشترك غیراز عناصر و موالید واقمار ومنظومه های شمسی است که بقول‌سعدی :

ابر وباد ومه خورشید وفلك درکارند — تاتو نانی بکف آری و بغفلت نخوری
همه ازبهرتو سرگشته و فرمانبردار — شرط انصاف نباشد که توفرمان نبری

اساس تمدن اسلامی

ازمواد تمدن بشردرجه اول علم وبعدقدرت وتوانائی براجرای علم وعمل وسعی و کوشش‌است که این موفقیت مبنی‌براطلاعات علمی وادبی وتحقیق درباره علوم طبیعی ومواد وخواص آنها واثر تجزیه وترکیب‌وتحلیل وتاثیرآنست.

مسلمین بدون شك بتصدیق همه مردم‌دانشمند جهان درتحقیقات علمی- درزبان وفراگرفتن فنون وحرف وعلوم درادب وآداب وادبیات درتاریخ وفلسفه درنثرونظم وشعروشاعری - درعلم‌رجال ودرایت‌وروایت‌وحدیث‌وتفسیروتبیان و اخباردرریاضیات واقسام مختلف آن مانندحساب - هندسه - جبر- مقابله - معادلات مثلثات - هیئت‌نجوم تقویم - تنجیم - ترصید - زیج‌رصدخانه‌اسطرلاب‌وهمچنین درجغرافیا ومسالك‌وممالك امصاروبلدان واکناف عالم وخواص‌آب وهوای وجمعیت ومحصولات نباتی-حیوانی آن درفیزیك وجراثقال شیمی وتجزیه وتحلیل وترکیب مواد داروئی و عنصری - در فنون واکتشافات فنی مانند باروت واسلحه‌ناریه - منجنیق - اسباب‌سنك‌اندازی- آتش افکنی - اختراع‌کاغذ -کشتیرانی - بحرپیمائی - استعمال قطب‌نما ودرتاریخ طبیعی و علم‌طب وفنون مختلفه مداوا ومعالجات وتشریح وداروشناسی وضبط اسامی داروها وخواص‌آن وتالیف‌کتب‌طبی‌وجواهرشناسی وحکاکی ونقاری‌روی احجاروجواهرات وسکه زدن برطلا ونقره وچرم وغیره.

استفاده ازتمام این مواد برای حفظ صحت انسان وتعالی وترقی اجتماع وتسهیل امور زندگی ورقاء وارتقاءِ مدنیت ومهم‌ترازهمه ایجاد آثار صنعتی و نمونه‌های بارز ادوار مختلف ملل واقوام و صنایع مستظرفه ومهندسی - معماری - قلمزنی - نقاشی - تذهیب‌کاری - جلدسازی - شیشه‌گری - زرگری - جواهرسازی - منبت‌کاری - ترصیع - مفرغ سازی - کنده‌کاری - حجاری - حصیربافی که

روی‌همه‌مواد چرم و چوب وفلز- سیم وزروغیره که فنون مسلمین درتمام اطراف واکناف دنیا نمونه بارزعلم وقدرت وفن وصنعت ومجموعاً نماینده تمدن عالی وراقی مسلمین است که بقول مستشرقین هیچ قومی ازاقوام جهان وهیچ ملتی ازملل عالم باینسرعت ترقی و تکامل نکرده وپایه‌های تمدن و امپراطوری آن بر پایه های آهنین استوار نگردیده که بتوانند برای همیشه در دنیا زنده و جاوید بمانند .

ابنیه ایران - مصر- سوریه ولبنان - پاکستان وهند - صقلیه - غرناطه - اندلس - اندونزی قفقازیه - عراق وحجازبالکان - آسیای صغیر - ترکیه - تبت و مغولستان وغیره همه شاهداین عظمت میباشند که پس‌از۱۴قرن تمدن‌مترقی‌مسلمین رابدنیا مینمایند.

ازاینهمه مواد تمدن که بگذریم روابط تجارتی واقتصادیات مسلمن دربازرگانی - صنعت و تجارت وفلاحت ومبادله ارزی وکالای تجارتی باچین وژاپن وروسیه - ملل‌غربی درافق فکرآن ملل آثاری عمیق ازامتعه ومال‌التجاره خود باقی گذاشته که صفحات تاریخ‌رابخودجلب نموده است‌و کتب تاریخ تمدن مفصل این حقایق راروشن ساخته است (۱)

اینها وعده‌ای بود که خداوند بپیغمبرش برای توسعه نفوذ واشاعه دین وجهانگیری داده و از زبان وحی بهمه عالم واقف گردیده وبرهمه‌چیزدانا وآگاه شدودرهیچ‌کاری‌عجزوناتوانی‌نشان نداد و اعجازقدرت‌موهبتی خویشرابرجهانیان نشان‌داد که هنوزهم‌اسلام درپیشرفت وتوسعه است ولی‌مسلمین ازقافله متمدن جهان عقب افتاده‌اند .

تمدن اسلام

مورخین اروپا همه اتفاق دارند که مسلمین‌در فکرواندیشه ممتازنددرآبادی وعمران‌شهرهای اسلامی نهایت جدیت راکرده‌اند پای‌تختهای اسلامی درآسیا - افریقا - اندلس - مظهرهنر وسلیقه مسلمین است - درعلوم وفنون وپیشه وهنردرصف‌اول‌هنرمندان جهان قراردارند - هنرمعماری‌مسلمین درمیان تمام ملل بی‌نظیراست همان ابنیه است که تاکنون ۱۴ قرن است برپای خودروی امتیازهنری وسلیقه مخصوص مسلمین خودنمائی میکند اگرصفحه دنیای بشریت راماننده فیلم از نظر بگذرانیم برجسته‌ترین عمارت قدیمی بشررا که هنوزمظهرنبوغ علم وهنراست درممالك اسلامی یا از سرپنجه مسلمین می‌یابیم .

خاورشناسی نامی ماکس‌مایرهوف‌آلمانی درکتاب‌عالم اسلام فصلی برای تمدن مسلمین ازراه هنرمعماری اسلامی بازکرده است - باتفاق مورخین بغداد که درسال ۱۵۳ ساخته شده درقرن سیم هجری درتمدن وآبادی وثروت وآسایش مردم‌ازتمام شهرهای برتروزیادتر وبهتربود - هارون‌الرشید بزرگترین پادشاهان آن دوره است - عبدالرحمن ناصردرقرن چهارم ازتمام سلاطین غرب‌مسلمان وفرنگی برتر وترقی اندلس درآنروزگار ازتمام ممالك دنیابیشتربوده است .

امیرشکیب ارسلان در کتاب «لماذاتاخرالمسلمون»مینویسدکاربغداد که زمان منصور ورشید و مامون ازجهت متمدن وآبادی سرشار وبسیاری ثروت ومال ومنال بجائی‌رسید که‌هیچ‌شهری مانند آن نبود وتاکنون هم مانندش یافت نشده‌است -

---

۱ - تاریخ تمدن جرجی زیدان و تاریخ تمدن گوستاولوبون ازکتاب میراث اسلام بهترین معرف است .

شماره مردم آنجا به ۲،۵۰۰،۰۰۰ نفر میرسید - بصره درمرتبه دوم بغداد وجمعیتش ۱۰۰۰۰۰۰ بیشتر بود - دمشق - قاهره - حلب . سمرقند - اصفهان سایر شهرهای فراوان ومشهور اسلامی همه نمونه تام وتمام وبرهان عمران وآبادی آندوره است ومیرساند که تمدن همه جارا فرا گرفته و کشور پهناور اسلام درآبادی وعمران غرق بود -

قیروان فاس - تلمسان - مراکش در مغرب بزرگتر ومهمتر از این بودند که درجهان بشود همسری برای آنها پیدا کرد یا کسی دراروپا بتواند عظمت آنهارا انکار کند وسخنی برخلاف گوید در اروپا قرطبه یگانه شهری بود که مانند نداشت - شماره مردم آنشهر باعظمت بالغ بر ۱،۵۰۰،۰۰۰ نفر بود این شهر ۱۷۰۰ مسجد جامع داشت غیرازمسجداعظم که گنجایش ۵۰،۰۰۰ نفر نمازگذار در شبستان و ۳۰۰۰۰ نفر نمازگذار درصحن داشت دراین مسجد شگفت انگیز ۸۰۰۰۰ نفر میتوانستند بنماز وعبادت پردازند - که باکمال تاسف وضع آن امروز تغییر کرده است.

کاخ الزهرا مانند شهری بود که ۹۰۰ مترطول و ۸۰۰ مترعرض آن بود اسپانیولیها آنجارا شهر-الزهرا میگویند مامورین متخصص میگویند پنجاه سال کاوش آنجاوقت میخواهد.

غرناطه پایتخت کشور کوچکی بود که برای مسلمانان در پایان کارباقی مانده بود بااینحال در قرن ۱۵ میلادی « هشتم هجری » در اروپا هیچ شهری باوی برابری نمیکرد و نظیر آن یافت نمی‌شد -

هنگامیکه بچنگال اسپانیائی‌ها افتاد ۵۰۰،۰۰۰ نفرساکن داشت درحالیکه درآنعصر دراروپا شماره جمعیت هیچ‌شهری وهیچ پایتختی نصف این مقدارهم نبود.

کاخ الحمراءِ غرناطه گوهر یکتای جهان است واین آثار بارزتمدن اسلام بوده و هست این‌ها نمونه مدنیت وآثار گرانبهای مسلمین است اینهامیوه‌های درخت تمدن اسلام است

شماره تمام آثارمسلمانان درروی کره زمین که همه زیبا و پربهاءِ است محتاج چندین جلد کتاب است . که ما درجلد دوم فشرده‌ایم

نویسنده میگوید دراین مساجدشخصاً رفتم گشتم مهندسین میگفتند درتمام اسپانیا برای کاوش به ۷۰۰۰(دژ) قلعه وحصاربرخوردند که سه‌چهارم آنها ازبناهای مسلمانان وآثاراسلامی است ومعماری مسلمانان همه بریك نهج ویکنواخت بناشده است این ابنیه هریك مکمل دیگری و پشتیبان‌دیگری بود وهرخطی ازشهربیك جانب آن امتداد داشت هرخطی ازشهر بیك پهلوی آن امتداد یافته وخطی دیگر ازآنطرف بوی منتهی میشود وهمچنین بارودرخط طوری واقع شده که برابر باروئی‌دیگر باشد-گویا قلعه وباروها سلسله متصلی‌است که منتهی میگردد بمرزفرنگیان- ص ۱۱۸

گلودوایر نویسنده نامی فرانسه درمقدمه مجموعه خود دروصف بناهای مسلمانان تونس‌ومغرب اقصی واوسط چنین مینویسد - کاخها ومسجدها وبناهای عالی وشهرها تمام این زمینهارا که پیغمبر اسلام ازبازماندگان رومانی پس گرفت پوشیده است یعنی‌بجای‌دیرها کلیساها - کنیسه‌ها - وغیره‌همه مساجد بزرك مدارس عالی - کاخهای عظیم مسلمین بناشده .

اومیگوید آری مسلمین مردمی بودند که جائی‌را ویران کنند وخرابه سازند بلکه خرابه‌هاو ویرانه‌ها را آباد وعمران کردند . تونس . طنجه . فاس . مکناس . مراکش . هما نطور که درقاهره وقیروان نمایان است آثار بی‌مانند مسلمانان جهان است و برتمام آثار ملل غیراسلامی برتری و رجحان دارد :!!

درمغرب آموزشگاهی ازمسلمانان باقی است مانند آموزشگاه فاس که مانند قشنگترین عبادتگاه یونان قدیم بنـا شده زیـرا جمیع اصول و قوانین مهندسی را در ساختمان آنجا بانهایت دقت مراعات کرده‌اند .

دو نفر از نویسندگان نامی فرانسه که بافریقا ومغرب اقصی رفته‌اند بنام- ژیرم - وژال تارو مینویسند کسی که آرامگاه سعدیین رادرمراکش تماشانکرده نمی‌فهمید تمدن اسلام درزیبائی وقشنگی تا کجا رسیده بود .

من میگویم اکنون هم اگر کسی مسجدشاه اصفهان ـ مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان ـ مسجد جامع اصفهان مسجدچهارباغ اصفهان مسجد گوهرشاد مشهد ـ مسجدسپهسالار تهران ـ مسجدغرناطه و اشبلیه ـ مسجداقصی مسجد کوفه ـ مسجداموی دمشق ـ مسجدمدینه و کربلا ونجف وکاظمین وسامرا وقم وحضرت عبدالعظیم ومساجد جامع نائین ـ همدان ـ سمنان ندیده باشد هنرمسلمین راندیده وتمدن آنهارا نیافته است .

در کتاب الاستقصاء فی تاریخ المغرب الاقصی در آثارموحدین و آثارمنصورسعیدی درمراکش وصف آنجارا که میکند چشم آدم روشن میشود وروح او نشاط میگیرد.

در کتاب اتحاف اعلام الناس بجمال حاضره مکناس تالیف علامة ارجمند شریف بن شریف امیرالعلماء وعالم‌الامرا مولای عبدالرحمن بن زیدان رئیس خانواده سلطنتی مغرب وصف بناهای جد خودمولا اسماعیل بزرك راشرح داده که ۶۵ سال سلطنت کرده و درمکناس وسایر جاها کاخهای و بناهای عالی و دژها ساخته باغها و بستانهـا درست کرده که از سایر سلاطین عالم کمتر دیده شده است .

گوستاولوبون نیزدرتاریخ تمدن خود ورینه گروسه درعلم تمدن خاور بیش ازسایرین ازأبنیه و وآثاراسلامی وصف کرده‌اند .

اخیرا درمغرب کتابی بنام «مراکش ومدن الفن ـ طنجه ـ فاس ـ مکناس ـ مراکش ـ رباط» بقلم پیرشامپیون منتشرشده که ۲۲۷ صورت از بناهای زیبای بلادمغرب اقصی گرفته وازتواریخ مغرب مانند الاستقصاء وروض القرطاس وازتاریخ ابن خلدون زیادنقل کرده وبیشترتوجهش ببناهای فرینین درفاس وموحدین وسعدیین درمراکش واندلسیها دررباط بود .

ابن خلدون مینویسد دردوره نخستین جهاداسلامی بپایداری و استحکام و محکمی مسلمین ممتاز بودند .

شامپیون مینویسد درقرن ۱۴ بناهای مسلمین روی نصف زیاد ازقرن ۱۶ بازرونقی گرفت درقرن ۱۷ دارای عظمت شد دراواخرقرن ۱۹ روی بانحطاط رفت ـ

این سطور که ازخلال کتب استخراج شده مبنی بر تمدن اسلام ازنظر بناوعمارات وابنیه وهنرمندی معماری بود که جلب توجه ملل اروپارا کرده است ولی روح تمدن اسلام درجنبش علمی وتالیف وتصنیف کتب وآموزش وپرورش علم ودین وتقویت ایمان وعقیده بود که مظاهرکامل آن درکتابخانه‌های دنیا موجود است وازآن نیزبحثی خواهیم کرد .

جهانگیری اسلام و فتوحات مسلمین

سنریهم آیاتنا فی الافاق وفی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق اولم یکف بربك انه‌علی کل شیئی شهید .

بزودی نشان جهانیان خواهم داد در عالم کبیر و در نفوس مختلف کثیری که عالم صغیراست تاحقیقت برآنها ثابت‌وروشن گردد آیا کافی‌نیست برای اثبات توحید که خدای شما برهمه چیز قادر است.

قل یاقوم اعملو علی مکانتکم انی عامل فسوف تعلمون. آیه ۱۳۶ انعام ششم

بگو ای مسلمین عمل کنید باحکام شریعت اسلام تامکان ومرتبه خودرا به‌بینید من عمل‌میکنم شما چگونه عمل میکنید.

فلا تهنو ولا تحزنو وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین

تسامح وسستی وتکاهل نکنید محزون و مأیوس نباشید شما برای برتری برسایر بشر موظفید بشرط ایمان وعمل صالح .

فتوحات‌اسلام درجهان

آفتاب اسلام پس‌از طلوع درام‌القری ونشر درمکه ومدینه تمام شبه‌جزیره عربستان را فرا گرفت واز آنجا بریك‌یك ازکشور های بزرك وشهرهای کوچك پرتوافکن شد تاهشتصد سال تمدن خودرا درجهان نفوذداد وحفظ کرد وبرتمام جهان حکومت میکرده تاقطعات مختلف آسیا ـ افریقا ـ اروپا همه‌جزء سلطنت عظیم‌الشأن وامپراطوری بااقتدار اسلام درحیطه تسلط مسلمین درآمد،

مسلمین ازشبه‌جزیره عربستان قیام کردند و از اقیانوس اطلس تارود سند و از دریای مدیترانه تاصحرای افریقا واز آنجا تادیوار چین واز جبل‌الطارق تاممملکت کل پیشرفتند وتمدن آنها درجهان اثری عمیق بخشید.

فتوحات قرن اول

بنقل فتوحات اسلامی و تاریخ تمدن اسلام جرجی زیدان و گوستاو لوبون خلفای اسلام ابتدا خطهٔ بابل قدیم پایتخت ایران و شام که مرکز حکومت روم شرقی بود فتح کردند؛

بعداز فتح بیت‌المقدس عمربشام عزیمت نمود وآنجا که هفتصد سال تحت‌تسلط واقتداردولت روم‌بود درظرف هفت‌سال بدست مسلمین افتاد ازآن پس قشون اسلام در زمان عمر بسرعت بطرف عراق عرب وایران حمله‌برد وتاج‌وتخت پادشاه ساسانی را تصرف کرد این فتوحات دوماه بیشتر طول نکشید که بزرگترین کشوری که خراج‌گیر ازممالك بزرك جهان‌بود فتح کردند،

در همین اوقات مغرب عساکر اسلام بسرداری عمروبن عاص مصر ونوبه را فتح کرد درسال ۶۴۴ میلادی کـه عمر در گذشت سال هجری اسلام کشوری پهناور گشته وسعتی بسزا پیدا کرده بود .

عثمان پس‌ازعمر تمام ایالات ایران راتا قفقاز واز طرف دیگر تاهند بتصرف آورد.

امیرالمؤمنین علیع که داماد پیغمبر وخلیفه مخصوص او بود درسال ۶۵۵ میلادی مطابق با سال ۳۵ هجری برمسند حکومت نشست.

جهانداری وحفظ ممالك وسیع اسلامی واداره امور کشوری براساس عدالت و رأفت وتساوی حقوق وبرادری وبرابری سعی بلیغ فرمود.

پس از شهادت حضرت امیر ع درسال ٤١ هجرت معاویه نماینده حزب بنی‌امیه که اساساً از غلام زادگان رومی بودند وجز بر منطق شهوت و حکومت هدفی نداشتند زمام امور مسلمین رابدست گرفته ودر فرمانفرمائی مانند قیاصره روم تقلید ازسلطنت روم شرقی که درشام نفوذ داشتند کرده ومدت هشتادسال حکومت کردند.

دراین مدت قوای اسلام بطرف شمالی افریقا پیشرفت وتاسواحل اقیانوس رابه تصرف آوردند وبا ۱۴۰۰ کشتی دریای متوسط را دوره کرده وپس از تصرف تمام جزایر دریا بجزیره سیسیل رسیدند وآنجا راتصرف کرده تابارو پا دست یافتند.

محاصره قسطنطنیه هفت‌سال طول کشید وقشون اسلام ازرود جیحون عبور کرده تابیرق‌اسلام را تابسمرقند برافراشتند.

پس‌از معاویه خلفای اموی رشته فتوحات راجاری نگاهداشته ودرقطعه آسیا تاچین ودراروپا تا اقیانوس اطلس دامنه‌آنرا وسعت دادند.

درسال ۷۱۲ میلادی مطابق سال۹۲ هجری مسلمین از اینکه جبل‌الطارق که تاآنوقت کسی‌از آن تنگه عبور نکرده بود طارق عبور کرد و خود را باندلس رسانیدند وبنام او شهرت یافت اندلس کهشهری مهمی‌بود ازدست نصاری «کت» گرفتند ویك حکومت باعظمت وجلالی تشکیل دادندکه هشت قرن هشتصد سال دوام یافت.

در اواخر قرن اول هجری بودکه از هندوستان گرفته تااقیانوس اطلس و از قفقاز تاخلیج فارس درتمام این ممالك پرچم اسلام در اهتزاز بوده است وازممالك مسیحی‌هم اندلس‌که از ممالك بزرك اروپا شمرده میشد تحت سلطه وحکومت اسلام درآمد واز مراکز مهم اسلام وپایتخت غربی مسلمین ودارای دانشگاه وسیعی گردید آثارابنیه ومساجد ومدارس و کاخها وتمدن پرافتخار آنهاهنوز باقی وبرقرار است.

فتوحات اسلامی درقرن دوم

جهانگیری اسلام درقرن دوم باوج عظمت رسید وجهان‌گیران اسلام اوقات خود را صرف حسن تمشیت وانتظام حکومت وسیعه اسلامی میکردند.

در این قرن **قشون اسلامی وارد خاك فرانسه** شد وتا رودخانه لوار پیشرفت.

دراین قرن پایتخت اسلام از دمشق ببغداد که المنصور درسال ۷۵۲ میلادی مطابق سال ١٤٥ هجری آنرابنا کرد انتقال یافت وخلافت ازبنی‌امیه درسال ۷۵۲م و۱۳۲ه بنی عباس منتقل گردید. این خلفا که اولاد عباس عموی پیغمبر بودند اولین اقدامی که که نمودند تمام خاندان امیه راکه در نظر آنها اجنبی میآمدند بغیریك پسر که اتفاقاً جان در برد ودر سال ۷٦٥م و۱۳۹ه دراندلس حکومت مستقلهٔ تشکیل‌داد همه‌را بقتل‌رسانیدند «ص١٦٦ تاریخ تمدن».

دراوایل قرن دوم هجری سلطنت اسلام تااین درجه توسعه پیدا کردکه دیگر جلوتر آن نرفت آنوقت حکومت اسلام ازجبال پیرنه و جبل الطارق تاهندوستان و از سواحل بحر متوسط تاریکستان افریقا وسعت و بسط پیدا کرده بود ویك قسمت معظم آسیا یعنی از کوهستان عربستان تاترکستان واز کشمیر تاتروس تحت فرمان خلفای اسلام بود.

ایران که سراسر فتح شده وازکابل تارودسند تماماً تحت بیرق اسلام بودند در اروپا اندلس و جزائر بحرمتوسط درافریقا مصر وتمام قسمت های شمالی آن تماماً مطیع قانون اسلام شدند.

دوران جهانگیری اسلام در این قرن بپایان رسید وعصر جهانبانی وکشور داری اسلام شروع شد واصلاح و انتظامات کشور پهناور بی‌نظیر اسلام آغاز گردید فاتحین اسلام تمام همه خود رابه ترقیات تمدنی وعمرانی وآبادانی معطوف داشتند اوایل‌عهد خلفای عباسی مسلمین درتمدن‌پیشرفت شایانی کردند.

ازجمله اسباب مختلفه ترقی وتعالی یك قوم‌خصایص عقلانی واخلاقی آنقوم میباشد که عوامل قوی شمرده میشود واین مجموعه خصال که ماآنراجبلت وفطرت نامیده‌ایم محرك اصلی افعال‌انسان است که درانسان از حین پیدایش موجود میباشد واین همان خصایص‌است که درقرون متمادی اسلام بمسلمین ارزانی داشت وبوسیله وراثت درآنها نقل وانتقال میشد وهیچ‌قوه نمیتوانست درآنهامقاومت کند ـ اسلام حکومت عقلانی‌بود ولذا ازهمان آغاز نشردین درزمان پیغمبر ص شروع بفرا گرفتن زبانهای مختلف ولغات متداول گردید تادین وآئین اسلام را ممتازاً بجهانیان بیآموزند .

درقرون دوم قرن رشد علمی ورشدعقلی مسلمین است که علوم یونانی را اخذ کردندوشالوده یك تمدن‌باشکوه ومجددی ریختند که درادبیات وعلوم وفنون باوج کمال رسیدمخصوصا زمان‌هارون‌الرشید ازسال۷۸۶ تاسال۸۰۹ میلادی مطابق سال ۱۷۰-۱۹۳ هجری علوم وفنون ومعرفت وتجارت بآخرین درجه ترقی‌رسید ـ شعراء ادباء وسایرارباب فضل وکمال نام نامی این خلیفه را که نمونه بارز شوکت وجلال‌او کتاب الف لیل ولیله است بتمام اقطارعالم رسانیدند .

شاهنشاه روم شرقی خراج گزارهمین خلیفه بود وقتی خطاب بابر کرد که ببارهر کجا بباری بکشوراسلام باریدۀاین ترقی‌تازمان مامون‌باقی‌بود ومدتی‌طولانی پرچم‌اسلام برفرازاین‌جهان‌پهناوری که تقریباً تمام دنیای متمدن‌آنعصر بود دراهتزازبوده است .

فتوحات اسلام درقرن سوم

درقرن سوم کشورهای اسلامی از صورت وحدت و استقلال ملی مجزاشدوهریك ازممالکی که‌قدرت داشتند علم استقلال برافراشتند ـ اولین محلی که پرچم استقلال‌برافراشت قرطبه پود که‌خلافت مستقلهٔ تشکیل داده .

بعدازقرطبه ایران وپس‌ازآن هندوستان مستقل‌شدند ودراثرعیاشی خلفای بنی‌عباسی‌حکام‌خود سراطراف دارالسلطنه اسلامی‌یعنی‌بغداد دعوی خودمختاری‌میکردند ـ طولون مصری حکومت‌مستقلهٔ تشکیل داد ـ افریقا بکلی‌مطلق‌العنان شد استقلال خلافت اندلس بحدکمال رسید ولی‌اسلام‌بوسیله اخلاق واحکام عالیه مطلوب خود در تحت‌عنوان تبلیغ‌دینی و مبارزه کرد پیشرفت خودرا همچنان بباطراف واکناف هرمنطقه ادامه میداد ـ ودردهات وقصبات ومناطق دورازشهرجابازمیکرد،

قرن چهارم هجری

دراین قرن بدنباله تجزیه و تقسیم ممالك اسلامی دارالخلافه اسلام ازبغداد بمصرهم انتقال یافت واندلس هم مرکزیت یافت مدارس عالی طلیطله ـ غرناطه قرطبه قاهره ازدانشگاههای بزرك اسلام شد که تمام محصلین اروپا در آنجاتمرکزیافتند واسپانیول بزرگترین مرکز وحصه مرکزی دانشگاه وتمدن اسلام در مغرب شناخته شد و قاهره درافریقا روزافزون توسعه یافت و فتوحات جنگی مبدل بنهضت علمی مسلمین گردید و از راه اشاعه علم و فضیلت اسلام باوج ترقی و تکامل رسید .

قرن پنجم

دراین قرن دوحادثه خیلی بزرك رویدادیکی هجوم اتراك سلجوقی بود ودیگرجنك صلیب که اجمالا شرح آن چنین است اعراب در فتح ترکستان جمع کثیری ازاتراکرا اسیر کرده باخودبدارالخلافه بردند آنها جزو مستحفظین دربارخلافت مشغول خدمت شدند وکم کم قوت یافتند تازمام حکومت رابدست گرفتند ابتدا اطراف بغداد راگرفتند سپس قسطنطنیه را محاصره کردند وتمام شامات را فتح کردند این مردم ترك بجای حکومت اسلامی که اساس آن برانصاف ومروت همدردی بودحکومتی پرتعصب وپرجور وظالمانه تشکیل دادند چنانکه از اشاعت دیانت مسیح بنای مخالفت و جلوگیری را گذاشته ونسبت بزائرین بیت المقدس ازهیچگونه اذیت وآزاری فروگذار نمیکردند ـ اروپا که ازیکمدتی مملکت گیری مسلمین رابنظرهیبت ورعب نگاه میکرد ازحالا بنای جنبش را گذاشت از یکطرف بوسیله تبلیغات وتحریکات ازطرف دیگراعلان عمومی بجهاد که ازطرف پاپ بعمل آمدبالاخره اسباب ومقدمات جنك اول صلیب را فراهم نمود که درسال ۱۰۹۵ میلادی مجاهدین نصاری بفلسطین حمله کردند وفتح کردند ودربیت المقدس تشکیل دادند ودرهمین قرن نصاری مسلمین را ازجزیره سیسیل خارج ساخته ودرخود اسپانیول هم تادرجهٔ کامیابی حاصل کردند وطلیطله راپس از چهارصد سال ازدست مسلمین گرفتند واین جنگها براساس سلطنت وحکومت بود اماروح اسلام درقلوب مردم جا بازمیکرد .

قرن ششم

دراین قرن برجسارت نصاری افزود ودرسال ۱۱۴۷ میلادی جنك دوم صلیبی شروع شد ولیکن دراین جنك وجنگهای دیگرهمه جا شکست بامسیحیان بود سلطان صلاح الدین ایوبی فلسطین را گرفت ونصاری رابیرون کردند .

درسال ۱۱۸۹ میلادی جنك سوم صلیبی شروع شد ولی باهمه کوشش از عهده صلاح برنیامدند وپیکارمسلمین ترك ونصاری برسرحکومت ادامه داشت وعلمای اسلام ودانشگاههای اسلامی دراشاعه ونشراحکام دین وعلوم اسلامی سعی بلیغ داشتند .

قرن هفتم هجری

درقرن هفتم چندین جنك صلیبی رخ داد ولی درتمام این جنگها فتح و پیروزی بامسلمین بود که مدافع بودند مخصوصا در جنك چهارم که درسال ۱۲۰۲ واقع شد وقسطنطنیه پایتخت مسیحیان وباسم روم شرقی حکومت جدیدی تشکیل دادند . ۹جنك صلیب ازقرن ۵ تا ۷ شروع شدوتحولاتی رخ داد ولی درعین حال همه جا پرچم اسلام دراهتزازبود .

باآنکه تلفات زیاد ازطرفین داده شد اسلام باعلم وتمدن وفرهنك دردنیا توسعه یافت چیزی

که برای مسلمین ناگوار آمد آغاز قیام چنگیزخان مغول ازمشرق بود که مسلمین درعینحال ازطرف مغرب مواجه بادشمن سرسختی مانند نصاری وازطرف مشرق بامغول مواجه شدند واین ضربه بر پیکر اسلام اگرچه سبب توسعه ونشردین وفرهنگ وعلوم اسلام دراروپا وسایر نقاط دوردست جهان شدولی برایران وعراق وماوراءالنهر خسارات جبران ناپذیری واردآوردند .

چنگیزخان مغول ازدشت تاتارقیام کرد ودفعهٔ بممالك آسیاهجوم برد ـ چین ـ ایران ـ هندوستان ـ راقبضه کرد .

درسال ۱۲۵۸ میلادی مغول ببغداد رسیدند خاندان عباسی را که مدت پنج قرن سلطنت داشته بکلی منقرض کرد مغول هم مانند اتراك وحشی وبیرحم وستم پیشه بودند ولی صلاحیت قبول تمدنی را داشتند وچون بااسلام مواجه شدند تمدن اسلام راپذیرفتند ودرقلمرو حکومت خود تمدن و احکام اسلام بحال خودباقی ماند وتزلزلی درآن روی نداد ـ قدرت اسلام دراین قرن فقط درمصر واندلس تمرکز یافت .

قرن هشتم هجری

دوقرن هشتم ترك ومغول بهم مشغول پیکارشدند واین کشمکش برسرحکومت مشرقی اعراب بود که هر کدام میخواستند آنرا بخودشان تخصص دهند .

اعراب یامسلمین بدوره انحطاط افتادند ولی حکومت مقتدر اسلام همچنان درحـال خود باقی ونفوذ داشت وباعلم واستدلال پیش میرفت وآثار صنعت وحرفت وتالیف وتصنیف روبکمال قوت گذاشت وتوسعه شگفتی نمود .

قرن نهم هجری

درقرن نهم اسپانیول ازدست أعراب خارج شد وحکومتی که در آنجادرمدت هشتصدسال باتمدن اسلام اداره میشد وخاتمه یافت- اسپانی درسال ۱۴۹۲ میلادی آخرین دارالسلطنه اسلامی را که درغرناطه بود ازدست داد وقتل عامی شروع شد که برحسب تاریخ تمدن گوستاولوبون عده مقتولین و منفی شدگان مسلمین دراینمدت بالغ برشش کرورمیشد وپرتوتمدن وترقی اسلامی که درمدت ۸۰۰ سال دراروپا روشنی میبخشید برای همیشه ازنظرها غایب گردید ولی آثارمعنوی اسلام که علم ودانش بود میراث اسلام دراروپا باقی گذاشته شد وتمدن ملل اروپا ازآن دانشگاه سرچشمه گرفت علوم و فنون اسلام که دراوج کمال رسیدنجوم وهیئت وافلاك و ریاضیات وطبیعیات و حکمت و فلسفه باروپا راه یافت .

قرن دهم هجری

درقرن دهم حکومت پهناورعرب یکسره خاتمه یافت ولی فقطدیانت تمدن زمان عرب وآداب ورسوم اسلامی که تاامروزهم درمشرق شایع است باقی مانده وازراه علم ودانش وحقیقت کامل قانونگزاری دردنیا نفوذ یافت وآمیخته باتمدن اروپاشد مثل اینکه قسطنطنیه بجای صلیب بیرق ماه و ستاره اسلام را برافراشته واین عمل دنیای مسیحیت را بمخـاطره انداخت ـ دراین قرن اسلام دارای چندین دانشگاه بود کـه بنیروی علم و منطق و استدلال پیشرفت خود را ادامـه داد ولی کم کم اروپـا بیدار شد ،!!

قرن یازده ـ سیزده

دراین دو قرن ممالك اسلامی دوره انحطاط راطی کرده وحتی خلافت عثمانی هم تجزیه شد و تمدن اروپا که از منابع علمی اسلام سرچشمه گرفته بود آثار وکتب ونفایس علمی و تمدن

اسلامی را سرمشق مدنیت خود قرارداده وممالك مسلمین‌را بانیروئی که داشته متفرق کردند وسرمایه تمدن ممالك اسلامی را گرفتند درکشورهای خود تمرکزدادند بهترین شاهد صادق ما مقدار کتب شرقی اسلامی‌درکتابخانه‌های اروپامیباشدکه بالغ بر چندین ملیون میشود درحالی که درتمام کشور های اسلامی امروزکتابخانه صدهزارجلد کتابی نداریم همه رابارو پابرده‌اند - دراین سه قرن اخیر اروپا موفق شدکلیه موجبات ترقی وتعالی مسلمین رابرد ومردم خاورمیانه رادرخواب استعمارنمود ولی بازهم دانشگاه نجف وقم ومشهد وقاهره مشغول بود ،

قرن‌چهارده

درقرن چهاردهم که دنیاد گرگون شد و انقلابی عظیم دراثر دو جنك مهم بین‌المللی رخ داد واختراعات عجیبی‌بوقوع پیوست که قبل‌ازآن جزخواب وخیالی بیش نبود دنیابهم مربوط گشت واسلام نفوذ روحانی خودرابجهانیان نشان‌داد واکنون بیش از ششصد ملیون مسلمان‌که دانشمندان آنها نسبت بسایرملل‌قابل‌مقایسه نیستند باسلام گرویده ودرنیم قرن اخیرروزافزون برتعدادمسلمین می‌افزود وعلمای بزرك جهان درتمام ملل عالم که بتمدن وعلوم اسلامی آگاه شدند درباره اسلام کتبی نوشته که تعداد آن ازهزارمیگذرد .

تذکر

مادرقسمت دوم این کتاب که وضع جغرافیائی هرشهرو کشور را توضیح میدهیم ظهور دین اسلام را درآن‌جلد معین کرده و سیر تطورتاریخی فتوحات اسلامی را درادوار مختلفه درهرشهر بیان نموده‌ایم ومقداروسعت خاك وتعداد نفوس و کیفیت تمدن وعلوم وهنر وصنعت را بامصادیق بارز آن نقل کرده‌ایم که انشاالله بزودی ازنظر خوانندگان میگذرد - وبدینجهت دراینجا فقط فتوحات‌اسلام را باجمال گفتیم تابهدف خودبرسیم .

وناگفته هم نباید بگذریم که غرض مازنگارش این کتاب بیان اهمیت تمدن و علوم اسلامی وسبقت علمی مسلمین درجهان است که هرموضوع این کتاب در خوریك تالیف مستقلی است که البته منظورما آن نبود بلکه معرفی جهان اسلام است تاخوانندگان توسعه و عظمت گذشته مسلمین را باسرمایه علمی وفنی که دراختیاردارند برای پیشرفت آتیه خودبکاربرند و بدانند که ایمان بکار و کوشش سرلوحه وجهه همت مسلمین بود وبی‌جهت بردنیاچیره نشدند وبدون‌دلیل هم عقب‌نیافتاده‌و زیردست نگشته وهرگاه بخواهند بآن سیادت وسروری برسند باید تجدید مطلع کرده راه تکامل را طی نمایند .

جهانگیری اسلام

امیرشکیب ارسلان مینویسد داستان جهانگیری‌اسلام باینسرعت‌درتاریخ بشر نظیر ندارد-اکثر مورخین نوشته‌اند اسلام درمدت هشتاد سال بیش‌ازآنچه‌مردم درظرف هشتصد سال جهانگیری کرده پیشرفت نمود ناپلئون میگفت مسلمین نصف دنیارادرنیم قرن تسخیر کردند .

علمای تاریخ‌وعلم‌الاجتماع دربیان علل واسباب‌کامیابی مسلمین وجهانگیری آنهاباین‌سرعت حیران گشته و سرانگشت عبرت بدندان گرفته‌اند و هریك اسبابی که درنظر آنها بزرك بود نگاشته اند ،

ناپلئون که مردجنگی و نابغه روزگار بود وحوادث گیتی را با نظر دقت‌مینگر بست معتقد بود که عرب پیش از اسلام بیش از آنچه مردم گمان میکنند درجنگ مهارت داشته وجنگهای داخلی وفامیلی و قبیله موجب زبردستی آنها گشته بود که درصف اول ملل جنگجوی جهان قرار گرفته‌اند و ازیکطرف مللی که اعراب برآنها تسلط یافته‌اند مواجه بادردهای اجتماعی بوده‌اند که مورخین ننوشته‌اند

ناپلئون بااین عقیده شخص حضرت محمدص را بسیار محترم وبزرك میشمرد وانتشار اسلام را ازاومیدانست بقدری حضرت محمدص درنظراوعظمت پیدا کرده بود که چون درمصر بامظاهر قدرت وتعلیمات اسلام روبرو شد میخواست اسلام رابپذیرد وآرتش خودرا بقبول اسلام وادار کند «صفحه ٤۹ امروزمسلمین» .

لاکاز تاریخ نویس تاجزیره سنت‌هلن رفیق وهمراه ناپلئون بودآنچه ازاومیشنید مینوشت این موضوع را ازاوپرسید - ناپلئون اعتراف کرد که میخواست اسلام قبول کند ولی‌انتظارداشت بحوالی فرات برسد آنوقت اقدام نماید تاباسلام خودبرشرق سیطره یابد.

مسیو(ایتان‌دینه) مسلمان فرانسوی مدافع مشهوراسلام که درسال ۱۳٤۷ قمری برای ادای حج بمکه رفته درکتاب خود درشرح حج‌مکه ومدینه اسنادرسمی راجع باسلام ناپلئون نقل کرده که از آنجمله نوشته اوست بدینشرح ناپلئون نوشته ،

«من امیدوارم طولی نکشد که عقلای هرجا ومتمدنین دنیاراگردآورده وبکمك آنها قوانینی مرتب سازم که همه بر مبادی قرآن بنا شده باشد زیرا قرآن یگانه مبدء حق وحقیقت است این کتاب بتنهائی عهده‌دار سعادت بشر میباشد .

امضاء بناتات

و نیز ازیادداشتهای اوست- مکرر بشما گفته‌ام وآشکارا آگهی داده‌ام که من مسلمان وخداپرستم من محمدص رسول خدارا بزرك میشمارم مسلمانان رادوست میدارم.

امضاء بناپارت

ناپلئون مردی عاقل وخردمند ومانند سایر نوابغ عالم دارای عزم و اراده قوی بوده است و باسلام علاقمند شده واوفهمید که جهانگیری اسلام درمدت کوتاه درتاریخ بشر واقعهٔ بی‌مانند وبینظیر وبیسابقه بود - اوحس کرداین پیشرفت سریع مرهون فضایل اسلام ومناقب پیغمبراسلام بودواصحاب او درآسمان حقیقت چون ماه وخورشید درخشان بودند .

موسیوگروسه درکتاب تمدنهای شرق که بیش‌ازهمه کس این بحث رابامدارك روشن نقل کرده دربخش متعلق بتمدن اسلام نوشته است .

دراثردونبرد اجنادین ویرموك کشوربیزانس - سوریه - فلسطین - مصر بتصرف مسلمین درآمد ودراثر دوجنك درقادسیه ونهاوند راه تسخیر کشورایران دربرابر مسلمانان باز گردید وبرای روم پس‌ازانتزاع سوریه ومصر وافریقا موقة آسیای صغیر (اناطول) برای آندولت باقی مانـد ولی دولت باعظمت ساسانی ایران تماما سقوط کرد .

درظرف چندسال اقتدارمسلمین ازافریقا وجبال توروس تارود سیحون وجیحون امتداد یافت طول نکشید که بماوراءلنهر رسید - کشور ترکهای ایرانی را که تابع چین بودنـد نیز تسخیر کرد خلفای راشدین که دردوران حکومت آنهااین کشورهای پهناور ومسخرشده وآداب ودستور محمدص پای‌بست بودند ازجاه وجلال ظاهروکاخ وقصرشاهی‌خودرا بی‌نیازمیدانستندبلکه برخود بیش‌ازسایرین سخت میگرفتند آنهاچون دیگرمردم درخیمه بسرمیبردند . الخ

محققین مورخین جامعه‌بشر معتقدند که این پیشرفت سریع این جهانگیری بی‌سابقه واقعه‌نهضت تمدن بود نه جنبش توحشی که برخی گمان کرده‌اند اعراب صحرانشین برای غارت هجوم کردند بکلی دراشتباه رفته‌اند . زیرا گروهی درمدینه گرد آمدندشیفته وفریفته دستورات پیغمبرشان‌بودند آنها جمیع همت وخیال خودرا بدین متوجه ساختند که جهانگیرباشند باخدا و رسول پیمان بستند که عقیده اسلام را دردنیای‌بشریت رواج دهند ـ مردمی که دراطراف بودند وبقرائت قرآن‌اشتغال داشتند این طبقه رایاری وحمایت میکردند .

این مردم باوحدت ویکرنگی باپایداری واستقامت بی‌مانندی‌کاخ اسلام راطوری بنانمودند که ازباد وباران وحوادث گزندی نیافت‌از گفتگوی کلام وفلسفه زیانی ندید این بود اسلام پاك وقرآن خالص صفحه ۱۵ ج ۱

علامه گود فراوا و مومنین استاد دانشگاه السنه شرقی درپاریس در صفحه ۱٤۰ج۷ تاریخ عالم خود مینویسد،

...این گروه متدین که درمدینه پرورش یافتندمسجد پیغمبررا درآنجا مرکززندگانی‌دینی خودقرارداده بودند این مرکزبنمووسرسبزی وعظمت خودشروع نمود.

علامه بلاتونوف که ازاعضاء آکادمی علوم روسیه است مینویسد:

در قرن هشتم مسیحی قرن دوم هجری ـ انوار معارف کلامی وفقها باطراف تابیده پیشوایان علم دین ظهور کردند بنابراین این‌مدینه درقرن‌هفتم‌مسیحی‌مرکز و مبدأ وبیخ دین وسرچشمه‌نموو عظمت اسلام بود.

روح اسلام در اثنای جهانگیری در اروپا میان افـراد سپاهی نیروگرفت درلشگر اسلام‌مردمی بودند که قرآن رادر خـاطر داشتند معنی‌آنرا می‌فهمیدند این گروه مسلمان درمیدان جنگ‌مجالس عبادت منعقد میکردند.

انجمنهای مردم زاهد و پرهیزکار تشکیل می‌یافت این جماعت مسلم پاك و پاکیزه بودند ـ اسلام آنهارا بااین عقیده وایمان مردی جنگی ومبلغ‌وقاری قرآن وحافظ ومفسر وصاحب شمشیر و قلم تربیت کرد وبرای اجر ومزد آخرت عمر خودرا صرف کار وعمل میکردند این مردم بودند که هر کجا میرسیدند در هـر حال بهر کس برمیخوردند او را بگفتار و کردار خود بپرهیزکاری و کوشش درطلب سعادت ابـدی تشویق میکردند و عقیده دینی خود را دوش بدوش شمشیر زدن را رواج میدادند .

در حقیت آنچه را خداوند بمسلمانـان وعـده فرمود پیش از آخرت در دنیا نمایان گشت.

جنگها بجنگ مقدس وجهاد دینی که خدا برای رواج دین‌امر فرموده بود مبدل‌شد مردمی که روح مادی سراپای آنهارا فراگرفته بود پس‌از قبول دین اسلام جزپیروی عقیده خود واجرای احکام قـرآن کاری نمیکردند تاجائی که خلیفه دوم و سوم ترسیدند باختلاف قرائت قرآن اختلاف شده رای عمومی ودینی اداره اموررا میکرد.

درجنگ صفین یك‌نفر آمد ازخلیفه امیرالمومنین علی‌ع مسئله نماز پرسید یکی‌از جنگجویان اعتراض کرد اکنون وقت سئوال مسئله است حضرت امیر براو برآشفت فرمود مابرای همین‌حقیقت

می‌جنگیم درهمین جنك پس‌از ختم‌پیکار روز وشبها مجالس قرائت قرآن ونقل‌حدیث منعقدمیشد وهر کس بجای‌خود اطراف خلیفه می‌نشستند ومسائل خودرا میپرسیدند.

آری اسلام رواج‌نگرفت جزبقرآن وتهذیب جان ودل‌مرمان عقیده باطنی بقرآن بجائی‌رسید که مسلمانان زمامدار ملل شدند- همین نیروی باطنی بیخ دین اسلام بود وبدون آن نهضت ملت میسر نخواهد بود.

خلاصه عقاید وافکار اکثر خردمندان جهان این است که سبب نهضت مسلمین فقطقرآن بودو واین جهانگیری محیرالعقول نتیجه‌تربیت قرآن بود.

ازپیغمبر خداص روایت میکنندعه فرمود »**شرق و غرب زمین را برای من گشودند و همه‌را دیدم و بزودی تاآنجاکه دیدم قدرت و نیروی ملت‌من خواهد رسید.**»

گولد سیهر در کتاب عقیده و آئین اسلام مینویسد آیا دعوت پیغمبرص برای عرب بود یا برای دنیا- آنگاه برهان اقامه میکند که پیغمبر مبعوث بر تمام مردم دنیا بوده وتمام بشررا برای همیشه هدایت و ارشاد کرده است ونمونه این حقیقت همین جهانگیری عجیب است اگر بخواهید عقاید بزرگان علمای مغرب وبینوایان مستشرقین رابنویسم محتاج یك کتاب‌است منظورمان عقایدو افکار اروپائیان دراین‌جهانگیری‌است که بااظهارنظر ولز انگلیسی‌خاتمه میدهیم.

ولز فیلسوف ونویسنده مشهور انگلیسی است درکتاب خودبنام‌مختصر تاریخ عمومی میگوید سیلاب اسلام بهترین نظام سیاسی واجتماعی بودکه در روزگار نمایان ساخت وسیادت اسلام بهمین نسبت بود اسلام هرکجا گام‌زد ملتی‌دید افسرده - پژمرده - خاموش گرفتار ظلم‌وستم - دچارغارت وچپاول - جامعه آنها بهم‌ریخته - فاقد نظام وترتیب - اسلام جز حکومت های خود خواه که رابطه آنها بارعیت گسیخته بود دربرابر خویش چیزی نیافت.

اسلام درکارهای مردم نیرومند ترین افکار سیاسی راوارد ساخت نیکوترین فکر سیاسی راکه بشر دانسته زنده کرد. بیاری بشریت شتافت- اسلام بانسانیت کمك داد.

اسلام که ظهور کرد دولت روم نظام او براساس بردگی وبندگی‌بناشده وبود ایران‌نیز با انحطاط اخلاقی وفقدان تربیت وتعلیم روباضمحلال میرفت باین جهت تاشروع بجهانگیری کرد نصف بیشتر دنیارا گرفت وهمه جنگجویان رابشگفتی انداخت.

فتوح و کشور گشائی درروزگار اموی بیشتر بود

زیرا در عصر بنی‌امیه ممالك سند - بخارا - سمرقند تاحدود چین اندلس را گشودند و فاتحین گروهی ازعلما رابرای تبلیغ دین‌همراه داشتند که اصول اسلام‌را تلقین و تعلیم نمایند بنابر این‌فتح تنهاجنك سیاسی‌نبود بلکه‌یك دعوت دینی وعلمی‌را همراه داشت:

اما بنی‌عباس ممالك اسلام‌را نگاهداشتند وجدیت کردند ازدست ندهند وموفق شدند گروه بسیاری ازمردم ممالك عالم را باسلام دعوت کنند ودر نشر دین وتعلیم آن بیش‌از بنی‌امیه همت گماشتند (باستثنای عمربن عبدالعزیز).

حکومت بنی‌امیه خودش یك رنك دینی نداشت اما حکومت‌بنی‌عباس حامی رسمی‌اسلام بود۱

۱ ص۳۷۵ ترجمه‌ضحی‌الاسلام

شهرهائی که مسلمین بنا کردند

منظورما ازشهر های اسلامی آن شهرهائی است که ازتمدن اسلام بوجود آمد ومسلمین برای خود شان ساختند وشهرهائی که ازدول دیگر گرفتند این شهرها که براساس تمدن اسلام بناشده بود در **عراق ـ شام ـ مصر ـ افریقا ـ اندلس** و غیره متعدد بود که اکنون مهمترین شهرهای نامی مسلمین را نام میبریم.

این شهر ها برخی هنوز معمور است مانند **بصره ـ بغداد ـ قاهره** و بعضی ویران شده **مانند فسطاط ـ زهراء ـ غرناطه**.

جرجی زیدان مینویسد مسلمانان اسلام اعراب خیمه‌نشین واهل اسب و مواشی بودند اقامت آنها درون برج‌وبارو ها بود در شهرها کراهت داشتند زیرا آزادی آنها مقید میشد پس‌از طلوع اسلام وفتوحات پی‌درپی مانند عراق ـ مصر پراکنده شدند چون شهری فتح‌میشد فرزندان خودرا همراه می‌بردند وچون شهر مفتوح میشد درخارج شهر خیمه‌ها برپا میکردند واقامت میگرفتندیعنی درلشگرگاه خود میزیستند.

عمر بن خطاب بالشکریانی که درشهرها اقامت می‌گرفتند شرط نمود تامکانی را محل خود نگیرند که فاصله آنها رودی یادریائی حایل گردد تاهرزمان که بخواهند بـرراحله خویش برآمده بدیشان بپیوندند وعمر بن عاص بهمین شرط درفسطاط مقیم گشت.

سعد بن ابی‌وقاص درکوفه وبصره اقامت گرفت این اراضی مفتوحه مسلمین بود ومحل خیام لشگریان بود وبنام رابطه معروف شده‌بود چون توقف آنهادراین امکنه بطول کشید همانجا بازارها ساختند وخانه‌ها وقصرها بنانمودند ـ بصره ـ کوفه فسطاط بدین‌ترتیب ساخته‌شد.

چون اسلام بردنیا فـائق‌آمد دولتهای اسلامی شهرهای بزرگی بنا کردند که آثار فتح وظفر آنها بود یابرای آنکه از دشمن مصون بمانند شهر هائی باحصار محکم میساختند مانند بغداد که منصور بساخت وقاهره که فاطمیان بنا کردند و گاهی این شهرها برای ییلاقی وتفریح خلفا بناشد مانند سامرا که متوکل بساخت و زهرا کـه در افـریقا ساخته شد اینك معروف ترین شهرهای اسلامی رامینگاریم.

بصره

قدیم‌ترین شهرهائی که مسلمانان بنانمودند ودرشهریت ازسایر شهرها مقدم بود وتااین زمان بااهمیت است بصره میباشد:

عتبة بن غزوان درسال ۱۶ هجری این‌شهر رابناکرد اینجا محل‌اقامت لشگریان اسلام بود و ازآنجا بمکه ومدینه ازراه خشکی‌میرفتند.

این‌شهر دارای چندین محله‌بود وهرمحله نامی‌داشت وهرخیابانی را۲۰ ذرع و کوچه‌ها راهفت ذرع عرض معین کرده بودند دروسط هرمحله میدانگاهی ساخته بودند.

چون بصره موفقیت مهم‌سوق الجیش داشت باسرعت عمارت‌یافت ودرزمـان بنی‌امیه مقرحکومت بود وآبادی فراوان پدیدآمد ومسافت آن‌شهر بدوفرسخ دردوفرسخ و۱۲ کیلو متر یعنی ۳۶ میل مربع درزمین هموار گردید واین مسافت امروز قاهره و تهران است درآن روز بسیـار باعظمت وبـا اهمیت بوده است.

اصطخری مینویسدبصره درعهد بلال بن ابی‌برده سال ۱۱۸هجری۱۲۰۰۰۰ نهردراراضی آن

جاری بوده است، برای اطلاع بیشتری «معجم‌البلدان وفتوحات اسلام واصطخری مراجعه شود.

چون بنای ما در اینجا تاریخ بلدان نوشتن نیست بشرح و بسط جغرافیای تاریخی شهر ها نمی‌پردازیم بلکه فقطمیخواهم باجمال وبرسبیل فهرست خدمات و آثار تمدن مسلمین رادر علوم وفنون وغیره تذکردهیم لذابهمین مقدار اکتفا کرده علاقمندان را بتاریخ مفصل اسلام و جغرافیای تاریخی مسلمین که ازآثار نویسنده است مراجعه میدهیم!!

کوفه شهر کوفه بچندماه پس‌از بنای بصره در همان سال ۱۶ هجری بنیاد آن گذاشته‌شد وبانی آن‌سعد بن‌ابی‌وقاص بود.

چوی‌سعد کشور عراقرا فتح‌کرد وبردولت عجم ظفر یافت درشهر مداین پایتخت ملوك عجم نزول‌نمود وچندنفر نزدخلیفه فرستاد که بشارت فتح‌عراقرا بمدینه برسانند عمردید رنك چهره آنها تغیر یافته علت‌آن راپرسید گفتند بدآب وهوا میباشد عمرفرمان دادتاسرزمین مناسب برای نـزول مسلمانان انتخاب کنند که هوای‌آن سازگار مزاج‌باشد.

بسعدنوشت‌سلیمان وحذیفه را مأمورکن تامکانی مناسب برگزینند که راه‌دریا وصحرا هردو داشته باشد ودرمیان من‌وشما حایل نباشد ـ سعد گفت زمینی کنار فرات مابین فرات وحیره اختیار کنند ـ نخست بصره راساختند وبعد کوفه‌را بنا کردند.

کوفه ازنظراینکه پایتخت حضرت‌علی شددرنظر مسلمین اهمیتی‌یافت ودرتاریخ کوفه‌مینویسند **بیش‌ازهشتصدهزار نفرجمعیت**داشت‌و برخی‌تایك ملیون‌نوشته‌اند هشتاد هزارنفر ایرانی‌درآن‌عصر مرکزیت داشته «درسال ۶۱ نوشته‌اند ۱۲ هزارنفرایرانی درکوفه بود وحتی یك‌نفر ازآنها درلشکر عبیدالله حاضر نشد«ص۱۳۸ ج۲ جرجی زیدان

تاریخ جغرافیائی کوفه مفصل نوشته شده والحق تاریخ نفیسی است که برای اطلاعات بیشتری میتوان بدان مراجعه کرد.

فسطاط نخستین شهریکه درمصر بنا کردند شهر فسطاط است که عمربن العاص در سال ۱۷ هجری درزمینی که قاهره امروز ومصر کهنه بود بنانمود واکنون از آن‌شهرچیزی بجای نمانده جزآثار مساجد آنهامانند مسجدعمر و بعضی تلها وخرابه‌ها که اطراف آن‌میباشد وقطعه بابل‌امروز درمصر کهنه بدین نصاری ودیر مارجرجیس هنوز برپاست شعراء عرب و عجم اشعاری درمدح وتعریف فسطاط نوشته وسروده‌اند آنجا عمارات چندطبقه‌داشته‌است درتوانگری مردم آنجا نوشته‌اند مردی دارای سیصد رختخواب بود و هریك مخصرص یکی از همخوابه های وی بود ودرجامه ولباس‌و مانندفروشی‌بود.

قضاعی مورخ گوید ازجمله جهیزیه (قطرالندی) دختر حمارویه‌هزار بند شلوار بود که هر یك‌را راده‌دینار قیمت گذاشتند وبده‌هزار دینار میرسید.

مقریزی درذکراحوال فسطاط شرح تمامی ازاوضاع عمومی وثروت وماکولات‌ونشردیانت‌آنها داده است که برای اطلاع بدان مراجعه شود ـ تاریخ مصرقدیم وجدید وتاریخ تمدن اسلام و کتب بسیاری که درمنابع خود ذکر کرده‌ایم ازجزئیات اوبحث کرده است ،

بغداد پایتخت دولت عباسی بغداد بود ابوجعفر منصورآن‌رادرسال ۱۴۴ هجری بنا کرده وتاامروز ازشهرهای مهم اسلامی‌است درسبب بنای‌شهربغداد نوشته‌اند چون سفاح نخستین خلیفه عباسی بخلافت بیعت گرفت چون اکثریاوران وی

درعراق وایران بودند بابرادر خود منصور بکوفه منزل نمود پس‌ازآن درقرب شهر انبـارشهری بنا کردندکه آنرا هاشمیه نامیده‌اند زیراعلویان وعباسیان درنژادهاشمی شرکت داشتند وهردوبرادر بدان شهر منتقل شدند سفاح درآنجا درگذشت و همانجا مدفون شد منصور چندسال در هاشمیه بزیست تاجماعت راوندیه براوبشوریدند ومنصور از توطن آنشهر کراهیت داشت و در جستجوی محلی مناسب برآمد تاشهری بناکرد وبغداد نام داد.

بنای بغداد درساحل غربی دجله بشکل مدورنهاده‌شده این شهردرعصرمامون باعلادرجه‌اعتلا رسید مساحت آن بالغ‌بر۵۳۷۵۰ جریب‌بود بنقل خطیب درتاریخ بغداد ۴۳ شهرداشته حمام‌های‌آن ۶۵۰۰۰ بود و۳۰۰۰۰۰ مسجدداشته وجمعیت آن ۱.۵۰۰،۰۰۰ نفر میرسید. دانشگاه بغداد از دانشگاههای بزرك علم ودانش اسلام بود ومیباشد.

شهرهای دیگری مسلمین ساختند که ازمراکز بازرگانی وسوق‌الجیشی‌ومسکن علم وفضیلت‌و دانش وسکونت وآرامش است مانندسلطانیه ـ قم ـ تهران وغیره که درکتب بلدان معاصرمیتوان‌بنام آنهابرخورد ودردریاها جزایرجاوه وسوماترا ساختند وپایگاههای نظامی درکرانه‌های دریاهانمودند ودرتمام این شهرهاابنیه وآثارمهمی که دررأس آنهامساجد بزرك ومدارس عالی وتکایا وآب انبارها ورباط ها وغیره قراردارد ساخته‌اند طهران که امروزعاصمه وپایتخت کشورشاهنشاهی ومحل‌ری قدیم میباشد ازشهرهای بزرك خاورمیانه است که طول وعرض آن بالغ‌بربیست کیلومتر شده و دوملیون جمعیت کنونی است ودارای تمام مآثرتمدن جهانی ازشرق وغرب میباشد. وقم ازدانشگاههای‌علمی عالم اسلامی است که امروزبیش‌ازشش‌هزار طلبه فاضل دانشمند و چندین کتابخانه نفیس و مدارس عالیه وسیع دارد که مورد توجه جهان اسلام است و اکنون حضرت‌آیت‌الله آقای حاجی‌آقاحسین بروجردی دامت‌برکاته‌العالی ریاست حوزه روحانی این دانشگاه اسلامی را عهده‌دارمیباشند.

کانون هدایت‌افکاردراسلام

اولین عمران وآبادی که مسلمین درتحکیم مبانی تمدن خود نمودند این بود که شروع بساختن مسجدنموده و معابدگذشتگان رابصورت‌مساجد آباد وعمران‌درآوردند وبااین هنر معماری وصنعت مهندسی بناهای بسیارعالی بجاگذاشته که امروز از مفاخرعالم مدنیت اسلامی بشمارمیرود.

قال‌الله تعالی

انمایعمرمساجدالله‌من امن بالله والیوم‌الاخر

مساجدومدارس و پیوستگی آن

دراسلام ازآغاز دعوت وتربیت دینی‌وجنبش‌علمی ونهضت جهانگیری بنـای مساجد بـا آموزش و پرورش اسلامی یکی بود وتفکیك نداشت‌هرکجا مسجد ساخته میشد همانجا مدرسه بود وهرکجا مدرسه بود همانجا مسجد بود ـ مساجد در آغاز دعوت وزمان‌پیغمبرص‌اکرم‌همان‌دانشگاه اسلامی‌بود که‌شخص رسول‌الله پس ازنمازوقبل ازنماز و اوقات فراغت درمسجد می‌نشست وقرآنرا بمردم تعلیم میفرمود ودانش وبیش را می‌آموخت درمدت ده‌سال آخرعمر پیغمبرص شروع بساختن مساجد شد وهر مسجدی یکصفه و مدرسی برای تدریس و تعلیم و تربیت داشت.

۱ـ تاریخ بغداد ج ۱ تاریخ‌تمدن جرجی‌زیدان صفحه ۱۴۱ج۲

تا کم کم امپراطوری اسلام قوت گرفت وباروح اشرافی ملل آمیخته گردید ومساجد را جدا ساخته مدارس را جدا ولی بهم متصل ومربوط وغیرقابل انفکاك بود دراین کتاب شاید بیش ازصدمسجد تاریخی رامشاهده میکنید که ازآثار مسلمین است وازه۱٤ قرن پیش باین طرف باقی وبنا وتعمیر و آبادان نگاه داشته است وهر کشوری مساجدی بسیار میساختند مثلا درری قدیم بیش از ششهزار مسجد بنقل حمدالله مستوفی بود ودرروسیه سابق دوازده هزارتاهیجده هزار مسجد نوشته‌اند که اکثر آن بصورت دیر و مدرسه و اماکن متبرکه و خیریه اختصاص داده شد و قسمتی ازآن هم هنوز موجود است .

درترکیه عثمانی دوازده هزارمسجد وجود داشته است که البته امروز از احصائیه صحیح آن خبرنداریم واکنون عکس مساجد ومدارس‌را که شاهد زنده تمدن اسلام ومعارف عالیه مسلمین‌است ونماینده ذوق وصنعت وهنرومهندس وابتکارآنها میباشد ازنظرخوانندگان میگذرد ،

مساجدی که عکس آن دراین کتاب ازنظرمیگذرد اکثرباقی وبرقراراست ودراین اواخر هم دراکثر کشورهای اسلامی که از۲٦ کشور تجاوز میکند مساجدی معتبر متناسب باوضع حاضر آنجا ساخته‌اندومافقط نشاندادن عکس آنها واشاره اجمالی بتاریخ‌وبانی آن اکتفا کردیم وگرنه بایدتاریخ مساجدعالم اسلامیرا مفصل دریك جلد مستقل نگاشت ۱

تمدن اسلام در مظاهر هنر و صنعت

درمیان ملل غربی وغیراز مسلمان بسیاری برای شناختن اسلام تحقیقات عمیقانهٔ کرده‌اند وکتبی نوشته‌اند که جامعتر ومفصل‌تر ازهمه کتاب تاریخ تمدن جرجی‌زیدان وتاریخ تمدن اسلام و عرب گوستاولوبون میباشد واینك خلاصهٔ از نظریات این مردمحقق را درتمدن اسلام مینگاریم که خوانندگان ازآن استفاده نمایند وعظمت تمدن اسلام رادرنظر بیگانگان دریابند .

گوستاولوبون پس‌ازمقدمهٔ جغرافیای‌عربستان رابانژاد عرب وتحولات تاریخی عرب‌رادراسلام وممالك اسلامی مانند عربستان ـ شام ـ مصرـ افریقا ـ اندلس ـ چین نگاشته وشرحی اززندگانی پیشوای اسلام حضرت‌محمدص ازنظر عظمت روحی وتکامل عقلانی ودعوت اسلامی ووقایع زندگی و خصایص ذاتی ومزایائی شخصی نقل کرده درباره قرآن‌وفلسفه نزول آن وانتشارقرآن درعالم بشری وفتوحات اسلام درعصرخلفای راشدین واستیلای عرب برشام وسوریه . ایران ، هند . مصر. افریقا اروپا سخن رانده آنگاه حکومت اسلامی رادرمصر. افریقا . اندلس . سیسیل وغیره تحقیق کرده‌و جنگهای صلیبی رانوشته سپس درنظامات وعادات واوضاع‌سیاسی واجتماعی ومذهبی واخلاقی مسلمین وارد شده ودرتمدن اسلام ازنظرمنابع‌علوم واسلوب‌تعلیم وتحقیق وطرزتحقیقات علمی مسلمین‌وتمدن مسلمین درزبان ـ فلسفه . ادب . تاریخ . ریاضی . هیئت . جغرافی . علوم طبیعی و طریقه استعمال آن ، درفیزیك و جراثقال در فنون اکتشافات باروت جنك و اسلحه ناریه و ساختن توپ وکاغذ و استعمال قطب‌نما درردریا وتاریخ طبیعی وطب وترقیاتی که مسلمین درطب کرده‌اند وکتبی که دراین باره نوشته‌اند وتاکنون ملیونها ازاین کتب درکتابخانه‌های بزرك دنیا موجوداست وتمدن اسلام در

۱ـ درحین طبع‌ونشراین کتاب شنیدم درمصرتاریخ مساجد چاپ شده ولی هنوزبدست‌نگارنده نیفتاده واکثرهم مصریین‌ازآثارشیعه امامیه نقل نمیکنند .

صنایع مستظرفه واهمیت آثار صنعتی مسلمین درادوار تاریخی اسلام وسرچشمه صنایع عرب واهمیت زیبائی صنایع عربی ـ فنون عربی ـ نقاشی ـ حجاری ـ فنون متعلقه بفلزات واحجار کریمه وسکه و نشان و عملیات مختلفه بچوب وعاج ـ فن خاتمکاری ـ شیشه آلات ـ صنعت ساختن اشیاء و ظروف سفالی و بافتن قماش وفرش وچادر وخیام مفصل تحقیق کرده وعکسهای هریك از یك مظاهر تمدن را جمع و درج کرده که بسیارحیرت آور است زیرا قبل ازمسلمین این مظاهر تمدن باین کیفیت وجودنداشته‌است آنگاه تمدن اسلام رادرسبك عربی از کیفیت معماری ومصالح بنائی وستونها و سرستونها و طاقهای هلالی ومناره‌ها و گنبدها یاقیه‌ها ـ بطارکاری ومقرنس ـ نقش‌ونگارعربی و انواع تزیینات و آرایش رنگارنگ در ابنیه وپارچه‌های بافته شده درشام ومصر ـ مسجدطولون ـ مسجدازهر مسجد فلاوون مسجد حسن ـ ابنیه اسلامی درافریقای شمالی . ابنیه عربی درصقلیه (سیسیل) ابنیه عربی دراندلس آثار وابنیه هند . ابنیه ایران . عراق . هند . وانواع بناهای مسلمین که پس‌ازتحقیق درآن نمونه های آنرا درج کرده که هرخواننده بی‌اختیار مفتون تمدن اسلام میگردد.

پس‌ازآن روابط اقتصادی وتجارتی مسلمین را بااقوام مختلفه جهان مانند هندی ـ چینی ـ افریقائی اروپائی تشریح کرده وانتشارتمدن عرب واسلام رادراروپا وتاثیر آنرادرشرق وغرب‌ازنظر علم وادب وهنرواخلاق بیان کرده است ،

پس‌ازبیان تکامل تمدن اسلام وعلل عظمت آن اسباب انحطاط تمدن اسلام رانیز دراسپانیا و اروپا ذکر نموده واسباب ترقی وانحطاط رانگاشته آنگاه حالت موجوده اسلام را مینویسد و مظاهر کامل تمدن‌اسلام رامانند شهرمدینه . مکه . دمشق . قاهره مورد توجه قرارداده آثاراسلامی رامانند قرآن سکه‌ها ـ ابنیه مساجد ومدارس. دانشگاهها وآثار وعلائم باقی‌تمدن اسلامی درممالك‌مستقل اسلامی ذکر نموده‌است.

دکتر گوستاولوبون الحق درباره این کتاب عمری صرف کرده ومنابع مهمی در کتابخانه های مهم اروپامطالعه کرده تاتوانسته است این تحقیقات رشیقه را دررشته نظم و تالیف درآورد و انصافاً خدمتی بزرك کرده واسلام رابملل اروپائی وامریکائی وغیره معرفی کرده که چندین مرتبه بالسنه مختلفه درجهان چاپ شده است .

مشاهد مشرفه

یکی دیگرازعواملی که درابقاء دین اسلام وتوجه جهانیان موثراست مشاهد مشرفه و اماکن متبرکه وعتبات‌عالیات است که دراسلام ازاین اماکن وبقاع متبرکه بسیاردیده میشود.

امروزبشرازروی همین ساختمانهای کهنه فصلی برای تاریخ باز کرده‌اند وازروی آثار وابنیه و سبك ساختمان ومعماری وحجاری ونقاشی وهنرنمائیهای گذشته بروحیه افراد ملل باستانی پرداخته افق فکر واندیشه وساختمان دماغی گذشته گان را بامیزان تمدن‌وقدرت علمی وهنری آنهاروشن میسازد وبالاترفته برای فداکارانی که درجامعه پدیدآمده‌اند ودرراه خدمات بمیهن کشته شده‌اند قبری وبنائی بنام سربازگمنام ساخته وبزرگان اقوام وملل جهان نسبت بآن قبرناشناس احترامات لازم تشریفاتی رابجا میآورند. وهرگاه یکقوم یاملتی دارای یك معبدبزرك یایك مشهدشریفی‌باشند نسبت بآن نهایت احترام‌ومافوق شعائرملی رامتظاهراً انجام میدهند بطوریکه اندك‌اندك جزوشعائر ملی خودشان میشود.

اما اسلام خود دارای پیشوائی هست که از بزرگترین و بهترین فامیلهای بشری و از لحاظ علم ودانش وشرافت وعزت وملکات وفضیلت مافوق همه افرادبشر بوده‌اند ودنیا باین حقیقت اعتراف کرده حتی‌دشمنان آنهانتوانستند نقطه ضعفی درآنهاپیدا کنند جزآنکه بگویند الملك عقیم. اسلام باداشتن منجی بزرگی‌مانند حضرت‌محمدص وپیشوائی چون علی‌بن‌ابیطالب ویازده نفراولاد او که باهل بیت وعترت و یکی از ثقلین نامیده میشوند هریك دارای مشهدی عظیم وقبه و بارگاهی بزرك میباشند که درمحیط مسجدی‌عظیم‌بناشده یامجاورمدرسهٔ بزرك است که علاوه برتعظیم وتقدیرازرهبری وپیشوائی آنهاهرشب وروزهزاران نفرازنفوس بشردراستان آنها وکرهی درآن عتبات بنماز وعبادت ویادرمدارس مجاوربیحث وفحص وتحصیل علم ودانش اشتغال دارند ۱۳ قرن است که درتمام‌مشاهد مشرفه وعتبات عالیات واماکن مببر که اسلام اینرویه معمول ومورد علاقه است حتی‌اگرمسجدی در هرگوشه باشد درآنجـا درس‌فقه واحکام دین ودرس اخلاق وتهذیب نفس گفته میشود هرکجا که بنام امام‌زاده گنبد وبارگاهی ساخته شده وقبه وضریحی‌بناشده در آنجاصفوف نمازجماعت بسته میشود و حوزه درس تشکیل میگردد وگروهی از اخیاربشرگرداگرد این محورعشق ومحبت جمع‌میشوند و ترویج دین وتبلیغ مذهب وتنظیم شعائر اسلام میپردازند .

هیچ مذهب وملتی ازملل ومذاهب عالم بقدراسلام دارای بناهای تاریخی وقبه وبارگاه‌رهبران دین وفداکاران وشهدای مذهب ومسلمین دینی نیست .

اسلام علاوه برمساجدی‌بزرك که قبله اهل اسلام ومورداحترام آنهامیباشد مانند مسجدالحرام مسجدنبوی . مسجد کوفه . مسجدغرناطه . مسجدشاه اصفهان . مسجداشبلیه . مسجدشیخ‌لطف‌الله اصفهان . مسجداقصی . مسجددمشق، مسجدعلوی . مسجدحسینی . مسجدکاظمی . مسجد گوهرشاد رضوی، مسجدعسگری ، مسجدمهدی وصدهادیگرازاین مساجد که درکتب تمدن اسلام مندرج‌است مشاهدمتبر که مانندبارگاه باعظمت حضرت‌رسول‌اللهص‌درمدینه‌قبه طلائی رنك شاه ولایت‌امیرالمومنین علی‌ع درنجف . عتبه عالیه حضرت‌ابی‌عبدالله الحسین‌ع که هرسال ملیونها زائر دارد و گنبدبارگاه حضرت‌کاظم درکاظمین که ازنفیسترین ابنیه قرون تاریخی جهـان است گنبد باعظمت وبی‌نظیر حضرت عسگری درسامرا وبارگاه عریض حضرت ثامن‌الائمه .

وهمچنین قبه وبارگاه امامزادگان مانند حضرت‌عبدالعظیم و حضرت فاطمه معصومة.وحضرت ابوالفضل‌ع . حضرت‌سیدمحمد درسامرا. حضرت شاهچراغ درشیراز واکثربلاد اسلامی مخصوصاًایران که پناهگاه سادات فاطمی وعلوی وموسوی ورضوی وغیره بود وهرکجا آنهاشهید شدند بپاس‌احترام پیغمبراسلام‌ص گنبدوبارگاه ضریح وحرمی بپا کردند بمسجد ومدرسهٔ مجاوران ساختند وهمه اینها دستگاههای اسلامی برای ابقاء دین وتبلیغ‌احکام اسلام وجلب‌توجه مسلمین اثری عمیق داشته و دارد که درهیچ یك ازمذاهب وملل راقیه جهان هم نظیرآن دیده نشده‌است وهریك گذشته ازاین مقامات معنوی خزائن ذخائرمادی کتب وجواهرات وطلاونقره وتزیینات است .

این مشاهـد زبـان گویای اسلام است ــ این گنبدهـا مبلغین ساکت و آرام هستند یا داعیان متحرك کـه از پـرتو عظمت خود همواره مردم را از اطراف جلب کرده و دعوت بحق و حقیقت مینمایند ،

نجف وکربلا وکاظمین وسامرا ومشهد مقدس رضوی درهر سال بتحقیق بالغ بریك ملیون زائر دارد که همه‌این زائرین آثار وعلائم عظمت دین وشعائر مذهبی واستفاده های معنوی خودرا درجهان

بخش کرده بگوش همه میرسانند واین خود بزرگترین وسیله تبلیغ دین حنیف اسلام است کـه از روی‌ایمان وبدون بودجه وپیش‌بینی‌های لازم اینهمه تشریفات انجام میگیرد.

تجلیات روح ایرانی در مشاهد مشرفه

درجنبش علمی «رنسانس» درقرن اخیر گروهی ازروشن فکران بشر ودانشمندان محقق برای شناختن افراد ملل متنوعه‌جهان وپیدا کردن میزان تمدن ملل گذشته **فصلی در تاریخ باز کرده‌اند** که ازروی ابنیه وعمارات که بالاترین درجهٔ رقاء ملی وکاملترین رقیه تمدن بشری است میزان مدنیت مللرا بدست آوردند.

درحقیقت از آثار پی بمؤثر بردند بنای‌کاخها وبنیان‌ابنیه تاریخی وسبك‌معماری وساختمان بناء هرقوم وملتی نسبت مستقیمی باافق فکر وسطح اندیشه وقدرت علمی ونیروی دماغی وچگونگی سلیقه وذوق ملل دارد وبالنتیجه معرف سطح فرهنك ومعارف هرقوم وملتی است.

بـرای اینکه‌تاریخ پیدایش تمدن ملل وسیع تر و روشن تر بشود شروع بحفر امکنه تاریخی کرده‌اند ومقر سلاطین ایران وکلده واشور راMانند تخت‌جمشید ـ سامرا وموصل ـ شوش ومدائن وآسایشگاه فراعنه مصر وغیره‌را حفاری کرده وازآن ظروف وابنیه وطرح معماری و حجاری ونقاشی وسبك‌بنا ونقشه وتزیینات وتجملات آن کاخهای‌رفیع بروحیه ملل گذشته پی‌برده وعظمت مقام‌سلطنت ومیزان قدرت وعدالت ونیروی علم‌وادب هرجامعه وقومی رااز آثـار آنهابدست آوردند.

دین اسلام که دین رشد عقلی ورقاء ملی‌است برای حفظ اجتماع خود ومصونیت سیاست ملی مسلمین دستور بنای مساجد ومدارس را داد تامرکز تجمع مسلمین باشد وبرای معرفی وارتباط اجتماعات بزرك دستور فرمود مسجد جمعه درهر مسکن وموطنی برپا کنند که‌تمام اهالی محلات وکوی وبرزنهای شهر درمسجد جامع برای نماز جمعه تجمع کنند ومرکزیت ارتباط افراد مسلمان بـاهم درنماز جمعه وجماعت باشد وبرای ارتباط مسلمین شهرها وکشور های اسلامی مسجد الحرام رادرمکه مقرر فرمود تاتمام ملل اسلامی شرقی وغربی ـ سیاه وسفید شمالی وجنوبی ـ درهر نژاد و هرنقطه از جهان هستند بشرط استطاعت دریکعمر یك‌بار درکنگره حج در مسجدالحرام شرکت کنند تـاروابط علمی ـ اخلاقی ـ دینی ـ سیاسی ـ اقتصادی ـ ادب ورسوم و **وشئون ملی یکدیگر رامحکم کرده وباهم ازنزدیك آشنا شوند.**

این تعلیمات عالیه کـه باآخرین سطح تمدن بشری تطابق مسلمین را بساختن مساجد و مدارس وابنیه مهم تاریخی داشت وفرمان **انما یعمر مساجدالله من امن بالله والیوم الاخر**ـ مسلمین را ترغیب وتحریض دراستوار کردن بنیان‌مساجد وتعمیر وآبـادانی وتزیین وتحمیل آن فرمود وبمسلمین منصب **کنتم‌خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن ـ المنکر** داد تادر این مراکز ثقل اسلامی اداء وظیفه‌بنمایند وبرای حفظ این کاخ اجتماعی اعلامیهٔ تشویق وتقدیر صادر فرمود که :

ومن یعظم شعائرالله فهو من تقوی القلوب ـ لکم فیها منافع الی اجل مسمی ثم محلها الی البیت العتیق.

این تقدیر مسلمین رابربناء مساجد والصاق مدارس بآن تجدید مجالس مجدوعظمت اسلام پس‌از فرایض وتدریس وتعلیم احکام دین درمساجدومدارس اسلامی و توسعه دانشگاه اسلام تشویق و ترغیب کرد.

بطوریکه امروز بشهادت مورخین بزرگ دنیا ابنیه وآثار مساجد و مدارس اسلامی در جهان بشریت ازتمام آثار وابنیه تاریخی سایر ملل‌مجلل‌تر ومزین‌تر ومعظم‌تر وفراوان‌تر راست مساجدو **مدارس - غرناطه واندلس واسپانیا ودر پاریس - درلندن وبرلن درمصر وسوریه و لبنان - درعراق وترکیه وافغانستان ومهمتر ازهمه درایران مانند مسجد شاه اصفهان - مسجد شیخ لطف‌الله - مساجد جامعیکه درکلیه شهرهای ایران مانند مسجد گوهرشاد مسجد جمعه اصفهان - مسجد جمعه شیراز - نائین اردستان - یزد - کاشان - کرمان - خراسان - آذربایجان** وتمامی شهرهای ایران است نمونه بارزی ازسطح علم‌ودانش - صنعت و هنر ذوق نقش ومعماری مسلمانان میباشد.

اسلام‌بازهم‌برای‌توجه‌دادن مسلمین‌بحفظ‌اجتماع وعلاقه بتشکیل‌اجتماعات اجازه‌دادتابرمشاهد مشرفه وعتبات عالیات واماکن‌متبرکه ووزیارگاهها‌ومقابرقبه‌وبارگاه می‌بگذارند وهمان‌حکم‌مسجد ومدرسه‌رادرآن اجرانمایند وهرهفته بزیارت قبوربروند ودرمقابر اجتماع کنند وباارواح گذشتگان انس بگیرند تاعلل عظمت روحی وجاودانی نام‌وبقاء معنوی آنهارا دریابند،

دراین باره چون کتب تاریخ وجغرافیائی مکه و مدینه ونجف وکربلا و مشهد وکاظمین و سامرا وغیره رانوشته‌ام.

بیش‌از این شرحی نمیدهم ولی چیزی که باید ناگفته نماند این است که مشاهد مشرفه انبیا واولیاء وعلمای بزرگ وشعله‌داران هدایت همیشه،مورد احترام وتجمع ملل واقوام بوده وحتی اخیراً ملل متمدن که ازاین ابنیه محروم هستند بنام سرباز گمنام آرامگاهی خیالی ساخته‌اند و سیاست ملی خودرا بوسیله آن‌حفظ میکنند.

اسلام مشاهد مشرفه و عتبات عالیات را که **در مکه-مدینه-جنةالمعلاء مکه-جنة البقیع‌غرقه مدینه - نجف اشرف - کربلای معلی - مشهد مقدس - کاظمین - سامرا - قم حضرت عبدالعظیم تهران وسایر امام زاده‌های** صحیح النسب درهرشهر وکشوری مرکزنماز جماعت ودرس احکام دین وفضیلت ونشر اخبار آل‌محمد ص که سرمایه سعادت‌است میباشد ملاحظه کنید در کربلا یانجف یاهمین حضرت عبدالعظیم در تهران هر شبانه روز چه اندازه جمعیت در سال دائماً به‌نماز و روزه و تلاوت قرآن و ارشاد و هدایت و درس عملی فضیلت و کمال دوران مشغول هستند .

ایرانیان که ازفرقه برجسته اسلام یعنی شیعه امامیه میباشند مقام شامخ‌دینی‌را بامنصب نبوت وامامت وخلافت بدرستی تشخیص داده‌اند بپاس خدماتی که خاندان پیغمبر یعنی امیرالمؤمنین علی باخاندانش بجامعه کردند.

بشکرانه نعمت علم ودانش بربقاء مقابر آنها گنبد و بارگاه مجلل از طلا ونقره درهای منبت وخاتم مکلل-بجواهر وضریح مشبك از نقره وطلا و صندوق خاتم که بهترین نمونه ذوق و هنر ایرانی است باتزیینات نقاش وآینه کامل و سبك معماری و بناء مشاهدکه نود درصد آنها ازسرپنجه ایرانیان تراوش کرده بجاگذاشتند وهرسال ملیون ها مسلمان و شیعه امامیه اثنا عشریه برای تجدید سلام ومجد وعظمت صاحبان عتبات عالیات در روضه چون بهشت برین آنها باجان ودل میشتابند واز مال خالص خود درراه ابقاء اجتماع وتقسیم‌شعائر دین ازهیچگونه فداکاری دریغ نمیدارند.

بطوری این بناهای عالی بیان گویای پیشوائی وعظمت مقام هدایت دین اسلام و اگر جهان بشری راخانه مسکونی فرض کنیم این ابنیه برجسته رفعت مقام وبلندی رتبه صاحبان آن را که مشعلدار هدایت وقافله سالار ارشاد ورهبری بوده‌اند نشان میدهد.

ایرانیان مفتخرند که توانسته‌اند باخلوص نیت در ودیوار این مشاهد رازبان گویا و تاریخ مجسم ذوق وصنعت وعلم‌وهنر ونمونه بارز ارادت وعلاقه پیشوایان خود که منجی حقیقی عالم بشریت بوده‌اند معرفی کنند.

ایرانیان اعتاب مقدسه را بهترین وسیله اقرب بخدا و شفاعت بارگاه عدل الهی دانسته و برای تمسك وتوسل بدین آستان مقدس پیشوای اسلام و ائمه اطهار علیهم صلوات‌الله اجمعین جسته‌اند ودراین راه از هیچگونه مجاهدت وفداکاری جانی و مالی دریغ نمی‌دارند ونهضت شیعه درمحرم وصفر بهترین نمونه این حقیقت است.

اسلام همواره درپیشرفت‌است

درمحیطی تاریك وسیاه . درفضائی جهل‌آمیز و فتنه‌انگیز انوار علم‌ودانش واشعه‌آزادی درزیرپرده‌های سخت ترین خرافاتی که بجان و دل مردم آمیخته بود ودر محیط تعصب دینی تابیدن گرفته است ،

آئین محمدی**ص** ازتمام آئینهای جهان از حیث قواعد ساده‌تر وآداب آن کمتر وآسان‌ترو رساتراست .

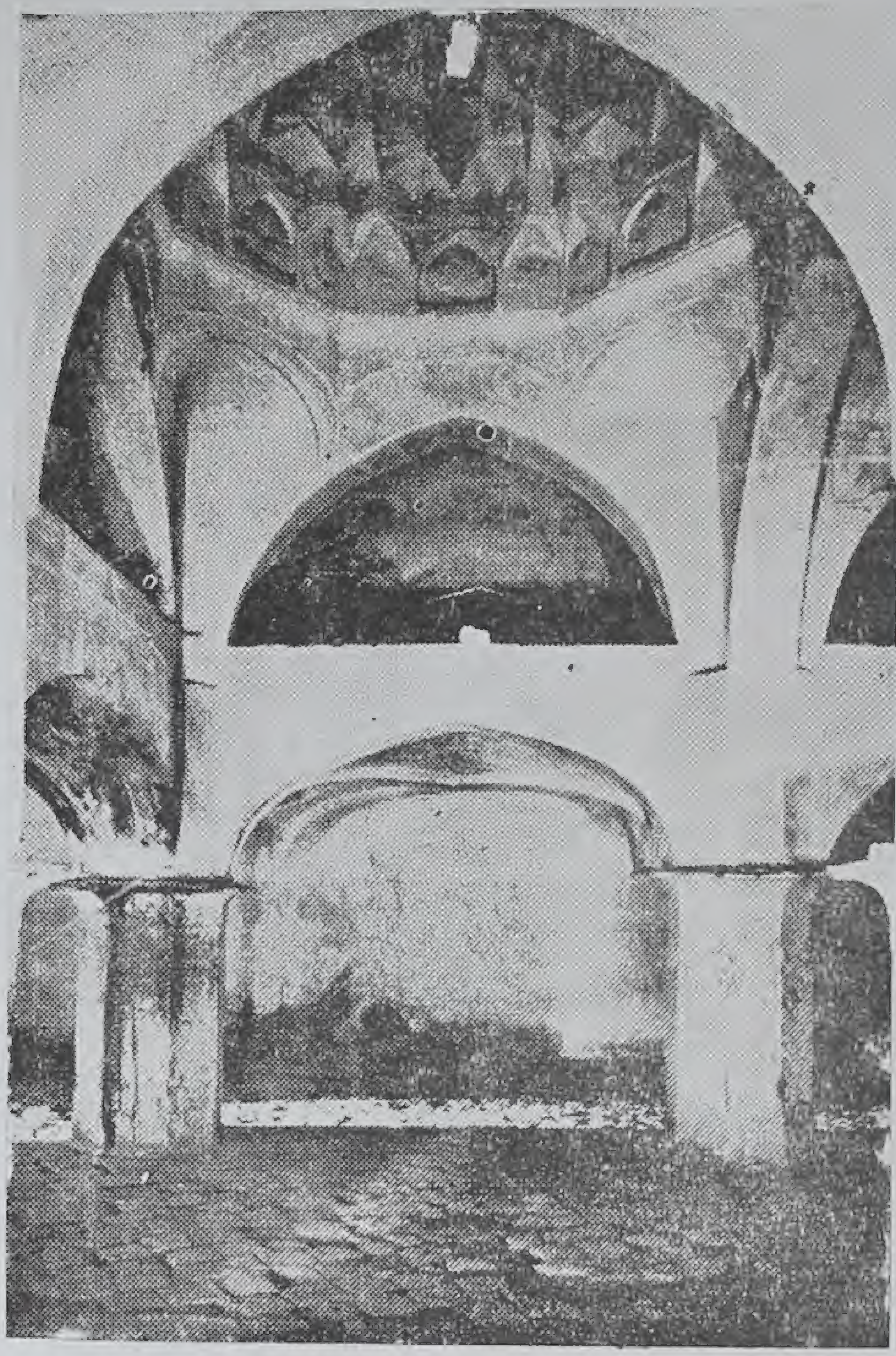
این آئین تمدنی بوجودآورد که تمام مورخین جهان رابشگفتی انداخت . تمدن اسلام انکار-پذیر نیست تمام مردم اروپا غیرازمورخین شرقی مانند آلمان . فرانسه ، انکلیس . ایطالیا و غیره کتابهای بیشمار درتمدن اسلام تالیف نموده‌اند . واین کتب روی تحکیم مبانی اصول تمدن اسلام وحقیقتی عالی بود که‌برنك وبوئی مخصوص‌مبنی‌بر کتاب خدا دست اسلام گذاشته شده، بقدری‌تمدن اسلام قوت وقدرت گرفت که حتی مخالفین اسلام وحتی آنهاکه بحمله و هجوم براسلام پرداختند نام تمدن اسلام را مکرر برده‌اندو تاریخ تمدن آن را شرح داده‌اند و قابل مقایسه باهیچ تمدنی نمیدانند .

این تمدن ازتمدنهای مشهوریست که تاریخ عمومی دنیابآن زینت یافته وبآثاردرخشانش تاابد تاریخ‌برساخته شهرهای اسلام‌درجهان نظیرنداشته وآثارمسلمین‌درهیچ کجای دنیامانندی پیدانکرده همه جابناها سر بآسمان کشیده ملیون‌ملیون مردم بآسایش وزندگی میکردند ، دانش وفرهنك. علم وعرفان رواج‌کامل داشت . درخت پیشه وهنرسرسبز وشاخهایش ازمیوه سنگین‌بار بود.

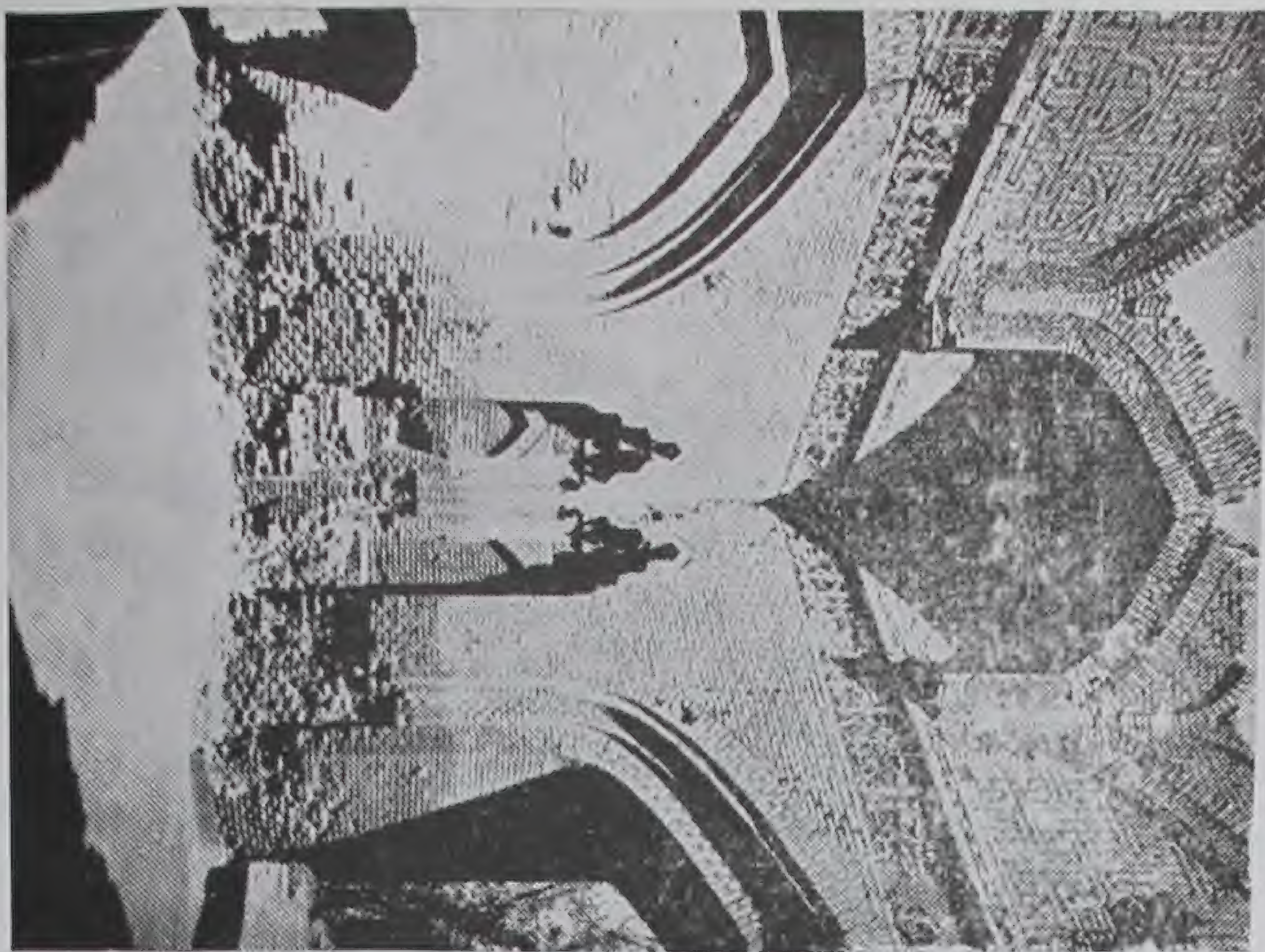
آثارزیبای مسلمین وتمدن پهناوراسلامی باروزگاری خوش وخرم قرنها ادامه داشت و صدها کتاب بایدباشرح این تمدن رابدهند .

تاریخ نویس‌های اروپا زیرعنوان (تمدن اسلام) کتابهای گرانبهائی نوشته‌اند ـ دائرةالمعارف های جهان بشریت نام اسلام‌ومسلمین وآثارزیبا وبناهای قشنك ومظاهر کمال تمدن آنهارابناگزیر زینت‌بخش صفحات خودساخته‌اند .

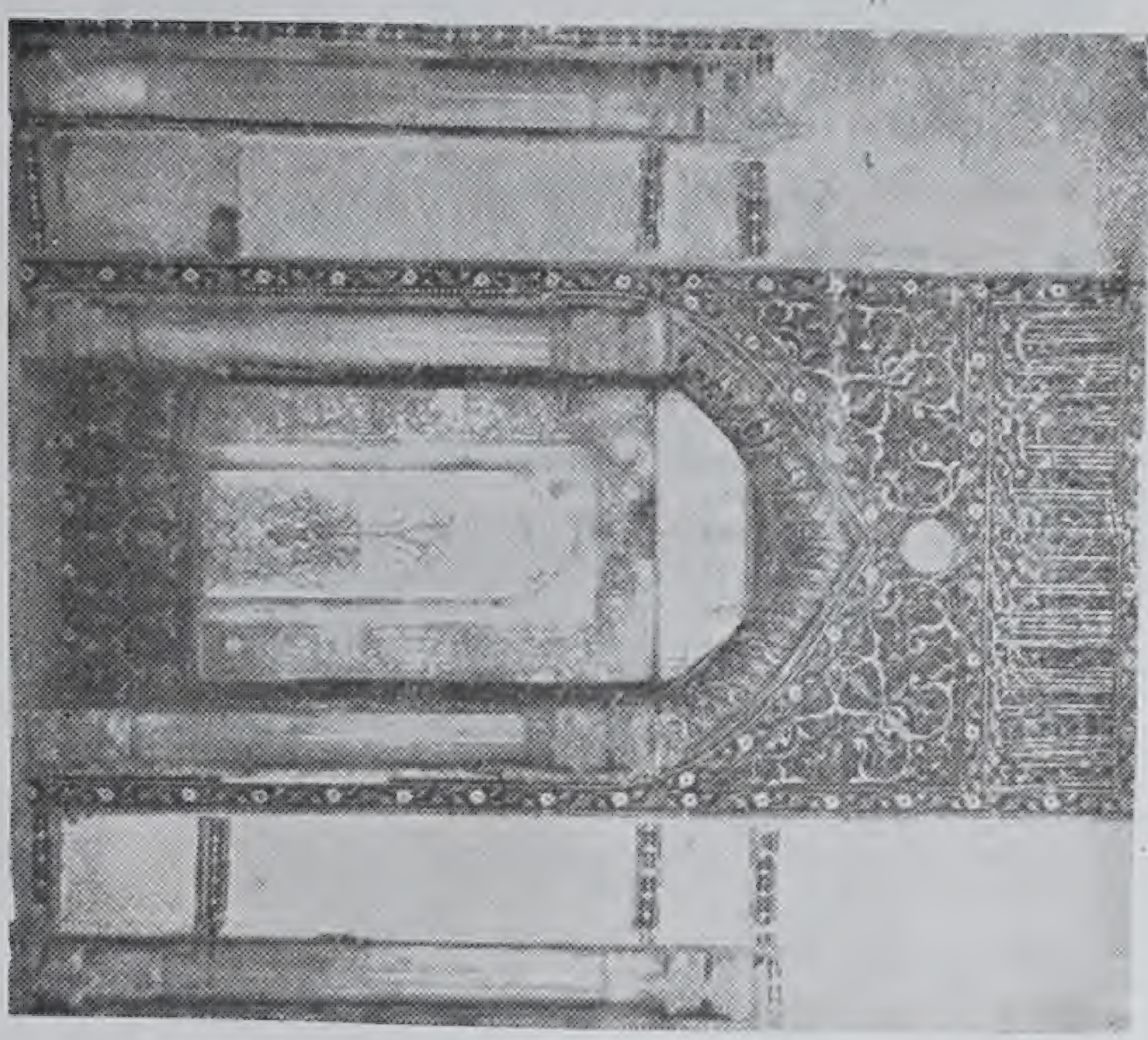
پس‌ازاسلام هیچ تمدنی بوجود نیامده که مسلمین‌درآن شرکت نداشته یاازمبانی اسلام برای تحکیم آن استفاده نکرده باشند نظری بقانون‌اساسی ملل راقیه جهان این حقیقت را استوارمیسازد مطالعه درصفحات تاریخ عمومی ملل‌عالم شاهدگفتار مامیباشد .



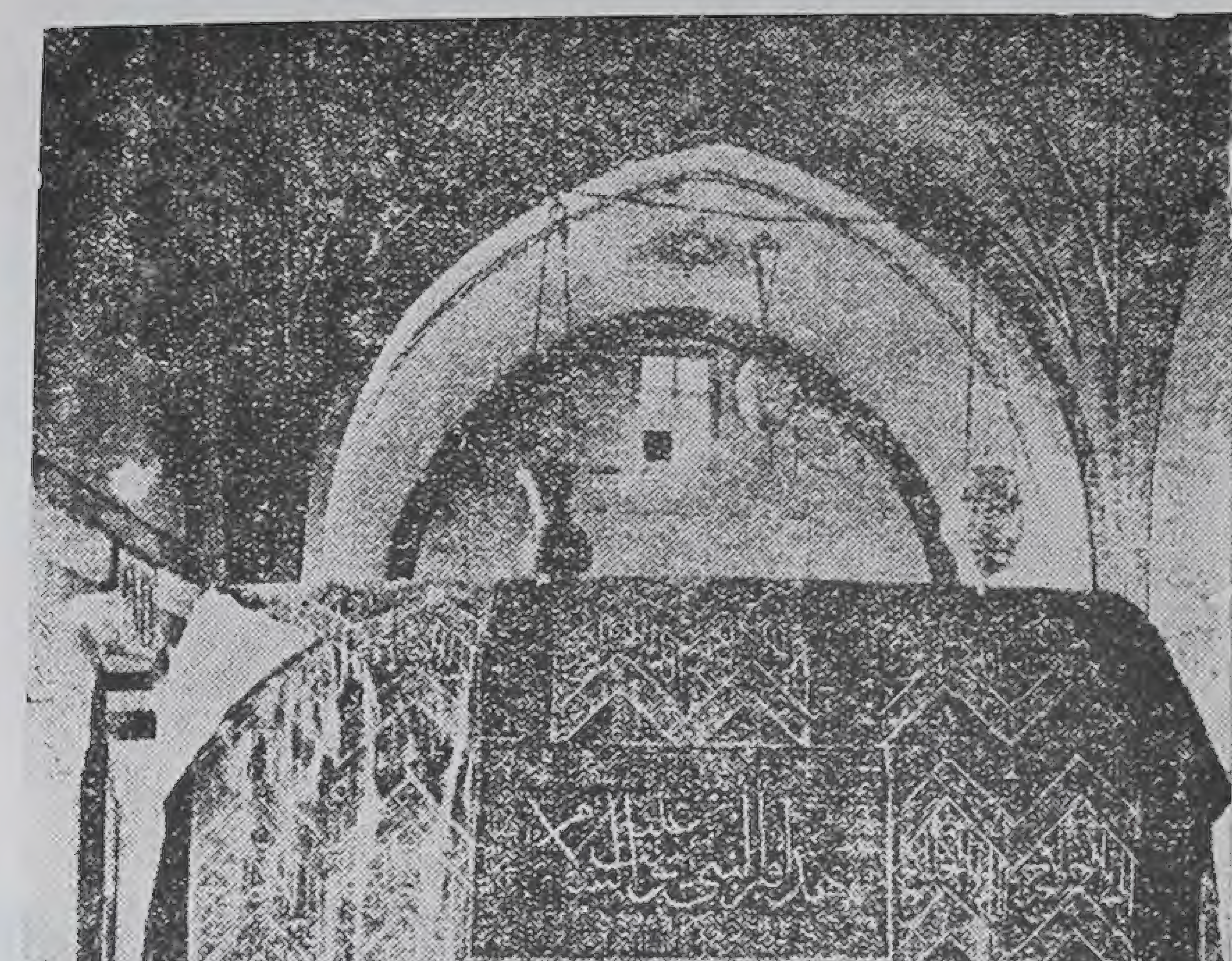
ش ۱۳۷ مسجد جامع ابرقو



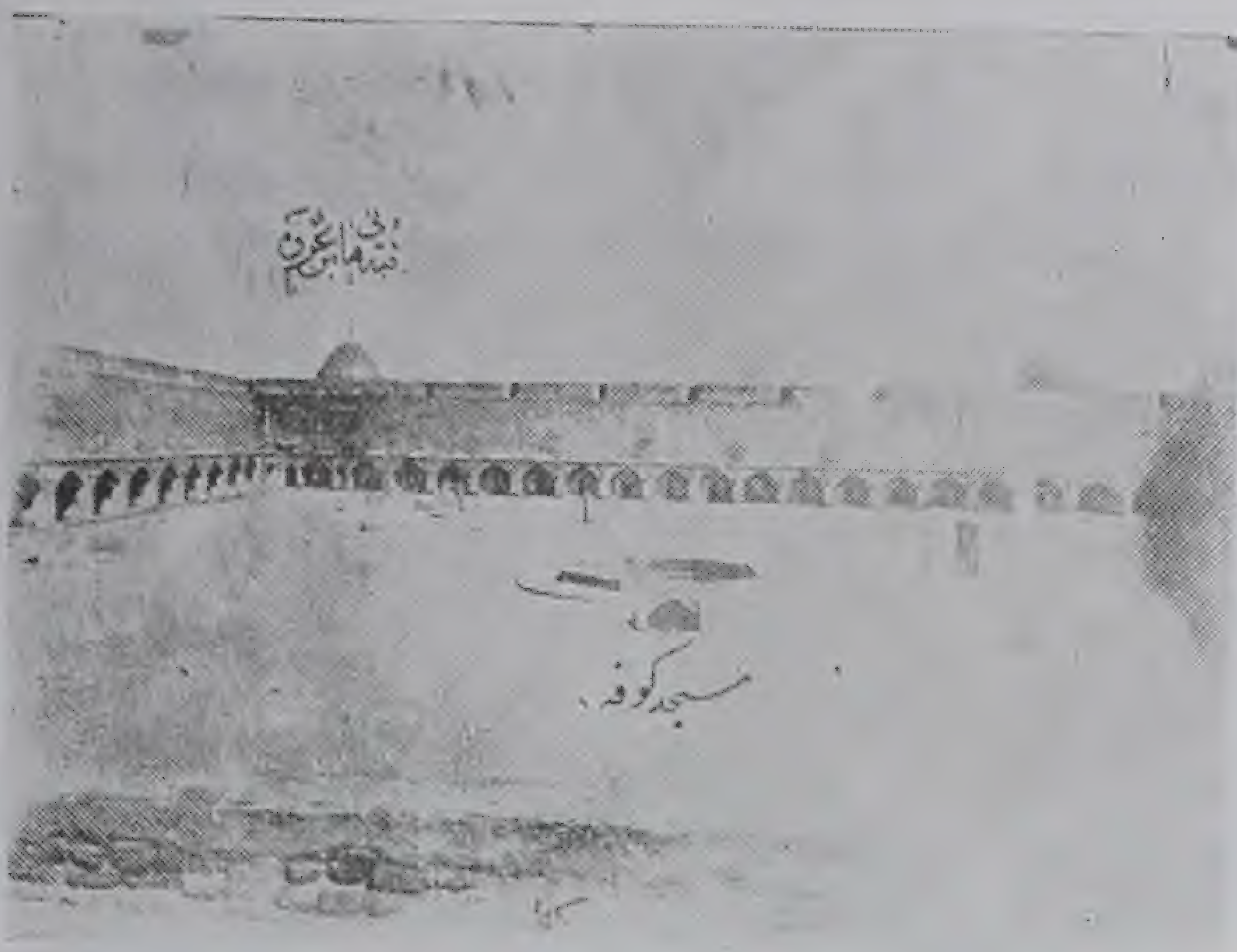
ش/۱۳۸ در مسجد حیدریه قزوین



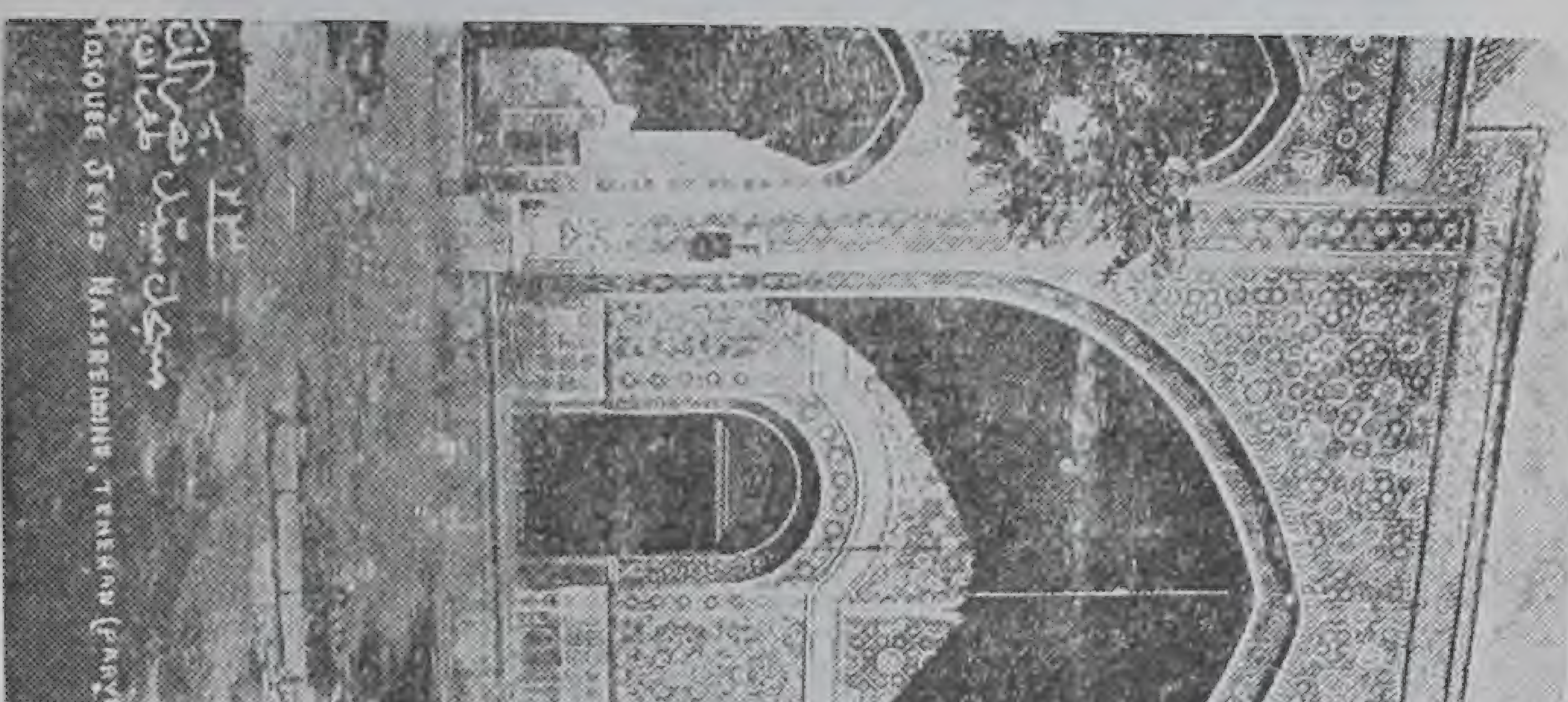
ش۱۳۹ درب مسجد جامع اصفهان



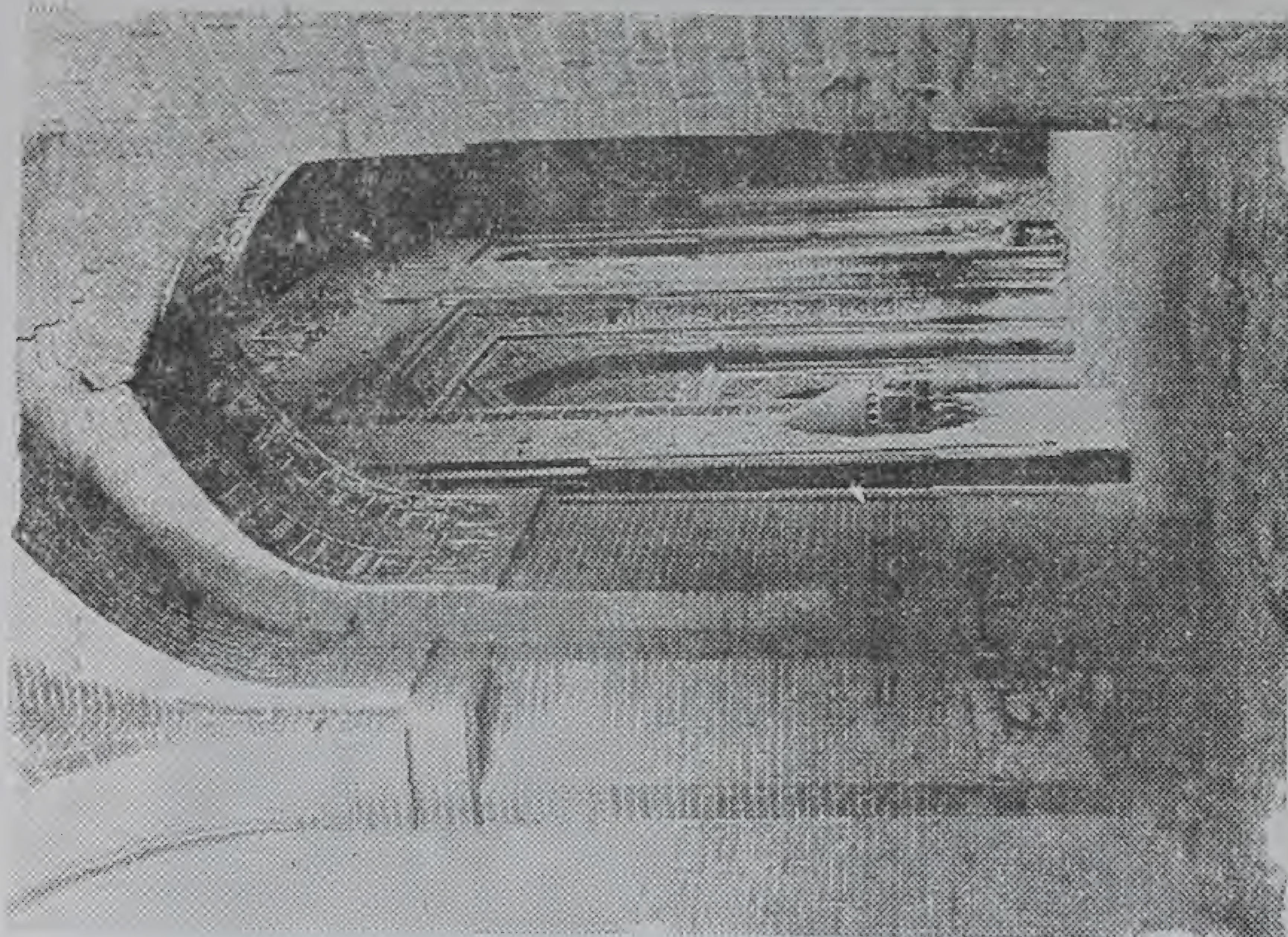
ش ١٤٠



ش۱٤۲



ش۱٤۱



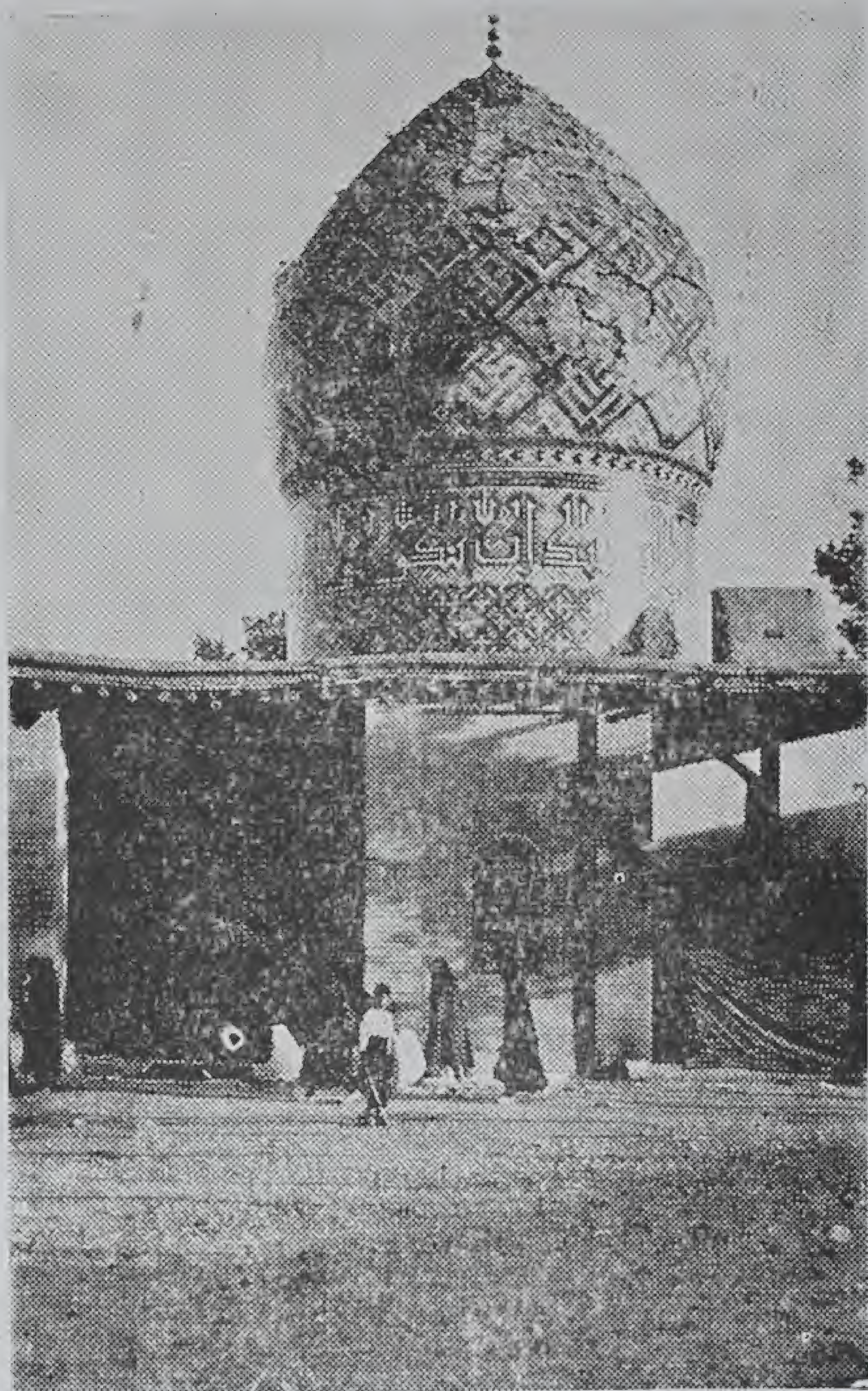
ش١٤٣ مسجد جامع اردستان



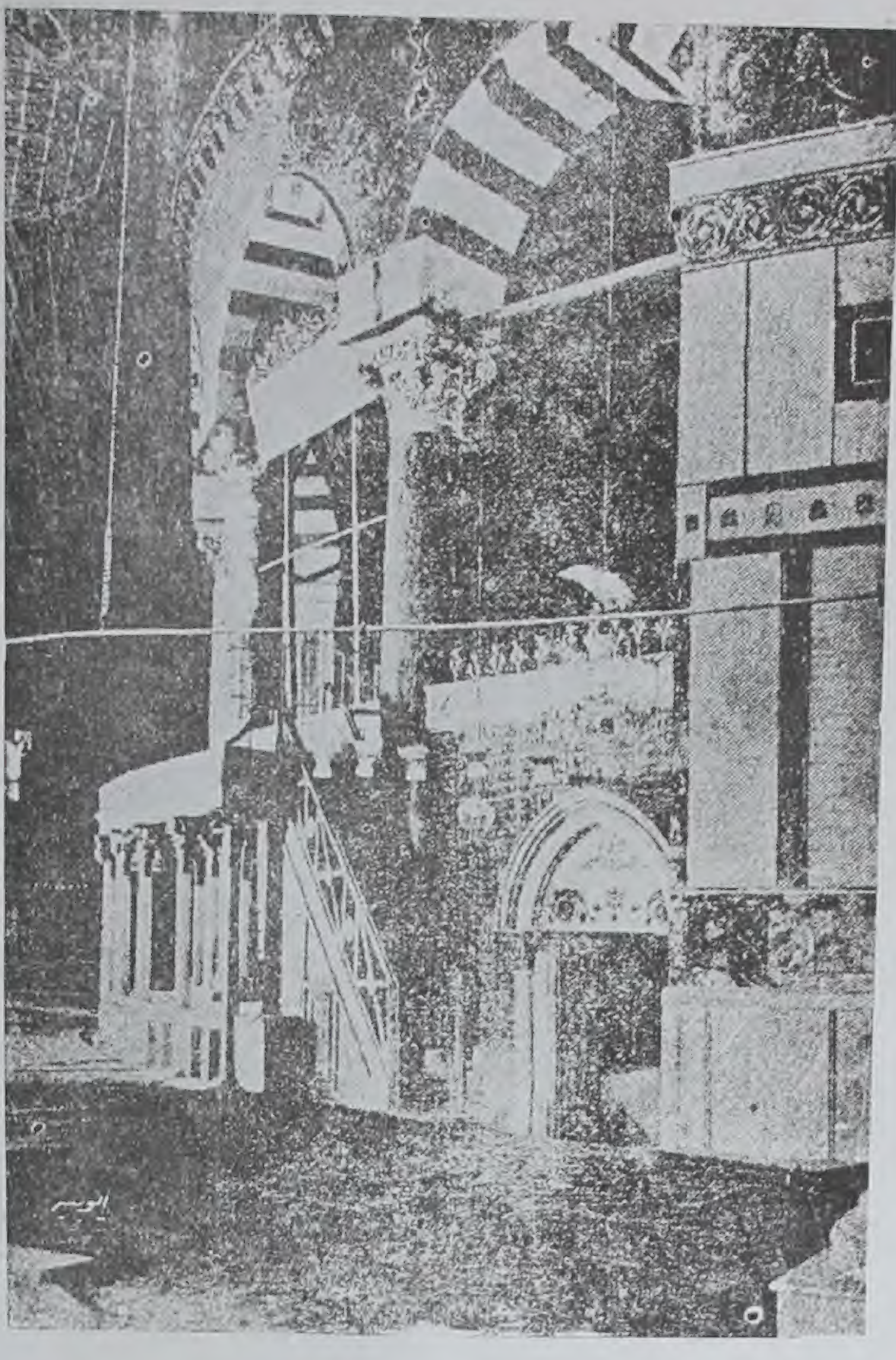
ش١٤٤



ش۱٤٥ قدمگاه مشهد



امام زاده قاسم شمیران



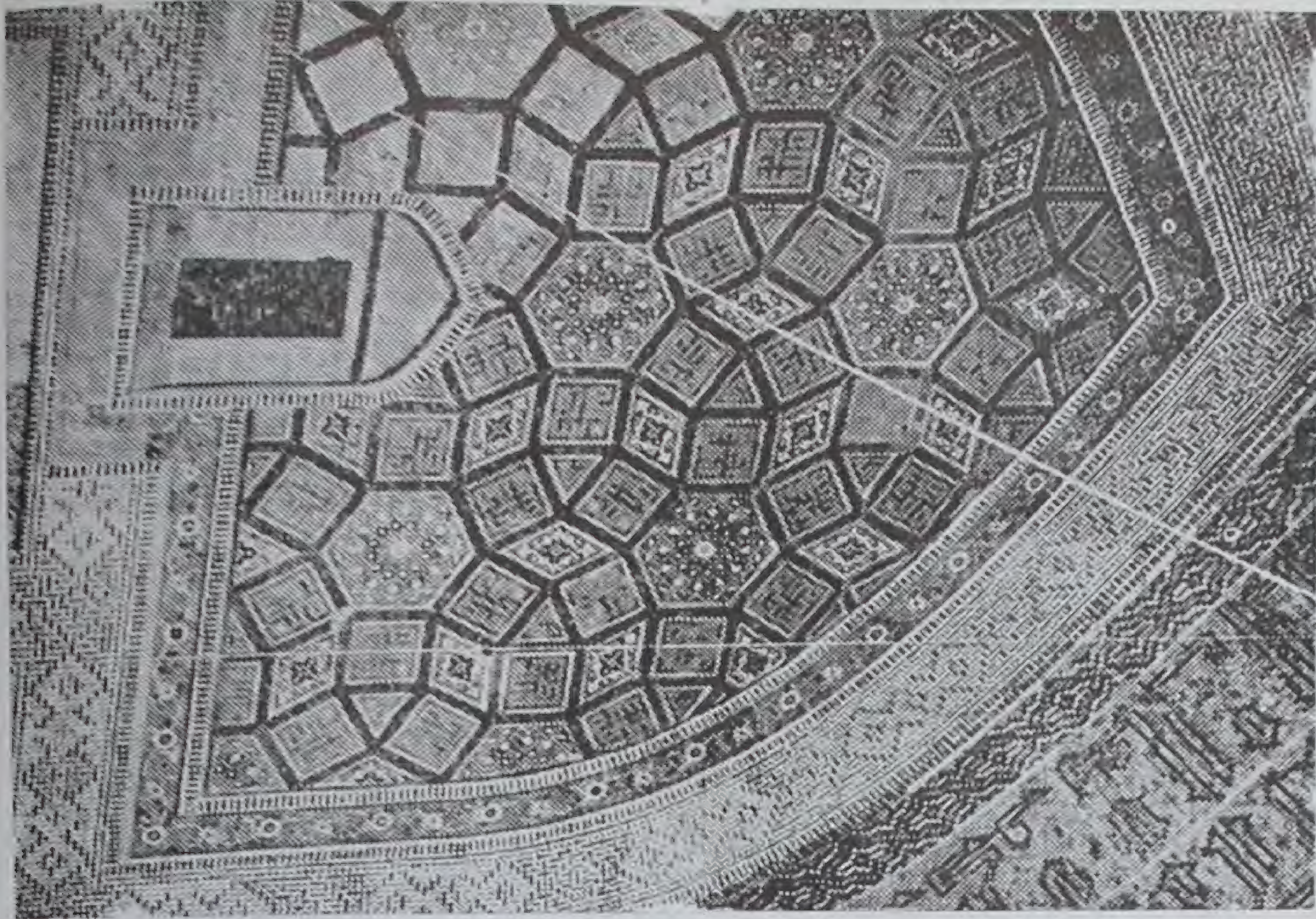
ش١٤٧ داخل قبه صخره مسجد اقصی



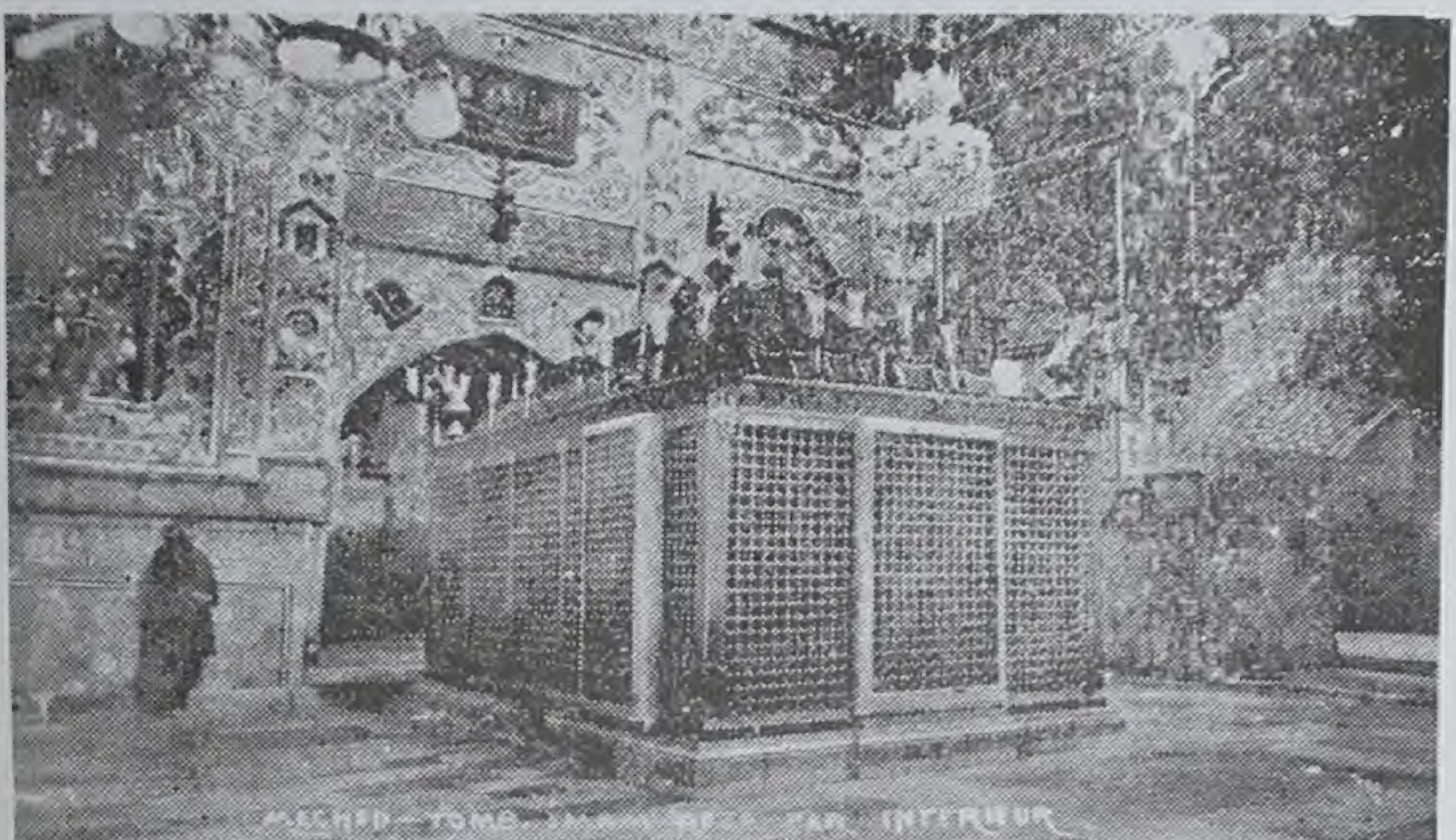
ش ۱٤۸ مسجد نبوی در مدینه مجلل‌ترین مساجد جهان



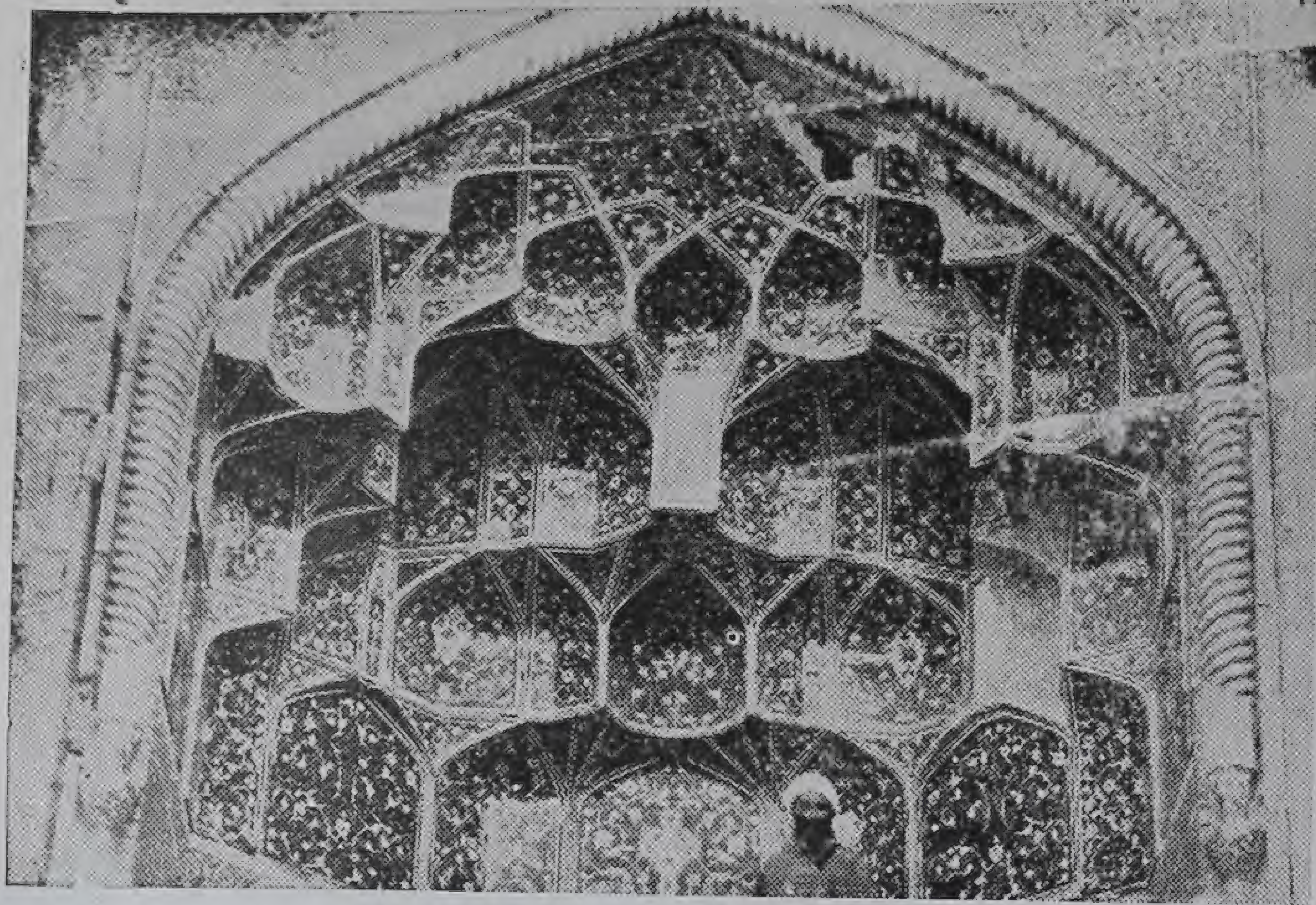
ش ۱٤۹ مسجد کبود تبریز



ش ۱۵۰ داخل مسجد گوهرشاد شاهکار هنر و صنعت



ش ۱۵۱ ضریح امام رضا



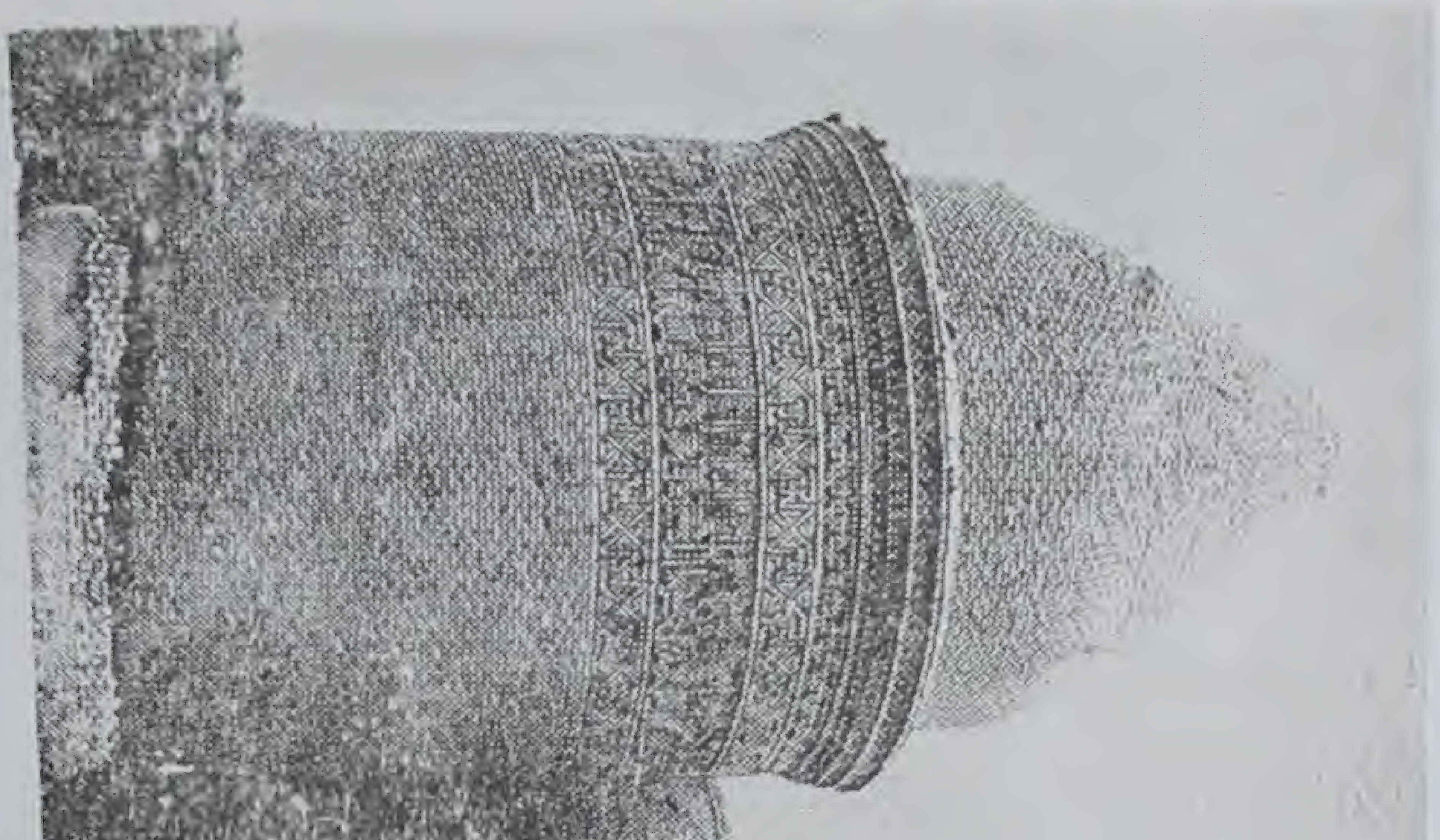
ش۱۵۲ مسجدشاه اصفهان



ش۱۵۳



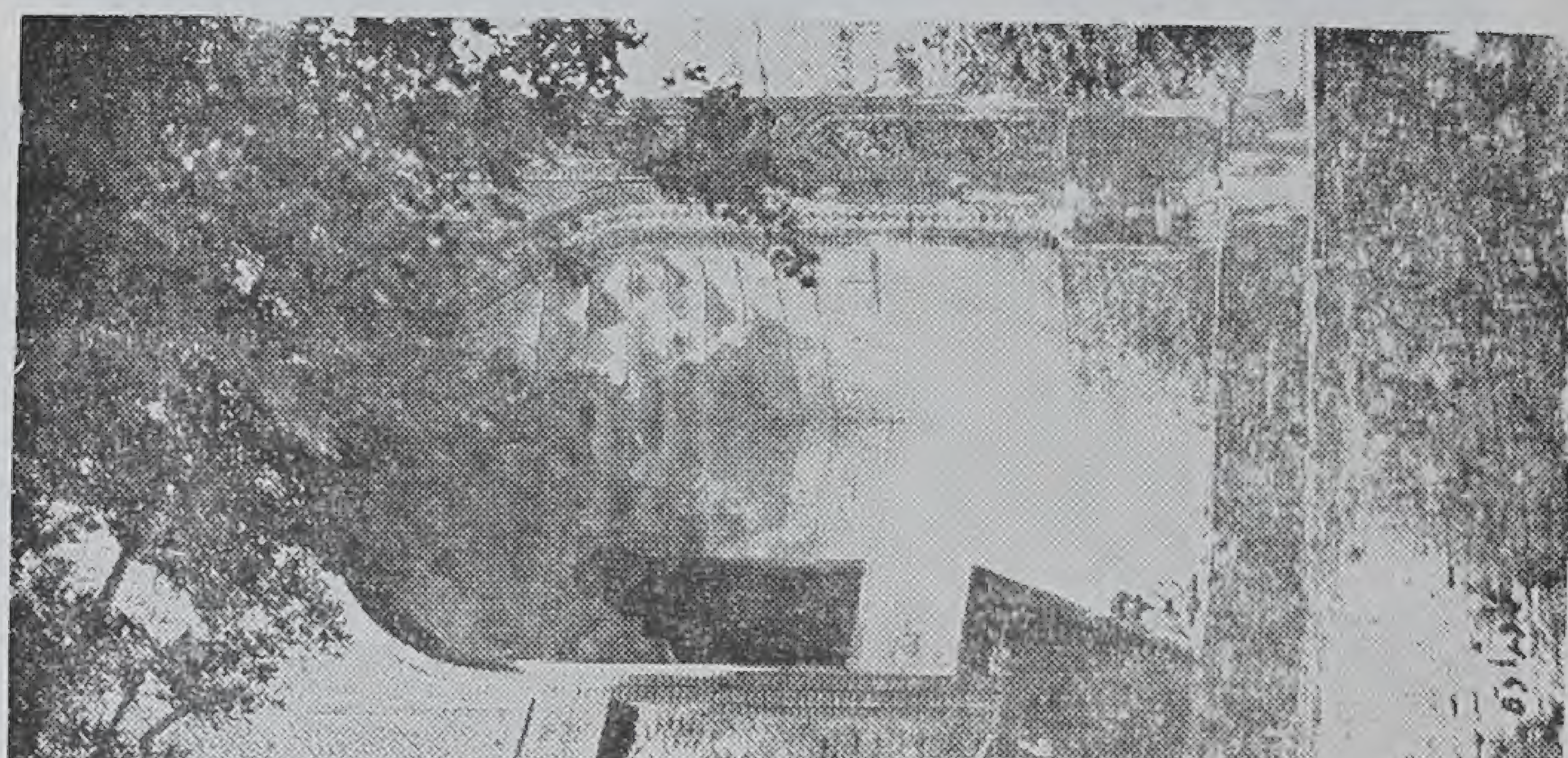
ش ۱۵٤ صحن جدید مشهد



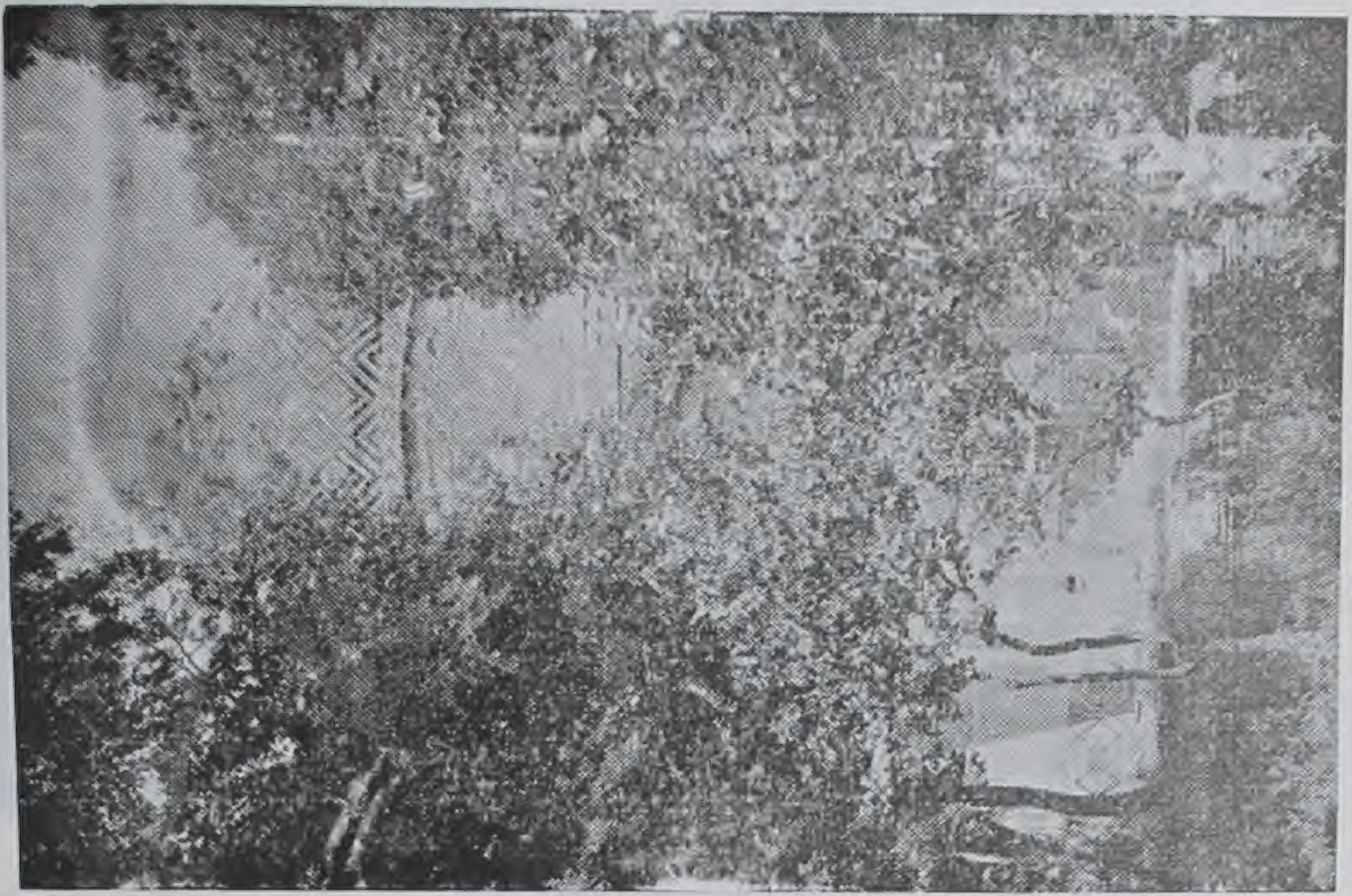
۱۵۵ چهل دختران دامغان



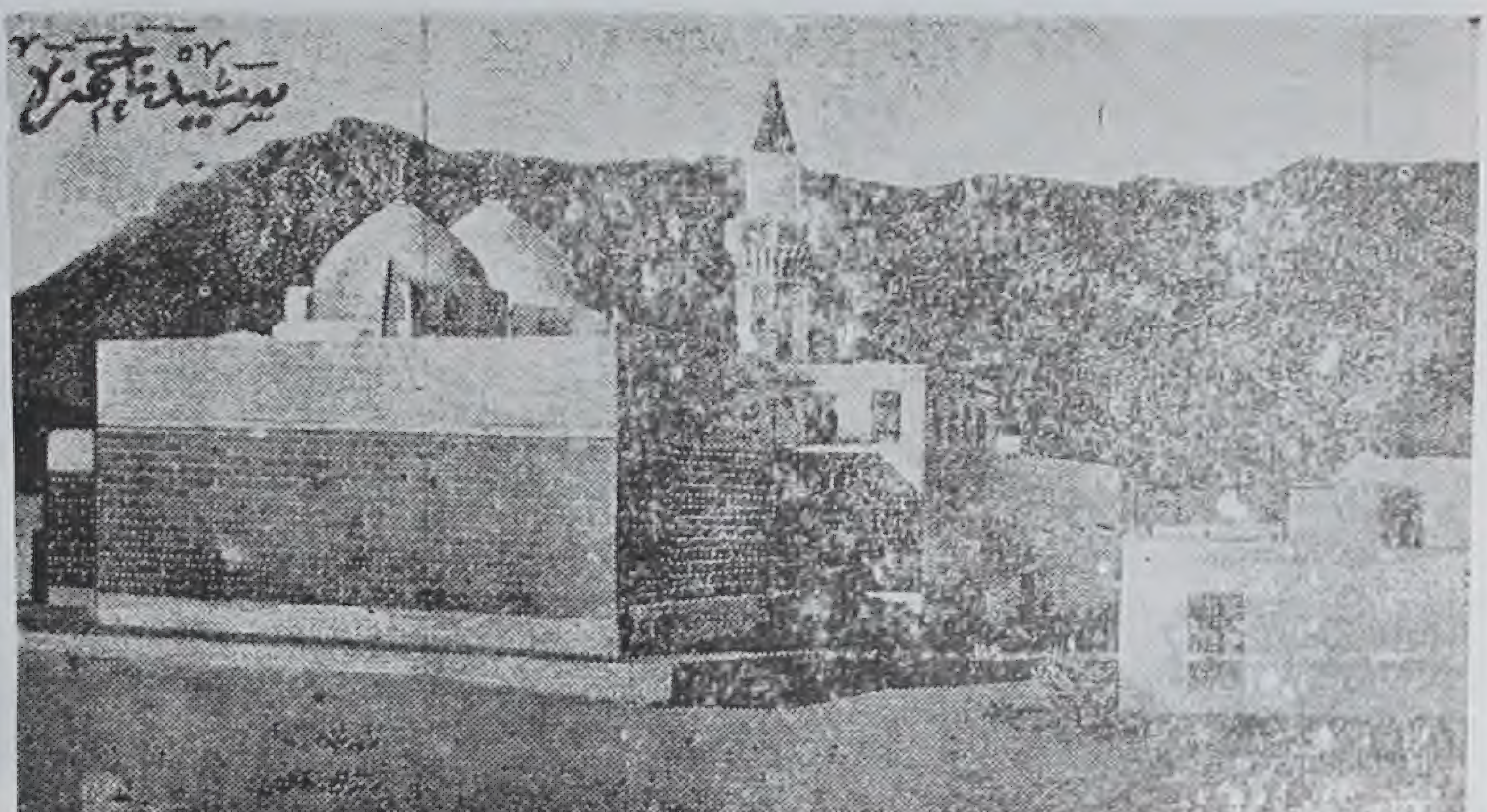
۱۵۶ مسجد دیگر جامع اردستان



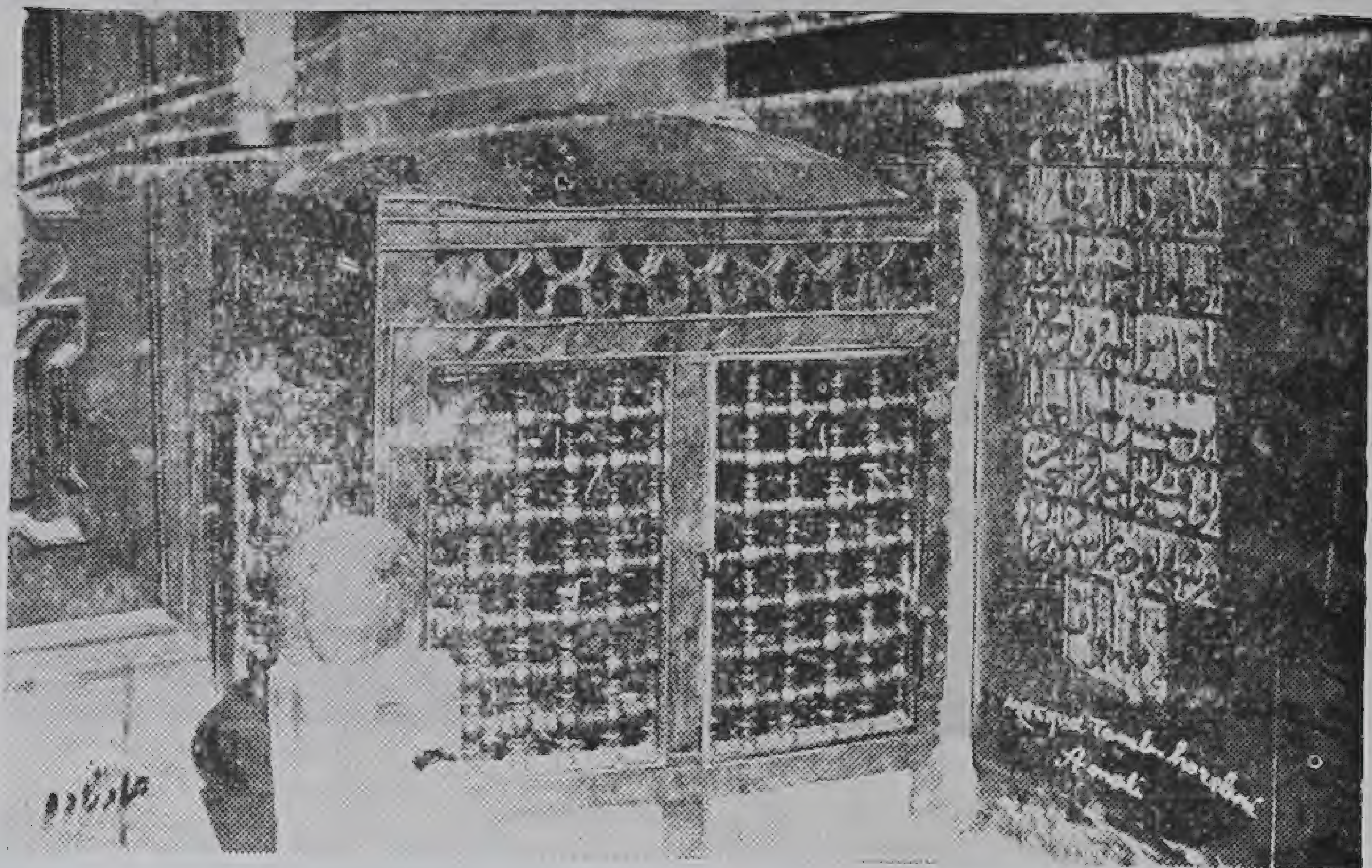
ش۱۵۷ نیشاپور امام زاده محروق



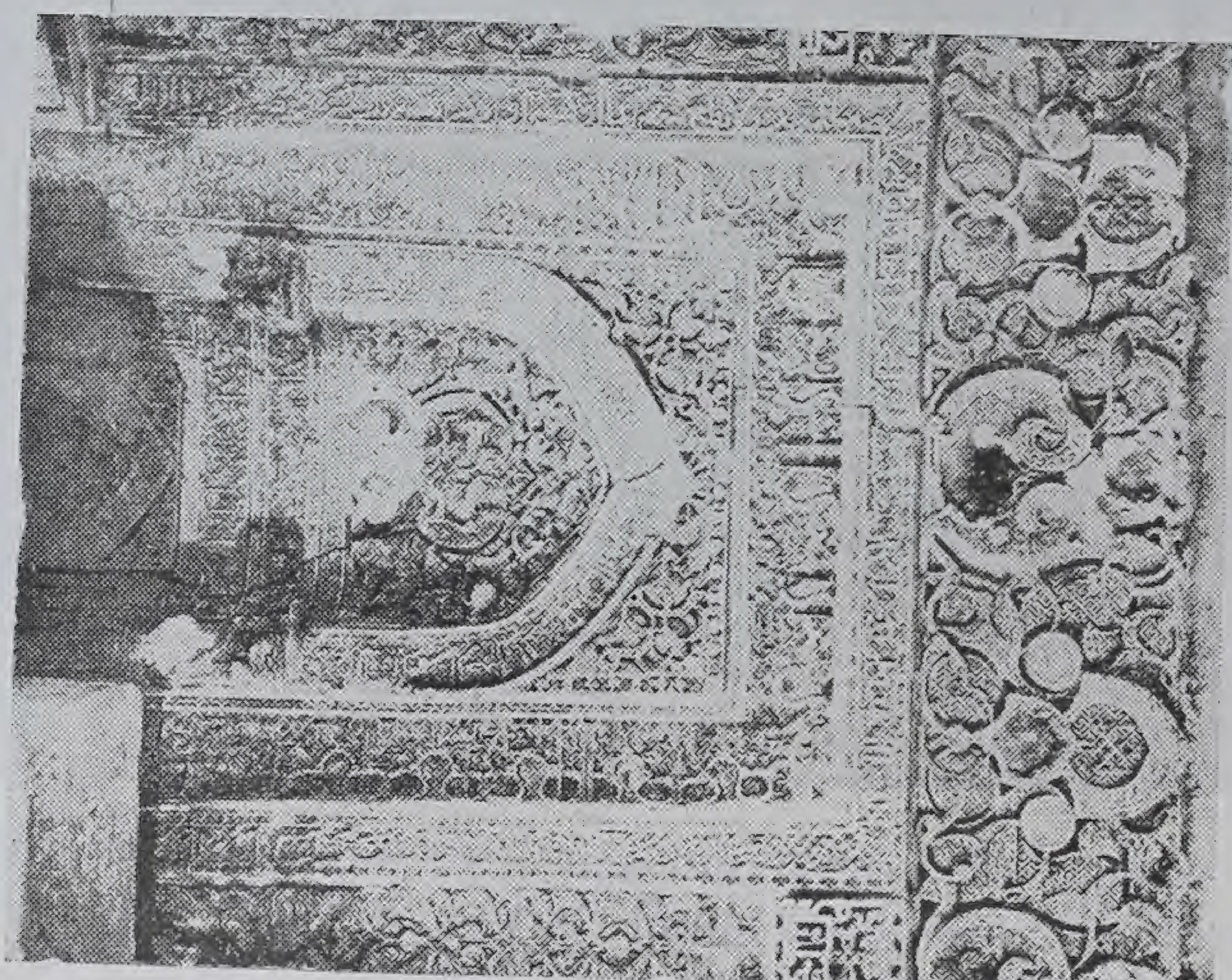
ش ۱۵۸ قدمگاه



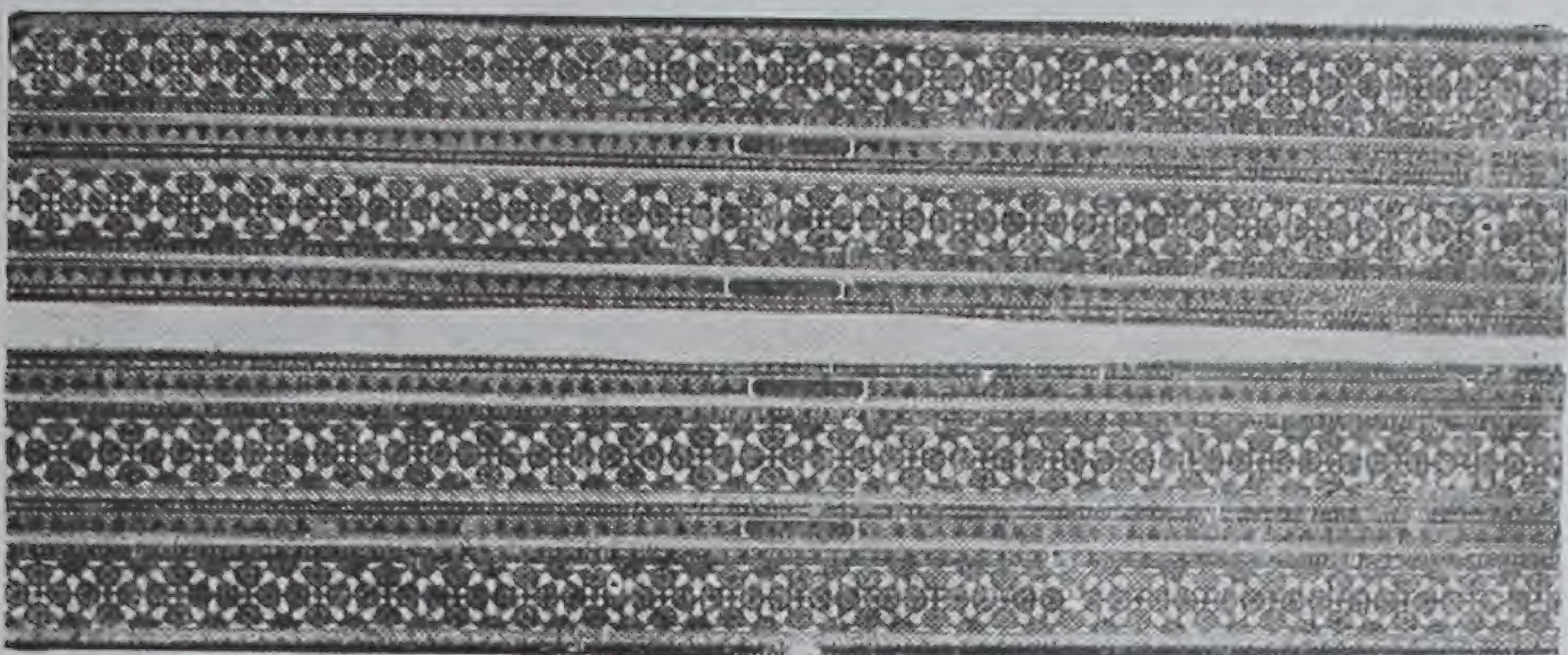
ش ۱۵۹ مسجد و گنبد حمزه در احد ـ قبر سرباز نامی اسلام



ش ۱۶۰ مقبرهٔ شیخ حر عاملی در مشهد



ش ۱۶۱ مسجد جامع ابرقو



ش۱۶۲ صندوق حضرت عباس



ش۱۶۳ ضریح امام رضا

گروهی معتقدند روزیکه خورشید اسلام درخشیدن گرفت روزگارتمدن شرق را درهم ریخت و پایمال کرده بود که اسلام آنرا ازنو برپا وآثارش رانمایان‌ساخت وپس‌از نابودی زندگانی‌نوبخشید وازقید وبند اوهام رهاکرد ورنك وچرك را ازچهره آن شست . لباس اسلام برآن پوشانید آنـرا بنور وزیور قرآن زینت داد وچون نورسپیده‌دم دربرابر مردم بینا آنرا نمایـان‌کرد . لباس اسلام طوری‌بازیب‌وزیور برپیکر تمدن شرق‌پوشیده‌شد که درخـاوروباختر بیابان وصحرا دربرابرهردشواری ازهم جدانشدند .

این عقیده بنظرما سخت وسست است زیراتمدن اسلام ازیك سرچشمه روشنی اتخاذ شده که شبیه ونظیر نداشته و تمدن اسلام بهیچوجه رونوشت ونسخه تمدن دیگری نیست بلکه از بیخ وبن قرآن روئیده وازعقیده توحید این رودسرشـارسرچشمه گرفته است .

آنچه تمدن اسلامی ترجمه نمود وعلومی که ازغیراسلام گرفته و سودهائیکه دراثنای‌جهانگیری برد وآرائیکه ازدیگران آموخت، زیانی برای ابتکاراسلامی‌نداشت زیراتمام تمدنهای بشری‌موجب کمال تمدن دیگری است .

تمدن اسلام درجهان‌بشریت قرونیرا گذرانیده وملیونها مردمان جهان ازاین تمدن برخوردار گشته و هزاران کتاب دراین‌بـاره نگاشته‌انـد . فتوحـات عقلی و روحی و مادی اسلام غیر قابل انکار است .

مسلمین درظرف هشتادسال ۲٤ اقلیم جهانرا بتصرف آوردند وچهارصد ملیون اضافه درآمد دولت بنی‌عباس در عصر اموی بود در آنعصر (بیش از هشتصد) ملیون بشر پیرو دین اسلام بودند. هیچ پادشاه وامیر ونویسنده وپیشوائی این حقیقت تاریخی رانتوانست تکذیب کند ،

ناپلئون اول درجزیره سنت هلن‌مکررمیگفت تنهامسلمین هستند که دنیارا درنیم قرن تسخیر کردند این بیان‌کسی است که خودش از جهانگیران نـامی بشمار میرفت بااینحال مسلمین را موفق میدید ،

کردارمسلمین دردوره صداسلام سرلوحه تاریخ شد. آنهابرکره زمین سیادت وریاست‌یافتند درچهارقرن یعنی چهارصدسال کسی نبودکه باآنها برابری وهمچشمی نماید وقتی‌هم در شرق دولت آنها روبافول نهاد ستاره سعادتشان درمغرب طلوع کرد .

روزی‌که روی بضعف میرفتند نفوذ معنوی آنهـا باز قوت میگرفت . اسلام ضعیف نشد دولت مسلمین دراثرپیشواهای نادرست وفرزندان ناخلف مصیبتهائی برخود واردآوردند وخاك سیاه برسر خود ریختند ،

بنی‌امیه مخرب دین ودشمن اسلام بودنداساسی که پیغمبرص گذاشته بود اگـر برسیره زمان خلفا وزمان حضرت‌علی(ع) وعمر بن‌عبدالعزیزچون‌دولت منصور وهارون ومامون پیش‌میرفت تمام کره زمین درزیرسلطه حکومت مسلمین ودولت اسلام‌برای همیشه محفوظ میماند ومادرآینده علت‌انحطاط مسلمین‌را نقل میکنیم.

باشکست وضعف دولت اسلامی وقتی‌بوضع مسلمین نگاه کنیم می‌بینیم ازنظرمذهب ودین یعنی اسلام بنفس دیانت مانند مذاهب یهود ونصاری ملل را ضعیف نکرده وبانحطاط ملل پیرواسلام‌نشد بلکه موجب رشد عقلی ورقاء ملی واندیشه وحرکت فکری مردم جهان گردیدزیرامسیحیت‌بتثلیث کشید ولي اسلامیت بابت پرستی و شرك سخت مبارزه کرد بعلاوه تمدن مسیحیان‌هریك‌ملت‌پس‌از

هزارسال بلکه هزار و پانصدسال آغازشد آنهم ارا-لام گرفتند ولی تمدن اسلام بلافاصله ازطلوع آن تا ۱۵۰ سال نهایت عظمت راطی کردواین تفاوت خیلی قابل توجه است.

اسلام روی مبانی علمی و تسهیل عبادت ومعظم بودن بعلم وفضیلت و بالاترازهمه جنبه اخلاقی وفضایل نفسانی خودبخود دراعماق دل مردم جابازمیکند، ولذا مادرایران دراکثرجراید و مجلات دنیا میخوانیم که هرروز جمعی ازدکترها . مستشرقین ، فلاسفه ، علمای طب وهیئت کارگرها وزنان ومردان روشن ضمیر که بااسلام آشنائی پیدا میکنندباسلام میکروند و این پیشرفت درمیان ممالك آزاد بیشتر روزافزون است زیراذوق وقریحه سرشارمردم صافی ضمیر بااین دین سهل وسمحه اسلام انطباق فطری دارد وماننند جاذبه دلهای پاك را جلب مینماید و ماا کنون نمونه تاریخی را از هزاران خبر نقل میکنیم .

دوشیزگان تازه مسلمان

اخیراً دربندر«کاردیف» انگلستان چهاردختر جوان وزیبا باهم تصمیم گرفتند که بدین اسلام مشرف شوند . دختران جوان که میخواستند بامردان مسلمان ازدواج بکنند وبخاطر این عشق حاضرشدند ازدین مسیح دست برداشته مسلمان شوندباهم بمسجد مسلمانان کاردیف رفتند ودرآنجا تقاضا کردند که مراسم تشرف آنها بدین اسلام بعمل آید.

تقاضای آنها با استقبال شایان مواجه شد و مراسم توسط شیخ عبدالله الحکیم امام مسجد انگلستان انجام گرفت.

در عکسی ک. خواهید دید چهاردختر تازه مسلمان درمسجدکاردیف مشغول آموختن نمازهستند درپشت سر آنهاشیخ عبدالله الحکیم امام مسجد ودرجلو علی محمدیکی ازکارمندان مسجد دیده میشوند.دوشیزگان مزبور کتابهائی راکه آیات نمازدرآن بحروف درشت انگلیسی نوشته شده باصدای بلند میخوانند شیخ عبدالله تلفظ آنهارا تصحیح میکند وعلی محمد حرکات رامیآموزد.

درجریان چندسال اخیر تعداد کسانیکه درمسجدکاردیف بدین اسلام گرویده اند چندبرابر شده است ونود درصد کسانی که دین اسلام را میپذیرند دوشیزگان جوان هستند علت این قضیه اینست که در کاردیف تعداد مسلمانان افزایش یافته و تقریباً یکی از مراکز مسلمانان در انگلستان شده است .

مردان وجوانان مسلمان که دراین شهر با دختران انگلیسی آشنا میشوند بشرط اینکه آنها دین اسلام رابپذیرند حاضربازدواج باآنها میشوند واگرعشق واقعی موجودباشد دوشیزگان مسیحی حاضر بقبول دین اسلام میشوند . در میان چندصد دوشیزه جوان انگلیسی که تاکنون بدین وسیله بدین اسلام گرویده اند، دختران دانشجو وکارمند دولت وپرستار ودکتر زیاددیده میشوند.

فتح آفاق و تملك نفوس

قال ص یفتح علیکم الافاق و یفتح علیکم مدینة یقال لها القزوین من رابط فیها اربعین لیلة کان له فی الجنة عمود من ذهب احمر الخ ۱

پیغمبر اکرم ص چندین بار از فتوحات اسلامی و چیره شدن آنها برجهان خبر داده است و چون مردم مسلمان معتقد بمقام وحی بود ویقین داشتند

---

۱ در کتاب اخبار البلدان ابن فقیه همدانی متوفی سال ۲۷۹ از صفحه ۲۹۱ تاص ۲۹۴ درذیل تاریخ ابهر وقزوین از حضرت رسول الله ص روایاتی نقل میکنند که ابو خالد صنعانی این روایت را درص ۲۹۴ نقل کرده است

آنچه پیغمبر اکرم ص فرمودند بمنطوق آیه **ماینطق عن الهوی ان هو الاوحی یوحی** همه ازمنبع علوم غیبی است درمقام سلطه وفتح آفاق برآمدند درباره فتح شامات وسوریه فرمود من درخواب دیدم که تمام طبقات زمین درنظر من پست شد تا بصری که شهریست درشام وشما مسلمانان باید علیه رومیان بجنگید وآنجا را بگیرید تابدنیا دست یابید آیه کریمه **الم غلبت الروم** نیز آنهارا ترغیب بفتوحات کرد و احادیث دیگری که درضمن اخبار تاریخ فتوحات نقل شده ازآن جمله این خبر است که میفرماید بزودی آفاق برای شما فتح میشود تابشهری میرسید که آنجا راقزوین گویند ومنظور پیشروی وجهان گیری مسلمین است که پیغمبر اکرم ص خبرداده وآنهارا بجهانگیری مژده فرموده است ویقین است که روزی میرسد زبان زبان قرآن ودین دین اسلام وتمام بشر مسلمان ودارای یك وحدت ملی خواهند شد ووعده های پیغمبر خدا دروغ نیست وخلف ندارد وبزودی چنین روزی خوامد آمد.

سیر جهانگیری مسلمین

حیدر بامات که نام اصلی او ژرژ ریوار بوده کتابی تحت عنوان چهره های اسلام نگاشته و در سویس منتشر ساخته است که در سال اول مجله نور دانش ترجمه ومنتشر شده است. این نویسنده خواسته است یك تفاهم بزرگی بین مشرق اسلام ومغرب آن تولید کند وآنها را بهم مرتبط سازد.

آنچه از نکات حساس آن شاهد بیان میباشد از آن استخراج کرده و با نظریه وعقیده خود مینگاریم.

دنیای اسلام امروز عبارت است از سرزمین های قدیمی اسلام تاافریقای غربی فرانسه واقیانوس اطلس تاآخرین حدود سیکیاتیك از کوههای اورال واز رود ولکا تامجمع الجزایر سند وفیلیپین دراقیانوس ادامه مییابد.

تعدا کلیه مسلمانان دنیای امروز بالغ برششصد میلیون نفرمیباشد که باوجود اختلافات بسیاری که درنژاد وزبان وشرایط اجتماعی وسیاسی دارند این دنیای اسلام یك اتحاد معنوی زنده و فعالی دارد.

دردنیای بزرك اسلام دوفرقه بزرك سنی وشیعه موجوداست که نسبت یك برسه میباشد گذشته از سلیقه وافق فکر وذوق واندیشه ومذاهب وعقاید مختلفه که از آثار وابنیه هریك از ملل جهان است مانند تفاوت ابنیه قاهره یاقرطبه وهردو باایران وهرسه باسمرقند وهرچهار بادهلی وغیره یك تربیت مهذب مشترکی بین مسلمین است که مابه الاجتماع آنها میباشد.

بعبارت ساده تر اسلام چنان درعروق وشرائین پیروان خود جا گرفت ولطایف رقیقه معانی خود رادر اندرون قالب وجودی مسلمین ریخت که هیچ تجزیه و ترکیبی نتوانست درآن اثر کند برای مثال کافی است بگوئیم که **چهره پاك اسلام پس ازتشکیل دولتهای مسیحی از بین رفت و ممالك مستقلی که روی خرابه های امپراطوری بنی امیه و بنی عباس وعثمانی بناشد هیچکدام لطمه باتحاد معنوی دنیای اسلام وارد نیاوردند بلکه این تحولات پی درپی تاریخی دراهمیت معنوی اسلام اثر میبخشید.**

اتحاد عرب که ازهفت کشور عربی بالغ بر۶۰،۰۰۰،۰۰۰ عرب میشد درتکامل عادی پیشرفت اسلام میکوشید.

نهضت ترك که درنهایت قوت گرفته بود واز ۵۲،۰۰۰،۰۰۰ نفر دردنیا برپا شد که ۳٤ملیون آن در روسیه وشمال ایران وترکستان چین زندگی میکنند بتکامل اسلام پرداختند.

ایران باداشتن ۲۲ ملیون نفوس و افغانستان با ۱۲ ملیون سکنه براه تجدید ملیت افتاده‌اند

۹۷ ملیون مسلمان هندوستان باصرار وتقاضای تشکیل پاکستان رادادندوعملی‌شد .

۹۰ ملیون مسلمانان اندونزی استقلال خودرا گرفتند وبرسیر تکامل دین پیش‌میروند.

زنجیر های مذهبی اسلام که ملتهای اسلام رابهم نزدیك میسازد هنوز خیلی قوی‌تر ازآن است که کسی بتواند آنرا ازهم بکسلد.

این زنجیرها در زندگی عمومی ملتهای اسلامی وهمچنین در زندگی خصوصی آنها یك‌حس اتحاد وسرنوشتی رامتضمن است که مللاروپا هرگز نشناخته و نخواهند شناخت.

درتحولات دو جنك اخیر **اتحاد معنوی اسلام روشن شد** وقتی خواستند ترکیه راتحت رقیت درآوردند دنیای اسلام بیزاری خودرا اعلام کرد ودر نهایت تاثرابراز تنفرنمودند.

درهندوستان مردم سخت متغیر شدند و نمایشات متعددی بوقوع پیوست جمعیت های مسلمین هند بدولت‌انگلستان سخت شکایت کردند.

جمهوریت‌های مسلمانان قفقاز پرزیدنت ویلسون رئیس جمهور امریکا شکایت کردند واز هم‌مذهبان خود دفاع کردند.

در این اواخر که سیاست مقتضی شد دولت یهودی تشکیل دهند مسلمین جهان سخت از اعمال یهود فلسطین برآشفته و تظاهراتی علیه یهود کردند و بدنیا اعلام تنفر از اجرای این حکومت نمودند.

تأیید اخلاقی که مسلمانان تمام کشور های اسلام بعرب های فلسطین بریاست حاجی امین الحسین مفتی بزرك اورشلیم برای جنك بر ضد یهود . در کشورشان نشان دادند ثابت میکند که اتحاد اخلاقی اسلام نه‌تنها مورد شکست نشد ، بلکه اتحاد و وحدت ملی‌مسلمین یك حقیقت زنده وفعال است.

درباب مسئله کشمیر یکملیون امضاء بجامعه ملل متحد فرستادند و ملیونها تلگراف کردند که باید کشمیر که **دارای ۸۵٪ مسلمان است** بپاکستان ملحق‌شود. (۱)

جنگی که درآناطولی برای استقلال ترکیه بوقوع پیوست انعکاس عظیمی درکشور های‌مسلمان بخشید ونامه‌های تشویق وتأیید وتیرگیها ازاطراف باریدن گرفت واین خود جنك احساساتی بود که در تمام کشور های اسلامی برانگیخت این جنك حقیقی دفاعی ویك نمونه از اتحاد معنوی اسلامی بود.

---

۱ ـ تعدی فرانسویان بمراکش جامعه عرب راکه بیش‌از هفت کشور و۶۰ ملیون نفوس است علیه‌فرانسه برانگیخت وروابط خودرا باآن دولت قطع کردند.

ملت ایران- ترك - افغان - هند - پاکستان - افریقای جنوبی وشرقی - اندونزی و سایر ممالك اسلامی سخت برفرانسه حمله کردند و او را متجاوز و مهاجم شناختند وهم اکنون ادامه دارد .

موقعی که وهابی‌ها قبورائمهٔ بقیع‌را خراب کردند- درایران وتمام ممالك تشیع تعطیل‌عمومی شد سال ۱۳۰٤ واعلان تنفر وانزجار ازوحشیگری‌یکدسته بدوی نمودند.

در روسیه سکنه مسلمان که از ۳۵ ملیون تجاوز میکرد ناظر ابقاء تمام علائق مذهبی شدند دیدند که تقریباً تمام‌مساجد آنها وعلمایشان تارومار شد.

بالاتر وبرتر وحساس‌تر ازهمه این است که بیش‌از ۳۵ سال است اتحاد جماهیر شوروی برضد اسلام ومسیحیت فعالیت میکند وجز نتایج کوچك داخلی کاری ازپیش نبرده‌اند.

مشاهدات در کریمه وقفقاز درمدت اشغال آلمانها نشان میدهد که سکنه مسلمان این نواحی بسیار علاقمند باسلام مانده‌اند.

تعلیمات اسلام یك‌حزب قوی مسلمان تربیت کرده که همه‌تقریباً بیك‌شکل درتمام کشور های اسلامی دیده میشوند

م ۰ د ۰ لروژ میگوید هیچ چیز بدین اسلام لطمه نزده است باوجود درهم شکسته شدن کادر های سیاسی سابق‌افریقا وآسیا که تصور میشد جزء لوازم بقاء وحدود آن است امروزهم بیك‌مسلمان مؤمن آن شخصیت دینی‌را که بالاتر ازهر گونه غلامی وزیر دست بودن است می‌بخشد و آن غرور نجیبانه‌را که حتی‌درژنده‌پوشان گدایان نیزدیده میشودباومیدهند.

علاوه برابطه مذهبی که بین‌ملل اسلامی است وباتفکر ووجدان دریافته وتقویت میشود همین شباهت بین تیپ انسانی که اسلام ایجاد شده در حال حاضر بنظرما قوه محرك کافی برای وحدت اسلامی خواهد بود،

فتوحات

روزی مسلمانان برای نشر دین قیام کردند که دوامپراطوری بزرك از جنك های بدون انقطاع خارجی قوایشان تحلیل‌رفته وبواسطه ناامنی‌ها واغتشاشات داخلی ناتوان شده راه ضعف وانحطاط را می‌پیمودند.

کشور قسطنطنیه یا بیزانس که کنترل آن برروی جنوب اروپا وآسیای نزدیك وشمال افریقا ومصر واقیانوس اطلس محفوظ بود هنوز قدرت عظیم خودرا داشت.

وضع ایران هم که خراجگیر عالم‌بود بهتراز روم نبود آنجا بیشتراز قسطنطنیه‌بوسیله جنگهای تازه وکهنه قوایش‌را ازدست داده‌بود شکست سختی که امپراطور هراکلوس درتابستان ۶۲۷ دررشت پیشوای سابق باورسانید درفش خسرو پرویز قطعه قطعه شد وشورشهای سختی بدنبال آن پدیدآمد توانائی ساسانیان رابکلی ازبین برد.

ایران ازیك طرف دستخوش تهاجمات پی‌درپی خزرها ازطرف قفقاز وترکهابود ازطرف باختر وازجانب دیگر جنگهای داخلی وهرج ومرج اورا پاره‌پاره کرده بود و نمیتوانست مقاومت سختی بآن‌ضربت ترسناك که قشون اسلام بآن‌زد نشان بدهند.

تاریخ بشریت ندیده است که بیش‌از یکمرتبه قوائی که ازحیث کمیت‌ضعف وازحیث کیفیت و فنی‌مادون‌خودباشند دراین‌حال‌حریفان قوی راکه از حیث عده خیلی بیشتربودند شکست دهند.

درچنین مواردی علت اساسی وقطعی‌ظفررا باید درروح فداکاری - درتحقیر حطام دنیوی ودرآن ایمانی که کوهها را ازجابرمیکنند جستجو کرد.

در این حیات که روح وماده فائق آمده باید اعتراف کرد که قشون اسلام ازمظاهر قدس و وتقوی وایمان ترکیب یافته‌بوده است.

قشون اسلام ۳۰هزار نفر بود که باامپراطوری روم بجنك برخواست بنام خداوند بخشنده مهربان قیام کرد فرمانی که پیشوای اسلام بآنها داده بود این است؛

ای مجاهدین اسلام بشنوید وبکار بندید حیله و مکر نکنید - دروغ نگوئید - اطفال را نکشید - هنگامیکه باارتش دشمن در سرزمین خودش میجنگید اهالی صلح طلب آنجارا اذیت نکنید - مزارع راپایمال نکنید باغهای میوه را ازبین نبرید درختان خرمای را ازجای برنکنید.

پیغمبر اسلام ص قبل از آنکه پیروزی این جنك رابه بیند رحلت کرد ولی پرورش یافته گان اسلام اداره جهانگیری اسلام را درخارج بعهده گرفتند وبفتوحات محیرالعقو شروع کردند.

تاریخ چندین مورد را نشان میدهد که فتح وظفر مربوط بتفوق اسلحه بوده است اما کمتر مثالی برای ماباقی گذارده که یك نظمی که بوسیله زور تنها تحمیل وتمدید شده باشد بتواند قابل دوام وبارور باشد.

این نظم وترتیب وزور مولود ایمان اسلامی است که بشکل یك زبردستی عالی سیاسی ظهور کرده وباارتش نیرومندی که روبرو شدند دیدند چگونه تشنه عدالت وآرامشی هستند ولذا نیروی اسلام قبل ازهمه چیز وعده صلح وسلامت فتح وظفر رامقرون بعدالت وآرامش عملی میدادند.

پس از رحلت پیشوای اسلام جنك بزرگی که دوره فتوحات عرب را آغاز کرد جنك سوریه ومصر مخصوصاً ازلحاظ روشهای عربی قابل توجه بود.

درزمان پیغمبر اسلام اقوام وقبایل پیابانی خودرا بحدود دنیای رم ودنیای ایران رسانیدند و ازسستی ورخوت دودولت استفاده کامل کردند.

نفوذ آرام عرب درقرن ٤ منجر بتشکیل دوامارت عرب شد یکی امارت غسانیه درحوران ودیگر امارت لخمیه درساحل راست فرات که ازامپراطوری ایران شد.

دراین تهاجمات عرب درایالات سرحدی امپراطوریهای همسایه فتح وظفر بیشتراز نظر اقتصادی بصورت مذهبی بود- این نفوذ تدریجی بقدری عمیق بود که سوریه جنبه عربی پیدا کرد.

در سرحـدات امپراطوری شرق مسلمین بعنوان آزاد کنندهٔ سرزمین ملی وارد شدند و بسخنرانی سردار وفرمانده ارتش اسلام خالد مردی که دارای احساسات آتشین بود که تکانی بمردم داده خالد گفت:»

خدا این سرزمین راببدر ماابراهیم واولاد اوداده وما فرزندان ابراهیم هستیم شما باندازه کافی مالك کشور مابوده اید».

فتوحات غیاوزین در سال ٦٣٤ میلادی ویرموك ٦٣٦ میلادی برای مسلمانان سوریه تسلط بفلسطین وسوریه راتضمین کرد دمشق را درسال ٦٣٥ واورشلیم را در سال ٦٣٧ انیفوش را در سال ٦٣٨ فتح کردند.

مصرهم مانند روم وایران دستخوش هرج ومرج بود عمروعاص درسال ٦٤٠ مصر را گشود ونفوذ اسلام دراین سه جانب بسیار اثرعمیق بخشید وتمدن اسلامی رابجهانیان نشردادند.

مسلمین ازطرف ایران و روم و مصرو قسطنطنیه بامغرب ارتباط یافتند ودر افریقا وارو پاهم پیش رفتند.

فتح اسلامی مخصوصاً فتح افریقای شمالی واسپانی درقرن هشتم م مرکز ثقل زندگی اقتصادی مسلمین دنیارا تغییرداد.

مدیترانه غربی مسلمان شد امپراطوری فرانك که تجزیه داشت دیدروابط تجارتی دریائی او با مصر وسوریه قطع‌شد.

بیزانس بین بنادر غرب‌وشرق رفت‌وآمد بازرگانی می کرد وهنوز تجزیه قوی داشت ناپل‌کانت وآمالفی نیزهنوز تجزیه داشتند ولی منافع آنها مستلزم نزدیك شدن بمسلمین بود وبالاخره باهم‌دستی آنها اعراب توانستند سیسیل‌را بگیرند.

درقرن ۹میلادی ۲ه که جنگها خاتمه‌یافت فعالیت اقتصادی ولایات مفتوحه اسلام‌دارای عظمتی شده وراههای تازه برای‌معاملات اسلامی بازکردند.

دراواخر قرن سوم‌هجری اسلام دنیائی راتشکیل میداد که دیگرسرحدی بین‌ملل مفتوح‌وجود نداشت‌مال‌التجاره‌ها آزادانه ازچین تاجبال پیرنه‌همه‌جا درممالك‌اسلامی‌جریان داشت.

زندگانی اقتصادی امپراطوری اسلام بسوی بغداد پایتخت و مرکز باشکوه اسلام که زیبائی آن‌تمام دنیای مکشوف آنوقت راخیره ساخته‌بود متوجه گردید.

دراین امپراطوری بود که‌کاروانهای آسیا جاده بزرگی که از رودو لگابه دریای بالتیك منتهی میشد هدایت میکند ومحصولات ممالك اسلامی بسوی افریقا و آسیا منشعب میشد باآنکه مسلمین رشته تجارت دستشان بود راه رابرمسیحیان نبستند وآنهارا بمراکزتجارتی وبنادرآزاد میگذاشته تا بامسلمین ارتباط پیدا کنند وقبول اسلام نمایند.

این اهمیت بازارتجارتی ورونق آن پس‌از اسلام بنفع ایتالیا تمام شد.

فتح مسلمین بانتایج اقتصادی خودسند یك تکامل قدیمی رامهر کرد وبست

باری درکشورهای اسلامی که تمدن راتمرکزوپرورش داد ازبغدادپایتخت عباسی واسپانی‌مصر امویه تمدن عرب برای فتح اروپا حرکت‌کرد وکشورهای اسلامی متمدن‌ترین کشورهای اروپا و آسیای میانه بود.

بغداد وقرطبه‌باشکوه‌ترین شهرها شدندکه ثروتهای دنیا وعلوم ودانش جهان وصنایع‌در کمال اعتلا وترقی پیشرفت کردند این دوشهرمرکز یك زندگانی معنوی پرهیجان وکانون نورانی متمدن بشمار میرفت که ازآنجاشکوفه‌های‌بی‌نظیر علوم وصنایع وادبیات دانشمندان وصنعتگران زوایای‌عالم را بخود جلب کرد.

باید ازروی انصاف گفت پنج قرن اولیه اسلام دوران مشعشع تاریخ بین‌المللی بوده است.

که بوسیله صفات عقلانی وصنعتی اعراب وایرانیان که پیش‌آهنگان تمدن اسلامی بودند در انقلاب اسلامی وعلاقه مذهبی شناخته میشود. علم ودانش ـ فلسفه وحکمت علوم وفنون صنایع وادب ازدومرکز اسلام بجهانیان ارزانی‌شد.

بتاریخ تمدن اسلام مراجعه شود جزئیات رشته های مختلف راکه بصورت برق پیشرفت میکرد نشان میدهد.

مراکزاسلام اندلس کجاست ـ کلیه نواحی اسپانیا را که تحت استیلای مسلمانان واقع گردید اعراب اندلس نامیدند.

تصرف این نواحی دراواسط سده اول هجرت مطابق با اوایل قرن هفتم میلادی بوقوع پیوست درسال ۷۱۱ طارق برحسب فرمان موسی بن نصیر فرمانده قشون اسلام درافریقای شمالی ازتنگه جبل عبور کرد ونام خودرا بدانجا بخشید که «جبل الطارق» گویند ـ طارق در راس افواج بربری خود بشبه جزیره اسپانیا هجوم برد وبفاصله کوتاهی که از چندماه تجاوز نمیکرد همه آنحدود را تصرف کردند این استیلا هشت قرن دوام داشت ـ «تاریخ اسپانیا پاریس سال ۱۹۳۸» این نیروی فاتح بیشتر بربرهای مراکش بودند وقشونی که اسپانیا رانگاهداشته ازقبایل سوریه بودند ـ ازهمین قرن اول اختلاط قومی بین اعراب و اهالی بدوی شبه جزیره آغاز گردید و ازدواج هـای مختلط خیلی شیوع یافت .

زن آخرین پادشاه وزیکت دودریك چون ازبین رفت پسرموسی بن نصیر سردارقشون عرب بااو ازدواج کرد پس ازآن ازدواجهای زیادی بین اشراف مسلمانان بازنهای عیسوی مذهب بوقوع پیوست این وصلتهـا در آینـده جنبـه عمومی بخود گرفت چنـانچه عیسویان ویهود که میخواستنداز عنوان جزیه خارج شوند ودارای مقاماتی درجامعه فاتحین گردند تغییرمذهب دادهوهمهمسلمانشدند ورهین منت عدالت ووفاداری اعراب گردیدند .

ارنست رنان فرانسوی میگوید هیچگاه جهانگیران پیش ازاعراب عدم تعصب مذهبی وبردباری نسبت بمغلوبین نشان ندادند .

دراین آمیزش واختلاط کارهای کلیسا ورؤسای آن باتصویب خلیفه قرطبه بود زبان عربی زبان رسمی شد که بین هزارنفریکنفریافت نمیشد که بتواند بطورشایسته بزبان لاتین بدوست خود نامه ـ بنگارد کتابهاجمع آوری وتالیف وتدوین میشد اشعار وادبیات عرب رونق یافت نوشته جات وحکماء الهی مورد مطالعه قرار گرفت تمام عیسویان جوان زبان وادبیات عرب رافرا گرفتند وبزبان عربـی هزاران اشخاص بودند که بهتراز عرب تالیفات خود را برشته تحریردر آوردند

تمدن اسپانیای اسلامی باتمدن خلافت بغداد دریکزمان رشد ونمو کرد رشتههای سیاسی بین شرق وغرب دربدوامر گسیخته شد.

اندلس فقط ٤٤ سال تابع دمشق بود جدائی وتفکیك درموقع قیام خلفای عباسی بوقوع پیوست اما اسپانیا انقراض بنی امیه راقبول نکرد واستقلال اندلس ازجلوس عبدالرحمن نوههشام که ازایذای خلفای عباسی جان بدربردند سلطنت قرطبه رادرسال ۷٦٦ م بدست آورد شروع میشود . تمدن اسلام وعرب دراسپانیا بسیارسریع وعمیق وبادوام بود دراندك زمانی کلیه شئون زندگانی عیسویان ویهودیان را تغییرداد ومملکت رابرنگ یك کشوراسلامی درآورد.

هدایت مسلمین در ظرف یك قرن زمینهای بـایر آنکشور را قابل زراعت ساخته شهرهـای خـالی از سکنه را معمور و آبـادان و یا بناهای باشکوه و ایجاد روابط تجـارتی باتمام ملل برقرار نمودند .

محصولات معادن و کارخانجات اسلحه سازی ـ حریر ـ ماهوت ـ چرم ـ قند بتمام افریقا و بشرق فرستادند .

(تمدن عرب دراسپانیا چاپ قاهره ۱۹۳۸) «کتاب ابوالفوارس چاپ پاریس ۱۸٦٦م»

جاده‌ها - پلها - مهمانخانه‌ها - بیمارستانها - مساجد مدارس دانشگاه بزرگ درهمه‌جا ایجاد شد ۱

اسلام مردم مسلمانرا ایطورتربیت کرد که بزودی دریك مملکت دوردست و بیگانه ازهرچیزدر فلاحت . تجارت ، زراعت ، صنعت ، قدرت نفوذمعنوی ، سازمان اداری ، اجرای عدالت واحکام‌دین موفق شدند، کشت برنج ، توت ، موز، پسته ، خرما نیشکررا دراسپانیا وارد کردند گلها ، ریاحین سبزیجات که دراروپا سابقه نداشت منتشر کردند . معادنی که‌از زمان فیقیها ورومی‌هامتروك مانده بود مجدداً استخراج کردند وکانهای تازه بدست اعراب کشف واستخراج وسبب ترقی آنهاشد - معادن زیبق ، نزدیك‌المعدن ، یاقوت نزدیك مالاگاو نژادکامارس ودرسواحل کاتالنینس مروارید ودر سواحل اندلس مرجان صید میشد. ترقی روزافزونی دربهبودوضع عمل دباغی چرم ونسج‌پنبه‌و کتان و شاهدانه حاصل شد ، اشیاء چرمی ، یراق اسب و زینهای قرطبه ، حریر قرناطه تیغهای تکده در آسیا و اروپا و بلور سنك ، گوگرد ، نمك ، زعفران ، زنجبیل بسواحل افریقا و بنادر شرق می‌بردند .

مشعشع‌ترین دوره سلطنت وحکومت اسلامی درآسیابود که دوره مسلمانان مملکت پرجمعیتی بود که ۸۰ شهربزرك و ۳۰۰ شهردرجه ۲و۳ یافت میشد .

مسلمین درامورسیاسی باهم متفق ومتحد بودند کلیه بنادر آن مملکت برای اعراب اسپانیا بازبودکارخانجات آنها قدری وسیع بود که امپراطوری اسلام‌همه لزآن بهره‌مند میشدند ۲

چیزیکه بیشترتمدن اسلام را دراندلس درخشان میسازد و اهمیتی مترقی مادی آنها میدهد روحانیت وعلمیت‌افرادبرجسته مسلمان است که اسامی ابن‌رشد «ابوالفوارس» ابن‌هاجا . ابن‌طفیل ابن‌عربی . ابن‌خزم و غیره شواهد دامنه وسیع وعمق روشنفکران و مظهرافکار و اندیشه علمای اندلس میباشند.

مسجد بزرك قرطبه که درسال ۷۸۶ هجری ساخته شد طولش ۶۰۰ پا وعرض ۲۵۰ پا۲۹رواق درطول و۱۹ رواق درعرض دارد دراین رواقها ۱۰۹۳ ستون مرمری وجود دارد وآثار بناهای صنعت تولدو - القصر - اشبیله - الحمراء - غرناطه - شواهد موجود عظمت معماری و صنعت‌کاری زیبای مسلمانان میباشد ،

۴۷۰۰ لامپا این مسجدرا روشن میساخت و مصرف سالیانه روشن آن بنقل «م گاردن » ۲۰،۰۰۰ پوند بود همه ساله ۶۰ پوند عود و ۶۰ پوند عنبر برای معطر ساختن فضای مسجد مصرف میشد .

۲۵ درب که روی آنها ازبرنج پوشیده شده‌بود وساعت عجیبی درهشت مدخل این مسجدبود درب عمده آن ازورق طلا پوشیده شده بود دربالای مرتفع‌ترین گنبد ۳ توپ‌طلا که دروی آن یك انار ویك گل ازطلا قرار گرفته بود مشاهده میشد . ۵۰۰ سال این مسجد بااین عظمت که بوصف قلم نیاید مرکزدعوت‌اسلامی بود - همین‌ملل‌اروپائی قصرالحمراءرا که نظیرقرطبه بود خراب کردند وبجایش محل‌موزیك ساختند،

ساختمان‌مدینة‌الزهرا که میتوان آنرا قصرورسای بنی‌امیة‌نامید دردوره سلطنت عبدالرحمن بعمل‌آمد واین قصورابنام محبوبه‌اش زهرا بنا کرد شاهکاری ازمعماری مسلمین محسوب میشد ولی

---

۱ « تمدن عرب گوستاولوبون »

۲ «تاریخ افریقا واسپانیا درزمان استیلای‌عرب چاپ پاریس‌سال ۱۷۶۵م »

متاسفانهٔ امروزاثری ازآن نیست «م گاردن»

این نمونه‌ها رابرای آن آوردم که مسلمین امروز بدانند چه دوره‌هائی را داشته‌اند وعوامل ترقی وعظمت آنها ایمان بدین بود وسبب انحطاط آنهادوری ازدین وایمان است تمدن اسلام بیش ازآن است که بیك یاچند کتاب خاتمه یابد مااین نقاط حساس آنرا برای تحریك غیرت و جمعیت مسلمین معاصرانتخاب کردیم شاید ازخواب خرگوشی بیدار شوند و مجدد عظمت دوره بنی‌امیه و بنی‌عباس رادرشرق وبنی‌امیه رادراسپانیا وتمدن اسلام رادرسیسیل وامپراطوری مصر ودوره فاطمین را درقرن ۵ وممالك سامانی وآل بویه یاممالك مقتدر ترك سلجوقیان . خوارزمشاهیان. مغول ، تیموریان راکه روی خرابه‌های دولت عباسی برپا کردند وتمدن اسلام را بهندوستان و چین انتقال دادند و دولت اخیرعثمانی که سلاطین بزرگش نسبت بکلیه امورمعنوی مساعدت داشته یادآور شده بدانند تمام این دول که وارث وادامه دهنده عمل خلفای عباسی هستند .

کانون علوم اسلام

درخشانترین ستارگان آنعصر دانشمندان وروشنفکران و علمای اسلامی هستند که ارتباط معنوی این کشورها همیشه بدست آنها بوده است چون تمدن اسلام دراروپا رونق گرفت درسال ۴۳۱ نستوریها مدرسه معروف خودرا درارسن تاسیس کردند تاسال ۴۸۹ اینمدرسه کانون مقرراتی بود که علوم یونانرا بشرق پراکنده کرد چون که اکنون اینمدرسه راخراب کرد علمای آنجا بایران پناهنده شدند وساسانیان آنهارا حمایت کردند ازطرف دیگرفلاسفه مکتب افلاطونی ومدارس اسکندریه که ازحیث معروفیت دست کمی ازمدرسه نامبرده درفرق نداشته ژستنین پادشاه اغلاس رابسته بودباستادان مذکوردرایران ملحق شدند .

دانشمندان نامبرده مصنفات ارسطو. جالینوس ومولفین دیگریونانیرا بزبانهای شرقی «سیریاك کلدانی» ترجمه کردند ،

چون اسلام مانندبرق لامع درجهان پرتوافکن شد اعراب مسلمان توانستند هنگام فتح سوریه وایران قسمتی ازذخائر علوم یونانی وارمنی‌را که دردولت زمین مشرق سلاطین جاهل ومتعصب ازبین برده بودند بدست آوردند .

روایتهای سیریاك بعربی ترجمه شد. مصنفات فلسفی وعلمی مولفین یونانی که درزبانهای شرقی وجود نداشت وتوانستند زبانها را در موقع ازدست انهدام تادز وژوستین نجات دهند بادقت زیاد ترجمه شد .

المنصورخلیفه عباسی اولین شخصی بود که دارای جدیت درترجمه ومطالعه مولفین یونانی گردید خلفای دیگر محمد الهادی ـ هارون الرشید مامون ـ سرمشق اورا باجدیت و ثبات پیروی کردند .

ملت حمایت این پیشوایان برجسته درمدارس مملکت علاوه برعبادت وتفسیرقرآن کتب ارسطو جالینوس سقراط ارشمیدس اکلیدس ـ بطلمیوس ـ اپولیوس وتمام فلاسفه یونان ترجمه وتعلیم داده میشد . علوم یونان ورم از فرات تا افریقای شمالی وگالدا کیسویر منتشر و بفرانسه و ایتالیا داخل شد .

۱. همبلت «چاپ پاریس سال ۱۹۴۶» میگوید اعراب بطورعجیبی برای واسطه نشرعلم شدن استعداد داشته آنان دارای یك فعالیت بی‌نظیری بودند که درتاریخ دنیا دوره متمایز را نشان میدهد

تمدن اسلام علوم قدیمه را ازاندراس و گمگشتگی نجات بخشید و آنهارا از قدما بتمدن جدیدی تحویل داد اومیگوید مسلمین دارای متخلیله حاصلخیز و کنجکاوی ادبی سیرنشدنی بودند که بصرف امانت دارای علوم یونانی وارمنی قناعت نکردند بلکه همینکه ازمرحله شاگردی وجمع آوری دانش گذشته شاگردانی بتربیت خوداستاد شدند .

مدرسه بغداد سنت تمدن یونانرا که مدارس اسکندریه و آتن ازبین برده بود تجدید کرد و روی کارآورد افکارقدیمه ازاکتشافات جدیدمعمور وعمیق گردید . اکتشافات مهم در کلیه شعب علوم دوام وترقی تمدن راتامین کردند .

سدیو صاحب تاریخ اعراب چاپ پاریس سال ۱۸۵٤ مینویسد اعراب در قرون وسطی یگانه نمایندگان تمدن میباشند وبربریتی راکه دراروپا منتشرشد و متهاجمات ملل شمال تزلزل کرده بود عقب بردند ،

۸۰۰ سال نورعلم ودانش بوسیله اعراب درسرتاسر اروپا تابیدن گرفت اعراب در یکدست شمشیر ودردست دیگرقرآن داشته وپس ازرحلت پیشوای خود بفتوحاتی دست زدند که قسمت اعظم آسیا وافریقا واسپانیا تحت استیلای آنان قرار گرفت .

دانشگاه بغداد شرق وغرب رامنور کرد ، قرطبه ، وتلد ، قاهره ، فارس . اصفهان ، سمرقند باهمت‌های خلفای عباسی همسری میکردند - این افتخارات مسلمین است که در جهان بشریت و کتاب مدنیت گذاشته‌اند وهیچکس نمیتواند این حقایق را انکار کند این تمدن منبع تمدن کنونی جهان شده است . ۱

این نویسنده مسلمان غربی که در سوس زندگانی میکند در ضمن کتاب تمدن اسلام خود رشته‌های علوم اسلامی‌را موردسخن قرار داده وچون بعلم حقوق میرسد مینویسد تحصیل حقوق نزد مسلمین ازتحصیل فلسفه سبقت گرفت زیرا آنهامعتقد بقرآن بودند وقرآن تمام قواعدی که برای راهنمائی زندگی خصوصی بشروسازمان سیاسی تشکیلات اجتماعی لازم است همه رادارا میباشد . و کلیه احکام را تلویحاً بحث کرده .

اسلام تا در دوشهرمکه ومدینه حکومت داشت محتاج بعدلیه و دادگستری نبود ولی چون فتوحات دامنه داری پیش‌آمد قرآن که منبع کلیه قوانین بود منشاء قضاوت وحکومت شد وبرای اینکار تفسیروحدیث ومباحثات قضائی بااستدلال منطقی فقهارونق گرفت افکارمبتنی برحکمت اللهی و استدلال منطقی وراهنمائی قرآن ونقشه شد .

اصولا حقوق اسلام منجمد و بسته نیست باتکاء اصول دست نخوردنی یك مجموعه مقننه الهی که کمك احادیث آنرا معمور کرده راه وسیعی برای ایجاد دستگاههای وسیع دائمی قضائی گشوده است .

ملل اسلامی برای آنهائیکه قوانین خودرا بااحتیاجات یکدوره تکاملی و ترقی وفق دهند ابداً احتیاج ندارند قوانین ملل‌مختلف اروپا راکه بکلی خارج از محیط اخلاقی آنهاست استنساخ کنند یاتقلید نمایندحقوق اسلام وسایل تغییرات لازمه رابرای موسسات قضائی‌شان دردسترس همه گذارده است .

۱ (چهره‌های‌اسلام آقای حیدربامات فصل علوم مراجعه شود) ،

چهره‌های اسلام فصل علوم سیاسی واجتماعی وحقوق

ارتش اسلامی

درزمان پیغمبر ص مسلمانان همه بتربیت دین آراسته بودند و تربیت دینی چنین بود که یك مسلمان درمسجد عابد و دربازار کاسب ودرمیدان جنك مبارز وجنگجو ودرمدرسه مدرس وفقیه ودر کار وصنعت نیز استادماهری بودواین فضایل کم کم تفرقه یافت ودرمهاجرت بمدینه ۳۱۳ نفرمسلمان همه دارای این صفت بودند تاجنگها شروع شد وپیغمبراسلام هیچوقت مهاجم نبود وبرخلاف آنچه گفته‌اند مسلمین بکسی هجوم وحمله نمیکردند مگر دفاع مینمودند در۸٤ جنك و سریه که زمان پیغمبرص رخ داد همه‌جا جنبه دفاعی‌داشت وهیچ کجادیده وشنیده نشد مهاجم باشند ودراین موضوع کتابی مستقل نوشته شده است .

درسال اول هجری مسلمین هفتادنفر نظامی داشتند که‌کارشان فقط نظام بود برای تربیت وتنظیم جمع‌آوری قشون وتقسیم غنائم واموال وتهیه سلاح وغیره سال دوم وسوم بیکهزاروپانصد نفررسیدند وسال نهم درغزوه تبوك سی‌هزارمردجنگی مسلمان مبارزبودند .

درزمان ابوبکرشماره آنها بپنجاه ویکهزارنفررسید درزمان بنی‌امیه بیکصدوچهل‌هزار نفربالغ شدچون امیرالمومنین علی‌بن‌ابیطالب برای دفاع‌معاویه برخواست معاویه ۱۲۰ هزارنفرقشون آراست وعلی (ع) نودهزارنفر وبشرحی که درکتاب‌امیرالمومنین ع نوشتیم تلفات سپاهیان علی یکسوم‌تلفات سپاهیان معاویه بود وفتح وظفرهم باآنهاشد که بحیله‌داستان‌حکمین‌را پیش‌آوردند .

بنی‌عباس که بجنك هرقل رفتند ۱۳۵ یکصدوسی‌وپنجهزارنفرسپاهی داشتند درسال۳۲۳ قشون اسلام بچهارصدهزارنفربالغ شد بشرحی که ابن‌خلدون نوشته است و درسالهای بعدجمعیت سپاهی مسلمین بنهصدهزارنفر درمصررسید وروزافزون همه‌جا قدرت مسلمین نمایان بود ،

نهضت مسلمین درجهان

مسلمین جهان که ازچهارملیون نفردرقرن ششم تجاوز میکردند و٤٤ کشور بزرك که بیش‌از ٤٠ ملیون کیلومترمربع اراضی پهناوردنیاارازیرحکومت خویش اداره میکردند وپرچم توحید رابرفراز همه پست وبلندیهای جهان در اهتزاز داشتند دراثر آمیزش باملل غربی اروپا وترسایان کلیساها نسل دیگری بوجود آوردند که ازتربیت دینی دورشده بودند وهمین اختلاط وامتزاج خونی واخلاقی ملل اسلامیرا بانحطاط واضمحلال دولت امپراطوری اسلام انداخت .

قریب سه قرن تحت‌تاثیر دشمنان سرسخت خود مسیحیان واقع شده وقدرت و دولت و ثروت وتمدن خودرا ازدست دادند ودرسراشیبی انحطاط رفتند تایکقرن بیش که ناگهان افرادی فکور و دانشمند مردانی غیور وجسور دراندیشه سرانحطاط فرورفته وبرای نهضتی اجتماعی وایجاد وحدت قیام کردند .

تاریخ گذشته‌را دیدید که تمدن ـ علم ـ ثروت ـ کتب ـ ذخائر ـ نفایس ـ عمارات ابنیه وقصوربی‌ماندی رامسلمین باروپائیان مسیحی برایگان بخشیده وبجای آن همان عواملی که ملل اروپائی درقرون وسطی‌داشت پیش گرفته‌اند ـ عشرت ـ خوش‌گذرانی

بی‌قیدی - تن پروری - اعمال شهوات - بیحالی - جهالت - ناتوانی بیشه آنها شد

حس غیرت آنها را برانگیخت که باید وحدت اسلامی تجدید شود. نغمه‌های اتحاد اسلام وحدت اسلام - ایجاد خلافت مسلمین و انواع این کلمات ومعانی گفته شد وکتب و مجلات و رسائل و سخنرانیهای مهیج وتظاهرات اجتماعی برای بدست آوردن این شخصیت حقوقی بروزداده شد اما دشمن دیرینه بکار تقویت ریشه فساد و غرس تخم نفاق و برانگیختن حس تعصب‌های ملی جاهلانه و تحریکات سیاسی برای ایجاد حکومتهای ناجوانمردانه شروع کردند چنانکه در ایران، ترکیه، طرابلس. مراکش، تونس: مصر، هندوستان وغیره بانواع حیل و وسایل متشبث شده وملت را از از دولت وهنردوراز همسایه‌های خود بدبین‌وبدخواه جلوه میدادند. جنگهای سنی، شیعی، وهابی بابی: بهائی. بوجودآوردن مهدیهامدعی امامت درشرق‌اقصی‌همه میوه افکارپلید دشمنان‌دین‌اسلام بود که مسلمین را ازهم جدا سازند و بموجب ضرب‌المثل خود (فرق تسد) برآنها تفرقه انداخته حکومت کنند واموال وذخائرشانرا بتاراج ببرند وبجای آن رذایل اخلاقی از راه سینماها و نمایشات شهوات بگذارند.

مسلمین درقرن گذشته بیدار شدند تمام کشورهای مستقل اسلامی ونیمه مستقل یاممالك غیر-اسلامی که تعداد مسلمین آن ۱-۵ مردم جهان داده بود جنبش کردند البته تمدن اسلام که درظرف ۸۰ سال بدنیا ارزانی ورایگان داده شد و ۵ قرن براساس آئین آن حکومت داشته ۵ قرن درحال خمود وجمود مانده بود یکدفعه ممکن نیست آن اعتلا ورقاء خودرا بدست آورد قرنها بااین وضع کنونی دنیا فرصت لازم دارد.

مسلمین درجنبش خودمتوجه شدند که درتمام این قرون متمادی اسلامی‌اگرچه ممالك‌اسلامی مضمحل شده اگرچه تمدن خودرا با اموال و ذخائر علمی وقیمتی ازدست داد ولی معنویت اسلام همچنان باقی وبرقراراست.

مسلمین حس کردند که‌اسلام درحدخود هیچگونه خدشه ومصیبتی ندیده زیرا اگرازافقی‌محو شده درافق دیگرمانندخورشید تابان طلوع کرده واین‌ازحقیقت دین است درهمان اوقات که ممالك اسلامی ازاندلس‌باآن عظمت ازدست میرفت در بومیهای جزایر آقیانوسیه وسرخ پوستان هندی و سیاهان افریقای جنوبی و شرق اقصی از راه فضیلت اخلاقی رخنه کرده و مانند آب تمام جوانب خود را میگرفت.

روح اسلام که روح اصلاح مفاسد اخلاقی بود دررك وریشه عالم اسلامی سخت جنبیدن گرفته وآنرا پی‌درپی پیش میبرد.

درخلال تاریخ خواندیم که یك افریقائی برهنه بومی سیاه بدشمن حمله کرد چون فائق‌آمد سراورا برید درآتش کباب کرد وخورد همان مردم چون اسلام رادیدند لباس پوشیده منظم شده در مساجد و مدارس مانند یك آدم حسابی تشکیل جامعه دادند این حقایق تاریخی مسلمین را برای دعوت باتحاداجتماعی برانگیخت وحس وحدت ملی راتحریك وبیدارنمود.

جامعه مسلمین یعنی پیکری که بمفهوم کلی وتمام معنی عبارت ازاحساس‌اتحاد عمومی واتحاد رشته‌پیوستگی ناگسستنی است که میتواند تمام این مردم متفرق رامانند صدراسلام بایك مابه‌الاجتماع معنوی که توحید ونبوت است بهم بپیوندد وبیخ وبن این اجتماع رابراساس عقیده و ایمان کامل اسلام

مجرد و بی پیرایه استوار سازد تا همه این ملل مختلف و این مردم گوناگون در نژاد و آداب و رسوم و آب و هوا محیط و زمان و مکان با همان مابه الاجتماع اساسی در حزن و الم در عیش و سرور یکدیگر شرکت داشته باشند شرکت بتمام معنی که حمایت کنند و در امر یکدیگر مانند دو برادر باهم اهتمام داشته وحقوق برادری را متبادلا وفاوادا نمایند ،

در صدر اسلام این بذر اتحاد و اتفاق بدست پیغمبر اکرم ص در آئین دل مسلمین افکنده شد و با خون شهدای اسلام آبیاری گردید مخصوصا خون پاك حضرت حسین بن علی ع و یاوران او که در تربیت و رشد این اصل و ریشه و شاخ و برك اثری عمیق بجا گذاشت و از همان وقت باطراف دنیا شاخه دوانید و تا درخت سرسبز و خرم شد ـ و شاخ و برك آن بآسمان سر بر کشید و بارور گشته و میوه بی حساب بداد .

۱۳ قرن اسلام خود خود پیش رفت و در زمین قلوب بشر جایگاه محکمی گرفت و از یکنفر به ۶۵۰ ملیون نفر رسیده است و در اینمدت هیچ حادثه و باران بلا و آفتی نتوانست باصل دین خللی وارد سازد .

هر چه برعمر دین اسلام گذشت و میگذرد ارزش اجتماعی و اثرات مفید آن روشن تر میگردد. شدت علاقه علما ودانشمندان جهان بر آن بیشتر میشود و برعظمت واحترام پیروان آن می افزاید ـ اسلام این نیست که ما داریم و مملکت اسلامی محدود بکشور ما نیست نگاهی بدنیای اسلام و آثار مسلمین بنمائید .

خوانندگان عزیز بین خود و خدا قضاوت کنید جامعه مسیحین جامعه یهود، جامعهٔ هند ، جامعه کنفسیوس ، با جامعه هنود جامعه های مادی ملل اروپا بسنجید ببینید چه از فضایل اخلاقی چه از علم و دانش که برتو قرآن است چه از طهارت و پاکیزگی که ملازم نماز پنجگانه مسلمین است چه از صفای باطن که ملازمه روزه یکماهه رمضان است چه ازامور اجتماعی که ملازمه عدالت اقتصادی و قضائی و احکام است تاچه اندازه فاصله دربین این ملت وسایر ملل دنیاست .

این جنك و پیکار که درمیان مسلمین دراثر کینه توزی دشمنان است وگرنه مسلمانان باهم جنك وستیز و کینه وخصومت حتی ظن بر ندارند .

بگذار مسلمین بحال خود باقی بمانند ببینید چگونه بزودی برتمام دنیا تسلط خواهد یافت ـ همانطور که پنج قرن دنیارا اداره میکردند . مسلمان همان کسی است که درمیدان درموقع جاندادن بازخمهای فراوان چون آب باومیدهند میگوید آن رفیقم ازمن تشنه تر بود باوحواله میکند واین حواله تاده دست پیش میرود آخرالامر همه تشنه فدای اسلام میشوند .

مسلمان آنکسی است که چون برای اوهدیه فرستادند باکمال گرسنگی خود و عیالش تحمل کرد و گفت آن همسایه ازمن احتیاجش بیشتر است چنددست وخانه گشت تاباز باولی بازگشت نمود برای صفات فاضله مسلمین ومزایای اخلاقی آنها کتب فراوان نوشته شده مانند کتب اسلام ایکاش این کتب بزبانهای خارجی ترجمه میشد مسلمانان بدنیا معرفی میشدند .

آئین اسلام افراد ملت وجوامع اسلامی را مانند دانه های تسبیح بهم پیوسته و بآنها یك حس دینی و یکروح اسلامی بخشیده که چون بیدار باشد راهنمای بشر بسعادت وخوشبختی است مسلمین باهمین سجایای نفسانی ممالك وشهرهای بیشماری بدست آوردند وممالك بزرگی تسخیر کردند باهمین صفات فاضله کشورهای بزرك را ازچنگال مسیحی وبرهمائی بیرون کشیدند وچون درهند پای برجا شدند

تاجزایرجاوه وسوماترا دراقیانوسیه پیش رفتند وآئین برهما را نیزمنسوخ کردند و این دوجزیره بزرك بنای مسلمین است که مسلمین آنجاراساختند ۱

مسلمین شهرهای تاریخی اندلس وجزایراقیانوسیه همه مسلمان ، موحد ، باایمان - بافضیلت بودند - دولت اسلامی که مضمحل شد مسلمین مضمحل نشدند ، دست ازعقیده و ایمان پاك خود بر نداشته بلکه شروع بدعوت کردند ومردم جهانرا بدین آئین پاك خواندند - حج وخلافت آنروز تنهادوپایه اتحاداسلامی بود که امروزخلافت آن ازبین رفت فقط حج برقرار است وآنرا بمنزلـه يك کنگره اسلامی باید معرفی کرد .

اهمیت حج وخلافت درگذشته خیلی بیشترازامروزبود وبرخی ازبزرگان ممالك اسلامی امروز هم معتقدند که خلافت تنهاوسیله اتحاد اسلامی است - ولی آیااین خلافت درمیان کدام یکی ازملل ایرانی - ترك - عرب - هندی - افغانی - سیاه افریقـا - مسلمانان اروپائی یاامریکائی بایدصورت بگیرد مورد اختلاف است .

پیدایش حکومت وهابی ، تصرف الجزایر بدست فرانسویها ، استیلاء روسی برقفقاز انگلیس برهند وسواحل خلیج فارس ،ایتالیا برطرابلس وغیره همه نقشه خائنانه دشمنان بود که خلافت عثمانی رامضمحل کردند وممالك آنرابصورت مستعمره تصرف نمودند وشورشهائی مانند شورش مهدی در افریقا وشرق اقصی . بابی وبهائی درایران . سنی وشیعی درعراق وهابی مذاهب اربعه در حجاز و غیره برپاکردند وفرهنك فاسدی مشحون بررقص وشهوات الفاظ توخالی و پوك درعین حال زیبا و شیرین بنام تمدن در ممالك اسلامی بجاگذاشته بت پرستی که سالها مسلمین بپیروی پیشوای خود و امرقرآن باآن مبارزه میکردند بصورت قددانی دایروجسمه‌ها برمیدانها نصب کردندومسلمان را ازمعانی رقیق دین بازداشته غافل بودند که اسلام هدایت خود شایسته هراصلاحی است وآزادی آن بزرگترین منجی عالم بشری بوده ومبارزه بادوفتح ندارد .

نویسنده یقین دارد که چندصباحی کاخ تمدن مادی ملل اروپا دیگرمهلت ندارد وباید میدان را برای مسلمین خالی کند یااسلام را ازجان ودل قبول کند زیرا رفتارمنظم و معتدل جزدر اسلام دیده نمیشود وباید روش دینی مسلمین منطبق بااصل برنامه دینی شود تارقاءِ ملی ورشد عقلی واتحاد معنوی خودرابدست آورد،

دشمن هم دیگرتیرش بسنك خورده ونمیتواند قدمی مثبت بردارد آنها باید مانند اقوام عادو ثمود وفراعنه وقیاصره مضمحل شوند .

در قرن اخیر بود که سید جمال‌الدین اسدآبادی از ایران برخواست و در شرق مردم را دعوت بوحدت اسلامی کرد و در اروپـا سخنرانی های مهیج نموده و حس اتحـاد مسلمین را بیدار کرد .

دردنباله اوشیخ محمدعبده وکواکبی وسنوسی درافریقا وخاندان او که بیش از هشتادبلکه صدسال در افریقـا حکومت معنوی داشته وپشت هـر مستعمره طـلب را میلرزانیدند و سیاهی مسیحیت و بت پرستی را در بـرابـر آفتـاب اسلام محـو و نابود میکردند .

۱- عـالم نو اسلام ج ۱ ص ۳۲۰

درهمین اوقات تاتارهای روسی که از دست مسیحیت بتنك آمده بودند باسلام گرویدند نهضت مسلمین درفنلاند درچین درژاپن درهمین قرن ۱۳ هجری و۱۹میلادی شروع شد وشهرت یعقوب بك پیشوای مسلمین چینی درجهان طنین‌اندازگردید سلطان عثمانی بشجاعت وهوشیاری ولیاقت و کاردانی اوآفرین گفت .

نهضت مسلمین درژاپن بدست شیخ عبدالحسن آغازگردید والحق خدمتی بزرك باسلام وملت ژاپن کرده‌همین جنبش درهندشروع شد و مسلمین از صدملیون تجاوز کرد تابالاخره پاکستان مملکت مستقل تمام رسمی اسلامی شد .

نهضت مسلمین درهند وهلند پدیدارگردید ودولتهای غربی استعماری رامستاصل کرد چاره ندیدند جز آنکه مسلمین را ازنظردیانت آزاد بگذارند تادولت مستقل بزرك اندونزی بوجودآمد این نهضتهای بزرك که سبب استقلال ممالك اسلامی‌شد حس اتحاد رابیدار کردومسلمین رادعوت بوحدت اسلامی نمود که یکدل ویکزبان دست‌بدست هم داده رشته اتحاد و برادریرا محکم سازند تابدفاع اززندگی و حسیات خود تواناشوند وبتوانند خودرا ازجنگال مرك خلاصی ببخشند. باید این وحدت بوجودآید و حداقل ۳۵ ملیون مسلمانان چین و۳۵ ملیون مسلمانان روسیه بپیکر جامعه اسلامی ملحق شوند وسرنوشت خودرا بدست خود بگیرند .

نهضتها پس‌ازجنك اخیر دنباله نغمه آغازووحدت درتمام ممالك اسلامی بوجود آمد ملت ترك استقلال بتمام وحاکمیت مطلقه خود را گرفت و ایران برهبری علماء بزرك دست غاصب شرکت نفط را که در تمام شئون زندگی ایرانی مداخله مینمود کوتاه کرد ـ مصری‌ها کانال سوئز را پس گرفتند .

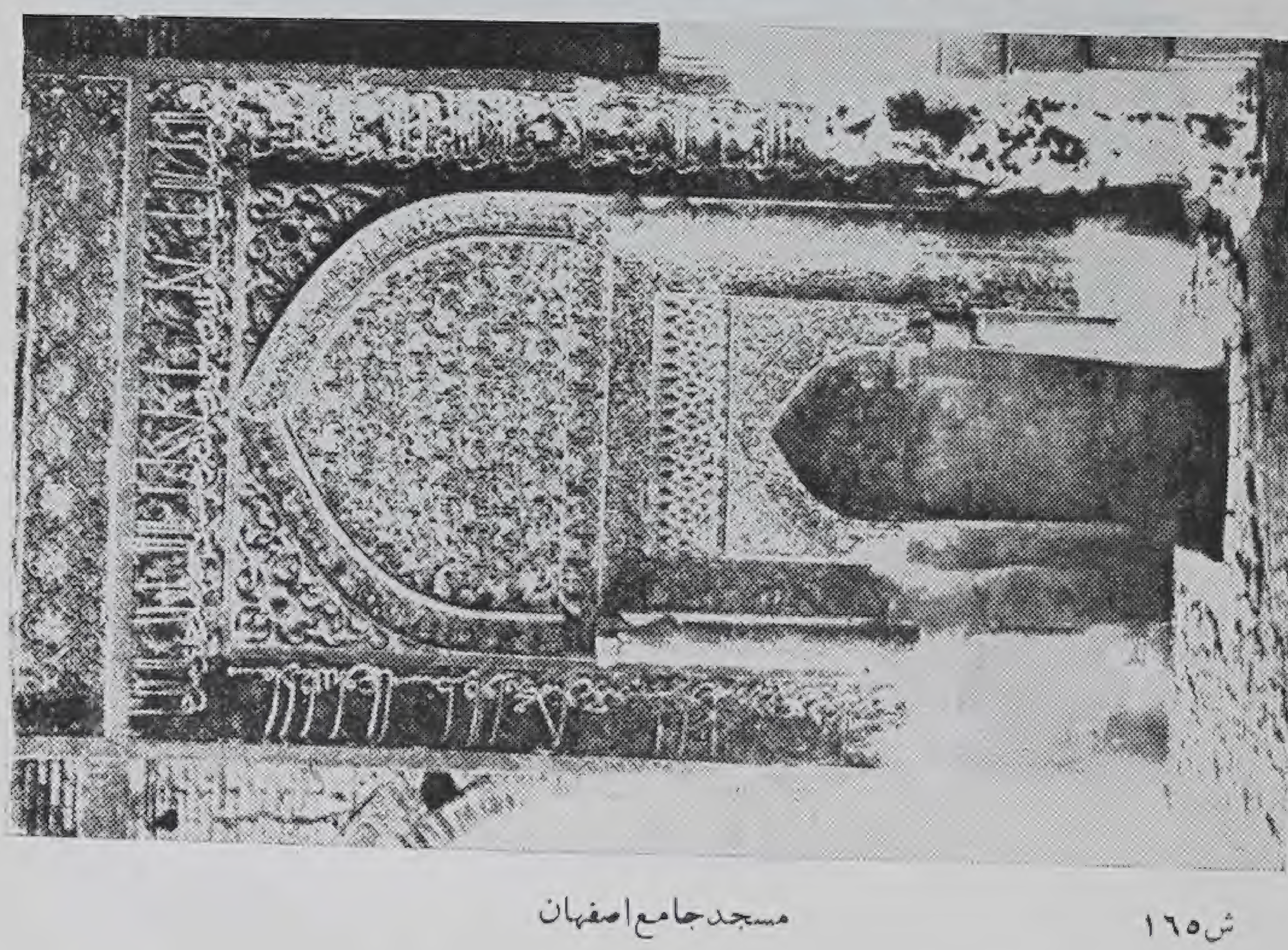
اتحاد وروابط فرهنگی وتجارتی واقتصادی وورزشی بین مسلمین شروع وتقویت شد رادیوهای جهان وتلاوت کلام‌الله مجید درتمام فرستنده‌های اسلامی وغیراسلامی بشرخردمند رابقرآن و حقیقت اسلام رهبری کرد .

مسلمانان ازممالك اسلامی ازملل اسلامی ازنژادهای مسلمان‌ازاوضاع واحوال برادران‌خود مطلع وواقف گشته این تطورات اجتماعی وتحولات سیاسی برای ممالك اسلامی ازجهت نژاد و ملل ترك ، عرب ، هند ، ایرانی ، مصری ، عراقی ، حجازی ، شامی یکروح جوانی در مردم مسلمان ایجاد کرده آتش انقلاب بهر طرف جست طوفان حوادث کشررهای اسلامی مستعمره طلبان را برخود لرزانید.

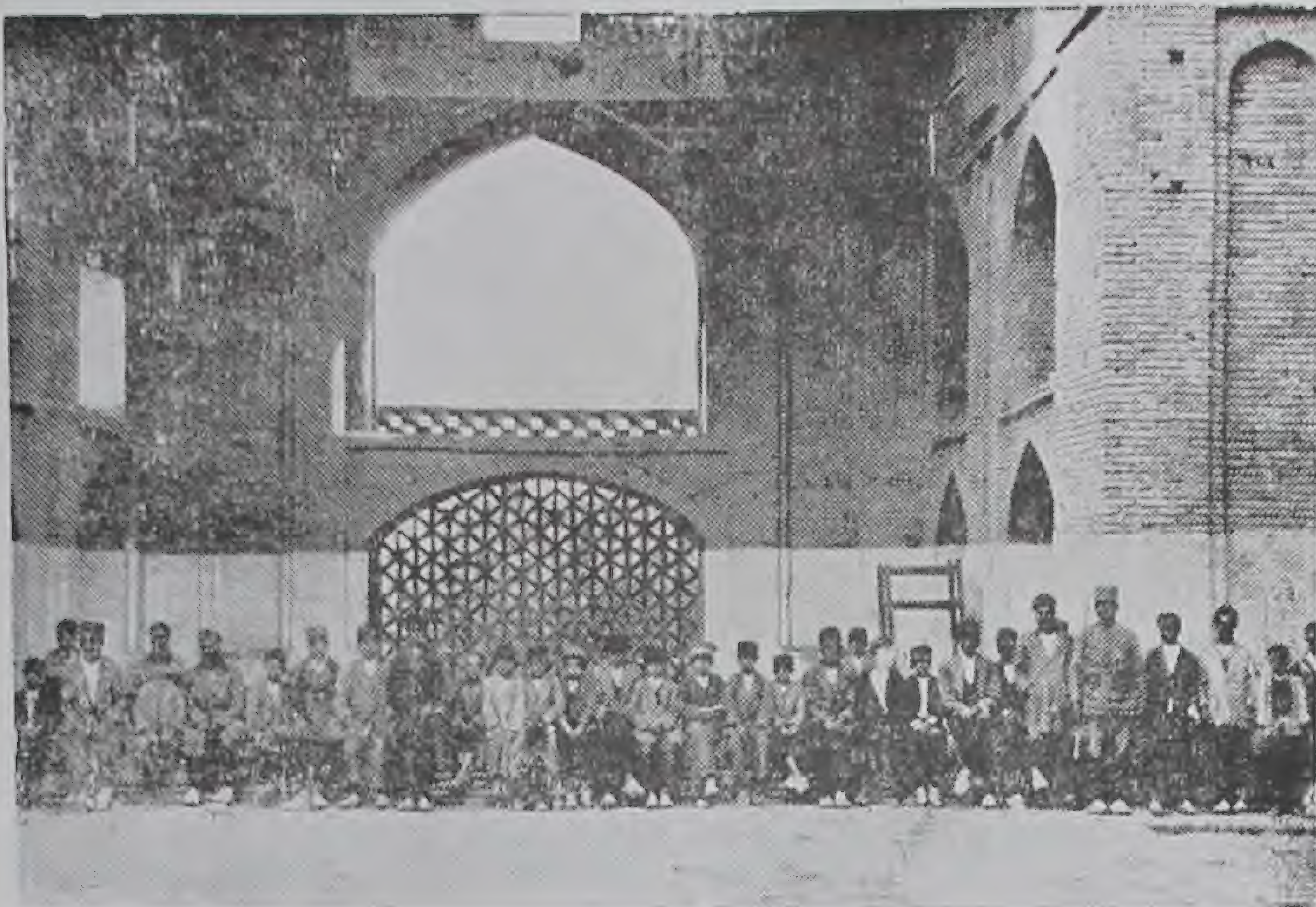
این مردم مسلمان بقایای عناصر واجزاء همان امپراطوری پهناور اسلامی بود که بذرعقیده و ایمان درقلوب آنهامحفوظ مانده بود وبایك حس و حرکت قسری بیدار شدند وبرخود آمدند ـ اگرچه مدتی بانحطاط وخواب خرگوشی رفته بودند ولی ناگهان برخودآمدند حس کردند قافله تمدن گذشته وآنهاباتمام وسایلی که دراختیار دارند بخواب بود عقب افتادند چون بیدارشدندددیدند چگونه ملل غرب برآنها انواع جوروستم را روداشته ایتالیا راطرابلس راتصرف کرده بادول دیگر براضمحلال دولت عثمانی که روس وانکلیس ازبیم آن برخود میلرزیدند میگذشته ، نصرانیان دول بالکان راتصرف کرده‌اند ،



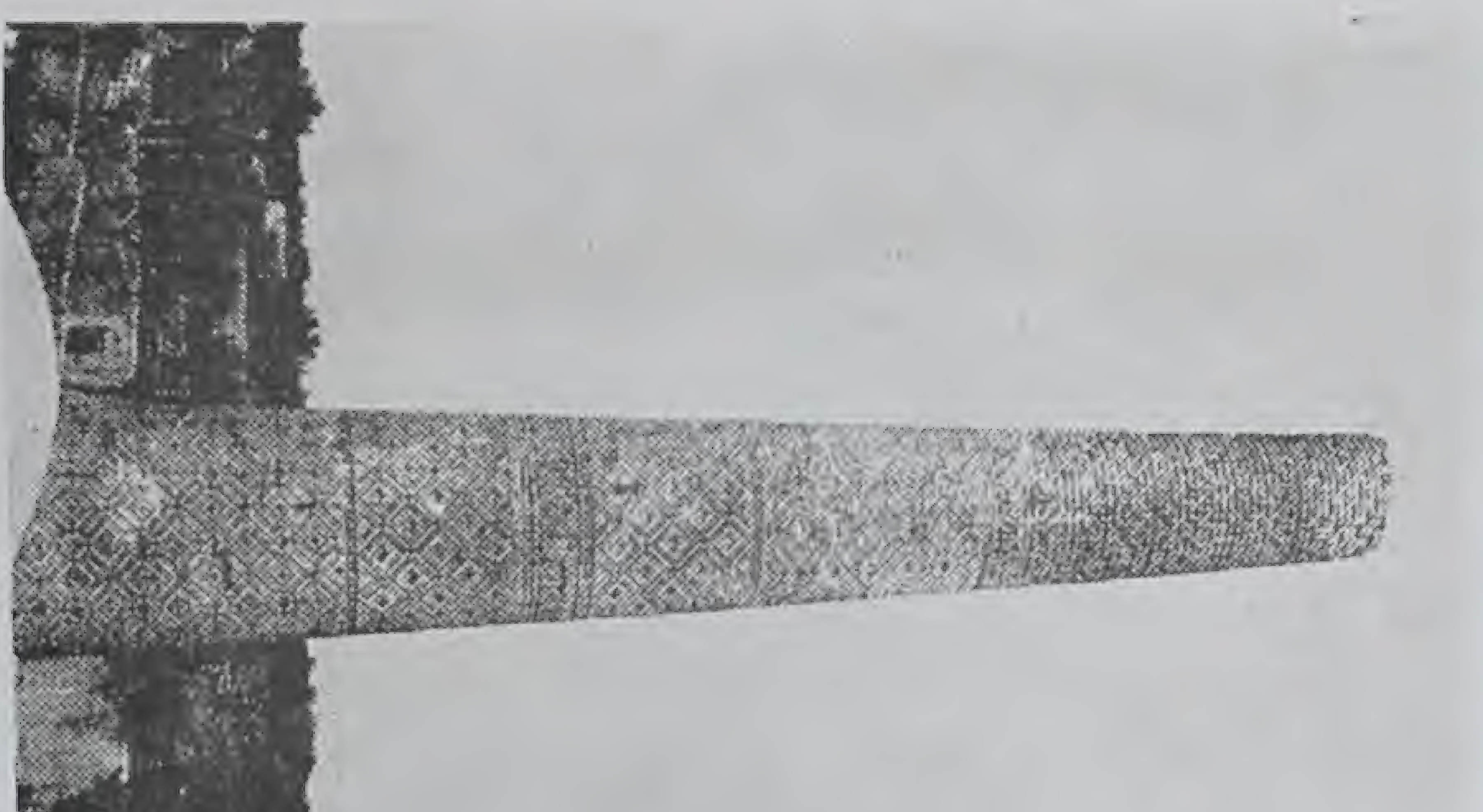
ش۱٦٤ ۱ ـ فلکه استان‌قدس رضوی که‌بره‌محور گنبدطلائی دوره‌میزند
۲ ـ صحن ایون طلا که فرودگاه عواطف مسلمین است



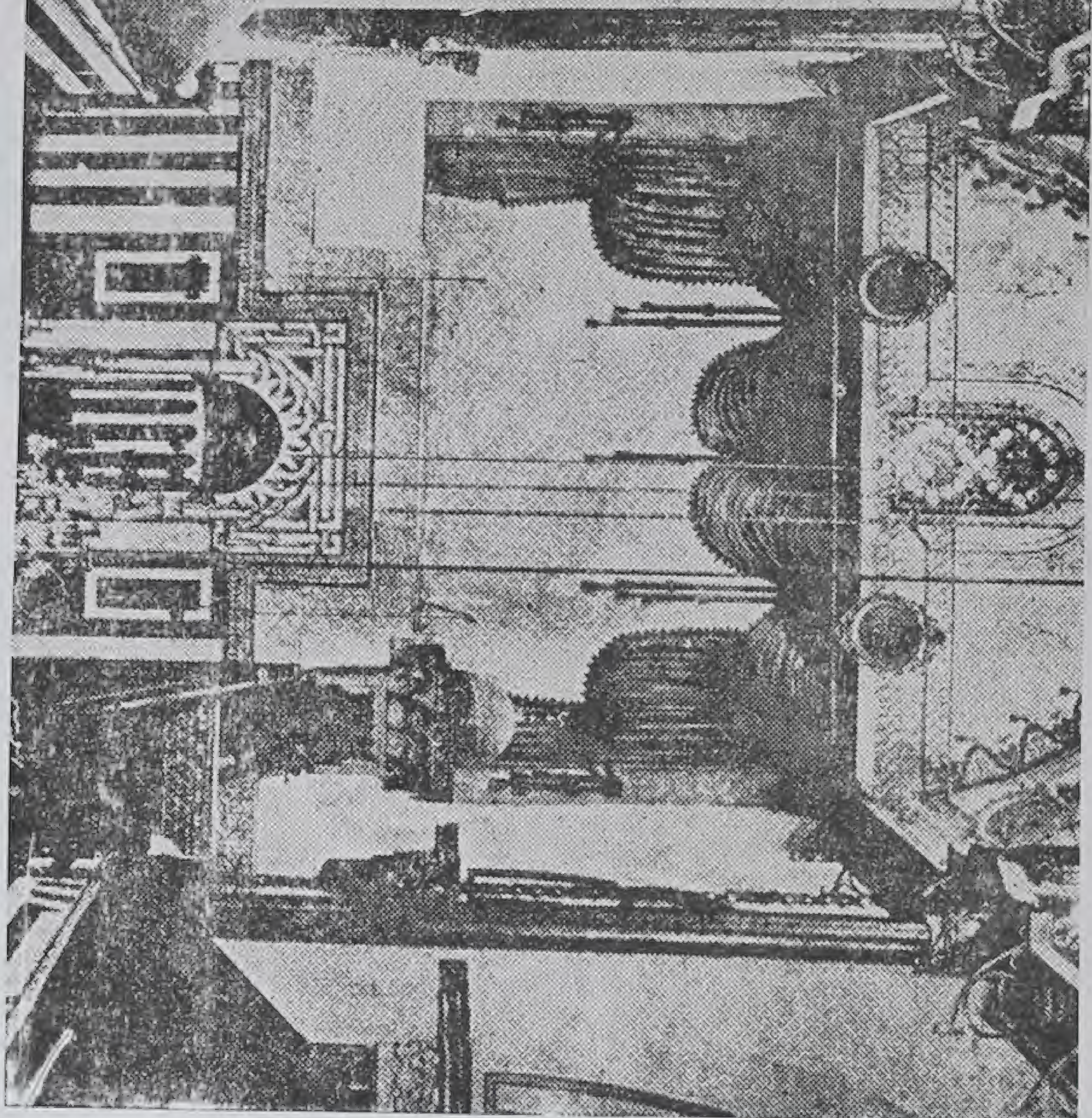
ش۱٦٥ مسجدجامع اصفهان



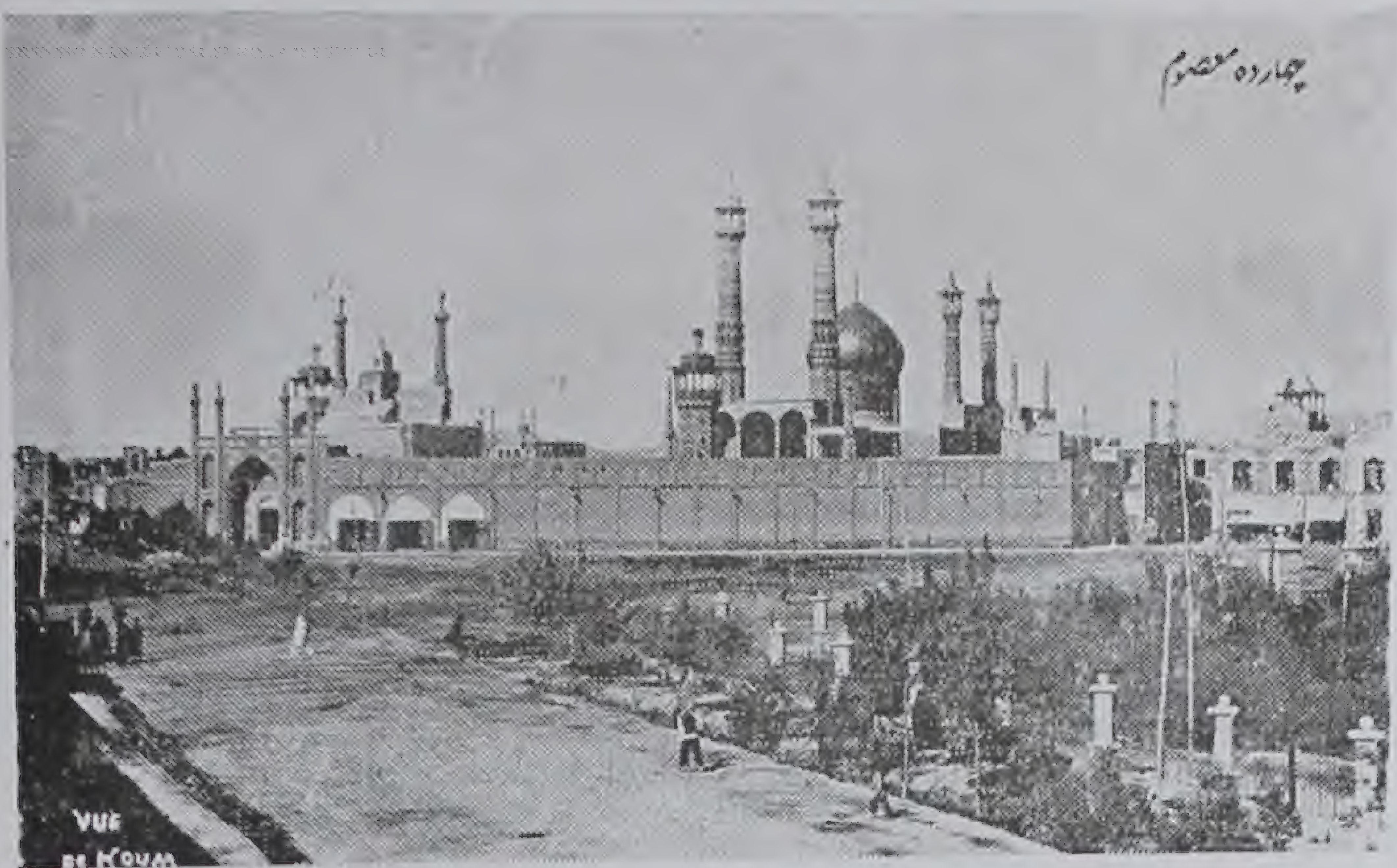
ش ۱٦٦ مسجد ومدرسه اردستان



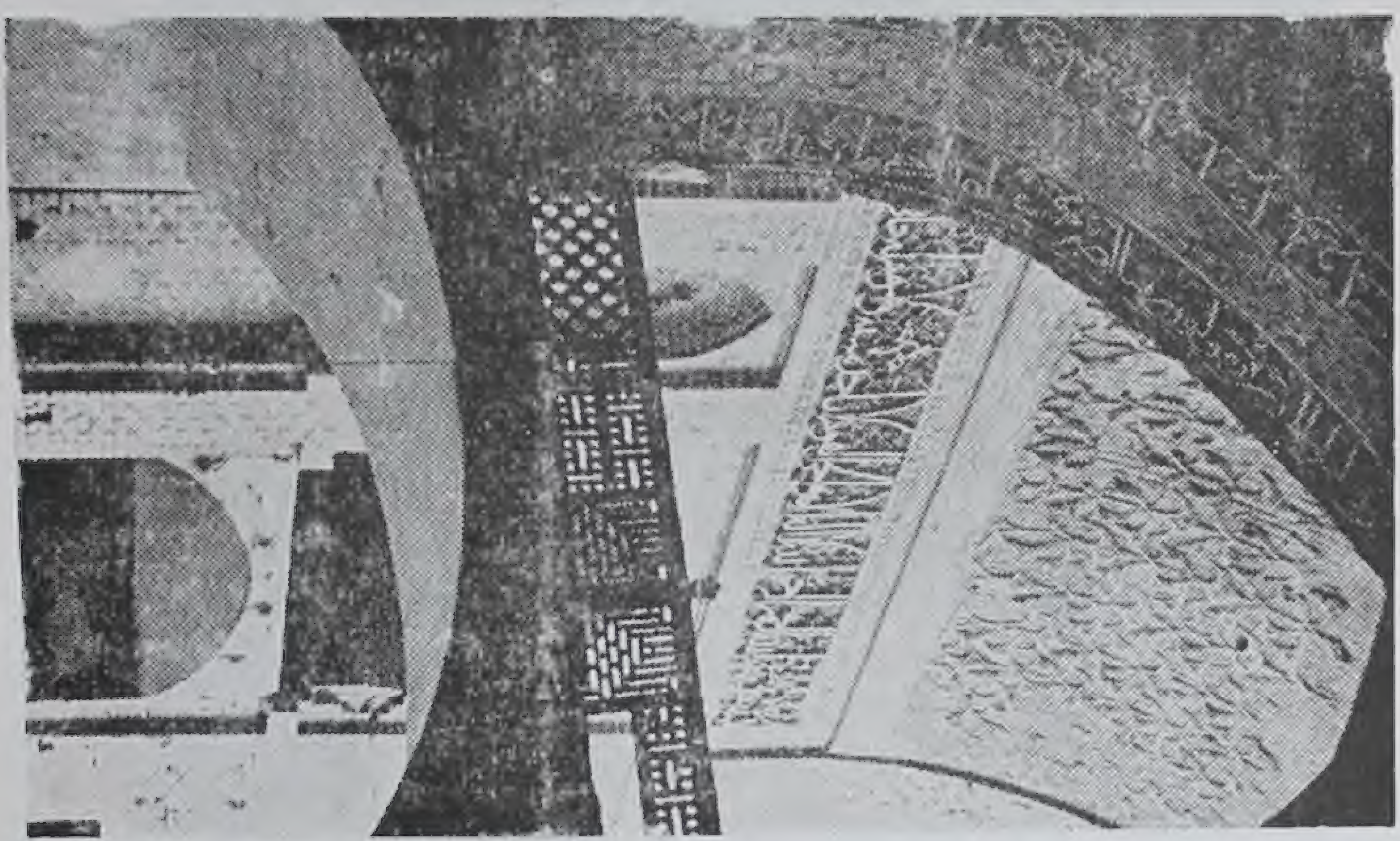
ش ۱٦۷ منار مسجدچلستون دامغان



ش١٦٨ مزار قبر اسحق



ش۱۶۹ قم



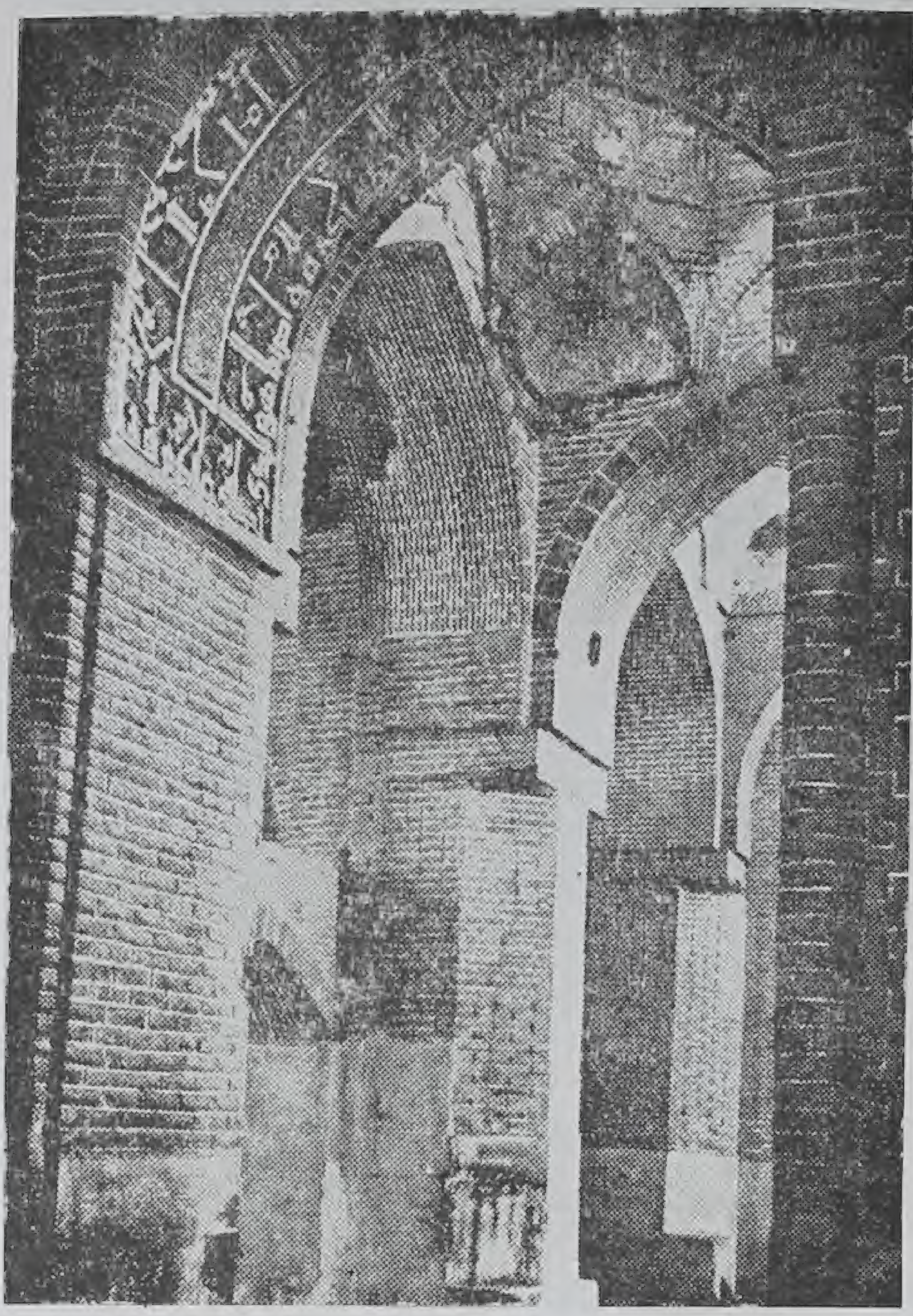
ش۱۷۰ مسجدالرقو



ش ۱۷۱ مسجد جدید ومجلل کاردیف وراه انداختن هیئت عزاداری بطرز شرق دریك بندر انگلستان



ش ۱۷۲ الله اکبر کلمه‌ایست که هر مسلمان در عبادت . تعب . غضب . شادی گوید
فدائیان کشمیر در جنگ علیه هندوستان



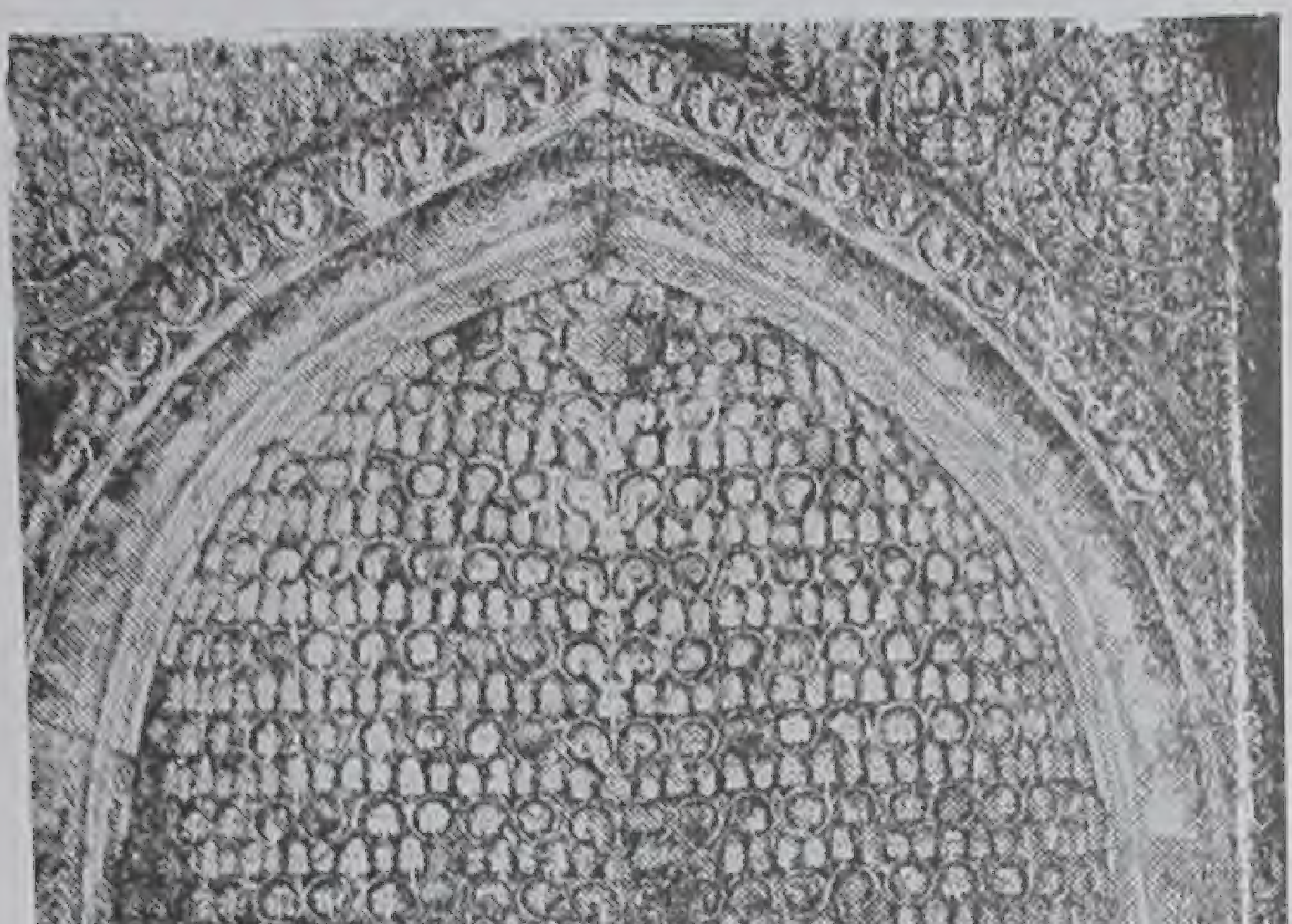
ش ۱۷۳ مسجد جامع اردستان



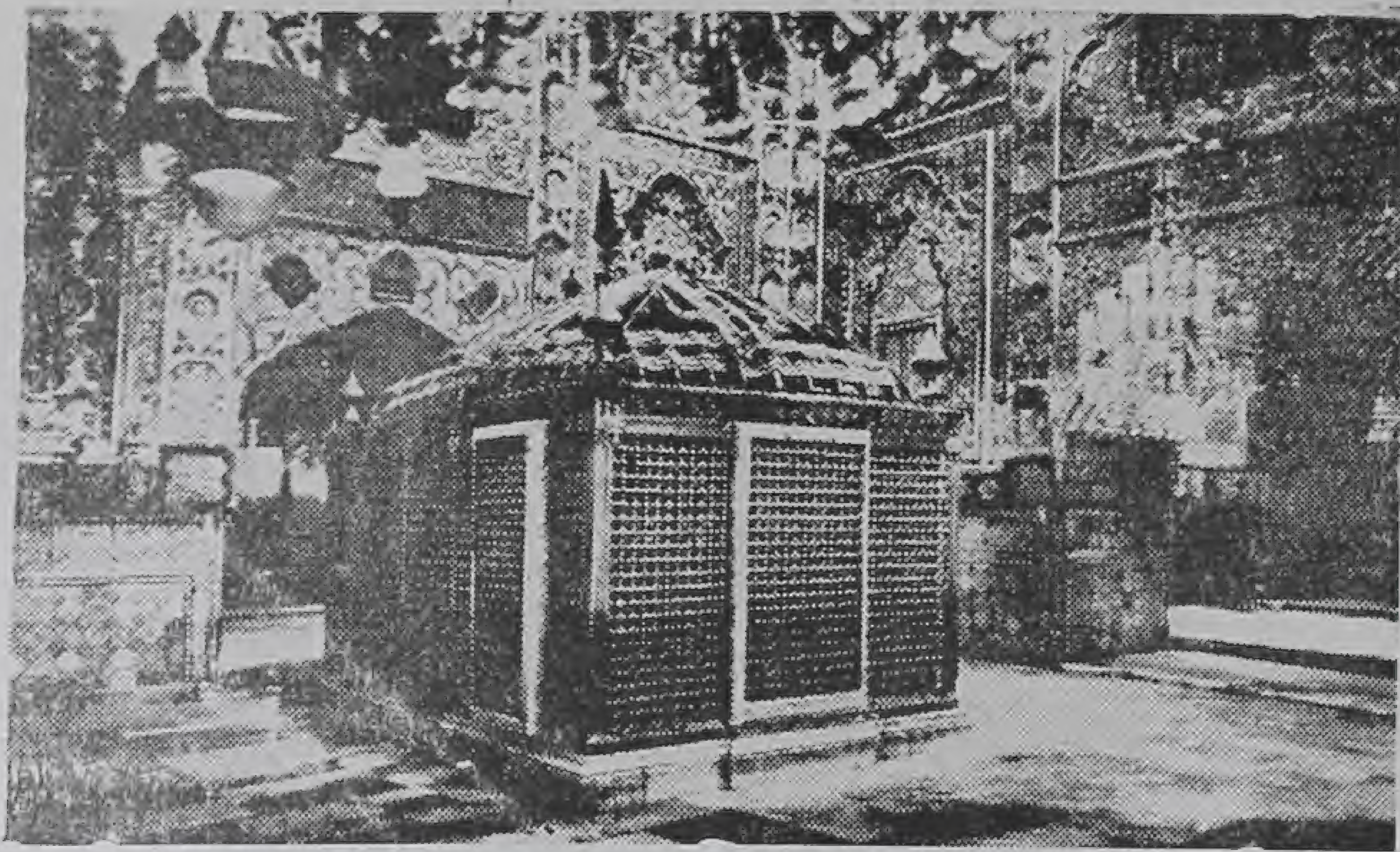
ش ۱۷۴ مأذنه امام رضا



ش ۱۷۵ مسجد ورامین



ش ۱۷۶ محراب مسجد جامع نائین



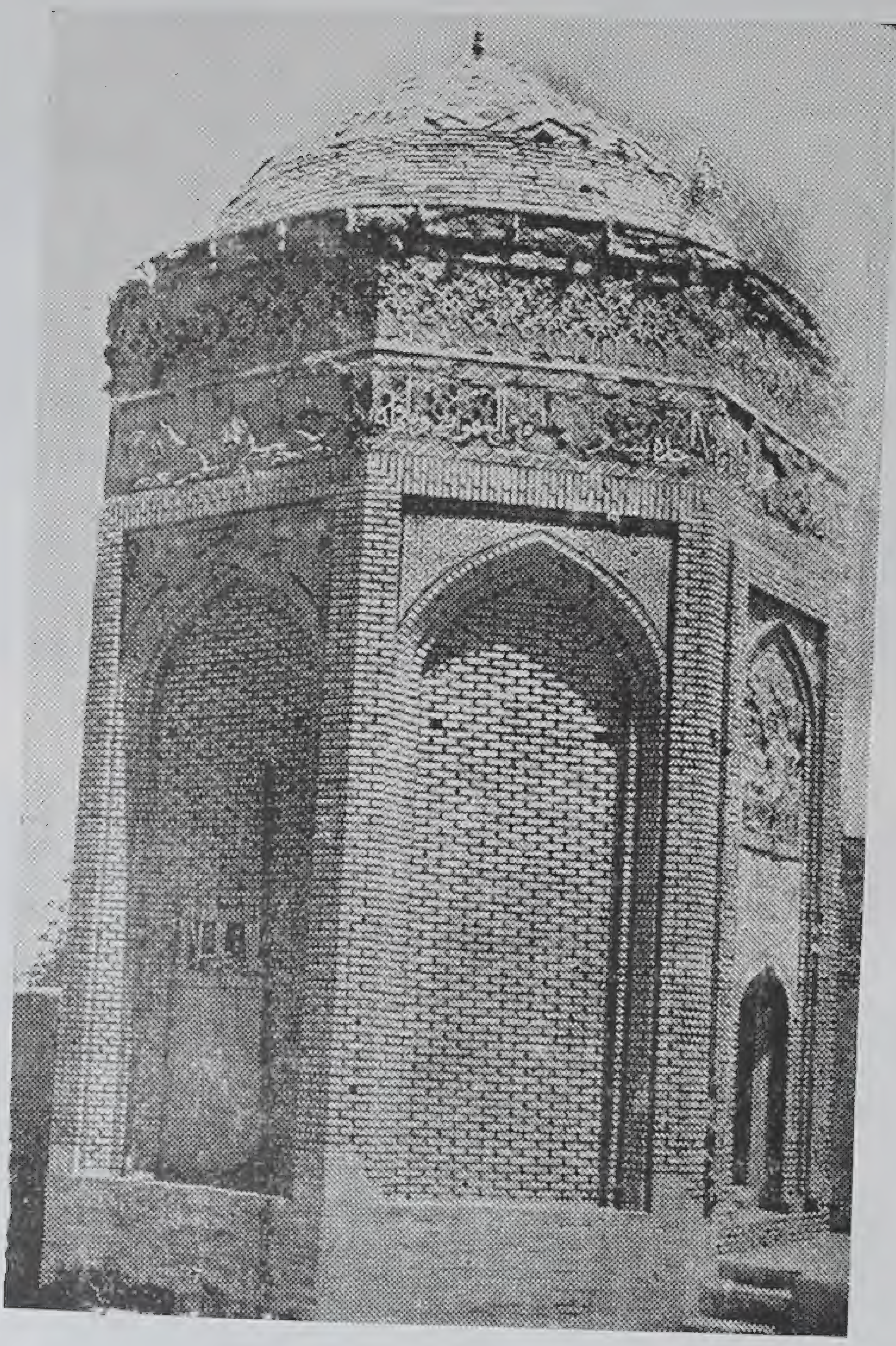
ش ۱۷۷ ضریح حبیب



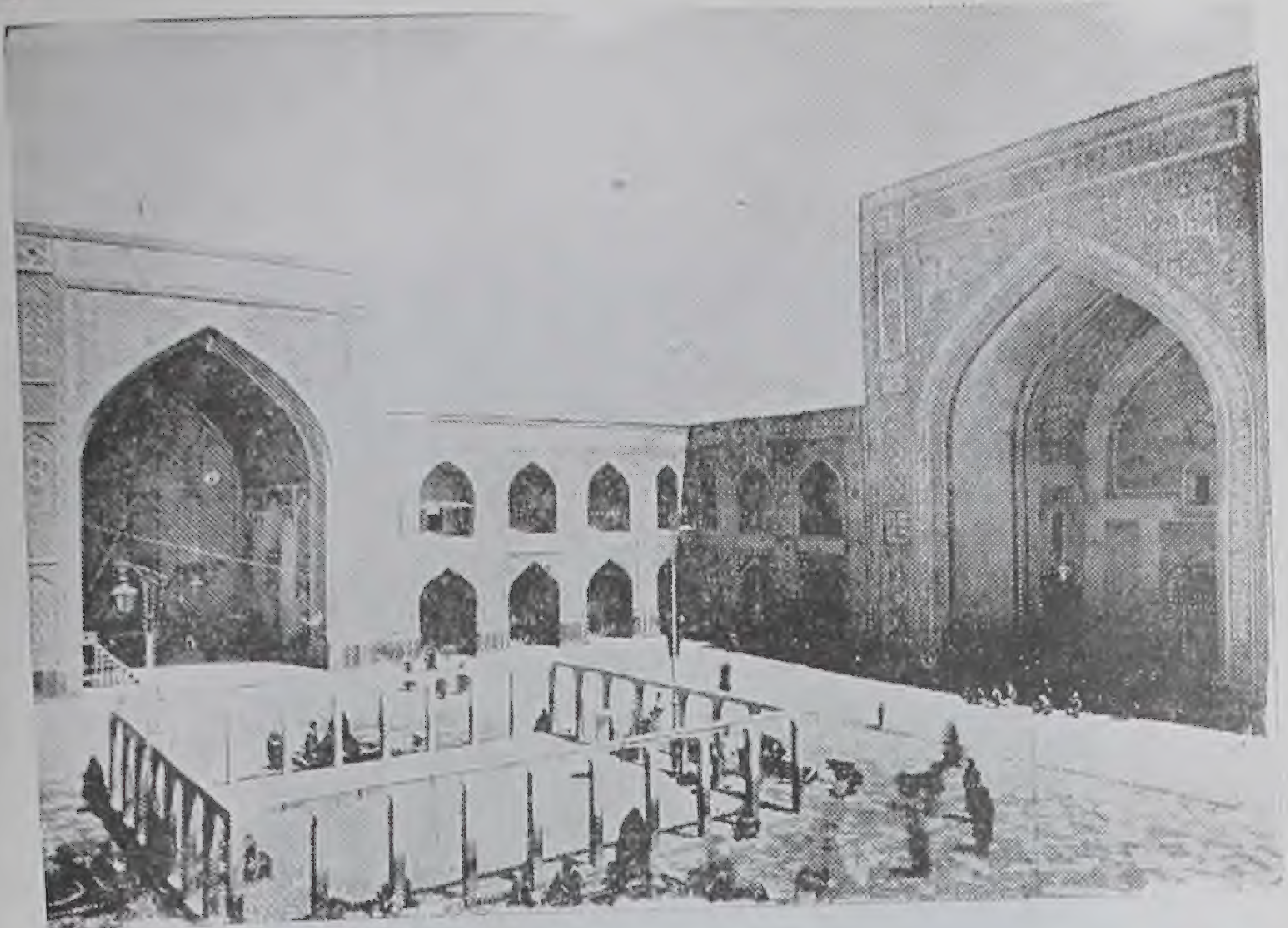
ش ۱۷۸ ۱ ـ جنة‌المعلا قبرستان مکه بوده که بدست وهابیها خراب شده



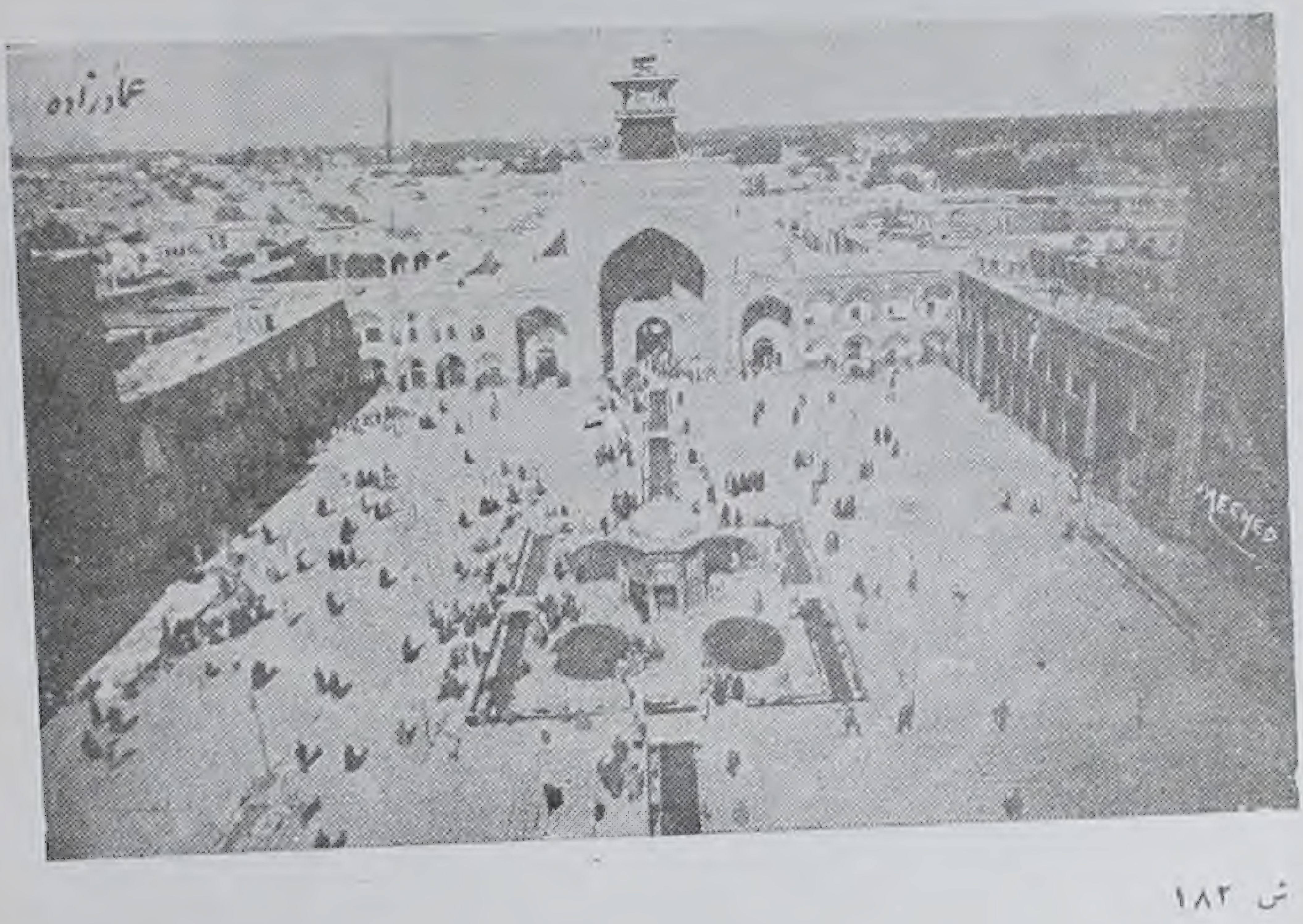
ش ۱۷۹ مسجد دروصنه حضرت زینب کبری دختر امیرالمومنین درشام



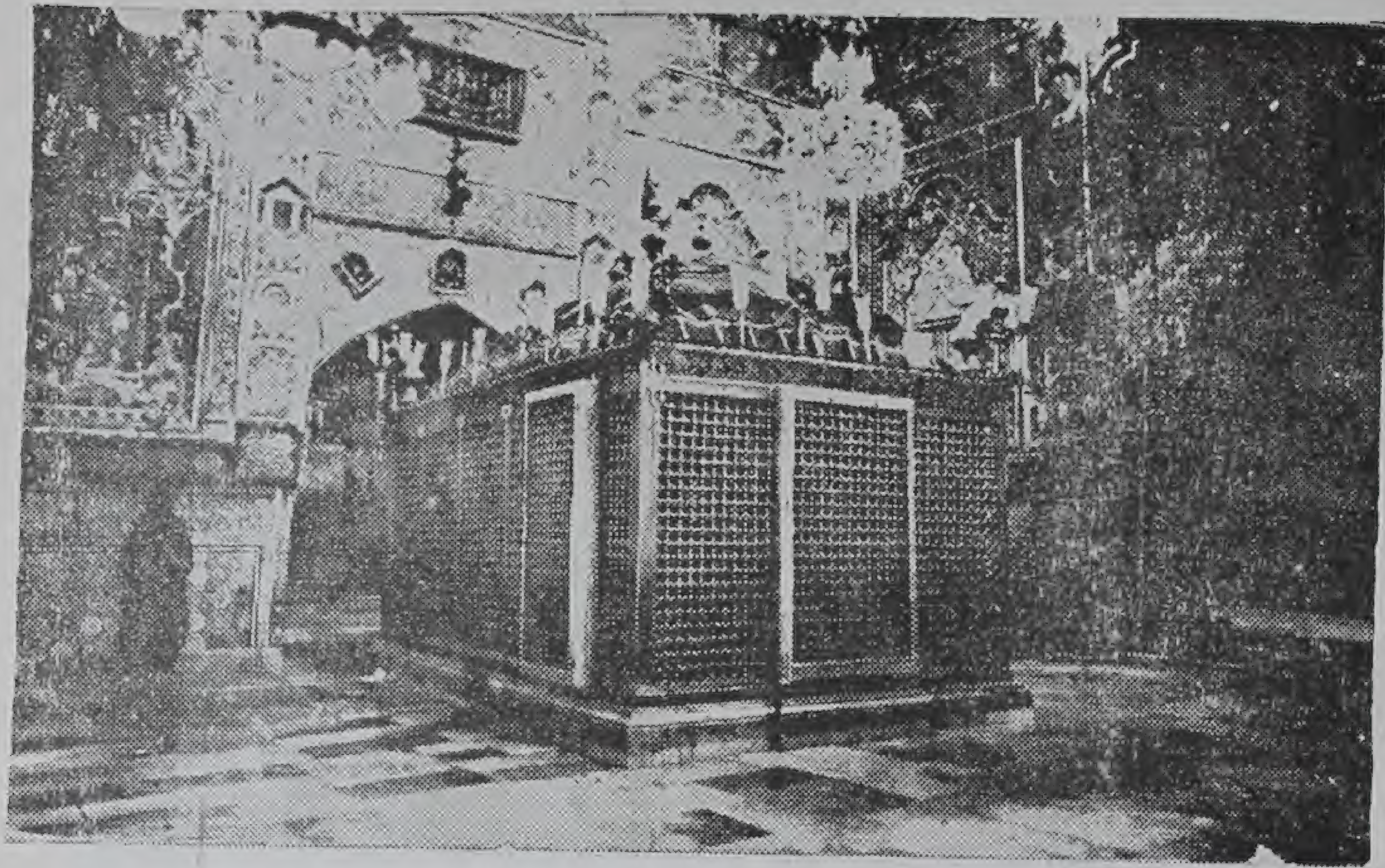
ش ۱۸۰ امام زاده جعفر اصفهانی



ش ۱۸۱ مشهد صحن امام رضا



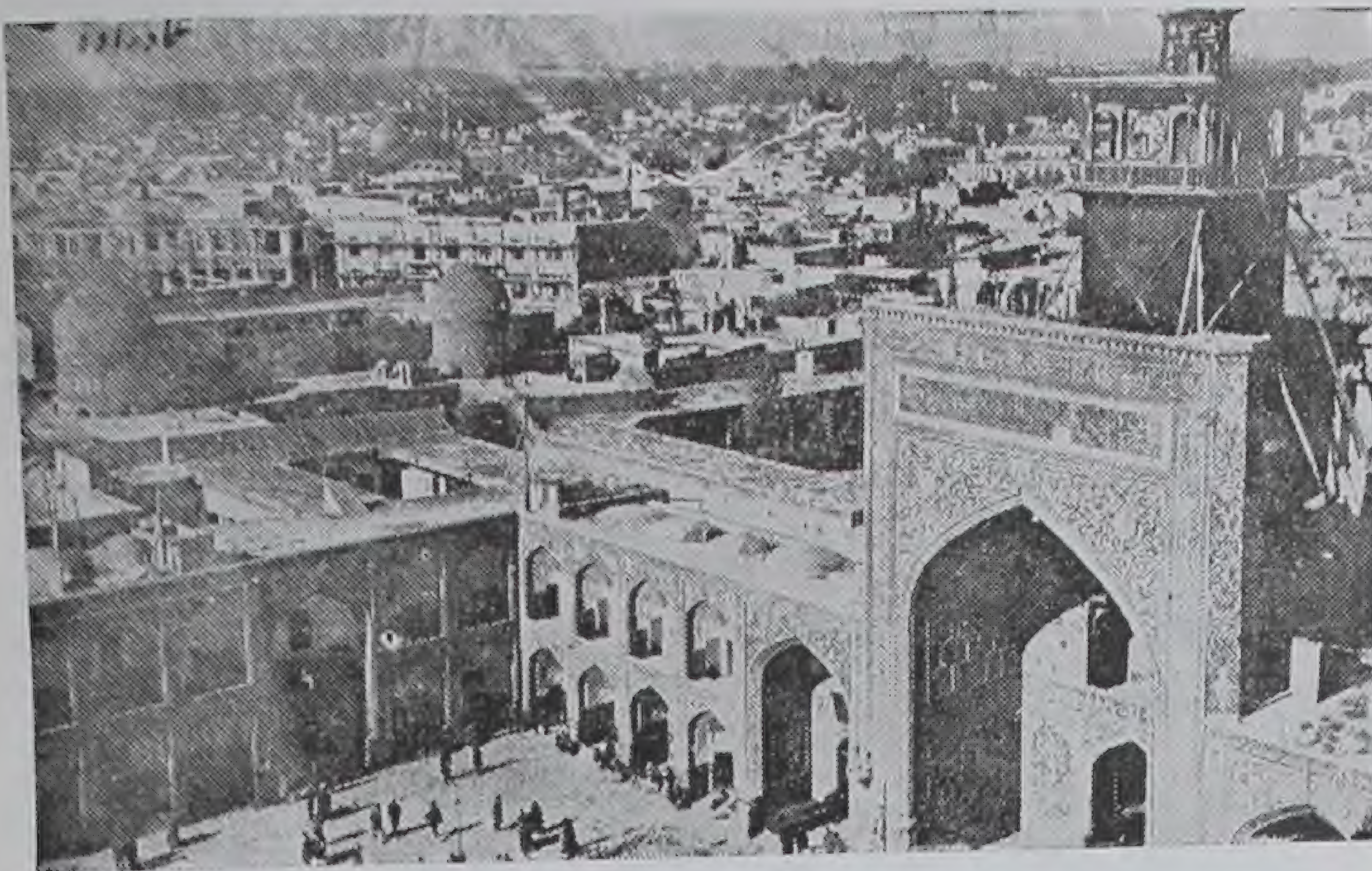
ش ۱۸۲



ش ۱۸۳ ضریح حضرت امام رضا ع



ش ۱۸٤ ۱_ اولین مسجدی که پیغمبر اسلام در مهاجرت نماز خواند



ش ۱۸۵ صحن مشهد



ش۱۸۶ مشهد مقدس

ترک را تمام املاک خودرا جز قسطنطنیه ازدست دادند ـ روس انگلیس برای بلعیدن ایران آنها رافشرده است فرانسه مراکش رازیرچنگال قهرخودگرفت .

درظرف دوسال از ۱۹۱۱ تاسال ۱۹۱۲م مطابق ۱۳۳۲ هجری ممالک اروپابنابرتوطئه‌های قبلی نهایت فشاررا روی گرده ممالک اسلامی گذاشته وشروع بتجزیه کردند اماهمین فشارموجب شد ملل اسلامی رادرخاوروباختر بخشم وغضب انداخت بسرعت فعالیت بسیاری درمقام تجدیدمجدوعظمت خود و کوتاه کردن دست اجانب برآمدند وقیام کردند .

مردم برقه ، طرابلس ، تونس ، الجزایر؛ مغرب‌اقصی، سودان ، مصر، شام ، ترک همه‌بمیدان پیکارومبارزه وارد شدند چون دیدند ممالک اسلامی یکجا قیام کردند ناگزیر شدند درصورت ظاهر صلح کنند ومستعمره را بدست خود مردم مسلمان بدهند وازطریق دیگراستثمار نمایند .

دربروزجنک بالکان عالم اسلامی یکجاتکان خورد وکاسه صبرمسلمین لبریز شد مسلمانان‌جهان ازچین تاکنگو درانتظارخبرجنک بودند وبالاخره روسها در پطرزبرک (پطرگراد) پرچم صلیب را برگنبد مسجدایاصوفیه برافراشته ویکجامسلمین رابرآشفته وهنوزدرمقام انقام هستند که مسجدرا ازدست منافقین و کفاربگیرند.

تادرجنك روس وژاپن درسال ۱۹۰۴م همینکه ژاپون دولت شرقی بت‌پرست‌کافر بردولت عزبی نصرانی چیره شد وتسلط یافت بیشتر مسلمین برای‌کامیابی ژاپن غرق شادی شدند این شادمانی از جوش وخروش اسلامی‌بودوازرجال دولت ژاپن تمنی‌میکردند که اسلام رابپذیرد سلاطین‌ژاپن‌هم‌باین تقاضا احترام گذاشته دین‌اسلام رادرژاپن رسما آزاداعلام کردند .

یکی ازبزرگان خاندان سلطنتی ژاپن بعهدسلطان عبدالحمید باستانه آمد و دراثنای صحبت باسلطان نامی ازآئین‌اسلام‌برده شد،

سلطان بوی گفت شنیدم شما ازآئین جستجومیکنید اگرچنین است من شمارا باسلام رهبری کنم امیرژاپنی گفت ماباآئین‌پای‌بستیم و دین‌اسلام رامحترم میداریم

درنتیجه عمل باین اقدام بزرك ایجادروابط برقرارشد عده‌ای‌را انتخاب نموده بژاپن‌فرستادند سلطان‌عثمانی باناوجنگی‌عده مخصوصی‌بژاپن‌فرستادعالم‌اسلامی‌ازاستقبال ملت ژاپن باسلام خوش ـ وقت گردید امابنقل روزنامه مصری سال ۱۹۰۶ دولت بریطانیای کبیر که شصت‌ملیون مسلمان زیر حکم اوبودند ازاسلام ژاپن سخت بیمناك گردید . زیرامجرای سیاست عمومی اسلام سخت آنها را دیگرگون میکردهمانطور که ازمسلمان شدن بعضی‌افراد ملت‌آلمان ترسناك شدند وروابط آلمان‌و ایران مسلمان موجب وحشت آنهاشد .

یکی‌ازدانشمندان‌چین که مشایخ مسلمین ومحترمین‌آنجابود آنهارا تشویق کرد که اگرژاپن بخواهد دارای رتبه ومقامی‌شود وجاه‌وجلال آسیارا ازسایرقطعات بالاتربرد جزباقبول اسلام و رسمی داشتن آئین‌دین اسلام موفق نخواهد شد،

ژاپن نمایندگان مسلمین را پذیرفت و احترام واکرام کرد ولی‌آشکارا نگفت میل باسلام دارد همین تمایل عملی ملل مسلمان وغیر مسلمان را درآسیا بهم مربوط ساخت ورشته اتحاد آنها را محکمترنمود .

باری جنبش جامعه اسلامی شگفتی‌محسوس دردنیا داشت واگراین جنبش اتحادی و اتفاقی و باروابط اسلامی‌بود اثرآن عمیق‌تر وبهتربود ـ زیرا جنبش مسلمین ازسرچشمه احساسات روحی و

معنوی ووجدانی آنها سیراب گشته وبرای حفظ اتحاد و استحکام رشته جامعه عمومی بوجود آمده و این جامعه ازنظرعوامل مادی ومعنوی اجتماع بسیارمحکمترازجامعه نصرانیت وسایر مذاهب است این حقیقت مغزو مقصود اجتماع و تعلیم و تربیتی است . قوانین و قواعد زندگی خانواده های اسلامی همه جا یکنواخت و یکسانست درهیچ کشوری و هیچ قاره فرقی ندارند همه‌جابه‌تربیت اسلام مربی هستند .

سرموریسون گوید حق وحقیقت‌این است وشك وتردیدی هم دراین گفته نیست که اسلام‌زیادتر ازآنکه آئین وعقیده باشد نظام اجتماعی است تمام لوازم واحتیاجات رانیزدارد - تمدنی است که تاروپودش تجربی وبحد کمال بهم پیوسته است وخود دارای فلسفه وتربیت وفنون مخصوصی است که درهیچ دین وآئین نیست .

قرنها اسلام ونصرانیت باهم جنك‌هاداشته اند بااینحال هرگز باسلام از هیچ‌جهت سستی‌روی نداده بلکه اجزای آن ومسلمین روزبروززیادترشده‌اند وبیکدیگر کمك کرده‌اند و عاقبت یك‌جامعه بزرك گردیده‌اند ومانند تنی زنده وجاندار نمو کرده ترقی نمود و دراثر نظام ذاتی رو بکمال مطلوب پیش رفته و میرود رشته این تمدن گسیختگی ندارد و محونخواهد شد تا آنکه بردنیا سلطه یابد .

عبادات

نماز . روزه . حج

یکی دیگرازعوامل پیشرفت‌اسلام نمازاست که درپنج نوبت‌موجب تذکر است وهرشب وروز آدمی راپنج مرتبه باید باالباس‌پاك و حلال ومحل پاك وحضورقلب وشرایطی که درمقارنات و مقدمات وواجبات‌نمازقید شده درپیشگاه‌عدل‌الهی حاضر نمایدو بلاواسطه باخالق خود رازونیاز کند .

چنانچه دراحادیث است فرمودند هرگاه بخواهی باخدا صحبت کنی نمازبخوان وهرگاه‌میل داری خدا باتوصحبت کند قرآن تلاوت کن که‌هردواثری‌عمیق درتهذیب نفس‌ناطقه ونیل بکمال‌مطلوب دارد وهردواین عمل علم ودانش وتقوی وفضیلت می‌آموزد .

نمازخودبخودمانع‌ارتکاب معاصی‌است نمازآدمی راازسهو ونسیان ولغزش وخطا بازمیداردوچون مامفصل‌در کتاب‌زندگانی‌پیشوای‌اسلام‌ومکتب اسلام راجع بنماز و اثر آن در نفوس بشری و قوت و قدرت این مابه الاجتماع مسلمین بحث کرده‌ایم اینجا تکرار مطالب نمیکنیم بهمین مقدار اکتفا شد .

عبادات اسلام چون روزانه ومستمراست جالب‌توجه بشراست و مهمترین‌آنها پس‌از نماز روزه وسپس کنگره حج است که جامعترین عبادات و بزرگترین کنگره اجتماعی اسلامی است که اذهان وافکاربشررا باسلام‌جلب مینماید و درباره‌آن درمکتب اسلام مفصل بحث کرده‌ایم .

تبلیغات اسلام

تبلیغات اسلام برخلاف تبلیغات سایرمذاهب است - زیرا سایر مذاهب برای‌تبلیغات خود دستگاه وسیعی بابودجه هنگفتی‌معین میکنند ولی اسلام محتاج بدینگونه بودجه ودستگاه تشریفاتی نیست - پیغمبراسلام هرفرد مسلمان را مسئول ورهبرمسلمان دیگر قرار داد و هرمومن راحق نظر بردیگری داد وهرفرد را موظف کرده که احادیث‌رابگوید ودیگری راموظف بشنیدن کرده وبهشت‌و سعادت رادرسایه این گفتن وشنیدن‌ها قرارداده است .

درمیان تمام ملل اسلامی معمول است که یکی متکلم ودیگری مستمع میشوند وهردو بدانند باز بنا بدستور فذکر فان الذکری تنفع المومنین ازآن بحث و فحصی بهره‌مند میگردند واین تبلیغ در سرتاسر قلمرو اسلام درهشتصدصد ملیون مسلمان شایع است مخصوصا درایران وعراق وهند و سوریه وکشورهائیکه شیعه درآنجا هستند که درسایه تشکیل مجالس ذکر و تجدید مجدوعظمت حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین ع یکنفر متکلم وروضه خوان وواعظ ویکی نفر مستمع میباشند که احکام وشرایع دین درسایه تذکر مصائب حسین ع وفداکاری محیرالعقولی که اوبرای ابقاء این دین کرده گفتگومیشود - وبهمین وسیله بقول مستشرق آلمانی درهرسال ملیونها بلکه میلیاردها پوند طلا از طرف مسلمانان شیعه هزینه این مجالس است که **بالطوع والرغبة ازمال خالص خود باکمال اشتیاق دراین راه صرف میکنند،**

یکی از مبلغین بزرك نصاری که یکقرن عمرصرف تبلیغ کرده و تالیفات وکتب و شاگردانی تربیت کرده مینویسد تمام این بودجه وخدمات مابرابراست باتشکیل یك مجلس سوگواری شیعهٔ بنام حسین بن‌علی ع که چقدر مردم جهانرا باسلام دعوت میکند و اضافه میکند که ماپس از دعوت یکفرد را بی‌دین میکنیم ولی در این دعوت مسلمین آنها بی‌دین را متوجه دین و حق و حقیقت مینمایند .

تبلیغات اسلام درسایه دواصل مسلم امر بمعروف ونهی ازمنکر که درضمن مجالس تذکر فدائیان اسلام خودبخود پیشرفته وپیش میرود واگرگاهی آلوده بمجاز واخبارخرافی هم میشود ولی درحقیقت درج همه فضایل را داراست وبنیروی خود جابازمیکند تالیفات وخطابه‌ها وسخنرانی‌ها ونظم ونثر و غیره همه موجبات تبلیغات اسلامی است که درسایه قرآن وذکرمجدو عظمت عترت منتشر میگردد. وآثارباقیه تبلیغات اسلامی درتمام ممالك اسلامی مخصوصا درایام محرم وماه صفرورجب ورمضان تجلیاتی شدید دارد که برهمه جهانیان مشهوداست .

تالیفات و کتب

عامل دیگر تالیفات وکتب علمی علمای اسلام است که دراطراف جهان پراکنده هستند وآثارخود را مانند آفتاب دردنیای بشریت پرتوافکن ساخته‌اند ،

علمای اسلام که سهم بزرگی ازآنرا ایرانیان ومخصوصا شیعه داشته وتقدم وتفوق و ابتکار را همیشه دردست داشته‌اند ملیونها کتاب تالیف کرده که اکنون تمام کتابخانه‌های دنیا از آثار آنها مشحون است و برای نمونه باید سه کتاب را اسم ببریم که بیش از ده قرن در تمام دانشگاههای دنیا مورد استفاده بود یکی «الجبر حکیم عمرخیام» دیگری «قانون بوعلی سینا» سوم «کتب ادویه ابوبکر رازی» که اضافه بر کتب فقه وقوانین دین اسلام هزارسال توجه دانشمندانرا بخود جلب کرده ومورداستفاده بوده است درریاضیات وطبیعیات وفلسفه وحکمت نیز مانند فقه واصول کتب بسیاری موجوداست.

تالیفات مسلمین بمراتب بیشتر ازتمام دانشمندان ملل دیگر دنیاست بااین تفاوت که آنها درچاپ هربار ده‌هزار جلد چاپ میکنند وایرانیان ومسلمانان هزارجلد معذلك کتابخانه‌های بزرك دنیا بیش ازچندملیون از کتب خطی مسلمین دارند - ومثلا درفن تاریخ مسلمین بفارسی وعربی بیش از دوهزار جلد تاریخ بتنهائی نوشته‌اند - که درمقدمه جلددوم کتاب تاریخ مفصل اسلام بیش ازصدها کتاب تاریخ نام برده شد و میتوان گفت درهیچ یك ازملل، واقوام وادیان عالم این مقدار تاریخ که برای اسلام نوشته شده ننوشته‌اند . واین مقدارفارسی وعربی است بزبانهای عربی دیگرهم نوشته شده

درسایر علوم وفنون هم این مقدار کتب علمی دراصول و فروع هریك نوشته نشده است که کتب معجم المطبوعات و فهرست ابن ندیم . فهرست شیخ ، فهرست ابن شهرآشوب ، کشف الظنون حاجی خلیفه وذیل آن والذریعه الی تصانیف الشیعه وغیره وفهرستهائی که برای کتابخانه‌های مشهور نوشته‌اند وحتی فهرست کتابهای شرقی بریطانیای کبیر و کتابخانه پاریس وآلمان و امریکا همه دلیل وسعت علم ودانش مسلمین بود که ملیونها کتب خطی از آن موجود است درصورتی که اولین کتاب خطی ملل مسیحی ازسال ۱۴۹۸ باقی است وخود این کتب وتالیفات فراوان فکر ایجاد کتابخانه‌های ملی و بزرك را ایجاد کرد وجهانیان را بتوسعه آن واداشت .

کتاب و کتابخانه دراسلام

گفته شد که قرآن اساس دین وعلوم واخلاق اسلامی است وتعلیم قرآن برهمه چیز مقدم شمرده شد و نخستین درس قرآن از پیغمبر باقرائت صحیح تعلیم اصحاب گردید وروی تعلیم قرآن ومبانی علل واسباب ونزول وحی شروع بتالیف وتصنیف ونوشتن کتاب گردید وچندنفرقرآن را درزمان خود پیغمبرص نوشته وپس ازرسول خدا سخن ازحدیث بمیان آمد که آن کلمات پیغمبر درتعلیمات عمومی مسلمین وحل مشکلات قرآن و تفسیر وتبین آیات بود سپس احادیث هم چون درتحول سیاسی قرارگرفت استماع حدیث و نقل آن وصحت وسقم آن خود علمی مستقل راتشکیل داد وازاین اختلاف مفهوم علم کلام بمیان آمد وعقاید مختلفه پدیدار شد و درنتیجه علومی درطریق یافتن آیات وحدیث صحیح پیداشد که بیست وپنج علم میشود ومجموع آنها مقدمات فهم آیات واحادیث راتشکیل میدهد.

درخلال همین تعلیمات دینی چون فقه اسلامی مبتنی بروقوف وآگاهی بعلوم وفنون دیگرهم بودمانند تاریخ وجغرافیا واعداد ونجوم وهیئت برای قبله شناسی ونباتات و حیوانات شناسی برای تشخیص حلال ازحرام وغیره وهمچنین علوم طبیعی و ریاضی برای توسعه طب و بهداشت وعلوم فلسفی برای تحکیم مبانی توحید بوجود آمد که ناچار همه علمای این فن شروع بنوشتن کتاب و تصنیف و تالیف نمود .

درنتیجه کتاب و کتابخانه ازصدراسلام اززمان خودپیغمبرص که صفحات مصاحف مختلف نوشته وحفظ میشد تاآنجا که دوره اموی عدهٔ کتابخانه ششصد هزارجلدی بوجود آمد و دوره عباسیان که علاقه مفرطی بکتاب نشاندادندودامنه کتاب نویسی وتنظیم کتابخانه وسعت یافت وهمه کتب دنیا بعربی ترجمه شدوباقرآن عرضه گردید ومازادان که بکارنمیخورد ازبین رفت ومسلمین ازاینجهت پیشرو تمدن وقهرمان علوم ومعارف بشری میباشند .

درزمان خودپیغمبرص مدرسه عبارت ازهمان مسجد بود که پیغمبر ص پس ازنمازپشت بقبله رو بمردم می‌نشست وآموزش وپرورش اسلامی شروع وتوسعه می‌یافت وآنچه لازم بود ازحلال وحرام و مکروه ومباح منتخب همه رابمردم آموختند و هیچ نقطه ابهامی برای مردم باقی نمانده بود مگر آنکه پیغمبر گرامی حق درتحت عنوان بیست و دوهزار حکم آسمانی همه را در ظرف ۲۲ سال بمردم آموخت .

این مدرسه و مسجد باهم مربوط و متصل و غیر قابل تفکیك بود و بعد که مسلمین توسعه یافتند و جهانگیری نمودند مدارس و مساجدی بوجود آوردند که باید آنرا دانشگاه اسلامی نامید ـ

مدرسه مکه ومدینه وبغدادو کوفه وبصره وقاهره وشام وخراسان واصفهان وفارس وغیرههمهجا وهمه مساجد مدرسه علما بود که علوم وفنون اسلامی را میآموختند ،

مشهورترین مدارس مخصوص نظامیه بغداد - مدرسه ابن فورك متوفی ٤٠٦ هجری . مدرسه بیهقیه منتسب بیهقی متوفی ٤٥٠ هجری ، مدرسه سعدیه ازآثار سبکتکین غزنوی ، مدرسه اسماعیل استرآبادی واعظ صوفی. مدرسه استادابوالحق وهزاران مدارس دیگر که علمای بزرك بنامینمودند وامرا آنهارا دراین کار کمك میکردند وچون امراء بفرمان علماء بودند دربنای مدارس کوشا بودو صدها مسجد ومدرسه درهم یاجنبهم ساختند وبرای هریك کتابخانهای تشکیل دادند -

که مدارس نورالدین زنگیرا درشامسال ٥٧٧ وددمشق ، حلبحمص ؛ حما ؛ بعلبك، مینوك رحبه ونورالدین مهمانسراها و مسجدها و خانقاههای و موعظهخانه های بسیارهم ساختند و مدارس سلطان صلاحالدین ایوبی(کرد) متوفی٥٨٩ درمصر واسکندریه وبیتالمقدس و مدارس مظفرالدین ازبکی متوفی٦٣٠ باضافه یتیمخانههاودیونخانهها وتیمارستانها که ساخته ومدارس فرمانروایانممالك درمصر که بهفتاد مدرسه میرسید .

ومدارس ایران که بزرگترین شاهکارعلم وهنر وقدرت وصنعت وظرافت است دراصفهان مشهد سمنان ؛ تهران ، فارس ، کرمان ، وغیره باآنکه مغولان اکثرمساجد و مدارس را خراب کردند هنوزمسجد شاه اصفهان بادومدرسه دراطرافش ومدرسه شاه سلطانحسین ومدرسه ملاعبدالله و صدها مدرسه دیگر که دراصفهان وفارس وسایرشهرهای ایران موجوداست نمونه این تمدن است و هریك گنجینهها ازکتابها واوراق ومصاحفوادعیه واذکارداشته است .

شکی نیست که دراسلام کتابخانهها اکثرخصوصیبود وهردانشمندی بلکه تاجر ومتمکنی چند کتاب ازقرآن وادعیه وآداب شریعت مینوشتند ودرمنزل مورد استفاده او وخانهاش بودهاستچنانچه هنوزدرایران وعراق وافغان وهند وپاکستان وترکیه وغیره این روش معمول است و کتابخانههای کوچك درهمهجا فراوان است .

کتابخانه های بزرك

چون علم وهنر وترجمه کتب و ظرافت صنایع توسعه یافت کتاب مورد توجه پادشاهان قرار گرفت ودردربار خودیك مکتبهبوجود آوردندو جزء تشریفات و تحملات دربار هرپادشاهی گردید مخصوصاً که آن امیریاشاه اهل مطالعه وتحقیق کتب علمهم بوده بیشترتوجه کرده است .

دردوره اموی کتابخانه بمنظورتشریفاتانجام میشد مثلاعمربنعبدالعزیز کتابهای طبیهارون را ازکتابخانه که بیرون آورده وبصورت یك مکتبه مجلا تنظیم کرد وبیشتر کتب دورهامویغیرازقرآن وحدیث کتب طب وفلسفه یونان وایران وهند بوده است .

کتابخانههای بغداد

خلفای عباسی دردوره نهضت علمی که ترجمه و نقل علوم دست زدندقهراً بتاسیس کتابخانهها پرداختند وکتابخانه عمومیایجاد کردند کهدارالترجمه آنبنامبیتالحکما مرکز تجمعدانشمندان ومترجمین وفقها وعلماء واطباء وفلاسفه بود واین کتابخانهها هم بهمت وزرای ایرانی که برمکیان بودند تاسیس شد واز اطراف کتب قبطی ، سریانی ، یونانی ، هندی ، ایرانی و غیره جمعآوری میشد وعمالدولت عباسی موظفبودند هرکجا کتابی سراغ دارند بهرقیمت میشود بارضایتصاحبش آنرا بیتالحکمه انتقال دهند واگرصاحبش هم دانشمندی بود اورا باکمال احترام دعوت بدربار

میکردند وموجبات رفاه وآسایش اورافراهم مینمودند .

مثلا ابن‌ندیم مینویسد ضمن کتبی که مردم بااین‌اعلان بخلیفه تحفه میدادند واهداء میکردند مکتوبی بخط عبدالمطلب جد پیغمبراسلام‌ص بود که بمامون اهدا نمودند .

استنساخ کتب‌وتالیف وترجمه و انتقال بزبان عربی بسرعت شگفت‌آمیزی پیشرفت کرد و علان شعوبی ایرانی ازکاتبین بود که دربیت‌الحکمه استنساخ میکرد و خودش هم درنکوهش عرب کتابی نگاشته است .

محمدبن موسی خوارزمی ستاره‌شناس مشهور ویحیی‌بن‌ابی‌منصورموصلی متولی‌رصدخانه‌مامون فضل‌بن نوبخت وبنی‌شاکر اعضاء بیت‌الحکمه بودند . سهل‌بن هارون شعوبی فارس نیز از دشمنان عرب بود که درقدح‌اعراب کتابی تصنیف نموده است وباید گفت بیت‌الحکمه بدست ایرانیان اداره میشد این بیت‌الحکمه‌مقدمه تهیه کتاب برای کتابخانه عمومی‌بغداد گردید وخلیفه هم چون ازکتاب لذت میبرد هرکس خدمت اومیرسید بهترین تحفه وهدیه‌اش کتاب بود .

مولفین ومصنفین‌وشعرا وهر کدام نیزازآثارخود کتابی تنظیم میکردند وبکتابخانه بزرگ‌خلیفه اهداء مینمودند بطوریکه درسال ٤٤٧ هجری کتابخانه بزرگ بغدادموقعی که طغرل سلجوقی وارد بغداد شد محله کرخ جای کتابخانه آتش گرفت و بعدالناصرعباسی‌سال ٦٢٢ کتابخانه بزرگی‌تربیت داد که ششصدهزارجلد کتاب داشته است وخواجه نصیرالدین ازآن‌کتابخانه بمراغه بسیار آورد که نوشته‌اند کتابخانه مراغه چهارصدهزارجلد کتاب‌داشته .

کتابخانه اندلس

کتابخانه اندلس درنهضت علمی سرمشق شد که ازمامون تقلید کردند ودرسال ۳۵۰ کتابخانه مفصلی جمع‌آوری کرد ـ وحکم پدرهشام اموی هزاردینار برای ابوالفرج اصفهانی که اوهم از امویان بود فرستاد وخواست کتاب یکدوره آغانی را قبل‌ازآنکه بخلفای عباسی بدهد بخلفای‌اموی اندلس تسلیم نماید .

دراین کتابخانه نوشته‌اند فقط فهرست دیوان اشعار ٤٤ جلد بود که بطور متوسط چهل و ـ چهارهزار دیوان شعر داشته است مقریزی و ابن خلدون کتابخانه آنجا را بچهارصدهزار مجلد تخمین زده‌اند .

درغرناطه هفتاد کتابخانه عمومی تاسیس شد بازار کتابفروشهای قرطبه مسابقه مزایده کتاب بود که همه کتب دارای جلدعالی ونقاشی وخط زیبابوده است که بنقل خصوصی مردی عاشق جلدان شده وقیمت آنرا بالابرد تاخرید .

مردم اشبلیه اهل عیش ونوش بود و هرکس در هرنقطه می‌مرد اموالش را در اشبلیه حراج میکردند وازآنجمله بازار کتابفروشی‌شده بود. واگرعالمی اشبلیه وفات میکرد درقرطبه کتابهایش را می‌فروختند .

کتابخانه العزیز مصر

العزیز دومین‌خلیفه فاطمی بود نخستین خلیفه‌مصر است که در تاسیس کتابخانه و جمع‌آوری کتاب بخلفای‌بغداد واندلس تاسیس کرد واو اول جوانی سال ۳٦٥ خلیفه وزیرش یعقوب کلس مردی دانش‌پرور و کتاب دوست بود و خلیفه رابعلم دوستی و ترویج علم وادب تشویق میکرد وهمین تشویق سبب تاسیس کتابخانه بزرگی گردید که اول درکاخ اختصاصی بود وبعد درخزانةالکتب محلی مخصوص برای آن ساختند وبرای خرید کتب‌مامورینی

باطراف فرستادند که هر کس بیش ازصد نسخه کتاب توانست خریداری کند جایزه داشت ونسخه کتاب العین خلیل بن احمد بدست آنها افتاد . وهر نسخه راصددینار میخریدند وازکتاب الجمهرة ابن درید تهیه نمودند وصلاح الدین ایوبی هم دنبال آنرا گرفت و۱۲۰۰ نسخه تاریخ طبری و۳٤۰۰ جلدقرآن جمع آوری نمود وتمام قرآنهارا بآب طلاو بخطزیبا نگاشته بودند.

کتابخانه مصر بالغ یکمیلیون وششصدهزارجلد ۱،٦۰۰،۰۰۰ کتاب داشت که هیجده هزارجلد درعلوم قدیمه بوده است و٦۵۰۰ جلد کتاب نجوم و هیئت و هندسه وبقیه کتب فقه لغت ـ حدیث ـ تاریخ ـ شیمی ـ نجوم وغیره بوده است .

العزیز درکتابخانه اختصاصی دربارخوددویست وبیستهزار ۲۲۰،۰۰۰ تاصدوبیست هزار کتاب عالی قیمتی داشته است ولی متاسفانه مانند کتابخانه اسکندریه از آفات مصون نماند وقسمتی ازآن طعمه آتش گردید .

کتابخانه الحاکم بامرالله

پسر العزیز بالله بنام الحاکم بامرالله این علاقه را بوراثت بردودرسال ۳۹۵ نزدیك قصر خود کتابخانه‌ای ساخت که گویا دویست و بیست هزار جلد کتاب اختصاصی ازاوبود و برای آن موقوفات ومستقلاتی وقف کرد که پایدار بماند فرشها پرده ها وددرب و قفسه عالی ساخت و میخواست دارالحکمه را مانند بیت الحکمه عباسیان توسعه دهد در آنجا تازیان ـ ستاره شناسان ـ پزشکان ـ معلمین نحو و لغت و غیره جمع بودند ـ و آنجا بمطالعه علمی می پرداختند .

کتابخانه شام

شام از کتابخانه عمومی درعصر بنی امیه محروم بود زیرا امویان اهل علم وفضیلت بودند ـ خلفای فاطمی که درطرابلس کتابخانه دائر کردند فرنگیان درسال ۵۰۲ آن کتابخانه را غارت کردند چنانچه دراواخرهم کتابخانه‌های ایران را بغارت بردند ـ و بنقل گیبون مولف تاریخ امپراطوری روم مینویسد **سه میلیون کتاب از کتابخانه طرابلس را آتش زدند . وسوزانیدند .**

نورالدین زنگی والی شام مدارس و کتابخانه‌هائی درشام دایر کرد که بگنجینه نوریه مشهور بود وصلاح الدین ایوبی هم کتابخانه تاسیس نمود.

کتابخانه های ایران

درایران کتابخانه‌های خصوصی مشحون بر کتب پهلوی فراوان بود وبزرگترین مرکز علمی اسلامی بشمارمیرفت ـ خراسان ـ فارس ـ اصفهان بیش ازتمام ممالك اسلامی مدرسه و کتابخانه داشت ولذا آنجارا دیارعلم وادب میگفتند .

یاقوت حموی مینویسد درسال ٦۱٦ درمروشاه جهان کتابخانه عمومی دیدم که مانندآن درهیچ کجای دنیا نبود دریکی از آنها دوازده هزار جلد کتاب موجود بود که من از آنجا اقتباس اطلاعات خود را نموده‌ام .

کتابخانه بخارا که مرکزومنبع معلومات ابن سینا بود ازآثار نوح بن منصوربود و کتب مهمی داشته است هولاکوخان مغول برای رصدخانه مراغه چهارهزارجلد کتاب فراهم نمود.

صاحب بن عباد دراصفهان چهارصد شتر کتاب داشته است . موفق الدین بن مطران ده‌هزارجلد کتاب ازخودباقی گذاشت کتابخانه امین الدوله بیست هزارجلد کتاب داشت ـ کتابخانه فتح بن خاقان

واین قفطی کتابخانه‌های بسیارداشت .

آنچه جرجی‌زیدان از کتابخانه های مشهوراسلامی نام برده است ارقام جالب‌توجهی‌است

بیت‌الحکمه بغداد چهارملیون جلد	۴،۰۰۰،۰۰۰
کتابخانه شاپوردربغداد	۱۰،۰۰۰
« دارالحکمه درقرطبه	۴۰۰،۰۰۰
« سلطنتی قاهره	۱:۰۰۰:۰۰۰
« دارالحکمه قاهره	۱۰۰.۰۰۰
« طرابلس شام	۳،۰۰۰،۰۰۰
« مراغه ایران	۴۰۰،۰۰۰
« استانبول	۳۰،۰۰۰

چون ما درباره کتاب و کتابخانه‌های اسلام کتاب مفصلی نوشته‌ایم بهمین مقدار قناعت میکنیم ومیگوئیم کتابخانه عراق وایران که بیشتر آثار قلم ایرانی شیعه امامیه است منبع کتب اسلامی گردیده آنهارا بیشترازهر کس درنشرمعارف دین مسلمین بسزاداشته‌اند کتب فهرست الذریعة الی تصانیف‌الشیعه مهمترین‌معرف این حقیقت است .

آزادی بندگان دراسلام

فلا اقتحم العقبة و ما ادریك ماالعقبة
فـك رقبـة اواطعام‌فی یوم‌ذی‌مسغبة
یتیما ذامقربة او مسکیـناذا متربـة
آیه ۱۱– ۱۷ – سوره‌بلد

یکی‌ازمزایای اسلام برسایرادیان عالم وهمچنین برتری مسلمین برسایرملل جهان این‌است نه تنها پیغمبراسلام آخرین وبزرگترین منجی عالم بشریت ازلحاظ روح ونفس بود بلکه از جهت آزادی تن وجسم وجسد هم بشررا آ . . ـ ب بخشید واین ازخصوصیات اسلام است که درسایرادیان‌نبود ونیست واین آیه کریمه این حقیقت راروشن‌میسازد میفرماید تکلیف خودرا دروصول بقیه انجام‌نداد ورنجی متحمل نشد تاخودرا بعقبه برساند وآزادی یابد ، چه نیل بعقبه مستلزم جهاد بانفس ورنج ومشقت بود که بایداعمال صالحة رانشان داد واز رذایل اخلاقی‌پرهیز نمود وبامجاهدت نفس‌بنیکوئی عادت کرد تابعقبه رسید وخودرا ازممالك عالم طبیعت نجات داد.

علی‌بن ابراهیم درتفسیر خود میگوید مرادازعقبه ائمه دین علیهم‌السلام میباشند آنها عقبـه‌ای هستند کـه رسیدن بانها دشوار است امـا هر کس خود را بآنهـا رساند آزاد است .

عقبه محلی بود که اهل مدینه آمدند آنجا پیغمبررا ملاقات نمودند و بیعت کردند وآزادی یافتند وبمدینه مهاجرت کردند رسیدن بعقبه که دردامنه کوه درزیر سایـه درختی بود سخت صعب و مشکل بود ولی هر کس خودرا بعقبه رسانید واین تحمل رنج را برخود هموار کرد توفیق یافت که بسعادت برسد .

اگرعقبه همان محل باشد احتیاج بمجاهدت داشته وهر کس رسیده آزادی جسم وجان یافته وبعدهم بفوزوفلاح رسیده واگرعقبه بنابرتفسیروجود ائمه باشند بازهم رساندن خودرا بآنهاباآنهمه مشکلاتی که آنروز ازنظرسدراه دشمن‌بود مشکل مینمود واگرامروز هم‌باشد بااینهمه عوامل‌شهوات

رسیدن بائمه دین وپیشوایان معصومین مشکل است .

زیرا کف نفس لازم دارد ومجاهدت درراه ریاضت نفس وبرخلاف تمایل شهوات رفتن تاآزادی رخ دهد قرآن میفرماید آیامیدانید عقبه چیست ؟ آن آزادساختن بندگانست ورهانیدن آنها از قید وبندهای مختلف وبندگی بتها وخودپرستی وغیره این است معنی عقبه یاعقبه اطعام بندگان مستمند است که خودآدمی گرسنه بماند وطعام خودرا بدیگران دهد.

روزی ایتام وبینوایان راحمایت کند که درنهایت صعوبت وسختی وباشرایط مشکلی میگذرانند یا یتیمی را که مقرب درگاه الهی است نوازش کند یامسکینی را که خاك نشین است تلطف و شفقت نماید اینها معانی عقبه است وآنگاه وصیت بصبر وشکیبائی ورحمت ومهربانی میفرماید.

این تفسیر قرآن است واماعمل پیغمبراسلام این بود که بندگان خدارا ازضلالت وجهالت و نابخردی نجات داد ازتاریکی گردانی وخطردریای ژرف نادانی بساحل نجات رسانید در فقه اسلام که احکام شریعت است چندین باب درآزادی بندگان درفروع مختلف مقررفرموده است وکفاره هر گناهی را آزادی گردن بنده‌ای قرارداده وچون درصدراسلام بشرحی که درتاریخ مفصل اسلام نگاشته‌ایم اکثرملل عالم بندگان خدارا بغلامی وخدمتهای سخت استثمار میکردند وآنها را چون حیوانات خرید و فروش مینمودند و یك رواجی داشت که مال التجاره معمول جهان بود - وپیغمبراسلام یك خدمتی داشت که بندگان خدارا بهروسیله‌ای ممکن باشد آزاد سازد و تاخود زنده بود در جنگها تمام اسرارا آزاد ساخت وبرای هرکاری وبشکرانه هرموفقیتی بندگان اسیر وگرفتار را میخرید و آزاد میساخت .

بپیروی نیات مقدس اوامیرالمومنین‌علی ع ودخترش فاطمه زهرا وفرزندانش حسین و اصحاب وفادارش چون سلمان وابوذرومقداد وعمار وحذیفه وغیره‌غلامان وکنیزانی میخریدندآزادمیساختند ودر عمل حج برای هرتقصیری بنده میخریدند آزاد میکردند ودرلغزش مفطرات و مبطلات روزه و غیره بازبرده‌هارا وغلامان وکنیزان ابتیاعی را آزاد میکردند ،

واین بزرگترین خدمتی‌بود که درمکتب اسلام نسبت بیشترشد وآنگاه همین بندگان آزاد را بتعلیم وتربیت وامیداشتند - نوشتن وخواندن بآنهامیآموختند وسایل معاش وسرمایه کسب آنهارا میدادند مسائل حلال وحرام مکاسب ومتاجررا بآنها تعلیم میکردند و اینهاهمه ازخدمات برجسته اسلام بود ائمه معصومین ع که عقبه وملجاء و پناه مردم بودند خلق را در این راه‌هدایت وارشاد میکردند روزهای‌جمعه واعیادرسمی اسلام چون عیدفطرواضحی وهمچنین روزتولد خود وفرزندان و باوفیات‌پدر واجدادخود وبشکرانه‌نعم‌بی‌انتهای الهی بندگان رامیخریدند آزاد میساختند چنانچه درکتاب چهارده‌معصوم ع نوشته‌ام اگرغلام یا خدمتکاری لغزش یاخطائی میکرد بجای آنکه آنها را سیاست‌وسرزنش کنند آنهارا آزادمینمودند ودیگران راهم درآزادنمودن اسرا و بردگان و غلامان تشویق وترغیب مینمودند واحادیثی ازپیغمبرص درثواب آزاد کردن بندگان خدانقل نموده‌اند که درکتب مربوطه ثبت است .

آزادی بندگان دراسلام باآن شدتی که ملل‌دیگر دربرده وبنده ساختن خلق داشته موردتوجه خردمندان جهان کردید وبزرگان عالم بدینجهت درپیشگاه پیغمبرخاتم‌النبیین ص سرتعظیم فرود آورده‌اند که اوبزرگترین منجی‌عالم بشریت ازلحاظ آزادساختن برده وبنده بود که هم جسماً وهم

روستا آزادی می‌بخشد ــ وهم زن را ازاین قیود بی‌خردی وجاهلانه نجات داد وحتی درقران تصریح فرموده که **من احیی نفساً فکانما احیی الناس جمیعا**

هر کس یك نفر رازنده نگاه‌دارد واز کشتن ومردن رهائی بخشد مثل آنست که جمعی‌را زنده نگاه داشته است وچه حیات وزندگی بهتراز آزادی خلق است که جسم آنهارا ازبندگی و اسارت و روح آنهارا بعلم ودانش آزاد کنی وحیات و زندگی جاودانی بخشی غرض آن است که اسلام باین خدمت بزرك مورد ستایش حکماء وفلاسفه بزرك جهان قرار گرفت .

حقوق زن

یکی دیگر ازعوامل رشداسلام وتوسعه وابقای آن تعیین حقوق زن‌در اسلام بود که کاملا زن را ازاین رقیت وبیرده گی وا ارت ومتاعیت خارج کرد وبرای آن حقوقی وضع فرموده و عواطف متبادله با مردان برای آنهاقرارداده ودرعلم وهنروفضیلت آنهارادوش‌بدوش مردان پیش‌برد ویکی‌ازبزرگترین خدمات منجی عالم بشریت همین آزادی معنوی بود که بزنـان ارزانی داشت که خود محتاج کتاب جداگانه‌ایست ودریك جلد نگاشته‌ام .

زن‌درقبل‌ازاسلام حکم متاع وبنده وبرده وحیوان اهلی راداشت انواع نکاح مقت وغیره که در جای خودمفصل نگاشته‌ام بازنده بگور کردن دختران وعادات وآداب رفتاربازن وغیره همه باحقوقی که دراسلام برای زن معین کرد واورا موجود متفکرصاحب حق ومالك ومرید ومختار وصاحب رای‌و فکروقابل استفاده جسمی وروحی قرارداده کاملا متباین ومتضاداست اسلام زن را ازنظرعفت وعصمت درحجاب مخصوص ودرسنواتی محدود برای حفظ گوهردانش بود واین حجاب نیز برای زن دراسلام پروانه مصونیت آنهامیباشد ولی چون مفهوم این دستور نسبت بادراکات اقوام وملل مختلف بود در اصل و کیفیت و کمیت آن هر کس چیزی گفت .

فعلا نمیخواهم بیان اینموضوع‌شود بلکه خواستم بگویم حقوق زن دراسلام موجب عظمت‌وتوجه ملل گوناگونی شد که زنانشان‌ازحقوق ومزایای اجتماعی‌محروم بودند همه باسلام گرویدند وامروز هم طبق‌آماری که دردست است فساد وفحشاء مللی که ازاین قانون سر پیچیده‌اند چندین صدبرابر ملل مسلمان است ودرممالك اسلامی‌هم که پرونده‌هـای جنحه وجنایت را آمارگیری نماینـد معلوم میشود اکثریت ازکسانی است که بی‌بندوبارمیباشنددرحالیکه ازمسلمـانان واقعی‌یکهزارم‌پرونده‌هم درديوآن جزا وجـحه و کیفری نیست واین خود ازمزایای اسلام بشمارمیرود.

اسلام گرفتن وعقد ونکاح چهارزن راتجویزنمودتااولا مردان درسفر ویامریض زنان‌یامشکلات دیگردرزحمت نباشند زنان هم برای محدودیت بفحشاء وفجایع نگروند تعدد زوجات باشرایط‌خود ازبزرگترین خدمت اسلام بجامعه بشرمیباشد .

عقد زن بشرط آزادی وعقل وبلوغ باحفظ حقوق‌مالی‌زن واحترام بمالکیت شخص‌اونیز خدمتی تمام بزن شد .

شرایط رضاع ونفقه و کسوت واستقلال فکری وآزادی آن نعمت غیرمترقبه‌ای بود کـه پیغمبر خاتم‌النبین بیشترآموخت ــ درفقه اسلام ودر تفسیرآیات قرآن راجع باین حقوق فردی و مشترك . بحث جامعی شده و آنقدر درباره زن دردنیا کتاب نوشته شده که حدوحصر ندارد .

پرچم دراسلام

ازسنن بشری‌این‌بود که‌برای‌امتیازومعرفی خود درانبوه‌اجتماعات واحزاب ومخصوصاً در جنگهابرای تمیزدادن لشگریان خود از سایرقشون علم وپرچمی‌تعبیه‌میدیدند که دسته وجمع آنهارا از

دیگران ممتاز ومجزا کرده‌اند .

این سنت کم کم درتمام قبایل وعشایرواقوام وامم حکمفرما گردید وهرملت ودولتی درهرنقطه ازجهان یك علامت‌ممیزه ومختصه داشت که بدان شناخته میشد تابا‌سلام رسید واکنون قبل‌ازآنکه پرچم اسلام رانشان دهیم از پرچمهای قبل از اسلام در ایران و ممالك زنده آنها که ازکتب و کتیبه‌ها و تاریخ و آثار باقی مانده باجمال تاآنجاکه خبر داریم برای مزید اطلاع خوانندگان عزیز مینگاریم .

پرچم درتعریف پرچم گفته‌اند پارچه‌ایست سیاه ومدور که بر گردن نیزه وعلم نئی بلندمی‌بستند.

بیرق قسمتی ازحریررنگین است که برعلمها ونیزه‌ها وکلاه خودهامی‌بستند وبیرق - هـای دولتی را بر بالای عمارات دولتخانه ومحکمه‌های قضائی واداری نصب‌میکردند.

علم بنقل یاقوت‌علم و رایة آن پارچه‌ای بود که بر نیزه میبستند وبیش‌ازصدنفراطراف آن جمع میشدند واین علامت مشخص آنجمع بود .

قبل‌از اسلام هرصد خانواده یك علم داشتند که رنك مخصوصی داشت و درمحله آنها نصب میشد و در حقیقت مرز آن قبیله ازنظر خذم وحشم و نخیل وچاههای آب بود ومتنبی شاعـر شهیر عرب گفته است.

طردت من مصر ایدیها بارجلها　　　حتی مرقن بنا من جوش والعلم ۱

درفش درفش وعلم نشانه‌ای را گویند که درروزجنك برپا میکردند وبرق وفروغ و روشنی داشته است ودرفش‌کاویانی‌علم فریدون را گویند که منسوب بکاوه آهنگر اصفهانی‌است

اما تشخیص پرچم و بیرق و علم درگذشته خوب روشن نیست هر کس بتفوهات خود چیزی گفته است .

بیرق دولت پارت معلوم نیست چه بود ــ در دولت هخامنشی چنانـکه گفته میشود عقابی از زر بابالهای گشاده بود .

دردولت اشکانی گویند که گاه بتقلید ازرومیها عقابی دوسراستعمال میکردند وگاهی باقتباس ازبابلیها علامت ماه وستاره راداشتند که درضمن معلوم میشود رومیها عقاب دوسروبابلیها ماه وستاره درپرچم آنهابوده است .

درتاریخ ایران باستان شرحی ازپرچمهای ایرانیان قبل ازاسلام وممالك مجاورآنها مینگارد که متکی بمأخذی نیست ۲

تاریخ پرچمهای اسلامی یکی ازنکات تاریخی که هنورخوب ابداء و پیدایش و تحول آن روشن نشده پرچم‌است که درسابق‌بنام علم ورایت ولواء درکتب ذکرشده‌است آنچه که ازخلال تواریخ میتوان بدست آوردرایت وعلم درمیان مصریون قدیم شایع بوده ومعاصرین ازآنها گرفته‌اند درمیان عرب قدیم بنام لواء در هنگام پیمان جنك پارچه‌ای که شعارخود بود برسرچوبی بلند میکردند و این اعلان تجمع پیمان

ـــــــــــ

۱ـ مرآت البلدان یاقوت ص ۲۱۱ ج ٦

۲ـ تاریخ ایران باستـان ص ۲٦٦۳ ج ۳

کنندگان بوده وعمل هرقبیلهٔ یك رایت ولوائی داشتند لواء کوچك تر ازرایت بوده است وجمع آن الویه است .

چنانچه شیخ سعدی درپایان دعائیکه درحق اتابك سعدبن زنگی میکند میگوید :

لقدسعدالله نیابه دام سعده　　وایده المولی بالویةالنصر

رایت قسمتی‌ازلواء بوده وهرقبیله ازعرب رابتی که ممیز آنها میبود داشتند که زیر سایه آن اجتماع میکردند برای پرچم‌اهمیت بسزائی‌درجنك قائل بوده‌اند زیرا تاپرچم در اهتزاز بوده مایه قوت قلب لشکریان‌شده وچون متزلزل‌میشد اسباب تزلزل‌خاطرقشون میگردیدواگرپرچم‌سرنگون میشد نمونه شکست واسباب فرارلشکریان میگشت ،

دردوره جاهلیت‌کارلواء وپرچم بجائی‌رسید که پرچمداری ازمناصب خاص و موجب افتخاربود وپرچمدار ملقب «العقاب» بود منصب اوشریفترین مناصب دوره قبل‌ازاسلام بشمارمیرفت اعراب ۱۵ منصب رابین‌قبایل بزرك تقسیم میکردند که ازآنجمله پرچم ومنصب‌اللواء بوده وباید قهرمان مردان عرب عهده‌دار این منصب باشد .

چون رایت برافراشته میشد باید همه سلام کنند وتسلیم پرچمدارباشند ونسبت باومطیع و فرماندارگردند .

چون بطرف میدان جنك میرفتند پرچم‌دار اول خارج میشد وافراد درپیرامون آن بوده چون درمیدان جنك جامیگرفتند پرچم درقلب لشگرجاداشت چه فتح وفیروزی یاشکست و تفرقه ازپرچم پدیدار میگردید .

این منصب درجاهلیت مدتی‌باقبیله بنی‌امیه بوده وزمانی برای‌رفع این اختلاف دراندیشه فرو رفتند مدتها گذشت‌تااسلام دراطراف شام وایران ومصرپیشرفت کرددول وقبایل‌ونژادهامختلف‌شدند وهریك شعاری داشتند که پرچم خودرامزین بشعارخود بالامیبردند **وانواع واشکال پرچم‌هابلند کوتاه ـ رنگـارنك ـ بانقش ـ ساده درمیان مسلمین نمودارمیشد وهریك دسته‌ونژاد وقومی پرچم خودرا بنامی می‌نامیدند .**

ابومسلم خراسانی که قیام کردپرچمی بلندنموده که برنیزه بلندی وبدست ابراهیم نامی‌داده کـه بنام «دانظل» بطول ۱٤ ذراع «۷ذرع» بوده و این پرچم دعوت او بوده پس‌ازآن پرچمی بنام «السحاب» در۱۳ ذراع و۵ر۷ ذرع تهیه کرد آن برای راهنمائی مردم وارتش خود بود.

متوکل عباسی برای بیعت گرفتن لواء وپرچمی داشت که سیاه بوده پرچم عهدوپیمان نامیده میشد ولواء دیگری سفیدرنك داشت که درشهروتشریفات نصب میکردند .

بنی‌عبدالدار ـ آنها رایت خودرابنام العتاب بپیروی‌رومیـان نام گذاشته ومدتی النسرمیگفتند که شعار رومیان بود .

دراین پرچمها رومیان بزرگترین آثاربنا وساختمان خودرا روی پرچم نقش میکردندواعراب هم ازآنها اقتباس کردند ،

پرچم دراسلام

درسیره‌حلبیه که نفیسترین تاریخ زندگانی رسول‌اکرم‌ص‌وجریان پیدایش وتمدن اسلام‌است«پس‌ازسیره ابن‌هشام» می‌نویسد غزوه بدرکبری که از قبایلی تشکیل یافته بود دارای ۳ پرچم گردید یکی سفیدرنك که دست مصعب‌بن‌عمیربود دیگری‌سیاه رنك که بدست علی‌بن‌ابیطالب ها سپرده‌شده

ونام آن العقاب گذاشتند واین پرچم ازپارچه پشموخزی بافته شده بود که روی سرعایشه میانداختند ویك پرچم هم دست انصاربود که آنهم مایل بسیاهی بوده ابا سفیان که ازفرماندهان سپاه دشمن بود پرچمی بدست داشت که نام آنهاراهم «رایةالعقاب» گذاشته بود وهمانطور که گفتیم عقاب نام عمومی پرچم نزد عرب بود ودراین جنك بجهات تشابه رنك ونام نیروی اسلام بانیروی دشمن درجنك تن بتن ومغلوبه بهم اشتباه میشدند .

چون مامون بخلافت رسید وفضل بن‌اسمعیل‌را برامارت مشرق گماشت وریاست حرب وقلم را بدومفوض کرد واورا ذوالریاستین نامید «سنان» نیزه دوسرودوشعبه تعبیه کرد وپرچم خودرا برآن افراشت که یکی سفید ودیگری سیاه بود باری اشکال والوان پرچمها بمرورزمان در اسلام برحسب تمایل خلفا وسلاطین اختلاف یافت تابجائی که چون خلافت بالعزیز بالله فاطمی رسیدو برای شام خروج کرد ۵۰۰ رایت وپرچم داشت و۵۰۰ بوق وآهنك داشت براین‌رایت وپرچمها اسماء خلفاوسلاطین وامراء که فرمانده وفرمانفرما بودند یاریاست قشون را داشته نگاشته ونقش زد چنانچه ابن‌رائق در پرچم خود «الرائقی نقش زده بود .

رنگهای پرچمها

درقبل‌ازاسلام درعرب نسبت برنك پرچمها اطلاعی دردست‌نیست جزرنك «رایةالعقاب» دراسلام پیغمبرا کرم‌ص فرمان داد رایت اسلام راسیاه‌رنك کنند صاحب کتاب آثارالاول مینویسد پرچم سفیدی دراسلام بودتا اندك‌اندك‌اسلام پرچمهای اسلامی الوان‌ورنگهای مختلفی پیدا کرد که‌باختلاف دول اسلامی بود .

پرچم بنی‌امیه برای مخالفت بابنی‌هاشم سرخ رنك بود بنی‌عباس پرچم سیاه انتخاب کردند باحترام پیشوای اسلام و برای ماتمزدگی شهدای بنی‌هاشم وباهمین پرچم بربنی‌امیه می‌شوریدندو خونخواهی میکردند .

بنی‌علوی‌پرچم‌سفیدشعارخود قراردادند ـ بنی‌هاشمیون‌وطالبیون که بربنی‌عباس‌خروج کردند پرچم‌سفید انتخاب کردند وبنام «المبیضه» بالامیبردند .

بنی‌هاشم ودعاة شیعه رنك‌زرد را برای لواء خودبرگزیدند چنانچه مامون پس‌ازبیعت گرفتن ازمردم بولایت عهدی «حضرت امام‌رضا علیه‌السلام» فرمان داد قشون پرچم سیاه برافرازند و لباس سبز بتن کنند وچون ازبیعت عدول کرد همان رنك سیاه راحفظ کرده وشعارقرارداد .

ملوك بربردرمغرب چون ثروت بسیارهم داشتند رنك ثابتی اتخاذ نکردند بلکه برپارچه های حریرمخصوص که بالوان مختلفه بافته شده بود اززرخالص نام خودرا نقش میکردند :

دراندکی پرچمی‌ازحریرسرخ رنك مطرز بنقوش‌جمیله‌زیباوآیات قرآن داشتند کهٔ گوستاولوبون برایةالموحدین نامیده است .

پرچم الوان

درکتاب اولین امارت شیعه مینویسند: اولین دفعه که بیرقهای الوان بکاربرده شد نماینده‌امارت هجده ماهه شیعه بوده و ارتباط تام وتمام بایران و افکار ایرانیان قدیم داشت .

بشهادت تاریخ بیرقهای بنی‌امیه سیاه بود و اولادزبیرهم بعداز تسلط برحجاز ویمن وعراق‌عرب «بین فوت یزید وجلوس عبدالملك» همان رنك را اقتباس نمودند .

جمعیت شیعه که در کوفه اغلب هم ایرانی بودند هنگام انقلاب بنام خونخواهی حضرت حسین بن علی الشهید ع برای اینکه شناخته شوند بیرقها را سبزوسفید و سرخ یا از دورنك ویا سه رنك فوق انتخاب نمودند ـ و بعقیده نگارنده استعمال بیرق سه رنك فعلی ایران از همان زمان منشاء گرفته است .

پیشوای این انقلاب وموجداین پرچم مختاربن ابوعبیده ثقفی بود که پدرش و چهار برادرش درجنك حلوان بوسیله فیلهای جنگی ایرانیان کشته شدند وبپاس تقدیر ازاین جانفشانی خلیفه دوم مختاررا بحکومت مدائن برگزید وتحت جماعت عمویش سعدبن مسعود که یکی ازرجال عالیهمت شیعه است درمدائن حکمرانی مینمود . ۱

شیروخورشید در پرچم ایران

گفتیم که دراسلام پرچم سه رنك برای اولین دفعه ازطرف فرقه شیعه بسر کردگی مختاربن ابیعبیده ثقفی وهواخواهان ایرانی پرچم سه رنك بوجودآمد وبرافراشته گردید وانتخاب این پرچم برای آن بود که با هواخواهان بنیامیه و هواخواهان زبیر اشتباه نشوند .

رنك این پرچم بانتخاب ایرانیان بود که هم اکنون باقی است اماشیروخورشید سرخ ازچه ـ زمان برآن نقش شده محتاج بتحقیق بیشتری است ناگفته نمیتوان گذاشت که ایرانیان قدیم زرتشتیان که آتش وآفتاب رامحترم میدانسته خورشید راروی سکهها وپارچهها نقش میزدند که نمایندهقدرت ودرعین حال عقیدهآنها باشد .

اما ازقبل ازاسلام آنها چیزی دردست نیست ولی محقق است که چون خورشید درخشان ترین جرم آسمانی وپادشاه ستارگان بود و ایرانیان قدیم چنانچه جد وعموی ابراهیم خلیل درسرزمین مکه وآشور بودند وخورشید را احترام میکردند و بتها را ازصورت خورشید میساختند وحتی خود ابراهیم هم بنابروظیفه ورشد توحید اول ستارگان رامعبود خود شناخت وبعدماه و سپس خورشید را وچون افول کرد گفت **انی لااحب الافلین شیرهم پادشاه حیوانات است و دلیرترین همه درندگان ودرنظرمردم بسنگینی وپابرجائی وصولت وصلابت وقدرت وقوت موصوف** است ـ ایرانی هم بنابرداستانهای تاریخی رستم وسهراب وامثال این حکایات بقهرمانی وپهلوانی و جرئت وجسارت شهرت ملل عالم بود ازاین دوجهت شیروخورشید رابرای نقش بردرفشها وسپرهاو ابزار واسلحه جنك زیباترین وبارزترین معرف شهامت وقدرت خود میدانستند نقش نمودند وبعدها برروی سکههای زروسیم وکاغذ وغیره نقش زدند .

درتاریخ ارمنستان ۱ وتاریخ مردم ارمنی۲ ایران قدیم ودواوین شعرا و ادبیات پهلوی قدیم شواهد تاریخی براین امردردست است که مورد بحث مانمیباشد .

دراسلام نقش شیردرروی سکه وپارچه معروف و معمول بود حتی برسنگها حجاری میگردند و سکههای فراوانی که ازدوره مغول ببعد دیده میشودا کثر نقش شیربران است و شعرانیز ازاین نشان

۱ـ اولین امارت شیعه تالیف دوست محترم آقای علی اکبر تشید مدیر محترم تاریخی

۱ـ ص ۱٦٤ ج ۳ تالیف چامچیان

۲ـ تالیف دومرگان

ملی شواهدی آورده‌اند چنانچه مولوی فرماید ـ

ماهمه شیریم شیران علم — حمله‌مان ازباد باشد دمبدم

وازرقی شاعرعصرسلجوقیان گوید:

پلنك وشیر بجنبند برهلال علم — چنانکه شیرعلم روزباددرخفقان

ازاین اشعاروهزاران اشعاردیگرشعرای ایرانی معلوم میشود که صورت شیروخورشید وپلنك وهلال در پرچمهای اسلامی ازاوایل صدراسلام سابقه داشته است.

وفردوسی درباره درفش کاویانی گوید :

یکی زردخورشید پیکردرفش — سرش ماه زرین غلافش بنفش
زده پیش او پیل پیکر درفش — بنزدش سواران زرینه کفش
درفشش ببین اژدها پیکراست — برآن نیزه برشیرزرین سراست
درفش پس پشت پیگر گراز — سرش ماه سیمین و بالادراز

همه این شواهدتاریخی نشان میدهد که برسرنیزه های آهنین پرچمهای الوان بود که برآنها نقش شیروخورشید بسته ودراهتزاز میگذاشتند دراسلام برخی بعلل‌اهتزاز از خورشیدپرستی مردم عکس شیررا تنها گذاشته که نشانه پهلوانی‌است وخورشیدرا نمیکشیدند وبعضی‌بعلل امتیازملل‌ازهم نقش شیرویاخورشید یاماه یاستاره یاپلنك وغیره میکشیدند .

ابن عبری مورخ معروف در کتاب (مختصرتاریخ‌الدول) ۱ مینویسد غیاث‌الدین کیخسروپسر علاءالدین کیکاوس که ازپادشاهان آنخاندان ودومین کیخسرو ازایشان است ودرسال ٦٣٤ هجری بجای پدر بپادشاهی یافته بود او دخترپادشاه گرجستان رابزنی گرفت‌وچون این پیوند باغیرمسلم‌بود چنین اندیشیدند که صورت شیری نگاشته وروی چمن خورشیدآن شاهزاده زیبارا برفراز آن نقش کنند که هم دلخواه کیخسروانجام گرفته وهم مردم پی‌بحقیقت امر نبرده ومقصودرا نقش‌صورت طالع پادشاه تصور کنند واین‌نقش برسکه‌های آن عصرموجود است ۲

بنابراین درقرن هفتم شیروخورشید بهم‌پیوسته نقش بربیرق سه رنك ایران شد واز دوره صفویه نشان رسمی کشورایران گردید وروی فلزات سکه زدند وهم‌اکنون معرف ملت ایران‌است ۳

بااین بیان پرچم سه رنك شیروخورشید سرخ نمونه سربفلك برکشیدن سلطنت و پهناوری و پرتوافکنی ایران بزرك باستان که سرتاسردنیارا درزیرنفوذ داشته وهمچنین دراسلام برعالمی‌پهناور سلطنت داشته وچون شیرقهرمان بـاصلابت ومهارت برهمه ملل برتری ورجحان یافته ولباس غضب که نمونه غیرت وهمت‌وعظمت است بخودگرفته است .

اقتصاد دراسلام

اصل مالکیت تعارض‌دوقانون سلطه ـ ولاضرر . اصول اقتصاد . اقتصاد در تمام شئون زندگی . همکاری ملل اسلامی ، ارتباط ملل اجباری . ملل‌اسلامی . بازارهای عمومی جهان . کنگره اقتصادی . تاثیرروابط بازرگانی مسلمین درجهان .

پس‌ازپیدایش بشرحس‌احتیاج‌اورابکار وفعالیت ودخل وتصرف‌درمواد اولیه جهان طبیعت‌واداشت

۱ـ ص ٤٤٧ چاپ‌بیروت تاریخ ابن‌عبری

۲ـ تاریخچه شیروخورشیدسرخ ص۱٦

۳ـ روضة‌الصفویه

تاازآب وخاك بكمك نور وهوا اول مسكنی بسازد وقوتی بدست آورد ـ حاصل كار محصول زحمت بشر را مال گويندونسبت كاررا باموجودات مالكيت نامند. گفته‌اند .

ملكيت يامالكيت رابطه‌ايست بين‌شخص ويك‌شئی كه آندورا بهم مربوط ميكند البته اين‌ربط بمحض تحقق طرفين نيست بلكه حصول آن محتاج بدليل است يعنی چون بشر بوجود آمد ـ عناصرهم وجود داشت دراثر كاراشيائی منتسب باشخاص شد ـ البته اين رابطه درمورد زناشوئی اطلاق نميشود زيرازن ومرد دوموجودی هستند عاقل‌وبالغ وآزادومتفكرومالك ومختاز هستند ولی ربط آنها بوسيله عقد وقراردادی تحقق پيداميكند .

درهرحال مالكيت يك اصل‌مسلم غيرقابل انكاراست كه تحولات تاريخی آن در كتب مربـوطه ثبت است ومالكيت گاهی بصورت مالكيت شخصی ومدتی بصورت مالكيت نوعی واجتماعی حكومت داشت تااسلام پديدآمد ومالكيت فردی وشخصی را روی اصل«الناس‌مسلطون علی‌اموالهم» مسجل وامضاء فرموده ،

يك قانون ديگری هم دراسلام هست كه آن اصل‌لاضرر‌ولاضرار است كه گاهی مالكيت و سلطه بالاضرر تعارض پيداميكند واين تعارض بيشتردراموراقتصادی اجتماعی ملل صورت ميگيرد كه درفقه اسلام بطورمشروح فروع تعارض اين دواصل حل شده است و چون ما كتابی دراين موضوع نوشته‌ايم اينجا موردبحث نيست ـ واين مقدمه رابرای آن‌آوردم كه عرض كنم اقتصاد در تمام شئون زندگی بشرقهراً و طبيعة ضرورت دارد واسلام هم كه دين‌طبيعی واجتماعی ودين عقل‌وخرد است اصول‌اقتصاد را درتمام موارد زندگانی‌اعاشی ومادی ازيكطرف ودرمعنويات و روحيات ازطرف ديگرمورد توجه قرارداد وروی آن قانونگزاری كرده است .

اسلام پايه حيات وزندگی راروی اقتصاد برده واقتصاد كه تجارت نمونه بارزآن است ازاركان عوامل اجتماع شناخته است ،

هرمتفكر وخردمندی‌اگر بنظردقت وتحقيق ياتدبيروحسن‌نيت درتعاليم موجوده ميان بشر توجه كند خواهد ديد كه ازرمان پيدايش انسان تاكنون قوانين اديان گذشته وآنچه كه تاكنون دردست بشراست وبكلمات‌فلاسفه ودستورات حكماء وعلمای حقوق‌جهان ودانشمندان اجتماع وعقايدفلكيين واطباء وزمين‌شناسان وعلمای طبيعی و رياضی و گفته‌های ساير متفكرين روشن ضمير توجه‌كامل كند می‌بيند هم آن قوانين‌وتعاليمی كه ازمغزبشر تراوش كرده دارای نقايص ومعايبی‌است كه بارشد ملی ورقاء مدنی بشری توافق ندارد و درموقع مقايسه اختلاف نظرزيادی بين طبقات آن عقايد وافكار از نظرقانون گذاری وجود دارد كه تناسب اجرائی درهرعصر نداشته وبهمين‌دليل منسوخ گشته است و هرزمانی قانونی نووضع شده ؟؟!

همه اين قوانين را اگرباقانون اسلام مقايسه كنيم بدون‌آنكه از روی نظرخودخواهی و بيان تبليغی باشدبشهادت اكثر فلاسفه بزرك جهان و خردمندان روشن ضمير عالم بشريت اسلام ازنظر **قانونگذاری برتمام ملل واديان وحقوق وقوانين موضوعه بشری تفوق وتقدم داردو** قانونی است كه ميتوان در هرعصر بابلندترين سطح انديشه ورقاء ملی و رشدعقلی بشر آنـرا تطبيق كرد و در جامـعه بشر هراندازه و هـر كجا و بهرنحو و هرصورت باشد زماناً و مكاناً اجرا نمود ـ

خوانندگان یقین کنند که این بیان مبالغه وحماسه نیست بلکه حقیقی‌است که ازروی مطالعه سی‌سال کتب ادیان وقوانین‌ملل‌متنوعه‌بشری وتطبیق باقوانین اسلام بدست‌آمد وصدها کتاب هم‌شاهد این گفتارازفلاسفه ادیان وملل‌دیگر موجودداریم .

ازآنجمله قوانین اقتصادی اسلام است که برتمام‌قوانین اقتصادی جهان بشری ترجیح‌دارد

قانونگزار اسلام تمام احتیاجات بشری را از نیازهای عقلی - روحی - جسمی - طبیعی - فردی - اجتماعی مورد توجه قرارداد وچون رشد عقلی بشر باید ازراه زندگی مادی‌وحسن‌اداره امورمعیشت آن درسایه اقتصاد تامین شود و درموضوع اقتصاد بیش ازمسائل دیگر توجه کرده وکلیه فروع این نیازرا بادقت‌کامل آموخته است اسلام سداحتیاج بشرراچنان محکم و آهنین بسته که هرفیلسوف ماهر- هرمکتشف مقتدرهرطبیب حاذق - هرمعلم دانا وهرمربی‌توانا هر قانونگزاردوربین هرقاضی‌مصلح وهرکس که دراجتماع دارای وظیفه رهبری بوده وهست چون‌دراستان اسلام میرسدناگزیراست سرتعظیم وکرنش خم کنند واعتراف نمایدکه اسلام ازنظرقوانین‌اجتماعی کاملترین ادیان بشری است .

فقه اسلام‌اقتصاد را ازتمام مللوادیان روشن‌تر ومحکمترآموخته ودرتمام‌مبانی معیشت وزندگی‌قابل رعایت دانسته‌که درهرکارباید‌رعایت اقتصاد ومیانه‌روی بشود زیرا تمام‌جوانب کارهای مالی رابابنیه‌های اقتصادی وغرائزطبیعی واوضاع سیاسی و جغرافیائی که بهم پیوستگی تام دارد آمیخته ورعایت کرده است وروی دواصل مهم تولید وتوزیع پایه‌های آهنین اقتصاد اسلام را بنا گذارده واستوار ساخته است و مالیات اسلامی‌هم روی همین دواصل است .

این دورکن مهم که پایه‌های اقتصاد برآن استوارشده درهریك از ملل دارای نقیصه‌ایست که تاریخ اجتماعی آنهامظهرنقص اقتصادی آنهامیباشد **ولی اسلام اقتصاد که مایه حیات ملی و علت مبقیه‌اجتماع است براساس تولید و توزیع برده ومالکیت را روی همین دخل و** تصرف درعناصر وضع کرده وجلب منفعت ودفع ضرررا براساس تولید وتوزیع گذاشته وگرنه ماهیت نفع وضررمفهوم خارجی ندارد .

اسلام اقتصاد را در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی بشر برده که مافقط بطور فهرست بیان میکنیم .

اقتصاد درتولید - اقتصاد درتوزیع - آزادی درکاروملك - تحریم‌تمرکز ثروت غیرمملوك بودن اراضی - تحریم جمع کردن ثروت ازراه حرام - حفظ اصول مالکیت فردی - اقتصاد درزمان - اقتصاد درتمام اصول‌محاکمات وقوانین جزائی وحقوقی و مناکحات وتشکیل عائله - اقتصاد درلباس وخوراك وعبادات اقتصاد درحفظ امنیت عمومی درمعاشرت اجتماعی - درتربیت ملی درکسب صنعت وهنر وکاروپیشه درجنك و تبلیغات درآموزش وپرورش وتعلیمات و نشرعلوم‌که هریك از این موارد براهین و دلائل مستقلی دراسلام‌داردکه دراخبار هم نمونه های آن فراوان دیده میشود

اسلام ازیك طرف مسلمین راباهم برادروبرابر قرارداده وبرای هریك درمقابل دیگری حقوقی مقرر فرموده که هرمسلمان مسئول ادای‌آن است - و صریحاً اعلام فرموده - کلکم راع وکل راع مسئول عن رعیته.

درروایت دیگری فرمود هرمسلمانی رهبرمسلمان دیگری بایدباشد و افراد مسلمین رامانند خشت یك بنا یادانه‌های تسبیح بایك مابه‌الاجتماع محکمی پیوست ویایه‌دوستی آنهارا براساس محبت وحقوق متباداله تحکیم وتشدید فرمود .

دراین قوانین شرقی -غربی- سیاه- سفید- مدنی - بدوی -شریف- وضیع -مالك مملوك - قرار نداد .

بلکه تمام مسلمین دربرابر قوانین مواسات وبرابری دارند وهر کس تقوای اوبیشتر مقرب و نزدیکتر بآستان قدس ربوبی است .

بنابراین امروز که ۱۶ کشور مسلمان جهان بهم‌نزدیك شده‌اند وبیش‌از ۳۰۰ ملیون مسلمان درده ملیون کیلومتر مربع زندگی نزدیکی باهم‌دارند شایسته است ازاین قوانین متین وازاین‌مابه الاجتماع وعوامل وحدت ویگانگی استفاده کرده مبانی دوستی خودرا روی تبادل احتیاجات فردی و ملی که دست قدرت پروردگار بقدر کافی در اراضی آنها بودیعت‌بازنهاده استفاده کنند و دستور **صریح قرآن را دراینکار کشف‌وابداع و اختراع واستخراج مواد و استخدام عناصر** بکار برند ومنابع وکانها ومعادن رابانیروی دانش‌وبینش وآموزش وپرورشی که در اسلام چهار قرن سابقه داشته استخراج کنند واز آب‌های فراوان وزمینهای مستعد ومهیا ومردان غیور وسلحشور و باسلیقه وذوق ومهارت استفاده نمایند وازاجانب قطع‌احتیاج نمایند.

قرآن صریحاً دستور میفرماید ای‌مسلمانان جهان **ولا تهنو اولا تحزنو اوانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین .**

ای پیروان اسلام سستی‌وتنبلی‌یأس‌و نومیدی‌و غفلت وخواب خرگوشی راکنار بگذارید محزون ومغموم نباشید آلت دست بیگانه نشوید شماهستید که میتوانید سیادت دنیارا احراز کنید وبرجهان آقائی و حکومت نمائید اما بشرط آنکه ایمان داشته باشید ایمان بخدا ایمان بپیغمبر ایمان به سزا وجزا - اگر آموزش وپرورش اسلام رابااین‌رویه‌بکار بردید آنوقت‌است که‌میتوانید مانندمسلمین قرن چهارم که‌میگفتند.

مائیم که از پادشهان باج گرفتیم	**زان‌پس که ازایشان کمروتاج گرفتیم**
دیهیم وسریر ازگهر وعاج گرفتیم	**اموال و ذخایر شان تاراج گرفتیم**
وز پیکرشان دیبه و دیباج گرفتیم	**مائیم که از دریا امواج گرفتیم**

و اندیشه نکردیم زطوفان و زتیار

درچین وختن ولوله از هیبت ما بود	در مصر وعدن غلغله ازشوکت مابود
دراندلس و روم عیان قدرت ما بود	غرناطه و اشبیلیه در طاعت ما بود
صقلیه نهان در کنف رأیت ما بود	فرمان همایون قضا آیت ما بود

جاری بزمین وفلك وثابت و سیار

خاك عرب‌از مشرق اقصی گذراندیم	وز ناحیه غرب بافریقیه راندیم
دریای شمالی رابر شرق نشاندیم	وزبحر جنوبی بفلك گرد نشاندیم
هند ازکف هندوچین ازترك ستاندیم	مائیم که از خاك برافلاك رساندیم

نام وهنر و رسم کرم را بزاوار

امیدواریم رجال ممالك اسلامی- رجالی که استطاعت اجرای قوانین اسلام رادارند درکنفرانس های اسلام بازار های عمومی جهان را از ترشحات سرپنجه نیرومند و سلیقه و ذوق ومهارت قدرت مسلمین توده وانباشته نمایند واین بزرگترین خدمتی است که درشئون اقتصادی میتوان کرد وبنیه اقتصادی مسلمین رابراساس تولید وتوزیع استوار کنند و روابط بازرگانی و تجارت رابین ممالك اسلامی وبرادران اسلامی براساس تقوی وپرهیزکاری وبرادری وحقوق متبادله دوستی ومودت وتحکیم وتشدید نمایند تاهزاران استفاده های سیاسی واجتماعی دیگر درسایه این کنگره عظیم اقتصادی بنمایند وتشکیل روابط بازرگانی رامخصوصاً درکنگره حج تثبیت کنند که همه ملل مسلمان جهان از آن براصل برادری وبرابری استفاده نمایند.

ثروت دراسلام

اسلام برای اصلاح اموربشر ازراه تدین وایمان وکردار واطاعت وازراه عقل وبرهان وپندار ووجدان و از راه حکومت بعدل و قوت ازراه تکامل نفس انسانی برعظمت ونصیحت و ازراه تعدیل قوانین اجتماعی واقتصادی و مواساة ومواخاة درحقوق زن ومرد قدمهای بلندی برداشت که فوق آن متصورنیست وچون این مبانی براصل توانائی وتوانائی روی تمکن مالی وثروت ومنافع مشروع استوار است اسلام هم عبادت را بدوقسم کرد ۹ جزو آنراتحصیل رزق حلال ویك جزوعبادات دیگر قرارداده برای طرق کسب مال ورزق حلال وبدست آوردن ثروت ومنافع قوانینی وضع کرده تابشر اعتدال وسلامت وسعادت خود را ازدست بدهد.

اصلاح امورزندگانی فردی واجتماعی بشر وحفظ بهداشت وطی مراحل کمال ورقاء ملی بافقدان ثروت یاضعف بنیه مالی غیرممکن است وچون کلیه لذات زندگی جز بهمدستی عقل ودین دانش - حکمت - قدرت ثروت میسر نیست ولذا درملل راقی جهان قبل از هرچیز واقدام بهرکار بودجه و اعتبار مخارج انکاررا تامین وپایدار میکنند درقرآن درباره ثروت وغنی ۱٤ آیه نازل شده

قرآن نیزاموال رابنام آزمایش دردسترس بشرقرارداده زیرادارائی دراین جهان بهترین وسیله آزمایش نیکی وبدی است وبهترین سنك محك وجودبشری است که میفرمایند «انمااموالکم واولادکم فتنه» این آزمایش که زینت زندگی مادی این جهان است مطلوب هربشری است تاجائی که برخی گمان کرده‌اند سعادت وخوشبختی یعنی ثروت وبرای بدست آوردن این مال ومنال ازهیچگونه عملخوب و بد وزشت وزیبا خودداری نمیکنند یکی از ارگان اجتماع ثروت وتجارت است که اکثریت بشر بدین رکن اشتغال دارند وامرارمعاش میکنند وبرخی حتی نفهمیده‌اند که بقول سعدی:

خوردن برای زیستن پخش کردن است　　　　تومعتقد که زیستن از بهرخوردن است

اسلام هم بیشترازهرچیز درقانونگزاری خود که بفقه معروف است درکسب وتجارت - مرابحه مضاربه - مزارعه ودادوستد وغیره کتبی بجاگذاشته است وعلماء وفقهاسالها بلکه قرنهابرای رهبری وراهنمائی بشربااین حقیقت سعادت انگیز تحمل رنج ومشقت نموده‌اند تاراه راست را بجهانیان ارائه داده وهرمسجد ومدرسه ومکتب دینی مسائل ضروری یومیه مسلمانان موردآموزش و پرورش بوده و و هست و قبل از همه گفته‌اند « الفقه ثم المتجر » اول فقه و علم بروش کسب و تجارت پس ازآن شروع بتجارت -

ملل اروپا اخیراً درباره ثروت وبودجه ومال ومالکیت کتبی نوشته‌اند و مباحثی گفته‌اند که هیچ شباهت بقانون اسلام ندارد.

اسلام میگوید «لتبلون‌فی‌اموالکم وانفسکم» سوره۳ آیه ۱۸۶ - مال ونفوس بشردرراه تکامل وسیله آزمایش قراردادیم.

و درسوره سلیمان وتغابن و کهف درباره پیغمبران گذشته وسلاطین معاصر آنها این حقیقت با بیانی شیوا تشریح شده‌است که میفرماید.

المال والبنون زينة الحيات الدنيا والباقيات الصالحات خير عندربك ثواباًوخيراملا

سوره ۱۸ آیه ۴۶ انفاق مال‌را درراه خدا وبذل آن را برای خدا درراه خدمت بخلق تعریف کرده مردم را بآن ترغیب میفرماید.

درسوره بقره ۱۹۲ - سعادت را انفاق مال درراه مشروع معرفی کرده وجمع و تمرکز آنرا موجب بدبختی وشقاوت دانسته،

«وانفقوافی سبیل الله ولاتلقوا بایدیکم الی التهلکه»

درسوره لیل میفرماید که: فامامن اعطی واتقی وصدق بالحسنی فسنیسره للیسری وامامن بخل واستغنی وکذب بالحسنی فسنیسره للعسری ومایغنی عنه‌ماله اذاتردی

درآیات دیگرمیفرماید دارائی‌نبایدموجب سرکشی‌وغرور بشودوبلکه اعطای مال برای‌خدمت بجامعه است وآنچه موجب خشنودی خداوند میگردد بذل مال وانفاق فی‌سبیل‌الله است وآنگاه‌وعده میدهد که هرکس مالی درراه خدا انفاق کند ده تادویست برابر خداوند باو عوض میدهد و چه اندازه بخل وخودخواهی و خودنمائی دردارائی رامذمت کرده است.

اسلام دربیان مال مدح ثروت کرده وسعادت ورفاء ملی رادربدست آوردن مال حلال وبذل و صرف درراه خدمت بخلق مقررنموده است وچون ثروت و مال ناموس طبیعی‌است تمام مردم جهان از هرملت وهردینی وآئین‌باشند دروسایل روزی و بدست‌آوردن دارائی دردنیا شریك هستند و همه‌در کسب بین پیشه آبادی وبازرگانی پشتیبان هم‌هستند ورشته اموری دنیائی باهم مرتبط وپیوسته است درقرآن میفرماید؛

کلانمد هولاء من‌عطاربك وماکان عطاربك محظوراً

یعنی بخشش خداوند نه بکسانی که لذت دنیا را میخواهند ممنوع‌است نه آنهائی که ازآن طالب سعادت وخوشبختی آن هستند و فقط برتری که این دوفرقه هم‌دارند طرز استعمال‌دارائی‌است مانند صرف درراه مشروع یا صرف لذت و شهوات نفسانی و اسراف در آن که موجب‌حق ناشناسی و نکوهش برکت موجب کسر مال است لئن شکرتم لازیدنکم و لئن کفرتم ان عذابی لشدید

اسلام زینت وخوشی راحرام نکرده ولی برای آن‌حدی قائل شده - خوش‌گذرانی را تاحدی که موجب اسراف نشود اجازه داده ومباح دانسته میفرماید:

قل من حرم زينة الله التی اخرج لعباده و الطيبات من الرزق الخ

اسلام آموخته که بایددارائی‌رانگاهداری کرد وازتباه شدن واسراف آن جلوگیری کرد وخود را بهلاکت نینداخت اعتدال ومیانه روی را درنظر گرفت در صفت‌مومن فرمود: والذین اذاانفقوالم

یسرفوا ولم یقتروا وکان بین ذلك قواما سوره ۳۵ر۶۷
در این آیه مردم را از اسراف و تبذیر یا امساك و گرد کندن مال منع میکند و صفات میانه‌روی را میستاید قرآن مبذرین را برادران شیطان میخواند - و بدترین صفات راخوی اسراف و تبذیر میداند .

اگر مسلمین در آیات اقتصادی اسلام که سراسر حکمت و فلسفه و مصلحت است دقت کنند می‌فهمند که با راهنمائی قرآن تمام کتب اقتصادی در طرق نگاهداری ثروت خوشه‌چین آیات قرآن است و اسلام از کلیه کتب آن بی‌نیاز میباشد .

اینموضوع دامنه درازی دارد که باید چگونه کسب کرد و چه جور انفاق نمود و باید بکتب فقه و تجارت مراجعه کرد و کتب اقتصاد ملل اروپا را هم خواند تا دید اسلام چه عظمتی در اقتصاد خود دارد .

اسلام انفاق مال را پس از تشویق بدست آوردن مال حلال ستایش کرده که نمونه ایمان قرارداد حیات و زندگی ملیت و قدرت و نیروی دولت و سعادت بشری رادر بذل و انفاق و اکرام و اطعام و بخشش جاداده است و فرموده است .

انما المومنون الذین امنوا بالله و رسوله ثم لم یرتابوا و جاهدوا باموالهم و انفسم فی سبیل الله اولئك هم الصادقون

سوره ۴۹ آیه ۱۴

جهاد و بذل دارائی را در صحت و استواری ایمان و تصدیق مدعی آنرا مقدم بر جهاد و بذل نفس آورده و از همین آیه اهمیت بذل مال معلوم میشود و در آیات دیگر که تعریف بر و احسان رامیکند همیشه برو نیکوئی را نشانه ایمان و ملازم تقوی دانسته است فرموده :

تعاونوا علی البر و التقوی چنانچه عدل و احسان را هم بهم مزین کرده است مثل اینکه بر بدون تقوی اجابت امر را نمیکند و احسان و عدالت بهم آمیخته و غیرقابل تفکیك است.

دربرخی آیات هم بذل مال را بپاس دوستی حق تمجید کرده که میفرماید بذل کنید مال خودرا آنچه که بیشتر دارید و پاکترین و خالصترین اموال شما باشد درراه دوستی خدا که« **لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون**» آنگاه میفرماید این مال را باحترام دوستی پروردگار بتهی‌دستان زیر بدهید و « یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً » وقتی در اسباب نزول این آیه مطالعه میکنیم میبینیم که چون خاندان رسالت (علی-فاطمه ـ حسن و حسین) بانهایت احتیاج بغذا درحال روزه سه روز متوالی افطار خود را بمسکین و یتیم و اسیر ایثار فرموده و این آیه درمدح و تبعیت آنها و درعین حال برای راهنمائی بشر نازل شده است ۱

ثروت دولتهای اسلامی

آثار ظاهر هر تمدن میوه‌های آن است که نصیب افراد آنملت گردد- هر کجا تمدن قوت گرفت- علم و ثروت - جلالت - سیادت ادب . صنعت - تجارت - نظام هیئت اجتماعی و آداب ملی و شئون قومی مظاهر تکامل خودرا بروز میدهد .

جرجی زیدان میگوید حقیقت تمدن آن خیر یا شر یست که از خوشبختی یا بدبختی اشخاص که درسایه آن تمدن بوده‌اند بدست می‌آورند .

۱ــ وحی محمدی ص۳۲۱ــ تفسیر صافی

نویسنده میگوید تمدن حقیقی آن است که پایه تدین استوار شود و هرچه دارد خیر محض و خوشی تمام باشد زیرا دین قبل از علم و تمدن بر بشر عرضه شده و همدوش با خلقت بوده است و اگر تمدن بر اساس دین بنا شود سرتاسر خوشی و موفقیت و ثروت و علم و فضیلت بوجود خواهد آورد .

تمدن اسلام روی این حقیقت استوار گشته و لذا محصول آن ثروت و علم و ادب و صناعت و تجارت و نظام هیئت اجتماعی و آداب و رسوم و شئون ملی پدید آمد و اکنون راجع بثروت دولت اسلام سخن میرانیم ،

برای بیان ثروت اسلامی باید بدایتاً نکاتی را در نظر گرفت که از آنجمله مصادر ثروت - موجبات ایجاد ثروت - تقسیم و توزیع ثروت و توجه باینکه در هر عصری ثروت بافرادی اختصاصی داشته یا منحصر در حکومت و رجال دولت بود و ملحقات این ثروت که در حقیقت وصف و تعریف آن است از شهرها و ابنیه‌های مرتفع و کاخهای مجلل و دهات آباد و قنوات و باغات وغیره که چون اکنون محل بحث ما نیست در این جهات صحبت نمیکنیم فقط راجع باهمیت ثروت مسلمین و طریقه پیدا کردن و تقسیم و توزیع آن در دولتهای اسلامی میپردازیم ،

مملکت اسلامی و دولت اسلامی

چون بحث روی ثروت است باید گفت مملکت اسلامی غیر از دولت اسلامی است زیرا دولت اسلامی عبارت از هیئت حکومت و رجال حاکمه بوده اما مملکت اسلامی مراد شهرها و اهالی آنهاست و لذا در بیان سخن باید ثروت دولت اسلامی را از ثروت مملکت اسلام تفکیک کنیم و درباره هریك از این دو باعتبار اعصاری که در آن دولتها حکومت میکردند بپردازیم و ناگفته نباید گذاشت در تمام اعصار ممالك اسلامی ثروتمندترین دولتهای اسلامی دولت بنی‌عباسی آنهم در عصر هارون و مامون نهایت قدرت وقوت و تمکن را داشته‌اند .

ثروت اسلام درعصر پیغمبر ص

اکنون درباره ثروت و اقتصاد اسلامی سخنی نداریم زیرا در این باره رسالهٔ جداگانه نوشته‌ایم که برخی مقالاتش در مجله خرد منتشر شده .

اینك اگر مراد از ثروت زیادتی دخل بر خرج باشد یا مقصود مالی باشد که پس از مصارف و نفقات در خزانه دولت باقی بماند یا بالاتر بگوئیم ثروت عبارت از بودجهٔ تشکیلات سازمان یك دولتی باشد که بعناوین مختلف بنام مالیات از مردم میگیرند و در خزانه دولت میریزند باشد دولت اسلامی در عصر پیغمبر ص دارای هیچیك از این نحوه ثروت ها نبود.

درعصر پیغمبر ص دولت اسلام براساس ایمان و اخوت سازمان خودرا تشکیل داده و روی عقیده و ایمان بدعوت بشر بتوحید قیام کردند و جهاد نمودند و غنائمی بدست آنها افتاد که قرآن تکلیف آنرا روشن ساخت .

دولت پیغمبر اسلام بهیچ وجه ثروتی نداشته بلکه اموال بیکران حضرت خدیجه کبری را هم صرف پیشرفت امور دین کرده وهیچ نوع مال و اموالی باقی نمی‌مانده و چون بمدینه آمدند و فرمان جهاد دریافت کردند و غنائمی پس از فتح بدست آنها افتاد بلادرنك فی‌المجلس بهرهٔ مسلمانان را میدادند و درمیان مسلمین همانطور که قرآن تصریح فرموده تقسیم میکردند بیت‌المال وخزانه وجود

نداشت وثروتی تمرکز نمی‌یافت وصدقات راهم مابین اهل‌استحقاق‌متفرق وتوزیع میکردند واگر چیزی باقیماند زیرنظر شخص پیشوای اسلام بود تامستحقی پیداشود باوبدهند یاصرف امور خیریه وپیشرفت مسلمین بنمایند.

حضرت رسول ص شخصاً خود مقسم ومتولی تقسیم صدقات بود و اکثر اموال صدقه از گاو و گوسفند وشتر واسب جمع‌آوری میشد وآنهارا باداغی که مخصوص صدقات بود داغ ونشان میکردند تاازدیگر مواشی امتیاز داشته باشد،

پس ثـروت دولت در زمان پیغمبر ص عبارت از باقیمانده زکوة بودکه سرزمین مخصوص چراگاه آنها بود.

درزمان پیغمبرص شماره صدقات بچهل‌هزار رأس رسیده بودکه مرکب ازاسب و اشتر بود و اگر وجه نقدی درصدقات بود بمصرف جنگهای متوالی و پی‌درپی که درظرف ۱۰ سال ۸٤ جنك کردند میرسید یابرای نگاهداری بینوایان و درویشان و اهل صفه و حاملان جمع آوری صدقات مصرف میشد.

این همه جنگهای متوالی که درواقع هریك ماه ونیم یکجـك معدل جنگهای ۹ ساله پیشوای اسلام میشد وبرای این جنگها بودجه وارتش وسازمان و ستادی نبود بلکه چون جنگی پیش‌می‌آمد شخصاً پیغمبر آماده‌میشد ویافرمان میداد ومسلمین باتمکن خودموجبات واسلحه جنك راتهیه‌وجمع میشدند و جهاد میکردند وفتح‌هم باآنها بود.

مسلمین کمتر مهاجم بودند بلکه بیشتر مدافع شدند ولی در دفاع فتح نهائی همیشه باآنها بود و پیغمبر ص در ۲۶ غزوه شخصاً جهاد فرمود و بقیه را فرمان می‌داد ثروت دولت اسلام در عصر پیغمبر ص مفهوم خارجی نداشت جزآنچه گفته‌شد مفهوم حقیقی کلمات اخوت و برادری — مساوات ومواسات ـ عدالت اجتماعی درتمام شئون مالی ومادی وعواطف و روحیات و احکام مظاهر خودرا نشان‌میداد.

ثروت دولت اسلامی درعصر خلفا

پس‌از آنکه پیشوای اسلام رحلت کرد و اختلاف بین مسلمین ایجـاد شد و سقیفه بدیـدآمد خط سیرمسلـمین مختلف‌شد معذلك عصر دادگری و پرهیزکاری بود که دولت‌خلفا براساس قانون و عدالت و استقامت و غیرت حقیقی دینی و ترك دنیا استوار گشت و جریان یافت وخود مساهبن آن عصر را ازنظر بسط عدالت تقدیس کرده‌اند.

ازحضرت امیرالمؤمنین علیع هم‌روایت میکنندکه فرمود در دوره خلفا ظلم فقط بآن حضرت میشدکه غصب‌حق اورا نمودند:

واگر دولتی ازدولتهای اسلام ازجاده حق‌منحرف میشدعموم مسلمانان ازدرمطالبت برمیآمدند وجدا خواستار اجرای حق و عدالت بودند و تکلیف می‌کردندکه باید برسیره پیغمبر یا خلفا سیر نمایند.

دراخبار حکومت‌خلیفه دوم می‌بینیم که چون خواست انحراف جوید یکی‌از مسلمین باو گفت باشمشیر برهنه ترابراه راست هدایت میکنم.

بیت المال

پس از رحلت رسول اکرم‌ص فتوحات اسلام شروع و قوت گرفت و غنائم زیاد شد و فزونی اموال مردم را بوحشت انداخت که چه کنند.

جرجی زیدان مینویسد گویند ابوهریره ازملك بحرین مالی برای عمربن الخطاب آورده بود عمر ازاو پرسید که هان‌چه بیاوردی گفت پانصد هزاردرهم عمر تعجب کرد و گفت آیا خودمیفهمی چه‌میگوئی گفت آری‌پانصد هزار درهم کرت عمر بمنبر آمد و گفت هان ای مردم مسلمان مالی بسیار از بهرما فراهم رسیده هم اکنون اگر خواهید آنرا باپیمانه درمیان شما تقسیم نمائیم اگر خواهید برشماریم.

در اینموقع ناگزیر برای اولین بارهم بیت‌المال فراهم شد وهم‌دفتر وضع کردند ومبداء تاریخ راگرفتند.

دراین دفاتر عطای هریك نفر مسلمان راباعتبار سابقه اسلام و خویشاوندی باپیغمبر ص مقرر داشتند ولی‌از نگاهداشتن اموال وتهیه خزائن نهی‌میکرد تایکی ازمسلمین باو گفت اگر دربیت‌المال چیزی ازاموال باقی بگذاری چون حادثه روی نماید ذخیره موجود باشد وبکار آید عمرآن شخص‌را از پیش راند و گفت این شخص شیطان است برتو فرار آمده و خدای مرا از گزند آن محفوظ بدارد.

من‌از حادثهٔ که پدیدآمد جزفرمانبرداری خدا و پیغمبر چیزی ذخیره ننمایم واو خود ذخیره مابود وهرچه یافتم بدو یافتم.

دیوان محاسبات اسلام درعصر خلیفه‌دوم برقرار ومقرری عاملان وقاضیان معین‌گردید اما از ذخیره کردن مال و گرد آوردن املاك وزراعت وتراکم‌ثروت‌منع وتحریم کرداضافه‌بندگان‌وچارپایان و وجوه نقد را بخودش تعلق‌میداد و برای آنها مقرری وضع میکرد (۱)

ثروت خلفا و عمال آنها

خلفا شخصاً درطلب ثروت نبودند زیرا ابوبکر که درگذشت از مال دولت درنزد اوچیزی نیافتند بجزیك دینار که ندانسته بر زمین افتاده‌بود او هرچه بدستش میرسید به‌تساوی بین مسلمین تقسیم میکرد.

ابوبکر اموال خودرا هم که قبل‌از اسلام داشت بنقل جرجی زیدان درراه خدا انفاق کرد و چون مرض موت رسید وصیت کرد تازمینی که ملك شخصی‌او بود بفروشند ودرمقابل مقرری که از مسلمین گرفته بود بپردازند ودو جامه داشت که وصیت کرد آنرادو کفن‌او کنند.

روش عمر خلیفه دوم ازنظر ثروت اسلامی

خلیفه دوم اساس دولت اسلامی برپایه های آهنین سلطنت‌نهاد وبردادگری و پرهیزکاری میرفت فتوحاتی که درعصر او رخ داد کشور پهناور اسلامی را رونق داده وثروتمند ساخت وبسبب‌آن فتوحات اموال وذخایر بی‌شماری مانند آب ناودان بسوی بیت‌المال مسلمین جاری گردید بااین ثروت عمر توجهی بدان‌نداشت وجز رسوم‌مقرره خود نمیگرفت اگر وقتی خرجش زیاد میشد یااحتیاج بیشتری پیدا میکرد نزد رئیس بیت‌المال می‌رفت و از او بعنوان وام‌وقرضه مبلغی میگرفت.

۱- تاریخ تمدن‌جرجی زیدان ص ۸ ج ۱.

چون باخنجر اورا ازپای درآوردند ودانست که خواهد درگذشت بپسر خود گفت من‌هشتاد هزار درهم ازبیت‌المال قرض کرده‌ام وبعنوان مقرری خود بسلف گرفته‌ام ووامدار خزینه هستم‌آن مبلغ را باید از مقرری فرزنـدان من ادا کنی و اگر رسوم ایشان وفا نکند از مال تمامی آل خطاب بپردازند .

بیت‌المال مسلمین وثروت این‌دولت بقدری زیادبود که همه‌عرب درشگفتی فروماندند - عمال دولت اسلامی همچنان مانند خلفا اهل زهد و تقوی وعدالت وبی‌نیاز بودند.

منویسند عمرشخصی راعامل شهر حمص‌نمود نام‌او عمربن سعدبود پس‌از یکسال خلیفه نوشت بمدینه باز آی چندی گذشت که مردی پیاده - پابرهنه عصائی بدست داشت و انبانی توشه و ابریق آفتابه وکاسه چوبین برپشت داشت وارد برخلیفه‌شد.

عمر پرسید بدیدار ماآمدی یاملك حمص ترا بدآمد- جواب داد مگر خدایت نهی نفرمودکه آشکارا بدنگوئی وگمان بدنبری - خودمن باتمام لوازم زندگی دنیا بسوی توآمده‌ام- گفت ازمال دنیا چه‌همراه داری ؟

جواب داد یك‌عصا که بدان تکیه کنم ودشمن خود را دفع کنم وتوشه دانی کـه خوراك خود درآن گذارم .

پرسید در حکومت خود چه کردی- گفت از صاحبان اشتر اشتر بستدم و از اهل ذمت جزیت **بگرفتم وتمامی آنرا در میان درویشان و بینوایان ومسافران پراکنده ساختم سوگند** بخدای که اگر چیزی باقیمانده بود بهرتو می‌آوردم - عمر چون این‌سخن بشنید گفت برسرخدمت خود برگرد .

درعصر ابوبکر وعمر مردم درفراهم کردن مال‌فعالیتی نداشتند وبمقرری وسهم غنائم زندگی میکردند واموال خودرا بین‌برادران ایمانی خود بطور تساوی وبـرادرانه تقسیم میکردند وبهترین دوره اسلام بود.

بیت‌المال مسلمین‌درزمان عثمان ازسال ۲۳ - ۳۵

عثمان خلیفه سوم مانند ابوبکر وعمرسخت نبودو چون ازبنی‌امیه بود حزب‌اموی اطراف اوراداشته و عزت یافتند وازاوخواستند که عزت و اقتـدار این حزب‌را که قبل‌ازاسلام‌داشته تجدید کنند- عثمان بیشتر والی‌ولایات راازحزب‌اموی وخویشـان خود قرارداده وبرخی‌ازآنها بنقل جرجی‌زیدان‌اشخاصی بودندکه اسلام آوردنشان ازروی نومیدی واجازه فیروزی مسلمین بود درعصر اوهم فتوحات بسیارشد و غنـائم بیشمار جمع‌آوری شد و عثمـان سهم و مقـرری خویشان خود را بیش از مقرری زمـان عمر میداد .

درسال ۲۷هجری که مسلمین درجنگهابافریقا رسیدند وسردارایشان عبدالله‌بن‌سعدبرادررضاعی عثمان بودمقدارغنائم درآن جنك به ۲،۵۰۰،۰۰۰ دینار میرسید عثمان یك‌پنجم اموال را بمروان حکم داد ودختر خویش را نیزبدو عقدبست وحال‌آنکه این‌قسمتی ازحقوق بیت‌المال‌بود . عثمان ازعاملان حساب نمیگرفت زیراهمه ازحزب‌اموی وکسان خودش بودند . این‌بی‌اعتنائی

وعدم توجه بیت المال مسلمین عمال عثمان را بجمع کردن ثروت جسور کرد بخصوص معاویه بن ابی سفیان که عامل شام بود و در تزویر ومکر وحیله وغدر ازهمه برتری داشت .

چون مسلمین مملکت شام را فتح کردند اراضی مزروع را دردست صاحبان آن باقی گذاشته - چون رومیان مغلوب شدند املاك ایشان بلاصاحب بماند مسلمین آن املاك را بر بیت المال موقوف داشته وعاملان دولت زراعت میکردند و درآمد آن را بصندوق بیت المال میریختند

همینکه معاویه درایالت شام استقراریافت درتحملات ونگاهداشتن چاکران وغلامان واجزا مانند رومیان درباری تشکیل داد که بعدازاستیلای خود بسلطنت تبدیل گردانید درایام حکومت شام برای غلامان وخدمه خود مقرری ازبیت المال میگرفت . چون معاویه عثمان را دست انداخته بود و حس کرد که اومرد ضعیف وبی آزار است بدونوشت که مقرری من تکافومخارج غلامان و بندگان را نمیکند واردوگاهان شام ونمایندگان رومی‌را باید پذیرائی کنم اجازه دهید مزارع بطریقان راکه پس از کشته شدن آنها - بیت المال واگذار کردند - بتیول وی درآید ومقرری او که درهرسال هزار دینار بود افزون کنند .

عثمان نوشت مقرری اورا افزودند و تمام آن املاك مزروعی را تیو معاویه کردند - معاویه دست انداخت وتمام آن اراضی‌را تصرف کرد واموال فراوانی ازاین راه بدست آورد وبمصرف قدرت ونفوذ خودبکار برد ؛ جرجی‌زیدان

برخی دیگرازاعمال دولت عثمان نیزمانند طلحه وزبیر وسعد وغیره همین تقاضا را کردند و توانگرشدند . حتی خودعثمان برخلاف خلفای سلف ضیاع وعقارفراوان بیندوخت واموال بسیار ذخیره نموده بطوری که پس ازمرگ او ۱،۵۰۰،۰۰۰ دینارو ۱،۰۰۰،۰۰۰ درهم نزد خازن وی بیافتند و بهای اموال اودروادی القری وحنمین وجاهای دیگر بنابرنقل جرجی‌زیدان بیك ملیون دینارمیرسید واسب و شتربسیاری ازوی بجای ماند - وبحکم الناس علی‌دین ملوکهم - عمال ابوبکر وعمرچون خود آنها دلبستگی بدنیانداشته ولی عمال عثمان که دیدندخلیفه این اندازه از بیت‌المال‌مسلمین ثروت جمع کرده بنیروی نیات اوهمه ثروتمند ومتمول شدند .

عثمان بسیاری ازاملاك مزروعی رابعنوان‌اجاره بیتول اشخاص نزدیك خود داد که ازبابت‌تقبل چیزی مختصربیت‌المال بردارند وبسیاری ازافراد حزب اموی متمول‌شدند و بجائی رسید که درسال ۸۲ فتنه اشعث پدیدآمد ودفاتر سوخت و حاشیه‌ها نابود شد اماهر کس هر زمینی دست‌اوبود ملك خود او شد .

باری مسلمین ازعملیات عثمان ناراضی بودند وبراو سخت خورده گیری میکردند وباشهامت‌ترین صحابه ابی‌ذرغفاری بود که علنا برخلاف خلیفه قیام کرد وسرزنش نمود وگفت مردمسلمان نبایدبیش ازقوت یکروز ویکشب را مالك باشد مگرچیزی که درراه خدا انفاق کند یابشخص کریمی وعده‌داده باشد - این مرد شریف درمدینه وشام برپای ایستاد و گفت ؛

ای گروه توانگران بادرویشان مواسات ورزید. وگفت ای مردم قرآن بشمابشارت میدهد که اگرطلا ونقره ذخیره کنند ودرراه خدا انفاق ننمایند بداغهای آتشین پیشانی وپهلو وپشت آنهارا داغ همی کنند .

الذین یکنزون الذهب والفضة ولاینفقونهافی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم

ابی‌ذر آنقدر پافشار درراه مواسات کرد که بینوایان همه توانگران شعب گرفتند و برمعاویه و عثمان شوریدند وبالاخره بقتل عثمان منجرشد.

معاویه قصری بسیارمجلل وزیبا بنام «قصرالخضراء» دردمشق بنا کرد و از ابوذر پرسید این قصرراچگونه می‌بینی ابوذر گفت اگرازمال خدابنا کردی از خیانتکارانی واگر ازمال خویش بپایان بردی ازاسراف ورزیدگان این پاسخ برمعاویه سخت گران آمد خواست اورابوسیله دامی محاکمه کند هزاردینار برای‌فرستاد که فریبش دهد ابوذردینارهارا گرفت وفوری بین مستمندان وبینوایان تقسیم کرد - صبح معاویه فرستاد گفت که این مال اشتباه بنزدتوآورده‌اند باید بازپس بدهی - ابوذر گفت همان ساعت همه رابمستحقین دادم،

معاویه ازراه تهمت برابوذرسخت گرفت وبعثمان نوشت ابوذر درشام اخلال میکند عثمان اورا بمدینه خواست چون ابوذربمدینه رسید سرسختانه باعثمان مخالفت کرد واورا ازکردار خودش و معاویه عاملش سرزنش میکرد - لاجرم عثمان ناگزیر اورا بربذه تبعید کرد تا جهان را وداع گفت،

حرکات ناشایست عثمان وعمالش دربیت‌المال مسلمین و خودسری آنها دراموال مسلمین بقتل او خاتمه یافت.

روش حضرت ع دربیت‌المال مسلمین

حضرت امیرالمومنین‌علی علیه‌السلام مظهرعلم و زهد و تقوی و مصداق حقیقی‌عدالت ونصفت ورهبری حق وحقیقت‌بود حضرت‌علی‌ع فرمود چون حضرت فاطمه زهرادختر پیغمبرراتزویج نمودم مرا بستری نبود جز پوست گوسفندی که شب برزبر آن همی‌خفتم و در روز علوفه اشتر خویش برفراز آن همی دادم و خدمات خانه جز فاطمه دیگری نکردم.

درزمان خلافت آنحضرت یك موقعیتی‌بسیارحساس وسیاستی بسیار باریك بود که حزب اموی برصندوق بیت‌المال مانندددرندهٔ که برلاش مرده افتاده باشندهمی‌خوردند وبردند وتوجهی‌بمسلمین نداشتند امیرالمومنین‌علی‌ع دراین‌موقع مجبوربود که بیت‌المال راحفظ کند وحق و عدالت را اجرا نماید البته دراینکار دشمنان بسیاری پیداخواهد کرد زیرادست دشمنان راباید کوتاه کند و حکومت رابدست مردمان باتقوی بسپارد وهمین عمل موجب شد که معاویه باهمهٔ ستایش بجنك برخواستند و جنگهای جمل وصفین و نهروان رابوجودآوردند.

درزمان خلافت امیرالمومنین‌ازاصفهان مال فراوانی‌آوردند فوراً آنرا برهفت‌سهم کرد وگرده نانی درمیان آن مال درافتاده بودآن یك گرده نانرا نیزبرهفت قسمت کرد وامرای هفت‌گانه‌راطلبید درمیان ایشان قرعه درافکند تانخست بکدام یك عطافرماید ودرمدت خلافت آجری بر آجری یا خشتی برخشتی ننهاد حتی‌ازنی‌بوریانیز کلبهٔ برای خود نساخت و غذای خودرا همیشه درانبان خود بردوش داشت.

مینویسند اوراشمشیری بودبباز ار برده بفرخت‌وفرموداگرچهاردرهم بهای‌آزادی داشتم وهرگز شمشیرخویش نمی‌فروختم - جرجی‌زیدان مینویسد مناقب امیرالمومنین علی‌ع بشمارنیاید.

بعدازآنکه عثمان درسال ۳۵ کشته شد در خلافت ازطرف حزب‌اموی فتنه برپاشد و معاویه

باموالی که از بیت‌المال برده بود وقدرتی یافته دعوی خلافت کرد و نظرش برای اندوختن مال بود تا بدان وسیله هواخواهانی بوجودآورد . آری مال برای تامین قوت وقدرت عامل موثری‌است.

اگرامیرالمومنین علی‌ع پس‌ازحکومت عثمان وحزب‌اموی روی‌کار نمی‌آمد وپنج‌سال باعدالت واجرای‌حق وانصاف حکومت نمیکردشاید برای مسلمین مفهوم حقیقی‌حکومت اسلامی روشن نمیشد وهمچنان درابهام بود . ولی‌حضرت امیرع هزارهاگره راکه باتعمدبسته بودند بنیروی علم وقضاوت و شمشیروحق‌وعدالت گشود ـ وچون درتمام‌مدت خلافت بیش‌از۱۳من نان‌جو وخرما نخورد واندوخته بهیچ‌وجه نداشت ثابت کرد که حکومت برحق وانصاف میسراست ولذاعموم مردم همان مردمی که ازجوروستم حزب‌اموی بستوه‌آمده‌بودندبالاتفاق «غیرازحزب‌اموی» درب خانه آنحضرت جمع شدند وتمنی داشتند که خلافت ظاهری راقبول فرماید ودست ستم‌پیشه‌گان رابر کند .

صفحات زندگی پنج ساله امیرالمومنین علی ع بهترین نمونـه حکومت عدالـت پرور و دادگستر است .

ثروت دولت اموی از ۴۱ تاسال ۱۳۲ هجری

دراین فصل باید از دوموضوع سخن گفت یکی ثروت دولت اموی ودیگرعملیات بنی‌امیه برای‌جمع ثروت

دولت بنی‌امیه از دولت خلفای راشدین این امتیاز را داشت که اقتداردولت از خلافت دینی بسلطنت سیاسی تبدیل شد و حال آنکه درزمان ابوبکر وعمروحتی عثمان و مخصوصا حضرت‌امیرع حکومت و سیاست ودین یك امر واحد بود .

این دولت ازبنی‌عباس هم امتیازی داشت وآن تعصب جاهلیت عربی بود که بنی‌امیه میخواستند فقط حکومت باعرب باشداینهم بابنی‌امیه وبیت‌المال صندوق اختصاصی‌آنها باشد ولذا نسبت بموالی وعجم وایرانیان وشیعیان‌آل‌علی‌ع نهایت بدرفتاری وستم وظلم راکردند که بالاترازآن متصور نیست درحالیکه بنی‌عباس ایرانیان را مصدرکار کرده و وزرای آنهـا ایرانیان بودند و تعصب عرب و عجم نداشتند .

مسلمین ازبنی‌امیه وعمال‌آنهارنج فراوان دیدند وسختیها کشیدند چه خوانواده‌هاکه پریشان کردند چه فامیلهاکه تبعیدنمودند افرادیرا مصلوب‌الحق نمودند ـ اموال گروهی رامباح ساختند غیرعرب وموالی رادرحکم برده وغلام‌برده باآنها نهایت بدرفتاری رانمودند ، مال سرشاری ازموالی میگرفتند ـ سرها ودستها وپاها میبریدند ـ اکنون شمهٔ ازآنچه جرجی‌زیدان نگاشته درجلد دوم تاریخ تمدن خودص۲۲ـ۱۴ باجمال یادآور میشویم .

امویان تعصب عربی‌داشتند باموالی وعجم‌بدرفتاری‌رابحداعلا رسانیدند آنهـارا درصف اول نماز جماعت راه نمیدادند اگرجنازهٔ بلندمیشد میپرسیدند ازکدام طایفه است اگر میگفتند از قریش‌است‌میگفتندواقوما مما ـ اگرمیگفتند ازعرب است میگفتند وابلدتاه اما اگرمیگفتندازموالی وایرانیان است‌حکم میدادنداموال اومال‌خداست هرکه هرچه‌خواهد برگیرد . آنها اجازه‌نمیدادند که موالی لقب وکنیه برخودبگذارند حق نداشتند دوش‌بدوش و دریك صف بابنی‌امیه راه بروند ایرانیان وعجم راعلج‌میگفتند یعنی گبر ـ

ص۱۵ ج۲ تاریخ تمدن جرجی‌زیدان

جاحظ در کتاب موالی مینویسد حجاج موالیان‌را که باپسر اشعث بجنگ او آمدند بگرفت و کف دست هریك نام شهری نقش نمود تادیگرجمع نشوند و مباشر این نقش مردی ازقبیله بنی‌عجل بود و شاعر گفته :

وانت من نقش العجلی راحته و فرشیخك حتی عاد بالحکم

درحکومت بنی‌امیه مسلمین باهم امتیازداشته ـ تساوی واخوت ازبین رفت گوئی که پیغمبر و احکامش رافراموش کردند کار بجائی کشید که ممالك مفتوحه‌را امویان باتمام اموال ومرامش مایملك خود وروزی حلال خویش میدانستند ،

سعدبن‌عاص عامل عراق گفت همانامملکت سوادجزباغی ازبهرقرشیان نباشد که هرچه‌خواهیم ازآن فراگیریم وهرچه راخواهیم برجای گذاریم .

عمروبن عاص درپاسخ‌صاحب«اخنا» که ازآنهاجزیه میخواستند پرسید چه مبلغی بایدپرداخت گفت شماها برای ما خزینه هستید که اگرمارا نفقات بیشارشود وجزیه ازشما بیشترخواهیم گرفت واگرخرج ماکم‌شد جزیه شماسبکترسازیم ـ اینرویه موجب بود که عمال اموی هرچه میخواستندازهرکس میگرفتند .

معاویه عمال راجـورساخت بطوریکه برخی ازولایات طعمه چرب بعضی‌ازعمال شده بود ونسبت برخی ازشهرهااختیارتام بعمال‌خودمیداد وازآنها مبلغی ثابت میگرفت ـ بااین عمل عمال‌را به‌نصرت خویش ترغیب میکرد و علیه بنی‌هاشم تقویت مینمود . نصرت ویاری هم‌جزازراه مال و گرد آوردن قشون نبود لذا عمال‌بنی‌امیه برجان ومال مردم حکومت وسلطه داشتند وهرقدرمیل داشتندبعناوین مختلفه ازمسلمانان میگرفتند .

سخت‌ترین عمال اموی حجاج‌بن یوسف عامل عبدالملك مروان بر مملکت عراق بود وچون عبدالملك چندین دشمن سرسخت‌داشت مانند عبدالله‌بن زبیر درمکه و مختاربن ابی‌عبیده درعراق ناچار حجاج را تقویت میکرد تادرنصرت ویاری او بردشمنان حمایت کند او هم برجان و مال مردم افتاده آنقدرازمردم کشت واموال آنهارابرد که تاریخ ازنقش آن شرم دارد.

ستمکاری عمال‌اموی

جرجی زیدان مینویسد عاملان بنی‌امیه برمالکین اراضی واهل ذمه‌بسی‌ستم روامیداشته‌آنها باکی نداشته که برای صاحب ملك ازمحصول‌چیزی باقی‌بماند یاخیر«درآنعصرخراج بمقدارمساحت زمین گرفته میشد» حجاج بعبدالملك مروان نوشت اجازه دهید بقایای سهم مالك را بگیریم خلیفه نوشت ازدرهمی که برجای مانده حریص‌تر مباش گوشتی برتن ایشان باقی‌گذار کـه برزیرآن پیه بسته گردد .

همین سخت‌گیری سبب شد که بسیاری ازاهل قریه باسلام گرویدند و درحمایت دین درآمدند باآنکه مسلمان شدند حجاج ازخراج گرفتن صرف‌نظر نکرد وبـا آنهاسخت‌فشار میاورد تاجائی کـه بسیاری ازاینمردم جلاء وطن کرده اراضی خودرا گذاشته بشهررفتند بازهـم حجاج دست برداشت فرمان داد آنهارا برگردانند ومطالبه خراج نمایند .

آنقدراین مرد سفاك لجوج برمردم سخت گرفت که مردم دهات آب وملك‌را رها کرده بشهرها رفتند و از شهرها بیابانها پراکنـده شدند و اطراف پسر اشعث جمـع شدند و بـا حجاج

بجنگ برخواستند .

نمونه‌های دیگر در تاریخ اسلام دیده میشود مثلا یزیدبن ابی‌مسلم که ازطرف یزیدبن‌عبدالملك عامل افریقیه بود همین نحوعمل میکرد - جراح عامل خراسان درماوراءالنهر مثل او عمل میکرد مینویسند چون اهل سمرقند باسلام گرویدند که جزیت ندهند جراح بازازآنها جزیه میگرفت ناچار بدین خویش برگشتند .

برخی ازنصاری که دیدند ازرهبانان جزیه نمیگیرند بلباس رهبانیت در آمدند عبدالعزیز بن مروان عامل مصر فرمان داد تا آماری از نفوس رهبانان بگیرند و برراهبی دیناری زر سرخ جزیه نهاد ،

اینهادرسی بود که معاویه‌بدودمان اموی داد - معاویه به «وردان» غلام‌عمروبن العاص‌امیرمصر نوشت که برهریکنفرقبطی قیراطی سیم(نقره)برجزیه آنهابیفزای - وردان نوشت درامان نامه آنهاقید شده که نباید برجزیه آنهاچیزی افروده گردد .

بنی‌امیه پشت‌پا بر آن امان‌نامه زدند و هرچه خواستند از خراج مصر افزودند - ازکسانیکه خراج مصررا زیاد کرد عبیدالله‌بن حبحاب بود که ازجانب هشام بن عبدالملك متولی امرخراج بود ازسال ۱۰۵ تاسال ۱۲۵ ودراین مدت برهردینارازجزیه‌قبطیان یك‌قیراط نقره افزود تاکاربجائی کشید که قبطیان شورش کردند وجنك درگرفت وگروهی دراین میان کشته شدند .

درعهداسامة‌بن زیدتنوخی‌متولی‌امرخراج‌این‌واقعه رخ داد که جمعی‌ازنصاری را بقتل‌رسانیدند واموال‌آنهارا ضبط کردند - اسامه دید رهبانان روزافزون میشوند احصاء وشماره کرد ودست هریك دستبندی زد ونام آن راهب ونام دیری که درآن میزیست تاتاریخ برروی آن حلقه آهنین نقش‌بسته و هرکس ازراهبان‌این حلقه دردست نداشت دستش رامیبریدند وهریك ازنصاری راملزم داشت که‌قبضی ازدیوان دردست داشته باشند تامعلوم شود جزیه خودپرداخته‌اند - بعمال خود مینوشت هرکس‌حلقه دردست ندارد یاقبض جزیه ندارد اورا ده دینارجریمه کنند بازرسان میرفتند وگروهی را بدینعنوان آنقدرمیزدند که درمیگذشتند یاسرازبدن آنهاجدا میساختند . گ. چه هشام بدین عمل راضی نبود وفرمان داد که طبق قانون قدیم زمان خلفا باآنها رفتار کنند ولی‌چون عمال‌بنی‌امیه جسور ومتهورو بخلیفه‌مدیون بودند بازپس‌ازمدتی بظلم‌وستم خویش برگشتند .

حنظلة‌بن صفوان مبالغی برجزیه وخراج افزود وچهارپایان رامیشمرد و برهرنصرانی نشانی میاویخت که صورت شیری برآن نقش بود - آنگاه که بازرسی میکرد هرکس نشان نداشت دستش رامی‌بریدند .

ازاینگونه جنایات بنی‌امیه وعمال آنها زیاد درتاریخ ۹۰ ساله بنی‌امیه فراوان دیده میشود

عبدالملك مروان برای افزودن خراج عراق فرمان دادکه عامل عراق سرشماری کند و همه کارگرمحسوب نماید ومالیات سرشماری از آنها بگیرد دراین‌مالیات جمعه‌ها وعیدهـا مستثنی بود و حسابی‌ساخت ودستورداد ازهریك نفردرسال چهاردینار دریافت کنند .

این مالیات مخصوص عجم وموالی واهل ذمه نبود بلکه شامل مسلمین هم میشد

محمد برادرحجاج که والی یمن گردید بدسیرتی آغاز کرد و برهایا ستم فراوان نمود اراضی مردم رابدون حق میگرفت وخراجی برای یمن که همه مسلمان بودند گذاشت و بنام وظیفه ازآنها

میگرفت و این روش ادامه داشت تا عمر عبدالعزیز بخلافت رسید بوالی یمن نوشت وظیفه را موقوف دارد .

عاملانی که ازجانب بنی‌امیه درفارس بودند - میوه باغات مردم را تخمین زده و بقیمتی غیرعادلهٔ تقویم میکردند وصاحب باغ رامجبور میکردند بهای میوه را بپردازد .

بنی‌امیه مخصوصا زمان معاویه براراضی لم‌یزرع و بایر مالیات بستند ، مردم را مجبور کردند روزعید باید هدایائی تقدیم کنند ودریکسال روزعید نوروزهدایای اجباری دربارمعاویه بالغ برده ملیون درهم رسید ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ معاویه مقرر کرد هر کس زن میخواهد باید مبلغی بحکومت و دیوان محاسبات بپردازد .

هر کس عرض‌حالی دارد بایدمبلغی ضمیمه عرض‌حال خود کند که امروز ازآن رویه پیروی میکنند

چون موقع تقسیم مقرری بودپیمانه مخصوص برای کارگران وموالی کیل میکردند وبرای حزب اموی وکسان وخویشان خلیفه پیمانه دیگری که چندبرابر میگرفت - نوشت بعمال خودبایدمخارج عاملین رارعایا بدهند - بایداجرت حمل اطعمه وبهای کاغذ ودفترازرعایا گرفته شود - مقرری مباشرین سنجش غله وکیل کردن بعهده رعایابود . چون رعایا درهمهای مالیات اراضی را نزد مباشرمالیات می‌آوردند مقداری ازآنهارا قبلا برای مخارج خودبرمیداشتند وبقیه را بحساب مالیات میگرفتند این ستمکارها البتهٔ خودسرانه نبود بلکه بامر خلیفه اموی بود - معاویه مخصوصا عمال خودرا برجمع کردن مال تحریص وترغیب وحمایت میکرد . سایرخلفای بنی‌امیه هم ازاین دستورپیروی کردند - عبدالملک مروان که حرصش بیش ازمعاویه بود مانند حجاجی رابرای جمع ثروت انتخاب کرد

هیچوقت درزمان عمرچنین بیعدالتی‌ها ممکن نبود - معاویه نوشت اموال مردم رانصف کنند و نصف آن را برای خلیفه بگیرند چون ازدنیابرود نصف‌اموال وارث اورا هم میگرفتند - بحکم‌الناس علی دین موکهم عمال او هم چنین کردند -

بنی‌امیه جمع‌ثروت‌رابرای ابقای دولت اموی‌ضروری شناخته‌وازهیچ‌وسیله دراین باب‌فروگذار نمیکردند معاویه بعمالش نوشت هر کس‌ازخراج ومالیات خودداری کرد اورا درحرارت آفتاب برپای دارند وبسختی بزنند وخمره‌های گران برایشان بیاویزند ودست وپایشان بقیدوکنند وبندنموده و ازنمازشان مانع گردند - این جنایات بود که سبب نهضت‌حسین بن‌علی‌ع شد واوقیام کرد تاابن‌مطالب رابرمسلمین جهان روشن سازد واگرقیام اونمی‌بود کسی امروزباورنداشت که معاویه ودودمان‌اموی چه کردند وچه خیانتی باسلام نموده‌اند واسلام رااز پیشرفت سریع خود بازداشته . **هیچوقت اسلام باین اعمال شنیع اجازه نداده ونبایدکردارزشت این خیانتکاران رابحساب دین مقدس اسلام گذاشت .**

ازمیان بنی‌امیه فقط یکتن رامیتوان بشرافت وتقوی نام برد وآن عمر بن عبدالعزیزخلیفه‌سال ۹۹ هجرت بود که مردی پرهیزکار وباانصاف‌بود وهمه این اعمال ناشایست رامنع کرد وفرمانهاصادر کرد کـه آن ستمکاریهای گذشته را باطل کنند و دشنام بعلی‌بن ابیطالب ع را بر فراز منبرها موقوف سازند .

تنها این خلیفه بود که اعلامیه صادر کرد هر کس راستمی‌رسیده بازآید و دادخواهی کند -

ستمدیدگان که بیشترموالی وایرانیان - یهود ونصاری بودند همه بردربار او شتافتند وعمرهمه رابحق وعدل انصاف وداد گستری وداد گری قضاوت نمود حتی فرزند خودش نسبت بینی‌اعمامش ستم کرده بودند آنهارا محکوم کرد .

یکی‌ازبنی‌امیه بدو گفت مال نیندوزی‌ازبهرمعیشت‌فرزندان‌خودرا چه‌سازی - عمر بن‌عبدالعزیز بگریست وگفت آنهارا بخدا می‌سپارم .

این خلیفه برعکس‌معاویه نوشت هرکس نمازمیخواند جزیه ازاومطالبه نشود این فرمان‌سبب شد که باسلام گرویدند وقتی عامل‌مصرحیان‌بن شریح‌بعمر نوشت مردم باسلام آوردندجزیه نمیدهند من بیست هزاردیناروام گرفته‌ام تاحقوق اعضای ایران بپردازم اگرصلاح باشد فرمان دهیداین‌وام ازمحل خراج اداشود .

عمر بن عبدالعزیز نوشت من هنگامی‌که ایالت مصر بتودادم ازضعف رای توآگاه بودم اکنون فرستاده خود رافرمان دادم تابیست تازیانه برسرتو بزنند تابمسلمین اذیت نرسانی وهرکس اسلام آورد جزیه ازاو مطالبه ننمائی - این رای تو زشت است و خدایتعالی محمد رابرای راهنمائی خلق برانگیخت نه برای‌وصول مالیات - این‌سعادتی است برای من‌که مردم بدست من باسلام بگروند .

بنی‌امیه ازعمرسخت درغضب شدندزیرا اساس سلطنت وحکومت آنهارا متزلزل میکرد تاآخرپس ار سه سال بسم مسموش کردند .

بنی‌امیه پس‌از گردآوردن اموال وقدرت مست ومخمور شدند همواره درعیش وعشرت وشراب سخت فرورفتند دراختیارعاملین ونگاهداری‌جانب دلهای مردم هیچ‌توجهی نداشتند گاه میشدبرای هدیه کسی که جاریهٔ برای آنهافرستاده ایالتی راباومیدادند همانطور که هشام باجنیدبن‌عبدالرحمن کرد - گاه میشد بخواهش یك مغنیه و رقاصهٔ دوستی‌رامیکشتند ودشمنی رامینواختند .

درعهدهشام بهای یك جاریه به ۱،۰۰۰،۰۰۰ درهم رسید ودرسال ۱۱۱ هجری این‌جاریه بنام ذلفاء بود باین مبلغ خریداری شد .

مقرری عمال وفرمانداران‌برای همین توقعات وهدایا که میباشد برای خلیفه بفرستد بالارفت یزیدبن عمربن هبیره امیرعراق دراواخر دولت بنی‌امیه ۶۰۰،۰۰۰ درهم میگرفت - خالدبن‌عبدالله قسری امیرعراق درخلافت هشام ۱۱۳،۰۰۰،۰۰۰ درهم غله‌واملاك اوبود ونوشته که حیان نبطی‌کاتب او گفته ۳۶،۰۰۰،۰۰۰ درهم‌بمردم بخشیده است .

بنی‌امیه ازفرط حرص براموال باآنکه وسعت‌مملکت بسیاربود جزبعراق . شام . مصروایران توجهی نداشتند .

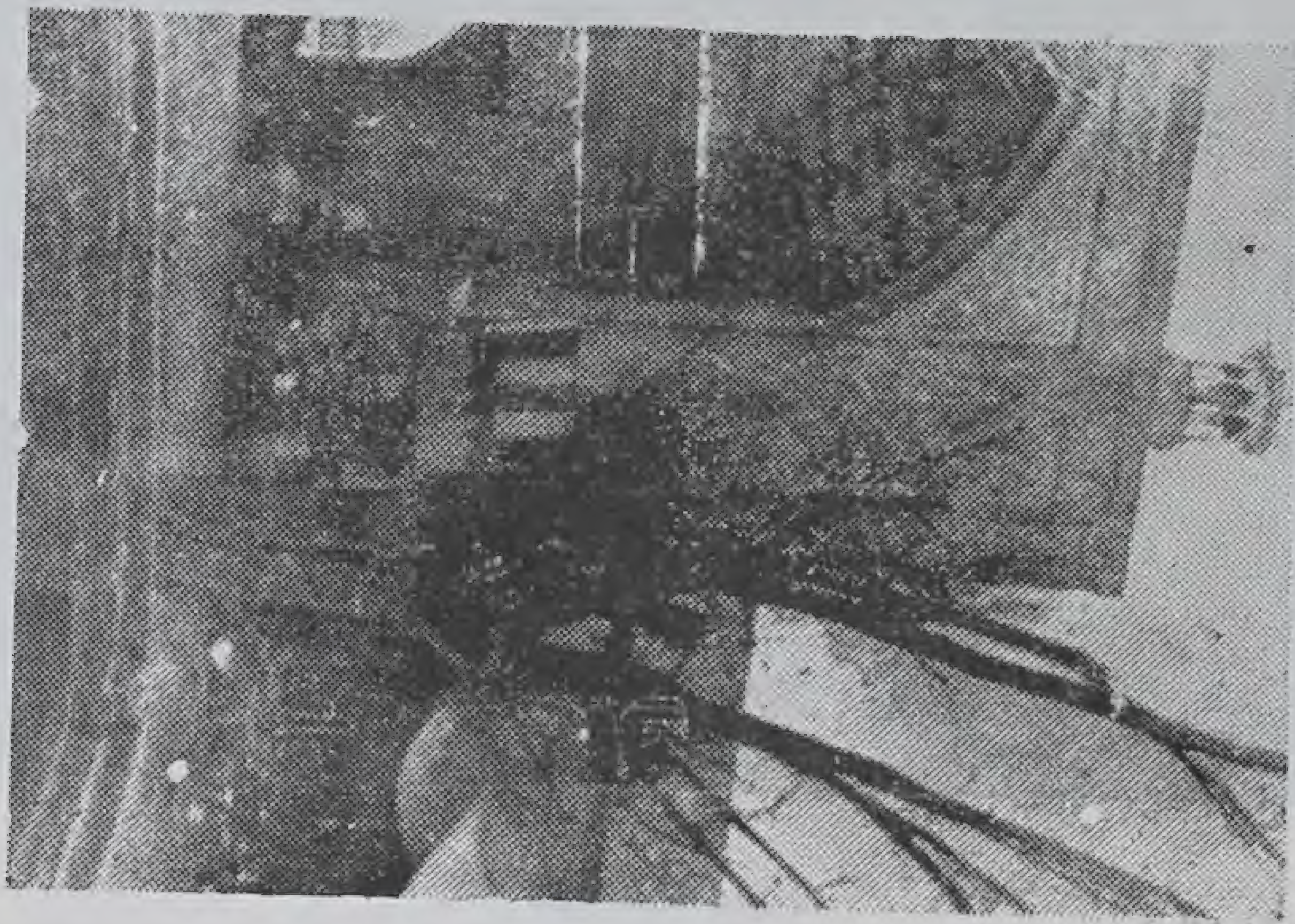
مالیات عراق درعهدبنی‌امیه ۱۳۰،۰۰۰،۰۰۰ درهم بود

»	مصر	۳۶،۰۰۰،۰۰۰ درهم
»	شام	۲۰،۰۰۰،۰۰۰ درهم

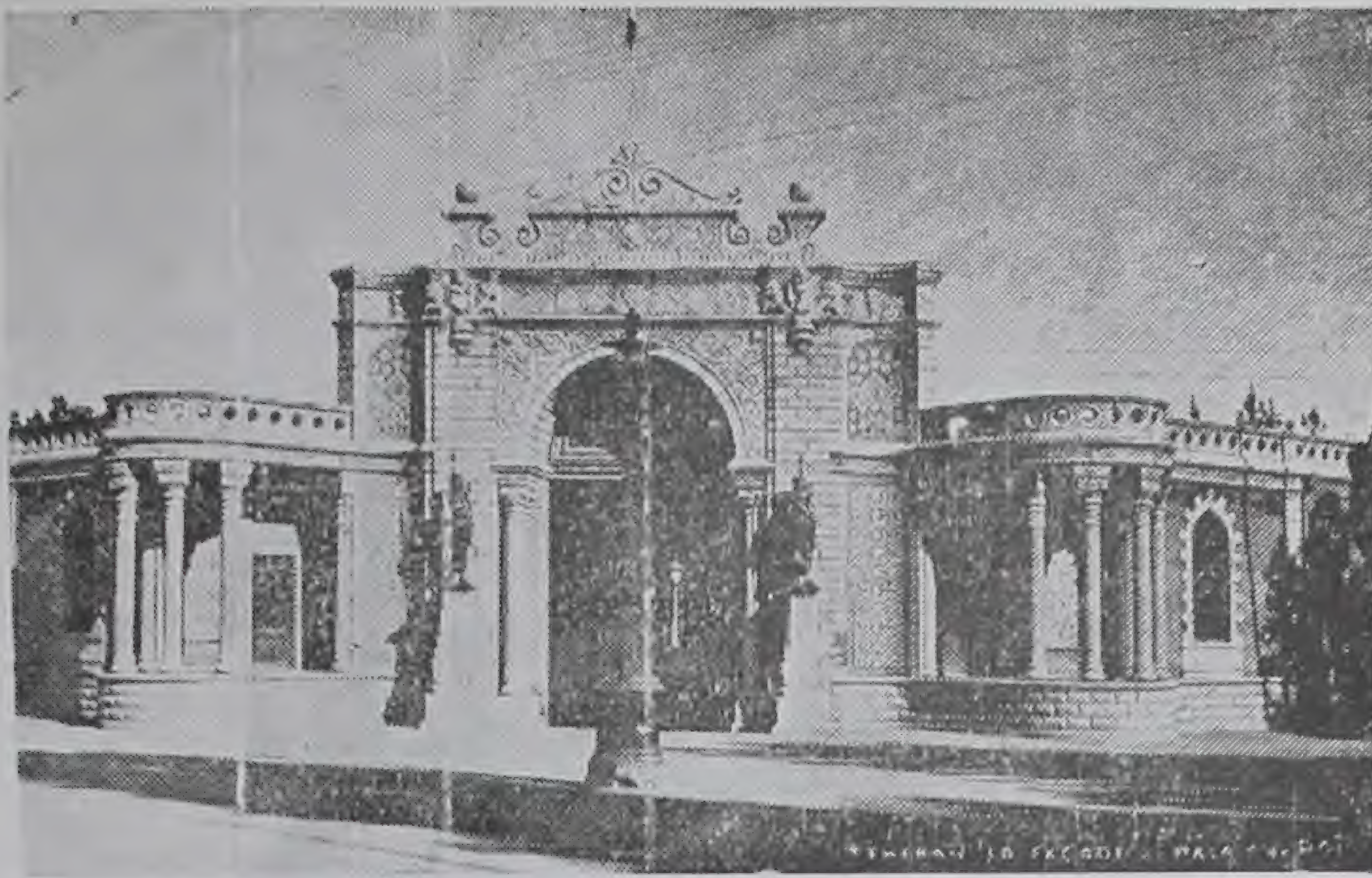
ص۷۲ ج ۲ جرجی‌زیدان



ش ۱۸۷ سلطانیه



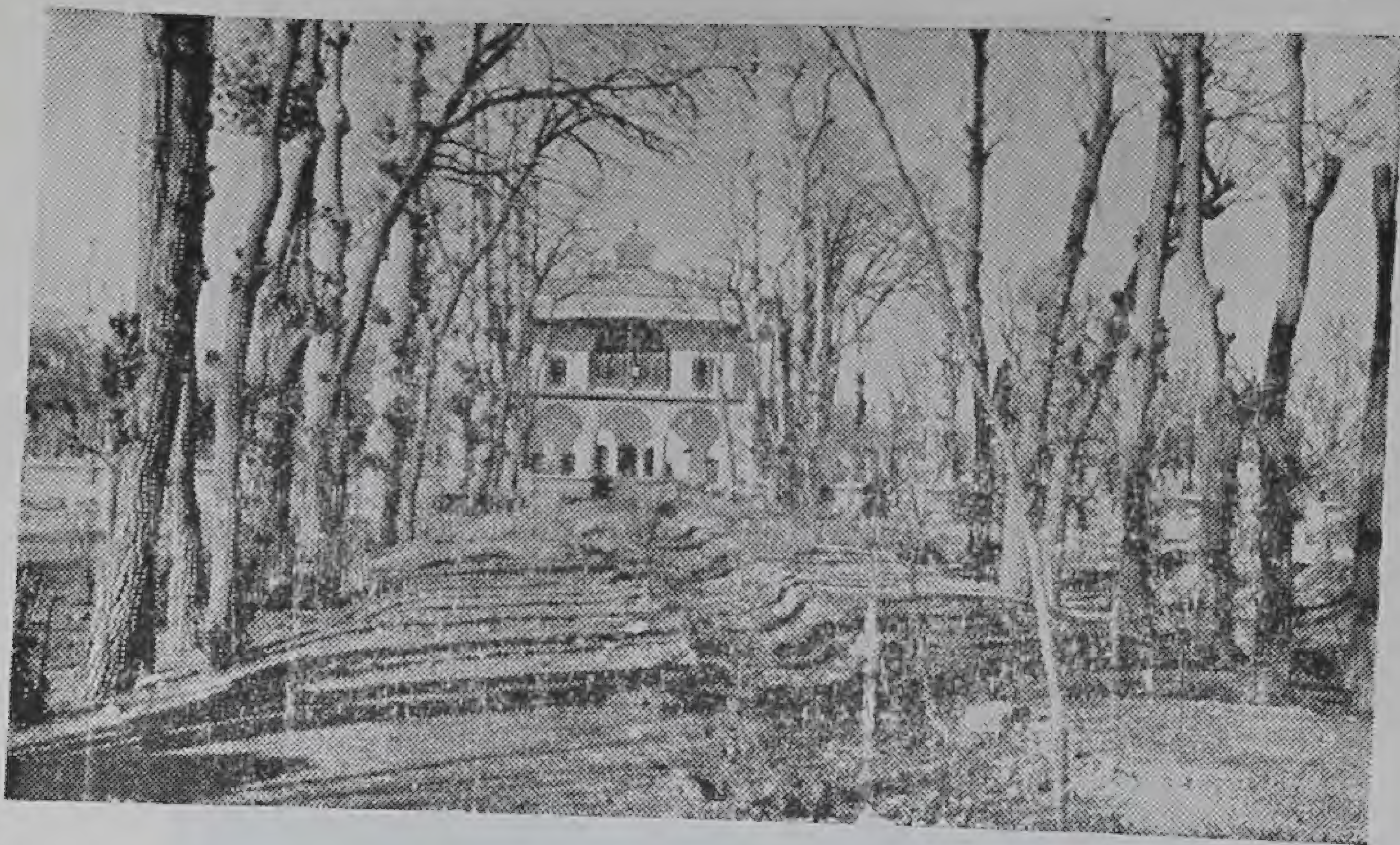
ش ۱۸۸



ش۱۸۹ دروازه شهر مدینه

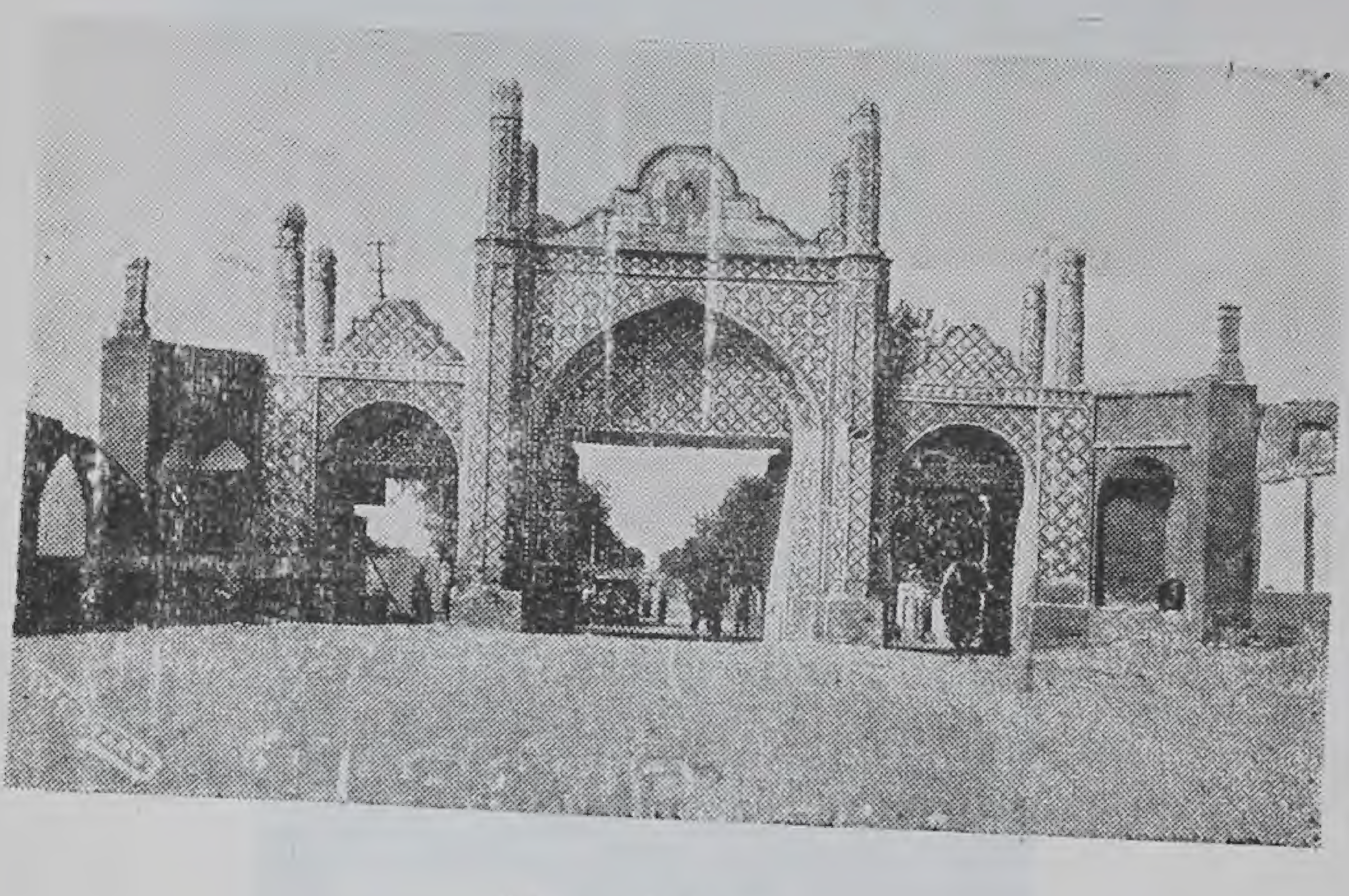


ش۱۹۰ بیمارستان شهسوار



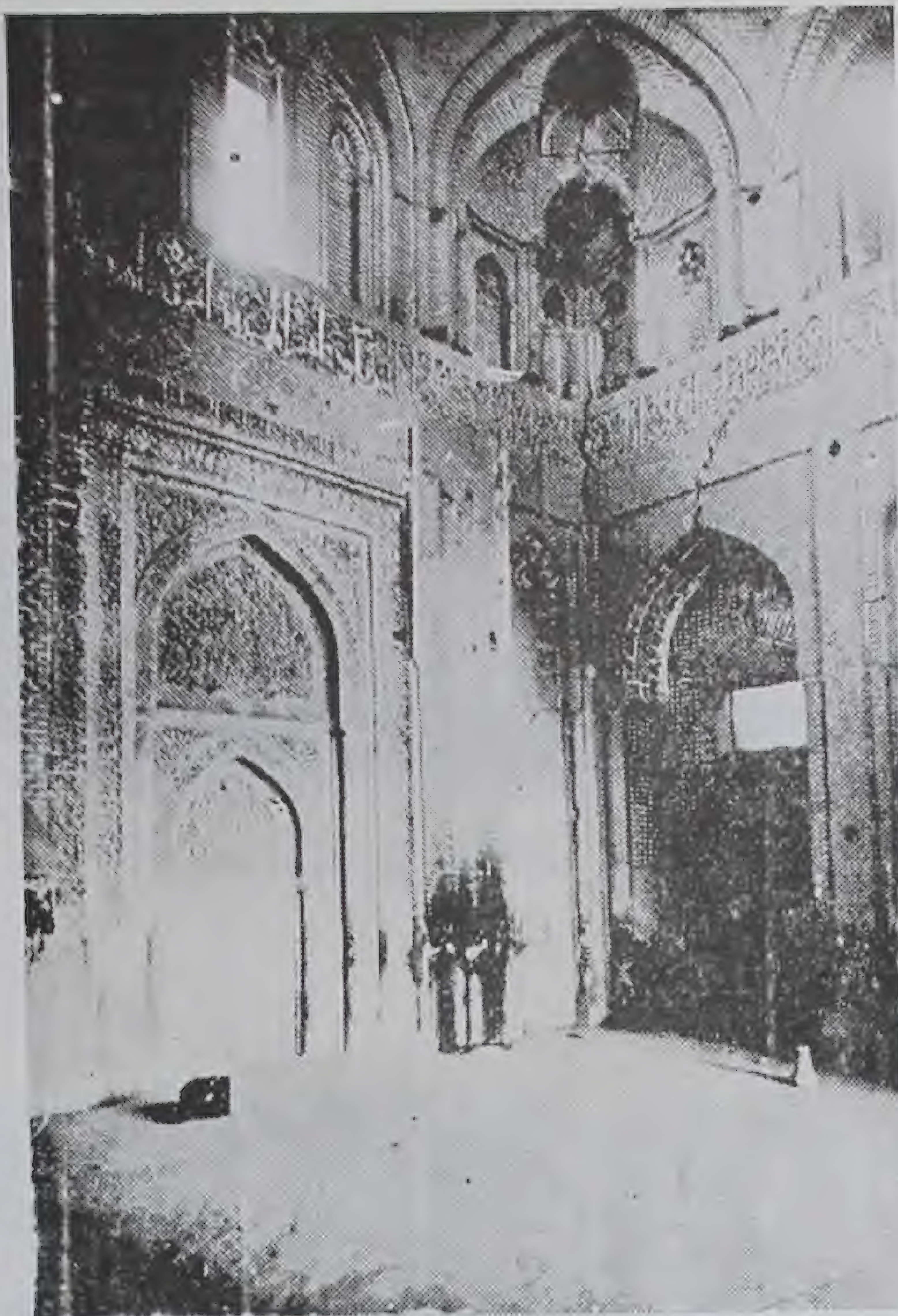
فرمانداری قزوین

ش۱۹۱



دروازه‌قزوین تهران

ش۱۹۲



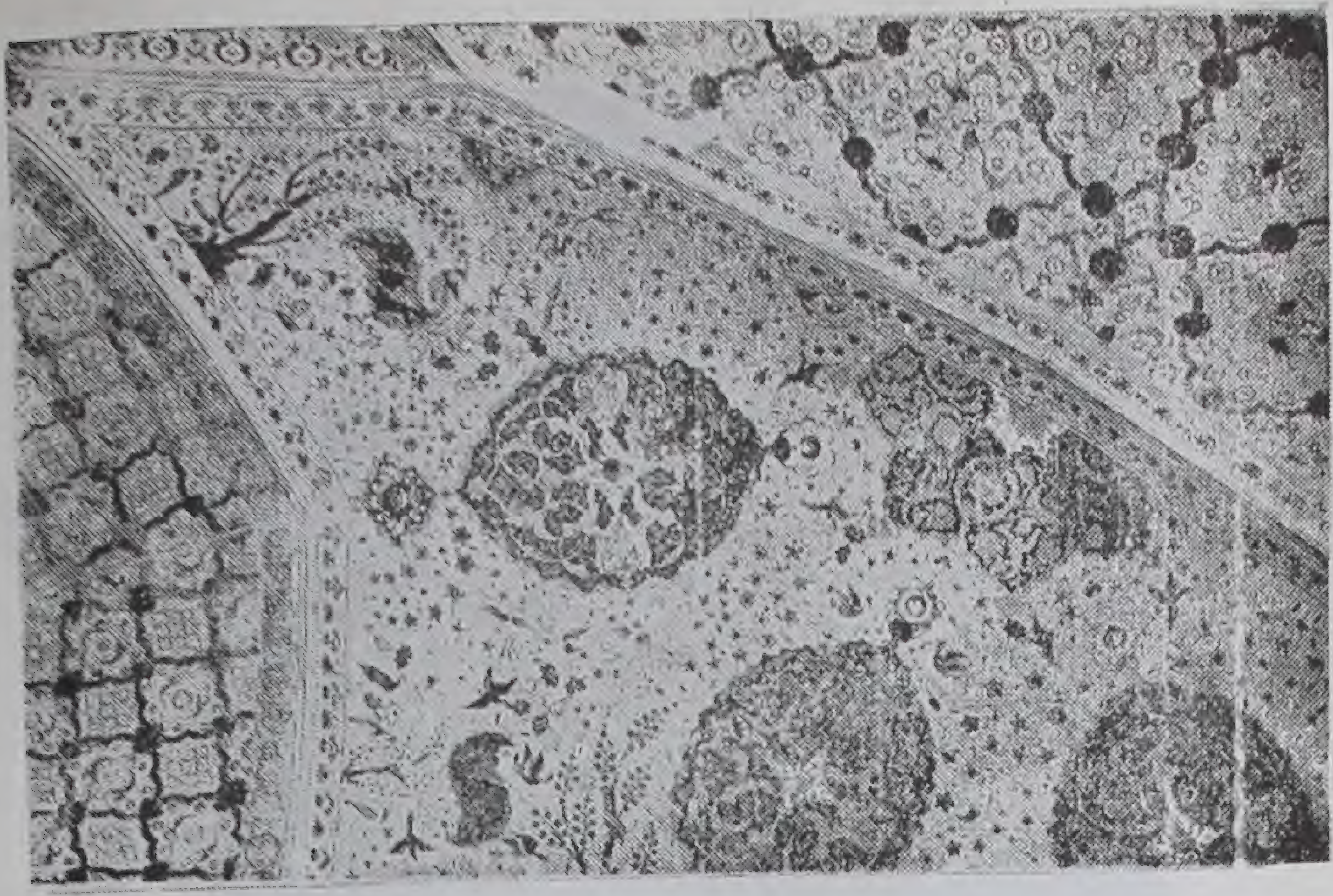
ش۱۹۳



ش۱۹۴ مسجد بزرگ بغداد



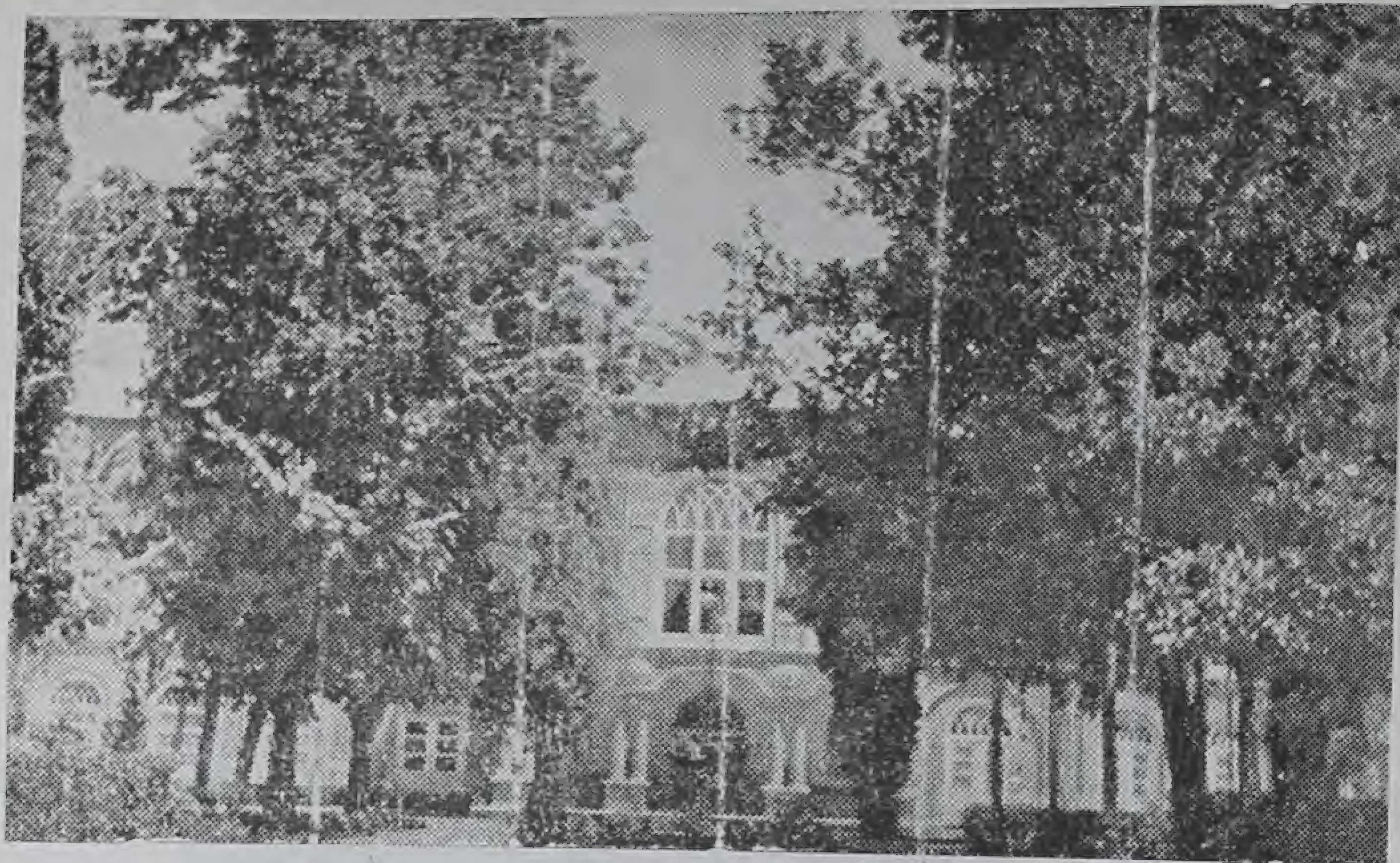
ش ۱۹۵ چهل‌ستون قصر صفویه اصفهان



ش۱۹۶ عالی‌قاپو



ش۱۹۷ کرج



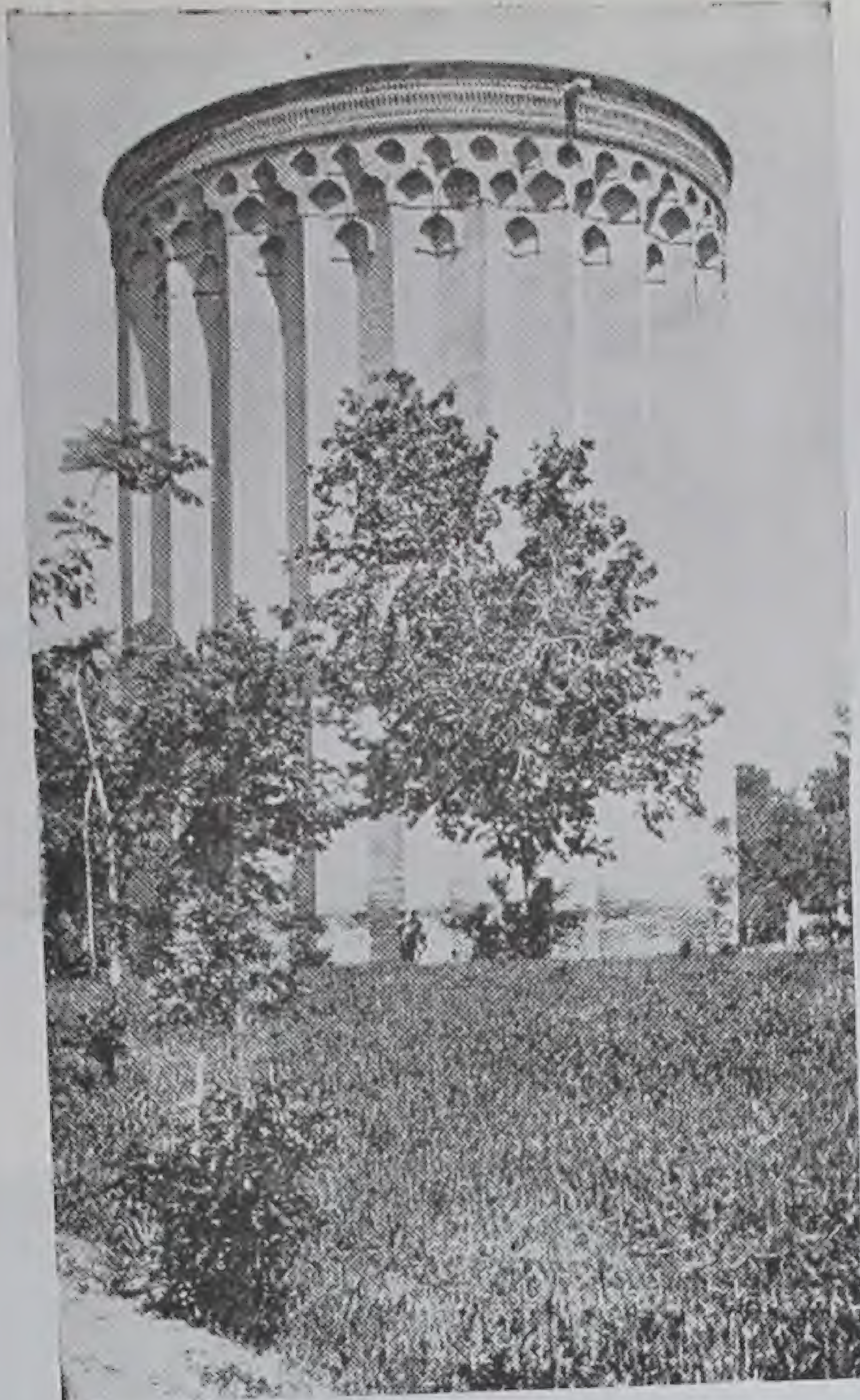
مدرسه شاهی

ش۱۹۸



مسجد اردستان

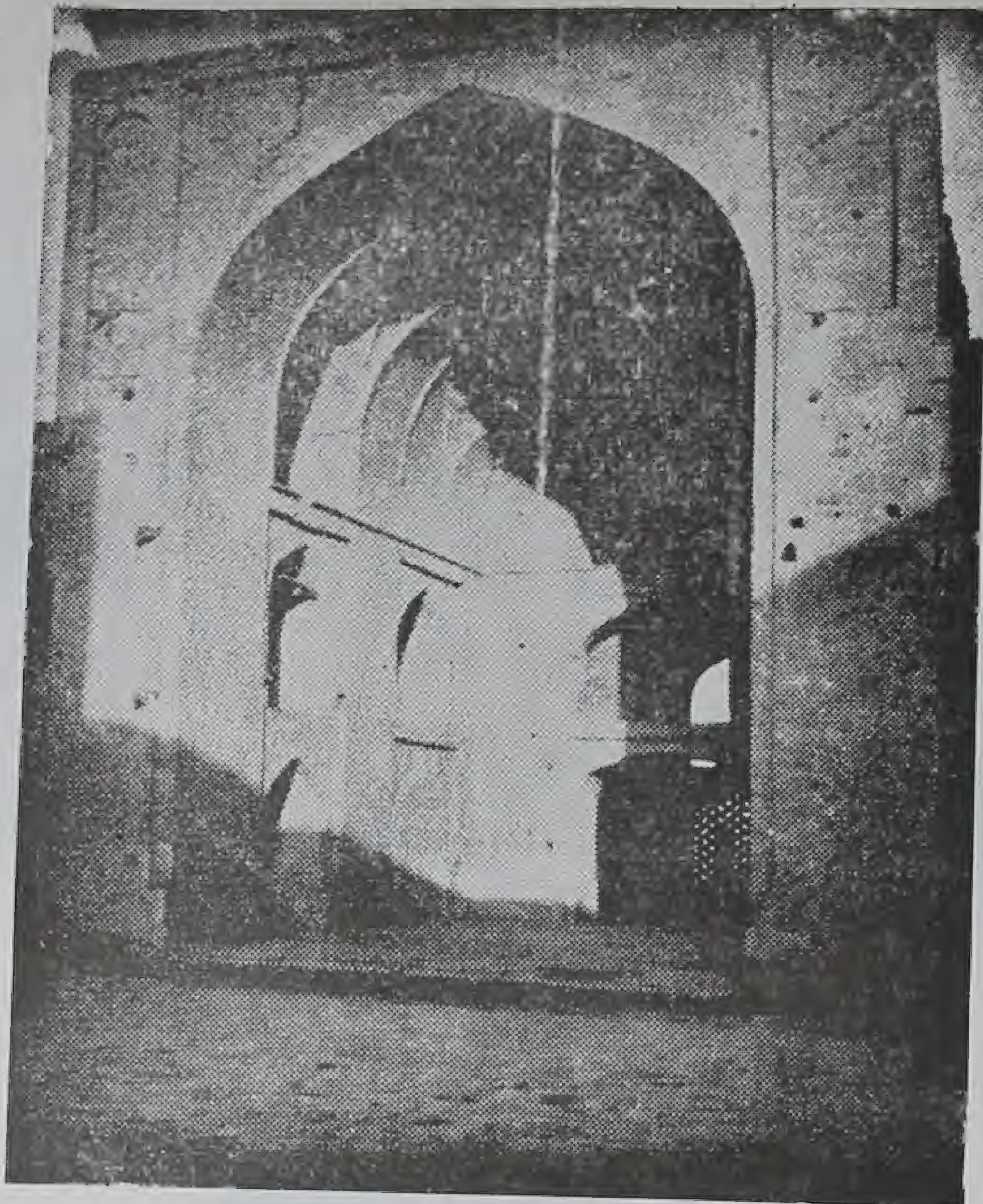
ش۱۹۹



ش۲۰۰ برج طغرل حضرت عبدالعظیم



ش۲۰۱ بیمارستانهای شهسوار و نوشهر



مسجد جامع سمنان

ش۲۰۲



بیمارستان بوشهر

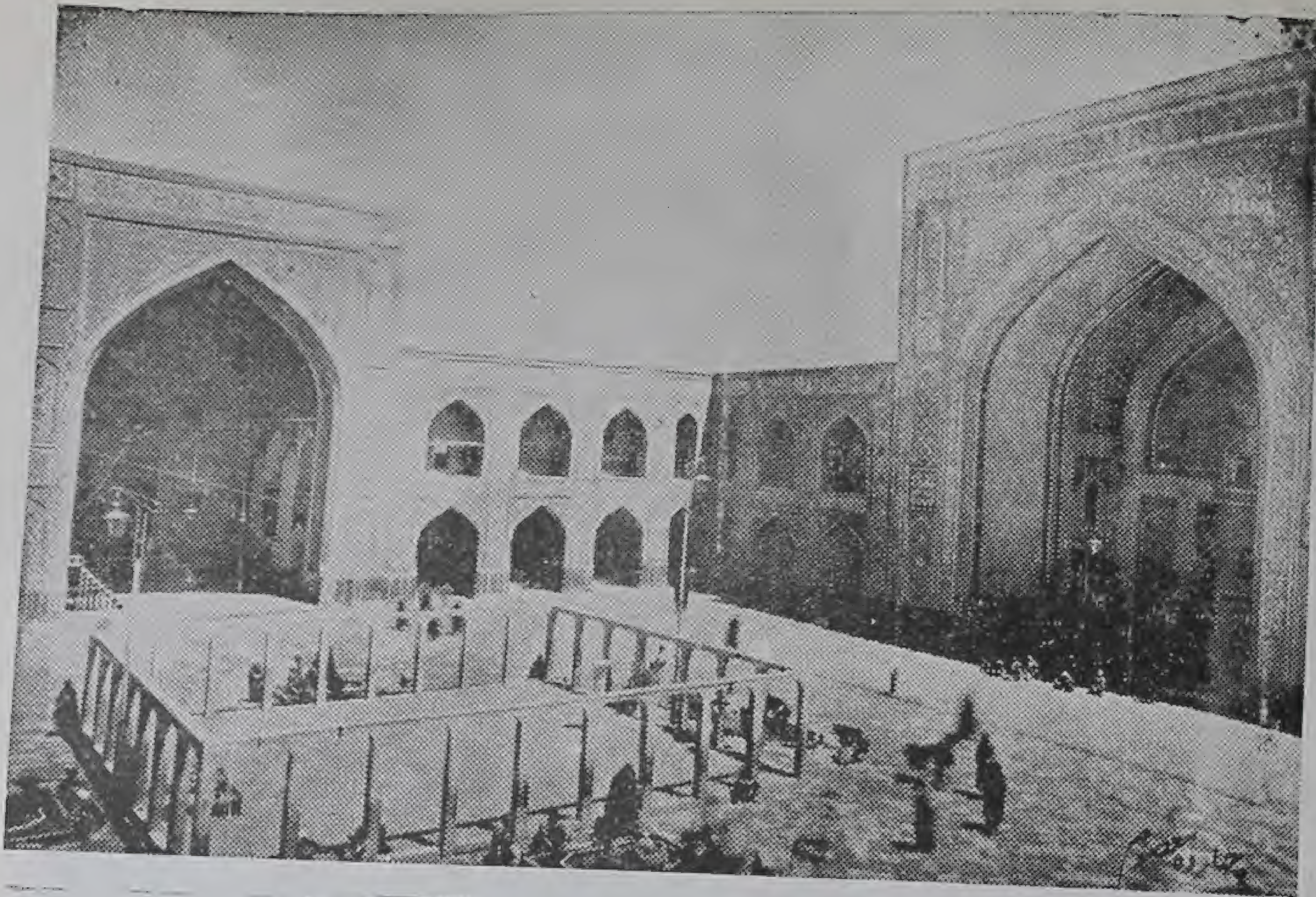
ش۲۰۳



ش ۲۰٤ جده مدخل مکه معظمه

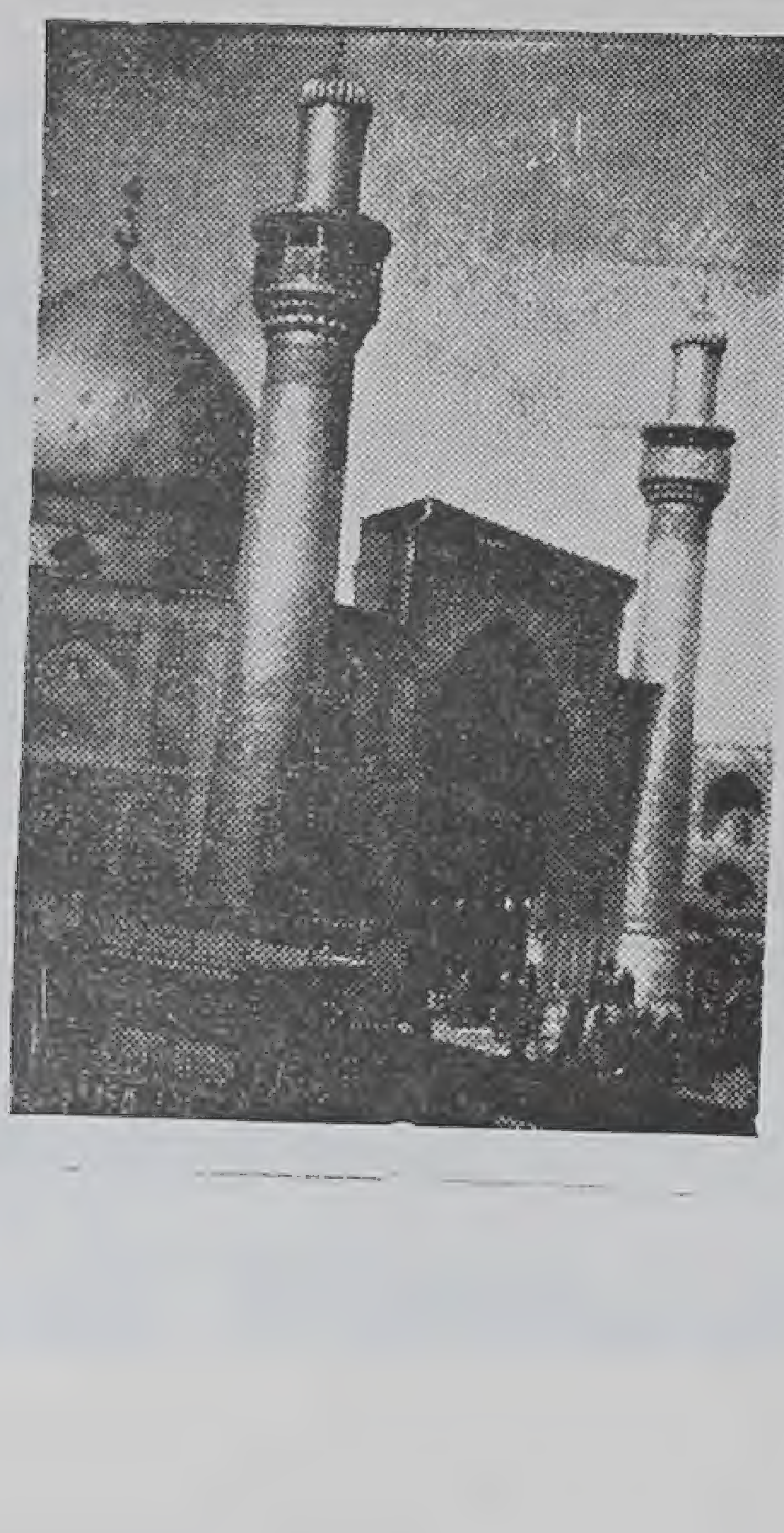


ش ۲۰۵ کاروانسرای شاه‌عباس

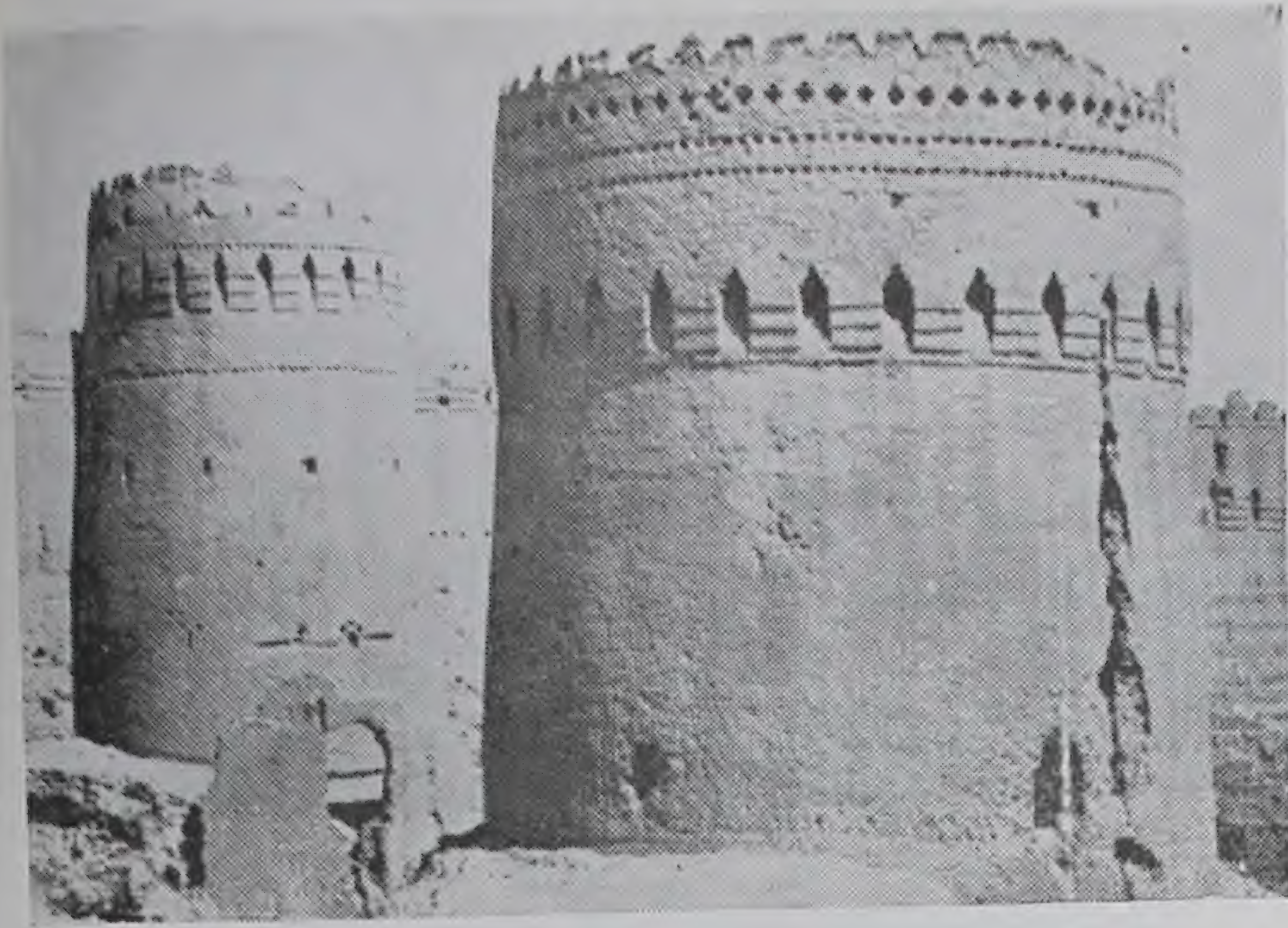


صحن مقدس امام رضا

ش٢٠٦



ش٢٠٧



ش۲۰۸ برج ارك تبريز



ش۲۰۹ بندر پهلوی



ش۲۱۰



ش۲۱۱ باغ فین کاشان



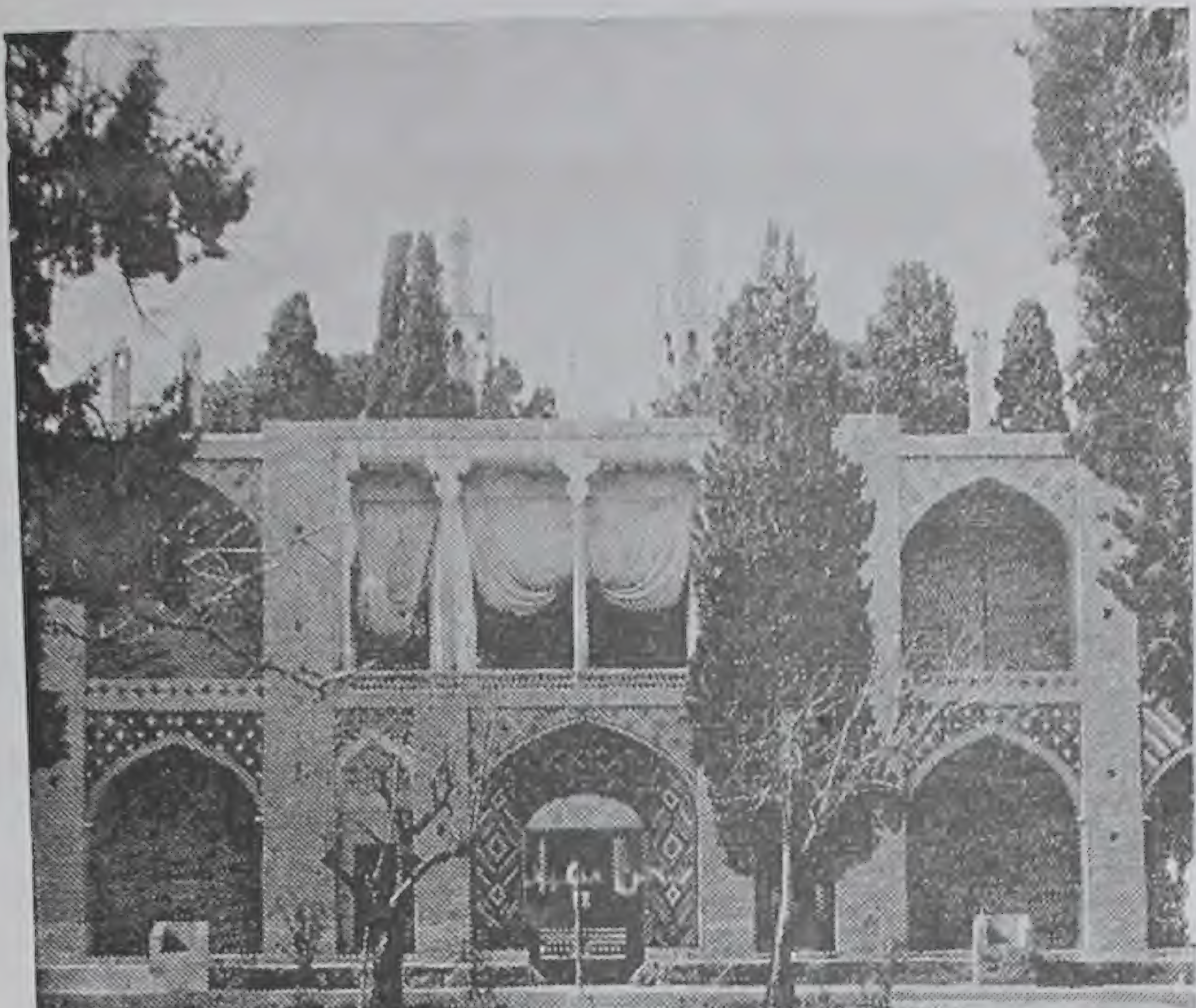
ش ۲۱۲ هارونیه طوسی



ش ۲۱۳



ش ٢١٤ يلك سمور حرمي



ش ۲۱۵

مجموع این ولایات قریب ۱۸۶،۰۰۰،۰۰۰ ولی این درآمدها بیشتر بظلم وستم گرفته میشدو صرف جنگ‌ها میگشت وهرچه باقی بودبعیش وعشرت خلفا میرسید .

درزمان یزیدبن عبدالملک مسلمةبن عبدالملک عامل‌عراق آنچه خراج گرفت به‌برادرخودنداد و اوهم شرم داشت مطالبه کند وازنافرمانی بیم داشت ،

یزیدبن مهلب پس‌ازفتح جرجان درسال ۹۸ مالی بالغ برشش‌ملیون درهم حق بیت‌المال‌راجمع کرد ویزیدخبردا شد ازاومطالبه کرد اماهیچ‌چیزازآن مال بخلیفه نداد .

جرجی زیدان درج ۱ ص ۹۵ تاریخ تمدن اسلامی در ذیل وسعت کشور های اسلام مینویسد درایام عمر تاآخر خلفای راشدین معاویة ابن ابی‌سفیان عامل شام بود و پس از جنگها با علی‌ها بخلافت رسید ومرکز خلافت رااز کوفه بدمشق انتقال داد ولی تمام مردم جزیرةالعرب از بیعت اوسرباز زدند وسال ۷۲ هجری که حجاج بقتل‌عام پرداخت ضمیمه ممالک بنی‌امیه‌شد.

معاویه ۲۰سال حکومت شام‌را داشت . و ۲۰سال خلافت نمود .

ثروت دولت بنی‌عباس

در سال ۱۳۲ تا سال ۲۱۸ از سال ۲۱۸ تا سال ۳۰۶ دولت بنی‌عباس درسال ۱۳۲ هجری تاسال ۶۵۶ ادامه داشت. ترقی و قوت آن دربین سالهای ۱۳۲ تاسال ۲۱۸ بود که این دولت باوج مجدوعظمت رسید وتمدن اسلام را توسعه داد وثروت دولت اسلام دراین عصر نهایت ترقی را نمود بطوری که درهیچ عصری از اعصار تاریخی بشر این عظمت دیده نشده است . پایان خلافت مأمون تا انقضای دولت عباسی ثروت و عظمت دولت رو بضعف رفت تا اجزای آن درهم پاشید .

اسباب وعواملی که دولت بنی‌امیه رامضمحل کرد اگرچه زیاد است ولی بازگشت همه آنها بیک‌امر بود وآن ظلم وستم‌بررعاباوانحراف دادن مسلمین ازقوانین دین وبعیش وعشرت گرائیدن خلفا بود .

مخصوصاً تعصب جاهلانه عربی وقتل‌حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین‌ها که بیشتر ازهرچیز دراضمحلال دولت بنی‌امیه اثربخشید وهواخواهان آن‌حضرت یعنی ایرانیان در اطراف پرچم های مخالف اموی تجمع کردند تابالاخره ابومسلم خراسانی راحمایت نمودند ودولت عباسی راتشکیل دادند.

ازکسانی که علیه‌دولت اموی برای اولین‌بار قیام کرد وبخونخواهی فرزندزاده پیغمبر خاست مختار بن ابی‌عبیده ثقفی در سال ۶۶ هجری بود ازآن پس پرچمها بمخالفت برافراشته شد بطوری که درظرف‌قریب‌ده سال‌چهارصدهزارنفربنام‌خونخواهی کشته‌شدندودرسال ۱۳۲ بحمایت موالی‌وایرانیان که‌ازدست‌بنی‌امیه سخت‌درفشار بودندخلافت‌برای بنی‌عباس‌مستقر گردید .

ثروت اسلام دراین عصر بارتفاع قابل‌توجهی رسید که درزمان ابوالعباس سفاح اولین خلیفه‌هر چه وصول میشد بمصرف جنگها رسید واضافه درخزینه دولت باقی‌نماند،

ولی درعصر منصور از۱۳۵ تا۱۵۸ در مدت ۲۳ سال حکومت درآمد زیادی داشت که پس‌از مردن او ۱۴،۰۰۰،۰۰۰ دینار و ۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰ درهم که تقریباً مطابق ۸۱۰،۰۰۰،۰۰ بود در خزینه دولتش باقیمانده وهنگام مردن بپسرش گفت آنقدر برای تومال بیندوختم که اگر ده سال خراج مملکت کسرنماید تومحتاج نباشی‌وهزینه دولت رابتوانی پرداخت.

مهدی معزی که بحج رفت ۳۰،۰۰۰،۰۰۰ درهم بایك پرده زربفتی برای کعبه بمکه برد وبین اهالی تقسیم کرد.

چون بمدینه رسید ۳۰۰،۰۰۰ دینار ازمنال مصر و۲۰۰،۰۰۰ دینار ازیمن برای او آوردند تمام آنهارا باهل مدینه داد.

دولت بنی عباس دارای ممالك پهناور بود و ستم هـای بنی‌امیه را نمی کرد و درخرج هم خودداری نداشت.

در جنك افریقا بالغ بر۶۳،۰۰۰،۰۰۰ درهم بمصرف جنك خراج رسانیدند برای بنای شهر بغداد ۴۸۳۳،۰۰۰ درهم بداد.

در یك سال عطایای اوبده ملیون درهم رسید بااینهمه بذل وجنك وساختمان درمدت خلافت منصور بالغ بریك‌میلیارد درهم بخزانه دولت اضافه ریخته شد.

این ثـروت نسبت بزمان هارون‌الرشید اندك بود زیرا هارون هنگام وفات درسال ۱۹۳ مبلغ ۹۰۰،۰۰۰،۰۰۰ درهم در خزینه داشت وخود او باندازه اسراف و بخشش داشت که شخص مشهور تاریخ است.

هارون دریك سفر سال ۱۸۶ بحج رفت ۱،۰۵۰،۰۰۰ دینار درآن سفر اکرام وبخشش کرد درسخایای‌مفرط هادی خلیفه مینویسند بعبدالله مالك چهارصدبارقاطر درهم بیکبار بخشید با اینگونه سخاوت این‌اندازه ذخیره درخزینه دولت عباسی دیده‌شده است.

پس‌از درگذشت هارون سال ۱۹۳ میان امین‌ومأمون زدوخوردی شد و پس‌از جنك وپیکار امین درسال ۱۸۹ کشته‌شد خلافت درشرق وغرب مملکت یکسره برمأمون مسلم گردید.

مأمون بنقل‌وترجمه علوم وزنده کردن زبـانهای علمی پرداخت وبذل فراوان میکرد. مالیات دولت عباسی درعصر مأمون بنابر استخراج جرجی زیدان از ابن خلدون و ابن حرداذ به‌بـالغ بر ۳۹۰.۸۵۵،۰۰۰ درهم‌رسید که‌پس‌از دادن‌مرسوم بلشگریان‌ومصارف تحصیل مالیات واصلاح امورات زراعت وغیره مخارج ادارات ومصارف‌دربـار ورجال دولت ونویسندگان بنقل ابن‌خلدون بصندوق‌بیت المال مسلمین ریخته‌میشد. ۱

درعهد مأمون خلیفه عباسی چهارصد ملیون درهم غیراز اجناس وغلات که بهای‌آن معلوم نیست و اجناس و امتعه وجـه نقدی دریافت می‌گردید این مبلغ درهیچ یك‌از دولت های جهان سابقه نداشته است.

اکنون ممالك اسلامی رامی‌بینم که درعصر عباسی تاچه حد پیشرفته است. ج ۲ تاریخ تمدن جرجی زیدان ص ده.

جغرافیای ممالك اسلامی درعصر مأمون

حدود ممالك اسلامی درعصر مأمون پهناور ترین ممالك مترقی جهان بشری رانشان میدهد که ازآن پس‌در هیچ دولت وتمدنی نظیر آن رخ نداده است.

مملکت اسلامی ازجانب‌مشرق سرزمین هند ومقداری ازچین و دریای فـارس بود.

از طرف مغرب مملکت روم که دریای‌سیاه می گویند وآسیای صغیر ودریای‌روم وممالك روسیه وبلغارستان بود.

ازطرف شمال بلاد بربر و ممالك خزر ولان درآسیا و کوهستان‌بیرین دراروپا که درنقشه‌امروز تعبیر بسپیریه ودریای قزوین وبحرالروم میکنند .

از طرف جنوب دریای فارس وتوابع مصر ازبلاد نوبه بود که مساحت اراضی وعده نفوس سکنه آن بشرح زیر میباشد.

ممالك اسلامی درآن عصر ۲۷ اقلیم بود که هفت اقلیم‌آن درمغرب و بیست اقلیم درمشرق اقلیم های مغرب.

دیارعرب ـ شام ـ دریای فارس- بحرالروم ـ دیار مغرب ـ جزیره ـ مصر ـ اقالیم مشرق عراق ـ بلاد جبل ـ خوزستان ـ دیلم ، فارس ، طبرستان، کرمان، جرجان، مکران-قومس ،طوران، بیابان خراسان‌سنه. سجستان. ارمنیه . خراسان آدربایجان،ماوراءالنهر، بلاذران: خوارزم. شرح‌هریك را ابن‌حوقل واصطخری مفصل بیان کرده‌اند وجرجی زیدان‌نیزازآنها گرفته است

جرجی زیدان در ج اول ص ۹۷ میگوید کشور های اسلامی به۴٤ مملکت بزرك میرسید که غرناطه واشبیلیه و اندلس ازآن جمله‌بود و پس‌از بیان حدود ممالك اسلامی می گوید آن ممالك اسلامی که درسال ۱۹۱٤ برخی دست نصاری و دول غیر اسلامی است بالغ بر۹٦ ملیون نفر جمعیت دارد پس‌از بیشتری که در احصائیه نفوس ممالك آنعصر کرده و نقل عقبده مقریزی ج ۱ ص ۱۰۰ میگوید هیچ استبعادندارد بگوئیم نفوس ممالك اسلامی در عصر هارون و مأمون با اندلس بالغ بر ۲۵۰،۰۰۰،۰۰۰ تا ۳۰۰ ملیون بود زیرا ساکنین اروپا درآن عصراغلب مسلمان شدند وجمعیت اروپاهم فراوان بوده است وآن جمعیت راباجمعیت آسیا وافریقا وجزائر باهم حساب کنیم بجرأت میتوان گفت که درزمان هارون ومأمون قریب ۳۰۰ ملیون مسلمان بوده‌اند ص۱۰۲ ج ۱

ثغور و حدود ممالك اسلامی

مرزهای ممالك اسلامی که بنام ثغور وحدود خوانده میشد ودر عصرهارون‌الرشید بنام (العواصم) نگهبان سرحدی میگفتند در دریا وخشکی «براً و بحراً» عبارت بود ازمرکزیت شام که از آنجا بطرف دریا وخشکی‌ازچهارطرف پیشرفتند .

پس‌ازفتح شام ازطرفی بصحرا و مرزروم‌ودرسواحل دریای روم وپس‌ازامتداد فتوحات‌خشگی‌ودریائی ازبیروت ـ صیدا ـ جبیل- ازشام بطرابلس- انطاکیه ـ اسکندریه طرطوس-سواحل دریای مدیترانه ازجهت خشگی از یکطرف بخاك فارس و ازطرف دیگر بخاك روم که از طرف دریا آب و خاك دولت ممالك اسلامی را بهم مرتبط و پیوست ساخته بود ـ ازجهت دریا ـ شام ـ مصر- طرطوس ـ مصیصه ـ زربه ـ کنیسه هارونیه ـ بیاس ـ تقابلس ـ عریش ـ امیاط ـ اسکندریه وازشمال شام جزریه عراق مرعش ـ شمیشاط ـ ملیطه وازیکجهت دیگر بلاد هند وشرق تاچین و ژاپن رسیده بود این بود حدود ممالك اسلامی درقرن دوم هجری که هارون‌الرشید بابرخطاب کردبابار که هرکجا بباری بکشوراسلامی باریدهٔ

این عزت وعظمت ـ این رقاء ملی ورشداجتماعی ـ این سیطره و حکومت و این اهتزاز در پرچم اسلام این پیوستگی دریاهاوصحرا وکوهها وممالك این‌آشنائی ملل متنوع ونژادهای مختلف این وحدت ملی وروح توحید درکالبد اجتماعی تاموقعی که فرمان پیغمبراسلام ص و احکام قرآن

بتمام معانی اجرا میشد برقرار بود وچون تملل وتسامح ومجامله وتکاهل وتعیش درکار پدیدار گردید نفاق جای تفاق وتشتت جای وحدت را گرفت واضمحلال ممالك اسلامی ظاهر گردید و دولتها ازهم منزع وجدا شدند ولی جای خوشبختی است که اسلام همان نفوذ معنوی خودرا درمکتب افـراد بشر برای همیشه حفظ کرده ودرتمام مدت ۱۴ قرن ازاین اثرخالی نبوده است .

مالیات دولت عباسی نمونه ثروت آنعصر است

درمیـان مورخین کمتر نظیر براین نکات بوده‌است ازمیان مورخین اسلامی کسی که صورت حساب در آورده ابن‌خلدون است که در مقدمه خودمیگوید آثار هردولتی نمونهٔ ازقوت آندولت‌است دربیان ممالك‌اسلامی واسامی آنها که درنسخه‌ها وچاپ‌هـاتحریف شده یا غلط نوشته‌شده ویااعدادرا نتوانسته‌اند درست مینویسند یاشبیه بهم خوانده شده که مقداری ازآن جرجی زیدان تحقیق کرده اینست خلاصه بنویسد .

ماموں ۲۲سال‌ازسال ۱۹۶ تاسال ۲۱۸ حکمرانی‌داشت‌ودرجنك بین‌اووامین‌صورت‌حساب‌بیت‌المال بغداد سوخت پس‌ازآن بدفاتر جدید ثبت کردندازسال ۲۰۴ تاسال ۲۱۸ که‌ثبت شده بدینقرار بوده است که‌این خلاصه ۳۴ قلم ازآنهاست که مبلغ ۳۹۰،۸۵۰،۰۰۰ ملیون درهم‌نقد درعصرماموں‌بود وبالغ بر مقدار ۱۱۵،۶۰۰۰ کیل گندم‌و ۱۲۳،۹۲۱ جوو ۸،۸۲۱،۸۰۰ درهم نقدبود که درعهدمعتصم‌ثبت شده ۱

ممالك اسلامی در عصر عباسیان عبارت از ۱۸ مملکت و ۳،۳۲۸،۰۱۴ میل‌مربع بودتقریباً بمساحت تمام اروپا گوئی تمام ممالك اسلام بـاجمعیتش مسلمان ومالیات پردازاسلام بوده‌اند

این ممالك عبارت بود از:

ایران بتمامه	۶۲۸۰۰۰	مترمربع
افغانستان	۲۱۵،۰۰۰	
بلوچستان	۱۳۰،۰۰۰	
سند	۴۸،۰۰۰	
ترکستان	۲۵۷،۰۰۰	
قفقاز	۱۵،۳۰۰	
ارمنستان‌لردستان	۷۲۵۰۰	
عراق وجزوه	۱۰۰،۲۰۵	
سوریه فلسطین	۱۰۹،۵۰۹	
جزیرةالعرب	۲۰۰،۰۰۰	
مصر	۴۰۰،۰۰۰	
نوبه وسودان	۳۰۰،۰۰۰	
طرابلس غرب	۳۹۸،۰۰۰	
جزایرغرب	۱۸۴،۰۰۰	
تونس	۵۱،۰۰۰	
مراکش	۲۱۹،۰۰۰	
جمع	۳،۳۲۸،۰۱۴ میل مربع	

۱ـ ص۴۰ ج۲ جرجی‌زیدان

۱ـ درتنظیم حساب مالیات وتقسیم آن ازمالیات سواد و مالیات افقهای دیگر درشرق وغرب اسلام بااختلافاتی جزئی که ازنظر کیل وتسعیردرهم ودینار بین ابن‌حردازبه وقدامةبن‌جعفر وابن‌خلدون موجود است باگندم وجوو ابریشم وعسل وغیره نه بحدی است که بشودآمار صحیحی از آن بدست آورد منظورما فقط بیان عظمت دولت اسلام درقرن دوم وسوم است .

علل ارتفاع مالیات در دوره عباسیان

درممالك اسلامی بیش‌از هرچیزعدالت وفضیلت اخلاقی‌حکمفرما بوده‌ولی ازنظرعلمی واسباب مادی موجباتی اسباب فزونی‌خراج ومالیات بودم که اکنون‌اجمالا اشاره میکنیم .

۱ـ وسعت ممالك اسلامی بود که درهر کشور از روی مساحت زمین حاصلخیز مالیـات میگرفتند در آنعصر اسپانیا از ممالـك مهم حاصلخیز اسلام بشمار میرفت .

۲ـ اشتغال مردم بامرزراعت بود و چون در دوران خلافت بنی‌امیه مردم سخت در فشار ظلم و ستم بودند زراعت وفلاحت شکست فاحشی‌خورد ولی بنی‌عباس نسبتاً رایت عدل‌بگستردند وباذمیان وموالی‌حسن‌معاملت ومجاملت پیش گرفتند وجان‌ومال مردم مصون ماندوزراعت وآبادی روبعمران وترقی ومصونیت گذاشت .

۳ـ سنگینی خراج روی مساحت اراضی بود وازگندم وجو ومویز وخرما و نیشکر ومالیات سرشماری ازهر کس ۱۲درهم درسال میگرفتند بطوری که در زمان عمر ۱۲۰ ملیون درهم از سی‌ملیون جریب اراضی زراعتی میگرفتند۱ ومالیات مستقلات وبازارها وآسیاها که مردم براراضی دولتی بنامیکردند ودر دوره عباسی به ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ درهم رسید.

٤ـ صدق وراستی و درستکاری عاملان در گرفتن مالیات و تحویل آن بیت‌المال بود که بعکس دوره بنی‌امیه که‌عمـال خودشان خراج رامیخوردند ومبلغی‌ناچیز بیت‌المال میدادندامامال بنی‌عباسی هرچه میگرفتند جزحقوق ومقرری خود بقیه رابیت‌المال میفرستادند - امراء و وزرای بنی‌عباسی چون ایرانی بودند دررای و عزم وانفاق نظرمتفق وعمال را از مردمان درست و متقی و باایمان انتخاب میکردنـد و مخصوصا خواستند عکس‌العمل بنی‌امیه را نشان دهند .

۵ـ اندك بودن مخارج و بی‌نظیری خلفا در رفاه ملی اسلام اندك بودن مامورین برای وصول مالیات و انجام اداره امور کشوری بوده .

٦ـ قرض نداشتن دولت برعکس دولتهای جدیدامروز واندوختن ذخائر واموال زاید دربیت المال مسلمین .

۷ـ اقتصاد وصرفه‌جوئی خلفا بعکس خلفای اموی چنانچه سفاح پس‌ازچهارسال جزچندجامه در بیت‌المال نداشت وجنگها وفتوحات بسیار کرد.

۱ـ تاریخ تمدن ص٦٥ ج ۲

منصور در دوره حکومت خود ۸۱۰ ملیون درهم ذخیره اندوخت هارون‌الرشید با داشتن وزرائی مانند برامکه که روزانه باده‌ملیون درهم بخشش میکردند بازهم ملیونهاپس ازهارون ومامون باقی مانده

همین عوامل که قدرت‌خودرا ازدست داد وبعکس اعمال شد سبب ضعف وانحاط دولت بنی‌عباسی گردید.

عوامل انحطاط دولت عباسی

خلفا اسراف ورزیدند درعیش وشهوترانی - زنان خلفاثروتهای بی‌شمار اندوختند ولباسهای قیمتی میپوشیدند برخلاف خلفای اولی بنی‌عباسی - مثلا مادر محمدبن واثق دوملیون دینار درآمداملاك شخصی اوبود ص۹۹ج۲

کنیزکان وغلامان ثروتهای فراوانی اندوختند وغلامان وخدمتگذاران متمکن گشته وشماره آنها ازصدها درهردربار گذشت معزبالله دربغدادخانه بساخت ۱۳ ملیون درهم خرج آن شدوامین درخزرانیه قصری بنا کرد که ۲۰ ملیون درهم صرف آن شد واین اسراف و تبذیرها موجب ضعف و اضمحلال گردید خزانه دولتی‌سفره مرتضی‌شدبهرکس بی‌حساب بخشش میکردند ومرسومی‌میدادند که هیچ قابل‌مقایسه باعهد خلفا نداشت تشریفات نویسندگان‌وزیران - قضاة - درباریان‌حواشی دربار وغیره ازحساب بیرون بود .

مثلا محمدبن سلمان عامل بصره پنجاه ملیون درهم و علی‌بن‌عیسی ماهان ۸۰ ملیون درهم جمع کرد .

حتی برای تبعیت گرفتن مصارفی میکردند برای مزید اطلاع بتاریخ تمدن جرجی‌زیدان مراجعه شود .وتاریخ‌تمدن دکتر گوستاولوبون

فصل پنجم

بسط و توسعه اسلام

مسلمین باعواملی که دراختیارشان گذارده شد پیشرفت کردند

منشاء تربیت مسلمین قرآن بود .

قرآن علوم وفنون را بمنظور شناختن احکام اسلام آموخت ائمه دین

اسلام مربی ومبین قرآن بودند .

قرآن را باتمام علوم مربوطه آموخته و خودشان در علوم و فنون

تالیف و تصنیف کردند وشیعیان وپیروان آنها درهرعلم وفنی ابتکار ذوق و

تقدم را دردست داشته مسلمین دیروز بفتوحاتی بزرگ نائل شدند و آثار و

مآثر تمدن اسلام درجهان پهناور گیتی ریشه دوانید واسلام خودبخود رو

بسط و توسعه پیش رفت .

عوامل ترقی بطرف تکامل

تاریخ اسلام داستان سر گذشت مردم نیست که فقط مدتی وقترا بگیرد ومانند رمانها وحکایات قصص انسان راسر گرم کند بلکه تاریخ اسلام راقیترین تمدنی که بشر تا کنون نظیر آنرا ندیده و سرعت انتشار نفوذ معنوی کتابی که نظیروشبهی نداشته باعلل ارتقاء ومدنیت یا اسباب انحطاط وتنزل بیان میکنند تاعبرت آیندگان گردد وسرمشق زندگی را بشر بیاموزد .

۱- وسعت ممالك اسلامی

۲- علاقه بزراعت وفلاحت وباغبانی وآبادی اراضی

وتوجه باینکه هر کجامسلمان بوده‌اند درموضوع زراعت وآباد کردن اراضی سعی بلیغ داشته و درممالك دوردست مانند جاوه افریقای شمالی و جنوبی - ژاپن وچین مسلمین دست یافته‌اند قبل ازهر- کارآباد کردن اراضی پرداخته واین فن رادراقطار عالم ترویج کرده‌اند .

۳- صدق راستی ودرستی عاملان مسلمان در وصول گرفتن مالیات و خراج وریختن تمام آن بخزانه دولت - «بیت‌المال‌مسلمین» بدون خرج‌تراشی وتشریفات بی‌جا

٤- حسن انتظام‌مالیات (زکوةوصدقات غنائم‌سهم امام) غیره

۵- کمی مامورین

٦- وام نداشتن دولتهای اسلامی

۷- صرفه‌جوئی و کم‌خرجی خلفای اسلامی

مافرطنافی الکتاب من شئی آیه ۳۷ سوره ٦

منشاء تربیت مسلمین قرآن است

قرآن حاوی تمام علوم وفنون مترتب بردین و دنیاست وکلیه علوم رسمی وغیررسمی دخیل درغرض و غایت ازبعثت انبیاست یعنی ازراه همین‌علوم رسمی مانندحساب- هندسه - جبر- مقابله - فیزیك - شیمی - میکروب‌شناسی چنین‌شناسی- جانورشناسی - طب - بهداشت - علوم‌طبیعی - مکانیك فنون وصنعت مانند کشتی‌سازی کشتیرانی تاریخ جغرافیا ادبیات علم جواهرات واحجار وعناصر وموالید همه دراحاطه علمی‌طریقی توحید قرآن‌قراردارد ولذا تصریح‌فرمود که **ونزلناعلیك الکتاب تبیانالکلشیی** آیه۱۱۱ سوره۱۲ قرآن را بر تو ای پیغمبر که عقل اول هستی‌نازل کردیم تاهمه چیزرا برای توروشن نماید یعنی‌تمام عالم وجود ازمبداءِ تامعاد باتمام مختصات وممیزات درقرآن برسم طریقت نه موضوعیت اشاره شد موضوع قرآن‌فقط هدایت وارشاد بتوحید است که تمام احکام وعقود وایقاعات وقصاص وقانون‌ودیانت وقصص وحکایات که علوم و فنون درخلال آن بطریقیت بحث شده برای بیان توحیداست تا مردم مسلمان باشند .

بااین بیان‌علم قرآن وعلم پیغمبر که تمام آن بائمه معصومین رسیده است تنهاعلم دین نیست ومحدود بعلم شریعت نیست دلایلی براین گفتارهست که علوم قرآن که علم پیغمبررا تشکیل‌میدهد علم‌دین ودنیاوآخرت است وشامل تمام علوم‌اولین وآخرین است زیرا کلیه علوم ازحکمت‌منشعب میشود وحکمت سرچشمه خیر کثیراست چنانچه فرمود :

۱- ص۱۷۹ ج ۱ تاریخ‌تمدن جرجی‌زیدان

ومن یوتی الحکمة فقد اوتی خیراً کثیرا

قرآن سرچشمه خیر کثیر است وتمام علوم وفنون وصنایع وحرف درتجارت وصنعت وفلاحت و حتی علوم طبیعی وریاضی ازعلوم حکمت الهی سرچشمه گرفته است واحکام قرآن بیش‌ازپانصد آیه نمیشود چنانچه درکتب بیان‌الاحکام نقل شده و آیات الاحکام مقدس اردبیلی و سیدجزائری شاهد مدعای‌ماست .

درحالی که قرآن بیش‌از ششهزار آیه‌دارد وپنجهزار وپانصد آیه‌دیگر مربوط بعلوم وفنون و قوانین اجتماع بشریست که اتم‌واکمل ادیان آسمانی است

قرآن نه‌تنها معارف بشری راازنظر دین‌وشریعت بکمال رسانیده بلکه بتمام شاگردان مکتب خود علوم وفنون بشری راآموخته است.

قرآن روزیکه برقلب مبارك خاتم‌النبیین‌ص نازل‌شد ازحقایق‌اشیاء وازمبداء عالم بحث کرد تابمعاد و علت‌العلل راکه وجود واجب تعالی‌باشدتا خطسیر بشراز مبداءتامنتها همه‌را بمنظورتعظیم توحید ودرس یکانکی حق‌آموخت وثابت فرمود که مافرطنا فی‌الکتاب من شیئی تمام علوم اولین و آخرین است نه‌تنها علم‌دین وشریعت چه‌اگر بناباشد پیغمبر تنهاعلم دین را بداند قهراً بین‌او و سایر علوم دنیا که بستکی کامل بزندگی دارد فاصله خواهد افتاد واسلام آموخته که علم‌از دین‌بطور اطلاق مجزانیست وعلم‌ودین مطلقاً غیرقابل تجزیه وتفکیك است و آنها که خواسته‌اند دین‌را ازعلم جدا کنند بروش کلیساهای نصاری بودکه علم را منافی بادین میدانستند درحالیکه اسلام علم را مؤید دین میداند ودر این چهارده قـرن هم هر چه علم پیشرفت کرده دین را تأیید نمود و نیرو بخشید .

درحالیکه ما گفتیم علمای نصاری جبهه مقابل و دشمن سرسخت کلیسا بودند و روحانیون و وسونیان کلیساها بدخواه ودشمن علما بودند وچند هزاران علماء که بفتوای کشیش ها کشته‌شدند درحالی که اسلام دین‌مقدس عقل‌وعلم واستدلال و برهـان است و روحانیون وعلماء یکصف دارند دو جبهه نیستند.

علم‌ودین درمرجع فتوای بصورت واحد است نه‌بتفکیك وعلماء بابرهان عقلی وارکان اربعه‌علم عقل ـ کتاب وسنت بردلها سلطنت میکنند وراسخین فی‌العلم مفتیان‌اسلام بوده‌اند وتفسیر این‌آیه را همه درکلمه شیئی بعلم کرده‌اند یعنی‌هیچ علمی درقرآن فروگذار نشده است چنانچه آیات دیگرهم تأئید فرمود .

دشمنان‌اسلام که‌سرحلقه‌آنها امویین بودند آیات‌را بمیل‌خود برای‌حفظ‌حکومت‌غاصبانه‌خویش‌تاویل کردند چنانچه‌درذیل آیه که جاسوس انصاری‌دردولت آنهـاوزیر مشاوربوده‌وبرای‌تشدید اختلاف باشیعیان‌علی بمبارزه برخواستند گفتند منظور از این آیه چیست اگر میگفتند همه علوم است می‌پرسیدند چرا مسلمین همه‌علوم‌را نمیدانند اگر میگفتند نیست می‌پرسیدند پس معنی **لا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین چیست؟**

تـاآنکه اهل‌علم براسخین درعلم مراجعه نموده‌جواب دادند مرادهمه علوم‌است وهمه علوم در نزد کسی‌است که قرآن درخانه اونازل‌شد.

روزی معاویه در محضر امام‌حسن مجتبی از روی سخریه و استهزاء پرسید شما که میگوئید **لارطب ولایابس الافی کتاب مبین** کجای قـرآن است که ریش من کوسج‌محاسن توانبوه است

امام مجتبی فرمود در آن آیه که میفرماید **و البلد الطیب یخرج نباته باذن ربه و الذی خبث لایخرج الا نکدا .**

زمین شوره سنبل بر نیارد — در آن تخم عمل ضایع مگردان

این پاسخ مستدل معاویه را ساکت نمود و هر کجا چنین سئوالی میشد ائمه معصومین از قرآن آیهٔ مستدل تلاوت میکردند - ومولوی معنوی در اینکه قرآن مشحون همه علوم است واختصاص بعلم دین ندارد ابیاتی نظم نمود - گوید :

خوش بیان کرد آن حکیم غزنوی — بهر محجوبان مثال معنوی
که ز قرآن گر نبینند جز که قال — این عجب نبود ز اصحاب ضلال
کز شعاع آفتاب پر ز نور — غیر گرمی می نیابد چشم کور
زیر آن باطن یکی بطنی دیگر — خیره گردد اندر او فکر و نظر
همچنین تا هفت بطن ای بوالکرم — می‌شمر توزین حدیث معتصم
تو ز قرآن ای پسر ظاهر مبین — دیو را آدم نبیند جز که طین
ظاهر قرآن چو شخص آدمی است — که نقوشش ظاهر و جانش خفی است

آیات قرآن ظاهری و باطنی دارد که علوم وفنون عالم درظاهر وباطن آن مشحون است و لذا امام جعفرصادق ع درمکتب جعفری فرمود هرچه را ازقرآن نمی‌فهمید ازمن پرسید تاشرح دهم وامام محمدباقر ع درچندحدیث فرمودقرآن صعب‌مستصعب‌است ازاهلش بپرسید تامشکلات رابرای‌شماحل کنند وقرآن خود فرموده است ؛

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه ولما یاتهم تاویله کفار ومنافقین هدفشان تکذیب قرآن‌بود ولذا همه چیزرا انکارمیکردند میفرماید آنهابودند که تکذیب میکردند آنچه را که احاطه نداشته وچون برای‌آنها گفته شده تاویل کنند یاخودرا بگوش کری میزنند .

تقسیم علوم عالم

حکماء گفته‌اند علم یابحث ازماده ومدت میکنند آنرا علم‌طبیعی گویند یاازکم و کیف آنرا علم‌ریاضی گویند یابحث آن‌درماده‌و مدت نیست آنرا علم‌الهی گویند .

بعبارت دیگرموضوع علم اگردرماده است طبیعی است واگردر کم است ریاضی است که بین علم طبیعی وعلم الهی‌است واگردرهیچ‌یك از ماده ومدت نیست علم‌الهی گویند .

وحکمت علمی بردوقسم‌است : **علم‌نظری - علم‌عملی**

علم نظری چهارقسم میشود : علم‌الهی - علم‌ریاضی - علم‌طبیعی - علم‌ادبی

علم‌الهی عبارتست ازعلم بمبدء ومعاد ومسیران .

علم ریاضی‌چهارقسم است : هندسه - حساب - هیئت - موسیقی

علم طبیعی‌هشت قسم‌است : نجوم - فیزیك - شیمی - طب - تشریح- زمین‌شناسی- گیاه‌شناسی روان شناسی -

علم‌ادبی شش قسم است ۱ . علم‌لغت ۲ . نحو ۳ . معانی ٤ . بیان ٥ . فصاحت ٦ . بلاغت ۷ .وعظ خطابه. شعر.عروض قرائت.تجوید.

این علم که متعلق بمعاش است ۳ قسم میباشد سیاست بدن ـ سیاست مدن تهذیب اخلاق .

اصول علم عملی یا اخلاق

اصول علم معاد علم سیر . سلوك . تصفیه باطن ، بریاضیات و غیره وچون راه قطعی ویقین برای انسان منحصر بردوراه است یکی ادراك ازراه حس ووجدان دیگر ادراك از راه دلیل و برهان با حس بعلوم طبیعی و با برهان بعلوم ریاضی میرسیم قرآن برای درس علوم وفنون بشری نیامده زیرا تعیین موضوع علمی ازوظایف علماء ومدرسین است واز وظیفه شارع مقدس اسلام خارج است بلکه بسبب طریقیت یا نتیجه نهائی علوم وفنون رامورد بررسی قرارداده و گرنه دراصل موضوع یا بحث دررؤس ثمانیه علمی وارد نشده . شارع اینهدف مقصدش بالاتر ازپرورش این ذوقهای خصوصی است بلکه اومیخواهد استعداد صاحبان همه ذوقها و سلیقهها وعلمها وفنها را پرورش بتهذیب نفس دهد وبکمال مطلوب فطری خود که توحید است برساند ولذا صریحاً پس از بیان حکایات وقصص ونقل احوال گذشته گان میفرماید : **افی الله شك فاطر السموات والارض** آیا بازهم شك دارید دراینکه خدای یکتا آفریننده آسمانها وزمینهاست .

اواذهان واندیشهها را متوجه تحقیقات علمی وتعظیم وعلم ودانش نمود تاخود علم پرده ازروی ظلمات جهل بردارد وبکمال خود برسند وبدینجهت است هرروز دردایره علوم وفنون اکتشافی رخ دهد تعظیم دین قوت میگیرد وخردمندان علماء نسبت بساحت دین کرنش وتواضع میکنندودرپیشگاه مذهب سرتواضع قهری وطبیعی فرودمیآورند وبااکتشافات علمی اسرار و رموز دیانت مکشوف و مشهود میگردد زیرا هرچه را کشف کنند می بینند پیغمبر اسلام درقرآن وحدیث باعجاز غیب گوئی کرده و کشف آنموضوع را خبرداده بدون آنکه درباره اصل موضوع وارد شود مثلا ازظهوربنی امیه و بنی عباس وچنگیز ومغول وجنگهای صلیبی وجنگهای جهانی وپیدایش طیاره وبمب اتمی وغیره برای مثال بآنها اشارة نامی برده است چنانچه درخلال مطالب نگاشتم .

قرآن برنامه ترقی وتعالی وبیدارکننده حس کاوش علمی بشراست با این احساسات وادراکات آدمی تقویت میشود تا اورا از کدورات طبیعت نجات داده وازنشئه عالم طبع بفضای روحانی وروشن تر حق برسد وبهمین مقصد تمام علوم رادرضمن قصص و حکایات پیغمبران و اختراعات ابداعات و ابتکارات گذشته گان نقل فرموده حکایت کشتی سازی ودریانوردی سیرسفر و توجه بحیوانات دریائی عظمت ماهیهای اقیانوس پیما وبلع حضرت یونس وسیرمعراجی اودراقیانوسها همه درس تکامل عقل است یاجلب توجه بآسمانها وزمین واخترشناسی برای معرفت بقبله وجغرافیای آنکه وجهت شناسی که قبله درکدام سمت واقع است یاحرکت زمین وگردش منظومهها پیدایش آفتاب وماه وتوالی شب وروز واثر گردش آفتاب وتاثیران درزمین و حتی درس وزن آب وهوا وباد وزن مخصوص عناصر وسرعت سیروحکمت تجزیه وتحلیل مواد عالم طبع همه برای رشددادن افکار وتقویت عقول بود که نتیجه نهائی آن توحید باریتعالی عزشانه میباشد .

و بیان و لقد علمتم النشاءِ الاولی فلولا تذکرون افرایتم ما تحرثون أنتم تزرعونه ام نحن الزارعون ـ لو نشاة لجعلنا حطاما فظلتم تفکهون **آیه ۶۱ الواقعة**

ماهستیم که نشئه دیگررا از راه کشاورزی میآموزیم تامتذکرشوند وآن سبزشدن ونشوونما وزرد شدن وخشکیدن ومیوه دادن است که هرسال تکرارمیشود ومینماید که بشرهم برای عالم دیگری

حکم نباتی دارد وبازمیفرماید :

آیاشما حرث وزرع میکنید؛ آیاشما زراعت میکنید یاماهستیم که اززمین میرویانیم وباابروباران آبیاری میکنیم واگر بخواهیم آنرا بی‌فائده وخشك نموده درهم‌شکسته قرارمیدهیم **أأنتم انزلتموه من المزن ام نحن المنزلون** آیا شما ازابر باران می‌بارانیدیا ماهستیم که حرارت دریاها را بالابرده ابرها تشکیل داده وباران می‌باریم واین حقیقت تاچندقرن پیش‌هم مکتوم بود که اسلام برای جهانیان روشن نمود وسپس ازحدیدواهن وفوایدآن بحث میفرماید تاافکار راجلب نماید .

وهو الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یعلم مایلج فی الارض ومایخرج منها وماینزل من السماء ومایعرج فیها وهومعکم اینما کنتم والله بما تعلمون بصیر

آن خداوند است که آسمانها وزمین را درمدت زمانی که شش روزاست آفرید درحالیکه روزو شب درمنظومه شمسی حاصل میشود آن خداوند است که استیلای برعرش دارد او میداندآنچه در زمین میروید وخواصی که دارد ومعادن‌وعناصرمواد وباران که صعود ونزول میکند ودنباله همین آیات سوره حدیدمیفرماید .

آن خداوند است که شبرا ازروز بیرون‌می‌آوردو باندیشه‌های شما واقف‌است تاآنجا که‌میفرماید ماهستیم که آهن رانازل کردیم وتجزیه وتحلیل شیمیائی عناصررا که ترکیب آهن میدهد وشدت و استحکام قرارداده‌ایم‌تابشر ازمنافع بیشمارآن استفاده کنند .

دراین آیه اهمیت‌آهن رادرشئون زندگی وتوجه بمعادن آهن وذوب فلزات جلب فرمود ودر قصه بنای مسجد اقصی وبنای قصرشداد ذوب فلزرا برای ساختمان ومهندسی عمارات تلویحاً تدریس فرموده است .

منظوراین است که قرآن دربیان تعلیمات عالیه روحانی خودفنون مساحی و مهندسی معماری نقاشی ، رنگرزی . فنون‌صنایع طریقه‌وعلم بجواهر واحجار ونباتات وحیوانات فیزیك وشیمی‌ونجوم وهیئت وغیره رابرای رشد عقلی بشرتعلیم فرموده است ومربی این علوم ومبین وشارح ومفسرآن که باجمال درقرآن بیان شده ائمه دین واهل‌بیت پیغمبرسیدالمرسلین میباشند که درطول ۳ قرن ملل و اقوام وعشایر وقبایل دور و نزدیك و متمدن وغیر متمدن را ازحضری‌وبدوی باین تربیت اسلامی پرورش دادند .

ائمه دین اسلام مربی ومبین قرآنند

در کتب شرح‌حال ائمه معصومین «چهارده‌معصوم» فصلی‌درمقام‌و مرتبت واهمیت ومنزلت امام که محورعالم وجوداست نوشته‌ایم که اینجا تکرار نمیشود فقط میخواهیم بگوئیم قرآن علوم‌خود را بسینه پیغمبرص جاداد و رسول خدا ص علوم ودانش خود را باوصیاء خود که اول آنها امیرالمومنین علی‌بن ابیطالب باب مدینه علم بود سپرد و اوبفرزندان‌خود کتباً وشفاها آموخت وزندگانی چهارده معصوم تمام دریك سطح ازفرهنك ویك افق ازمعارف آسمانی ویك تربیت مهذب قرارداد که درسطور تاریخ مورد اتفاق همه جهانیان گردیده وآنها هریك بمقتضای زمان ومکان وشرایط محیط علم ودانش راابراز وتعلیم فرموده .

ائمه دین بصورت صحائف و خطب واحتجاج و پاسخ مسائل علمی و مناظره و تعلیم و تفسیر وغیره مرتب ابراز علم وفضیلت نموده‌اند وهر کس درهرقسمت ازعلوم استعداد درك مطلبی را داشته باو اسرار و رموز معارف وفرهنك عالم راتعلیم فرموده‌اند وخودشان قبل‌ازتعلیم ترجمان گفتار خود بوده‌اند که اکنون نقاط حساس رایاداور میشویم .

اول کسی که قرآن راجمع آوری کرد امیرالمومنین علی بن ابیطالب ع بود

اول کسی که نقطه گذاری کرد ابوالاسود دئلی بفرمان امیرالمومنین ع بود.

اول کسی که درقرائت قرآن کتاب نوشت ابان بن تغلب بود .

اول کسی که درفضایل قرآن کتاب نوشت ابی بن کعب بود.

اول کسی که درمعانی قرآن کتاب نوشت ابان بن تغلب بود .

اول کسی که درغریب القرآن تصنیف کرد ابان بن تغلب بود.

اول کسی که درمجازات قرآن کتاب نوشت فزاریحیی بن زیاد بود.

اول کسی که دراحکام قرآن کتاب نوشت محمدبن سائب کلبی بود.

اول کسی که درعلم تفسیرقرآن کتاب نوشت سعید بن جبیر بود وبعد عبدالله بن عباس و جابر بن عبدالله انصاری و ابی بن کعب و یحیی بن یعمر و ابوصالح بصری وطاووس بن کیسان ومحمدبن سائب کلبی وجابر بن یزید جعفی وسدی کبیر وابوحمزه ثمالی وابو بصیر یحیی وغیره .

اول کسی که درعلوم قرآن کتاب نوشت وتفسیر وتاویل وتبیین آنرامیفرمود امیرالمومنین علی بن ابیطالب ع که بنقل ابن ندیم درفهرست مبتکر این فن آنحضرت بوده است وسیوطی دراتقان وسیدحسن صدر درتاسیس الشیعه و سیدمحسن امین عاملی در اعیان الشیعه مفصل دراینباره بحث کرده‌اند - و ابوالاسود دئلی بامرآنحضرت نقطه گذاری راوضع نمود .

اول کسی که صحیفه نوشت امیرالمومنین وپس‌ازاو فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها یگانه دختر باقی‌مانده پیغمبرخدا بود وسپس فرامین ونامه‌ها وقرآنهائی که بخط سبطین درمیان است میباشد.

اول کسیکه صحیفه را مقرون باسرار ورموزعلم وفرهنك نمود وبمناسبت تاریکی محیط نکات علم وفن را درقالب الفاظ اذکار وادعیه برد وتاریخ را بصورت رازونیاز بیان کرد واسرارعالم طبیعت را درتحت عنوان دعاوتقاضا نام برد حضرت امام‌علی بن الحسین زین‌العابدین بود.

اول کسیکه تاسیس مکتب حدیث رانمود امام محمدباقرع بود که علم را ازهم شکافت ومطالب راتجزیه وتحلیل نمود وماءمفصل درشرح‌حال آنحضرت نوشته‌ایم.

اول کسیکه فقه رامبوب ومنظم وتاسیس وتجزیه وتحلیل فرموده و دوازده‌هزار فقه وغیرفقه دانشمند وچهارصدمولف تربیت کرد امام جعفر صادق ع بود که موسس مکتب جعفری است .

ابن عروه خلیلی درتفسیرقرآن کتابی نوشت که ۱۴۰ جلدبزرك گردید .

سیدیو مورخ فرانسوی مینویسد :

بعضی‌ازعلمای مسلمان آنقدر کتاب تالیف کرده‌اند که بیشتر ازفرنگیها درتمام عمر نمیتوانند

آنهارا بخوانند مانند ابوعلی‌سینا ـ خواجه‌نصیرالدین طوسی ـ علامه حلی ـ سیوطی ـ علامه مجلسی فیض‌کاشانی ـ شیخ‌بهاءالدین وغیره

در کتاب‌رجال بسیاری راشرح‌داده‌ایم که بیش‌ازسیصدجلدکتاب ورساله تالیف وتصنیف‌نموده‌اند والحق نظیرآنهانه تنها درسایرملل وادیان‌نیست‌بلکه باین‌تعمق فکروتعقل وحدت ذهن که همه‌مولود مکتب اسلام است کمتردرعالم دیده شده است .

مهارت امام درقرائت و تجوید وتفسیر وبیان حلال وحرام قرآن

چون وظیفه اصلی پیغمبران واوصیای آنها هدایت وارشادبندگان خدابودباید بزبان آسمانی‌آشنائی کامل داشته‌باشندتاباحکام وشرایع‌ازجهت‌خصوصیات وحلال و حرام واقف گردنـد والبته پیغمبران ص برکار خود تسلط‌داشته وتربیت شده مکتب ربوبی‌بودند وآنچه خوداززبان وحی گرفته بودندباوصیای خود آموخته تاآنها درازمنه وامکنه مختلفه میتوانند مردم را بصلاح وفساد عالم از روی مبانی‌دینی هدایت ورهبری نمایند وشکی‌نیست که طریقه ارشاد ورهبری برحسب مقتضیات زمان و مکان مراتب مختلف داشته ودارد ولی هدف اصلی بیان توحید ومراتب یگانگی و مقصد تهذیب نفوس بشری از لوث کدورات‌طبیعت ماده است‌ائمهٔ معصومین‌ما نیز بکتب‌آسمانی مخصوصاًقرآن‌وطریقه قواعدخواندن ونوشتن واعراب گذاشتن‌وتجوید وصرف ونحوومعانی وبیان واشتقاق وعروض وقوافی وبحوروالحاق وصناعات خمس . قیاس . برهان . خطابه : جدل . مغالطه ومنطق هرطایفـه وهرکس درفهم قرآن واقف وکاملا آگاه بوده‌اند وازسرچشمه علوم آسمانی سیراب گردیده‌اند وعلوم‌اسلامی مخصوصاعلوم قرآن بشرحی که درسیرتحول تاریخی قرآن‌نوشته‌ایم بیش‌ازپنجاه علم بودکه تمام آنرا امیرالمومنین علی‌ع واولاد کبارش بمسلمین‌آموخته‌اند وقراء ۱۴ نفربودند که همه سلسله حدیث قرائت خود را بامیرالمومنین‌ع برسانندوعاصم که شاگردابی‌عبدالرحمن سلمی‌واوشاگرد مستقیم‌امیرالمومنین‌ع‌بوده است معتدل‌تر ومعتبرتراست .

امام ع درادبیات ونحو

ادب وآداب وادبیات درهرملتی‌حاصل مقصود ومطلوب احساسات وادراکات ملی مردم است که بزرگان واصحاب رای و متفکرین ودانشمند قوم‌می‌نشینند وقواعدی برای سخن گفتن ملی‌و ادب قومی تشکیل میدهند که روی آن مبانی تغییرحروف «علم‌صرف» وتغییراعراب «علم‌نحو» ومعانی و بیان و اشتقاق و ترکیب و تجزیه و تحلیل وجمع وتفریق کلمات والفاظ و حروف ازآن قواعـد شناخته میشود .

چون درمیان السنه عالم زبان عرب‌بشرحی که سابق گفتیم بسیط ترین ووسیع‌ترین لغات‌جهان است وهریك ازالفاظ آن گاهی تاهفتادمعنی دارد . ظاهروباطن . منطوق . مفهوم . کل وجزء وغیره که هفت طبقه آن بسبعة احرف نامیده شد احساسات شاعرانه عرب از قریحه سرشار آنها در درجه اول ادبیات عالم قرارگرفته وقرآن بدین جهت بزبان عربی نازل شدکه مردم خوب تعقل و تدبر نمایند امام امیرالمومنین‌علی‌ع که خود فرمانده حروف والفاظ وکلمات است و نهج‌البلاغه مجموعه خطب مهیج آنحضرت بهترین دلیل این حقیقت میباشد از مبتکرین و متفکرین وموسسین قواعد ادبی است کـه مخصوصاً در علم نحو ـ بابوالاسود دوئلی دستور تدوین و تنظیم قواعد نحو را تعلیم فرمود .

چنانچه در کتاب البیان والتبیین واوصاف الاشراف مینویسند ان علیا اشعر الصحابه و افصحهم واخطبهم امیرالمومنین درادبیات عرب وسایرالسنه جهان بنیروی ولایت مطلقه خود اشعرشعرا وافصح فصحا واخطب خطباء عالم بود . ابوالاسود اول کسی است که علم نحورا وضع کرد و گفت من ازامیرالمومنین علی ع دستور گرفتم که فرمود :

کل فاعل مرفوع - کل مفعول منصوب - کل مضاف الیه مجرور

وخلیل بن احمد عروض که علم عروض راوضع کرد میگوید علی بن الحسین سجاد ع این علم را بمن آموخت و حضرت امام محمد باقر ع نثرمسجع و مقفی و موزون ، مرسل را باصحاب خود تعلیم فرمود .

بااین مقدمه امام ع درفن ادب وادبیات هم طبق مصادیق نثرونظم موجوده ومرویه برسایرخلق تقدم وتفوق داشته وهر کس درهرفن درمانده وحیران میشد یامواجه بامشگلات و معضلات میگردید مفتاح حل سخن دردست قدرت علمی ائمه معصومین علیهم صلوات الله اجمعین بوده است .

علم امام در لغات عالم

در کتاب امیرالمومنین ع درباره علائم امامت وعظمت درجه ومقام او گفتیم که ازشرایط امام این است که اعلم خلق باشد ویکی از علوم وقوف بتمام السنه وزبانهای طبقات مختلف بشر است وحتی علم بمنطق حیوانات است که ولی مطلق باید زبان سایرموجودات را در نظام عالم بداند -

نطق آب و نطق خاك و نطق گل　　　هست محسوس حواس اهل دل
ما سمیعیم و بصیریم و هشیم　　　با شما نا محرمان ما ناخوشیم

امام دارای قوای درونی وبیرونی است که برتروبالاتر ازنیروی روحانی سایر بشر است واین همان روح القدس است . که بدان برسرایرعالم واقف میگردند .

ائمه معصومین ما که اوصیاء پیغمبر ص خاتم النبیین و معصوم ازهرخطا و لغزشی بوده اند بتمام لغات عالم آگاهی داشته چنانچه علامه مجلسی ازحضرت امیرالمومنین علی ع نقل میکند که براهل نهروان وارد شد جماعتی ازاهالی «بادوباد» خدمتش شرفیاب شدند وشکایتی ازسنگینی خراج نمودند امام ع بلغت نبطی باآنها سخن گفت وباآنها بمکالمه پرداخته آنهارا راضی برگردانید وهمچنین چون دختران یزدجرد راآوردند آنها بفارسی سخن گفتند عمر نفهمید و گمان کرد بآنها دشنام میدهند در خشم شد امیرالمومنین گفتار آنهارا ترجمه فرموده تارفع سوءتفاهم شد .

حریری که ازبرجسته گان علماء لغت است در کتاب درة الغواص فی اوهام الخواص وابن فیاض درشرح اخبارچنین مینویسد که عموم اصحاب درمعنی کلمه مؤوده درتفسیر آیه واذ المؤودة سئلت اختلاف کردند حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب ع فرمود ،

مؤاوده آن فرزند دختریست «اناثی است» که مراتب هفتگانه ترقیات انسان راپس ازولادت طی کرده باشد وپس ازتولد بصدا گریه درآمده باشد ودراینوقت ازروی احساسات جاهلیت اورا زنده زنده زیرخاك کنند .

اخبار واحادیث وتواریخ بسیاری دردست است که امام ع باهرمردی که ازهر کشور وشهری میآمد وبلهجه آن شهرسخن میگفت امام ع بزبان او بااوتکلم میفرمود وهمچنین راجع بزبان بهائم وحیوانات

ائمه وقوفی کامل داشته بطوریکه علامه مجلسی در شرح حال هریك فصلی در اینخصوص باز کرده وروایات آنرا نقل نموده است .

مهارت امام ع در علم زمین شناسی

امام که دارای مقام علم وعصمت است ودرزمین شناسی هم مهارت داشته ودستوراتی که صادرفرموده حاکی از وقوف واطلاع امام برعلم زمین شناسی است .

مرحوم علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در کتابی که بنام «الارض والتربة» نگاشته‌اند خواص وطبقات خاك را بیان کرده وازدحوالارض که آغاز گسترش زمین است تشریح نموده‌اند ودر کتاب مکارم الاخلاق درباره حفر قنوات دستور داده‌اند که باید چاه بالوعه باچاه آب درشهرهائیکه بایدازآب چاه بخورند بایدفاصله بسیاری داشته باشد واقلا هفت ذرع فاصله باشد تابهم سرایت نکند .

و دربیان حکم شرع میفرماید **لان مجاری العیون من مهیب الشمال** که بطبقات زمین و سیر مجاری آبها مطلع بود وعلم وتجزیه ثابت کرده که بیشتر وزش بادها ورگهای تحت الارضی که مسیر آب رامعین میکنند ازجانب شمال زمین است وبطرف جنوب جاری میگردد وعموم چشمه‌سارها و قنوات از شمال روبجنوب جاری است که اکنون درایران قنوات روبقبله گفته‌اند که علم زمین شناسی این مباحث راحل کرده وبعدازاین حل خواهد کرد وامام سجادها دروزن زمین وخاك وآب دردعاها اشاره میفرماید تاعقلا دریابند که هریك وزن مخصوصی دارد وازخواص خاك این است که خاك کشنده مکروب است و حتی مکروبهائی که درآتش ازبین نمیروند درخاك فانی ومتلاشی میگردند وبعکس دانه‌ها درخاك زنده میشوند ومبداء تکون نبات درخاك است و همچنین درباره جواهرشناسی وتکامل احجار باز روایاتی نقل شده که امروزازآن استفاده کرده‌اند الماس همان زغال سنك است که درطول زمان از حرارت مرکزی زمین واشعه خورشید کمال یافته باین ارزش میرسد[۱]

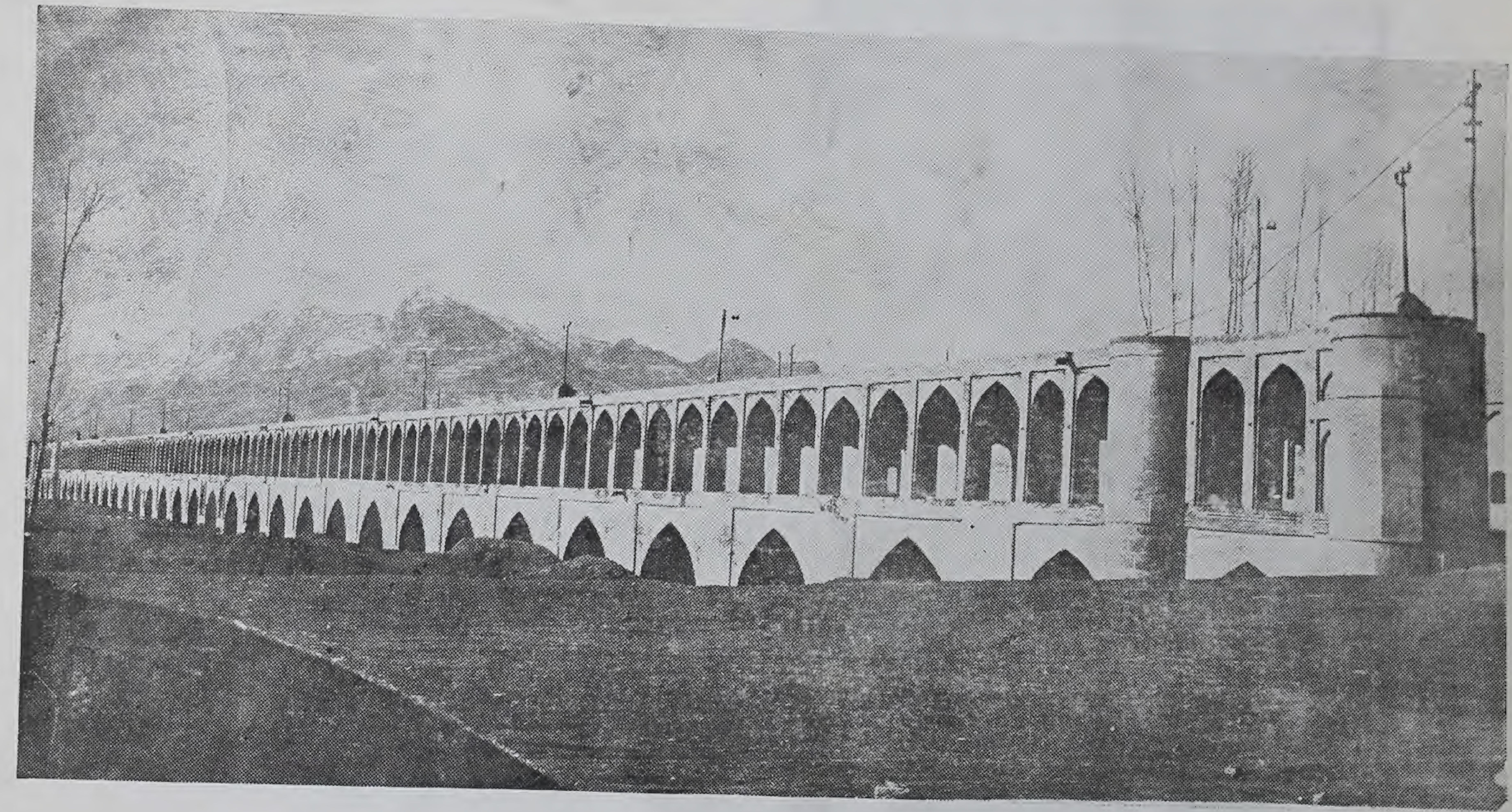
الوان عالم طبیعت برای چشم مفیداست که آسمانها برنك آبی ونباتات برنك سبزمفیدبحال بشراست ـ تاخوب دریابد وقوت گیرد .

علمای فیزیك گفته‌اند . اگر درختهای دنیاهمه قرمز بود یکماه طول نمیکشید که همه ساکنین کره زمین دیوانه میشدند .

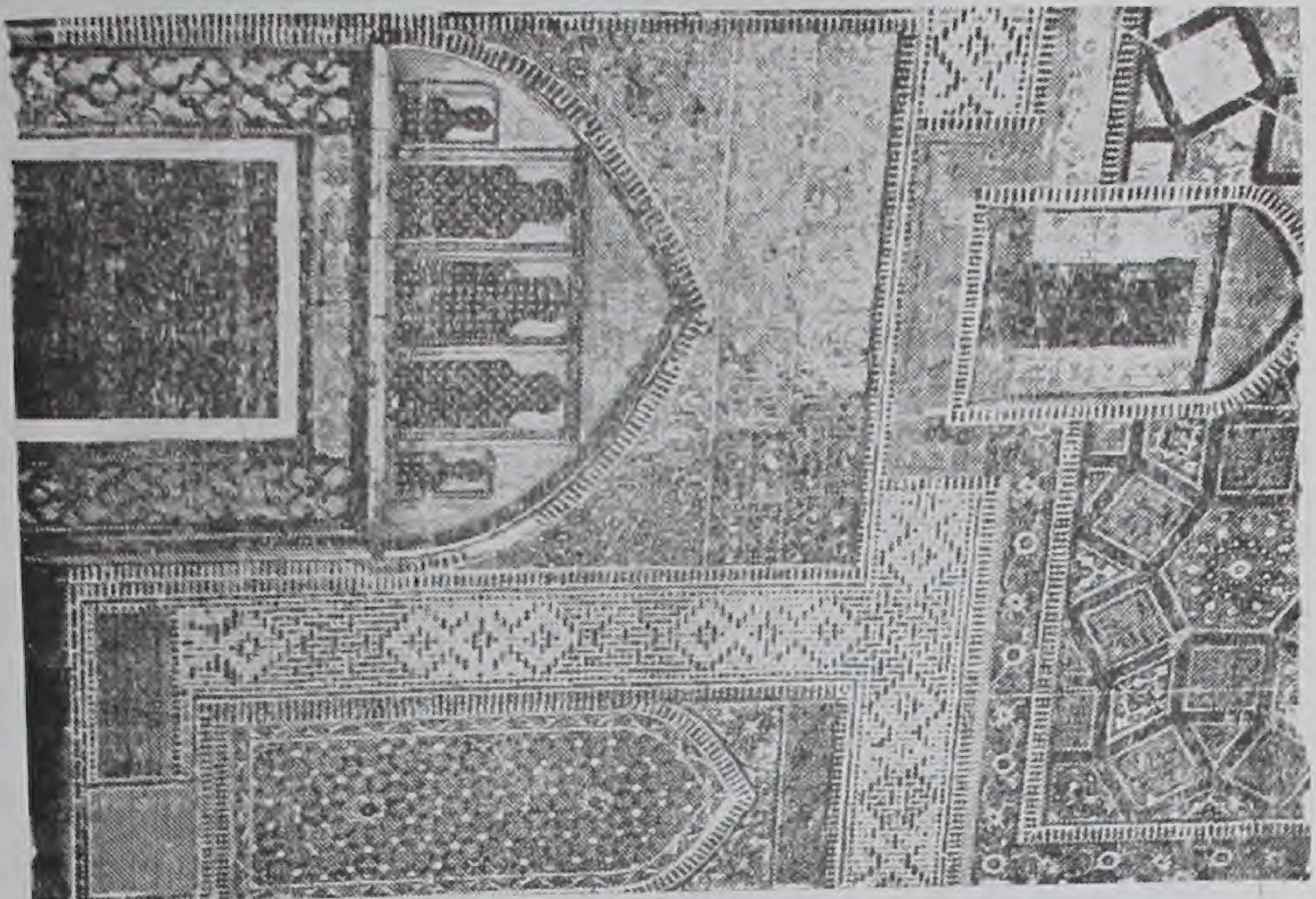
علمای اسلام بدین حقایق واقف شده‌اند ولذا دراخبار ازپوشیدن لباس سرخ رنك منع نموده‌اند وازرنك سبزبسیارمدح کرده‌اند ـ ورنك سیاه را درکفش منع نمود . رنك زرد را نمونه غصب ورنك سفید رانمونه تسلیم وصلح وسلامت شناخته ومعرفی کرده‌اند دستورداده‌اند باآهن مسواك نکنیدوخود باچوب های الیافی خلال مینمودند ـ ظروف سفالین راقابل غذا خوردن نیست ظروف کلوائی و بندزده زیان آوراست .

---

۱ ـ مرحوم علامه آقاسیدعلی اصغر لاری رساله‌ای درباره اینکه مراد ازعلم ابدان همه علوم است و ائمه مهارتی درهمه علوم داشته‌اندو کتاب دیگر مرحوم اعتضادالاطباء درعصر ناصری نگاشته که اوهم مرادازعلم ابدان همه علوم را میداندودر کتب مستشرقین هم مسلمین را درهمه علوم ماهرشناخته وآنهارا صاحب نظر درکلیه علوم دانسته‌اند ـ منظور آنست که این فکردر دیگران هم بوده که مراد ازعلم ابدان همه علوم جهانی است وعلم ادیان هم باعلم ابدان پیوستگی کامل دارد .



ش ۲۱۶ پل تاریخی اصفهان



ش ۲۱۷ مسجد گوهرشاد



ش ۲۱۸ برج جسر بغداد

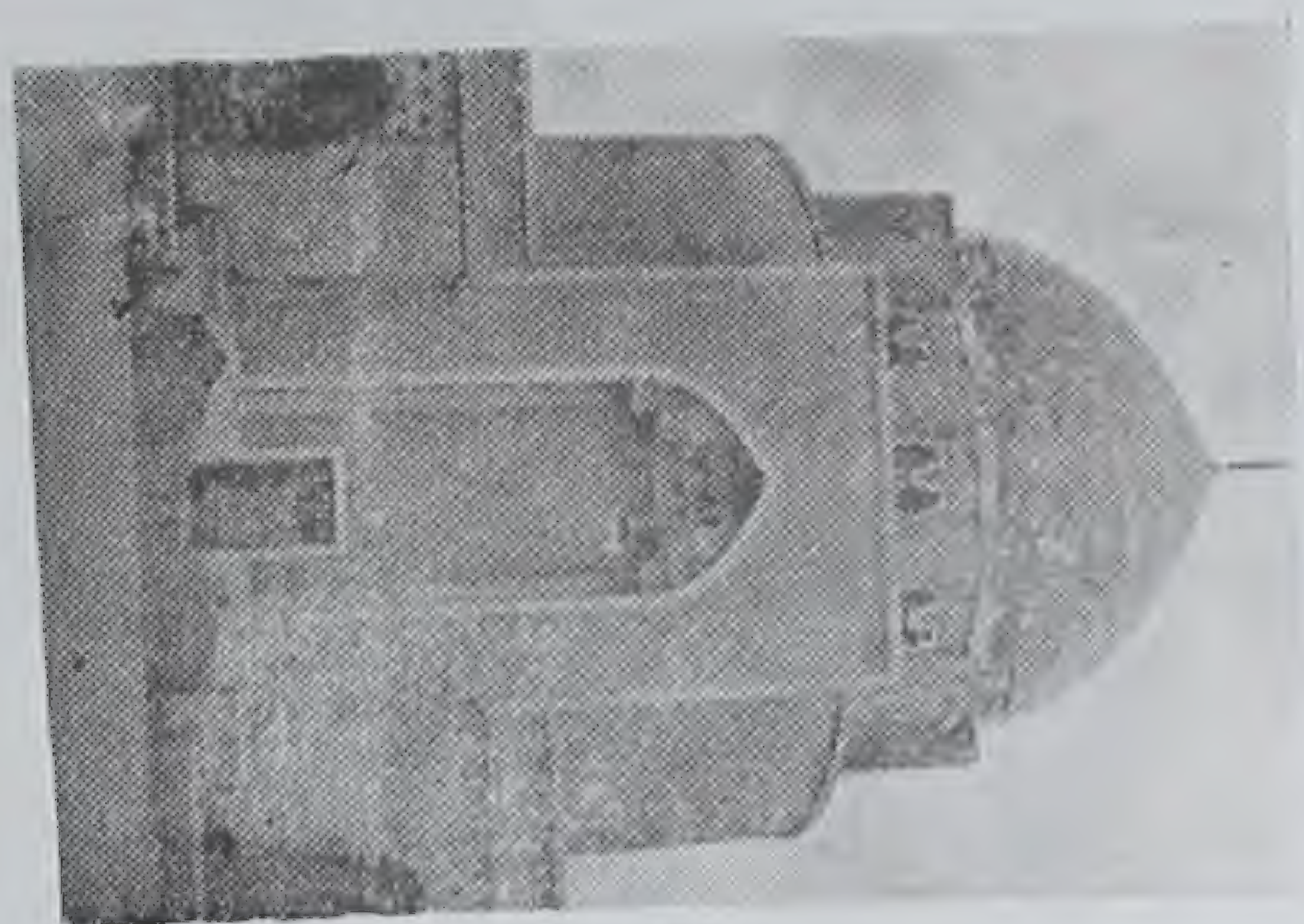


حجاج درطریق عرفات

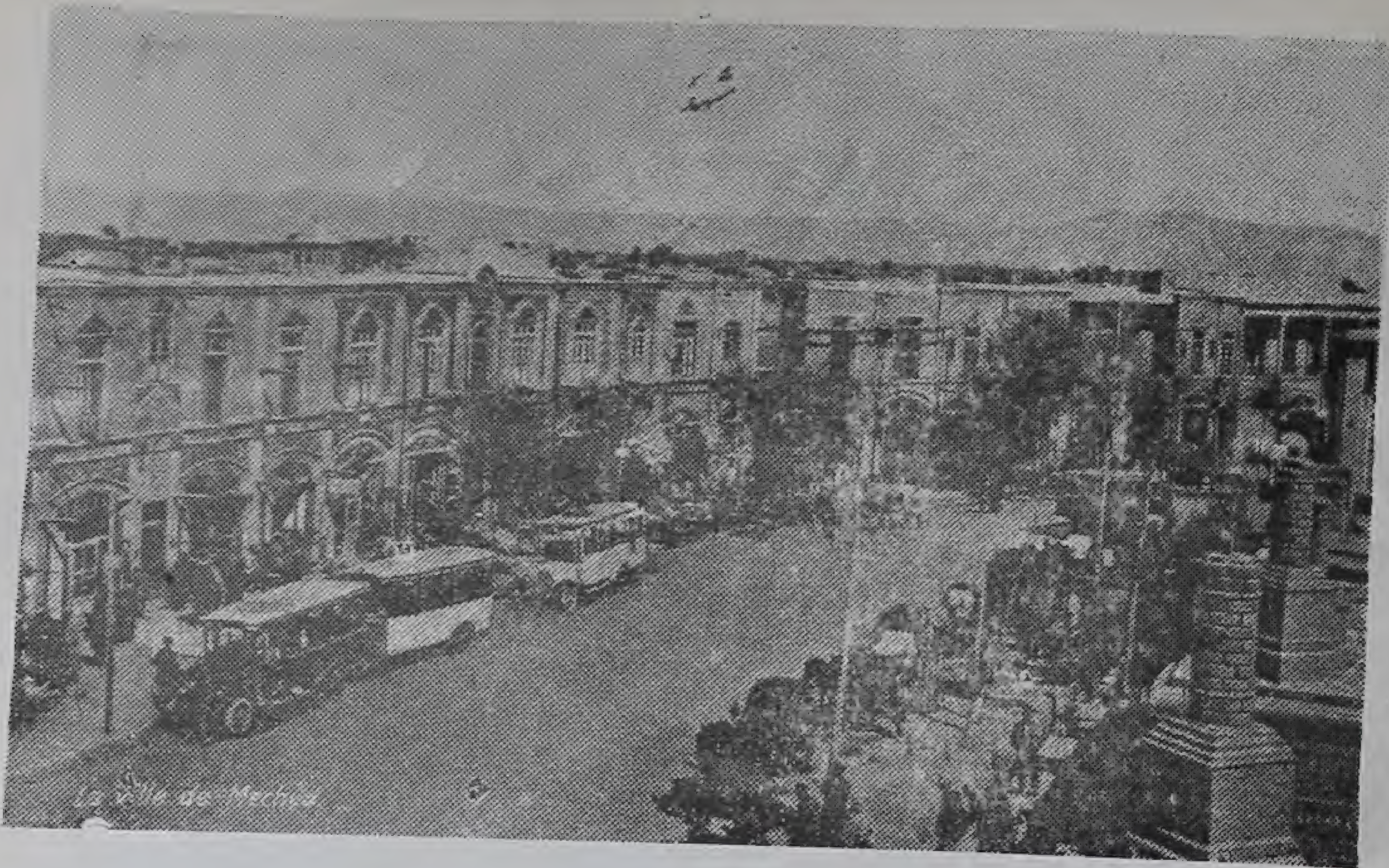
ش۲۱۹



ش ۲۲۰ مشهد



ش ۲۲۱ قبر کلینی بغداد



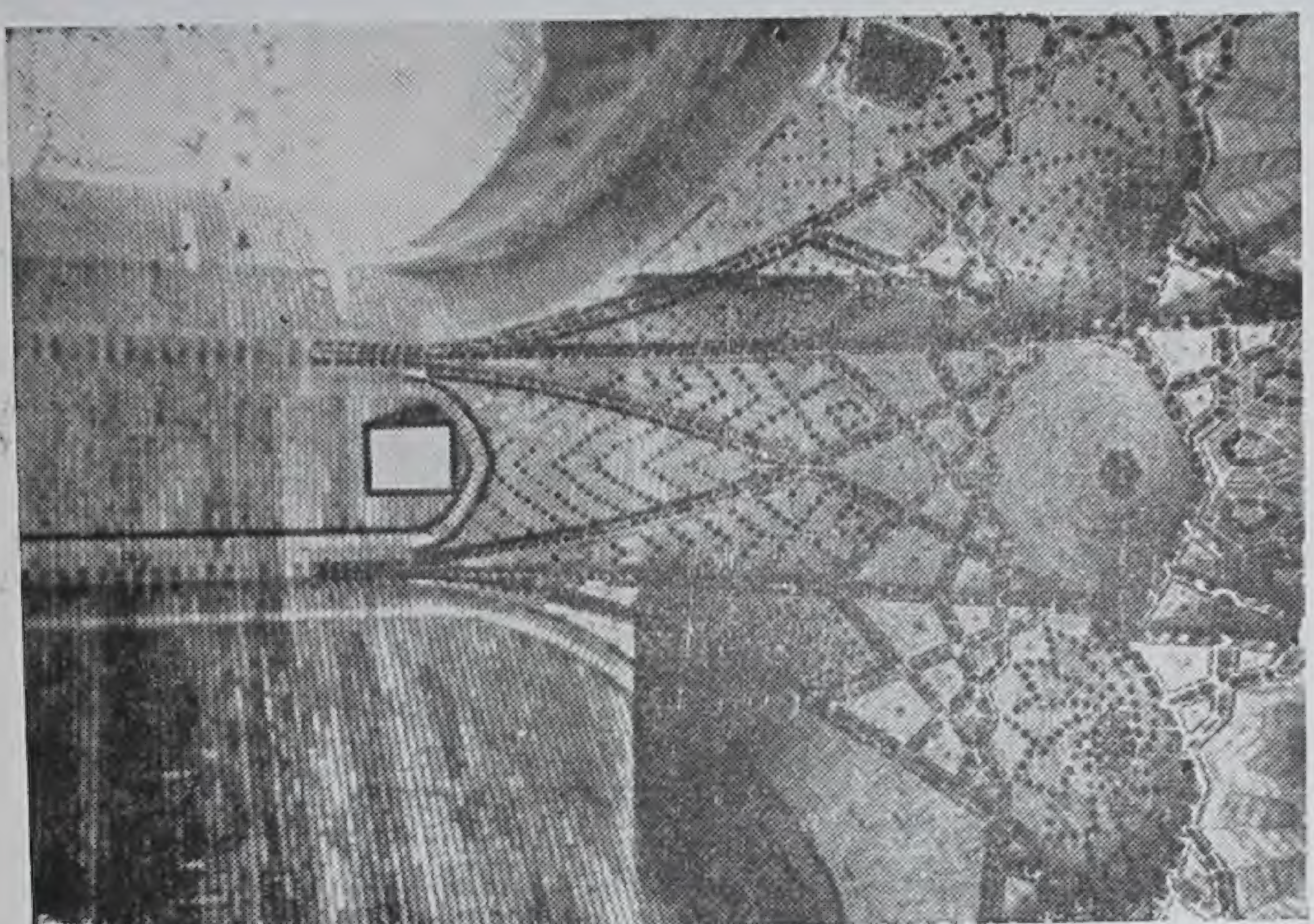
ش۲۲۲ ولکه مشهد



ش۲۲۳ قم



ش۲۲٤ مسلمین بریطانیا درحال نماز



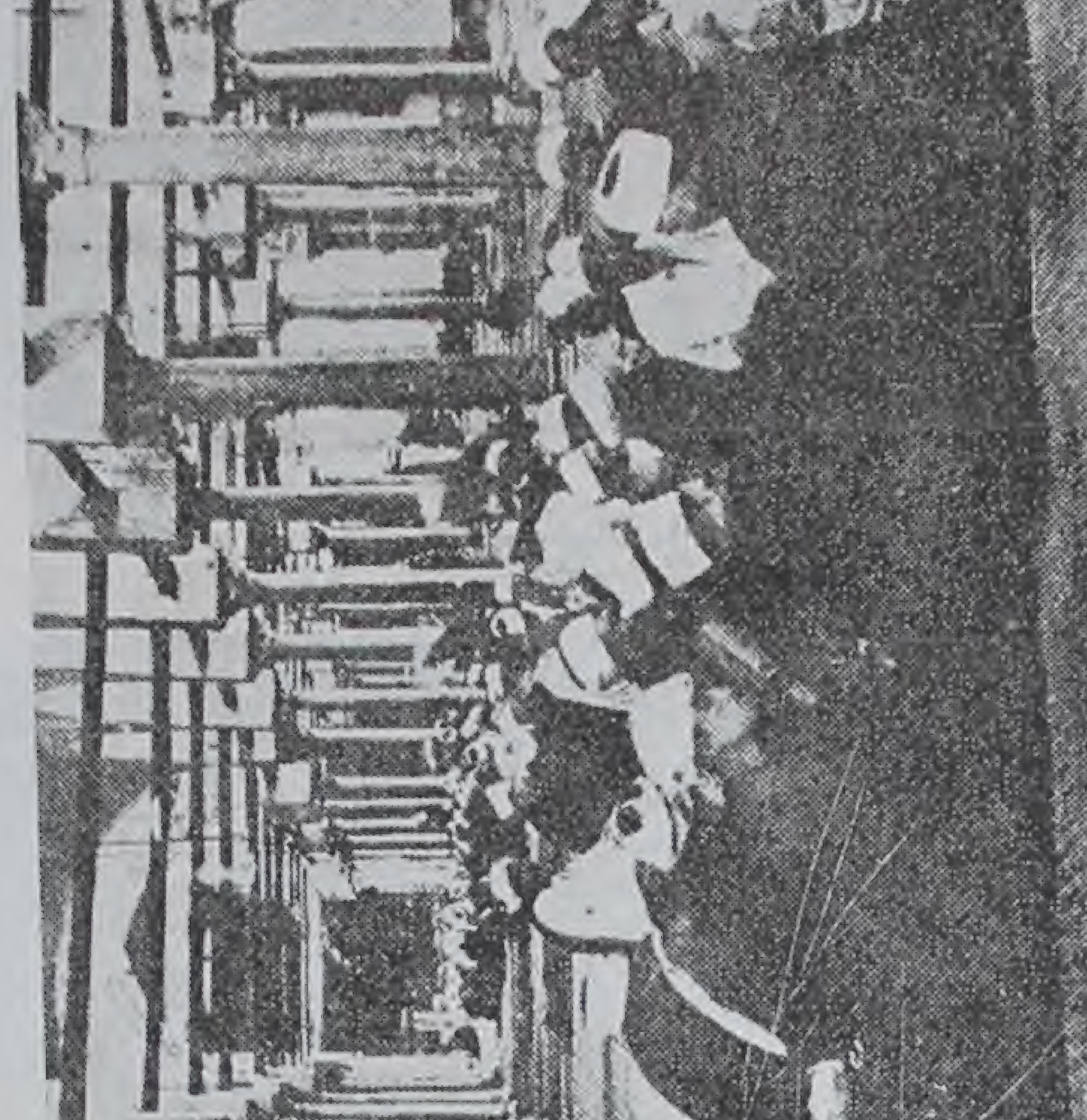
ش۲۲٥ مسجد علویان همدان



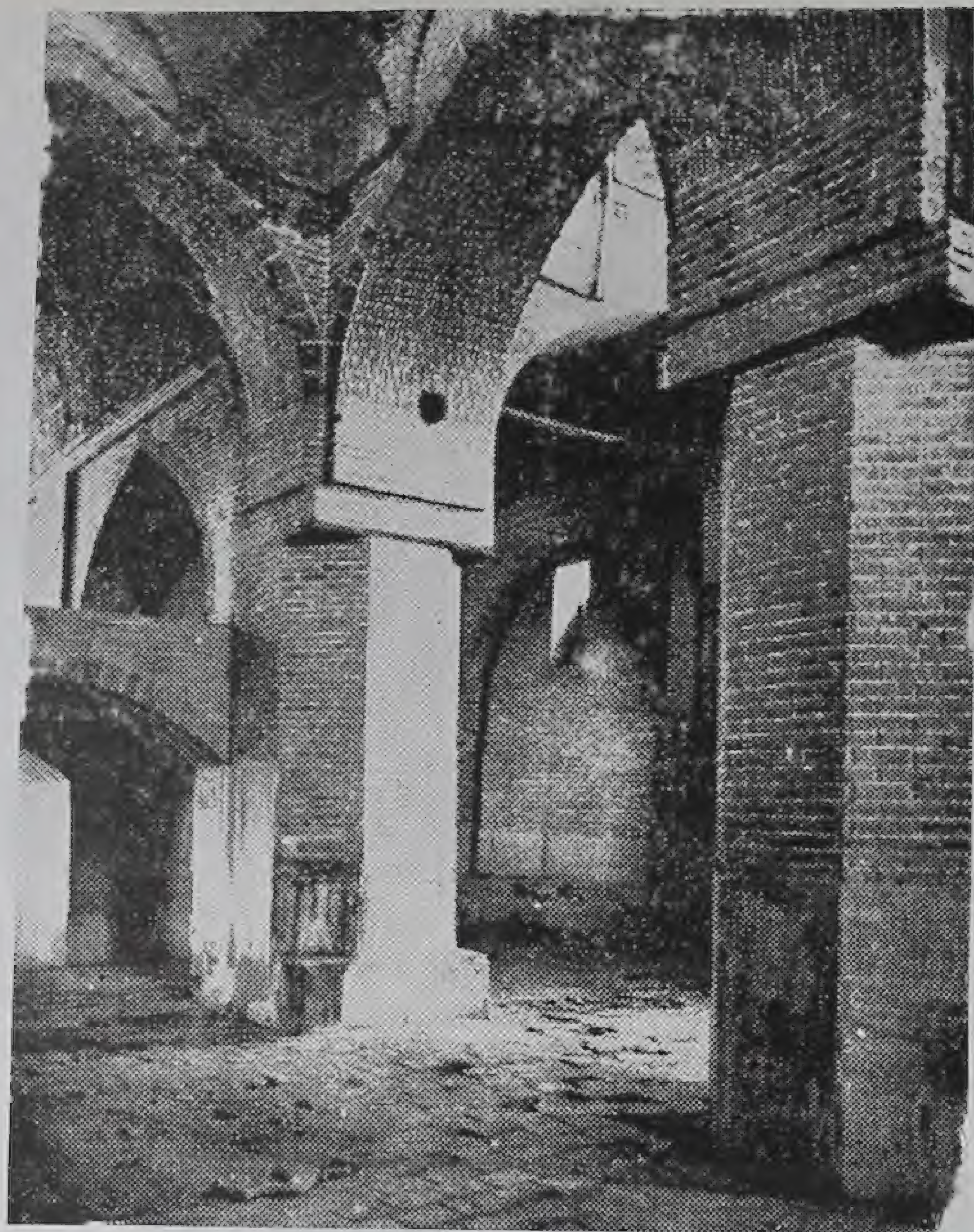
پریکران دامغان ش۲۲۶



مسجد لاهیجان ش۲۲۷



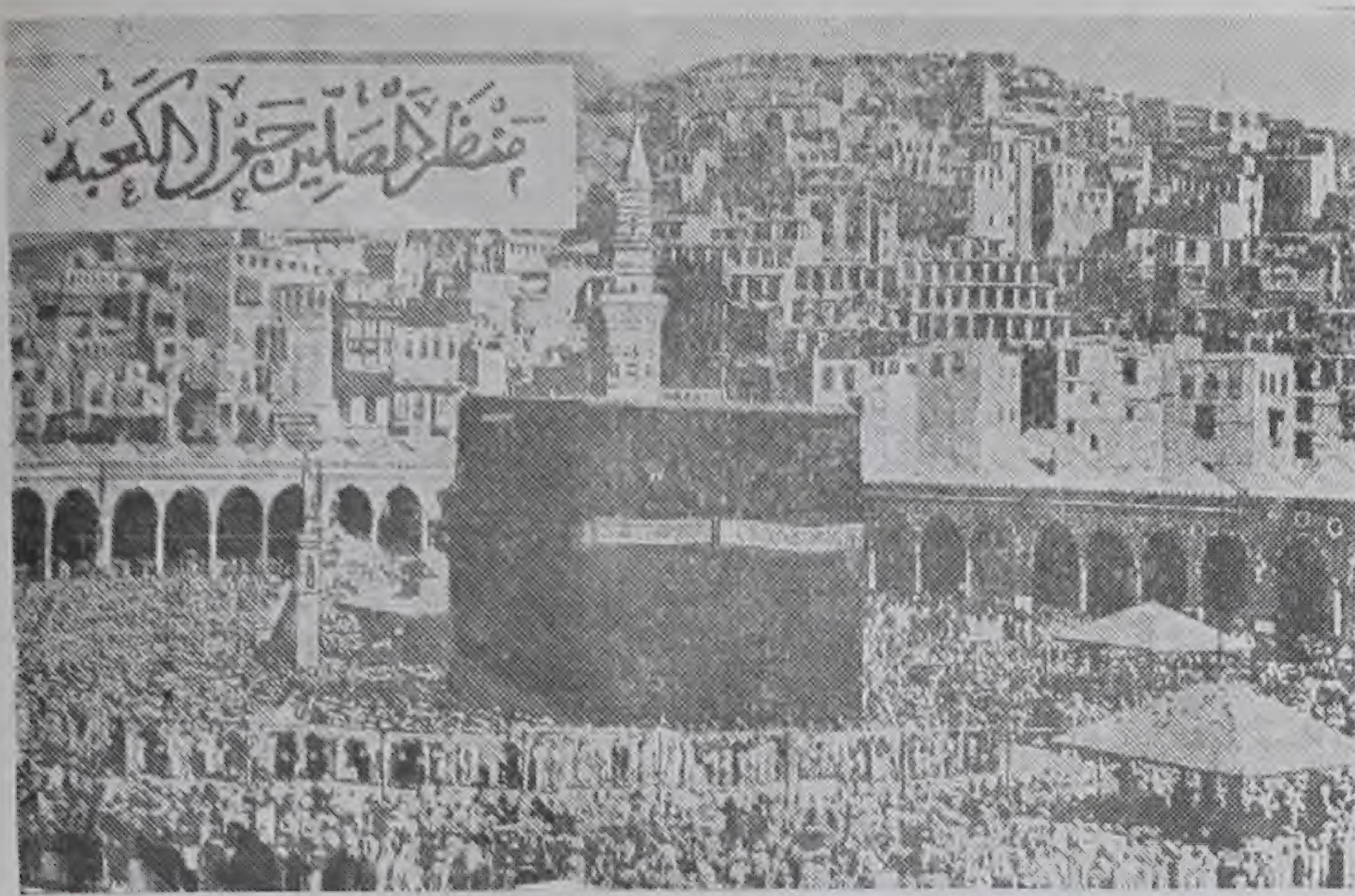
ش۲۲۷ یکی از حوزه‌های تدریس جامع الازهر



ش ٢٢٩



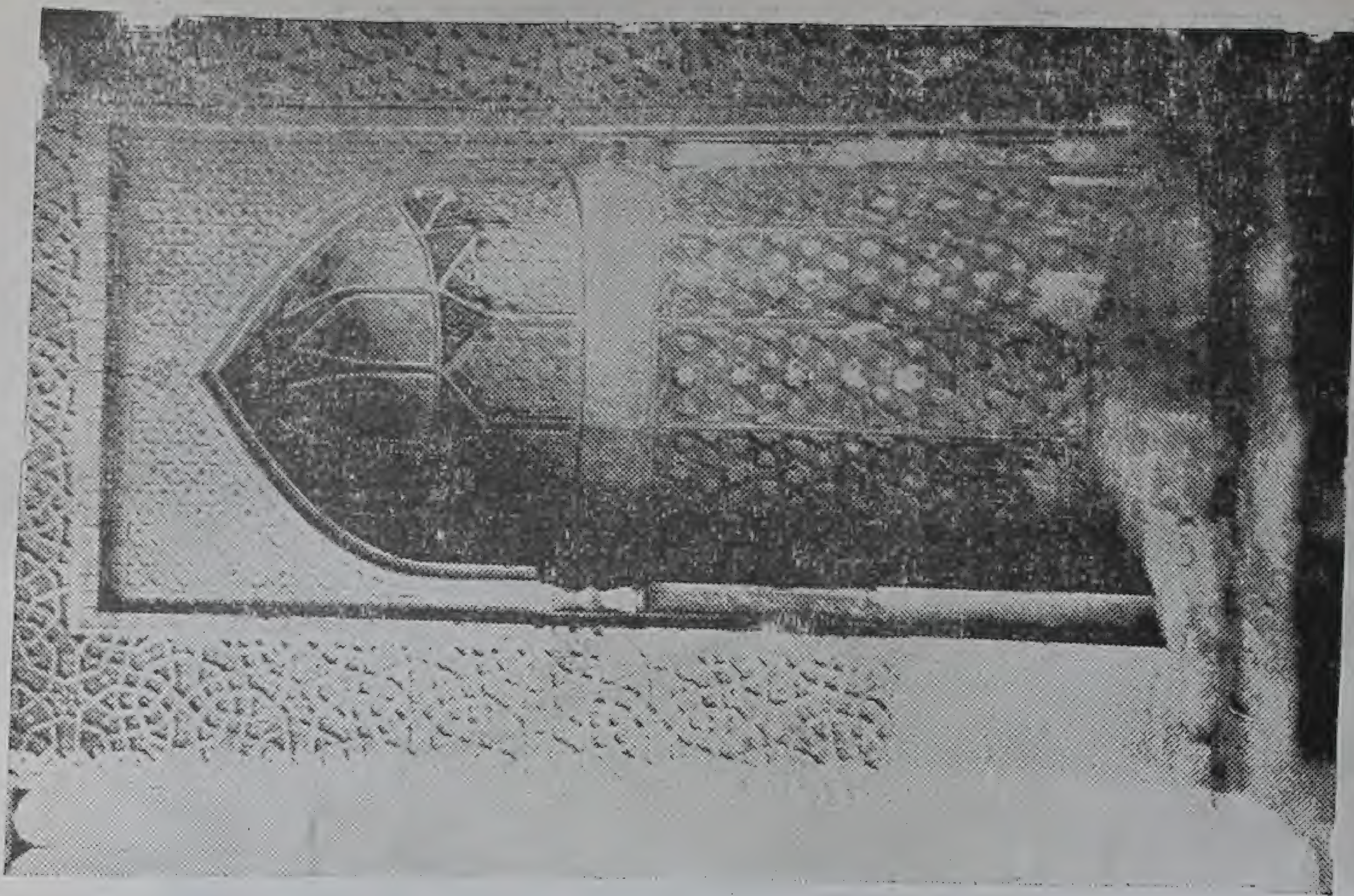
ش ٢٣٠



ش۲۳۱ مسلمین درحال نماز درمسجدالحرام



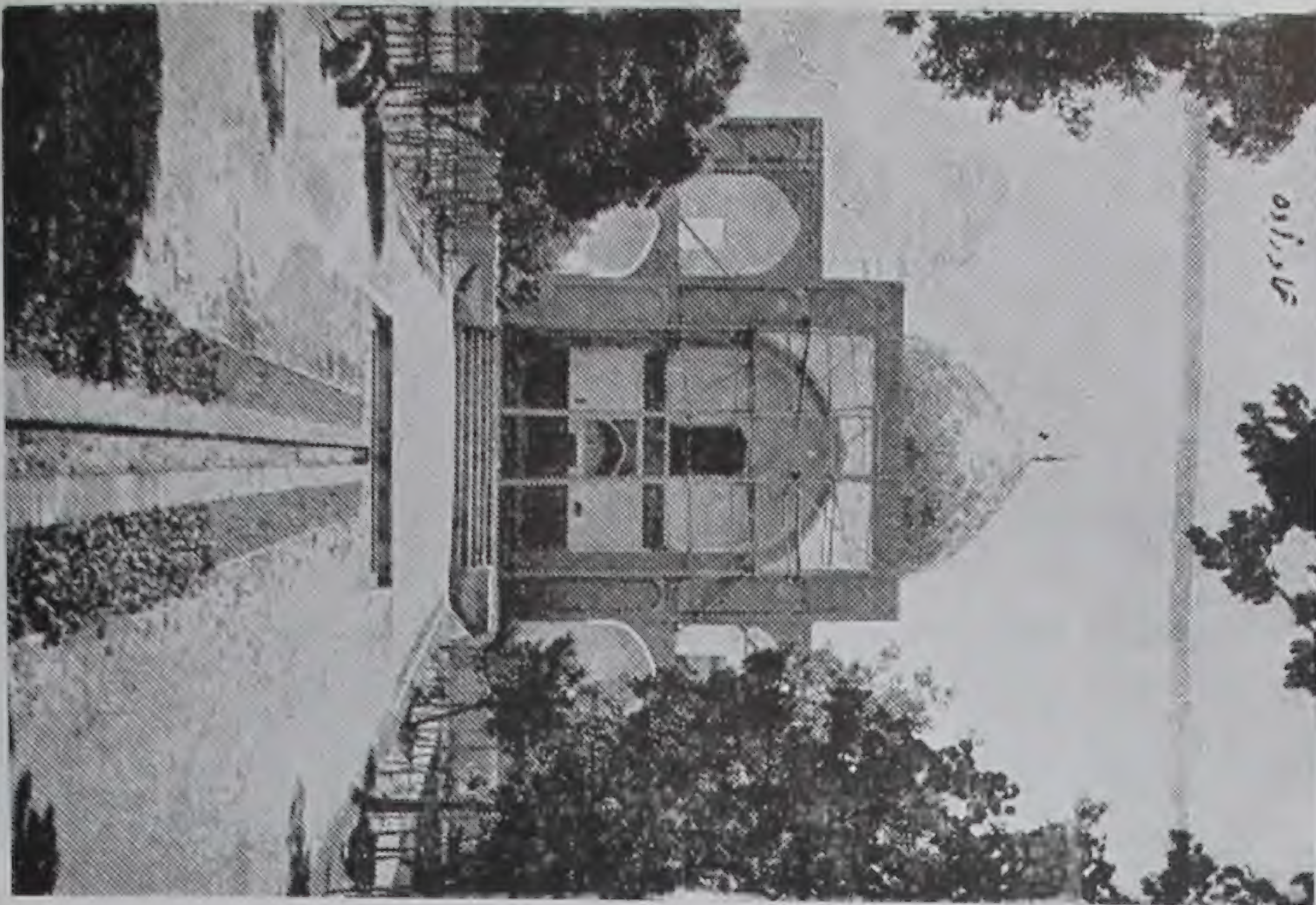
ش۲۳۲



ش۲۳۳ مسجد جامع کرمان



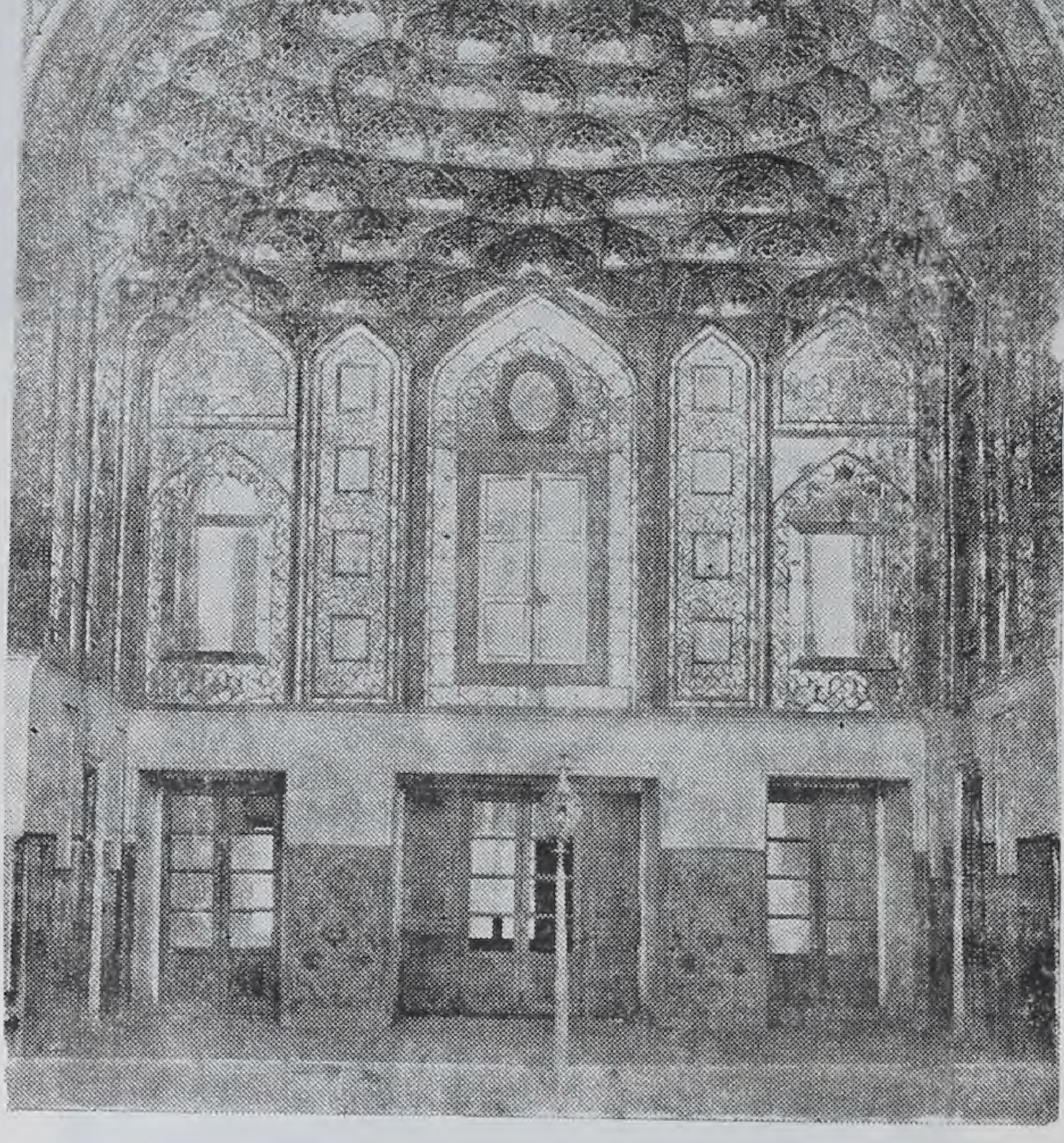
ش۲۳٤ موزه مشهد



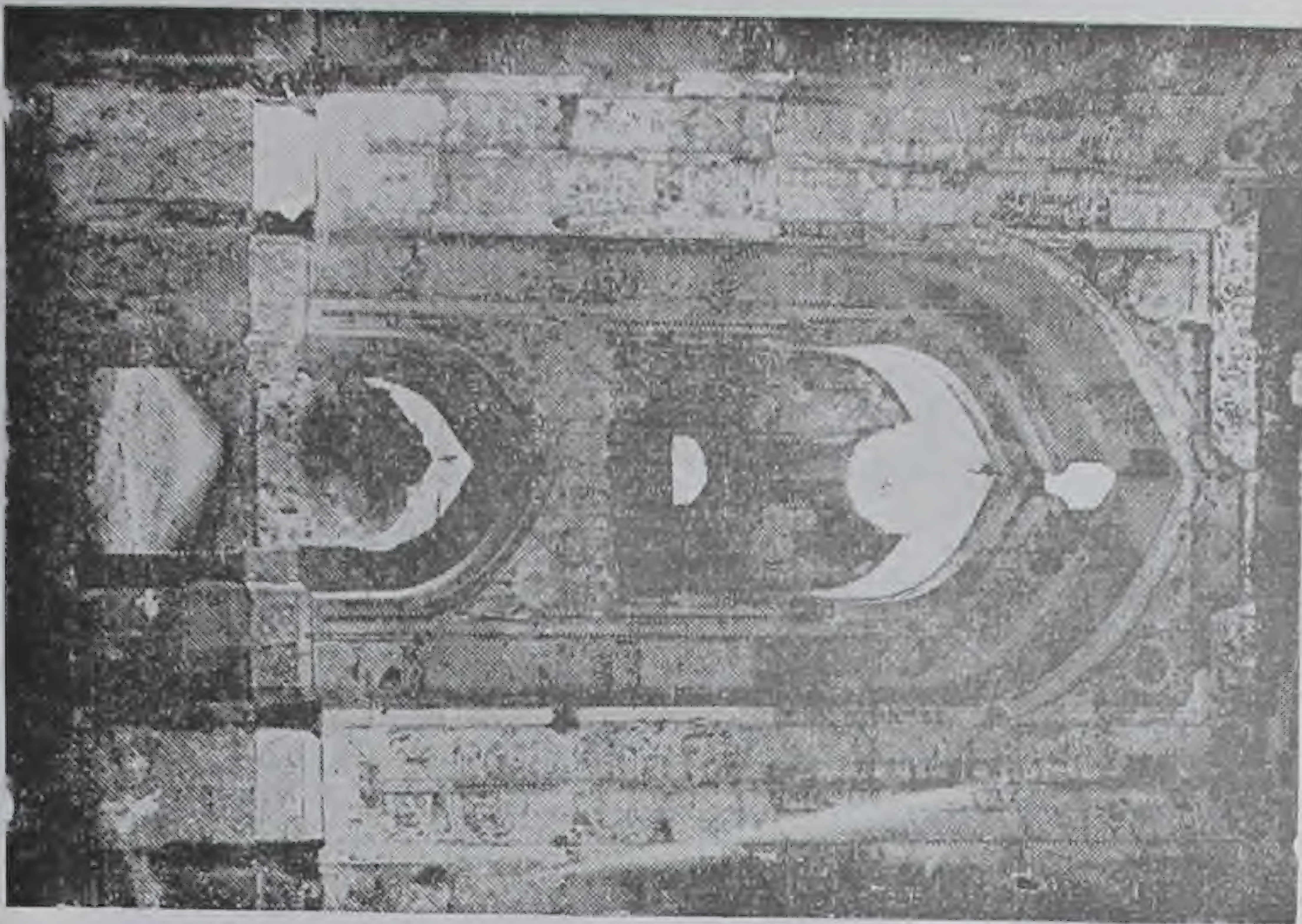
ش۲۳۵



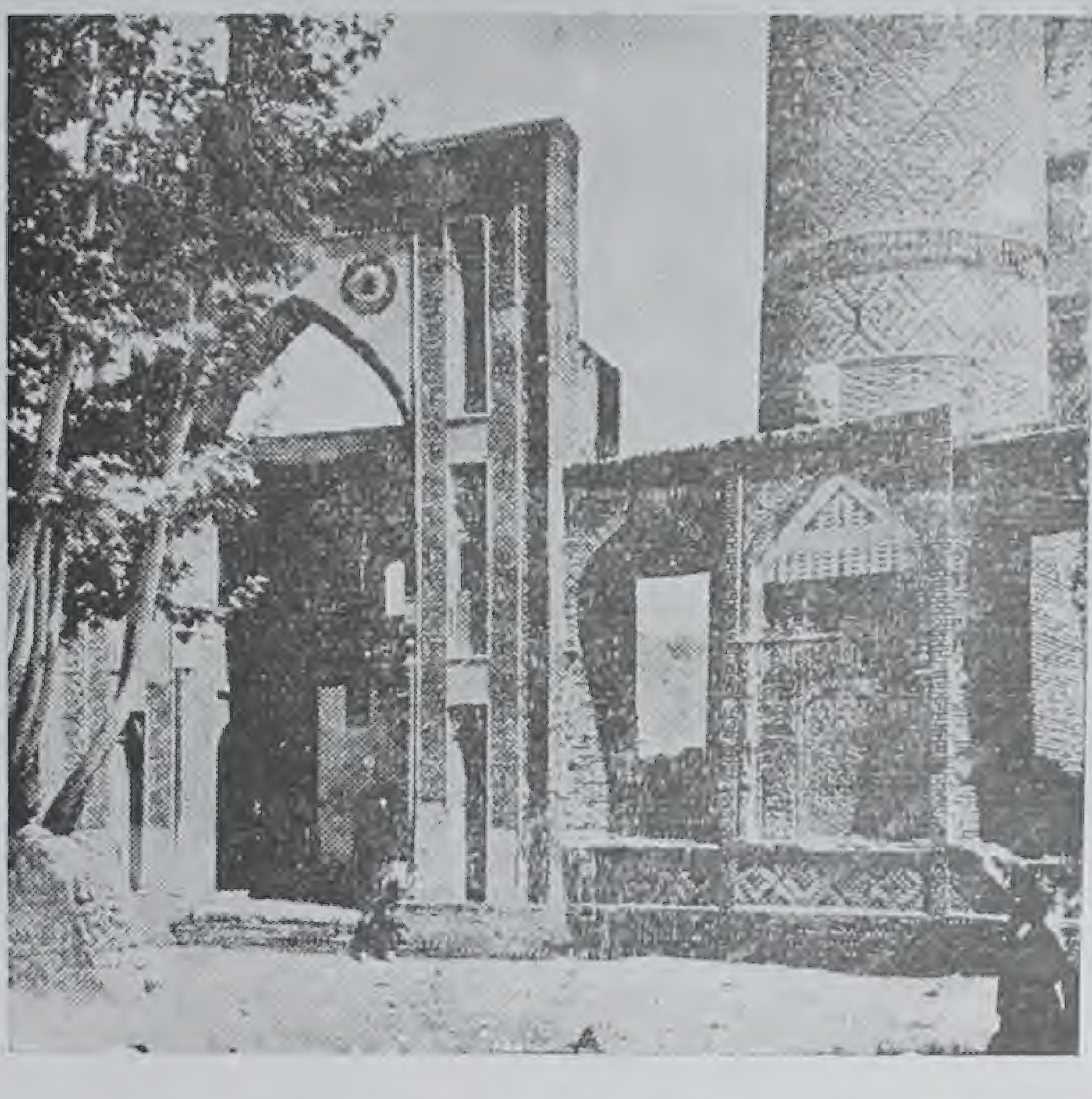
ش۲۳۶ مسجدی در گیلان



ش۲۳۷ عمارت عالی چهلستون اصفهان



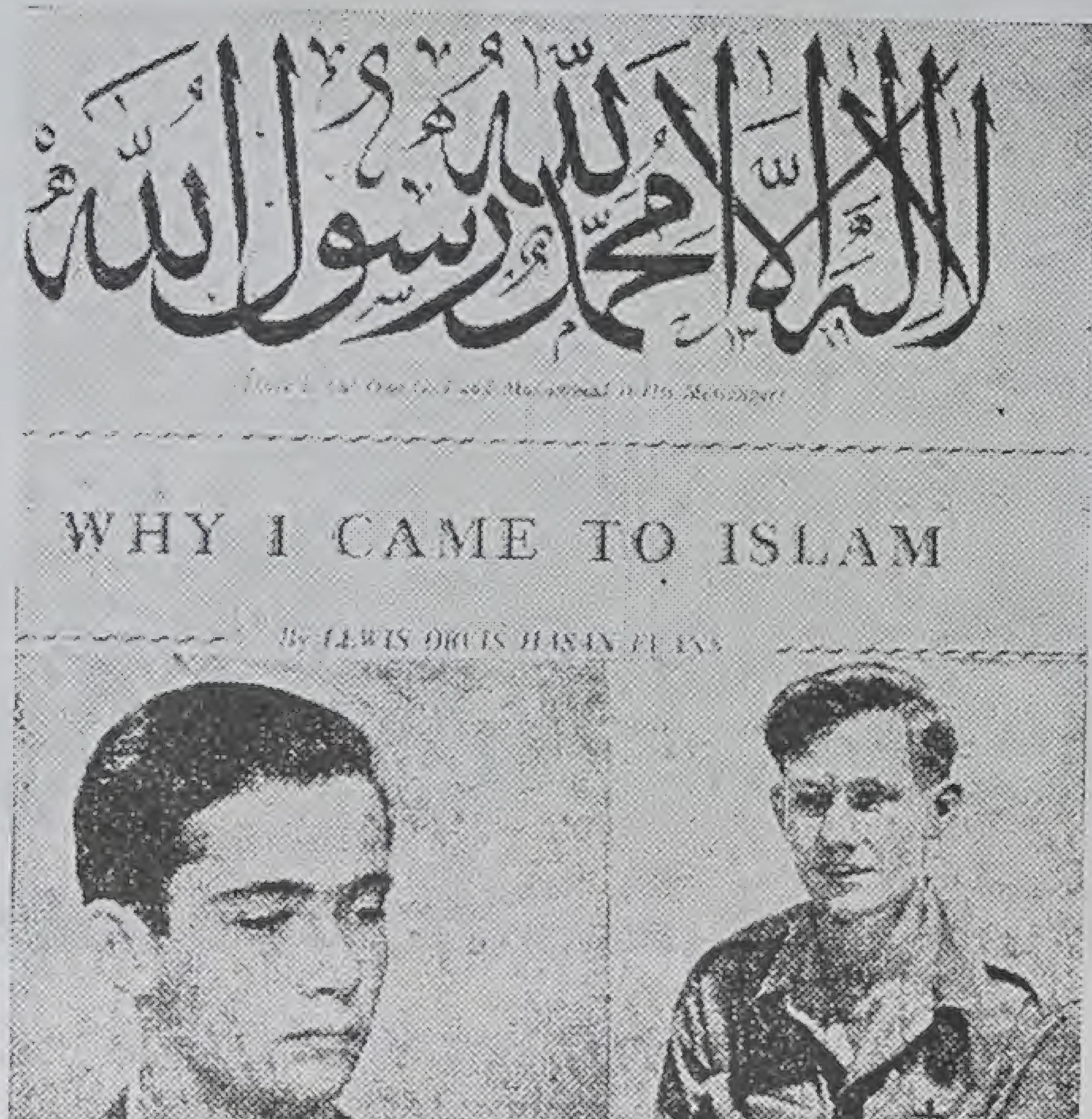
ش ۲۳۸ سلطانیه



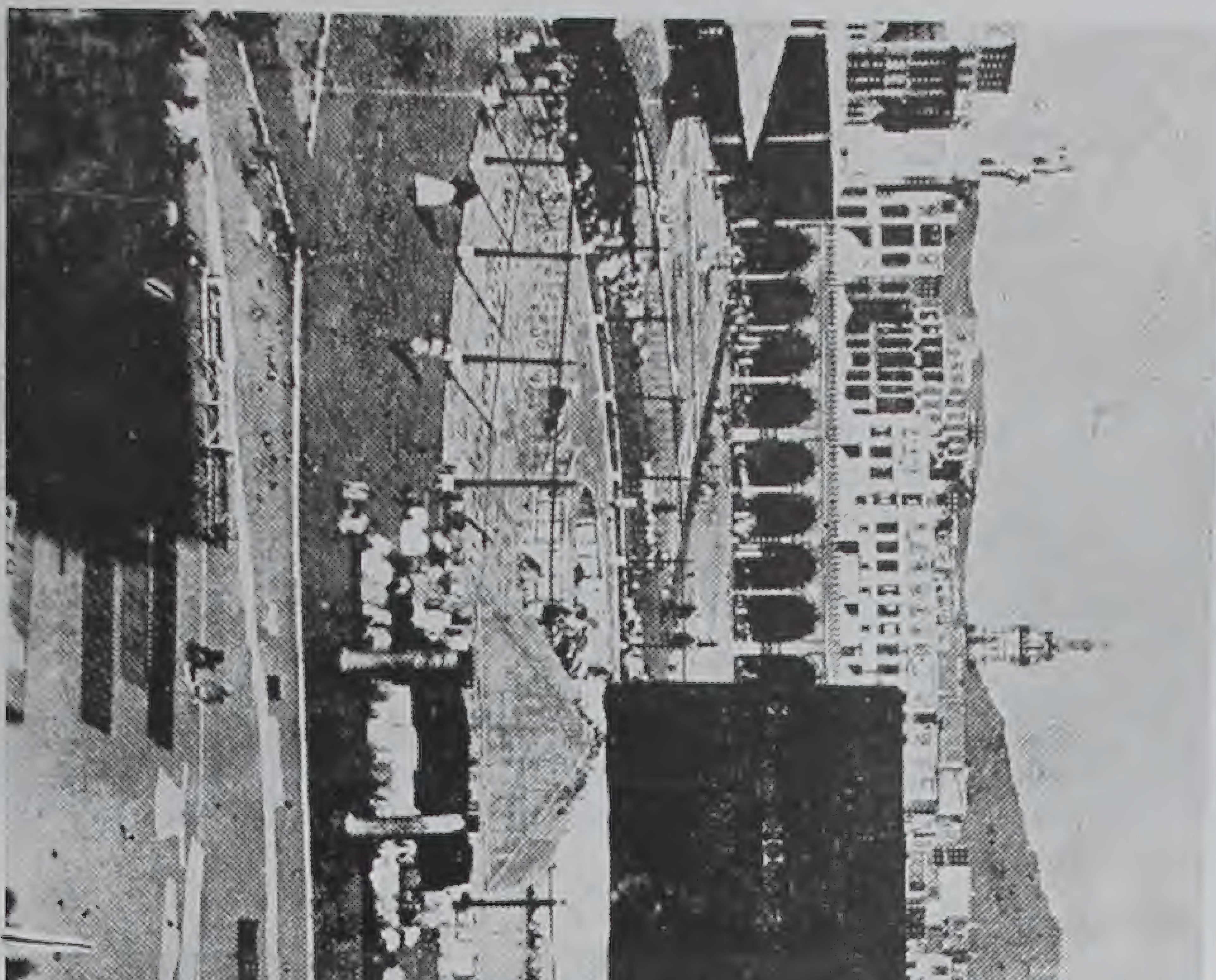
ش ۲۳۹ مسجد نطنز



ش۲٤۰ خانقاه ارقو



ش۲٤۱ چگونه یك روزنامه نویس آمریکائی مسلمان شد



ش ۲۴۲ کعبه وسط مسجدالحرام درحال طواف مردم

درعلم امام درباره شیمی روایاتی هست که ازآنجمله ازحضرت امام‌المتقین ع روایت کرده‌اند که مردی آمد پرسید شیمی چیست؟ و کیمیا کدام است وباید چگونه بدست آورد امام ع درپاسخ آن فرموده .

انه من الزيبق الرجراج و الاسرب و الزاج والحديد المزعفر زنجار النحاس الاخضر فاجعلوا ابعض ارصاء واجعلوا البعض ماء وافلجوا الارض بالماء

امیرالمومنین ع دراین دستورچند فلزرا باخواص آن بیان فرمود که امروزه درفن تلفن‌وتلگراف وسایرفلزات بکاربرده شده وتعلیمات حضرت امام جعفر صادق ع بجابربن حیان هم ازهمین بیان تعلیم میکرد واوبود که گفت استادم امام جعفرصادق پانصدعلم بمن آموخت که درهزار ورق نوشته ؟!! و روی آن مبانی اکتشافاتی کرد ونادش افتخارعالم علم‌است .

درکتاب خریدة‌العجایب سراج‌الدین ابی‌حفص عمرابن‌وردی درباب جبال مینویسد :

جامعه سال ۱۳۱۵ قمری

جبال سبلان بقرب مدینه اردبیل آذربایجان **و هو من اعلى جبال الدنيا قال رسول الله ص من قرأ فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون و كذلك تخرجون كتب الله له من الحسنات بعدد كل ورقة ثلج تقع على جبل سبلان قيل و ما سبلان يا رسول الله قال ص جبل بارمنيه آذربايجان عليه عين من عيون الجنه وفيه قبر من قبور الانبياء ص۱۲۳**

مسلم‌است که پیغمبر بآذربایجان وسبلان نیامده بود ولی ازعلوم الهام ووحی وضع جغرافیای تاریخی ومحصولات آنجا وآب گوارا وقبر یکی‌ازانبیارا خبرداده وازاین معجزات درکلمات خاتم - النبیین ص زیاد دیده میشود .

مهارت امام درعلم‌طب وگیاه‌شناسی

ائمه دین ما باسرار وحقایق وخواص وآثار نباتات وجمادات و حیوانات ونفوس ناطقه انسانیت کاملا واقف وآگاه بودند واین علوم رادرضمن پاسخ مسائل یاطریقیت تهذیب نفس میآموختند چنانکه گفته‌اند:

من لم يعرف التشريح والهيئه فهو عنين في معرفة الله

من لم يعرف الطب والهيئه لم يعرف الله

کتاب طب‌النبی وطب‌الرضا واهلیلجه امام جعفر صادق واخبار و علل امراض ابوعلی درقانون وغیره نیروی امام‌را دروقوف بعلم‌طب وگیاه‌شناسی و حیوان شناسی نشان میدهد خردمندان عالم‌از کلمات آنها موفق باختراع‌واکتشاف بسیارشده‌اند.

چنانکه پاستور گفت میکرب شناسی رامن ازکلمات علی‌بن الحسین امام شیعیان فراگرفتم که فرمود واشرج میاههم بالوبا واطعمتهم بالدواء

ودرباره میکرب سفلیس وسوزاك وخوره وجذام و امراض مقاربتی حضرت امام موسی کاظم ع می‌فرماید پرهیز کنید ازآبی که دیگران درآن رفته وحال آنها برای‌شما مشکوك است ومنع فرمود از غسل درآب عمومی که همه درآن میرود .

وحضرت علی‌بن‌الحسین ع میفرماید **قال من اغتسل من الماء الذي اغتسل منه فاصابه الجذام فلايلومن الانفسه.**

یعنی هر کس درآب خزینه حمام عمومی غسل کند ومبتلا بجذام - خوره گردد نباید کسی‌را ملامت کند بلکه خودش راسرزنش کند که چنین عملی‌را نمود.

دراین خبردوسه موضوع‌معلوم میگردد یکی‌آنکه خزانه‌های عمومی برای استفاده ومنبع آب گرم عمومی‌بود نه برای آنکه هر کس درآن فرو رود ولذا در حمام های صدراسلام چندین حوضچهٔ کوچك بود که هر کس برای استفاده خود از خزانه بزرك آب برمیداشته وبوسیله مجاری جداگانه آب درآن حوضچه‌ها میریخته است که مورد شستشو وغسل افرادبود.

موضوع دیگر اینکه دولتهای استعماری مردم مسلمان رادرفقر نگاه داشتند وآنهارا باین‌وضع نامطلوب که ازآنجمله تریاك کشیدن وسیگار وتنباکو وغیره بود وخزانه های آبهای آلوده وآنگاه اینکار های ناپسند رانسبت بمسلمین دادند.

درحالی که اسلام ازاین آلودگیها منزه است و تعلیمات ائمه‌ما دستمال مشترك - حوله حمام مشترك آب‌استعمال مشترك رامنع کرده‌اند.

دوستی میگفت در حمام های سابق برای تنویر رفتم پس‌از فیصله‌عمل لنك‌من باالنك همسایه آن جااشتباه شد وچون اوآلوده بمیکرب سفلیس‌بود وهمینکه نوره‌محلی‌رازخم کرده‌وازآن‌میکربی‌تصادم نمود اورا مبتلا کرد وبدین‌قصد فرموده تاوارد شدید بحمام ازآن آبی که میخواهید استحمام کنید قطرهٔ ازآن بخورید که منظور امام ع این‌بود آب بقدری باید تمیز وپاك باشد که قابل خوردن باشد چه‌آبهای آلوده ناقل میکرب است وباید ازاستعمال آن‌خودداری نمود.

ائمه دین علومی رامورد بحث‌قرار میدادند که طریقیت برای تهذیب نفس‌از نظر اجرای احکام شریعت‌دارد مثلاآب وبهداشت وطهارت لباس وزمین شناسی برای نماز و عدم غصبیت بـرای مسکن وجغرافیا وجهات شناسی برای قبله‌شناسی وحلال وحرام اغذیه ازراه نبات شناسی و حیوان شناسی وحتی صیدماهی وانواع حلال وحرام آنها وتاآنجا که عقودوایقاعات وقواعداجتماعی و احکام حدود ودیات‌رابرای حفظ وانتظام اجتماعی بیان‌وتعلیم فرموده‌اند که اگر دوره فقه‌کامل و کتاب وسایل - الشیعه شیخ حر عاملی کـه اخبار مربوطه بفقه جعفریست بخوانید این حقایق بـرای خواننده ثابت میگردد .

مهارت امام ع در اوضاع علویات وسفلیات وحرکات ماه‌وخورشید وزمین وسایر منظومه ها

چنانچه بیان شد تمدن کنونی دنیـا مظاهر خود را از ملل غربی واروپائی یامسیحی گرفته وآنها ریشه تمدن را ازاسلام گرفته‌اند که در جنك های صلیبی ممالك اسلامی راه یافتند .

ملل اروپائی تـا ۳۵۰ سال قبل نامی از حرکت زمین نبرده‌اند ودراین موضوع از اسلام بی‌خبر بودند که مسلمین در علوم علوی واقمار ومنظومه‌ها چگونه واقف بودند.

حضرت امیرالمؤمنین‌ع درحرکت زمین فرمود :

وعدل حرکاتها بالراسیات من جلامیدها .

یعنی تعدیل وموزون نمود میان حرکت های گوناگون زمین بوسیله کوههای محکم بنیان که ازجنس سنگها ساخته شده‌است.

کتاب طبی النبی - طب الرضا - کتاب اطعمه و اشربـه - کتاب اهلیلجه امام جعفر صادق ع - کتاب قانون بوعلی. و غیره

ازاین عبارت کشف میشود زمین دارای حرکات متعدد بوده و هست و منحصر بیك حرکت نیست چنانکه اخیراً علمای افلاك هشت نوع حرکت برزمین اثبات کرده‌اند.

امام ع دریکی از سخنرانیهای دیگر خود در نهج‌البلاغه بافتخار شیعیان بافی چنین میفرماید

والجو المکفوف الذی جعلته مغضیاً للیل و النهار و مجری للشمس و القمر و مختلفاً للنجوم والسیارات.

یعنی آن جوهر لطیف بی‌وزن محفوظ ازریزش رامحل فروبردن روز وشب یعنی نور وظلمت و میدان‌جریان وسیرخورشید وماه ومحل آمدورفت ستارگان وسیاره قرار داد این کلام بـزرك دلیل صریح بچهار کشف مهم ازاکتشافات عصرحاضر میباشد.

۱ ـ وجود جوهر سیال که مـادةالمواد وحامل نور و محل گردش سیارات میباشد ونام های مختلف دارد کـه در اصطلاح اروپا اتر ودر عرب اثیر وجومکفوف یاماء مکفوف ـ بحر مکفوف ـ موج مکفوف ودخان میباشد.

۲ ـ دربرگرفتن اثیراست که مقداری ازنورنیرین وسـایر کواکب رادرشب و روز میکرد واز کلمه‌مغضیاً للیل‌والنهار استفاده میشود،

۳ ـ حرکت شمس بخط افقی بسمت ستاره ویکا ـ «نسرواقع»

٤ ـ حرکت قمربطرف همان ستاره منبع منظومه‌شمس است.

مهارت امام در علم و طالع شناسی

یکی‌از علوم مورد توجه بزرگان بشر علم نجوم و هیئت وطالع شناسی است که اطلاع برآفرینش آسمانها و زمین وکواکب و انجم وستارگان ووقوف برحرکات منظم آنها و برخورد تصوری اقمار وافلاك است.

موضوع این علم چون درعالم بالا ودر حرکت منظومه شمسی عالم است تصور واحساس آن بصری وفقط ازفضاست.

و لذا مردان آسمانی بهتر از مردان خاکی باین علوم واقف و آگاه میباشند ـ خاصه کسانی که خداوند آنها را درمکتب ربوبی تربیت کرده و مشعلدار هدایت نمود و نقشه عالم رازیر نظرآن گذاشته وخوب ازمنظومه های‌شمسی وعنصر و جودی آنها اطلاع دارند وبهمین جهات بود که امیرالمؤمنین‌ع فرمود- ازراه آسمانها ازمن پرسید که داناترم بزمین.

سعیدبن جبیر میگوید موقعی که علی‌ع بعزم‌جنك نهروان ودفاع ازخوارج حرکت فرمود یك نفرطالع شناس‌از اهل‌مدائن برسر جسرنهروان جلومرکب آنحضرت را گرفت عرض کرد امروز برای عزیمت جنك موقع بسیار خطرناك است زیرا وقت مقارنه نیرین بازحل است ودر نهایت درجه نحوست میباشد.

حضرت امیرالمؤمنین‌ع براو تبسمی کرده وچندمسئله نحس‌وسعد ازمواقع نجوم ازاو پرسید درپاسخ درماند وعاجز ومتحیرشد ونیز چندحادثه ازحوادث مهمه جهان که درشب گذشته درکشور های دور دست اتفاق افتـاد از او سئوال فرمود که آیااز آنحوادث چیزی در استخراج خود ظاهر نموده‌ای عرض کردخیر؟!

امام‌ع فرمودکه علم‌تو خیلی‌ناقص است و نسبت بعلم من ناچیز است اینك من هم‌باین قسمت

خط ناك حركت ميكنم تو مترصد باش كه ما بافتح و فيروزى بخواست خداوند مراجعت خواهيم كرد وصدق فرمايش او معلوم گرديد.

اخبار مفصل كتاب بحارالانوار در جلد ١٤ «السماء العالم» بهترين معرف علم امام در فلكيات است.

مهارت امام در علم هيئت وجغرافيا

هدف اصلى اسلام توحيد است و توحيد مستلزم اطاعت و عبادت است وعبادت جهت ميخواهد كه آن كعبه است و كعبه اول بنائى است كه آدم ابوالبشر اولين پيغمبر مبعوث بنانموده ودانستن كعبه مستلزم علم جغرافيا وهيئت وهندسه است.

كعبه منبع يك سلسله اخبار تاريخى است كه شناختن آن مبنى بردانستن علوم وفنون مختلفى است وبرهر مسلمان واجب است كه آنعمومرا بداند وكعبه‌را باجهت جغرافيائى وهيئت وهندسه آن بشناسد وبسوى آن عبادت كند.

قبله‌شناسى وشرايط اداء وظيفه حج مستلزم دانستن احكام حلال وحرام وصيد وذبيحه‌وحيوان شناسى وغيره است.

بانسبت آب وهوا و مناطق جغرافيا وغيره از نظر هيئت و جغرافيائى حضرت اميرالمؤمنين ع باهالى بصره فرمود:

ارضكم قريبة من الماء بعيدة من السماء يعنى زمين شما بآب نزديك واز آسمان دور است كه علماى علم‌هيئت درصدور پيشگاه اين كلام بزرك سر تعظيم‌وتكريم فرودآورده واز روى قواعد هيئت وموازين رصد تصديق كرده وتشخيص داده‌اند كه پست‌ترين مواضع زمين بصره است كه از دايره معدل‌النهار زمين «ابله» كه پست‌ترين قصبه در نواحى بصره است ابن ابى‌الحديد در شرح نهج‌البلاغه درذيل خطبه مزبور ميگويد:

اما قوله ع «بعيدة من السماء» فان ارباب علم الهيئة و صناعة التنجيم يذكرون ان البعد موضع فى الارض عن السماء الابله ومعنى البعد من السماء هيئتها هو بعد تلك الارض المخصوصة عن دائرة معدل النهار والبقاع البلاد تختلف فى ذلك و قددلت الارصاد والالات النجوميه على ان البعد موضع فى المعمورة عن دائرة معدل النهار هو الابله و الابله ـ هى القصبة البصرة وهذا من خصايص اميرالمؤمنين لانه اخبر عن امر لاتعرفه العرب و لا تهتدى اليه و هو مخصوص بالمدققين من الحكماء و هذا من اسراره و عجائبه .

اين شارح چنين ميگويدكه از خصايص علمى اميرالمؤمنين ع اين بودكه بتمام اسرار و نكات علمى واقف بود ـ وحتى اشتباه علماى قبل‌وبعد بابيان علمى اميرالمؤمنين رفع گرديده است چنانچه درجلد ١٤ بحار مشروحاً بيان‌شده است.

مهارت امام درعلم حساب

يكى ازمبانى تعليمات عاليه اسلامى جلب‌توجه‌مردم بحساب‌است كه مبانى تمام علوم‌وكارهاى‌دنياوآخرت است وائمه‌دين دراين‌فن مهارتى كامل داشته كه‌درخلال اخبار فراوان ديده ميشود.

یکنفر یهودی که در علم حساب مهارتی داشته بمنظور آزمایش امیرالمومنین آمد یك مسئله‌ای پرسید آمدن یهودی مصادف شد باوقتی که امیرالمومنین پای بلند کرده دررکاب اسب گذارده میخواست سوارشود گفت یاعلی چه عددیست که تمام کسور تسعه رابروجه تمام وبدون کسردارا باشد .

حضرت بلادرنگ فرمود - **اضرب ایام اسبوعك فی ایام سنتك فماحصل فهو مقصودك**

یعنی ضرب کن ایام هفته رادرایام سال حاصل ضرب تمام کسور تسعه رادارد باین تفصیل:

$$۷×۳۶۰ = ۲۵۲۰ = \frac{۱}{۲} ۱۲۶۰ \frac{۱}{۳} ۸۴۰ \frac{۱}{۴} ۶۳۰ \frac{۱}{۵} ۵۰۴ \frac{۱}{۶} ۴۲۰ - \frac{۱}{۷} ۳۶۰ \frac{۱}{۸} ۳۱۵ - \frac{۱}{۹} - ۲۸۰ \frac{۱}{۱۰} ۲۵۲$$

وتمام این ارقام دارای کسورتسعه میباشد وکسورتسعه آن همه‌جا تمام است ،

سائل برای آزمایش گفت یاعلی نفهمیدم روشنتر بیان کن فرمود

اضرب ایام اسبوعك فی ایام سنتك باز گفت نفهمیدم فرمود اضرب شهورك فی ایام اسبوعك باردیگر گفت نفهمیدم فرمود **اضرب مخارج الکسور التی فیها صرف العین بعضها فی بعض** یعنی ضرب کن مخرج کسرهائی که در آنها صرف عین واقع شده مانند سبع - اربع - عشر دریکدیگر آنها ۲۵۲۰ میشود واین پاسخهای دندان‌شکن یهودی راباسلام آورد وآنرا مسئله رکابیه گویند ونظایر آن‌مسائل معروف بدیناریه . منبریه . رغیفیه . بئریه و غیره در مهندسی . طراحی. حفرقنوات . سطح گیری حساب‌اعداد . هندسه تعلیم شده که حدوحصر ندارد .

سائل دیگری همین سئوال را کرد امام ع فرمود «خذالارنب وجزراسه وارفع جده» ارنب خرگوش است یعنی لفظ ارنب رابگیروسرش‌را بینداز که همزه باشد باقی‌مانده که‌رنب‌است آنگاه یکمرتبه بالا ببر یعنی حروف آنرا بحساب ابجد ۲۵۱ میشود - به ۲۵۲۰ بالا ببر

مهارت امام در علم هندسه

روزی یکی‌ازاصحاب بادیگری شرط بندی کرد که وزن فیل را معین کند درمقام وفاء بعهد اقدام کرد اما نمیدانست بچه‌وسیله وزن فیل رابدست آورد تا اورا راهنمائی بحضرت‌امیرالمومنین کردند حضرت‌علی‌ع اول اورا توبیخ کرد بعلمی که قدرت برانجام آن‌نداشته چراشرط‌بندی کرده پس ازآن‌فرمود یك کشتی که حامل باربود وهنوز گنجایش بیشتری داشت کنارشط نگاهداشتند آنگاه‌فرمود مقدارفرورفتگی آنرا درآب علامت بگذارند . سپس فرمود مقداری باروزن کنند درآن بگذارند و علامت معین کنند آنگاه بارها را بیرون‌آورند وبجای آن فیل رادر کشتی‌بگذارند تاکشتی بهمان مقدار که درآب رفته معین نمایند وبابار موازنه نمایند تامقدار فیل معلوم گردد .

این عمل را سه طریق نقل کرده‌اند .

اول آنکه کشتی رابامقدارفرورفتگی آن درآب معین کنند وبعد فیل را در کشتی‌ببرند وباز علامت بگذارید وسپس بیرون‌آورده معادل آن باروزن شده بگذارند تابهمان مقدار پائین رود وزن فیل رابدست آورند .

دوم آنکه کشتی درهرحال باشد فیل رادرآن برند وبعد معادل فرورفتگی آب باروزن کرده درآن بریزند تاوزن فیل‌بدست آید.

سوم آنکه کشتی باهرمقدار بار باشد معادل آن جنس وزن کرده درآن بریزند وبعد وزن فیل را بامقدار فرورفتگی آب دراثر بار بسنجند ووزن فیل رابدست آورند .

درهرحال وزن فیل بدین تعلیم درهزاروسیصدسال پیش بمسلمین آموخته شد وباتوزین آب وزن مخصوص هرچیزی رامیتوان بدست آورد .

همین سئوال را ازامام محمدباقر ع نقل کرده‌اند همان دستوررا فرمود که کشتی راخالی کنندو فیل را درآب فروبرند وسپس جنس وزن شده درآب بریزند تابهمان مقدار فرو رفتگی برسد ـ و بدین ترتیب وزن فیل را معین فرمود وباقیاس بدان اوزان سایر اجناس رامیتوان معین کرد.

وازحضرت سجاد وفرزندانش درباره اوزان مخصوص آب وهوا و کرات وحرکت اقماردرقالب دعا تعلیماتی فرموده‌اند .

مهارت امام درعلم فیزیك

گفته شد علم فیزیك علم بخواص اجسام وفلزات است که‌ازتجزیه وترکیب آن درصنایع جهان استفاده شده ودرقرن اخیرفیزیك باعلم ریاضی مرتبط شده که بدون وقوف برياضيات وحساب وهندسه وجبرومقابله فیزیك نتیجهٔ نمی بخشد وبرای تمدن کنونی دنیا مخصوصاً این اختراعات عظیم ازفیزیك وریاضی استفاده کرده‌اند .

ائمه دین ما بشرحی که دادیم مستقیماً درس فیزیك نمیدادند ولی ازنظر نتیجه نهائی این علم تعلیماتی آموخته‌اند که مینماید درآن علم مهارتی داشته اند زیرا تا کسی علم چیزی را نداند خواص واثروفواید آنرا نمیداند .

امام ع دستورداده‌اند برای حفظ چشم نباید درنورغروب آفتاب چیزی خواند ویانوشت ودوختن ونظایرآن را ممنوع دانسته‌اند وروشنائی شب رابايد بقدرکافی وثابت تهیه کرد ودرنور گفته‌اندافراط نیست هرقدرچراغ بیشتر باشد مفیدتراست اصراف درافزونی آن نیست ومدارس رابایدروبقبله ساخت وروبآفتاب تاازنوراستفاده کنند .

این کشف علمی که درمجلات قرن اخیرملل غربی درطب وبهداشت نموده‌اند ودرباره علم فیزیك نوشته‌اند پیشوای اسلام آنرادر۱۳قرن پیش دستورداده چنانکه درکتاب مکارم الاخلاق ومکتب اسلام مفصل نوشته شده که فرمود « من احب کریمتاه لم یکتب بعدالعصر» هرکس بدیدگان خودعلاقمند است درنور کم متزلزل غروب وشب چیز ننویسد و فرمودند « لااسراف فی السراج » درنور چراغ اسراف نیست .

وهمچنین درالوان علمای فیزیك نوشته‌اند . رنك سرخ وقرمززننده است وبرای چشم بداست ورنك سبز برای چشم سودمنداست چه رنك سبزوابی رنك طبیعت است .

مهارت امام ع درعلم النفس و روانشناسی

چون وظیفه امام ع پس ازپیغمبر ارشادو هدایت مردم بکمال نفس است وکمال نفس باید در راه اجرای احکام شریعت حاصل شود ونفس موردتوجه بود تابشررا ازماهیت نفس وعلم نفس و معرفت کامل بنفس وآثارنفسانی که بروانشناسی تعبیرشده امام ع دراین وظیفه خاص تعلیماتی عالیه دارد که حدوحصر ندارد وقسمت مهم « نهج البلاغه وصحیفه سجادیه » روانشناسی راتشکیل میدهد.

موضوع نفس - ازاول موردتوجه امیرالمومنین ع بود چنانچه درحدیث بکمیل بن زیاد وعربی دیگر فرمود نفس برپنج قسمت است واقسام آنرا که درکتاب علم‌النفس شرح داده‌ایم بیان فرموده است و بیان امام ع موردتوجه بزرگترین علماء وحکماء وروانشناسان جهان گردیده است . وادله وبراهین متقن دراثبات مطلب آورده‌اند .

نفس . قلب . دماغ . روان . جان . عقل. علم. کلماتی است که درمراحل مختلفه نفسانی یاد شده ودرسیرتکامل انسانیت هروقتی نامی بآن اطلاق گردیده وائمه ماع بیش ازهرحیث درباره علم‌النفس وروانشناسی بحث کرده‌اند زیرا تربیت وتعلیم روی محورنفس بود واسلام است که مبداء تمام حواس را نفس میدانسته درحالیکه تااواخر علمای جهان گمان میکردند حواس دربدن انسانی استقلالی دارند وهنوز درکتب روانشناسی غربیها این اشتباه محسوس است درحالیکه فیلسوف اشراقی شرق ملاصدرا استدلال نموده وحاجی سبزواری گفته :

النفس فی وحدة کل القوی وفعلهافی فعلها قوانطوی

بنابراین آنچه که روانشناسان اروپا درباره استقلال عاطفه ووجدان وغیره گفته‌اند صحیح نیست بلکه مبداء تمام احساسات وادراکات نفس است وارتباط نفس باجسم وروح و روان ارتباط متصرف در شهراست وبقدری این ارتباط سریع وقویست که ازبرق وباد سریعتراست بمحض اراده اعضاء حرکت مینماید و در هرمرحــله حرکتی خواه احساس یا ادراکی باشد نامی داردکه باید درعلم‌النفس شرح آنرادید .

عربی ازحضرت امیرالمومنین ع می‌پرسد یاعلی خلقت عالم بالاچگونه است .

امام ع فرمود عالم بالادارای یك صوروا شکالی واشباحی است که ازمواد عاریه این عالم خالی است یعنی ازیك عنصری غیرازعناصرقابل فهم شمامیباشد وآن مواد دارای قوا ونیروی شگفت‌آمیز واستعداد عجیبی است که درعالم تجلی میکند واشراق مینماید ودراثر گردش منظم خودطلوع وافول میکنندو دراثر تلاقی نوری باهم ظاهرمیگردند وآثار وافعالشان روشن میگردد . وانسان که دارای نفس ناطقه است اگرآن نفس‌را تزکیه بعلم وعمل کنند بعنـاصر وافلاك وانجم وشموس واقمار وثوابت وسیارات بهترواقف میگردند وهرگاه علل وعوامل تعدیل مزاج آدمی که عالم صغیراست باعالم کبیر منطبق گرددوظیفه مشترکی بین اووعـالم کبیرخواهد بود که آن تسبیح وتحلیل و تقدیس حق‌تعالی میباشد آنگاه درباره نفس ناطقه توضیحاتی برای کمیل میدهد وتمام اعمال وافعال راناشی‌ازنفس میداند و میفرمایداگرنفس مهذب شودتمام اعمال صالحه پاداش ثواب میگیرد .

درمیان هیچیك ازاقوام وملل عالم علم‌النفس وروانشناسی بااین عمق که دراسلام موردکاوش وتحقیق وتجزیه وتحلیل قرار گرفته وجود ندارد ــ چه هدف اصلی اسلام برای تکامل نفس بود وتمام نیروهای مادی واثروخواص طبیعی عناصرومواليد برای تهذیب نفس است ومسلمین از تمام مواد ثلاثه عالم بدین منظور استفاده نموده‌اند .

علماء وحکماء عالم ازدوراه بکمـال رسیده‌اند ودرك حقایق نموده‌اند یکی‌ازراه ریاضیات شاقه وغیرشاقه ودیگردراستدلال وبرهان علمی ومنطقی اسلام این دوراه را بیك تعلیم آموخته و آن کلــمه ایمان است که‌ایمان رابعقیده وعمل تعبیر کرده‌اند یعنی‌هرمسلمان بااداء فرائض شرعی که فروع‌دین باشد منطبق برعقاید توحید واصول مبانی‌اسلام است وبدین پرورش بکمال لایق خود که درك حقایق ونیل‌بکشف حقیقت باشد میرسند .

حضرت امیرالمومنین دربیان روح میفرماید :

ان الله تبارك وتعالى جعل فى النبى خمسة ارواح روح الحيوة فيه دب ودرج وروح القوة فيه نهض وجاهد وروح الشهوة فيه اكل وشرب واتى النساء من الحلال وروح الايمان فيه آمن وعدل وروح القدس لاينام ولايغفل ولايلهو ولايزهو

خداوند عالم در پرورش یافته گان مکتب ربوبی خودپنج روح قرار داده اول روح حیوة است که حس وحرکت بدان میکند دوم روح القوه است که از آن نهضت میکندوجهادمینماید سوم روح شهوت است که از آن میخورد ومی آشامد وبصورت مشروع مباشرت بازن میکند وروح ایمان است که امانت وعدالت میوه آنست وروح القدس است که موجب میگردد که خواب وغفلت ولهو وهوی را از بین ببرد و این روح مخصوص انبیاست .

غیر فهم جان که درگاو خراست　　آدمی راعقل وجان دیگراست

باز غیر عقل و جان آدمی　　هست جانی در نبی و در ولی

یاایها الذین آمنو اطیعوالله واطیعوالرسول واولوالامر منکم

مهارت امام در جهانگیری وجهانگردی

شکی نیست که سلطنت مطلقه الهیه ازلیه ابدیه بدست قدرت او است وبرای مصلحت مخلوق قدرت حکومت وسلطنت راپیغمبران خود داده وآنها را باوصیاء منصوب ومخصوص خود سپرده اند و دیگران باید از آنها اجازه حکومت داشته باشند تاغصب مقام نکرده وبقهروغلبه ومظالم ستمکاری که نتیجه آن عذاب اخرویست گرفتار نشوند.

درتفاسیر قرآن اغلب بلکه کلیه مفسرین اولوالامر را امام منصوص ومنصوب آسمانی میدانند که اطاعت آن مقرون باطاعت پیغمبر ومبتنی براطاعت خداست وبدیهی است ائمه در حکومت خود حکومت شرعی وآسمانی داشته وهمانطور که ولایت مطلقه بحضرت سلیمان برای سلطنت وحشمت او کلیه جن وانس وملك وفرشته رادر اطاعت اومامور فرمود وحیوانات عموما ازچرنده وپرنده درفرمان اوآمدند امام نیز باولایت مطلقه خود برتمام موجودات عالم کون وفساد حکومت دارد وباعلم وقدرت خود میتواند همه را دراداره امور صلاح وسلم وصلح خود پناه دهد.

جهانگیری وجهانداری ازوظایف سلاطین است که البته دراسلام سلطنت مطلقه باپیغمبر خداص بود که همه چیز درفرمان اوسر تعظیم فرود میاوردوبعد که سقیفه بنی ساعده مجاری حکومت رابرگردانید . سلطنت مجازی بدست خلفاافتاد وآنها هم در مضیقه حکومت خود باامیرالمومنین علی بن ابیطالب که باب مدینه علم ووصی آسمانی منصوب ومخصوص پیغمبرص بود مراجعه میکردند و مشکلات بفرمان او حل میشد.

منطوق لولا ابوالحسن لهلك ابوبكر ولولا على لهلك العمر ولولاابوتراب لهلك العثمان که جزو امثال سائره زبان عرب شد شاهد این مدعاست.

بابیان دیگر

چون در اسلام تقسیم علم چنین شده که حکمت بردوقسم است حکمت علمی وحکمت عملی وحکمت عملی رااخلاق دانند گویند **حکمت عملی درشخص باخلاق ودر خانواده بتدبیر منزل ودراجتماع بسیاست مدن تعبیر شده و على اعلمكم وعلى اقضاكم** بهترین شاهد مدعی

استکه درعلم اخلاق خود ترجمان علمی فضایل بود ودرتدبیر منزل کافی‌استکه زنی چون فاطمه زهرا و فرزندانی چون حسنین وزینبین تربیت کرده که هریك آفتاب درخشان آسمان وجود انسانیت بوده‌اند ودرسیاست مدن‌کافی است نامه‌ای که درحال حرکت برای فرماندار خود مالك‌اشتر نخعی بطرف مصر نوشته واورا ازاسرار ورموز حکومت وفرمانداری آگاه فرموده است ونکاتی دقیق‌دراین منشوراستکه منشورملل متحدومتفق باآنکه عقول خردمندان مللرا برسرهم گذاشته‌اند نتوانسته‌اند یك‌منشور مورد قبول‌جهانیان که شامل‌علم وعقل و آزادی کامل باشد منتشر نمایند واین فرمان که باکثر زبانهای زنده ترجمه شده مهارت امام‌را درجهانگیری وجهانداری ثابت مینماید ،

این منشوربود که جورج جرداق مسیحی درکتاب « الامام‌علی صوت‌العدالة‌الانسانیه » نوشت امیرالمومنین خود ندای عدالت آسمانی بود وعملا این فضیلت رابدنیا تعلیم کرد وعلم‌الاجتماعی که اونوشته محرك بوجودآمدن علمای علم‌الاجتماع جهان گردید - زیرا اسرار نفوس و روانشناسی را هیچکس چون علی‌ع نمیدانست ،

خطبی که درباره جهاد نوشته پشت مردان جنگی را برخود لرزانده وخطبی که درتقوی‌وعدالت برای همام بیان کرده قدمهای پرهیزکاران را برخود لرزانده و درس سیاست و جنك و جهانگیری و جهانداری او باسطور برجسته‌ای درعالم فرهنك ومعارف جهان بشریت ثبت گردیده است

ائمة دین اسلام ومربیان مکتب‌جعفری استعدادها را تحریك نمودند ولیاقت‌ها راپرورش‌دادند وباتعلیم غذاهای حلال و حرام وراه تقوی و پرهیزکاری استعدادها را براه تکامل تقویت نمودند و مسلمین بااستعدادواحساسات وادراکات‌عمیق‌شدنددست‌بعلوم وفنون زده‌دامنه فرهنك ومعارف راتوسعه دادند وکاخ تمدن اسلام را روی علم و فرهنك وحرفت وصنعت اسلامی بنا نهادند که موجب شد متفکرین جهان سرانگشت عبرت بدندان گرفته وازاین سرعت ترقی و تعالی آنها مات و مبهوت گشته‌اند .

شیعه درتمام آثار وعلوم واخباردرعصرخلفا ابتکار وتقدم وتفوق را دردست داشته استودرکلیه علوم تالیف وتصنیف کرده است .

وبادقتی که تمام محققین بکاربرده‌اند ثابت نموده‌اند ابتکارعلمی در دست شیعه امامیه بود و ایرانیان هوشیاردرآن‌سهمی بسزاداشته‌اند ودرتمام علوم‌وفنون دست داشته وحتی‌ایرانی عجم درزبان عرب وادبیات وآداب ولغت عربی کتاب‌ها نوشته وتالیمات وتصنیفات کرده‌اند وبخصوص درتفسیروفقه و حدیث درصف‌اول مصنفین ومولفین اسلام قرارگرفته ومقتدای فرهنك ومعارف جهان متمدن میباشند جابربن حیان ابان‌بن‌تغلب وچهارصد مولف دیگر که کتب اربعماة رانوشته‌اند همه شاگردان مکتب جعفری هستند .

واضع علم نحو- ابوالاسود دئلی‌است متوفی ۶۹ه که ازکبار تابعین وازشیعه امامیه بوده است برخی‌اورا ازسربازان جنك بدرنوشته‌اند «مانندابن‌حجر» اول کسی‌است که درباره نحو کتاب نوشت

۱ـ کتاب‌الاوایل سیوطی ـ تاسیس‌الشیعه لعلوم‌الاسلام سیدحسن صدر

۲ـ الفنون‌الشیعة الامامیة ـ قاموس‌اللغه

۳ـ روضات‌الجنات درضمن احوال ابوالاسوددئلی ظالم‌بن‌عمرو- ۳۴۵

وآنرا ازتعلیمات حضرت امام امیرالمومنین ع فرا گرفت ۱

وا کنون ما باجمال نام کسانی که درعلوم اسلامی مبتکر ومبدع واول موسس وواضع آن بوده‌اند برای اطلاع خوانندگان عزیز نقل میکنیم .

این طبقه فاضله بشری همه ازشیعه امامیه بوده وازمکتب امیرالمومنین واولادطاهرینش درعلم و فضیلت فرا گرفته واول مصنف ومؤلف وواضع ومبتکرعلمی دراسلام میباشند .

اول کسی که درآثار کتاب نوشت ابوعبدالله سلمان فارسی بودو بعدابوذرغفاری و سپس اصبغ بن نباته وسپس عبدالله بن ابی‌رافع بود .

اول کسی که درعلم لغت عرب کتاب نوشت خلیل بن احمد ایرانی دانشمند معروف بود که سیوطی وابوالطیب لغوی وغیره تصریح کرده‌اند که اوازشیعه امامیه بود واول کسی است که درلغت عرب وعلم لغت کتاب نوشت .

اول کسی که درفنون شعر وشاعری واختراع ادب وغیره کتاب نوشت بنقل ضیاءالدین یوسف بن یحیی بن حسین الموید بالله الزیدی یمانی نابغه جعدیست که ازشیعیان امامیه بود .

اول کسی که درعلم تاریخ کتاب نوشت در اسلام عبدالله ابن ابی‌رافع غلام رسول‌الله بود کتاب «تسمیة من شهدمن الصحابه‌را باشاره امیرالمومنین ع » نوشت و کتاب قضارا نوشت و او از شاگردان امیرالمومنین ع بود .

اول کسی که درعلم مغازی وغزوات وجنگها کتاب نوشت محمدبن اسحق مطلبی مدنی بود بنقل کشف الظنون متوفی ۱۵۱

اول کسی که درعلم رجال کتاب نوشت ابومحمدعبدالله بن جبلة بن حیان بن ابحر کنانی است چنانچه درفهرست اسماء مصنفین شیعه دررجال نجاشی نام او برده شده خاندان جبله در کوفه مشهور بودو اوفقیه محدث رجالی بوده است .

اول کسی که درفرق اسلام کتابی نوشت حسین بن موسی نوبختی بود که ازشیعه امامیه وازعلماء کبارقرن دوم بوده است وا کثرمورخین نام اورا درصف مصنفین شیعه درفرق اسلامی نوشته‌اند.

اول کسی کـه درعـلم حدیث کتاب نوشت ابورافـع بود و سیوطی اورا از مصنفین شیعه معرفی میکند .

اول کسی که درعلم درایه وحدیث کتاب نگاشت ابوعبدالله حاکم نیشابوری امامی شیعی بود که بنقل کشف الظنون مبتکراین فن بوده است نیشابوری متوفی ۴۰۵ کتابش درپنج جزو مشتمل بر پنجاه نوع است که بعدابن صلاح ازاوپیروی نمود .

اول کسی که درعلم فقه کتاب نوشت علی بن ابی‌رافع بود که ازفقهاء بزرك شیعه امامیه است و نجاشی اورا ازمصنفین طبقه اول امامیه شمرده است

۱ـ ابن قتیبه متوفی ۲۷۶ در کتاب الشعر والشعراء ص۱۷۱ ابن فارس درفقه اللغة سیوطی در المزهر ص ۱۷۷ ـ المعارف ص۲۱۱ ـ مراتب النحویین عبدالواحد کتاب الاوایل ابوهلال عسکری متوفی ۳۹۵ ﻫ تاسیس الشیعه سیدحسن صدر ص ۴۰

۱ـ الشیعه والفنون ـ تاسیس الشیعه ص۴۰ تا ۱۸۲

۱ـ تاسیس الشیعه ازص۱۸۲ تا ص۲۲۹

۱ـ تاسیس الشیعه ص۲۳۲

اول کسی که اصول فقه را نوشت ودراین فن کتاب تصنیف کرد امام ابوجعفر محمد باقر ع بود و هشام بن حکم شیخ متکلمین از آنحضرت فرا گرفت ومباحث این علم را تنظیم ووضع نمود.

اول کسی که در کلام بحث کرد ابوحذیفه معتزلی است واول کسی که در تشیع سخن منظوم گفت کمیت شاعر معروف است :

اول کسی که درعلم اخلاق بحث کرد امیرالمومنین ع بود که ازمنجیات ومهلکات ووسایل ترقی وکمالات خطبی مهیج ایراد فرمود وسیدشریف رضی درنهج البلاغه شرح وتوضیح داده است وابواب علم اخلاق راخطاب بپسرش نگاشته و مکارم اخلاق را شرح داده واول کسی که ازاین درس استفاده کرد وکتابی نوشت اسماعیل بن مهران سکونی-سلمان فارسی - ابوذرغفاری - عمرو بن حمق خزاعی عمار بن یاسرعنبسی - ربیع بن الخثیم وغیره در آن کتاب نوشتند.

ابن شهر آشوب درمعالم العلماء مینویسد:

اول کسی که دراسلام تصنیف کرد حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب ع بود وبعد سلمان فارسی وابوذر غفاری واصبغ بن نباته بود پس اراو عبدالله بن ابی رافع است که در احادیث اهل بیت از احکام تصنیف نمود .

اول کسی که صحیفه را نوشت حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین السجاد بود.

» » برمذهب امامیه کتاب نوشت علی بن اسماعیل بن شعیب کوفی ازمتکلمین اصحاب بود

» » درعلم میزان «شیمی وفیزیك ومنجنیق» مکانیك کتاب نوشت جابر بن حیان صوفی شاگرد امام جعفر صادق ع بود

اول کسی که درباره تاریخ تشیع قصیدهٔ سرود کمیت بن زید اسدی شاعرمشهور بود .

» » درفقه امامیه تصنیف کرد علی بن ابی رافع تابعی بود که درباره وضو وغسل وسایر ابواب فقه کتاب نوشت.

اول کسیکه درباره شیعه تصنیف نمود کتاب عبیدالله بن شعبه حلبی از شاگردان امام جعفر صادق ع بود .

اول کسیکه درباره کتب فقه امامیه کتاب نوشت ابن جریح بود.

» » درفقه دراندلس کتاب تصنیف نمود عبدالرحمن بن موسی هواری بود که ازاصحاب اصمعی است وسپس ابی زید انصاری وسفیان بن عینیه ومالك بن انس بود.

اول کسیکه درعلم صرف کتاب نوشت معاذبن مسلم انصاری کوفی شیعی نحوی ملقب بهراء استاد فراء بود،

اول کسی که دراختلافات کتاب نوشت ابوزید عبدالله بن عمرفقیه حنفی شاگرد ابوحنیفه بود

» » درعلم مناظره کتاب نوشت ابوبکر محمد بن علی بن اسماعیل قفال بود

» » دراحکام قرآن کتاب نوشت قاسم بن اصبغ بن محمد بن یوسف بیانی قرطبی اندلسی اخباری لغوی بود - متوفی ۳٤۰ ه

اول کسیکه علم حکمت رامنقح نمود. ارسطو شاگرد افلاطون بود.

۱- تاسیس الشیعه ص۳۱۰

اول کسیکه علم مجسطی نوشته وحرکت وسیر افلاك وبراهین هندسه را نوشت واسطرلاب را وضع کرد بطلمیوس بود .

اول کسیکه علم طلسمات را نوشت بلیناس حکیم بود .
« » درعلم موسیقی کتاب نوشت . فیثاغورس حکیم بود
« » علم الحان راوضع کرد اقلیمون حکیم بود.
« » هندسه راوضع کرد اقلیدس بود.
« » علم اعداد را وضع کرد ارشمیدس بود.
« » درعلم طب کتاب نوشت بقراط بود.
« » حدشرعی راباطل گذاشت معاویه بود ،
« » حکمت راپذیرفت ودرآن تفکر نمود وقواعدی نگاشت ابونصرفارابی بود
« » بین همه علوم جمع کرد ابوعلی سینا بود
« » تسخیرجن نمودفخرالائمه ابوالفضل محمدبن احمدطبسی صاحب کتاب الشامل فی علم التسخیر معاصرغزالی است

اول کسی که درملل ونحل کتاب نوشت محمدشهرستانی بود.
« » خط عربی رانگاشت مرارة بن مره انباری بود
« » خط کوفی رابحجازنقل نمود حرب بن امیه بود ،
« » خط شکسته رانوشت شفیع فارسی بود .
« » دریش وصوفیگری رارواج داد ابوهاشم کوفی بود
« » سرتراشید آدم صفی بود - واو اول کسی بود که طواف خانه کعبه رانمود.
« » ختنه کرد ابراهیم خلیل بود
« » آبله گرفت فرعون بود .
« » خانه ساخته شدروی کره زمین مکه بود - وچهل سال بعدبیت المقدس ساخته شد
« » نوره رابرای ازاله مواختراع کرد سلیمان بود
« » حمام راوضع کرد جمشید بود .
« » وثیقه ازغیر گرفت ابوبکر بود
« سکه‌ای که دراسلام ضرب شد سال ۷۵ه بود .

اول کسی که نام وزارت گرفت ابومسلم همدانی بود .
« » ازوزیری بصاحب شهرت گرفت صاحب بن عبادبود .
« » دراصول فقه کتاب نوشت شافعی بود .
« » زبان بعربی گشود اسماعیل بود ۱
« » بعربی سخن گفت هود ویایعر بن قحطان بود
« » علم نحورا وضع کرد علی بن ابیطالب ع
« » قواعد علم عربی راوضع کرد ابوالاسود دوئلی بود
« » علم صرف وتصریف رانوشت معاذهراء بود.
« » علم لغات وحروف رانوشت خلیل بن احمدبود

اول کسی که علم عروض را نوشت خلیل بن احمد بود،
» » قصاید مهلهل راسرود امروالقیس بود.
» » شعرفارسی سرودابو العباس مروزی بود ـ وقیل ازاسلام بهرام گور بودیا بوجعفر بن خوص سعدبن سمرقندی بود.
اول کسی که دربدیع تصنیف نوشت بدیع عبدالله بن معتز بود
» » درمعانی وبیان کتاب نوشت عبدالقاهر جرجانی بود.
» » درفلسفه وحکمت شهرت یافت روم نامی بود که ررم بنام اوست درزمان موسی کلیم بود
» » بفلسفه مشهورشد فلوط جنسی مصری بود ،
» » درریاضیات تصنیف کرد وآنرا بصورت علم درآورد اقلیدس بود،
» » درهیئت افلاك وهندسه کتاب نوشت بطلمیوس بود.
» » منطق را وضع کرد اسطاطالیس اهل اصطخر زمان اردشیردارا بود .
» » طب رابصورت علم مدون نمود بقراط بود
» » تاریخ هجرت را وضع کرد باشاره امیرالمومنین علی بن ابیطالب ـ عمر بن خطاب بود سال ۱۶ ه
اول کسی که اسم دیوان گذاشت ودفتر دولتی تدوین وتنظیم نمودذ والنون مصری بود
» » تغنی کرد ابلیس بود که زمزمه نمود .
» » درترکیب افلاك وسیر کواکب وکشف آثار جوی کتاب نوشت ادریس پیغمبر بود
» » دررمل وجفر وملاحم واسطرلاب واختیارالسنه وغیره کتاب نوشت دانیال پیغمبر بود
» » خیاطی را آموخت و خیاطت و سوزن ونخ و علم حساب و نجـوم را نگاشت ادریس بود .
اول کسی که خط کوفی را بصورت خط نسخ درآورد ابوعلی بن مقله بود.
» » بفارسی کتاب نوشت طهمورث بود ،

سیوطی درکتاب الاوایل مینویسد ،

اول بلااول خدای عالم است واول چیزی که خلق شده قلم است کلمهٔ که نوشت **انا التواب اتوب علی من تاب** ودر روایت دیگراست که اول عبارتی که نوشت **انا الله لااله الا انا من رضی عنه والداه فانا عنه راض ومن سخط علیه والده فانا علیه ساخط .**
اول قریه که بناشد سوق الثمانین بود که اصحاب نوح ساختند .
اول حائط وسوری که کشیده شد سورحران است دردمشق
» شهری که بنای نوح است شهرحران است
» ساعتی که نوح بسفینه رفت ساعت نماز بود
اول کسی که برمنبر خطبه خواند ابراهیم خلیل بود .
» » منبرساخت تمیم داری بود که برای پیغمبر ساخت
اول آیه‌ای که نازل شد **بسم الله الرحمن الرحیم** بود
اول جمله‌ای که پیغمبرص درمدینه فرمود این بود که فرمود **ایها الناس اطعموا الطعام و افشوا السلام و صلوا الا رحام و صلوا باللیل والناس نیام تدخلوا الجنة بسلام**

اول کسی که امت خود را نصیحت کرد پیغمبر ص بود.
» » خواجه‌ها را برای خدمت استخدام کرد معاویه بود
» » برای قضای چهارقاضی ازچهارمذهب برای قضاوت بر گزید بیبرس درمصر بود پس از ۶۷۰.
اول کسی که همزه وتشدید وضع کرد خلیل بن احمد بود
» » درغریب القرآن تالیف نمود ابوعبیده معمر بن مثنی بود
» » درغریب الحدیث کتاب نوشت نضر بن شمیل بود
» » دراحکام قرآن کتاب نوشت شافعی بود
» » درحدیث کتاب پرداخت ابن شهاب زهری بود
» » درمختلف حدیث تالیف کرد شافعی بود
» » درانواع کتاب نوشت ابن صلاح بود
» » درمغازی وغزوات کتاب نوشت عروة بن زبیر بود
» » درفقه کتاب نوشت ابوحنیفه بود
» » درکلام کتاب نوشت ابوحذیفه واصل بن عطا بود
» » پس ازبسم‌الله صلوات پیغمبر را نوشت هارون‌الرشید بود
» » کاغذ را بوجود آورد حضرت یوسف بود
» » دیوان حساب دولتی ساخت خالدبن برمك بود
» » آجر ساخت هامان بود
» » نوروز راروزعید گرفت جمشید بود- که طوس راساخت وآنجا نوروز راعید گرفت
» » عیدمهرگان راوضع کرد فریدون بود
» » درآخرخطبه گفت ان‌الله یامر بالعدل عمر بن عبدالعزیز بود
» » درآخرخطبه خواند **ان‌الله وملائکته یصلون علی النبی یاایها الذین امنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما مهدی عباسی بود.**

اول کسی که درخطبه ارتجاء میکرد عثمان بود.
» » خطبه را نشسته خواند معاویه بود
» » درخطبه روز جمعه مدتی استراحت میکرد عثمان بن عفان بود
» » درعیدخطبه راقبل ازنمازخوانده عثمان بود درحالیکه بایدپس ازنماز بخواند
» » خراج را بمردم بخشید عثمان بود.
اول کسی که تمنی مرك نمود یوسف بود
» » درعلم کیمیا استفاده کرد قارون بود
» » لباس سرخ پوشید ولباس بلنددوخت قارون بود
اول زنی که بپیغمبر ازدواج نمود خدیجه بود.
اول فرزند آدم قابیل بود
اول فتنه وآزمایش بنی‌اسرائیل درزنان بود
اول کسی که ردپیغمبر را درقضاوت کرد معاویه بود

اول ذلتی که درعرب رخ داد بکشتن سیدالشهداء ع بود
اول هاشمی که ازدوطرف هاشمی متولدشد مادرعلی بن ابیطالب ع فاطمه بنت اسدبود
اول کسی که زندان ساخت علی بن ابیطالب ع بود
» » خمرراساخت وسك رابرای حراست گرفت زمان نوح بود
» » همسایه‌رابجریمه همسایه ودوست رابجریمه دوست دیگرسیاست کردمروان بن حکم بود
اول گناهی که موجب عصیان شد حسد بود.
اول کسی که اسلحه برای جهاد تهیه کرد ادریس بود
» » درراه خداجهاد وقتال کرد ابراهیم خلیل الرحمن بود
» » ازحیوانات مرکب گرفت اسماعیل بود ـ وقبل ازاو حیوانات آزاد بودند
» » سربریده راحمل کرد ودرشهرها گردانید سرمحمدبن ابی بکر برای معاویه بود
باراس عمروبن حمق بود که بامرمعاویه اورا کشتند.
اول جنگی که پیغمبرص شخصاً نمود غزوه ودان بود .
اول کسی که سراویل پوشید ابراهیم بود.
» » قبا پوشید سلیمان بود
» « عمامه بسر گذاشت ذوالقرنین بود
اول کلمه که ابراهیم درحین فرودبآتش گفت **حسبی الله و نعم الوکیل بود**
اول چیزی که ازامت اسلام میبرند حیاء و امانت است
اول کسی که لباس آتشین می‌پوشید ابلیس است
اول کسی که درسایه عرش جامیگیرد آدم صابردرحال دست‌تنگی است
اول چیزیکه اززمان روزقیامت سئوال میشود ازنمازآنها بعدازشوهرداری آنهاست
اول چیزی که درمیزان سنجیده میشود حسن خلق است
اول چیزی که ازاعضاء آدم درحساب بسخن می‌آید بازوان اوست
اول کسی که واردبهشت میشود بازرگان راستگو ودرست‌کاراست
اول خوراکی که اهل بهشت میخورند جگرماهی است

اگرنگارنده یاهرمؤلفی که دارای تتبع وتحقیقاتی باشد بخواهد بشایستگی اخبار عالم‌اسلامی راشرح دهد حداقل سی‌مجلد خواهدشد وما اخبار کشور های پهناور اسلامی‌را بقدری فشرده‌ایم تا باجمال دردو مجلد یکی‌اخبار مربوط بطلوع وتحول‌وتطور ونشو وارتقای اسلامی‌است . (جلد اول) و دیگر وضع جغرافیائی ممالك کنونی اسلامی است باآمار و احصائیه مسلمین‌جهان واخبار فرهنك ومعارف آنها. « جلددوم »

اسلام خود نشو وارتقایافت نه‌ملل اسلامی

پرنس ژاپوانی بورگیز ایطالیائی کتابی‌نوشته ودیموکرات فرانسوی‌نیز کتابی‌بنام« **پیشرفت عقل بشری**» نوشته آنجامی‌گوید آئین محمد ص از سایر آئینها از حیث قواعد ساده‌تر و آداب آن کمتر از سایر ادیان انقلاب دیده ولی اکثر مسلمین

۱ـ سیوطی بنقل روضات الجنات ص۳۴۵

دراین عصر بصورت بندگی درآمده‌اند اما انوار علم و دانش واشعه آزادی فرهنك ومعارف وتمدن آنها جهانگیر شده است.

این شهادت دشمن است اما بنظر انصاف در صفحات تاریخ که مینگریم می‌بینیم علوم وفرهنك اسلامی سهم بزرگی در کتابخانه های دنیا دارد ومسلمین اگرچه انحطاط اجتماعی و سیاسی پیدا کرده‌اند ولی ازلحاظ دین ومزایای مذهب سخت پابرجا ومحکم مانده‌استقلال شخصی خودرا حفظ کرده‌اند

باآنکه نفوذ مظاهر شهوات واعمال سیاست مفاسد اجتماعی ملل غربی درظاهر ممالك اسلامی شایع گردیده ولی درحقیقت مسلمین اثری نکرده اختلاف دره عمیقی استکه بین متجاهرین بفسق و پیروان مکتب شهوات ملل غربی متدینین واقعی و مسلمان حقیقی ایجادشده ومسلمین خود درراهی جداگانه بسیر تکاملی خود ادامه میدهند.

وباین مظاهر تمدن غربی سخت بدبین میباشند در کشور ایران وسایرممالك اسلامی اگر صد سینماسخت بفعالیت نمایش مظاهر شهوات بپردازد.

هزارها محافل درس قرآن وفقه وعلم دین وفضیلت درسایه نام حسین بن علی ع وخاندان آل ـ محمد برپامیباشد که شاید بقاءملیت دراثر حسن عقیدت آنهاباشد.

مسلمین شرق دراثر ضربه‌سخت وناگوار چنگیز ومغول بعداستقلال سیاسی وامپراطوری خود راااز دست دادند وبصد سال فاصله امپراطوری عثمان روی کار آمد که ازفارس تامراکش وسرتاسر شبه‌جزیره بالکان‌را درتصرف آورد .

مملکت وسیع ترکهای عثمانی اسباب رعب وبیم ملل غربی گردید وچون اروپائیان ازخواب غفلت سر برداشته بودند مراحل ترقی و تمدن مسلمین را بسرعت گرفتند و در مقام تضعیف مسلمین برآمدند.

اکتشافات امریکا وراه بحری هندوستان نیز باین منظور کمك کرد که مسلمین درتفرقه‌افتادند ولی اسلام خود بخود درآنها رسوخ یافت ودر اروپا وامریکا وقاره هند پیشرفت سریعی نمود مانند آبیکه جاری شود وجای خودرا درسایه قرآن علم‌وفضیلت وتمدن وفرهنك باز کرد.

اسلام ضعیف نشده بلکه مسلمین ازحیث سیاست کشور داری تضعیف شده‌اند واسلام بنیروی علم‌وفرهنك جای خودرا باز کرده که حق‌این است که بگوئیم درفتوحات اسلام اهل‌تسنن سهم‌بزرگی دارند ودرتعمیم ونشروبسط معارف اسلام‌شیعه امامیه سهم‌بسزائی دارد.

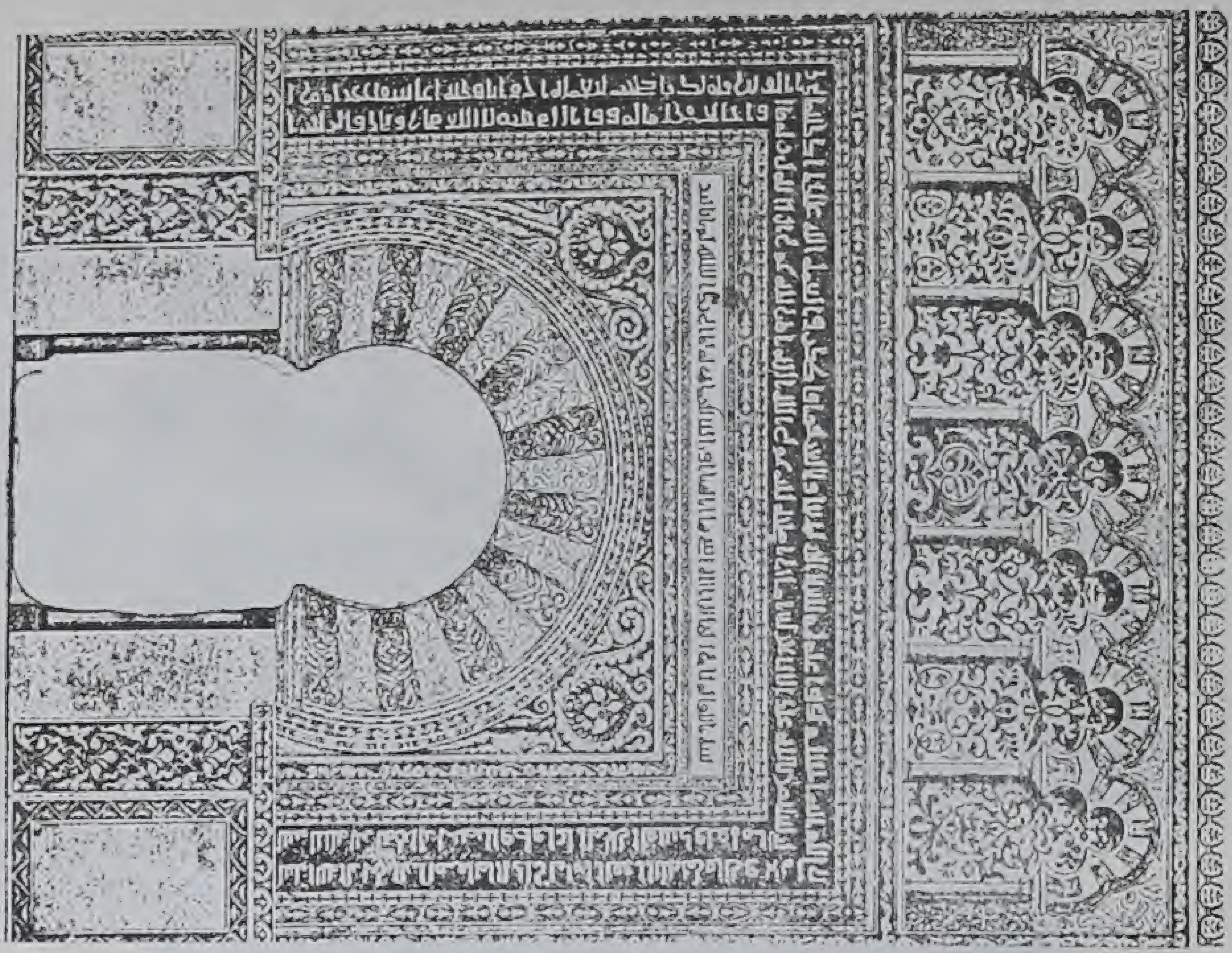
قرآن برای هدایت همه بشر نازل شد

و هذا کتاب انزلناه مبارك مصدق الذی بین یدیه و لتنذر ام القری و من حولها والذین یومنون بالاخرة یومنون به‌وهم علی‌صلاتهم یحافظون .

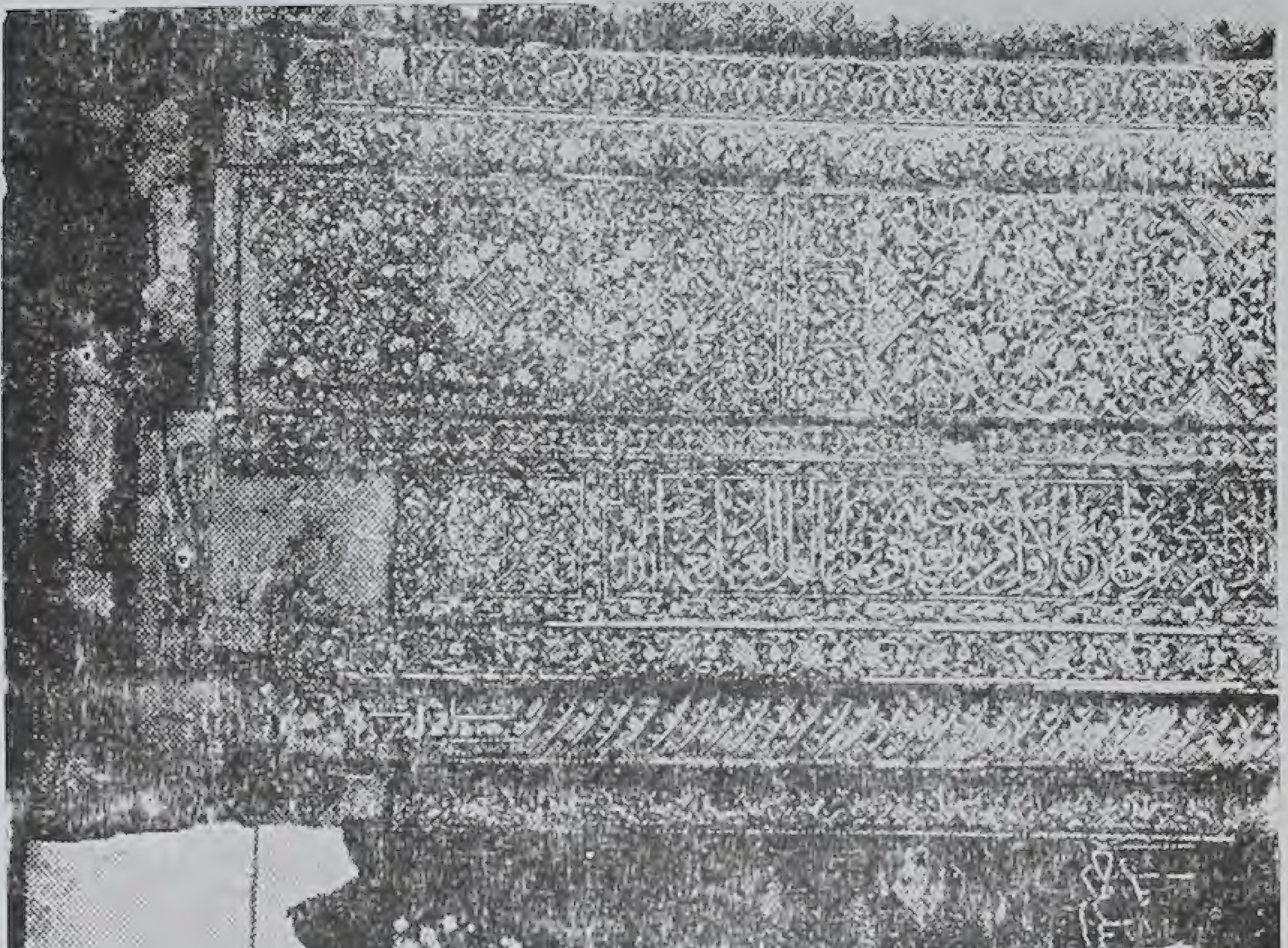
سوره انعام آیهٔ ۹۶

این کتاب (قرآن مجید) است که فرو فرستادیم بابرکتی شگفت‌انگیز که مورد تصدیق و قبول واعتراف همه‌جهانیان خواهد گردید برای‌آنکه تومردم مکه‌اول سرزمین مسکونی روی کره زمین‌را باتمام اطرافیانش بیمناك گردانی؛

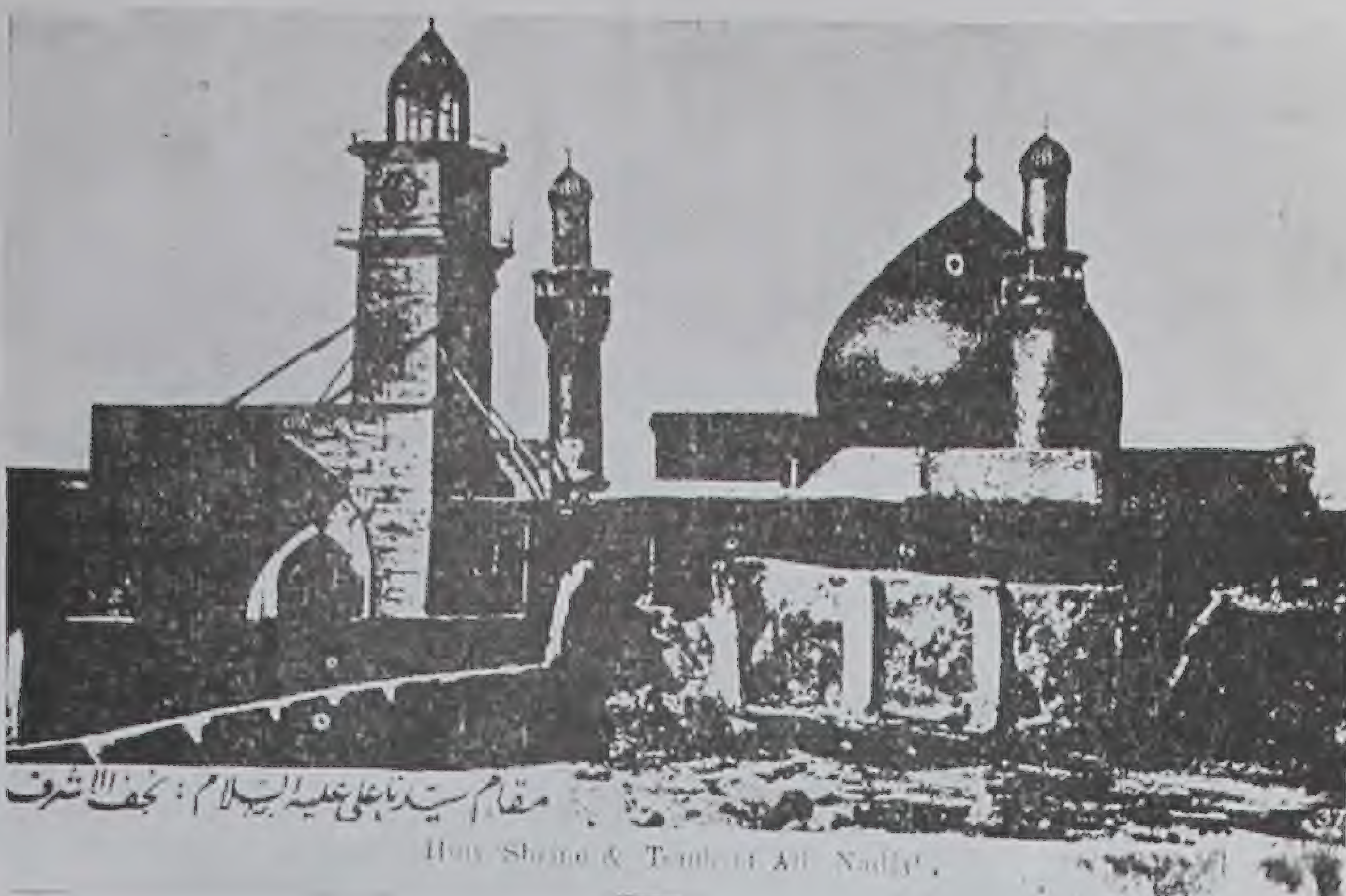
کسانی‌که ایمان باخرت دارند ایمان باین‌قرآن خواهند آورد وآنها برنماز خود محافظت مینمایند تابمقام‌قرب وحدتکامل خودبرسند.



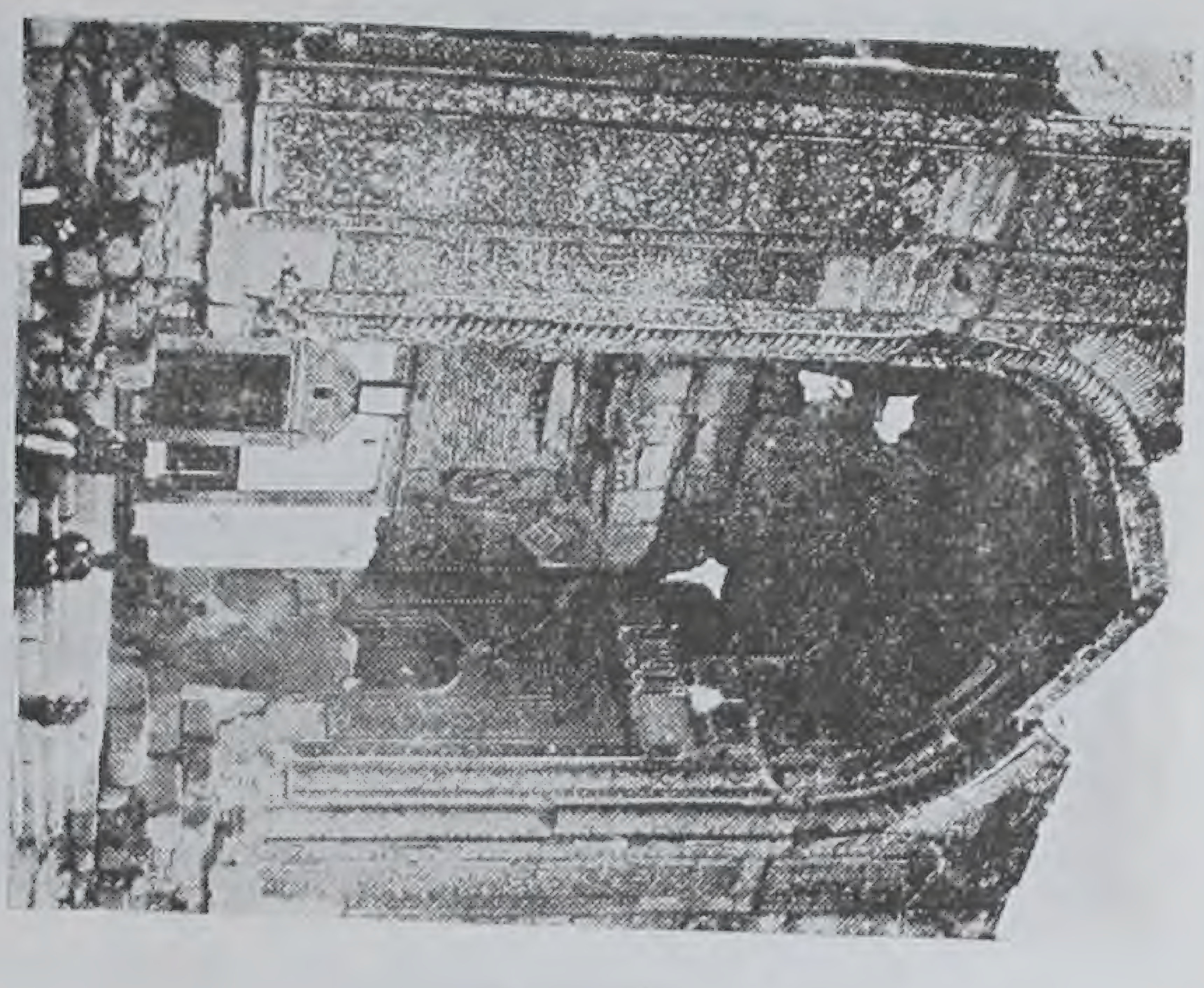
ش۲٤۳ محراب مسجد مقدس قرطبه



ش۲٤٤ دیوار مسجد کبود تبریز



ش ۲٤٥



ش۲٤٦ تبریز مسجد کبود



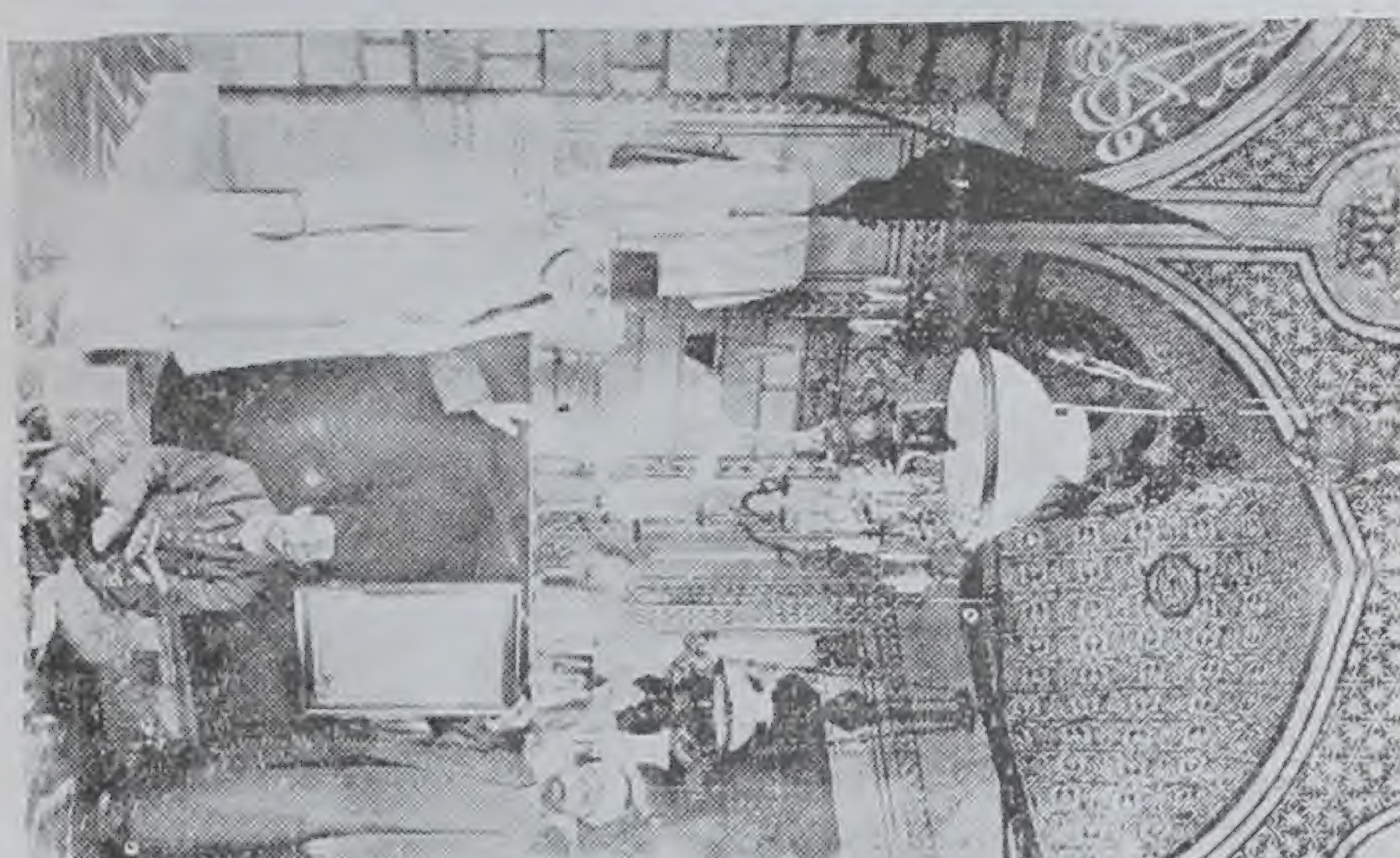
ش۲٤۷ قسمتی از مسجد تاریخی اصفهان



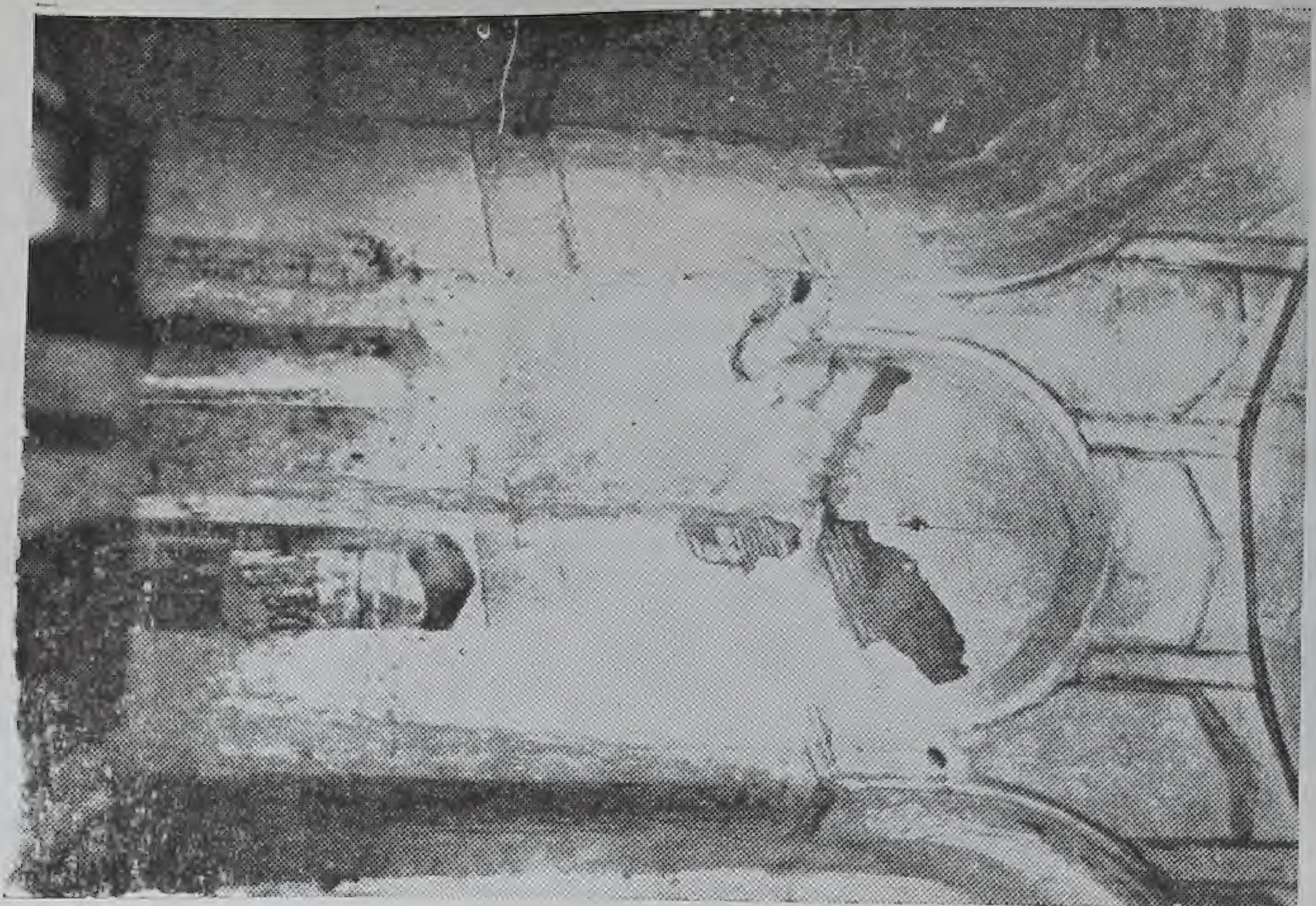
ش۲٤۸ کاظمین



ش۲۴۹ کندوی عسل تهران



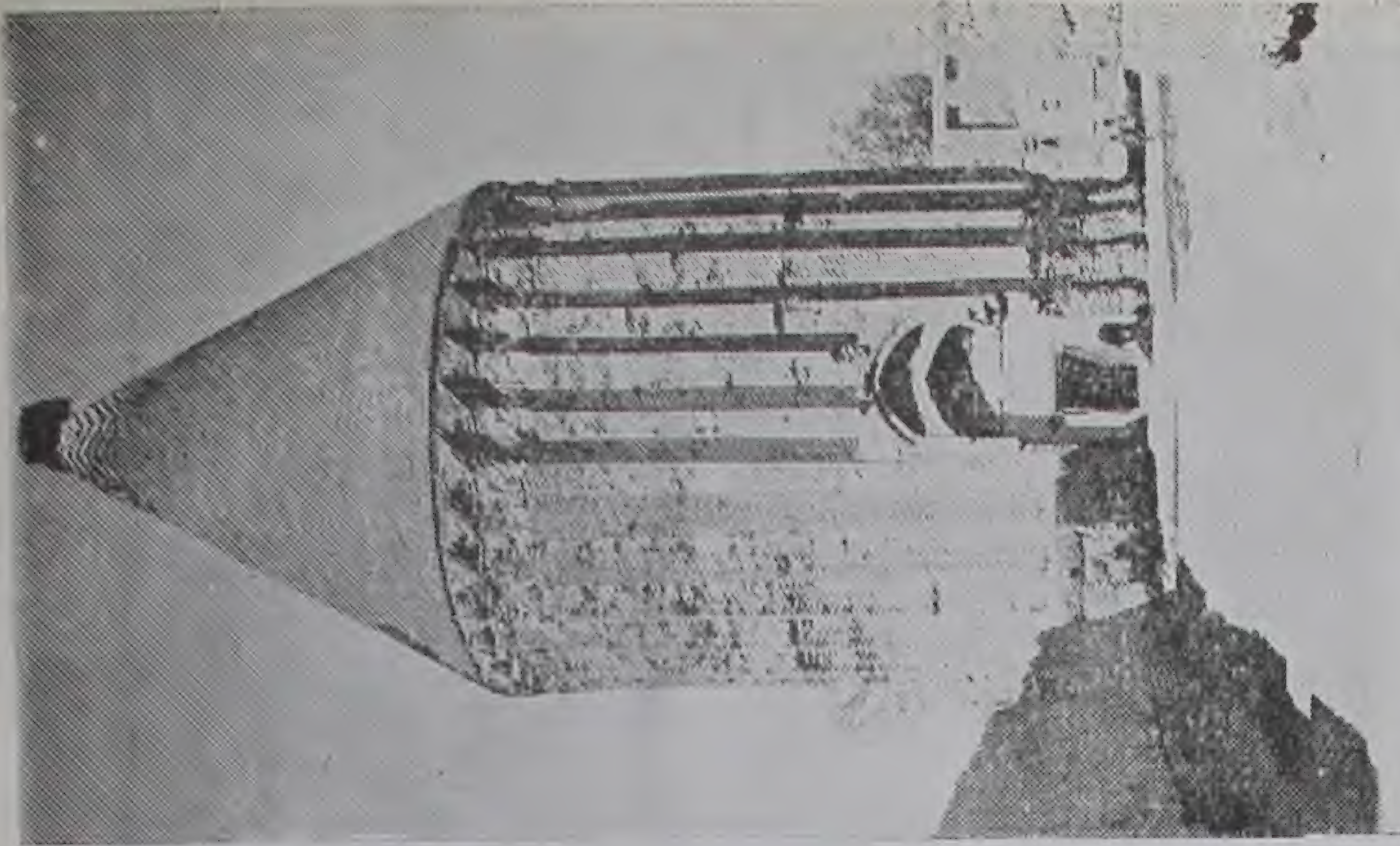
ش۲۵۰ مشهدالحرمین دمشق



ش ۲۵۱ مسجد گلپایگان



ش۲۵۲ علمدیان همدان



ش ۲۵۳ مسجد ورامین



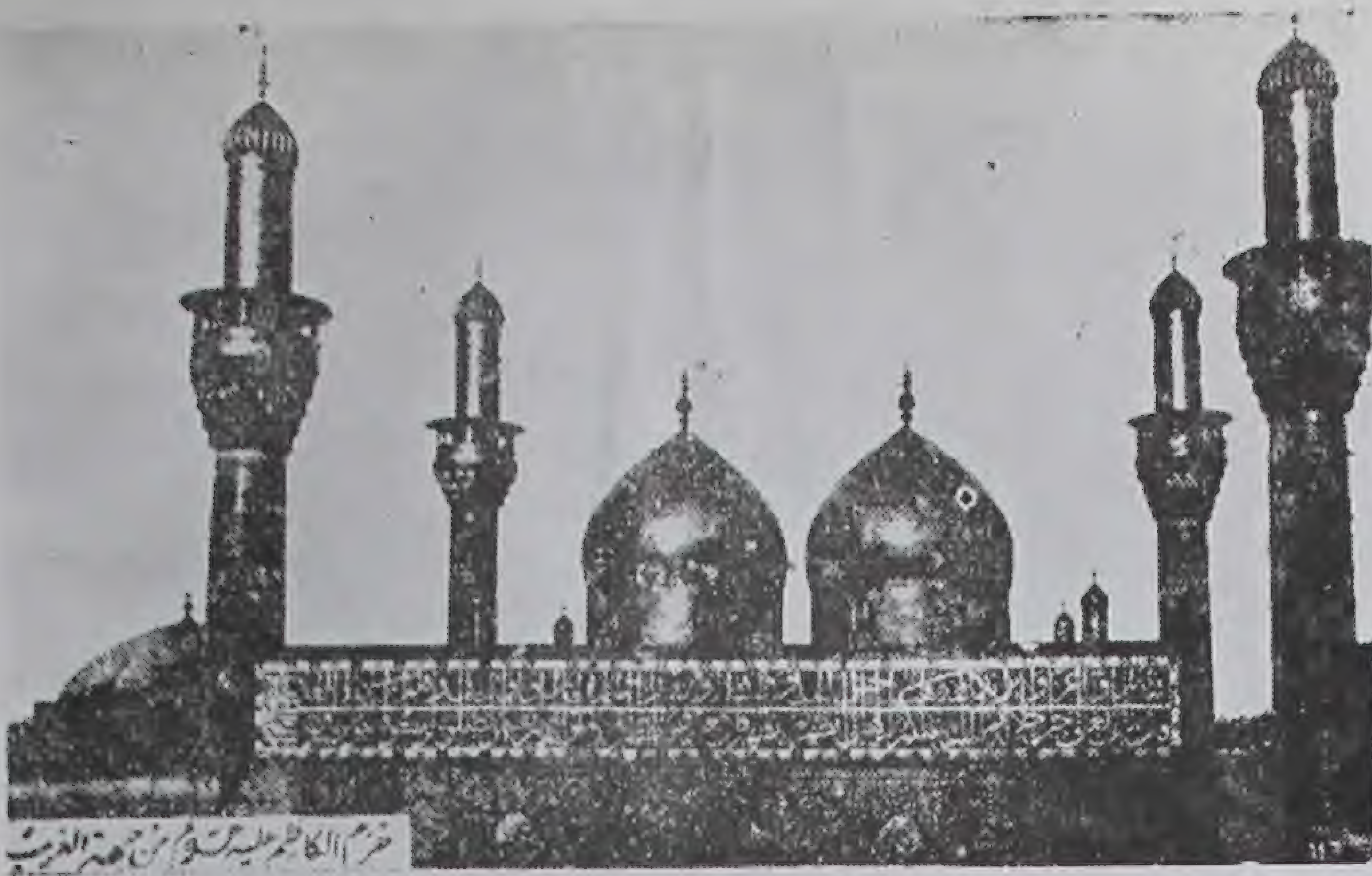
ش ۲۵٤ مسجد پیر علمدار دامغان



ش۲۵۵ مسجد حیدریه قزوین



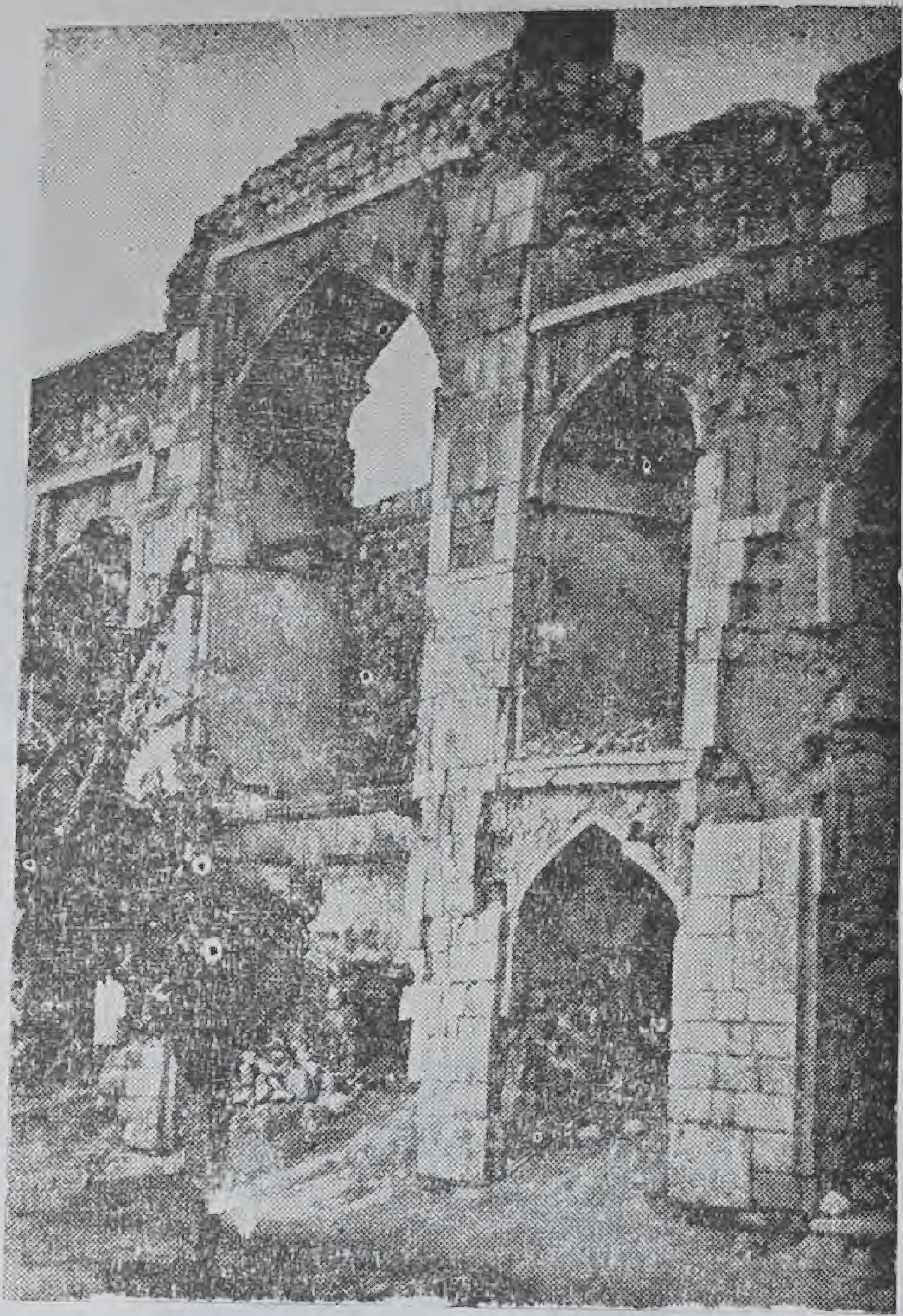
ش۲۵۶ دانشگاه لاهور



ش۲۵۷ گنبد و مناره‌ی کاظمین



ش۲۵۸ مسجدقدمگاه



ش۲۵۹



خیابان کربلا

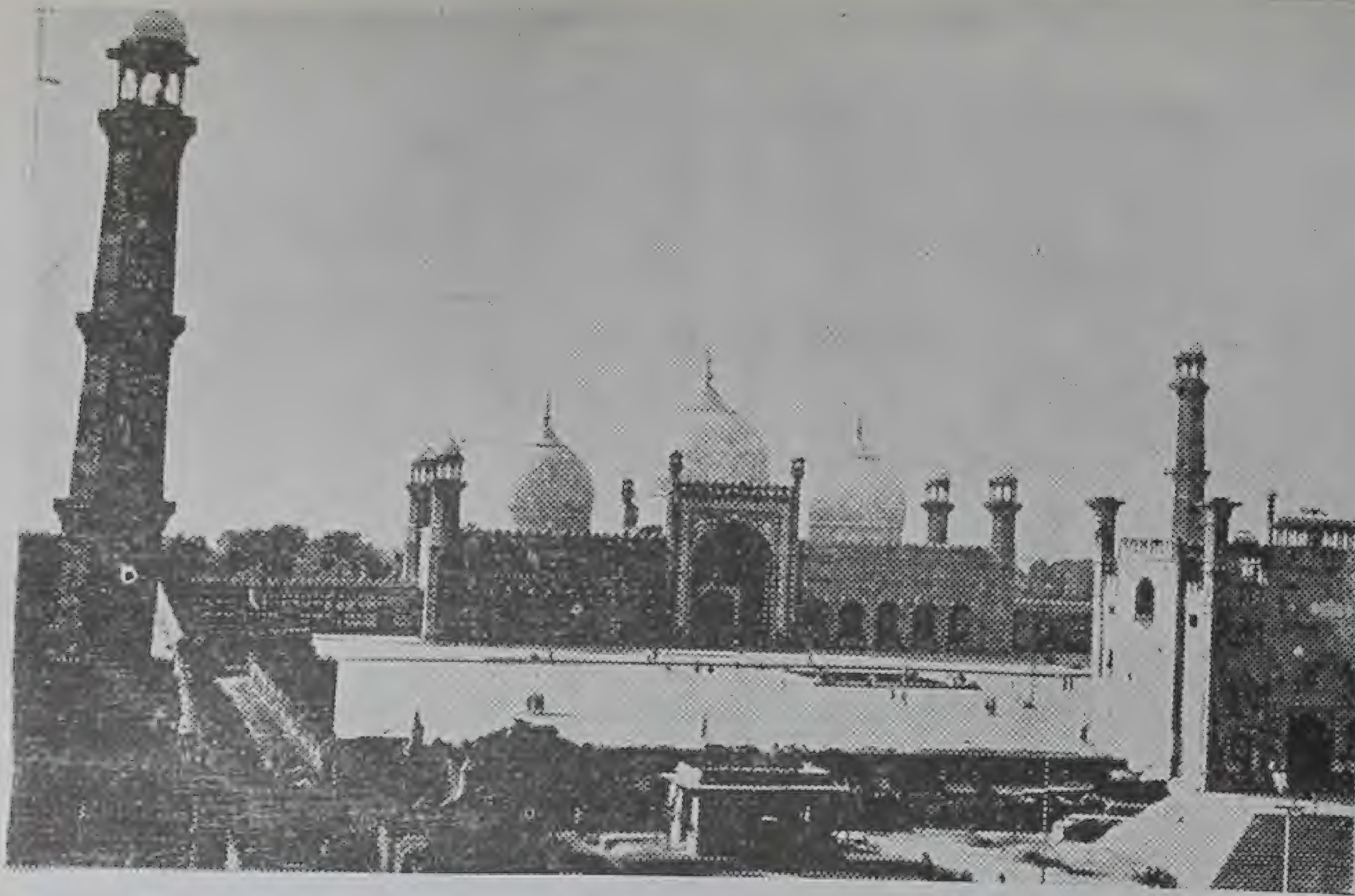
ش۲۶۰



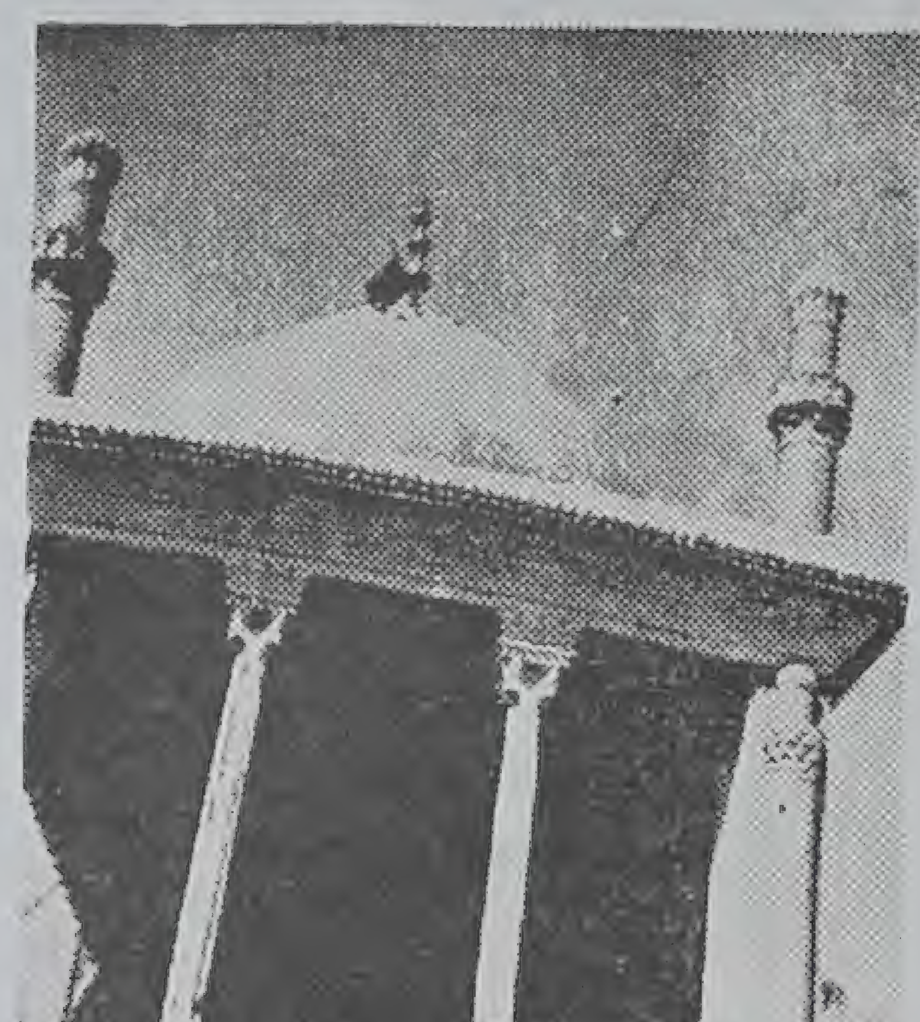
ش۲۶۱ قم قبه وبارگاه وایوان آئینه مجلل حضرت معصومه قم



ش۲۶۲ بارگاه حضرت ابوالفضل



ش٢٦٣



ش٢٦٤

حر



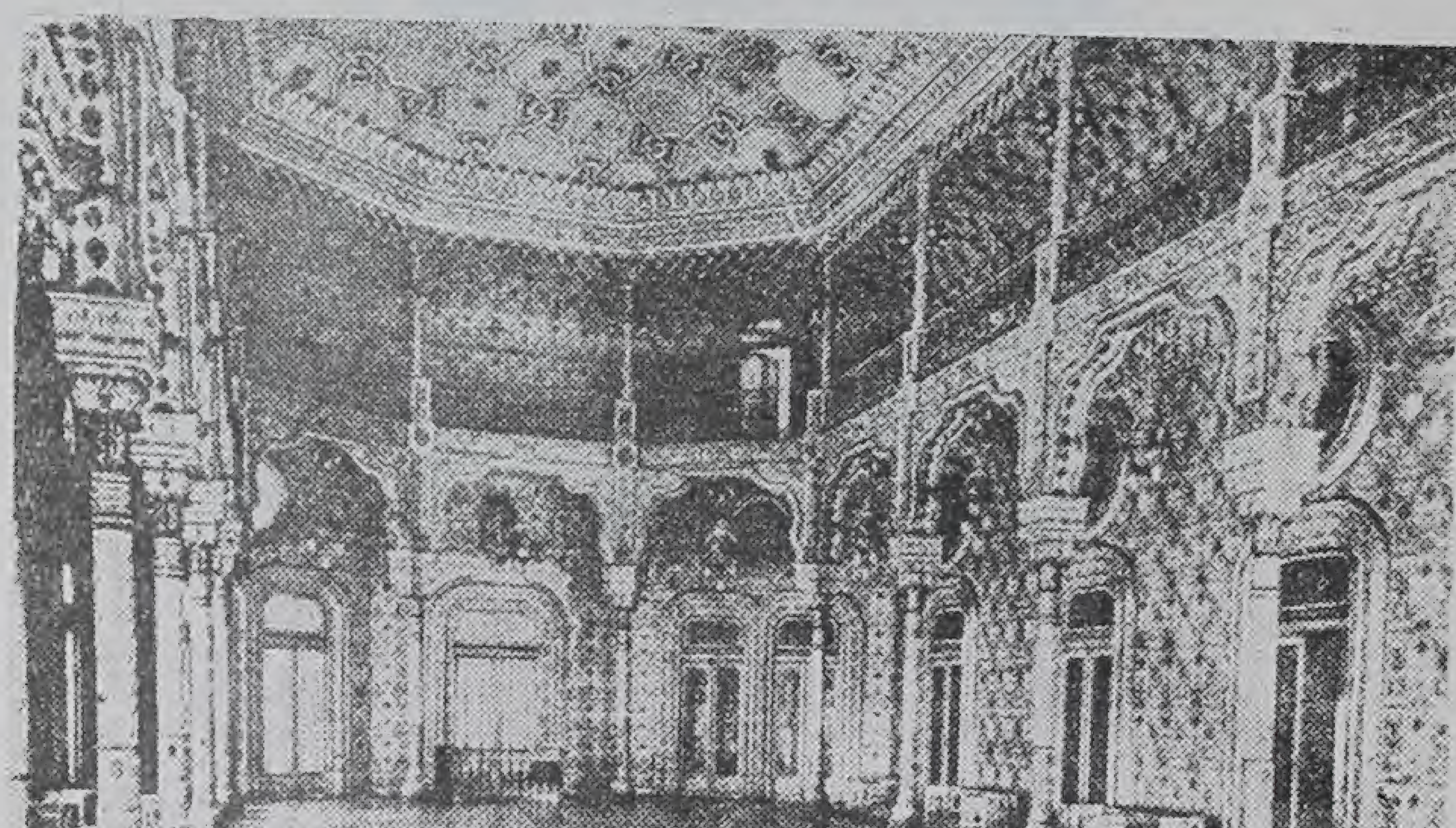
ش۲۶۵ سردرمیدان‌مشق تهران



ش۲۶۶ خیمه گاه



ش۲۶۷ لاهیجان



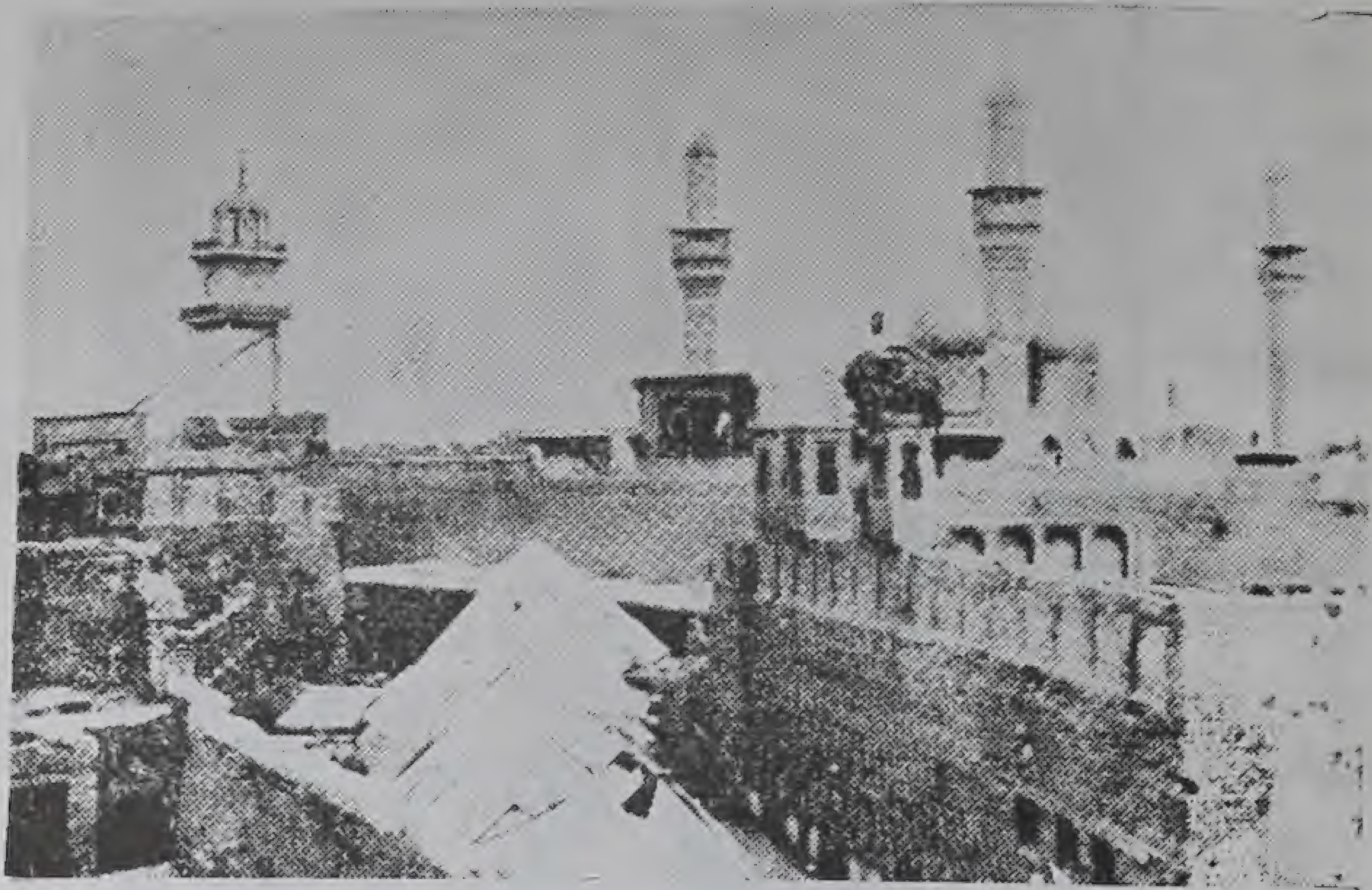
ش۲۶۸ مسجدجنوب اسپانیا



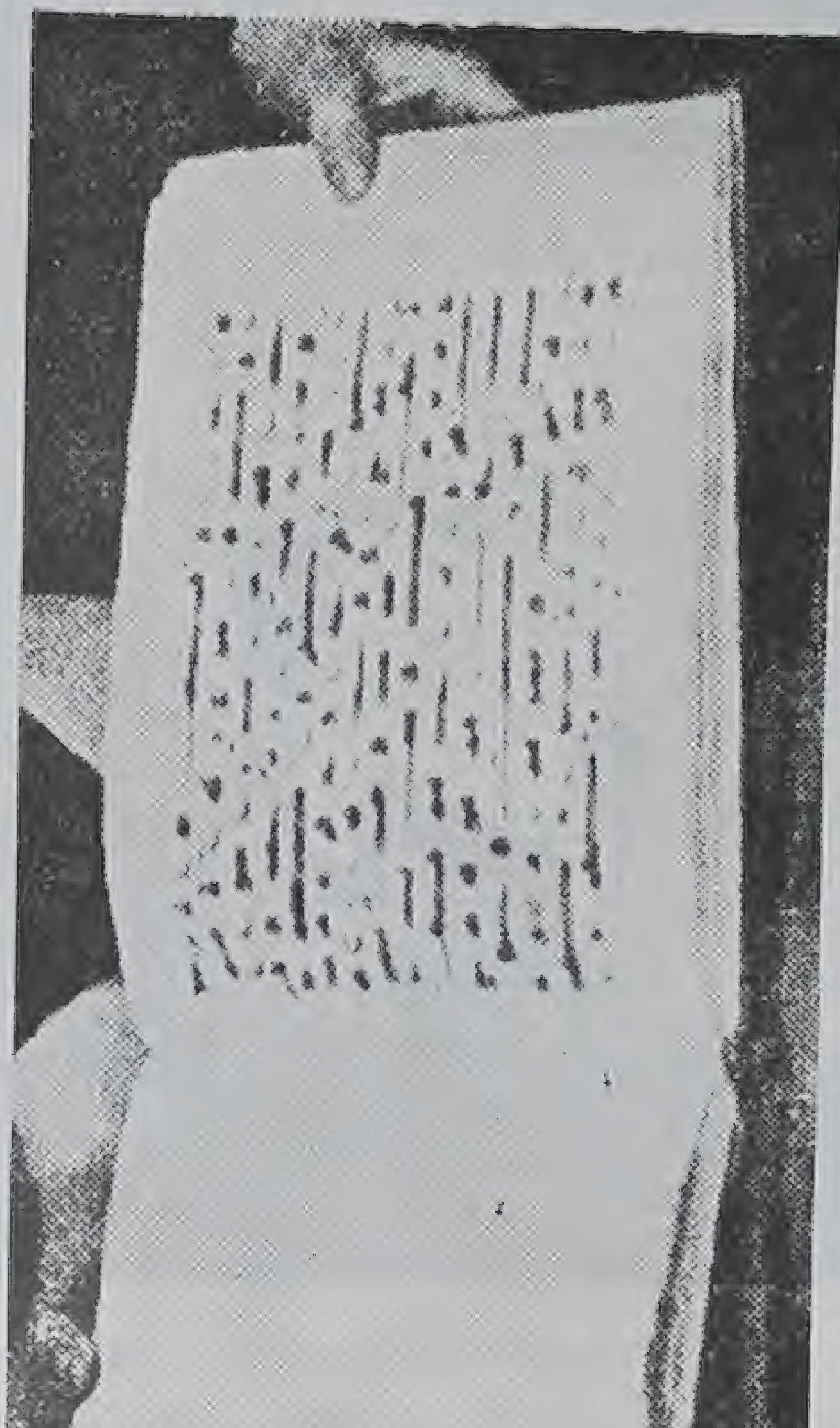
ش ۲۶۹ مسجد و مدرسه کرج



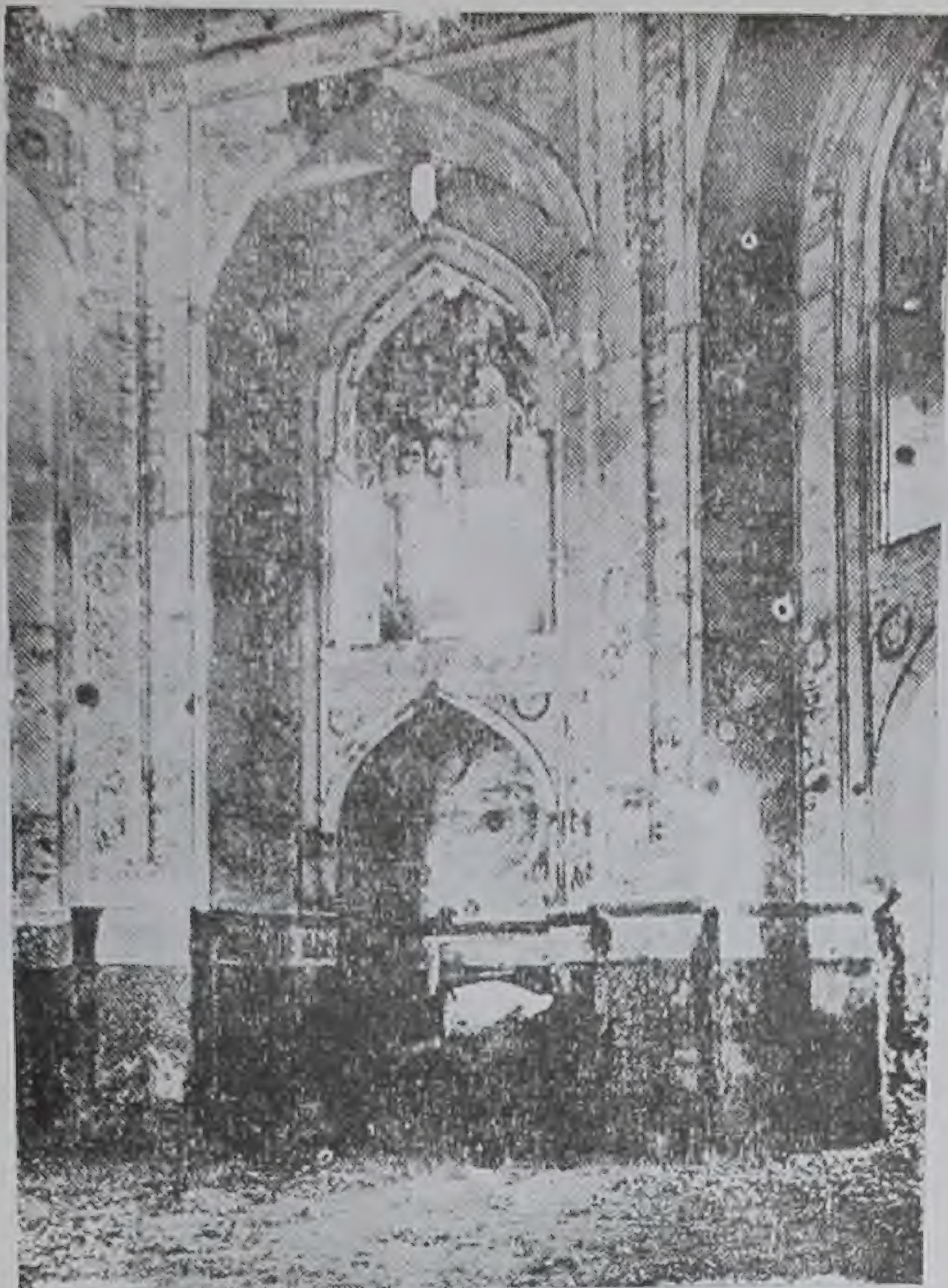
ش ۲۷۰ ضریح نجف



ش۲۷۱ کاظمین



ش۲۷۲ ۱ ـ یك صفحه ازقرآن بخط حضرت امیرالمؤمنین



ش ۲۷۳ سلطانیه



ش ۲۷٤ نجف

ام‌القری چنانچه در کتاب فاطمه زهراص نوشته‌ام **ام** بمعنی مادراست ومکه اولین سرزمین است که در کره‌ارض کشیده شدوخانه خدا در آنجا بناشد وین ام‌القری محور عالم مسکونی بشر است برروی کره‌زمین که‌ازهرطرف‌باشد براین محور که قبله است باید توجه کنند وقرآن‌دراین محور همه‌بشر راهدایت خواهد فرمود.

دیروزمسلمین یانشوو ارتقای اسلام

در تاریخ بشر شرح نشو و ارتقای اسلام از تمام اخبار جهان شگفت‌آمیزتراست زیرا دولتهای بزرك وملتهای کهن‌سال باطول قرن‌ها آمده وتمدن خودرا برقرار کرده ورفته‌اند وا کثرآنها در مدنیت ورقاء غالب آنها دارای یك آثارعلمی وصنعتی وارتباط ارکان اجتماعی‌بوده‌اند که توانسته‌اند جهانگیری نمایند ودنیای راقی ومتمدن چیره گردند امااسلام درملتی ظهور کرد که ارکان وجودش بهم‌ریخته وازهرجهت ناتوان بود و درجهان بشریت هم‌ازجهت حیثیت اجتماعی رتبه ومنزلتی‌پست وناچیزداشت آفتاب اسلام در میان چنین‌ملتی پرتوافکن شد و باظهورخود کمتر ازیکقرن بر نیمی‌از کره زمین غالب گردید وصیت‌وشهرتش دراقطارعالم انتشاریافت وطنین‌انداز گردید.

کشورهای پهناوری را گرفته وسلطنتهای‌بزرگی رامتلاشی کرد وقاره‌ها راقطعه قطعه‌نموده‌پیمود وآئینهای قدیمی راکه قرنها وسالیان درازی دوام داشت زیر وزبر ساخت و سلاطین جهانگیر و خراجگیررا درزیرفرمان آورد وروحیه ملل وطوایف رامطیع اراده خود نمود - بطوری که انصاف دهیم هرچه درپیشرفت اسلام وبرتری‌آن بیشتر کاوش کنیم وزیادتر تحقیق وجستجو نمائیم برحیرت و شگفتی ماافزون‌تر میگردد چنانکه دیدیم پهلوان نصرانیت قسطنطین بودو بودائی را «اسوکا»رواج‌داد وهردو قهرمانی توانا وقاهربودند وآئین خودرا باتمام قدرت وشجاعت باجرا گذاشته ولی اسلام آئین خود را بااعلام کلمه «قولوالااله‌الاالله‌تفلحوا» درمیان یك ملت بیابان گرد وطوایف خانه‌بدوش ظاهرساخت وچون سیل‌مهیبی که ازرگبارهای کوهستانی با قهروغلبه جاری گردد همه صحنه نیم کره زمین را زیر سایه دعوت خود گرفت و شگفت‌آورتر ازنظرمورخ محقق این است که مشکلترین و دشوارترین مسائل اجتماعی جهانگیری وجهانداری‌برای مسلمین چنان سهل وآسان مینمود که‌همه‌جا باپیروزی وفتح وظفرهمدوش بود و بسرعت ازبیزانس تا هیمالیا واز اواسط آسیا تااواسط افریقا را زیرپرچم خود گرفت.

آنچه که اسباب تعجب وشگفتی است آن نیروی معنوی ایمان است که پیشوای اسلام در مردم مسلمان ایجاد کرد ونیروئی بودیعت درمیان آنهاباقی گذاشت چون باد وبرق مردم رانشووارتقاداد وبایك جوش وخروش عرب رابرتمام ملل‌حکومت داد وبت‌پرستی ومذاهب زنده دنیای عصررادرزیر پرورش مخصوص خود گرفت - وحالات روحی وعقلی‌آنانرا منقلب نمود یك حرکت عمیق فکری برای‌مردم جهان بوجودآورد وحس‌حکومترا دربشر بیدار کرد.

روزی که اسلام پرتوافکن شد دنیای آشفته ودرهم وبرهمی بود که نیازبیك مصلح بزرگی‌داشت ولذا مردم ناراضی درمقابل‌طوفان اسلام همه سرتعظیم فرودمی‌آوردند وعرب مسلمان‌هم‌با دستورقائد خود بامردم خوب رفتارمیکرد وازخونریزی پرهیزمی‌نمود چپاول وویرانی نمیکرد - ملتی‌پاك‌سرشت نیکخو - شیفته دانش وبینش - فریفته معارف وفرهنك - شایسته نعمت وسروری نوع‌دوست ومهربان

بود - خوشرفتاری - زودمانوس - آمیزش‌اخلاقی - معاشرت اجتماعی - نداشتن توقع - قطع نظراز ثروت ومکنت - زن وتجمل - رهبری بکمال انسانیت - تعمیم عدالت وامنیت - علو ومعرفت سبب پیشرفت اسلام ونشو وارتقای آن درجهان وقبول آن ازطرف مردم رنجدیده ومصیبت کشیده و فقیر و بی‌نوا گردید .

اسلام آن دین روشن وصریح وآشکار عقل مردم راقید وبند ننهاد برخردآنها پرده نمیکشید عرب رادرحالتی که مهیای نهضت و کوشش بودبمنتهی‌درجه بزرگواری‌رسانید وآتش غیرتش راشعله‌ور ساخت وبانواع دانش وبینش وعلم وفرهنك ترقی‌وتکامل داد عربی که بیابان گرد - مستمندوبی‌بضاعت بود روحاً وجسماً درفقرمادی وفقد معنوی میگذرانید یکباره‌ازدنیا ودین‌کامیاب‌شد وبانواع نازونعمت رسید وبااینهمه‌نعمت غروروتکبر آنهارا‌نفریفت‌و کوشش خودرا درتوسعه ونشرعلوم‌ومعارف‌بکاربردند و آراء وآداب تمدنهای قدیم را تکمیل وتهذیب‌نموده‌رواج داد وهرچیز خوب را ازهر کجا بودبدست آورده‌ورونق داد وبصورت پرورده اسلامی‌بجهان برایگان اهدا کرد و بهمین جهات بود که پرورش اسلام برای غرب ومسلمین سبب درخشش عقول‌آنهاشد وبدان افتخار ومباهات کردند و کلمه اسلام چون گوهرتابناکی برتارك حکومت آنها پرتوافکنی می‌نمود وتمدن عمیق وپرثمر مفید آنها کامهای جهانیان وملتهای‌مختلف راشیرین کرد وآزادی وسیادت بخشید . وبمسلمین بشرحی که در پیشوای اسلام نوشته‌ام دستورداد درجنگها برافت ومهربانی‌عمل کنند هیچوقت دست تعدی واجحاف وتجاوز و چشم خیانت بکسی ندوزند .

پیغمبرخاتم‌النبیین ص دفاع کرد نه‌جنك

یکی ازنکاتی که درتاریخ بصورت عکس مفهوم بیان شده موضوع غزوات وجنگهای پیغمبراسلام است که برخی ازنصاری‌مخصوصا گمان کرده‌اند پیغمبر اسلام در سایه جنك پیش رفت کرد در حالی که درمیان غزوات وسرایای اسلام که بالغ‌بر ۸۴ جنك‌بود هیچوقت خاتم‌النبیین ابتدا بساکن‌وبی‌خبر بکسی حمله نکرد ودعوت اسلام روی مبانی علم وفضیلت وعقل‌وخردبوده است وهر کجا باو‌حمله میکردند اودفاع میکرد . **وبرای اصلاح دین وبرقراری تمدن واقامه قوانین‌عدل‌وداد ورفع ظلم وعادات متوحشانه ظالمانه وبیرحمانه زمان جاهلیت قیام مینمود - ودعوتش راباسلاح حکمت و موعظت وپند واندرز و نصیحت شروع کردچنانچه درسوره نحل تصریح شده است وجهادش برای دفاع بود نه‌حملات فتح وظفر - مثلا درجنك بدرکه مشرکین آنهارا سخت درمضیقه وفشارقراردادند. و** رنج داده‌واذیت مینمودندآنهارا تهدیدبتعرض مال‌التجاره کرد تاتنبیه شوند ومتعرض مسلمین نگردند معذلك قافله آنها بمسلمین حمله کردند مسلمین هم بدفاع برخواسته وباتحولی که درجنك رخ داد فتح و ظفرنهائی نصیب مسلمین شد .

درجنك احد قریش حمله بمدینه آوردند که ناچارمسلمین بدفاع برخواستند

درجنك احزاب احزاب قریش وقبایل نجدوغطفان بابیست هزارنفر حمله کردند که مسلمین ناچاربدفاع برخواستند .

درجنك بنی‌قریظه

نقض عهد کردند و برخانه‌های مدینه بغارت حمله بردند که پیغمبر فرمود بدفاع آنهارا محاصره کنید و اگر خواستند جلاء وطن کنند مساهله کنید و همین نظر در جنك قینقاع و بنی‌النضیر اعمال شد که مهیای جنك شدند مسلمین پیش‌دستی نمودند - درجنك خیبر

درجنك بنی المصطلق

چون یهود درجنك بنی‌نضیر جلاء وطن کردند یهودیان خیبر را برانگیختند تا بمسلمین حمله کنند و لذا پیغمبر مسلمین را بپیشدستی فرمان داد و فتح وظفر نصیب آنها شد.

درجنك موته

لشکریان روم وعرب بدشمنی برخواستند که قشونی انبوه حمله کنند پیغمبر ص مسلمین را بپیشدستی ودفاع مامور فرموده و بصلح خاتمه یافت ومسلك پیغمبر درجنگها بدواً دعوت بتوحید و بسط عدل بود ، وتامیشد بصلح ومعاهده و پیمان عدم تعرض خاتمه میداد مگر ناچار بجنك میشد امر بجهاد ودفاع میداد وهیچوقت آغاز بحمله نمیکرد مگر پاسخ حملهٔ دشمن را بدهد ،

امیرالمومنین ع وامام حسن درجنگهای جمل وصفین و نهروان ومدائن هیچوقت مبادرت بآغاز حمله نکردند مگر بدفاع برخواستند .

ممالك اسلامی درقرن اول

پس از طلوع اسلام درظرف ۲۳ سال تا ۱۱ هجری مکه ومدینه و سرتاسر حجاز درسلطه اعراب درآمد ومسلمین درحدود پنج - ملیون بودند که پیشوای آنها ازجهان رحلت کرد وتاآخر قرن اول که اواخر دوره بنی‌امیه است وآل مروان حکومت داشتند فتوحات بسیاری که مهمتر ازهمه آنها فتح دو کشور خراجگیر جهان قدیم ساسانیان «اکاسره» رومیان «قیاصره» بودند که مرکز حکومت چندین قرن آنها بامستعمرات آنها همه بدست مسلمین افتاد - ویورشهای مسلمین در اواخر قرن اول بآسیای صغیر وماوراءالنهر وافغانستان وسعت یافت وحکومت آنها حکومت عربی بود - بعد که بدست ایرانیان افتاد توسعه شگفت انگیزی کردند وقرآن باپرچم اسلام طلیعه پیشرفت مسلمین بود ومردم فاقد علم وفضیلت وامنیت وآسایش ومحروم ازتمدن حقیقی مسلمین را ازجان و دل استقبال میکردند وآنها ازراه تعصب جاهلیت خودداری ازقبول دین میکردند وبجزیه دادن یامالها حرت راضی میشدند چون سلم وصلح اسلام را میدیدند و فضایل عملی مسلمین راباخوی نیکو و پسندیده آنها مشاهده میکردند باقیافه روشن استقبال نموده و برای قبول دین تسلیم مسلمین میشدند .

واکنون وضع ممالك اسلامی را ازطلوع دین تاامروز باجمال بیان میکنیم تاوضع کنونی اسلام را درجهان مشاهده کنیم .

ممالك اسلامی درقرن دوم

خلفای اموی در پیشرفت خود باطراف جزیرة‌العرب مخصوصاً سواحل دریای مدیترانه موفق شدند و مرزهای حکومت اسلامی مرکز سپاهیان مسلمین شد که درسال ۱۱۴ روم شرقی بدست مسلمین افتاد وماوراءالنهر وافغانستان وسند درحکومت مسلمین قرار گرفت .

درشمال افریقاهم روبخشکی پیش‌رفتند واگرچه بین خلفای اموی نفاق وشقاق رخ دادوخلفای عباسی هم بدستیاری ایرانیان زمام را ازامویان گرفتند ولی در پیشرفت دین اسلام موجبات سرعت بیشتری پدید گردید .

امپراطوری اسلام باوج عظمت رسید : درغرب وشرق بنی‌عباسی و بنی‌امیه کاخ تمدن اسلامی را براساس استواری تحکیم نمودند .

چیزیکه دراین سرعت کمك بسزائی کرد دخالت ایرانیان دروزارت عباسیان بود که دایره‌علم وفرهنك رابنهایت‌بسط خود رسانده وامپراطوری‌اسلام‌کارش بجائی رسید که هارون‌الرشیدبابرخطاب کرد ببار هر کجا بباری بکشور من باریدهٔ - بآفتاب میگفت بتاب هر کجا بتابی بمملکت اسلام تابیده‌ای وزبان عربی را بینهایت بسط دادند و برتمام شئون اجتماعی و سیاسی و علمی جهان چیره گشتند .

ابوتمام شاعرمعروف دروسعت کشورهای اسلامی‌میگوید:

الصین منظوم باندلس الی   جدران رومیة فملك زمار

یعنی حکومت اسلام ازسمت مشرق تاچین وازطرف مغرب تااندلس‌وازشمال تاروم وازجنوب تابلا دیمن وجنوب بحراحمررابهم پیوسته است .

وحقیقت این‌است که این مملکت‌ازنظر اقتصادهم پیوستگی‌کامل داشته که موادخام وموادطبیعی وننایج حاصله استخراج محصولات دینی ودرختی ومنابع معدنی را هر کجا کسر بود بجای دیگر که مورد نیازبود میفرستادند و هیچگاه درمضیقه مالی واقتصادی و مواد غذائی و مسکن و ملبوس وغیره نبوده‌اند - زیرا وحدت حکومت مطلقه و امپراطوری باعظمت معنوی اسلام آنهارا بی‌نیاز از این جهات نموده بود ،

ممالك اسلامی دقرن سوم

سپاهیان نیرومند عرب در این قرن بدریاها دست یافتند و از دریای مدیترانه بحدودپروانس وصقلیه وکرت پیش رفتندواگر چه امپراطوری‌عباسی تجزیه شد ولی قدرت مسلمین درپیشرفت وقفه نیافت دولتهای کوچك درهرمنطقه شروع ببیشرفت کردند وایران مستقل شدوبدنبال آن‌ممالك دیگرهم تجزیه یافت ولی ازنظردین وحدت ملی خودرا حفظ کردند .

موضوع مهم‌نهضت علمی مسلمین بود- که ترجمه کتب قبل‌از این قرن سبب تاسیس کتابخانه های عمومی گردید وعلوم یونانیان سریانیان - هندیان - ایرانیان - قبطیان - رومیان همه بعربی ترجمه‌شدوتوسعه یافت.

بیت‌الحکمه - دارالحکمه - دارالترجمه - کتابخانه های بزرك اختصاصی وعمومی درکاخها و مدارس ومساجد وشهرها تشکیل گردید.

علوم ریاضی مثلثات نجوم - هیئت و هندسه - فلسفه - طبعیات و ادبیات معدن شناسی - نبات شناسی - شیمی وچشم پزشکی - جراحی وغیره همه بصورت کتب مدونه درآمد وتنظیم وتدریس و تعلیم وتعمیم یافت،

از همه مهمتر روابط تجارتی بین ملل اسلامی بود که تحکیم‌یافته الفت وارتباط سیاسی وعلمی مشترکی پیدا کردند .

ممالك مسلمين درقرن چهارم

مسلمين دراين قرن بافريقا راه يافتند و در كشور های ديگر وحديث ولغت پرداختند .
خلفاى فاطمى درتونس ـ وخلفاى اموى در اسپانيا تمدنى بزرك تشكيل وفرهنك ولغت اسلامى راتوسعه دادند.

درقرن چهارم قدرت سياسى ولشكرى مسلمين غرب وشرق را احاطه كرد ومسيحيان رابعقب راندند ودرافريقا پيشرفت نمودند.

فرهنك معمارى را بعظمت و جلال رسانيدند علماء راتعظيم كردند ـ خلفاى فاطمى كه شيعه بودند داعيه خودرا درسايه شمشير حمايت ميكردندقرامطه را بيرون كردند.

معارف وفرهنك اسلامى مردانى بزرك چون مسعودىجغرافى دان طبرى مورخ متنبى شاعر ـ فارابىحكيم و فيلسوف ـ ابوالفرج اصفهانى ـ ابن نديمرجالى ابوالوفاء منجم ورياضىدان ـ ابوالقاسم جراح ـ على بن عباس طبيب ، اشعرى متكلم وبزرگانى ازفقها مانند سيدرضى ـ سيدمرتضى . شيخ صدوق بظهور رسيدند ويك‌نهضت عميقى در علم ودانش بوجود آوردند و دنيارا بخود متوجه كردند درتمام‌علوم‌وفنون بكمال تمدن رسيدند.

ممالك اسلامى درقرن پنجم

جنبش جهانگيرى و نهضت علمى مسلمين در اين قرن درنهايت قوتو قدرت پيشرفت نمود مسلمين ازدوجانب دنياى اسلام از طرف عشايروقبايل و شورشها و جنبشهاى سخت ايجاد كردند وپيشرفت نمودند.

قبيله نقابدار طوارق كه درناحيه صحرا سكنى داشتند مسلمان شدند ونام مرابطين را اختيار مراكش رافتح نمود ارتنگه جبل‌الطارق گذشته مسيحيان اسپانيا راد سال ۴۷۹ درزلاقه شكست‌دادند امراى كوچكى را كه وارث دولت امويـان اسپانيا بودند مطيع ساختند سپس بجنوب پيشرفتند امپراطورى سياهان غانه را سرنگون كردند وافريقاى باخترىروز افزون بدين اسلام گرويدند

ازطرف ديگر سلاجقه ازسمت جنوب پيشرفت نمودند ودشتهاى تركستان وسراسر ماوراءالنهر وآسياى صغير مسلمان شدند.

ازجانب ديگر محمود غزنوى بطرف هندوستان پيش‌رفت وبت‌شكنى اوآغازشد واسلام درقاره هند نفوذ يافت.

ازناحيه ديگر علماءِبزرك بظهور رسيدند ابن‌سينا : غزالى ، ابن‌يونس منجم ، فردوسى طوسى حكيم عمرخيام و كرخى رياضىدان وغيره بانهضت علمى‌پيش ميرفتند.

ممالك اسلامى در قرن ششم

دراين قرن تحول داخلى سلاطين اسلامى شروع شد بطورى كه موحدين جاى مرابطين وايوبيان جاى‌فاطميان وخوارزمشاهيان جاى سلاجقه و عوزيان جاى غزنويان را گرفتند و صليبيون هم بكوشش بيهوده خود ادامه ميدادند.

گرجستان رامسيحيون وماوراءالنهر رابت‌پرستان ازتصرف مسلمين درآوردند كه درقرن بعد هردو قسمت مسلمان شدند دراين قرن مسلمين درافريقا پيشرفتى شايان نمودند .

دراين قرن دراسپـانيا مسلمين نهضتى بزرك براساس علم وفضيلت بوجود آوردند كه تمدن و

فرهنك دنیا را روشن نمود و برنهضت عادی مسلمانان شرق تفوق وبرتری یافت زیرا پیشوای این نهضت پزشکان و فیلسوفانی مانند ابن‌رشد وابن طفیل وابن زهره بعهده داشتند و مترجمین متعدد مانند ابن‌میمون وابی‌بن عزرا که هردو حکمی بودند دست پرورده مسلمین بود وخدماتی شایان به معارف وفرهنك نمودند وصقلیه واسپانیا مظهر تمدن اسلامی مغرب گردید.

ممالك اسلامی درقرن هفتم

آغاز حمله مغول وویرانی و کشتن وسوختن و آتش زدن ورفتن بود چون مغولان مسلمان شدند دین‌اسلام بافتوحات آنها توسعه یافت وسلسله‌ها برافتادند تاآنها سلطنت مطلقه‌یافتند. مسلمانان در غرناطه، قرطبه بشمال افریقا تسلط داشتند که صلیبیون چشم‌بر آنها دوخته وقسطنطنیه راغارت کردند وبمصر تاختند ولی مایوس برگشتند سلاجقه روم سپاهیان روم‌شرقی رااخراج نمودند.

دراین قرن آشوب فراوان‌در کشورهای اسلامی رخ داد وضربه های محکمی برپیکر ممالك خاورمیانه مخصوصاً ایران وماوراءالنهر وارد شد که باید گفت هنوزهم جبران‌نشده‌است فقط‌چیزی که اهمیت یافت موضوع پیشرفت علمی مسلمین وتحکیم مبانی مدنیت آنها بود که بااستعداد کافی مغزی خود درعلوم طبیعی وبیطاری وطب و گیاه شناسی وریاضیات وفیزیك وشیمی وتاریخ و جغرافی عرفان، ادبیات باوج کمال رسیدند.

ممالك اسلامی درقرن هشتم

مغول در قرن هشتم بممالك خاور و مناطق مسلمین حمله کرد و چون درحمله خود هدف نداشت جز ویرانی و کشتار نتیجه نگرفت بعد هم در قرن هفتم آنها همه مسلمان شدند وتاحدی جبران آن وجبران آن ویرانی و انهدام را نمودند مغولان و وایلخانان ایرانی بروسیه تاختند وآنجارا متصرف شدند واسلام‌را درروسیه بسط دادند وتر کستان مسلمان‌شد وباآنکه چندبار مظاهر اسلامیت رامتروك گذاشت بازباسلام برگشت.

ماوراءالنهر رسماً مسلمان‌شد تحولات سیاسی اسلام جزپیشرفت سریع چیزی‌نداشت.

ابوالفدا مورخ معروف و نویری دانشمندان عصر و العمری جغرافیا نویس مینویسد از فنون مختلف علمی مسلمانان اوج گرفتند و ریاضیات، طب بکمال ترقی رسید و مسلمین بتمدن جهان خدمات شایانی نمودند.

ممالك اسلامی‌در قرن نهم‌هجری

غلبه امیرتیمور کورکانی پس‌ازحملات چنگیز وخانان مغولی بار دیگر ضربه بسیار سختی بر کشورهای اسلامی زدوهمچنین ادامه داشت تاظهور صفویه که آنها تاحدی تدارك و جبران کردنـد و ویرانی‌های تیموری راوتعمیرواصلاح نمودند امیرتیمورامپراطوری عثمانی را دراسیای صغیرمنکوب نمود وقسطنطنیه رادرسال ۸۵۷ گرفت و دراروپا نیزمتصرفاتی بدست آورد که اورا بزرگترین مهاجیم جهان میخوانند این قرن ترکان وترکمانان ـ مغولان ـ تیموریان برخاور وقسمتی ازباختر غلبه وتسلط داشتند.

ازبکان برای صفویه پس‌از تیموریان زحمتی فراهم کردند ولی شاه‌عباس آنهارا تار ومار کرد از نـکات برجسته ایـن قرن ظهور سلطنت رسمی تشیع در ایران بزرك است کـه بدست صفویه تجدید شد.

درنقاط دیگرجهان حوادث مهمی رخ نداد غرناطه درسال۸۹۷ بدست مسیحیان افتاد وسلطنت درخشان مسلمین درآن ناحیه درهم پیچید .

مصرزیرفرمان‌ممالیك اداره میشداسپانیا وپرتقال‌درسواحل مراکش درپایگاههامستقر گردید بالکان نصیب عثمانیان شد وبجای تیموریان حکومت آنرادست گرفتند .

ممالك اسلامی درقرن دهم هجری

درقرن‌دهم اروپا مسخرعقاید وافکار وعلوم وفنون اسلامی گردید وبقول یکی از مستشرقین «هاری‌هازارد» میان تمام مسلمانان مردی که اروپائی را بیش‌از همه تحت‌تاثیر خویش قراردادسلطان سلیمان قانونی دهمین پادشاه عثمانی است پدرش سلیم‌خان اول ممالیك را متلاشی و نابود ساخت ومصر وعربستان باختری را بامپراطوری عثمانی ضمیمه کرد.

وخودش روس ـ مجارستان را دراروپا وعراق وشمال باختری ایرانـرا درآسیا مسخر نموده برالجزایر وتونس وطرابلس‌وسربانیك‌درافریقا حکومت یافت ـ پسرش‌سلیم‌خان دوم قبرس‌بفتوحات خود اضافه کرد امپراطوری عثمانی دراین قرن درقدرت وشهرت باخرین نقطه قوس صعودنائل گردید وملل مسیحی را بوحشت انداخت‌درعین‌حال روسیه هم رقیب امپراطوری عثمانی شد صفویه هم‌قدرتی یافتند وعالم تشیع‌را بجهانیان معرفی کردند ـ ثروت وقدرت وعلم وهنروصنعت دست مسلمین بنهایت رسید وحوزه اسلامی آبروئی یافت ودرهندوستان اسلام توسعه وپیشرفت نمود درروسیه هم‌روزافزون مسلمین افزونی‌یافتند.

ممالك اسلامی درقرن یازدهم

عصر آرامش مردم مسلمان درممالك اسلامیرا باید قرن یازدهم دانست زیرا ترکهای عثمانی وبقول اروپائیان ترك وحشتناك‌در نظرداشت اروپارامتصرف گردولذا بممالك‌آسیائی‌خیلی‌مزاحمت نمیکرد ولذالهستان راگرفت وین رامحاصره نمود . مجارستان و پوزولیا را مطیع ساخت ـ اماروسیه بآنهاچشم طمع دوخت وافریقاهم کم کم ازاطاعت عثمانی‌خارج شد ـ وقسمتی‌هم باصفویه برسرایران مصاف دادند تاصلح کردند .

ممالك دوردست آسایش داشتند وکمترضرردیدند مراکش ـ صحرا ـ افریقای مرکزی حبشه الجزایر ـ هرموز ـ سقوطره ـ عمان وسواحل‌خاوری افریقاهم درآسایش بودند وبسیاری ازقبایل‌خاور مغولها وازبکها وعشایر وطوایف قزاق‌وقرغیز وغیره باسلام‌گرویدند .

درقرن یازدهم اسلام‌بدون هیچ تبلیغ خودبخود مانندآب جای خودرا بازکرد وقوانین طبیعی او که باعقل وبرهان وآسایش ورفاه انطباق داشت‌مورد قبول بسیاری ازمردم دوردست ازتمدن‌درآسیا وافریقا قرار گرفت .

ممالك اسلامی درقرن دوازدهم

ممالك اسلامی درقرن دوازدهم باممالك مسیحی همسایه بودندو ارتباط ازنزدیك پیدا کردند وتقریباً دراین قرن آرامشی بود ـ عثمانی‌هاقدرتی داشته وتاتارهاازروسیه بیرون‌رانده شدندعثمانیها آنچه ازبالکان ازدست داده بودند پس گرفتند . مصررا ناپلئون فتح کرد ولی‌جداً تحت‌تاثیر تمدن وقدرت وعلم اسلامی قرار گرفت و مصمم شدکه مسلمان شود و چون مسلمان شدن اوباآن قدرتی که داشت موجب بیم انگلستان شد بانهایت کوشش اورا گرفتند

درجزیره سنت‌هلن زندانی کردند وملل اروپائی متفق شدند برتلاش وشکست و اسقاط امپراطوری عثمانی که جای خلافت عباسی را گرفته بود — و لذا بهانه‌های رقابتی ملل اروپائی از یکطرف وسازشهای سیاسی ازطرف دیگر مقدمه جنگهای بین‌المللی وبرانداختن عثمانی‌ترك شد.

دراین قرن ایران هم پرآشوب گردید و افغان وماوراءالنهرهم انقلاب شد و نادرشاه تاحدی باین سروصداها خاتمه داد ولی چون هدف ثابتی نداشت وکارش بجنون کشید ازاین لشکرکشی و جهان‌گیری استفاده نکرد بلکه عواقب وخیم‌تری نشان داد.

یکی‌دیگر ازضربه‌های غیرقابل جبران که برپیکرممالك اسلامی وارد شد تاخت وتاز روسیه در حوزه‌های اسلامی بود که دراروپا وآسیابسط دادوقسمت اعظم دشتهای‌قرغیز راتسخیرکردو گرجستان ضمیمه روسیه شد وبعدهم قفقازیه راتصرف کردند.

ازپدیده‌های سیاسی این عصر نامهای تازه‌ایست که درخاورپیداشد وپدیده افکار ملل مسیحی برای استعمار واستثمار بود مانند — غلزانی - درانی - درافغانستان — وهابی در عربستان - اتاترك درترکیه — وغیره -

ممالك اسلامی درقرن سیزدهم و چهاردهم

ممالك اسلامی دراین تحولات اخیر پس‌ازجنك دوم جهانی‌بیدار شدند وآنهارا میتوان بدودسته تقسیم کرد یکقسمت کشورهای همدوش ملل اروپائی درتمدن و یك قسمت کشورهای عقب‌مانده وتوسعه نیافته‌ازتمدن کنونی جهان که زندگی‌آن مبنی‌بر گردش چرخ متوریست میباشد.

کشورهائی که خواستند همدوش باکشورهای مترقی شوند لیاقت وقدرت وعلم وصنعت خود را بروزدادندوباهمه دشواری که درتغییرخط سیرخودبود باملل راقی همدوش شدند وا کنون‌نمیخواهم بگوئیم که این قبول تحمل برای همدوش شدن درست بود یاخیر در هرحال دوش بدوش قبول همه تعهدات مسیحین وغیر مسیحی رانمودند تااز مزایای تمدن کنونی بهره‌مند باشند وبرای نیل باین مزیت کشور های خاور نزدیك مستقل شدند ودر سیاست جهان مقامی‌که باسایر ملل جهان یکسان مینماید ولی درحقیقت خطیر و لغزنده است بدست آوردند ولی عوامل مختلفی مانع‌وحدت دینی آنهاشد.

اتحادیه عرب که درسال ۱۳۶۵ تاسیس گردید بمنظور هماهنگی برای ضد اسرائیل‌است‌که سیاست اروپائی آنرا بوجود آورد تاپایگاهی برای جلوگیری از خطرات احتمالی باشد و همین اتحادیه هم بسبب دسایس سیاسی حفظ منافع اروپائی هنوز وحدت واقعی بدست‌نیاورده‌است.

کشورهای دیگر اسلامی اندك اندك از ترقیات بـزرك بهره‌مند میگردندوسبب‌آن‌وجودنفتی است که‌درسرزمین آنها بدست آمده اگرچه‌علوم وصنایع را از دست دادند وایمان بکار و کوشش در آنها ضعیف شده ودشمن‌هم عوامل نفاق وتفرقه راتشدید میکند تابتواند حکومت خودرا برآنها در سر وعلن ادامه دهد.

اما باهمه این مشکلات تاآنجاکه قدرت داشته و شرایط زمان ومکان ومقتضیات بآنها اجازه داده دررفع موانع وابراز هنروصنعت وتعمیم وتعلیم وتربیت واحساسات وغرایز فطری مبارزه کرده ونهضتی براساس حرکت تکاملی نموده‌اند.

علت بی نصیب ماندن آنها ازهمه شرایط ترقی وسبب عدم موفقیت کامل توالد وتناسل روز ـ افزون بدون تقویت بنیه اقتصادیت که آنهارا بکندی پیش میبرد وباید متحمل رنج فراون برای امرار معیشت زندگانی خود بشوند ویك نکته قابل توجه دیگر است که سیاست مرموز غیرمرئی مانع ازآزادی وفراغت وترقی وتکامل آنها میگردد.

ودشمن بانواع وسایل نیروی کاررا درآنها عقیم میسازد تا نفوذ سیاسی برقرار بماند ـ آنچه حس میشود درایران وممالك فارسی زبان این سیاست بشدت حکمفرماست که ازمنطوق فرق تسد سرچشمه گرفته وبهرنحو میسر است دامن رجال وخدمتگذاران راآلوده بتهمت ودروغ ودزدی وافترا میکنند وتهی مغزان فرومایه رادر صف آنها بلکه برآنها سلطه میدهند تاوضیع وشریف شناخته نشود وبا بهانه های خرافی نسبت بعقاید وافکار مذهبی هرطایفه راعلیه دیگری تحریك نموده وشعائر ملی هر دسته را بنام دسته دیگر مسموم کرده درتاریخ وادب آنها سمپاشی نموده اند وبا مجموع این حرکات که برای معاصرین خردمند روشن وآشکار است.

مسلمین خاورمیانه ومخصوصاً ممالك فارسی زبان را ازاستعداد ولیاقت ذاتی خود محروم داشته ومیدارند ونیروی کفایت ذوق آنهارا عقیم نموده اند ودرنتیجه از فضایل دین اسلام و تعلیمات عالیه اسلامی محروم مانده که نه مانند ملل اروپائی از نعیم دنیا بهره مند هستند و نه چون مردان روحانی آسمانی مسلمین ازنعیم دنیاوآخرت بهره میبرند.

اماسرمایه اجتماعی و اقتصادی کشور های اسلامی امروز نفت است که آنهم کاش نبود زیـرا برای دیگران نان وسعادت است وبرای ما وبال ونکبت شده زیرا برسر این طلای سیاه چه خونها کـه ریخته شده وچه خاندانها که متواری وتبعید وبرافکنده گردید وچه سلاطین نامداری که زندگی آنها ملکوك شد وبدنام ومحروم ازدنیارفتند ودرنتیجه سیل منافع بتدابیر حیله آمیزی تحت عناوین قوانین نفت که قسمت اعظم آن دست خودشان است ببانك های انگلیس وامریکا رفت ومیرود ورنج ومحرومیت آن نصیب اینملت هامیگردد

مناطق نفت خیز عراق که دست انگلیس وامریکا وفرانسه وهلند است.

نفط ایران کـه درسال ۱۳۳۰ می شد و دست کنسرسیوم که شرکت مسیحی و اروپائی است اداره می شود.

نفت کویت که بدست انگلیس وامریکا میباشد.

نفت عربستان سعودی وبحرین که بدست امریکاست.

نفت بادکوبه که بدست روسهاست.

این چند معدن نفط نصف نفت دنیارا تشکیل میدهد که اگر استخراج صحیح باشد قسمت اعظم نفط جهان راتأمین مینماید.

ولی چون کار دست ملل اروپائی بود بخل ولئامت ورزیده اند که مسلمین دراین استخراج معادن راه یابند یااز اسرار وروش ونیروی آن استفاده کنند وحتی از استخراج معادن فلزات وعناصرهم در باطن جلوگیری میشود که خود مسلمین عمل نکنند مبادا روزی قدرت اقتصاد ونیروی اختراع ازدست آنها گرفته شود،

لغات ممالك اسلامی

ممالك اسلامی از گـذشته دارای ۳٤ کشور بود که شامل ملل عرب ، فارس ، ترك - کرد : مغول ، تاتار - افغان ، هنود - ارمنی سریانی، کلمان‌روهی، قبطی، بونهٔ ، بربری ، سودانی و غیره گردید که بعربی وفارسی و پهلوی وهندی‌وسریانی وترکی و کرری وارمنی وقبطی وبربری وغیره تکلم میکردند ولی‌لغت عرب دردرجه اول بود ودرشام ومصر ومغرب اقصی‌لغت رسمی گردید.

سایرملل‌هم لغت‌عربی رابلغت خودشان آمیختند مانند لغت‌فارسی، ترکی، هندی ، افغانی که اکثریت لغت آنها عربی است .

مثلا درفارسی بیش‌از ۶۰درصد دراردو ٤۰درصد درافغانی وترکی ۵۰درصد بهمین ترتیب‌لغت عرب برلغات اصلی‌آنها غالب‌آمد.

اکثر ملل آسیا و افریقا مکاتبات خود را بحروف عـربی مینویسند و هنوز هم این لغت ادامه دارد .

چنانچه ملت‌هند، افغان، بومی، سیامی، چینی، تبتی،ژاپونی، کردی ، ملقی- فارسی - ارمنی وعربی همه درسیطره‌اسلام‌بودند .

اسلام درتاریخ

الاسلام یعلوا ولایعلی‌علیه حدیث نبوی

روزیکه آفتاب اسلام پرتو افگن‌شد محیط تاریك وپرآشوبی سرتاسر جهان بشریت را گرفته بود- علم‌ودانش کمتر وجود داشت بیشترمردم پیرامون سحروجادو جن گیری، رمالی، اخبار رهبانان و کهنه میکشتند،

بارزترین فضیلت علمی نظم ونثر درعرب بود، ایران وروم هم‌در رباضیات وطب دستی داشتند ولی آلوده برذالت اخلاقی وفساد گشته‌بود.

ملل اروپاهم تمدنی نداشتند از امریکاهم نامی‌نبود و مردم افریقا هم چون بـدویان اولیه زندگانی‌میکردند.

کاخ تمدن بشرمتزلزل وویران ومنهدم شده‌بود کشور آسیاخاورمیانه بیشتر دستخوش‌تمایلات جنحه وجنایت ومخصوصاً عربستان که مسیر قافله تجارت ازشرق بغرب بود محیط غارت و چپاول و ناامنی وجهالت وگمراهی وضلالت گردیده مردم‌بهم بدبین‌بودند هیچکس اطمینان بدیگری‌نداشت اگردو زارع میخواستند درزمین زراعتی خود کار کنند از بیم‌آنکه مبـادا دیگری پیشدستی کند و اورا بزند همواره مراقب یکدیگر بودند.

همین محیط بود که دختران رازنده زنده بگور میکردند وبرای نیل‌بیك چیزی یاه‌قامی‌پسران راقربانی‌بتهامی‌نمودند،

همان محیط تاریك بود که علمای آنها کهنه ومرتاضین یهود ونصاری‌بودند وسرنوشت خودرااز آنها میخواستند دراین ظلمات پرآشوب وافق تاریك خطرناك ناگهان نوری تابیدن‌گرفت وازمشرق شعب ابوطالب پرتوافکن گردیده وبایك زندگی روشن وبافضیلتی که ازنیکوسیرتی واخلاق فاضله و سجایای ملکوتی سرچشمه‌گرفته بود چهل‌سال ناظر محیط‌زندگی اجتماعی مردم بود و پس‌ازآنکه ماموزشد بمردم اعلان خطر کند وعاقبت‌این زندگی تدریجی رابرای آنهاتشریح نماید شروع‌بتعلیم وتربیتی‌نمود ومکتبی ازفضیلت واخلاق کشور که روزگار ندیده‌وگوش بشر نشنیده همان مردم‌بوجهل

۱- تاریخ تمدن جرجی زیدان ص۹۸ ج۱

صفت را که عناد ولجاج میورزیدند وبااختلاف ونفاق آتش فتنه را دامن میزدند دراثرانفاس قدسیه آسمانی خود چنان رام وتربیت نمود که همان مردم رهبرسایرین ومشعل‌دار تمدن جهان گردیدند آموزش وپرورش‌اسلام براساس فضیلت‌وتقوی بود - تربیت‌دینی اسلام روی حضورقلب وعقیده‌برمبداء ومعادبود وهر کس دراینراه پرهیزکارتر واستوارتر باشددربارگاه الهی مقرب‌تر ودارای مقامی‌رفیعتر خواهد بود .

ده سال گذشت تا۳۱۳نفرازاین‌مکتب بیرون آمدند وبراستی ودرستی درعقیده وایمان‌استوار ونیرومند گردیده بودند دراین‌تاریخ مهاجرت بمدینه کردند وآغازفعالیت تبلیغاتی دین اسلام‌شروع شد فرمان جنك صادرشد ولی شمشیرباموعظه واندرزونصیحت که بنام امربمعروف ونهی‌ازمنکردرسایه کلمه «قولوالااله‌الاالله»تفلحواتعلیم میشد پیشرفت کرد ازاول هجرت تاسال هشتادم اسلام روزافزون درحال پیشرفت بود وحقیقت هشتادسال مسلمین مانندیك جامعه غیر قابل تزلزل واراده تغییر ناپذیر بجهانگیری وپیشرفت ادامه دادند تاقسمت مهم‌دنیای بشریت آنروزرا تصرف کردند این جهانگیری اسلام مانند سایرملل فاتح نبودبلکه درهر کشور وسرزمینی مسلمین قدم میگذاشتند **درسایه‌فضیلت اخلاقی وتربیت مهذب پاك آسمانی وحسن نیت ونیکخواهی برقاب آنمردم جامیگرفتند** سلطنت مسلمین برمسند قلوب مردم بود وسریر فرمانروائی آنهادلها بود زیرا آنچه راکــه آورده بودند چیزی بود که بشرمانند گمشده درتفحص‌وجستجوی آن شهربشهر ودیاربدیارمیگردید سلمان فارسی ازاین طبقه است مسلمانان جانب آنهارا همیشه داشتند وسپاه خودرا از دلهای مردم تشکیل میدادند - بشرسر گشته وحیران که درآن فضای‌تاریك وسطح ضلالت‌بارقه ازعلم ودانش میدیدوستارهٔ ازاخلاق وفضیلت مشاهده میکرد بی‌اختیار تسلیم آن میشد وآئین پاك دین اسلام‌را دردل خود چون جان شیرین پذیرفتند وحفظ کردند.

پرفسورتوین‌بی استاددانشگاه لندن در کتـاب تحولات خاورمیانه مینویسد دین اسلام بردنیای مغرب چندین‌بار غالب گردید وآنکشورهارا تحت سیطره عوامل خود اداره میکردند اولین‌برخورد بین‌اسلام ومغرب‌زمین زمانی بوقوع پیوست که هنوزتمدن مغرب مراحل طفولیت خود را می‌پیمود و بسیاری ازمردم آنکشور بحال توحش میزیستنددین‌اسلام کاخ تمدن خودرا براساس آئین‌علم‌وفضیلت استوار کرده ودنیای عرب تمدن ومذهبی مشخص داشت ودراوج قدرت بود .

اعراب بتازگی مهدتمدن خاورمیانه راکه ایران وروم بود فتح کرده بودند وبامتحد ساختن آن دورقیب ودشمن خونی که سالهاباهم می‌جنگیدند درصدد برآمدند امپراطوری بزرك روم‌وایران را بدولت خلافت اسلامی پیوسته یك دولت واحدی تشکیل دادند دراین‌راه موفق شدند وبر کلیه عالم حکومت کردند دراولین برخورد مسلمین تقریبا نیمی‌ازمسکن وماوای مغرب‌زمین‌را فتح کردند وفقط کمی باقی‌مانده بود که زیرسلطه خود درآورند .

درهمان روزگارافریقای شمالغربی- شبه جزیره ایبری«یعنی‌شبه‌جزیره‌اسپانیا وپرتقال کنونی» رامسخرنمودند وتحت‌اراده وزیرنظراداره اسلام گذاشتند- دومینایـار مسلمانان دریکقرن ونیم‌پس‌از این پیشرفت هنگامی که‌تمدن مغرب دراثرسقوط امپراطوری «کارولژین» دوچار وقفه شد بازمسلمان ازراه دیگری که پـایگاه محکم‌افریقابود باروپا حمله کردند وچیزی نمانده بود که ایطالیا رامسخر کنند- دراین دوحمله اسلام آئین‌پاك خودرا بافضیلت‌اخلاقی وروش‌پسندیده دردل مردم اروپا گذاشت وقرنها باهم آمیزش داشتند .

دراین آمیزش آثار برجسته کاخ تمدن اسلام که بصورت مساجد و مدارس و دانشگاه های بزرگ مشحون از قدرت علم و صنایع مسلمین بود در کشورهای اروپا بپا داشتند که تاکنون هم مانند ستاره درخشان زیبائی خودرا حفظ کرده و نمونه بارزی از علم و تمدن و فضیلت و مقام انسانیت مسلمین را نشان میدهد.

ملل اروپا تمدن اسلام را گرفته وعلوم ودانش آنهارا سرمشق زندگی قرارداده شروع بتوسعه دادند وچون تمدن آنها ازخطرخاموش شد ودارای نیرو و قدرت گردیدند و ازطرفی عوامل ضعف دولت امپراطوری اسلام پدیدار گردید و ازاوج عظمت روبانحطاط گذاشت مردم مغرب در امتداد جبهه‌ای ازسرتاسرمدیترانه تاشبه جزیره‌ایبری وسیسیل تشکیل دادند وبمسلمین تاختند و جنگهای صلیبی در گرفت باآنکه‌مسلمین ازدوجبهه باروپا حمله کرده بودند ازبین‌رفت امادرنتیجه این جنگهاچون اسلام بافضیلت علمی واخلاقی دردل مردم‌جا گرفته بود و خردمندان تشخیص داده بودند سرموفقیت بشر درقبول اسلام وتقویت ونشرآئین اسلام است بسیاری‌ازمهاجمین مغرب وآسیای مرکزی مسلمان‌شده وفرنگیها را بعقب راندند فقط نتیجه جنك‌این شدکه سیسیل واندلس جزوخاك مغرب‌زمین شدولی دنیای اسلام نفوذ معنوی خودرا بیشترتوسعه داده ونتایجی بزرك اقتصادی و فرهنگی گرفت که بسیار مهم وقابل‌توجه گردید.

دراین جنگها مسلمین‌ازنظر امپراطوری شکست‌خوردند ولی ازلحاظ اقتصادی وفرهنگی‌فیروزی بزرگی نصیب مسلمین گردید زیرا نفوذمعنوی اسلام‌درقیافه صنایع وعلوم و کتب وآداب درسرتاسر مغرب جا گرفت ودنیای‌اروپازیرسلطه معنوی مسلمین وعلوم وفنون آنها اداره میشد. وهرقدربمرور ازمنه ملل اروپا برای محوونابودی اسلام کوشیدند نه تنهاسودی نبردند بلکه موجب بیداری افکار جهانیان وتوجه بتمدن وفرهنك اسلام گردید - سرزمین مسیحیان قرنها درسلطه امپراطوری اسلام بود - قرنها هم درزیرنفوذ معنوی علوم وفنون اسلامی بود.

«وتادوسودرسالهای اخیرازهمان منابع کاخ تمدن خودرا استوارکردندودرکتاب (میراث) دوازده نفرازعلمای بزرك اروپا تایید کرده‌اند که سرمایه مدنیت اروپاازاسلام است وملل متمدن غرب وارث علوم وفنون اسلامی میباشند»

این مستشرق مینویسد بارسوم که جنك بین اروپا و ملل اسلامی شروع شد دررود دانوب بود که مسلمین حمله کردند ومسیحیان وضع دفاعی بخود گرفتند دراینموقع دول مغرب تفوق خودرا بر دریاها تسجیل نمودند بردنیاسلطه پیدا کردند- مسیحیین پیش‌بینی میکردند که باتفوق و جهانگیری شگفت‌آوری که مسلمین نمودند ممکن است از سلطه که بردریاها دارند امریکارا هم کشف کنند و باتسلط بردریاها خودبراین کشف موفق شدند واندك‌اندك بمیراث مسلمین یعنی‌هندوستان اندونزی افریقای استوائی‌روآورده وبمحاصره‌مسلمین پرداختنداین‌حمله بین تمدن اسلام وتمدن دنیای‌جدید که هنوزهم ادامه دارد مواجه بمبارزه سختی گردید وملت غرب درمقام برآمدند که دنیارا فرنگی- مآب کنند ودولت واحدی درزمین وهوا ودریا بوجودآورند وبردنیا سلطنت کنند.

ملل مغرب‌زمین همان رویه مسلمین را گرفتند وممالك اسلامیرا تحت‌سیطره‌آوردند و باتخم نفاق واختلاف آنهاراازهم جدا کرده وبرسایرممالك وارث تمدن اسلامی شدند وبرمانندهندوستان دست یافتند - مستشرق مزبور میگوید کاملا مشخص و معین شده که **اروپائی بمعنی اعم قصد دارد**

دنیا را (اروپائی نماید) و اینموضوع شایان اهمیت فوق العاده است و کاملا این مطلب جالب - توجه می‌باشد.

ازاین لحاظ مجدداً اسلام بامغرب‌زمین که این بار پشت بدیوار دارد مواجه گشته است ولی ایندفعه اوضاع واحوال بروفق مراد دنیای اسلام نیست زیرا مغرب زمین نه فقط از لحاظ تسلیحات بلکه درفن زندگی اقتصادی که نیروی نظامی متکی بدانست وبالاترازهمه از لحاظ فرهنك یعنی‌همان قوه درونی که موجد تعلیمات خارجی است وتمدن نامیده میشود براسلام تفوق دارد.

مردم موردحمله مدنیت‌غربی دودسته بودند یکدسته آنهائی که قبول تمدن‌جدید رامیکردند ویکدسته آنهائی که حاضرنبودند وقعی باین تمدن‌بگذارند - دراین‌حملات فرق مهاجمین‌غربی بامهاجمین اسلامی این است که مسلمین‌تمدن وعلم وفرهنك‌وفضیلت بجاگذاشتند وممالك‌غربی رذایل اخلاقی وشهوات‌وتخیلات ونتایج وخیم وآثاردردناکی ازخود باقی‌گذاشتند.

ترکیه ازآنهائی‌بود که قانون اساسی خودرا تغییرداد وضمانت دفاع دین اسلام را انکارکرد و پشت‌سراو حجاب زنان رابرداشت لباس را فرنگی‌نمود وحروف عربی رابلاتین عوض کرد وایرانرا بدنبال اوبردند وافغانستان را ازتعصب ملی منصرف کردند ودوعامل قوی برای اضمحلال این ملل بکاربردند که عبارت بود ازقمار والکل - ولی چون روح اسلام که بااین مواد مخالف بودتمام اعمال آنهارا خنثی کرد بنابراین اختلافات غربی واسلامی روح معنوی دین‌اسلام باتمدن مادی غرب بـاهم قرنهاست مبارزه میکنند وغیرقابل تردیداست که درگذشته وآینده نزدیکی اسلام نفوذمعنوی وموثر خودرا برجامعه متمدن مادی مغرب‌زمین وارد خواهد کرد وممالك اسلامی بازبحال اول‌باز خواهند گشت واین یك حقیقتی است روشن که اکثرمنورالفکرهای ملل غربی ودوربینهای سیاسی پیش‌بینی کرده‌اند واسلام راموردقبول کلیه ملل عالم دنیامیشناسند ۱

مسلمانان درحدود هفت‌قرن برتمامی دنیا سلطه وامارت یافتند سرتاسر آبهای گیتی درطول چهارصدسال درفرمان مسلمین بود.

فرهنك اسلام دراتمام دنیاپرتوافکن وافاضه میشد. ولی چون مسلمین انحطاط اخلاقی پـیدا کردند وازخاوراسلام باختر نصرانیت بنوراسلام روشن شد وجنگهای صلیبی درگرفت - بدبختی - سیه روزی مسلمین شروع شد ودرطول ۳ قرن فرهنك و مدنیت خودرا بجهان نصرانیت داد و بسیر نزولی بازگشت کرد.

مورخین - فلاسفه - خردمندان عالم بدون شك و تردید اعتراف میکنند که فرهنك و معارف اروپاوجهان مدیون ومرهون اسلام‌است ازقرون‌وسطی‌ممالك اسلامی تحت‌سلطه وسیطره ترك‌ونصرانی شرقی وغربی اروپائی وافریقائی تفرقه یافت وهنوزروبانحطاط است.

جهانگیری اسلام باینسرعت درتاریخ مانند نداردمورخین بزرك مینویسند اسلام درهشتادسال زیادترازآنچه روم درهشتصدسال جهانگیری کرد پیشرفت نمود.

ناپلئون میگفت مسلمین نصف‌دنیارا درنیم‌قرن تسخیر کردند. لاکازتاریخ نویس جزیره‌سنت‌هلن که رفیق وهمراه ناپلئون بود مینویسد اوچون بمصررسید بقدری محمدص درنظرش عظمت یافت که

۱- ص۱٤ مجله اطلاعات شماره ٤٦ سال۳

میخواست مسلمان شود وارتش خودرا بقبول اسلام وادار کند. ولی انتظار داشت بحوالی فرات برسد آنوقت اقدام کند تاباسلام خودبرشرق غالب گردد .

آری روح اسلام در اثنای جهانگیری دراردو میان افراد سپاهی نیرو گرفت -

درلشکر اسلامی مردمی بودند که قرآن رادرظاهرداشته ومعنی آنرا میدانستند این گروه درمیدان جنك مجالس عبادت منعقد میکردند وانجمن‌های مردم زاهد وپرهیزکار تشکیل می‌یافت این جماعت اسلام‌را پاك وپاکیزه نگاهداری میکردند وتنها برای اجرومزد اخروی عمرخودرا صرف کار و عمل میکردند مسلمین مردمرا بگفتار و کردار خود بپرهیزکاری و کوشش درطلب وسعادت ابدی تشویق و عقیده دینی را رواج میدادند .

درحقیقت آنچه را خدا بمسلمانان وعده داده بودبیش ازآخرت دردنیا نمایان گشت

درجنك صفین درهنگامی که کارزار سخت درحملات دشمن ودفع آن میپرداخت یکی ازصحابه ازدیگری مسئله پرسید راه میخواست تاازحضرت علی ع پیشوای جنك و امیرالمومنین سئوال کند دیگری درجوابش گفت این چه وقت سئوال است صدابگوش امیررسید همان هنگام که ضرب شمشیر خود رانشان میداد روبرگردانید اول فرمود مابرای نشرهمین مسائل می‌جنگیم سپس جواب مسئله اورا داد وبازبجنك شروع کرد .

جنگهای اسلام درنزد خارجیان بجنك مقدس وجهاد دینی معروف است که خدا برای رواج دین امرفرمود .

اسلام رواج نگرفت جزبآموزش قرآن وتهذیب جان ودل مردمان - تامسلمین بقرآن توجه دارند تااحکام قرآنرا عملامقدس ومحترم میشمارند بردنیا سیادت میتوانند کرد وچون درعقایدآنها تردید وتزلزل راه یافت ذلیل وزبون خواهند شد .

روایتی ازپیغمبرخداص نقل میکنند که فرمود ؛

شرق وغرب زمین برای من فراهم شده وهمه رادیدم وبزودی تاآنجاکه دیدم قدرت و نیروی ملت من خواهد رسید .

ولز فیلسوف انگلیسی مینویسد اسلام بهترین نظام اجتماعی و سیاسی بود که روزگار نشان داد - سیادت و عظمت اسلام باینجهت بود که هرجا گام زد وپای نهاد ملتی دید افسرده وپژمرده- خاموش - گرفتارظلم وستم - دوچارغارت وچپاول - جامعه آنها بهم ریخته - فاقد نظام و تربیت - آنگاه نیرومندترین افکارسیاسی را وارد ساخت : نیکوترین فکرسیاسی راکه بشردانسته و شناخته زنده کرد بیاری بشریت شتافت وبانسانیت کمك داد - هنگامی که اسلام ظهور کرد - بندگی واسارت وعادات زشت شایع بود تعالیم عالیه اسلام آنهارا زنده کرد روح تازه داد - بادستورات اسلام بترقی و جهانگیری واداشت .

این پیشرفت باتحکیم عقاید توحید نسبت مستقیم داشت اسلام وقتی روبانحاط نهاد که بشر درراستگوئی زمامداران وپیشوایان اسلام بشك افتادند و تردید کردند - مسلمین بطرف انحطاط اخلاقی شروع کردند - اسلام ازرفتارمسلمین بدکردار که اسلام را خوب جلوه نمیدادند بری و متبری است آری

اسلام بذات خود ندارد عیبی — هرعیب که هست ازمسلمانی ماست

اسلام و تاثیر تاریخی آن در تمدن بشر

در بیداری ملل غربی چون دیدند تمدن اسلام در جهان ریشه دوانیده وبهیچوجه نمیتوانند انکار کنند دست بفعالیت تبلیغاتی خصومت آمیزی زدند تا ملل شرقی و مسلمین را ازهم بتفرقه اندازند تابتوانند آثارآنها را ببرند وملت اسلامی را تضعیف نمایند وتمدن‌خودرا بجهانیان‌معرفی کنند این مدلول مقالات خود ملل غربی است که برخی‌ازروی انصاف ووجدان علیه یکدیگر بازمتمسك بتمدن اسلام شدند و یاخواسته‌اند هریك خودرا برتر و- بالاتر ازدیگری معرفی کنند درنتیجه بازهم اسلام چهره تاریکی را که برصورت اوافکنده بودندعقب زده تمدن عمیق وفرهنك بسیط خودرا بدنیانشان‌داد وبالنتیجه مورخین منصف جهان اعتراف کردند که تاثیرات تمدن‌اسلام ازنظرتاریخ درتمدن جهان غرب اثری‌عمیق بجاگذاشته است واکنون‌مقاله مستشرق معروف روژه‌کارودی رابنظرخوانندگان میرسانیم .

برسردانشگاه هایدلبرك نوشته شده بود که این دانشگاه بفرهنك جهانی احترام میگذارد . هنگامیکهٔ هیتلر روی‌کارآمد دستورداد که این لوحه رابردارند و برجای آن بنویسند : دانشگاه فقط برای فرهنك آلمان احترام قائل است . این نشانه جدا کردن بشرازفرهنك بود.

«ماین‌کامف» فرانسویان را درردیف سیاهان وسیاهان را آخرین وپستترین نژادها میشمرد و زورمیزد که ثابت کند میان نژادها اختلاف اصولی وبیولوژ یکی وجود دارد و میخواست باینوسیله ، بشریترا پس‌ازسی‌قرن تمدن بتوحش جنگی برگرداند .

هیچ‌چیز ببشتر ازاین عقایدجدا کردن‌وجدائی‌افکندن ودسته‌ای ازمردم راعاری ازصفات‌انسانی شمردن ، سیرقهقهرائی اخلاقی وارتجاع‌سیاسی واجتماعی رامشخص نمیکند کارل‌مارکس گفته‌است «هرسیاستی که باعث نفاق شود ، یك سیاست ارتجاعی‌است .»

امروز جای سیاست فاشیستها شکل های تازه‌ای از جدائی افکندن و محروم داشتن نشسته است .

آنها که دردیپلماسی طرفدار«بلوك غربی» و درسیاست هواخواه «دموکراسی‌غربی» هستند . همان نیروهای اجتماعی ارتجاع وتجاوز وکمین کننده‌ای هستند که برپاکننده « نظم‌نوین غربی و اروپائی» فاشیسم بودند، همان ترست‌های امپریالیستی هستند.

اینها همانهائی‌هستند که درخاورمیانه‌بعلتهای«نفتی» واستراتژیکی میلیتاریستی کوشش‌میکنند یك «بلوك‌خاوری» درست کنند .

آنها بکمك این بلوك‌امیدوارند که همچنان‌نفت وسودهای‌هنگفت بدست‌آورند وملل گوناگون اسلامی را زیرسلطه امپریالیستی خویش نگهدارند .

جوانمردان جهان تصمیم خودرا گرفته‌اند : نه ازلحاظ دیپلماسی ، نه ازلحاظ سیاسی ، نه از لحاظ‌فکری واخلاقی، نباید جهان بخاور وباختر تقسیم‌بندی‌شود ، نباید میان‌ملل نفاق ونقارحکمروا باشد ونباید تمدن وفرهنك بشری تجزیه گردد .

جوانمردان جهان راضی‌نیستند که خاور یا باختر همچون جزیره‌ای شود . همچنین جزیره بریتانیائی شود .

توطئه علیه افتخارات اسلامی

یکی ازصورتهای این سیاست جدائی افکندنهای نژادی، اینستکه امپریالیستها میکوشند تاثیر عمیقی را که تمدن اسلامی در برپا ساختن دنیای جدید داشته است انکار کنند.
باتوطئه‌های سکوت یاهتاکی‌های منظم وازروی نقشه کوشش میشود که یك حقیقت بی‌چون وچرا، تکذیب . **آن حقیقت اینست که درشرائط تاریخی کاملامعین، درفاصله میان دوران عتیق وعصررنسانس، ملل اسلامی سهم غنی وموثری در پیشرفت بشریت درتمام زمینه‌های فکروفن داشته‌اند.**

هنگامی که یك دانشجوی اروپائی باکنجکاوی فراوان میخواهد پیروزی‌های صدراسلام وبعداز آن را مورد مطالعه قرارداد وبکتابهای درسی خویش مراجعه کند، خویشتن را در برابر اسرار و معجزات می‌یابد.

هیچیك ازاین کتابها بدانشجوعلل و نتائج این گردباد عظیم بشری راکه‌درسالهائی معدود ازدریای چین تااقیانوس اطلس رادرنوردید، نشان نمیدهند.

این گناه ازنویسندگانی است که در خدمت امپریالیسم هستند و میکوشند که افتخارات ملل اسلامی رادرحجاب نمایند.

اگرما نخواهیم بگفته‌های امپریالیستها ومتعصبین نژادی که نیمی‌از ملل اسلامی‌روامنکوب‌خود کرده و نیم دیگر را بفقر ونکبت میکشانند گوش فرا دهیم این حقیقت ابتدائی در برابر ما ظاهر خواهد شد که:

اسلام حتی‌قبل‌ازاین که تمدن وفرهنك‌مخصوص بخودش شکوفه دهد، باوسعت فتوحاتش‌شرائط لازم جهت تجدید تمدن وجوان کردن جهان رافراهم آورد.

پیروزی اسلام

اسلام باپیروزی‌خویش، هرج ومرج‌های‌ملوك‌الطوایفی رابرانداخت وبساط طفیلی گری را درهم نوردید وازاین راه شرائط اقتصادی واجتماعی جدیدی را بنیان افکند.
درسال ۱۷۶۱، پیش‌ازاین که غارتگریهای آغازجابرانه شود.
در زمانی که تاریخ نویسان اسپانیائی ازمفتخرداشتن میراث اسلامی پاك نداشتند شرق‌شناس‌شهیر «دوزی» در کتاب خودبنام «تاریخ مسلمانان دراسپانیا» (جلددوم صفحه ۱۴۳) نوشت.

«پیروزی اسلام برای اسپانیا ـ خیر بود: انقلاب اجتماعی‌مهمی ببار آورد، قسمت اعظم بلیاتی راکه قرنهاکشوراسپانیا ازآن‌رنج میکشید برطرف ساخت.»

همین نویسنده باکمال وضوح مینویسد:

«مسلمانان بموجب این اصل حکومت میکردند: مالیات را ازمیزان سابق کمتر کردند. زمینراکه میان شوالیه‌ها تقسیم شده وبوسیله سرف‌ها وغلامان اراضی کشت میشد ازاغنیا بیکاره گرفتند وبتساوی‌میان کسانی که روی زمین‌کار میکردند تقسیم نمودند. مالکین جدیدباشوق بسیاربکارزراعت پرداختند وحاصل‌نیکو وفراوان‌بر گرفتند. تجارت ازقیدمحدودیتهای فراوان وخراجهای سنگین آزاد شد واز ورشکست نجات یافت وبترقی گرائید. «قرآن» بغلامان امکان می‌بخشید که باپرداخت غرامت اندکی‌خویشتن رابازخرند وازاین راه انرژی ونیروی جدید بخدمت ترقی وفرهنك بگذارند. تمام این اقدامات چنان حالت رفاه عمومی‌را بوجودآورد که‌علت پذیرائی گرم توده اسپانیا ازمسلمانان شد.»

فاتحین اسلامی قیودفئودالی اقتصاد رادرهم‌شکستند ودائرامکان مبادله امتعه وعقاید رابیش‌از میزان رومیان وسعت بخشیدندوامپراطوری متحدومتمرکزی بوجودآوردندکه قانونی مدون بر آن حکومت میکرد ودستگاه قضائی آن منظم بود وباینترتیب شرائط پیدایش آن افراد بشهودآن‌عقاید لازم جهت دوره های خلافت‌بشریت بوجود آمد.

تمدن عتیق و عقیم مانده « بیزانس » ، برفراز کشور جهان گیر نوین پرواز خویش را ادامه داد .

اثرات نیکوی‌پیروزی اسلامی درسوی‌دیگردریای روم نیزمحسوس است . من دراین‌باردمیکوشم برای قضاوت پیروزیهای اسلام ، ازنویسندگان اروپائی‌شاهدآورم . یکی‌از اعاظم دین مسیح ، «من سینوردوشن» درمطالعاتی که روی وضعیت کلیسا درقرن‌هفتم درسوریه کرده است ، عبارتی از«میکائیل سوری» نقل میکند . «میکائیل‌سوری» پس‌ازذکرمشقاتی که بر«یعقوبیون» درصورت افتتاح آنها از اتحاد باهراکلیوس (هرقل) وارد میشده‌نتایج خیرحمله مسلمین را چنین توصیف میکند.

«خداوند منتقم‌هنگامی که هم رومیان‌رادرهرجا که نفوذداشتند‌دید،دیدکه کلیساهاوصوامع‌علم را تاراج میکنند وبدون شفقت مارا محکوم میسازند ، ازسرزمینهای جنوب پسران اسرائیل رابرای نجات ما ازچنگال آنان روانه ساخت ... این امربرای ما فقط یك فرصت محدود جهت نجات از دست رومیان‌وازدست مظالم آنها ، ازدست نظام آنها ، ازدست خشم آنها وازدست حسادت مخوف آنها نبودبلکه این امرسبب شدکه بکلی‌ما براحت وآسایش برسیم.»

سیاه پوستان و تمایل آنها باسلام

اخیراً مقاله‌ازمطبوعات امریکانقل‌شده که باآنکه‌بصورت‌ظاهرقریب ۲۰ ملیون‌سیاه‌پوستان‌امریکامسلمان‌نیستند ولی‌بصورت‌مبارزت که چون‌تبلیغ‌اسلام‌میشودوازاسلام‌بهره‌مندمیگردندنکات‌جالب‌توجهی دارد که امکان‌داردبسرعت‌تمام۱۹ ملیون‌سیاه‌پوستان امریکائی‌همه‌مسلمان‌شوند. ومافعلاازنظراطلاع‌جز این‌مقاله‌رانقل‌میکنیم- وعکسهای‌آنرادرحال‌حجاب‌زنان ودعاونماز ازنظرخوانندگان‌میگذرانیم .

رهبر نهضت (معبداسلامی) اظهارمیدارد که پیروان او۲۵۰ نفراند وباید دانستکه سیاه‌پوستان آمریکائی ۱۹ملیون و۳۰۰هزارنفرند ودر۳۹ شهرآمریکا سازمانهای مربوطه به (معبداسلام) فعالیت میکنند واعضای‌معبد بشدت‌ازانضباط ودیسیپلین برخوردارندوبسفیدپوستان غیراسلامی اجازه‌شرکت درمراسم مذهبی‌و کنفرانسهای‌خود نمیدهندا گرتبلیغی‌شایسته‌شودهمه‌آنهامسلمان‌واقعی‌خواهندشد .

فصل ششم

علل عقب افتاد گی

زمانه دگرگون شود دم بدم
شود جمله نابود هر بیش و کم
که تا ز استخوان دیگر رفتگان
برون آورد نامه باستان

امروز مسلمین یا انحطاط آن

نهضت اسلام پس‌ازجنك عمومی موجب ایجاد یك عالم‌نو اسلام گردید زیرا درسرتاسر عالم اسلامی اسباب انقلاب تاسرحد امکان فراهم آمده و هرطرف ریشه دوانیده وهمه‌جا تبدلات وتغیرات عمیقی رخ داد .

ازمراکش تاچین وازترکستان تا کنگو قریب هفتصدملیون مسلمان ازانحطاط وغفلت وخواب خرگوشی‌خودمتاسف ومتاثربود وبجنب وجوش افتادند وبایك حرکت فکری وآرزوهای نوینی‌بسوی بسط کمال تمدن خود نهضت نموده‌اند.

انقلاب شگفت‌آمیزی که مسلمین پس‌از جنك جهانی اول نمودند سبب رشد و توسعه آنها شد مسبب این نهضت ترك عثمانی بود که دنیای نصرانیت را تکان داد و آنها برای تلاش عثمانی ترك قیام کردند و جنك بین‌المللی اول رخ داد و امپراطوری عثمانی تلاش یافت وبین چند کشور تقسیم گردید .

اسباب انحطاط مسلمین

ان‌الله لایغیرمابقوم حتی یغیروا ما بانفسهم

شرع تورا در پی آرایش‌اند
درپی‌آرایش و پیرایش‌اند
بسکه براو بسته‌شده برك‌وساز
گرتوبه‌بینی نشناسیش‌باز

درقرن سیزدهم هجری مصادف باهجدم میلادی ضعف وناتوانی مسلمین در عالم اسلامی بجهات عدم توجه بفرهنك‌وفقراقتصادی وجنگهای متواتر و متوالی‌داخلی وحس‌استبداد وخودخواهی‌متاخرین مرحله انحطاط وپستی رسید- هوای محیط ممالك اسلامی تیره‌وتارشد اخلاق وآداب عشایربدوی در هرکشورجایگیر آداب دینی شهری ومدنی شد آثارتمدن ازهم پاشید ملل اسلامی غرق هوا و هوس شدند - اخلاق فاضله اسلامی نابود گردید - جهل وضلالت فرماندهان که اکثر آنها از راهزنان و عیاران وعشایر صحرانشین وکوهستانی‌بودند چیره شد وآنها خودازعلم وفضیلت خالی بودندقدرت وسفاکی‌هم مانع بود کمی‌ازعلماء خودرا نزدیك‌نماید مردانی‌هم مانندخواجه نصیرطوسی یاشیخ‌بهائی نبود که رهبرسلاطین باشد .

دولتهای اسلامی براسب استبداد سوارشده باخدعه و حیله‌و هرج ومرج میتاختند - سلاطین ترکیه - مغول هند وقاجارایران ووهابی عربستان وامرا وحکام محلی‌یاغی که مستقل شده بودند - ولذابجای امنیت وآرامش چپاول وغارت حکومت داشت - تنبلی وتن‌پروری وبی‌ایمانی وسست‌دائی آنهاعقل‌وکسب وآزادی‌را سلب کرده‌بود دشمن‌هم‌ازاین‌نقاط ضعف‌برای تضعیف‌مسلمین وتقویت‌خویش استفاده میکرد بطوریکه آئین مقدس توحیدمنزه رابخرافات‌صوفیگری ودرویشی واختلاف حیدری‌و نعمتی وشیعه‌وسنی مالك مستحدثه تقویت میکردند وتفرقه میانداختند تاآنجا که هرفقیر ومستمند بصورت درویشی باخرمهر و تسبیح وطلسم برق وبوغ و باقطعه پوست گوسفندی آمیخته باوهام و خرافات وورد وذکر بی‌جا وبی‌مورد بر گردن مردم سوارمیشدند.

محاسن ومزایای تعلیمات قرآن‌متروك وفراموش شده بود نوشابه وحشیش وتوتون چپق‌تریاك

شیره وسیکار شیوع یافته که البته ارمغان دشمن اروپائی بود واعمال قبیحه بجای زن گرفتن وتشکیل زندگی خانوادگی وکاروفعالیت وسعی و کوشش دامن عفت وعصمت رادریده مصائب درونی وبیرونی و مشکلات اجتماعی واقتصادی وفقد مالی وفقد علمی سبب ضعف مسلمین گردید و حقیقتی که قرآن در چهارده قرن پیش اعلام فرمود که خداوند نعمت خودرا برای بندگانش تغییر نمیدهد مگر آنکه بدست خود و کرده‌های خویش نعمت رابرخود تقمت سازند وازراه فضیلت منحرف گردند و بردین وعلم آنقدر برك وساز وپیرایه بستند که دیگر نمیتوان اسلام رابااین مسلمین شناخت .

محمدرسول الله والذین معهم اشدأءعلی الکفار رحماء بینهم

آنروز که این برنامه رادردست گرفتند وعمل کردند دردنیا فائق برهمه چیز آمدند ولی‌چون بر کفار سخت‌نگرفتند وبرخویشان‌بدبین وشدید شدند اتحادواتفاق بنفاق وشقاق مبدل شد وسلطه باضمحلال تبدیل گشت روبضعف وانحطاط نهادند درحالیکه قرآن فرموده یهود ونصاری را دوست خود نشناسید آنها کینه توزی دارند ودشمن بداندیش هستند که دردوستی همپاشی خواهند کرد در فضایل نفسانی قابل‌مصاحبت نیستند .

یاایهاالذین امنوالاتتخذواالیهودوالنصاری اولیاءبعضهم اولیاء بعض ومن یتولهم منکم فانه منهم ان‌الله‌لایهدی‌القوم‌الظالمین آیه ۵۷ سوره بقره

ای کسانیکه ایمان آورده‌اید یهود وترسایان رابدوستی نگیرید که آنهابرخی دوست برخی دیگرندوهرکس ازشما آنهارا بدوستی بگیرد از آنها خواهد بود خداوند مردم ستمکار را هدایت نمیکنند - دراین آیه کریمه ستمکاری ودشمنی و کینه‌توزی آنها ثابت میگردد . راست استکه یهود لجاج وعناد داشته ودارندونصاری کمتردراین صفت پست اصرارمیورزند ازطرفی احکام شریعت‌حضرت موسی مشکل‌است ولی‌ازحضرت‌عیسی احکامی نماندکه مشکل باشد عیسویان فارغ‌البال و خود سر هستند هفته یکروزدر کلیساها آنهم بتفنن وبیشتر روی منطق شهوات میروند ومسلمین رامیخواستند ومیخواهند برعدم تکلیف وبی‌دینی خودبکشانندودرنتیجه این دنیاوآنهم اخرت آنهاکه خسرالدنیا والاخره خواهند بود قرآن دوستی و معاشرت باآنهارا منع فرموده‌شاید از شر آنها مسلمین در امان بمانند .

خصومت و دشمنی ملل اروپا با اسلام

یکی ازمسائل مسلم‌تمدن سرعت‌انگیز اسلام‌این‌است که دنیای بشریت راتکان داد و دانشمندان بزرك جهان سرانگشت حسرت بدندان گرفتند واسباب تزلزل پاپ‌ها و کلیساها شد ازاین‌رو بتحریك آنها علناً برخلاف اسلام کتابها نوشتند ونسبت‌هادادند وتهمت‌ها زدند که کلمات آنهادرتاریخ ضبط شده ونمونه بارزی از دشمنی آنها با اسلام است ما بذکرچند کلمهٔ ازآن که ازچند مردنامی اروپا صادرشده اکتفا میکنیم .

کلادستون رئیس‌الوزرای اسبق‌فرانسه درخطابه خودچنین گفت :

تاقرآن درنزد مسلمین است راحتی برای مسیحیان نمیتوان یافت براروپا لازم‌است که این کتاب رادرنقاب‌زنان‌شرقی بپیچند - یعنی‌حجاب آنهابرداشته‌شود .

عین‌این بیان‌رالرد گرزن‌درمجلس اعیان انگلیس گفت‌وعملا هم درتفرقه ملل اسلامی کوشیدند

اناتولیکوس کشیش گفت :

مهمترین وسایل که فریضه برذمه مبلغین است که بدان‌وسیله درنفوذ برروحیه مسلمین پیشرفت کنندازاین قراراست:

۱- نشراناجیل دربلاد اسلامی

۲- جلب توجه آنان بوسیله تداوی و وسایل بهداشتی که دراثر اخلال ماها بسیار بآن نیازمندهستندو بدین‌منظورمریضخانه‌های مرسلین راتشکیل‌دادند

۳- اعمال تهذیبیه وتربیتی‌مثل تاسیس مدارس وبدینترتیب کالجها را تاسیس کردند

٤- اعمال نسائیه مثل‌رفتن مبلغات بمنازل زنان مسلمان والقاء شبهات برآنها

۵- توزیع کتب مخصوص دربلاد اسلامی

خوانندگان عزیزملل نصاری (اروپا)هرچه بنظرشان رسیدبموقع اجرا گذاشتند ولی‌بتصدیق یکی ازبزرگترین مبلغین آنها «رئیس کلیسا وبیمارستان‌ودانشگاه بیروت» باآنهمه فعالیت که درراه تخریب اسلام کردند وملیونها کتب بدست مسلمین برایگان بازروزیور وصورت زیبا بخشودند همه برمعنویت‌اسلام وترویج دین‌افزود زیرا نه تنهایك نفرمسلمان‌رابدین مسیح برنگردانید بلکه‌ملیونها مسیحی را هرروز باسلام دعوت کرد واگرهم تبلیغات آنها فعالیت میکرد یکنفررا بی‌دین میکردند نه‌آنکه مسیحی کنند.

ناپلئون بناپارت پس‌از فتح اسکندریه و قتل‌عام اهالی مسلمانان آنجا در پشت میز خطابه بلشگریان گفت: اگر میخواهید اسلام و مسلمین را ریشه‌کن کنید بایستی اذان و قرآن را ازآنها بربائید،

ملاحظه کنید این دشمنی تاچه حد بنفع اسلام تمام شد زیرا تمام دستگاههای تبلیغی جهان بشریت مجبوراست قرآن بخوانند واذان بگوید تاجلب‌توجه مسلمین مسکونی کشورهای اسلامی را بنماید - تمام ممالك اروپا وامریکا ومخصوصا دشمنان اسلام - فرانسه - ایتالیا - انگلیس‌بزرگترین دشمن اسلام - وامریکاء در رادیوهای دیگر برنامهٔ ثابت تلاوت قرآن دارند.

کینه توزی‌دشمن

اسلام ازهمان روزها که پرتوافکن شد جمعی از یهود لجوج و عنود ونصارای بداندیش کینه‌توزباآورنده آن‌بدشمنی پرداختند و بتحریك کفار قریش وبت‌پرستان را برانگیختند وگاهی علناً خودهم شرکت میکردند وزمانی بحیله ومکر وغدرپنهانی کمك مینمودند و بیست‌سال مسلمین را بانواع رنج وشکنجه عذاب دادند و پس‌از رحلت پیشوای اسلام ایجاد اختلاف نمودند و سقیفه بنی ساعده را بوجود آوردند و سپس ازراه دسیسه بنی‌امیه راتحریض نمود دردربار آنها راه یافتند و وانواع جنایت وخیانت رادراصول وفروع دین بکاربردند تاخلافت بنی‌عباسی منتقل شد دردربارآنها نیزرخنه کردند تادین رابرخلاف آنچه هست بنمایند.

درهمه‌این احوال یامسیرتاریخ اقوام وملل نیرومند رابرکشتار مسلمین تحریك کردند و بدین ومذهب وقرآن ورجال علم وفضیلت اسلام انواع واقسام تهمتها وافتراها ودشنامها ،ونسبتهادادهاند تاجنگهای صلیبی رابرپا کردند وچه کشتاری که ازمسلمین‌شد وباتعصب مذهبی‌رؤسای‌روحانی‌مسیحی وبیسوادی و بی‌اطلاعی آنها مقابل حقایق واصول ومزایای دین اسلام ومقام رفیع پیغمبر اکرم ص را

مشحون ومحتوی بود وازطرفی برای حفظ دکان رهبانیت خود اغلب مسیحیان بآئین و پیغمبر اسلام بنظر بغض ودشمنی وحقارت نگریسته اسلامرا درردیف کیشهای باطل تصور کرده ودعوت آنرا برضد دعوت مسیح ع وبرخلاف مصالح جامعه انسانیت میپنداشتند ولذا دست تبلیغاتی در کتاب خود علیه مسلمین زدند وهرچه دلشان خواست گفتند و نوشتند غافل‌ازاینکه آفتاب بیش‌ازچند روززیرابر پنهان نخواهد شد و بالاخره روزی آشکار میشود که حقیقت اسلام چهره خود را بنماید و بداندیشان را رسوا سازد .

جمعی در کتاب «تاریخ‌آداب فرانسه وبیزینتیه» که جمعیت‌مبلغین مسیحی درقازان روس‌برضد اسلام تالیف کردند افتراها ونسبتها بمقام مقدس پیغمبرص دادند واورا یك مردضد تعلیمات مسیح جلوه دادند .

ولترمتولد ۱۶۹٤ درتکذیب پیغمبرص رسالهٔ محتوی افتراهای بزرك نوشت وبواسطه آن از پاپ ایطالیا درخواست بخشایش گناهـان خود را نمود یعنی این کتـاب را کفاره سایـر جنایاتش قـرار داد .

تیورهن کتاب‌رومانی تالیف نمود که محمدص را بهیئت بتی که درقاوس ستایش میشدتصویر کرده وچون آن بت منفورمسیحیان بودبشنیدن نـام پیغمبراسلام آن بت رادرنظرمیگرفتند و دلهای آن‌هاپراز کینه وحقد وحسد وغضب‌میشد .

دانتی مشهوروقتی که محمدرا درصف صاحبان مدارك عالیه و مصلحین جامعه بشری شمرد و خواست این اشتباهات رابرطرف کند میخواستند اورا زنده زنده بسوزانند ازشدت بغض که نسبت بپیغمبرص پیدا کرده بودند از اینگونه کتب زیاد بود که این منظور بیان مطلب است نه تالیف کتب‌ضد اسلام،

این کینه‌توزی وخصومت در طول سیصدسال جنگهای صلیبی که تمدن و علوم و معارف اسلام را بردند و درسایه آن جنبش علمی و قـدرتی کردند اسلام چهره حقیقت خودرا بر خردمندان آنهـا نمود .

نمایش چهره حقیقت

دراواسط قرن نوزدهم‌میلادی‌درنتیجه ترجمه قرآن کریم بز بانهای اروپائی واتصال غرب بشرق دایره نفوذ شعاع علم وسعت یافت و روشنائی خود را بتاریخ زندگانی شرق انداخت .

میل اروپائی ونهضت علمی آنهابتحقیق واستقراء نظردانشمندان اروپا را جلب کرد و بآئین زندگی واحوال واخلاق روحی و معارف وفرهنك شرقی وعلل وعوامل نهضت جهانگیری محیرالعقول مسلمین توجه نموده راه انصاف ووجدان راپیمودند ودرضمن بحث وتحقیق عاری ازغرض و بدون پیروی ازتعصب وهوی وهوس تعلیمات‌عالیه اسلام ودعوت پیغمبرا کرم ص عطف‌توجه نمود فکروتحقیق وتجزیه نمودند همانطور که یك بحث فیزیکی وشیمیائی‌را تجزیه وتحلیل میکردند این بحث‌تاریخی رانیزتجزیه نموده وارتقاء وتطور وتعالی مدارك دعوت و پیشرفت مسلمین‌را بصورت یك‌مطلب علمی نگاشتند وزنك‌اوهام وخرافات وخصومتهای تعصب‌انگیز دیرین مسیحی را ازدیده‌ها زدودندوبا کمال صراحت‌اشتباهات گذشته را منصفانه اعتراف‌واقرار کردند ـ وسیرافکار واندیشه عامه رانسبت‌بلغزش های مغرضانه گذشته بر گردانیدند بطوریکه مستشرق انگلیس **ماکس‌موللر** نوشت نزدیك است

مسیحیان بفهمند که محمد ص پیشوای اسلام یکی از مصدقین و یاری کنندگان آئین و تعلیمات مسیح بود و آنوقت دهشت خواهند کرد از دشمنی‌های گذشته وخصومتی که بنام دین درقرنهای ماضیه مسیحیان مرتکب شده‌اند .

تولستوی متوفی ۱۹۱۰ فیلسوف مشهور اخلاقی روس برای دفاع وتکذیب افتراهای مبلغین نسبت بمحمد ص تالیفی نمود و کلمات حکیمانه پیغمبراکرم را جمع‌آوری کرده وثابت نمود که او منجی عالم بشریت بود .

نفوذ روح اسلام درپرتو نورحقایق قرآن ومقام ارجمند نبوی در مقدمه مستشرق دیگری بنام **فس‌ج‌م رودویل** که برقرآن نوشته عظمت این کتاب آسمانی و مقام رفیع آورنده آن را درجهان ثابت کرد و نوشت که این کتاب همان روح قویست که یك مات فقیر ونادان را منقلب نموده و آنهارا نیرومند ساخته بطوریکه از طرف غرب باسپانیا و ازطرف شرق بحدود هند دست انداخته ودراندك زمانی مملکت امپراطوری بزرك تاسیس کرد.

این نویسنده میگوید قرآن مقام ارجمندی دارد که نام یگانه خداوند آفریننده را درمیان ملت بت‌پرست نشر واعلان نمود وباید اروپا فراموش نکند که مدیون این کتاب است زیرا آفتاب علم را درمیان تاریکی قرون وسطی دراروپا طلوع داد همانطور که درتاریکی عربستان طالع گردید.

مسیحیت علیه جهان اسلام

اوضاع واحوال تاریخ اسلامی درخاورمیانه ودور و نزدیك نشان میدهد که ملل مسیحی واروپائی درقرن ۱۹ پیشرفت های بموفقیت آمیزی رسیدند وهدف اصلی آنها ازطلوع اسلام بشهادت تاریخ اعمال سیاست ضد اسلامی بود که میخواستند مسلمین رادرخواب غفلتی که ازدوران جنگهای صلیبی بافسانه های خود فروبرده دراغفال نگهدارند و لذا میکوشیدند تا بهرنحو میسرشود استقلال سیاسی باقیمانده مسلمین را تزلزل ومحو نمایند وخود برآنها سلطه یابند ولی چیزیکه مانع اجرای چنین قصدی گردید اختلاف داخلی خود ملل مسیحی بود که با رقابتهای سیاسی خود ازاین مقصد بازآمدند وخداوند بمنطوق **اللهم اشغل الظالمین بالظالمین واجعلنا بینهما سالمین غانمین** . صورت ظاهر را محفوظ نگاه داشته شاید از خواب خرگوشی بیدار شوند .

درنهضت اخیر اروپا که درقرن نوزدهم رخداد «رنسانسی» انقلاب فکری بوجود آمد ورقابتی بین ممالك اروپائی رخداد.

دراین رقابت سیاسی فرانسه قسمت عمده افریقای شمالی رابامعاهداتی تصرف کرد که مراکش هنوز نیم مستقل ودر شورش است.

ایطالیا چشم طمع بطرابلس عثمانی دوخته بود - مصر کانال سوئز راکه درحیطه قدرتش بود میخواست سواحل مسلمان‌نشین افریقای خاوری بین انگلیس وفرانسه وآلمان وپرتقال تقسیم شد.

عربستان ویمن بدست وهابی که پرورش یافته های سیاست اروپائی بودند درآمد.

ایران سخت تحت الحمایه انگلیس وروس قرار گرفت ورقابت روز افزون آنها درایران و افغانستان که سنگر شمال هندوستان است همچنان ادامه دارد.

روسیه اراضی پهناوری درآسیای مرکزی بدست آورد خان‌نشین های بزرك ازبکستان بدست

روس افتاد وهمسایه پردردسر ایران وافغانستان شد.

قفقازیه رابلعید- دولت‌عثمانی رامتلاشی نمودند وبین‌خود تقسیم کرده یك‌قسمت آن‌بنام‌ترکیه مستقل گردید وآنهم‌باسیاست انگلیس اداره‌میشد.

مصر ولبنان وسوریه ازخواب بیدارشد وباتأسیس دانشگاه وروزنامه وکتب مطبوعاتی فراوان بایك نهضت‌فکری ومعنوی درگرفت.

دولتهای مستبده فارس زبان تغییررژیم دادند ومقدمه جنگهای بین‌المللی گردید.

دولتهای مسیحی دراثر همان حس بدبینی که در میان آنها نسبت بمسلمین ایجاد شده‌بود به دشمنی علیه مسلمانان برخواستند و اولین اقدام آنها بوجود آوردن جنگهای صلیبی بود تاقدرت مسلمین‌را درهم بشکنند وبین سلاطین ایران مسلمان ومشرکین وبت‌پرستان ومنافقین وغیرمسلمان آتش‌فتنه وفساد راروشن میکردند تاآنکه مسند خلافت عباسی را برچیند ولی خلافت عثمانی بجای آن‌نشست وبقول‌ژنرال سایکس مورخ انگلیس ازقول **انیاس ساویوز** نقل‌میکند که دنیای مسیحیت مانند بدن بی‌سر وجمهوری بدون قوانین یاهیئت دادرسان بود.

ترکان عثمانی نه‌فقط بزرگترین ومقتدر ترین دولت اسلامی بشمار میآمدند بلکه بواسطه تسخیر قسطنطنیه درسال ۱۴۵۳ میلادی دنیای مسیحیت زیادتر از تمام ازمنه و دوره های قبل مورد تهدید قرارگرفت.

این‌عبارت نشان میدهد باآنکه اروپائی درتمام ادوار قدرت و قوت مسلمین بانواع واقسام حیله وغدر متوسل میشدند که دولتهای اسلامی راتضعیف نمایند ولی‌باز نیرومندی اساسی خودرا از دست نمیداد.

حتی‌ملل مسیحی باکی نداشتند که دختران خودرا دراختیار سلاطین مقتدر بگذارند که از قدرت وسطوت مسلمین ونیروی اسلام بکاهند ودرتاریخ مفصل‌اسلام دیدیم که چندین امپراطوردختران خودرا برای سلاطین مختلف مسلمان و تسلط برملل‌اسلامی میفرستادند که باخویشاوندی مسیحیان برتضعیف مسلمین وتحقیرآنها تبهکاری نمایند چنانچه درعصر مغول وتیمور **وسلسله آق‌قوینلو و قراقوینلو وازبکان** اینعمل درتاریخ تجدید وتکرار شده است:

ولی باتمام این خصومتهای حیله‌آمیز اسلام درخود اروپا رخنه کرد وبقول مورخین اروپا باز شدن پای‌علماء ومخصوصاً صنعتگران وهنرمندان فلزی درونیس وبردن کتابها درآنجا جنبش عظیم برای طلوع اسلام دراروپا وشناختن مسلمین ونشرمعارف اسلام بوجود آمد.

یك مقایسه بین مسلمین ونصاری

پیغمبر اسلام ص پیروان خود را برأفت و مرحمت ومهربانی و عطوفت‌توصیه‌وتعلیم وتأکید فرمود که درجنگها پیشدستی نکنند دشمن را تعقیب ننمایندوبااسیر بمهربانی رفتارنمایند اعیان و اشراف را در خور مقام نگهداری کنند پیرمردان سالخورده و خرد سالان ضعیف و زنان را متعرض نشوند بناموس دشمن چشم خیانت ندوزند و آنها را غافلگیر نکنند.

مزارع و باغستانهای آنها را لگدکوب ننمایند درختان را نشکنند میوه هارا نریزند - در صورت تسلیم امان‌دهند وفای‌بعهد درامان نشان‌دهند دشمن مغلوب رامثله نکنند اذیت وآزار باسراء وتسلیم شدگان ننمایند.

آب‌را بروی‌دشمن نمیبندند مساکن آنهارا خراب‌نکنند وفقط‌درجنك دفاع وجهاد کنند ودشمن رابدین دعوت نمایند چه‌هدف نشردین است- این روش جنگهای مسلمین بود چه درحضور پیغمبر یا بفرمان امیرالمؤمنین یادرعصر خلفاوغیره،

امااین خبر راهم از خود غربیها نسبت بحملات نصاری ومسیحیان ایطالیا که بافرانسوی - انگلیسی‌وآلمانی‌وغیره‌حمله‌بطرابلس‌والجزایروتونس کردند‌نقل‌میکنیم:

خبرنگار اطریش چنانچه درنامه های **فون کنبرك** مینویسد حاضر بود ومشاهده میکند وچنین شرح میدهد .

... دیدم دستهٔ سرباز ازعقب خانه‌ها بیرون آمدند همینکه نزدیك شدند دیدم بازوی پنج‌تن عرب‌را ازپشت‌بسته باخود میآورند دراین اثنا آواز ناله‌ای شنیده‌شد دیدم‌چندتن دیگرعربی رابروی زمین میکشند سپس هرشش تن‌را تیرباران کردند معلوم شد دادگاه ومحاکمه نظامی درآنجا وجود ندارد بلکه آنجا کشتارگاه است .

ایطالیائیهاچهارصدزن‌وکودك‌وچهارهزارمردرا دراین‌چندروزه کشته‌اند‌وقتی که‌از‌نانرا‌ه‌کشتند میگفتند پنداشتیم مرداست.

درسال ۱۹۱۱ م خبرنگار جریده تمس در آن هنگام گوید:

نبایست فراموش کنیم که هجوم ایطالیا بطرابلس باموافقت فرانسه وانگلیس بود تاایطالیانیز درواقعه روز دوشنبه بنام‌انتقام نشان‌داد بهتراست قتل‌عام نامید زیرا بسیاری بیگناه راکشتند بدین ترتیب که جریده **دالی گودنیکل** انگلیسی گوید :

ارتش ایطالیا تاسه‌روز بهرعربی برمیخورد گلوله میزد زن وکودك فراوان راکشتند از روز دوشنبه تاجمعه بچهار هزار رسید .

خرمن خرمن لاشه پیرمرد وزن وکودك رابالباس پشمین آتش‌زدند- یك‌خانواده رابرسر سفره طعام تاآخرین فرد آنها کشتند.

ایطالیا درروز ۷نوامبر ۱۹۱۱ م چهارهزارنفر راکشتند که چهارصد زن درآن بودمردی‌پیررا دیدم که سربازها اوراکشته بودند یا سیك‌ها وهندوها مسلمانان هندوستان رابوضع فجیعی میکشتند آنها را بدرخت بسته ازهم جدا میکردند و افراد را مثله می‌نمودند دست و سروپای آنهارا جدا وقطعه قطعه میکردند این‌بود یکی‌از هزارجمله از کشتار ملل‌غربی ازمسلمین (کتاب علم‌نو اسلام یا امروز مسلمین - کتاب جنایات هند و مسلمین) .

علل عقب‌افتادگی مسلمین

مسلمانها پس‌از آنکه ازکودکی بدانشگاه اسلام خومیگرفتند وآنجا تربیت میشدند ورشدملی پیدا میکردند اجتماع آنهابر پایه آهنین تعلیمات برآن استوار بود وهیچ حادثهٔ از حوادث جهان یاسانحهٔ ازسوانح عالم قدرت نداشت اندك تزلزلی درارکان اجتماعی اسلام بنماید. **کالجبل الراسخ لایتحرکه العواصف.**

چنان پابرجا وباهیبت وسطوت وصولت بود که مقتدر ترین سلاطین‌جهان ازهیبت همان‌اعراب پابرهنه بیمناك بودند وبقول حکیم نظامی گرچه اعراب برپیکر تمدن ملل‌راقیه روم وایران**تاختند** ولی‌دین پاك‌ومهذبی که ضامن سلامت دنیا وسعادت آخرت بود بجامعه بشرارزانی **داشتند.**

گرچه عرب زد چوحرامی بما | داد یکی دین گرامی بما
گر چه زجور خلفا سوختیم | زال علی معرفت آموختیم

وتاآن دین وقانون رابتمام‌معنی حفظ کردند عزیز ومحترم ومترقی وحاکم ودارای همه گونه مظاهر افتخار شدند وهمینکه مانند یك‌اشراف‌زاده تکیه برثروت‌مادی ومعنوی کرده ودیگر به‌تنبلی وتن‌پروری پرداختند اموال وذخایر شان را بتاراج بردند وریشه‌های مفاسد رادر آنجامعه پراکنده وتقویت نمودند.

اینك آنچه که بنظرما رسیده ومعتقدیم باید مسلمان بتنهائی فرد بفرد برای ریشه‌کن کردن این مفاسد قیام کنند وواجب عینی است که برمحوان بکوشند بنظر خوانندگان برسانیم تانسل آینده چنانچه طالب سعادت باشند جنبش براساس اخلاق وشهامت نمایند وحق از دست رفته خود را بگیرند که حق گرفتنی است.

عوامل انحطاط

چون احکام وآیات قرآن یك‌یك فراموش شد حس‌بدبینی وشقاق ونفاق‌تقویت گردیدتاآنجاکه امپراطوری باعظمت اسلام‌همانطور که سریعاً بوجودآمد مضمحل گردید ودشمنان نیزعلاوه‌برایجاد تفرقه وتشتت درمیان اهل علم وحدیث عوامل‌دیگری که موجب خصومت ومناقشه وتنبلی‌وتسامح‌میشد بوجود آوردند وهریك رابردیگری تحریك نمودند وگفتند فرق تسد تفرقه بینداز تاسیادت کنی - الکل وتریاك ودخانیات وفقرعمومی واحتیاج مادی و معنوی بزرگترین ضربهٔ بود که دشمنان دین برپیکرجامعه مسلمین زدند وبیش‌از ۴۰۰ملیون مردمیکه بیك سوی بایك توجه بیك مبداء ویك‌خدا ویك قرآن ویك قبله ویك هدف که تهذیب اخلاق‌بود میزیستند همه را دسته دسته قبیله قبیله - دولت دولت کوچك کردند وبرجان ومال وعرض وناموس وروح‌معنوی آنها سلطه یافتند وآنقدر از خون این ملت نجیب این جامعه عفیف - این قوم پاك وبی‌باك مکیدند و آثار وخزائن آنها را ازعلم و کتاب وفرهنك‌وصنایع واموال وذخائرشان‌بتاراج بردند که‌خزائن‌چند کشوراروپا وامریکاء ازملیونها کتب ونفایس اموال قیمتی مسلمین انبوه گشت وفضایل وتعلیمات عالیه آنهارانیز گرفتند وبجای‌آن رذائل اخلاقی وموجبات غنج ودلال واسباب وعوامل فحشا و شهوات بآنها داده‌ند - مانند کودکان باعروسکهای رنگارنك واسباب تجمل زندگی آنهارابیازی گرفتند.

اما باتمام این مطالب اسلام نفوزمعنوی خودرا ازدست نداد - قرآن بزبانهای بسیاری‌ترجمه شد کتب فقه اسلام فلسفه اسلام - عرفان ومعارف دین مانند مثنوی وگلستان سعدی وغیره الجبر و قانون بوعلی وکتب رازی همه ترجمه شد واسلام را دردنیا معرفی کرد درحقیقت یك دستهٔ ازمسلمین را سست عنصری کردند ازبین بردند ولی‌آفتاب اسلام چون ازاین ممالك‌شرقی افول کرد درممالك غربی واروپا وامریکا طالع گردید وسریع‌السیر نفوذ معنوی خودرادراعماق قلوب مردم فهمیده‌جهان جای داد وبجهانیان تعلیم داد که پایداری ودرستگاری جامعه‌های بشر وابسته بدین وآئین است

انحراف فکر

ملت اسلام امروز رفتار یکحالت روحی وکسالت فکریست گو آن‌این‌است که بجای‌آنکه گذشته راوسیله نیل کمال آینده‌قرار دهد بیشتربگذشته عطف توجه کرده وابداً درفکر آینده خود نیست نه ازجهت‌دنیانه‌وازلحاظ آخرت ولذا باامراض روحانی گاهی حق خودرا بیش‌ازآنچه هست

ادعا میکنند و گاهی حقوق مسلم‌ملی ودینی واجتماعی خودرا فراموش کرده ابداً قدمی درراه‌احقاق حق برنمیدارد این‌حقیقترا بایك مثال بهترمیتوان روشن کرد . ایرانی مسلمان یامسلمانان‌خاورمیانه درسابق تمدن جهانگیری داشته ودرتمام‌علوم ومعارف نوابغ ومتخصص ودانشمندانی بجهان معرفی کرده‌است ولی‌با کمال‌تاسف باید گفت امروزمقلد ملل‌اروپائی که بگواهی‌خودشان وارث تمدن‌اسلام ورهین منت علمی‌وعملی میباشد گردیده‌اند .

مسلمین امروزچشم وگوش خودرا بمغرب دوخته تاصنایع اروپا رابیندو بشنود اماخودش که در این تمدن سهمی بسزاداشته درفکر واندیشه یك صنعت واختراع وابـداعی نیست ـ مسلمین مشرق غرق یك‌سلسله عادات‌اروپائی‌شده وازتکامل مادی عقب افتاده وآن عشق وعلاقه وشوق وحرارت‌وسعی وفعالیت گذشته خودرا بکلی ازدست داده‌اند بیك زندگی‌شبیه اشرافی‌بطورمادی‌بهرجهت به مسامحه وتکاهل وتسامح میگذرانند .

دانشمندان‌اروپابشرحی که در کتاب میراث‌اسلام نوشته‌اند اصول علمی‌وصنعتی وفرهنگی‌ومعنوی امروز اروپا ازدنیـای اسلام گرفته شده وازجهان‌عربی سرچشمه گرفته‌اند آنچه ازاین تمدن کنونی نصیب‌ملل‌مغرب واروپائی‌شده ازملل‌اسلام‌اتخاذ کرده‌اند وعلوم‌وصنایع رابایکدیگر بهم‌تر کیب‌نموده وآنرابصورت‌کامل دنیائی امروزبجهان علم وصنعت اهداء کرده‌اند .

اسلام درحوادث بزرك

حوادث بزرك وانقلابات عظیم وجنگهای دامنه دار وعمیق گذشته قتل وغارت وویرانی و تلاشی وانهدام یك نتیجه هم دارد وآن تحول افکار وجنبش اقوام‌و ملل است که دراثر آن حوادث میتواند ملتهای خودخواه وخودممتاز تنبل وتن‌پرور را از بین برد و یابجنبش وکشش وکوشش برانگیزد وتمدنها واصول دسته ورقـاء ملی رابراقوام وملل نشان‌دهد و علوم رسمی وعمومی رادرضمن جریان حوادث وانقلاب بمردم تعلیم کنند مثلا درجنگها مردم بتاریخ‌و جغرافیای ممالك غالب ومغلوب یامهاجم و مدافع عطف توجه کرده خوب این درسرا از محیط فرا میگرفتند وموجبات تمدن را ازیکدیگرمیگیرند .

فتوحات اسلامی مردم‌عربستان راکه جزسرمایه‌ایمان واخلاق چیزی نداشتند بتمدن جهـان آشناساخت وباحملات وپیشرفت اطراف عربستان تاشرق وغرب وشمال و جنوب علوم وصنایع‌قدیم جهان راگرفتند وبایك روح تازه وسبك نوینی وسلیقه مخصوصی متضمن دستورات اسلامی‌بیك تمدن‌بزرك بی‌نظیری براساس دین وعلم وفضیلت‌استوار کردند تاباوج کمال‌رسیدند وچون هشت قرن‌گذشت‌مغرور آن پایه مدنیت وعلم‌وصنعت وثروت وقدرت شدند راه تعلل وتعطیل قوای روحی وفکری راپیش گرفته ازعلوم وصنایع کناره گرفته مثلا ازپانصد علمی که حضرت‌امام جعفرصادق‌ع بچهارهزار شاگردانش آموخت منحصربه ۲۵ علم گردید وراه انحطاط وتنزل مقام سیاسی راپیش گرفتندچون‌تمدن اسلام درسرتاسرجهان مظاهرخود را بمنصه ظهوروبروزگذاشته بود وعلوم ومعارف اسلام درهمه کتابخانه وکشورها نمودار بود ودرهمه بازارهای دنیامتاع مسلمین درنظرتجلی داشت‌ملل غربی که آنهمه مظاهر وآثار مدنیترا دیدند بفکر استقلال خود افتاده وازخواب غفلت مسلمین استفاده کرده شروع بحمله وهجوم کردند و جنگهای صلیبی را بوجودآوردند تاآنکه تمام مبانی تمدن مسلمین راگرفتند ودراین جنگهـای دویست‌ساله

موجبات انحطاط اخلاقی مسلمین رافراهم کرده وسرمایه علم وتمدن واخلاق وفضیلت آنهارابردند و در ممالك اسلامی رخنه کـرده هرچه از نفایس و خزائن داشته بهرقیمت و بهر سیاست میسر شد گرفتند ،

این حقیقت تاریخی مارابیك معنی که ازحدیثی ازائمه شیعه امامیه نقل شده متوجـه میسازد که گفته‌اند درهرقرنی باید ازپیکراجتماع فصدی‌شود هماطور که ازپیکریك فردباید خونهای کثیف گرفته شود ازپیکراجتماع باید خونهای فاسد خارج گردد ولذا این جنگها یاتواریخ طبیعی مـانند خسف وزلزله ـ قحطی ـ آتشفشانی وغیره گاهی بمورد است تاملتها ازخواب بیدارشوند وغافلهابهوش آیند وبسعـادت لایق خودبرسند .

جنگهای صلیبی که ازدشمنی‌مسیحیان‌ونصاری علیه اسلامی ازهمان اوایل طلوع دین اسلام‌ریشه گرفته بود ودرقدرت مسلمین نمیتوانست‌کاری انجام دهد بمحض ضعف مسلمین و غفلت وبیهوشی‌آنها شروع بحملاتی کردند وباآمدن‌بمشرق وممالك اسلامی‌تمام ذخایررابردند وامروزهم اقراراعتراف مینمایند که درتمدن کنونی وارث مسلمین درعلوم وصنایع میباشند ،

ملل‌اروپائی مخصوصادرهنرهای زیبا و نقاشی‌وصنایع ظریفه ـ ادبیات‌وبالاخص درعلوم طبیعی وطب مرهون‌خدمات عالیه مسلمین‌هستند چنانچه دکترماکس‌میرهوت کتابی دراین فصل نوشته‌که قابل توجه است .

ریشه‌های مفاسداجتماعی

دروغ ، نادرستی ، خیانت بامانت ، بی‌ثباتی در ایفـای بعهد ، تربیت فاسد که رشدعقلی ورشدبدنی را ازدست داد وضعف‌نفس بوجود آورده است . مفاسد فرهنك اروپائی که تحمیل برملت اسلام شد اوهام وخرافات ونظریه های حدس وتخمین رامیپروراند وایمان بحقیقت ویقین را مکتوم میدارد ـ آزادی فکر واندیشه راروی اوهام ونظریه‌های فاسدمیبرد نه‌ازروی‌حقایق مسلم‌عالم وجود، . فرهنگی که شهوت‌انگیزاست نه تقوی‌آمیز ـ فرهنگی که رذیلت‌پروراست‌نه فضیلت‌اور ـ فرهنگی که حقایق علمی‌را زیرپا گذاشته وتئوریهای سفسطه وجنون‌آمیزرا تقویت کرد .

معارفی که نیازهای اولیه بشر راکنارگذاشته احتیاجات احتمـالی را تقویت میکند . معارفی که آتش شهوات را برمی‌انگیزد و بدنهای لخت وعریان زنـان بی‌عفت را بنـام آزادی درمعرض مخاطرات ونسل‌آینده می‌اندازد .

نگارنده می‌اندیشد که هر کس‌بگوید زن ومرد ازنظرحقوق‌غرائزطبیعی مساوی است‌جزمنطق شهوت نگفته وهیچ‌آمیزشی عفیفی بایك خاندان اصیل و نجیب نداشته تا یقین کند که غرائز طبیعی قوای درونی‌زن بتحقیق ضعیف‌ترازمرداست واینهمه غوغای آزادی زن برای متمع‌شدن ازشهوات‌همان مردان زن صفت است و گرنه مردخردمندی کـه علاقه بملیت ونسل‌آینده داشته بـاشد ارحام یك جامعه راکانون مکروب امراض نمیسازد وافکار یك معصوم رابمشتهیات نفسانی‌نمی‌آلاید .

آری این‌کارها بود که فضایل راکشت ورذائل را ایجاد وتقویت کرد ـ دیگرقبح‌کاربرداشته شده ولذت زیبائی‌زن ازمیان رفته است ،

تفوبراین مغزها ومشاعر کودکانه شهوت‌آمیز که پای‌بند ومشتهیات نفسانی‌میشود و برای‌قرنها یك جامعه رابدبخت ویك ملت رابدنام میکنند .

وای بر آن زن‌صفتانی که برای حفظ مقام وکالت ووزارت دختران معصوم مسلمین را عریان و برهنه درمعرض استیفای شهوات جوانان جلف و بی‌تجربه ومقامات ناآزموده گذاشتند قرنهاجنایات و معاصی‌اینمردم بحساب این‌افراد گذاشته خواهد شد؟

مرتکبین‌این جنایت‌خواه وزیر یاوکیل‌ایرانی یاوزیرمصری وهندی یامجمع ملل متفق‌یاجامعه ملل متحد ویاناشرین‌منشور اتلانتیك یاهر کس باشدضامن این جنایت‌دامنه‌دار است که قرنهاشریك جرم شناخته شده ومورد لعن‌وطعن جهانیان است همانطور که یکمرد خیر بااحداث یك قنات آب‌قرنها ازثواب مصرف کنندگان آب بهره‌مند میگردند .

همانطوریك مرداحمق نابخرد باارتکاب یك‌جنایت دامنه‌داری شریك جرم وهر گناهی‌هستند که مرتکبین آن بدعت عمل میکنند .

نعوذبالله من‌شرالشیطان ومن شرنفس‌الاماره

رواج مشروبات الکلی و مسموم کننده و جنون انگیز موجب اضمحلال و انحطاط اخـلاقی جامعه شده است .

استعمال دودهای خطرناك و کشیدن وافور وتریاك وسیگار وغیره ازآثار تمدن جدید اروپائی است اسلام باهمهٔ این بدبختی‌ها مخالف است وصریحاً میگوید: **ولاتلقوا بایدیکم‌الی‌التهلکه**

مرد خردمند اموال خودرا آتش نمیزنــد و دودان رادرچشم وگلوی خود فروبرد ــ این فقط یك نوع جنون مستانه نابخردانه ایست کــه سوقات ملل غرب بود و بجای ذخائر اسلام که بردند بجا گذاشتند ،

قماربازی که تمام قوا و مشاعر واموال وذخـایرومیراث وتمکن وحتی‌تمام قوای طبیعی‌وغرائز معنوی رابباخت خواهد داد وفقرومسکنت ، مرض و کسالت وانحطاط ورذالت بوجود میآورد ، نظم زندگی را از دست میدهد .

قمار برد ندارد چنانکه ازاول قمار بازی گفتند نی‌قمار بری

مفاسد اجتماعی

یکی‌از عواملی که ملل اروپا برای ترقی ورشد عقلی خودشان اختراع کردند سینما ونمایش‌خانه وتصنیف کتب قصص‌وداستان ورمان وتصانیف و اشعار موهوم بود ولی دراین مملکت عکس ــ العمل آن‌صددرصد بضرر وزیان اخلاقی جامعهٔ ایرانی تمام‌شد.

این دامهائی بود که ملل غربی ودشمنان دین اسلام برای انگیختن شهوات و ارتکاب جنایات در دسترس مسلمین گذاشتند رمانها ـ اشعار ـ تصانیف شهوت انگیز و جنایت آمیز کتب **لوند ـ جلف ـ لوس** : وغیره که اخلاق جوانان معصوم ودانش آموزان مسلمین رادر معرض خطر انداخته و تمام اوقات آنهارا گرفت.

ده‌سال اینکار درایران انجام‌شد قرنها ملت‌نجیب ایرانرا بانحطاط اخلاقی عقب‌راند وملیونها پرونده دزدی وجنائی وجنحه وقتل وسرقت وفحشاءِ ومنکرات در **دادگستری کشوری که پیغمبر اسلام پادشاه آنرا بدادگستری یاد فرموده بوجود آوردند.**

دروس ومعارف دین متروك ماند ـ قرآن راپشت‌سر انداختند ـ اشعار وآثار شعرای اسلام که

سرتاپا فضایل واندرزها ونصایح وتعلیمات اخلاقی وتجربه خاص عمومی بود همه را کنار گذاشتند و رمانهای عاشقانه وسینماهای مستانه وعکسهای زنان بی‌عفت لخت‌وعریان رادرانظار جوانان گذاشتند وآنهارا باین بدبختی وذلت‌وفقر ومسکنت انداختند که اگریك مردصدساله قبل‌از نیم‌قرن ایران‌را دیده‌باشد و پس از ۶۰ سال باز بایران آمده هرگز این‌ملت راباشعائر ملی‌نخواهد دید تأثیری که سینما درایران کرده ومیکند قرنهامسلمانان رااز حقیقت دور گردانید .

نمایشاتی که بنام‌معاشقه وغنج ودلال جوانان راراهنمائی بشهوات وکیفیت معاشقه کرده وحس شهوات آنهارا بیدار وتحریك نمود بنحوی که امروز هرشخصی ازوزیر ووکیل واشراف واعیان که دختران وپسران خود را آزادانه باین دستگاه های شرم آور فرستاده‌اند جزفقر ومسکنت‌ومرض و کسالت‌وپرونده‌های‌جنائی‌وبدنامی‌چیزی بیادگارنگذاشته وجزابواب‌افتضاح وبی‌آبروئی راکه بسوی خود وخاندان وفامیل وملت ایران باز کرده‌اند وانفعال وشرمندگی چیزی باقی‌نمانده است

این نغمه‌های ناهنجار این‌آهنك های شهوت‌انگیز این صداهای نامطبوع همه‌برای سستی‌اعصاب وبیدار کردن غرایز وشهوات ایجاد فاصله طبقاتی‌بود.

بریدگیهای طبقاتی همه‌زیاد شده جزضعف نفس وضعف بنیه‌مالی واداری و انحطاط اخلاقی و تشدد امور اجتماعی ونسل مریض وفقیرچیزی بجانگذاشت این‌ارمغان رابما دادند که همه چیز مارا بآسانی ببرند ونفس نتوانیم کشید .

تمدن اسلام که شامل سعادت دنیا ورقاء اجتماع ورستگاری آخرت وسیاست بود ازما گرفتند و بصورت یك فرنگی بی‌نصیب و بی‌علاقه تمدنی مادی بوجود آوردند دروغ و چاپلوسی های بیجا مداحی های فضیلت کش ـ مجامله وتسامح بمنظور حفظ منافع شخصی و ترجیح آن برمصالح عمومی درمجلس شورای ملی درپیشگاه مقامات غیرمسئول درروی منابر وتبلیغات درجراید ومطبوعات ورادیو وسخرانیها آنقدر دروغ وچاپلوسی شد که حقیقت پشت‌پرده مخفی ماند ـ آنقدر مجاز گوئی شد که چهره زیبای حقیقت برنسل جوان مکتوم ماند.

امروز نوباوگان ازشعائر ملی ودین وآداب گذشته‌گان نیاگان‌خودجزقصه‌ها نمیشنوند وجز خواب وخیالی‌نمی‌بینند زیرا زندگی ایرانی امروز نمونه مستعار تمام زندگی اروپاست واسباب و عوامل زندگی همه‌صنایع خارجی است.

حکیم نظامی خطاب به‌پیشوای اسلام کرده عرض میکند دین را باشهوات آمیختند وشیوائی براو بستند که دیگر شناخته نمیشود .

دین تورا درپی آرایشند	درپی آرایش و پیرایشند
بسکه فروزند براو برك‌ساز	گرتو ببینی نشناسیش باز

علل انحطاط واضمحلال

۱ ـ ناچیز گرفتن‌وسهل‌انگاری درگرفتن مالیات

۲ ـ عمال واصول مالیات خراج مملکت رابخود اختصاص میدادند.

۳ ـ اشتغال مردم بفتنه وباز ماندن ازکار زراعت وآبادانی اراضی بایر شدن قنوات ولم‌یزرع ماندن دهات .

۴ ـ انتقال املاك دولتی باملاك شخصی وتزیید تشریفات وتکثیر مخارج وتقلیل درآمد.

۵ـ اسراف وزیاده روی خلفا ووامراء وسلاطین‌زنان ایشان وتلف کردن اموال بیت المال به‌مصارف شهوات آنان .

۶ ـ ایجاد راههای مخارج مختلف برای دولت .

۷ ـ افزودن رسومها ومقرری مستخدمین بیکار مانند عاملین کاتبین وزیران ، قاضیان وکسان خود ، اعضای مخصوص دربار ولشکریان ودبیران آنها .

۸ ـ برای حفظ مقام خویش گروهی را بموافقت مقرراتی میدادندکه براصول رویه‌دین مخالفتی کنند وفتاوی علیه‌دشمن ندهند وعلمای درباری باشند وآنها مخارج شان بعناوین مختلفه از بیت المال داده‌میشد چنانچه هنوز ادامه دارد.

۹ ـ ازمردم درموقع بیعت پول میگرفتند وآنها رابه مخارجی موظف میکردند واین خلاف رویه ودعوت‌اسلام بوده؟

۱۰ ـ مخصوص داشتن رجال دولت واموال بیت‌المال برای خلفا ودرباریان ووزراء و خالی داشتن خزانه دولت تاآنجا که وزراء رامصادره کردند واموال آنهارا بغصب گرفتند نفاق جای‌تفاق را گرفت تشتت بمسند اتحاد نشست.

مسلمین مساجد بزرك اندلس رااز دست دادند وکلیسا شد یاکنیسه گشت ـ همان سرزمینها که‌رلد مردانی دلیر وباشهامت ومسلمانی غیور وباهمت دانشمندانی بزرك وباعظمت بوجود میآورد و عبادتگاه مسلمین بود جای‌رقص وموسیقی نصاری شد.

مسجد بزرك سومنات که بدست سلطان محمود غزنوی ساخته شده بود وقرنها محل عبادت و تعلیم وتربیت ودارالتبلیغ بزرك مسلمین بود که انگلیسها بدست هندوها دادند وبجای پرستش‌خدای یگانه فعلا درآن عبادت بت‌ها میشود.

شهر دهلی که قرنهای متمادی مرکز سلطنت‌پادشاهان اسلام بودبدست سیك‌های‌هنداسیرشدند یهود که هزارسال است خراج‌پرداز اسلام میباشد دوره تربیت الیهود را آغاز کرده ومیخواهند در مقابل اسلام آن‌قانونی اجتماعی بشری عرض اندام کنند .

سستی، تنبلی، کاهلی، بی‌علاقگی ، بی‌دینی تقلید کورکورانه، لاقیدی شرب مسکرات ، قمار عراق،شراب، تریاك؛ زنا،سینما، وتآتر وغیره تحمل وطاعت، قناعت، سازگاری، مبالات، مآل‌اندیشی رااز انسان‌دور میسازد.

فقر ومسکنت عمومی‌را بوجود میآورد افراد وطبقات بیچاره وبیکاره حیران وسرگردان وبی - خانمان وبی‌سرپرست میگردند چرخهای زندگی اجتماعی ازکار میایستد ـ نزاع و مناقشه‌ها عموماً روی فقر واحتیاج است اختلاف کارگر وکارفرما عموماً روی بی‌عدالتی است ـ فحشاء وسرگردانی زنان کثرت امراض مقاربتی که میوه کوچکش قطع نسل و مرك جنین یـامولود است رشوه خواری عمومی ـ رباخواری، رشاء وارتشاء اداری و بازاری ـ کسب در معابر که حرام است ، معامله‌بیع لم‌یوخذ ثمنه .

معاملات‌سفته وغیره مردم را متفرق ساخته ، همه‌از هم‌پاشیده‌اند، همه بهم بی‌اعتماد وبدبینند دولت ازملت ملت از دولت هردو ازطبقه دیگر هرسه از عوامل وبالاخره آتش فساد دوروئی، شهوت

دروغ ، خیانت، بی‌ناموسی، هرزگی ، رذائل اخلاقی افراد رافرا گرفته و محیط را سیاه ساخته و تاریك نمود .

طریق اصلاح جامعه مسلمین

۱ ـ تشکیل سازمان روحانیت براساس تقوی

۲ ـ ترتیب حوزه علمی و امور تدریس طلاب علوم دینیه براساس عدالت اجتماعی وتقویت و پشتیبانی ازدین وشعائر ومصونیت دین ازخرافات واوهام

۳ ـ تهذیب منابر تبلیغی ومجالس روضه ووعظ وتذکرازمداحی های بی‌مورد خواندن اخبار جعلی وقصص موهوم وبی‌اصل وتقویت استعداد های‌لایق وتربیت غرائز معنوی واعزام مبلغ بنقاط دور قراء و قصبات، مرزها،ممالك‌دیگر، میان‌ملل منحطة، میان‌اقوام وعشایر بدوی.

٤ ـ ایجاد صندوق بیت المال مسلمین ازروی عدالت وانصاف وصرف وجوه حقه اوقاف. سهم امام، خمس، زکوة، صدقات، خیرات وغیره وتأمین زندگی وعاظ ، مبلغین، پیشوایان روحانی که در اطراف برهبری میپردازند .

تعظیم شعائر مذهبی وتجدید مجد وعظمت اسلام وآل‌محمد که بزرگترین فداکاری رابـرای نشردین نمودند ومصون داشتن اجتماعات شعائر ازاوهام وخرافات.

ه ـ آبادی وعمرانی مساجد بتناسب باعصروفرش گستردن، نظافت روزانه برق‌مرتب، حوض خانه ومستراح تمیز؛ کفش کن وموجبات بخاری وبادبزن وتشویق مردم بجمعه وجماعت.

٦ ـ تنظیم برنامه صحیح برموازین علم ودین برای مدارس که دراطراف ممالك اسلامی بحد وفورهست وهیچ کشور وملتی باندازه مسلمین مساجدومدارس واوقاف ندارد.

۷ ـ تشیید مبانی دوستی بین‌افراد، قبایل، طوایف، ممالك اسلامی، کشورهای‌بزرك وقاره‌های مسکونی‌مسلمین وتحکیم‌مبانی‌الفت‌ومحبت‌ودین ونشرعدالت دراجماعات‌وفضیلت اخلاقی که مخصوص مسلمین بوده‌است.

۸ ـ حذف وطرد سینماها، رمانها ، رقص‌ها، موسیقی های طرب‌انگیز وشهوت آمیز وتهدیـد أین دستگـاهها ازخرافات واوهام وغیره

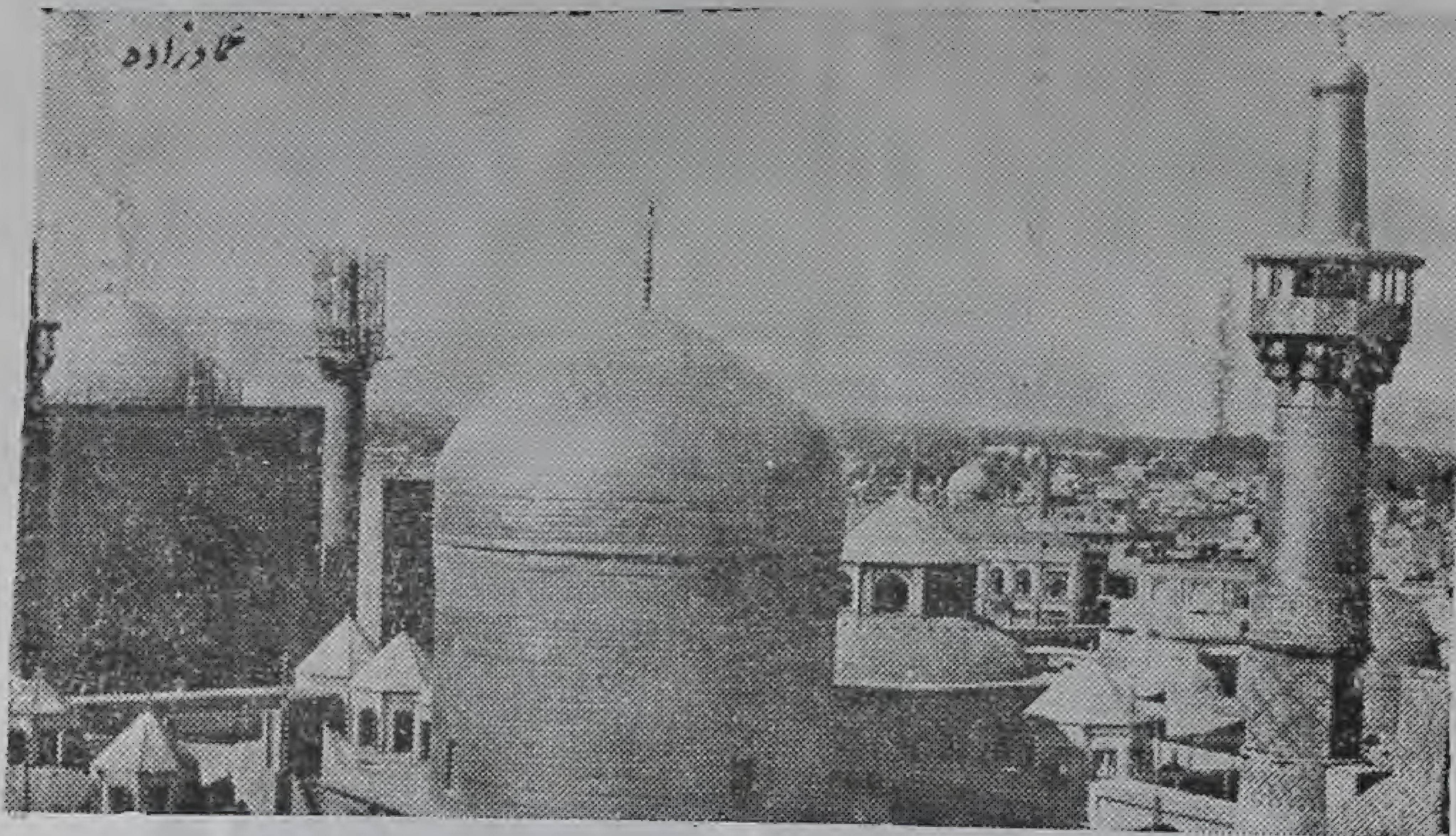
۹ ـ کوتاه کردن دست‌اجنبی واجنبی پرست ودقت درطبع وتألیف ونشر کتب اخلاقی

۱۰ ـ دردست‌داشتن‌فرستنده‌رادیوو‌تلویزیون‌نصب‌بلندگودرتمام‌قری‌وقصبات‌وسرهر کوی‌وبرزن شهروده‌وحتی کوهستانها‌برای‌ایلات‌وعشایر ودعوت آنها‌بدین ومفاخرملی‌اسلام. وتدریس علم‌وفضیلت

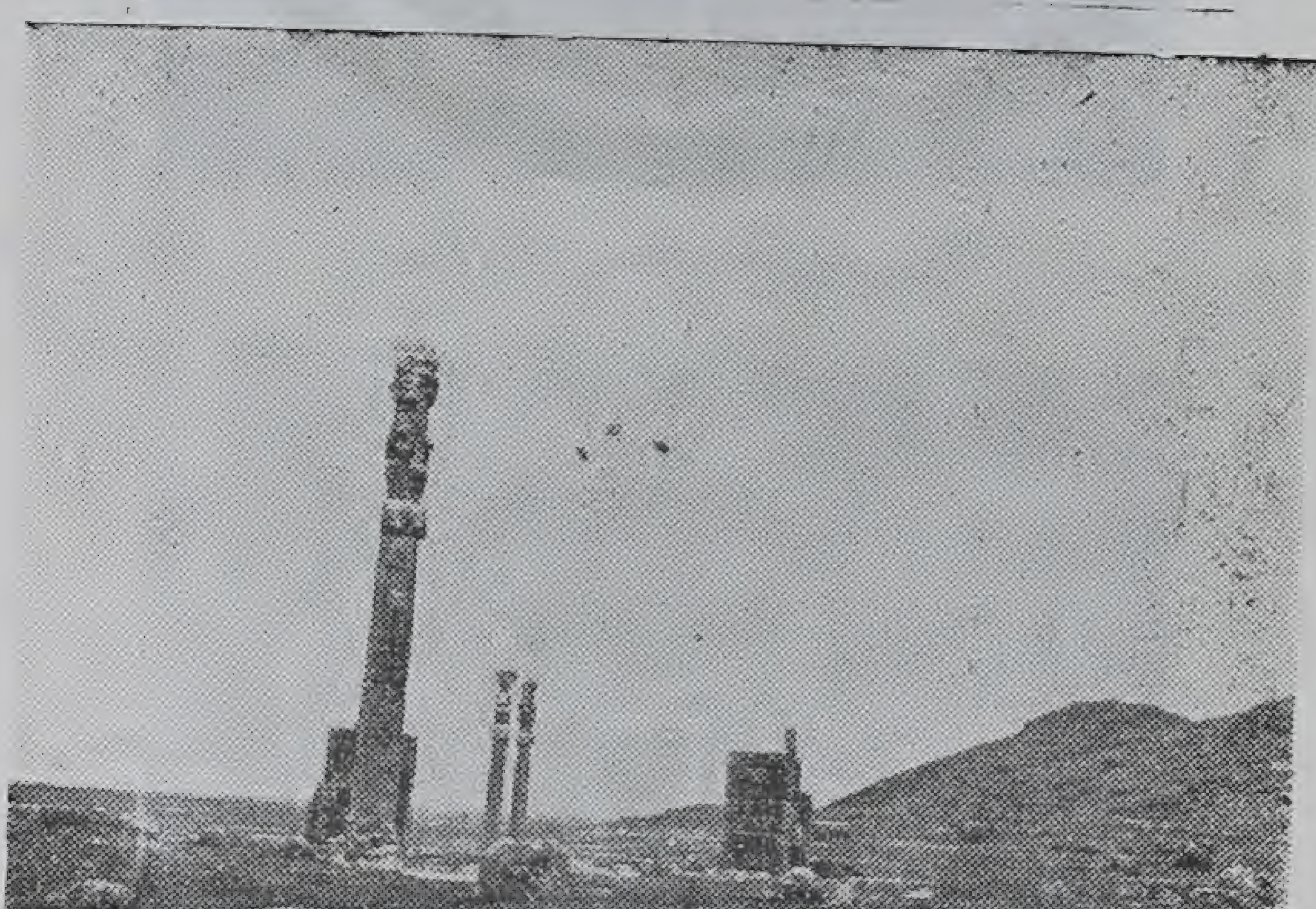
۱۱ ـ تجدید نظر درجراید ومجلات ومطبوعات وجلوگیری ازمطبوعات مضروفاسد وکتب‌ضاله وآنچه که سبب‌غنج ودلال وشهوات وفحشاء میباشد.

۱۲ ایجاد نمایش خانه‌های اخلاقی دینی علمی بجای سینماهای شهوی وتهیه فیلم‌های جالب‌ـ توجه از شعاعر اسلام ومفاخرملی مسلمین که بحد وفور در قلمرو اسلام موجود است وتعلیم تمدن اسلام و تاریخ جغرافیائی ممالك اسلامی ازهر کشور بکشور دیگر و مخصوصاًترویج کشاورزی و وصنعتی که تقویت بنیه مالی‌مسلمین رابنماید وکاربرای بیکاران بوجود آورد.

۱۳ ـ باید درتعلیم وتربیت مسلمین از راه تقویت دماغی وفکر و اندیشه ونیروی علم ودانش ایمان‌را تقویت کرد ومبانی الفت ومحبت برادری را تحکیم نمود و عظمت اسلام رادر روحیه دقیق

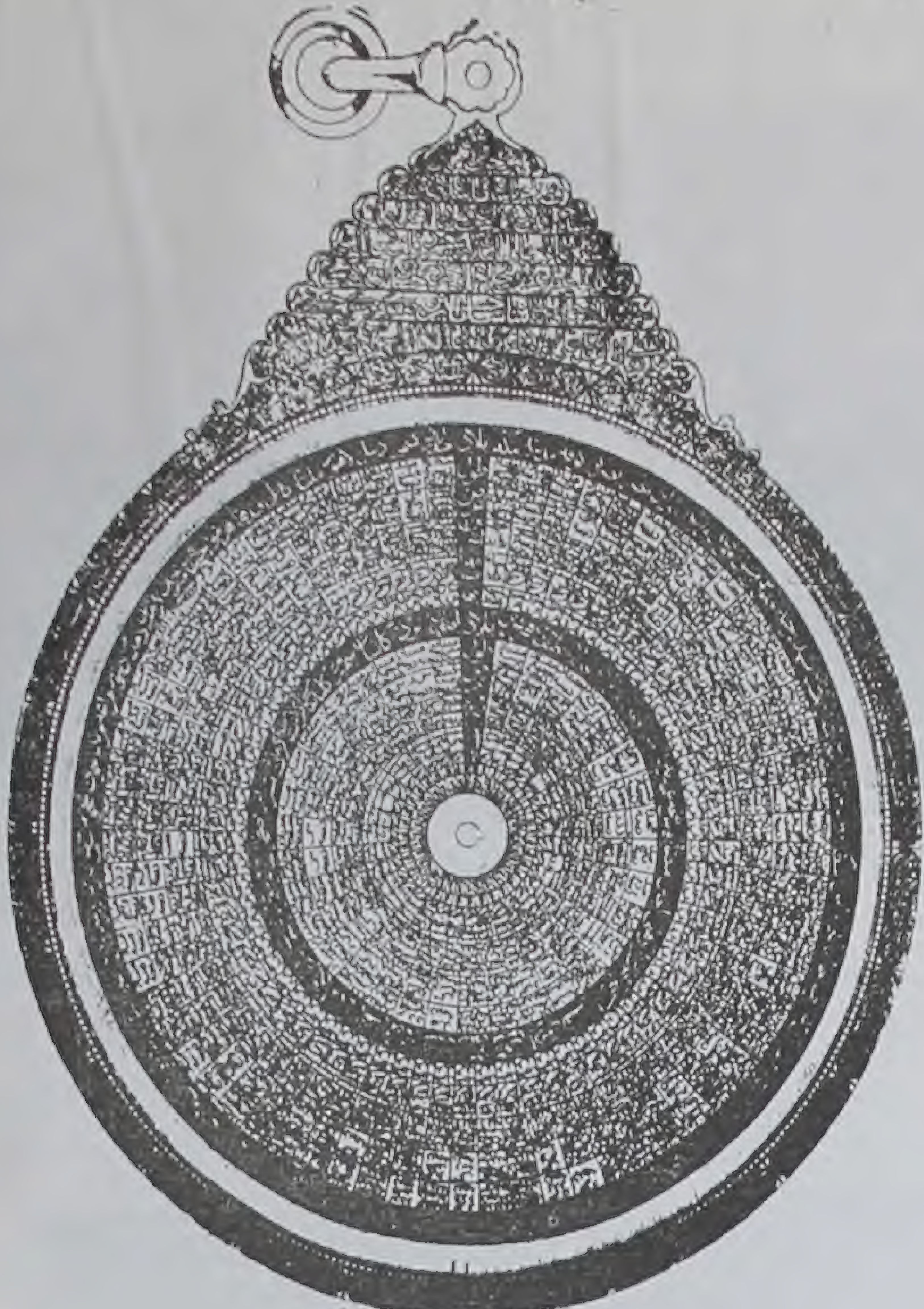


ش۲۷۵



آثار تاریخی کرمان

ش۲۷۶



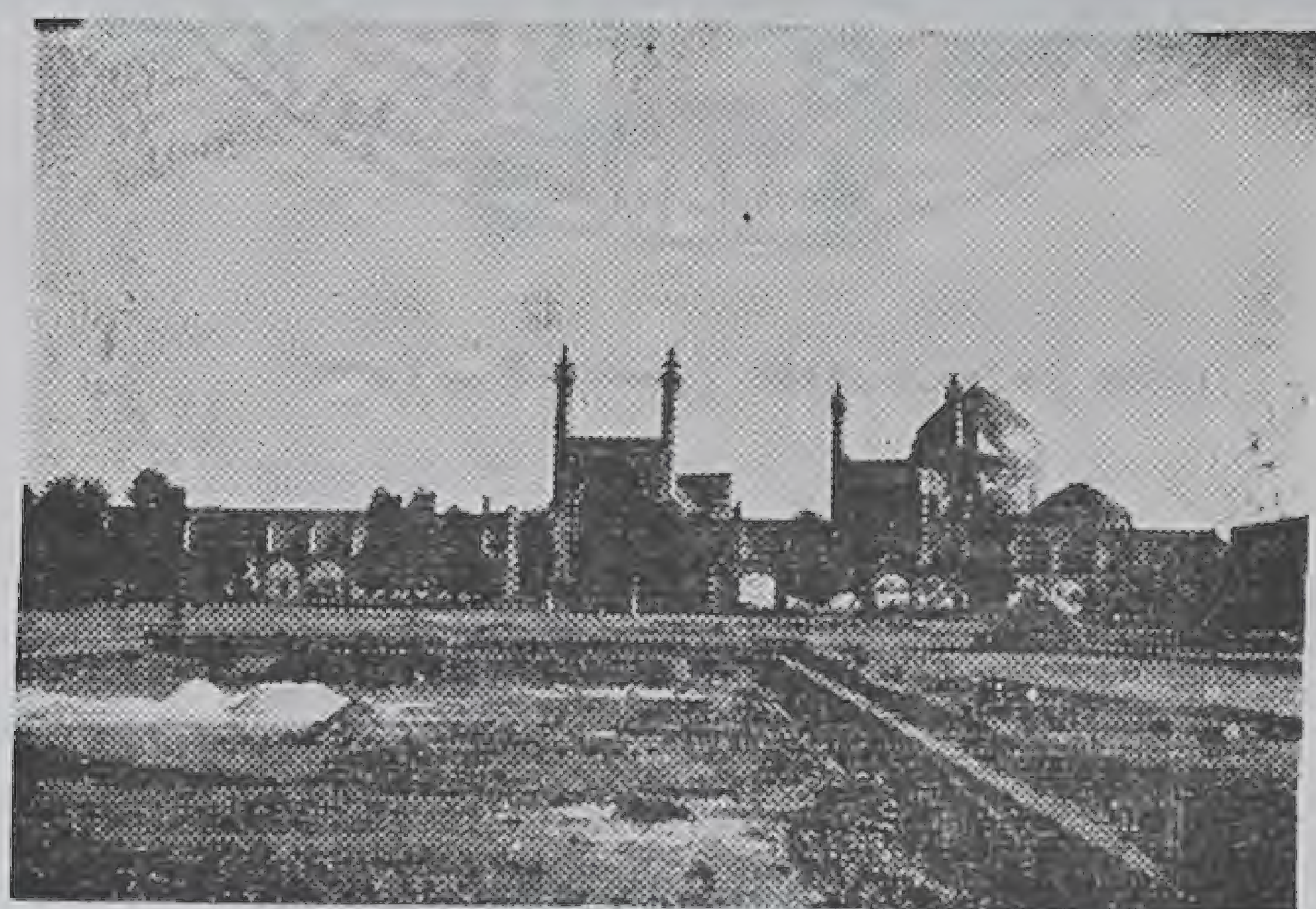
ش۲۷۷ اسطرلاب شاه سلطان حسین در بریطانیا



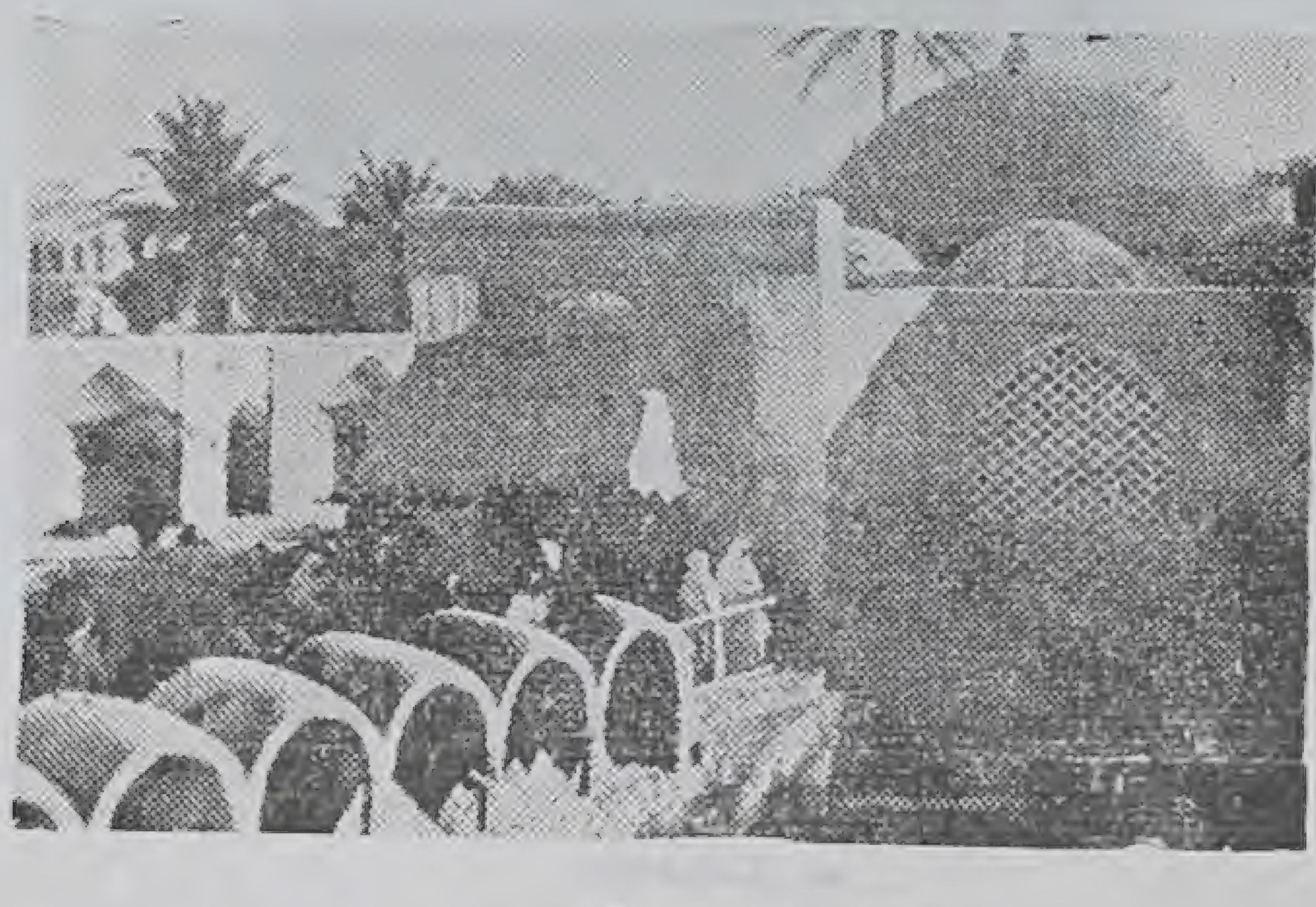
ش۲۷۸ قصر بغداد



بیمارستان شهسوار — ش ۲۷۱



مسجدشاه اصفهان — ش ۲۸۰



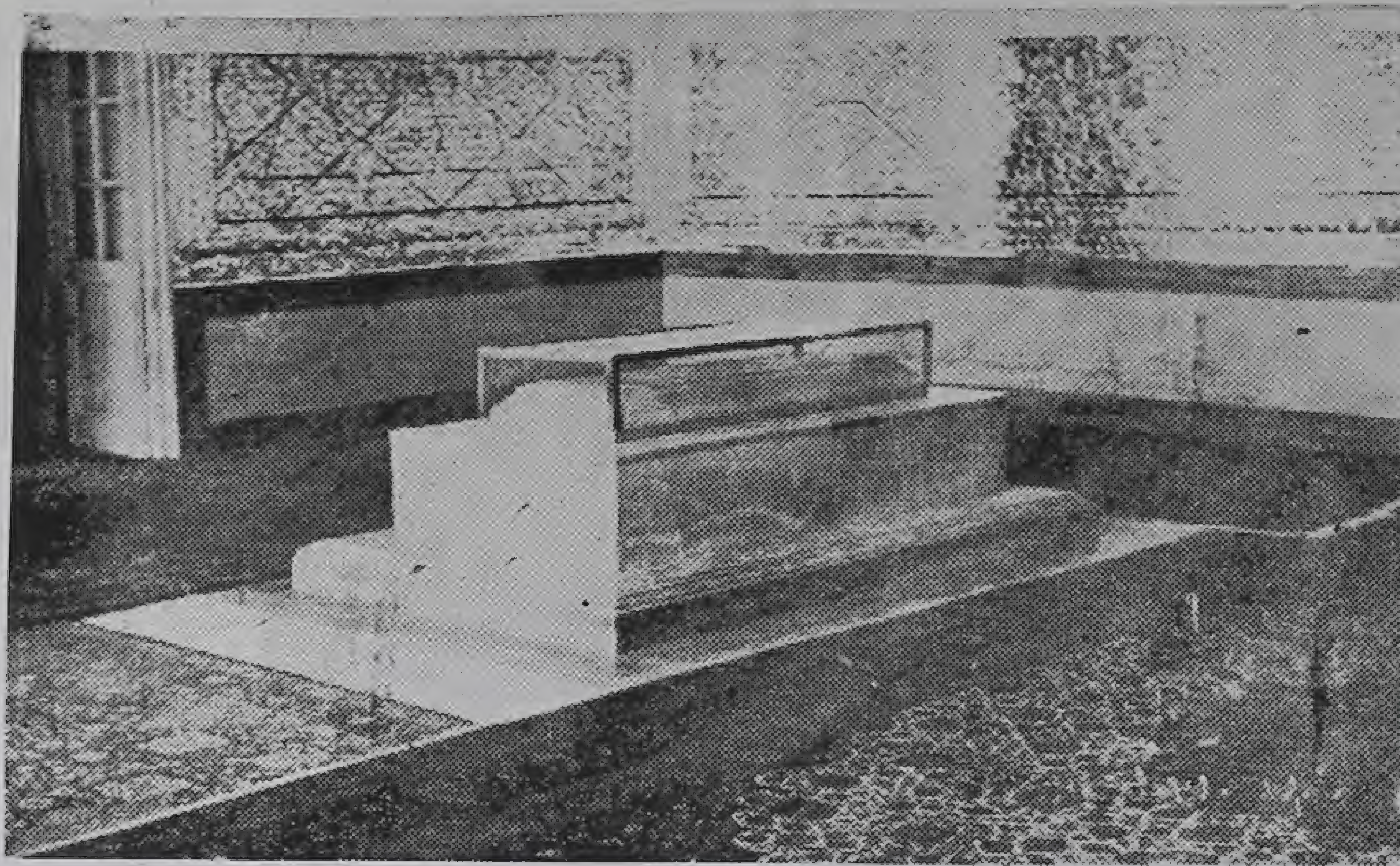
ا خیمه گاه — ش ۲۸۱



ش ۲۸۲ اسطرلاب شاه‌حسین صفوی درموزه بریطانیا



ش ۲۸۳ مشاهدمشرفه



ش۲۸٤ قبر شیخ بهاء الدین



ش۲۸۵ بارگاه حر



ش۲۸۶ مهمانخانه شاهی



ش۲۸۷ آقای اردبیلی در صحن مطهر رضوی در حال نماز



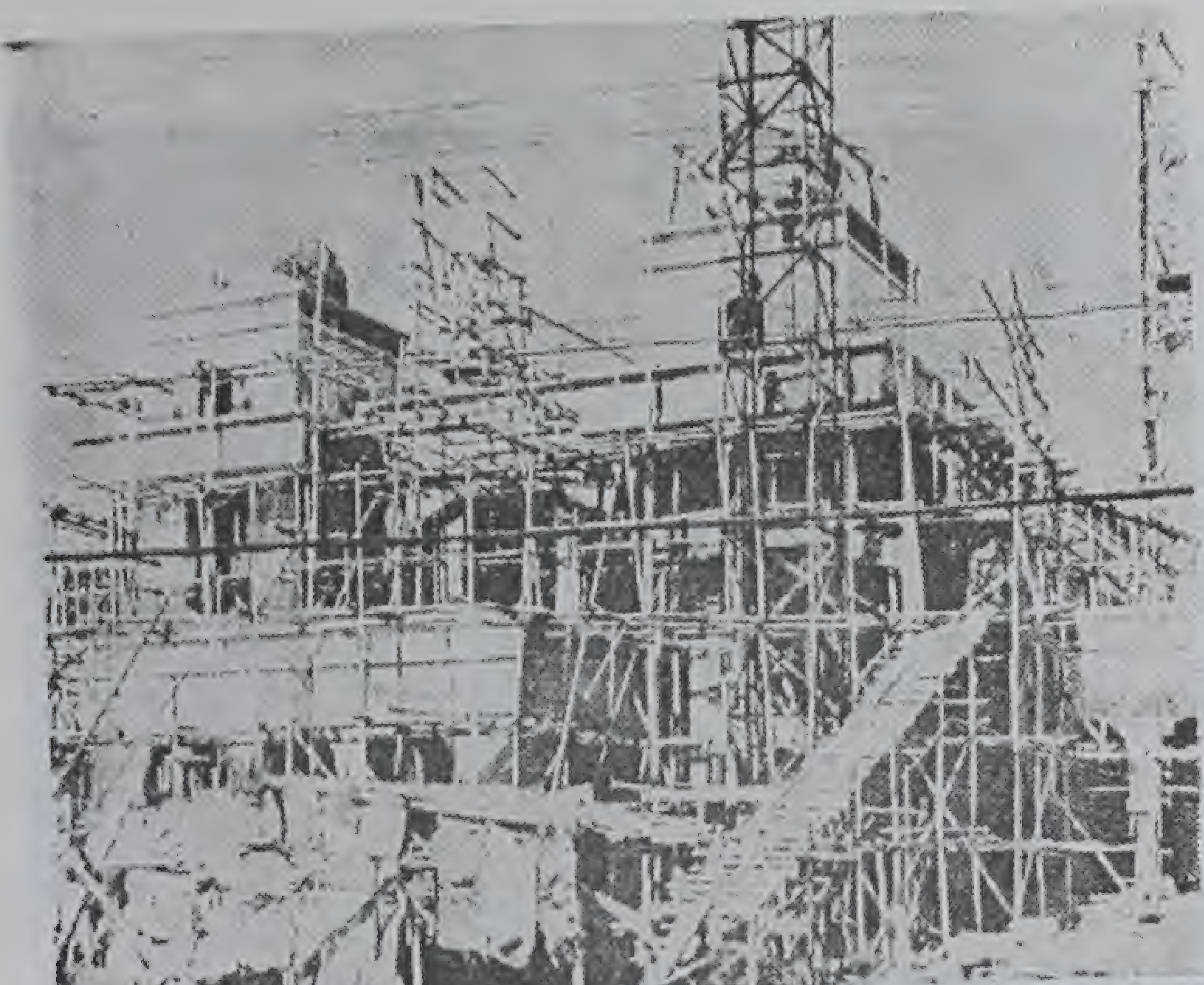
ش۲۸۸ نمونه از مسلمانان چین ملی



ش۲۸۹ علاقه بانجام وظائف مذهبی بین بانوان اندونزی عمومیت دارد



ش۲۹۰ آقای شاهرودی در حال نماز



ش۲۹۱ مسجد تاپیه



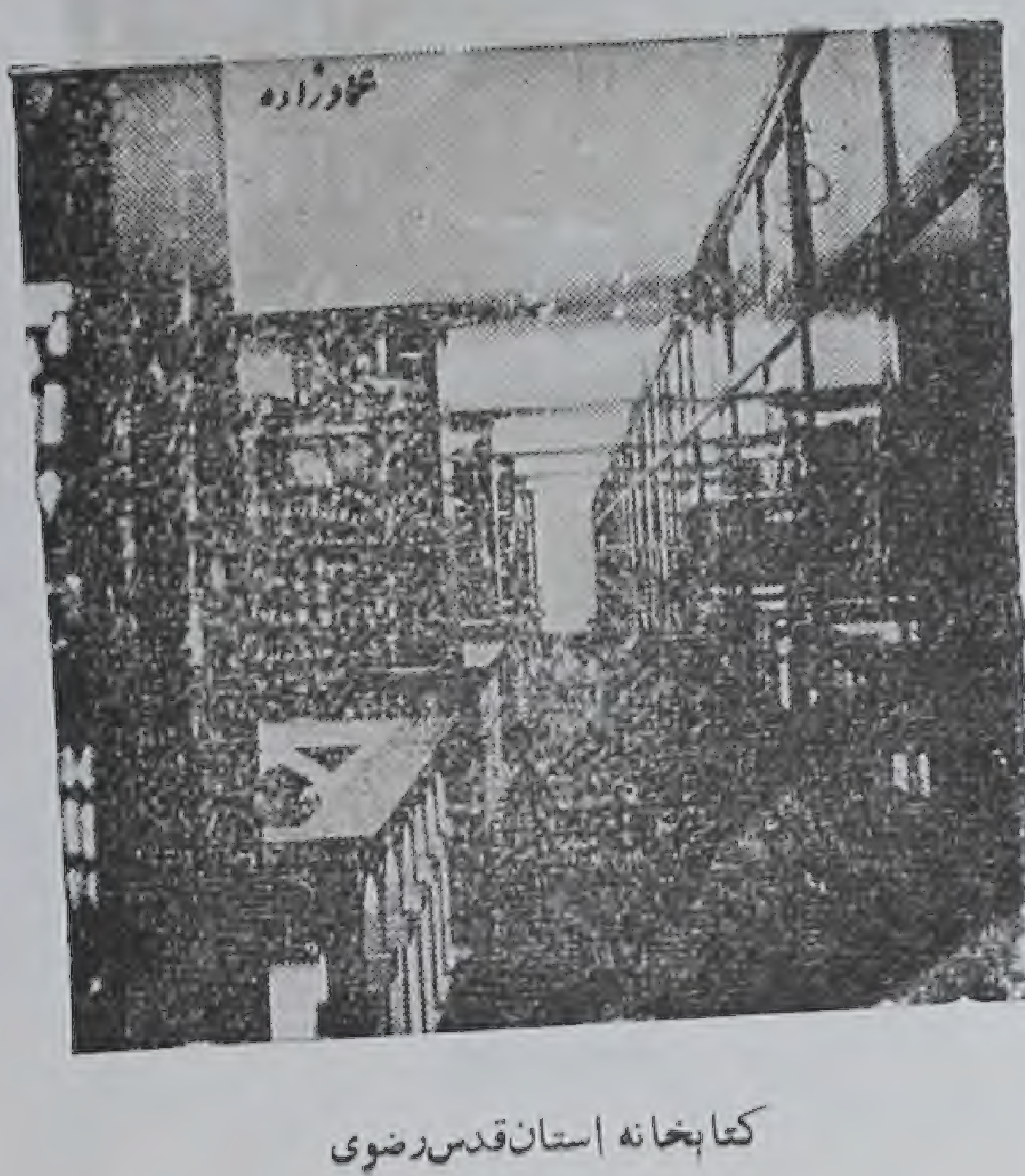
ش۲۹۲ دسته‌ای از مسلمین آلمان درحال نماز



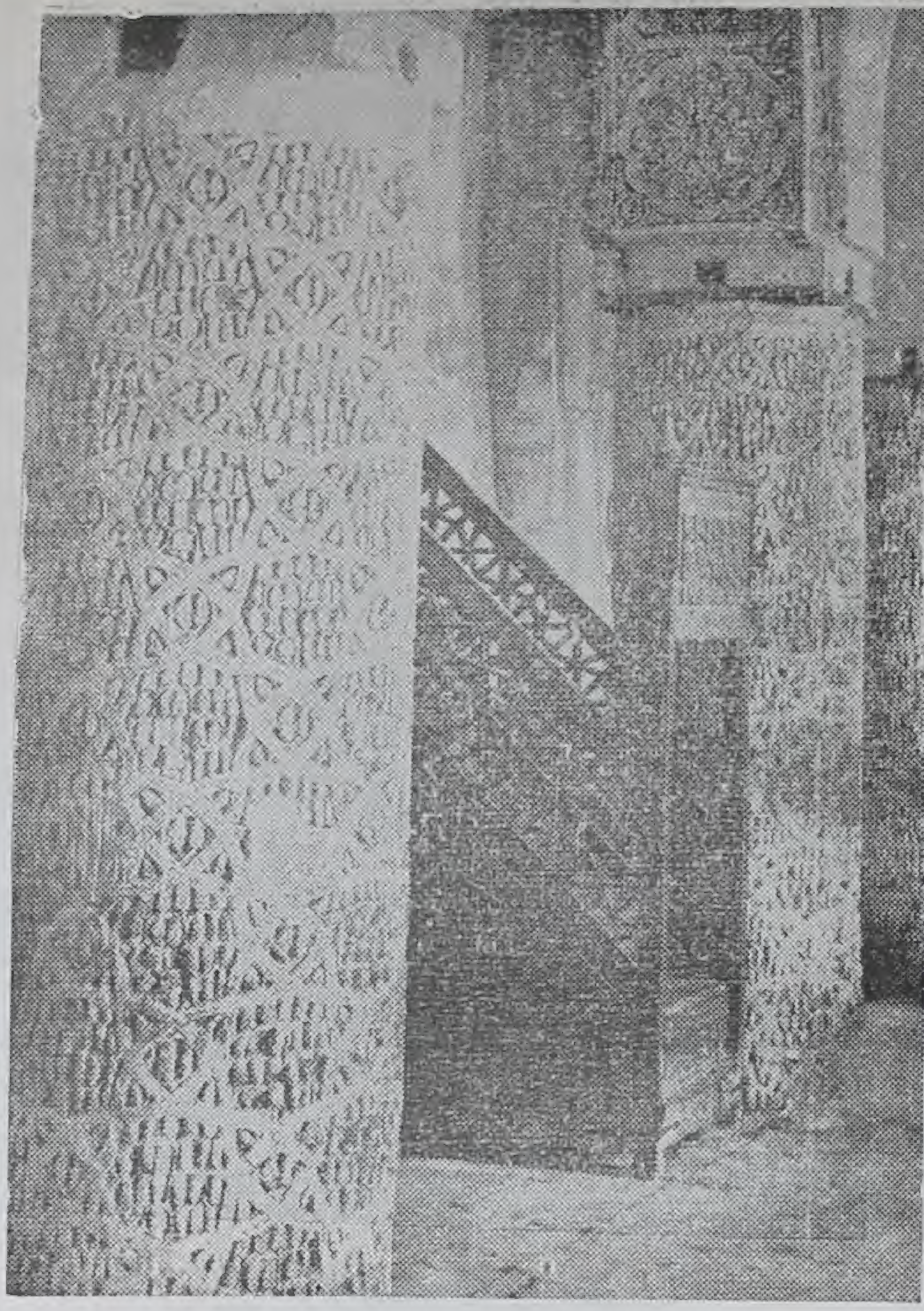
ش۲۹۳ درمسجد جدید فرانسه



ش ۲۹۴ شاهی



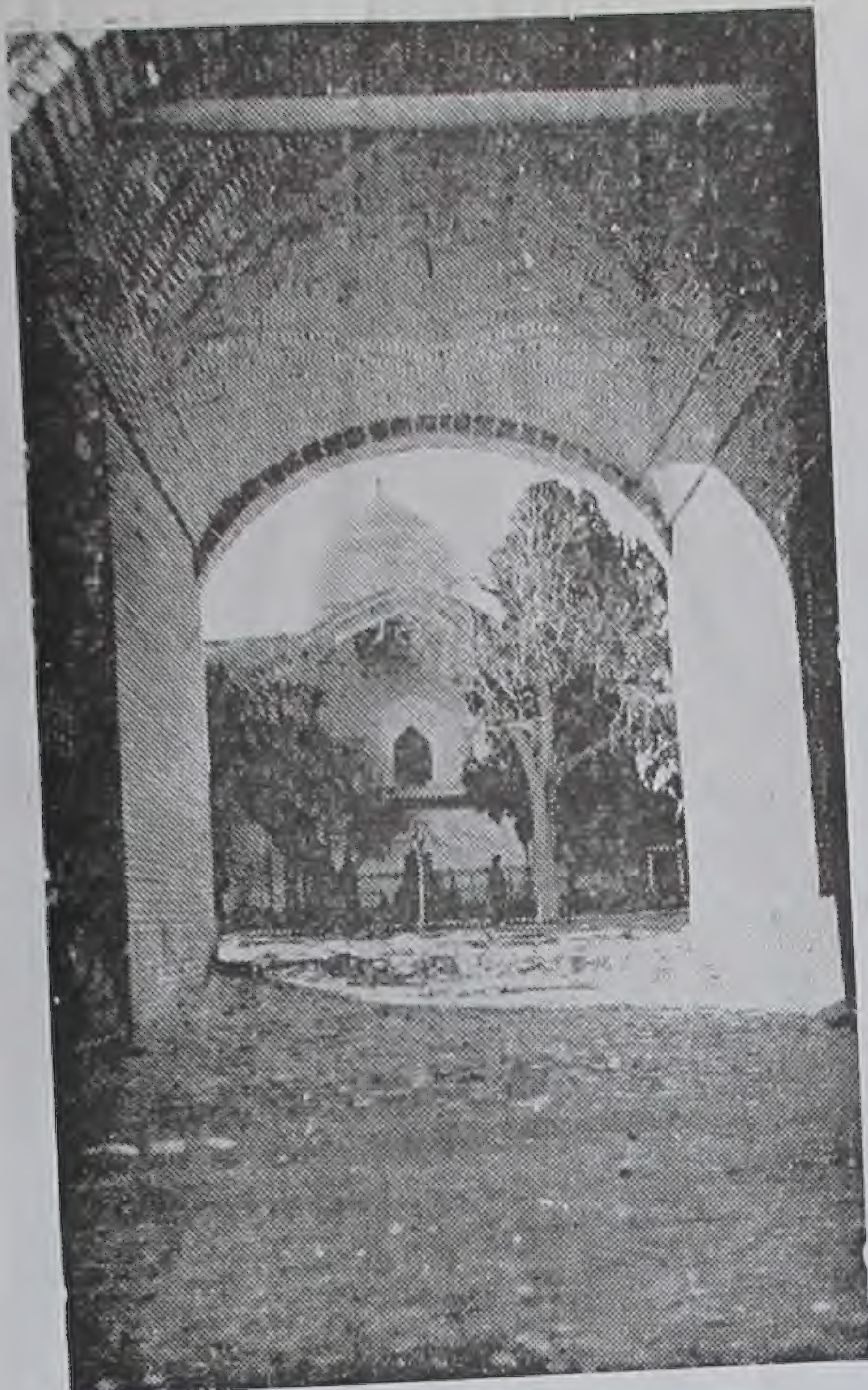
ش ۲۹۵ کتابخانه استان قدس رضوی



ش۲۹۶ نائین مسجدجامع



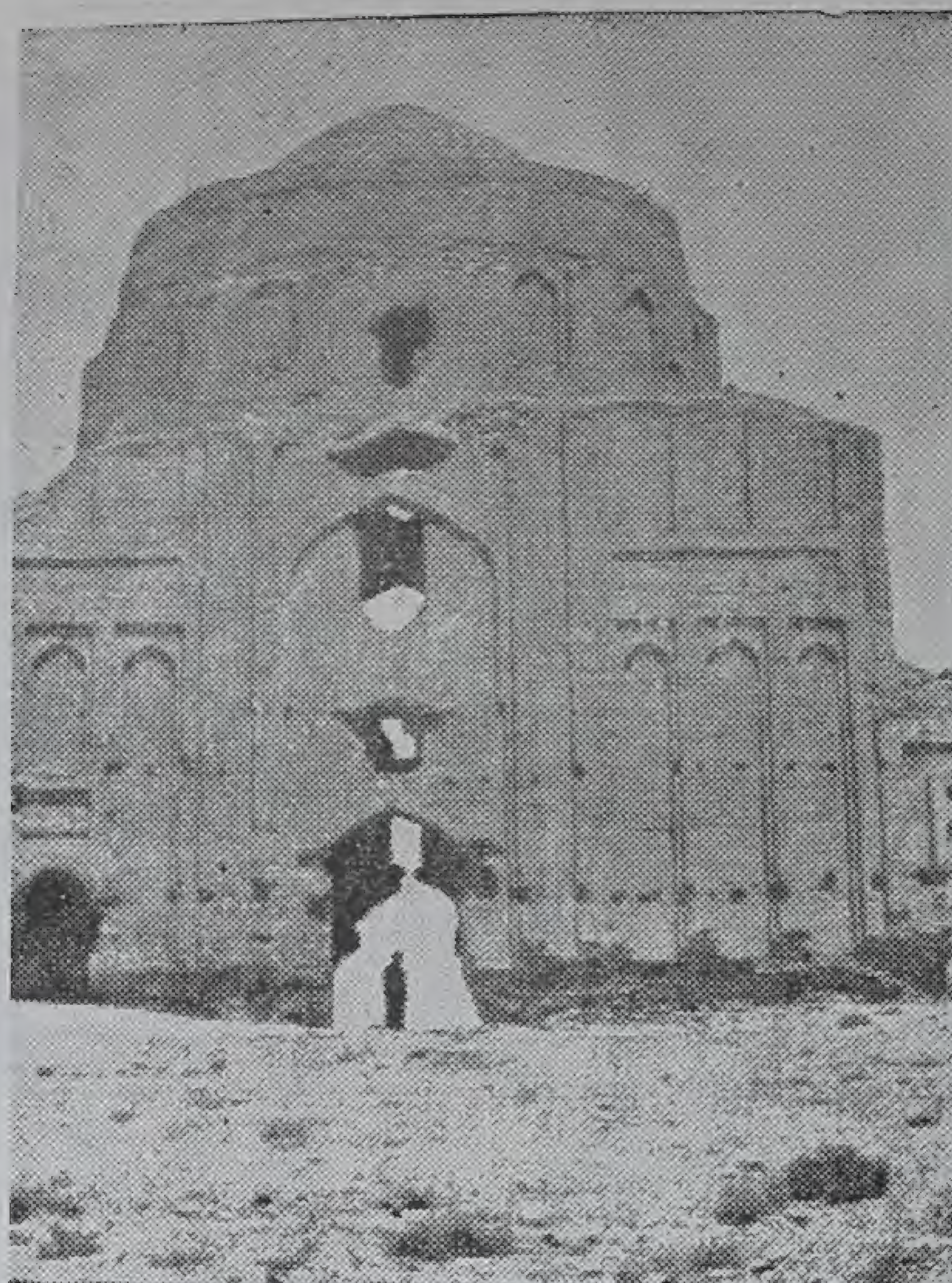
ش۲۹۷ حضرت عباس



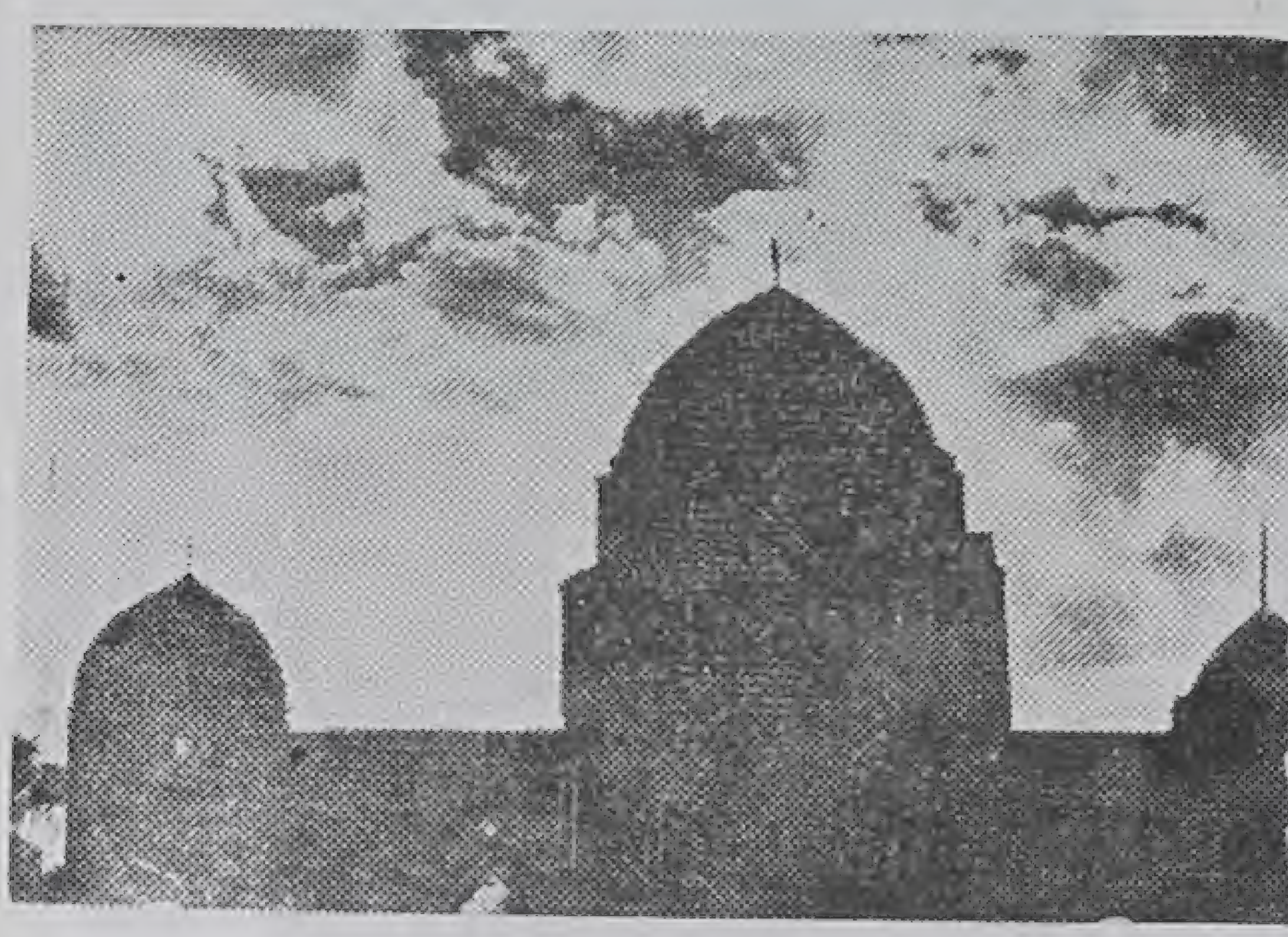
ش۲۹۸ امامزاده جعفر ورامین



ش۲۹۹ **مسجد بغداد**



ش۳۰۰ هارونیه طوس



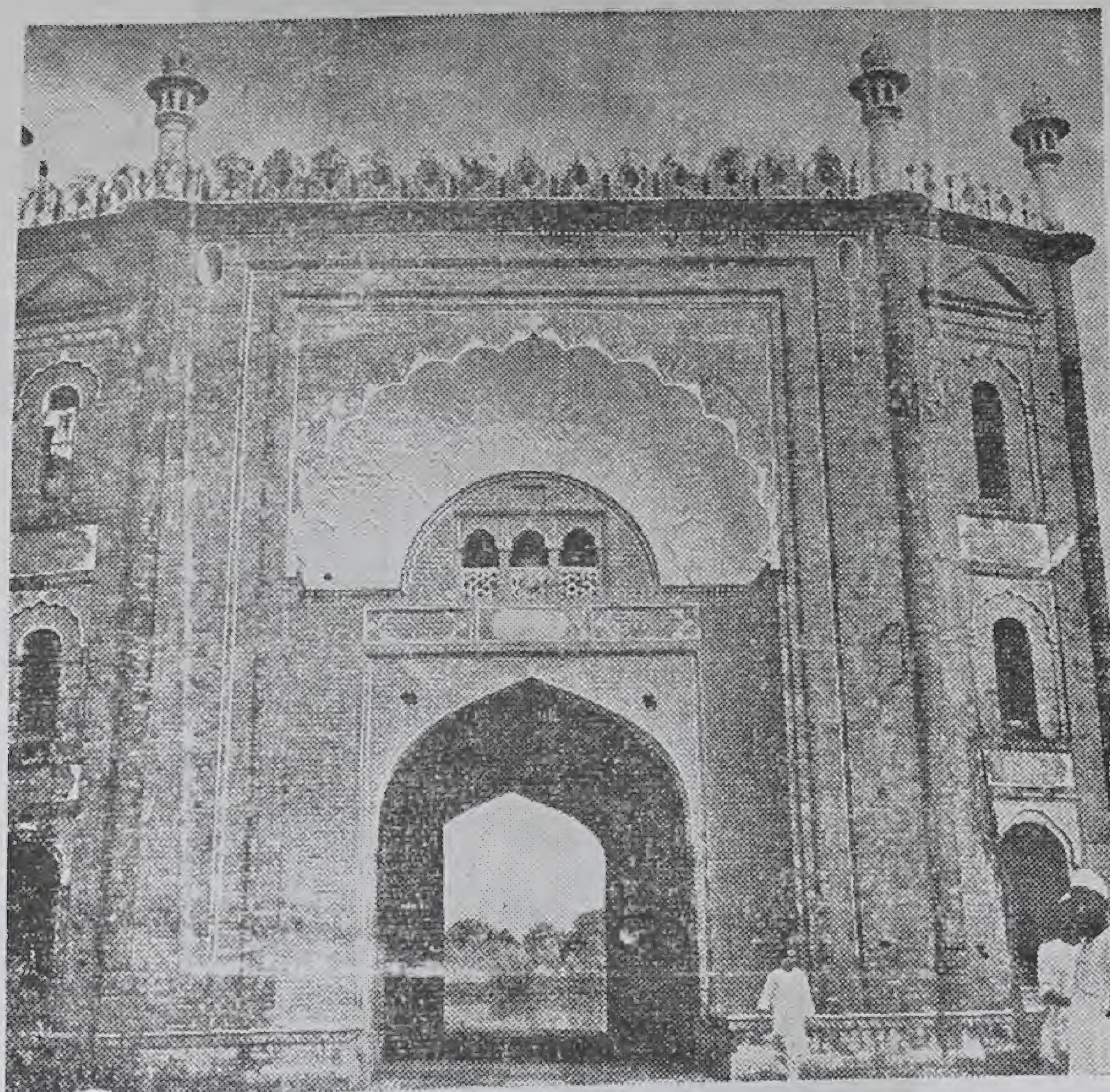
ش۳۰۱ مسجد بغداد



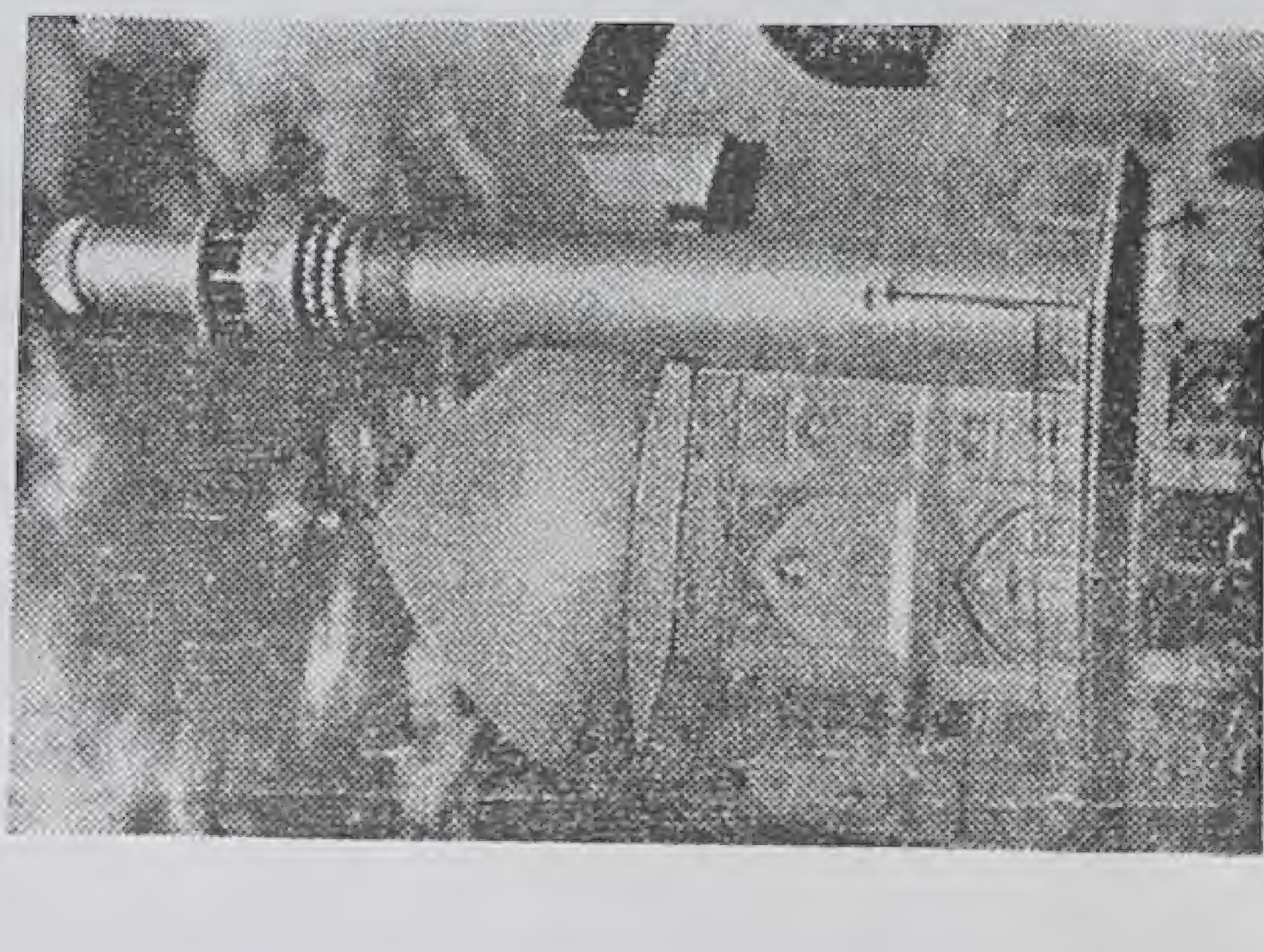
ش. ۳۰۲



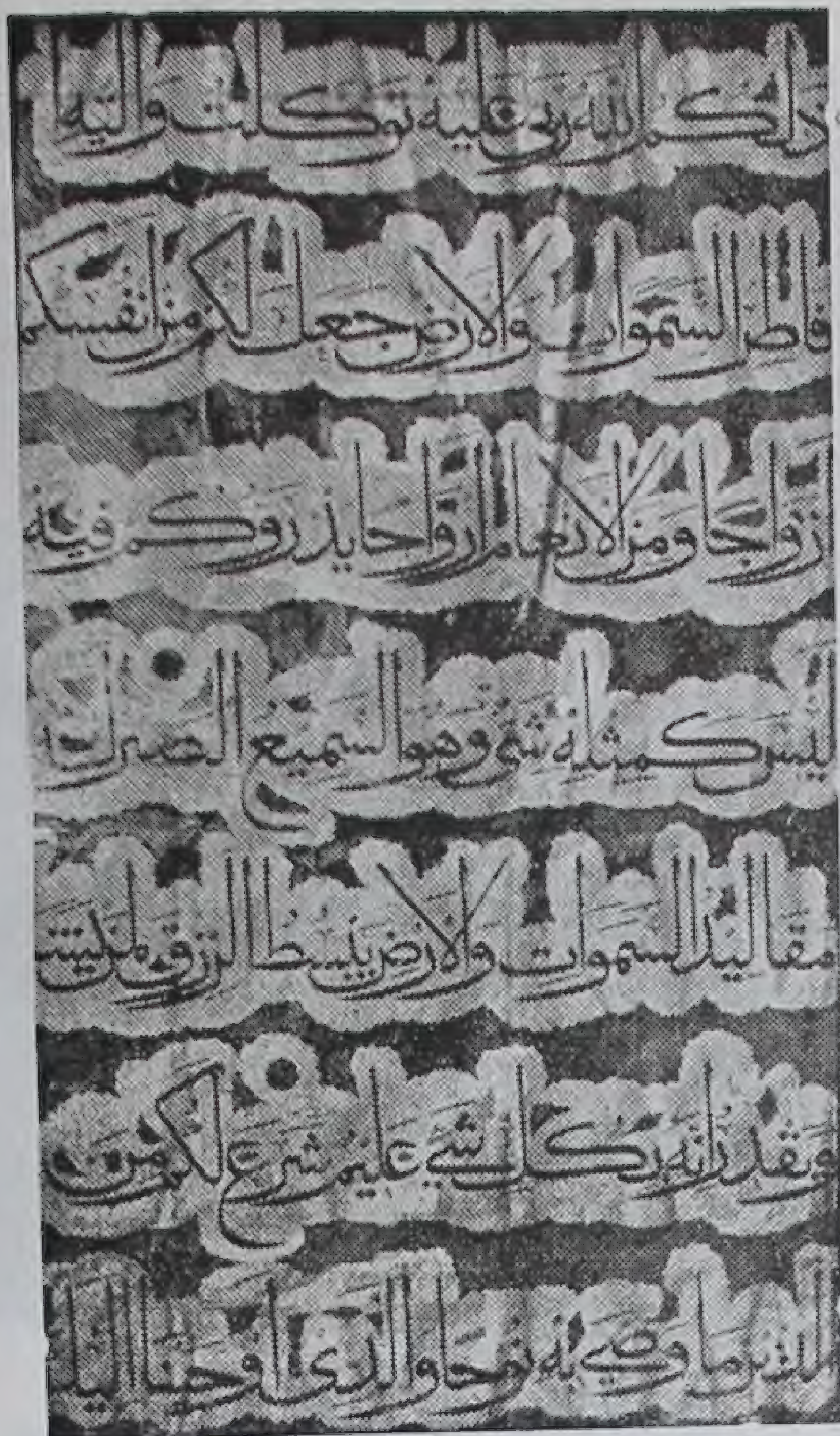
ش۳۰۳ یک ساختمان منشور ازشاهکار اسلامی



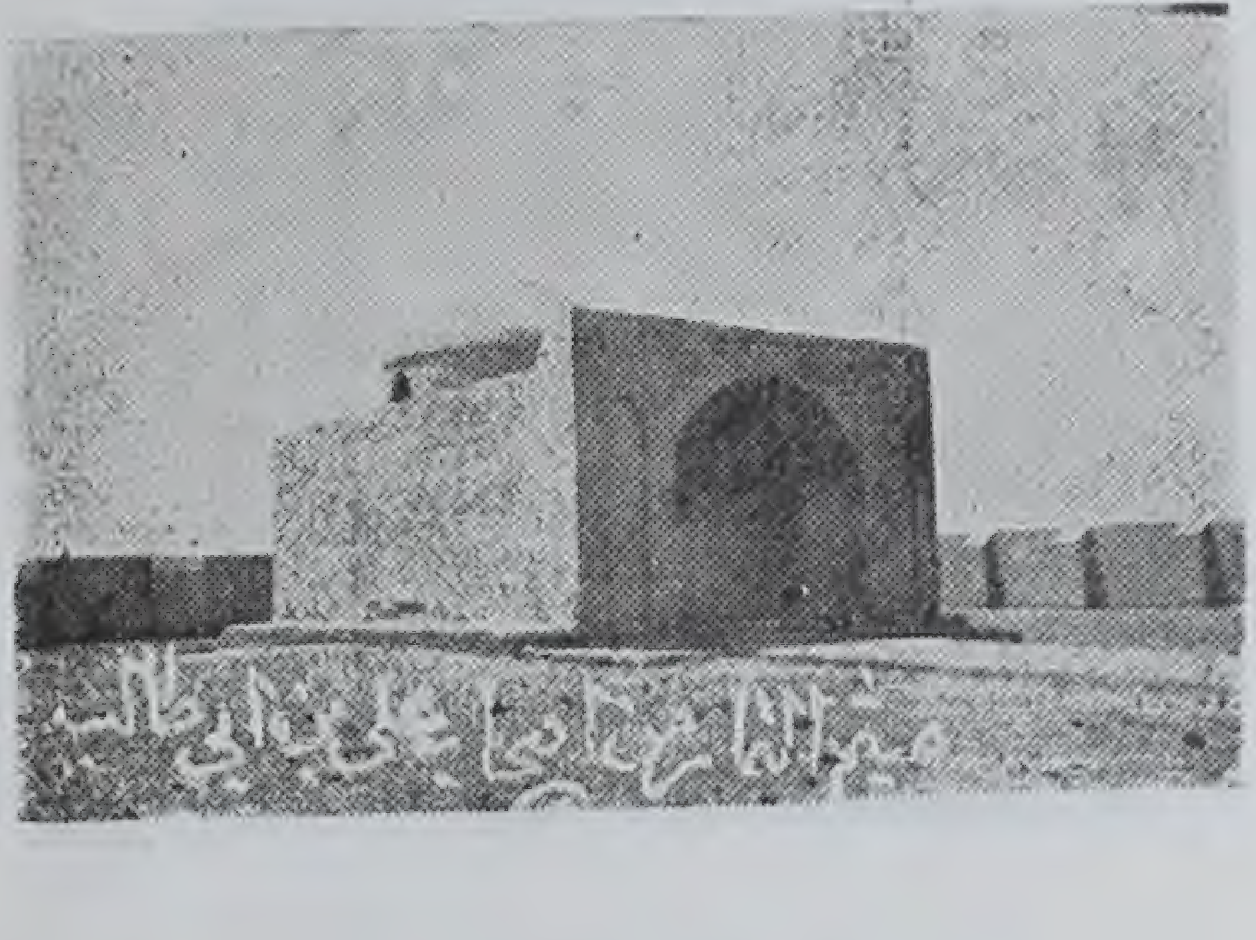
ش۳۰٤ دارالعلوم بویاندتاسیس ۱۸٦٦ میلادی یکی ازدانشگاه‌های هند تدریس علوم اسلامی



ش۳۰۵ نجف



ش ۳۰۶ ۲ـ یك صفحه قرآن از بایسنقر میرزا در کتابخانه آستان قدس رضوی



ش ۳۰۷

وصنعت وعلم ودانش جستجو کرد وغرائز طبیعی بشررا برانگیخت تااز تمام قوا وغرائز حداکثر استفاده رابنماید واین قوای درونی وبیرونی صرف رقاء ملی ورشدعقلی مسلمین بشود نه‌صرف شهوات وفحشاء و غیره .

همانطور که اسلام تربیت نفوس رادر آن‌عصر روی سمع‌وبصر برد وامروز ملل‌غربی فهمیده‌اند بهترین راه‌تربیت عمومی سمعی‌وبصری است.

۱۴ - پیدا کردن حس‌نوع دوستی حفظ امانت وتقویت اعتمادبنفس واتکاءبدین وتسلیم شدن با سعی‌وکوشش دراسلام بسرنوشت دین که خطسیر وروش انسانی رامعین کرده است و تحکیم مبانی دوستی والفت افراد باارتباط فرهنگی وزبان‌ولغت وآثارملی و کتابت وآداب وشئون اجتماعی اسلام وروابط معارف اسلام بامعارف دنیاوتبلیغ شعائرعلمی دین‌اسلام بجهان ونشرقرآن و تعلیمات آن‌با مفاخر آثاراسلامی بجهان‌بشریت،

۱۵ - جمع آوری کتب اسلامی درهریك ازممالك بزرك اسلامی ونشروطبع آن کتب که میراث اسلام بجهان بشریت است تامیزان معارف وعظمت علیت مسلمین برجهانیان روشن گردد.

۱۶ - ایجاد یك‌دارالتبلیغ بزرگی که اقلاهرسال صدنفر مرد ورزیده درفقه واصول مبانی دین وکلام احتجاج وادبیات دویاسه‌زبان‌حاضر الذهن وباحافظه قوی‌بممالك غیراسلامی برای‌تبلیغ بفرستد که‌بتوانند خدمتی بزرك بعالم‌اسلام بنمایند. ۱

۱۷ - اصلاح امور مالی و اجرای احکام اسلامی و قـانون مجازات دینی (۲) وسپردن رشته قضاوت بدست حاکم شرع کـه **من‌لم یحکم بما انزل‌الله و الخ** و تسریع جریان امور قضائی همانطور که درسابق‌معمول بوده‌است.

ثبت اموال ملکی واتخاذ موقوفات ازدست مردم متعدی وجابر - تقسیم اراضی موات بین‌مردم فقیر مسلمان برای احیـای امر کشاورزی تاروح واقف وجسم مباشرراهم سیرنموده بمطلوب برسند.

۱۸ - تحکیم مبانی ازدواج وطلاق طبق کتب نکاح اسلام که محکمترین قوانین زناشوئی‌مال جهان است .

برطرف کردن آئین خودسری وتجاهر بفسق وازبین بردن عادات‌شوم وسنگین مهریه وصداق وجهازیه وآداب که همه‌موجب اضمحلال ملیت‌است - تسهیل درامر زناشوئی وتشویق جوانان وکمك بکسانیکه فرزندبیشتر دارند .

اگراین مبانی اصلاح شود تحقیقاً دارالمجانین خالی خواهدشد - دارالایتام بی‌معنی میشود - شهرنو وفواحش ازبین میرود وعمران وآبادی کشور وآزادی امور وفراوانی امور معیشت وتشکیل کارخـانجات وعمومیت امتعه وطنی وتشویق صنایع دستی وکشاورزی وصادرات وخودداری ازخرید تجملات لوکس وبکاربردن سرمایه هائی که دراروپا وامریکا خوابیده‌است وتبادل عواطف بین‌مسلمین وبالارفتن سطح‌زندگی وپائین آوردن‌قیمت اجناس ونورانی‌شدن افق‌فکر واندیشه ورشدعقلی وترقی

---

۱ - روش پرورش‌را مادرمکتب اسلام در پنج‌مجلد نوشته‌ایم که دوجلد آن تااین تاریخ چاپ شده است .

۲ - درباره مجازات دراسلام کتابی دردست است که درحدخود مبتکر است.

ورفاه ملی وحفظ بهداشت که با کمال توجه درفرامین اسلام رعایت وتعلیم داده شده است.

۱۹ - حفظ مسلمین ازمصرف ماکول ومشروب مللغربی که اکثر آلوده بپلیدی است مانند روغن نباتی که ازحیوانات حرام چون خوك وغیره گرفته شده وآغشته است وخوراکهائی که مواد آن برمسلمان ازنظر حرمت وحلیت معلوم نیست.

۲۰ - تحکیم مبانی عقیده واخلاقی سربازان رشید ایرانی ومسلمان بفتح وفیروزی وثواب فداکاری درراه دین وملت ومیهن وبیدار کردن حس عقاید واقامه نماز وروزه وامر بمعروف ونهی ازمنکر وتعظیم شعائر اسلام درلباس نظام و درستی وراستی وعاطفه وفای بعهد وغیره.

همانطور که مسلمین فاتح صدر اسلام داشته‌اند وبالنتیجه پر کردن دره عمیق وفاصله طبقاتی بین افراد بهترین وسیله تحکیم مبانی اجتماع است چه امروز جامعه متفرق داریم نه جامعه متشکل بهمین تربیت بایدتمام دستگاههای حاکمه وقاضیه ومقننه ومجریه وروحانیت ومطبوعات وسازمانهای اداری مهذب وپاك گردد ودرهر کارخدارا بهبینند تاموفق ورستگار گردد.

اگرچنین شد آنوقت است که همای سعادت بالای سر هرمسلمان بال وپر میگشاید واعتلای از دست رفته بدست میآید ومفهوم **الاسلام یعلو ولا یعلی علیه** ظاهر میشود.

اسلام درعصر ما

اسلام در۱۳۷۹ سال قبل که ازهجرت پیشوای عظیم الشان ومنجی اعظم عالم بشریت میگذرد شروع بپیشرفت کرد وروح مدنیت وتوحید وفضیلت را دراطراف عالم پراکنده ومنتشر ساخت تابوضع کنونی رسیده است.

حالات حاضره اسلام درجهان بسیارجالب توجه است - راست استکه قرنها میگذرد امپراطوری عظیم اسلامی وخلافت عرب انقراض یافته وآن تمدن وترقی بی نظیر که قرنها بردنیا حکومت داشت دستخوش فنا وزوال گردید ولی هیچکس نمیتواند انکار کند که تمدن اسلام قسمت اعظم تاریخ عالم بشری را فرا گرفته است - اگر چه دولت پهناور اسلامی از بین رفت ولی مسلمین و پیروان این دین وآئین نه تنها نمرده‌اند بلکه بمراتب پیش اززمان صدراسلام و دوره اعتلا وعظمت میباشند.

اکنون مسلمین درتمام صحنه پهناوردنیا سکونت دارند ودراکثردول عالم نفوذ واعمال قدرت مینمایند امروز بیش ازعروج حکومت اسلامی دردنیا شایع ومنتشرهستند.

ازمراکش تاهندوستان زبان عربی شایع است وترقی دین اسلام روزافزون میباشد باآنکه احوال مسلمین چین وافریقای مرکزی وروسیه برما درست معلوم نیست امایقین است که دیانت اسلام گذشته از عربستان حالیه درمصر - شام - روم - آسیای صغیر - ایران قسمتی ازروسیه - افریقا - چین - هندوستان و حتی اروپا - اقیانوسیه - امریکاء نفوذیافته‌اندچنانچه در ماداگاسکار وافریقای جنوبی وجزایر مالزی وجاوه وسوماترا شایع گشته و بحبشیهای افریقا تاگینه جدید وامریکاء خودرا رسانیده‌اند.

دنیای اسلام امروز دارای بیش از۵۳۸ ملیون مسلمان میباشند که در۱٤ کشور مستقل اسلامی بیشتر آنها در۳۸ ملیون کیلومترمربع زندگی میکنند.

گوستاولوبون- جرجی زیدان و۱٤ نفرازمشاهیرمستشرقین که نویسندگان کتب میراث اسلام

هستند ودرتاریخ تمدن اسلام هم تایید کرده همه اعتراف میکنند که اسلام بایك طریق ساده وسهلی پیش میرود که واقعاً حیرت‌انگیز است و باید آنرا جزء اختصاصات وامتیازات اسلام شمرد.

هر جائی که مسلمین قدم گذاشته‌اند اسلام درآنجا ریشه دوانیده و برای همیشه باقی مانده است .

اسلام درچین وافریقای مرکزی وروسیه وژاپن واقیانوسیه بطریق حمله و کشورگیری نرفته بلکه بالباس تجارت وارد شده و هم‌اکنون ملیونها مسلمان دراین نقاط جهان موجود هستند و آثار وابنیه مساجد ومدارس آنهامشهور و کتب دینی وقرآن مجید زبانهای بومی وعربی میان آنها شایع است .

سکنه این بلاد امروزقریب یکصدملیون (۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰) مسلمان استکه درآنجازندگی میکنند وآنهابطور تهدید ویاتطمیع اسلام نپذیرفته‌اند بلکه باختیار وازروی رضا ورغبت داخل در اسلام شده‌اند وتاکنون شنیده که نیروئی بکمك این تجاراعزام شوند وشگفت‌آور این است که‌هر کجا تخم این مذهب ریخته شده بعد خودبخود بنای رشد ونمو را گذارده‌اند برای مثال باید گفت این مذهب درروسیه ازچندین قرن پیش شایع شده‌و باهمه مشگلات وسختگیری که بآنهامی کنند نتوانسته‌اند آنهارا ازمیان بردارند . و هم‌اکنون هم مینویسند بیش‌ازسی‌ملیون مسلمان در روسیه و متصرفات روسیه است .(**حاضر العالم الاسلامی**)

درهندوستان که فعلا بیش‌ازصد کرور۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ملیون مسلمان موجود می‌باشدو کشیشهای پروتستان بامبالغ‌هنگفتی که درآنجا تبلیغات مینمایند هنوز نتوانسته‌اند پیشرفتی حاصل کنند در حالی که عده مسلمین روزافزون است باآنکه ازطرف‌دیگرسیکها سخت‌بمسلمین اذیت میکنند باز ازدوجانب تحت‌فشار هستند معذلك باسلام بیشتر میگروند .

عده مسلمین‌افریقادرست معلوم نیست همینقدر گفته‌اند که درافریقای جنوبی بیش‌از۳۸ملیون مسلمان درسال ۱۹۳۹ بوده است وسیاحانی که آن حدود راسیاحت کرده‌اند نقل کرده‌اند که درهر نقطه بیرق‌اسلام دراهتزازاست .

اسلام اقوام افریقاء درحقیقت تمدنیرا انتشارمیدهد که اهالی دراخذآن منتهادرجه احتیاج را داشته‌اند . خلاصه هر گوشهٔ اززوایای افریقاء بساط فیض‌اسلام گسترده است .

مسیوژدوال مینویسد ، خدایانیرا که درافریقا ازسنك وچوب تراشیده پرستش مینمودندتمام ازبرکت دیانت اسلام ازبین رفته ونابودشده‌اند . آدم خواری وقربانی نمودن انسان که قدیم‌معمول بوده بکلی منسوخ شده ــ حقوق برای زنان مقرر میباشد . احکام اسلام اجرا می‌شود باب آزادی مفتوح گشته نماز ، روزه ، زکوة ، مهمان نوازی آنها ازهمه اقوام بهتر وپاکیزه‌تر شده است ــ حس عدل وانصاف خیرات ومیرات بجای ظلم وستم و آدم خوارگی حکومت می کند خلاصه آن است که اسلام مواهب وعطایائی غیرقابل زوالی‌باین وحوش مبذول داشته و آنها راآدم ساخته است

همین مورخ مینویسد درچین قریب چهل ملیــون مسلمان میباشند درسال ۱۹۳۹ درپکن تنها صد هزارنفر مسلمان بوده‌اند ــ و باهمه تبلیغات کشیشهای اروپائی و باتمام وسایـل که در دست داشته اند صریحاً بعجز خود اعتراف کرده‌اند در حالیکه اسلام مبلغی ندارد بلکه خود بخود درپیشرفت است،

ص۸۱۹ تاریخ تمدن اسلام وعرب گوستاولوبون

پروفسور وازیلی یف مینویسد . مذاهب اسلام از راهی که وارد چین شد مذهب بودا هم از همان راه ودرهمان سالهاوارد چین شد وتعجب این استکه مذهب اسلام برمذهب بودا درچین غلبه یافته و عقیده مسلمین چین این استکه پس ازچندی اسلام مذهب بودا را ازمیان خواهدبرد .

خوانندگان عزیز باید درانتظار آن باشند که بزودی کشور چین که قسمت بزرك مملکت نوع بشررا تشکیل میدهد تمام آن تحت لوای توحیددر آید ومذهب اسلام ازجبل الطارق تااقیانوس کبیر وسعت خواهدیافت ومذهب تثلیث از مخاطره هولناکی خواهدافتاد . این صرف آرزو استکه بولشویك بتواند بردنیاسیطره یابدمگر آنکه درسایه اسلام درآید.

امروزهم دردنیا کمتراز اقوام یافت‌می‌شوند که ازجهت تمدن بر پیروان اسلام تفوق حاصل نموده باشند وترقیات حیرت‌انگیزی که مسلمین بفاصله کمی‌درعلوم حاصل نمودند برای هیچ‌قومی چنین امری میسر نگردید : مسلمین از نظر مذهبی‌هم درمیان مذاهب تشکیل مذهب بزرگی داده‌اند که هنوز زنده‌ترین مذهب دنیا شمرده میشود زیرامسلمین بیش‌از ۵۳۸ ملیون‌نفرمی‌باشد درحالی که‌کاتولیکها بیش‌از ۴۵۰ ملیون نیستند .

ازنظرسیاسی هم حکومت بزرگی دارند که دردنیای بشریت اهمیتی بسزا دارند و از جنبه‌های عقلانی واخلاقی بنقل اکثرمورخین کافی است که اروپارا تربیت کرده و داخل تمدن نمود ودرظرف ده سال اخیربیش‌ازده ملیون مسلمان دراروپا خودبخود پیدا شده و بالاخره در عالم خیلی کمتر قومی یافت میشوند که چنین مقام شامخ بلندی را برای خوداحراز کرده باشند واکنون بایدعوامل انحطاطرا باسباب وعلل ترقی تبدیل کرد .

حالت کنونی اسلام

اسلام درعصر کنونی همان نفوذ ورسوخ را که سابق در پیشرفت معنوی خود داشته دارد ودرشرق بحالت ضعف افتاده اما درغرب درافکارخردمندان‌ودانشمندان جای‌باز کرده وروزافزون‌مردانی باسلام گرویده‌اند که ارزش اجتماعی دارند ومحافل ومجامع مسلمین درغرب افزونی یافته ومساجد بزرگی ساخته وجمعیتهائی تشکیل داده‌اند .

نکته‌ایکه باید ازنظردور نداشت اینستکه حساب اسلام را ازحساب مسلمین باید تفکیك کرد چه مسلمین درهر کشوریك‌حالتی بخود گرفته‌اند که نمی‌توان اسلام‌راازآنهاشناخت چه اسلام‌همانست که برپایه واساس اطاعت دربرابرقدرت بناشده‌بود وباعلم وتمدن وعقل ومنطق واستدلال وبرهان و درعین‌حال دین سهل سمحه همه‌جا نفوذ داشت وامروزملتها که سابقه مسلمانی دارند بنابراوضاع و احوال سیاسی ازجهت وضع جغرافیائی وهمسایگان صورتی‌خاص بخود گرفته‌اند که باید سطح‌اسلام را درافق فکر وعمل آنها درحضیض واوج شناخت که درجات مختلفی‌دارند .

اما روی هم رفته آرامی درممالك اسلامی حکمفرماست که درسایر ملل‌ها این آرامش نیست ومادرجلددوم حالت کنونی اسلام امروزی واوضاع واحوال عمومی مسلمین رابا‌عکسهای‌جالبی روشن میکنیم ، انشاالله‌تعالی

بنقل رسالة‌الاسلام ج۱ سال۳

ص۸۲۰ تاریخ تمدن

ص۸۲۱ تاریخ‌تمدن

وحدت موجب موفقیت است

کان الناس امة واحدة فبعث الله النبیین مبشرین و منذرین وانزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه وما اختلف فیه الا الذین اوتوه من بعد ما جاءتهم البینات بغیاً بینهم فهدی الله الذین امنوا لما اختلفوا فیه من الحق باذنه والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم.

آیه ۲۱۳ بقره

همه بشر اولاد یك پدر و یك مادر بودند و یك ملت هستند چون پراکنده و مختلف شدند پروردگار پیغمبرانی برای آنها برانگیخت تا راه صواب را از خطا بآنها نشان دهند و از لغزش و تخطی بیمناك سازند و بعقاب و کیفر و پاداش وعده دهند ـ برای اینمردم کتب و احکام آسمانی نازل شد شرایع و ادیان تعلیم گردید ، راستی ودرستی، حقیقت ، فضیلت بآنها آموخته شد قوانین اجتماعی برای آنها وضع شد تا در موارد اختلاف آنقانون آسمانی حکومت کند ، آنهائی که از یهود و نصاری تحریف در کتاب خدا کردند با آنکه آیات الهی بر آنها آشکار وروشن بود تعدی و تجاوز کردند یعنی عناد ورزیدند پروردگار عالم موارد اختلاف آنهارا بازهم بوسیله پیغمبر آخر روشن و مبرهن ساخت تا هر که بخواهد هدایت شود آن راه راست را بگیرد وطی کنند . هر کس ایمان آورد و تسلیم فرمان حق شود باذن خدا رستگار و هدایت گردد وراه مستقیم رادریابند:

سنت خالق متعال در آفرینش جهان بشریت این استکه تمام مخلوق خودرا بیك مابه الاجتماع عمومی ویك وحدت فطری پیوسته است جماد ، نبات ، حیوان ، انسان ، افلاك ، عناصر ، موالید ، معادن ، ستارگان و منظومه‌های شمسی همه وهمه ازیکنوع مصالح ساخته شده اند ویك جاذبه عمومی در تمام عوالم کون حکومت دارد که درهر طبقه وهر نوع از مخلوق بنامی مشهوراست در انسان این جاذبه عمومی باسم اخلاق معرفی شده که تمام بشر عالم دارای آن غرائز هستند ومایه یگانگی همه افراد بنی‌آدم است . همه ملل فضایل رادوست دارند همه رذایل رادشمن میدارند ـ این قوای درونی باقوای بیرونی فردی وابستگی تام دارد وهر دو سلسله غرائز بشری فردی باغرائز نوعی واجتماعی ملل عالم ارتباط و پیوستگی غیرقابل محو دارند ـ وتنها دین است که میتواند معرف وواسطه ارتباط واتصال این غرائز طبیعی شده وملل مختلفه عالم بشری رابهم پیوند معنوی داده آن مایه یگانگی آنهارا تقویت کرده ورشد فضیلتی واخلاقی برای آنها ایجاد نموده بمدنیت حقیقی سوق دهد .

اتحاد واتفاق جز باین مابه الاجتماع عام غیرمیسراست چنانچه در دین فطری ومعنی حب وطن واتحاد خون بیان شد این مابه الاجتماع درفطرت بشر وخلقت آن دراستعداد وقابلیت نهفته شده اما عواملی میتواند ازقوه بفعل آورد واین رازدرونی رابفضیلت اتحاد بیرونی متصل ومرتبط سازد فقط دین است و غیرازدین هیچ نیروئی ازعوامل طبیعی بشر قدرت انجام این وظیفه راندارد بنابراین بایدازراه دین اتحاد فطری واتفاق خلقی ومابه الاجتماع عمومی که سرمایه یگانگی ووحدت تمام افراد بشراست تقویت گردد وموانع ازسرراه برداشته شود

اخلاق پرورش قوائی است که درآدمی بودیعت بازنهاده شده وباید بدین تربیت گردد وتقویت شود بهمین دلیل ادیان آسمانی همه برای تهذیب اخلاق عمومی بشر وضع شده وپیغمبران جهان بقصد تزکیه نفوس بشری مامور بوده‌اند وحتی بزرگترین منجی عالم بشریت یعنی پیغمبر خاتم النبیین فرموده بعثت

من برای تکمیل وتتمیم مکارم‌اخلاق است واصولی که برای روش و پرورش اجتماع دادبهترین و منزهترین اصول تعلیم وتربیت است .

واگراین وحدت بصورت حقیقی درآید راه نیل بمقصوداست وهمین مدلول را قرآن آموخته که ای مسلمانان متحد شوید وحدت پیدا کنید و راه تکامل و تربیت اسلامی را طی کنید تابکمال مطلوب فطری خودبرسید وهمای سعادت وفوز ورستکاری بالای سرشما سایه افکند .

اتحاد ملل اسلامی چگونه میسر است

وحدت اسلام در عصر پیغمبر ص - منابع اختلاف- علل اختلاف در امپراطوری اسلام - اختلاف چگونه مرتفع میشود - اتحادمذهب وعقیده - اتحاداقتصادی - اتحاد فرهنگی- اتحاد صنعتی- اتحاد کشاورزی- اتحادعرب اتحاد کشورهای اسلامی - ایران دراتحاد اسلام - عقاید پیشوایان بزرك - نظریه‌ما؛

برای کسانی که صفحات تاریخ اسلام را ورق زده‌اند روشن وآشکاراستکه اسلام دین اجتماع و دین رشد ورقاء ووحدت‌است وتمام شرایط وحدت اجتماعی درغرائز طبیعی‌بشر بودیعت سپرده‌شده لذا اسلام رادین فطری وطبیعی گویند زیرا قوانینش برحسب احتیاج فطرت وطبیعت بشروضع شده وبهمین جهت حضرت‌محمدص‌پیغمبر وخاتم‌انبیاء ودین اوخاتم ادیان ومتناسب بارشد عقلی‌بشراست دراین دین خدا قرآن ، ایمان بمبدأومعاد . نماز . روزه . حج . زکوة . فضائل اخلاقی در میان تمام افراد مسلمان عقیده راسخ غیرمتزلزل وتغییرناپذیراست هیچ مسلمانی نیست که بمبادی دین‌و مابه‌الاجتماع زندگی وعقیده مبداء ومعاد شك وتردیدی داشته باشد .

وحدت اسلام درزمان حیات پیغمبرص عبارت از تسلیم بدین بودیا گفتن کلمه **لااله‌الاالله محمداً رسول‌الله** واداء نماز وزکوة وحج‌وعقیده بمبدأ و معادبود.

درطول **۲۳** سال‌دورهٔ نبوت خاتم‌النبیین‌ص پیغمبر اسلام تمام‌شرایط اسلامیت رابمردم آموخت و کلید وحدت رابدست خلافت منصوص سپرد و فرمود انی تارك فیکم الثقلین کتاب‌الله و عترتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض .

خاندان نبوت‌را که درقرآن آیت بیشماری درمناقب وفضایل آنهانازل شده شارح ومبین‌دین وآیات احکام قرارداده وبدیهی است که اهل‌البیت ادری بما فی‌البیت آنها بیش‌از هرکس درخاندان نبوت تعلیم‌وتربیت یافته وباسرار واحکام ورازدین اسلام واقف‌تر بودندولذا بمسلمین قبل‌از پیدایش سقیفه بنی‌ساعده‌خط‌مشی اسلام‌را فقط‌همین رویه عصر نبوت می‌دانستند که باید پس‌از پیغمبر بدست امیرالمؤمنین علی‌ع اجرا گردد .

همانطور که درپنج سال خلافت ظاهری علی ع اجراشد وتمام اختلاف عقاید وافکار مسلمین روی مسئله امامت و خلافت است و برخی عقاید دیگر در اقسام توحید و صفات چنانچه قدریه جبریه، اشعریه، معتزله قائل‌هستند واختلاف فروع احکام که سیاست خلفای‌عباسی ائمه‌اربعه رابوجود آورد وخط مشی حقیقی مسلمین رامنحرف نمود و مرور زمان وعلم‌ودانش حقیقت راآشکار نمود و عقاید مبدعین راروشن ساخت.

درهرصورت دراین که اسلام یك‌رنك ثابتی‌بملل عالم‌داده ونژادها وقبایل وامم وملل مختلف‌را همه‌را ازرنك ملی‌خود خارج کرده وخط مشی آنهارا عوض نمود برنك اسلام وبوحدت دینی تبدیل

ساخته وآئین‌وآداب ورسوم ملی وشئون اجتماعی همه‌مردم مختلف ترك، تاتار، عرب‌وعجم، رومی، قبطی. شرقی وغربی، سیاه‌وسفید همه‌را بیك‌وحدت اسلامی تعلیم وتربیت نمود شکی نیست صبغةالله و من احسن من‌الله صبغة ونحن له عابدون (۱۳۳ سوره بقره) این رنك برای بشر بهترین رنك موجودیت‌است خودرا درانحطاط دیدند وپس‌از چند قرن که دست استعمار آنهارا بحال دیگر منقلب ساخت ناگهان بیدارشده دراندیشه تجدید مجد و عظمت خود برآمدند.

امروز طرق اتحاد گوناگون است که باید باشرایط زندگی دنیای کنونی مورد توجه قرار داده- اتحاد اقتصادی وتحکیم روابط تجارتی براساس احکام تجارت اسلام- اتحاد معارف وفرهنك‌دین براساس قرآن وتفسیر وحدیث وزبان عرب (اقران) ونشر اخبار آل‌محمدص که سرمشق زندگی و راهنمای وحدت اجتماعی است محکم ساخت.

اتحاد مردم تنوع مسلمان براساس تقوی وبرادری وبرابری دردین و شرایط فضایل اخلاقی و بنکات‌دینی که بهترین زینت مردمسلمان وامتیازآنها ازسایر ملل‌است.

اتحاد صنایع دستی وماشینی واستخراج معادن‌ومنابع زیرزمینی وتبادل باممالك اسلامی ورفع حوائج‌ملی یکدیگر بدست برادران مسلمان از مواد اولیه باید برنامه مسلمین دنیا شده وباید براساس عواطف مسلمانانه متبادلا معامله شود- اراضی مسلمین جهان امروز پرنعمت‌ترین وپرثروت ترین ممالك‌واراضی روی‌زمین است

منابع‌نفط وطلاونقره وفلزات عنصری ومواد طبیعی ومعادن آهن‌وسرب وفولاد وسایر عناصر و موالید طبیعی واحتیاجات بشری در کشور ایران، اندونزی، پاکستان، افغانستان، مصر، ترکیه، عراق، حجاز سوریه، سواحل دریای مدیترانه وبحراحمر واقیانوس کبیر وافریقای جنوبی بحد وفور موجود ودردست استخراج واستفاده است.

اسلام آن دینی است که امروز تمام (رژیم) مسلك های سیاسی جهان اسلام راباقوانین خود تطبیق میکنند.

دیموکراسی میگوید اسلام دین‌دموکراسی است کمونیسم میگوید دین اسلام منطبق بامرام مامیباشد- منشور اتلانتیك پس‌از ۲۰ قرن میلادی تساوی حقوق اسلام را تأییدکرد و اعتراف نمود که حفظ حقوق مالکیت شخصی وفردی وتأمین‌آزادی ازمختصات اسلام است.

همچنین احزاب سیاسی ومسالك دیپلوماتی همه‌میکوشند اسلام‌را باقوانین خود تطبیق دهند و طرفدارملیونها مسلمانان جهان‌بشوند که آنهامانند خطزنجیری ازسواحل اقیانوس‌اطلس تامجاورت اقیانوس کبیر رابمذهب اسلام‌امتداد وپیوسته ساخته ودرآداب واخلاق وشئون اجتماعی ملل متنوعه ساکنین این‌حدود نفوذمعنوی کرده وهمه‌را پیروقوانین دین‌ساخته است ودنیا درجنك وصلح نمی-تواند بدون موافقت این ممالك اسلامی توفیقی درفتح وفیروزی حاصل‌نماید.

اسلام که هم‌قانون است وهم اخلاق، اسلام‌هم سیاست‌است‌هم‌مذهب‌وهم عبادت وتقوی درعین‌حال بیش‌از هرچیز درقوانین اقتصادی که اساس تمام‌شئون زندگی برآن استوار است دقت وتوجه کامل داشته بنابراین بایداز این‌طرق ایجاد وحدت نمود.

این‌حدیث رااز پیشوای اسلام‌ص نقل میکنند که فرمود **هم‌ید علی من سواهم** دست بدست یکدیگر بدهید واسلام‌را حفظ کنید.

درملل دنیا اصول اعتقادی، تربیتی دینی برخط مشی تجارت واقتصاد استوار است وسیر تکامل زنـدکی اقتصادی است وعوامل مختلفه ملی همه تحت‌الشعاع اقتصادیات آنملت است واسلام‌هم یك ملت اقتصادی بود که توانست بزودی جهانگیری نماید و جنبش علمی ونهضت دینی خود رادر دنیا منتشر سازد.

اکنون‌نیزجزاین‌چاره‌نیست که بنیه اقتصادی کشور اسلامی را تقویت کنند مابه الاشتراك اقتصادی رابرسایر نیازها مقدم‌دارند وچون توانائی وقدرت پس‌از علم‌ودانش باثروت است اول‌ثروت ملل‌اقتصادی رابراساس تبادلات ممالك اسلامی تقویت کنند وآنگاه روابط فرهنگی، عقیدتی، تعلیم وتربیتی- کلاس درس ، وتهذیب اخلاق عمومی وتنویر افکار مسلمین را ازراه ارتباط کامل دانشگاه های الازهر مصر، زیتون، ایران، بغداد، نجف، بیروت، قم، مشهد، وپاکستان واندونزی ترکیه ، افغانستان؛ ژاپن، چین، افریقای شمالی ووسطی وسایر سواحل اقیانوس شروع و برنك واحدی درآورند اگر اتحاد اقتصادی براساس راستی ودرستی عواطف دینی متعادل شود مهمترین عامل برای اتحاد ملل اسلامی خواهدبود.

آنگاه که بنیه‌مالی مسلمین تقویت شد ومحصولات صنعتی وطبیعی وکشاورزی آنها میان هـم متبادل گردید وقدرت یافتند علم‌دین هم‌سرمایه تکامل اخلاقی وتهذیب نفسانی ورشد عقلی آنهاست همان مزایای اسلام راکه درصدر اسلام براساس توحید وعمل پیغمبر وائمه دین علیهم صلوات‌الله اجمعین بمردم میآموختند ورشته اتحاد رامحکم نمودندخواهد داشت.

این‌اتحاد باید باحفظ حق وعدالت صورت گیرد ومسلمین تااز محیط پهناور خود ومزایـای عقیده ومذهب خود اطلاعی ندارند این‌حق وعدالت براثرتساوی وبرادری اجرانمیگردد زیرادشمن تخم‌تبلیغ نفاق وشقاق رابین ملل‌اسلامی بذرکرده وتقویت‌میکنندومسلمانان راازهم جداساخته‌است بطوریکه ایرانی بهندی، مصری بشامی- افغانی بترکی وآسیائی، باروپائی و افریقائی بامریکائی یا ژاپونی بچینی بهمون ترتیب بدبین هستند باید مسلمان بهم‌خوشبین‌بود وبرادر وبرابر باشند وچون اسلام مابه الاجتماع اینملت است تمام تعصبات ملی را کنار گذاشت چون برادر بهم آمیخت .

پیغمبر اسلام در حق مسلمانان چنین فرموده است:

المؤمن مرآت المؤمن مؤمن آئینه سرتاپا نمای‌مؤمن است.

المؤمن یسیر المؤمنه مؤمن کم مؤنه وکم خرج است.

المؤمن اخوالمؤمن مؤمن برادر مؤمن است درتمام شئون زندگی.

المؤمن الـذی یخالط الناس و یصبر علی اذاهم اعظم اجراً من‌المؤمن الذی لا یخالطهم ولا یصبر علی اذاهم.

مؤمن کسی است که بامردم بیامیزد وبرآزارشان شکیب کند تابیشترمزدبردازآن مؤمنی که باآنان نیامیزدوبرآزارشان شکیب ننماید

المؤمن الف مألوف مؤمن الفت میگیرد وبااو الفت وخو میگیرند یعنی زود آشنا ودوست داشتنی است .

المؤمن من اهل الایمان بمنزلة الرأس من الجسد ـ مومن نسبت بیکدیگر مؤمنان بمنزله سر است از تن.

المؤمن یوم القیمة فی ظل صدقته ـ مؤمن درروز رستاخیز درسایه صدقه‌اش باشد.

المؤمن کفارة لکل مسلم ـ مؤمن پرده پوش جرم هرمسلمانی است .

المؤمن امنه المسلمون علی اموالهم ودمائهم ـ مؤمن آنست که‌مسلمانان اورا براموال و خونهایشان امین بدانند.

المؤمن دعب ولعب والمنافق قطب و غضب ـ مؤمن شوخ‌وشیرین است‌منافق تندوخشمکین

المؤمن یأکل بشهوة اهله والمنافق یاکل اهله بشهوته ـ مؤمن هرچه خانواده‌اش میل کند ازغذا میخورد ومنافق هرچه میل‌دارد بخانواده‌اش میخوراند.

وحدت‌مسلمین

همای سعادت‌اسلامی مابین‌نقطه غرب‌اقصی‌ازطرف تونکانی‌تاحدود چین ودرعرض مابین‌قازان ازجهت شمال وبین سرانديب زیرخط استوا ـ بر اقطار متصل ودیارو وممالك متعدده‌سایه‌افکن‌شد مسلمین یعنی ساکنین این نقاط‌ونواحی ساطنت پای برجائی‌استوار کردند وشوکت وعظمتی یافتند که درروی کره زمین‌نظیرآن درتاریخ بشریت دیده نشده است

قشون اسلام هیچ کجاشکست نخورد ـ علوم‌اسلام هیچ‌نقطهٔ نکس وضعف‌پیدا نکرد ـ رشته‌های آهنین متصل آنها بهم پیوسته محکم گشته ریشه‌های درخت دین درقلوب بشر بهم‌اتصال پیدا کرده و تاقعراعماق فکرواندیشه افراد بشررا فراگرفته است ـ دست مسلمین درآبیاری دین منتهـای‌بذل وسعی رابکاربرده بطوریکه ستاره‌های‌درخشان‌اسلام درهمای‌وجود خودنمائی میکند ـ ازمظاهراین‌نبوغ میتوان فارابی ـ ابن‌سینا ـ وابن‌راشد ورازی ملاصدرا درشرق وغرب نام برد .

وحدت اسلامی درحکمت وطب هیئت وهندسه علوم عقلیه ـ نقلیه در جمع طبقات ملل اسلامی معمول است سلطه مسلمین ازبحرابیض وبحراحمر ودریای محیط و دریای هند قریـب چهار صدسال امتداد یافت ،

امروزهم مسلمین این کشورهای‌پهناور را دره قاره زمین وصحنه دریاهای پهناور عالم رابمیراث گرفتندوهیچ ازنظر نفوذدینی حتی‌یك‌وجب ازاراضی خودراازدست ندادند اگر کشورآنهاهم‌مستعمره شد نفوذ ومعنویت اسلام‌تحکیم یـافت وباعث نشراسلام گردید.

مسلمین درهمه نقاط جهان علاقه خودرا بمعنویت وروحانیت فضیلت اظهار کرده وبآیات‌محکم قرآن ایمان واعتراف دارند افکار واندیشه آنها نمونه بارزحق وحقیقت است درهیچ یك ازملل‌عالم این اندازه‌حق وحقیقت متجلی‌نیست وبعکس‌درهیچ‌یك‌ازملل‌های جهان غیراسلامی خرافات‌این‌اندازه محدود نیست که دراسلام است ـ نظری بمعتقدات وآداب‌ورسوم وشعون ملی ملل‌جهان وطبقات‌الامم بشری افکندیدمیبینید تاچه حد پابست خرافات واوهـام واباطیل هستند درحالیکه مسلمین بااعتقاد بمبداء ومعاد وراه روش دین باینگونه موهومات وخرافات عقیده ندارند .

همه آنها ازچشمه سارقرآن سیراب شده یکنوع علم ودانش وفقه و روش فرا گرفته که بطرف کمال مطلوب آنهارا سوق میدهد همین وحدت عقیده و اندیشه آنهارا حفظ کرده ومانع از سلطه دیکران است .

واگردرسلطه‌یکی ازاجانب واقع‌شدند دراثرخرق وتفرقه است نه ازجهت عقیده وایمان . معارف ولغات وعلوم وفنون آنها بقدری پابرجا میباشد که فرهنك جهان میراث اسلام‌است عقاید اسلامی درقلوب مسلمین حکومت دارد ودر اراده آنها سخت موثر است وتحکیم مبانی فضیلت واخلاق است امروز برمسلمین بیش‌ازهرچیز واجب است که در مابه‌الاجتماع اسلام ووحدت کلمه پیوستگی وعلاقه خودرا شدیدابراز کنند تا بتوانند دشمنان رادفع نمایند ووحدت نوعی‌رادر زندگی اجتماعی و همچنین پس ازمرك پای برجا و استوار سازند تاملیت وسعادت برای همیشه محفوظ بماند -

بایدمسلمین بکوشند تشتت‌آراء - تفرقه وتسامح - تکاهل و حزن واندوه‌را برطرف سازند و بسوی اعتلا واعلا کلمه توحید و برتری وافضلیت واکملیت کوشش نمایند تا بتوانند جمعیت بزرگ اسلام را ازپراکندگی دورجهان ودوری وجدائی حفظ کنند مسلمین دارای قواعد وقوانین اجتماعی هستند که محتاج بمشاور فنی واستمداد فکری نیستند چنان راه برآنها روشن شده و گذشته‌گان رفته‌اند ودرآغوش سعادت جای گرفته‌اند وبرجهانیان سلطه وحکومت کرده‌اند که قرنها ادامه داشته وتاریخ بشریت شاهد گفتاراست که هیچ محتاج برهان نیست .

اسلام تمام امورزندگی رابمسلمین آموخته مشکلی‌ومکروهی برای آنها نگذاشته دین اسلام عریان وبرهنه ازهمه شوائب وبیراهه‌ها میباشد - خرافات واوهام بدین اسلام راه ندارد

مسلمین باید درحرکت فکری و حس مشگلات وجدانی بمرجعی دانشمند و مقتدر ومطلع براوضاع جهان واراضی مسکونی مسلمین اتکاء داشته باشند باید در اعیاد و جشنها - درجمعه و جماعت درکنگره اسلامی- درتشکیل کنگره‌های نژادی اسلامی ارتباط‌کامل نژادهای مسلمان‌براساس تقوی وفضیلت برقرار گردد - باید درروزهای‌بزرك دین - درموالید وفیات پیشوایان دین متفقاًتعظیم شعائراسلام نمایند وعظمت‌اسلام رابجهانیان برسانند - باید تمام مسلمانان جهان اطاعت‌هم‌آهنگی را برگردن بگیرند درنهضت‌های اجتماعی اسلام تشریك‌مساعی وشرکت نمایند .

باید علما ودانشمندان‌رجال سیاسی- نویسندگان خطباء گویندگان - مولفین - مصنفین کتب روابط معارف وفرهنك خودرا تحکیم‌نمایند ونزدیك کنند ودرنشر زبان‌عرب زبان قران وزنده‌داشتن نماز وشعائردین وعمران مساجد وتقویت مدارس و دانشگاههای اسلام کوشش کافی مبذول دارند اسلام برای شرقی وغربی سیاه ، سفید ، دریائی ، صحرائی ، اروپائی آسیائی‌نیست اسلام برای‌بشر است اسلام برطبق غریزه فطری بشراست اسلام برای سعادت بشراست بایداین عقاید درتمام بشر رسوخ یابد بایدتمام بشراین حقیقت‌رادرك کنند .

خصوصاً ایرانیان که در این راه قدم بزرگی برداشته‌اند و مثل بخاری - مسلم - نیشابوری - ترمذی - طبری - اصطخری - قزوینی - بسطامی- ابن' عربی- ابوداود - بغوی - ابو جعفر-بلخی - کلینی- تفتازانی - سید شریف - ابی‌وردی - قطب شیرازی-صدوق - مجلسی- ابوبکررازی - امام‌فخررازی- میرفندرسکی-شیخ‌بهائی- زمخشری - بیضاوی- خواجه نصیرالدین‌طوسی شهاب الدین - سکاکی-سیبویه - ابوعلی‌فارسی - ابوالفرج اصفهانی - ابونعیم اصفهانی - سیدرضی سیدمرتضی - شیخ‌مفید- بدیع‌الزمان همدانی همه نمونه‌های بارزی از ایرانیان میباشد که اسلام در مفاخرخود ناگزیرازنام آنهاست .

درحدیث هم‌فرموده **قال ص لو کان العلم فی الثریا لناله رجال من الفرس**

بقلم علامه آیت الله کاشف الغطاء

اتحاد ملل اسلامی

یکی از نویسندگان بزرك شیعه که ازمفاخر اسلام وازنوابغ علما اعلام میباشد آیت‌الله حاجی‌شیخ محمد حسین کاشف الغطاء مقیم نجف‌اشرف بود نکات ودقایق لطیفی ازاتحاد ملل‌اسلامی رادراین مقاله موردبحث قرارداده وراه حلی که مسلمین بتوانند اتحاد خود را حفظ کنند بارای خود بیان کرده‌اند کاشف‌الغطاء ازبزرگان نویسندگان وگویندگان‌و ازفحول خطبای اسلام است که امروز جامعه مسلمین بوجود او مفتخرمیباشد ـ وچون مقاله ایشان بسیار مورد توجه گردید خلاصه‌آنرا ازنظرخوانندگان میگذرانیم ،

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم

شماره اول‌سال‌دوم‌مجله درخشنده رسالةالاسلام را که‌ازطرف‌جماعت (دارالتقریب بین‌المذاهب الاسلامیه) در قاهره انتشار پیدا میکند زیارت کردم‌وباندازه‌ای که وقت وفرصت بمن اجازه میداد ، مقالات بزرگان‌علم وفضیلت مندرجه درآنرا خواندم وآنچه‌بنظرم رسیدهمه رانافع ومفید دیدم، در این شماره وبعضی ازشماره‌های‌سال اول بنکته مهمی‌برخوردم که باید آنرا روشن کرد. بعضی‌ازارباب دانش‌وفضل‌تاکنون بنقطه نظراساسی (جماعت‌دارالتقریب) پی‌نبرده‌وراهرا گم کرده‌اندوتصور کرده‌اند که انجام مقصود وغرض جمعیت تقریب از محالات است .

اگرغرض‌ومقصود جماعت‌تقریب‌این‌باشد که اختلاف بین‌فرق ومذاهب اسلامی‌رابکلی‌برطرف نماید وباین نظرباشد که تمام مسلمانان دارای مذهب‌واحد شیعه یاوهابی‌شوند البته انجام این‌نظر وغرض اگرازمحالات عقلی‌نباشد ازمحالات عادی است‌زیرا اختلاف دررای وعقیده بطور کلی یکی‌از حالات طبیعی وارتکازی بشراست وشاید آیه شریفه (**ولایزالون مختلفین الامن رحم ربك و لذلك خلقهم**)

یعنی‌اختلاف بشرهمیشگی‌است مگر کسانیکه مورد رحمت پروردگارباشند و برای همین‌هم خلق‌شده‌اند ـ اشاره بهمین‌معنی‌باشد ولذا بایدآقایان عزیز بدانند که بطورقطع ویقین مرادومنظور جماعت‌تقریب‌این‌نیست که‌اصل‌وریشه‌اختلاف‌بین‌مذاهب‌اسلامی‌را برطرف‌سازد بلکه‌منتهای‌مقصود برطرف ساختن‌فواصل ودوری‌مسلمانان‌ازیکدیگرودشمنی بین مسلمانان ورفع آن که‌ازاختلاف‌ناشی‌شده‌است وآنها را ازیکدیگردورساخته ازبین بردارند یعنی **فاصله بین فرق مسلمان راکوتاه سازند** و دوری ودشمنی ولجاج وعناد آنهارا بدوستی وبرادری اسلامی مبدل نمایند .

بدیهی است مسلمانان اگردربعضی ازاصول وفروع اختلاف داشته باشند در یکدسته از امور مطابق احادیث معتبره ومسلم‌الصدور باهم اتفاق دارند مثلا هر کس شهادتین‌خودرا اداء کند واسلام رادین خود بداند جان‌ومال وعرض وشرف اودربین مسلمانان‌محترم است ویامسلمان برادرمسلمان است ویاهر کس‌بطرف قبله مانماز بخواند وازذبیحه مابخورد ودینی‌غیرازدین‌ما نداشته باشد،ازماست درخیر وشر وضرر ونفع بااو مساوی‌هستیم این دسته ازامور متفق‌علیه تمام مسلمانان‌است.

مسلمانان درهرچه اختلاف داشته باشند اتفاق آنها در مورد قرآن کریم کافی است که تمام آنها درزیرلوای اسلام و قران جمع شوند زیرا قران بهترین وسیله و بزرگترین جامع بین فرق مسلمانان میباشد ،

قرآن در بسیاری از اصول و فروع رابطه بین عموم مسلمین بوده ومخصوصا در مهمترین ومحکمترین رشته ارتباط که توحید و نبوت وقبله تمام فرق اسلامی را بهم مرتبط ومتحد میسازد وبنظرما اختلاف مسلمین دربعضی از فروع و غیره درحقیقت نظر اختلافی است که دررای و استنباط حکم ازقران کریم پیش میآید واختلاف دراجتهاد هیچگاه نباید موجب دشمنی و یادوری مسلمانان ازیکدیگر شود ،

آری بزرگترین فرق اساسی بلکه یگانه موجب افتراق بین دودسته از مسلمانان شیعه وسنی همان قضیه امامت است که دوفرقه شیعه وسنی دراینباب دوطرف خط واقع شده‌اند ،

شیعه معتقداست که امامت یکی ازاصول دین ودرردیف توحید ونبوت بود. ومعتقداست که امامت باید ازطرف خدا ورسولش (ص) منصوص باشد وامت اسلامی هیچگونه اختیاری درتعیین امام ندارد چنانکه درتعیین نبی هم هیچگونه اختیاری نداشته.

درمقابل عقیده شیعه، برادران سنی ما معتقدند که امامت ازاصول دین نیست بعضی میگویند باید بوسیله اجتماع بررعیت معین گردد وبعضی دیگر میگویند امامت یك مسئله سیاسی واداری است وابداً ارتباطی بدیانت ندارد، نه از اصول دین است و نه از فروع.

ولی بااین فاصله زیادی که بین عقیده سنت موجود است آیادیده شده که یکنفر شیعه امامی بگوید **کسی که معتقد بامامت نباشد مسلمان نیست** ابداً ومعاذالله حتی یکنفر شیعه چنین حرفی نزده واز آنطرف آیادیده شده‌است که یکنفر سنی بگوید کسی که قائل بامامت است مسلمان نیست ابداً واصلا حتی یکنفر سنی هم چنین حرفی نمیزند.

بنابراین امامت چه از اصول دین باشد چه نباشد علاقه وارتباطی بجامعه اسلامیت ندارد وجان ومال وعرض وشخص مسلمان محترم وبرهر مسلمانی واجب استکه احترام برادر دینی خود را نگاه دارد وحتی غیبت کردن مسلمانی ازمسلمان دیگر حرام است چنانکه حقوق بسیاردیگری هم هست که عموم افراد مسلمان باید نسبت بیکدیگر رعایت نمایند.

بااین شرح وبیان انصافاً موضوعی که مانع اساسی جمع فرق اسلامی باشد بنظر نمیرسد.

بلی، باتمام این احوال یك چیز هست که من دراینجا میخواهم در آن باب صریح‌تر صحبت کنم تاهیچ نقطه ابهامی که ممکن است درذهن ومخیله خوانندگان عزیز خلجان کند باقی نماند وآن این است که شاید گفته شود سبب دشمنی بین شیعه وسنی آنست که شیعه توهین بخلفای راشدین ویاطعن آنهارا جایزدانسته وبعضی از شیعه بالاتر رفته وخلفای راشدین را سب و قدح می‌نمایند و درنتیجه عواطف طائفه دیگر از مسلمین را تحریك می کنند واین عمل موجب دشمنی آنها میگردد.

اگر چنین تذکری داده شود جوابش آنست که اگر قدری تأمل کنیم وباحکام شرع وعقل مراجعه کنیم، این عمل برفرض صحت بدلائل ذیل نباید موجب دشمنی فرق مسلمان گردد.

اولا- شیعه چنین حرفی نمیزنند واگر چنین چیزی باشد قطعاً از ناحیه فرد یاافراد متفرق و معدودی بوده واکثریت کامل شیعه باآن مخالف است زیرا دراخبار واصله از ائمه شیعه از این عمل نهی ومنع شده است ودراینصورت نمیتوان برای چندنفر نسبت بتمام شیعیان امامیه دشمنی نمود.

ثانیاً - برفرضی که شیعه چنین عملی را جایز بدانند، هیچگاه اینعمل موجب تنفروخروج ازدین نمیگردد وحداکثر یکی از معاصی و گناهانی است که افراد هریك ازدو فرقه اسلام مرتکب میشوند

وبدیهی است که معصیت یکفردمسلم نباید موجب قطع‌رابطه بین‌عموم مسلمانان گردد.

ثالثاً- بازبرفرض صحت اگر چنین‌عملی ازطرف یك‌فرد ویاافراد معدودشیعی جایز باشد جواز مزبور برمبنای اجتهاد وعقیده‌است ولواجتهاد ورأی مزبور خطای محض‌بنظر برسد زیرا قدر متیقن درنزد تمام‌فرق اسلامی این است که اگرمجتهد دراستنباط خود خطا کرد یك‌اجر دارد و اگر خطا نکرد ومصیب‌بود دواجر خواهد داشت وبرادران سنی ما **اختلاف وجنگهای بین صحابه در صدر اول اسلام ازقبیل جنك‌جمل وجنك‌صفین وجنگهای دیگررا دراین‌طریق تصحیح کرده** ومیگویند طلحه وزبیر مطابق اجتهادخود عمل کرده‌اند ولو اجتهادآنها مبنای درستی‌نداشت وخطا کردند وخطای آنهاموجب سلب عدالت ازآنها یا موجب شکست درشخصیت و موقعیت آنها نخواهدبود بنابراین پس‌ازآنکه اجتهاد خطئی بعضی از صحابه، ریخته‌شدن خون هزاران نفر مسلمان‌را جایز نماند؛ اجتهاد بعضی‌از افراد درجواز هتك‌بعضی ازصحابه بطریق اولی گناه ومعصیت نیست ولواجتهاد مزبور خطاباشد.

مقصود این است که اگردراین باب‌منصفانه تعمق‌ودقت نمائیم وباروشنائی وهدایت ادله‌شرعیه وعقلیه دراین مسئله غور کنیم وخودرا ازهوی وهوس وبعضی‌تعصبات فارغ‌سازیم بخوبی درك میکنیم که نباید اینمعنی موجب شقاق ودشمنی بین‌مسلمانان گردد ودائماًدایره اختلاف را وسیع‌تر سازد تمام اینمراتب دروقتی‌است که این‌مسئله‌را ازلحاظ نفس‌موضوع مورد بررسی قراردهیم.

ولی اگرازلحاظ آثاری که براین اختلاف بارشده باین مسئله نگاه کنیم می‌بینیم چه‌مصائب و چه بلایائی براین یك‌امرغیراصولی بارشده وچه خون‌هائی که باین جهت‌ریخته شده وچه‌گونه ممالك متعدد اسلامی ازاین راه ازدست مسلمانان خارج گردیده، **اندلس وقفقاز وبخارا وسایر اقطار اسلامی فقط ازجهت اختلاف مسلمانان وعدم اتفاق ازدست آنهارفته است واگرمسلمین** اتفاق واتحاد داشتند ، یکوجب ازخاك متصرفی آنها ازدست نمیرفت واگرقضایای تاریخ برای‌عبرت مامسلمانان‌کافی نیست لااقل از قضایای اخیریکه بچشم‌خود دیدیم ومصائبی که برسربرادران ومادران فلسطین آمد وصدهاهزار افرادمسلمان وعرب را ازخانه وزندگی وآب و ملك خود بیرون کرده و دربیابانها بدست تقدیر وطبیعت سپردند بایدعبرت گرفت. مردم فلسطین را ازخانه آباء واجدادی خود بانهایت قساوت وبیرحمی اخراج کردند ودرحقیقت ایندست مرموز بر۷کشور اسلامی تسلط و وخانه وملك واثاث واموال مردم محل رابیغما بردند وقشون دولت عربی ازهم‌پاشیدند

دولتهای اسلامی‌عربی جزالفاظ توخالی وآه وحسرتهای غیرحقیقی چیزی تحویل‌آنها ندادند بعقیده‌ما اگراین هفت کشوراسلامی دفاع ازخاك فلسطین رابخودمردم فلسطین واگذارمیکردندودر کارفلسطین کارشکنی نمینمودند ممکن نبود که یهودیان باین‌آسانی حتی‌یکی ازقراء آنجارا ازدست مردم فلسطین بگیرند ومتاسفانه علاوه ازآنکه بآنها کمك نکردند بعکس بیهودیان کمك کرده و می کنند وتمام مایحتاج یهودرا بوسائل متعددغیرقانونی فراهم میسازند وکمك‌هائی بآنها نموده و مینمایند که خودیهود ازتهیه آن وسائل عاجزمیباشند .

تمام این‌مصائب وبلایا دراثراختلاف وعدم اتحاد واتفاق مسلمانان پیش‌آمده ومیآید وتاوقتی که وحدت‌کلمه وحسن رابطه بین‌ملل‌اسلامی‌نباشد وتاوقتیکه‌افراد و کشورهای اسلامی‌نسبت‌بیکدیگر بیعاطفه باشند، وضع بهمین‌منوال خواهد بود وشایدهم بدتربشود ازاین‌شرح بخوبی‌این معنی‌بدست

می‌آید اموریکه درواقع ونفس‌الامر وبخودی خود ارزش ندارد وموجب آثارشوم اجتماعی میشود ، نبایددستاویزجوامع اسلامی گرددوبهرحال بازباصل‌مطلب بر گشته ومیگوئیم جماعت تقریب‌میخواهد طوائف وفرق اسلامی‌رابهم نزدیك کند ودشمنی‌سختی که‌بین آنها موجوداست‌برطرف سازدومسلمانان را دعوت میکند که بآنچه خدای جلیل درقرآن مجید بآنهاامر کرده عمل نمایند،

خداوند کریم میفرماید:

«ای مسلمانان همگی برشته اسلامیت که رشته الهی است محکم بچسبید وباهم نزاع نکنید که مشت شما بازشود وهیبت شما ازدل دشمنان برود»

ضمناً میگوئیم که جماعت تقریب اولین جماعتی‌نیست که دست باین‌اقدام بزرك ومنظور عالی زده‌است بلکه در سابق هم یکعده از بزرگان اسلام ازقبیل مرحوم «سیدجمال‌الدین اسدآبادی» دوشاگرد بزرگواراو مرحوم شیخ‌محمدعبده وسیدعبدالرحمن کواکبی وجماعت بسیاردیگری که حمیت وغیرت اسلامیت آنهاراتحریك کرده‌بود، دست‌باین اقدام‌زده بودند نهایت دعوت آنهاواقداماتی که میکردند بصورت فردی بود ولی جماعت تقریب بصورت هیئت باین‌کاردست زده‌است و امیدواریم خداوند متعال درصورت صدق‌نیت وخلوص‌عقیده‌اثرمفیدی بدعوت آنهابدهد . امامن عاجزازمدتها پیش برادران مسلمان خودرا باتفاق واتحاد دعوت کرده وفریادها زده وناله‌ها کرده‌ام ومؤلفات‌چهل ساله اخیرمن ازقبیل کتاب‌دین‌واسلام ومراجعات‌ومؤلفات دیگر ومقالات بسیاری که درجرائد ومجلات انتشارداده‌ام ونطقها وسخنرانیهائی که دراین باب داده‌ام ، شاهدمدعای من است .

خطابه تاریخی مربوط بفلسطین که دومرتبه بطبع رسید وسخنرانی راجع باتحاد واقتصاد که درمسجد کوفه دادم وکنفرانس‌های چهارگانه معروف این بنده وتمام مؤلفات وانتشارات من همه باین قصدونیت بود که شایدملل‌اسلامی وبرادران دینی خودرا ازخواب غفلت که مثل‌سایه مرك‌برآنها افتاده‌است بیدارسازم .

من بوظیفه خودعمل کرده ومیکنم ولی‌مثل اینست که خداوند دلهای مارامهر کرده است‌وآثار حیات را ازما گرفته ومارا درتاریکی وسرگردانی رها کرده است.

آری جماعت تقریب میخواهد فرق‌اسلامی رابهم نزدیك کند ومسلمانان راتحریص و ترغیب باتحاد ودوستی وبرادری چنانکه خداوند جلیل خواسته وامر کرده است بنماید، وبرای تامین‌این منظورعالی وشریف باید بنویسندگان وارباب‌قلم مصرسفارش‌نمود وتاکید کرد که بیجهت‌ببرادران امامیه، خودنیش نزنند وارآنها بدگوئی نکنند زیرا سالی نمیگذرد مگردیده وشنیده‌ایم رساله یا کتابی درمصرچاپ شده که مشتمل‌برطعن وتهمتهای ناروا بشیعه است واین‌عمل موجب شده که‌شیعه امامیه بحکم ضرورت درمقام دفاع ورفع‌تهمت ازخودبرآیند ودرنتیجه‌دوری بین‌مسلمانان زیادترشود ودشمنان اسلام واستعمارطلبان استفاده کنند .

برتمام افراد مسلمان اعم ازشیعه وسنی واجب است که باب مجادلات مذهبی را بسته ودست باقدامی که موجب تحریك طرفین میشود نزنند واگر مجادله دراین باب بالذات محرم نباشد دراین اوقات وبااوضاع حاضره ازبزرگترین محرمات است زیرادشمنان اسلام ازهرطرف برما احاطه نموده‌وحتی ازمدعیان‌اسلام درداخله کشورهای اسلامی درصدد بزرگترساختن شکاف اختلاف وافتراق بین مسلمین هستند وضرردشمنان داخلی بطورقطع کمتراز ضرر دشمنان خارجی نیست .

درخاتمه نمیدانم این تذکرات صمیمانه که ازروی کمال حسن نیت بودبرای تنبه برادران مسلمان کافی بود یا خیر من آنچه شرط بلاغ است باتو گفتم و بآیه شریفه (**قل هذه سبیلی ادعوالی الله علی بصیرة اناومن اتبعنی سبحان الله و ماانامن المشرکین**) تمثل میجویم . یعنی ای محمدصلی الله علیه واله بگواین است راهی که من وپیروان من ازروی بصیرت باین وسیله مردم را بطرف خدامیخوانیم والسلام علیکم .

سخنرانی آقای میرزامحمدتقی قمی در جماعت دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه

آقای میرزا محمدتقی قمی درصف کسانی قرار گرفته که برای نزدیك کردن ملل اسلامی بهم واتحاد واتفاق آنهاتمام عمرخودرا بانیرو وفعالیتی که داشته صرف کرده شایدبتواند این بریدگی هارا ازمیان بردارد ومسلمین بسعادت خود که اتحاد و اتفاق است برساند اینك ترجمه سخنرانی ایشان برای اطلاع عموم نقل میشود.

آقایان معظم- درتاریخ فقطاوقات معدودی یافت میشود که جاودانی است اینوقت یکی از آن اوقات است تاریخ اشخاص معدودی رابصورت اشخاص جاودانی نشان داده وثبت می کند وشمااز آن اشخاص هستید .

آری این ساعت تاریخی است که شمااز بزرگان تاریخی که می خواهید یك تحولی رادرتاریخ بوجود آورید.

رفع اختلافات بین مسلمین و ایجاد اتحادبین آنهایعنی ایجاد عظمت اسلام واین همان قسمتی است که شما دراینموقع که این تفرق وتشتت‌ها حالت اسلام ومسلمین را ازاین صورت عظمت باینصورت تأثرآور رسانده عهده‌دار شده‌اید واین همان تحولی است که درسیر تاریخ ایجادمیکنند.

آقایان- این هیئت وظیفه بسیار سنگین ودشواری راقبول کرده وبخوبی میداند که دراین راه صعوبات بسیاریرا درمقابل خواهددید ولی البته این نکته رادرنظر دارد که ۴۰۰ ملیون مسلمان از اطراف عالم باین مجمع نظردوخته وازنتایج افکاروتصمیمات آن بهره‌مند میشوند .

امروز این مجمع هریك بااعضائی ازمذاهب مختلفه اسلام افتتاح شده ومیخواهند بین برادران دینی که بیك خدا ویك کتاب ویك پیغمبر ویك دین معتقد ودارای یك نماز ویك قبله هستند آشنائی و حسن تفاهم ایجادوآن بدبینی هائی نسبت بیکدیگر راازبین آنها برداشته وبرادری ویگانگی راجای - گزین اختلافات موجود سازد حال دراین اولین قدم باید ببینیم مشگلترین و درعین حال مهمترین کاریکه باید انجام گیرد چیست ؟

بعقیده اینجانب مهمترین و حساسترین مشگلی که امروز درعالم اسلام وجود دارد کـه اگر بحس آن موفق شدید خدمتی بزرك باسلام ودنیای اسلامی کرده‌اید قضیه برکنار بودن یك خمس از جمعیت مسلمانان دنیاست ازیك اکثریت مهم اسلامی که هرچه می بینیم ازاین عدم ارتباط وبریدگی است که بین این اقلیت واکثریت بوجود آمده است.

امااین اقلیت که‌ازآن نام بردیم یك اقلیت قسمتی درعالم اسلام بود که عالیترین خـدمات رادر راه این دین کرده وبهترین فرهنگهارا بعالم اسلامی تقدیم داشته‌است.

درتوحید وعقاید- تفسیر- حکمت- فقه مبادی فقهیه وحتی درنحو وصرف ومعانی وبیان خدمات پرقیمتی کرده وتألیفات مهمی‌را بوجود آورده است وبزرگترین رجال دینی ومحققین اسلامی‌را در

خود داشته و پرتقوی‌ترین مردان راپرورانده‌اند ولی مع الاسف هنوز دردنیای اکثریت شناخته نشده واصولا یك خمس ازپیکر اسلام‌فلج وغیرمرتبط باسایراعضاء مانده‌است که نه‌تنها آنراعضو زائدی‌تصور کرده‌اند ودراجتماع خود نپذیرفته‌اند بلکه‌بهترمناسبت بمبارزه‌باآن پرداخته‌وقطع آنراخواسته‌اند

آقایان این‌اقلیت شیعه وآن اکثریت اهل‌سنت باستی خوانده میشود والبته این تسمیه‌ایست اصطلاحی‌والاشیعه هم عامل بسنت‌رسول اکرم است وهم‌پیروسنت واما اینکه گفتیم اقلیت مقصود یك اقلیت کوچك نیست بلکه یك اقلیت بـزرگی است کـه یـك مسلمین را تشکیل میدهد و بعبارت دیگر ۷۰ الی ۸۰ ملیون مسلمان تخمین زده میشوند وخیلی متاسفم اظهاردارم که درعالم‌اسلام نه تنهاحقوق این اقلیت بزرك شناخته نشده بلکه بعقاید آنهاچیزها نسبت داده شده وبصورتی عقاید اینعدسته رابااکثریت‌مسلمین‌نشان داده‌اند که هنوزهم بزرگی دراسلامیت اینعده شك میکنند .

اگر حقوق آنهارا نشناخته‌اند و فقه آنها را رسمیت نداده‌اند ، اگر دردانشگاهی چون جامعه‌الازهر که متعلق بتمام عالم‌اسلامی معرفی‌نشده‌اندهنوزشیعه وفقه شیعه رادرآن راهی‌نیست،اگر درمکه معظمه شهرامن‌وامان جایگاه بیت‌الحرام وقبله مسلمین وخانه هرمسلمان درایام حج که‌مردم بدعوت خدابرای اداء فریضه وراز ونیازبآن درگاه رحمت وامیدروی میآورند و ریختن خون طیور وحوش بلـکه حشرات در آن تجـویز نشده خون یکـنفر شیعه را میریزند و این را عبادتی تصورمیکنند .

تماما برای آنست که اصولا بعقاید شیعه چیزها نسبت داده شده ومذهب و عقیده اورا طوری جلوه داده‌اند که اکثریت اسلام را نسبت باین طائفه دراشتباه انداخته تابحدیکه بعضی قربة الی‌الله مبارزه باآنرا ازفرائض دینی‌دانسته‌اند .

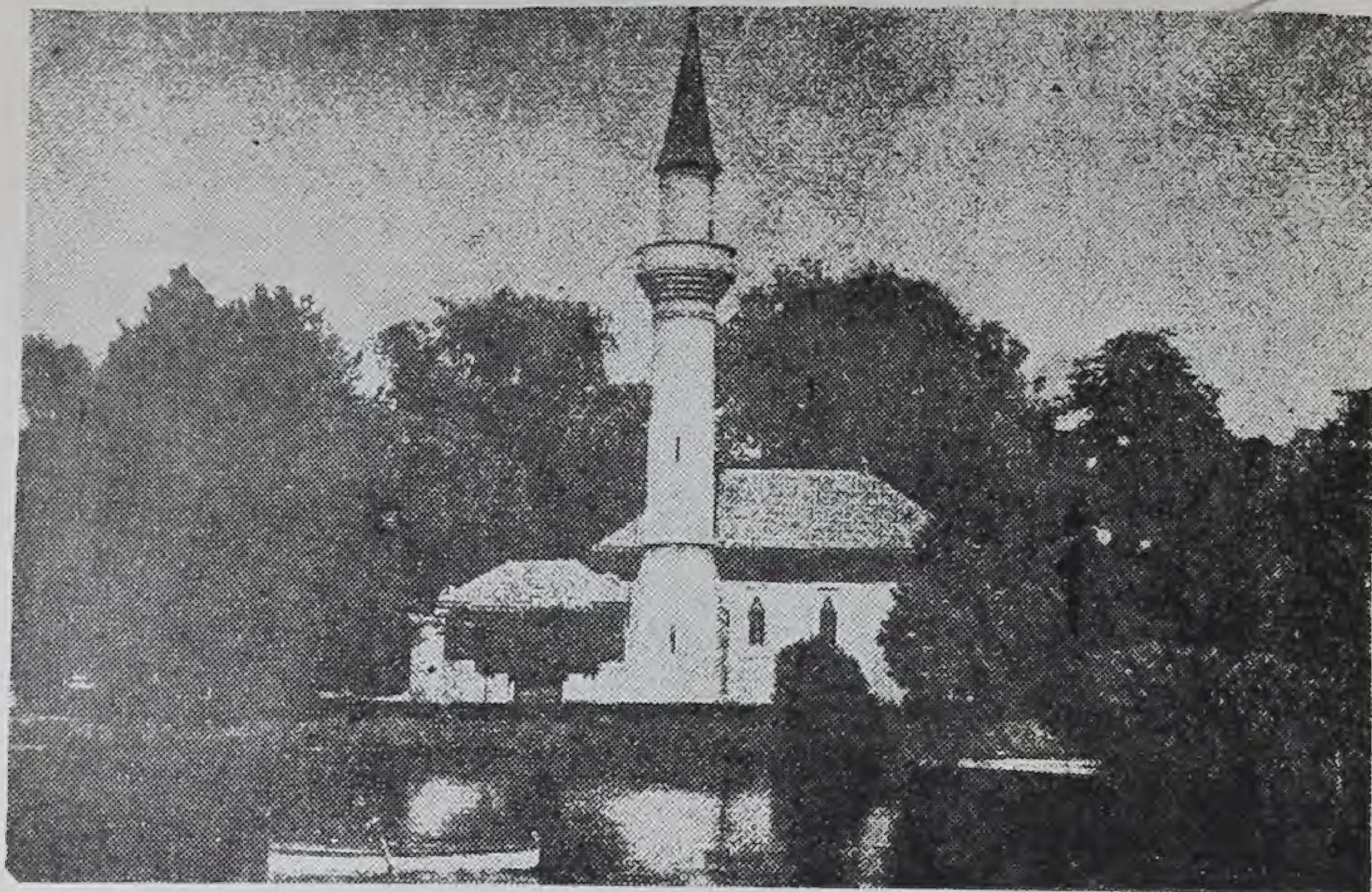
ولی آیاشیعه اینطوراست که آنرا نمایش داده‌اند؟ یادارای این عقایدی است که باوبسته‌اند؟ البته خیر!! ماازین نمی‌نالیم که چراحقوق‌مامحترم نیست وچرا برای ماحقوقی قائل‌نیستندبلکه‌ازاین شکوه‌داریم که این‌خرافات واوهام‌راچرا بمانسبت میدهند! چراپیشوایان‌عالم اسلامی اجازه‌داده‌اند که این تبلیغات سوء برعلیه یك اقلیت باین اندازه جای خود را باز کنند ــ چرا مصنفین مؤلفین که خواسته‌اند دراطراف شیعه چیز بنویسند اگرخودهم مغرض نبوده‌اند ولی بدون تحقیق و رسیدگی بدون آنکه عقاید شیعه رازمصادر معتبره خود شیعه بگیرند ازمصادردشمنان شیعه گرفته وصورت بدی را ازشیعه درافکارعمومی مجسم کرده‌اند!

اینها شکوه‌های ما ــ اینهاست نقاط حـساس که اساس مشکلات را درآنهاباید جست وبرفع آنها پرداخت ویقین‌داریم که اگراین عقایدنسبت بشیعه‌ازاذهان رفع‌شدقطعا حقوق متساوی درعالم‌اسلامی بدست‌خواهیم‌آورد ونه تنها کسی درآن راه باماممارضه نخواهد کرد بلکه خود مسلمین ازهرطایفهٔ که باشند ازآن نظر که پیرودین هستند که برحق وعدالت استوارشده سعی‌خواهند کرد که این حق بما برسد ــ پس‌هرچه هست ازآن است که مارا مغرضانه معرفی کرده‌اند وماخودهم نتوانسته‌ایم خودرا معرفی کنیم ــ ۱

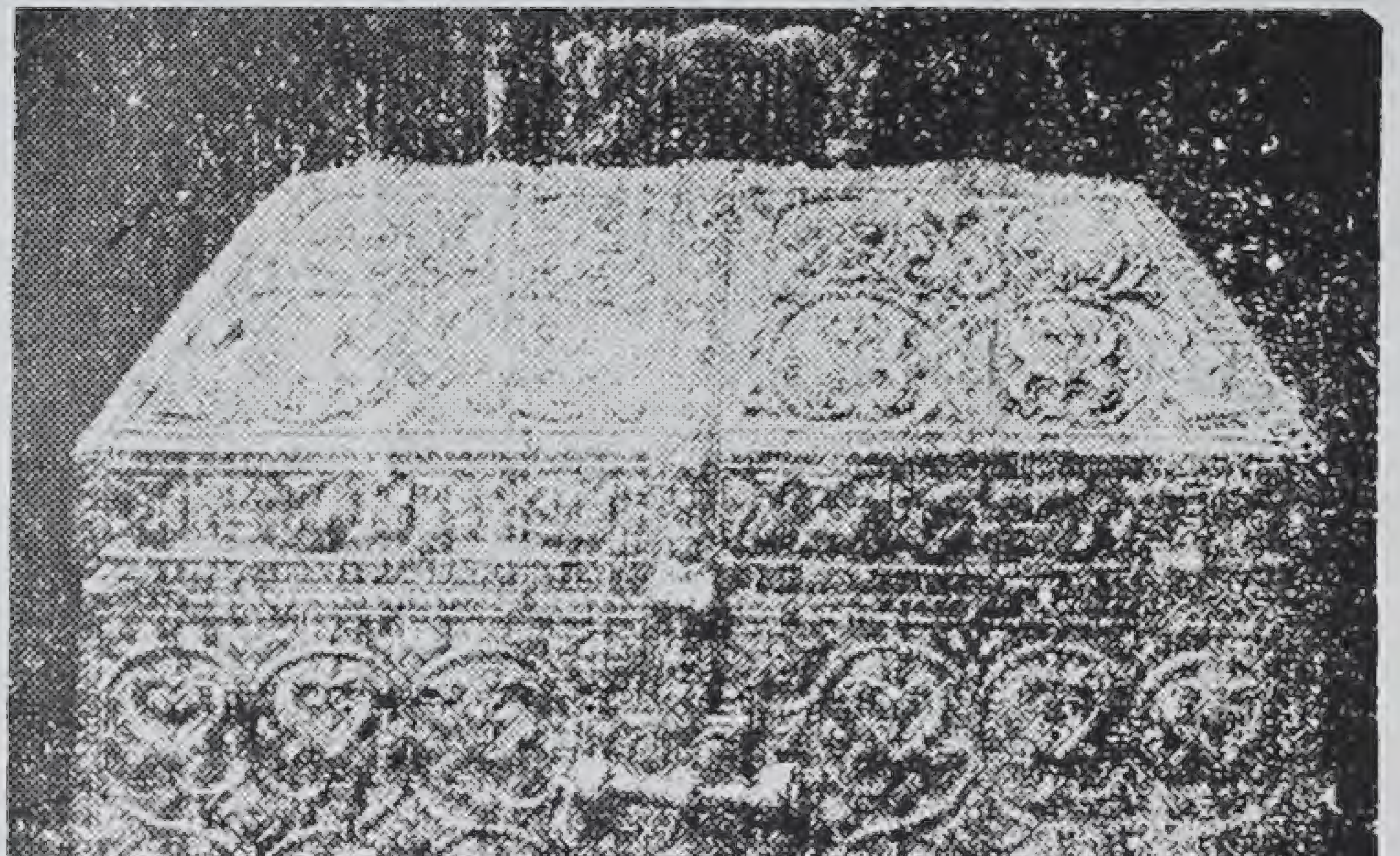
---

۱ ــ معرفی یاشفاهی‌است یابوسیله تالیفات ــ ماتاآنجا که توانسته‌ایم خودرا معرفی کنیم‌جلب خواطرشنوندگان را کرده‌ایم ولی دولتهای برادران ما نگذاشته‌اند کتب ما که بااقلیت آن‌همه کتب اکثریت می‌چربد محیط اهل تسنن راه یابد ودردسترس آنها گذاشته شود درحالیکه کمترخانه‌یك شیعه فاضل‌هست که درچندجلد کتاب اویکمشت آن‌ازسنی نباشد،

مترجم



ش۳۰۸ دررومانیا



شکل ۳۰۹

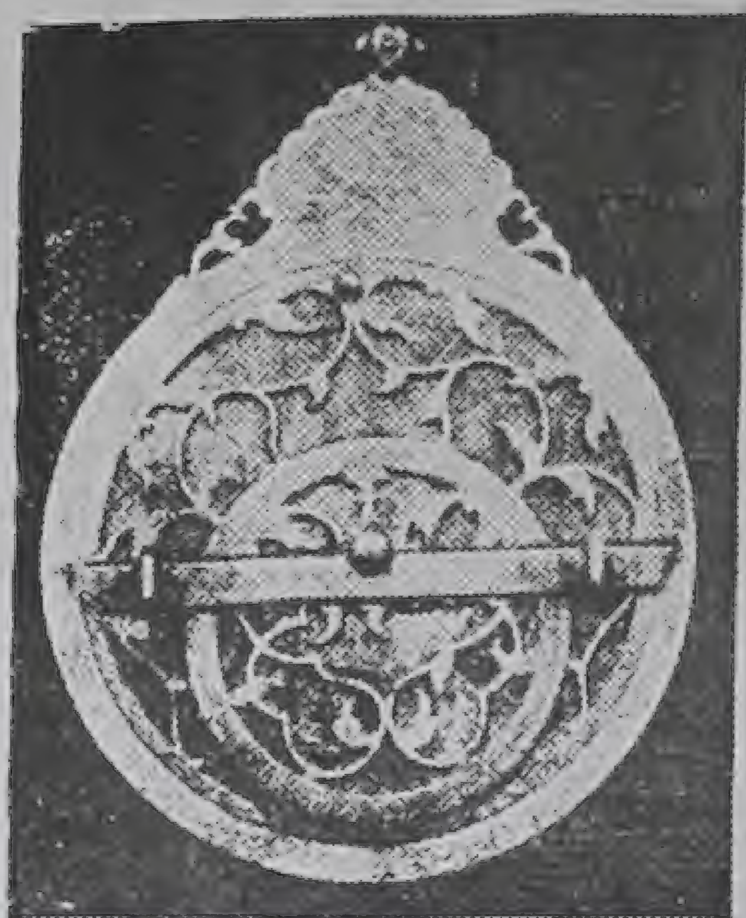


ش ۳۳۰



ش ۳۳۱



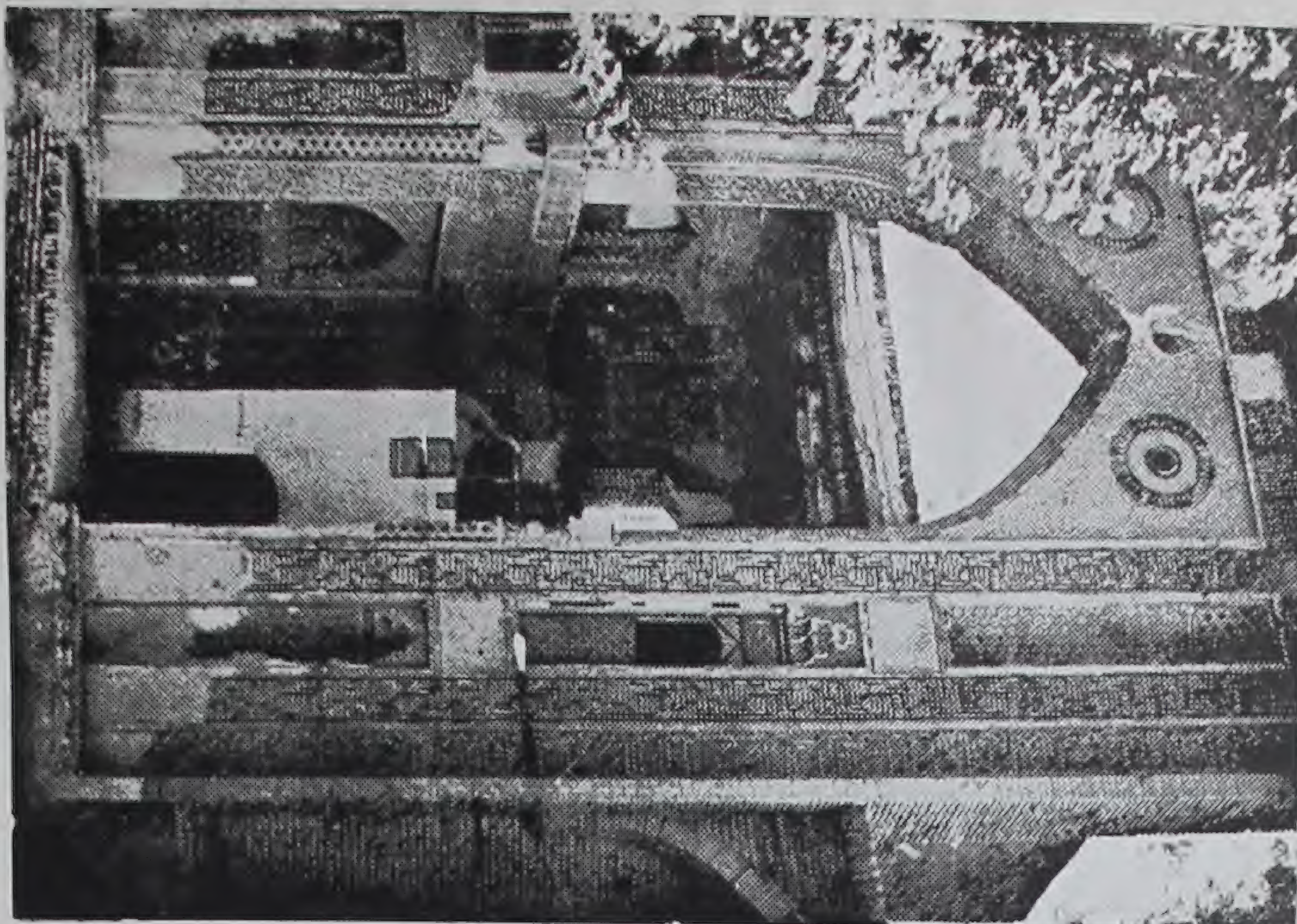


ش۳۱۶ اسطرلاب ـ طليطله ـ سال ۷ـ۱۹۶۶
موزه ارکیولوژیکو مادرید

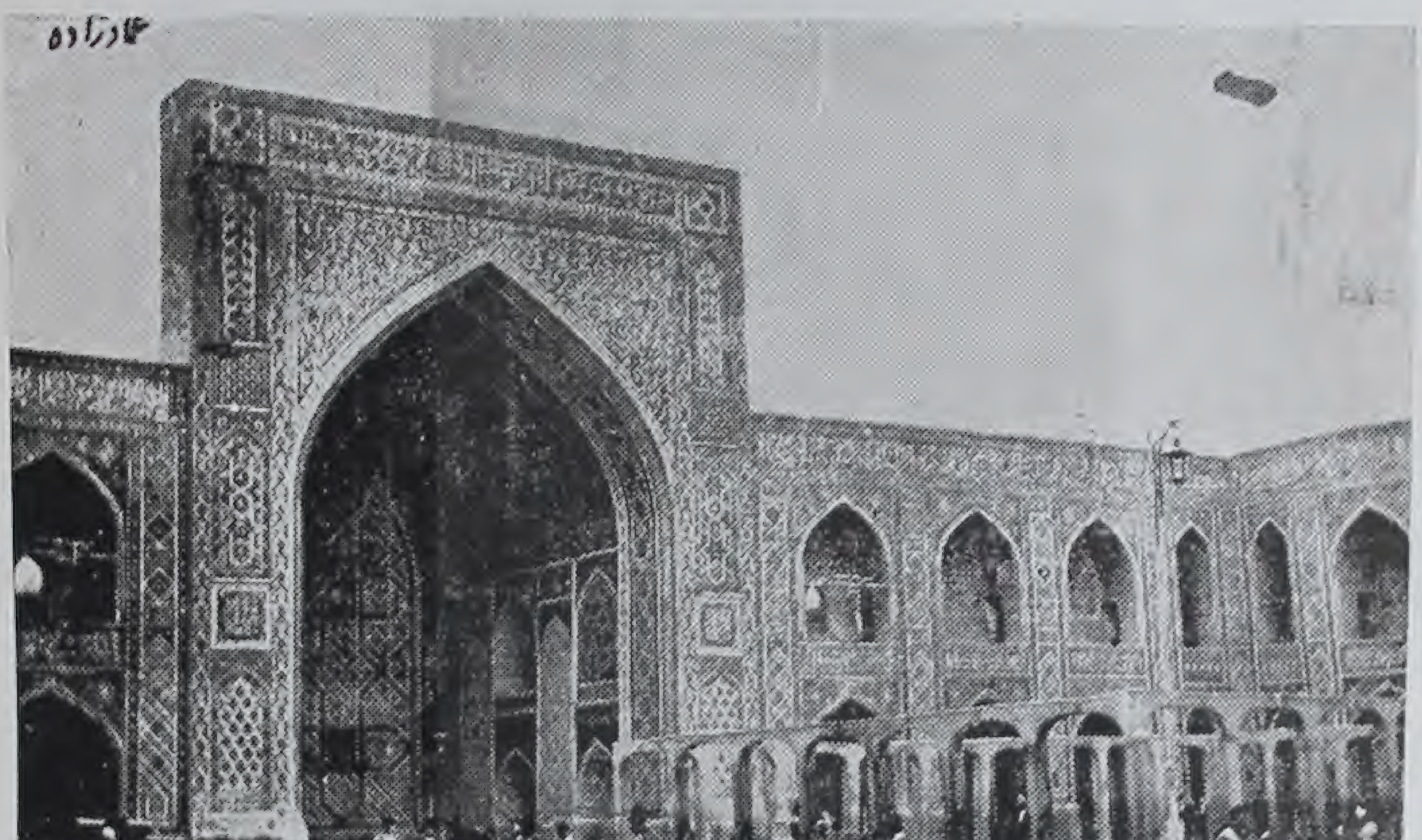
اسطرلاب ایرانی
سال ۱۷۱۵ ـ موزه ویکتوریا والبرت



ش۳۱۷ عون کربلا



ش۳۲۲



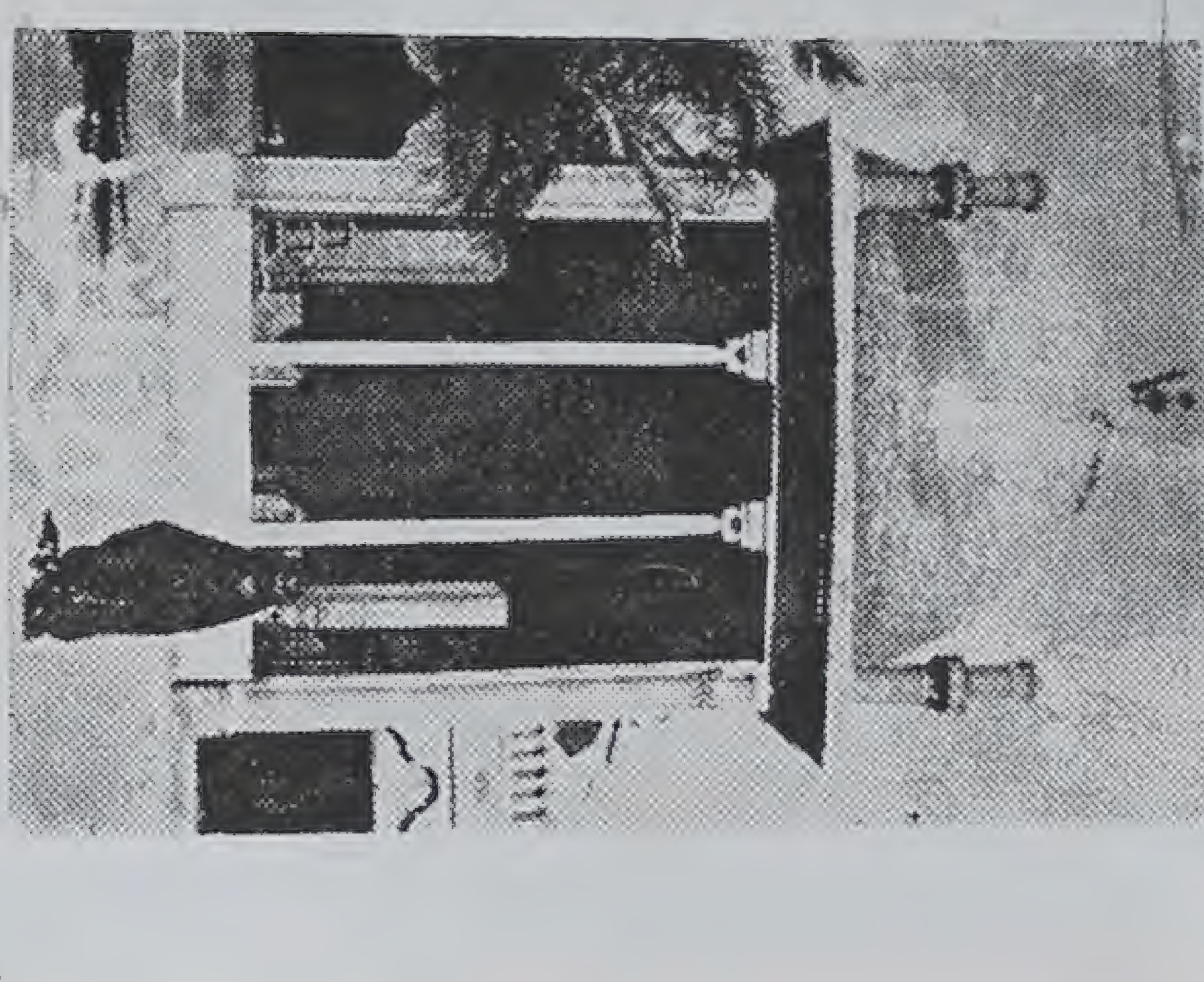
ش۳۲۳



بسم الله الرحمن الرحيم
اقترب للناس حسابهم وهم في غفلة
معرضون ما يأتيهم من ذكر من ربهم
محدث الا استمعوه وهم يلعبون
لاهية قلوبهم واسروا النجوى الذين
ظلموا هل هذا الا بشر مثلكم افتأتون

السحر وانتم تبصرون قل ربي يعلم القول
في السماء والارض وهو السميع العليم
بل قالوا اضغاث احلام بل افتريه
بل هو شاعر فليأتنا باية كما ارسل
الاولون ما آمنت قبلهم من قرية
اهلكناها افهم يؤمنون وما ارسلنا
قبلك الا رجالا نوحي اليهم فسئلوا اهل
الذكر ان كنتم لا تعلمون وما جعلناهم
جسدا لا ياكلون الطعام وما كانوا

ش۳۲۶



ش۳۲۷



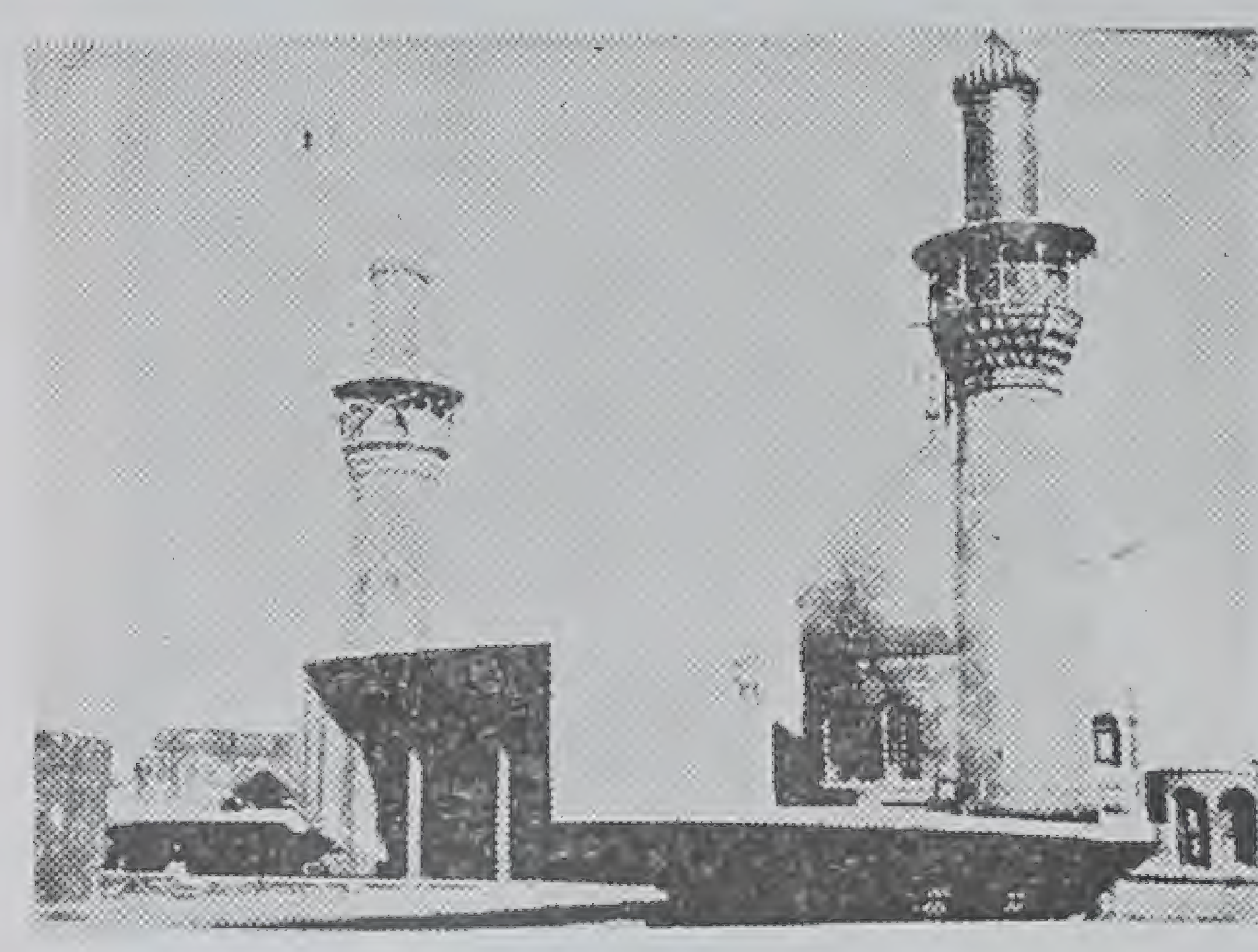
ش۳۱۸ غار حراء که پیغمبر اسلام قبل از بعثت در آنجا عبادت میکرد



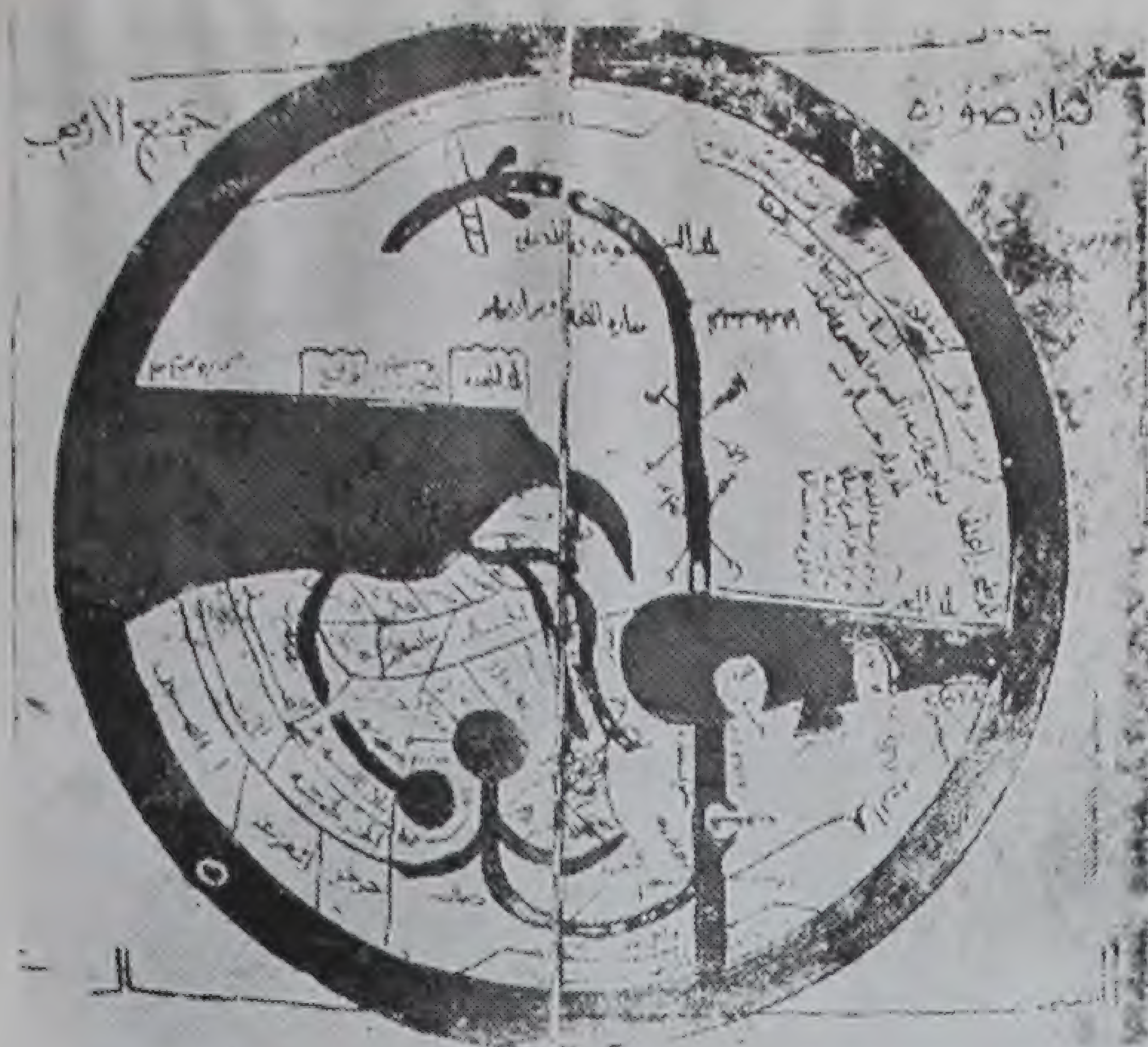
ش ۳۱۹ خیمه گاه



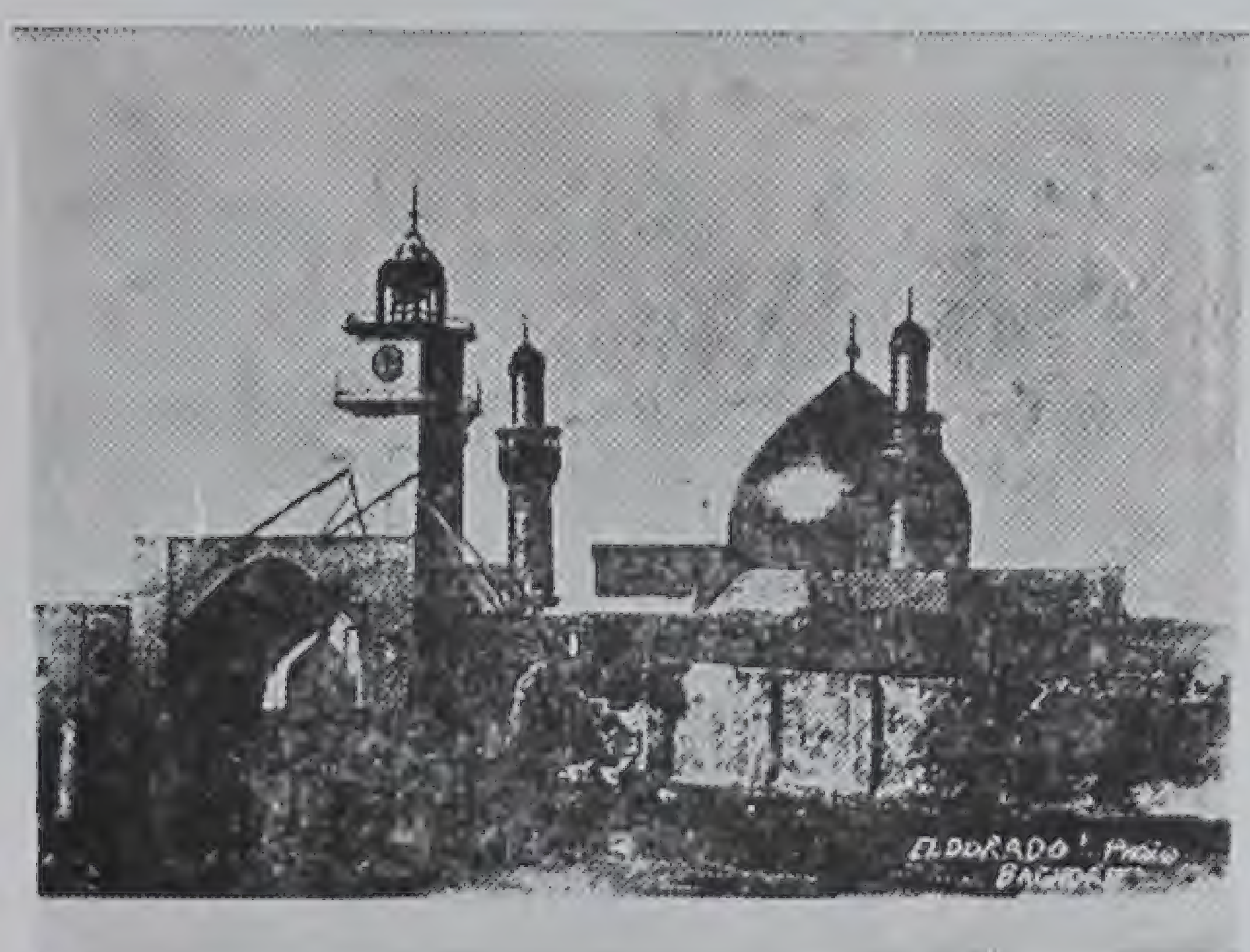
ش ۳۲۰



ش ۳۲۱ قبه حضرت‌عباس



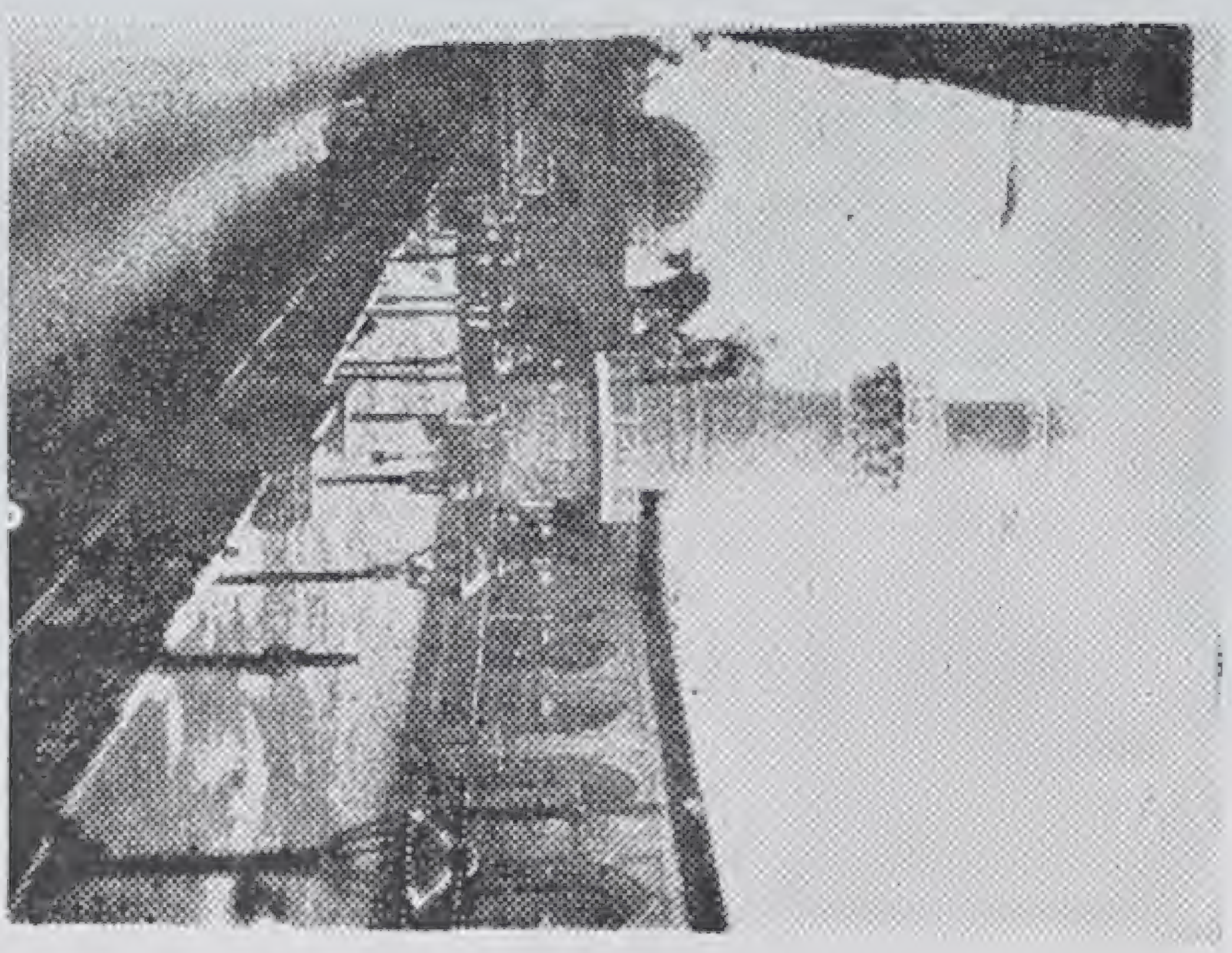
ش۳۱۲ نقشه‌عالم از رساله ابن حوقل (۲۹۷۵) ازروی نقشه‌اصلی کوپیه‌شده



۳۱۳ نجف قبه و بارگاه شاه ولایت حضرت امیرالمؤمنین در نجف اشرف



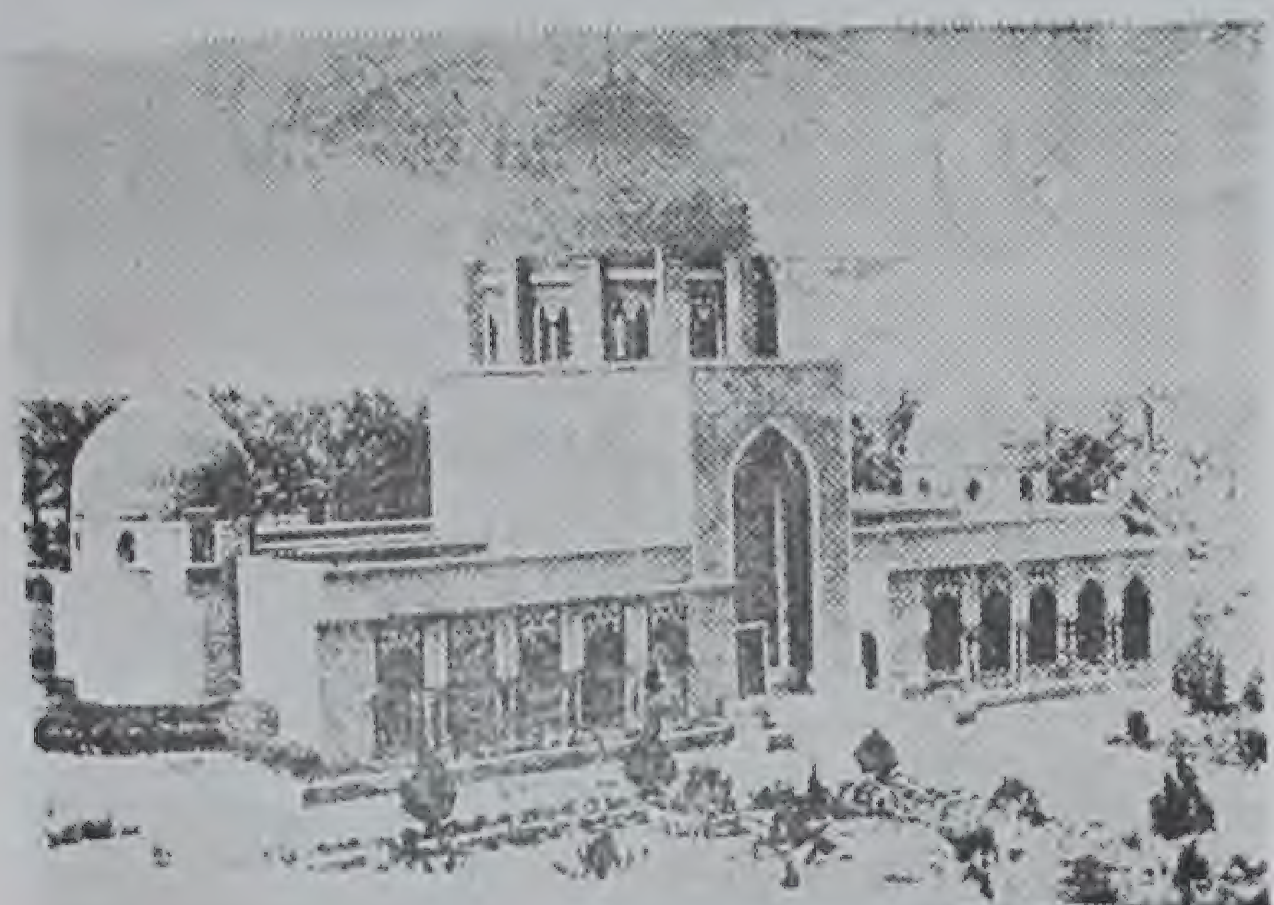
ش ٣٢٤



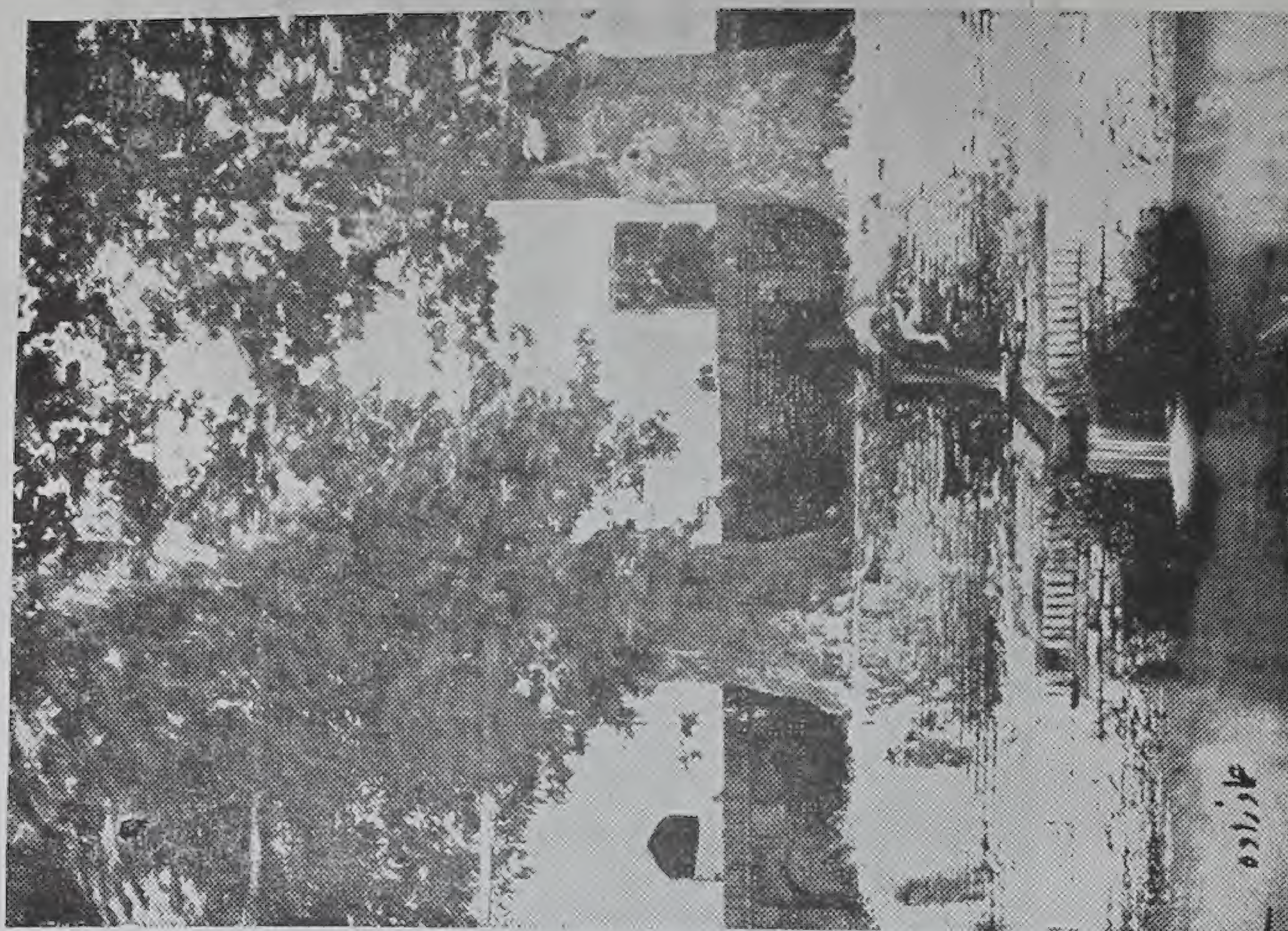
ش ٣٢٥



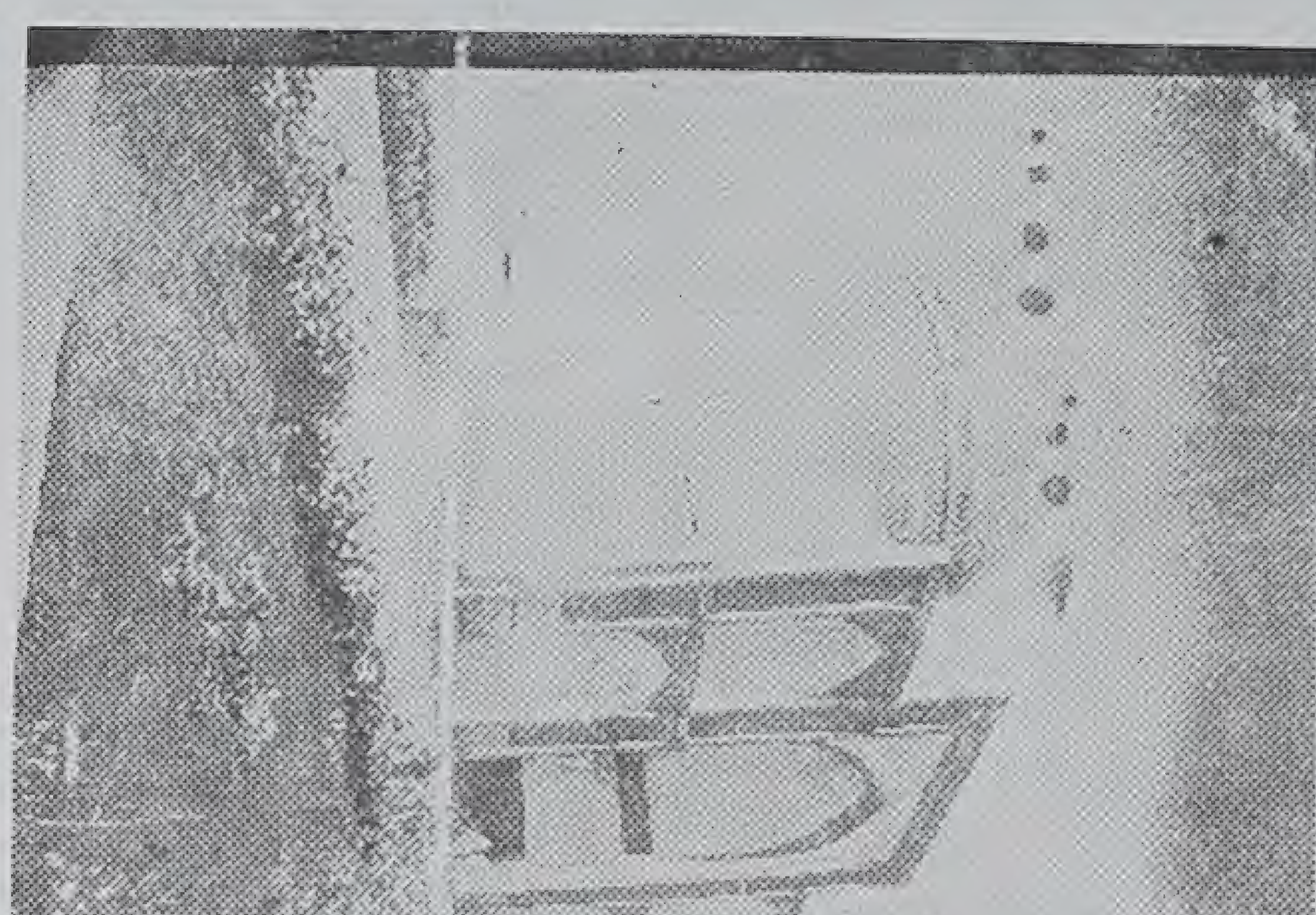
ش ۳۱٤ ملك حسین پادشاه اردن درمسافرت خود بجمهوری چین ملی از گنبد ومسجد مسلمانان در تایپه که در دست ساختمان است



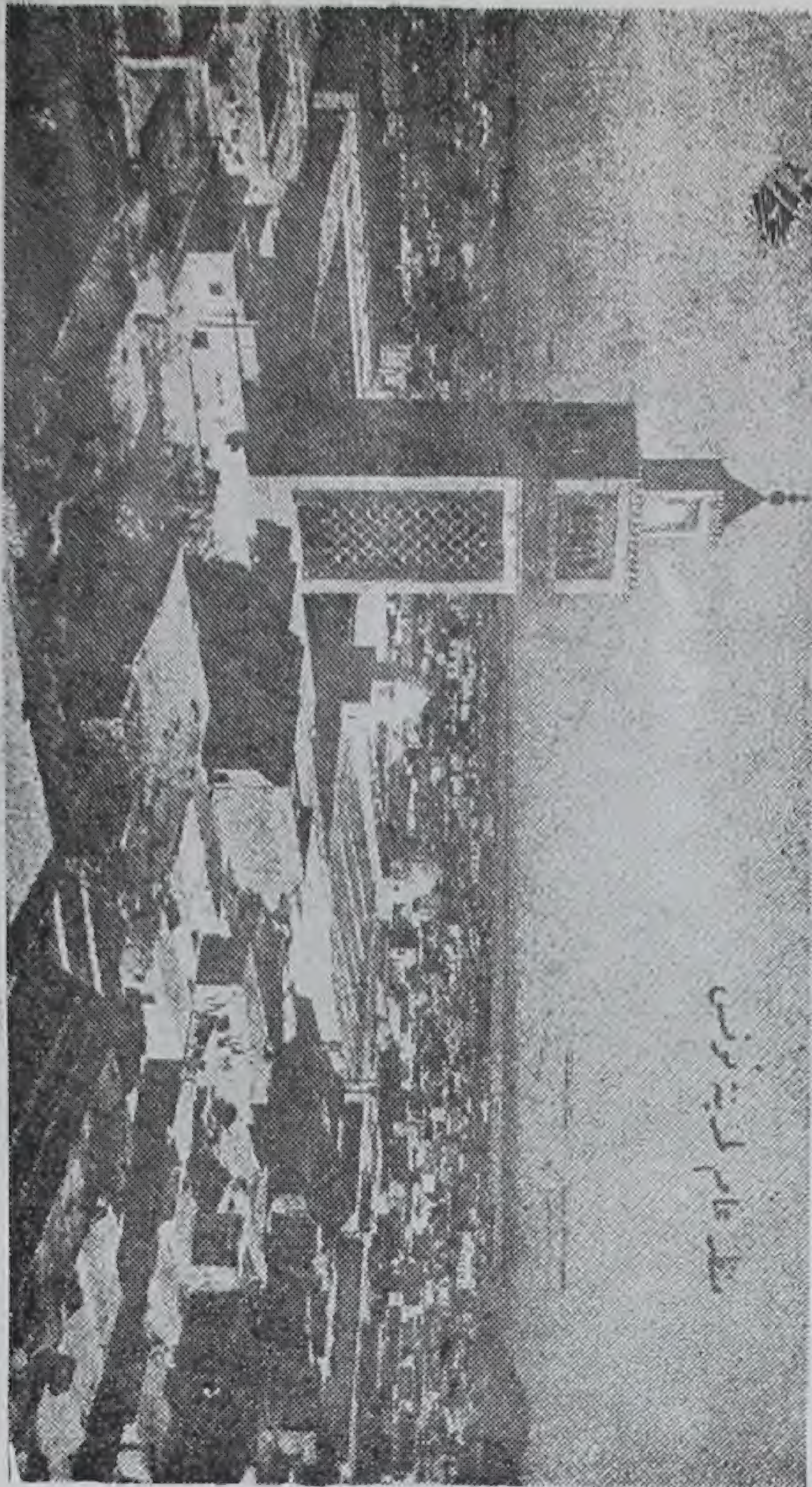
ش ۳۱٥ حر کربلا



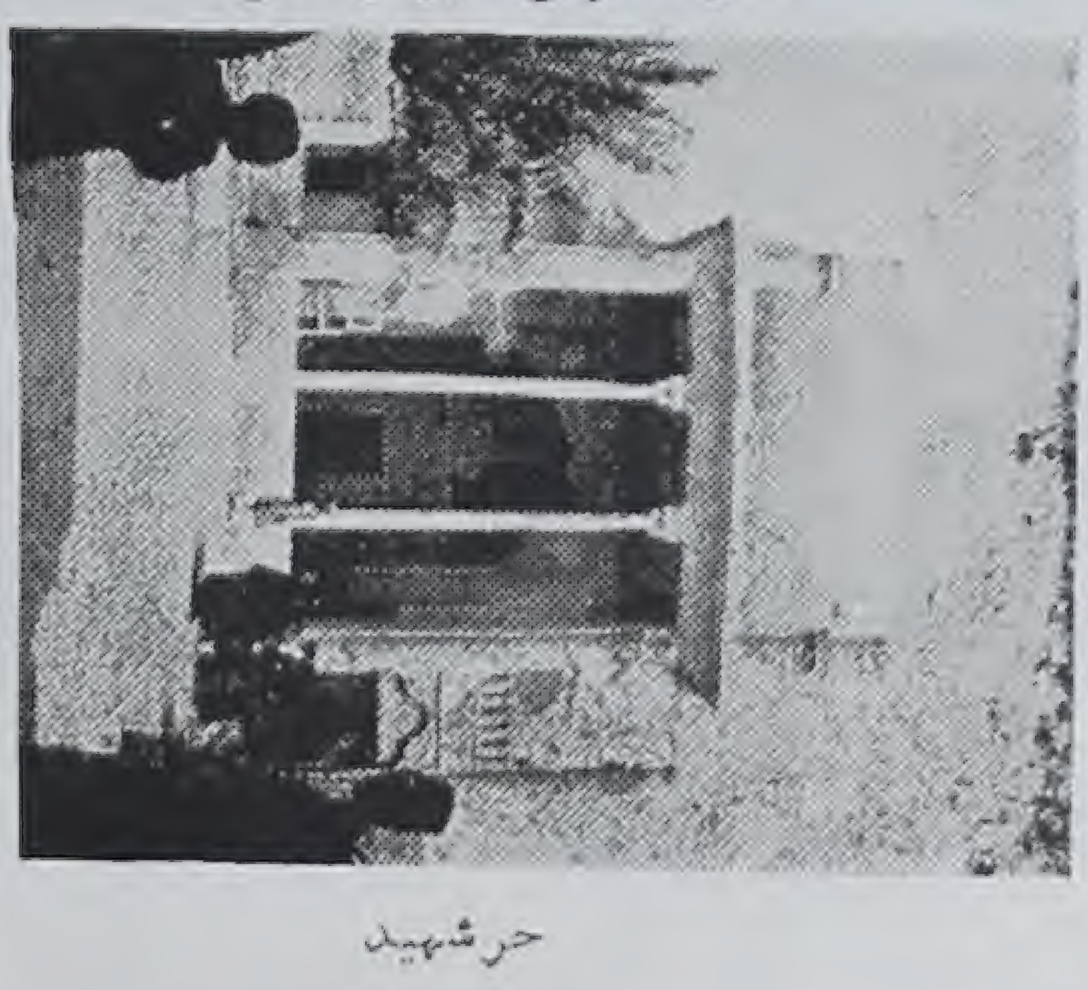
ش۳۲۸



ش۳۲۹



ش ۳۱۰ منظره عمومی شهرمراکش



ش ۳۱۱ حر شهید

بدیهی‌است چنانچه عقاید شیعه را آنطور که هست بمردم میگفتند آنوقت همه میدیدند که عقاید شیعه دراصول جزعقایدعموم اسلامیان نیست‌ودرقسمتهای ما به‌الافتراق هم چیزی ازخودابداع نکرده‌اند وجز پیروی ازدودمان نبوت وخاندان‌وحی وتنزیل که اینهم همان عقیدئی است که بعضی از خواص صحابه رسول‌اکرم صلی‌الله علیه‌واله وسلم بدان معتقد بوده‌اند معتقداتی ندارند و هر گونه تصوری هم دراین عقیده شودتازه چون مربوط باصول وایمان‌بمعنای اعم‌نبود بجائی‌ضررنمیرساند واما دراحکام فرعیه هم اختلافات ماباهل سنت‌اختلافات فتوائی‌است که نظیرآنرا دربین خود مذاهب‌اربعه اهل سنت‌بسیارمی‌بینیم،

ازهمه اینهاگذشته درتمسك بدین و احترام کتاب‌الله دارای خصائصی هستند و بارها هم نشان داده‌اند که محترمترین چیزها نزدآنها دین ومقدسات دینی‌است .

بیانیه‌جماعت التقریب بین المذاهب الاسلامیه

این بیانیه که از طرف این هیئت دینی خطاب بعالم اسلامی صادر شده مشتمل بردوقسمت‌است درقسمت اول ازبساطت اسلام در صدر اول بحث کرده‌واثبات میدارد که چگونه در ابتدای اسلام‌باب تعقل یعنی اجتهاد ونظر در جلو اهل فکر ونظر بـاز بوده وچگونه هرحکمی را از کتـاب الله وادله استنباط مینموده وتاچه حدی منطق وبرهان حکومت داشته واختلاف در عقیده واستنباط ابداً موجب دشمنی ودوئیت نمیشده و تعصب را بکلی در آنها راهی نبوده است ــ وبعداً که کم کم پای تعصبـات دربین آمده و پیدایش چهار مذهب حنفی ـ مـالکی ـ حنبلی ـ شافعی دربین اهل سنت از این اصل سرچشمه گرفته که‌پیروان فقهای مخصوصی‌نسبت بافکاران فقهاء تعصب بخرج داده بطوریکه باب‌اجتهاد را بروی خود بسته وفقط وظیفه تبعیت را بگردن گرفتند وچون هرجمعی از فقیه مخصوصی از فقهاء اربعه پیروی کردند چهار مذهب دربین اهل سنت بوجود آمده وبا آنکه در زمان خود این فقهـا ویا بین شاگردان برجسته آنها این اصول تعصب واینکه هردسته فقط حق را منحصر بخود دانسته باشد ودیگران برباطل دانند جاری نبوده ، بلکه هرفقیه بافکار فقیه دیگر احترام میگذاشته معهذا نوبت بر پیروان که رسید پای تعصب درکار آمد بطوریکه پیرو هریك از این چهار نفرپیرو دیگری‌تیری جسته وحق را منحصرا در مذهب خود میدانسته ودراین تعصبات بقدری راه اسراف پیموده شد که درهمین مذاهب پیروانی بودند که پشت سردسته دیگر نمازنمی خواندند ویا وصلت باپیروان دیگری را جایز نمیدانستندودرخوردن‌ذبیحه‌فرقه دیگر احتیـاط میکردند چرا ؟

برای آنکه او پیرو مذهبی از اهل سنت است ودیگری پیرومذهبی دیگر از اهل سنت .

در اثر این اختلافات واین سد باب اجتهاد که سد باب فکروتعقل است .

فقه اسلامی از آنکه باحوائج دنیای تمدن پیش رود عقب ماند ویکصورت جمود ور کودی‌بخود گرفت ودرنتیجه کم کم مسلمین احساس کردند که برای اداره زندگی اجتماعی‌خود احتیاج بقوانین دیگری دارند ونوعاً بسراغ قوانین موضوعه بشری رفتند ونهایت برای مسلمـان حقیقی‌درد بوده که بچشم خود ببینند که در بلاد اسلامی غیراز قوانین‌اسلام قوانین موضوعه دیگران حکمفرما باشد :

ولیك بحمدالله مادر عصر خود موفق شدیم که تاحد بعیدی ازاین تعصبات رهیده وآن بدبینی ـ ها وجفاکاریها که مثلا بین پیروان مذهب حنفی باپیروان چهار مذهب دورهم جمع میشوند وفقه‌تمامی چهار مذهب درالازهر تدریس کنیم .

از طرفی جای بسی خوشوقتی است که این احساس درمسلمین پیدا شده که چرا بایدقوانین غیراسلامی برآنها حکومت کند ومن می‌بینم که هرروز صدائی ازطرفی برخاسته وندای علمای حقوق ورجال مطلع بقوانین اسلامی بگوش میرسد که چرا از احکام فقه اسلامی استفاده نمی کنیم ـ ؟

وحتی در کنگره بین المللی که در سال ۱۹۳۷ میلادی در شهر **(لاهای)** باحضور رجال حقوقی دول عالم ونماینده جامعه الازهر تشکیل یافت بقیمت این فقه و صلاحیت آن اعتراف گردید .

این توجه بفقه ازآنجا پیدا شد که ماتوانستیم تاحد زیادی تعصبات را دربین خود کنار گذاشته ودر عوض تقیدبان چهار مذهب وافکار آنها نظر بادله را باحریت بحث شعار خود قرار داده ونشان دادیم که فقه اسلام متناسب بازندگانی است بهر مقدار که از جمود خارج شدیم بیشتر مسلمین بموقعیت قوانین توجه کنند

واین اختلافات در بعضی مواقع هم بشدت خود می‌افزوده در اثر سیاستهای گوناگون که در آن دست داشته ویا فرهنگهای مختلفی که در آن تأثیر میکرده در می‌آمده است :

همین‌طور دائره آن اختلاف بزرگتر میشده تامسلمین را بصورت فرقه فرقه وطائفه طائفه در آورده بطوریکه می‌بینیم‌یك امت بفرقه های مختلف تقسیم شده که هریك ازدیگری دوروهر یك بجانبی مخالف وبدیگری طوری نگاه میکنند که گویا پیروان دودین هستند نه همکاری نه ازدواج ونه تبادل فکری این‌طوائف ازهم دورند وفرضاً دریك شهر یایك مملکت هم بایکدیگرجمع شوند بایستی‌همیشه باهم در تصادم بوده وچه بسیار خون هائی که دراین‌قبیل معارك ریخته شده وچه خانه هائی که‌خراب وچه عداوتهای بنیان کنی که دربین خانواده ها وطوائف ازآنجا سرچشمه گرفته وچه حوادث‌ناگواری را بوجود آورده اند که قسمتی از آنها را بچشم خود دیدیم وگاه بگاه هم نظائری از آنها را هنوز می‌شنویم .

دستهای استعمار آتش این اختلافات را دامن زده تاکار بجائی رسید که هرطایفهٔ طایفهٔ دیگررا زمانی بکفر وگاهی بفسق ودر بعضی موارد بزندقه وخروج از دین و این گونه اتهامات که نتیجهٔ جز ایجاد کینه وبغض نداشت نسبت میداده وبدینصورت میدانی را برای سیاست دیگران بر خود خالی میکرده اند .

اگر چنانچه فواصل از بین برده شد ونزدیکی ایجاد شد باز مجدداً صورت یك‌است واحدة وقویم را بخود خواهند گرفت که دینشان اسلام وکتابشان قرآن وپیغمبرشان محمد ص وعقایدشان بطور عموم ایمان بخدا وملائکه‌و کتب آسمانی‌و پیامبران‌است‌وروز جزا که هر کس میتواند روی جهل از مواردیکه ماجرا جویان استفاده میکنند در این همینکه دیده اند بساط تکفیر وفحش‌وقیل‌قال گسترده‌شده‌است‌اصولادست‌ازدین‌شسته ویك‌سره بسراغ علمای‌غرب‌وافکار آنها رفته‌وغذای‌روحی‌وفکری خود را از علوم اجنبی‌ومنابع بیگانه گرفته‌اند وشایدچنین‌فکرمیکنند که‌بسرچشمه‌اصلی‌علوم‌وحقایق رسیده‌اند و چیزی‌بهتروعالیتر ازدین یافته‌اند همانطور که نظر این افکار را نسبت بفقه اسلام درادوار اخیر دیدیم ونتیجه آن شد که نوعاً بسراغ قوانین اروپائی رفته بدون آنکه وارد این میدان شوند تا

---

۱ ـ علامهٔ استاد آقای شیخ محمود شلتوت که ازاعضاء موسس‌جماعة التقریب میباشد درآنموقع نماینده جامعه الازهر درکنگره وارد بود

حقيقت وميزان ارزش این سرمایه هنگفت ومفید را در یابند ودر اثر این اندیشه که این فقه بارقاء عصری سازش ندارد مفیدترین ثروت دینی و اجتماعی را متروك داشتند .

اینها بود قسمتی از مضار این تفرق که متأسفانه امروز مسلمانان بدان مبتلا ودر نتیجه آن ضعیف شدند وطبع دشمنان را بجانب خود جلب کردند بلکه دشمنان را برخود مسلط داشته خود را ذلیل ومحکوم آنهـا قرار داده وعزت‌وعظمت‌را برای‌آنان‌خواستند درصورتیکه‌عزت‌فقط‌برای خدا و رسول مؤمنین است . **فان العزة لله و للرسول و للمؤمنين** پس‌همهٔ آنها نتاج تشتت است

آن قرانی که توانست نجات دهنده آن گروهی از مردم باشد که باقبول اسلام از ظلمات‌جهل بنور ایمان داخل شوند .

آن قرانی که توانست آن اختلافات را از بین آنها بردارد وائتلاف را بدانها بخشد .

آن قرانی که توانست مردمی را که دراثر آن تعصبات جاهلیت درمعرض سقوط ونیستی‌بودند راهنمائی‌نموده قائم‌مقام سیادت‌وبفرمانفرمائی عالم برساند .

همان قرانی که هنوز این‌صلاحیت را دارد که بار دیگر این امت را نجات داده وازاین‌صورت اختلاف و تشاجر واز این گودال بدبختی رهائی بخشد .

آری حق نخواهدمرد و عظمت اسلام بدوی باز خواهد گشت .

این‌وعده ایست که رسول‌اکرم فرموده وخبرداده‌است که خداوند هرچند یکبارمجددی‌خواهد فرستاد که عظمت این دین را تجدید وراه راست را بدو باز نماید .

باشد که باأشعه طلوع این صبح امید را برعالم اسلامی مشاهده کنیم وشاید اشخاص از غفلت بخود باز گشته واز خواب بیدار شوند ومآن تجدید موعود را انتظار داریم .

ماامیدواریم که این خورشید عظمت پس ازاین مدت مدید که مسلمین ازآن محروم بوده‌اند در مصر عالم اسلام طالع گردد

بااین عقیدت وامید این هیئت را که بنـام «جماعة التقريب بين‌المذاهب الاسلامية» خوانده میشود بعالم اسلام که سالیان درازی را در زیربار تفرقه وتشتت بسر برده معرفی ومسلمین را بشارت میدهم که دوره جدیدی را درجلو داریم که‌امیدواریم دراین‌دوره ابرهای تیره اختلاف کم کم ازآسمان اسلامی رخت بربسته واقداماتی که در این راه بعمل آید باسرعت وموفقیت توام باشد «انشاء الله» این هیئت در مصر مرکز عالم اسلام که محل تلاقی افکار مسلمین وجنبشهای اسلامی است وجایگاه جامعهٔ الازهر جامعه ای که قلوب مسلمین از شرق وغرب بجانب آن متوجه وبطرف آن میشتابند ـ میباشد : برقرار گردیده که بعداً شعباتی در بلاد مختلفه اسلامی داشته باشد که باهمین خدمت که ایجاد هم‌آهنگی بین مسلمین باشد شروع بکار کنند

نقل از نشریه جماعة التقريب مورخه ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳٦٦ چاپ قاهره

ترجمه اجمالی

الی اخواننا المسلمین

مقالهٔ آیةالله محمدصالح مازندرانی مقیم سمنان

شمارەهای مجلدرسالة الاسلام نشریه صادره دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه را مطالعه کردم وحق این است که بگوئیم یك مجموعه علم وادب است و فلتقی لؤلؤ مرجان است که بزبان عربی شیرین وجذاب منتشرمیگردد.

درشماره اول سال سوم بیان فاضل علامه شیخ الاسلام شیخ عبدالمجید رادر راه تقریب مذاهب اسلامی خواندم که تألیف علوم وفرهنك وتقویت ایمان درمیان مسلمین یك مابه الاجتماع نیرومندیست که چون سدآهنین استوار وامیدواریم که همه هفتادودوفرقه دیگراین دستوررا بشنوند وباجرا گذارند چه خداوند بملت اسلام ازانواع نعم بزرك خود که علم وفضیلت باشد دریغ نفرموده وشرح صدری با روح ایمان بنام تاج کرامت بسر این ملت بخشیده است وبمتعاقب آن دستور **فاصدع بما تؤمر** واعرض عن المشرکین واستقم کما امرت و ایقیظ الغافلین داده وپیغمبرا کرم پاس وپاداش رسالت خود را ازملت اسلام احترام ومودت ذی القربی خواسته وشکی نیست که ذوی القربی اهل بیت عترت طاهرین اومیباشند وشیعیان ودوستان مستقیم آنها باین دستورعمل میکردند.

تقریب باید این لغت معنوی ودستورآسمانی را وجهه همت قرارداده ودرتمام اقطار عالم اسلامی دستوردهد که همه مسلمین نسبت باهل بیت عترت وطهارت ابرازمودت نموده تاشکرانه هدایت وارشاد پیغبر ص خودرا کرده باشد. واین بهترین مذکریست که میتوان مطمع نظرهمه مسلمین قرار داد و پیغمبر وخاندان اورا راضی نمود.

اماسواءالکلمة

آنچه بین مسلمین بمواسات ومساوات مابه الاجتماع همه میباشد ایمان بخدا وملائکه و کتب ورسل آسمانی است که بوجود مقدس سید الرسل وخاتم الانبیا تاروز قیامت باقی وبرقرار است واین حقیقت را خود پیغمبر ص درپاسخ شیخ بنی عامر بمیان گذاشت

شیخ بنی عامر آمد حضور رسول‌الله پرسید توچه میگوئی فرمود من شهادت بریگانگی خداوند میدهم شیخ بنی عامر گفت من چند سؤال میکنم پاسخ آن را بگو تاتکلیف خود را اعلام کنم

یابن عبدالمطلب چه چیز علم را زیاد میکند یاعامر تعلم و کسب علم آموختن وپرورش دادن است یابن عبدالمطلب چه چیز برشرور می‌افزاید یاعامرا تمادی وتجاوز بحقوق دیگرانست یابن عبد ـ المطلب ایابرو نیکوئی پیش از فسق وفجور لطفی دارد ؟

یاعامر آری توبه است که گناه را پاك میکند وحسنات است که سیئات را محو می‌نماید یابن‌ـ عبدالمطلب بچه دلیل هروقت بنده برای گرفتاری بدربارالهی برود خداوند بلارا ازاودفع میکند

یاعامر بدلیل قوله تعالی وعزتی وجلالی لااجمع ابداً لعبدی آمنین ولااجمع علیه ابداً خوفین ان هو آمننی فی‌الدنیاً آمنتی یوم اجمع عبادی فی‌حظیرة القدس فیدوم‌له امنه ولاامحقه فیمن امحق یعنی هیچ بنده نمیتواند در دنیا وآخرت میان امن وخوف جمع کند اگر در دنیا از من خائف و

بیمناك باشد در امان است واگر در دنیا در امان باشد در آخرت خائف خواهد بود

یابن عبدالمطلب بچه چیز دعوت میکنی یاعامر بنده گی خدای یگانهٔ عزوجل که شریك وشبه ونظیر ندارد وتکذیب لات وعزی واقرار بآنچه خدای عالم بربندهٔ برگزیدهٔ خود نازل فرموده یعنی اقرار وایمان بقرآن ونماز پنجگانه و ادای زکوة وتطهیردل وتهذیب نفس و روزهٔ ماه رمضان ویکبار حج در تمام عمر بشرط استطاعت وغسل جنابت وایمان بمرگ ووجود بهشت وجهنم یابن عبدالمطلب فاذا فعلت ذلك فمالی وقتی این کار ها را کردیم چه میشود

یاعامر بهشتی بروی که درختان سرسبزی وآبهای جاری در زیر آن است برای همیشه در آن بهشت جاویدان خواهی بود واین جزای کسانی است که تزکیه کنند وپرهیزکار باشند

یابن عبدالمطلب آیا بااین ها که گفتی چیزی دیگری هم دردنیا است !

یاعامر سیر در بلاد که مایهٔ زندگانی دنیا است عامر مسلمان شد وتوبه از بت پرستی کرد اما طریق دیگر که میتوان مذهب را بتقریب واحد آورد بازگشت بعقائدسلف حکماء ومسلمین اول که در عقائد پاك خود صاف وبی‌الایش بود وفقط بمحکمات عمل‌میکردند ومتشابهات‌را برای خواص میگذاشتند واز آن پس صحابه وسادات وتابعین آنها نیز بهمین‌سیرة عمل میکردند ودر عقائدآنها جبرو تفویض وغیره نبوده ودروحدت ویگانگی حق بتجسم وتشبیه وترکیب ذات وصفات وغیره وجود نداشت و کلماتی که موجب‌تفرقه باشد وجود نداشت چنانچه خلفای راشدین واصحاب کرام و اهل بیت‌رسالت بدین عمل میکردندوباهل‌بیت که راسخین‌فی‌العلم بوده‌اند وازسرچشمه علوم نبوت‌سیراب شده‌اند مراجعه کرده وهرچه آنهامیگفتند بجان ودل می‌پذیرفتند .

واین راه مستقیم وحدت کلمه شیعه وسنی‌است که درتمام ممالك و اقطارعالم باجرا بگذارند تا اوهام وخرافات داخل علوم‌نگردد وحق وباطل‌ازهم مشخص شود .

اما فقه

شکی نیست که همه مسلمین دروجوب عمل بکتاب وسنت معترف و مقرند و برای عمل خودلابدند که ازسنت‌حقیقی پیروی کنند وهمه مسلمین برای‌تحکیم مبانی جهت اعمال‌خود بعلماء مراجعه مینمایند واین مراجع دودسته‌اندیکی اهل بیت‌طهارت ودیگرعلمای اصحاب وبدیهی است که اهل‌البیت بعلومی که درآن خاندان نازل‌شده بهترواقف هستند تادیگران وحق این است که همه صحابه وعلماء باهل‌بیت مراجعه نمایند وازآنها پیروی کنند واهل‌بیت مقتدای شیعه امامیه ومطاع ومنبع علوم‌آنها میباشند که بامراجعه بکتب آنها این حقیقت ثابت میشود دقت‌نظر و کثرةالتفات ومراعات همه‌جوانب یك فرعی از فروع درفقه امامیه کاملا مورد توجه‌قرارگرفته است ولطف‌قضیه این‌است که فقه امامیه اززمان رحلت پیغمبرص‌تاامروز هیچ تغییری نکرده است درحالی که فقه سایرین درهرعصری پیرو وتابع یکی از فقهابود مثلا درزمان هارون مقلد ومقتدی قاضی ابایوسف یحیی‌بن‌اکثم‌وامثال آنهابود دردولت ایوبیه مقلد شافعی‌ومالکی بود واز زهری وثوری ومعمربن راشد وابن‌صریح‌مکی‌واوزاعی شامی وغیره تبعیت‌میکردند ولی‌امامیه از سابقین اولین ومقلدین عقلی وفطری آل محمدص میباشند .

اما طریق صلح بین‌شیعه وسنی درامامت وخلافت

معلوم است که اهل سنت‌خلافت راملاك‌دانسته نه امامت مخصوص و منصوب آسمانی را ولی درعین حال اعراض از علوم اهل‌بیت ندارند .

وتشیع کامل یعنی امامیا بامامت منصوص و منصوب بعدازعلی

یازده نفر ازاولاد علی‌بن‌ابیطالب معتقدند و آنها مخالف منصب خلافت عامه نسبت بمصالح بشرط عدالت نیستند وعظمت واعجاز ائمه هم مکتوم نبوده است وبنابراین دومبحث خاص مستقل شده که طریق صلح وسلم آنها این است که تکذیب یکدیگر رانکنند ودراصطکاک وبرخورد وتماس معارض و مبارزه یکدیگر نشوندچنانچه حضرت‌امام‌رضا درخلافت مامون پیشوای علم وفضیلت بود واوهم‌حکومت داشت اجرای این راه پس‌ازوحدت علمی وعملی‌این است که کرسی تدریس فقه جعفری‌دردانشگاه ازهر تدریس شود تااینکه صفا ودقت علوم اهلبیت که منبع وحی‌اند نقل‌شده ثابت گردد.

بنابراین ای برادران اسلامی این‌سه‌راه برای تقریب باز است یکی وحدت معارف وفرهنك و دیگر احترام متبادل بین‌فریقین وسوم همکاری نزدیك درنشرعلوم ومعارف اسلام که درهرسه قسمت در احادیث واخبارروایاتی‌داریم که مسلمین موظف‌باجرای‌آن میباشند زیرا درنماز وقبله وقرآن‌وحدت نظرموجود است درفروع هم‌میتوان این وحدت‌را بوجودآورد.

بهترین راه تصالح بین سنی و شیعه - زیدیه

شیعه وسنی درردوصف متقابل پیروامامت وخلافت‌قرار گرفته‌اندو غافل ازفرق دیگری هستند که درپشت‌سر آنها میباشند - مانند زیدیه ازفرق شیعه و ائمه اربعه ازفرق تسنن وشکی نیست که امامیه پیرو اهلبیت عصمت ونص‌واعجاز منزله ازاهل‌بیت رسالت هستند که هیچکس باآنهامخالف نیست وقابل‌انکارهم نمیباشد.

خلافت خلفای راشدین هم که منزلت مقدس غیرامامت بود وریاست عامه خلق است دره ۲سال معارضی نداشته وخلیفه عادل مرضی موردتراضی مردم است واین هردو گذشته بحث درآن جزنفاق اثری‌ندارد باید برای‌آینده خود ازتعلیمات عالیه که مورداتفاق است استفاده کرد ودرباره‌احتیاجات بین امامت وخلافت هم‌آنقدر گفته و نوشته شده که دیگرجای ابهامی باقی‌نمانده و لزومی بتکرار مطالب نیست وبهترین طریق اطاعت ازروش پیغمبر وسیره ائمه معصومین میباشد.

اما مصالحه بین امامیه وزیدیه

شکی نیست که خلافت ملی مزاحم امامت نیست و تکذیب نص هم نمیتوانند بکنند زیدیه میگویند امامت باخروج شمشیراست واین امامت است که باخلافت مزاحمتی دارد ولی در اواخر همه‌جا امامت زیدیه خروج بشمشیر نداشته و لذا باید همان صلح وسلمی که بین شیعه وسنی شدبین امامیه وزیدیه برقرار گردد زیرا هردو بمقام مقدس حضرت زین‌العابدین احترام میگذارند ودیدیم که خودآنحضرت نشست و خروج نکرد ودستور بخروج هم نداد وائمه پس‌ازاوهم قیام وخروجی‌نکردند. تابمهدی امت برسد که البته اوخروج میکند ومامور بشمشیراست وبگفتار سیدمرتضی که مراجعه کنیم خواهیم دید مصلحت امت در قعود وسکوت بوده بخروج شمشیر ودلیلی برخلافت وامامت زید نبوده ونیست اگر امر بمعروف و نهی‌ازمنکر باشد که هرعالم متقی وهرمسلمان مکلف‌است بشرایط عصرامر بمعروف کند وبرفرض‌چون غصب حقی‌مسلم شد همان طور که امیرالمومنین‌ع بنابرمصالح امت سکوت نمود بایدآنهاهم سکوت کنند تاملت اسلام‌رشد عقلی وعلمی خودرا بکمال برساند واین عقیده مبنی‌بردستور وسنت وعمل پیغمبراست که در غزوات ومقتضیات سکوت میکرد تااسلام رشدنمود.

اماامروز باید معارف وعلوم وفنون اسلامی درسایه وحدت قرآن وقبله ونماز تقویت و بسط داده شود وهم فرق دراین‌اصل‌اساس مشترك‌المنافع بذل‌سعی نمایندواین آرزوی دارالتقریب‌مذاهب - الاسلامی است .

واما کتب فریقین

۱- حجاج سته صحیح‌اول محمدبن‌اسماعیل بخاری متولد ۱۹٤ متوفی ۲٥٦ آخرین کسی است که استماع حدیث کرده وشانزده سال ازششصدهزارحدیث این کتاب را پرداخته بخاری‌بنقل‌محمدبن یوسف قربری‌ازنودهزارمرد باهفتاد هزاردانشمند این روایات‌را شنید وابوعیسی ترمذی گفته احادیث صحیح بخاری بنقل شهیددرذکری وابن حجردر ۷۳۹۷ حدیث است که مکررات بسیار دارد و احادیث و نص بلاتکراران ۲٦۰۰ حدیث میباشد و متون معلقه مرفوعه آن ۱٥۰ حدیث است .

۲- صحیح مسلم مسلم‌بن‌حجاج نیشابوری متوفی ۲٦۱ احادیث بدون تکـرارآن ٤۰۰۰ و بامکررات ۷۲۷٥ حدیث بنقل کشف‌الظنون

۳-صحیح ابی داود ابی‌داود سجستانی سلیمان‌بن اشعث متولد ۲۰۲ متوفی۲۷٥ بنقل پسرش که از حفاظ بزرك بغداد بود متوفی ۳٦۱ احادیث آن ٤۰۰۸ حدیـث است و احادیث نبوی آن بنقل ابن خلکان ٦۰۰ حدیث بیشتر نیست .

۴-صحیح ترمذی محمدبن عیسی‌بن سوره ترمذی‌متوفی ۲۷۹ که شاگردبخاری بود وباقتیبة‌بن سعید وعلی‌بن‌حجر وابن‌بشار شرکت داشتند.

۵ - صحیح‌نسائی احمدنسائی متوفی ۲۳۳ ه

٦- صحیح‌ابن‌ماجه محمدبن یزید بن‌ماجه ربعی‌قزوینی متولد ۲۰۹ه متوفی۲۷۳ بنقل‌ابن‌خلکان ابن‌ماجه امام حدیث وعارف بعلوم بود که بعراق‌وبصره وکوفه وبغداد ومکه وشام ومصروری رفته وتفسیری برقرآن نوشته .

۷- صحیح دارمی صحیح دیگری درمیان‌آنهاهست بنام صحیح‌عبدالله‌دارمی سمرقندی متوفی‌قرن سوم وموطامالك که جمع‌بین‌صحاح‌سته کرده ومبارك‌بن اثیرجزری‌نیزجمع‌بین صحیحین مسلم‌وبخاری کرده ومسعودبن فراء بغوی احادیث حسن وصحیح‌را جمع کرده واستخراج نمود و سجستانی متوفی ٥۰٥ نیزاحادیث صحاح رابیرون آورده - ابی بکر مغازی متوفی ٥٤۳ معاصر فخر رازی وکتاب فتح بای در شرح صحیح بخاری‌را ابن حجرعسقلانی نوشته است .

امـا کتب امامیه

کتب صحاح‌امامیه هشت کتاب که هفت کتاب‌آن محمدین‌سبعه نوشته‌اند ۳جلدازآن‌را۳محمد ازاوایل‌و چهارجلد آنراچهارنفر ازمحمدین‌ازاواخربااین شرح.

۱ ـ کافی دراصول وفروع واخلاق‌واحوال انبیاءوائمه وسما وعالم‌وآنچه متعلق بدین است‌تالیف شیخ‌ابوجعفرمحمدبن یعقوب کلینی متوفی۳۲۹معاصر و کلاء مهدی است وسفراء اربعه درغیبت‌صغری بود این کتاب خلاصه در کتب اربعمائه» یعنی‌چهارصد کتاب‌تالیفی چهارصده‌ؤلف‌ازچهارهزارشاگردان امام جعفرصادق‌ع میباشد . وابن عقده متوفی ۳۳۳ه در کتاب خودش نام چهارهزارنفر ازشاگردان

امام ششم را نقل کرد که چهارصد نفر آنها مولف بوده‌اند و کتب از ۴۰۰ مائه از آنها مشهور ودر دسترس کلینی بوده است .

این کتاب ۱۶۱۹۹ حدیث دارد که همه صحیح است ۵۰۷۲ حدیث موثق و ۱۱۱۸ حدیث قوی و ۳۰۲ حدیث معتبر و ۹۴۸۰ حدیث صحیح قدمائی

۲ ـ کتاب من لایحضره الفقیه شیخ صدوق محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی متوفی ۳۸۱ که سیصد کتاب تالیف نموده است .

۳ و ٤ ـ تهذیب واستبصار تالیف شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی متولد ۳۸۵ متوفی ٤۳۰ که دارای تالیفات عالیه مفیدی بوده‌است .

۵ ـ کتاب وافی که بین کتب اربعه جمع کرده تالیف محمد بن مرتضی مدعو بمحسن کاشانی متوفی ۱۰۹۱

٦ ـ کتاب بحار الانوار در ۲۵ مجلد تالیف محمد باقر مجلسی متوفی ۱۱۱۱

۷ ـ کتاب وسایل محدث محمد بن حسن حر العاملی متوفی مشهد رضوی

۸ ـ کتاب مستدرکات وسایل درسه مجلد محمد حسین نوری محدث اخیر متوفی ۱۳۲۰ قمری

پایان

فهرست مندرجات جهان اسلام و اسلام در جهان

فصل دوم

فصل سوم

فصل چهارم

فصل پنجم

فهرست عکسهای کتاب جهان اسلام

بها ۲۵۰ ریال